فهرست

نسخه‌های خطی کتابخانهٔ گنج‌بخش

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

جلد دوم

تألیف

محمد حسین تسبیحی

انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

۱۳۵۳ هجری شمسی

۱۳۹۴ هجری قمری

۱۹۷۴ میلادی

فهرست

نسخه‌های خطی کتابخانهٔ گنج‌بخش

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

جلد دوم

تألیف

محمد حسین تسبیحی

از انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

۱۳۵۳ هجری شمسی

۱۳۹۴ هجری قمری

۱۹۷۴ میلادی

سخن مدیر

به نام خدای بخشایندهٔ مهربان

فکر تأسیس مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان با ارادهٔ دانش پرور و فرهنگ گستر اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر ایران و حضرت رئیس جمهور پاکستان بصورت اعلامیهٔ مشترک ۱۳ آبان ۱۳۴۸ هجری شمسی برابر ۴ نوامبر ۱۹۶۹ میلادی پدیدار گردید و تهیه و تنظیم و اجرای طرح آن به وزارت فرهنگ و هنر ایران و وزارت آموزش و تحقیقات علمی پاکستان سپرده شد. حسن نیت و حس تعاون مسئولان دو وزارتخانه طی مذاکرات به اندازه یی بود که با مشخص گردیدن حدود طرح، مقدمات اجرای برنامه نیز فراهم شد و هستهٔ مرکز به صورت ادارهٔ مرکزی در راولپندی به وجود آمد و آغاز به کار کرد و در تاریخ یکم آبان ۱۳۵۰ برابر ۲۳ اکتوبر ۱۹۷۱ موافقتنامهٔ مربوط با پیوست اساسنامه درمیان دو دولت ایران و پاکستان امضاء شد و مرکز تحقق یافت.

موافقتنامه چنین شروع می شود:

«به منظور تشدید و ادامهٔ همکاری فرهنگی و آموزشی و زبانی بین ایران و پاکستان و برای رسیدن به حد اعلای تفاهم بین دو کشور از طریق تعاون صادقانه و همبستگی دوستانه در این زمینه‌ها، دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان تصمیم گرفته اند که این موافقتنامه را برای همکاری در زمینه‌های فرهنگی و آموزشی منعقد سازند.»

و هدف تأسیس مرکز در آغاز اساسنامه این گونه آمده است :

"پاکستان افتخار دارد که دارای یک میراث فرهنگی است که در طی قرون از زبان و ادب و هنر فارسی مایه گرفته است. اینک به منظور حفظ و توسعه و نشر و ترویج این میراث فرهنگی، مؤسسه‌یی به نام مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان با اشتراک مساعی وزارت فرهنگ و هنر دولت شاهنشاهی و وزارت آموزش و تحقیقات علمی پاکستان به مدت نامحدودی در کشور پاکستان تأسیس می شود."

فعلاً کتابخانهٔ گنج بخش دارای ۴۸۲۳ نسخهٔ خطی و ۸۳۰۰ کتاب چاپی است. وظیفهٔ فهرست برداری نسخه های خطی و کتابهای چاپی این کتابخانه به عهدهٔ آقای محمد حسین تسبیحی کتابدار و همکاران است.

نخستین جلد "فهرست نسخه های خطی کتابخانهٔ گنج بخش" دو سال پیش منتشر شد. اینک جلد دوم آن که این هم نوشتهٔ آقای تسبیحی است، تقدیم می شود. این نیز معرف ۲۰۰ نسخه است که اگر شمار رساله های مجموعه ها را در نظر بگیریم، تعداد کلی از ۵۰۰ هم متجاوز خواهد شد. در این جلد کوششی به کار رفته است تا نسخه های کمیاب بیشتر گنجانیده شود.

امیدواریم که این جلد نیز روشنگر گوشه‌یی از جهان پهناور و غنی فرهنگ پاکستان باشد و وحدت و یگانگی میراث فرهنگی ایران و پاکستان را بیش از پیش آشکار گرداند.

مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

علی اکبر جعفری

راولپندی (پاکستان) ۱۵ فروردین ۱۳۵۳ هجری شمسی

به مناسبت صدمین سال تولد علامه اقبال به حساب هجری قمری

۱۲۹۴ ——— ۱۳۹۴

تقدیم

به روان تابناک فارسی گوی اندیشمند فیلسوف بزرگوار

حکیم الامت شاعر مشرق

علامه دکتر محمد اقبال

رحمة الله علیه

که به حق پیشوای فارسی گویان معاصر پاکستان است

عصر حاضر خاصهٔ اقبال گشت
واحدی کز صد هزاران برگذشت

(ملک الشعراء بهار)

فهرست

نسخه‌های خطی کتابخانهٔ گنج بخش

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

جلد دوم

تألیف

محمد حسین تسبیحی

از انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

راولپندی - پاکستان

۱۳۹٤ هجری قمری

۱۳۵۳ هجری شمسی

۱۹۷٤ میلادی

انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

شماره ۱۱

کتابخانهٔ گنج بخش - ۲

گنجینهٔ فهرست و کتابشناسی
شماره ۳

مختصات این کتاب

نام کتاب	: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ گنج بخش ، جلد دوم .
مؤلف	: محمد حسین تسبیحی .
سخن مدیر	: دکتر علی اکبر جعفری ، مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ، راولپندی ، تلفن : ۶۸۴۵۱ .
چاپ متن	: میرزا محمد صادق ، ربن پریس (چاپخانهٔ ربن) ، بل رود ، لاهور ، تلفن : ۵۲۴۵۱ .
چاپ آغاز و انجام و تصاویر	: غلام علی پبلشرز ، ۱۰ هسپتال رود ، لاهور ، تلفن : ۵۸۷۵۷
ناشر	: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ، راولپندی ، تلفن : ۶۸۴۴۹.
تعداد	: ۱۰۰۰ مجلد .
قطع	: ۲۴ × ۱۷ سانتیمتر .
کاغذ	: ۷۰ گرمی سفید ، ساخت پیکیجز لیمیتد ، لاهور (پاکستان) .
ماشین نویس	: عبدالرشید بن عبداللطیف کارمند مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
خوشنویس	: مولانا سید انور حسین نفیس رقم ، لاهور
مدت چاپ	: ۱۸ ماه (از تیر ماه ۱۳۵۲ تا آذر ماه ۱۳۵۳ خورشیدی) .
صحافی و تجلید	: غلام علی پبلشرز ، ۱۰ هسپتال رود ، لاهور ، تلفن : ۵۸۷۵۷
تاریخ چاپ و نشر	: ۱۳۵۳ هجری خورشیدی (۱۳۹۴ هجری قمری ، ۱۹۷۴ میلادی) .
محل انتشار	: کتابخانهٔ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ، راولپندی ، تلفن : ۶۸۴۴۹ .
بها	: ۶۵ روپیهٔ پاکستان .

به نام خدای بخشایندهٔ بخشایشگر

مقدمهٔ مؤلف :

سپاس بی‌کران و درود بی‌پایان مر خدای بزرگ و یگانه را که به این حقیر توانایی و تندرستی بخشید و موفقیت و پیروزی را رفیق راهم گردانید تا بتوانم دومین مجلد فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان را تألیف کنم و بدین صورت و سیرت به دانشمندان و بزرگان فرهنگ و هنر و جویندگان نسخه‌های خطی و خواستاران دین و دانش تقدیم دارم.

۶۷۰۰ نسخهٔ خطی :

در این مجلد ۳۰۰ نسخهٔ خطی (از شمارهٔ ۳۰۱ تا ۶۰۰) به ترتیب شمارهٔ کتابخانه‌یی و بر اساس حروف تهجی یا الفبایی نام تألیف شناسانده ام و جمعاً با شمارش جُنگها و مجموعه‌ها به ۳۹۷ نسخه بالغ می گردد. کتابخانهٔ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان هم اکنون که این دیباچه را می نگارم ۶۷۰۰ نسخهٔ خطی دارد و از این تعداد ۴۲۸ نسخه در مجلد اول و ۳۹۷ نسخه در مجلد دوم (مجلد حاضر) و در حدود ۵۲۰ نسخه در مجلد (تحت طبع) و جمعاً ۱۳۴۵ نسخه فهرست شده است. روش فهرست نگاری را در مقدمهٔ مجلد اول آورده‌ام. نوادر نسخه‌های خطی در این مجلد بیشتر و ارزنده تر است.

فهارس هشتگانه :

در این مجلد نیز فهارس هشتگانه ترتیب داده‌ام تا این مجلد نیز مستقل باشد و استفاده بردن از آن آسان گردد، بدین ترتیب :

۱- فهرست موضوعی مندرجات نسخه‌های خطی منقول در این کتاب.

۲- فهرست نامهای اشخاص، مؤلفان، مترجمان، شارحان، شاعران، مورخان، مفسران، نسبت ها، کنیت ها، لقب ها.

۳- فهرست نامهای کاتبان یا خطاطان و نقاشان.

۴- فهرست نامهای جلد سازان.

۵- فهرست کلمات و نامهایی که از روی نشان مهرها خوانده شده است.

۶- فهرست مصراع های اول اشعار پراکنده در نسخه‌ها که در حواشی و اوایل و اواخر هر نسخه به طور پراکنده کتابت شده است. این اشعار شامل متن نسخه‌ها نمی گردد.

۷- فهرست نام های کتاب ها، نسخه‌ها، رساله‌ها، مجموعه‌ها.

۸- فهرست نام های جای ها.

نمونه‌ها و تصاویر :

کوشش کرده‌ام تا نمونه‌هایی از بعضی نسخه‌های خطی تحت عنوان «**نمونه‌ها و تصاویر**» پس از فهارس به دست دهم. این فهارس و نمونه‌ها به مطالعه کنندگان و جویندگان در یافتن کلیهٔ مطالب و مندرجات نسخه‌های خطی کمکی بزرگ می کند.

۳۹۷ نسخه در این مجلد :

جمع کل نسخه‌هایی که در این مجلد شناسانده‌ام از روی شمارش و نشان کتابخانهی ۳۰۰ نسخه است اما از لحاظ نام آنها که در جُنگ‌ها و مجموعه ها آمده تحقیقاً ۳۹۷ نسخه است زیرا در ۲۱ «مجموعه» معرفی شده و در کناره‌های صفحات دیگر نسخه‌ها و جُنگ‌ها ۹۷ رساله و کتاب آمده که هر یک را جدا گانه شناسانده‌ام. ۱۵ نسخه «**ناشناخته**» مانده است، باوجود اینها کوشیده‌ام که آنها را با مقایسات و جست و جوها و نشانی‌های دیگر تا آنجایی که مقدور بوده است بشناسانم و همهٔ موارد ۹ گانهٔ فهرست نگاری و نسخه شناسی را در این کتاب در مورد آنها اعمال دارم. این ناشناختگی اکثر از لحاظ نام «**تألیف**» است.

زبان نسخه ها :

نسخه هایی را که در این مجلد شناسانده‌ام به ۸ زبان تألیف (تصنیف) گشته اند ، اما بعضی نسخ از آمیختن ۲ تا ۳ زبان از این پنج زبان، واحد دیگری را تشکیل داده و روی هم رفته ۱۳ نوع زبان به وجود آمده است ، بدین شرح :

۱- زبان فارسی	۲۹۱	نسخه
۲- زبان عربی	۵۰	»
۳- زبان ترکی	۶	»
٤- زبان پنجابی	۳	»
۵- زبان پشتو	۳	»
٦- زبان فارسی و عربی	۳٦	»
۷- زبان فارسی و پنجابی	۲	»
۸- زبان فارسی و اردو	۱	»
۹- زبان فارسی و عربی و اردو	۱	»
۱۰- زبان فارسی و پشتو و عربی	۱	»
۱۱- زبان فارسی و ترکی	۱	»
۱۲- زبان فارسی و عربی و اردو و پنجابی و هندی	۱	نسخه
۱۳- زبان فارسی و عربی و کشمیری	۱	»

موضاعات کلی (۱۳ موضوع) :

موضوعات کلی که این نسخه ها (یعنی ۳۹۷ نسخه) بر اساس آنها تألیف یا تصنیف گشته اند ، روی هم رفته ۱۳ موضوع هستند ، اما موضوعات جزئی آنها شامل تقریباً ۵۰۰۰ موضوع می شوند که در فهرست موضوعی مندرجات نسخه های خطی منقول در این کتاب که در پایان این مجلد ضمن فهارس هشتگانه آمده است ، همهٔ آنهارا گرد آورده‌ام. ضمناً شمارهٔ موضوعی هر نسخه بر بنیاد روش کتاب شناس و فهرست نگار نامی آمریکا ملویل دیوئی قرار دارد.

نشانی و شمارهٔ نسخه ها :

اعداد کسری موضوعی و کتابخانهیی در سمت چپ نام هر نسخه آمده است. **صورت** این اعداد کسری ، شمارهٔ موضوعی و مخرج آنها شمارهٔ کتابخانهیی است. مثلاً : (آداب الاصحاب $\frac{۳۰۰}{۵۲٤}$). شمارهٔ ۳۰۰ نمایندهٔ موضوع نسخه و شمارهٔ ۵۲٤ نمایندهٔ ترتیب کتابخانه است. طالبان و استفاده کنندگان هر نسخه باید نام نسخه و شمارهٔ کسری (صورت و مخرج) سمت چپ آنرا یادداشت کنند و به کتابخانهٔ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ارسال دارند تا عکس یا فیلم آن نسخه ، مطابق مقررات تهیه گردد و برای آنان فرستاده شود.

تعداد موضوعات کلی :

فهرست موضوعات کلی و تعداد نسخه هایی را که هر موضوع در بردارد بدین شرح است :

۱- دین	۱۱۵	نسخه
۲- ادب	۱۸۵	»
۳- تاریخ	۲۹	»
٤- طب	۱۸	»
۵- مراجع	۱۵	»
٦- زبان شناسی	۱۳	»
۷- جانورشناسی	۷	»
۸- ستاره شناسی	٤	»
۹- اخلاق	۳	»
۱۰- هنر (موسیقی)	۳	»
۱۱- فلسفه	۳	»
۱۲- روانشناسی	۱	»
۱۳- جامعه شناسی	۱	»

متن نسخه ها :

کلیهٔ متن این نسخه ها ، یعنی ۳۹۷ نسخه ، که در ۱۳ موضوع کلی تألیف یا تصنیف گشته اند ، «منثور» ، «منظوم» ، «منثور و منظوم» ، «مثنوی» ، «قصاید» ، «غزلیات» ، «رباعیات» ، «مخمسات» ، «مراثی» ، و یا آمیخته یی از اینها هستند ، بدین شرح :

۱- دین = ۲۹۰

منثور	منظوم	منظوم (مراثی)	منثور و منظوم	منظوم (مثنوی)
۹۵	۷	۱	۳۲	٤

۲- ادب = ۸۹۰

منثور	منثور و منظوم	منظوم (مثنوی)	منظوم (قصاید)	منظوم (دیوان)	منظوم (متفرقه)
۳۱	۸٤	٦۲	۱	۲۹	۱۲

۳- تاریخ = ۹۵۰

منثور	منثور و منظوم	منظوم (مثنوی)
۷	۱۸	۳

٤- طب = ٦۱۰

منثور	منثور و منظوم	منظوم
۱٦	۲	۱

۵- مراجع = ۰٤۰

منثور	منثور و منظوم	منظوم
۷	٦	۱

٦- زبان شناسی = ٤۹۰

منثور	منثور و منظوم	منظوم
٤	۷	۲

۷- جانور شناسی = ۵۹۰

منثور	منثور و منظوم
٤	۳

۸- ستاره شناسی = ۵۲۰

منثور	منثور و منظوم	منظوم (مثنوی)
۱	۲	۱

۹- اخلاق = ۱۷۰

منثور	منثور و منظوم
۲	۱

۱۰- هنر (موسیقی) = ۷۸۰

منثور و منظوم	منظوم (مثنوی)
۱	۱

۱۱- فلسفه = ۱۱۰

منثور	منثور و منظوم
۱	۱

۱۲- روانشناسی = ۱۵۰

منثور
۱

۱۳- جامعه شناسی = ۳۰۰

منثور
۱

نسخه های مکرر :

۳۷ نسخه را از میان ۳۹۷ نسخه در این فهرست ، مکرر شناسانده ام یعنی از یک

نسخه بیشتر و از ۹ تا ۲ نسخه هستند. ۲۴ نسخهٔ زیر از ۹ تا ۳ مکرر می باشند، بدین شرح:

۱- جُنگ اشعار (مجموعهٔ اشعار)	۹	نسخه
۲- مثنوی مولوی	۷	»
۳- بوستان سعدی یا سعدی نامه	۶	»
٤- معارج النبوة فی مدارج الفتوة	٦	»
۵- دیوان حافظ	۵	»
٦- قرآن شریف	٤	»
۷- شاهنامهٔ فردوسی	۳	»
۸- منتخب اللغات شاهجهانی	۳	»
۹- اربعین حدیث	۳	»
۱۰- نفحات الانس من حضرات القدس	۳	»
۱۱- دیوان بیدل	۳	»
۱۲- اسب نامه (فرس نامه)	۳	»
۱۳- گلستان	۳	»
۱٤- اشعة اللمعات شرح فارسی مشکوة	۳	»

۱٤ نسخهٔ مکرر دیگر هر یک در دو نسخه معرفی شده اند. این نسخه ها اگرچه در این مجلد مکرر آمده اند، و لیکن در خط و کتابت و کاغذ و جلد و اندازه و تاریخ و نام کاتب و محل کتابت کاملاً با هم فرق دارند. ضمناً این مسأله را ثابت می کنند که در سرزمین پاک، ارزش و شهرت متون فارسی بر اساس کدام یک از متنهای مشهور و یا مؤلف (مصنف) آن قرار دارد.

در این آمار گذشته از «جنگ ها» که مؤلف و گرد آورندهٔ آنها معلوم نیست، خوب واضح است که مثنوی مولوی ۷ نسخه، بوستان سعدی ۶ نسخه، گلستان سعدی ۳ نسخه معارج النبوة فی مدارج الفتوة ۶ نسخه، دیوان حافظ ۵ نسخه است و بقیهٔ نسخه ها به ترتیب از ٤، ۳، ۲ و ۱ بیشتر نیستند. تعداد نسخه‌های بیشتر، از هر مؤلف (مصنف، شاعر، مترجم، شارح) دلیل بر شهرت و احترام و مقبولیت بیشتر اوست، چنان که درمیان مؤلفان این نسخه‌ها: **سعدی اول، مولوی دوم، و حافظ سوم است و قس علی هذا.**

عقیدهٔ نگارنده :

نگارنده تا آنجایی که توانایی داشته کوشیده ام که هر نسخه را بوسیلهٔ خود نسخه بشناسانم زیرا معتقد هستم که منظور و مقصود فهرست نگار و جویندهٔ هر نسخه ، شناساندن و شناختن آن نسخه به وسیلهٔ همان نسخه است. آنچه در هر نسخهٔ خطی است بهترین معرف آن نسخه است وگرنه نقل مطالب و مندرجات دیگر کتب و فهارس برای شناخت نسخه خیلی مفید نمی تواند باشد و شاید خالی از اشتباه نباشد. ذیلاً دو نکته را یاد آور می گردم:

نکتهٔ اول :

نگارنده هر چه را که از نسخه ها برای شواهد نقل کرده ام ، بدون جرح و تعدیل و توضیح و تصحیح و غث و سمین است و حتی رسم الخط آن ، اگر غلط و اشتباه هم بوده است ، تا حد ممکن حفظ شده است ، زیرا نقل این شواهد بعینه به ما می گوید که ارزش علمی ، ادبی ، لغوی ، انشایی ، املایی ، تاریخی ، و هنری نسخه تا چه پایه است و اگر فهرست نگار نتوانسته است نسخه را بشناساند خواننده و خواهندهٔ نسخه آنرا خواهد شناخت و شاید در معرفی آن هم بکوشد. بنا بر این از مطالعه کنندگان ارجمند این فهرست درخواست دارم، هنگام مطالعه و استفاده ، این نکته را در نظر بگیرند و اشتباهات و سهوالقلم های کاتب و احیاناً مؤلف را از من نشمارند.

نکتهٔ دوم :

دیگر نکته یی که باید یاد آور شوم آن است که هیچ نکوشیده ام نسخه یی را ممتاز و منحصر بفرد و بی نظیر و یگانه و بی همتا معرفی کنم بلکه آنچه را که نسخه بوده و در برداشته است معرفی کرده ام و نیز کوششی نداشته ام که بگویم این نسخه چاپ شده و یا چاپ نشده است زیرا بسا اتفاق افتاده که نسخه یی چاپ شده و لیکن نامی ترین فهرست نگاران و نسخه شناسان از آن آگاهی نداشته اند. باوجود اینها اگر در مواردی الزامی می نموده است ، یاد آور گشته ام که نسخه یی منحصر بفرد است و یا چاپ نشده است ، مثلاً می توانم بگویم که بهترین نسخه های این فهرست «شرح التعرف فی مذهب التصوف $\frac{۸۹۰}{۳۰۲}$» ، «تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم $\frac{۲۹۰}{۵۲۵}$» ، «جوامع الحکایات ولوامع الروایات $\frac{۸۹۰}{۴۰۹}$» و «جواهر العلوم همایونی $\frac{۰۴۰}{۳۰۱}$» است و نیمی از نسخه های این فهرست چاپ نشده است.

بسیار خرسند و شادمانم که کوشش من در تألیف و چاپ دومین مجلد فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان به ثمر رسیده است. امیدوارم مورد توجه محققان و دانشمندان بویژه ایران شناسان و پاکستان شناسان قرار گیرد و موجب شود که دوستی ها و تفاهمات و روابط فرهنگی و علایق علمی و عرفانی و پیوستگی‌های تاریخی و هنری دو کشور ایران و پاکستان مستحکم‌تر و پای برجای‌تر گردد. ضمناً از بزرگان علم و ادب درخواست دارم که در راهنمایی و همراهی، مرا دلیل راه گردند و در تذکارات و یاد آوری‌ها و نکته چینی ها و خرده گیری‌ها، اشتباهات و از قلم افتاده‌هایم را به وجود فضل و کرم و به برکت دانش و هنر خودشان خاطرنشان فرمایند.

محقق ارجمند و استاد دانشمند جناب آقای **دکتر علی اکبر جعفری** مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان همواره مرا راهنما و همراه و یار و مددکار بودند و برخی نکات تاریخی را یاد آور شدند و در قرائت نام ها و نشان مهرها و نکات مجهول یاریم نمودند و نیز وسایل چاپ و نشر این فهرست را از طرف ادارهٔ انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان فراهم ساختند و مطالب انگلیسی آنرا نگاشتند. در اینجا لازم می دانم از صمیم قلب از ایشان سپاسگزاری نمایم و دعای خیرم را بدرقهٔ راهشان گردانم. دیگر از آقایان: **دکتر سید پیر حسام الدین راشدی** که چند نکتهٔ تحقیقی را یاد آور گشتند و راهنمایی‌های ارزنده و سود مند فرمودند و **استاد دکتر محمد جواد مشکور** که همیشه در کلیهٔ مراحل مشوق و دلیل راهم هستند تشکر می کنم. همچنین از آقای **پرفسور احمد حسین احمد قریشی قلعه‌داری** و آقای **احمد منزوی** و آقای **علامه محمد حسین عرشی** و **آقای دکتر سیف الله وحیدنیا** که دربارهٔ نخستین مجلد نقد نوشتند و نظرات صائب ابراز داشتند و از آقای **عبدالرشید** که مسوده ها را ماشین کرد صمیمانه سپاسگزار هستم.

از خدای بزرگ مدد می جویم تا به این حقیر توانائی بیشتر و تندرستی کامل تر عطا فرماید که حق خدمت را بهتر ادا کنم و مجلدات دیگر نسخه های خطی کتابخانهٔ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان را زود تر با روشی سودمندتر و تحقیقاتی ارزنده‌تر به ارباب علم و ادب و پژوهشگران فرهنگ و هنر تقدیم دارم.

رمضان المبارک ۱۳۹۴ هجری قمری
مهر ماه ۱۳۵۳ هجری خورشیدی
سپتامبر ۱۹۷۴ میلادی
راولپندی، پاکستان

خرد ترین بندگان خدا

محمد حسین تسبیحی

۳۰۰
۵۲٤

آداب الاصحاب

[جامعه شناسی و ادب، اخلاق و عرفان، فارسی، منثور]

۱- اندازه :—بیرونی : ۲۷×۵/۱۵×۵/۲ سم. —درونی : ۱۷ س ۵/۱۹×۵/۹ سم.

۲- اوراق : ۲۰۷ ورق. ٤١٤ صفحه.

۳- کاغذ : نازک سفید رنگ کشمیری، اندکی وصالی شده، جلد مقوایی و چرمی سرخ با عطف و گوشهٔ پارچه‌ی جگری. در اطراف جلد نواری تعبیه شده که با دانه‌هایی شبیه دانه‌های تسبیح آراسته شده و نیز منگوله هایی از همین نوع برای آن ساخته اند و جلد را به شکلی بدیع در آورده اند.

٤- خط : نستعلیق خوش، خوانا، روشن، پخته، رسم‌الخط اردو، عنوان‌ها و نشان ها و سر فصلها و خط های افقی رسم شده بر بالای جملات عربی و اسمهای اعلام شنگرف و لاجوردی، سر لوح در آغاز و کنارهٔ صفحات و میان سطرها گل و بوته‌نگاری و نقاشی‌های دندان موشی در صفحهٔ اول و دوم، جدولهای ۵ خطی کنارهٔ متن لاجوردی و سیاه و زرین، جدول یک خطی کنارهٔ بیرونی صفحات لاجوردی، قرن ۱۲ ه‍ ق.

۵- کاتب : «عبدالحق»، تاریخ کتابت «۱۳۳ ه‍ ق». و لیکن این تاریخ کتابت معقول به نظر نمی آید، شاید «۱۱۳۳ ه‍ ق» بوده باشد: «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب فی ید فقیر حقیر کمتر از قطمیر امیدوار الطاف حضرت حق و پروردگار مطلق عبدالحق ۵ شنبه ۲ شهر محرّم الحرام ختم بالخیر والانجام، سنهٔ ۱۳۳».

«الٰهی عنایت ز ما وامگیر که هستی علی کل شیء قدیر

سر و کار خود با تو بگذاشتم که نعم الوکیلی و نعم النصیر
خدایا بیامرز خواننده را که گوید دعای نویسنده را»

۶- مؤلف : «**علی بن الحسین الواعظ الکاشفی المدعوبالصفی متوفی ۹۳۹ ھ ق**» ، نام تألیف «**آداب الاصحاب**» ، تاریخ تألیف معلوم نشد : در صفحهٔ ۲ و ۷ چنین آمده است : «اما بعد چنین گوید فقیر متوسل باسباب خدمت درویشان و حقیر متوجه بآداب صحبت ایشان علی بن الحسین الواعظ الکاشفی المدعو بالصفی ... که این کتاب که مسمی است ، آداب الاصحاب بر هشت باب و هر بابی بر چهار فصل اتفاق افتاد».

۷- آغاز : «رب یسر ، بسم الله الرحمن الرحیم و لا تعسّر و تمم بالخیر ، الحمد لله الذی زین من جزیل عطائه قلوب اولیائه بمحاسن الاوصاف و میامن الآداب والصلواة علی سیدنا محمدن الذی بعثه الله تیمم مکارم الاخلاق و ادبه باحسن تأدیب فی کل باب و السلام علی آله و اصحابه المتأدبین بآدابه ابالی ارتیاب اما بعد چنین گوید» (رک : ۵ - کاتب).

۸- انجام : «هر گه دلی یابی عزیزتر از دل خود روا بود که بجهت فراغت وی دل خود را مشغول گردانی و الا دست از آنکار بداری که بندگانرا خدا تعالی پسند باشد در همان وقت مرا بآن نصیحت فراغتی حاصل آمد و از آن تفرقه باز رستم و باصلاح خود باز نشسته از حقتعالی توفیق و مدد خواستم و السلام».

۹- چگونگی : موضوع این نسخه «جامعه شناسی» و آن در بارهٔ «تربیت و اخلاق و عرفان و آداب و رسوم اجتماعی» است. تقسیمات آن بر اساس «باب» و «فصل» است و جمعاً «۸ باب» و هر باب «٤ فصل» و جمعاً «۳۲ فصل» و هر فصل چند «ادب» دارد. اینک فهرست ابواب هشت گانه :

«باب اول در آداب استیذان و سلام و مصافحه و معانقه و تقبیل ایادی مشتملبر چهار فصل.

باب دویم در آداب خواب کردن و لباس پوشیدن و راه رفتن و سواری کردن مشتملبر چهار فصل.

باب سیم در آداب و شرایط اهل صحبت مشتملبر چهار فصل.

باب چهارم در آداب مصاحبت و مباشرت ازواج و استحمام مشتملبر چهار فصل.

باب پنجم در رعایت حقوق اصحاب و عیادت و تعزیه و آداب مریض و شرایط اهل مصیبت مشتملبر چهار فصل.

باب ششم در آداب اکل و شرب و ضیافت مشتملبر چهار فصل.

باب هفتم در آداب اهل سماع و فواید آن مشتملبر چهار فصل.

باب هشتم در آداب سفر و متعلقات آن مشتملبر چهار فصل.

در این نسخه از رجال متصوفه و علمای اخلاق و پیشوایان دینی نام برده شده است از آیات قرآنی و احادیث نبوی و اخبار و روایات دینی و تاریخی استفاده شده است. برای اینکه آداب و رسوم زندگی و اخلاق و راه های هم‌نشینی و مجالست را در اجتماع خوب مؤثر و مثمر گرداند، از اقوال و افعال پیران طریقت و علمای اخلاق و پیامبران آورده است و به شرح و توضیح آنها پرداخته است. نثر فارسی آن روان و ساده و مفهوم است و به «سبک عراق» می ماند گاهی از ابیات برگزیدهٔ فارسی نقل کرده است. سهوالقلم کاتب اندک دارد. در جای جای نسخه اسامی روات و مآخذ را آورده است، مثلاً «حضرت شیخ اعظم محیی الدین العربی در کتاب تدبیرات آلهی فرموده» و «امام یافعی در کتاب مرآة الجنان آورده». یک جملهٔ دعایی در آخر آمده است. نشان یک مهر در چند جا آمده است: «محمد عمر ۱۳۱۰».

و این دو بیت:

سلام علیک ای نبی مکرم — مکرم تر از آدم و نسل آدم
سلام علیک ای ز آباء علوی — بصورت مؤخر بمعنی مقدم

چاپ شدهٔ این نسخه به نظر نرسیده است.

احسن القصص یا تفسیر سورهٔ یوسف

۸۹۰ و ۲۹۰
———
۴۵۲

یا حدایق الحقایق فی کشف اسرار الدقایق

[دین و ادب، تفسیر، فارسی، منثور و منظوم]

۱- اندازه:—بیرونی: ۱۹/۵ × ۱۴ × ۳/۲ سم.—درونی: ۱۳ س (متن صفحه) ۲۶ س (کنارهٔ صفحه) ۱۷ × ۱۰ سم.

۲- **اوراق** : ۳۰۹ ورق . ۶۱۸ صفحه .

۳- **کاغذ** : نازک سفید و نخودی رنگ سمرقندی ، اوراق شده ، جلد مقوایی زرد رنگ ضربی با عطف و گوشهٔ چرمی پوسیده ، نام جلد ساز روی آن اینگونه ضرب شده است : «دارد امید شفا محمد عبد ناصر» .

٤- **خط** : نستعلیق خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشانها و خطوط رسم شده بربالای آیات قرآنی شنگرف ، قرن ۱۳ ه‍ ق .

۵- **کاتب** : **«ملا نور علی»** ، تاریخ کتابت : **«۱۲۷۵ ه‍ ق»** : «قد وقع الفراغ من مشقه مشقه فی یوم الخمیس الرابع من شهر محرم الحرام فی تاریخ سنهٔ ۱۲۷۵ بخط اضعف عباد الله العظیم ملا نور علی ابن حاجی ملا محمد رحیم اللهم اغفرله ولوالدیه و احسن الیهما و الیه فی بلدة سرپل جوز جانا عصمه الله تعالی من آفات الزمان آمین» .

٦- **مؤلف** : **«معین مسکین»** یا **«معین الدین شرف الدین حاج محمد فراهی متوفی ۹۱۰ یا ۹۱۶ ه‍ ق»** ، نام تألیف : **«حدایق الحقایق فی کشف اسرار الدقایق»** ، تاریخ تألیف معلوم نشد : «بعده همی گوید بندهٔ ضعیف مستکین بمعنی مسکین معین المسلمین . . . . که تسوید سورهٔ یوسف علیه الصلواة و السلام با حل الفاظ و معانی . . . . مرقوم رقم کلک بیان گشته . . . . و این نیز دفتری باشد از دفاتر دریا مقاطر تفسیر حدایق الحقایق فی کشف اسرار الدقایق» . (رک : تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی ، تألیف سعید نفیسی ، ص ۲٤۲) تفسیر سورهٔ یوسف را «**احسن القصص**» نیز گفته اند و در همین نسخه نیز بدان اشاره رفته است : «این سوره که مشتمل بود بر احسن القصص بخوبترین ترتیبی بفرستاد» .

۷- **آغاز** : «بسم الله الرحمن الرحیم» و به نستعین ، ربنا آتنا من لدنک رحمة و هیئ لنا من امرنا رشداً ، الحمد لله نحمده و نستعینه و نستغفره و نؤمن به و نتوکل علیه و نعوذ بالله من شرور انفسنا و من سیآت اعمالنا» .

۸- **انجام** : «ملک ریان آن روز یوسف را گفت علیه السلام انک الیوم لدنیا مکین امین ملک دیان جل ذکره مؤمن را گوید ان المتقین فی مقام امین ختم قصهٔ یوسف علیه الصلوة و السلام باین آیت فرمود و هدی و رحمه لقوم یؤمنون ختم قصهٔ مؤمن باین آیت فرماید لمثل هذا فلیعمل العاملون ،

اللهم صل علی نبی الرحمن و شفیع الامة محمد و آله و صحبه وسلم».

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه شرح و تفسیر و توضیح سورهٔ یوسف است که مؤلف یا مفسر، آن را «احسن القصص» نامیده است. و خود آنرا «دفتری از تفسیر حدایق‌الحقایق فی کشف اسرار الدقایق» که این هم تفسیری است از وی، به حساب آورده است. مفسر در مقدمه گوید مشغول تفسیر قرآن شریف بوده‌است و تا سورهٔ آل عمران رسیده، اما احباء و اصدقاء از او خواسته‌اند که سورهٔ یوسف را قبل از سورهٔ آل عمران تفسیر کند و او هم کرده و آنرا «احسن القصص» نامیده است. تقسیمات آن بر اساس آیات سورهٔ یوسف است. و بر «فصل» های متعدد و «نکته» و «لطیفه» نیز منقسم شده است. نثر فارسی آن روان و به سبک نثر عراق قرن هشتم و نهم می ماند و آمیخته با اشعار برگزیدهٔ فارسی است که گاهی یک غزل یا یک مثنوی کوتاه را نیز نقل می کند. چنان که این غزل اوحدی را تمام آورده است. به مطلع:

چیست آن شهر یار در پرده　　شهر پر شور و یار در پرده

مآخذ و مراجع خود را نام می برد، مثلاً تفسیر کشاف، تیسیر، انوار، کشف الاسرار و گاهی علامتی یا رمزی برای آنها آورده است.

در صفحهٔ اول این بیت به خط خوش جلی آمده است:

مه من هنوز طفلی به جفا مباش مایل　　که طبیعت تو عادت نکند به بیوفایی

و در صفحهٔ ۳ چنین آمده است:

«صاحبه و مالکه بالمجاز لافی الحقیقة خلیفه سید قلی الحاج اصغر من ذرة الرقیقه». و در صفحهٔ آخر بیتی فارسی به خط خوش جلی کتابت شده و «محمد عظیم» امضاء کرده است.

«ذکر گو ذکر تا ترا جان است　　پاکی دل ز ذکر رحمن است»

اخبار الاخیار فی اسرار الابرار

۸۹۰ / ۵۳۷

[ادب، عرفان و تصوف، فارسی، منثور و منظوم]

۱- اندازه: -بیرونی: ۵/۲۸×۱۷×۵ س م. - درونی: ۱۵ س ۵/۱۸×۱۰ س‌م.

۲- **اوراق :** ۳۰۸ ورق. ٦١٦ صفحه.

۳- **کاغذ :** نخودی روشن رنگ هراتی ، اندکی آب رسیده ، وصالی شده ، اندکی کرم خورده ، جلد مقوایی و چرمی پوسیده با عطف کرباسی سفید رنگ.

٤- **خط :** نستعلیق ، خوانا ، روشن ، نا پخته ، عنوانها و نشانها و سر فصلها شنگرف ، قرن ۱۲ ه ق.

۵- **کاتب :** نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

٦- **مؤلف :** **«عبدالحق بن سیف الدین الترک الدهلوی البخاری متخلص به حقی ۹۵۸ — ۱۰۵۲ ه ق»** ، نام تألیف : **« اخبار الاخیار فی اسرار الابرار »** ، تاریخ تألیف : «۹۹۹ ه ق» یا « قرن دهم » یا « مائه عاشره ». در صفحه ۲۲ و ۲۹ چنین آمده است : « اما بعد فقیر حقیر اضعف عباد الله القوی الباری عبدالحق بن سیف الدین الترک الدهلوی البخاری معروض می گرداند که ... درین صحیفه شریفه که مجموعه یی است از عجایب اخبار و آثار و غرایب حقایق و اسرار . . . منتهای مائه عاشره که تاریخ کتاب این کلمات متین است . . . به این ملاحظه این کتاب را «اخبار الاخیار فی اسرارالابرار» نام شد و در تعریف و توصیف جد و اندازه را نگاه داشته». (رک : تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی ، تألیف سعید نفیسی ، تهران ج ۱ ، ص ۳۷۰ ، ج ۲ ، ص ۸۰۵) .

۷- **آغاز :** «بسم الله الرحمن الرحیم، شکر مر حضرت واهب العطیات را تعالی و تقدس که عطای او را پایان نیست و شکر آلای او در حیز امکان نه اول نعمت ها نعمت وجوداست و سایر نعم بعد از وی مشهود و نعمت وجود دایم و دوام نعمت را دوام شکر لازم پس از عهدهٔ شکرآن کی برآید تا به شکر نعمت‌های دیگر زبان گشاید ، قطعه :

عقل در اندیشه فرو شد مگر — شکر خداوند تعالی کند
دید که هر گز نتواند که آن — لایق آن درگه والا کند
تا ابدالدهر ز شرمندگی — سر نتوانست که بالا کند

۸- **انجام :** «برخی از اختصار و تنقیح روی نمود تا اگر خواهد آن نسخهای کهنه نوشته به این نونوشته باز آرند و اگر هنوز دغدغه ستم ظریفان باقی است چاره نیست این قدر کرده شد زیاده برین مقدور نبود معذور دارند بی عیب خدا

است و عیب پوش بندگان اوست و تمت کلمهٔ ربک صدقا وعدلا لا مبتدل لکلامه و هوالسمیع العلیم وصلی الله علی محمد وآله وسلم».

۹- چگونگی : موضوع این نسخه احوال و آثار و اشعار و کلمات مشائخ و پیران و متصوفهٔ شبه قاره است از قدیم ترین زمان تا عصر مؤلف . تقسیمات آن براساس حروف الفبا است و هر حرف را یک « باب» قرار داده است و جمعاً «۲۱ باب» دارد . مقدمه بی مشروح در دانش های اسلامی و عرفانی دارد که مقصود از کتاب و تألیف و تصوف را در پاکستان و هند شرح می دهد . نثر فارسی آن روان و ساده است . هنگامی شرح احوال مشایخ را می دهد ، به مآخذ نیز اشاره می نماید. بیشتر احوال مشایخ طریقهٔ نقشبندیه را به دست می دهد و آنها را به «طبقه» منقسم کرده است . «طبقهٔ اول در ذکر خواجهٔ بزرگ معین الحق والدین سرسلسلهٔ مشایخ چشتیه ، طبقهٔ دوم در ذکر شیخ فرید الحق والدین گنج شکرو معاصران و مریدان ایشان مقرر شده و طبقهٔ سیوم از زمان شیخ نصیر الدین محمود چراغ دهلی و اهل زمان ایشان و علی هذا الترتیب الی عصرنا» . این نسخه بسیار ارزنده است و تقریباً شبیه تذکرة الاولیاء عطار نیشابوری است و خود مؤلف نیز بدین نکته اشاره کرده است . فهرست ابواب و اسامی مشایخ در ۹ صفحه در آغاز نسخه به خط تازه کتابت شده است . درگوشه وکنار صفحات یادداشت‌های دینی و عرفانی آمده است. نشان دو مهر درصفحهٔ ۱۱ و ۵۳۰ دارد که به سختی «حسن خان سید نجات» خوانده می شدند. روی هم‌رفته نسخه‌یی ارزنده و در خور تحقیق است.

۶۱۰ / ۵۸۷

اختیارات یا مفتاح الخزاین

[طب ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه :-بیرونی : ۲۵×۱۷×۳ سم. -درونی : ۲۱ س ۲۰×۱۱/۵ سم.

۲- اوراق : ۲۴۷ ورق. ۴۹۴ صفحه .

۳- کاغذ : نازک زرد تیره رنگ جهانگیری، آب‌رسیده ، اندکی کرم‌خورده ، پوسیده ، وصالی

شده ، جلد مقوایی چرمی باعطف ساییده شده و پوسیده.

۴- خط : نستعلیق خوش ، روشن ، پخته ، خوانا ، عنوانها و سر فصلها و نشانها و کلمات شواهد و الفاظ طبی شنگرف ، جدولهای سه خطی کنارهٔ صفحات شنگرف و لاجوردی ، قرن ۱۱ ه ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶- مؤلف : «**حسین الانصاری المشهور بحاجی زین العطار**». ، نام تألیف : «**اختیارات**» یا «**مفتاح الخزاین**» تاریخ تألیف در عهد شاهزاده «بدیع الجمال» . در صفحهٔ ۲ و ۳ ۴۵۶ چنین آمده است : «بندهٔ کمترین علماء سلف حسین الانصاری المشهور بحاجی زین العطار درین قسم بحسب المقدور والامکان شروعی نموده و در . . . . . زمان ملکهٔ تخت نشین سلطان نشان خواتین جهان عصمت الدنیا والدین بدیع الجمال خلدالله ایام سلطنت ها . . این کتاب را اختیارات (مفتاح الخزاین) نام نهاده شد».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، امداد حمد بیحد و اعداد سپاس بیقیاس مبدعی را که ابداع او بر هر ورق از اوراق و شجری از اشجار همت و ضوح یافته است و بر هر ثمری از اثمار و زهری از انوار ایجاز او یافته است ،

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هرورق دفتریست معرفت کردگار ».

۸- انجام : «مرهم خل . . . ست وریش خشک کند صفت آن مردار سنگ ده درم بیخته با چهل درم سرکه و چهل یست بپزند و در هاون بسایند نیک تا یکی شود و اگر خواهند دو درم دارو زرد کوفته و بیخته اضافه کنند تم (۷ بار)».

۹- چگونگی: این نسخه اگرچه از طرف مؤلف به اختیارات و مفتاح الخزاین موسوم گشته و لیکن به «اختیارات بدیعی» شهرت دارد و با همین نام چاپ شده است . موضوع آن «علم طب» است براساس فکر اطبای قدیم ، و به زبان فارسی روان و ساده نوشته شده. تقسیمات آن بر «مقالت» و «صفت» و «باب» است و ۲ مقالت و چند صفت و باب دارد. «مقالت اول در ادویهٔ مفرده و اسامی بلفظ هرطایفه و ابدال و اصلاح و منفعت و مضرت و مقالت دوم در مرکبات مستعمل» . پس از تقسیمات کلی بر اساس حروف تهجی مرتب شده و هر حرف یک باب نامیده شده : «باب الاول فی الالف ، باب

الثانی فی الباى . . .» مؤلف دربارهٔ روش نسخه نویسی نیز گفت و گو می کند. اصطلاحات طبی (پزشکی) فارسی فراوان دارد و حتی نام دواهارا در لهجهٔ شیرازی و اصفهانی بیان می دارد. مآخذ و اسامی اطبا و کتب طب را می آورد. در گوشه و کنارهٔ صفحات از یاد رفته ها و یادداشتهای طبی را افزوده‌اند. این نسخه در تملیک چند تن بوده است، از جمله: «فخرالدین بن میان صاحب» و «فقیه الدین احمد انصاری» و «غلام عبیدالله احرار سرهندی مجددی سنهٔ ۱۲۷۳».

۲۹۰
۳٦۷

اخلاق المصطفی

[دین، ادب و اخلاق، فارسی و عربی، منثور]

۱- **اندازه** :—بیرونی : ۲۷/۵×۱۷/۵×۳ س‌م. —درونی : ۱۷ س ۵/۲۰×۹/۵ س‌م.

۲- **اوراق** : ۲۳۱ ورق. ٤٦۱ صفحه.

۳- **کاغذ** : نازک زرد تیره رنگ کشمیری، کرم خورده، موش خورده، وصالی شده، اندکی آب دیده، جلد مقوایی نقش دار زرد گون با عطف پارچه یی مخطط.

٤- **خط** : نستعلیق، روشن، خوانا، رسم الخط اردو، عنوانها و نشان ها و سرفصلها و خطوط رسم شده ربالای جملات عربی شنگرف، قرن ۱۱ ه‍ ق.

۵- **کاتب** : «جعفر»، تاریخ کتابت «۱۰۸۵ ه‍ ق» : «تم کتابة نثرالکتاب المسمی بشمائل النبی (ص) ...... المسمی باخلاق المصطفی علی ید العبد المذنب الراجی الی الله التقوی العلی المتین احقرالناس جعفر بتاریخ غرهٔ شوال سنهٔ ۱۰۸۵ هجری».

٦- **مؤلف** : یا (شارح) : **«عبدالهادی ولد محمد معصوم»**، نام تألیف یا (شرح) : **«اخلاق المصطفی»** : تاریخ تألیف یا (شرح) : **«در عهد اورنگ زیب»** :
«و بعد میگوید بندهٔ خدای قیوم عبدالهادی ولد محمد معصوم غفرالله ذنوبهما که لازم است بر هر مؤمن که جماعتی از دوستان و برادران که در صنعت عربیه قصیرالباع و قلیل‌المتاع بودند این اقل عباد الله الهادی را سؤال کردند به جهد تمام و وجد تمام که شرح فارسی بر کتاب شمائل النبی بنویس

بموجب مسؤول ایشان به خاطر فاتر این خاک پای اهل بیت سیدالابرار (ص)... برای عاشقان خصال او شرحی بعبارت فارسی بر کتاب شمائل النبی مؤلف امام المحدثین الاسلام والمسلمین ابو عیسی محمد بن عیسی ابن سورة الترمذی بنویسد.... پس نوشت و تمام کرد و.... (به ساحت) .... ابوالظفر محی‌الدین محمد اورنگ زیب بهادر عالم گیر بادشاه غازی .... تحفه و هدیه گردانید».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، حمد نا محدود و شکر غیر معدود مر آفرینندهٔ آدم را که به فضل نعمت و مزید کرامت مخصوص گردانید و خلعت صورت ان الله خلق آدم علی صورته پوشانید و به سریر خلافت و امارت نشاند و افسر امامت و تاج اطاعت بر سرش نهاد و طریق نفاذ و تصرفات آن در عالم بگشاد بخشایش او درین جهان به مؤمنان و کافران بخشش وی در آن جهان به محبان و مخلصان».

۸- انجام : «جعلنا الله منهم بمنه و کرمه و اجری لنا من مدد سیدنا و حبیبنا و نبینا محمد صلی الله علیه وسلم ما تقربه اعیننا و ترکو به نفوسنا انه ولی ذلک والقادر علیه حسبنا الله نعم الوکیل ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم خاتمه تم کتابه" شرح الکتاب المسمی بشمائل النبی صلی الله علیه وسلم من مؤلفات الشیخ الامام صاحب التصانیف الفائقة و التآلیف الرائقة الذی کلت الانسبه" عن عد خصاله و صفاته و ضاق نطاق البیان عن اظهار شؤنه و حالاته الشیخ الحافظ ابی عیسی محمد بن عیسی بن سورة الترمذی صب‌الله علیه شآبیب الغفران و اسکنه فرادیس الجنان المسمی باخلاق المصطفی علی ید العبد المذنب الراجی الی الله التقوی العلی المتین احقر الناس جعفر بتاریخ غرهٔ شوال سنه ۱۰۸۵ هجری».

۹- چگونگی: موضوع این نسخه «حسن و سیرت و صورت اخلاق و عادات و گفتار و کردار و رفتار و کلام و لباس و غذا و روش حضرت محمد (ص)» است که بنا بر احادیث و آیات قرآنی شرح و تفسیر می گردد. اصل نسخهٔ «شمائل النبی» تألیف «ابو عیسی محمد بن عیسی بن سورة الترمذی» بوده که «عبدالهادی ولد محمد معصوم» آنرا به زبان فارسی شرح و تفسیر کرده است. تقسیمات آن بر اساس «باب» و «حدیث» قرار دارد و هر باب شامل

چند حدیث در موضوع معین می شود. مثلاً : «باب ماجاء فی صفة فاکهة رسول الله (ص)، باب ما جاء فی صفة بکاء رسول الله (ص)، باب کیف کان رسول الله (ص)، باب ماجا فی خلق رسول الله (ص)». در اوایل و اواخر و در کنارهٔ صفحات این نسخه بعضی یادداشت های دعایی و دینی و تعویذ و نجوم به زبان فارسی و عربی کتابت شده است. مثلاً در اواخر نسخه، ۷ صفحه تعویذ دعا نقل شده که مقداری از آن دربارهٔ ساختن روپیه است: «نقل است از حضرت بهاءالدین خواجه نقش، اگر کسی خواهد که کاغذ را رپیه (روپیه) سازد بحکم خدایتعالی باید که این کلام را دولکه زکوة دهد چون شروع کند روز یک شنبه کند چون پنج هزار بار بخواند باید که کاغذ بصورت روپیه کرده و لب ترکند و در آتش کند نسوزد به فرمان خدایتعالی بعده پنجاه هزار بار بخواند باز به صورت رپیه کرده و لب ترکند و در آتش اندازد وبالای خشت نهد به حکم خدای تعالی برخشت نقش ظاهر گردد، مانند رپیه بعده زکوة کند هر وقت که خواهد کاغذ را بریده مانند رپیه کرده در دهن خود اندازد در دل کلام بخواند دلیل کند این رپیهٔ شاه جهانی یا اورنگ زیبی شود به حکم خداوند تعالی».

۱۷۰
۵۹۱

اخلاق محسنی

[اخلاق، ادب و حکمت، فارسی، منثور و منظوم]

۱- **اندازه** :- بیرونی: ۲۸ × ۱۷/۵ × ۳ س م. — درونی: ۱۳ س ۲۰ × ۱۰/۵ س م.

۲- **اوراق** : ۱٤۰ ورق. ۲۸۰ صفحه.

۳- **کاغذ** : نازک نخودی رنگ سمرقندی، آب رسیده، جلد مقوایی و چرمی قهوه یی رنگ با عطف کرباسی زرد گون.

٤- **خط** : نستعلیق خوش، رسم الخط فارسی، خوانا، روشن، پخته، عنوانها و سر فصلها و نشانها شنگرف، جدولهای سه خطی کنارهٔ متن لاجوردی و شنگرف و جدول یک خطی کنارهٔ حاشیه لاجوردی، قرن ۱۲ و ۱۳ ه‍ ق.

۵- **کاتب** : «**سید ولایت علی**»، تاریخ کتابت «**۱۲٤۹ ه‍ ق**»: «بتاریخ پانزدهم شهر

ذیقعد سنهٔ ۱۲۴۹ هجری بروز پنجشنبه بوقت زهر (ظهر) تمام شد نسخهٔ اخلاق المحسنین (محسنی) بخط بد خط احقر العباد عبدالمذنب سید ولایتعلی».

۶- **مؤلف** : «**حسین واعظ کاشفی متوفی ۹۱۰ ه ق**» نام تألیف «**اخلاق محسنی**»، تاریخ تألیف «**۹۰۰ ه ق= اخلاق محسنی**» (رک : تفسیر حسینی ۲۹۰/۱۴۷». گنج بخش، ص ۱۲۷)

۷- **آغاز** : «یا فتاح، رب یسر ولا تعسر و تمم بالخیر، حضرت بادشاه علا الاطلاق عزت حکمته و جلت عظمته منشور دولت سلطان سید المرسلین متحتم اخلاق المحسنین محمد النبی الامی الابین صلواة الله و سلامه علیهم و آله بطغراء غراء انک تعالی خلق العظیم مرفع و مزین گردانید زیرا که حسن خلق نور یست از انوار حکمت الهی و سریست از اسرار عزت پادشاهی».

۸- **انجام** : «این رساله که مشتملبر اسرار حکمت و منطوی بر حقایق اطوار اهل دولت از نام نامی کتاب که مصادف باسم سامی و نام نامی آنحضرت است تاریخ نامش معلوم و مفهوم می شود : قطعه:

با خامه گفتم ای که ز سر ساختی قدم و ز مقدم تو یافت سخن چشم روشنی
اخلاق محسنی چوتما می نوشته شد تاریخ هم نویس ز اخلاق محسنی =۹۰۰
تم تم تم تمام شد».

۹- **چگونگی**: این نسخه در موضوع اخلاق و حکمت و سیاست مدن و تدبیر منزل است و برداشتی از کلیله و دمنهٔ بهرام شاهی و با نثر و نظم آمیخته است. تقسیات آن بر اساس «باب» است و جمعاً ۴۰ باب دارد. باب اول در عبادت و باب چهلم در تربیت خدم و حشم. در عهد سلطان حسین بایقرا نوشته شده است و به نام پسرش «شاه ابوالمحسن» به «اخلاق محسنی» موسوم گشته است. مؤلف در مقدمهٔ نسبة طولانی که در مدح «سلطان حسین و شاه ابوالمحسن» و چگونگی تألیف کتاب نوشته است همهٔ صفات حسنه و سیئه را آورده و یاد آور گشته که ملک و ملک و مردم به داشتن اخلاق حسنه استوار و پایدار است. اخلاق محسنی از جمله کتابهای درسی مدارس قدیم در پاکستان و هند بوده و هنوز هم آنرا تدریس می کنند و نسخه‌های خطی آن فراوان است و بارهاچاپ شده و به زبانهای مختلف جهان و پاکستان و هند (اردو و پنجابی و سندهی و پشتو و کشمیری و هندی)

ترجمه شده است. در اواخر این نسخه چند یادداشت طبی آمده است.

۱۷۰و۸۹۰
۴۶۸

اخلاق ناصری

[اخلاق و ادب وحکمت ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه :—بیرونی : ۲۰ × ۱۱ × ۴/۵ س‌م.—درونی : ۱۳ س ۱۴ × ۵/۵ س‌م.

۲- اوراق : ۳۲۹ ورق. ۶۲۰ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم خاکی رنگ سمرقندی ، آب رسیده ، کرم خورده ، وصالی شده ، جلد مقوای با عطف و گوشهٔ چرمی قهوه‌ی رنگ.

۴- خط : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سر فصلها و نشانی‌ها و کلمات و جملات شواهد و جدولهای دو خطی کنارهٔ متن شنگرف ، قرن ۱۲ ھ ق.

۵- کاتب : «محمد صلاح جعفری الباسطی» ، تاریخ کتابت : «۱۱۷۴ ھ ق» : «الحمدلله والمنه که از مشقت مشق این کتاب والانصاب بروز پنجشنبه صفر سال هزار و یکصد و هفتاد و چهار هجری فراغ دست داد رسمه فقیر محمدصلاح جعفری الباسطی بجهه مطالعه و خواندن فرزند رشید محمد سعید اسعده‌الله تعالی مقاسات تحریر کشید و نعم ما قیل شیئان شدیدان مشي الاقدام و وشی الاقلام و الحمدلله والصلوة علی رسوله وآله».

۶- مؤلف : «محمد بن الحسن المعروف بالنصیر» یا «محمد بن محمد بن الحسن الطوسی معروف به خواجه نصیرالدین طوسی متوفی ۶۹۲» ، نام تألیف «اخلاق ناصری» ، تاریخ تألیف : «در عهد ناصر الدین عبدالرحیم بن ابی منصور متوفی ۶۵۳ ھ ق». در صفحهٔ ۴ و ۵ و ۸ این نسخه چنین آمده است :

«اما بعد محرر این مقاله و مؤلف این رساله (محمد بن الحسن المعروف بالنصیر) گوید که تحریر این کتاب که موسوم است به اخلاق ناصری . . . به وقت مقام قهستان در خدمت حاکم آن بقعهٔ مجلس عالی ناصر الدین الرحیم بن ابی منصور. . . در اثناء ذکری که میرفت ازکتاب الطهارة که استاد فاضل و حکیم کامل ابو علی احمد بن یعقوب مسکویه خازن رازی. . . با محرر این

اوراق فرمود که این کتاب نفیس رابتبدیل کسوت الفاظ و نقل از زبان تازی بزبان پارسی تجدید ذکری باید کرد . . . چون در امضای این عزیمت مبالغتی تمام می فرمود درینمعنی شروع پیوست و بتوفیق الله تعالی باتمام رسید و چون سبب تألیف اقتراح و اشارت او بودکتاب را اخلاق ناصری نام نهاد».

۷- آغاز : «بسم‌الله الرحمن الرحیم حمد بیحد و مدح بیعد لایق حضرت عزت مالک الملکی باشد که همچنانکه در بدو فطرت اولی و هوالذی یبدؤ الخلق حقایق انواع را از مطاع ابداع بر می آورد هیولی انسانی راکه سمت عالم خلقی داشت چهل طور در مدارج استکمال از صورت بصورت و حال بحال گردانید که خمرت طینة آدم بیدی اربعین صباحا».

۸- انجام : «همیشه بر ملازمت سیرت عدل و استقامت و التزام خیرات مواظبت کن اینست وصایای افلاطون که خواستیم که ختم کتاب بر آن کنیم و بعد ازین سخن قطع کنیم و خدایتعالی همگنانرا توفیق اکتساب خیرات و اقتنای حسنات کرامت کناد و بر طلب مرضات خوراني کناد انه لطیف مجیب».

۹- چگونگی : این نسخه در موضوع حکمت عملی و حکمت مدنی و حکمت منزلی یعنی اخلاق و آیین شهرداری وکشورداری و روش زندگی است. تقسیات آن بر اساس یک «مقدمه» و «مقاله» و «قسم» و «فصل» است و جمعاً «۳ مقاله» و چند قسم و چند فصل دارد. مقالهٔ اول در تهذیب اخلاق مشتمل بر دو قسم و هفده فصل. مقالهٔ دوم در تدبیر منازل مشتمل بر ۵ فصل. مقالهٔ سوم در سیاست مدن مشتمل بر هشت فصل. نثر فارسی این نسخه محکم و منسجم و آمیخته با الفاظ وکلمات علمی و فلسفی و حکمتی و منطقی است. هر مطلبی راکه از زبان علما و فضلا و حکما نقل کرده، نام آنها را آورده است. البته اصل نسخه بر اساس کتاب طهارة الاعراق ابو علی احمد بن یعقوب مسکویه خازن رازی متوفی ۴۲۱ ه‍ ق قراردارد که نخست می خواسته است آنرا ترجمه کند و لیکن چون فقط از حکمت عملی بحث می کند ، خواجه نصیرالدین طوسی برآن حکمت مدنی و حکمت منزلی نیز آفزوده و تألیفی جداگانه به دست داده است و چون به دستور ناصر الدین عبدالرحیم بن ابی منصور تألیف شده آنرا «اخلاق ناصری» نامیده است. در آغاز و انجام و اواسط و لابلای

سطرها، یادداشت‌های لغوی و توضیحات ادبی وشرحهای علمی ومنطقی واخلاق آمده‌است و حتی نسخه بدلهای نسخه‌های دیگر و از یاد رفته‌ها و سهوالقلم‌های کاتب را به خط خوش افزوده‌اند. در صفحهٔ اول نشان دو مهر موجود است که اینگونه خوانده شدند:

«شاه قلی خان احد ۱۱۶۱» و «محمد عبدالله الیاس الماء بکا لما ۱۲۱۹». چند یادداشت و چند شعر عربی و فارسی نیز ذکر شده است بدین شرح:

بیدل : «مست باطن معنی اندیشید بی آثار لفظ
مست ظاهر لفظ دید و حرف از معنی برنخواند»

رسا : «طرفه آمد شد خاصی است میان من و دوست
او بیاد آمدنی کرد و من از خود شدنی»

ناصر علی : «ز اهل مدرسه اسرار عشق را مطلب
که نکته دان نشود کرم اگر کتاب خورد»

میرزا صائب : «پردهٔ دیده بادام مشبک شده است
دیده در خواب مگر سوزن مژگان ترا»

و این بیت بدون ذکر نام شاعر است:

«صرف شد روز و شب عمر به زلف و رخ تو
عقل حیران که چه روز این و ندانم چه شب است آن»

در صفحهٔ آخر چند تعویذ و یادداشت دعایی دارد. به خط شنگرف در صفحهٔ اول آمده است که:

«اخلاق ناصری من تصنیف حکیم محقق و فیلسوف مدقق خواجه نصر الدین طوسی».

۱۷۰و۸۹۰
۵۳۳

اخلاق ناصری

[اخلاق وادب و حکمت، فارسی، منثور]

۱- اندازه :—بیرونی : ۲۶/۵×۱۷×۳ س م. — درونی : ۱۵ س ۱۶×۹ س م.

۲- اوراق : ۲۱۴ ورق. ۴۲۸ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم سفید رنگ هراتی ، آب رسیده ، جلد مقوایی و پارچه یی ملون با عطف و گوشهٔ چرمی سرخ گون.

٤- خط : نستعلیق و تحریر ، خوانا ، روشن نا پخته ، عنوان ها و سر فصلها و نشانها شنگرف ، قرن ۱۳ ه ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» را سیاه و محو کرده‌اند ، تاریخ کتابت «۱۲۷۰ ه ق» : «تمام شد کتاب اخلاق ناصری به تاریخ بیست ویکم ماه ذالحجه سنهٔ ۱۲۷۰ هجری بروز جمعه بوقت دوپهر صورت اتمام پذیرفت فقط شد راقم ... (محو شده)....»

٦- مؤلف : «خواجه نصیر الدین طوسی» ، نام تألیف : «اخلاق ناصری» ، تاریخ تألیف در عهد ناصر الدین عبدالرحیم ابن ابی منصور. (رک : اخلاق ناصری ٤٦٨/۱۷۰ و ۸۹۰ همین کتاب).

۷- آغاز : «رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر ، حمد بیحد و مدح بیعد لایق حضرت عزت مالک الملکی باشد که همچنانکه در بدو فطرت اولی و هوالذی یبدأ الخلق که حقایق انواع را از مطالع ابداع بر می آورد و هیولی انسانی را که سمت عالم خلقی داشت چهل طور در مدارج استکمال از صورت بصورت و حال بگردانید».

۸- انجام : «و در و جوب و رعایت حرمت ایشان و بذل و معاونت در اوقات احتیاج و احتراز از آنچه مؤدی باشد به کراهیت ایشان و از دیگر فصول این کتاب که درمیان دگر معاشران با اصناف خلق گفته آمد بر مقاصد ازین باب‌اطلاع حاصل آید انشاء الله تعالی تمام شدکتاب اخلاق ناصری».

۹- چگونگی: در گوشه و کنار صفحات و آغاز و انجام و درمیان سطرهای این نسخه حواشی و یادداشت ها و توضیحات لغوی و تاریخی و ادبی و فلسفی کتابت شده است و اکثر مآخذ یادداشت ها به دست داده شده است (رک : اخلاق ناصری ، ٤٦٨/۱۷۰ و ۸۹۰همین کتاب).

۲۹۰
۵۰۷

ارشاد الاذهان الی احکام الایمان

[دین ، فقه ، عربی ، منثور]

۱- اندازه :-بیرونی : ۲٦/۵×۱۷/۵×۳/۵ س م. — درونی : ۱٤س ۱٦×۸/س م.

۲- اوراق : ۲۳۸ ورق. ٤۷٦ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم و نازک نخودی رنگ سمرقندی ، آب رسیده ، کرم خورده ، وصالی شده ، جلد مقوایی و چرمی قهوه یی رنگ ضربی منقش بدون عطف.

٤- خط : ثلث خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سرفصلها و نشان ها شنگرف ، قرن ۱۲ ﻫ ق.

٥- کاتب : «علی احمد بن محمد علی الصمدی» ، تاریخ کتابت : «۱۰۹٦ ﻫ ق» : «وقع الفراغ من تسوید هذه النسخة المسماة بارشاد الاذهان فی سادس و العشرین من شهر محرم الحرام سنة ۱۰۹٦ السادسة و التسعین و الف من الهجرة النبویة و الحمد لله وحده تم تم تم تم کتبته بنفسی لنفسی و انا الاقل المحتاج الی رحمة الله علی احمد بن محمد علی الصمدی».

٦- مؤلف : «ناصر الدین محمد بن الحسن بن یوسف المعروف بعلامه اثنی عشری المتوفی سنهٔ ۷۲٦ ﻫ ق» ، نام تألیف : «ارشاد الا ذهان الی احکام الایمان» ، تاریخ تألیف معلوم نشد. (رک : فهرست کتب عربی کتب خانهٔ ریاست رامپور ، ج-۱ ص-۱٦۳). در صفحهٔ آغاز و انجام نسخه چنین آمده است : «و صنفت هذا الکتاب الموسوم بارشادالاذهان الی احکام الایمان مستعداً من الله تعالی حسن التوفیق (رک : ٥-کاتب).

۷- آغاز : یک ورق افتادگی دارد و چنین آغاز می گردد . «مسائل الشریعة علی وجه الایجاز و الاقتصار خال عن التطویل و الاکثار فاجبت مطلوبه و صنفت هذا الکتاب الموسوم بارشاد الاذهان الی احکام الایمان مستعداً من الله تعالی حسن التوفیق و هدایة الطریق» .

۸- انجام : «فهذا خلاصة ما افدناه فی هذا الکتاب و من اراد التطویل بذکر الفروع و الادلة و ذکر الخلاف فعلیه بکتابنا المسمی بمنتهی المطلب فانه بلغ الغایة و تجاوز النهایة و من اراد المتوسط فعلیه بما افدناه فی التحریر او تذکرة الفقها او قواعد الاحکام او غیر ذلک من کتبنا و الحمد لله رب العالمین و صلوات الله و سلامه علی محمد و آله الطاهرین» . (رک : ٥-کاتب).

۹- چگونگی: موضوع این نسخه در «مسائل فقه امامیه» یا «اثنی عشریه» است. تقسیمات آن بر اساس «کتاب» و «مطلب» است ، مثلاً : کتاب الزکوة . . .

و فیه مقاصد . . . المقصد الثانی . . . فههنا مطالب «کتاب الطهارة» در آغاز و«کتاب الدیات» در انجام آمده است . هر مقصد ممکن است دارای چند «فصل» و چند «نظر» و «یک‌تتمه» و «یک خاتمه» هم باشد . این نسخه یادداشت‌های فقهی و لغوی درگوشه وکنارهٔ صفحات و درمیان سطرها دارد و مآخذ اکثر آنها ذکر شده است . بعضی از یادداشت در برگه بی جداگانه کتابت شده وبه برگ نسخه الصاق گشته است . در کنارهٔ صفحات یک طغرا به خط کاتب موجود است و اینگونه خوانده می شود : «بلغ قرأة اید الله تعالی» . در صفحهٔ آخر این یادداشت تاریخی خواندنی است : فیسنه ۱۲۸۶ در دارالسلطنه کابل از نزد ملا حفیظ پسر آحاجی ملا نصیر خریداری شده» .

۵۹۰
۴۲۹

اسپ نامه

[جانور شناسی ، دامپزشکی، فارسی، منثور]

۱- **اندازه** :- بیرونی : ۲۰ × ۱۴ × ۱/۵ س م . — درونی : ۱۴ س ۱۵ × ۸/۵ س م .

۲- **اوراق** : ۶۰ ورق. ۱۱۹ صفحه.

۳- **کاغذ** : نازک زرد و نخودی رنگ براق جهانگیری ، سائیده شده ، اندکی آب رسیده ، جلد مقوایی و چرمی قهوهٔی رنگ.

٤- **خط** : نستعلیق آمیخته با شکسته ، خوانا ، روشن، رسم الخط اردو، عنوانها و نشانها و سر فصلها شنگرف ، قرن ۱۲ ه ق.

۵- **کاتب** : «میان ابراهیم» ، تاریخ کتابت : «۱۲٤۲ ه ق» : در صفحهٔ ۱۱۹ چنین آمده است : «تمام شد نسخهٔ معالجهٔ اسبان وقت عصر روز چهار شنبه بفضل الله تعالی بیست و ششم ماه اسوج منه ۱۸ ماه ربیع الاول سنهٔ ۱۲٤۲ سنهٔ ۱۸۸٤ دستخط خام نگار خاکپای بزرگان عالی تبار میان ابراهیم ساکن موضع کانپست تاججان» . (رک : ۸—انجام) .

٦- **مؤلف** : نام مؤلف و نام تألیف و تاریخ آن صریح و واضح معلوم نشد. در آغاز نسخه آمده که : «رساله در بیان شناخت و نگهداشت اسپ و دریافت علل و امراض اسپ و دوای شفای اسپ» . در صفحهٔ آخر آمده که : «تمام شد

نسخهٔ معالجهٔ اسپان». شاید «کاتب» و «تاریخ کتابت»، مؤلف و تاریخ تألیف باشد (رک : ۵—کاتب). اما در آغاز صفحهٔ ۲، به خط تازه کتابت شده است :«اسپ نامه».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، اسپ نامه ، الحمد لله رب العالمین و العاقبة للمتقین و الصلوة و السلام علی رسوله محمد و آله اجمعین اما بعد این رساله در بیان شناخت و نگهداشت اسپ و دریافت علل و امراض اسپ و دوای شفای اسپ و آنچه بآن تعلق دارد به تحریر در آید تا مردم از آن فیض یاب و بهره مند گردند».

۸- انجام : «نوع هشتاد و یکم پس و پیش اسپ یکسان شده باشد ، اگر وقت زاییدن اسپ ماده ، پس و پیش پاریده یکسان شده باشد آرد مغز ساق بصرپیهٔ روده مرهوم اسپند یکجا گداخته یک ماه مداومت نماید به شود تمام شد نسخهٔ معالجهٔ اسپان وقت عصر روز چهار شنبه بفضل الله تعالی بیست و ششم ماه اسوج سنه ۱۸ ماه ربیع الاول سنهٔ ۱۲۴۲ سنهٔ ۱۸۸۴ دستخط خام نگار خاکپای بزرگان عالی تبار میان ابراهیم ساکن موضع کانپست تاججان برای فرمایش فضیلت و کمالات‌دستگاه و نجیبت و معرفت آگه زبدهٔ دودمان قدیم و جیدهٔ خاندان فهیم میان قطب دین ساکن موضع میانه نهل او سبحانه جل شأنه در عمر او و فرزندان و مال او برکت گرداناد بحرمت النبی و آله الامجاد».

۹- چگونگی: موضوع این نسخه «**شناخت و نگهداشت معالجه و مداوای و روش خریداری اسپ**» است تقسیمات آن بر اساس «نوع» قرار دارد و جمعاً «۸۱ نوع» است. در نوع یکم روش و طریق خریداری انواع اسپ ها را شرح می دهد و «در نوع هشتاد و یکم یکسان شدن پس و پیش اسپ هنگام زاییدن» را شرح می دهد و معالجه و مداوای آنرا گوشزد می کند و در دیگر انواع ، اقسام بیماری‌های اسپ و درمان شناسی و تجویز دارو یا «ادویه» را می آورد. نثر فارسی آن روان و مفهوم است و بعضی الفاظ وضع شده یا موضوعه دارد ، مانند: «پاریده» یعنی «پاره شده» دم کردن بمعنی «دمیدن» اما از لحاظ الفاظ و اصطلاحات اسب شناسی و اسامی انواع اسبان غنی است. آنگونه که از انجام این نسخه بر می آید به دستور شخصی به نام «میان قطب دین» نوشته شده است (رک : ۸—انجام).

۸۹۰
۴۰۳

اسکندر نامه

[ادب و داستان، فارسی، منظوم «مثنوی»]

۱- اندازه :—بیرونی : ۲۳×۱۲/۵×۳ س م. —درونی : ۱۶ س ۱۸×۷/۵س م.

۲- اوراق : ۲۱۵ ورق. ۴۲۹ صفحه.

۳- کاغذ : نازک و براق و راه راه سفید رنگ کشمیری ، اندکی آب رسیده ، اندکی وصالی شده ، جلد کاغذی با عطف پارچه‌یی و قهوه‌یی رنگ.

۴- خط : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، رسم‌الخط اردو و فارسی ، عنوانها و نشانها و سر فصلها شنگرف ، یک سر لوح معمولی در آغاز ، جدولهای مابین مصراع ها و در فواصل عنوانها سرخ و لاجوردی ، جدولهای کنارهٔ ابیات (سطرها) ۵ خطی لاجوردی و سیاه و زرد. قرن ۱۲ ه ق.

۵- کاتب : «ابوتراب» ، تاریخ کتابت محو شده است : «اختتام این کتاب بعون الملک الوهاب به دستخط میرزا ابوتراب ولد غفران پناه میرزا شهاب مرحوم جنت آرامگاه اثناعشریه در تاریخ یوم شنبه بیست و پنجم شهر رمضان. . .(محو و سیاه و سوراخ شده). . .تم تم تم تمام شد کتاب سکندر نامه بیست و هفت روز اتمام یافت».

۶- مؤلف : یا (شاعر) : «حکیم نظامی گنجوی» ، نام تألیف (مثنوی) : «اسکندر نامه» ، تاریخ تألیف: «۵۹۷ ه ق» (رک : فهرست نسخه‌های‌خطی کتابخانهٔ گنج بخش، جلد یکم ، تألیف محمد حسین تسبیحی ، ص۹—۲۰).

۷- آغاز : «بسم‌الله الرحمن الرحیم ،

خدایا جهان پادشاهی تراست — زما خدمت آید خدایی تراست
پناه بلندی و پستی تویی — همه نیستند آنچه هستی تویی
تویی آفریدی زبالا و پست — تویی آفرینندهٔ هر چه هست
تویی آفریدی زیک قطره آب — گهرهای روشن تر از آفتاب»

۸- انجام : «زر پیل دار از تو مقصود نیست — که پیل تو چون پیل محمود نیست
ببخشی تویی آنکه خواهد کسی — خزینه فراوان و خلعت بسی
گراین نامه را من بزر گفتمی — بعمری کجا گوهری سفتمی

چو من کم زبان عشق بسیار داشت همانا که عشقم برین کار داشت
ترا باد جاوید تدبیر و رای مرا داد توفیق گفتن خدای»

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه داستان جنگ و رزم و بزم اسکندر است که او را اسکندر ذوالقرنین یا اسکندر مقدونی یا یونانی یا بری می گویند و شامل اسکندر نامه و شرفنامه است. مرحوم وحید دستگردی «اسکندر نامه» و «شرف نامه» را در دو مجلد چاپ کرده است. این نسخه ۸۰۰۰ بیت دارد. و بر وزن شاهنامهٔ فردوسی «فعولن فعولن فعولن فعول یا فعل» بحر مثمن متقارب است. تقسیمات آن بر اساس موضوعاتی است که شاعر یا کاتب عنوان کرده‌اند. نسخه‌های خطی اسکندر نامه در سر زمین پاک بسیار است زیرا در مکاتب قدیم کتاب درسی بوده و جزو «درس نظامی» است. (رک : اسکندر نامه ۸۹۰/۴۰۳).

اشعة اللمعات شرح فارسی مشکوه

۲۹۰ و ۸۹۰ / ٤٤٨

[دین و ادب، عربی و فارسی، منثور]

۱- **اندازه** :—بیرونی : ۲۹/۵×۱۹/۵×۶ س م.—درونی : ۲۳ و ۲۵ و ۲۷ و ۲۹ س ۲۲×۱۳ و ۲۳×۱٤/۵ و ۲۶/۵×۱٤/۵ س‌م.

۲- **اوراق** : ۵۵۷ ورق. ۱۱۱٤ صفحه.

۳- **کاغذ** : ضخیم و نازک نخودی رنگ کشمیری و سفید رنگ سمرقندی، کرم خورده، آب رسیده، وصالی شده، جلد مقوایی سرخ گون با عطف و گوشهٔ پارچه‌یی سبز.

٤- **خط** : نستعلیق (متن فارسی) و خط ثلث (متن عربی)، خوانا، روشن، پخته، عنوانها و نشانها و سر فصلها و خطوط رسم شده بربالای جملات عربی شنگرف، یک سر لوح در آغاز «کتاب الاداب» درزمینهٔ زرین و لاجوردی با ترنج و کتیبه، جدولهای کنارهٔ صفحات ۳ خطی لاجوردی و سرخ و ۶ خطی زرین و سیاه و لاجوردی و سرخ، قرن ۱۰ ه‌ق.

۵- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶- **مؤلف** : یا (شارح) و نام تألیف (شرح) و تاریخ آن در این نسخه نیامده است و لیکن چنان می نماید که «**اشعة اللمعات ترجمه و شرح فارسی مشکوة المصابیح**» باشد. (رک : اشعة اللمعات ترجمهٔ فارسی مشکوة، ۲۹۰/۴۶۳ و ۸۹۰).

۷- **آغاز** : ناقص است و افتادگی دارد و چنین آغاز می گردد : «الفصل الثالث و عن ابن مسعود ان النبی صلی الله علیه وسلم قرأ والنجم فسجد و سجد من کان معه روایت است از عبدالله بن مسعود که آن حضرت خوانده سوره والنجم را پس سجده کرد و سجده کرد کسی که باوی بود غیر آن شیخا من قریش اخذ کفا من حصیاو تراب فرفعه الی جبهة وقال یکفینی هذا جز آنکه پیری مردی از قریش گرفت کفی از سنگ ریزه یا از خاک».

۸- **انجام** : «و شاید که اکثر امم سالفه و جمهور و مشاهیر آنها بالغ اند باین عدد مراد باتمام ختم است یعنی چنانکه پیغمبر خاتم انبیا و سید رسل شما نیز خاتم امم و اکرام واتم ایشانند ختم کتاب باین حدیث که مشعر بجیم و اتمام و تتمیم و تکمیل است از حسن مختم است و حدیث سابق که ان الله تجاوز عن امتی الخطاء والنسیان نیز مناسب است برای اعتذار از آنچه واقع شده باشد ازخطا و سهو و نسیان ختم الله لها بالحسنی و تجاوز عانا واقع من السهو والنسیان بحرمتی نبی و آخر الزمان صلی الله علیه و علی آله و اصحابه ذوی الفضل الاحسان تم».

۹- **چگونگی** : این نسخه بر دو نوع کاغذ و به خط دو کاتب کتابت شده است. در آغاز فهرست بعضی مطالب آمده و از متن افتادگی دارد و از «فصل الثالث» و «باب اوقات النهی» آغاز می شود و لیکن از آخر کامل است. در صفحهٔ ۴۱۳ (آغاز کتاب الآداب) این یاد داشت آمده است : «من عواری الملک اللطیف المجید عند احقر الخلیقه و افتر العبید محمد شاه المدعوبشیر لعلخان ابن قاضی عبدالله بن قاضی محمد میرک بن قاضی عبدالحمید غفرالله تعالی ذنوبهم و سترعیوبهم بالشراء الصحیح الشرعی فی شهر» (دنبالهٔ یادداشت در صحاف بریده شده است) : در گوشه و کنار صفحات بعضی یادداشت‌های توضیحی و کلمات و جملات از یاد رفته آمده است. رسم‌الخط آن اردو و فارسی است و سهوالقلم کاتب اندک دارد. از صفحه ۱ تا ۵۴۴ تازه تر و از صفحهٔ ۵۴۷ (کتاب الآداب) تا آخر کهنه تر و فرسوده تر و رسم‌الخط

به گونه‌یی دیگر است . نشان یک مهر داشته که مخصوصا آنرا محو و سیاه کرده‌اند .

۲۹۰ و ۸۹۰
۴۳۸

اشعة اللمعات شرح فارسی مشکوة

[دین و ادب، فارسی و عربی ، منثور]

۱- اندازه :- بیرونی : ۱۸×۳۳/۵ ۲ س م . - درونی : ۲۳ س ۱۱×۲۳/۵ س م .

۲- اوراق : ۱۸۹ ورق . ۳۷۶ صفحه .

۳- کاغذ : نازک خاکی رنگ و براق سمرقندی ، آب رسیده ، اندکی وصالی شده ، جلد مقوایی و پارچه یی و سبزگلدار .

٤- خط : نستعلیق خوش ، پخته ، خوانا ، روشن ، رسم الخط فارسی ، عنوانها و نشانی‌ها و سرفصلها و خطهای رسم‌شده بربالای جملات وکلمات عربی شنگرف ، یک لوح در آغاز و لیکن از اصل این نسخه نیست و ضمناً پوسیده ، و از رنگ و رو افتاده است . جدولهای کناره های صفحات خطی لاجوردی و زرین و سیاه ، قرن ۱۰ ه ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

٦- مؤلف : نام «مؤلف» و «تألیف و تاریخ» آن در این نسخه نیامده است ، اما از مقایسهٔ آن با «نسخهٔ اشعة اللمعات فی شرح مشکوة المصابیح» چنان معلوم شد که جلد چهارم آن نسخه است و از آغاز و انجام افتادگی دارد. (رک : اشعة اللمعات ترجمه و شرح فارسی مشکوة المصابیح ۲۹۰/۳۶۳ و ۸۹۰).

۷- آغاز : افتادگی دارد و از میانهٔ «فصل الثالث کتاب الرقاق» اینگونه آغاز می شود : «یعنی (پیری) وبیاری و فقر و شغل و موت آمدنی‌اند و رسیدنی‌اند تا نرسیده‌اند وقت را غنیمت دان رواه الترمذی عن ابیهریره عن النبی صلی الله علیه وآله وسلم ماینتظر احدکم الاغنی مطغیا انتظار نمیبرد و نمیخواهد یکی از شما مگر تو مگریرا که طاغی و عاصی گرداننده و از حد امر و نهی بیرون اندازنده است او فقیرا منسیایا انتظار نمیبرد مگر فقیریرا که فراموش گردانیده است طاعت حق را بگرفتاری گرسنگی و برهنگی بدن را».

۸- انجام : افتادگی دارد و از میانهٔ «الفصل الثانی کتاب الفتن باب بدءالخلق ذکر الانبیاء» افتادگی دارد و چنین انجام می یابد : «عن جبیر بضم جیم و فتح با ابن مطعم بضم میم و سکون طا و کسرعین رضی‌الله عنه صحابیست از اشراف قریش از اولاد عبدمناف اسلام آورد پیش از فتح بعد از عام خیبر عالم بود و بانساب و اخبار و امام عرب شاکر و ابی بکرالصدیق رضی‌الله عنه‌قال‌اتی رسول‌الله صلی الله علیه وسلم اعرابی گفت آمد آنحضرت را بادیه نشینی و قال جهدت الانفس در مشقت انداخته شد».

۹- چگونگی : این نسخه شامل جلد چهارم اشعهٔ اللمعات شرح و ترجمهٔ فارسی مشکوهٔ است. کتاب الآداب و بخشی از فصل سوم کتاب الرقاق از آغاز، و چند باب از کتاب الفتن از انجام افتاده است . موضوع این نسخه که موجود است دربارهٔ فضیلت فقر و مذمت حرص و توصیف توکل و صبر و تقبیح ریا و سمعه و داستان دجال و نزول عیسی (ع) و اخبار نفخ و صور و جنت و حوض و امثال اینها است. و کلیهٔ احادیثی را که در این باره نقل شده شامل می گردد و با لفظ «عن» که به شنگرف نوشته آمده مشخص شده‌اند . همهٔ اسامی و اعلام را با ذکر اعراب آنها توضیح و تفسیر می کند . خط این نسخه خوب است اما از نقطه گذاشتن روی بعضی از کلمات خود داری شده است ، مثلاً در بعضی جای ها «جبیره اصلاً نقطه ندارد . معلوم است که این نسخه ناقص از یک نسخه کامل و زیبا جداگشته است زیرا درکنارهٔ صفحات شمارهٔ اوراق را از ۶۷۲ تا ۸۶۱ می بینیم و کسی که این قسمت را جدا کرده یک لوح پوسیده و رنگ و رورفته با چند مطلب درهم در آغاز و یک مطلب ناقص در انجام آورده است و اینگونه نوشته است : «تمت بتوفیق الهی ابدات نفیسهٔ شرح اوراد و اقوال حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم مؤلف شیخ عبدالحق».

۸۹۰ و ۲۹۰
———
۳۶۳

اشعة اللمعات ترجمه و شرح فارسی مشکوة

[دین وادب ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه :- بیرونی : ۳۰ × ۲۱ × ۵/ ۵ س م .- درونی : ۲۱ س ۵/ ۲۰ × ۱۳ س م .

۲- اوراق : ۴۲۳ ورق . ۸۴۶ صفحه

۳- کاغذ : نازک زرد تیره رنگ سیالکوتی ، اندکی کرم خورده ، اندکی وصالی شده ، اندکی آب دیده ، جلد چرمی ضربی سرخ گون با عطف پوسیده .

۴- خط : نستعلیق ، رسم الخط اردو ، روشن ، خوانا ، عنوانها و سرفصلها و خطوط رسم شده بربالای جملات و کلمات عربی شنگرف ، در آغاز یک سرلوح ساده ، جدولهای سه خطی آبی و شنگرف ، قرن ۱۱ هـ ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

۶- مؤلف : یا (شارح) : «**عبدالحق بن سیف‌الدین‌الدهلوی**» معروف به «**شیخ عبدالحق محدث دهلوی ۹۵۸ - ۱۰۲۵ هـ ق** » است، تاریخ تألیف تقریباً میان سالهای «**۱۰۱۹-۱۰۲۵ هـ ق**» می باشد، نام تألیف «**اشعة اللمعات ترجمه وشرح فارسی مشکوة**» است : «اما بعد بنده مسکین عبدالحق بن سیف‌الدین الدهلوی . . . که کتاب مشکوة المصابیح راکه درین روزگار بسمت تداول و اشتهار موسوم است شرح کند و . . . شرح به زبان فارسی باشد (رک : فهرست نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ، ج ۱ ، تألیف محمد حسین تسبیحی ، ص ۲۱) .

۷- آغاز : «رب یسر، بسم الله الرحمن الرحیم ، تمم بالخیر ، الحمدلله اکمل الحمد علی کل حال و فی کل حین والصلوة والسلام الاتمان الاکملان علی سید المرسلین امام المتقین محمد وآله و اصحابه و اتباعه اجمعین هداه طریق الحق و محی علوم الدین اما بعد بنده مسکین عبدالحق بن سیف‌الدین الدهلوی المواطن البخاری الاصل» .

۸- انجام : افتادگی دارد و چنین پایان می یابد :«و عن عایشه رضی الله عنها قالت کنت ادخل بیتی الذی فیه رسول الله گفت عایشه بودم من که می در آمدم‌خانه خود را که دروی مدفون بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم و ابوبکر نیز مدفون شده بود در وی و انی واضع ثوبی‌و حال آنکه من نهنده و افکننده بودم جامه خود را یعنی‌او را بدن و اقول انما هو زوجی و ابی و میگفتم‌بدل خود یا اگر می پرسیدند از آن کسی نیست مدفون مگر شوهر من که آنحضرت صلی الله علیه وسلم است و پدر من که ابوبکر است رضی الله عنه فلما دفن عمر پس هرگاه دفن کرده شد عمر رضی‌الله عنه معهم فوالله ما دخلته

الا و انا مشدوده‌ٔ علی ثیابی پس خدا» .

۹- چگونگی : موضوع این نسخه ، تفسیر آیات قرآن و فقه و اخبار و احادیث اسلام است بر اساس فکر و عقیدهٔ اهل سنت و جماعت به زبان فارسی . اصل کتاب به نام «مشکوة المصابیح» است. تألیف عربی همین مؤلف که برای دوستان و یاران و شاگردان سخت دشوار بوده آنرا به فارسی در آورده است . در آغاز نسخه یک مقدمه در علم حدیث دارد. تقسیمات آن براساس «کتاب» و «باب» و «فصل» و الفاظ و کلماتی است که شارح یا مؤلف عنوان کرده است . این کتاب به واسطهٔ ارزش فقهی و حدیث و اخبار و روایات مطمئن و اصیل در نظر اهل سنت و جماعت مقام والایی دارد و به همین جهت نسخ خطی فراوان دارد و تاکنون چندین بار در هند و پاکستان طبع و نشر گشته است و بزرگترین کتابی است که موجب دوام و بقای زبان فارسی در سرزمین پاک و هند است . شارح یا مؤلف نیز خود مروج زبان فارسی بوده و به این مطلب در مقدمه اشاره کرده است : « اگر شرح به زبان فارسی شود هر آینه نفع آن اعم و اشمل باشد» . در آغاز فهرست مطالب آمده. (رک : فهرست نسخه های خطی کتابخانهٔ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ، ج ۱ ص، ۲۱ و ۶۱۷ و ۶۱۸) .

۸۹۰
———
۳۵۱

اشعة اللمعات ، لمعة الاذکار

[ادب ، عرفان و تصوف ، منثور و منظوم]

۱- اندازه :—بیرونی ۲۱/۵×۱۵×۲ س م . —درونی : ۱۶ و ۱۷ س ۱۵×۸ س م .

۲- اوراق : ۱۱۴ ورق . ۲۲۸ صفحه .

۳- کاغذ : ضخیم زرد تیره رنگ سیالکوتی و روشن رنگ کشمیری ، آب رسیده ، وصالی شده (پیوند کار) ، ساییده شده ، جلد چرمی تیره رنگ با عطف کرباسی پوسیده.

۴- خط : نستعلیق خوش آمیخته با شکسته و تحریر ، خوانا ، روشن ، عنوانها و نشان‌ها و سر فصلها و بعضی خطوط رسم شده بر بالای کلمات سرخ گون ، قرن ۱۲ ه‍ ق .

۵- کاتب : «فقیر محمد پارسا» ، تاریخ کتابت «۱۱۸۰ھ ق» ، در صفحهٔ ۲۱۵ و ۲۲۷ چنین آمده است : «الحمد لله الذی بنعمة تتم الصالحات ، اما بعد بتاریخ بیست و یکم شهر رجب المرجب سنهٔ یکهزار و یکصد و هشتادم بوقت عصر روز اربعا کمترین بندگان خدا فقیر محمد پارسا نقشبندی الحنفی الپشاوری بانجام اختتام این نسخهٔ رفیعه که مدت پنجاه سال در آرزوی اتمام از عمر گرانمایه گذرانیده موفق گردید انشاء الله تعالی اگر عروس شرح دیگر مصححه از حجاب فقدان برمنصهٔ وجدان جلوه گر گردد بزیور مقابله محلی گردانیده از عیب اجوفی که یک جزو بیاض در شیرازه کشیده مصفا کرده آید و الله الموفق للسداد» .

۶- مؤلف : یا (شارح) : «مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی ۸۱۷–۸۹۷ھ ق» ، نام اصل متن «لمعات» تألیف «فخر الدین ابراهیم عراق ۶۱۰–۶۸۸ھ ق» ، نام این شرح : «اشعة اللمعات» ، تاریخ تألیف (شرح) : «۸۸۹ھ ق» : در آن وقت که شیخ عامل عارف عاشق . . . . فخر الدین ابراهیم الهمدانی المشتهر بالعراق بصحبت . . . ابوالمعانی صدرالحق و الملة و الدین محمد قونیوی . . . رسیده است و از وی حقایق فصوص الحکم شنیده مختصری فراهم آورده و آنرا بسبب اشتمال بر «لمعه» (ی) چند از بوارق آن حقایق «لمعات» نام کرده . . . تا آنکه د رین وقت . . . اجل اخوان الصفا و اعز خلان الوفا . . . استدعاء مقابله و تصحیح آن نمود . . . چون متصدی این شغل گشتم . . . در زود ترین وقت به اتمام رسید . . . و می شاید که آنرا اشعة اللمعات نام نهند (رک : لمعات ۸۹۰/۳۵۰).

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

لولا لمعات برق نور القدم — من نحو حمی الجود و حی الکرم
من یخرجنا من ظلمات العدم — او یعصمنا من هفوات القدم

پاکا خداوندی که آیینهٔ حقیقت محمدی را مطرح اشعهٔ لمعات جمال جمعی احدی ساخت و از آنجا پرتوی بر حقایق سایر خلایق علی تفاوت درجاتهم و تباین طبقاتهم انداخت غایت کمالات را در آن آیینه دید و آنرا بآیینگی پسندید» .

۸- انجام : «رباعیة فی الخاتمة ،

جامی تن زن در سخن چند زنی بیهوده دم از کن و مکن چند زنی
افتاده خسی بروی این تازه غدیر لاف از تک دریای کهن چند زنی

رباعیهٔ اخری فی النصیحه،

توحید حق ای خلاصهٔ مخترعات باشد بسخن یافتن از ممتنعات
رو نفی وجود کن که در خود یابی سری که نیابی ز فصوص و لمعات

قطعهٔ اخری فی التاریخ،

به آثام هستی است جامی اسیر محی الله آثار آثامه
بتسوید این شرح توفیق یافت مقرا بزلات اقلامه
و اذ قال اتممته قد بدا بما قال تاریخ اتمامه

۹ - **چگونگی:** موضوع این نسخه «عرفان و تصوف» است و مسائل «عشق و عاشق و معشوق» را با اشعار طرب انگیز عرفانی و جملات لطیف روحانی شرح و توضیح می دهد و اصل نسخه «**لمعات**» تألیف فخر الدین ابراهیم عراق نام دارد که جامی به خواهش دوستان و مریدان به مقابله و تصحیح آن پرداخته اما در کلمات و اشعار شیوا و مطالب دل انگیز آن غرق گشته است و نیز نسخ را مشحون از اغلاط دیده و به ناچار به شرح و تفسیر و توضیح آن پرداخته و آنرا «**اشعهٔ اللمعات**» نام نهاده است. تقسیمات آن بدین ترتیب است. نخست یک مقدمهٔ جامع و مبسوط در شرح «لمعه» و صفات الهی. دوم متن «اشعهٔ اللمعات» که بر اساس «لمعه» است و «۲۸ لمعه» است. سوم «خاتمه». این نسخه را در آغاز (از ص ۱ تا ۲۸) و (از ص ۲۱۶ تا ۲۲۸) چند رسالهٔ کوچک کتابت شده است و مطالب آنها دربارهٔ اثبات ذات واجب‌الوجود و عرفان و وحدانیت حق است. در یکی ازاین رسایل دو دایره رسم کرده و آنهارا «**دایرهٔ وحدانیت**» نامیده. سپس آن دایره‌ها را به چند بخش کرده: «قوس ظاهر الوجود» و «قوس ظاهر العلم» و «قوس احدیت» و «قوس و احدیت» و «خط برزخ» و «خط وحدت» و «خط قاب قوسین» و «خط حقیقت محمد (ص)» و امثال اینها. این رساله در آغاز ناقص و در انجام چنین پایان می یابد: «و سخن درین دایره و اسرار از آن غایت و نهایت ندارد برهمین اختصار کنم که وقت عزیز است و کار اهم تر در پیش الله یقول الحق و هو یهدی السبیل و الحمدلله اولا و آخراً و باطناً

و ظاهراً تمت الرسالة الشریفة» .

رسالهٔی دیگر در عرفان است که آغاز و انجام ندارد اما نثر فارسی آن محکم و منسجم و جاذب است و از «عشق عرفانی» و «فنای‌الله» و «استغنا» گفت وگو می‌کند .

رسالهٔی دیگر در آخر کتابت شده که **«لمعة الاذکار»** نام دارد و مؤلف و کاتب **«فقیر محمد پارسا»** ، کاتب همین نسخهٔ اشعة اللمعات است و موضوع آن «**ذکر**» به کسر ذال و سکون کاف است و به جملهٔ **«لا اله الا الله ذکرالله اعلی و بالتقدیم اولی»** استناد جسته است . تقسیمات آن بر سب «مسئله» و «فصل» و «اشارت» است و چنین **آغاز** می شود :

«بسم الله الرحمن الرحیم ، لا اله الاالله ذکر الله اعلی و بالتقدیم اولی قال الله تعالی فاذکرونی اذکرکم هر عبادتی را جزا فرموده و آن جزا از جنس آن عبادت نیست الا ذکر که ذکر عبادتی که جزای آن هم ذکر است یعنی می فرماید که یاد کنید مرا تا من هم شما را یاد کنم اکنون در باب ذکر چند مسئله که مهم وقت است یاد کرده شود انشاء الله تعالی که صایب آید و نافع گردد» .

و چنین **انجام** می‌گردد : وا لا دو حرف است اشارت بحیرت و فنا و چون ادویه قطع کرده شد به الله رسیدند که مقصود است فهذا آخرالکلام فی لا اله الا الله و قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم من کان آخر کلامه لا اله الا الله دخل الجنة اللهم ارزقنا ها فی یسر منک و عافیة آمین . بتاریخ بیست و دوم شهر رجب المرجب سنهٔ یکهزار و یکصد و هشتادم روز پنجشنبه وقت ظهر در بلدهٔ پشاور این نسخه مشحون اسرار المسمی به **لمعة الاذکار**از خامهٔ سیاه نامه کمترین بندگان خدا فقیر محمد پارسا نقشبندی الحنفی الپشاوری بانصرام رسید» .

در همهٔ این رسایل و در کنارهٔ صفحات اشعار و یادداشت‌ها و توضیحاتی ارزنده است در لغت و ادب و دین و عرفان و توحید که از متون مختلف نقل شده است . در صفحهٔ آخر اشعاری از شیخ جنید و شیخ معروف و شیخ شبلی و شیخ بهلول و شیخ منصور حلاج نقل شده است که گمان نمی رود بر اساسی متکی باشد.

این نسخهٔ لمعهٔ الا ذکار در نوع خود کم نظیر است و شاید تاکنون چاپ نشده باشد .

۲۹۰
۵۱۱

الاشباه والنظایر

[دین ، فقه ، عربی ، منثور]

۱- اندازه :- بیرونی : ۲۴×۱۳/۵×۳ س م. - درونی : ۱۹ س ۱۶×۸ س م .

۲- اوراق : ۲۵۵ ورق . ۵۱۰ صفحه .

۳- کاغذ : نازک نخودی رنگ سمرقندی ، وصالی شده ، کرم خورده ، آب رسیده ، بدون جلد .

۴- خط : ثلث خوش (متن) ، خط شکسته (حاشیه) ، خوانا ، روشن ، پخته ، رسم الخط ایرانی ، عنوانها و نشان ها و سرفصلها شنگرف . قرن ۱۲ ه ق.

۵- کاتب : «محمد عطاءالله بن مولوی حضور الله» تاریخ کتابت : «۱۲۴۲ ه ق» . «قد فرغت عن تحریر بعض الاوراق لتکمیل النسخهٔ المتبرکهٔ المسمی بالاشباه والنظایر خامس عشرمن یوم شهر ربیع الثانی وقت الصبح فی القریهٔ المعروفهٔ بالحصار سنهٔ اثنین و اربعین و مائتین و الف من هجرة النبی علیه افضل الصلوة و اکمل التحیهٔ و انا عبد ضعیف راجی الی رحمهٔ الله محمد عطاءالله بن مولوی حضور الله عفی عنهما» .

۶- مؤلف : «زین العابدین بن ابراهیم بن نجیم» معروف به «ابن نجیم المصری الحنفی متوفی ۹۷۰ ه ق» ، نام تألیف : «الاشباه والنظایر» ، تاریخ تألیف : «۹۶۸ ه ق» ، در صفحهٔ ۶ (متن) چنین آمده است : کتاب الاشباه و النظایر تألیف العلامهٔ المرحوم زین الدین بن نجیم الحنفی تغمد الله برحمته و رضوانه والمسلمین اجمعین امین قال رحمه الله کان ابتدأ تألیفه فی اواخر سنهٔ ثمان و ستین و تسع مائه» .

۷- آغاز : «رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر ، الحمد لله وسلام علی عباده‌الذین اصطفی و بعد فلما یسره الله تعالی باتمام کتاب الاشباه والنظایر الفقهیة علی مذهب الحنفیهٔ المشتملهٔ علی سبعهٔ انواع اردت افهرسه فی

لیسهل النظر فیه الفن الاول فی القواعد الاولی لا ثواب الا بالنیه» .

۸- **انجام** : «قال المؤلف و هذا آخرما اوردناه من کتاب الاشباه والنظائر فی الفقه علی مذهب الامام الاعظم ابی حنیفه رحمه‌الله النعمان و ارضاه الجامع للفنون السبعه التی وعدناه فی خطبه الفرید فی نوعه بحیث لم اطلع له علی نظیر فی کتب اصحابنا و کان الفراغ منه فی السابع و العشرین من لیله شهرالمحرم سنه ثمانین و الف من هجرة النبی صلی الله علیه وسلم والحمدلله علی التمام و علی نبیه افضل الصلوة والسلام و صحبه البررة الکرام و تابعیه بالاحسان الی یوم القیام» .

۹- **چگونگی**: موضوع این نسخه در «**فقه حنفی**» است و شامل مسائل عبادات و نکاح و طلاق و روزه و طهارت و نماز و اخلاق و میراث و مانند اینهاست . تقسیمات آن بر اساس «فن» و «کتاب» و «فایده» و «فصل» است ، چنانکه گوید : «کتاب الحجر و الماذون ، فصل الشفعه ، الفن الاول فی القواعد . جمعاً هفت فن دارد . فهرست این نسخه در آغاز به اختصار در چهار صفحه و به تفصیل در ۱۱ صفحه آمده است . در صفحات آغاز و در گوشه و کنار صفحات داخل و لابلای سطرها ، یادداشت های دینی و فقهی و دعایی و توضیحات لغوی و مطالب از یادرفته به خط و کتابت تازه آمده است . سهو القلم کاتب دارد اما به وسیلهٔ کسی دیگر تصحیح شده است و اغلب الفاظ مشکل را معرب ساخته است . نسخهٔ «الاشباه والنظایر» چاپ شده است و نسخ خطی فراوان دارد .

۸۹۰
۵۷۳

انشای خادمی

[ادب ، انشاء و آیین نگارش ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- **اندازه** :- بیرونی : ۲۵×۱۶×۱/۳۰ س م .- درونی : ۱۳ س ۱۷×۹ س م .

۲- **اوراق** : ۵۹ ورق . ۱۱۸ صفحه .

۳- **کاغذ** : ضخیم زرد خاکی رنگ هندی ، جلد مقوایی وصالی شده با عطف و گوشهٔ پارچه‌یی زرد رنگ .

٤- خط : نستعلیق شکسته آمیز ، رسم‌الخط اردو ، خوانا ، روشن ، عنوانها و سرفصلها و نشانها شنگرف ، قرن ۱۳ ھ ق .

۵- کاتب : «**هاشم دین ولد میان فتح محمد**» : تاریخ کتابت : «**۱۲۷۷ ھ ق=سمت ۱۹۱۷ بکرمی**» . در صفحهٔ ۱۱۱ و ۱۱۲ چنین آمده است : «تمام شد انشای خادمی دست خط خام نویس فقیر حقیر پر تقصیر هاشم دین میان فتح محمد ساکن موضع بسالی عرف ترابی به تاریخ سیزدهم ماه ماهنگر به روز پنجشنبه وقت چاشت برای پاس خاطر برادر عزیز اقبال بلند میان ابراهیم و برخوردار اقبال بلند بخت بیدار میان اسماعیل تحریر یافت . . . در مسجد نجاران بجلدی بنوک قلم در زبان آورد سنهٔ ۱۲۷۷ سمت ۱۹۱۷» .

٦- مؤلف : «**نظام الدین خادم**» ، نام تألیف : «**انشای خادمی**» ، تاریخ تألیف «**۱۲۲٦ ھ ق**» . در صفحهٔ ٤ و ۵ چنین آمده است : «لهذا بنده نظام الدین خادم رقعه یی چند به عبارت سلیس قریب الفهم به قلم آورده انشای خادمی نام نهاده شد .

الا ای بخت بیدار خرد مند　　شنو تاریخ این انشای دلکش
که وقت ختم بود از سال هجری　　هزارو دو صد و هم‌بیست‌وشش»

۷- آغاز : «یا فتاح ، رب یسر ولا تعسر بسم‌الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر ولا بشر ، بعد از ستایش آفرینندهٔ زمین و زمان و فرازندهٔ خیام آسمان و فروزندهٔ شمعهای ستارگان و پس از درود بر گزیدهٔ هر دو جهان و فرمان روایی آخرین زمان پوشیده نماند که درین زمان ناپرسان خواهش هر کسی بسلیقهٔ خواندن انشا افزون از همهٔ علمها است» .

۸- انجام : «و مشروط مزبوره نیز مسلم داشت و کان ذلک الذی صحیحاً شرعیاً جایزاً و ناقداً علی طریق المسنون و واقعاً فی موضع الفلان و هذه الصک مکتوبهٔ فی تاریخ السادس من شهر ربیع الثانی و حاس السادس والعشرین والف و مائتان من هجرت المقدس المعلی سنهٔ ۱۲۲۱ ، تمت تمام شد انشای خادمی» .

۹- چگونگی: موضوع این نسخه «انشا و نامه نگاری و آیین نگارش» است به زبان فارسی سلیس و قریب الفهم که به سبک پاکستانی نوشته شده است و نثر فارسی آمیخته با نظم است و جمعاً «پنج باب» دارد و هر باب شامل چند رقعه و

مکتوب است. نامه‌ها و مکتوبات و رقعه‌ها و عرضداشت ها و سندها و نکاح نامه ها و طلاق نامه ها و دیگر مسائل نگارش که در این نسخه آمده است ، همگی به ابداع و اختراع نویسندهٔ نسخه است و اغلب آنها تاریخ دقیق زمان او را دارد. در صفحات آغاز و انجام یادداشتهای ادبی و اشعار پراکنده آمده است. از صفحهٔ ۱۱۲ تا ۱۱٤ «دو مقاله» به زبان فارسی در موضوع «ساعت نامه» و «فال نامه» آمده است. «ساعت نامه» منثور و «فال نامه» منظوم است. و هر بیت با یک حرف از حروف الفبا آغاز می شود:

«چون الف آید به فال اندر کتاب ابتدای کار شد جزو صواب
ب به نیکویی یابی راحتی منفعت بینی ز صاحب دولتی
ت به توبه باز گرد از هر خطا گر دهی صدقه شود دفع بلا
ی ز غایت خیر یابی ناگهان تا بگریی در کنارش شادمان

نشان چند مهر در جای جای نسخه موجود است که همه ازیک نوعند: «هاشمدین ۱۲۷۷». انشای خادمی نسخه های خطی فراوان دارد و بارها چاپ شده است.

انشای طاهر وحید یا منشآت طاهر وحید ۹۵۰ و ۸۹۰ / ۳۱٦

[ادب وتاریخ، فارسی، منثور]

۱- اندازه :—بیرونی : ۲۹/۵ × ۱۸/۵ × ۲ س م.—درونی : ۱۵ و ۱٦ س ۲۰ × ۱۱ و ۲۱ × ۱/۵ س م.

۲- اوراق : ۱۰٤ ورق . ۲۰۷ صفحه .

۳- کاغذ : ضخیم سفید و حنایی رنگ هندی ، کرم خورده ، جلد مقوایی که گل ها و بوته هایی زیبا به روشی ساده بارنگ های متنوع روی آن نقاشی شده است و جملهٔ «انشاء» و «انشاء طاهر وحید میرزا» روی عطف آن آمده است .

٤- خط : نستعلیق و تحریر آمیخته با شکسته ، خوانا ، روشن،پخته، عنوانها و نشان‌ها و سرنامه‌ها شنگرف ، جدول یک خطی کنارهٔ بیرونی صفحات سیاه و جدول

۳ خطی کنارهٔ درونی شنگرف و سیاه ، صفحهٔ ۱ و ۲ نقاشی و گل و بوته نگاری شده و یک سر لوح دارد و میان سطرها دندان موشی زر افشان است. در صفحهٔ ۲۰۷ یک تصویر (مجلس) دارد که بالای آن به خط تازه نوشته شده : «تصویر مصنف» . قرن ۱۲ھ ق . رسم الخط به اردو شباهت دارد .

۵- کاتب : «سسهو یانهه» . تاریخ کتابت : «۱۲٤۱ھ ق» . در صفحهٔ ۲۰۷ چنین آمده است : «تمام شد انشای میرزا طاهر وحید به دستخط اضعف العباد سسهویانهه مدت مقام هانسی واقعهٔ سیزدهم ماه جولائی سنهٔ ۱۸۲٦ عیسوی مطابق بیست و چهارم بده اساده سنهٔ ۱۲۳۳ فصلی موافق هفتم ماه ذی حجهٔ سنهٔ ۱۲٤۱ هجری روز پنجشنبه .

هر که خواند دعا طمع دارم ز آنکه من بندهٔ گنهکارم .

٦- مؤلف : «**میرزا محمد طاهر وحید در گذشته ۱۱۱۰ھ ق یا ۱۱۱۸ھ ق**» ، نام تألیف : «**انشای میرزا طاهر وحید**» یا «**انشای طاهر وحید**» یا «**انشای وحید**» یا «**منشآت طاهر وحید**» ، تاریخ تألیف در عهد شاه عباس ثانی (۱۰۵۲ تا ۱۰۷۸ھ ق) . (رک : فهرست مخطوطات شیرانی ، تألیف دکتر محمد بشیر حسین ، ج ۲ ، ص ۳٤۳). در متن نسخه نام «میرزا محمد طاهر وحید» را نیافتم.

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، مکتوبی که مصحوب کاب علی سلطان بخواندکار روم ارسال شد و امائل تقدیم محمدت قدیمی ، مفتاح گنجینهٔ مقال تواند بود که مانند انفاس جدیده که بر سبیل تعاقب دعائم کاخ وجود انسان خاکی بنیان می گردد دولت اخلاف سلاطین والا مقام را بعد از رحلت اسلاف کرام منشأ انتظام و نظام مهام انام می گرداند و نسیم ثنای معلی مالک الملکی پردهٔ اختفا و نقاب خفا از جمال مخدرات ازهار اظهار مطلب تواند گشود که فص نیستی اعقاب پادشاهان سلطنت آفتاب را بر خاتم فرمان روایی آبای عظام می نشاند» .

۸- انجام : «منت پذیر گردیده اشاره که در باب ارسال سخنان پریشان منثور که در قافله گاه مجموعه شیرازهٔ جمعیت یافته باشد شده بود . چون خود نسخه که قابل ارسال تواند بود نداشت ان شاء الله بعد ازین به اتمام رسانیده

بنظر اصلاح خواهد رسانید امید که همیشه برمسند دولت و وسادهٔ عزت و عظمت به کام دوستان اخلاص آیین متمکن و کامروا بوده به نیل امانی و آمال نشأتین متمتع باشند اله الامجاد ، تمام شد انشای میرزا طاهر وحید» . (رک : ۵—کاتب) .

۹- چگونگی: نسخهٔ «منشآت طاهر وحید» یا «انشای طاهر وحید» متن ارزنده‌یی است که آمیخته‌یی از نثر و نظم فارسی است و آن شامل مکتوبات و رقعاتی است که میرزا محمد طاهر وحید (متوفی ۱۱۱۰ یا ۱۱۱۸ه‍ ق) از طرف خود و یا از طرف شاه عباس ثانی (۱۰۵۲—۱۰۷۸ه‍ ق) به پادشاهان و امیران و حاکمان و کارگزاران و دانشمندان و دیگر بزرگان علم و ادب و یا بر آغاز و انجام کتابها و رسائل می نوشته است. و عنوان بعضی‌از نامه ها این است : «مکتوبی که مصحوب کلب علی سلطان بخواندکار روم ارسال شده، درجواب‌نامهٔ دارا شکوه که ارادهٔ ایران داشته ، جواب نامهٔ خواندکار روم کەمصحوب اسمعیل آقاسی نوشته، مسودهٔمکتوبی که به فرمانروای دکن سمت ابلاغ یافت ، نامه یی که به پادشاه والا جاه اورنگ زیب نوشته شد ، نامه‌یی که به عبدالعزیز خان نوشته شد ، صلح نامه که به عبدالعزیز خان فرستاده شد ، نامه که به والی روس نوشته شد ، به عبد العزیز خان در پرسش واقعهٔ نذر محمد خان ، به پادشاه هندوستان در طلب قندهار ، به پادشاه ایضاً بعد فتح قندهار ، نامه که به ابو الغازی خان والی اور گنج سمت تسطیر یافت ، نامه که به قطب شاه والی دکن مرقوم شد ، سواد فتحنامه قلعهٔ مبارک قندهار که به ممالک محروسه نوشته شد ، سواد فتحنامه که بعد از استیصال دارا شکوه نوشته شد ، فتحنامه که بعد از استیصال چغتاتی نوشته شد ، رقمی که به دولتخان در ایام محاصرهٔ قندهار در حیز ترقیم آمده ، رقمی که به میرزا مقیم کتابدار به هنگام ایلچیگری هندوستان نوشته شده ، رقم سیورغال محمد بیگ اعتماد الدوله ، رقمی که در طلب مولانا محمد محسن کاشی نوشته شد ، دیباچهٔ رقم زمان سلطان حاکم بحرین ، دیباچهٔ تاریخی که بر واقعات احوال خاقان صاحبقران و سایر سلاطین صفویه نوشته شد. دیباچهٔ علم معانی و بیان ، دیباچهٔ لب الاشارات که خود تألیف نموده ، جهت خاتمهٔ جامع عباسی نوشته ، جواب مکتوب حاکم ملتان که بذوالفقار نوشته ، به حاجی علیخان زنگنه سردار

آذربایجان ، کتابتی که به وزیر خراسان نوشته ، به شاه وردی خان بیگلر بیگی لرستان ، به صفی علیخان بیگلر بیگی ایروان ، به حکیم مؤمن طبیب نوشته» .

بدین جهت منشآت طاهر وحید علاوه بر ارزش ادبی و انشایی و «هنر نگارش» اهمیت تاریخی و اجتماعی دارد و بسیاری ازگوشه های تاریک تاریخ صفویه و روابط آنان را با پادشاهان و حاکمان هم عصر خود روشن می سازد . منشآت طاهر وحید چندین بار در کلکته، لکهنؤ ، لاهور ، حیدر آباد دکن به زیور طبع آراسته شده است و نسخه های خطی فراوان دارد .

سبک نگارش «منشآت طاهر وحید» بیشتر بازی با الفاظ است و اندکی پیچیده و دشوار و مسجع است . از آیات قرآنی و احادیث نبوی استفاده کرده . در حواشی و میان سطر ها و کنارهٔ صفحات ، یادداشتها و توضیحات و معانی لغات و مطالب از یاد رفته و برخی عنوانات آمده است .

۸۹۰
۵۵۲

انوار سهیلی

[ادب ، اخلاق و سیاست ، فارسی ، منظوم و منثور]

۱- اندازه :—بیرونی : ۲۲ × ۱۲ × ۵ س م . —درونی : ۱۵ س ۱٦ و ۱۷ × ۷ و ۷ ۵ س م .

۲- اوراق : ٤۰۵ ورق . ۸۰۹ صفحه .

۳- کاغذ : نازک زرد تیره و خاکی رنگ جهانگیری و سیالکوتی ، آب رسیده' اندکی وصالی شده ، جلد مقوایی ملون با عطف پارچه یی سرخ گون .

٤- خط : نستعلیق تحریر و نستعلیق شکسته آمیز ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشانها و سر فصلها شنگرف ، جدول سه خطی کنارهٔ متن سیاه و شنگرف ، قرن ۱۱ و ۱۲ ه ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد چون از آخر افتادگی دارد .

٦- مؤلف : «حسین بن علی الواعظ الکاشفی متوفی ۹۱۰ ه ق» ، نام تالیف : «انوار سهیلی» تاریخ تالیف معلوم نشد . از صفحهٔ ۱۵ تا ۲۰ چنین آمده است : «الا میر

الاعظم . . . نظام الدولة و الدین شیخ احمد المشتهر بسهیلی . . . اشارت عالی ارزانی فرمود. این کمینهٔ بی استطاعت و حقیر قلیل البضاعت حسین بن علی الواعظ تعرف بالکاشفی . . . جرأت نموده کتاب مذکوره (کلیله و دمنه) را لباس نو پوشاند و مسمی به انوار سهیلی (گرداند) چهارده بابست برینوجه که مفصل میشود».

۷- آغاز : یک ورق (۲ صفحه) افتادگی دارد و چنین شروع می شود : «لی مع الله و نکتهدان و ان علمکسالم تکن تعلم و روشن بیان انا افصح العرب و العجم محمد صلی‌الله علیه وسلم .

اگر (از) ازل تا ابد هر چه هست بآرایش نام جان نقش بست
چراغی که انوار بینش بدوست فروغ همه آفرینش بدوست

صلواة الله و سلامه علیه و علی آله الطیبین الطاهرین جهت طالبان هدایت ارادت و حمایت مطالب و استفادت بدین نوع خطاب مستطاب فرموده اند» .

۸- انجام : افتادگی دارد و ناقص است : «پس هر شخصی باید که صنعتی که صانع ازلی حوالهٔ او کرده اشتغال نماید و چنان سازد که آن مهم را بر سبیل تدریج بمرتبهٔ کمال رساند ، بیت :

پالان کرتبی‌بعاریت‌خودبهترزکلاه‌دوزی‌بد بی‌شک‌درمقام...(محوشده)... گرفتارآمد

لا جرم از راهی که پیش گرفته به منزیل نرسد . . . (محو شده) . . . همان راه پیشین سیر نگردد و میان این و آن سراسیمه حال و سر گردان بماند نه راه پیشین رفتن و نه باز گشتن پس . . . در طریق . . . بت قدم ورزد و نه به آرزو دست . . . شاخ . . . افزون طابی که غالیان عاقبت آن تجامت».

۹- چگونگی: این نسخه که انوار سهیلی نام دارد ، تقلید کاملی است از کلیله و دمنهٔ بهرامشاهی ترجمهٔ ابو المعالی نصر الله منشی. خود مؤلف انوار سهیلی یعنی حسین بن علی واعظ کاشفی بدین مسأله اشاره می کند که به فرمان امیر اعظم الشیخ احمد المشتهر به سهیلی بر پیکر کلیله و دمنه لباس نو پوشانید و آنرا به جواهر اشعار فارسی آراسته و به لآلی نثر فارسی پیراسته گردانید. البته به عقیدهٔ علمای ادب ، انوارسهیلی هرچه که باشد ، باز هم کلیله و دمنه شهرت و عظمت ادبی و لغوی و تاریخی و آیین کشور داری ویژه

دارد. تقسیمات انوار سهیلی بر اساس «باب» و «حکایت» و «روایت» و «آورده اند» است و جمعاً «۱٤ باب» دارد. «باب اول در اجتناب نمودن از استماع قول ساعی و نمام» و «باب چهار دهم التفات بانقلاب زمان و بنای کار بر قضا و قدر نهادن بعد از فهرست ابواب در حکایتی که منشأ سخن همان خواهد بود». نثر فارسی این نسخه با اشعار شیرین (قطعه و رباعی و مثنوی) آمیخته است. انوار سهیلی نسخ خطی فراوان دارد مخصوصاً در پاکستان و هند و به کرات چاپ شده است و کتاب درسی است.

۵۹۰ / ٤۲۸

باز نامه

[جانور شناسی، فارسی، منثور]

۱- اندازه :—بیرونی: ۲۰/۵×۱۲/۵×۱/۵ س‌م. —درونی: ۱۰ س ۱۳/۵ × ۶/۵س‌م.

۲- اوراق : ۸۵ ورق. ۱۶۹ صفحه.

۳- کاغذ : نازک نخودی رنگ و زرد تیره رنگ کشمیری و سیالکوتی، جلد چرمی سرخ رنگ ضربی نقش دار با عطف پوسیده.

٤- خط : تحریر آمیخته با شکسته، خوانا، روشن، رسم‌الخط اردو، بعضی از نشانها شنگرف، قرن ۱۲ هـ ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد. در صفحهٔ ۲۱۱ نوشته است: «تمت تمام شد در دیره حسن».

۶- مؤلف : نام «مؤلف» و تاریخ تألیف معلوم نشد: نام تألیف «باز نامه» است: در صفحهٔ ۵ چنین آمده است: «بدانکه این کتاب **باز نامهٔ** خورد و آسان چنانکه در فن و هنر میر شکاری از استادان دیده و خود آزموده است بطریق یادگاری نوشته است».

۷- آغاز- : «باز نامه، بسم الله الرحمن الرحیم، سپاس بیقیاس مر خالق را سزد که از شوق محبت خود نور دوست خود را بر تجلی ظهور آورده و تاج لولاکی بر سرش از رضا و رغبت خود معلق کرده و همگی موجودات را آراستگی از نور داده

چنانچه در حدیث آورده است اول ما خلق الله نوری و خلق آدم من نوره».

۸- انجام : «اما در روز ها که ادویه داده باشد نگاه بر پیخال جانور داشته باشد چون زردی مثل زردی بیضه افتاده پیخال سفید گردد بدانند که شکم جانور صاف شده است و اثر مایه مطلق نمانده است تمت تمام شد در دیره حسن».

۹- چگونگی : موضوع این نسخه «روش بازداری و باز شناسی و بیماری های باز و درمان شناسی باز و مداوا و معالجه» آن است و ضمناً طریقه پرورش و تعلیم آن را هم می گوید. مؤلف نام خود را نیاورده و لیکن خود گوید همه آنچه در کتاب گرد آورده است دیده و شنیده و آزموده است و به فرمان راجه (حاکم) زمان خود این نسخه باز نامه را نوشته است. تقسیمات آن بر اساس «باب» و «دستور» و «لقمه» است و جمعاً ۳۲ باب و چند دستور دارد. نثر فارسی آن روان و مخصوص سر زمین پاک و هند است، سهو القلم کاتب دارد. بعضی اصطلاحات جانور شناسی و اسامی پرندگان مخصوصاً نام های مختلف باز و باز داری و اصطلاحات شکار و شکار کردن را در بردارد. روی هم رفته نسخه‌یی ارزنده است.

۶۱۰
―――
۴۵۴

بحر الجواهر

[طب، فرهنگ لغت، فارسی و عربی، منثور]

۱- اندازه :- بیرونی : ۲۶ × ۱۷/۵ × ۲ س‌م. - درونی : ۲۱ س ۲۰ × ۱۱ س‌م.

۲- اوراق : ۱۵٤ ورق. ۳۰۸ صفحه.

۳- کاغذ : نازک سفید رنگ کشمیری، اندکی وصالی شده، آب رسیده، جلد مقوایی و چرمی سیاه رنگ ضربی، پوسیده.

٤- خط : ثلث، خوانا، روشن، پخته، عنوانها و نشان ها و سر فصلها و الفاظ شواهد شنگرف، قرن ۱۱ ه‍ ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد فقط در آخر آمده است «تمت بحرالجواهر».

۶- مؤلف : «محمد بن یوسف الطبیب الهروی»، نام تألیف : «بحرالجواهر»، تاریخ تألیف

معلوم نشد ، اما در عهد «محمد المشتهر بامیر بیگ وزیر» تألیف شده است. در صفحهٔ ۲ و ۳ چنین آمده است : «و بعد فنقول العبد الفقیر المحتاج الی الله القوی محمد بن یوسف الطبیب الهروی . . . حین فرغت من تسوید (هذه المجموعة فی دولة) ظهیر الدولة والسعادة والدنیا والدین محمد المشتهر بامیر بیک وزیر ـــ و ابتدأت مما اوله الف الی حرف الیاء مع ملاحظة ثانی حروفه علی ترتیب الهجاء تسهیلاً للطلاب و طلباء للثواب و سمیتها بحرالجواهر» .

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، حمد العلام احدی اعطی ذوی الافهام تحقیق دقایق اللغات العربیة و شکر الوهاب ابدی علی اولی الالباب تدقیق حقایق النکات الادبیة سبحانه من مبدع نوع الانسان وکرمهم بالمیامن والمواهب و من صانع قدیم» .

۸- انجام : «یونان بفتح الیاء والمشهور الضم قال هشام ابن کلبی من بنی یونان من یافث بن نوح علیه السلام و الحکماء الیونانیة منسوبة الی هذا کذافی کتاب مشتبه النسبة و در العجایب البلدان مذکوراست که یونان موضعی بوده است و حالا آب در آن موضع مستولی‌شده است و از عجایب آن آنکه هر کس در آن زمین چیزی حفظ کند مطلقاً فراموش نکند جمع تجار گفتند که ما در بحر بودیم چون به آن موضع رسیدیم هر چه از ما فراموش بود در ایام گذشته همه بخاطر آمد و از این سبب است که اکثر حکما منسوبند بآن موضع و در هیچ زمین ایشان نیست تمت بحر الجواهر» .

۹- چگونگی: موضوع این نسخه «فرهنگ لغات طبی» است که به زبان فارسی و عربی تألیف شده است. تقسیمات آن بر اساس حروف الفبایی است از حرف الف تا حرف یاء. اسامی مآخذ را مؤلف در مقدمه آورده است. نقل مطالب بر حسب زبانی است که در مآخذ بوده یعنی اگر آن مآخذ عربی بوده ، نقل لغت و معنی آن به عربی آمده و اگر فارسی بوده است ، به زبان فارسی نقل شده است و ازین لحاظ نسخه یی است ارزنده و جالب. نشان چند مهر از مالکان نسخه در آغاز و اواسط و انجام آن آمده است ، از جمله: «ز تو خواهی شفاء خلق کافی ز شاه ، چون شد خطابم عبد شافی ۱۱۹۳» ، «مهر کتابخانهٔ مبارکهٔ دولت خدا داد افغانستان ۱۳۱۰» ، «مهر کتابخانهٔ سراج الملة والدین امیر حبیب الله ۱۳۲۱» ، «مهر کتابخانهٔ امیر عبدالرحمن خان مبارزالدوله

«۱۳۰۱» ، «و هوالعلی الحکیم ۱۱۸۰» ، «عبدالشاق ۱۱۹۳».
این یادداشت در صفحهٔ ۱ خواندنی است : «روز یکشنبه غرهٔ شهر ذیحجة الحرام سنهٔ ۱۲۸۳ کتاب بحرالجواهر و کتاب شرح فصول بقراط ابن ابی صادق را ملا ابوالخیر به مبلغ ۱۹ نوزده روپیه کابلی دراشرف البلاد احمد شاهی ابتیاع نموده شد» ، «مالک مجازی عبدالله شامی عفی عنه» ، و «بحر جواهر ملا محمد سعید بیست روپیه». در صفحهٔ ۳۰۷ پنج بیت از یک غزل جامی آمده بدین مطلع :

«ای مرا دل زغمت واله جان شیدایی من در این حال تو غایت به بی‌پروایی»
و مقطع :
«جامیا بس سخن زین لب شیرین گفتی طوطی طبع تو شد شهره به شکرخایی»
به خط تازه در کاغذ سبز گون نام بعضی ادویه در آخر آمده است .

۸۹۰ / ۴۷۵ بحر فراست اللافظ فی شرح دیوان حافظ

[ادب ، عرفان ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- اندازه :- بیرونی : ۵/۳۰×۲۶×۴/۵ س م . - درونی : ۱۹ س ۲۴×۱۷ س م .
۲- اوراق : ۳۳۴ ورق . ۶۶۸ صفحه .
۳- کاغذ : نازک سفید رنگ طرح سمرقندی ، آب رسیده ، وصالی شده ، جلد مقوایی با چرم سرخ پوشیده و پوسیده .
۴- خط : نستعلیق آمیخته با تحریر و شکسته ، سخت خوانا ، عنوانها و نشان ها و خط های رسم شده بربالای الفاظ و کلمات و اشعار شواهد شنگرف . قرن ۱۲ ه ق .
۵- کاتب : «فرید ملا محمد یوسف خان البخاری» ، تاریخ کتابت : «۱۲۶۶ ه ق» :
«تمت کتابة هذه النسخة الشریفة شرح دیوان حضرت لسان الغیب ترجمان الاسرار حافظ الشیرازی علیه الرحمة فرید ملا محمد یوسف خان البخاری فی شهر شعبان المعظم ۱۲۶۶» ،

من غلط بیرون نباشد درسه خط خط که پر است بیرون از غلط

هر که خواند دعا طمع دارم زانکه من بندهٔ گنه کارم»

۶- **مؤلف :** یا (شارح) : «**عبید الله**» معروف به «**عبیدی الخویشکی الچشتی**» معروف به «عبیدی»، نام تألیف یا (شرح) : «**بحر فراست اللافظ فی شرح دیوان حافظ**» یا «**ترجمان الاسرار**» ، تاریخ شرح معلوم نشد . در صفحهٔ ۳ اینگونه آمده است : «پس میگوید بندهٔ ضعیف و کمینهٔ الراجی الی رحمة الله القوی عبیدالله المعروف بعبید الله الخویشکی الچشتی بنظر دوربین رسید فکر دیوان خواجه حافظ . . . در اکثر از اوقات بتدریس او مشغول بودم . . . ناگه روزی جمعی حاضر آمدند و گفتند که این معنی دقیق که از نتایج افکار مستنبط میگردد در تحریر آید تا در تحریر بحر فراست اللافظ فی شرح دیوان حافظ . . . باتمام رسید» .

۷- **آغاز :** «بسم‌الله الرحمن الرحیم ، سپاس عظمت اساس و احدی را رسد که محمود است بجلال ذات و برتری را که موصوف است بکمال صفات ،

حمدش بدهان نمیتوانم گفتن شکرش بزبان نمیتوانم گفتن
امری که بذات خود تسلسل دارد نتواند کس بانتهایش رفتن

و صلوات نا محدود و تحیات نا معدود رسولی را سزد که هر دو جهان آفریده بواسطهٔ اوست» .

۸- **انجام :** «بیا ساقی آن راح ریحان نسیم بمن ده که نه زر ماند نه سیم
زتسبیح و خرقه ملولم مدام بمن رهن کن هر دو را والسلام

یعنی بیار ای ساقی آن شرابی را که مانند ریحان نسیم دارد و مرا بده که نه از زر باقی ماند و نه سیم زیرا که از خرقه مدام ملولم و برمی رهن کن یعنی برمی هر دو را رهن می کنم و می را میگیرم زیرا که نمودار هر دو برای حر نافع زر و سیم است و زر و سیم پایدار نیست پس این هر دو را از خود دفع میکنم و می را که پایدار است میگیرم» . (رک : ۵–کاتب) .

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه شرح دیوان حافظ است . شارح بیشتر ابیاتی را شرح کرده است که مشکل و مغلق و غیر مفهوم است . نخست هر بیت را می آورد و مفردات آنرا ذکر می کند و سپس مفهوم بیت را می نویسد . تقسیات آن بر اساس ابیات هر غزل است که در اصل متن دیوان به صورت الفبائی حروف قوافی تنظیم و تدوین شده است . «بحرالالف» در آغاز و «ساقی نامه»

در آخر است و آنها را به «باب» تقسیم کرده است. شارح خود شاعر بوده و هنگام شرح متن غزلیات، بعضی ابیات را از خود می آورد. نثر فارسی این نسخه مخصوص سر زمین هند و پاک است. از آیات قرآن و احادیث استفاده کرده است. در صفحهٔ آغاز یک یادداشت دعایی آمده است. و این جمله هم به خط کاتب متن ذکر شده است: «شرح دیوان لسان الغیب الواصل الی الحق بلا امید (؟) ترجمان الاسرار حضرت حافظالدین محمد الشیرازی علیه الرحمه‌ والرضوان».

۲۹۰
۴۷۰

برهان قاطع یا مجموعة الافراق رد علی کمونیس والدهریان

[دین، فرقه شناسی، فارسی، منثور]

۱- اندازه :—بیرونی : ۱۸/۵ × ۱۳ × ۱/۵ س‌م. —درونی : سطرها مختلف و از ۴ تا ۱۳ سطر ۷/۵ × ۲/۵ تا ۱۳ × ۷ س‌م.

۲- اوراق : ۶۹ ورق . ۱۳۸ صفحه .

۳- کاغذ : نازک حنایی رنگ بخاری یا هندی، اندکی آب رسیده، جلد مقوایی سبزگون با عطف و گوشهٔ پارچه‌یی مخطط.

۴- خط : نستعلیق و ثلث آمیخته با تحریر، خوانا، روشن، پخته، عنوان ها و سرفصلها سبز گون، قرن ۱۲ ﻫ ق.

۵- کاتب : «بابا حاجی عبدالرحیم»، تاریخ کتابت: «۱۱۲۵ ﻫ ق»: در صفحهٔ ۱۳۷ چنین آمده است: «بتاریخ بیست و ششم صفر سنهٔ ۱۱۲۵ در شهر بلخ در عهد ابوالفیض خان بنکته بابا حاجی عبدالرحیم قلمی گردید».

۶- مؤلف : نام مؤلف و نام تألیف و تاریخ آن معلوم نشد، اما احتمال دارد «کاتب» و تاریخ کتابت، مؤلف و تاریخ تألیف هم باشد (رک : ۵ —کاتب) ضمناً در صفحهٔ ۱۳۸ به خط و جوهر سبز نوشته است: «تمت کتاب مجموعه‌ الافراق رد علی کمونیس والدهریان اکمال کتاب فی سنه ۱۲۵۳ ﻫ ق» این مطلب را بعدها نوشته اند زیرا با تاریخ کتابت مطابقت ندارد.

۷- آغاز : « بسم الله الرحمن الرحیم ، ابوهریره رضی الله عنه میگوید که از مهتر عالم صلی الله علیه وسلم از مذهب سنت و جاعت پرسیدم رسول علیه السلام این حدیث‌فرمودند که ان المجوسی افترقت علی سبعین فرقه‌ً الیهود علی احدی و سبعین فرقه‌ً و النصاری علی اثنی و سبعین فرقه‌ً و ستفترق امتی علی ثلاث و سبعین فرقه‌ً کلهم فی‌النار الا واحده‌ً قیل و من هم یا رسول الله‌تعالی قال الذین هم علی ما انا علیه و اصحابی » .

۸- انجام : « اهل سنت و جاعه‌ً اهل نجات و درجات اند ، فرقهٔ مستقیم الحال و زمرهٔ معتدل الاحوال ایشانند و آنچه سید الاولین و الآخرین محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم و اصحاب او برآن بوده اند و برآن رفته اند این طایفه برآنند و برآن میروند حق سبحانه و تعالی همه را شریعت مظهر دارد آمین یا رب العالمین» .

۹- چگونگی : موضوع این نسخه « فرق اسلام » است که بسیار خلاصه تألیف شده است . تقسیمات آن براساس شارش فرق هفتاد و دوگانهٔ اسلام است که مؤلف بر پایهٔ یک حدیث از حضرت محمدبن عبدالله (ص) تقسیم کرده است. در آغاز فرقهٔ جبریه و در آخر فرقهٔ سنیه یا فرقهٔ اهل سنت و جاعت آمده است . فهرست کلیهٔ فرق در این نسخه آمده و در آغاز و انجام به خط تازه کتابت شده است و در صفحهٔ اول نام نسخه را «برهان قاطع» و در صفحهٔ آخر «مجموعه‌ً الافراق رد علی کمونیس والدهریان» آمده است که شخصی از جانب خود نوشته است و درست نیست . جمله «بسم الله الرحمن الرحیم» با مرکب سرخ و به شکل‌طغرا در یک صفحهٔ آغاز نسخه کتابت شده است. نثر فارسی آن روان و آمیخته با آیات قرآنی و احادیث نبوی است . برای هر فرقه نخست حدیث و جمله‌یی به عربی می آورد و سپس به فارسی عقاید آن فرقه را می گوید و تا اندازه‌یی به نقد عقاید آن فرقه می پردازد. روی هم رفته نسخه یی است ارزنده و در خور تحقیق در فرق اسلامی» .

۸۹۰
―――
۳۷۰

بوستان

[ادب ، فارسی ، منظوم «مثنوی»]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۵×۱۵×۲/۵ سم. — درونی : ۱۵×۱۸/۵×۸/۵ سم.

۲- اوراق : ۱۴۵ ورق . ۲۹۰ صفحه .

۳- کاغذ : نازک سفید و خاکی رنگ سپاهانی ، اندکی آب رسیده ، اندکی وصالی شده ، جلد تیماجی ضربی نقش دار سرخ گون با عطف و گوشهٔ پوسیده . روی هر دو طرف جلد این جملهٔ ضرب شده است : «عمل بهاؤ الدین صحاف پشاوری» .

۴- خط : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، رسم الخط اردو ، عنوانها و نشانها و سر فصلها شنگرف خوش رنگ ، جدول یک خطی کنارهٔ بیرونی صفحات لاجوردی ، جدول ۶ خطی کنارهٔ ابیات (سطرها) سیاه و زرد و شنگرف ، جدول یک خطی میان ابیات شنگرف ، یک سر لوح خوش نقش و زرین در صفحهٔ اول و دوم ، میان سطرها نقاشی دندان موشی زرین. قرن ۱۱ ه ق.

۵- کاتب : «فقیر علی محمد» ، تاریخ کتابت ندارد : «تمام شد کتاب بوستان من تصنیف شیخ سعدی از دست فقیر علی محمد» .

۶- مؤلف : یا (شاعر) : «سعدی شیرازی متوفی ۶۹۱ ه ق» ، نام تألیف : «بوستان» یا «سعدی نامه» ، تاریخ تألیف (سرودن): «۶۵۵ ه ق» (رک : فهرست نسخه های خطی کتابخانهٔ گنج بخش ، ج ۱ ، ص ۶۲-۷۵).

۷- آغاز : «هوالمستعان ، رب یسر ، بسم الله الرحمن الرحیم ، و تمم بالخیر ،

به نام جهاندار جان آفرین — حکیمی سخن بر زبان آفرین
خداوند بخشنده و دستگیر — کریمی خطا بخش پوزش پذیر
عزیزی که از در گهش سربتافت — به هردرکه شد هیچ عزت نیافت
سر پادشاهان گردن فراز — به درگاه او بر زمین نیاز
نه گردن کشانرا بگیرد بفور — نه عذرآورانرا براند بجور»

۸- انجام : «نه یوسف که چندان بلا دید و بند — چو کارش توی گشت و قدرش بلند
گنه عفو کرد آل یعقوب را — که معنی بود صورت خوب را
بکردار بد شان مقید نکرد — بضاعات مزجات شان رد نکرد
ز لطفت همین چشم داریم نیز — برین بی بضاعت ببخش ای عزیز
کس از من سیه نامه تردیده نیست — که هیچم فعال پسندیده نیست
جزآن کاعتمادم به یاری تست — امیدم به آمرزگاری تست

بضاعت نیاوردم الا امید خدایا ز عفوم مکن نا امید»

۹- **چگونگی:** این نسخه از لحاظ خط و کتابت خوب است. در حدود ۴۳۰۰ بیت دارد و بر وزن «فعولن فعولن فعولن فعول یا فعل» از مزاحفات بحر متقارب مثمن محذوف یا مقصور است و تقسیمات آن بر اساس «در» و «باب» است و جمعاً «ده در» دارد. بدین شرح :

چو این کاخ دولت بپرداختم   درو ده در از تربیت ساختم
یکی باب عدل است و تدبیر و راء   نگهبانی خلق و ترس خداء
دویم باب احسان نهادم اساس   که منعم کند شکر حق را سپاس
سیوم باب‌عشق است و مستی‌و شور   نه عشقی که بندند بر خود به زور
چهارم تواضع رضا پنجمین   ششم ذکر مردی قناعت گزین
بهفتم در از عالم تربیت   بهشتم در از شکر بر عافیت
نهم باب توبه است و راه صواب   دهم در مناجات و ختم کتاب»

سعدی ، بوستان را به نام «اتابک ابوبکر بن سعد زنگی» و «اتابک اعظم محمد شاه» کرده است :

«که سعدی که گوی بلاغت ربود   در ایام بوبکر بن سعد بود»

یا : «اتابک محمد شهی نیکبخت   خداوند تاج و خداوند بخت»

کسرهٔ اضافه در این نسخه به صورت «ی» و همزه آمده است ، مانند : «شهی نیکبخت» و «گوء بلاغت» در دو بیت فوق . اکثر عنوان حکایات ، دقیق و کامل نوشته شده و در بیشتر جایها لفظ «گفتار» به جای «حکایت» آمده است. بوستان سعدی در سر زمین پاک و هند ، کتاب درسی است و نسخ خطی آن بسیار است و اغلب در مکاتب و مساجد به صورت خطی تدریس می شود و شرح های بسیار برآن نوشته اند .

۸۹۰
۳۸۲

بوستان

[ادب ، فارسی ، منظوم «مثنوی»]

۱- **اندازه** :—بیرونی ۲۴ × ۱۳ × ۳ سم .—درونی : ۱۵ س ۱۶ × ۷ سم.

۲- **اوراق** : ۱۵۱ ورق . ۳۰۲ صفحه .

۳- کاغذ : نازک سفید تیره رنگ سمرقندی ، اندکی کرم خورده ، اندکی آب رسیده ، جلد چرمی سرخ گون با عطف پوسیده و موش خورده .

٤- خط : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، جدولهای میان ابیات (مصراع ها) دو خطی سرخ و جدولهای کنارهٔ صفحات ۳ خطی سیاه و سرخ . عنوان‌ها و سر فصلها خالی است و فقط در آغاز چهار جا به خط سیاه عنوان دارد. قرن ۱۲ ھ ق . در آغاز یک سر لوح ساده به رنگ زرین و سبز دارد .

٥- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

٦- مؤلف : (رک : بوستان ۳۷۰ . /۸۹ ص ٤٤-٤٥) .

٧- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

بنام جهاندار جان آفرین — حکیم سخن بر زبان آفرین
خداوند بخشنده و دستگیر — کریم خطا بخش پوزش پذیر
عزیزی که از درگهش سر بتافت — بهر در که شد هیچ عزت نیافت
سر پادشاهان گردن فراز — بدرگاه او بر زمین نیاز»

۸- انجام : «جز این کاعتمادم به یاری تست — امیدم بآمرزگاری تست
دلم می دهد وقت وقت این امید — که حق شرم دارد ز موی سفید
عجب دارم ار شرم دارد زمن — که شرمم نمی آید از خویشتن
بضاعت نیاوردم الا امید — خدایا ز عفوم مکن نا امید»

۹- چگونگی : این نسخه از لحاظ خط و کتابت زیبا است . کاتب جای عنوانها را خالی گذاشته و کتابت نکرده است فقط در آغاز ده جا عنوان دارد . از صفحهٔ یک تا ۲۰ درمیان سطرهاو در کنارهٔ صفحات بعضی یادداشت‌های ادبی و توضیحات لغوی دارد . حرف «گ» همه جا به صورت «ک» است . بجای «ی» در کلماتی مانند «آید» و «بوی» همیشه همزه به کار می برد . «آئد» «بوئ» تقریباً ٤٢٥٠ بیت دارد .

٨٩٠
———
٣٨٣

بوستان

[ادب ، فارسی ، منظوم «مثنوی»]

۱- اندازه :—بیرونی ۲۷ × ۱۵ × ۳ سم . —درونی : ۱۳ س ۲۰ × ۹/۵ سم .

۲- اوراق : ۱۳۲ ورق . ۲۶۳ صفحه .

۳- کاغذ : نازک خاکستری رنگ سپاهانی ، کرم خورده ، اندکی وصالی شده ، جلد تیماجی سیاه .

٤- خط : نستعلیق خوش جلی ، خوانا ، روشن ، پخته ، جدولهای میان سطرها (مصراع ها) و در فواصل عنوان‌ها و سر فصلها ۲ خطی و جدولهای کنارهٔ بیرونی صفحات یک خطی لاجوردی و کنارهٔ سطرها ۷ خطی لاجوردی و سیاه و سرخ و سبز و زرین (۵ رنگ) ، یک سر لوح کتابه‌ی در آغاز . قرن ۱۲ ه ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ» کتابت ندارد .

٦- مؤلف : (رک : بوستان ۳۷۰/۸۹۰ ص ٤٤—٤٥) .

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

بنام خداوند جان آفرین — حکیم سخن بر زبان آفرین
خداوند بخشندهٔ دستگیر — کریم خطا بخش پوزش پذیر
عزیزیکه از درگهش سر بتافت — بهر در که شد هیچ عزت نیافت
سر پادشاهان گردن فراز — بدرگاه او بر زمین نیازه»

۸- انجام : «ز لطف همین چشم دارم نیز — برین بی بضاعت به بخش ایعزیز
کس ازمن سیه نامه تردیده نیست — که هیچم فعال پسندیده نیست
جز این کاعتمادم بیاری تست — امیدم بآمرزگاری تست
بضاعت نیاوردم الا امید — خدایا ز عفوم مکن نا امید

تمت الکتاب بعون الملک الوهاب ، تم تم تمت تمام شد کار من کار من نظام شد»

۹- چگونگی : این نسخه از لحاظ خط و کتابت و لوح و جدول زیبا است . همهٔ عنوانها و

سر فصلها به خط سرخ خوش جلی کتابت شده است . در حدود ٤٦۰۰ بیت دارد (رک : بوستان ۸۹۰/۳۷۰) . در صفحهٔ آخر این بیت آمده است :

«نعت شریف حضرت سید المرسلین

تو جان پاک سربسر نی ز آب و خاک ای نازنین

والله ز جان هم پاک تر روحی فداک ای نازنین

پاکان ندیده روی تو دادند جان بر بوی تو

اینک به گرد کوی تو صد جان پاک ای نازنین»

۸۹۰/٤٥۰

بوستان

[ادب ، فارسی ، منظوم «مثنوی»]

۱- اندازه :—بیرونی : ۱٦/٥ × ۱۰ × ۲ سم . —درونی : ۱٥ س ۱۱/٥ × ٦ سم .

۲- اوراق : ۱٥۰ ورق . ۳۰۰ صفحه .

۳- کاغذ : نازک سفید رنگ طرح سمرقندی ، اندکی پوسیده و وصالی شده ، جلد مقوایی چرمی پوسیده و تیره گون .

٤- خط : نستعلیق ، خوانا ، روشن ، پخته ، رسم الخط فارسی ، عنوانها و نشانها و سرفصلها شنگرف . قرن ۱۳ ه ق .

٥- کاتب : «احمد ولد میرزا مرتضی قلی» تاریخ کتابت : «۱۲٥۷ ه ق» : «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب مسمی ببوستان شیخ سعدی شیرازی علیه الرحمه حرره اقل العباداحمد ولد میرزا مرتضی قلی مرحوم غفر الله له ولوالدیه در کوهدامن دارالسلطنهٔ کابل جنت تقابل که سفر اتفاق افتاده بود بجهه یکی از فرزندان ارجمندان قرة الابصار عبد الصمد قلمی شد که بخواندن ذوق تمام ورغبت مالاکلام داشت امید از سالکان واقفان طریقهٔ دانش و نکته سنجان عرصهٔ بینش است که هرگاه در نوشتن کتاب سهوی یا خطایی کرده باشد بقلم عفو اصلاح و بگزلک عنایت درست نمایند ،

بپوش گر بخطایی رسی و خرده مگیر که هیچ ذات بشر خالی از خطا نبود

تحریر فی یوم چهار شنبه بیست و دویم شهر ربیع الاول سنهٔ ۱۲٥۷ یکهزار

دو صد و پنجاه و هفت صورت اتمام پذیرفت ،

هرکه خواند دعا طمع دارم / زانکه من بندهٔ گنه کارم

تم (۳۰ بار).

۶- مؤلف : (رک : بوستان ۳۷۰/۸۵۰ ، ص ۴۵).

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

بنام جهان دار جان آفرین / حکیم سخن بر زبان آفرین
خداوند بخشندهٔ دستگیر / کریم خطا بخش پوزش پذیر
عزیزی که از درگهش سربتافت / بهر درکه شد هیچ عزت نیافت
کسی راکه مهر تواز سر فکند / بپامردی کس نگردد بلند»

۸- انجام : «زلطفت همین چشم داریم نیز / برین بی‌بضاعت ببخش ای عزیز
کس ازمن سیه نامه تردیده نیست / که هیچم فعال پسندیده نیست
جزین کاعتقادم به یاری تست / امیدم باسید کاری تست
بضاعت نیاوردم الا امید / خدایا زعفوم مکن نا امید»

۹- چگونگی : این نسخه از لحاظ کتابت و رسم الخط فارسی قابل توجه است وضمناً در «کوهدامن» که در قریه یا شهرکی از افغانستان است برای تدریس فرزند «کاتب» به نام عبدالصمد کتابت شده است. در آغاز و انجام بعضی حساب‌های روزانه و یادداشت ها نوشته شده است. و نشان چند مهر داردکه اینگونه خوانده شدند : «یاغفار ۱۲۸۲» و «محمد شریف ۱۲۹۷».

این سه بیت در آخر نسخه از کاتب خواندنی است :

«به یاد لعل لبت دی بمحفل عشقم / پیاله بود پر از خون دیده مینا را
ز شوق طفل سرشکم نگر چومرغابی / حباب بیشتر و موج چشم دریا را
متاب روی زاحمد بتا سرت گردم / که مهوشان بنوازند پیر دانا را»

۸۹۰
۵۶۲

بوستان و شرح آن

[ادب ، اخلاق و حکمت ، فارسی ، منظوم «مثنوی» و منثور]

۱- اندازه :—بیرونی : ۲۸×۱۹×۱ سم. —درونی : ۱۷ تا ۱۹ بیت (متن) . س (حاشیه به طور مورب) و ۶ س (زیر نویس).

۲- اوراق : ۶۲ ورق. ۱۲۴ صفحه.

۳- کاغذ : نازک خاکی رنگ سیالکوتی، کرم خورده، وصالی شده، آب رسیده، جلد مقوایی ملون با عطف و گوشهٔ پارچه یی سیاه رنگ و پوسیده.

۴- خط : نستعلیق خوش جلی (متن) و شکسته و تحریر خفی (زیر نویس و کنارهٔ متن)، روشن، پخته، عنوانها و نشانها وسر فصلها شنگرف، جدولهای یک خطی و ۲ خطی و سه خطی فواصل مصراع ها و عنوانها وکنارهٔ متن و حاشیه شنگرف و زرین و سیاه، قرن ۱۲ ه ق. رسم الخط فارسی.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶ مؤلف : (رک: بوستان ۳۷۰/۸۹، ص ۴۵).

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم،

بنام جهاندار جان آفرین	حکیم سخن بر زبان آفرین
خداوند بخشنده و دستگیر	کریم خطابخش پوزش پذیر
عزیزی که هر گزدرش سربتافت	به هردر که شد هیچ عزت نیافت
سر پادشاهان گردن فراز	به درگه او بر زمین نیاز».

۸- انجام : افتادگی دارد و چنین پایان می یابد:

«یکی را که دربند بینی مخند	مبادا که ناگه در افتی ببند
ترا آسمان خط به مسجد نبشت	مزن طعنه بر دیگری درکنشت
به بندای مسلمان شکرانه دست	که زنار مغ بر میانت نه‌بست
نه‌خود می رودبه که جویان اوست	به‌عنفش کشان‌می‌برد لطف دوست»

۹- چگونگی : این نسخه که «بوستان سعدی» یا «سعدی نامه» نامیده می شود، از لحاظ متن و یادداشت های کنارهٔ صفحات و زیر نویس ها و معانی لغات ادبی و توضیحات تاریخی و تفسیرات دینی و اخلاق و فلسفی بسیار ارزنده است. کنارهٔ هربیت شمارهٔ ترتیب گذارده شده، وبا اشاره به همان شماره در زیر نویس وکنارهٔ متن به توضیحات می پردازد. در آغاز یک لوح ساده در زمینهٔ گل و بوته نگاری تعبیه شده است. برای هر حکایت، عنوان آن در یک یا دو جمله است. متأسفانه این نسخه ناقص است و تا اواخر باب چهارم (تواضع) ادامه دارد. معانی لغات در زیر نویس و توضیح آنها درکنارهٔ متن آمده است.

۸۹۰
۳۱۵

بهار دانش

[ادب ، تاریخ ، فارسی ، منظوم و منثور]

۱- اندازه :- بیرونی : ۲۸×۱۶ × ٤س‌م.-درونی : ۱۷س‌م۵/۲۲×۵×۱۰س‌م .

۲- اوراق : ۲۳۲ ورق. ٤٦۳ صفحه .

۳- کاغذ : ضخیم زرد تیره رنگ سیالکوتی ، جلد مقوایی لاجوردی باعطف و گوشهٔ پارچه‌یی خاکستری رنگ.

٤- خط : نستعلیق خوش ، سخت خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشان‌ها و سرفصلها شنگرف خوش رنگ ، جدولهای یک خطی و پنج خطی کنارهٔ صفحات سیاه و شنگرف و زرد گون ، یک سرلوح در آغاز و ۲۱ تصویر (مجلس) دارد . تصویر دوازدهم در صفحهٔ ۲۵۹ پاره شده و نیمی بیش‌تر از آن موجود است سبک نقاشی مخصوص سرزمین پاک و هند است .

۵- کاتب : نام کاتب و نقاش و تاریخ کتابت ندارد، اما تاریخ فروش آن «۱۲٦۵ ه ق» در صفحهٔ ٤٦۳ ثبت است : «همین نسخهٔ بهار دانش‌ملکیت من دایولنا موسنکه پسها کهنه چرخت بود به دست منشی غلام محمد خان ساکن کهری اختیار خان فروختم و قیمت کتاب بتصرف آوردم ، ۲٤ ماه محرم سنهٔ ۱۲٦۵ دیگر دعوی نیست و نخواهم کرد» . (رک : ۹- چگونگی) .

٦- مؤلف : «عنایت‌الله» ، تاریخ تألیف : «۱۰٦۱ ه‌ق» ، نام تألیف : «بهار دانش» : (رک : فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ گنج بخش ، ج یکم ، ص ۷۵-۷۸) .

۷- آغاز : رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر ، فاتحهٔ کتاب مستطاب آفرینش و پیرایهٔ صحیفهٔ دانش و بینش حمد خداوند خود بخش آفرین صورت نمای معنی ایجاد و تکوین است که پیر لطایف ابداع و صنایع اختراع قدرت کاملهٔ اش‌از ماه تا بماهی گواهی داده و از ذره تا خورشید بروحدانیت ذات برحق و یگانگی مطلقش زبان اقرار برو گشاده و سخن سبز بختان بیدار درون از روشنی وصفش رو سفید و جاوید است » .

۸- انجام : «و بمقتضای مراسم مستمرهٔ این ویرانه آباد چون گنج بخاک سپردند و طلسم

عبرت برآن تعبیه کردند که پرویزن چه سان گرد عدم بر حال بزم نشینان بجهه سرور اباوجود راستی از کجروی آسمان ماو زنجیر و نسیم باهمه لطیف نسیمی از سبک روحی جور روزگار از دست آب اسیر هیچ است همین نوو کهن و خویشتن را ،

اینجا سحری نشد برومند کش باد فنا ز پا نیفکند

. . . . . نظاره بند بودن تاچند فنا پسند بودن

بود یکه پا و کاروان تیز بر خیز از این کریوه برخیز

المنه لله آنست که این نگارین نامهٔ محبت آگن که رشک فرمائی و کارخانهٔ چنین مدد کاری توفیق جان آفرین حسن تمامیت و زیب اختتام پذیرفته ،

هر که خواند دعا طمع دارم ز آنکه من بندهٔ گنهکارم

نوشته بماند سیه بر سفید نویسنده را نیست فردا امید

تم (۲۰ بار)» .

۹- **چگونگی :** موضوع نسخهٔ «**بهار دانش**» وصف مناظر طبیعی و بیان و شرح دیدارها و ملاقات ها با دوستان در باغ و بوستان و گل چیدن و در سبزه دویدن است و آمیخته با نثر و نظم فارسی است و تقسیمات آن براساس موضوعاتی قراردارد که مؤلف در نظر داشته است . آنگونه که از مقدمهٔ نسخه بر می آید ، مبنای آن برداستانهای هندی قرار دارد و در زمان «شهاب الدین محمد صاحبقران شاه جهان غازی گیتی ستان (ص ۷ نسخه)» که همان شاه جهان اول (سلطان خرم) (جلوس ۱۰۳۷ و عزل ۱۰۶۸ ه ق) است نوشته شده است و چون بهار دانش در سال ۱۰۶۱ ه ق آغاز شده ، پس در سال ۲۴ سلطنت او بوده است (رک : فرهنگ معین ، ج ۵ ، ص ۸۷۸) . دربارهٔ تألیف آن در صفحهٔ ۷ چنین آمده است : «پس آیین داستان دلستان که گلهای معانی را تازه بوستانی است به زبان هندی . . . . به عرض بیان آورد . . . . . گفت که باید . . . . . . این جوزهندی برآتش فارسی گذاشته آید» . این نسخه باوجود آن که جدول دارد و مصور شده است ، از لحاظ خط و کتابت ضعیف است وسهوالقلم کاتب فراوان دارد . نقاشی تصاویر (مجلس های) آن به سبک هندی است . لباس ها و زیورها و آراستن منظرهٔ هر تصویر (مجلس)

این مسأله را خوب نشان می دهد (رک : نمونه‌ها) . نسخهٔ بهار دانش را در سرزمین پاک و هند جزو «درس نظامی همانند گلستان و بوستان سعدی و یوسف و زلیخای جامی و اسکندر نامهٔ نظامی و کریما و نام حق می خوانده‌اند و بدین جهت نسخه‌های خطی فراوان دارد و تاکنون چندین بار در لاهور و بمبئی و حیدرآباد دکن چاپ و نشر شده است (رک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش، ج ۱ ، ص ۷۵-۷۸) .

در آغاز و انجام و لابلای صفحات این نسخه بعضی یادداشتها و توضیحات آمده است از جمله معلوم می دارد که تاکنون ۵ بار خرید و فروش شده است . وقتی که در ملکیت نند کور ولد لاله دیوزیل بوده ۲٤ تصویر داشته در صورتی که اکنون ۲۱ تصویر دارد . اینک مالکان آن :

«مالک این کتاب بهار دانش بنده نند کور ولد لاله دیوزیل عرف کپور ساکن محلهٔ بهای جرکن شاه است ، هر کسی دعوی کند کاذب و دروغ گو باشد ، مورخه ۲٦ پاک کروده سمت ۱۹۱۲» .

«مالک این کتاب بهار دانش رام نراین ولد نند کور عرف کپور محلهٔ بهای جرگن شاه است . هرکسی دعوی کند درگاه خداوند گرفتار باشد» (۲ بار با دو نوع خط نوشته است) . «همین نسخه بهار دانش ملکیت من دایولنا موسنکه پسا کهنه چرخت بود به دست منشی غلام‌محمد خان ساکن کهری اختیار خان فروختم و قیمت کتاب به تصرف آوردم بتاریخ ۲٤ ماه محرم سنه ۱۲۶۵ دیگر دعوی نیست و نخواهم کرد» . «فولت گوید ، در ملک فقیر عبدالمجید است هرکه دعوی کرد دروغ است» . نشان مهر این مالک آخرین «عبدالمجید ۱۳۰۲» آمده است .

۲۹۰
۵۶۵

بیاض دعا

[دین ، ادعیه و اوراد ، عربی و فارسی اردو ، منثور و منظوم]

۱- اندازه :- بیرونی : ۱۵/۵ × ۸/۵ سم .- درونی : ۸ تا ۱۵ س ۱۱/۵ × ۵/۵ سم .

۲- اوراق : ۲۶۷ ورق . ۵۳۳ صفحه .

۳- کاغذ : نازک سفید رنگ سمرقندی و سپاهانی ، اندکی کرم خورده ، آب رسیده ، جلد مقوایی ملون با عطف پارچه‌یی سرخ رنگ .

٤- خط : ثلث خوش (متن عربی) و نستعلیق و تحریر (ترجمه و زیر نویس فارسی اردو)، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سر فصلها و نشان ها شنگرف ، جدولهای ۵ خطی کناره متن لاجوردی و زرین و سیاه ، و جدولهای خطی فواصل سطرها سیاه . قرن ۱۱ و ۱۲ ه ق .

۵- کاتب : نام « کاتب و « تاریخ کتابت » ندارد .

٦- مؤلف : یا « گوینده » و یا « مترجم » هیچ کدام از ادعیه و اوراد به طور صریح و واضح معلوم نشد (رک : ۹- چگونگی) .

۷- آغاز : این نسخه از دو طرف آغاز شده و درمیانه ، مطالب دعایی آن به هم پیوسته است ! از یک طرف اینگونه آغاز می شود : « دعای کمیل بن زیاد هر که در هر شب جمعه یا در ماهی یا در سالی یکمرتبه یا عمری یک مرتبه بخواند تا کفایت شر دشمنان از تو بشود و یاری کرده شوی و روزی داده شوی و البته آمرزیده شوی ، اینست دعا بسم الله الرحمن الرحیم بنام خداوند بخشاینده و مهربان اللهم انی اسئلک برحمتک خداوند بدرستی که من سؤال من کنم از تو بحق رحمت تو » .

۸- انجام : سوره یس مکیه و هی ثلث و ثمانون آیه بسم الله الرحمن الرحیم ، یس والقرآن الحکیم » .

۹- چگونگی : این نسخه در موضوع « اوراد و ادعیه و خواص آنها » است و چند سوره از قرآن شریف هم در آن کتابت شده است اکثر دعاها از صحیفه کامله سجادیه و دیگر کتب شیعه اثنی عشری است: اسامی بعضی از دعاها این است: «دعای کمیل دعای جوشن صغیر در ۲۰ فقره دعاهای ایام هفته دعای سریانی » ، و زیر نویس فارسی این دعا ها روان و ساده و سره است . از صفحه ۲۶۹ تا ۳۱۹ مطالبی منثور و منظوم به فارسی آمده است که گویا از ضیاء نخشبی باشد و چنین آغاز می‌شود : «بسم الله الرحمن الرحیم ، بعد تمهید قواعد محامد احدی و تشهید مدایح محمدی بنده ضیاء نخشبی الان چنین میگوید» . در همین مطالب منثور و منظوم خاصیت دعای سریانی را به زبان فارسی در « ۳۹ خاصیت» آورده‌است (ص ۱۷۵ - ۲۷۹) . اینک ابیاتی از مطالب منظوم :

چنین گفتند ما را اهل اوستاد بروح پاک انسان نور حق باد
که بود اندرز نور وحی سبحان مبارک سورهٔ مانند رحمان

منم موجود ای طالب کجایی چرا در حضرت ما در نیایی
بخوابی غیر ما را هیچ وقتی اگر شایستهٔ درگه مایی

برخی از اشعار به زبان اردو و پنجابی است (ص ۲۵۳ ببعد).

سبھونکا بھلے تو ہے حضرت خدا تکیا بھر او سکے بعد در پاک مصطفی تکیا

کیا کہوں دور کی دل ازار ہے جب سے گذری ہے وقت بیکار ہے»

۸۹۰ و ۹۵۰
۴۸۶

پادشاه نامه

[تاریخ و ادب ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- اندازه : —بیرونی ۳۳/۵×۲۱×۴س م. —درونی : ۲۱ س ۲۶×۱۴ س م.

۲- اوراق : ۲۸۱ ورق. ۵۶۲ صفحه.

۳- کاغذ : نازک سفید تیره رنگ سمرقندی، اندکی کرم خورده ، وصالی شده، آب رسیده، جلد مقوایی خاکستری رنگ با عطف و گوشهٔ قهوهی رنگ

۴- خط : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته، رسم‌الخط فارسی ، عنوانها و نشان‌ها و سر فصلها و خط های‌افقی بر بالای شواهد و جملات سهم شنگرف، در آغاز یک سر لوح خوش و کتیبه دار در زمینهٔ زرین با ترنج های خوش رنگ ارغوانی و لاجوردی و زرین. جدولهای متن یک خطی شنگرف و جدولهای چهار خطی کنارهٔ متن سیاه و زرین ، قرن ۱۱ ه‍ ق

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶- مؤلف : «**ملا عبدالحمید لاهوری المتوفی سنهٔ ۱۰۶۵ ه‍ ق**» ، نام تألیف : «**پادشاه نامه** ، جلد اول» ، تاریخ تألیف : «**در عهد شاه جهان**» یعنی « ابو المظفر شهاب الدین محمد صاحبقران ثانی شاهجهان پادشاه غازی». در صفحهٔ ۱۶ و ۱۷ چنین آمده است : «بعضی از ملتزمان بساط بقرب بعرض اشرف اقدس

رسید که عبدالحمید لاهوری المولد و المنشأ . . . بتحریر این نامهٔ نامی که باسم سامی پادشاه نامه موسوم گردید پرداخت» .

۷- آغاز : «بسم‌الله الرحمن الرحیم ، نگارین کلامی که گزارش آن دآمن سامعه را جواهر آگین کند و نگارش آن حبیب نامه را عنبرین سپاس والا اساس آفرینندهٔ آسمان و زمین است رنگین مقالی که دیباچهٔ صحیفهٔ دانش و سر لوح صفحهٔ بینش سزد ستایش بیقیاس دارندهٔ مکان و مکین قیومی که سایه‌بان آسمان را بی اطناب و اساطین بر افراخت» .

۸- انجام : «لله الحمد که

سخن را دادم از دولت بلندی	بفرخ فالی و فیروز مندی
زدم بر نام شاهنشه رقم را	طراز آفرین بستم قلم را
چوابرو یا سری‌هم‌جفت‌و‌هم‌طاق	شهاب الدین محمد شاه آفاق

سایهٔ گرانمایهٔ این سایهٔ آسمان پایهٔ ایزدی که چون طوبی دور و نزدیک سایه نشین اوست ، و مانند آفتاب آباد و خراب نور آگین او سایه و آفتاب همنشین همدگراند و روز و شب قرین یکدیگر بر مفارق جهالیان مبسوط و ممدود باد» .

۹- چگونگی: این نسخهٔ جلد اول «پادشاه نامه» و موضوع آن در تاریخ محمد شاه جهان پادشاه غازی (۱۰۰۰-۱۰۶۷ ه ق) است . تقسیمات آن بر اساس «بیان» و عنوانهایی است که از طرف مؤلف برگزیده شده است و چون هم عصر شاهجهان بوده مطالب را بر حسب تاریخی و سال جلوس آورده است . متأسفانه این نسخه شامل یک جلد است و جلد دوم آن فعلاً در دست ما نیست . فهرست مطالب آن در ۷ صفحه در آغاز آمده است که «بیان گزارش باعث این نگارین نامه» در آغاز و «بیان ملا خواجه» در انجام است و گویا یک ورق فهرست افتاده است . نثر فارسی این نسخه محکم و منسجم و روان و شیرین و آمیخته با اشعار برگزیده و مطالب مستند و اعداد تاریخی و ارقام و جداول نجومی است . از آیات قرآنی و احادیث استفاده شده است . کلیهٔ آداب و رسوم عصر مؤلف و منصب ها و مقام ها بطور دقیق و با ذکر تاریخ و تعداد آورده شده است . تعدادی از اشعار شاعران معاصر مؤلف با ذکر نام آنان به دست داده شده است علما و اطبا را با ذکر

طبقه نشان داده است. روی هم رفته نسخه یی است ارزنده و در خور تحقیق و جست و جو در زبان و ادب فارسی و شاعران و عالمان و طبیبان دورهٔ محمد شاه جهان پادشاه. در صفحهٔ آغاز و انجام چند جمله و چند شعر به خط تازه کتابت شده و در گوشه و کنار صفحات مطالب از یاد رفته و سهوالقلم های کاتب افزوده شده است.

۸۹۰
۴۸٤

پند نامهٔ عطار

[ادب، پند و اندرز، فارسی، منظوم «مثنوی»]

۱- اندازه :—بیرونی: ۲۳×۱۵×۵/. س م. — درونی: ۱۵ س ۱۹×۹ س م.

۲- اوراق : ۳۱ ورق. ۶۲ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم زرد تیره رنگ سیالکوتی، آب رسیده، کرم خورده، وصالی شده، بدون جلد.

٤- خط : نستعلیق، خوانا، روشن، رسم الخط اردو، عنوانها و سرفصلها شنگرف. قرن ۱۲ ه ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶- مؤلف : یا (شاعر): «**شیخ فریدالدین عطار نیشابوری متوفی ۶۱۷ یا ۶۲۷ ه ق**»، نام تألیف ظاهراً «**پند نامه**» یا «**حمد بیحد**» شهرت دارد. تاریخ سرودن معلوم نشد (رک: ۹—چگونگی).

۷- آغاز : «بسم‌الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر،

حمد بیحد مر خدای پاک را — آنکه ایمان داد مشتی خاک را
آنکه در آدم دمیده روح را — داد از طوفان نجات نوح را
آنکه فرمان کرد قهرش باد را — تا سزایی داد قوم عاد را
آنکه لطف خویش را اظهار کرد — بر خلیلش نار را گلزار کرد»

۸- انجام : «چون ندارم در دو عالم جز تو بس — هم بآنساعت مرا فریاد رس
شربت شهد شهادت نوشیم — خلعت فضل و کرامت پوشیم
جان و جانم را ز خود آگاه کن — لطف خویشت همدم و همراه کن

هر کہ خواند فاتحہ گوید مرا از برای حسبنا للہ مرا
تمت تمام شد».

۹- **چگونگی :** این نسخہ ظاهراً بہ «پند نامہ» وگاهی «حمد بیحد» معروف است و در موضوع پند و اندرز است. در مدارس و مکاتب قدیم و جدید در سر زمین پاک و هند تدریس می شود و معمولا هر کس کہ در مدارس قدیم درس فارسی خوانده باشد، مقداری از ابیات آنرا ازبر دارد. تقسیمات آن بر اساس موضوعاتی است کہ از طرف شاعر عنوان شده است: «حمد خدا، نعت رسول (ص)، وصف چهار یار، وصف علمای اهل سنت و جماعت، مناجات» در آغاز، و سپس مطالب دیگر در نیک بختی و بدبختی، ریاضت، درویشی و رستگاری و امثال اینها می آید و در انجام فضیلت نقر فقیران و خاتمہ" کتاب آمده است. بر وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلات یا (فاعلن)» بحر رمل مسدس محذوف یا مقصور سروده شده است و در حدود ۹۰۰ بیت دارد و اشعار آن محکم و روان و منسجم است و برای مبتدیان آسان».

۲۹۰ / ۵۲۵ تاج التراجم فی تفسیرالقرآن للاعاجم

[دین، تفسیر، فارسی و عربی، منثور]

۱- **اندازه :** —بیرونی : ۱۰ × ۲۴ × ۳۵ سم. —درونی : ۱۵ و ۱۶ و ۲۰ س ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ × ۱۸ سم.

۲- **اوراق :** ۵۶۰ ورق. ۱۱۲۰ صفحہ.

۳- **کاغذ :** ضخیم خاکی رنگ خان بالغ، آب رسیده، وصالی شده، جلد مقوایی و گالینکوری (نو). متأسفانہ بہ علت جلد سازی و صحاف، لبہ های نسخہ بریده شده و مقداری از متن و حواشی و سر جزو ها و ترنج ها ضایع گشتہ است. جلد ساز حتی آیات قرآن را هم بریده است.

۴- **خط :** ثلث عربی جلی (متن قرآن) و ثلث عربی متوسط (ترجمہ و تفسیر)، خوانا، روشن، رسم الخط کهن و قدیم، نشان آیات شبیہ گل های چهار برگ و ۵ برگ و برگ زرین، سر جزو ها و سر حزب‌ها و سر سوره ها ترنج و نیم ترنج زرین و سبزگون، آغاز همہ' سوره‌ها بہ خط ثلث زرین، قرن ۶ ھ ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

۶- مؤلف : یا (مفسر) : «ابو المظفر شاهفور بن طاهر بن محمد اسفراینی و عماد الدین ابو المظفر طاهر بن محمد اسفراینی متوفی ۴۷۱ ه ق» موسوم به «شهفور» شهپور یا شاهفور = شاهپور» نام تألیف (تفسیر) : «تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم» ، تاریخ تألیف (تفسیر) معلوم نشد . در صفحهٔ ۱۰ (ورق ۵) نام تألیف چنین آمده است : «نام این را تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم لقب نهادند» و نیز در صفحهٔ ۸۱۰ (ورق ۴۰۵) اینگونه آمده است : «تمت الجلد الثانیه بعون الله من کتاب تاج التراجم» . (رک : تاریخ نثر و نظم در ایران و در زبان فارسی ، تألیف سعید نفیسی ج ۱ ، ص ۱۱۷ ، ج ۲ ، ص ۷۲۷) .

۷- آغاز : ناقص است و افتادگی هایی دارد و چنین شروع می شود : «آفریذه است و معنیش آنست کی هرچه جز از خدای است آن را اول هست ازیراکه از حالی بحالی همی گردد و گردیدن آن بود کی حالی بشوذ و دیگری بیایذ اما آن حال که آمذ بضرورت همی دانی که آن را اول هست جنانک بینی بمشاهده و نشایذ که مستقبل بوذ ازیرا کی انتقال نشایذ و اما ان حال شذ همی دانی که بآخر رسید» .

۸- انجام : ناقص است و تا تفسیر آیهٔ ۱۱۱ از سورهٔ یوسف این گونه پایان می یابد : «انا نریک من المحسنین و قتاده گویذ کجون بلای ایشان سخت شذی اندر زندان یوسف علیه السلام برخاستی اندر میان ایشان و گفتی بشارت باذا شما را شما صبر کنید تا خذای عز و جل شما را ثواب دهد بر آن ثوابی عظیم و این مثل را کفارتی باشذ و گناهان شما را تمحیضی باشذ و جون ایشان این سخن بشنیدندی گفتند برکه خذای عزو جل بر تو باذا» .

۹- چگونگی: این نسخه از جمله تفاسیرفارسی قرآن شریف است که در نوع خود یکتا و بی همتا است . روشن تفسیر در این نسخه چنین است :

۱- مختصات هر سوره را به طرزی نو و فشرده به زبان فارسی قرن پنجم «سبک خراسانی» می آورد و تعداد آیات و جزو ها و حروف و مکی و مدنی بودن و جای نزول و مقصود از نزول آیات را و خواص خواندن (تلاوت) هر سوره را به دست می دهد

۲- آیات قرآنی را می آورد و آنها را به فارسی ترجمهٔ تحت اللفظی می کند و لفظ فارسی را زیر کلمهٔ عربی آن می نویسد.

۳- بعد از ترجمهٔ تحت اللفظی به تفسیر آیات می پردازد و به زبان فارسی خلاصه و مقصود هر آیه را می آورد .

از لحاظ زبان فارسی و مخصوصاً «نثر فارسی» ، این تفسیر بسیار ارزنده است . در ترجمه و تفسیر کوشیده است که لغات برگزیده و جملات محکم و و عبارات منسجم آورد . از لحاظ رسم الخط همان سبک و روش قرن پنجم و ششم را دارد . مثلاً :

۱- حروف «پ ، چ ، د ، گ» به صورت «ب ، ج ، ذ ، ک» کتابت شده است .

۲- الفاظ «که» و «چه» و «بدانکه» و «چنانچه» و امثال اینها به صورت «ک» و «کی» و «ج» و «بدانک» و «جنانج» کتابت شده است .

۳- سرکش کاف به صورت «زبر» درکنار کلمه ، و زیر حرف «س» در همه جا ۳ نقطه ، و داخل حرف «ی» (متصل و منفصل) همه جا ۲ نقطه‌قرار دارد .

٤- حرف «ی» مفرد به کلمهٔ ما قبل متصل است . اینک یک عبارت فارسی برای نمونه :

«مجاهد گویذک معنی این ایت انست کی هیچ کس نبوذک از جهوذان نه جون ملک الموت را بینذ ایمان آورذ بخذای عز و جل و لیکن ایمان وی را سوذ ندارد اندر آن وقت و بس ازین بدیذ کرد خدای عز و جل بسبب ستکاری ایشان» .

هنگام تفسیر گاهی از احادیث نبوی و اشعار عربی استفاده شده است اما شعر فارسی در آن دیده نشد . بعضی از کلمات و افعال در این نسخه بدین صورت آمده است : «فرستیذن ، نبیسیذن ، لبشتست» . در آغاز این نسخه یک مقدمه از مفسرآن آمده است که باوجود اینکه افتادگی دارد و ناقص است بسیار ارزنده است . در این مقدمه تاریخ ترجمه و تفسیر و روش ترجمه و تفسیر را می توان یافت و عقاید و آرای مفسران و مترجمان و عالمان علوم قرآنی را می توان دید و بر «چهار فصل» تقسیم شده است : «و بدان که اندر مقدمهٔ این کتاب چهار فصل یاذ کنیم :

فصلی اندر بیان فضیلت ترجمه کردن قرآن را بلغتهای دیگر او و جوب آن اندر برخی احوال . فصلی اندر بیان اعتقاد اهل سنت و جماعت اندر اصول دیانت . و فصلی اندر معانی اسماء خدای تعالی تنبیه کند . . . اوصاف و صفات وی و فصلی اندر بیان ترجمهٔ برخی از آن اخبارکی آمده است اندر فضیلت قرآن و . . . اهل قرآن» .

در فصل شرح و تفسیر اسمای باریتعالی، نود و نه نام خدا را توضیح و تفسیر نموده و این فصل از لحاظ نثر زبان فارسی بسیار ارزنده است . متأسفانه این نسخه با این درجه اهمیت و ارزش ، ناقص است و از مقدمه شاید ۲ تا ۳ ورق افتاده باشد و از آخر تا آیهٔ ۱۱۱ سورهٔ یوسف جزو ۱۲ ادامه دارد .

از اواسط آن نیز افتادگی هایی دارد . نام این تفسیر را «تفسیر اسفراینی» و «تفسیر طاهری» نیز می گویند . هنوز چاپ نشده است . نسخ خطی آن در کتابخانه های دیگر نیز موجود است . (رک : فهرست نسخه های خطی فارسی ج ، تألیف احمد منزوی ، ص ۹—۱۰) .

۹۵۰
۳۸۶

تاریخ نگارستان

[تاریخ ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- **اندازه** :—بیرونی : ۲۲ × ۱۶ × ٤ س م . —درونی : ۱۷ س ۱۷ × ۹ س م .

۲- **اوراق** : ۳٤۵ ورق . ۶۸۹ صفحه .

۳- **کاغذ** : ضخیم زرد تیره رنگ کشمیری ، اندکی وصالی شده ، آب دیده ، جلد مقوایی وپارچه یی آبی با عطف چرمی سیاه .

٤- **خط** : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشانها و سرفصلها شنگرف ، بالای بعضی از کلمات شواهد و جملات عربی خط سرخ کشیده شده ، قرن ۱۱ ه‍ ق .

۵- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

۶- **مؤلف** : «ابن محمد احمد» معروف به «قاضی احمد غفاری متوفی ۹۷۵ ه‍ ق» ،

نام تألیف: «**تاریخ نگارستان**»، تاریخ تألیف: «**۹۵۹ ه ق= نگارستان واقع**».

در صفحهٔ ٤ چنین آمده: «بر خاطر فاطر این ذرهٔ بیمقدار.... الفقیر محمد احمد و صله الله تعالی الی السعادت السرمد تافت که این درر غرر را از لجهٔ سفاین معتبر..... بر چیده نثار بارگاه عرش اشتباه سازد و..... هر آینه به نگارستان موسوم گردده»، و در صفحهٔ ۶۸۸ و ۶۸۹ چنین: ازین دو سه بیت اطلاع بحصول می پیوندد:

درین روضه که از فرط نوادر	شود هردم نگار تازه لامع
پی تاریخ و نامش فکر کردم	فلک گفتا که هست این نکته جامع
جو در واقع نگارستان چین است	ازین آمد نگارستان واقع»

۷- **آغاز**: «رب یسر بسم‌الله الرحمن الرحیم، و تمم بالخیر،

ای طرازندهٔ بهارستان	ای نگارندهٔ نگارستان
از کرم تازه کن بهارم را	رقم صدق ده نگارم را
دور دار از عناد حسادش	به نبی و علی و اولادش

حضرت سلطان خسرو مالک رقاب ممالک تقدیر، فرد:

نگارندهٔ پیکرانس و جان	نویسندهٔ قصهٔ کن فکان

اعظم سلطانه که سالکان مسالک قرب در ادای محمدت و ثنایش راجل‌اند و بار یافتگان سرادقات کبریا از عهدهٔ شکر آلایش بعجز قایل».

۸- **انجام**: «و این سفینه که فی الحقیقت حبابی است بر سر آب و نمود اری است از سراب همچو مخترعات بی‌خردان بی‌ته و چون تصورات جاعه کودکان کوته لعب طفلان را لایق و شهید خاطر غافلان را موافق در تاریخی که سمت اختتام و صورت انجام یافت، ازین دو سه بیت اطلاع بحصول می پیوندد، قطعه:

درین روضه که از فرط نوادر	شود هردم نگار تازه لامع
پی تاریخ و نامش فکر کردم	فلک گفتا که هست این نکته جامع
چو در واقع نگارستان چین است	ازین آمد نگارستان واقع

تمت تمام شد، تاریخ نگارستان من تصنیف قاضی احمد غفاری غفرالله ذلوبه بتاریخ شانزدهم شهر جمادی الثانی سنهٔ احد (شاید سال جلوس یکی از شاهان باشد) تمت تم تم بعون الله الملک الوهاب».

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه «تاریخ و قصص» است از صدر اسلام تا عهد مؤلف. تقسیمات آن بر اساس موضوعاتی است که به ترتیب انتخاب مؤلف، عنوان شده و مورد بحث و شرح واقع شده است و گاهی «واقعه» و «لمعه» را به کار برده است. مآخذ خود را ذکر کرده است بدین شرح: «اول تاریخ طبری تألیف محمد بن ابو علی محمد بلعمی وزیر آل سامان، دوم تاریخ فتوح تصنیف احمد بن اعثم کوفی بترجمهٔ احمد بن محمد مستوفی، سوم تاریخ مروج الذهب مسعودی، چهارم تاریخ منتظم تصنیف عبدالرحمن المشهور با بن الجوزی، پنجم تاریخ آل عباس، ششم ترجمهٔ یمینی ابی شرف جر فادقانی. هفتم کشف الغمه تألیف علی بن عیسی اردبیلی، هشتم جامع الحکایات تصنیف نور الدین محمد عوفی، نهم تاریخ مرآت الجنان، امام عبدالله یافعی، دهم جامع القلوب خواجه وزیر رشید، یازدهم تاریخ گزیده، دوازدهم نزههٔ القلوب خواجه عبدالله مستوفی قزوینی، سیزدهم وصایای خواجه نظام الملک، چهاردهم تاریخ قوام الملک ابرقوی، پانزدهم فردوس التواریخ مولانا خسرو ابرقوی، شانزدهم طبقات ناصری من تصنیف منهاج ابن سراج جوزجانی، هفدهم تاریخ وصاف تألیف عبدالله ابن فضل الله شیرازی، هژدهم تاریخ فخرالدین داود بناکتی، نوزدهم مجمع نوادر نظامی عروضی سمرقندی، بیستم ظفرنامه و مقدمهٔ مولانا شرف‌الدین علی یزدی، بیست و یکم تاریخ جهانگشا خواجه عطا ملک جوینی، بیست و دوم مجموعهٔ تألیف رومی، بیست و سیوم فتوحات میران شاهی، تألیف مولانا شرف سعد الله کرمانی، بیست و چهارم مسالک ممالک مولانا عبدالرحیم مشهدی، بیست و پنجم تاریخ سید ظهیرالدین مازندرانی، بیست و ششم تاریخ واسطی تألیف سید جعفر بن محمد بن الحسن المشهور بجعفری، بیست و هفتم مطلع السعدین، مولانا عبدالرزاق سمرقندی، بیست و هشتم روضهٔ الصفا محمد بن خاوند شاه بلخی المشهور بامیرخاوند، بیست و نهم حبیب السیر مولانا خوانده میر، سی ام تذکرة الشعرا از مولانا دولت شاه بخت شاه، سی و یکم مجالس النفالیس امیر علی شیر نوایی». نثر فارسی این نسخه خوب است و آمیخته یی است. از نثر و نظم و احادیث و آیات قرآن. درگوشه و کنار صفحات و درمیان سطرها یادداشتهای تاریخی و توضیحات لغوی و مطالب از یاد رفته آمده است. مؤلف کتابی دیگر دارد به نام جهان آرا

در تاریخ که در ۹۷۲ تألیف کرده و به شاه طهماسب صفوی هدیه کرده است .

۲۹۰
۳۰۹

تبیین الحقایق

[دین ، فقه ، عربی ، منثور]

۱- اندازه : —بیرونی : ۳۰/۵×۲۱×۶ س‌م. —درونی : ۲۵ س/۵×۲۳/۵ ۱۳ س‌م .

۲- اوراق : ۲ ورق . ۲ صفحه .

۳- کاغذ : ضخیم زرد تیره رنگ و حنایی هندی ، آب دیده ، وصالی شده ، جلد مقوایی سیاه با عطف و گوشهٔ تیاجی سیاه و زرکوب .

٤- خط : تحریر آمیخته با ثلث ، سخت خوانا ، ناپخته ، عنوانها و نشانها و سر فصلها و بعضی خطوط رسم شده بربالای الفاظ و جملات شواهد شنگرف و سیاه ، قرن ۱۲ ه‌ ق .

۵- کاتب : «محمد اعظم» ، تاریخ کتابت : «۱۱۵۳ ه‌ق» . در پایان صفحهٔ آخر اینگونه آمده است: «تمت تمام شد زیلعی شرح کنز الدقایق از دست محمد اعظم بتاریخ بیست و چهارم شهر ذی الحجة سنهٔ ۱۱۵۳ یک هزار و یکصد و پنجاه و سه بود بعد از نماز پیشین در مسجد عزت خان» .

٦- مؤلف : یا (شارح) : «امام فخرالدین ابو محمد عثمان بن علی الزیلعی المتوفی ۷٤۳ ه‌ ق» ، نام شرح : «شرح کنز الدقایق المسمی بتبیین الحقایق المعروف بالزیلعی» . تاریخ شرح معلوم نشد (رک : فهرست کتب عربی کتب خانهٔ ریاست رامپور ، ج ۱ ، ص ۲۰۹) . اصل متن «کنزالدقایق» تألیف «امام ابوالبرکات عبدالله بن احمد المعروف بحافظ الدین النسفی المتوفی سنهٔ ۷۱۰ه‌ ق» : (ایضاً ص ۲٤۳) .

۷- آغاز : «رب یسر و تمم بالخیر و به نستعین ، بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمدلله الذی شرح صدور العارفین بنور هدایته ، وزینها بالایمان و مالها من حکمه ، حمد عارف لعظمته ، مقر بوحدانیته و علی من ختم الرسالة ، افضل سلامه و صلواته ، محمد المصطفی المخصوص باظهار ملته علی الملل کلها و دوام

شریعته الی آخر الدهر و نهایته».

در صفحهٔ ٤ چنین آمده است : «اما بعد فانی لما رأیت هذا المختصر المسمی بکنزالدقایق احسن مختصرات الفقه حاویا لما یحتاج الیه من الواقعات مع لطافة حجة لاختصار نظمه احببت ان یکون له شرح متوسط بحل الفاظ و تعلل احکامه و یزید علیه یسرا من الفروع مناسبا له مسمی تبیین الحقایق لما فیه من تبیین ما اکنز من الدقایق».

۸- انجام : «قال رحمه‌الله وان جعل شئی من الطریق مسجد اصح کعکسه معناه اذا بنی قوم مسجدا و احتاجوا الی مکان لیتسع فادخلوا من الطریق فی المسجد و کان ذلک لا یضر باصحاب الطریق حاز ذلک و لذلک اذا ضاق المسجد علی الناس و بجنبه ارض لرجل تؤخذ ارضه بالقیمة کرهاً فاروی عن الصحابة رضی الله عنهم لما ضاق المسجد الحرام اقدوا ارضا بکره من اصحابها بالقیمة فرادوا فی المسجد و قوله کعکسه ای کما جاز عکسه وهو ما اذا جعل فی المسجد مهر لتعارف اهل الامصار فی الجوامع و جاز لکل واحد ان یمر فیه حتی للکافر والجنب والحایض والنفساء لما عرف فی موضعه ولیس لهم ان یدخلوا فیه الدواب و الله اعلم بالصواب تمت تمام شد زیلعی شرح کنز الدقایق از دست محمد اعظم بتاریخ بیست و چهارم شهر ذی الحجه سنهٔ ۱۱۵۳ یکهزار و پنجاه و سه بود بعد از نماز پیشین در مسجد عزت خان».

۹- چگونگی : موضوع این نسخه «فقه» است که بر اساس عقیدهٔ فرقهٔ حنفی بنا گشته است. شرح زیلعی برکنز الدقایق یا «تبیین الحقایق» مشهور است. تقسیمات این نسخه بر اساس متن اصلی کنز الدقایق است. در آغاز «کتاب الطهارة» و در آخر «کتاب الوقف» و «فصل من بنی مسجد» آمده است. فهرست همه مطالب در دو صفحه کتابت شده است.

یادداشت ها و توضیحات و چند شعر به زبان فارسی و عربی در آغاز و انجام و درکنارهٔ صفحات داخلی و درمیان سطرها کتابت شده است اگر آنهارا جداگانه استکتاب کنند، نسخه یی علیحده فراهم خواهد گشت. و ضمناً مآخذ بسیاری از آنها را به دست داده است، مانند «مستخلص»، «بیر جندی»، «تفسیر مدارک»، «چلبی». نشان ٦ مهردارد. دوتای آنها اینگونه خوانده می شود: «المعظم بالله الاعلم خادم الشرع نبی سید عالم ۱۲۲۸»، و دوتای

دیگر اینگونه : «المتوکل علی الله الاکرم خادم الشرع صاحب عالم ۱۲۱۲» ، و دوتای دیگر اینگونه : «مفتی شرع صاحب عالم ۱۲۲۷». چند بیت از آغاز یوسف و زلیخای جامی در صفحهٔ اول کتابت شده است که به «دستخط فقیر محمد» است . این نسخه «از کتب خانهٔ رشیدیه» خریداری شده است.

۲۹۰ / ٤٦٧ تحفة الابرار الملتقط من آثار الائمة الاطهار لتنویر قلوب الاخیار

[دین ، نماز، فارسی، منثور]

۱- اندازه :- بیرونی : ۲۱×۱٤/۵×٤ س‌م. - درونی : ۲۱س ۱۵×۹س‌م.

۲- اوراق : ٤۱۸ ورق . ۸۳٤ صفحه.

۳- کاغذ : سه نوع کاغذ در این نسخه به کار رفته : نازک و به رنگ های سفید و خاکی کشمیری و لاهوری ، اندکی آب رسیده ، شیرازه دار ، جلد مقوایی ملون با عطف و گوشهٔ پارچه‌یی سرخ گون.

٤- خط : ثلث خوش ، خوانا ، روشن ، رسم‌الخط عربی ، عنوانها و نشان‌ها و سرفصلها شنگرف ، قرن ۱۳ هـ ق.

۵- کاتب : «ملا مولا داد تورت» : تاریخ کتابت : «۱۲٤۸ هـ ق» : «حرره الاقل الفقیر الحقیر المحتاج ملا مولا داد تورت بتاریخ ۲۰ شهر محرم الحرام سنهٔ ۱۲٤۸ بدعای خیر یاد آوری نماید.

هر که خواند دعا طمع دارم ز انکه من بندهٔ گناه کارم

تمت (۳ بار) تم (۷ بار)».

٦- مؤلف : «محمد باقر ابن محمد تقی‌الموسوی نام تألیف تحفة الابرار الملتقط من آثار الائمة الاطهار لتنویر قلوب الاخیار» ، تاریخ تألیف معلوم نشد. در صفحهٔ ۲ چنین آمده است : وبعد خادم شریعت فخر انبیاء و سید رسل و چاکر درگاه ملجأ اولیاء و هادی سبل ابن محمد تقی الموسوی محمد باقر . . . بعرض برادران دینی و اخلای ایمانی می رساند که این کتابیست دربیان صلوة

و احکام آن مسمی بتحفة الابرار الملتقط من آثار الائمة الاطهار لتنویر قلوب الاخیار مرتب گردانیدیم آنرا بمقدمه و چند باب هر یک از ابواب مشتمل است بر مباحث بسیار».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله الذی توحد بالملک فلا ندله فی ملکوت سلطانه و تفرد بالعز فلا ضد له فی جبروت کبریائه و حارث الاذهان الثاقبة فی بیداء عظمته و قدرته و الخسرات و الخاطفة فی بدایع صنعه و غرائب فطرته و اشهد ان لا اله الا الله شهادة تذعن باحدیته و وحدانیته».

۸- انجام : «و هم چنین بیان شد که لازم است مکلف رعایت نماید در حال اتیان با جزای منسیه آنچه را لازم بود در حال نماز رعایت نماید کلامی که در اینمقام هست این است که هر گاه فرض شود حدثی صادر شود مکلف بعد از فراغ از سلام و قبل از شروع بجزء منسی آیا این موجب بطلان نماز میشود یا نه خلاف کرده اند فقها در اینمقام مرحوم علامه حکم فرموده به بطلان نماز در کتاب تذکره».

۹- چگونگی : این نسخه در موضوع «نماز و احکام و مشتقات آن است به طور تفصیل و مشروح. تقسیمات آن بر اساس یک «مقدمه» و چندین «باب» قرار دارد و هر باب بر تقسیمات دیگر ، مانند : اعداد ترتیبی و مباحث یا مبحث‌ها و مطالب منقسم است. و بر اساس فقه شیعهٔ اثنی عشریه تألیف شده است. نثر فارسی آن روان و ساده و به سبک عراق می ماند. از آیات قرآن و احادیث نبوی و ائمهٔ اطهار و اقوال و اعمال آنان بسیار استفاده شده است. و احادیث را شماره گذاری کرده است. اکثر مراجع و مآخذ و علما و فضلا را نام برده است و بر آنها استناد جسته است. در صفحهٔ اول ۳ یادداشت دارویی و طبی به خط شکسته و شمارهٔ چند حدیث کتابت شده است. بعضی از عنوانها را به خط نسخ شنگرف در کنارهٔ صفحات آورده است. سهوالقلم کاتب ندارد و نسخه یی است تمیز و پاکیزه و آماده برای چاپ.

۴۹۰
۵۹۳

تحفة القراء

[زبان شناسی ، تجوید و علم قرائت قرآن ، فارسی ، منظوم]

۱- اندازه :—بیرونی : ۲۲ × ۱۴/۵ × ۱ س م . —درونی : ۱۳ س . ۱۳ × ۷ س م

۲- اوراق : ٤٦ ورق . ۹۲ صفحه .

۳- کاغذ : نازک خاکی رنگ سمرقندی ، آب رسیده ، وصالی شده ، جلد مقوایی ملون با عطف و گوشهٔ پارچه یی سبز رنگ .

٤- خط : نستعلیق خفی، رسم‌الخط فارسی ، روشن ، خوانا ، پخته ، عنوانها و سر فصلها و نشانها شنگرف ، قرن ۱۱ هـ ق .

۵- کاتب : نام « کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

٦- مؤلف : «علی الکشمیری» ، نام‌تألیف : «تحفة القراء» ، تاریخ تألیف معلوم نشد . در صفحهٔ یک چنین آمده است : «علی الکشمیری وفقه الله سبحانه و تعالی. . . . بتألیف این مختصر که مسمی است بتحفة القراء دربیان قرائت مقتدای فاضلان عالم حضرت امام عاصم رحمة الله تعالی علیه پرداخته» .

۷- آغاز : ناقص است و اینگونه شروع می شود : «و اگر در بعضی عمر خود اجتهاد کرد نمی شاید او را که در باق عمر خود ترک اجتهاد کند و اگر ترک اجتهاد کرد نماز اوقات است بناء علی هذا این گوشه نشین زاویهٔ مسکنت و فقیر . . (سیاه و محو شده) . . . علی الکشمیری وفقه الله سبحانه» .

۸- انجام : ناقص است و چنین شروع می شود :

«بشکفانند غنچهٔ مقصود نافه او نافهٔ مراد . . .
تازه از وی مشام جان گشته بکه خشبو همه جهان گشته
هرکه او نیست مبتلا بزکام بی‌شک از عطرآن بگیرد کام
یعنی آن کعبه سجا . . . . عیب جوی کرند ید لوی؟»

۹- چگونگی: موضوع این نسخه «علم قرائت و تجوید» قرآن شریف است که مقدمهٔ آن منثور و متن آن منظوم است و تقسیمات آن بر حسب «باب» و «فصل» و عنوانات دیگر است. جمعاً « ۲۰ باب» و هر باب چند فصل و هر فصل چند عنوان مختلف دارد . تقریباً ۱۱۰۰ بیت دارد . بر وزن «فاعلاتن مفاعلن فعلن یا فعلات» از مزاحفات بحر خفیف سروده شده است . درگوشه و کنارهٔ صفحات این نسخه یادداشتهای تجوید و علم قرائت آمده و از کنارهٔ صفحهٔ ٤ تا کناره صفحهٔ ۹ رساله یی منثور فارسی به نام «تحفة الحفاظ» در علم تجوید و نیکو خواندن قرآن شریف کتابت شده است که آغاز آن چنین است :

«بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمدلله الذی انزل علی عبده الکتاب و الصلوهٔ علی خیر خلقه محمد و آله و اصحابه خیر الاصحاب مخفی نماند که تحفهٔ الحفاظ که به نظم منسوب بود این فقیر نیز روشن و مبین ساخت».

و انجام آن چنین است: «مانند اینها مدلین آنرا گویند که در آخر واقع می شود واو ساکن جمع می شود گفتند مثل یعلمون لیشکرون یفعلون یؤمنون ؤمنین کافرین مانند اینها را مدلین گویند ، والله اعلم».

رسالهٔ «تحفهٔ الحفاظ» بر حسب «فصل» تقسیم شده است. قرائت قرآن و علم مخارج حروف است.

تحفة المؤمنین یا تحفهٔ حکیم مؤمن

۶۱۰ / ۳۰۳

[طب ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه :—بیرونی : ۳۱ × ۲۰ × ۳ س م .— درونی : ۲۵ س ۲۲ × ۱۳ س م .

۲- اوراق : ۳۳٤ ورق . ٦٦٨ صفحه .

۳- کاغذ : نازک براق خاکستری رنگ سپاهانی ، اندکی کرم خورده ، اندکی وصالی شده ، اندکی آب رسیده، جلد مقوایی ضخیم با عطف و گوشهٔ تیماجی سرخگون.

٤- خط : نستعلیق خوش ، پخته ، خوانا ، روشن ، عنوانها و نشان ها و سرفصلها شنگرف تیره رنگ. لوح منقش و زیبا و زرافشان و نیلی و شنگرف ، جدول ها ٦ خطی زر افشان و سیاه. قرن ۱۳ ه ق .

۵- کاتب : نام « کاتب» ندارد اما تاریخ کتابت «۱۲٦۱ ه ق» است : «تمت الکتاب بعون ملک الوهاب مرقوم بتاریخ بیست و پنجم شهر ربیع الاولی سنهٔ ۱۲٦۱».

٦- مؤلف : «محمد مؤمن حسینی طبیب»، نام تألیف: «تحفهٔ المؤمنین» معروف به «تحفهٔ حکیم مؤمن» ، تاریخ تألیف در این نسخه نیامده است اما در زمان «شاه سلیمان صفوی ۱۰۷۷—۱۱۰۵ ه ق» تألیف شده و بدو تقدیم گشته است. در صفحهٔ ۲ و ۳ اینگونه آمده است : «و بعد بر ناظران حقایق رس مکشوف می دارد که چون والد این ذرهٔ بی مقدار میر محمد زمان تنکابنی دیلمی طاب الله ثراه

باوجود حدس صائب و ذهن ثاقب مدتی در امر معالجات ... کوشیده و مجربات چندی ... در سلک جمع و ترتیب آورد و بآنچه این خادم مخادیم نجیب محمد مؤمن حسینی طبیب مجری یافته و از صاحبان تجربه اقتباس نموده و مجموعه ... مسمی به تحفة‌المؤمنین باسم ... شاهنشه پادشاهان خاقان ابن خاقان بن خاقان سلطان خواقین جهان سکندر حشمت صاحبقران سلیمان نشان ... موشح ساخت». در کتب مراجع و فهارس نیز به همین ترتیب وصف شده است.

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم، سبحانک اللهم یا قدوس و یا طبیب النفوس اتمم لنا انوار معرفتک و ارزقنا حلاوة مغفرتک، شکر شیرینی شربت حیوة حکیمی را جل شانه که به بی نصیبان ذاق عرصهٔ امکان مایدهٔ و جوبش رسید و ظلمتیان خانهٔ لیستی را از روایح وجود جان در تن هستی دمیده مجردان بی تعلق در سرادقات خدمتش قائم بذات و لباس پوشان عوارض در بارگاه حضرتش متلون بشیون صفات بزم سازان پیشگاه طاق علوی از کیفیت لطف نهانی نامتناهائی در خروش و بی سروپایان محفل سفلی از کمیت فایدهٔ فایدهٔ ظهور درجوش از حکمت محکمش آبای علوی را با امهات نهایت ارتباط».

۸- انجام : «قلع قیر و زفت و قطران و مومیائی و امثال آن با آب آمیخته استعمال کنند و بدستور روغن زیتون از مجربات دانسته اند اقسام شستن جامها لباس زربفت را چیزی بهتر از گل و آهک نیست و ابریشمن و صوف و سقرلات و لندره و امثال آنرا جونک و نمک و جامهٔ ابریشمین چنانکه به صابون پاک می گردد باپشم گوسفند نیز بشویند پاک می شود و الوان مختلف را سرگین ازالهٔ چرک می کند و جامهٔ سفید بهر رنگی که آلوده گردد چون یکشب در بول شتر می گذارند روز دیگر بصابون و آهک بشویند دفع آن میشود و بول اطفال را نیز همین اثر است تمت الکتاب بعون ملک الوهاب مرقوم بتاریخ بیست و پنجم شهر ربیع الاولی سنهٔ ۱۲۶۱».

۹- چگونگی: موضوع این نسخه «طب قدیم» است که در آن معرف بیماریها معالجه کردن و شناختن داروهای گیاهی و نام آنها را به روش قدیم بیان می‌دارد. اصطلاحات فارسی و عربی و هندی طبی قدیم را در بردارد. «تحفة

المؤمنین» را به «تحفهٔ حکیم مؤمن» شهرت داده اند. مؤلف آنرا در عهد شاه سلیمان صفوی فرزند شاه عباس دوم هشتمین پادشاه صفویه (جلوس ۱۰۷۷ ه ق وفات ۱۱۰۵ ه ق) تصنیف کرده و به او تقدیم داشته است. تقسیمات آن بر آساس «تشخیصات و «دستورات» و «فصل» و «باب» است بدین شرح :

و این مجموعه مشتمل است بر تشخیصات و دستورات و تشخیصات مبنی است بر پنج تشخیص.

تشخیص اول در بیان سبب اختلاف اقوال اطبا در ماهیت و قوت و قدر شربت و ادویه و شروط و ذکر درجات و انقسام قوتها باقسام.

تشخیص دوم ذکر صفات افعال ادویه و بیان افعال کلیه و مشابه آن و تفسیر اسامی و معانی لغاتی که در طی انشاد این مجموعه مذکور می شود در کتب ادویهٔ مفرده مدار علیها است.

تشخیص سیم در بیان ماهیت و خواص و کیفیت ادویهٔ مفرده و اغذیهٔ مفرده و مرکبه و ذکر مصلح وبول و قدر شربت و آنچه بآن مناسب است.

تشخیص چهارم در مداوای سموم.

تشخیص پنجم در بیان اوزان و آنچه بدان متعلق است ، و دستورات منقسم است به سه قسم :

قسم اول در بیان اعمالی که متعلق است بادویهٔ مفرده مثل شستن و سوختن ادویه و تحمیص و تشویه و امثال آن طریق آشامیدن عشبه و چوب چینی و ماء الجبن و مانند آن و اعمال غریبه.

قسم ثانی در بیان اعمال که متعلق است به ادویهٔ مرکبه و ذکر معاجین و حبوب و سایر مرکبات.

قسم ثالث در معالجات با رعایت اختصار. هر تشخیص به چند «فصل» و هر دستور به چند «باب» تقسیم شده است ضمناً الفاظ ادویه را به ترتیب «حروف تهجی» ذکر کرده است.

در کنار صفحات یادداشت‌ها و توضیحات طبی و دارو شناسی به خط تازه تر کتابت شده است. «باب ۲٤» در دستور معالجات طیور مفقود شده است. «تحفة المؤمنین» یا «تحفهٔ حکیم مؤمن» به سبب اقبال همگانی بدان تاکنون

چندین بار در هند و ایران و پاکستان چاپ‌شده و نسخ خطی آن نیز فراوان است . فارسی آن‌روان و ساده و قابل فهم همگان است .

۶۱۰
۳۷۵

تحفة المؤمنین یا تحفهٔ حکیم مؤمن

[طب ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه :- بیرونی : ۳۴ × ۱۸ × ۶/۵ سم . - درونی : ۱۸ و ۱۹ س ۲۵ × ۱۳ سم .

۲- اوراق : ۴۶۷ ورق . ۹۳۳ صفحه .

۳- کاغذ : ضخیم زرد تیره رنگ کشمیری ، اندکی کرم خورد ، اندکی آب رسیده ، جلد تیماجی سرخ گون ضربی خوش رنگ .

۴- خط : نستعلیق خوش و شکسته ، روشن ، خوانا ، پخته ، عنوانها و نشانها و سرفصلها شنگرف ، جدولهای ۳ خطی و ۶ خطی کنارهٔ صفحات لاجوردی و سرخ و سیاه و زرد ، در صفحهٔ ۷۲۴ و ۷۲۵ یک نقاشی سیاه قلم خوش آمده است . قرن ۱۳هـ ق .

۵- کاتب : «نسیم قادری چغانسرایی» ، تاریخ کتابت : «۱۲۶۵هـ ق» و «۱۲۶۶هـ ق» در صفحهٔ ۶۳۴ چنین آمده است : «تمام شد نسخهٔ تحفهٔ المؤمنین و السلام علی من اتبع الهدی بتاریخ ۲۷ شهر رمضان المبارک یوم جمعه سنهٔ ۱۲۶۵ در دارالسلطنهٔ کابل بدست فقیر نسیم قادری چغانسرایی لا اله الا الله محمد الرسول الله» ، و در صفحهٔ ۹۳۳ چنین : «تمت تمام شد بعون الله الملک الوهاب به دست خط حقیر خادم الفقرا نسیم چغانسرائی بحسب الفرموده جناب مستطاب معلی القاب سلالهٔ دودمان مصطفوی خلاصهٔ خالدان مرتضوی جلیل القدر عظیم الشان کثیر الاقتدار منبع فیوضات معدن مکرمات صاحبی‌ام سید بهاء الدین خان پادشاه ملک کنر بجهت صاحبی مطاعی سلالهٔ السادات العظام افادت و افاضت ارتسام سید محمود جان پادشاه خلف خودش مرقوم گردانید بتاریخ بیستم شهر جمادی الاول سنهٔ ۱۲۶۶ در شهر پشت مرقوم گردید لا اله الا الله محمد رسول الله» .

۶- مؤلف : «محمد مؤمن حسینی طبیب» ، نام تألیف : «تحفهٔ المؤمنین» معروف به «تحفهٔ حکیم مؤمن» ، تاریخ تألیف در زمان «شاه سلیمان صفوی ۱۰۷۷-

۱۱۰۵ھ ق» (رک : تحفهٔ المؤمنین یا تحفهٔ حکیم مؤمن ۶۱۰/۳۰۳).

۷- آغاز : افتادگی دارد و چنین آغاز می گردد : «از ارتباط ازلیش مسند نشین دستگاه وصایت و والیان ولایت ارض‌وسما که ایمهٔ هداانداز عز ابدیش امین امانت ولایت ، بیت :

رخش خطی کشیده در نکویی که بیرون نیست از ما خوبرویی

و بعد بر ناظران حقایق رس مکشوف دارد که چون واحد این ذرهٔ بیمقدار میر محمد زمان تنکابنی دیلمی طاب الله ثراه باوجود حدس صائب و ذهن ثاقب مدتی در امر معالجات به دستور اجداد و استادان امجاد کوشیده و مجربات چندی ازو مختلف گشته خواست که در سلک جمع و ترتیب آورده با آنچه این خادم مخادیم نجیب محمد مؤمن حسینی طبیب مجرب یافته».

۸- انجام : «قمل بفارسی شپش گویند علامتش فرورفتن چشم و پیوسته گشوده داشتن بال و خاریدن بمنقار و مخلب و حرکت بسیار کردن علاج بخور بطرطیر کنند و آنرا بفارسی دارتو نامند و مستعمل صباغان است و بدستور زرنیخ و زراوند طویل و مویزج طلا کرده بطبخ شحم الحنظل و دیو اسپست و چوب گز و نعناع بشویند و مجربین قاطبهٔ تصریح نموده‌اند که آب نعناع بجمیع اقسام امراض بال و پر بعید نیست و طلا کردن زیبق مقتول ابرکه و آب دهن رافع قمل جمیع حیوانات است و حقیر نیز مجرب یافته است اما طریق صید طیور چون گندم را بکف دهن شتر مست یا بعرق آن ترکنند از خوردن آن طیور بیهوش می گردند و چون دبق را با عسل و دوشاب طبخ بلیغ داده مانند ریسمان بر روی اشجار و غیر آن نصب کنند طیوری که بر آن نشینند پای بست گردد و الله اعلم بالصواب و سلام علی من اتبع الهدی».

۹- چگونگی: موضوع این نسخه «طب قدیم» است ، از آغاز یک ورق (۲ صفحه) افتادگی دارد و لیکن از انجام کامل است و «باب بیست و چهارم در دستورات معالجات طیوری» که در نسخهٔ تحفهٔ المؤمنین ۶۱۰/۳۰۳ مفقود بود ، در این نسخه موجود است و فقط ۹ صفحه است . این نسخه از لحاظ رسم الخط و کتابت و خوشخطی و خوش سلیقگی در تقسیم بندی بسیار خوب است . (رک: تحفهٔ المؤمنین یا تحفهٔ حکیم مؤمن ۶۱۰/۳۰۳).

٦١٠

٥٠١

تحفة المؤمنين يا تحفهٔ حکیم مؤمن

[طب ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه : ۳۱/۵ × ۱۶ × ۵/۵ س م . — درونی : ۲۷ تا ۳۰ س ۲۵ × ۱۱ س م .

۲- اوراق : ٤٨٤ ورق . ۷٦٨ صفحه .

۳- کاغذ : نازک خاکی رنگ کشمیری ، کرم خورده ، آب رسیده ، اندکی وصالی شده ، جلد تیاجی قهوه‌یی پوسیده و بدون عطف و جدا شده .

٤- خط : نستعلیق، خوانا، روشن ، عنوانها و سرفصلها و نشان‌ها و الفاظ طبی شنگرف ، صفحهٔ ۲ و ۳ مذهب و منقش با چند سرلوح در آغاز و در اواسط نیمی از آن موش خورده ، جدولهای ۳ خطی کناره‌های متن شنگرف و لاجوردی و جدول یک خطی کنارهٔ بیرونی صفحه لاجوردی ، قرن ۱۲ ه ق.

۵- کاتب : « فیروزمند ولد هوشمند قانونگوی » : تاریخ کتابت ، « ۱۲۳۱ ه ق » :
« تمت تمام شد بعون الله تعالی و بفضله کتاب تحفه‌ المؤمنین معه مفردات ومرکبات و دستورات تحریر یافته شد بتاریخ بیست و سیوم شهر سفر (صفر) سنهٔ ۱۲۳۱ دستخط فقیر حقیر پر تقصیر فیروزمند ولد هوشمند قانونگوی قوم سهگل ساکن قصبهٔ جالندهر ،

هر که آمد بجهان اهل فنا خواهد بود آنکه پاینده باقیست خدا خواهد بود»

۶- مؤلف : (رک : تحفة المؤمنین ۳۰۳/٦١٠) .

۷- آغاز : «رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر و به نستعین سبحانک اللهم یا قدوس و یا طیب النفوس اتمم لنا انوار معرفتک و اذقنا حلاوت مغفرتک شکر شیرینی شربت چون حکیمی را جل شأنهٔ که بی نصیبان ذاتی عرصهٔ امکان را مائدهٔ وجودش رسیده و ظلمتیان نهانخانهٔ نیستی را از روایح وجود جان در تن هستی دمیده» .

۸- انجام : « چنانچه بدست بگیرند و بدستور دبق را چون عسل و دوشاب طبیخ طبیخ کنند و مانند آن ریسمان بر اشجار و غیر آن گذارند هر طیوریکه برآن بنشیند پای او بسته گردد و الله اعلم بالصواب و السلام من الحکیم العلام علی من اتبع الهدی» .

۹- چگونگی : موضوع این نسخه «طب قدیم» است (رک : تحفهٔ المومنین ۳۰۳/۶۱۰) . در گوشه و کنار صفحات این نسخه ازیاد رفته‌ها را کتابت کرده اند . سهوالقلم کاتب در این نسخه‌ها دیده می شود .

۲۹۰ / ۵۴۷ تحفهٔ حسین شاهی یا حیرة الفقه

[دین ، فقه ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه :- بیرونی : ۲۴/۵ × ۱۷/۵ س م . — درونی : ۲۱ س ۱۹ × ۱۲ س م .

۲- اوراق : ۱۶ ورق . ۳۲ صفحه .

۳- کاغذ : نازک خاکی رنگ سیالکوتی ، اندکی وصالی شده ، بدون جلد و بدون صحافی .

۴- خط : ثلث تحریر ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سرفصلها و نشانها شنگرف ، جدولهای دو خطی کنارهٔ متن شنگرف و در بعضی جای‌ها سه خطی سیاه و شنگرف ، قرن ۱۳ ه ق .

۵- کاتب : «تاج محمود» ، تاریخ کتابت ندارد : «تمام این نسخهٔ شریف به تاریخ هژدهم ماه ربیع الثانی روز چهارشنبه وقت عصر به دست خط تاج محمود ،

نوشته بماند سیه بر سفید «نویسنده را نیست فردا امید» .

۶- مؤلف : «معین ابو سعید علی قریشی» ، نام تألیف: «تحفهٔ حسین شاهی یاحیرت‌الفقه» ، تاریخ تألیف در عهد «حسین شاه بن ناصر الدین ابراهیم شاه سلطان» . در «صفحهٔ ۲ و ۳ چنین آمده است : «می گوید داعی دولت و ثنای خان حضرت اضعف بندگان مسترد و کار قوی معین ابوسعیدعلی‌قریشی . . . جوهر شریف عنصر لطیف بادشاه دین دار . . . جلال الدنیا والدین مظفر حسین شاه سطان ابن سلطان الاعظم المکرم ناصر الدنیا والدین ابراهیم شاه سلطان . . . رسالت مشتمل براشکالات آیات حدیقه . . . پرداختم و . . . تحفهٔ حسین شاهی حیرت الفقه نام نهاده به عبارت پارسی اختیارکردم» .

۷- آغاز : ولا تعسر ، رب یسر و تمم بالخیر ، بسم الله الرحمن الرحیم ، حمد حمید و قصار این ثناء جزیل خداوندیرا که طبائعه علمائرا بحل مشکلات بیاراسته و افضل صلوات نامیات و اکمل تحیات زاکیات بذات شریف و عنصرلطیف »

۸- انجام : «بعده اگر وقت ظهر فوت شد بامداد و ظهر هردو قضا بگذارد و هم چنان هر پنج وقت اینچنین حکم نگاهدارد والله اعلم بالصواب تمت تمام شد».

۹- چگونگی : این نسخه در موضوع فقه اهل سنت و جماعت است و تقسیمات آن براساس «کتاب» و «سؤال و جواب» است ، مثلاً «کتاب البیع» بر «چند سؤال و جواب» تقسیم شده است . از میانهٔ صفحهٔ ۲٤ و ۲۵ افتادگی دارد . نثر فارسی آن روان و ساده و مفهوم است . سهوالقلم کاتب دارد .

۲۸۰
۵٦٤

تحفهٔ نصایح

[دین ، اخلاق و وعظ و نصیحت، فارسی ، منظوم]

۱- اندازه :-بیرونی : ۲۱/۵ × ۱۵ × ۱/۵ س‌م .-درونی : ۱۵ س. (هر سطر یک مصراع) ۱٦ × ۸ س‌م .

۲- اوراق : ٦۳ ورق . ۱۲٦ صفحه .

۳- کاغذ : نازک سفید رنگ کشمیری ، اندکی آب رسیده ، جلد مقوایی و چرمی سرخ رنگ ضربی و منقش .

٤- خط : نستعلیق ، خوانا ، روشن ، عنوانها و سر فصلها شنگرف ، رسم الخط اردو ، قرن ۱۳ ه‍ ق .

۵- کاتب : «غلام جیلانی» ، تاریخ کتابت :«۱۲۷٦ ه‍ ق» در صفحهٔ ۱۲۳ چنین آمده است : «تمت تمام شد نسخهٔ متبرکهٔ تحفهٔ نصایح از دستخط فقیر غلام جیلانی بتاریخ بیست و پنجم رمضان المبارک سنهٔ ۱۲۷٦ ،

الهی هر آن کس که این خط نوشت عفوکن گناهش عطا کن بهشت»

٦- مؤلف : یا (شاعر) : «محمد یوسف گدا متوفی در حدود ۸۰۰ ه‍ ق» ، نام تألیف : «تحفهٔ نصایح» ، تاریخ تألیف : «۷۹۵ ه‍ ق» :

«گوید همی یوسف گدا در وعظ سخنی چند را از بهر خاقف خوش لقا بوالفتح آن نورالبصر
تحفهٔ نصایح نام این کردم ز حق دارم رجا کاندر نظرها کان شود مقبول شیرین چون شکر
هفتصد نود پنجی دگر هجرت محمد مصطفی عاشر ربیع الاخرین وقت ضحی روز قمر»

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم رب یسر و تمم بالخیر ،

حمدی بگویم بیعدد مر خالق جن و بشر کرده معلق آسمان هم اختران شمس و قمر
عظمی بداده عرش را پرد ز پایش طایری چون برق سالی چارصد آنگه رسد پایه‌ دگر»

۸- انجام : «گر یک زین جملگی یابد قبولی نزد حق نازم چو حسان در جهان گردم چو سحبان مفتخر
دارم امیدی از خدا خواند اگر صاحبدلی بکند ز دل مارا دعا یابم نجاتی در قبر
ابیات گفتم جمله هفصد بدان هشتاد و یک ابواب او شد چهل و پنج اندر حسابی هم حصر
هفصد نود پنجی دگر هجرت محمد مصطفی عاشر ربیع الاخرین وقت ضحی روز قمر»

۹- چگونگی : موضوع این نسخه «دینداری و پند و اندرز و اخلاق و آداب و رسوم شریعت اسلام» است و آنرا پدری به نام محمد یوسف گدا برای پسرش به نام «ابوالفتح» سروده است . و باوجود اینکه از لحاظ وزن و قافیه و تعقیدات لفظی و اشتباهات دستوری قابل ملاحظه است ، مورد قبول همگان قرار گرفته تا انجا که به صورت کتاب درسی در مکاتب و مدارس دینی از قدیم تاکنون تدریس می شود و گه گاهی با ترنم یا صوت جلی آنرا می خوانند تقسیات آن بر اساس «باب» است و جمعاً «۴۵ باب» و ۷۹۵ بیت دارد و بروزن «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن» بحر رجز مثمن سالم است . ارزش بیشتر این نسخه در این است که یادداشتهای لغوی و تربیتی و دینی درمیان ابیات و کنارهٔ صفحات کتابت شده است . در آخر نسخه یک گفتار در ۹۱ سطر از قول حضرت علی (ع) به زبان فارسی منثور دربارهٔ «هفت نوع از بنی آدم» آمده است (رک : تحفه‌ النصایح ۳۷/۲۹۰ ، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ گنج بخش ، ج ۱ ، ص ۱۱۰ تا ۱۱۲) .

۸۹۰
۴۱۹

تذکرة الاولیاء عطار

[ادب ، عرفان و تصوف ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه :—بیرونی : ۲۵/۵ × ۱۶/۵۲ × ۲/۲ سم .—درونی : ۱۷ س ۱۸ × ۱۰ سم .

۲- اوراق : ۱۶۳ ورق . ۳۲۵ صفحه .

۳- کاغذ : نازک خاکی رنگ سیالکوتی ، آب رسیده ، وصالی شده ، جلد مقوایی ، ملون باعطف پارچه‌یی سرخ رنگ .

۴- خط : نستعلیق خوش، خوانا، روشن، پخته، عنوانها و سرفصلها و نشانها و خطهای رسم شده بربالای بعضی الفاظ و جملات شنگرف، جدولهای ۵ خطی کنارهٔ متن لاجوردی و سیاه و زرین، قرن ۱۱ هـ ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶- مؤلف : در این نسخه نام مؤلف و تاریخ و نام تألیف نیامده است چون از آغاز و انجام ناقص است و باوجود اینکه اوراق افتاده را وصالی کرده و به خط جدید بعضی ناقص را اصلاح کرده و افزوده اند، از مؤلف و نام و تاریخ تألیف خبری نیست: مؤلف: «ابو حامد یا ابو طالب محمد بن ابی بکر ابراهیم بن مصطفی بن شعبان الملقب بفریدالدین المشهور بعطار» متولد ۵۱۳ و متوفی ۶۱۷ یا ۶۱۸ یا ۶۲۷ هـ ق. نام تألیف: **«تذکرة الاولیاء»**، تاریخ تألیف معلوم نشد (رک: تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تألیف سعید نفیسی، ج ۱، ص ۱۱۳-۱۱۵).

۷- آغاز : ناقص است و تقریباً نیمی از اصل نسخه افتادگی دارد و از «ذکر ابو تراب نخشبی» چنین آغاز می نشود: «ذکر حضرت ابو تراب نخشبی رحمة الله علیه آن مبارز صف بلی آن مرد میدان معنی آن فرد ایوان تقوی آن محقق حق و نبی قطب وقت ابو تراب نخشبی رحمة الله علیه از عیار پیشگان طریقت بود و از مجردان راه بلا و از سیاحان بادیهٔ فقر و از سیدان این طایفه بود و از اکابر مشایخ خراسان بود و در مجاهده و تقوی قدمی راسخ داشت».

۸- انجام : «تا شبی او را گفتند یا سیدی چرا می گریی؟ گفت ای دوست یوسف گم شده بود، یعقوب چندان بگریست که چشمهاش سفید شدند و من دو کس با پدر یعنی حسین و قتیلان کربلا بلاگم کرده ام از آن در فراق ایشان دیدها سفید کنیم این مناجات تعزیت بود و بغایت اما ترک تطویل را معانیست آن بباتنی (بباطنی) آوردەام از جهت تبرک ختم کتاب کردم و الحمد لله علی الاتمام والصلوة علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین».

۹- چگونگی : موضوع این نسخه «عرفان و تصوف و شرح حال و آثار و کلمات و سخنان مشایخ و پیران طریقت» است. تقسیمات آن براساس عنوانهایی است که مؤلف برگزیده است. یعنی از قدیمترین ازمنهٔ تاریخی آغاز کرده و تا عصر خود ادامه داده است. نام هر شیخ یا پیر طریقت را تحت نام او می آورد،

مانند: «ذکر خواجه بو عبدالله». سپس به شرح اقوال و اخلاق و اعمال او می پردازد وبا جملهٔ «نقل است که» و «گرفت که» آنچه که دربارهٔ او شنیده و یا دیده و درکتابها خوانده می آورد. نثر فارسی آن روان و خوب و به آیات قرآنی و احادیث نبوی و کلمات مشایخ آمیخته است. حکایات عرفانی و داستانهای دینی و لطایف حکمی و پند و اندرزهای ادبی را با نثر پخته و محکم فارسی و الفاظ بر گزیده می آورد. نسخ خطی تذکرة الاولیاء فراوان و چند بار در ایران و هند و اروپا چاپ شده است. فهرست مطالب این نسخه در ۳ صفحه در آغاز آمده است و مالک آن چنین نوشته است: «ملک فقیر عبدالمجید، تذکرة الاولیاء از آصف خان، بدو روپیه خریدیم». در صفحات آخر یک یادداشت دعایی و یک جدول اعداد برای تعویذ و نشان نعلین حضرت محمد (ص) آمده است. در گوشه وکنار صفحات داخلی نسخه بعضی یادداشت‌ها و مطالب از یاد رفته کتابت شده است.

۸۹۰ و ۲۹۰
۵۱۹

تذکرة الابرار و الاشرار

[دین و ادب، پشتو و فارسی و عربی، منثور و منظوم]

۱- **اندازه**: بیرونی: ۲۲ × ۱۴ × ۲/۵ سم. درونی: ۱۴ س ۱۶ × ۹ سم.

۲- **اوراق**: ۱۴۸ ورق ۲۹۶ صفحه.

۳- **کاغذ**: نازک زرد تیره رنگ جهانگیری، دود زده، آب رسیده، اندکی وصالی شده، جلد مقوایی و چرمی زرد گون در غلاف کرباسی سرخ رنگ.

٤- **خط**: ثلث خوش، خوانا، روشن، رسم‌الخط عربی با حروف مخصوص پشتو، عنوان‌ها و سرفصلها و نشانها و الفاظ و کلمات شواهد و جدولهای دو خطی کنارهٔ صفحات شنگرف. قرن ۱۱ ه‍ ق.

۵- **کاتب**: نام «کاتب» ندارد. تاریخ کتابت: «۱۱۱۷ ه‍ ق»: «قد وقع الفراق من جمعیت هذا التألیف استکتابه روز شنبه بتاریخ بیستم ربیع الاول تمام شد، در مسجد مندی در قریهٔ سر بند تحریر یافت سنهٔ ۱۱۱۷ ه‍ ق.

هر که خواند دعا طمع دارم زانکه من بندهٔ گناه کارم»

۶- مؤلف : «کریمداد بن مخدوم درویزه از علمای ابتدای قرن دهم» ، نام تألیف : «تذکرةالابرار والاشرار» ، تاریخ تألیف معلوم نشد (از افادات مولانا محمد اسرائیل کان الله له) . در صفحهٔ ۲۹۵ چنین آمده است : «و باید دانست که جامع این تألیف کثیر التقصیر کریمداد بن مخدوم درویزه است قدس سره» .

۷- آغاز : «یا فتاح بسم الله الرحمن الرحیم

پنامه د حق آغاز کرم اوس لحق سرباز کرم
نه دی رحمن رحیم خدا دی د طاعت قدم بساز کرم

الحمدلله کل ثنا پر حق ثابت تدی مه پاس لچت بنه خود ساه او صورت جو دی ته ژبی مه کر ساکت» .

۸- انجام : «بدان ای عزیزکه در اشعار افغانی شعراء ایشان چندانی مبالغه در فصاحت و موافقت در قافیه و تطبیق مصراعین در حروف و کلمات رعایت نداشته اند پس از اینست که چنانکه دیده می آید و هم از آن روکه فقیر را دغدغهٔ شعر و شاعری نبوده تا در آن سعی نماید مگر این مقدار که اندک و پیش سخن موزون گردد تا سامع را لذیذ نماید و مهات هم دین را بنا بر اجمعین یاد گیرد والله اعلم امید که چون کافهٔ اهل اسلام ازین بهره یابند مصنف را و جامع را بدعاء ایمان یاد فرمایند و باید دانست که جامع این تألیف فقیر کثیرالتقصیر کریمداد بن مخدوم درویزه است قدس سره» . (رک : ۵ —کاتب) .

۹- چگونگی : موضوع این نسخه مختلف است : تفسیر قرآن مجید ، شرح احوال و آثار اولیاء الله ، شرح فرق و مذاهب اسلامی ، بحث دربارهٔ نماز ، روزه ، حج ، طهارت ، زکوة و امثال اینها ، توجیه مسائل اخلاق و ادبی . تقسیمات آن بر اساس «فصل» و «نکته» و دیگر مطالبی است که عنوان شده است .
مثلاً : «فصل اندر آنکه حضرت شیخ الامام الانام مفتی الجن والانس مولا نجم الملهٔ والدین» ، یا «اول حبیبیه ، اولیائیه ، شمراحیه ، اباحتی ، حالیه و جلولیه او حوریه . . . . واقفیه ، متجاهلیه ، او متکسلیه الهامیه» . متن این نسخه آمیخته است با نظم و نثر فارسی و پشتو و شواهد عربی از آیات قرآنی و احادیث نبوی . حروف الفبائی در این نسخه از عربی گرفته شده است اما چهار حرف مخصوص پشتو : «حٌ = س ، ث ،ص» و «خ = ز ، ذ ، ض ، ظ» و «ن» مابین «ژ» و «گ» و «ښ» مابین «خ» و «ش» در آمده است . تأثیر زبان فارسی در زبان پشتو از این نسخه به خوبی معلوم می گردد .

عنوانها و شواهد و اشعار ، فارسی است ، و کلماتی را که برای فارسی زبان مشکل است ، همانهایی است که آن چهار حرف را در آنها می یابیم و گرنه متن نسخه آسان و مفهوم است . اصل این کتاب تألیف «اخوند درویزه» پدر «کریمداد» است و لیکن جمع و تدوین و استکتاب به وسیلهٔ پسرش یعنی «کریمداد» شده است . در صفحات آغاز و انجام این نسخه ، یادداشت‌های طبی و دعایی و تعویذ کتابت شده است . و طرز نسخه نویسی دارویی را یاد آوری می کند چنانکه یک نسخه نوشته است به نام «نسخهٔ معجون خورش الملوک» .

۲۹۰
۵۱۲

ترجمهٔ حیرت البلغاء

[دین ، فقه ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه : —بیرونی : ۱۵ × ۱۰ × ۵/. س م . —درونی : ۱۱ س ۱۱ × ۱۰ س م .

۲- اوراق : ۴۷ ورق . ۹۴ صفحه .

۳- کاغذ : خاکی رنگ سیالکوتی ، اندکی کرم خورده ، جلد مقوایی ، آبی رنگ تازه با عطف پارچه‌یی سرخ .

۴- خط : نستعلیق متوسط، عنوانها و سرفصلها و علامات و سؤال و جواب و نشان‌ها شنگرف ، قرن ۱۳ هـ ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و تاریخ «کتابت» ندارد چون از انجام ناقص است .

۶- مؤلف : یا (مترجم) «**علی بن بهاؤالدین بن حاجی فرید**» ، نام تألیف : «**ترجمهٔ حیرة البلغاء**»، تاریخ تألیف معلوم نشد (رک : ۷ آغاز) .

۷- آغاز : «رب یسر بسم‌الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر : الحمد لله رب العلمین والعاقبه للمتقین والصلواة والسلام علی رسوله محمد و اصحابه اجمعین اما بعد میگوید بندهٔ گنهکار امیدوار برحمت پروردگار علی بن بهاؤالدین بن حاجی فرید قدس الله روحه هرگاه دیدم که کتاب حیرة البلغاء کتابی است که متحیر می شود درآن عقول فقها و تقائل می کشد از آن فصول علماء مسائل مشکلات آن

حیرت البلغاء این ضعیف آنرا بسطر پارسی آورد و ترجمهٔ حیرت البلغاء نام نهاده».

۸- **انجام** : ناقص است و به این عبارت پایان می یابد. «مردی قدح آب در دست کرد و نیم از آن نوشید بروی حلال و نیم دیگر بروی حرام. جواب: چون نیم نوشیده و نیم دیگر باقی مانده درمیان آن خون افتاده، پس برو حرام شد. فصل زنی میگوید که این شوهرم عنین است. من همچنان بکرم مرد میگوید من او را وصال کردم جواب قلیله را بگویند یا بیضهٔ مرغ».

۹- **چگونگی**: موضوع این نسخه دربارهٔ «فضیلت اهل بیت رسول الله صلی الله علیه وسلم و عترته الطاهرین و اجتهاد المجتهدین و اجوبهٔ المتحققین است» تقسیمات آن بر اساس رکن، فصل، و مسئله است. چنانکه گوید: «الرکن اللاول فیما یتعلق باهل بیت رسول الله صلی الله علیه وسلم، و فصل در خبر است که قاضی شریح حاکم حکم امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه در مجلس قضا مردمان حکم میکرد». در صفحهٔ اول اعداد آحاد و آحاد عشرات و مآت و الوف داده شده است، و گویا کسی مشق یای معروف و چند حروف دیگر کرده است.

ترغیب الصلوة

۲۹۰ / ۳۰۷

[دین، فقه(نماز)، فارسی، منثور]

۱- **اندازه**:- ۵/۲۹×۵/۱۹×۳/۳ س م.- درونی: ۱۷ س ۲۰×۱۲ س م.

۲- **اوراق**: ۲۳۵ ورق. ۴۷۰ صفحه.

۳- **کاغذ** : نازک زرد تیره رنگ هندی و روشن رنگ کشمیری، آب دیده، وصالی شده، کرم خورده، جلد مقوایی سیاه نو با عطف و گوشهٔ تیاجی و طلا کوب.

۴- **خط** : نستعلیق خوش (متن فارسی) و نسخ خوش (جملات و عبارات عربی)، خوانا، روشن، پخته، عنوانها و نشان‌ها و سر فصلها و بعضی از جملات عربی و فارسی و خطوط رسم شده بالای کلمات شنگرف، جدول سه خطی نیلگون و سرخگون. قرن ۱۰ و ۱۱ ه ق.

۵- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

٦- مؤلف : «محمد بن احمد الزاهد» ، نام تألیف : «ترغیب الصلوه» ، تارغ تألیف ندارد اما در عهد «ابوالمظفر محمد شاه» و «علی کنبسانی» تألیف شده و به آنها تقدیم گشته است . در صفحهٔ ۳ و ٤ چنین آمده است : «می گوید بندهٔ راجی برحمت الله الواحد محمد بن احمد الزاهد وقاه الله تعالی عن آفات العین الملقب بالزین که چون بعضی از کتب اصول فقه و فروع او خواندم پس بتلمذ و حدیث مشغول شدم در اثناء آنکه بعضی از کتب تفسیر و حدیث می خواندم.... ترجمه و روایت بعضی در قلم آوردم و این کتاب را «ترغیب الصلوه» نام کردم .... امید میدارم که ثواب آن و برکات این خیر بایام سلطنت بادشاه عالم نواز جاهل گداز سلطان سلاطین علاء الدنیا والدین وارث ملک سلیمان ابوالمظفر محمد شاه سلطان قسیم امیرالمؤمنین مذخر گردد و بروزگار دولت بانی خیر ظهیر الجیوش افتخار آل قریش تاج دولت والدین علی کنبساتی زید دولت برسد انشاء الله تعالی» .

٧- آغاز : «بسم‌الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله الذی جعل الصلوهٔ وسیلهٔ الی النجاة وسببالرفع‌الدرجات و الصلوت والسلام‌علی رسوله‌محمد حامی فرقهٔ الجنات و ماحی عشرهٔ العصات و علی عترته الطاهرین و الطاهرات و اسرته الطیبین و الطیبات ما شرط الطهارهٔ فی الصلوهٔ و کرر السجود فی الرکعات پس از حمد خدای تعالی و درود بر مصطفی علیه الصلوت والسلام میگوید بندهٔ ضعیف راجی برحمت الله الواحد محمد بن احمد الزاهد وقاه الله تعالی عن آفات العین الملقب بالزین» .

٨- انجام : «پاکست خون ماهی و کیک و پشه و شپش و نجس است خون کنه و کروش دشتی و عفو است لعاب بغل و حارو بول که متتفخ شود بر جامه یعنی سرشکهای که مثل سر سوزن بجامه رسد عفو است اما اگر منی بجامه رسیده باشد یا بموزه چون ببیند اگر خشک باشد بمالیدن پاک شود و اگر تر باشد بمالیدن پاک نشود و این نزدیک علماء ماست اما نزدیک امام شافعی طاهر است کیف ماکان و این در منظومه در باب اوست تم المنی طاهر بلا حرج والله تعالی اعلم بالصواب ، تم (٦ بار) .

٩- چگونگی: موضوع این نسخه «فقه» اهل سنت و جماعت است و مباحث اصلی آن دربارهٔ

«نماز» یا «صلوة» می باشد. مؤلف از «یکصد و شش کتاب» استفاده کرده و کتاب خود را تألیف نموده است: «و ازین جهت کتابی در صلوت بفارسی از صد و شش کتاب معتبر تألیف کردم» و نام همهٔ این کتابها را در مقدمهٔ نسخهٔ خود آورده است. تقسیمات نسخه بر اساس «قسم» و «فصل» نهاده شده است و برسه قسم است: قسم اول در ۵۳ فصل، قسم دویم در ۲۱ فصل، قسم سیوم در سه فصل. در این نسخه از آیات قرآن و احادیث نبوی و کلمات پیشوایان دینی و جملات کوتاه فارسی و اشعار فارسی استفاده شده است. فارسی آن روان و ساده و خواندنی است. همهٔ مطالب عربی آن معرب (مشکول) است. درمیان سطر ها و در کنارهٔ صفحات یادداشتها و توضیحات ارزنده به زبان فارسی و عربی دارد. در صفحهٔ یک، یادداشتی بوده که آنرا محو و سیاه کرده اند. در صفحهٔ ۲ و ۲۳۵ دو یادداشت به نظم از مالکان نسخه کتابت شده و نشان مهر آنها نیز وجود دارد:

«چندروز این نسخه را مالک فرید بینواست ورنه‌ملک و مالکان مملوک ذات کبریاست»
هذا الکتاب اشتریته عن مولینا غلامعلی قصوری فی سنهٔ ۱۲۷۶ هجری و نشان مهر اول چنین است: «فقیر فریدالدین عباسی ۱۲۷۵».
«چند روزی این کتاب دلنشین هست در ملک غلام محی‌الدین»
و نشان مهر دوم اینگونه خوانده شد: «غلام محی‌الدین ۱۲۲۲». «هذا کتاب فی الملک غلام محی‌الدین عفی عنه ولوالدیه ولاستاذیه». این نسخه از کتاب خانهٔ رشیدیه واقع در مسجد قاسمیهٔ لاهور در روستای شاه دره خریداری شده است.

۲۹۰
۴۰۰

ترغیب الصلوة

[دین و ادب، فقه (نماز)، فارسی، منثور]

۱- اندازه: ـ بیرونی: ۲۵×۱۶/۵×۳/۵ سم. ـ درونی: ۱۹س ۲۱/۵×۱۱ سم.
۲- اوراق: ۲۳۷ ورق. ۴۷۴ صفحه.

۳- **کاغذ** : نازک زرد تیره رنگ سیالکوتی ، آب رسیده ، ساییده شده ، وصالی شده ، جلد مقوایی صورتی رنگ با عطف و گوشهٔ تیاجی قهوه یی روشن رنگ .

٤- **خط** : ثلث تحریری ، پخته ، روشن ، خوانا ، رسم الخط عربی ، عنوانها و نشانها و سر فصلها و خطوط رسم شده بر بالای کلمات شواهد سرخ ، قرن ۱۲ ھ ق .

۵- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

٦- **مؤلف** : «**محمد بن احمد (زین)**» ، نام **تألیف** «**ترغیب الصلوة**» ، تاریخ تألیف معلوم نشد (رک : ترغیب الصلوة ۳۰۷/۲۹۰) .

۷- **آغاز** : «بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله الذی جعل الصلوة وسیلة الی النجاة و سبب الرافع الدرجات و الصلوة و السلام علی محمد حامی فرقة الجنات و ماحی عشرة العصاة و علی الطاهرین و الطاهرات و اسرته الطیبین و الطیبات ما شرط طهرة فی الصلوة و کرر السجود فی الرکعات پس از حمد خداوند تعالی و تعظیم مصطفی صلی الله علیه وسلم می گوید بندهٔ ضعیف رحمة الواحد محمد احمد بن وقاه الله تعالی آفات العین الملقب بالزین» .

۸- **انجام** : ناقص است و افتادگی هایی دارد و تا مقداری از فصل شصت و یکم به پایان می رسد : «در شهر برای نماز جنازه اگر ولی غیر از بود و جون جنازه حاضر شود مر غیر سلطان و قاضی و ولی را تیمم کردن و نماز جنازه به تیمم گزاردن روا بود از برای آنکه فوت می شود و عرض ندارد و خواه در شهر باشد یا در غیر شهر یا معذور باشد و یا غیر معذور باشد .

۹- **چگونگی**: موضوع این نسخه «فقه» و «نماز =صلواة» است به نثر فارسی روان و ساده و آمیخته است به احادیث و آیات قرآنی . تقسیمات آن بر اساس «فصل» قرار داده شده است و جمعاً «٦۷ فصل» دارد . «فصل اول در بیان تحریض نماز بر اتباع رسول علیه السلام از کتاب و حدیث» و تا مقداری از «فصل شصت و یکم در بیان تیمم» ادامه دارد و بنا بر این هفت فصل از آخر افتادگی دارد . ۸ صفحه (٤ ورق) در آغاز نسخه در موضوع فقه و فرایض نماز به زبان فارسی آمده است که معلوم می دارد از کتابی نقل شده است و جملهٔ آغاز آن این است : «و این روایه در منظوم است و ان یصلی المتحر المجتهد» ، و جملهٔ آخر این : «مراد نماز پیشین است و دلیل است

مرپنج وقت» . یادداشتهای دینی و توضیحات لغوی و تصحیحات گونا گون در آغاز و انجام و کناره های صفحات و درمیان سطرها کتابت شده است . در صفحهٔ ۹ یک یادداشت دربارهٔ طلاق و یک یادداشت در مورد معامله و یک آیهٔ قرآن و چند یادداشت عربی کتابت شده است . فهرست مطالب این نسخه در دو صفحه (ازصفحهٔ ۱۲ تا ۱٤) آمده است . حرف «پ» و «چ» و «گ» مانند «ب» و «ج» و «ک» نوشته شده است . سهوالقلم کاتب در آن دیده می شود . به علت بریدگی در صحافی بعضی یادداشت ها و مطالب کنار صفحات مفقود و محو شده است (رک : ترغیب الصلوة ۳۰۷/۲۹۰) .

۸۹۰
۴۰٤

ترکیب بند بیدل

[ادب، فارسی، منظوم «ترکیب بند»]

۱- اندازه :—بیرونی ۲۳/۵ × ۱٤/۵ × ۰/۵ سم. —درونی : ۱۷ و ۱۶ س ۱۶ × ۶/۵ سم.

۲- اوراق : ۱۵ ورق . ۳۱ صفحه .

۳- کاغذ : نازک سفید تیره رنگ کشمیری ، جلد مقوایی ملون با عطف و گوشهٔ پارچه‌یی آبی رنگ .

٤- خط : شکسته و تحریر ، روشن ، پخته ، سخت خوانا ، قرن ۱۲ ه ق .

۵- کاتب : نام « کاتب» و «تاریخ کتابت » ندارد .

۶- مؤلف : یا (شاعر) : در این نسخه نام شاعر را به طور صریح و واضح نیافتم ، و لیکن به خط تازه در رویهٔ درونی جلد کتابت شده است : «**از میرزا عبدالقادر بیدل علیه الرحمه**» و با مقایسه‌یی که با کلیات بیدل چاپ افغانستان و چاپ نول کشور کردم این مطلب تأیید شد . نام تألیف (تصنیف) «**ترکیب بند**» تاریخ تألیف یا سرودن معلوم نشد شاید این نسخه به خط شاعر باشد . (رک : کلیات دیوان بیدل ، جلد دوم ، ص ۱—۲۵ ، دپوهنی مطبعه ، سرطان ۱۳٤۲ ، افغانستان) .

۷- آغاز : « بسم الله الرحمن الرحیم ،

بنام آن صمد بیچگونه یکتا / که کرد کون و مکان را بحرف کن پیدا
در آن زمان که نبود از زمانه آثاری / برون علم عیان بود ذات او تنها
نه در حقیقت بحتیتش خیال همیون / نه بر صحیفهٔ ذاتیتش خط اسما
بخویشتن نظری کرد خودبخود بنمود / حقیقت همه اشیا بذات خود یکجا »

۸- انجام : «بسا حکیم که در سطح نقطهٔ موهوم / دقیقه‌اش زده صد چرخ دور پرگاری
بساطبیب که همچون مسیح درعهدش / بگرد گوش نگردیده نام بیداری
بوقت مرگ همه بیدلند و بیچاره / که نیست فرصت آن یک نفس پسرخواری
تو دل ببند بشاهی که از کمال کرم / نخواهدت بچنین روز عاجز مضطر
تمت الکتاب بعون الملک الوهاب تم تم تم ».

۹- چگونگی: موضوع این نسخه « ادب » است و آن « ترکیب بندی » است در ۳۰ بند و ۴۷۰ بیت که بروزن «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن یا فعلات» از مزاحفات بحر مضارع سروده شده است ، و شامل حمد باری تعالی و نعت حضرت محمد (ص) و منقبت خلفای راشدین و پند و اندرز است . حروف «روی» درهر مصراع که بند ترکیب واقع شده است « ر » است و هر بند با یک حروف الفبا مقفی شده است ، اما حرف «ژ» و حرف « گ » روی قرار نگرفته است .
این نسخه یک بند در حرف «ب» و چند بیت در حروف دیگر زاید بر کلیات بیدل چاپ افغانستان دارد . به احتمال قوی این نسخه به خط بیدل است زیرا از تغییر بعضی کلمات و الفاظ و زیادی برخی ابیات این نکته تأیید می شود.
در صفحهٔ اول یک غزل کتابت شده است به مطلع :
«مردم از حسرت آهوروشان ورمشان / من ندانم به چه تدبیر به دام آرمشان »
و مقطع :
«جمع گشتند می و مطرب و ساقی خادم / طرفه بزمی است فلک گر نزند برهمشان»

۸۹۰و۹۵۰
۳۲۹

تزوکات تیموری ، مقالهٔ دوم

[تاریخ و ادب ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه : بیرونی ۱۹ × ۱۴ سم. — درونی : ۱۱ سم ۲۱ × ۵/ ۷ سم .
۲- اوراق : ۴۶ ورق . ۹۲ صفحه .

۳- کاغذ : ضخیم زرد تیره رنگ هندی ، کرم خورده ، پاره شده ، بدون جلد.

٤- خط : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، عنوانها و نشانیها و سرفصل‌ها به شنگرف خوش رنگ ، قرن ۱۰ ه ق .

۵- کاتب : نام « کاتب » و «تاریخ کتابت» ندارد .

٦- مؤلف : یا مترجم : « **ابوطالب حسینی تربتی**» نام تألیف : «**تزوکات تیموری** » ، تاریخ تألیف یا ترجمه « **تقریباً ۱۰٤۸ ه ق** » . اما اصل نسخه به زبان ترکی و از ملفوظات و دستورهای امیر تیمور گورکانی بوده است که آنرا در آخر قرن هشتم جمع و تدوین کرده اند (رک : فهرست نسخه‌ها خطی بریتیش میوزیم ، ج ۱ ، ص ۱۷۷ — ۱۷۸ ، تزوکات تیموری ، چاپ افست تهران ، کتابفروشی اسدی) . در متن نسخه تاریخ ۸۰۰ هجری دارد آنجا که از مکتوب میر سید شریف گفت و گومی کند : « دین محمد چون از زمان هجرت الی یومنا هذا که هشت صد سال گذشته و در هر سر صد سال مجددی و مروجی برا نگیخته می شود» .

۷- آغاز : « بسم الله الرحمن الرحیم ، فرزندان ملک گیر کامگار و نبائر ذوی الاقتدار ملک دار که معلوم اولسون کیم بر عالیمقام مکاتبگان کتر تحریر اولاد میرابحیر ابو دستور العمل ایلان سلطنت کامدار ایتسون از اولاد من هر کس که بمرتبهٔ این سلطنت و حکومت خواهد رسید. بدین توزوک عمل فرماید تا دولت سلطنت از خلل و زوال ایمن گردد اکنون سبیل فرزندان کامیاب آنکه بدین توزوک عمل نمایند و دولت سلطنت مرا و خود را نگاهدارند» .

۸- انجام : «ازین برهان شما کفر شما و قدح خلفای اصحاب لازم می آیدنه کفر ما چه در کتب احادیث شما حدیث جیش اسامه و قرطاس مضبوط است و از آن حدیث که در کتب شما نوشته است کفر جمیع امت و اصحاب لازم می آید . و از این دعوا کفر شما لازم‌است نه کفر ما چون کتاب احادیث حاضر آوردند چنان بود که می گفتند میان ایشان حکم به صلح نمودم . والسلام علی من اتبع الهدی » .

۹- چگونگی : این نسخه «مقالت دوم» از تزوکات تیموری است و با تزوکات تیموری که دراکسفرد (لندن) در ۱۷۷۳ میلادی چاپ شده و در تهران در سال ۱۳٤۲ خورشیدی افست شده بسیار فرق دارد و در حقیقت یک تحریر دیگر

است . کلمات و جملات ترکی و عربی فراوان دارد . افسوس که مقالت اول یعنی «کنکاش ها» را ندارد . عنوانات و سرفصلها نیز با تزوکات چاپ شده اختلاف دارد. بعضی از عنوانات بدین شرح است :

«صورت مکتوب میر سید شریف ، مروج الدین والشریعة تیمور اید الله تعالی عزه ، توزوک طوایف از ترک و تاجیک و عرب و عجم از اطراف عالم به درگاه من التجا آورند چنین کردم ، توزوک نگاهداشتن سپاه چنین کردم، توزوک تنخواه سپاه و طریق رسانیدن علوفه به آنها توزوک علوفهٔ فرزندان و قرابتان چنین کردم که فرزند اول که محمد جهانگیر بود . . . فرزند دوم که عمر شیخ است . . . فرزند سیم که میرزا امیران شاه است . . . فرزند چهارم که میرزا شاه رخ است . . .» از عنوانات و مطالعهٔ متن نسخه چنان بر می آید که موضوع این نسخه ، آیین ها و قانون ها و دستورها و فرمانهای امیر تیمور گورکانی است به صورت گفتار و خطبه و فرمان در دوران حکمرانی خود ایراد داشته و برای وزیران و حاکمان و کارگزاران و رعایا و دیگر طوایف اجتماع بیان کرده است و ضمناً حاوی مطالب و وقایع تاریخی و آداب و رسوم اجتماعی و سلطنتی و حکمرانی عهد تیمور است و از این جهت ارزش ویژه دارد . تزوکات تیموری را «ملفوظات تیموری» و «واقعات تیموری» هم گفته اند. تزوکات تیموری علاوه بر چاپ اکسفرد ، در تهران در سال ۱۲۸۵ هجری قمری به اهتمام رضا قلی خان هدایت لله باشی همراه قابوس نامه چاپ شده است.

۵۲۰
۳۱۸

تقویم ۱۱۹۷ هـ ق

[ستاره شناسی، فارسی، منظوم و منثور]

۱- اندازه : —درونی ۲۳/۵×۱۵ ۱۷س م. — بیرونی : ۲۹ س ۲۱×۱۶ س م.

۲- اوراق : ۲۲ ورق . ٤٤ صفحه .

۳- کاغذ : نازک سفید رنگ سمرقندی ، کرم خورده ، وصالی شده ،جلد چرمی تیره رنگ مندرس .

٤- خط : نستعلیق خوش روشن ، پخته ، خوانا ، بعضی از عنوانها ثلث ، نشان ها و عنوانها و سر فصلها شنگرف ، جدولهای یک خطی و دو خطی میان سطرها سرخ و جدولهای کنار و بالای صفحات سیاه و زرین ، قرن ۱۲ هـ ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد اما چنان معلوم می شود که «مؤلف» و «تاریخ تألیف» همان «کاتب» و «تاریخ کتابت» است (رک: ۶ — مؤلف).

۶- مؤلف : «سبهرام منجم لاهوری»، نام تألیف «تقویم ۱۱۹۷ ﻫ ق»، تاریخ تألیف «۱۱۹۷ ﻫ ق»: «تقویم استخراج کمترین فدویان احقرالانام سبهرام منجم لاهوری (ص ۱۹) . . . بعد از گذشتن شش ساعت از شب جمعه شب هفدهم ماه ربیع الثانی سنهٔ ۱۱۹۷ هجریهٔ هلالیه به افق دارالسلطنهٔ لاهور محفوظهٔ محروسه به اعمال زیج جدید شاهجهانی طالع عالم به برج قوس . . . خصوصاً بر ذات مقدس و وجود اقدس شاهنشاه سکندر بارگاه انجم سپاه، سلیمان جایگاه . . .

. . . . همایون باد عید نوروز بر تو میمون باد
شاه تیمور ملک هفت اقلیم حکم فرمای ربع مسکون باد
تاج و تخت و نگین از و زیبا عمر او نوح . . . افزون باد
ای سکندر جناب جم تدبیر دل بخشایش تو جیحون باد
گفت تاریخ هاتف خوش فال سال‌نو فرخان همایون‌باد = ۱۱۹۷»

«شاه تیمور» یا «تیمور شاه» افغان فرزند احمد شاه درانی دومین امیر خاندان درانی (جلوس ۱۱۸۷ ﻫ ق، وفات ۱۲۰۷ ﻫ ق) است، بنا بر این، این تقویم در سال دهم سلطنت وی استخراج و تألیف و کتابت شده است.

۷- آغاز : «. . . الرحیم، بسم الله الرحمن الرحیم، یا عزیز النعیم، جهان نیایش در کل خالق حکیمی را سزاست که خامهٔ قدرتش انس و جان را از تار زمان بود و انفاس در هم یافته و رشته ازین خطوط . . . . اطلس گلباف سپهر به دست قدرت بافته و امتزاج عناصر اربعهٔ بسیط هبوط عالم غبرا را به گلهاء رعناء رنگارنگ موالید ثلاثه آراسته.

۸- انجام : «وقتی که پنجاه و دو دقیقه که عبارت از دو گهری وده پل باشد از روز پنج شنبه بگذرد تمام جرم قمر روشن و صاف شود.

اصابع قطر	اصابع جرم	ساعات سقوط	ساعات مکث	بد و خسوف
کلیه	کلیه	یکساعت پنجاه پنج دقیقه	چهل و هشت دقیقه	هشت ساعت چهل و پنج دقیقه

بدو مکث	وسط خسوف	بدو انجلا	تمام انجلا	ابتدا تا انتها
نه ساعت پنجاه و پنج دقیقه	ده ساعت چهل دقیقه	یازده ساعت هشت دقیقه	پنجاه و دو دقیقه روز پنج شنبه	سه ساعت پنجاه دقیقه»

۹- چگونگی: موضوع این تقویم فقط سال ۱۱۹۷ هجری قمر را نشان می دهد ودر آن مطالب ارزنده دربارهٔ ستاره شناسی و اوقات و ایام و خسوف و کسوف ماه و خورشید آمده است و احوال و آثار ساکنان ربع مسکون را بر حسب فکر و نظر قدماییان داشته است. در وصف «تیمور شاه» اشعار نغز و آبدار آورده که اکثر آنها معانی تاریخی و مفاهیم ستاره شناسی و بخت و طالع خوب دارد.

بدین مطلع:

«سر سال نوروز مه فروردین مبارک به شاهی زمان و زمین»

و به مقطع:

سفندارمذ پاسبان تو باد زمین و زمان حکمران تو باد

اصل تقویم را برای روز «نوروز» نوشته و به پادشاه تقویم کرده است و از آغاز «فروردین ماه الهی» تا پایان «اسفندارمذ ماه الهی» استخراج کرده است و برای هر ماه یک بیت شعر ساخته و تیمور شاه را وصف کرده است نثر فارسی آن روان و ساده و مفهوم است.

۵۲۰
―
۴۴۰

تقویم ۱۱۹۷

[ستاره شناسی، فارسی، منظوم و منثور]

۱- اندازه : —بیرونی: ۲۲×۱۵ س م. —درونی: ۲۰/۵×۱۲/۵ س م. ۳۷ س

۲- اوراق : ۲۰ ورق. ۴۰ صفحه.

۳- کاغذ : نازک زرد تیره رنگ و دود گرفتهٔ جهانگیری، پوسیده، کرم خورده، وصالی شده، جلد تیاجی قهوهی رنگ پوسیده.

۴- خط : نستعلیق خوش، خوانا، پخته، عنوانها و نشانها و سر فصلها خط ها و جدولها شنگرف. قرن ۱۲ه ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» معلوم نشد.

۶- مؤلف : «گور نارابن» ، نام تألیف : «تقویم۱۱۹۷» ، تاریخ تألیف : «۱۱۹۷ ه ق» :
«چنین گوید ... انجم شناس گورنارابن که چون ذات بی همتا بقدرت کامله بابداع این نه پرکار زمردگون بپرداخت ... در سال هژدهم از قران علوبین در حمل و یکهزار (و) هفتاد (و) پنجم ازدور آفتاب روزجمعه بتاریخ هفدهم ربیع الثانی سنه ۱۱۹۷ هجری موافق دهم آذر ماه رومی و طالع وقت بافق دارالسرور لاهور». البته نام تألیف را نیاورده و از مطالب و جدول ایام و سال و ماه نسخه معلوم است که «تقویم ۱۱۹۷» است.

۷- آغاز : ناقص است و آغازاینگونه شروع می شود : «بمنطوق لازم الوثوق ، بیت :
چیست این سقف بلندوسادهٔ بسیارنقش زین معماهیچ دانا درجهان آگاه نیست
و بعد ازین تحفهٔ شاهی بی انتهای برذات شریف و عنصر لطیف ... سهر شرعیت و نقطهٔ محاذات حقیقت حضرت رسالت پناه و برآل و اصحاب بزرگوار چنین گوید معترف بعجز و نادانی و طالب امداد رحمت یزدانی خود پسندی مباین انجم شناس گور نارابن».

۸- انجام : «الجدی ملبوسات نوبریدن و پوشیدن و کار اسپ و فیل و استدعای حاجات و فراغت و مذمومیت برای شروع کار ، الدلو ملاقات سلطان و نهادن بناء و نقل و حرکت و تزویج و حلوت و نوشیدن شربت و غیره. الحوت برای سفر و لباس جدید و نقل تحویل و فصد و سفر و اختیار سواری و طلب آسایش و ملازمت حضرت ... بیر ۱ ایکی ۲ اوچ ۳ درد ٤ پش ۵ التی ۶ یدی ۷ سکز ۸ طقز ۹ آن ۱۰ یگرمی ۲۰ اتوز ۳۰ قرخ ٤۰ الی ۵۰ آلطمش ۶۰ یدمیش ۷۰ سکسن ۸۰ طقسن ۹۰ یوز ۱۰۰ مین ۱۰۰۰».

۹- چگونگی : موضوع این نسخه «دقیقه و ساعت و روز و هفته و ماه و سال شماری» یا «تقویم یا گاه شماری» است وگویا یک هندو به نام «گور نارابن» آنرا تصنیف کرده است. اصطلاحات نجومی هندی و ترکی و فارسی قدیم را در بردارد. ماه های این تقویم عبارتنداز: «فروردین ماه ، اردیبهشت ماه ، خرداد ماه ، تیر ماه ، امرداد ماه ، شهر یور ماه ، مهر ماه ، آبان ماه ، آذر ماه ، دیماه ، بهمن ماه ، اسفندار ماه» . و در آخرهر ماه لفظ «الهی» آمده است. مثلا : «اسفندار ما،

الهی». یک ورق از وسط این نسخه یعنی یک صفحه از خردار ماه، و یک صفحه از «تیره ماه» افتادگی دارد. در این نسخه همه جا برروی حرف «ک» یک سرکش گذاشته شده مانند «گ». گویا این نسخه به خط مصنف باشد. ویک ورق قرآن شریف در آغاز این نسخه به خط ثلث و کاغذ جداگانه الحاق شده است و در انجام دعای فضیلت ماه محرم و روز عاشورا به خط تازه الحاق شده است.

تنبیه الانام فی بیان علوّ مقام یا شفاء الاسقام و محو الآثام فی الصلوة علی خیر الانام

۲۹۰/۴۲۳

[دین، ادعیه و فرایض، عربی، منثور]

۱- اندازه :- بیرونی: ۲۱/۵×۱٤/۵×٤ س م. - درونی: ۲۲ س ۱۵×۹/۵ س م.

۲- اوراق : ۳٦۹ ورق. ۷۳۷ صفحه.

۳- کاغذ : نازک سفید تیره رنگ براق سمرقندی، آب رسیده، اندکی وصالی شده، جلد مقوایی وتیماجی مندرس در غلاف نایلون.

٤- خط : ثلث خوش (متن عربی) و نستعلیق خوش (ترجمهٔ فارسی)، خوانا، روشن، پخته، متن با مرکب (مداد) سیاه و نشانها و عنوانها و کلمات شواهد متن و ترجمه فارسی با مرکب (مداد) شنگرف، یک سر لوح در زمینهٔ زرین در آغاز، جدولهای یک خطی مابین سطرهای متن و ترجمه شنگرف و جدولهای کنارهٔ متن ٦ خطی سرخ و سیاه و زرین و جدول یک خطی بیرونی متن یک خطی لاجوردی.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

٦- مؤلف : «عبدالجلیل بن محمد احمد بن عظوم المرادی القیروانی متوفی ۹٦۰ ه ق.»، نام تألیف: «تنبیه الانام فی بیان علو مقام لبینا محمد (ص)» یا «شفاء الاسقام و محو الاثام فی الصلوة علی خیر الانام»، تاریخ تألیف معلوم نشد. در صفحهٔ ۱-۱۳ چنین آمده است: «تألیف العبد الفقیر الی الله الراجی... عبدالجلیل بن محمد احمد بن عظوم المرادی القیروانی... وسمیتها تنبیه الانام فی

بیان علو مقام لبینا محمد علیه افضل الصلوة و ازکی السلام و ربما سمیتها ایضا شفاء الاسقام و محوالآثام فی الصلوه علی خیرالانام و ان اتفقا فی المعنی فالقصد بذلک کثره الذکر».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، صلی الله علی سیدنا و مولانا محمد و آله و صحبه وسلم تسلیماً اختصر هذا من کتاب تنبیه الانام فی بیان علو مقام نبینا محمد علیه افضل الصلوة و ازکی السلام تألیف العبد الفقیر الی الله الراجی عفو مولاه خدیم رسول الله والمتمسک باذیال کماله صلوات الله و سلامه علیه و علی آله عبدالجلیل بن محمد احمد بن عظوم المرادی القیروانی غفرالله له بنام خدای بخشندهٔ مهربان درود فرستد خدای تعالی بر سرور ما و صاحب ما که اسم مبارک و محمد و برآل او و اصحاب او و سلام فرستادن مختصر کرده است از کتاب تنبیه الانام در بیان بلندی مقام پیغمبر ما محمد برو باد بزرگترین درود و پاکیزه‌ترین سلام تصنیف بنده محتاج بسوی خدا امیدوار بخشش مولای خود خادم رسول الله و چنگ زننده به دامنهای کمال او و درود خدا و سلام او برو و برآل او و عبدالجلیل پسر محمد احمد بن عظوم مرادی قیروانی ببخشد خدای تعالی مرورا».

۸- انجام : «اللهم صل وسلم علی سیدنا و مولانا محمد و علی آل سیدنا محمد امام الزاهدین اللهم صل وسلم علی سیدنا و مولانا محمد و علی آل سیدنا محمد امام الموحدین تمام شد نصخهٔ (کذا) متبرکه کتاب تنبیه الانام بعنایت الله تعالی ای بار خدایا درود و سلام فرست بر سردار ما و صاحب ما که محمد است و بر آل سردار ما که محمد است پیشوای زاهدان ، بار خدایا درود و سلام بر سردار ما و صاحب ما که اسم او محمد است و بر آل سردار ما که محمد است پیشوای یگانهٔ دانندگان».

۹- چگونگی : موضوع این نسخه دعا و نماز و درود و مدح و منقبت و خصوصیت و خصلت و اخلاق و رفتار و کردار حضرت محمد بن عبدالله «ص» است. تقسیمات آن بر اساس باب است . مثلاً «باب فی خصائصه الفردیه و مواهبه الاولیه» ، باب فی علوه و مقداره و وضوح اسراره و انواره» . در صفحهٔ ۷۳۶ نشان هشت مهر است که ۲ تای آنها اینگونه خوانده شد : «افوض امری الی الله عبد میر هزار ۷۵» و «سکندر فیضیاب از لطف ایزد ۱۲۰۵» و

«سکندر عنده ۱۲۱۵» و «. . . داری نگاه سکندر بخیر تو ندارد پناه». متن عربی این نسخه سهوالقلم کاتب دارد. اما زیر نویس فارسی آن با دقت بیشتری کتابت کرده شده است، و الفاظ تازهٔ فارسی در ترجمهٔ متن عربی می توان دید، مثلاً: سید = سردار = محمد «ص»، عصمت = نگهداشت. آل سید = آل سردار. ترجمهٔ فارسی آن باصطلاح تحت اللفظی یا لفظ به لفظ انجام گرفته و مترجم معلوم نشد. در بعضی جای‌ها اندکی توضیح و تفسیر می کند. چند مهر تازه با مرکب منقش در صفحهٔ اول آمده است که از مالک و فروشندهٔ نسخه در شهر کویته بوده است: «قلمی زرنقشی نادر کتابوں کا واحد مرکز، المکتبهٔ الاسلامیهٔ مالک عبدالکریم، ه‍ـ میزان مارکیت، کویته» و «صاحب زاده حمید الله».

تنبیه الانام فی بیان علوّ مقام یا شفاء الاسقام و محوالآثام فی الصلوة علی خیرالانام

[دین، فقه و اوراد و ادعیه، عربی، منثور]

۱- **اندازه**: ـبیرونی: ۳۲/۵ × ۱۹ × ۶/۵ س م. ـ درونی: ۲۳ س ۲۱ × ۱۲ س م.

۲- **اوراق**: ۴۹۷ ورق. ۹۹۹ صفحه.

۳- **کاغذ**: ضخیم نخودی رنگ سمرقندی، کرم خورده، وصالی شده، آب رسیده، جلد مقوایی با آستر پارچهٔ ملون و عطف و گوشهٔ چرمی پوسیده.

۴- **خط**: ثلث عربی، خوانا، روشن، پخته، عنوانها و سر فصلها و جملات شواهد و لفظ «اللهم» و «محمد» همه جا به شنگرف، جدولهای ۳ خطی کنارهٔ متن سیاه و شنگرف.

۵- **کاتب**: «**محمد بن احمد الفراری**» و «یوسف بن ملا علی کیکن»، تارخ کتابت «۱۰۴۷ ه ق». در صفحهٔ ۹۸۹ چنین آمده است: «کمل الجزء الاخیر من کتاب تنبیه الانام الکبیر بخط محمد بن احمدالفراری عامله بعلوه و لطفه الملک الباری و غفرله ولوالدیه و لمن دعاله و للناظر فیه و المستمع و القاری و کان الفراغ کتابته نهار الاثنین صبیحهٔ عشره اثنی خلون من شهر شعبان سنهٔ سبع و اربعین بعد الالف (۱۰۴۷) و کان ذلک بالمدینهٔ المنورة علی مشرفها

افضل الصلوات و ازکی الاسلام بآخر المسجد النبوی برسم الاخ فی الله تعالی ابراهیم بن سعید الدین التلبی المصری الحنفی (در این لفظ دستبرده شده است) اعاننا الله و ایاه علی فعل الخیرات و ترک المنکرات و صلی الله علی سیدنا و مولانا محمد و آله و اصحابه و افضل الصلوات والسلم تمت».

۶- مؤلف : (رک: تنبیه الانام ۴۲۳/۲۹۰).

۷- آغاز : الجزء الاول (ص ۲) : «هذا من کتاب تنبیه الانام فی بیان علومقام محمد علیه افضل الصلوة و ازکی اللام تألیف العبد الفقیر الی الله تعالی الراجی عفو مولا خدیم رسول الله و المتمسک باذیال کماله صلوات و سلامه علیه و آله و اصحابه وسلم ... (بریده شده) ... ولوالدیه و لوارثه و لجمیع المسلمین آمین، بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله الذی زین سماء الاذکار، بالصلواة علی النبی المختار، و اطلع من سنا انوار ها مطالع الشموس و الاقمار و ابرز من عروق ازهار نشرها ارباح الطیب والازهار».

۸- انجام : ایضاً (ص ۱۳۵) : اللهم صل وسلم علی سیدنا و مولانا محمد و علی آل سیدنا محمد الذی رد ساق ابن الا کوع بعد الصدع ، اللهم صل وسلم علی سیدنا و مولانا محمد و علی آل سیدنا محمد الذی ابن شق حبیب بالمسح و امن خایفه یوم الفتح ، اللهم صل وسلم علی سیدنا محمدو مولانا محمد و علی آل سیدنا المرسل علی کافة الخلق یقینا المخاطب بقوله عز و جل انا نتحنالک فتحا انتهی النصف الاول من کتاب تنبیه الانام و یتلوه النصف الثانی فی بیان علو مقام محمد علیه الصلوة والسلام».

- آغاز : الجزء الثانی (النصف الثانی) (ص ۱۳۵) : «اللهم صل وسلم علی سیدنا و مولانا محمد و علی آل سیدنا محمد الذی رمی وجوه قریش بالتراب فانهزموا بعد ضرب الرقاب ، اللهم صل وسلم علی سیدنا و مولانا محمد و علی آل سیدنا محمد الذی رد الله الرمل تحت اقدام اصحابه صلدا بعد ان کانت الارجل لا ثبت علیه ولاتهدی».

- انجام : ایضاً (ص ۵۷۲) : اللهم صل وسلم علی سیدنا و مولانا محمد و علی آل سیدنا محمد المعنی بقوله عزو جل و ما اتاکم الرسول فخذوه و مانهیکم عنه فانتهوا صلی الله علیه و علی آله و اصحابه و ازواجه و ذریته و اهل

بیته و تابعهم وسلم تسلیماً کثیراً دایماً ابداً کمل الجزء الثانی من کتاب تنبیه الانام الکبیر یوم الاحد بعد صلاة الضحی افضل الصلاة و السلام علی محمد و آله لتاریخ الخمس من شهر المحرم الحرام سنهٔ ۱۰۷۳ علی ید افقر عباد الله لرحمه ربه الباری یوسف بن ملا علی کیکن غفرله ولوالدیه ولمعلمیه تم».

- آغاز : الجزء الثانی (کذا ؟ باید «الجزء الثالث» باشد)، (ص ۵۷۹) : «بسم الله الرحمن الرحیم، الجزو الثانی من کتاب تنبیه الانام فی بیان علو مقام نبینا محمد علیه افضل الصلوة و اذ کار السلام تألیف الشیخ الفقیه الامام العلامه الحافظ الورع الزاهد الناظم خدیم مدح رسول الله صلی الله علیه وسلم تسلیا الممسک باذیال کماله ابی محمد . . . (محو و سیاه شده است) . . . الشیخ الفقیه العالم العلامه المؤلف المصنف سید . . . (محو و سیاه شده) . . . عنها فصل فی مقالاته الصادقه و حکمه الفائقه، اللهم صل وسلم علی سیدنا و مولانا محمد و علی آل سیدنا محمد القائل انما الاعمال بالنیات».

- انجام : ایضاً ص (۹۸۹) : «واجعل اللهم ثواب ذلک و اصلاً لوالدیه تنور بها مصیر هما و تمم بها نور هما و توفی بها اجورهما و ترجمها بها رحمه واسعه یا رب العالمین و استغفرک اللهم لنا ولهم و لمن له علینا و علیهم تباعه باستغفار جمیع المستغفرین من اهل سما و انک و اهل ارضک و سایر الخلق اجمعین، اللهم بجلالک وسلم و بارک علی سیدنا و مولانا محمد خاتم النبیین و امام المرسلین و علی آله و صحبه اجمعین والحمد لله رب العالمین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم». (رک : ٥—کاتب).

۹- چگونگی: این نسخه در موضوع «دعا و نماز و روزه و اقوال و احادیث و معجزات» و دیگر مطالب است دربارهٔ حضرت محمد بن عبدالله (ص). ظاهراً درسه قسمت یا سه جزء است و هر قسمت بر «باب های» گونا گون تقسیم شده است، مثلاً «باب فی فضل الصلوة علی النبی» در آغاز و «باب منه آخر» در توصیف نماز (صلوة) در انجام آمده است. در تاریخ کتابت نسخه دست برده اند و در آخر جزء دوم ۱۰۷۳ ه ق و در آخر جزء سوم ۱۰٤۷ آمده است. نام کاتب در آخر جزء ثانی «یوسف بن ملا علی کیکن» و در آخر جزء ثالث (که «الثانی» کتابت شده) «محمد بن احمد الفراری» ثبت شده

است. در آغاز و انجام هر جزء «یا کبیکج» و «یا کبیکج قلندر» آمده و آن لفظی است که برای کرم نخوردن کتاب می نویسند و جملهٔ دعایی و یا نام دارویی و یا برگ درختی است (رک: تحفهٔ حکیم مؤمن: کبیکج). در کنارهٔ صفحات و درمیان سطرها بعضی یادداشت های لغوی و توضیحی به فارسی آمده و چون سهوالقلم کاتب بسیار دارد، به قلم تازه تصحیح شده است (رک: تنبیه الانام ۴۲۳/۲۹۰).

۴۹۰
۵۵۳

توضیح الحواشی

[زبان شناسی، نحو، عربی، منثور]

۱- اندازه :-بیرونی : ۲۵×۱۴/۵×۳/۵ س م. — درونی : ۲۱ س ۱۶×۸ س م.

۲- اوراق : ۲۵۳ ورق. ۵۰۶ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم زرد تیره رنگ سیالکوتی، آب رسیده، وصالی شده، اندکی کرم خورده، جلد مقوایی و چرمی سیاه رنگ شیرازه دار در غلاف کرباسی کبود رنگ.

۴- خط : ثلث عربی، خوانا، روشن، پخته، عنوانها و سر فصلها و نشانها شنگرف، قرن ۱۰ھ ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶- مؤلف : نام «مؤلف»، و «تاریخ تألیف» معلوم نشد. نام تألیف «توضیح الحواشی» و نیز شاید توضیحات «میرزاهد» برحاشیهٔ شرح کافیه باشد. نام «توضیح الحواشی» «در آغاز آن به خط تازه آمده است.

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة علی رسوله محمد و آله اجمعین، قال بسم الله الرحمن الرحیم قلت افتتح کتابه بالتسمیة تبرکا و اقتداء بکتاب الله تعالی و عملاً بقول النبی صلی الله علیه وسلم کل امرذی بال لم یبدأ ببسم الله فهو ابتر و بما روی عن علی کرم الله وجهه کلمة بسم الله فائقة للرتوق مسهلة للوعور مجنبة

للشرور شفاء لما فی الصدور امان یوم النشور یعنی کلمهٔ بسم الله گشایندهٔ بستگیهاست آسان کنندهٔ دشواریهاست دور کنندهٔ بدیهاست راحت دلهاست امام روز قیامت است».

۸- انجام : «لو جعل افمن کان بینهٔ من ربه سورة محمد و هو قوله تعالی من کان علی بینهٔ من ربه کمن زین له سوء عمله و اتبعوا اهواءهم مثل الجنهٔ التی وعد المتقون فلایتکون من باحذف الخبربل مذکور و هو قوله تعالی کن زین سوء عمله اللهم جعلنا ممن کان علی بینهٔ من ربه ولا یجعلنا عمن زین له سوء عمله وصل علی محمد و آله و علی کل مرسل و تابعه والله اعلم بالصواب».

۹- چگونگی: موضوع این نسخه «نحو» در زبان عربی است و در صفحهٔ اول به خط تازه چند جا نوشته شده «توضیح الحواشی» و در جایی دیگر آمده : «این حاشیه است بر کافیه». تقسیمات آن «قال» و «قلت» و «اعلم» و «السؤال و الجواب» و «اعداد ترتیبی» است. از لحاظ نحو زبان عربی نسخهی ارزنده و محققانه است وگاهی جملات فارسی درآن دیده میشود. درصفحهٔ ۱ تا ٤ قصیدهٔ فارسی معروف شیخ عبدالقاهر جرجانی آمده که در موضوع نحو و صرف عربی سروده شده است و علاوه بر ابیات متن قصیده، ابیاتی نیز در شرح آنها آمده است درحدود ۶۰ بیت دارد. نشان چند مهردارد که بعضی از آنها را سیاه و محو کرده اند. یکی از آنها چنین خوانده شد : «الخادم رحمت الله ۱۲۳۰». مالک این نسخه چند نفر بوده‌اند که بعضی از آنها را محو و سیاه کرده‌اند : «بتاریخ چهارم شهر رجب سنهٔ ۱۸ جلوس معلی ابتیاع نموده شد». امضا و قیمت را سیاه کرده اند. «توضیح الحواشی ملک عبد المجید». اوراقی چند از اوایل این نسخه مفقود شده. برای صحاف از اوراق یک نسخه خطی فارسی استفاده کرده‌اند و نمونهٔ آن در بخش درونی جلد دیده می شود و موضوع آن اوراق در طب است. این شعر در صفحهٔ آخر خواندنی است:

«با صاف دل مجادله خویش دشمنی است
هر کس کشد به آینه خنجر به خود کشد»

۲۹۰

۳۹۶

تیسیر الاحکام

[دین ، فقه و فرایض ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- اندازه : — بیرونی ۲۳×۱۶×۲ س م .—درونی : ۹ س ۱۵/۵×۹ س م .

۲- اوراق : ۱۴۶ ورق . ۲۹۲ صفحه .

۳- کاغذ : نازک زرد روشن رنگ سمرقندی ، آب رسیده ، ساییده شده ، وصالی شده ، جلد پارچه یی و حصیری (بوریا) دودزده .

۴- خط : بهار خوش ، خوانا ، پخته روشن ، عنوانها و سرفصلها و نشانها و خطوط رسم شده بربالای بعضی از الفاظ و جملات شنگرف ، جدولهای سه خطی کنارهٔ صفحات شنگرف و لاجوردی ، قرن ۹ ه ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» ندارد ، اما تاریخی در پایان دارد که «۹۴۷ ه ق» نموده می شود و این تاریخ شاید تاریخ کتابت باشد : «مرتب شد این در وقت ظهر روز شنبه بیست و نهم از ماه ذی الحجه سنهٔ ۹۴۸ ، کتابت حق و ملک میان ... (محو وسیاه شده) ... ادام الله حیاته همیشه در بساط عالمان عالم و سرور باد آمین یا رب العالمین» .

۶- مؤلف : «شهاب شمس عمر دولتابادی متوفی در حدود ۸۴۹ ه ق» ، نام تألیف : «تیسیر الاحکام» ، تاریخ تألیف معلوم نشد» : در صفحهٔ ۷ و ۱۲ و در پایان نسخه این جملات آمده است : «اما بعد میگوید اضعف بندگان کردگار هادی شهاب شمس عمر دولتابادی ... که مجلس عالی خان اعظم و خاقان معظم ... حضرت رحمان المخاطب بخطاب اشرف خان ...

بازوست شاه شرف براهیم شاه را بادا قوی که قوه او قوه جهانست
راست اینست بازوست برادر علی الخصوص زین سان برادری که سعادت عیانست

... داعی را بتألیف کتابی بعبارت پارسی در احکام دین و مسائل شرع مبین ... داعی شد ... بنا بر این چند باب از مسائل دین در قلم آمد و این مجموع را **تیسیر الاحکام** نام کرده شد امید است که عامهٔ مسلمانان و کافهٔ پارسی خوانان بدو محظوظ شوند» .

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم رب یسر و تمم بالخیر ، حمد وافر و ثناء متواتر

می حضرت صمدیت ذوالجلال جل جلاله اساس دین حنفی را بتأسیس بناء علم بنیاد نهاد و بنیاد ملت احمدی را باحکام احکام شرع قرار داد و درود بر جناب مستطاب بانی مبانی دین شارع مشارع شرع مبین».

۸- انجام : «و خود را و فرزند خود را و شعر خود را نستاید و چون خواهد بر خیزد مجلس را بتسبیح و تحمید و تهلیل و استغفار ختم کند تا خاتمهٔ مجلس بخیر باشد سبحانک اللهم و بحمدک لااله الا انت استغفرک و اتوب الیک ، سبحان ربک رب العزه عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین» (رک : ه—کاتب).

۹- چگونگی : موضوع این نسخه «فقه حنفی» است که به زبان فارسی روان و ساده آمیخته با نثر و نظم نوشته شده است. مؤلف کوشیده است که همهٔ کلمات را به فارسی بنویسد زیرا بادشاه وقت «شاه شرف ابراهیم شاه» که گویا ابراهیم عادل شاه است از وی خواسته است که چنین کتابی به فارسی کند و کتاب را هم به نام او کرده است. تقسیمات نسخه بر اساس «باب» و «فصل» است و جمعاً «۵ باب» و هر باب چند فصل دارد و فصل‌ها به «سؤال و جواب» و «نوع دیگر» تقسیم شده است. این نسخه شاید منحصر بفرد باشد زیرا در فهرست های نسخ خطی موجود نبود. از لحاظ املای کلمات و انشای جملات خوب است. حروف «پ» و «چ» و «گ» و در بعضی الفاظ «ژ» مانند : «ب» و «ج» و «ک» و «ز» کتابت شده است و اصولاً این نسخه رسم الخط عجیب دارد که شبیه رسم الخط بهار است اما به رسم الخط کوفی متکامل شباهت دارد (رک : نمونه ها، تیسیرالاحکام ۳۹۶/۲۹۰).
در آغاز و انجام این نسخه یادداشت‌های دینی به زبان ترکی و به خط جدید کتابت شده است و نیز چند شعر فارسی به بحر متقارب آمده است. درکناره های صفحات و درمیان سطرها بعضی از کلمات و جملات از یاد رفته و معانی لغات و مفاهیم اصطلاحات کتابت شده است. مؤلف این نسخه کتابهایی دیگر به نام «مناقب السادات» و «تاریخ مدینه» داشته است (رک : تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تألیف استاد سعید نفیسی، ص ۲۴۵، ۲۵۴).

۲۹۰/۴۱۱ جامع الرموز یا النقایه یا شرح مختصر الوقایه

[دین ، فقه ، عربی ، نثر]

۱- اندازه :—بیرونی : ۲۴/۵ × ۱۴ × ۵ س م .—درونی : ۲۷ س ۱۶ × ۷/۵ س م .

۲- اوراق : ۴۵۸ ورق . ۹۱۶ صفحه .

۳- کاغذ : نازک سفید رنگ و براق سمرقندی ، اندکی آب رسیده و وصالی شده ، جلد مقوایی تیاجی ضربی منقش و ملون ، شیرازه دار ، نام جلد ساز روی آن ضرب شده است : «ملا عبدالرزاق غالب» .

۴- خط : نستعلیق و تحریر ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشانها و سرفصلها و خطوط رسم شده بربالای کلمات و الفاظ شنگرف و زرین ، یک سر لوح زیبا در زمینهٔ زرین در آغاز ، جدولهای کنارهٔ متن ٤ خطی سیاه و زرین ، قرن ۱۱ ه ق .

۵- کاتب : «سعدی بن شیخ عطاء الله افندی ابن الشیخ یعقوب افندی القرمانی» ، تاریخ کتابت : «۱۰۹۸ ه ق» : «تم بعون الله و حسن توفیقه علی ید اضعف العباد سعدی بن الشیخ عطاء الله افندی ابن الشیخ یعقوب افندی القرمانی فی الیوم الخمیس من شهور شعبان المعظم لسنهٔ ثمان و تسعین والف اللهم حرم لحم کاتبه علی النار غفرالله له ولوالدیه ولاهله ولاولاده و اخوانه ولاقربائه و لجمیع المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات بحرمهٔ سید المرسلین والحمد لله رب العالمین»

۶- مؤلف : یا (شارح) : «علامه شمس الدین محمد الخراسانی القهستانی بخارایی متوفی ۹۶٤ ه ق» ، نام تألیف (شرح) : «جامع الرموز» یا «النقایهٔ» یا «شرح مختصر الوقایه» ، تاریخ تألیف (شرح) : «۹٤۱ ه ق» :نام شارح را در این نسخه نیافتم ، اما نام شرح (تألیف) و تاریخ شرح را در صفحهٔ ۳ و صفحهٔ ۹۱۵ چنین خواندم : «ثم وقفت لسواد جامع الرموز فی سنتین و نصف من الاعوام . . . و هذا اوان فراغی بحمد الله تعالی . . . لسنهٔ احدی و اربعین و تسعمائهٔ من الهجرهٔ النبویه علی صاحبها» . (رک : فهرست کتب عربی خطی و چاپی کتبخانهٔ ریاست رامپور ، چاپ مطبع

احمدی، ج ۱، ص ۱۸۱).

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین، الحمد لله الذی فضلنا بتعلیم اصول مبسوط الجامع الکبیر من الاحکام و کرمنا بتفهیم فروعه الی ان نقدر علی ایضاح زیادات الجامع الصغیر من الاعلام والصلوة علی رسوله محمد محیط الاسرار و مجمع العلوم و افضل الانبیاء علیهم السلام».

۸- انجام : «انه ختم علی احسن اوجه الانتهاء فانه ذکر مسائل الاخرس والمعتقل والغنم المذبوحة فی آخر الکتاب نبه علی ما اختاره ماهو المعول علیه فی الباب و هذا آوان فراغی بحمد الله تعالی علی تواتر نعمائه کثرة عن تبصر ما هوالعمدة بغفران سیئات غفیر یوم الترویة لسنة احدی و اربعین و تسعمائة من الهجرة النبویة علی صاحبها افضل السلام والتحیة اللهم حقق رجاءنا فی عفو السیآت و بلغنا ببرکات حبیبک الی اعلی الدرجات فانک اکرم الاکرمین و ارحم الراحمین».

۹- چگونگی: موضوع این نسخه «فقه» است و از کتابهای اساسی اهل سنت و جماعت است. اصل متن «مختصر الوقایه» نام داشته که شارح شمس الدین محمد الخراسانی القهستانی آنرا شرح کرده و به «جامع الرموز» یا «شرح مختصر الوقایه» و یا «النقایه» موسوم و مشهور گشته است. تقسیمات آن بر اساس «کتاب» و «فصل» و هر «کتاب» مشتمل بر چند فصل است. «کتاب الطهاره» در آغاز و «کتاب الاخرس» در انجام آمده است. فهرست مطالب این نسخه در یک جدول زرین و سیاه از صفحهٔ ۱ تا ۲ کتابت شده است. در کنارهٔ صفحات و درمیان سطرها، بعضی شروح و مطالب از یاد رفته به زبان فارسی یا عربی کتابت شده است و مآخذ را هم مانند: شیخ عبدالحق، تفسیر بیضاوی، کنزاللغة، مصباح الانام ذکر کرده است. جملاتی که باید شرح شود، بالای آنها یک خط شنگرف کشیده و بعد شرح گشته است. در لابلای اوراق و در آغاز و انجام این نسخه نشان دو گونه مهر دیده می شود. یکی اینگونه خوانده شد:

«خالصاً مخلصاً بوجه الله وقف شد نسخه بهر خلق الله ۱۲۲۳». و دیگری اینگونه: «فیض روحی دم او له سوق حسین». این دو یادداشت از مالکان نسخه‌ها خواندنی است: «من کتب الفقیر موسی زاده محمد عبید الله

عفا الله عنها و عن سلالها و اخلافها» و «انتقل الی نوبه‌ٔ الفقیر الله تعالی سوق حسین المدوس بمدرسهٔ اورح پاشا غفرلها سنه‌ٔ ۹۷» . این نسخه ۱۵۷ سال بعد از تألیف و ۱۳۴ سال بعد از مرگ مؤلف ، کتابت شده است .

۲۹۰ / ۳۵۴

جنت الفردوس

[دین ، فقه ، فرایض ، پشتو ، منظوم «مثنوی»]

۱- اندازه :—بیرونی : ۱۴ × ۹ × ۳ س م .—درونی : ۱۳ س ۱۰ × ۵ س م .

۲- اوراق : ۱۹۵ ورق . ۳۹۰ صفحه .

۳- کاغذ : نازک زرد تیره رنگ سیالکوتی ، اندکی آب رسیده ، اندکی ساییده شده ، جلد تیاجی قهوه‌یی رنگ و شیرازه دار .

٤- خط : نستعلیق خفی خوش (متن) ، و عنوانات و جملات عربی ثلث خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، سرفصلها و عنوانها و بعضی از کلمات عربی و نشان‌ها شنگرف ، جدولهای میان ابیات و در فواصل سرفصلها و عنوانها دو خطی شنگرف و جدولهای کنارهٔ صفحات یک خطی لاجوردی و سه خطی سرخ و سیاه ، قرن ۱۲ هـ ق .

۵- کاتب : «حافظ خان محمد» ، تاریخ کتابت : «۱۲۱۰ هـ ق» ، در صفحهٔ ۳۸۹ چنین آمده است : «تمت تمام شد کار من نظام شد ، تحریر بتاریخ ٤۲ (؟) در رمضان المبارک سنهٔ ۱۲۱۰ بلستخط خان محمد ،

هر که خوانده دعا طمعدارم زانکه من بندهٔ گنهکارم»

٦- مؤلف : یا (شاعر) : «حافظ کبیر» ، نام تألیف (مثنوی) «جنت الفردوس» تاریخ تألیف یا سرودن معلوم نشد . در صفحهٔ ۳۵۳ چنین آمده است : «تمت تمام شد جنت الفردوس از تصنیف حافظ کبیر در تاریخ بیست و چهارم تا رجب سنهٔ ۱۲۱۰ بدست خط حافظ خان محمد ،

هر که خواند دعا طمعدارم زانکه من بندهٔ گنهکارم»

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله رب العلمین والعاقبهٔ للمتقین والصلوهٔ والسلام علی رسوله محمد و آله اجمعین

یس له حمده لصلوة حقیقت وایم دتات
هره چار چه سری کاند وی یو شی باعث پری باند
او پر ما باند شتاب شه خود پخپله دا کتاب شه
ما چه کوت دیرمرغوب ده په ضمیر کنبی م محبوب وه»

۸- **انجام :**
«پهر مراد چه وظیفه شیی هغه مرا دبئی پوره شیی
هغه شش قفل داوره دادی پداخای کبنی کنبولی مادی

قفل اول بسم الله السمیع البصیر الذی لیس کمثله شیٔ و هو السمیع العلیم .
قفل دویم بسم الله الخلاق العلیم الذی لیس کمثله شیٔ و هو الفتاح العلیم .
قفل سیوم بسم الله العظیم الذی لیس کمثله شیٔ و هوالعلیم الخبیر .
قفل چهارم بسم الله السمیع البصیر الذی لیس کمثله شیٔ و هوالغنی القدیر .
قفل پنجم بسم الله العزیز الذی لیس کمثله شیٔ و هوالکریم الرحیم .
قفل ششم بسم الله العزیز الرحیم الذی لیس کمثله شیٔ و هوالکریم فالله خیر حافظاً و هو ارحم الراحمین» .

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه «مسائل دینی وفقه و وظایف و دعا» است و منظومه‌یی است به زبان و رسم الخط پشتو. تقسیمات آن بر اساس «باب» و «فضیلت» است و جمعاً ۳۹ باب و چند فضیلت و در حدود ۴۵۷ بیت دارد . باب اول در فضیلت دو رکعت نماز نافله به وقت سحر و باب ۳۹ در فضیلت شش قفل است که آن هم نوعی دعا است . در لابلای نسخه از جملات دعایی و آیات قرآنی استفاده شده است و گویا نام کتاب را از این آیهٔ قرآن اخذ کرده است : «ان الذین آمنو و عملو الصالحات کانت لهم جنت الفردوس نزلا خالدین فیها لایبغون عنها حولا» .

از صفحهٔ ۳۵۶ تا ۳۷۷ اشعاری به زبان پشتو آمده است که در صفحهٔ ۳۶۷ و ۳۷۷ به نام «**نور نامه**» خوانده شده است : «تمت تمام شد نور نامه وفت» و این گونه آغاز می شود : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

په بار بار به ثناوایم درحان خپل ای یارا نوخومیی و پنهورته توانخپل»
و اینگونه انجام می گردد .

«خپل نور نامه وه پفارسی پعربی
سره آمیز ما غلام تر پشتو و وی دا بیان خپل»

از بیت بالا معلوم می شود که سرایندهٔ «نور نامه» ، «غلام» نام دارد و موضوع آن حمد خدا و نعت حضرت محمد (ص) است و از امام محمد غزالی و محمود غزنوی و سپاهیان وی یاد می کند. در حدود ۱۲۰ بیت دارد.

از صفحهٔ ۳۷۷ تا صفحهٔ ۳۸۹ یک مثنوی کوتاه به زبان پشتو آمده است که عنوان «مناجات» دارد و اینگونه آغاز می شود:

«که ته فضل که وهاب　　ما به خلاص کر له حساب»

و چنین انجام می گردد:

«هر چه ما پدعا یاد که　　پد پدار وئی خدای شاد که»

موضوع این مناجات ، راز و نیاز به درگاه قاضی الحاجات و از حضرت محمد «ص» و خلفای راشدین (رض) تا «حسن و حسین» (ع) نام برده است و در آخر از صحابه و اولیاء و «محی الدین» که شیخ عبدالقادر گیلانی می باشد یاد کرده است. در حدود ۱۵۰ بیت دارد. در آغاز و انجام و اواسط این نسخه بعضی دعاها و یادداشتها و توضیحات دارد.

۸۹۰
۳۲۶

جُنگ اشعار

[ادب ، فارسی ، منظوم]

۱- اندازه :—بیرونی ۲۲/۵ × ۱۱ × ۲/۵ س‌م. —درونی: ۱۲ تا ۱۶ س (هر سطر یک مصراع) ۱۸ × ۸/۵ س‌م.

۲- اوراق : ۱۰۴ ورق، ۲۰۸ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم زرد تیره رنگ کشمیری ، اندکی کرم خورده ، آب دیده ، بعضی از صفحات پاره شده ، وصالی شده ، جلد مقوایی ملون با عطف پارچه یی.

۴- خط : نستعلیق خوش ، پخته ، روشن ، خوانا ، عنوانها و نشانها و جدولهای میان سطرها و کنارهٔ صفحات شنگرف. قرن ۱۲ ه‍ ق.

۵- کاتب : نام کاتب در هیچ جای این نسخه نیامده است ، اما در صفحات ۵۵ و ۵۸ و ۱۱۷ و ۱۸۲ در مقطع اشعار لفظ «فیض» و «لمحرره» آمده است که

می رساند کاتب وگرد آورندهٔ اشعار در این «جنگ» «فیض» نام داشته است. تاریخ کتابت معلوم نشد ، اما یک ماده تاریخ وفات ، به نام وزیر فتح خان یا «وزیر اعظم» سنهٔ ۱۲۳٤ ھ ق آمده است. پس می توان گفت در تاریخ ۱۲۳٤ ھ ق. کتابت شده است. به مطلع :

در ماتم این وزیـر اعـظم خون ریخت فلک ز چشم پرنم

و مقطع :

تاریخ چو جستم از خـرد گفت بشمرعددوزیراعظم «سنهٔ ۱۲۳٤ ھ ق»

۶- **مؤلف** : یا (گرد آورنده و شاعر) : «فیض» ، تاریخ گرد آوری : «۱۲۳٤ ھق» و نام تألیف معلوم نشد ، (رک : ۵–کاتب). و می توان آنرا «**جُنگ اشعار**» نامید.

۷- **آغاز** : ناقص است چون لفظ «تتمه» در آغاز صفحه به خط سرخ کتابت شده و می نماید که اوراق چند افتادگی دارد و اینگونه آغاز می گردد : «تتمه ،

گر ترا هست درین شیوه سر یک رنگی
دین و دنیا یکی جرعه چو عصمت بفروش

جامی : ای سرو نازنین که کله کج نهادهٔ
وی تازه گل که پرده ز عارض گشادهٔ
از جنس آب و خاک نهٔ از چه جوهری
و زنوع جن وانس نهٔ از که زادهٔ
ناز کتری ز برگ سمن ورنه گفتمی
بر شکل سرو ریخته از سیم سادهٔ
و صف ترا چنانکه توئی چون کنم خیال
گر هرچه هست در نظر من زیادهٔ».

۸- **انجام** : «محتشم ،

آخرای بی رحم حال ناتوان خود بپرس | حال محرومان خوداز محرمان خود بپرس
چون طبیب شهر گو یدحرف بیماران عشق | گرتوان حرفی زدرد ناتوان خود بپرس
نام دور افتادگان رفته از خاطر بگیر | از فراموشان بی نام ونشان خود بپرس
شرح آن رازی که من بر آستانت میکنم | ازکسی دیگر مپرس ازپاسبان خود بپرس
یا مپرس احوال من جائی که باشد مدعی | یا بتغییر زبان از همزبان خود بپرس

من نمیگویم که‌پرس ازدیگری احوال‌من — از دل بی اعتقاد بدگمان خود بپرس
محتشم بر آستانت ازسگی خود کم نبود — حالش آخر ازسگان آستان خود بپرس

۹- **چگونگی:** در این نسخه که من آنرا «**جنگ اشعار**» نامیده‌ام ، همه انواع شعر گرد آمده است ، از قبیل : غزل ، قصیده ، مثنوی‌های کوتاه ، رباعی ، قطعه ، مستزاد ، دوبیتی ، مفردات ، هجویات ، کلیه اشعار برگزیده و گلچین است وشاعری به نام «فیض» از بوستانها و باغ ها وگلستان های زبان و ادب فارسی گلدسته هایِ زیبا و دل انگیز به دست داده است. در این جنگ اشعار به ترتیب از این شاعران‌اشعاری آمده است : جامی ، ازل ، لاادری ، شاه ناصر خسرو ، عراقی ، شاهی ، طالب ، مشفق یا ملا مشفقی ، طبیب ، لمحرره ، (فیض) ، فیض دکنی ، میر حسینی سادات ، نظیری ، جامع محتشم ، سعدی ، عرفی ، کمال خجند ، زلالی ، شاه همدان ، صائب ، امیر خسرو ، شهادت ، ذبیحی ، قصاب ، خاقانی ، عطا ، انوری ، توفیق ، قاسم انوار. مغربی ، ملامعین، میر مشتاق ، عاشق ، سابق شایق ، ملا شاه ، سروش ، طوفان ، رفیق ، شفائی یا حکیم شفائی ، ابن یمین ، شمس یا شمس الدین تبریزی یا شمس الحق یا شمس تبریز ، حافظ ، احمد جام ، سلطان ابو سعید ابوالخیر ، خانم مهستی ، نظام ، عمر خیام ، میر مشتاق ، فردوسی ، شاه قطب.
«فیض» کاتب وگرد آورندهٔ این جنگ اشعار ، شخصی به نام«شاه عنایت علی» را مدح گفته است درقصیده یی به مطلع :

«هزار حیف که از دور گنبد گردون — هزار چرخ بخوردم هزار غوطه بخون»

و مقطع :

«به فیض فیضرسان باش یا عنایت شاه — همیشه باد ترا سال عمر روز افزون»

و همچنین از شخصی دیگر به نام «وزیر فتح خان» ملقب به «وزیر اعظم» نام برده و ماده تاریخ وفات او را سروده است ، بدین شرح :

در ماتم این وزیر اعظم — خون ریخت فلک ز چشم پرنم
دیدم که زدیدهٔ کواکب — میریخت بجای اشک شبنم
زین غصه از آسمان چارم — آید به زمین مسیح مریم
بودند به گریه و مصیبت — طیرو سمک و وحوش و آدم

از اسم مبارک فتح خان | صد فتح و ظفر شدی مسلم
از هیبت تیغ خونفشانش | شمشیر و سپر فکنده رستم
بر دشمن دین چو حمله می برد | می داد هزار فوج برهم
هم سنگ وی اندرین ترازو | در جود و سخا نبوده حاتم
هر چند امیر بود ظاهر | میزد چو فقیر باطنش دم
اقبال چو رو بپستی آورد | روباه نمود قصد ضیغم
چشمش چوز چشمخانه کندند | بی منت دیده، دید عالم
پس بند زبند او چو منصور | کردند جدا به تیغ از هم
میخورد هزار زخم شمشیر | نفتاد زچین در ابرویش خم
گردن بنهاد و سر به تسلیم | تا گردن او زدند و سر هم
دم از دل خسته بر نیاورد | تا آنکه شهید شد در آن هم
منصور صفت به دوست پیوست | جا یافته در بهشت خرم
در ماه رسول جانفدا کرد | شعبان شده از غمش محرم
برخاک مزار او تیمم | بهتر ز عبادت دو عالم
تاریخ چو جستم از خرد گفت | بشمراعدادوزیراعظمسنهٔ ۱۲۳۴»

در آغاز و انجام این نسخه یادداشت های طبی و دینی و توضیحات ادبی و اشعار اضافی و ادعیه و اوراد به خط وکتابت تازه آمده است که بعضی از آنها به زبان عربی و کشمیری است. نام چندکتاب نیز در آخر نسخه آمده و نوشته شده است: فهرست کتابهای شاه ولایت مرحوم مغفرت، نور الابصار، قصهٔ کامروب، علاج الغربا، طب اکبر، تکشیف الحکمه، غیاث اللغات، طب علائی، خیالات صنایع، بیاض اشرف...».

۸۹۰
―――
۳۲۷

جُنگ اشعار

[ادب، فارسی، منظوم]

۱- اندازه : ـبیرونی ۱۷ × ۱۰/۵ × ۱/۵ س م. — درونی : ۸ س ۱۴ × ۷/۵ س م.

۲- اوراق : ورق. صفحه.

۳- کاغذ : نازک سفید تیره رنگ لاهوری، اندکی سائیده و پاره شده، جلد مقوایی ملون

با عطف پارچه‌ای سرخ .

۴- خط : نستعلیق خوش ، روشن ، خوانا ، پخته ، عنوانها و نشان‌ها سرخ گون ، جدولهای میان سطرها ۲ خطی سیاه و جدولهای کناره صفحات ۵ یا ۶ خطی سرخ و لاجوردی و زرد رنگ ، قرن ۱۲ هـ ق .

۵- کاتب : نام« کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

۶- مؤلف : نام مؤلف یا شاعر یا گرد آورندهٔ اشعار و تاریخ و نام تألیف معلوم نشد ، اما می توان آنرا **«جنگ اشعار»** نامید .

۷- آغاز : ناقص است و اوراق چند افتادگی دارد و اینگونه شروع می شود :

«چندین هزار سکهٔ پیغمبران زدند اول بنام آدم و آخر بمصطفی
الهامش از جلیل و پیامش ز جبرئیل رایش نه از طبیعت و نطقش نه از هوا
در نعت او زبان فصاحت کجا رسد خود پیش آفتاب چه پرتو دهد سها
دانی که در بیان اذا الشمس کورت معنی چه گفته اند بزرگان پارسا
یعنی وجود خواجه سراز خاک بر کند خورشید و ماه را نبود بعد ازین ضیاء

۸- انجام : ناقص است و اوراق چند افتاده است و چنین پایان می یابد :

سیلاب ز سر گذشت مارا ز اندازه برون مکن جفا را
باز آی که از غم تو مارا چشمی و هزار قطره آب است
ای داروی دلپذیر دردم اقرار بندگیت کردم
دانی که من از تو بر نگردم چندانکه جفا کنی ثواب است
ای روی تو از بهشت بابی دل بر نمک لبت کبابی »

۹- چگونگی : در این نسخه، که می توان آنرا **«جنگ اشعار»** نامید ، غزل و رباعی و دوبیتی و مثنوی‌های کوتاه و قصیده و مخمس و دیگر اقسام شعر در موضوعات منقبت و نعت و مدح و دعا و مناجات را در بردارد . و از شاعرانی، مانند: «سعدی، غیاثی، حافظ ،نظامی، جامی، شمسی، اعظم کشمیری، عصمت بخاری ، تقی ، مقبل ، رضا، استاد، جدایی ، خاقانی ، شایق ، قاسمی، میرزا عبدالقادر بیدل ، عطار ، هاشم، نافع، حافظسگ، (کذا) ، فغانی، هلالی، محتشم، صائب، فیضی، حضوری، سلمان، محی ، خسرو، قدوسی اشعاری آورده‌است. در صفحهٔ ۱۳۸ یک مصراع «باد سحر از میانه برخاست که من» توسط چهار شاگرد میرزا عبدالقادر بیدل به فرمان «بهادر شاه پادشاه» تضمین شده است

و در آخر به هر یک «پادشاه چهار هزار روپیه بخشایش داده است» و این «بهادر شاه» شاید «سراج الدین محمد ظفر بهادر شاه» باشد که آخرین پادشاه از خاندان مغول بود و در دهلی حکومت کرد (۱۱۸۸—۱۲۸۵ هـ ق) این نسخه اگرچه ناقص است و افتادگی هایی دارد اما از لحاظ خط و مجموعه‌یی از اشعار برگزیدهٔ شاعران فارسی‌گوی شبه قارهٔ هند و پاک ارزنده است.

۸۹۰
―
۳٦٦

جُنگ اشعار

[ادب ، فارسی ، منظوم ، مصور]

۱- اندازه : — بیرونی : ۲۲ × ۱۱ × ۱/۵ س م . — درونی : ۹ و ۱۰ س م . (ابیات در خلاف جهت و به شکل مورب در دو ستون (کتابت شده) ۱۷ × ۷/۵ س م.

۲- اوراق : ۱۷۱ ورق . ۳٤۲ صفحه .

۳- کاغذ : نازک خاکی رنگ و سفید رنگ سمرقندی ، ساییده شده ، آب رسیده ، جلد تیماجی ضربی منقش و این بیت بر دو طرف روی آن منقوش است :

«یا رسول خدا رسول خدا نظری کن به این فقیر گدا

۸۹» که گویا نام صحاف و یا مالک کتاب «فقیر رسول» بوده است.

٤- خط : شکستهٔ خوش خفی ، سخت خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشانها و سر فصلها شنگرف ، ۳ مینیاتور به سبک هندی ، بعضی از صفحات نقاشی و گل و بوته نگاری زرین ، جدولهای میان سطرها (ابیات) ۲ خطی سیاه و زرین ، و جدولهای کنارهٔ صفحات ٦ خطی سیاه و لاجوردی و زرین ، قرن ۱۰ هـ ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «نقاش» و «تاریخ کتابت» ندارد .

٦- مؤلف : یا «گرد آورنده» و نام و تاریخ تألیف معلوم نشد ، اما مطابق معمول که این نوع مجموعه‌ها را «جنگ اشعار» یا «مجموعهٔ اشعار» یا «بیاض» می نامند ما نیز نام «جُنگ اشعار» را برگزیدیم در صفحهٔ ۱۸۷ این جمله به

سختی خوانده شد : « در دو منزلی شهر اکوره هوته لوار چهارم شهر شوال سنهٔ ۱۲۰۵ ».

۷- آغاز : در آغاز مطالبی در شش صفحه به نثر دارد و اینگونه شروع می شود : « بعد از مدتی که مردم خوب گرم مقابله شدند در بین فرات آخذ شروع کرد برین نحو» و متن اشعار از صفحهٔ ۱۰ آغاز می گردد :

خواست مردی زنی و عقد به بست بنشست پیش او عهد به بست

۸- انجام : در انجام اشعاری پراکنده آمده است :

من ز تو تو ز من جدا می شود این نمی شود
خود تو بگو تو و خدا می شود این نمی شود
رنگ حنا چه بسته‌ای بر کف پای خویشتن
هم سرخون من کجا می شود این نمی شود
بوسه ز بوی جانفزا گریدهی شود شفا
درد توبه به هر دوا می شود این نمی شود

۹- چگونگی : این نسخه که آنرا «**جنگ اشعار**» یا «**بیاض اشعار** » یا «**سفینهٔ اشعار**» می نامند ، دارای اشعاری پراکنده و متفرق اما برگزیده از شاعران با نام و گمنام و یا مشهور و غیر مشهور است که شامل : غزل ، مثنوی کوتاه ، قصیده ، قطعه ، رباعی ، دو بیتی ، مفردات ، ترجیع بند ، ترکیب بند ، مخمس ، و مستزاد است و از لطیفه و غزل و معما هم بهره مند است و به خط شکستهٔ سخت خوانا کتابت شده و دارای ۳ مینیاتور زیبا است که مفهوم آنها از اشعار صفحات پیش و پس آنها معلوم می‌شود .متأسفانه به علت آب دیدگی بسیار، بعضی از ابیات سیاه و محوگشته است . در این « جنگ اشعار » نام این شاعران آمده و از آنان اشعاری بدین ترتیب نقل شده است : « زیب النساء مخفی (غزل) ، ملا کاشی (هفت بند) ، ملا محتشم (دوازده بند و غزل) ، ملا مقبل تخلص عرفی (هفت بند) ، ملا وحشی (ترجیع بند) ، ملا محمد شریف‌آملی تخلص طبیب (بیمار و طبیب) ، سیری (مهری) مهدی‌عرب (مثنوی) ، جلوه(قسم‌نامه) ، حافظ (غزل) ، ملا احمد تخلص جامی (غزل) ، آقا محمد فیض (غزل) ، آقا محمد قمی تخلص صهبا ، میرزا محمد تخلص فروغی ، ملا عبدالرحمن جامی ، مصلح الدین سعدی شیرازی ، لطفعلی بیک آذر

تخلص ، امیر خسرو دهلوی ، ملا مشتاق ، نظیری ، حیرت ، میرزا ابوطالب کلیم ، نورس ، صبوحی ، کلیم همدانی ، میرزا صائب ، نسیم ، هلالی ، شیخ محمد علی تخلص حزین ، صیدی ، ملا عرفی ، ملا حسین رفیق ، عاشق ، عصمت بخاری ، نظامی گنجه ، فاتح ، اهلی شیرازی ، سالک خجندی ، سرور ، قصاب (مخمس و غزل) ، واقف (غزل) ، شوکت بخارایی ، اوحدی ، شانی ، نعمت خان عالی ، خالص ، منتخب قصاب ، کاتبی ، خاقانی ، شهرت ، استاد ، ناصر علی ، آفرین ، طوفان ، مرتضی ، عبید زاکانی (موش و گربه) ، فردوسی طوسی : «هجو سلطان محمود غزنوی» .

بعضی از نام شاعران نا خوانا است . بعضی قطعات نثر و حکایت از زبان بزرگان شعر و ادب در اوایل این نسخه آمده است که از لحاظ نثرفارسی ارزنده و از لحاظ تاریخی ضعیف است . مثلاً قطعه نثری در صفحهٔ ٤ آمده است که شیخ سعدی شیرازی به شهر گجرات رسیده و با آخوند مکتبی و شاگردانش ملاقات کرده است و چون او را تسخر کرده اند ، این رباعی را در آخر حکایت سروده است :

سعدی در این دیار تو مرد مسافری   از کس سخن مگوی که گجراتیان زنند
سعدی توگوهری سخنان تو گوهرند   گوهر چنان فروش که گجراتیان خرند

در صفحهٔ ۹ قطعه نثری دارد که انوری به هندوستان رسیده است روی هم رفته نسخه‌یی است ارزنده و در خور تحقیق خاصه آنکه بعضی از اشعار آن شاید درجایی دیگر یافته نشود .

۸۹۰
۴۵۹

جُنگ اشعار

[ادب ، فارسی ، منظوم]

۱- اندازه :- بیرونی : ۲۱ × ۱۳ × ۳ سم . — درونی : ۸ س (از صفحه ۱ تا ۲۸۹ سطرها مورب) ۱۲ و ۱۳ و ۱۵ س (از صفحه ۲۹۰ تا ٤۲٤ سطر ها مستقیم ۱٤/۵ × ۷/۵ و ۱۲ × ۸ و ۱۵ × ۷/۵ سم .

۲- اوراق : ۲۱٤ ورق . ٤۲۸ صفحه .

۳- **کاغذ :** نازک زرد تیره رنگ سیالکوتی و ضخیم سفید رنگ سمرقندی و دو قسم دیگر آبی رنگ و خاکی رنگ (٤ نوع کاغذ در این مجموعه به کار رفته است) ، اندکی آب رسیده ، جلد مقوایی ضربی نقش دار با عطف و گوشهٔ چرمی ، نام صحاف روی جلد نقش شده است : «عمل عبد الرشید قادری ۱۲۷٤ھ ق» .

٤- **خط :** نستعلیق شکسته آمیز ، رسم الخط اردو و فارسی ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشانها و سر فصلها شنگرف ، جدولهای ۳ خطی سیاه و زرد میان ابیات و جدولهای ٦ خطی سیاه و زرد کنارهٔ ابیات (از صفحه ۱ تا ۲۸۹) و جدولهای ۲ و یک خطی سرخ میان ابیات و در فواصل عنوانها و در کنارهٔ ابیات و صفحات شنگرف ، قرن ۱۲ و ۱۳ھ ق .

۵- **کاتب :** نام «کاتب» ندارد و لیکن شاید به دست شاعری به نام «ندیم» کتابت شده باشد ، زیرا در آغاز بعضی از اشعار آمده است «لمحرره» و بعد در مقطع آنها تخلص «ندیم» دارد :

چشم دارد شفاعت از تو ندیم ‌ ‌ ‌ با دل زار و دیدهٔ نمناک

تاریخ کتابت قسمت آخر این «جنگ» که به خط تازه تر و قیاسا خط همان «ندیم» است «۱۲۷۱ھ ق» می باشد : قد وقع الفراغ من التحریر فی ۲۰ شهر شعبان المعظم سنهٔ ۱۲۷۱ ،

هزاران درود و هزاران سلام ‌ ‌ ‌ ز ما بر محمد علیه السلام

٦- **مؤلف :** یا (شاعر) و یا (گرد آورنده) : **«ندیم»** ، نام تألیف : **«جنگ اشعار»** ، تاریخ کتابت ظاهراً «۱۲۷۱ق» و لیکن قدیمتر می نماید (رک : ۵-کاتب) .

۷- **آغاز :** «بسم الله الرحمن الرحیم ، لمحرره ،

ای مخاطب بنکتهٔ لولاک ‌ ‌ ‌ گر نبودی تو کی بدی افلاک
از دل و دیده دوستدار تو ام ‌ ‌ ‌ لا حبیبی بدهر غیر سواک
دل و جان هدیهٔ سگ کویت ‌ ‌ ‌ روحی و جسمی ای رسول فداک
جز رضایت نمی زنم گامی ‌ ‌ ‌ اطلب فی جمیع حال رضاک»

۸- **انجام :** «افسوس که رفت نشاه عهد شباب ‌ ‌ ‌ سرخوش نشدیم یک‌دم از بادهٔ‌ناب
از بهر تماشای جهان همچو حباب ‌ ‌ ‌ تا وا کردیم چشم رفتیم بخواب
ای جامهٔ فقر زیب و پیرایهٔ تو ‌ ‌ ‌ وی شاه و گدا توانگر از مایهٔ تو

از خاتم صنع سر نزد نفس دو کون تا صرف نشد سیاهی از سایهٔ تو»

۹- **چگونگی:** این جنگ یا مجموعهٔ اشعار فارسی شامل برگزیده‌ی از قصاید و غزلیات و قطعات و مفردات و دوبیتی ها و مخمس ها و رباعی ها و دیگر انواع شعر از شاعران معروف و گمنام است و گرد آورندهٔ آن ظاهراً شاعری متخلص به «ندیم» است هر گاه اشعار خود را بیان می دارد «لمحرره» و هرگاه اشعار استادش را می آورد «من استادی» می نویسد و در مقطع چنین شعری نام «عراق» آمده است و گاهی سعدی وجامی ، اما مثل اینکه استاد وی «حسینی» نام داشته است :

«گردید قلم گرم بتحریر معانی
افسوس حسینی که کنون قافیه تنگ است»

و دیگر شاعران را با نام ذکر می کند اینک اسامی شاعران این مجموعه یا جنگ : «ندیم ، جامی ، عمر ، نادر ، بیدل ، ضیاء نخشبی ، عمر خیام ، محمود خارزمی (خوارزمی) ، شمس تبریز ، فایز ، میرزا عبدالله مسکین ، خسرو ، عمر خان ، جلال اسیر ، مولانا آصفی ، مشتاق ، انصاری ، عرفی ، شاهی ، واقف ، رفیق ، ظهیر ، بیضا ، یغما ، گلچن (گلچین ؟) ، رفیعی ، رحمت، مرثیهٔ خلیفه‌شمس الدین «۱۲۴۶ = هی وای دریغ» ، تاریخ وفات حضرت مرشد عصر «۱۲۷۰ آن مظهرکل کو» ، فیضی فیاضی ، استاد ، سالم ، گرامی ، کلیم ، انوری ، طالب آملی ، لا اعلم ، شارع ، قابل ، حشمت ، عالیجاه ، لاادری ، میرزا رفیع ، مست ، سلیم، ملک ، اسیر، ابوالفضل ، قدسی، میر شهید ، صائب ، نظیری ، عالی ، حافظ ، علی، فطرت ، شوکت ، ضمیری ، وحید ، حالتی ، وحشی ، صیدی ، صامت ، آقا لطیف ، همت ، غنی ، سعدی ، اسیر ، راهب ، اختر ، محتشم ، رضی ، حسامی ، نصیر ، شیر افکن ، باسطی ، خالص ، سحاق ، مقیم ، نجات ، ظهوری ، ظهور ، شاپور ، کاشی ، مولوی ، سلمان ، ابوسعید ، منیر ، ابن یمین ، فاطمهٔ قواله ، فضائل ، نوعی ، منصف ، تجلی ، شوکت ، قاسم» .

در این نسخه انتخاب دیوان مولانا محمد طاهر غنی و انتخاب رباعیات دیوان غنی کشمیری و انتخاب دیوان ندیم که محرر و گرد آورندهٔ این اشعار است آمده است. بعضی از اشعار این جنگ بر اساس «باب»

و «فصل» و موضوعات مختلف تقسیم شده است، مانند: «باب اول در اقسام تهنیت و مبارکباد مشتمل بر سه فصل»، «باب سوم در اقسام مواعظه و نصایح مشتمل بر چند فصل و جمعاً ۱۵ باب دارد. در آغاز و انجام این نسخه بعضی یادداشت ها به نثر فارسی ادبی و توضیحات اندرز و پند و اشعار پراکنده به خط و کتابت دیگر آمده است که «ادا» تخلص دارد. این جنگ با این طرز و اسلوب نادر الوجود است و این نسخه منحصر است که به خط «ندیم» یگانه و بی همتا است. در گوشه و کنارهٔ صفحات این نسخه ابیات اضافی و یادداشت های گوناگون به خط کاتب یعنی همین «ندیم» آمده است. در کنارهٔ صفحهٔ ۳۴۵ «در تعلیم خط» یک قصیده کتابت شده که بسیار ارزنده است:

در تعلیم خط گوید:

بالای الف سه نقطه باید   اما بهان قلم که شاید
در وی حرکات همزه پیدا   لیکن بطریق رمز و ایما
نه نقطه درازی تن با   استاد نوشته است بهر جا
آنگونه که گر کنی نگونسار   گردد به همان صفت نمودار
جیم ار خواهی ری نگونی   پیوند بنون واژگونی
یک نقطه اگر کنی بری وصل   دالست بنزد واضع الاصل
باشد تن دل نقطهٔ هم   یک راه دگر بکن برو ضم
زا نیز دو نقطه است اما   یک نقطه سراست و دیگری پا
دندانهٔ اول سر سین   یک نقطه نموده اند تعیین
دندانهٔ دویمش که آید   یک ذره گشاده تر نماید
اما تن سین بشکل نون است   کز این گذری عجب زبون است
طول مد شین نه نقطه باید   کز این مرقوم دل گشاید
باید سرصاد را چنان ساخت   صادنگونی از آن توان ساخت
در نزد هنروران استاد   طایک الف است ودیگری صاد
یک مرکز صادازو زیاد است   یک نقطه برونهی توضاد است
باید سر عین را چنان ساخت   کانرا سر صاد هم توان ساخت
در حلقهٔ جیم و حلقهٔ عین   یک نوع نموده اند تعیین
هر جا که نوشته اند فائی   یک نقطهٔ دوره است و بائی

قاف است بقول ذوفنونی ‌ یک نقطهٔ مستدیر و نونی
کاف است بنزد نیک رائی ‌ پیوسته الف بحرف بائی
سرکش بچه مانداى یگانه ‌ تیری زده بر سر نشانه
طولش ز چهار نقطه کم نیست ‌ گر پنج کنی تو نیز غم نیست
لام است و الف بنون مرکب ‌ گردیده بدین صفت مرتب
لیکن الفش دراز باید ‌ قد یک و نیم الف نماید
استاد هنروارن سر میم ‌ یک نقطه نموده اند تعلیم
نیم دگری ز تنه بر آری ‌ گر ماهر این خجسته کاری
مقدار دو نقطه گردن او ‌ طول لام است دامن او
از دامن میم بی کم و کاست ‌ لام است هم از چپ و هم از راست
بر پاس اگر نهی سر جیم ‌ آید بظهور پیکر جیم
نو نراشش نقطه است بشنو از من ‌ دو گردن و دو تن و دو دامن
واو است بقول نیک رائی ‌ یک نقطهٔ مستدیر و رائی
ها را نقطی بنه در آغاز ‌ و ز نوک قلم مدورش ساز
نوع دگرش چنین رقم ساز ‌ دالی در نسخ فا در آغاز
لالا را الفی بنه موافق ‌ یک راء دگر بکن تولاحق
ز آن گونه بیاض هر دو باید ‌ کآن هم الفی دگر نماید
باید سر یا چو تاج شاهان ‌ گردد بنظر چو او نمایان
گردن بطریقهٔ نماید ‌ کاندام دو دال حاصل آید
یک دال نگونی دیگری راست ‌ آید بحصول بی کم و کاست
گر عکس نویسیش تو یا را ‌ بر اول او نویس بارا

تمت الکتاب بعون الملک الوهاب».

۸۹۰
___
۴۹۹

جُنگ اشعار

[ادب، فارسی، منظوم]

۱- اندازه: —بیرونی: ۲۲×۱۴/۵×۲/۲ س م. — درونی: (سطرها مختلف و متفاوت موزب و خلاف جهت یکدیگر کتابت شده است و حد وسط هر صفحه ۱۱ بیت دارد). ۱۷×۹ س م.

۲- اوراق : ۱۷٤ ورق. ۳٤۸ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم سفید فرنگی، اندکی وصالی شده، جلد مقوایی سیاه رنگ با عطف و گوشهٔ تیماجی قهوه یی رنگ.

٤- خط : نستعلیق آمیخته با شکسته و تحریر، پخته، خوانا، روشن، عنوان ها و نشان ها و بعضی اشعار شنگرف و منقش، جدولهای دو خطی و یک خطی لاجوردی و سیاه و سرخ. قرن ۱۳ ه ق. در صفحهٔ ۱٤۲ و ۱٤۳ زرافشان.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد. در ص ٦۳ نام «**محمد صدیق**» آمده است و در صفحهٔ ۳۰۸ نام «**محمد حسین**».

٦- مؤلف : یا (شاعر) یا گردآورنده شاید «**محمد صدیق صابرالمصدق**» باشد (ص ۱۷۸). اما اسامی هر شاعر که شعری از او نقل شده آمده است و به احتمال قوی «کاتب» و «گرد آورنده» یکی هستند. این مجموعه را «جنگ اشعار» می توان نامید. تاریخ تألیف یا گرد آوردن معلوم نشد. از خط و کتابت و کاغذ معلوم می شود که در سالهای مختلف کتابت شده است.

۷- آغاز : ٤۵ برگ (۹۰ صفحه) از آغاز افتاده است و چنین شروع می شود: «ایضاً له،

کار هزار ساله رفو پیش خویش ریخت — زین چاکها که ما به گریبان فروختیم
از محنت تهیهٔ اسباب فارغم — عشرت سرای کوچهٔ سلطان فروختیم
در مخزن جگر گهر چند جمع بود — دلال کشت دیده بداماں فروختیم
دیگر ز ما مجوی ظهوری سرود عیش — لب را ز غم بناله و افغان فروختیم»

۸- انجام : «تا کی برغم غیر برافع کنی عناد — روزی که عمر خویش بلایی دهد بباد

در طریق عشق‌بازی کم ز هندوزه مباش — از برای مرده سوزد زنده حال خویش را

رشته یی در گردنم افکنده دوست — میکشد هر جا که خاطر خواه اوست
گه بمسجد گه به دیرم میکشد — تارو پودش از محبت های دوست

می خواهد از خدا که شود خاک پای تو

تمت تمام شد، کار من نظام شد».

۹- چگونگی: این نسخه اشعار برگزیدهٔ بسیاری از شاعران بنام و گمنام است و به خط

گرد آورنده و یا مالک آن کتابت شده است و از این لحاظ نسخه‌یی است ارزنده و قابل تحقیق در انواع شعر فارسی در سر زمین پاک و هند. در این نسخه به ترتیب از آغاز تا انجام از این شاعران اشعاری آمده است: «ظهوری، الفت، شایق، سعدی، مولانا عبدالرحمن جامی، شاه شجاع، میرزا بیدل، هلالی، شاه نیاز، محمد صدیق صابر، سلطان شعرا، خسرو، ظهیر، واسوخت شجاع الملک، صائب، زیب النساء مخفی، قصاب، حسینی، صالح، محیی، معین، نیازی، شمس تبریزی، جیلانی، بهایی، هجری، نظامی، حزین، نظیری، مشتاق، قدسی، ابن یمین، خاقانی، صاحب، مولاناظلی، رافع، فخری، مسکین، کمال، شیخ عطار، اهلی». البته بسیاری از اشعار بدون نام شاعر است. انواع اشعار این جنگ عبارت است از: غزل، قصیده، رباعی، مثنوی، دوبیتی، قطعه، مخمس، فرد. نقل این غزل ابتکاری جالب است:

نازکک خوبک لطیفک دلبرک دلدارکی
عنبرین خالک مهک مشکین خطک گلزارکی
گلرخک گرم اختلاطک چاپلک
جامگک لیلی وشک خوش نغمه‌گک لب شکرک
خوش تلنگک گرم اختلالک نازنینک کاوشک
شاهدک شنگک ملیحک چابکک سیمین برک
گل لبک غنچه دهانک کاروانک نادرک
خوش خرامک در فشانک مومیانک کاوکک
چاره سازک جان گدازک سرونازک ساحرک
گل رویک مشکبویک خوش بیانک حورگک

ترککک شوخک ظریفک شکرین گفتارکی
سر خوشک مستک ظریفک عاشقک عیارکی
کم جفاگک پر وفاگک با صفایک یاورک
نکته دانک دلستانک بیگانک همرنک
سر گرانک همزمانک خوش کلامک پا سرک
شعر فهمک شعر خوانک شعر دانک شاعرک

دل نوازک جمله نازک مست نازک دلک
باب قصابک لذیذک چرب و نرمک کوچکک
جالک ملای رومک مشفقک شکر لبک
نازنینک سرو قدک دلفریبک فریبک
نازنینک خوش ادایک مومیان سرشارکی

بعضی از سهو القلم ها و اشتباهات لفظی و انشایی در آن موجود است .

۸۹۰ / ۵۵۰

جُنگ اشعار

[ادب ، فارسی ، منظوم]

۱- اندازه : ــبیرونی : ۵/۱۶×۱۰×۱/۷ س م. ــدرونی : ۱۰ تا ۱۲ بیت (مورب) ۱۴×۵/۷ س م .

۲- اوراق : ۹۳ ورق . ۱۸۶ صفحه .

۳- کاغذ : نازک سفید رنگ هراتی ، آب رسیده ، جلد مقوایی سیاه با عطف تیاجی سفید رنگ.

٤- خط : نستعلیق آمیخته با شکسته ، خوانا ، روشن ، پخته ، بعضی از عنوان ها و لشانها شنگرف. قرن ۱۲ ه ق .

۵- کاتب : نام « کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد ، فقط نشان چند مهر دارد که اینگونه خوانده می شود : «افوض امری الی الله» شاید رمز نام «امیر فیاض» یا «امیر فیض» یا «امیر فیض الله» باشد. و همین شخص کاتب یا مالک نسخه خواهد بود .

٦- مؤلف : نام «مؤلف» و «تألیف» و تاریخ آن معلوم نشد (رک: ۵ــکاتب) .

۷- آغاز : ۱۱ صفحه (٦ ورق) افتادگی دارد و چنین آغاز می شود :

«طبیب عشق را دوکان کدام است علاج جان کند او را چه نام است»
طبیب عشق را دوکان همین است علاج جان کند نامش کریم است
شراب عشق نوشیدن حلال است دمی بی یاد او بودن حرام است
بتی دیدم نشسته در خرابات نمی دانم که آن بت را چه‌نام است»

۸- انجام : «چون فکندی یک نظر در نرگستان ای صنم
چشم نرگس را به چشم خویش حیران ساختی
از برای کشتنم تیر نگاهت کم بود
کز غضب شمشیر ابرو را نمایان ساختی
در حریم عارضت بنشسته هندو زادگان
کعبه را ای بت تو آخر کافرستان ساختی
شه شجاع امیدوار از دارو وصل تو بود
کشتیش بادرد و نومیدش ز درمان ساختی»

۹- چگونگی: این نسخه یک «جنگ اشعار» است که در آن غزل ، رباعی ، دوبیتی ، قصیده ، قطعه ، مخمس و دیگر انواع شعر و بعضی از صنایع ادبی گرد آمده است و همهٔ آنها برگزیده ویک دست و گلچین است . مالک یا کاتب و یا گرد آورندهٔ آن خوش ذوق و شاعر و ادیب بوده است و نشان مهروی «افوض امری الی الله» است و شاید نام وی «امیر فیضی» یا «امیر فیاض» یا «امیر فیض الله» بوده است . نشان یک مهر دیگر هم دارد که اینگونه خوانده شد : «محمد انور» . و اتفاقاً در صفحهٔ ۹۰ مهر دیگر آمده است که «فیض محمد ۱۳۲۲» خوانده شد .

در این جنگ اشعاری چند از این شاعران آمده است : «عطار ، حافظ ، غیاثی ، نظامی ، شاه شرف قلندر ، مسکین ، جامی ، غیاث الدین ، قادری ، مشتاق ، شاه جهان ، نور جهان بیگم ، شمس تبریزی ، جازپی میرزا (جناب) ، خادم ، ظهیری ، قدسی ، سید محمد شریف ، احمد ، رومی ، میرزا جان جانان (عبدالخالق) ، انوری ، ملا (صاحب) ، حکیم شفایی ، شاه شجاع ، شجاع الملک» . ضمناً انواع اشعار برگزیده تحت عنوانات ذیل آمده و معلوم می دارد که برای آهنگ های موسیقی گرد آوری شده است : «دورویه ، دویک ، یکه ، عراق ، نیمدور ، اره ، دوتاله ، حجز ، سه تاله ، نور در عجم دویک ، نیمدور» . هزلیات و هجویات نیز در این جنگ آمده که بعضی از آنها را عمداً محو و سیاه کرده‌اند . در حدود ۲۰۵۰ بیت دارد .

۸۹۰
۵۱٤

جُنگ اشعار

[ادب ، غزل و قطعه ، منظوم]

۱- اندازه : —بیرونی : ۱۹/۵ × ۱۰ × ۱ س م . —درونی : سطرها مختلف و از ۵ تا ۱۲ سطر (بیت) دارد .

۲- اوراق : ۸۲ ورق . ۱٦٤ صفحه .

۳- کاغذ : ضخیم زرد تیره رنگ سیالکوتی ، کرم خورده ، آب رسیده ، جلد مقوایی ملون تازه ، با عطف و گوشهٔ پارچه یی توتونی رنگ .

٤- خط : نستعلیق آمیخته با شکسته ، سخت خوانا ، نا پخته ، جدولهای ۲ خطی میان سطرها (ابیات) و کنارهٔ صفحات شنگرف ، قرن ۱۲ ه‍ ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

٦- مؤلف : یا (شاعر) و یا (گرد آورنده) و نام و تاریخ تألیف ندارد .

۷- آغاز : ناقص است و چنین شروع می شود :

«استاد گفت به شاگرد از روی مهربانی — پرسم من از تو چیزی موجود گر تو دانی
دیدم الف کشیدم صورت گر معانی — یک کنیزی بدیدم هوزش برونشانی
زود تر جواب من گوشاگرد اگر بدانی — شاگرد گفت به استاد ای نور هردو دیده
بشنو جواب خود را از بنده زر خریده — دیدم قد نگارش مثل الف کشیده
الف چه دارد با خود جز قامت رسیده — گفتم جواب آخر ای شمع زندگانی»

۸- انجام : ناقص است و چنین ختم می شود :

«در بزم قدح نوشان در بزم وفا کوشان — معشوقه ترا دانم جانانه ترا یابم
در صحبت هر جمعی کافروخته شده شمعی — گردی سراو گردان پی دانه ترا یابم
گر جانب میخانه آیم پی پیمانه — در دست . . . شامان پیمانه ترا یابم
از سر بکشم خرقه در بحر شوم غرقه — در هر صدف پنهان دردانه ترا یابم

۹- چگونگی : این نسخه شامل برگزیده یی از اشعار زیبا و برگزیده است و آنرا می توان «**جنگ اشعار**» نامید . گرد آورندهٔ آن مطابق ذوق خود در موضوعات مختلف خلاق و لطایف عشقی شعر برگزیده و کتابت کرده است . بعضی اشعار

جزو صنایع ادبی است ، مانند ، صنعت سؤال و جواب و صنعت توشیح و آن غزلی است که هربیت آن با حرفی از حروف الفبا آغاز می شود و تمام حروف الفبا را در بر گرفته است . از این شعرا غزل آورده است : خسرو ، نظامی ، بهلول ، دیوان ولی کشمیری ، جامی ، شریف ، فقیر ، شمس (تبریزی) ، نواب باقر خان ، محمد قاسم ، حافظ . ضمناً اشعاری دارد که می توان آنها را از «تصنیفات» خواند زیرا در آن روزگار «تصنیف» را در دیوان نمی آوردند و در جزوه ها و جنگ های خصوصی می نوشتند .

چند غزل و قطعه دارد که شاید به زبان هندی یا کشمیری باشد . جملات دعایی و تعویذ و آیات قرآن چند حدیث هم در لابلای صفحات آمده است .

نشان چند مهر دارد که اینگونه خوانده می شوند : «عبدالغفور عفی عنه ۱۱۱۳» .

یافتم در دین پیغمبر سرور　　　از کرم بخشا گناهم یا غفور

۸۹۰و۹۵۰ / ۴۰۹

جوامع الحکایات ولوامع الروایات

[ادب ، تاریخ و سرگذشت ، فارسی ، منظوم و منثور]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۵ × ۲۰ × ۵ س م . — درونی : ۲۵ س × ۱۹/۵ × ۱۵ س م .

۲- اوراق : ۳۳۶ ورق . ۶۷۲ صفحه .

۳- کاغذ : ضخیم سفید تیره رنگ سمرقندی ، اندکی کرم خورده ، وصالی شده ، جلد مقوایی چرمین قهوه یی تیره گون .

٤- خط : ثلث خوش ، خوانا ، روشن ، رسم الخط عربی ، عنوانها و سر فصلها و نشانها خط یاقوتی سیاه و شنگرف ، جدولهای یک خطی شنگرف و زرد . قرن ۸ ه ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

۶- مؤلف : «سدید الدین (یا نور الدین) محمد بن محمد عوفی بخاری» ، نام تألیف «جوامع الحکایات و لوامع الروایات» ، تاریخ تألیف: «۶۲۵—۶۳۰ه ق» : در این نسخه (مقدمهٔ قسم دوم و قسم سوم) از مؤلف نامی آورده نشده و لیکن

در سطر اول قسم چهارم چنین آمده است : «**جوامع این کلمات محمد عوفی** گوید که شهاب الدین حقوق که وکیل خاص در سلطان سکندر بود» در مقدمهٔ قسم دوم و سوم از «**ابو الحامد محمد بن ابی سعد الجنیدی**» نام برده و کتاب را به نام او کرده است و لیکن در مقدمهٔ قسم چهارم از او نام نبرده است . این شخص وزیر سلطان شمس الدین التتمش از ممالک غوریه بوده است . درآغاز هر سه قسم از این نسخه نام تألیف صریح و واضح «جوامع الحکایات و لوامع الروایات» و در صفحهٔ ۲۸۲ «جامع الحکایات» آمده است . تاریخ تألیف با مقایسهٔ وقایع تاریخی که دربارهٔ محمد عوفی نوشته‌اند به دست آمد (رک : تاریخ ادبیات در ایران ، تألیف دکتر ذبیح الله صفا ، ج ۲ ، ص ۱۰۲۶—۱۰۳۰) .

۷- **آغاز** : قسم اول مفقود است و از آغاز قسم دوم تا اواخر قسم چهارم موجود و لیکن از قسم اخیر هم افتادگی دارد .

قسم دوم (ص ٤) : «قسم دوم در بیان اخلاق حمیده و سیر مرضیه مشتمل بر بیست و پنج باب ، سر دفتر مکارم اخلاق و محاسن سیر حیاست که اصل درخت ایمان و دوحهٔ اغصان اسلام است و مصطفی علیه السلام در فضایل او مبالغت نموده است و ذکر او را مخ عبادات فرموده که الحیاء مخ العبادة» .

۸- **انجام** : **ایضاً (ص ۲۸۹)** «تا باد چنین باد چنان که زبان ایام بمدح او گویاست چنانکه شاعر گوید :

صاحب خواجهٔ ایام نظام الملک آنک
رایت رفعتش از گنبد گردون بگذشت

صدر ایام قوام الدین مخدوم جهان
آنکه فیض کفش از دجلهٔ جیحون بگذشت

فتنه زین پیش اگر داشت سر استبداد
سرفرو بردجو دوران وی اکنون بگذشت

قدر او سوی فلک کرد همانا گذری
مهر از شرم عرق کرد برو خون بگذشت

ابر جون دید که او حاصل دریا بخشد
چشم دل بر سر دو لؤلؤ مکنون بگذشت

عمر او باد فزون از آنک در آید بشمار
زانکه بذلش ز حد احصا و افزون بگذشت

تمت المجلد الثانی و الحمد لله رب العالمین و الصلواة و السلام علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین وسلم تسلیما کثیراً دائما ابداً حامداً و مصلیا و مسلما».

۷ - آغاز : قسم سیوم (ص ۲۸۲) : «القسم الثالث من کتاب جامع الحکایات شکر و سپاس و حمد بی قیاس مر پروردگاری را که برید وهم در ساحت عظمت او کام بر نتواند گرفت و درود بر سیدی که طاؤس فکر در پرواز هوای وصف او قوام و خوافی باز نتواند کرد و نسیم رضوان بر آل و اتباع او باد و بر انصار و اشیاع او».

۸ - انجام : ایضاً (ص ۴۹۳-۴۹۴) : «چنانکه درین عصر خداوند خواجهٔ جهان و دستور صاحب قران ملک ملوک الوزرا ابوالمکارم محمد بن ابی سعدی الجنیدی است صاحب قرانی که عروس زیباء دولت را در حجرهٔ حشمت خود جنان می دارد که نظر حوادث نا محرم برآن نمی افتد،

صاحب قران عرصهٔ عالم نظام ملک
صدری که لطف او مدد جان هر تن است
عادل قوام دین محمد محمد آنک
اقبال را بدر که والاش مسکن است
همواره تا که چرخ را ز اجرام گلشن است
پیوسته تا که دهر ز خورشید روشن است
پیوسته باد طالع خورشید قدر جاه
در کام او که ملک ز عدلش همگن است

تم القسم الثالث من کتاب جوامع الحکایات و لوامع الروایات بعون الله و حسن توفیقه و الصلوة علی نبیه محمد و آله و صحبه اجمعین».

- آغاز : قسم چهارم (ص ۴۹۸) : «قسم چهارم از کتاب جوامع الحکایات و لوامع الروایات در عجایب بحار و بلاد و طبایع حیوانات و غیر آن مشتمل بر بیست پنج باب ، جوامع ابن کلمات محمد عوفی گوید که شهاب الدین حقوق وکیل خاص در سلطان سکندر بود بخدمت شیخ مجد الدین بغدادی نامه

نوشت و درخواست کرد که بهمت عالی مدد دهد تا ازین ظلمت دنیا بنور طاعت راه یابیم و حبل شواغل را بتیغ انابت و مجاهدت قطع کنیم».

ــانجام : ایضاً (ص ۶۷۳) : افتادگی دارد و تا نیمی از باب شانزدهم موجود و از نیمهٔ دوم باب شانزدهم تا آخر باب بیست و پنجم مفقود است و چنین انجام می یابد: «این مقدار که از اجناس ترکان ذکر کردیم و احوال ایشان و بیان آنچ از ایشان مشهوراند و ذکر ایشان شایع و مستفید است در قلم آوردیم سبیل ایجاز و اختصار بود چه انواع اجناس و سیر و رسوم و عادت ایشان زیادت از آن است که در حدود وصف آید و آفریدگار تع این صنف را در دنیا عزیز گردانیده است و بعلو همت و عظمت بیان و رفعت مکان و قدرت امکان هر کجا که باشد».

۹- چگونگی : موضوع این نسخه «ادب و تاریخ و سرگذشت و افسانه و حکایت» است. تقسیمات آن بر اساس «قسم» و «باب» و «حکایت» است و جمعاً ۳ قسم و ۷۶ باب و چند حکایت دارد. اما در اصل ٤ قسم و ۱۰۰ باب و چندین حکایت داشته است. تمام قسم اول و ۹ باب از قسم چهارم مفقود است. نثر فارسی آن روان و ساده و مفهوم است و آمیخته است با اشعار برگزیدهٔ فارسی و عربی که شاید بعضی از آنها از مؤلف باشد. از آیات قرآنی و احادیث نبوی استفاده کرده است و در بعضی به شرح و توضیح آنها پرداخته است. حکایات تاریخی و افسانه های ادبی و مطالب عرفانی و سر گذشت های عبرت آموز که در این کتاب آمده است، پیوسته مأخذ و مرجع برای مؤلفان کتب تواریخ و سرگذشت بوده است. هر حکایت و سرگذشت با سند و در بعضی جای ها با تاریخ نقل شده است. رسم الخط آن ثلث عربی و عنوانها ثلث یاقوتی است. حروف «پ» و «چ» و «گ» را مانند «ب» و «ج» و «ک» کتابت کرده است. حرف اضافهٔ «به» در بعضی کلمات متصل و در بعضی منفصل است، مثلاً: «بنزدیک» و «به پیش». سهوالقلم کاتب و اشتباهات املایی و کتابتی اندک دارد. روی هم رفته نسخه یی است بسیار ارزنده و عالی. در آغاز هر قسم، فهرست آن قسم به طرز جدول بندی زیبا و به خط ثلث یاقوتی سرخ و سیاه کتابت شده است. در کنارهٔ صفحات بعضی الفاظ و جملات افزوده شده و یا از یاد رفته ها

دوباره کتابت گشته است. نام «ابوالمحامد محمد بن سعد الجنیدی» که کتاب به او تقدیم شده در آغاز و انجام بامدح فراوان آمده است. به طور کلی قسم دوم در اخلاق حمیده و پند و اندرز و مردم داری. قسم سوم در اخلاق مذموم و بخل و حسد و کینه توزی و دیگر چیزها، قسم چهارم در عجایب دریاها و طبیعت جانوران و خاصیت آنها و دیگر چیزها.
بعضی از قسمت های جوامع الحکایات به طور پراکنده چاپ شده است.

۲۹۰ و ۲۹۰
۴۷۲

جواهر الاسرار

[دین و ادب، عرفان و تصوف، فارسی، منثور و منظوم]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۰×۱۳/۵×۳ س م. —درونی : ۲۱ س ۱۴×۷/۵ س م.

۲- اوراق : ۱۷۶ ورق. ۳۴۸ صفحه.

۳- کاغذ : نازک نخودی رنگ سمرقندی، آب رسیده، اندکی وصالی شده، پوسیده، جلد چرمی و مقوایی پوسیده در غلاف کرباسی کبود رنگ.

۴- خط : تحریر، خوانا، روشن، پخته، عنوانها و نشانها و سرفصلها سرخ، قرن ۹ ه ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد. شاید تاریخ کتابت «۸۴۰ ه ق» باشد: «هذاالاستکتاب فی تاریخ رجب المرجب بعد الرجوع من سفرالعرب اربعین وثمانمائة».

۶- مؤلف : «علی حمزة بن علی بن ملک بن حسن الطوسی ۷۸۴-۸۶۶ ه ق» المنسوب الی احمد بن محمد الزمجی الهاشمی المروزی المولد الاسفراینی المجتهد یعرف بآذری»، نام تألیف «**جواهر الاسرار**»، تاریخ تألیف «۸۴۰ ه ق»: در صفحهٔ ۲ آورده: «چنین گوید مؤلف این مجموعه اضعف عباد الله تعالی و احوجهم الی رحمة علی حمزة بن علی بن ملک بن حسن الطوسی المنسوب الی احمد بن محمد الزمجی الهاشمی المروزی المولد الاسفراینی المجتهد یعرف بآذری غفرالله تعالی ذنبه و لجمیع المومنین که کتاب مفتاح الاسرار که در شهور سنهٔ ۸۳۰ ثلثین و ثمانمایه نوشته شده بود... و چون این دستور صورت انتخاب مفتاح الاسرار بود او را جواهر الاسرار نام نهاده شد... و

هذا الاستکتاب فی تاریخ رجب المرجب بعد الرجوع من سفرالعرب اربعین و ثمانمائه».

۷- آغاز : ناقص است و شاید یک ورق افتادگی دارد و اینگونه شروع می شود : «سرا پردهٔ افلاک و تاجدار مسند لولاک شعر:

محرم بیت الحرام خواجهٔ دارالسلام خاص اخص الخواص انعم انعام عام
گوهر درج عالم و درج گوهر بنی آدم ، نظم :
ای کاینات را بوجود تو افتخار وی بیش از آفرینش و کم ز آفرید گار

دست نبوتش بمفتاح انا فتحنا در طلسم دفاین اسرار الهی گشاذه و قلم معرفت در دیوان رسالتش بحکم الم نشرح حاصل خزاین این ملک و ملکوت بر صحرا نهاذه».

۸- انجام : ناقص است و چنین انجام می یابد : «و شیخ فرید الدین رحمة الله علیه در صفت شعر و معنی حدیث گوید ، مثنویات :

آن امام دین چنین گفت است راست کآنچنان قربی که نزدیک خداست
اهل لطف طبع را کآن درجهان آن نیاید ز آشکارا و نهان
آنکه او بد سرور پیغمبران گفت در زیر زبان کای امتان
هست حق را گنجهای بی شمار سر آن یک تن نداند از هزار
هم قوافی کآخرش یکسان بود ز آن سخن بسیار در قرآن بود
گر قوافی را رواجی نیستی بر سر هر خطبه تاجی نیستی
نظم و نثری کآن میان امت است از قوافی آن سخن را حرمت است

اما اگرچه در قرآن و حدیث نظم بسیار است و لیکن بجهة التباس و رفع وهم کفره من الناس آنرا شعر نمیگوییم تا مصلحت بعثت».

۹- چگونگی : این نسخه در موضوع «دین و ادب و عرفان» است و اصل آن کتابی بوده به نام «**مفتاح الاسرار**» از همین مؤلف که آنرا تلخیص کرده «**جواهر الاسرار**» نام نهاده است. مؤلف دوبار به مکه و مدینه و عتبات عالیات و شام سفر کرده و به هند رسیده و احمد شاه غازی را دریافته و کلمات مشایخ و سخنان پیران طریقت را شنیده و چون به وطن باز گشت کتاب «مفتاح الاسرار» که در سفر اول مکه و مدینه در سال ۸۳۰ ه‍ ق نوشته بود منتخب و ملخص کرد و جواهر الاسرار نام نهاد و این کار در سال ۸۴۰ ه‍ ق صورت

گرفته. تقسیمات این کتاب بر اساس «باب» و «فصل» و «سر» و «اشکال» قرار دارد و جمعاً شامل ٤ باب است. باب اول در معرفت اسرار حروف مقطعات از قرآن، باب دویم در اسرار احادیث نبوی که شامل ۹ سر است. باب سوم در اسرار کلام مشایخ که شامل دو فصل: فصل اول، ۱۲ سر، فصل دویم، ۲۵ سر، و چندین اشکال. باب چهارم دربیان اشکال کلام الشعرا و در آن ده فصل، و هر فصل شامل تقسیماتی جداگانه در اقسام شعر و صنایع ادبی و بحور و قوافی. نثر فارسی این نسخه بسیار عالی و آمیخته با اشعار بسیار دلکش و برگزیدهٔ فارسی. احوال و آثار و اشعار و حالات و اعمال مشایخ با ذکر سال و نام کامل و دقیق آنها را در این نسخه می توان یافت. از مطالعهٔ نسخه چنان بر می آید که نوعی نقد ادبی و عرفانی را شامل است و همواره استناد به آیات قرآن و احادیث نبوی است و شرح حروف اسرار و خواص آنهارا در بردارد. متأسفانه از آغاز و انجام ناقص است. مؤلف تألیفات دیگر هم دارد از جمله: بهمن نامه، مثنوی ثمرات، عجایب الغرایب، سعی الصفا، مثنوی امامیه، تارخ کعبه، طغرای همایون، غریب الدنیا و عجایب الاعلا، دیوان قصاید و غزلیات دارد که گفته می شود در حدود ۳۰۰۰ هزار بیت است. بر رویهٔ درونی جلد چند یادداشت آمده است از جمله: «فی التارخ غرهٔ جمید الاول سنهٔ ۱۲۷٦ بود که حاجی ایران در نزد... با یحیی خان این وجود طلب دارد که بازگشت عندالمطالبه بدهد» و بعد قیمت مقداری گندم و دیگر اشیاء را آورده است.

۲۹۰
۵۲۳

جواهرالاولیاء

[دین، ادعیه و اوراد، فارسی، منثور]

۱- اندازه : —بیرونی: ۲۵×۱۵×٤ س م. —درونی: ۱۷ س ۱۸×۱۰ س م.

۲- اوراق : ۲۰٤ ورق. ۲۲+٤۰۸ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم تیره رنگ جهانگیری، آب رسیده، وصالی شده، جلد مقوایی و پارچه یی آبی رنگ با عطف و گوشهٔ چرمی در غلاف پارچه یی ملون.

٤- خط : نستعلیق خوش، پخته، خوانا، عنوانها و سرفصلها و نشان‌ها شنگرف، قرن ۱۲ ه‍ ق. بعض جملات معرب.

۵- کاتب : «حافظ محمد علی» ، تاریخ کتابت : «۱۱۹۳ ھ ق» . در صفحهٔ ۳۸۵ چنین آمده است : «تمام شد کتاب بدست و ملک فقیر حقیر حافظ محمد علی عفی الله عنه و عن والدیه بعد از نماز صبح روز پنجشنبه هفتم ماه صفر ۵ جمون مطابق سنهٔ ۱۱۹۳ با تمام رسید بمنه و کرمه» .

۶- مؤلف : «سید باقر بن سید عثمان بخاری» ، نام تألیف : «جواهر الا ولیاء» ، تاریخ تألیف : «۱۱۶۷ ھ ق» . در صفحهٔ ۲۲ مقدمه چنین آمده است : «فقیر سید باقر بن عثمان بخاری قدس الله سره عدد اسماء شریفهٔ سادات و علماء و اولیاء که در مجلس حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم ملاقات شده درین کتاب جواهر الاولیاء از ایشان منقولها شنید جمع کردم و آن اینست جمله ۱۱۶۷ یکهزار و یکصد و شصت و هفت است و الله اعلم بالصواب» .

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله الذی اعطی کل شیٔ ثم هدی والصلوهٔ والسلام علی رسوله محمد و آله و اصحابه اجمعین اما بعد فیقول الفقیر الحقیر اضعف عباد الله فقیر سید باقر بن سید عثمان بخاری غفرالله ذنوبها بلطفه و ستر عیوبها بکمال عفوه فقیر شنیدم از استاد کامل و عامل سلطان المشائخ والاولیاء... ختم الواصلین و العارفین سید عثمان بن سید داود بخاری رضی الله عنه» .

۸- انجام : «و فقیر سید باقر از پدر خود که مهبط انوار الله مظهر اسرار الله خلیفهٔ رسول الله مجلسی حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وعلی آله وسلم صاحب العلم و الحلم و الشجاع سید عثمان بن سید داود بخاری قدس الله تعالی سره شنیدم و پدر من از جد خود سید شکر الله که عرف شیخ بهنبو میگویند و او از پدر خود سید حاجی حمید نظام‌الدین بخاری شنید هر که بوقت صبح پیش از نماز صبح این الفاظ بگوید وقت مخدوم سید جلال جهانیان چارے کند و پیچ مکن مانیان نعمت جاودانی یابد انشاء الله تعالی تمام‌شد کتاب بدست و ملک فقیرحقیر حافظ محمد علی عفی الله عنه و عن والدیه‌بعد از نماز صبح روز پنجشنبه هفتم ماه صفر در جمون مطابق سنهٔ ۱۱۹۳ با تمام‌رسید بمنه و کرمه» .

۹- چگونگی : موضوع این نسخه در احوال و عادات و رفتار و کردار و اوراد و ادعیه و شرح احوال و اسامی و امکنهٔ سلسلهٔ بخاریان است . تقسیمات این نسخه بر اساس «جواهر» و جمعاً «۵ جوهر» دارد . جواهر اول در فضیلت تمام

سورتهای قرآن و آیات آن. . .» . جواهر دوم در فضیلت نود و نه نام باریتعالی با مواکلات . جواهر سوم در فضیلت چهل اسم با موکلات و دو فضیلت نود و نه نام حضرت رسول و نامهاء آبا. . .جواهر چهارم درود بر سرور کاینات حضرت محمد (ص) و خرقهٔ خلافت پیران بخاریان. . . و قدم و نعل مبارک . جواهر پنجم در فضیلت مناجات و ادعیات که از مشا ٔ هندوستان بتجربه آورده‌اند فهرست این نسخه در ۲۲ صفحه در آغاز آمده است . در صفحهٔ اول نام مالک آن چنین آمده است : «در ملک مولوی غلام رسول مخدوم» ، در گوشه و کنار صفحات این نسخه بعضی یادداشت های دعایی و جداول تعویذ و ادعیه و طلسمات و اوراد آمده است و مآخذ یادداشت‌ها هم آمده است ، و یادداشت مواوی غلام رسول که هم اکنون زنده و مالک این نسخه است در کنارهٔ صفحات آمده است . «اسامی کتابهایی مانند : «جامع العلوم» تصنیف مخدوم سید الجلال جهانیان جهانگشت . بعضی اسامی بنا به قول پرفسور قلعه داری و مولوی پیر غلام رسول «رمز» می باشند : حضرت «دهیر» و حضرت «شیخ چلی» و حضرت «بهنبو» و از این نوع اسم‌ها . این نسخه در نزد مولوی مرحوم شرف الدین مخدوم از خاندان پیر مولوی غلام رسول مخدوم بوده است و غلام رسول بن تاج‌الدین بن شرف الدین بن نور محمد .

پس از شناختن نسخهٔ جواهر الاولیاء که در ایالت «جمون» کشمیر کتابت شده است بر من معلوم شد که نسخه‌یی بسیار ارزنده است و شاید چند نسخهٔ دیگر که گفته می شود در نزد این و آن موجود است از روی همین نسخه استنساخ گشته است . این نسخه را ادارهٔ انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در دست تصحیح دارد . مصحح آقای دکتر راجه غلام سرور جهلمی است . (رک : فهرست نسخه خطی کتابخانه گنج بخش ج ۱ : ص ۴۷۲—۴۷۵)

۵۴۰
۳۰۱

جواهرالعلوم همایونی

[مراجع ، فارسی ، منظوم و منثور]

۱- اندازه :—بیرونی : ۲۶×۱۶×۴/۵ س م . —درونی : ۲۳ س ۱۴×۸ س م (متن) ۴۶ س ۳×۱۱ و ۳×۱۴ و ۳×۱۱ (کنارهٔ صفحات) .

۲- اوراق : ۵۴۸ ورق . ۱۰۹۶ صفحه .

۳- کاغذ : نازک زرد و حنایی رنگ کشمیری ، آب دیده ، وصالی شده ، شیرازه دار ، جلد تیماجی سرخگون ضربی نقش دار ، ولیکن رویهٔ اول جلد آن افتاده است .

٤- خط : نستعلیق خوش خفی، روشن ، خوانا، پخته، عنوانها و نشان ها و سر فصلها و جدولهای‌دو خطی و یک خطی و نام های خاص و خطوط رسم شده بربالای بعضی از جملات و کلمات شنگرف روشن خوش رنگ ، قرن ۹ و ۱۰ ه ق .

۵- کاتب : نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و گویا تاریخ تألیف که به صورت ماده تاریخ است ، تاریخ کتابت نیز باشد .

٦- مؤلف : «محمد فاضل بن علی بن محمد المسکینی القاضی السمرقندی» ، نام تألیف : «جواهر العلوم همایونی». تاریخ تألیف «۹۳٤ ه ق»، نام و تاریخ تألیف به صورت ماده تاریخ در صفحهٔ ۱۰۹۵ اینگونه آمده است :

تاریخ این کتاب ای عقل رسد فکرت آخر به نظام
ازروی حسب چون لفظ جواهر العلوم آمد نام
با لفظ کتب داری جوبان شاه همایون
نسبت از فجر و شرف تاریخ کتاب یافت زمین حسن کلام

زیب ورث یعنی «کتب جواهر العلوم همایونی» . اما چون در زمان «محمد همایون پادشاه الغازی» تصنیف شده و به او تقدیم گشته است می توان گفت که محمد همایون همان «نصیر الدین همایون» پسر ظهیر الدین بابر است . وی در سال ۹۱٤ه ق. ولادت یافته و در سال ۹٦۳ه ق فوت کرده است. آغاز پادشاهی او در سال ۹۳۰ هجری قمری بوده است. بنا براین این جواهر العلوم همایونی درسال ششم سلطنت او تألیف شده است . در صفحهٔ ۲ و ۳ چنین آمده است : «اما بعد چنین گوید بندهٔ فقیر و ذرهٔ حقیر الراجی من الله الحاکم الابدی «محمد فاضل بن علی بن محمد المسکینی القاضی السمرقندی» . . . که از ایام صبا تامقام انتها در تحصیل فضایل و کمالات می بود و از روایح نفایس‌الفنون فی عرایس العیون‌و ستین الآثار و حدائق الانوار و بعضی از فوائد شریفهٔ فضلا . . . و فوایح مجالس حظی تمام استشمام می‌نمود وبعد . . . خلاصهٔ الفاظ جواهر آبدار و زبدهٔ معانی ابکار را . . . بقید خامهٔ نوادر نگار آورده تحفهٔ زیبا و نسخه

جان فزا مشتمل بر **صد و بیست علم** ترتیب دهد و موضوع هر یک به زبان فارسی بر سبیل اختصار به احسن نظام و انسب ترتیب انتظام نماید . . . و آنرا به «**جواهر العلوم همایونی**» موسوم گردانید و عنوانات متنوعهٔ آنرا به مقدمه و سه مقاله و خاتمت سمت انتظام . . . داد و به طراز مدح «**محمد همایون بادشاه الغازی** خلد الله تعالی سریر سلطنت علی الفلک الرابع و بسط بساط مملکته الی ا لاقلیم السابع» معزز گردانید» .

۷- **آغاز** : «کتاب جواهر العلوم ، و تمم بالخیر ، بسم الله الرحمن الرحیم ، فاضلترین منظومات جواهر العلوم و تصنیفات مصنفات فاضل و کاملترین منشورات نوادر رسوم و تألیفات مؤلفان کامل که چهرهٔ فصاحت شعار نو عروسان نفایس فنون معقوله و جبههٔ بلاغت دثار زیبایان عرایس عیون منقوله را به زیور فضیلت و به زینت کرامت مزین و محلی سازند بدایع حمد و سپاس و صنایع مدح بی قیاس حضرت پادشاهی است که نظام امور عالم و انتظام مهام بنی آدم به وجود فایض الجود پادشاهان همایونی اثر و شهریاران شریعت پرور منوط و مربوط ساخته» .

۸- **انجام** : «اگر کسی را زیادت معرفت درین کیفیات مطلوب باشد در تفاسیر قرآن مسطور است چون تغلبی و واقدی و بستی و مغنی و در محلهایی که مذکور شد مطالعه فرمایند تابدانی که برای اوچه کرمها و رحمتها مهیا شده است او در شکر نعمت امروز غافل است حق تعالی همه را از خواب بیدار کند و بخود معرفت و آشنایی بخشد و هر یکی را مستحق دارالسلام گرداند و این کرامتها و درجتها روزی کند و از جملهٔ بندگان گرداند و بمضمون شریفهٔ «الذین لا خوف علیهم ولاهم یحزنون» مشرف سازد . اللهم اغفر لجمیع المؤمنین و المؤمنات والمسلمین و المسلمات الاحیاء منهم والاموات انک رفیع الدرجات برحمتک یا ارحم الراحمین . تم تم تم تمت الکتاب المسمی بجواهر العلوم المشتمل علی مائة و عشرین علما من العلوم المتنوعة من النقلیات و العقلیات تمام شد .

هر که خواند دعا طمع دارم زانکه من بندهٔ گنه کارم

تاریخ این کتاب ای عقل رسد فکرت آخر بنظام
از روی حسب چون لفظ جواهر العلوم آمد نام

بالفظ کتب داری جویان شاه همایون
نسبت از فجر و شرف تاریخ کتاب یافت زمین حسن کلام
زیب زیت یعنی «**جواهر العلوم همایونی**».

۹- **چگونگی**: این نسخه دائرة المعارف است از دانش های گونا گون اسلامی به زبان فارسی که بنا بر گفتهٔ مؤلف ۱۲۰ علم را مفید و مختصر شرح داده است. اصل نسخه برداشتی است از کتاب «نفایس الفنون فی عرایس العیون» محمود آملی و «کتاب ستینی» یا «حقایق الانوار فی حدایق الآثار امام فخر رازی. مؤلف در صفحهٔ ۲ بدین دو کتاب اشارت کرده است: «و بعد از فراغ از مطالعهٔ نفایس الفنون فی عرایس العیون و ستین الآثار و حدایق الانوار و بعضی از فواید شریفهٔ فضلاء فصاحت شعار این عزم جزم گشت» که این نسخه را تألیف کند به نام «**جواهر العلوم همایونی**» مشتمل بر ۱۲۰ علم و آنرابه «**محمد همایون پادشاه الغازی**» تقدیم دارد. تقسیمات کلی آن بر یک «مقدمه و سه مقاله و یک خاتمه» است. تقسیمات جزیی آن چنین است:

«مقدمه منقسم است به سه قسم:

قسم اول در بیان شریف علوم و فضیلت علما.

قسم دوم در بیان تعریف و تقسیم افراد علوم معقوله و توصیف تمامی انواع فنون منقوله.

تعداد قسم اول از مقالهٔ اولی از کتاب جواهر العلوم

باب در علم خط.
باب درعلم انشا.
باب درعلم شعر.
باب در علم قافیه.
باب درعلم عروض.
باب درعلم معما و حل معمیات امیرحسین و بیان لغز.
باب در علم بدایع و صنایع شعری و اظهار مضمر.
باب در علم لطایف و مطایبات.
باب در علم صرف.
باب در علم نحو.
باب در علم معانی.
باب در علم بیان.
باب در علم مغالطات منقوله و معقوله.
باب در علم عقاید.
باب در علم معرفت الهیات.
باب در علم امور عامه.
باب در علم اعراض.
باب در علم حکمت.

باب در علم امثال و حکایت بر سبیل تشبیه و استعارات .
باب در علم لغت و بیان واضع آن .
باب در علم منطق .
باب در علم مناظره و آداب البحث بنظم .

تعداد قسم دوم از مقالهٔ اولی ازکتاب جواهر العلوم

باب در علم قصص الانبیا .
باب در معرفت تاریخ ملوک فرس که قبل از عهد سید المرسلین بوده اند .
باب در علم سیرالنبی و بیان معجزات و ذکر معراج .
باب در معرفت واقعات و غزوات نبوی و بیان اوصاف خانهٔ کعبه .
باب در معرفت اوصاف و احوال جمیع خلفا .
باب در معرفت تاریخ سلاطین که بعد از خلفا بوده اند تا عهد بندگان حضرت صاحبقران .
باب در معرفت تاریخ بندگان حضرت‌صاحبقران و اولاد و احفاد بزرگوار ایشان.
باب درعلم انساب .
باب در علم مقالات عالم .
باب در علم سیر و مقامات طبقهٔ اولی از اولیا .
باب در معرفت مراقبات و مقالات طبقهٔ ثانیه از مشایخ طریقت از خواجهای نقشبند وغیرهم و بیان مقابر و مزارات انبیا و اولیا و بیان طرح و وضع خانهٔ کعبه .
باب در بیان عجایب المخلوقات از امور اخروی و دنیوی .

تعداد قسم اول از مقالهٔ دوم از کتاب جواهر العلوم

باب در تهذیب اخلاق .
باب در علم تخلیهٔ نفس از اوصاف ذمیمه .
باب در علم معاش در معرفت حقوق والدین و اولاد .
باب در بیان معاملات بازوجات .
باب در معرفت آداب استخدام .
باب در معرفت حقوق ممالیک .
باب در معرفت جیران .
باب در علم مجالس و محاضر .
باب در علم آداب ملوک .
باب در بیان علم حقوق رعایا بر ملوک
باب در بیان معرفت فرس‌نامه و بعضی از حیوانات .
باب در بیان معرفت قوش‌نامه .
باب در بیان معرفت بازنامه وغیره .
باب در علم تشریح اعضا .
باب در معرفت کلیات طبی .
باب در بیان اسباب ستهٔ ضروریه و مایتعلق بها .
باب در بیان علم نبض .
باب در بیان معالجات طبی .
باب در بیان حمیات .

باب در علم حقوق ملوک بر رعایا .
باب در بیان معرفت جواهر نامه .
باب در بیان علم قرابادین یعنی معرفت ادویهٔ مفرده و مرکبه بترتیب حروف تهجی .
باب در امراض عین .

تعداد قسمت دوم از مقالهٔ دوم از کتاب جواهر العلوم

باب در علم عبادات بر مذاهب اربعه .
باب در علم مناکحات و تحلیفات .
باب در علم معاملات .
باب در معرفت عقود و شهادات و ماناسب بهذه المسطورات .
باب در علم عقوبات و جنایات .
باب در علم فرایض و قسمت مواریث و ایراد قواعد چند جهت نسبت و ضرب و قسمت و شبکه و حساب .
باب در علم آداب القاضی و متفرقات .
باب در علم صکوک و قبالجات .
باب در علم محاضر و دعاوی .
باب در علم سجلات .
باب در علم فتوی .
باب در علم اصول فقه .
باب در علم احتساب
باب در علم صید و اصطیاد و حلت و حرمت اکثر حیوانات .
باب در علم سنن و احکام.
باب در علم آداب و طعام .
باب در علم معرفت امور مباحه .
باب در معرفت فواید متفرقه و لطائف مجتمعهٔ فقهیه .
باب در علم موعظه و نصایح .

تعداد قسم اول از مقالهٔ سیوم از کتاب جواهر العلوم

باب در علم تفسیر و حل الفاظ مشکلهٔ قرآنی .
باب در علم قرائت سبعه بنظم .
باب در علم خواص اوراد فتحیه و ترجمهٔ قصیدهٔ برده بنظم وحزب البحر سور و آیات .
باب در علم ادعیهٔ مأثوره و دعوات مشهوره .
باب در علم حدیث .
باب در علم اصول حدیث .
باب در معرفت قواعد و اصطلاحات صوفیه .
باب در علم سلوک .
باب در علم توحید و مراتب مکاشفات .
باب در معرفت مشاهدات .
باب در معرفت مقامات و مراتب آن .
باب در علم حقیقت .

تعداد قسمت دوم از مقالهٔ سیوم از کتاب جواهر العلوم

باب در معرفت تقویم شمسی و قمری و اختیار ساعات .
باب در علم سیمیا .
باب در علم دعوت اسماء و شرائط آن

باب در معرفت استخراج تقویم و شبکهٔ نجومی .
باب در معرفت احکام نجوم .
باب در علم هیئت .
باب در علم اصطرلاب و بیان صنعت .
باب در معرفت کرهٔ افلاک .
باب در معرفت اقالیم سبعه .
باب در علم صور کواکب .
باب در معرفت مسالک و ممالک عالم .
باب در علم تکسیر .
باب در علم اعداد وقف .
باب در علم حروف .
باب در علم جفر جامع .
باب در علم طلسمات .
باب در علم نیرنجات .
باب در علم کیمیا .

باب در علم تسخیر کواکب .
باب در علم عزایم .
باب در علم رمل .
باب در علم حساب .
باب در علم مساحت وجر اثقال و بیان مبصرات .
باب در علم استیفا .
باب در علم قیامت .
باب در تعبیر خواب .
باب در معرفت اختلاجات و علم شانه و طالع مسله و معرفت تفأل و تطیر و امثال آن .
باب در معرفت طالع موالید و زایجهٔ طالع .
باب در معرفت اشکال اقلیدس .
باب در علم متوسطات .
باب در علم موسیقی .

باب در علم وهم که حکماء هند درین علم کتب معتبره تصنیف نموده اند .
باب در علم شطرنج کبیر و صغیر و حلت و حرمت آنها بمذهبین وبیان ضمایر .
خاتمه در علامات قیامت و احوال آخرت .

گاهی هر « **باب** » به چند « **فصل** » تقسیم می گردد . نثر فارسی این نسخه روان و پخته و محکم و منسجم است و از صنایع بدیعی و معنوی بهره مندگشته وآمیخته با نظم (مثنوی ، قصیده ، قطعه ، رباعی ، بیت ، فرد ، غزل) است . مؤلف از کتاب های گوناگون استفاده کرده و نام بعضی از آنها را در حین ذکر مطالب آورده است . اما اساس کارش کتاب « نفایس الفنون فی عرایس العیون » و « کتاب ستینی » یا «حقایق الانوار فی حدائق الآثار » بوده است . چاپ شدهٔ این نسخه تاکنون بنظر نرسیده است و همچنین نسخهٔ دیگری به نام « جواهر العلوم همایونی » در فهرست نسخه های خطی موجود در کتابخانهٔ گنج بخش و دیگر فهارس کتب خانه ها دیده نشد .

در صفحات الحاق آغاز و انجام این نسخه ، یادداشت های عرفانی و توضیحات ادبی و اسناد تاریخی به نثر و نظم کتابت شده است که معلوم می دارد نسخه دست به دست گشته است . یکی از یادداشت ها تاریخ «**۲۸ شوال سنهٔ ۲۲ جلوس مبارک موافق سنهٔ ۱۰۵۸** » دارد . درصفحهٔ اول اینگونه آمده است : « جواهر العلوم قیمت ده تومان ! » . شاید عدد « ده » به حساب سیاق « شصت » خوانده شود . در صفحات آخر یادداشت هایی طبی دربارهٔ معالجهٔ چشم انسان واسب دارد . یک یادداشت تحقیقی دربارهٔ اوزان دارد . دو سند دربارهٔ فروختن زمین و خانه دارد که در سال ۱۲۳۵ کتابت شده است و یک یادداشت در موضوع کیمیا که مس را نقره می سازد ، و یک یادداشت دربارهٔ « خاصیت سنای مکی » دارد . در صفحهٔ آخر یک قصیده تحت عنوان « **قصهٔ اسماعیل** » آمده است بدین مطلع :

«خداوندا تویی خلاق اکبر ز فضل تست این عالم منور »

و بدین مقطع :

«بگفتا سنگ می بری چگونه نمی بری تو اسماعیل می بر»

رسم الخط این نسخه شبیه رسم الخط زبان و ادب فارسی و به سبک خراسانی است و هیچ گونه امتیاز خاصی از لحاظ حروف و املا و انشا ندارد . چاپ و نشر این کتاب جای خالی آن را در جهان ادب و هنر وعلم و فرهنگ فارسی پر می کند . مثلاً مقاله‌یی که در موضوع خط در این نسخه آمده است درکمتر نسخه‌یی بدان شرح و توضیح نگاشته آمده است .

جواهرالنفایس لتهذیب النفوس الخسایس

۸۹۰ و ۲۹۰
۳٤۱

[دین و ادب ، حدیث و حکمت ، عربی ، منثور و منظوم]

۱- **اندازه** : ــبیرونی ۵/۲۰×۵/۱۲×۵ س م .ــدرونی : ۱۲ س ۱۳×۵/۷ س م .

۲- **اوراق** : ٤۳٦ ورق . ۸۷۲ صفحه .

۳- **کاغذ** : نازک حنایی رنگ طرح سمرقندی ، اندکی وصالی شده ، آب رسیده ، اندکی کرم خورده ، جلد مقوایی مندرس جدا شده بدون عطف .

۴- **خط** : ثلث جلی و خوش ، روشن ، خوانا ، یک سر لوح ساده ، جدولهای کنارهٔ صفحات ۵ خطی سرخ و سیاه و زرین ، عنوانها و نشانها و سرفصلها شنگرف ، اکثر از الفاظ و کلمات معرب (مشکول) ، قرن ۱۰ ه ق .

۵- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

۶- **مؤلف** : «**احمد بن ابراهیم**» ، نام تألیف : «**کتاب جواهر النفایس لتهذیب النفوس الخسایس**» ، تاریخ تألیف معلوم نشد : در صفحهٔ ۳ چنین آمده است : «اما بعد یقول العبدُ الفقیر احمد بن ابراهیم مؤلف هذا الکتاب اردت ان اجمع مختصراً لطیفاً فی رونق المجالس و یبسط الواعظ و الجالس ویطرب فیه کل سامع متآنس و سمیته **کتاب الجواهر النفایس لتهذیب النفوس الخسایس** و جعلته فصولا مرصعاً بالجواهر الرقایق مایشوق المحب و یهیم العاشق» .

۷- **آغاز** : «بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً دائماً ابداً غیر محدود علی فضله واحسانه و نعمه و تعداده و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له شهادة مخلص لها بصحیح اعتقاده و شهدان سیدنا و حبیبنا و نبیناً محمدا صلی الله علیه و سلم عبده و رسوله ارسله والکفر مشدود الاطناب علی عباده» .

۸- **انجام** : «و سمعت قائلا یقول طوفوا بمحمد جمیع الاقطار و لمن ضوه علی السموات و الارض والجار ، فغیب عنها سید الکونین ، ثم رادا لها فی اسرع من طرفه عین ، طابت القلوب ، غفرت الذنوب ، سترت العیوب ، کشفت الکروب ، طابت الارواح ، عاشت الاشباح ، زالت الاتراح ، توالت الافراح ، اشرقت الابطاح ، بانوار جمال کمال طلعه سید الملاح تمت المولد الشریف المبارک بحمد الله و عونه و حسن توفیقه و صلی الله علی خیر خلقه سیدنا محمد و آله و صحبه وسلم تسلیماً کثیراً دایماً ابداً الی یوم الدین تم (۴ بار) .

۹- **چگونگی**: موضوع این نسخه «قصص و لطایف» کوتاه است که شامل احادیث نبوی و صحابهٔ کرام وائمهٔ اطهار و کلمات قصار و اشعار و برگزیدهٔ سخنان پیشوایان دین و بزرگان علم و ادب می شود . همانگونه که مؤلف در صفحهٔ ۲ آورده است ، برای رونق مجالس و نفوذ کلام واعظان و مذکران این کتاب ارزنده را تألیف کرده است به طوری که دوستان را شایق تر و عاشقان را دلداده تر می گرداند و ضمناً اخلاق های حمیده و نفس های

خسیسه را به اخلاق های پسندیده و نفس های مطمئنه تبدیل می کند. نثر عربی آن بسیار شیوا و دل انگیز است. لطایف شیرین و اشعار متین و سخنان دلنشین را گرد آورده است و تقریباً همهٔ مآخذ و منابع خود را صریح و واضح آورده است. تقسیمات آن بر اساس موضوعاتی است که «عنوان» شده است، مثلاً: «فصل من الصحیح»، «الحدیث»، «قال»، «روی عن مالک بن دینار»، «فی معجم الکبیر للامام الطبرانی». بعضی یادداشتها بخط و کتابت تازه تر در کنارهٔ صفحات دیده می شود. این نسخه چنان بنظر می رسد که تاکنون چاپ نشده باشد و دیگر اینکه نسخه یی است منحصر ویگانه. یک ورق با کاغذ و خط تازه در موضوع دعا و حجرالاسود به عربی و فارسی خلاف جهت متن نسخه در آخر آمده است.

۴۹۰
۵۴۹

حرزالامانی و وجه التهانی

[زبان شناسی، تجوید، عربی، منظوم]

۱- **اندازه :** —بیرونی : ۲۵/۵×۱۶×۲ س م .—درونی : ۲۵/۵ س ×۱۶×۱/۵ س م .

۲- **اوراق :** ۷۹ ورق . ۱۵۸ صفحه .

۳- **کاغذ :** ضخیم نخودی رنگ سمرقندی، پوسیده، آب رسیده، وصالی شده، جلد مقوایی سیاه با عطف تیماجی سفید رنگ .

٤- **خط :** ثلث خوش، عنوانها و سرفصلها ثلث تزیینی (یاقوتی)، پخته، روشن، خوانا، عنوانها و سرفصلها و نشانها شنگرف و زرین و لاجوردی، معرب (مشکول)، جدولهای ۲ خطی در فواصل عنوانها و درمیان مصاریع سیاه و زرین و جدولهای ٤ خطی کنارهٔ متن سرخ و سیاه و زرین، قرن ۹ و ۱۰ ه ق . درمیان سطرها و در فواصل الفاظ نقاشی های دندان موشی و هاشوردار و نقطه چین به رنگهای مختلف .

۵- **کاتب :** نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد . چون از آخر ناقص است .

۶- **مؤلف :** یا (شاعر) : «**شیخ ابو محمد القاسم بن فرقه الشاطی الضریر المتوفی بالقاهره سنهٔ ۵۹۰ ه ق**»، نام تألیف «**حرزالامانی و وجه التهانی المشهور بالشاطبیه اللامیه**»، تاریخ تألیف معلوم نشد . در صفحهٔ ۱ نام تألیف آمده‌است:

«و سمیتها حرزالامانی تیمناً و وجه التهانی فاهنه منقبلا»
(رک : فهرست کتب عربی کتب خانهٔ ریاست رامپور، ج ۱، ص۴۷).

۷- آغاز : ناقص است و چنین شروع می گردد :

«و اخلق به اذ لیس یخلق جده جدیداً موالیه علی الجد مقبلاً
و قارئه المرضی قر مثاله کالاترج حالیه مریحا و موکلاً
هوالمرتضی اما اذا کان امه و یمه ظل الرزانه تنقلاً
هوالحران کان الحری حواریا له بتحریه الی ان تنبلا»

۸- انجام : ناقص است و چنین پایان می یابد : «سوره الشوری والزخرف والد خان ، و یوحی بفتح الحاء دان و یفعلو ن غیر صحاب یعلم ارفع کا اعتلا بما کسبت لافاء عم کبیرفی کبایر فیها ثم فی النجم شملا»

۹- چگونگی: موضوع این نسخه که در اشعار عربی منظوم تألیف شده است «تجوید» و «دانش نیکو خواندن» و «خوش خواندن» قرآن شریف است که در آن باید حروف قطع و وصل و خفی و جلی و اخفاء و ادغام و دیگر فنون علم تجوید یاد گرفته و به کاربسته شود . این نسخه از آغاز و انجام ناقص است . درمیان سطرها و در کنار متن بسیار فشرده ، یادداشت های علم قرائت و تجوید و صرف و نحو و لغت و ادب و دیگر علوم قرآنی به زبان عربی آمده است . متأسفانه به علت آب رسیدگی و وصالی (پیوندکاری) اکثر یادداشت‌ها نابود شده است . تقسیمات نسخه بر اساس «باب» و اسامی سوره های قرآن شریف است . مثلاً : «باب الهمزتین فی کلمتین» و «باب فرش الحروف سوره البقره» و «باب الوقف علی مرسوم الخط» و «سورة آل عمران» . پس از مقدمه «باب الاستعاذه» در آغاز و در آخرتا «سوره الشوری والزخرف و الد خان» ادامه دارد . مآخذ بیشتر یادداشت‌ها آمده است ، مانند: «شعله» و «سهاک» . در حاشیهٔ صفحهٔ اول این گونه به خط سرخ جدید نوشته شده است : «حرزالامانی فی تجوید القرآنی للحسین نظامی» .

۲۹۰
۴۱۶

حق الیقین

[دین ، فقه ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه : — بیرونی : ۲۵/۵ × ۱۶ × ۷/۵س م . — دورنی : ۱۵ س ۵/ ۱۷ × ۹س م .

۲- اوراق : ۷۲۲ ورق . ۱۴۴۴ صفحه .

۳- کاغذ : ضخیم سفید روشن رنگ براق کشمیری ، کرم خورده ، وصالی شده ، جلد مقوایی و چرمی ضربی ، باعطف و گوشهٔ پوسیده .

٤- خط : نستعلیق‌خوش، خوانا، روشن، پخته، جملات عربی‌ثلث خوش، معرب، عنوانها و نشانها و سر فصلها و خطهای رسم شده بربالای اسامی اعلام و جملات شواهد شنگرف ، قرن ۱۲ هـ ق .

۵- کاتب : «سید محمد علی جعفری الحسینی» ، تاریخ کتابت : «۱۲۱٤ هـ ق» : «نقل نمود این کتاب را سید محمد علی جعفری الحسینی ساکن کمالپور بموجب فرمایش خواجه صاحب فیاض زمان خواجه شکرالله صاحب و باتمام رسید روز چار شنبه تاریخ بست پنجم شعبان المعظم سنهٔ ۱۲۱٤ یکهزار و دو صد و چهارده از هجرت نبوی صلی‌الله علیه وآله وسلم ،

یلوح الخط فی قرطاس دهراً و کاتبه رمیم فی التراب»

٦- مؤلف : « محمد باقر بن محمد تقی متوفی ۱۱۱۱هـ ق » ، نام تألیف : «حق الیقین» ، تاریخ تألیف در عهد « شاه سلطان حسین بهادر خان صفوی » یا «۱۱۰۹ هـ ق » . در آغاز و انجام نسخه چنین آمده است : « اما بعد خامهٔ ... محمد باقر محمد بن تقی ... تصویر و تحریر می نماید ... در این رسالهٔ مختصر کافیه عمدهٔ آن مطالب عالیه را ... بروفق مراد به انجام رسیده مسمی بحق الیقین گردید ... و در ایام سعادت فرجام دولت و سلطنت ... الشاه سلطان حسین بهادر خان بود ... سال هزار صد و نه از هجرت مقدسه » .

۷- آغاز : « هو العلی العظیم ، رب یسر وتمم بالخیر ، بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله الواحد الاحد الفرد الصمد العلیم القدیر الذی لیس کمثله شیئی و هوالسمیع البصیر والصلوة علی اشرف العارفین و فخر النبیین محمد و عترته الطاهرین الذین فازو اباالقدح المعلی من‌الفضل والعلم والیقین ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین اما بعد خامهٔ شکسته زبان و بیان ابکم نشان و تراب اقدام ارباب یقین و خادم اخبارائمهٔ طاهرین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین محمد باقر بن محمد تقی حشرهما الله مع موالیهما الاکرمین » .

۸- انجام : « تمام شد رسالهٔ حق الیقین بتأیید رب العالمین در آخر شعبان المعظم سال هزار[و] صد و نه از هجرت مقدسه و چون برسبیل استعجال و در هنگام

تراکم و تزاحم اشغال نوشته شد ملتمس از ناظران در آنست که بزودی در صدد اعتراض در نیایند و چون تجدید و ترمیم اصول مندرسهٔ امامیه که سالها است. که آثار آنها محو شده است و اکثر مدعیان علم اعراض از آنها نموده اند و اصول حکما و معتزله را قدوهٔ خویش ساخته اند و دست از آیات کریمه و اخبار متواتر برداشته‌اند درین رساله حسب‌المقدور ذکر نموده‌ام شکر آنرا بکفران مبدل نگردانند و گاهی بطلب غفران و دعای خیر یاد نمایند والحمد الله اولاً و آخراً والصلوة علی سید المرسلین محمد و عترته الاکرمین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین ».

۹- **چگونگی :** موضوع این نسخه « فقه امامیه » یا « فقه شیعه » است که شامل شرح و تفسیر آیات قرآنی و اخبار و احادیث و روایات دربارهٔ امامیهٔ اثنی عشریه است. مؤلف همه جا با استناد و دلیل و برهان از روی آیات قرآنی و احادیث نبوی وائمهٔ اطهار دربارهٔ شیعه بحث می کند. تقسیمات آن براساس « مقدمه »، «فصل»و «دلیل» و «طعن» و «خاتمه» است. مثلاً هرفصل به چند دلیل و هر دلیل به چندطعن است. نثرفارسی دراین نسخه مسجع و مقفی و مشحون از الفاظ دینی و فقهی عربی است و به سبک عراق (اصفهانی) می‌ماند. تاکنون چندین بار در ایران و در هند چاپ شده و نسخ خطی آن فراوان است. در صفحهٔ ۲ یک نشان مهر دارد واینگونه خوانده می شود : « **عبده محمد رضا علیخان** » اما زیر مهر با خط نا پخته و شکسته اضافه کرده است : «**لکهنوی ثم المدنی**». مؤلف تألیف خود را در سال ۱۱۰۹ هجری قمری به شاه سلطان حسین صفوی بهادرخان تقدیم کرده است و مورد قبول واقع شده و در آخر گفته در کتاب‌های دیگر که به عربی تصنیف کرده در موضوع شیعه مطالبی گفته و این نسخه را با عجله و باداشتن اشغال فراوان تصنیف کرده است. باوجود اینها نسخه‌یی است خوب و مدلل‌ومستند برپایهٔ آیات قرآن و احادیث نص و صحیح برای اثبات حقوق شیعهٔ اثنی عشریه.

۸۹۰
۵۹٦

حق‌الیقین فی معرفة رب العالمین

[ادب ، عرفان و توحید ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- **اندازه :** — بیرونی : ۲۵ × ۱۵ × ٦ س م. — درونی : ۱۷ س ۱٦ × ۸ س م.

۲- اوراق : ۵۴۸ ورق. ۱۰۹۵ صفحه .

۳- کاغذ : نازک سفید رنگ کشمیری و سمرقندی ، جلد مقوائی و چرمی ضربی منقش (ترنج) باعطف پارچه‌ی سرخگون . نام جلد ساز اینگونه آمده : «عمل استاد» .

۴- خط : نستعلیق و تحریر ، سخت خوانا ، روشن ، پخته ، رسم الخط فارسی ، ابیات متن «گلشن راز» و نشانها کلمات عنوانها شنگرف ، در آغاز لوح و ترنج و جدول زرین و سرخ و لاجوردی ، قرن ۱۲ هـ ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

۶- مؤلف : یا (شارح) : «**محمد بن یحیی علی الجلیلانی (شاید : الجیلانی) واللاهیجی النور-بخشی**» ، نام تألیف یا (شرح) : «**حق الیقین فی معرفت رب العالمین**» ، تاریخ شرح (تألیف) : «۸۷۷ هـ ق» در صفحه ۳ و ۴ چنین آمده است : «چنین گوید فقیر حقیر خادم الفقراء و الاولیاء . . . محمد بن یحیی الجلیلانی و اللاهیجی النوربخشی و فقه الله تعالی . . . شرحی بر کتاب گلشن راز و نسخهٔ جامعهٔ نکات حقیقه . . . من تصانیف . . . نجم الملة والدین محمود التبریزی التچستری (شبستری) . . . می باید نوشت . . . که مسماست بحق الیقین فی معرفت رب العالمین . . . یوم الاثنین نوزدهم ذوالحجة سنهٔ سبع و سبعین و ثمانمایه ابتداء تسوید بیاض به الهام مبدأ فیاض نموده شد» .

۷- آغاز : «رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر باسمک الاعظم الشامل فیضه المقدس لکل موجود المنور ظلمات العدم بانوار الوجود ای محمود بهرشبانی ، وای معبود بهرمکانی ، ای مذکور بهرلسانی ، و ای معروف بهر احسانی ، ای نسیم عنایتت مزین گلشن دلهای اولیا بازهار اسرار عرفان» .

۸- انجام : «و از زحمت خارو خاشاک اغیار فارغ و بی پروایم ،

گاهی بخیال خود پرستی پابست شده بقید هستی
گاهی ز جمال روی جانان از جام وصال مست و حیران
گه با خودم و زبار غافل گه بیخودم و بدوست واصل
گاهی که ز خود خبر نیابم آن دم بوصال او شتابم»

خاتمه ثم آمین ثم آمین» .

۹- چگونگی: این نسخه در موضوع «عرفان و توحید و طریق الی الله و شناخت ذات حضرت واجب الوجود» است . اصل متن «گلشن راز» شیخ محمود شبستری

عارف معروف قرن هفتم هجری است که محمد بن یحیی علی الجیلانی اللاهیجی آنرا شرح و تفسیر نموده و در حد اعلای فلسفی و ادبی و دینی تجزیه و تحلیل کرده و آنرا «حق الیقین فی معرفت رب العالمین» نام نهاده و لیکن به «شرح لاهیجی» یا «شرح گلشن راز لاهیجی» معروف گشته است. تقسیمات این نسخه بر حسب ابیات مثنوی گلشن راز است بدین معنی که هر بیت را به خط شنگرف می آورد و نخست مفردات و مرکبات و صنایع بدیعی و معنوی آنرا توضیح می دهد و سپس به معنی و مفهوم دقیق آن بیت و دیگر ابیات می پردازد. از اشعار عارفان مشهور مانند مولوی و عطار و از آیات قرآنی و احادیث نبوی و کلمات صحابه و مشایخ استفاده می کند. سهوالقلم کاتب و اشتباهات لفظی فراوان دارد. از آغاز یک ورق و از انجام هم یک ورق افتادگی داشته که به خط و کتابت تازه برکاغذ فرنگی افزوده شده است. در گوشه و کنار صفحات بعضی از یاد رفته ها را نوشته اند. در صفحهٔ اول نوشته «هذا کتاب شرح گلشن راز» و همچنین یک نسخه دربارهٔ «مرض وبا» و یک دعا دربارهٔ آن در صفحهٔ اول آورده شده است.

۲۹۰
٤٤٦

حلیة الاولیا و طبقة الاصفیا جزء دوم (ج۲)

[دین، حدیث، عربی، منثور]

۱- اندازه : —بیرونی : ۳۲×۱۹×٦/٥ س م. —درونی : ۳۳ س ۲۳×۱۲ س م.

۲- اوراق : ٥۹٤ ورق. ۱۱۸۸ صفحه.

۳- کاغذ : نازک و ضخیم لاجوردی یا کبود رنگ ولایتی (فرنگی)، جلد مقوایی پارچه گرفته با عطف و گوشهٔ چرمی خاکی رنگ.

٤- خط : ثلث عربی، خوانا، روشن، پخته، عنوانها و نشانها و سرفصلها سرخ، قرن ۱۲ ه ق.

٥- کاتب : «احمد»، تاریخ کتابت: «۱۲۷۹ ه ق»: «تم الکتاب... علی ید احقر العباد الاحد الصمد یأتیه من بعد اسمه احمد... و کان الفراغ من کتابة هذا الجزء المبارک یوم الجمعة المبارکة فی وقت الاشراق خامس عشر

شهر ربیع الثانی من شهور سنهٔ (۱۲۷۹) سنهٔ تسع و سبعین بعد الالف و المائتین من الهجرهٔ النبویهٔ علی صاحبها افضل الصلوهٔ والسلام».

۶- **مؤلف :** «**ابی نعیم احمد بن عبدالله بن احمد الاصبهانی متوفی**» ، نام تألیف : «**حلیة الاولیاء و طبقهٔ الاصفیاء**» ، تاریخ تألیف : «۴۲۲ ھ ق» : «قال المؤلف رحمهٔ الله تعالی آخر ما املیته یوم الجمعة سلخ ذی الحجهٔ سنهٔ اثنتین و عشرین و اربعمائه تم الکتاب و ربنا المحمود (ص ۱۱۸۸) ... هذا الجزء الثانی من کتاب حلیهٔ الاولیاء وطبقة الاصفیاء تألیف الشیخ الامام العالم العلامه والجرالبحر الفهامهٔ ابی نعیم احمد بن عبدالله بن احمد».

۷- **آغاز :** «رب یسر و تمم بالخیر ، بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی سیدنا محمد و علی آله و صحبه وسلم و منهم الصاین للدین العزیز المتواضع فی نفسه عبدالله بن مجبریز حدثنا محمد بن معمر قال حدثنا ابو شعیب الحرانی قال حدثنا یحیی بن عبدالله البابلی قال حدثنا الاوزاعی قال حدثنا سید بن عبدالرحمن عن خالد بن در یک قال خرج الی بزاز یشتری منه ثوبا».

۸- **انجام :** «و بالا جابهٔ جدیر و هو حسبنا و نعم الوکیل قال المؤلف رحمه الله تعالی آخر ما املیته یوم الجمعهٔ سلخ ذی الحجهٔ سنهٔ اثنین و عشرین و اربعمائه تم الکتاب و ربنا المحمود و هو آخر الحلیهٔ لابی نعیم الاصبهانی رحمهٔ الله الباری رحمهٔ واسعهٔ و اعاد علینا من برکاته فی الدنیا و الآخرهٔ امین علی ید احقر العباد الاحد الصمد یأتیه من بعد اسمه احد غفرالله له ولوالدیه ولاستاذیه ولجمیع المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الحیاء منهم و الاموات بحرمت سید افضل المخلوقات علیه افضل التحیات و التسلیات برحمتک یا ارحم الراحمین آمین (۳ بار)». (رک : ۵-کاتب).

۹- **چگونگی:** این نسخه که جزء دوم «حلیهٔ الاولیاء و طبقهٔ الاصفیاء» است در موضوع علم الرجال و حدیث است . اصل متن نسخه در دو جزء (یا دو جلد) است تقسیمات آن بر اساس «**و حدثنا**» و یا جملاتی است که مؤلف عنوان کرده است . مثلاً : «حدثنا محمد بن معمر قال حدثنا ابو شعیب قال حدثنا یحیی بن عبدالله قال حدثنا الاوزاعی قال حدثنی یحیی بن ابن عمرو بن عبدالله بن الدیلمی قال قال کعب یأتی علی الناس زمان ترفع فیه الامانهٔ و تنزع فیه الرحمهٔ و تکثر فیه المسألهٔ فمن سأل عن ذلک الزمان لم یبارک له

فیه» . در گوشه و کنار صفحات یادداشت های توضیحی موجود است که به خط کاتب است . در صفحهٔ ۶۶۵ توضیحی از کاتب در لفظ «شاهانشاه» آمده و امضاء کرده «احمد المحرر مسکین» . یک نسخهٔ طبی و فهرست بعضی مطالب نسخه در آغاز آمده است .

۸۹۰/۵۹۴

حواشی گلستان سعدی

[ادب ، دستور زبان و لغت، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- **اندازه** : —بیرونی : ۲۶×۱۵/۵×۲/۵ س م . — درونی : ۱۷س ۲۲×۱۱ س م .

۲- **اوراق** : ۱۰۲ ورق . ۲۰۴ صفحه .

۳- **کاغذ** : ضخیم خاکی رنگ سیالکوتی ، آب رسیده ، جلد مقوایی با عطف و گوشهٔ چرمی پوسیده و کرم خورده .

۴- **خط** : تحریر ، نا پخته . خوانا ، روشن ، عنوانها و سر فصلها و نشانها شنگرف ، خط های افقی رسم شده بر بالای کلمات و الفاظ شنگرف و سیاه . قرن ۱۳ هـ ق .

۵- **کاتب** : «**میان مرید حسن**» ، تاریخ کتابت : «**۱۲۷۱ هـ ق = ۱۹۱۰ بکرمی**» : تمام شد نسخهٔ میر نور الله وقت چاشت یوم شنبه نزول باران فصل آلهی شد تحریر سلخ ۲ ماه ماگه سنهٔ ۱۹۱۰ سنهٔ ۱۲۷۱ . . . دستخط ور میان مرید حسن ولد حضرت میان عبدالله صلو قوم قریشی ساکن قصبهٔ سیالی کهکران» .

۶- **مؤلف** : «**محمد نور الله احراری**» ، «**حواشی کتاب گلستان**» ، تاریخ شرح معلوم نشد . در صفحهٔ ۲ و ۳ چنین آمده است : «فقیر کثیر التقصیر طالب راست گفتاری و درست کرداری محمد نور الله احراری نور الله قبله بفضله الاعلی خواست که نسخهٔ متعدده را فراهم آورده . . . و ابیات مفصله را شرح و بیانی نماید و نسخهٔ مستقله ساخته آمد تا هر کرا هر چه خوش آمد . . . فی هذا الکتاب الحواشی مسمی کتاب گلستان» .

۷- **آغاز** : «رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر منت خدایرا عز و جل که زبان گویایی را پیشکار دل دانا ساخت قوله تعالی خلق الانسان علمه

البیان و خامهٔ مقطوع اللسان را و ظایف هدایت زبان بنواخت که الکتابة احدی القولین لمن اراد البیان».

۸- انجام : «با آنکه اکثر تفاوت در نقل واقع میشود و بلای دیگر بر سر می آرد و وگناهی باگناهی مخلوط میگردد و اگر غرض صحیحی از قسم وعظ و نصیحت و ایضاح مطلبی و کشف حقیقتی در نظر باشد خالی از اجری نخواهد بود تمام شد نسخهٔ میر نور الله».

۹- چگونگی: موضوع این نسخه شرح الفاظ و ابیات و جملات مشکل گلستان سعدی است. که مؤلف نخست در حواشی گلستان سعدی برای طالبان یا شاگردان خود نوشته بوده و سپس آنها را یک جا گرد آورده است. تقسیمات آن بر حسب «الفاظ و ابیات و جملات» است که بر حسب متن گلستان سعدی تألیف شده است. نثر فارسی مخصوص پاکستان و بانظم آمیخته است و ازلحاظدستور زبان و صنایع و بدایع لفظی و معنوی و شرح لغات واصطلاحات زبان فارسی درگلستان اهمیت دارد.

۵۹۰
―
۵۶۹

حیوة الحیوان

[جانورشناسی ، عربی ، منثور]

۱- اندازه : — بیرونی : ۲۶/۵×۱۴×۴ س م. — درونی : ۱۹ س ۱۷×۷/۵ س م.

۲- اوراق : ۵۰۶ ورق. ۱۰۱۲ صفحه.

۳- کاغذ : نازک حنایی رنگ لاهوری ، آب رسیده ، اندکی وصالی شده ، جلد مقوایی ملون باعطف و گوشهٔ چرمی قهوه یی رنگ.

۴- خط : ثلث عربی (تحریر) ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سر فصلها و نشانها و کلمات شواهد و اسامی شنگرف ، قرن ۱۱ ه ق.

۵- کاتب : نام کاتب صریح و واضح نیامده است. اما شاید «میان حضور الله» کاتب باشد : تاریخ کتابت «۱۱۰۶ ه ق» : «قد وقع الفراغ من تسوید هذه النسخة الشریفة الموسوم بحیوة الحیوان فی یوم الجمعة من شهر رجب المرجب سنة الف و مائة و ستة لمولی المعنوی الکامل حضرت میان حضور الله».

۶- **مؤلف :** «**کمال الدین ابوالبقا محمد بن موسی بن عیسی بن علی دمیری مصری شافعی ۷۴۲–۸۰۸ ه ق**» ، نام تألیف : «**حیوة الحیوان**» ، تاریخ تألیف معلوم نشد . در آغاز این نسخه فقط نام نسخه آمده است . «و سمیته حیوة الحیوان» ، نام مؤلف و تاریخ تألیف نیامده است . (رک : تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی ، ج ۱ ، ص ۲۷۷ ، ۳۶۵ ، ٤۰۲) .

۷- **آغاز :** «بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی شرف نوع الانسان ، بالاصغرین القلب و اللسان ، و فضله علی سایر الحیوان ، بنعمتی المنطق و البیان و رجحه بالعقل الذی وزن به قضایا القیاس فی احسن میزان ، فاقام علی وحدانیة البرهان ، احمده حمداً یمدنا بمواد الاحسان و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له» .

۸- **انجام :** «ان النبی صلی الله علیه وسلم قال لعلی انت یعسوب المؤمنین و المال یعسوب الکفار و فی روایة یعسوب الظلمة و فی روایة یعسوب المنافقین ای یلوذبک المؤمنون و یلوذ الکفار او الظلمة و المنافقون بالمال کما یلوذ النحل بیعسوبها هذا ما انتها الیه الغرض مما یحصل به فی هذالشأن الاکتفاء و ختم بملک النحل الذی استخرج الله من لعابه الشمع و العسل و جعل احدهما ضیاء و الآخر شفاء و ابتداء بملک الوحش الذی منه الشجاعة تقتفی و حسبنا الله تعالی و کفی» .

۹- **چگونگی:** این نسخه دربارهٔ نام ها و حالات و خواص و دیگر خصوصیات جانوران یا حیوانات اهلی و غیر اهلی یا دد و دام گفت و گو می کند و مشهور ترین کتابی است دربارهٔ جانور شناسی و حیوان شناسی و دام و دد شناسی به زبان عربی که تاکنون چند بار به زبان فارسی ترجمه شده است . در حقیقت می توان گفت که این نسخه فرهنگ اسامی حیوانات و جانوران چرنده و پرنده و درنده است که بر حسب حروف الفبائی تدوین و ترتیب شده است . و هر حرف را یک باب نامیده است ، مثلاً «باب الهمزة الاسد» در آغاز و «باب الیاء یاجوج و مأجوج» در آخر آمده است و از این جهت نسخهٔ پر ارزنده و عالیقدر است که در قرن هشتم تألیف شده است . این نسخه از لحاظ خط و کتابت بسیار خوب است . در آغاز و اواسط و انجام و در کنارهٔ صفحات ولابلای سطرها انواع توضیحات

لغوی و یادداشتهای جانور شناسی و خواص حیوانات و یادداشتهای طبی و فقهی را آورده اند . اغلب این یادداشتها به زبان فارسی است و مآخذ آنها نیز — چه کتاب و چه شخص — آمده است ، مثلا «سید سند» و مجمع البحار» و «قاموس» و «فتح الباری» و «شیخ ابن سینا» . از یادداشت ها معلوم می شود که چندین نفر آنرا مطالعه کرده و یادداشت هایی به کتابت های مختلف افزوده اند . این یادداشت را یکی از مالکان نسخه در آخر آورده است : «بتاریخ بیست و چهارم شهر شعبان المعظم سنهٔ یکهزار و یکصد و نود و پنج به موجب توفیقات سبحانی و عنایات رحمانی این کتاب مستطاب به ملک این کمترین بندگان صمد فقیر ملا نیک محمد در بلدهٔ پیشاور در آمد» .

۸۹۰ و ۲۹۰
———
۴۳۱

خزان بهار

[دین و ادب ، فارسی ، منثور]

۱- **اندازه** : —بیرونی : ۲۱ × ۱۶ × ۱/۵ س‌م . —دورنی : ۱۷ س ۱۶/۵ × ۱۰ س‌م.

۲- **اوراق** : ۱۱۳ ورق. ۲۲۵ صفحه .

۳- **کاغذ** : نازک و سفید رنگ کشمیری طرح سمرقندی ، کرم خورده ، جلدچرمی سیاه.

۴- **خط** : ثلث خوش ، پخته ، خوانا ، روشن ، نشانها و عنوانها و سر فصلها و خط های رسم شده بر بالای الفاظ و کلمات شنگرف ، قرن ۱۲ ه‍ ق.

۵- **کاتب** : «**علی اکبر ابن کربلای سودمعلی**» ، تاریخ کتابت : «**۱۲۵۹ ه‍ ق**» :

«کتبه علی اکبر ابن کربلای سودمعلی اللهم اغفر له ولابویه تمه الکتاب فی یوم الخمیس فی تسع و خمسون بعد الالف من هجرت المحمد المصطفی صلی الله علیه و آله فی ۱۲۵۹» .

۶- **مؤلف** : «**محمد شریف ابن شمس الدین متخلص به «کاشف»**» (۱۰۰۵—) ، نام تألیف : «**خزان بهار**» ، تاریخ تألیف «**به ناید خزان بهارا ین چنین = ۱۱۱۲ ه‍ ق**» .

در صفحهٔ ۶ و از صفحهٔ ۲۱۸ تا ۲۲۵ احوال و آثار مؤلف آمده است : «المذنب ابن شمس الدین محمد شریف المتخلص بکاشف . . . اول از شرح حالم بشنو ظهور گهر پاک والدین رشته تاب سخن از بحر

ملک شیراز است و مولد این حقیر کربلای معلا . بنای تألیف این کتاب بر مقدمه و چهارده اساس و خاتمه مناسب دیده بخزان بهار موسوم ساختم . . .

«بتاریخ وی گفت رأی رزین نه باید خزان بهار این چنین»

۷- **آغاز** : «بسم الله الرحمن الرحیم ، هذا کتاب خزان بهار و به نستعین چمن آرای فرج بعد از شدت در خزان بهار روزگار لطف شامل حضرت سبحانی است که ذات کامل انسان را از وحشت سرای رحم در دامن دایهٔ رحمت پرورش داده و در یتیم عمانی را از زندان صدف بر کرسی عزو شرف نشانده نقاب خفا از رخ گشاده» .

۸- **انجام** : از یاارحم الراحمین اینست ولینا فی الدنیا والاخره توفنی سلما والحقنی بالصالحین قلم طاوس خرام بنگارش این نقش بدیع همواره بوقلمونی پیشه نمود از قوت جولان چون اسب چوبین باز ماند هوالمؤید ، تاریخ ،

بتاریخ وی گفت رأی رزین نه باید خزان بهار این چنین»

۹- **چگونگی** : موضوع این نسخه «دین و ادب» است یعنی مطالب و مفاهیم آن دربارهٔ فقه شیعه از قبیل نماز و طهارت و نصرت و صبرو رحم و کرامت و مروت واخلاق و در بعضی جای‌ها راجع به کربلا و شهیدان کربلا است اما جملات آن شبیه گلستان سعدی و بهارستان جامی و پریشان قاآنی است. نثر فارسی آن مسجع و مقفی و موزون و منسجم ، اشعار فارسی آن که همه از مؤلف است محکم و خوش آهنگ و خوش وزن است. از آیات قرآنی و احادیث نبوی و کلمات ائمهٔ اطهارو سخنان بزرگان استفاده کرده است. تقسیمات آن بر حسب یک «مقدمه» و «۱٤ اساس» و یک «خاتمه» است. اساس اول در صبر و اساس چهاردهم در هدایت است . در خاتمه شرح حال مؤلف به تفصیل آمده است. در ۱۰۰۵ در کربلای معلا متولد شده در ۱۰۰۶ به اصفهان رسیده ، در ۱۰۱۰ به مشهد مقدس رفته. ۲۳سال در اصفهان بوده و در این سال عزیمت ملک ری کرده ، در سال ۱۰۳۵ پدر از سرش برفته ، به خواهش برادر کوچکش محمد اسماعیل «خزان بهار» تصنیف کرده ، ۱۵ سال در عرصهٔ شهریاری شغل قضا داشته ، در علوم دینی ونحو و کلام و منطق و انشاء شعر و انشاء نثر زحمت بسیارکشیده است. از جمله مصنفات او : قصهٔ لیلی و مجنون و هفت پیکر و عباس نامه سروده و

غزلیات و قصاید و قطعات و رباعیات و ترکیب بند و ترجیع بند گفته است. و از کلام نثر نسخهٔ سراج المنیر و در مکنون و حواس باطن و منشآت متفرقه نوشته است. بعضی یادداشت‌های ادبی وتوضیحات لغوی درگوشه وکنار صفحات آمده است و در صفحهٔ ٤ «لمحرره علی ۲۰ شوال المکرم ۱۳۰۹» امضا کرده است. چاپ شده ، این نسخه را ندیده‌ام.

۸۹۰
۵۰۸

خسرو و شیرین

[ادب ، داستان سرایی ، فارسی ، منظوم «مثنوی»]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲٤/۵×۱۵×۵/۲ س م.—درونی : ۲۰ و ۲۱ و ۲۳ س ۲۰/۵ ×۹/۵ س م.

۲- اوراق : ۱٤۰ ورق . صفحه ۲۸۰ .

۳- کاغذ : ضخیم زرد تیره رنگ سیالکوتی ، اندکی کرم خورده ، اندکی وصالی شده ، جلد چرمی و مقوایی ساییده شده و کرم خورده ، شیرازه دار.

٤- خط : نستعلیق ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشانها و سرفصلها شنگرف ، جدولهای خطی میان سطرها ابیات و در فواصل عنوانها شنگرف و جدولهای سه خطی کنارهٔ صفحات سیاه و شنگرف. قرن ۱۲ ه ق.

۵- کاتب : «قایم الدین بن غلام حسین بن رکن الدین محمد واسع» ، تاریخ کتابت : «۱۸۹٤ بکرمی» : «تمت تمام شد کتاب خسرو و شیرین دستخط قایم الدین بن غلام حسین بن رکن الدین بن محمد واسع قوم کهوکهر ساکن چند لیوت بروز دو شنبه به وقت پیشین تمام رسید در ماه هار سنهٔ ۱۸۹٤».

هر که خواند دعا طمع دارم   زآنکه من بندهٔ گنه کارم
نوشته بماند سیه بر سفید   نویسنده را نیست فردا امید

تم (۲۷ بار شنگرف و سیاه).

۶- مؤلف : یا (شاعر) «حکیم نظامی گنجوی متوفی ۵۹۷ ه ق».

نام تالیف (مثنوی): «خسرو و شیرین» ، تاریخ تالیف (سرودن): «۵۷۶ ه ق» در صفحهٔ ۲۷ و ۲۸ چنین آمده است.

«که بشتاب ای نظامی زوددیر است   فلک بی مهر و عالم زود سیر است

حدیث خسرو و شیرین نهان نیست ازین شیرین تر الحق داستان‌نیست»
(رک : خسرو و شیرین نظامی ، وحید دستگردی ، ص ٤٦٠).

۷- **آغاز :** «یا فتاح ، رب یسر ، بسم الله الرحمن الرحیم ، و تمم بالخیر ،

خداوندا در توفیق بگشای نظامی را ره تحقیق بنمای
دلی ده کویقینت را بشاید زبانی کآفرینت را سراید
مده نا خوب را بر خاطرم راه بدار از نا پسندم دست کوتاه
درونم را به نور خود بر افروز زبانم را ثنای خود بیاموز»

۸- **انجام :** «بشاهی تاج بخش تاجداران به دولت یادگار شهریاران
سریرش باد در کشور گشایی وثیقت نامهٔ کشور گشایی
جهانرا تا ابد شاه جهان باد بداغ امید دارد کامران باد
سعادت یار او در کامرانی مساعد با سعادت زندگانی
سخن را بر سعادت ختم کردم ورق اینجا رساندم در نوردم»

۹- **چگونگی :** این نسخه یکی از مثنویات پنجگانهٔ (خمسهٔ) و یا به قولی هفتگانهٔ (سبعهٔ) حکیم نظامی گنجوی است که به نام «خسرو و شیرین» شهرت دارد . موضوع آن داستانی است از روزگاران ساسانیان که حکیم نظامی آنرا به نظم آورده است و قهرمانان اصلی این داستان «خسرو» و «شیرین» و «فرهاد» می باشند . این داستان را شاعران دیگر نیز به نظم آورده‌اند . مثنویات حکیم نظامی اگر «خمسه» به حساب آیند، عبارتند از : ۱—مخزن الاسرار، ۲—خسرو و شیرین ، ۳ هفت پیکر یا هفت گنبد یا بهرام نامه ، ٤—اسکندر نامه ، ۵—لیلی و مجنون. واگر «سبعه» باشند: «اقبالنامه» و «قصاید و غزلیات و قطعات» نیز بدانها افزوده می شود . خسرو و شیرین بروزن «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل یا فعولن» از مزاحفات بحر هزج مسدس محذوف و مقصور است و جمعاً در حدود ۵۰۰۰ بیت دارد . تقسیمات این نسخه بر اساس موضوعاتی است که شاعر برگزیده است ، چنانکه در آغاز «حمد خدا» و «نعت محمد (ص)» و «مدح ممدوح» و چگونگی نظم مثنوی و پس از آن اصل داستان ادامه می یابد و در انجام نصایح و مواعظ و ختم کتاب آمده است . بعضی اشعار از ـاد رفته و مطالب دیگر در کنارهٔ صفحات کتابت شده است .

۲۹۰
۴۴۴

خلاصة الفقه

[دین ، فقه حنفی و شافعی ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه : - بیرونی : ۲۲/۵×۱۴×۳/۵ س م . - درونی ۱۵ س ۱۷/۵×۱۰ س م .

۲- اوراق : ۲۸۰ ورق . ۵۵۹ صفحه .

۳- کاغذ : زرد سفید رنگ هندی ، کرم‌خورده ، وصالی شده ، آب رسیده ، جلد مقوایی ملون با عطف و گوشهٔ پارچه یی سبز رنگ .

۴- خط : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، عنوانها و نشانها و سر فصلها و خطهای افقی بر بالای الفاظ و جملات شواهد عربی شنگرف ، جدول کنارهٔ متن سه خطی سرخ و سیاه . قرن ۱۱ ه ق .

۵- کاتب : «ممرو (ممریز) خان ولد ابابکر خان افغان» ، تاریخ کتابت : «۱۱۴۰ ه ق» :
«تمت تمام شد ، کار من نظام شد ،

هر که خواند دعا طمع دارم زانکه من بندهٔ گنه کارم

بتاریخ بیست و یکم شهر رجب المرجب سنهٔ ۱۱۴۰ روز چهار شنبه بوقت یکپاس روز گذشته بود کتاب خلاصه در بلدهٔ خجسته بنیاد بدستخط ممرو (ممریز) خان ولد ابابکر خان افغان سرک متوطن بجوانی» .

۶- مؤلف : «عبداللطیف» ، نام تألیف «خلاصة الفقه» ، تاریخ تألیف : معلوم نشد . در صفحهٔ ۱۱ اینگونه آمده است : «اما بعد حمد و ثنای حضرت واجب الوجود ودرود بی منتها بر خاتم انبیا میگوید بنده خاکپای عالمان عبداللطیف که مسئله چند از علوم دینی که آن همه بر سبیل کوتاهی کرده شد بر هژده باب قرار یافت و این مجموع را خلاصة الفقه نام نهاده شده» .

۷- آغاز : « رب یسر ، بسم‌الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر الحمد لله یعنی بگوئید که همه سپاس و ستایش یعنی صفت کردن به نیکیهای مرخدایتعالی راست رب العالمین که پروردگار جهانیانست والصلوة علی سیدنا محمد وآله اجمعین اما بعد حمد و ثنای مر حضرت واجب الوجود و درود بی منتها بر خاتم انبیا » .

۸- انجام : « پیغمبر گفت علیه السلام هر زنی که پنج وقت نماز گذارد (کذا) و روزهٔ ماه رمضان بدارد و نفس خود را نگاه دارد از نا محرم ، و زکوة ادا کند و

فرمان برداری کند مر شوهر خود را آن زن در آید در بهشت از هر دری که خواهد. روایت میکند ابوهریره رضی الله عنه از رسول علیه السلام اگر سجده بغیر از حق تعالی دیگریرا روا بودی زنان مر شوهران خود را سجده میکردی تم ٦٤ بار».

۹- **چگونگی** : موضوع این نسخه «مسائل فقه اهل سنت و جماعت» مخصوصاً «فرقهٔ حنفی» است. تقسیمات آن براساس «باب» و «فصل» و «مسئله» است و جمعاً «هژده باب» و هرباب چند فصل دارد و هر فصل «چند مسئله»: مثلاً باب پنجم دو فصل و باب شانزدهم ٤٧ فصل دارد و تعداد مسئله‌ها بسیار است. نثر فارسی آن روان و ساده است. برای اثبات هر مسئله از آیات قرآنی و احادیث نبوی استفاده کرده است. در صفحات آغاز و انجام و گوشه و کنار صفحات یادداشت های دینی و توضیحات لغوی با نقل مرجع و مآخذ آمده است. فهرست مطالب نسخه در چهار صفحه در آغاز آمده است. در صفحهٔ ۵۵۰ دو مطلب منظوم دربارهٔ مذهب «شافعی» و «حنفی» کتابت شده است که موضوع آنها نماز و روزه و وضو و طهارت و نجاست است (رک: خلاصة الفقه ۵۷۲/۲۹۰).

۲۹۰/۵۷۲ خلاصة الفقه یا فتاوی خلاصه

[دین، فقه و فرایض، فارسی، منثور]

۱- **اندازه** : —بیرونی: ۳۰ × ۱۸/۵ × ۳ س م. —درونی: ۲۱ س ۲۱ × ۱۱/۵ س م.

۲- **اوراق** : ۲۷۰ ورق. ۵٤۰ صفحه.

۳- **کاغذ** : ضخیم زرد تیره رنگ سیالکوتی، آب رسیده، ساییده شده، جلد چرمی و مقوایی با عطف و گوشهٔ پوسیده.

٤- **خط** : نستعلیق، ناپخته، روشن، خوانا، عنوانها و سرفصلها و کلمات شواهد شنگرف، قرن ۱۲ ه‍ ق.

۵- **کاتب** : «میان شیخ رحمت الله ولد میان صیف (سیف الله)»، تاریخ کتابت ندارد: «هذا الکتاب فتاوی خلاصه روز یک شنبه به وقت نماز عصر در ماه شوال کاتب فقیر حقیر پر تقصیر میان شیخ رحمة الله ولد میان صیف (سیف الله) ساکن دهری کوندرلان والی پرکهنه چهکر این کتاب در حق و ملک خود

است ، هر که دیگر دعوی کند در شرع شریف دروغ و کاذب باشد».

۶- مؤلف : «عبداللطیف» ، نام تألیف : «خلاصة الفقه» یا «فتاوی خلاصه» ، تاریخ تألیف معلوم نشد : «میگوید بنده خاکپای عبد اللطیف که مسئله چند از علوم دینی که آن بر همه مسلمانان از خاص و عام فرض است که از کتب مسطور است و بر سبیل کوتاهی کرده شد و هژده باب قرار یافت و این مجموعه را خلاصة الفقه نام نهاده شد».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، رب یسر و لا تعسر و تمم بالخیر ، الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة والسلام علی رسوله محمد و آله اجمعین الحمد یعنی بگویند که همه سپاس و ستایش یعنی صفت کردن به نیکیها لله مرخدایتعالی راست».

۸- انجام : «و هر که سه بار از دوزخ از حق تعالی پناه گیرد دوزخ گوید یا الهی این بنده را از من دور کن. الهی مرا وجمیع مسلمانان را بر طاعت و عبادت خود ثابت قدم دار از بهشت محروم مگردان بحرمة النبی و آله الامجاد کذافی تنبیه الغافلین و راحت القلوب ، تمت تمام شد ، کار من نظام شد».

۹- چگونگی : این نسخه همان گونه که از نامش برمی آید در فقه و فرایض و مسائل دینی است براساس عقاید اهل سنت و جماعت . هیجده باب دارد . و هر باب چند «فصل» و هر فصل چند «مسأله» . از لحاظ سؤال و جواب فقهی به زبان فارسی ارزنده است مخصوصاً اینکه نثر فارسی آن به «سبک پاکستانی» است در آغاز و انجام و در کناره صفحات یادداشتهای فقهی و اشارات فریضه‌یی و توضیحات دینی آمده است . چون نثر فارسی این نسخه روان و ساده است و مفهوم همگانی داشته است و هنوز هم دارد ، صدها بار استنساخ شده و تکثیر گشته است بدان جهت نسخ خطی آن فراوان و بارها چاپ شده است و در مدارس قدیم تدریس می شده . مالک آن فرزند کاتب بوده است : «یه کتاب مالک میان غلام حسین ولد میان شیخ رحمت الله» .

خلاصة المقامات

۸۹۰ / ۳۴۳

[ادب وعرفان ، فارسی ، منظوم و منثور]

۱- اندازه — بیرونی ۱۷/۵ × ۱۲ × ۳/۵ س م . — درونی : ۱۴ س ۱۱ × ۶/۵ س م .

۲- **اورا :** ق ۱۴۸ ورق . ۲۹۶ صفحه .

۳- **کاغذ :** ضخیم سفید رنگ سمرقندی ، کرم خورده ، وصالی شده ، آب رسیده ، جلد تیاجی زرد رنگ و ضربی نقش دار ، روی جلد نقش شده : «عمل ملا عبدالباقی صحاف ۱۲۹۲» .

٤- **خط :** ثلث خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سرفصلها و نشان ها شنگرف خوش رنگ ، بالای احادیث و جملات عربی خط سرخ کشیده شده و معرب (مشکول) هستند .

۵- **کاتب :** نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد چون از آخر ناقص است .

٦- **مؤلف :** «**ابوالمکارم بن علاء الملک جامی**» نام تألیف ، «**خلاصهٔ المقامات**» ، تاریخ تألیف : «**در عهد شاه رخ ۸٤۰ ھ ق**» : «اما بعد بندهٔ خاطی ابوالمکارم بن علاء الملک جامی . . . بس روحانیت حضرت شیخ الاسلام احمد الجامی النامقی البجلی . . . بنده را بارشاد مراقبهٔ حالات . . . مطالعهٔ خود را نمود . . . در عهد . . . معین الحق والملک والدین شاه رخ سلطان ظل رب العالمین ،

شاهی که با حریف جو شطرنج حرب باخت
بر نطع رزمگه زدش البته شاه رخ

بعد از آنکه توفیق مطالعه و تحقیق کتب و مقامات حضرت شیخ یافت از سر توجه خاطر و حضور قلب سخنی چند مختار بر سبیل اختصار از آنجمله انتخاب کرد . . . و این کتاب را خلاصهٔ المقامات نام کرد» .

۷- **آغاز :** «بسم الله الرحمن الرحیم ، حمد و ثنای بی منتها که مطیفان حریم حرم سدرهٔ المنتهی از ارتقای معارج قصور آن بعجز و قصور اعترافنمودند که لااحصی ثناء علیک . و سپاس بی قیاس که مطبقان طبقات والذین درجات از اعلاء مدارج اتصاف آن بضعف و فتور انصاف داند که ماعرفناک حق معرفتک» .

۸- **انجام :** ناقص است و افتادگی دارد و چنین پایان می یابد : «آنکه آن نور ازو بعبد الله رسید و او خوردتر فرزندان عبدالمطلب بود و او ده پسر داشت نذر کرده بود که جون او را ده پسر آید ، دهم را قربان کند بنزدیک کاهن قریش رفت و گفت چنین نذری کردهام اکنون از دل بر نیایم که او را قربان کنم گفت ده شتر در برابر وی بدار اگر قرعه بر شتر آمد آن ده شتر

فدای او قربان کن و اگر قرعه برو آید ده می افزای تا آنکه قرعه بر شتر آید».

٩- **چگونگی**: موضوع این نسخه «زندگی و احوال و آثار و حالات و کرامات و سخنان شیخ الاسلام ابو نصر احمد بن ابوالحسن الجامی النامقی البجلی معروف به احمد ژنده پیل یا احمد جام ٤٤١-٥٣٦ ه ق است. مؤلف یکی از بازماندگان احمد ژنده پیل است و خلاصه المقامات را در سال ٨٤٠ هق در عهد شاه رخ نوشته است. از احادیث نبوی و آیات قرآنی و اشعار برگزیده استفاده کرده است. تقسیمات کتاب براساس «مقاله» و «باب» است و ٣ مقاله و ٣٤ باب و یک فصل دارد بدین شرح: «و این کتاب را خلاصه المقامات نام کرد و بنای آن بر سه مقاله نهاد که این سه مقاله مشتملست بر سی و چهار باب و یک فصل و بالله التوفیق،

مقالهٔ اول در انساب و تواریخ و تصانیف و اسامی فرزندان و ازواج حضرت شیخ قدس الله سره العزیز و این مقاله مشتملست بر پنج باب:

باب اول در نسب حضرت شیخ.

باب دویم در خرقهٔ حضرت شیخ و ذکر پیران او.

باب سیم در ذکر اولاد و ازواج حضرت شیخ.

باب چهارم در ذکر تصانیف حضرت شیخ.

باب پنجم در تاریخ ولادت و وفات حضرت شیخ.

مقالهٔ دویم در کرامات حضرت شیخ قدس سره که از مقامات امام محمد غزنوی و شیخ احمد ترخستانی نقل کرده شده و این مقاله مشتمل است بر پنج باب و یک فصل:

باب اول در کرامات که در ابتدای توبه و ایام مجاهده واقع شده.

باب دویم در کرامات که در شهر سرخس بظهور رسیده.

باب سیم در واقعات جام نیشابور و غیر ذلک.

باب چهارم در کرامات بلدهٔ هرات و ناحیت آن.

باب پنجم در کرامات که بعد از وفات حضرت شیخ مشاهده کرده‌اند.

فصل در کرامات شیخ الاسلام احمد قطب الدین محمد ابن شیخ شمس الدین

مطهر ابن حضرت شیخ قدس سره .

مقالهٔ سیم در سخنانی که از کتب شیخ نقل کرده شده و این مشتملست بر بیست و چهار باب .

باب اول در توحید و معرفت .
باب دویم در سنت و جماعت .
باب سیم در توبه و انابت .
باب چهارم در فضیلت نماز .
باب پنجم در صنعت عقل .
باب ششم در مطلق علم .
باب هفتم در علم لدنی .
باب هشتم در بیداری و طلب و طالبان .
باب نهم در فضیلت گناه کاران مخلص .
باب دهم در فقر .
باب یازدهم در اسرار محققان .
باب دوازدهم در عشق و محبت .
باب سیزدهم در اخلاص .
باب چهاردهم در توکل و قضا بقسمت .
باب پانزدهم در قناعت و شکر .
باب شانزدهم در صفت زهد .
باب هفدهم در ذم دنیی دنی .
باب هیژدهم در ذم سؤال .
باب نوزدهم در ذم حسد و عجب .
باب بیستم در شرح روح و نفس .
باب بیست و یکم در سیرت پیران و اولیا .
باب بیست و دویم در زاویه داری و سماع .
باب بیست و سیم در تفسیر بعض آیات .
باب بیست وچهارم در فضایل مصطفی علیه السلام» .

متأسفانه این نسخه از آخر ناقص است اما کتابت آن شاید از قرن ۹ هجری یعنی از عهد مؤلف باشد . از لحاظ انشای فارسی آن روان و محکم و شیوا است و چون چاشنی عرفانی دارد با جملات کوتاه و پر معنی آراسته شده است . از لحاظ املایی ، حروف «گ» و «چ» و «پ» مانند «ک» و «ج» و «ب» باشد ، مثلاً : «دیکر ، جرا ، بیران» . در کلمات فارسی همزه به کار نمی برد ، مانند : «میفرمایید ، میگویید» اما درکلمات عربی همزه به کار می برد ، مانند : «مسئله» ، «ائمه» . فعل « گفت» و لفظ «دیگر» برای عنوان مطالب به کار برده ، می‌شود . نشان دو مهر داشته است که یکی‌را محو و سیاه کرده‌اند و دیگری‌هم خوانا نیست . از ملا حیرتی پنج بیت با قلم شکسته در صفحهٔ اول کتابت شده است :

دریاب که بیقرارم امشب — صبر همه شب ندارم امشب
فریاد زعالمی بر آرم — فریاد اگر بر آرم امشب

دی راه نماز ما زد آن شوخ — شکری است که می گزارم امشب
تا روز نماز قدر یابم — از خیل سگان شمارم امشب
دل را به سگ تو میگذارم — جان را به تو می سپارم امشب».

این نسخه در نوع خود کم نظیر است .

خلاصة المنهج

٢٩٠/٥٤٣

[دین ، تفسیر ، فارسی و عربی ، منثور]

١- اندازه : — بیرونی : ٣٢×٢١×٦ س م . — درونی : ٢٧ س ٢٥×١٥ س م .

٢- اوراق : ٣٦٩ ورق . ٧٣٨ صفحه .

٣- کاغذ : ضخیم و زرد تیره رنگ سیالکوتی و لاجوردی رنگ کشمیری ، وصالی شده ، آب رسیده ، جلد مقوایی و چرمی قهوه یی با عطف پارچه یی سرخ رنگ .

٤- خط : ثلث خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سر فصلها و نشانها شنگرف . بعضی آیه ها و الفاظ و جملات قرآنی معرب (مشکول) ، بالای آیات قرآنی خط افقی شنگرف کشیده شده است ، قرن ١٢ھ ق .

٥- کاتب : «شاه سید محمد ابن سید میر رضاء الموسوی الحسینی السبزواری» ، تاریخ کتابت : «١٢٣٨ھ ق» : در صفحهٔ ٧٣٨ چنین آمده است : «کاتب فقیر الحقیر العاصی المذنب سیادت پناه تراب الرجلین الجمیع السادات و العلماء شاه سید محمد ابن سید میر رضاء الموسوی الحسینی السبزواری تحریر یافت فی التاریخ بیست و دویم شهر ربیع الثانی سنهٔ ١٢٣٨ هر مؤمنی و مؤمنه که از نظر خیر اثرش مطالعهٔ این کلام الله بگذرد سهولت و نسیانش را به صحت پیوندد و قلم عفو بر جرایم و مآثمش در کشد آمرزیده باد کسی که روح این پر تقصیر را به فاتحه شاد نماید» .

٦- مؤلف : «ملا فتح الله بن شکر الله شریف کاشانی متوفی ٩٨٨ تا ٩٩٧ھ ق» نام تألیف (تفسیر) : «خلاصهٔ المنهج» ، تاریخ تألیف معلوم نشد . (رک : تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تألیف ، سعید نفیسی ، ج ١ ، ص ٣٧٤) نام تألیف در صفحهٔ ٧٣٨ نسخه آمده است : «تمت خلاصهٔ المنهج بحمد الله رب العالمین» . البته این نسخه فقط جلد دوم «خلاصهٔ المنهج»

است که از «سورهٔ مریم» آغاز و تا «سورهٔ الناس» ادامه دارد.

۷- آغاز : جلد دوم : «رب یسر و تمم بالخیر، بسم الله الرحمن الرحیم، از ابی بن کعب روایت است که رسول (ص) فرمود که هر که سورهٔ مریم بخواند حق تعالی اورا ده حسنه بدهد بعدد هر که تکذیب ذکریا و تصدیق یحیی و مریم و عیسی و ابراهیم و اسماعیل و یعقوب و هارون را در پس علی نبینا علیهم الصلوة و السلام کرده و هر که دعوی ولد بر خدای تعالی کرده و هر که نکرده و از حضرت امام جعفر صادق مروی است که هر که بر قراهت (قرائت) این سوره مواظبت نماید نمیرد».

۸- انجام : «تمت خلاصهٔ المنهج بحمد الله رب العالمین و صلی الله علی خیر. . . و آله اجمعین الطیبین الطاهرین المعصومین اللهم اذخر الی فی وسیلهٔ الی الفوز بجزیل یوم التناد و. . . الغفران و المعاصی و الخطایا و وسیلهٔ بشفاعهٔ الانبیاء و خیر الاوصیاء و الیها الذی مصابیح الدجی و ایمهٔ الهدی و یرحم الله عبداً قال امینا تمت الکتاب بعون الملک الوهاب الحمد الله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطرین الملهم اللهم اللهم اغفرلی ولوالدی ولاستادی ولاخوانی ولاولادی الصالحین و لجمیع المؤمنین والمؤمنات والمسلمین و المسلمات ببرکت القرآن یا عزیز یا غفار اقضی حاجات یا قاضی الحاجات و یا رفیع الدرجات و یا اکرم الاکرمین و یا ارحم الراحمین».

۹- چگونگی: موضوع این نسخه تفسیر قرآن شریف است به زبان فارسی بر اساس عقیده و مذاق شیعه یا امامیه و یا اثنی عشریه که در قرن دهم تصنیف (تفسیر) شده است. این نسخه شامل تفسیر نصف قرآن شریف است از آغاز سورهٔ «مریم» تا آخر سورهٔ «الناس». اصل این نسخه «منهج الصادقین فی الزام المخالفین» نام داشته است. که مؤلف (مفسر) آنرا خلاصه کرده و آنرا «خلاصهٔ المنهج» نام نهاده است. تقسیمات آن بر اساس سوره های قرآن شریف است. هر آیه را به الفاظ و جملات کوتاه تقسیم می کند و سپس به تفسیر و توضیح و شرح آنها می پردازد. فارسی آن روان و ساده است. اکثر از اقوال ائمهٔ اطهار و از زبان و بیان آنها مثال می آورد و شواهد به دست می دهد. گاهی از قطعات و مثنوی های کوتاه و

دو بیتی های دینی و عرفانی استفاده می کند. این تفسیر مورد قبول شیعیان است و بدین جهت در نزد آنها عزیز است. تاکنون چند بار چاپ شده است در گوشه و کنار صفحات این نسخه گه گاهی یادداشتهایی آمده است. روی هم رفته نسخه‌یی ارزنده است.

۸۹۰ / ۳۶۹

خمسهٔ امیر خسرو

۱- شیرین و خسرو، ۲-لیلی و مجنون، ۳-اسکندر نامه، ٤-هشت بهشت، ٥- مطلع الانوار [ادب، فارسی، منظوم، «مثنوی»]

۱- **اندازه** : -بیرونی: ۳۲×۲۱×۳ س م. -درونی: ۲۰ س (هر سطر ۲ بیت یا چهار مصراع) ۲٤×۱۶ س م.

۲- **اوراق** : ۱۹۰ ورق. ۳۷۹ صفحه.

۳- **کاغذ** : ضخیم سفید رنگ سمرقندی، وصالی شده، اندکی کرم خورده، آب رسیده، جلد چرمی نقش دار قهوه یی رنگ با عطف پارچه یی تیره رنگ و گلدار.

٤- **خط** : نستعلیق خوش، روشن خوانا، پخته، عنوانها و نشانها و سر فصلها شنگرف، جدولهای چهار خطی میان سطرها (مصاریع) زرین، چهار سر لوح خوش نقش در زمینهٔ زرین و لاجوردی به سبک کشمیری. قرن ۱۰ هـ ق.

٥- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» معلوم نشد.

۶- **مؤلف** : یا (شاعر) : «خسرو» یا «**امیر خسرو دهلوی متوفی ۷۲۵ هـ ق**» که نام کاملش «**ابوالحسن امیر سیف الدین محمود**» و مدفون در دهلی است (رک: فهرست نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش، ج ۱، ص ۵۹۳) نام تالیف یا (تصنیف) : «**خمسهٔ امیر خسرو دهلوی**» یا «**پنج مثنوی**» که در این نسخه ٤ مثنوی امیر خسرو آمده است:

۱- « **شیرین و خسرو** » که در ۶۹۸ هـ ق سروده، در برابر مثنوی «خسرو و شیرین» نظامی.

۲- «**لیلی و مجنون**» که در ۶۹۸ هـ ق سروده، در برابر مثنوی «لیلی و مجنون» نظامی.

۳- «**آیینهٔ سکندری**» که در ۶۹۹ ھ ق سروده ، در برابر مثنوی «اسکندر نامهٔ» نظامی .

٤- «**هشت بهشت**» که در ۷۰۱ ھ ق سروده در برابر مثنوی «هفت پیکر» نظامی .

٥- مطلع الانوار (در این نسخه نیامده است) .

(رک : تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی ، تألیف سعید نفیسی ، ج ۱ ، ص ۱۷۱ ، شعر العجم تألیف شبلی نعمانی (اردو) ترجمهٔ سید محمد فخر داعی گیلانی (فارسی) ، ج ۲ ، ص ۷۷—۱٤۹) .

۷- آغاز : ۱- **شیرین و خسرو (ص ۲)** «کتاب خسرو [و] شیرین (داخل ترنج سر لوح) ،

خداوندا دلم را چشم بگشای — به معراج یقینم راه بنمای
به رحمت باز کن گنجینهٔ جود — درونم خوان بشادروان مقصود
دلی بخش از ثنای خویش معمور — زبانی ز آفرین دیگران دور
در آسانیم شکر اندیش گردان — به دشواری سپاسم بیش گردان»

۸- انجام : **ایضاً** ، (ص ۱۰۸) ، ناقص است و چنین پایان می یابد :

«مبین مقنع که آخر پادشاهم — به هر موی است پنهان صد کلاهم
ز همت با کواکب هم عنانم — به زینت با فلک هم داستانم
ستاره گرچه در گوهر بلند است — ولی بر آتش رویم سپند است
به گردون آنکه از سبزی‌نشان‌است — سر سبزم به گردون‌سود از آن است»

—آغاز : ۲- **لیلی و مجنون** ، (ص ۱۱۰) : «کتاب لیلی و مجنون (داخل ترنج سر لوح) ،

ای داده بدل خزینهٔ راز — عقل از تو شده خزینه پرداز
ای دیده گشای دور بینان — سرمایه ده تهی نشینان
ای تو به بهین صفت سزاوار — نام تو گره گشای هر کار
ای بنده نواز بندگی دوست — ز آن تو جهان ز مغز تا پوست»

—انجام : **ایضاً** ، (ص ۱۷۷) :

«یارب که من سیاه نامه — کاراستم این ورق بخامه

هر چند بد آمد این شمارم — چشم از تو بجز بهی ندارم
شعر ارچه صلاح کار دین است — بروی ز شریعت آفرین است
این نامه سزای آفرین باد — انشاء الله که همچنین باد»

—آغاز : ۳-آیینهٔ اسکندری یا اسکندر نامه ، (ص ۱۷۸) : «کتاب اسکندر نامه ،

جهان پادشاها خدایی تر است — ازل تا ابد پادشاهی تراست
گشایندهٔ چشم بینش تویی — نگارندهٔ آفرینش تویی
تویی اول و آخر جمله چیز — نه آغاز داری نه انجام نیز
ز تو بیخبر عقل و دانش تباه — تصور بکار تو گم کرده راه»

—انجام : ایضاً ، (ص ۲۹۱) :

«بیا ساقی آن می که کام منست — بمن ده که در خورد جام من است
مرا با حریفان من نوش باد — حریفان بد را فراموش باد
بیا مطربا ساز کن پرده را — بسوز این دل عشق پرورده را
رسد از بتان جان خسرو بکام — بیک نغمه کن کار او را تمام»

—آغاز : هشت بهشت ، (ص ۲۹۴) : «کتاب هشت بهشت ،

ای گشایندهٔ خزاین جود — نقش پیوند کار گه وجود
کوکب آرای آسمان بلند — هم زمین ساز و هم فلک پیوند
بودنی را همیشه بود از تو — بود و نابود را وجود از تو
آفرینش رقم کشیدهٔ تست — هر چه جز تست آفریدهٔ تست»

—انجام : ایضاً ، (ص ۳۷۹) :

در طبیعی شناخته بتمام — راز تو کو و گفته از سینام
بریاض بیک سریر (صریر) قلم — باز کرد دست دشمن جذراهم (اصم)
عقلیش از قیاس عقل برون — نقلیش از مقام شل بیرون
وه چونسوط در یکی مشتش — صد اشارت در هر انگشتش

تمت تمام شد هشت بهشت ، تم (۷ بار)» .

۹- **چگونگی:** در این نسخه ٤ مثنوی امیر خسرو آمده است : **شیرین و خسرو** که در حدود . . . ٤۰ بیت دارد و بروزن «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن یا فعولن» از مزاحفات بحر هزج مسدس محذوف یا مقصور سروده است شده . **لیلی و مجنون**

که در حدود ۲۶۴۰ بیت دارد و بر وزن «مفعول مفاعلن فعولن» از مزاحفات بحر هزج مسدس اخرم محذوف یا مقصور سروده شده است. آینهٔ سکندری یا سکندر نامه که در حدود ۴۵۰۰ بیت دارد و بروزن «فعولن فعولن فعولن فعول یا فعل» از مزاحفات بحر متقارب مثمن محذوف یا مقصور سروده شده است. هشت بهشت که در حدود ۳۴۰۰ بیت دارد بر وزن «فاعلاتن مفاعلن فعلن» از مزاحفات بحر خفیف سروده شده است و مجموع اشعار این ۴ مثنوی تقریبا ۱۴۵۴۰ بیت است. این نسخه رسم الخط فارسی دارد. حروف «پ» «چ» و «گ» مانند «ب» و «ج» و «ک» است. زیر و بالای اکثر حروف که خالی مانده همیشه سه نقطه آمده، زیر حرف «ی» همه جا ۲ نقطه است. به جای «همزه» هنگام اتصال «ی» به کار می برد، مانند: «رویی، بویی، گویی». حرف «ب» اضافه به اسم و فعل متصل است. در صفحهٔ آغاز هر مثنوی یک مهر زرین دارد که محو شده است. در آغاز و انجام هر مثنوی چند شعر و یادداشت به خط و کتابت تازه آمده است. و در یکی از مهر ها که محو شده شخصی که بعداً مالک نسخه گشته اینگونه نوشته است: «این کتاب از مال خالص مخلص سید حسن ولد سید هاشم پادشاه می باشد ساکن موضع کالکوت سفلی سنهٔ ۱۲۷۸ یوم جمعه در منزل کره باغ». و در صفحهٔ آغاز و مثنوی لیلی و مجنون این رباعی آمده است:

گرچنین شور حیوة گر مشق بیدادم کند
شبنم گل زخمی چشم پریزادم کند
آشیان گم کرده‌ام چون من گرفتارش مباد
سخت بی رحم است می ترسم که آزادم کند

(سید حسن گه گاه)

۸۹۰/۵۳۹ خمسهٔ امیر خسرو یا مثنویات پنج گانهٔ امیر خسرو

۱-مطلع الانوار، ۲-شیرین و خسرو، ۳-لیلی و مجنون،
۴-هشت بهشت، ۵-آینهٔ اسکندری

[فارسی، منظوم «مثنوی»]

۱- اندازه: - بیرونی: ۴/۵×۱۳/۵×۲۴/۵ س م. - درونی: ۲۹ س (بیت،

متن و حواشی) ۱۶×۹ س م .

۲- اوراق : ۳۱۵ ورق . ۶۳۰ صفحه .

۳- کاغذ : ضخیم زرد و نخودی رنگ سمرقندی ، آب رسیده ، وصالی شده ، اندکی کرم خورده ، جلد مقوایی سیاه رنگ با عطف چرمی سفید .

۴- خط : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سر فصلها و نشانها شنگرف ، سرلوح در زمینهٔ لاجوردی و زرین و ترنج های گوناگون ، جدولهای ۴ خطی در فواصل ابیات و درمیان ابیات سیاه و زرین و جدولهای ۵ خطی کنارهٔ صفحات لاجوردی و سیاه و زرین ، قرن ۱۱ هـ ق .

۵- کاتب : نام « کاتب » و «تاریخ کتابت» به علت نا آگاهی جلد ساز محو و سیاه شده است و در آخر اینگونه می خوانیم : « تمت الکتاب بعون الملک الوهاب راقمه . . . » .

۶- مؤلف : یا (شاعر) : « امیر خسرو دهلوی ۶۵۱-۷۲۵هـ ق» نام تألیف : «خمسهٔ امیر خسرو» یا « مثنویات پنج گانهٔ امیر خسرو » تاریخ تألیف « ۶۹۸ - ۷۰۱ هـ ق » . (رک : خمسهٔ امیر خسرو ۳۹۹/۸۹۰) .

۷- آغاز : مطلع الانوار (ص ۴) :

« بسم الله الرحمن الرحیم — خطبهٔ قدس است به ملک قدیم
زایچهٔ حکمت و توقیع راز — نیست مگر این رقم جان نواز
شیمهٔ نه منظر هر دوسرای — مطلع دیباچهٔ رای خدای
نامهٔ لاریب چه دریاست این — بر سر این نامه چه طغراست این»

۸- انجام : ایضاً (ص ۱۱۸) :

«هر چه درین شعبده بستم امید — نامه سیه کردم و دیده سفید
روز قیامت که کنندم خطاب — هیچ ندانم که چه گویم جواب
یا رب از آین صواب خودم — هم تو بیاموز جواب خودم
بوک ز نزهت که دارالسلم — بوی علیکی رسدم والسلام »
تمت تمام مطلع الانوار امیر خسرو غفره » .

-آغاز : شیرین و خسرو (ص ۱۲۰) : « بسم الله الرحمن الرحیم ،
خداوندا دلم را چشم بگشای — به معراج یقینم راه بنمای

به رحمت باز کن گنجینهٔ جود — درونم خوان به شادروان مقصود
دلی بخش از ثنای خویش معمور — زبانی ز آفرین دیگران دور
امیدم را به جایی کش عماری — که باشد جشنگاه رستگاری »

—انجام : ایضاً (ص ٢٦١) :

«ازین هنگامه چون بیرون روم فرد — مگردان گرمی بازار من سرد
چنان کرده است بختم را نمک ریز — که باشد تا قیامت رعب انگیز
چو بگشایند فردا پردهٔ راز — مپرس از من این بازیچه را باز
چو بر خسرو سر آید زندگانی — گناهش عفو کن باقی تو دانی

—آغاز : **لیلی و مجنون** (ص ٢٦٤) : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

ای داده به دل خزینهٔ راز — عقل از تو شده خزینه پرداز
ای دیده گشای دور چینان — سرمایه ده تهی نشینان
ای توبه بهین صفت سزاوار — نام تو گره گشای هرکار
ای بنده نواز بندگی دوست — ز آن توجهان ز مغز تا پوست»

—انجام : ایضاً (ص ٣٥٣) :

« امید که هر خرد پناهی — از چشم رضا کند نگاهی
هر چند بداند این شمارم — چشم از توبه جزیی ندارم
شعرار چه صلاح کار دین است — بروی ز شریعت آفرین است
این ناله سزای آفرین باد — انشاءالله که همچنین باد »

—آغاز : **هشت بهشت** (ص ٣٥٦) : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

ای گشایندهٔ خزانهٔ جود — نقش پیوند کار گاه وجود
کوکب آرای آسمان بلند — هم زمین ساز و هم فلک پیوند
بودنی را همیشه بود از تو — بود نابود را وجود از تو
آفرینش رقم کشیدهٔ تست — هرچه جز تست آفریدهٔ تست»

—انجام : ایضاً (ص ٤٧٧) :

« آنچه او دیده با نهات دید — خس و خاری ز گلشنش بر چید
و آنچه ماند از نظر به پرده نهان — هم نهان داردش خدای جهان
یارب او جون ز پنج نامهٔ من — برد بیرون خطا ز خانهٔ من
نامهٔ او ز حرز جانش باد — در قیامت خط امانش باد »

—آغاز : آیینهٔ اسکندری (ص ٤٨٠) : بسم الله الرحمن الرحیم ،

جهان پادشاها خدایی تراست ازل تا ابد پادشاهی تر است
گشایندهٔ چشم بینش تویی نگارندهٔ آفرینش تویی
تویی اول و آخر جمله چیز نه آغاز داری نه انجام نیز
ز تو بی خبر عقل دانش پناه تصور به کار تو گم کرده راه

—انجام : ایضاً (ص ٦٣٠) :

« نه جان این مثل بلکه جان پرور است که یک زنده صد مرده از لشکر است
بسی کز دعای تو انشاد کرد به دشنام چون بایدش یاد کرد
ور از خواندن نظم غرای من . . . . (کرم خورده). . . . .
از اینجا ز ساق در این . . . .
تو از شربت من شوی زنده باد . . . . »

۹- چگونگی : این نسخه شامل پنج مثنوی (خمسه) امیر خسرو است. چند مهر دارد. در صفحات آغاز و انجام مثنوی های پنجگانه بعضی یادداشت های ادبی و تاریخی و اشعار پراکنده کتابت شده است ، از جمله این غزل در آغاز مثنوی هشت بهشت به مطلع :

«از بهار خود در گل ها خاکم در بند اوست
تا ابد رگ های جانم بسته برالطاف اوست »

و مقطع :

«بسکه پیچیدی جلالا عمر ها در زلف او
تازه گل های گلستان جناب مشکبو است»

و این یادداشت در صفحهٔ ۳۵۵ : این کتاب خمسهٔ امیر خسرو دهلوی از عزیز خان دروازی به جناب سیادت مآب مرحومی مغفوری میر سلیمان شاه رسیده شان بمخدوم دادند مومی الیه به الله الرحیم خان سنی فروخت از آن احقر افتاد . نشان چند مهر در آغاز و انجام و اواسط صفحات بوده است که اکثر آنها را محو و سیاه کرده اند و آنها که باقی مانده چنین خوانده شدند : «و تعز من تشاء و تذل من تشاء بیدک الخیر ، عزیز جان بن غریب شاه ۱۱۷۷ ه ق» . «بنده دین محمد یوسف ۱۲۵۱ ، پادشاه علی ابن میر یوسف علی شاه ۱۲۷۳ ، میر عاشق دین جای ساق » . به علت جلدسازی نادرست ،

بسیاری از یادداشت و نشان مهرها نابود شده است و از صفحهٔ ٥٤٥ تا ٥٦٤ جا به جا صحاف شده است. مثنوی مطلع الانوار از مزاحفات بحر سریع است: «مفتعلن مفتعلن فاعلن یا فاعلات» و تقریباً ۳۳۰۶ بیت دارد. مثنوی شیرین و خسرو از مزاحفات بحر هزج است: «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل یا فعولن» و تقریباً ٤١١٨ بیت دارد. مثنوی لیلی و مجنون از مزاحفات بحر هزج است: «مفعول مفاعلن فعولن» و تقریباً ۳۳۹۰ بیت دارد. مثنوی هشت بهشت از مزاحفات بحر خفیف است: «فاعلاتن مفاعلن فعلن یا فعلات» و تقریباً ۳۲٤۸ بیت دارد. مثنوی آیینهٔ اسکندری از مزاحفات بحر مثمن متقارب است: «فعولن فعولن فعولن فعول یا فعل» و تقریباً ٤٢٢١ بیت دارد.

۸۹۰
۳۸۱

خمسهٔ نظامی

۱-مخزن الاسرار ۲-خسرو و شیرین، ۳-لیلی و مجنون، ٤-هفت پیکر، ٥-شرف نامهٔ اسکندری و اقبال نامهٔ،

[ادب، فارسی، منظوم «مثنوی»]

۱- **اندازه**: -بیرونی: ٤×۱۷×۲۳/٥ س م. - درونی: ۲٥ س (هر سطر ۲ بیت یا ٤ مصراع)، در بعضی از صفحات، ابیات و مصاریع به اشکال گوناگون مورب و چپ و راست کتابت شده است) ۱۱×۱۸ س م.

۲- **اوراق**: ۲٥۰ ورق. ٥۰۰ صفحه.

۳- **کاغذ**: ضخیم نخودی رنگ کشمیری، کرم خورده، آب رسیده، وصالی شده، جلد مقوایی ملون با عطف و گوشهٔ چرمی قهوه‌یی رنگ، پوسیده.

٤- **خط**: نستعلیق خوش خفی (متن) و عنوان ها ثلث خوش جلی و تزیینی، نشان ها و سر فصلها و عنوانها زرین، رسم الخط فارسی، ۱٥ تصویر (مجلس) و ٥ سر لوح کتیبه‌یی، میان بعضی از سطرها گل و بوته نگاری، جدولهای فواصل مصاریع ٤ خطی وجدولهای کنارهٔ صفحات ۳ خطی و جدولهای عناوین ۲ خطی و همهٔ آنها سیاه و زرین. قرن ۱۰ ه ق.

٥- **کاتب**: نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

٦- **مؤلف**: یا (شاعر): «**حکیم نظامی گنجوی (گنجه‌یی)**» از بزرگان شعر و ادب فارسی

در قرن ششم هجری است. نام تألیف: «**مثنویات پنجگانهٔ نظامی**» یا «**خمسهٔ نظامی**» یا «**سبعهٔ نظامی**»، نام و تاریخ تألیف (سرود. مثنویات پنجگانه): به ترتیب: «**۱ـ مخزن الاسرار ۵۷۲ ه ق، ۲ـ خسرو و شیرین ۵۷۶ ه ق، ۳ـ لیلی و مجنون ۵۸٤ ه ق، ٤ ـ هفت پیکر یا هفت گنبد یا بهرام نامه ۵۹۳ ه ق، ۵ـ شرف نامهٔ اسکندری «عهد ملک عزالدین مسعود بن ارسلان سلجوقی»، ٦ و ۷ ـ اسکندر نامه و اقبال نامه** «عهد ملک نصرة الدین ابوبکر سلجوق» (رک: سبعهٔ نظامی و گنجینهٔ گنجوی به تصحیح و تحشیه و مقدمه و حید دستگردی). در این نسخه پنج مثنوی آمده است.

٦ـ آغاز: **مخزن الاسرار** (ص ۱): «بسم الله الرحیم، اعوذ بالله من الشیطان الرجیم،

هست کلید در گنج حکیم — بسم الله الرحمن الرحیم
فاتحهٔ فکرت و ختم سخن — نام خدائیست بر و ختم کن
پیش وجود همه آیندگان — پیش لقای همه پایندگان
قافله سالار جهان قدم — مرسله پیوند گلوی قلم»

۸ـ انجام: **ایضاً** (ص ٤۸):

«مرغ قلم چون که بپرواز کرد — بر سر قرطاس دو پر باز کرد
بای زسر کرد و زلب در فشاند — مخزن اسرار به خر رساند
کرد نظامی زپی زیورش — غرقهٔ زیور ز قدم تا سرش
شکر که این نامه بعنوان رسید — پیشتر از عمر به پایان رسید»

ـ آغاز: (ص ٤۸) «**کتاب خسرو و شیرین**،

خداوندا در توفیق بگشای — نظامی را ره تحقیق بنمای
دلی ده کو یقینت را بشاید — زبانی کآفرینت را سراید
مده ناخوب را بر خاطرم راه — بدار از نابسندم دست کوتاه
درونم را به نور خود بر افروز — زبانم را ثنای خود در آموز»

ـ انجام: **ایضاً** (ص ۱۸۷):

«سخن را بر سعادت ختم کردم — ورق کانجا رساندم در نوردم
روانش باد جنت شاد کامی — که رحمت باد گوید بر نظامی
هرآنکوخواندش حالش فزون باد — سعادت با سعادت رهنمون باد
دولتت را که بر زیادت باد — خاتم کار بر سعادت باد»

—آغاز : (ص ۱۸۸) : «کتاب لیلی و مجنون،

ای نام تو بهترین سر آغاز ‏ بی نام تو نامه کی کنم باز
ای کار گشای هر چه هستند ‏ نام تو کلید هر چه بستند
ای هیچ خطی نگشته ز اول ‏ بی حجت نام تو مسجل
ای هست کن اساس هستی ‏ کوته ز درت دراز دستی»

—انجام : ایضاً (ص ۲۸۳) :

«بادا همه اولیاش منصور ‏ اعداش چنین که نیست مشهور
بر دستش جام خسروانی ‏ بر باد ز آب زندگانی
یک قطره به من دهاد جامش ‏ کین نامه نگاشتم نامش
این نامه که نامه داروی باد ‏ بر دولت او خجسته پی باد»

—آغاز : (ص ۲۸٤) : «کتاب هفت پیکر،

ای جهان دیده بود خویش از تو ‏ هیچ بودی نبوده پیش از تو
در بدایت بدایت همه چیز ‏ در نهایت نهایت همه چیز
ای بر آرندهٔ سپهر بلند ‏ انجم افروز و انجمن پیوند
آفرینندهٔ خزاین جود ‏ مبدع آفریدگار وجود»

—انجام : ایضاً (ص ۳۸۵) :

«وین خزینه که خاص درگه است ‏ ابدالدهر با تو همراه است
این خزاین که شد جزو بردرد ‏ به دعای تو ختم خواهم کرد
دولتی باش هر کجا باشی ‏ در رکابت فلک بفراشی
دولتت را که بر زیادت باد ‏ خاتم کار بر سعادت باد»

—آغاز : (ص ۳۸٦) : «کتاب شرف نامهٔ اسکندری،

خدایا جهان بادشاهی تراست ‏ زما خدمت آید خدایی تراست
بناه بلندی و پستی تویی ‏ همه نیستند آنچه هستی تویی
تویی بر ترین دانش آموز باک ‏ ز دانش قلم رانده در لوح خاک
چو شد حجتت بر خدایی درست ‏ خرد داد بو بر گواهی درست»

—انجام : ایضاً، (ص ۵۹۵) :

«مرا داد توفیق گفتن خدای ‏ ترا باد تابنده فرهنگ و رای
از آن بیشتر کاوری در ضمیر ‏ ولایت ستان باش و آفاق گیر

جهان پیش خورد جوانیت باد | فزون از همه زندگانیت باد
بیای ساق از خم دهقان پیر | بمن ده یکی ساغر دلپذیر
از آن می که جان را زوی هوش باد | مرا تربت و شاه را نوش باد»

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه که معروف به «**خمسهٔ نظامی**» است ، «ادب و حکمت و عشق و بزم و رزم» است ، «ادب» بدان جهت که همهٔ اشعار و مثنویات نظامی جزو متون ادبی فارسی است. حکمت و ادب به مناسبت «**مخزن الاسرار**» و «عشق و بزم و رزم» به مناسبت داستان عشقی «لیلی و مجنون» و «خسرو و شیرین» و افسانهٔ رزمی و بزمی «هفت پیکر» و «شرف نامهٔ اسکندری» و «اقبال نامه» است. اوزان هر یک از این پنج مثنوی بدین شرح است : ۱ـمخزن الاسرار : از مزاحفات بحر سریع : مفتعلن مفتعلن فاعلات یا فاعلن. ۲ـخسرو و شیرین : از مزاحفات بحر هزج مسدس : مفاعلین مفاعیلن مفاعیل یا فعولن. ۳ـلیلی و مجنون : از مزاحفات بحر هزج مسدس : مفعول مفاعلن فعولن. ٤ـهفت پیکر : از مزاحفات بحر خفیف : فاعلاتن مفاعلن فعلن یا فعلات. ٥ـشرف نامهٔ اسکندری و اقبال نامه : از مزاحفات بحر متقارب مسدس : فعولن فعولن فعولن فعول یا فعل. این پنج مثنوی در حدود ۲۷۵۰۰ بیت دارد : مخزن الاسرار در حدود ۲۳۰۰ بیت. خسرو و شیرین در حدود ٦٤۰۰ بیت. لیلی و مجنون در حدود ٤٥۰۰ بیت. هفت پیکر در حدود ٤٧٥۰ بیت. شرف نامهٔ اسکندری و اقبال نامه در حدود ۹٥۰۰ بیت. سبک نقاشی مجالس (تصاویر) و سر لوح ها به قرن دهم هجری می رود ، اما در درجهٔ دوم اهمیت قرار دارند. حروف «پ» و «چ» و «گ» مانند : «ب» و «ج» و «ک» کتابت شده است. به جای همزه در کلماتی مانند : «توبی» و «بوبی» ، «ی» به کار می برد. فعل «است» در اکثر جای‌ها پیوسته است. از آغاز و اواسط و آخر این نسخه اوراق افتاده است که به خط تازه کتابت کرده‌اند. از صفحهٔ ٥۹٦ تا ٦۰۰ اشعاری پراکنده به خطهای مختلف کتابت شده است که بیشتر جنبهٔ «مناجات» دارند و تاریخ کتابت این اشعار ۱۲۸۱ هـ ق است :

«یا رب بکمال فضل خاصم گردان | واقف بهوای خواصم گردان
از عقل جفا کار دل افکار شدم | دیوانهٔ خویش‌خوان خلاصم گردان
یا رب ز گناه زشت خود منفعلم | و ز قول بد و فعل بد خود خجلم

فیضی به دلم ز عالم قدس برسان
تا محو شود خیال فاسد ز دلم
یا رب تو مرا بیار دمساز رسان
آوازهٔ دردم بهم آواز رسان
آنکس که من از فراق او غم گشتم
اورا بمن و مرا باو باز رسان»

در صفحهٔ ۶ . . یادداشتی و قطعه شعری آمده است که امضای «سهیل سمندری» دارد بدین شرح : «نظر به تقاضای آقای مطیع الامام جوان محترم وعلاقه مند به زبان عذب البیان فارسی که مدت کوتاهی نزد اینجانب به مطالعهٔ آثار فارسیه مشغول بودند یکی از غزلیات خود را بیادگار مینگارد و امیدوار است همواره بدعای خیر یادش فرمایند و بنده نیز از حق بیچون ملتمس و آرزومندم که این برادر عزیز را از جام لبریز فضل و عطا سرمست کناد و عمر دراز ببخشاد . غزل ذیل را در زندان مجرد و تاریک کرمانشاه بتاریخ ۷ هفتم فروردین ماه سنهٔ ۱۳۲۸ ه ش سروده‌ام :

در سرم عشق بها افتاده است
همچو گویی زیر پا افتاده است
گاه غلطان در خم چوگان یار
گه به میدان قضا افتاده است
گاه اندر محفل یاران حق
گه به زندان بلا افتاده است
گاه نزد اهل مهر است و وفا
گاه در جنگ جفا افتاده است
گاه ناطق با هزاران عشق و شور
گه بکنجی بی صدا افتاده است
گه بهر شهرروان با صد نوا
گاه زارو بی لوا افتاده است
گه خموش و گاه در جوش و خروش
گه قریب و مبتلا افتاده است
گه سهیل آسا در اوج آسمان
گاه بر ارض خدا افتاده است
آرزو دارم که بینم بر [درخت]
غصن ممتاز بها افتاده است

شب دوم دسامبر ۱۹۵۲ ، کراچی— سهیل سمندری» .

این نسخه را آقای دکتر مطیع الامام استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کراچی به کتابخانهٔ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان داده است و تا چند پشت در خاندان آنها موجود بوده و امضاهای مختلف دارد .

این یادداشت خوندانی است : «مطیع الامام، بانکی پور، پتنه ، سنهٔ ۱۹۴۸ ، این کتاب از والد خود مولوی ابوالعاص صاحب گرفته‌ام بوقتیکه هجرت به پاکستان کردند و اکثر کتب‌های خود را به کتب خانهٔ خدا بخش خان در بانکی پور حواله کردند» .

۲۹۰
۴۸۰

درالمجالس

[دین ، حکایت و روایات ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه :—بیرونی : ۱۹ × ۱۲ × ۲ س م . —درونی : ۱۳س ۱۵ × ۷/۵ س م .

۲- اوراق : ۱۶۰ ورق . ۳۲۰ صفحه .

۳- کاغذ : نازک خاکی رنگ هندی ، اندکی آب رسیده ، جلد مقوایی و چرمی پوسیده و منقش و کتیبه‌یی در زمینهٔ سبز رنگ ، تاریخ «۱۲۹۱ ه ق» روی جلد آمده و نام مالک نسخه نیز بوده که محو و سیاه شده است .

۴- خط : نستعلیق ، رسم الخط اردو ، سخت خوانا ، عنوانها و نشان ها و سر فصلها شنگرف ، قرن ۱۳ ه ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

۶- مؤلف : «**سعید احمد بن محمد نو بهاری**» ، نام تألیف : «**در مجالس**» ، یا «**در المجالس**» ، تاریخ تألیف معلوم نشد . در صفحهٔ دوم چنین آمده است : «میگوید بندهٔ ضعیف سعید احمد بن محمد بوتهاری (نو بهاری) غفر الله له که جمع کردن این چندین صحیح شهود و باخبار پیغمبران نیل شده تا خواننده را ذوق و حظی حاصل شود و نام این کتاب در مجالس نام نهاده شد» .

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العلمین و الصلوة والسلام علی رسوله اکرم محمد و آله و اصحابه اجمعین میگوید بندهٔ ضعیف سعید بن محمد بوتهاری (نو بهاری) غفر الله له که جمع کردن این چندین صحیح و باخبار پیغمبران نیل شده» .

۸- انجام : ۲ تا ۳ ورق افتادگی دارد و اینگونه انجام می یابد : «امیر المؤمنین حسین روی به آسمان کرد و گفت ای بار خدایا یک بلا خود برین دشمنان بفرست یا غیاث المستغثین چون این مناجات بکرد و پس از لشکر یزید جز نام مردی از فوج ایشان جدا گشت» .

۹- چگونگی : این نسخه از آخر ناقص است و مقداری از باب سی و یک افتاده است . موضوع این نسخه حکایات اخلاق و روایات دینی دربارهٔ پیغمبران مخصوصاً خاتم پیغمبران حضرت محمد بن عبدالله و خلفای راشدین و ائمهٔ اطهار و پیشوایان معروف

اسلام است. تقسیمات آن بر اساس «باب» است. در فهرست بر ۳۰ باب تقسیم شده است اما در متن ۳۱ باب دارد و باب سی و یکم در موضوع قتل و شهادت امام حسن (ع) و امام حسین (ع) است. نثر فارسی آن روان و ساده است اما سهو القلم کاتب و اشتباهات لفظی و غلطهای انشایی بسیار دارد. نام مؤلف ظاهراً «سیف ظفر نوبهاری» است و لیکن در این نسخه «سعید احمد بن محمد بوبهاری» آمده است. «باب اول در آفرینش مهتر آدم خلق الله علیه» و «باب سی و یکم در مقتل امیران امیرالمؤمنین حسن و حسین رضی الله عنه». (رک: در المجالس ۱۱۱/۲۹۰ گنج بخش، ج ۱، ص).

۸۹۰ / ۵۸۵

درة التاج یا تاج نامه

[ادب، عرفان و حکمت، فارسی، منظوم «مثنوی»]

۱- اندازه : —بیرونی: ۲۵/۵ × ۱۵×۳ س م. — درونی: ۱۸ و ۱۹ س (بیت) ۱۰×۱۹/۵ س م.

۲- اوراق : ۲۹۰ ورق. ۴۸۰ صفحه.

۳- کاغذ : نازک و ضخیم سفید رنگ هراتی و زرد رنگ سیالکوتی، آب رسیده، اندکی وصالی شده، جلد مقوایی و چرمی قهوه یی رنگ ضربی منقش (ترنج و نیم ترنج).

۴- خط : نستعلیق و تحریر، نا پخته، سخت خوانا، عنوانها و سر فصلها ونشانها شنگرف.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶- مؤلف : یا (شاعر): «جامی»، نام تألیف و تاریخ آن معلوم نشد اما «درة التاج» یا «تاج نامه» نام دارد:

خامه چون تاج نامه آراید   درة التاج نام او شاید (ص ۵)
قول جامیست این نکوگفتار   قول او را به جان و دل هشدار (ص ۳۷۶)

۷- آغاز : «یا فتاح بخشنده، رب یسر، بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر،

لله الحمد قبل کل کلام   بصفات الجلال و الاکرام
حمد او تاج تارک سخن است   بعد سر تا سر نو و کهن است
خامه چون تاج نامه آراید   درة التاج نام او شاید

الله الله چو طرفه نامست این در دل حرز جان تمام است این»

۸- انجام : «هر دعا را بقای آن مضمون بسعادات سرمدی مقرون
همه مقبول و مستجاب شده همه مقرون نفحهات شده
بر همین نکته ختم شد مقصود لله الحمد والعلی الجود
قول جامیست این نکو گفتار قول او را بجان و دل هشدار»

۹- چگونگی : در فهرست تألیفات جامی ، مثنوی «درة التاج» یافته نشد . شاید این نسخه یکی از مثنویات جامی باشد که کسی نام آنرا به «درة التاج» یا «تاج نامه» باز گردانده است . موضوع این مثنوی «عرفان و حکمت و مسائل دینی و تمثیلات و حکایات عرفانی» است که از قرآن شریف و احادیث نبوی و کلمات مشایخ و مآخذ تاریخی و ادبی مأخوذ گشته . تقسیمات آن بر حسب عنوان‌هایی که شاعر بر گزیده و در ذیل آنها مقاصد عرفانی و حکمی خود را شرح داده است . در حدود ۷۰۰۰ بیت دارد و بروزن «فاعلاتن مفاعلن فعلن یا فعلات» از مزاحفات بحر مسدس خفیف سروده شده است . اشعار این مثنوی محکم و منسجم و روان و حکیمانه است و تعقیدات لفظی و معنوی و سکته ندارد اما سهو القلم کاتب دارد . در پایان این نسخه ابیاتی چند دربارهٔ «رفض» و «رافضی» از متن نسخه برگزیده و کتابت کرده اند . مالک نسخه «میر سمندر شاه» نام داشته است . در آخرین صفحه چند بیت عرفانی آمده است .

۸۹۰
۴۰۵

دیوان ابن یمین

[ادب ، فارسی ، منظوم]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۳ × ۱٤ × ۲/۵ س م . درونی : ۱۵ س (٦ سطر یک مصراع و بقیه یک بیت است) ۱۷/۵ × ۹/۵ س م .

۲- اوراق : ۷۷ ورق . ۱۵٤ صفحه .

۳- کاغذ : نازک و سفید تیره رنگ یا خاکستری رنگ سپاهانی ، وصالی شده ، اندکی آب رسیده ، ساییده شده ، جلد مقوایی براق و نقش دار ضربی سبزگون باعطف و گوشهٔ چرمی سرخ رنگ ، صحاف نام خود را روی جلد ضرب کرده

است : «عمل ملا قلندر جویباری» .

۴- خط : نستعلیق خوانا ، روشن ، عنوانها و سر فصلها و بیت مقطع غزلیات به شنگرف ، جدولهای یک خطی ما بین سطرها و عناوین غزلیات سرخ ، جدولهای ۳ خطی کنارهٔ سطرها (ابیات) سرخ و لاجوردی ، جدول یک خطی کنارهٔ صفحات لاجوردی ، قرن ۱۲ هـ ق .

۵- کاتب : «محمد هادی» ، تاریخ کتابت ندارد . کاتب علت کتابت این نسخه را در صفحهٔ ۱۵۴ چنین آورده است : «این اوراق در سفر خیریت اثری که در رکاب ظفر انتساب بندگان اشرف اعلی شاه محمود دُر دُران خلد الله ایام ملکه در دیره غازیخان از راه احمد شاهی به همراه پسر عمویان کرام رفته بودیم حسب الفرمودهٔ اخوی صاحبی مشفقی مطاعی ام میرزا محمد حسین خان به جهت اینکه خط بندهٔ احقر محمد هادی چندان رونقی نداشت و غرض ایشان هم مسودهٔ این دیوان و هم کتابت کردن بود نوشته شد اما اگر شمه یی از گرمی هواها و تصدیع و زحمت راه ها بقلم و زبان آید یقین که زبان خامه از گفتار و گوش مستمعان از شنیدن آن اخبار در آزاد خواهد شد ،

هر که خواند دعا طمع دارم ز انکه من بندهٔ گنه کارم»

۶- مؤلف : یا (شاعر) : «ابن یمین» که نام کاملش «امیر فخر الدین محمود بن یمین الدین طغرایی فریومدی متوفی ۷۶۹هـ ق»، نام تألیف : «دیوان ابن یمین»، تاریخ تألیف «دوران عمر شاعر» ، نام «ابن یمین» در مقاطع غزلیات این نسخه آمده است :

«ابن یمین تو فرد شو از کثرت حدوث هر کس که فرد گشت عیان دید فرد را»
تا چهرهٔ مقصود عیان باز ببینند ای «ابن یمین» دیدهٔ بیدار کدام است»

۷- آغاز : ناقص است و افتادگی هایی دارد و اینگونه شروع می شود :

«تا که یوسف جدا شد از یعقوب نیست کارش بغیر واه اسفا
تا تو رو در ظهور آوردی دو جهان شد بیک نفس پیدا
تا که حسن و جال بنهایی رو نهادی به جانب صحرا
ذره یی در هوای تو خورشید قطره یی در حریم تو دریا»

۸- انجام : «دیدن بجهالت که به دست از گل صدبرگ از روی لطافت
با لاله و نسرین و ریاحین چه خوش آید در جانب صحرا

لعل لب دلدار شرابی است فرح بخش — در میکده هایش
بیهوش از آن شربت شیرین چه خوش آمد — . . . صداها
چون مردمک دیدهٔ من خال رخ یار — آن نقطهٔ خالش
در حلقهٔ آن طرهٔ مشکین چه خوش آمد — آن مایهٔ سودا
قطرات سرشکی که سحر دیدهٔ ماریخت — از عین ندامت
پرتو زده بر چرخ چو پروین چه خوش آمد — در عالم پیدا
گر یار کند نازو کشد ابن یمین را — از تندی غیرت
آن هم چه نکوباشد وهم این چه خوش آمد — زان شوخ دلارا»

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه «ادب» است و شامل غزلیات و رباعیات و مستزاد و چند قطعه سرودهٔ ابن یمین فریومدی است . متأسفانه از آغاز ناقص است این نسخه در حدود ۲۰۰۰ . . . بیت دارد و بر حسب حروف قوافی (حروف روی و کلمات ردیف) ترتیب یافته است کاتب در وقت گرما به خدمت شاه محمود دُرّ دُران در دیره غازیخان بوده و در آنجا به دستور میرزا محمد حسین خان برای اینکه خطش خوب شود ، این نسخه را کتابت کرده است .

۸۹۰
———
۵۸۰

دیوان اذنب

[ادب ، فارسی ، منظوم «غزلیات»]

۱- **اندازه :** —بیرونی : ۲۰×۵/۱۱×۵/۱ س م .— درونی : ۱۵ س (بیت)۱۶×۸ س م .

۲- **اوراق :** ۱۱۰ ورق . ۲۲۰ صفحه .

۳- **کاغذ :** نازک و ضخیم سفید رنگ و خاکی رنگ هراتی ، اندکی آب رسیده ، وصالی شده ، جلد مقوایی ملون با عطف و گوشه و اطراف تیاجی سرخگون .

٤- **خط :** نستعلیق و شکسته ، خوانا، روشن ، پخته ، قرن ۱۲ هـ ق .

۵- **کاتب :** نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

٦- **مؤلف :** یا (شاعر) : **«اذنب»** نام تألیف **«دیوان اذنب»** تاریخ تألیف : **«در دوران زندگی شاعر»** . لفظ **«اذنب»** که تخلص شاعر بوده در مقاطع همه غزلیات آمده است :

یار آید به کلبهٔ اذنب — بخت گمگشته گه خدا گردد

ضعفهم مارا بجایی برده است اذنب، اجل — گر رسد جان از بدن البته آسان میکشد

ندانم زین مشمن کاخ ، اذنب — چرا دایم پی آزار ما بود

۷- **آغاز** : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

ز بسم الله بسته ناله بر تار فغانی را — بده پرواز همت بال مرغ آشیانی را
نفس در شوق غالب رقص بسمل در بغل دارد — مکن تکلیف جرأت ساز زنگ ناتوانی را
زخود وارستگی ها بس کن ار جبریل نتوان بود — فنا شهرت دهد وحی رموز آسمانی را
قد خم گشته از بار تعلق نیست پندارم — نگه داریست در کف جسته ایام جوانی را»

۸- **انجام** : ظاهراً ناقص است :

«مجو محبت دلی از سیه دلان بیر — کجاست تابش خورشید در شب دیجور
که در وداع جوانی مؤالفت کم جوی — ز سرد سرد بود مشک اگر شود کافور
قدی به زیر جفای گناه کردم خم — همیشه راست بسا نیست قامت مزدور
فغان اذنبم از بی کسی نبود جز این — دل خرابهٔ ما را که میشود معمور
میدهد باغ تو دل گلهای خندان غم مخور — می شود این کلبه آخر یوسفستان غم مخور»

۹- **چگونگی** : این نسخه در موضوع «ادبیات فارسی» است که شامل «غزلیات» شاعری است به نام «اذنب» . ابیات غزلها روان و شادی بخش و شیوا و محکم و استوار است. این نسخه بر حسب حروف قوافی با موضوع ترتیب نیافته است . تقریباً ۴٤۰۰ بیت دارد . نام «میرزا شریف» و «میرزا شریف میمنه اند» و چند اسم و کلمات دیگر در رویهٔ درونی جلد کتابت شده است .

۸۹۰ / ۳۵۷

دیوان اسیر

[ادب ، فارسی ، منظوم «غزلیات»]

۱- **اندازه** : —بیرونی : ۲۱×۱۵×٤ س م .— درونی : ۹ تا ۱۳ س ۱٤ و ۱۵×۹ س م .

۲- **اوراق** : ٤۳٦ ورق . ۸۷۲ صفحه .

۳- **کاغذ** : نازک سفید رنگ ولایتی ، اندکی کرم خورده ، بدون جلد .

٤- **خط** : نستعلیق متوسط (متن) و شکسته و تحریر (حواشی و یادداشت ها و توضیحات) ، پخته ، سخت خوانا ، قرن ۱۲ ه ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد چون از آخر افتادگی دارد .

۶- مؤلف : یا (شاعر) : «اسیر» ، نام تألیف (تصنیف) : «دیوان اسیر» ، تاریخ تألیف : «در مدت عمر شاعر» ، نام شاعر در مقاطع همهٔ اشعار آمده است :

در گداز انتظارش باغ میجوشد اسیر گریهٔ شاداب ما بر گل آتش آب ریخت

احوال اسیر چند پرسی سر کردهٔ خیل بیخبر ها

اسیر هر چه هستم قابلم ناصح برو بنشین به تعمیر دلم تا کی دهی زحمت خرابی را

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

ای گلشن از بهار خیال تو سینها برگ گل از طراوت نامت سفینها
هر جاغمت رواج دهد گوهر شکست بر سنگ خارا شک برند آبگینها
در جست‌وجوی گوهر ذاتت فکند چرخ از روز و شب بقلزم حیرت سفینها
گر از نسیم راز تو عالم چمن شود بوی گل صفا دمد از گرد کینها
بخشید حشمتت بسلیمان ملک فقر از نقش پای مور کلید خزینها
دنیا پرست حسرت جاوید می برد در خاک مانده از دل قارون دفینها
در جلوه گاه سنگدلان شد غبار اسیر این است پاس خاطر آیینه سینها»

۸- انجام : «مستی سراسر سفر ناز میروی خوش میروی و گوش بر آواز میروی
تالب گشوده ام غزلخوان رسیده همچون نوا کوچه افراز میروی
عالم گل بیار تو باشند چند نیست یار تو میرود که بشیراز می روی
خضر سلامتست دلیل رهت برو اخلاص نما طلبی بدل ساز میروی» .

۹- چگونگی : موضوع این نسخه «ادب زبان فارسی» شامل «غزلیات فارسی اسیر» است . بر حسب حروف روی ترتیب و تنظیم شده است . از حرف (الف تا ی) و لیکن در آخر اوراق یا غزلیاتی از حرف (ی) افتادگی دارد . یادداشت ها و توضیحات و مطالب ادبی و لغوی و اشعار از یاد رفته درکنارهٔ صفحات و میان سطرها افزوده شده است . تقریباً ۱۰ هزار بیت دارد که در حدود ۱۷۵۰ غزل را شامل می شود. غزلیات به سبک صائب و نظیری و دیگر شاعران سروده شده است . چاپ شدهٔ این نسخه را با این اوصاف و اشعار ندیده‌ام .

۸۹۰
۴۹۸

دیوان انوری

[ادب ، فارسی ، منظوم ، قصاید و غزلیات]

۱- اندازه : —بیرونی : ۱۸×۱۰/۵×۲ س م . — درونی : ۱۶ س ۱۵×۸/۵ س م .

۲- اوراق : ۱۹۳ ورق . ۳۸۴ صفحه .

۳- کاغذ : نازک زرد تیره رنگ سمرقندی ، کرم خورده ، وصالی شده ، آب رسیده ، بدون جلد .

۴- خط : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشان ها و سر فصلها شنگرف . تقریباً قرن ۹ ه ق .

۵- کاتب : نام « کاتب » و «تاریخ کتابت» ندارد .

۶- مؤلف : یا (شاعر) : معلوم نشد ، اما ظاهراً از مطالعهٔ نسخه و از نام «**انوری**» که در مقاطع بعضی از اشعار آمده است ، باید این نسخه را «**دیوان انوری**» نامید . تاریخ تألیف در دوران مختلف عمر شاعر است که به قرن ششم هجری می رسد .

۷- آغاز : ناقص و افتادگی های دارد و چنین آغاز می گردد :

«در بر نگهت چهره بعیوق نموده ناهید فلک شعبدهٔ مثلث ویم را
خاک درت از سجدهٔ احرار مجدر تا سجده برد هیچ شمن هیچ صنم را
این شعر برآن قواف و ردیف است کامروزنشاطی‌است‌فزون فضل و کرم را

وله لمدح خواتون المعظم مریم بحر مسدس مخبون

مرحبا مرکب خاتون اجل عصمت الدین شرف داد و دول
آنکه بر دست بدایت یابد و آنکه بر دست نهایت باذل»

۸- انجام : ناقص است و چنین انجام می یابد :

«خوی تو ز دوستی جو دامن بفشاند نشست که تا بروز هجرم نقشاند
گویی که اگر چنین بمانی چکنی دل ماتم جان بداشت دیگر چه بماند
منه

هر کو نه بخدمت تو خرسند شود آفاق برو حبس و زمین بند شود
وانرا که بیندگی پذیری یک روز شب را بهمه حال خداوند شود

منه

دست تو که جود در سجودآید ازو سرمایه ترتیب وجود آید ازو

۹- چگونگی : این نسخه از آغاز و انجام و اواسط افتادگی هایی دارد اما چنان معلوم شد که باید دیوان انوری شاعر معروف قرن ششم هجری باشد . بر حسب حروف قوافی تنظیم نشده است و شامل انواع اشعار از قبیل : قصیده ، غزل ، قطعه ، رباعی ، و فرد است . عنوان قصاید به مدح هر کس که سروده باشد با تعیین نام ممدوح و وزن آن به شنگرف آمده است ، مثلاً «در طلب دخول مجلس ممدوح گفته در بحور هزج» یا «در مرثیهٔ السید السعید مجدالدین ابو طالب گفته در بحور رمل» . الفاظ «وله» و «منه» در عنوان غزلیات و قصاید آمده است . در کنارهٔ صفحات اشعار از یاد رفته و سهوالقلم های کاتب و توضیحات ادبی و یادداشت های لغوی آمده است . روی هم رفته نسخه یی است کهن و ارزنده اما افسوس که افتادگی هایی دارد . در حدود ۲۴۱۶ بیت دارد .

۸۹۰
۳۳۶

دیوان بیدل

[ادب ، فارسی ، منظوم ، «غزل و رباعی»]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۵/۵×۱۴×۳/۵ س م . — درونی : ۱۵ س ۱۶/۵×۸ س م .

۲- اوراق : ۲۰۵ ورق . ۴۱۱ صفحه .

۳- کاغذ : نازک سفید رنگ سپاهانی ، آب رسیده ، اندکی ساییده شده ، جلد چرمی ضربی نقش دار با عطف پارچه یی تیره گون .

۴- خط : نستعلیق آمیخته با شکسته ، روشن ، سخت خوانا ، یک سر لوح خوش نقش در آغاز ، جدولهای دو خطی میان ابیات ارغوانی و کنارهٔ صفحات سه خطی بنفش و سیاه .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد (رک : ۸—انجام) .

۶- مؤلف : یا (شاعر) «ابو المعانی میرزا عبدالقادر بیدل متوفی ۱۱۳۳ ه.ق.»، نام تألیف : «دیوان بیدل» ، تاریخ تألیف «در مدت عمر شاعر» ، شاعر اصلاً از ترکان جغتایی برلاس بود و در هندوستان متولد و تربیت شد و بیشتر عمر خود

را در شاهجهان آباد بعزلت و آزادی می گذرانید. آثار او فراوان است، مانند مثنویهای: عرفات، طلسم حیرت، طور معرفت، محیط اعظم، تنبیه المهوسین و دیوان قصاید و غزلیات و ترجیعات و ترکیبات و مقطعات و مستزاد و تواریخ و مربع و مخمس و هزلیات و رباعیات (رک: فرهنگ معین، ج ۵، ص ۳۰۸، بیدل).

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم،

باوج کبریا کز پهلوی عجز است راه آنجا | سری‌موی گر اینجاخم‌شوی بشکن کلاه آنجا
ادبگاه محبت ناز شوخی بر نمیدارد | چو شبنم سر بمهر اشک‌میبالد نگاه آنجا»
بیاد محفل نازش سحر خیز است اجزایم | تبسم تا کجا ها چیده باشد دستگاه آنجا
مقیم‌دست‌الفت‌باش‌وخواب‌ناز‌سامان کن | بهم می آورد چشم تو مژگان گیاه آنجا»

۸- انجام : «بیدل مارا کدام روی شب راه | تا پیش بریم دعوی در افواه
از واجب ممکن علما با خبرند | درویش فضولی است الله الله

آینهٔ بزم دلگشایتو رسد ایجان نگاه | هم‌شانه‌بزلف مشکسایتو رسد‌مارا‌چه‌گناه
تا خاک شویم منظور افتدد رانیم شک | دل‌خون‌شود‌حناپای تو رسد سبحان الله

یکچندبی‌زینت زیور گشتم در عهد شباب | یک چند پی دانش‌دفتر گشتم کردم‌حساب
چون واقف ازین جهان ابتر گشتم نقشی است دو آب
ترک همه کردیم قلندر گشتم مارا و رباب

تمت الکتاب بعون ملک الوهاب، شد بتوفیق خدای لاینام، این روز آدینه تمام شکر که این نامه بعنوان رسیده، بیشتر از مرگ به پایان رسید تم».

۹- چگونگی : این نسخه که «دیوان بیدل» نام دارد شامل «غزلیات» و بعضی از «رباعیات» ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل است. بر حسب حروف روی (از الف تا ی) تنظیم شده است، لفظ «بیدل» که تخلص شاعر است در پایان کلیهٔ غزلیات آمده است. دیوان بیدل و انتخاب دیوان بیدل و کلیات او در هند و در افغانستان به طبع رسیده است. چند یادداشت به خط و کتابت تازه در گوشه و کناره صفحات دیده می شود. از جمله یک یادداشت «برای نکاح بستن» در آغاز آمده و نیز این جمله در اولین صفحه: «سر دفتر او آن دیوان میرزا بیدل دار سلطنت کابل».

۸۹۰
───
۴۹۱

دیوان بیدل

[ادب ، فارسی، منظوم «غزل و رباعی»]

۱- اندازه : —بیرونی : ۵/۲۱×۵/۱۳×۲سم . —درونی : ۱۵تا۱۶ سم ۱۶سم×۵/۷ سم .

۲- اوراق : ۱۹۸ ورق . ۳۹۶ صفحه .

۳- کاغذ : نازک خاکی رنگ هندی ، وصالی شده ، آب رسیده ، جلد مقوایی سبز و سرخ با کنارهٔ چرمی سرخ رنگ و عطف پارچهٔ ی قهوه یی رنگ ضربی نقش دار .

۴- خط : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، قرن ۱۲ ه ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد چون از آخر ناقص است .

۶- مؤلف : یا (شاعر) : «میرزا عبدالقادر بیدل» ، نام تألیف : «دیوان بیدل» ، تاریخ تألیف : «در دوران عمر شاعر» (رک : دیوان غزلیات بیدل ۸۹۰/۳۳۶).
تخلص شاعر «بیدل» در مقاطع غزلیات آمده است :

«منه بر نقش پایش جبهه بیدل　　بر این آیینه عکس سجده رنگ است
بذوق بیخودی مردیم بیدل　　شکست رنگ ، صورتخانه کیست»

───

خوش است تازه کنی طبع دوستان بیدل　　که فطرتت بشراب رسیده می ماند

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

باوج کبریا کز پهلوی عجز است راه آنجا　　سرمویی کز اینجاخم شوی بشکن کلاه آنجا
ادبگاه محبت ناز شوخی بر نمیدارد　　چو شبنم سر بمهراشک میبالد نگاه آنجا
بیاد محفل نازش سحر خیز است اجزایم　　تبسم تا کجاها چیده باشد دستگاه آنجا
مقیم دشت الفت باش خواب نازسامان کن　　بهم می آورد جسم تو مژگان گناه آنجا

۸- انجام : ناقص است و افتادگی دارد و چنین انجام می یابد :

«افسوس جهان مایه ندارد امروز　　بنیاد کرم پایه ندارد امروز
از بس همه راستی همت ساز است　　دیوار کسی سایه ندارد امروز

───

داریم زهست بود چیزیکه نبود　　در ساز زیان بود چیزیکه نبود
گفتیم رسیم عکس او آمد پیش　　آیینه نما نمود چیزیکه نبود»

۹- **چگونگی** : این نسخه شامل «غزلیات و رباعیات بیدل» است و بر حسب حروف قوافی و ردیف آخر ابیات بترتیب الفبائی تنظیم شده است. درگوشه وکنار صفحات بعضی از یاد رفته ها و سهو القلم های کاتب را تصحیح کرده‌اند. در حدود ۷۰۰ غزل و ٤۵ رباعی و ۵۲۰۰ بیت دارد. در آغاز صفحهٔ دوم چنین آمده است: «این خط ملا بقالیکه، این کتاب میرزا بیدل». در صفحهٔ اول یک یادداشت دینی به خط تازه دارد.

۸۹۰
۵۳۸

دیوان بیدل

[ادب، فارسی، منظوم «غزل و رباعی]

۱- **اندازه** : —بیرونی: ٢٦×١٥×٤سم. —درونی: ١۵ یا ١٦ س (بیت)١٨×٨ سم.

۲- **اوراق** : ٢٢۵ ورق. ٤۵٠ صفحه.

۳- **کاغذ** : نازک خاکی رنگ سیالکوتی، اندکی وصالی شده، جلد مقوایی و چرمی و ضربی و منقش و سیاه رنگ.

٤- **خط** : تحریر وشکسته، رسم الخط فارسی، سخت خوانا، جدولهای یک خطی میان ابیات و در فواصل و مصاریع شنگرف و لاجوردی و جدولهای ۵ خطی کنارهٔ صفحات شنگرف و زرین و لاجوردی و سیاه. قرن ١٣ ﻫ ق. دو لوح ساده در صفحهٔ اول و دوم و از صفحات ١ تا ٣٨ و ٤٢٢ و ٤٢٣ منقش است.

۵- **کاتب** : «**گل محمد بن نیاز ارباب دوزابی**»، تاریخ کتابت: «١٢٨٤ ﻫ ق»: «تمت هذه النسخه الشریف بعون الملک اللطیف به اهتام هذا النحیف الکسیف فی یوم جهار شنبه در سی پردر ماه برات از دست اقل العباد گل محمد ابن ارباب دوزابی غفر الله له... سنهٔ ١٢٨٤،

خطخوب از من مسکین چه طمع می داری خاطر جمع ندارم که نویسم خط خوب»

٦- **مؤلف** : یا (شاعر): نام «**بیدل**» در مقاطع غزلیات آمده است:

«چوصبح یک دو نفس مغتنم شمر بیدل مکن مثل قیامت جو زاهدان حله را
چند بیدل به هوا دست وگریبان بودن جیبت از کف ندهی دامن یار است اینجا»
(رک: دیوان بیدل ٣٣٦/٨٩٠).

۸- آغاز : بہ‌اوج کبریا کز پہلوی‌عجزاست‌راه‌آنجا / سرمویی گراینجاخم‌شوی‌بشکن کلاه آنجا
ادبگاه محبت ناز شوخی بر نمی دارد / چو شبنم سر بمهر اشک‌می بالدنگاه آنجا
خوشابزم‌وفا کزخجلت اظهار نومیدی / شرر در سنگ دارد پرفشان‌های آه انجا
بہ‌ناز محفل نازش سحرخیز است اجزایم / تبسم تا کجا با خنده باشد دستگاه آنجا»

۸- انجام : «گر یافتی اسرار قدم پیش مجوی / ور فهمیدی زلفظ معنیش مگوی
تا طبع تو تهمت فضولی نکند / گلها است دراین بهارسی بین ومبوی

بیدل رقم خفی جلی می خواهی / اسراری زهر دلی می خواهی
خلق آیینہ است نور احمد دریاب / حق فهم اگر فهم علی می خواهی»

۹- چگونگی : این نسخہ شامل «غزلیات و رباعیات ابو المعالی میرزا عبدالقادر بیدل» است. غزلیات و رباعیات براساس حروف روی و کلمات ردیف مرتب شده است. اکثر آثار بیدل بہ خط شکستہ کہ مخصوص یک یا چند کاتب است، کتابت شده است و این می رساند کہ پیش از چاپ کلیات آثار او را بہ سرعت استنساخ و تکثیر می کرده اند. در این نسخہ در حدود ۸۰۰ غزل و ۱۲۰ رباعی آمده و جمعاً تقریباً ۶۳۰۰ بیت دارد. در صفحات آغاز و انجام بعضی یادداشت های تاریخی و ازدواج و ولادت و وفات و اشعاری چند دیگر کتابت شده است. از جملہ یک غزل بہ مطلع :

«امشب‌از پیش‌من‌شیفتہ‌دل دور مرو / چشم نور می‌ای چشم مرا نور مرو»

و این ماده تاریخ:

«تاریخ کور فری جستم زیر افلاک / آمدندابگوشم، خس کم‌شدجهان پاک»

۸۹۰
―――
۵۴۲

دیوان جامی

[ادب ، فارسی ، منظوم ، «غزلیات»]

۱- اندازه : —بیرونی : ۳۳×۱۸×۳/۵سم.—درونی : ۱۴ بیت(سطر). ۱۶×۱۱/۵ سم

۲- اوراق : ۲۵۵ ورق. ۵۱۰ صفحہ.

۳- کاغذ : ضخیم زرد تیره رنگ سیالکوتی ونخودی‌رنگ سمرقندی، ساییده شده، آب رسیده، وصالی شده ، جلد مقوایی و چرمی قهوه یی رنگ باعطف پارچہ یی سرخ.

۴- خط : نستعلیق ، نا پخته ، خوانا ، روشن ، عنوانها و نشان ها و سر فصلها شنگرف ، قرن ۱۲ هـ ق .

۵- کاتب : «ملا یاری» ، تاریخ کتابت محو شده است : «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب کمینه ... تراب الاقدام ملا یاری حسرک ۱ ... (محو و سیاه شده) ...»

۶- مؤلف : یا (شاعر) : «مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی ۸۱۷–۸۹۷هـ ق» نام تألیف : «دیوان جامی» ، تاریخ تألیف : در «دوران عمر شاعر» نام «جامی» و «احمد» در مقطع غزلیات آمده است :

«از عشق سخن بگوی احمد   که آنجا همه لال شد زبانها

تیغ می رانی که جامی نقد جان تسلیم کن   هرچه فرمایی به جان استاده ام تسلیم را

قصهٔ عشق تو جامی ز کسان چون پوشد   چهره گویاست اگرچند زبان خاموش است
جامی صلای باده ده کز هرچه گویی باده به   برسر سبوی باده نه تاچند ازین دستا روفش»

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

ای یاد تو بر دل و زبان ها   افتاده چه روح بر روان ها
بی یاد تو نیست هیچ مرغی   در سبزه و باغ و بوستان ها
سیمرغ و عقاب و باز و شاهین   ذکر تو کنند در آشیان ها
هرگز نرسد به منزل عشق   بی بدرقهٔ تو کاروان ها»

۸- انجام : «رباعی

حاشا که نهم من از معما دامی   تا صید کنم ز نام جویی کامی
بختم هوس بود ز خون من جامی   بر صفحهٔ ایام بماند نامی

معما به اسم کمال

بیچاره حکیم عمری اندیشه گماشت   تدبیر غنا ز کیمیا می پنداشت
خاک سرو کوی فقر را حال جو دید   در حال حکیم کیمیا را بگذاشت

هر که خواند دعا طمع دارم   ز انکه من بندهٔ گنه کارم
قاریا بر من مکن قهر و عتاب   گر خطایی رفته باشد در کتاب

آن خطای رفته را تصحیح کن از کرم الله اعلم بالصواب».

۹- **چگونگی:** این نسخه شامل غزلیات و رباعیات و یک ترجیع بند از مولا نور الدین عبدالرحمن جامی است. در گوشه و کنار صفحات بعضی توضیحات و یادداشت ها و اشعار اضافی از شعرای مشهور فارسی آمده است و مقایسات با اشعار جامی شده است. از آغاز تا انجام به ترتیب حروف الفبایی تنظیم و ترتیب شده است. در حدود ۱۲۰۰ غزل و ۲۵۰ رباعی و یک ترجیع بند دارد و تقریباً ۷۲۰۰ بیت دارد. یک ورق از آغاز افتادگی داشته که به خط و کاغذ تازه افزوده اند. در کنارهٔ صفحهٔ ۵۰۸ یک غزل کتابت شده است که «سنهٔ ۱۰۹۸» دارد به مطلع:

این جان شیرین عاقبت از تن جدایی می کند
این عمرده روزه به ما نشو و نمایی می کند

در صفحهٔ آخر یک یادداشت به زبان عربی در یک مسألهٔ فقهی آمده است.

۸۹۰/۵۹۳ دیوان حاجی محمد جان قدسی

[ادب، فارسی، منظوم، منثور «دیباچه»]

۱- **اندازه :** — بیرونی : ۲۲×۱۳/۵×۲ س م. — درونی : ۱۵ س ۱۷×۸/۵ س م.

۲- **اوراق :** ۱۵۳ ورق. ۳۰۶ صفحه.

۳- **کاغذ :** نازک سفید رنگ سپاهانی، کرم خورده، پوسیده، آب رسیده، جلد مقوایی و پارچهیی نازک.

٤- **خط :** نستعلیق خوش، خوانا، روشن، پخته، بعضی از عنوانها و سر فصلها و نشانها شنگرف، یک سر لوح در آغاز در زمینهٔ زرین و لاجوردی و یک سر لوح گل و بوته دار در صفحهٔ ۱۷۶، جدولهای ۵ خطی کنارهٔ متن سیاه و زرین و لاجوردی و جدولهای سه خطی فواصل ابیات و عنوان ها زرین و سیاه. قرن ۱۰ هـ ق. متن اشعار را دودی رنگ کرده‌اند.

۵- **کاتب :** نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد چون ناقص است.

٦- **مؤلف :** (یا شاعر) «قدسی» یا **«حاجی محمد جان قدسی متوفی ۱۰۵۶ هـ ق»**، نام تألیف

«دیوان حاجی محمد جان قدسی»، تاریخ تألیف : «دوران عمر شاعر». (رک : ۹—چگونگی) .

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، دیباچهٔ دیوان حاجی محمد جان قدسی تخلص رحمه الله تعالی ،

حل من لا اله الا هو لا تقل کیف هو ولا ماهو
کل فی نعت ذاته الالسن جار فی نور وجهه الاعین

جایی که دیباچهٔ کلام قدسی نژادان دبستان امکان که دست . . . »

۸- انجام : آشفته و درهم است و از بسیاری پوسیدگی نمی توان خواند :

«آهن ندیده‌ام که دود هرطرف‌چو باد جز نعل توسن تو که هر سو . . .»
دارد ز چار کاسهٔ سم چار چشمه یاد زان باشدش سبک سوی هر . . .»
بر تیغ کوه همچو صبا در سبک روی خوش می رود چو نکتهٔ سنجیده . . .»
چابک عنان جو بخش‌چون نخل نامدار معمور از سرین و سبک . . . »

۹- چگونگی : این نسخه از لحاظ متن و خط و کتابت خوب است اما متأسفانه در اثر پوسیدگی و نا آگاهی جلد ساز بسیاری از ابیات ناقص و ابتر شده است . در آغاز دیوان نوشته است : «دیوان حاجی محمد جان قدسی تخلص» و در متن نیز نام «قدسی» و «حاجی محمد جان قدسی» آمده است . انواع اشعار غزل و ترجیع بند و قطعه و مثنوی کوتاه در این نسخه آمده است . اشعار روان و ساده و خوش معنی و محکم است . بعضی از عنوانها بدین شرح است : «من کلام حاجی محمد جان قدسی تخلص در تعریف باغ فرح بخش ، من کلام مولانا حاجی محمد جان قدسی در تعریف باغ نسیم و عیش آباد و باغ الهی که در کشمیر است ، در تعریف باغ باغیانه نور جهان بیگم بیگم آباد گفته ، در تعریف چشمهٔ اجول گفته» . اینک یک بیت از آغاز ترجیع بند و یک بیت بند ترجیع :

«ای کرده کرشمه راکمندی بر هر نگهت ز تار بندی
بنشینم و سر کشم سوی جیب تا صبر دری گشاید از غیب»

در صفحهٔ آخر به خط شکستهٔ جلی سخت خوانا این ابیات آمده است :

حکیم‌عرض که بر من چه هجران گذرد خاک چیستی که مرا بر دزدامان گذرد
چون مرکب که ز کاغذ گذردمی ترسم از رخ نازکت آن سایهٔ مژگان گذرد

برق نالانہ همین می‌رود از خرمن من	ابرهم گر کہ مرا بیند و گریان گذرد
ذکر دلجویی مژگان تو بسیار کنم	تا ببینم کہ چها در دل یاران گذرد»

۸۹۰/۳۴۰

دیوان حافظ

[ادب ، عرفان ، فارسی ، منظوم]

۱- **اندازه** : ۱۸/۵ × ۱۳ × ۲/۵ س م .—درونی : ۱۵ س(بیت) ۱۴ × ۹ س م .

۲- **اوراق** : ۱۵۲ ورق . ۳۰۴ صفحہ .

۳- **کاغذ** : نازک زرد تیره رنگ هندی، آب رسیده، وصالی شده ، جلد چرمی تیره گون با عطف پارچہ یی سیاه .

۴- **خط** : نستعلیق متوسط ، خوانا ، روشن ، رسم‌الخط اردو ، قرن ۱۲ ھ ق .

۵- **کاتب** : نام « کاتب» و «تاریخ کتابت» معلوم نشد .

۶- **مؤلف** : یا (شاعر) «**خواجہ شمس الدین محمد بهاء الدین لسان الغیب حافظ شیرازی ، متوفی ۷۹۱ ھ ق**» ، نام تألیف یا تصنیف «**دیوان حافظ**» ، تاریخ تألیف (سرودن) : «در مدت عمر شاعر» (رک : گنج سخن ، تألیف دکتر ذبیح الله صفا ، ج ۲ ص ۲۹۸—۳۱۵) .

۷- **آغاز** : «بسم الله الرحمن الرحیم ، (کاغذ دو مصراع را موش خورده) .

. . . .	کہ‌عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل ها
. . . .	زتاب جعد مشکینش چہ خون افتاد در دلها
بمی سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید	کہ سالک بیخبر نبود ز راه‌و رسم منزلها
مرا در منزل جانان چہ امن و عیش چون هردم	جرس فریاد میدارد کہ بربندید محملها»

۸- **انجام** : «با دوست نشین باده جام طلب

	نوش از لب آن سرو گل اندام طلب
مجروح چو راحت جراحت طلبد	کور اثر ریش ز حجام طلب

گفتم کہ لبت گفت لبم آب حیات	گفتم دهنت گفت زهی حب نبات
گفتم سخنت گفت کہ حافظ بفرست	شادی همہ لطیفہ گویان صلوات

در صحبت آنکسی کہ صاحب هنر است	گر زهرخوری بدان کہ شهد و شکراست
اما نفسی صحبت نا اهلان	گر خلد برین بود کہ جای سقر است»

۹- **چگونگی:** این نسخهٔ دیوان حافظ، فقط در حدود ۶۰۰ «غزل» ویک «ساقی نامه» و ۱۰ «رباعی» را در بردارد و «مقدمهٔ دیوان» و «قصیده ها» را ندارد. بر حسب حرف روی ترتیب یافته است. رسم الخط اردو دارد، تخلص «حافظ» در آخر همهٔ غزلیات آمده است. در آغاز و اواسط و انجام این نسخه در کنارهٔ صفحات چند یادداشت و معانی لغات کتابت شده است. نسخ خطی دیوان حافظ در کتابخانه های سر زمین پاک فراوان است و چندین بار آنرا با شرح و تفسیر یا بدون شرح و تفسیر در اندازه های مختلف چاپ و نشر کرده‌اند.

۸۹۰
———
۳۹۰

دیوان حافظ

[ادب ، عرفان ، فارسی ، منظوم]

۱- **اندازه :** ــبیرونی : ۱۷ × ۱۱ × ۲/۵ سم .ــدرونی : ۱٤ و ۱۵ س ۱۱/۵ × ۵/۳۶ سم .

۲- **اوراق :** ۲۱۳ ورق . ٤۲٦ صفحه .

۳- **کاغذ :** نازک سفید تیره رنگ سمرقندی ، اندکی وصالی شده ، اندکی ساییده شده ، آب رسیده ، جلد مقوایی و پارچه یی با عطف تیاجی تیره گون و غلاف پارچه یی تنباکویی .

٤- **خط :** نستعلیق خوش خفی ، روشن ، خوانا ، پخته ، جدول یک خطی کنارهٔ صفحات زرد رنگ . قرن ۱۱ ه‍ ق .

۵- **کاتب :** نام « کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

٦- **مؤلف :** (رک : دیوان حافظ ۸۹۰/۳٤۰) .

۷- **آغاز :** «بسم الله الرحمن الرحیم ،

الا یا ایها الساقی ادر کاسا و ناولها — که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها
ببوی نافهٔ کآخر صبا زان طره بگشاید — زتاب جعد مشکینش چه خون افتاد در دلها
مرا در منزل جانان چه امن عیش چون هردم — جرس فریاد میدارد که بر بندید محملها»

۸- **انجام :** «با شاهد و سنگ وشوخ و بابربط و نی — کنجی و فراغتی و یک شیشهٔ می
چون گرم شود زباده سارا رگ و پی — منت نبریم یک جو از حاتم طی

کم گوی و بجز مصلحت خویش مگوی چیزی که نپرسند تو از پیش مگوی
گوش تو دو دادند و زبان تو یکی یعنی که دو بشنود یکی بیش مگوی

قسام بهشت و دوزخ آن عقده گشای مارا نگذارد که در آئیم زپای
تاکی بود این گرگ ربائی بنمای سر پنجهٔ دشمن فکن ای شیر خدای

۹- **چگونگی**: این نسخه در حدود ۸۱٤ غزل و ۲ ساقی نامه و چند قصیدهٔ و یک ترجیع بند و یک ترکیب بند و یک مسمط و چند قطعه و ماده تاریخ و تقریباً ۱۰۰ رباعی را شامل می گردد و همه بر حسب حروف روی تنظیم شده :
۱- غزلیات ، ۲- ساقی نامه ها ، ۳- قصاید ، ٤ - ترجیع بند ، ۵ - ترکیب بند ها ، ٦- رباعی ها ، و تقریباً ۵۸٦٤ بیت دارد . در آغاز و انجام و در لابلای صفحات و اوراق این نسخه یادداشتها و اشعار اضافی و از یادرفته کتابت شده است ، از جمله این مثنوی کوتاه به مقطع :
«ثنای خدا آورم بر زبان که هست هادی و راه نمای بندگان»
و مطلع :
«که گویند این شخص دیوانه است بهر شهر مخلوق افسانه است»
و این مثنوی کوتاه به مطلع :
«بنام بادشای فرد اکبر مه و خورشید را دارد منور»
و مقطع :
«ز اسباب جهان معمور بودن بمردی در جهان مشهور بودن»
چند «معما» و «چیستان» و چند دوبیتی «طنز» و «اخلاق» و یک حکایت «دینی» نیز در صفحات آغاز و انجام کتابت شده است . این نسخه را در سال «۱۹۳۲ میلادی» شخصی به نام «میر غلام محمد خان» فرزند عالی جناب میر الهداد خان به شخصی دیگر به نام «سید محمد شاه بخاری» اهدا کرده است و دو یادداشت در این باره در آغاز و انجام نسخه به زبان اردو و به خط سید محمد شاه بخاری موجود است . در این نسخه حرف «گ» و «چ» مانند «ک» و «ج» و گاهی حرف «ب» مانند «پ» کتابت شده است .
روی های غیر ملفوظ به جای یای وحده یا نکره یک همزه گذارده مانند : «طرهٔ» نه «طرهٔی» و زیر حرف «ی» دو نقطه قرار داده است (رک : دیوان حافظ ۳٤۱/۸۹۰).

۸۹۰
۳۹۰

دیوان حافظ

[ادب ، عرفان و تصوف ، فارسی ، منظوم]

۱- اندازه : — بیرونی : ۱۹/۵ × ۱۱ × ۲/۵ س‌م . — درونی : ۱۳ س ۵/۱۴ × ۷ س م .
۲- اوراق : ۲۱۷ ورق . ۴۳۴ صفحه .
۳- کاغذ : نازک سفید تیره رنگ سمرقندی ، آب رسیده ، وصالی شده ، بدون جلد .
۴- خط : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، رسم الخط فارسی ، یک سر لوح محرابی با گل و بوته در زمینهٔ زرین و لاجوردی ، جدولهای میان مصاریع (ابیات) و در فواصل غزلها ٤ خطی سیاه و جدولهای کنارهٔ صفحات ٦ خطی لاجوردی و زرد و سیاه ، قرن ۱۲ ھ ق .
۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد ، و کاتب در پایان اینگونه آورده است : «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب ، این کتاب دیوان حافظ بجهت فرمایشی دتا خان مرقوم شد» .
۶- مؤلف : (رک : دیوان حافظ ۳٤۱/۸۹۰) .
۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

الایا ایها الساقی ادر کأساً و ناولها — که عشق آسان نمود ول ولی افتاد مشکلها
ببوی نافهٔ کاخر صبازآن طره بگشاید — زتاب جعد مشکینش چه خون افتاد در دلها
بمی سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید — کسالک بیخبر بود ز راه و رسم منزلهاه
مرا در منزل جانان چه امن و عیش چون هردم — جرس فریاد میدارد که بر بندید محملها»

۸- انجام : «نبود مهتری چو دست دهد — روز تا شب شراب نوشیدن
یا طعام لذیذ را خوردن — یا ملون لباس پوشیدن
یا از آنها که زیر دست تواند — هر زمان بی سبب خروشیدن
من . . . . چه بود — گر توانی ز من نیوشیدن
همگنانرا . . . . — بمراعات خلق کوشیدن
آن کیست کو بحضرت . . . . سرقتها بدید
رندی نشته . . . . سروری بدید
ای . . . . بگو — با خسروی که دولت او بادبر مزید
. . . مدار که مفعول من یراد — گردور روزگار فعال لما یرید»

۹- **چگونگی:** این نسخه در حدود ۵۵۰۰ بیت دارد که شامل تقریباً ۷۵۰ غزل و ۱۸ رباعی و چند قطعه و ۲ ترجیع بند و یک قصیده و دو ساقی نامه است و رسم الخط آن فارسی است . در آخر این نسخه یک یادداشت به قلم شکسته آمده است که اینگونه شروع می شود : «شوق سلطان گرامی از اندازهٔ بیان افزون است» متأسفانه بعلت چسبندگی و فشردگی تعدادی از ابیات صفحهٔ ۴۳۳ محو شده است .

۸۹۰
۳۹۱

دیوان حافظ

[ادب ، عرفان ، فارسی ، منظوم]

۱- **اندازه** :- بیرونی : ۲۳ × ۱٤ × ۳ س م . - درونی : ۱۵ س ۱٦ × ۹ س م .

۲- **اوراق :** ۲۰٤ ورق . ٤۰۸ صفحه .

۳- **کاغذ :** ضخیم سفید تیره رنگ سمرقندی ، آب رسیده ، ساییده شده ، جلد مقوایی پارچه یی خاکستری رنگ .

٤- **خط :** نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، در فواصل هر غزل نقش کتیبه یی در زمینهٔ زرین و جملهٔ «ایضاً له» نستعلیق جلی لاجوردی یا سیاه ، جدولهای ۲ خطی سیاه و زرین در فواصل غزلها ، و جدولهای ٦ خطی لاجوردی و سرخ و سیاه و زرین ، در کنارهٔ صفحات ، قرن ۱۰ و ۱۱ ه ق .

۵- **کاتب :** نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد چون از آخر ناقص است .

٦- **مؤلف :** یا (شاعر) : (رک : دیوان حافظ ۳٤۱/۸۹۰) .

۷- **آغاز :** ناقص است و افتادگی دارد و اینگونه آغاز می گردد :

«درکوی نیک نامی ما راگذر ندادند — گر تو نمی پسندی تغییر کن قضا را
آن تلخ وش که صوفی ام الخبایثش خواند — اشهی لنا و احلی من قبلة العذارا
هنگام تنگدستی در عیش کوش و مستی — کین کیمیای هستی قارون کند گدا را
سربرمکش که چون شمع از غیرتت بسوزد — دلبر که در کف او مومست سنگ خارا»

۸- **انجام :** ناقص است و افتادگی و سایدگی و محو شدگی دارد و چنین پایان می یابد :

«آنها که نشان عشق جویند — جز راه هزار من لپویند

خاک من زار چون ببویند گر نام توان دهم بگویند
فریاد برآمد از ..... وانم
هر یک بصفایه از سهیلی .... وم به پیش خیلی
از تو نکنم بغیر میلی .... وای لیلی
ملک عرب ...... چشانم
گشتم صنما در آرزویت آشفته و تیره دل چو مویت»

۹- چگونگی : این نسخه در حدود ۵۶۰۰ بیت دارد که شامل تقریباً ۷۰۰ غزل و ٤ ساق نامه و چند قطعه و رباعی و دوبیتی و اشعار دیگر است. رسم الخط فارسی و خط و کتابت خوش دارد. همیشه زیر حرف «سین» سه نقطه گذارده است. (رک : دیوان حافظ ۸۹۰/۳٤۲). در گوشه و کنارهٔ صفحات این نسخه بعضی یادداشتها آمده که بسیار ابتدائی است.

۸۹۰
٤٤۵

دیوان حافظ

[ادب ، عرفان ، فارسی ، منظوم]

۱- اندازه :—بیرونی : ۱۷/۵ × ۱۱ × ۲ س م.—درونی : ۱۲ و ۱۳ و ۱۵ س (هر سطر یک بیت و مقاطع ۲ سطر یک بیت) ۱٤/۵ × ۸ س م.

۲- اوراق : ۱۵۸ ورق . ۳۱٦ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم زرد تیره رنگ کشمیری و سیالکوتی ، جلد ملون سرخگون با عطف پارچه‌یی کبود رنگ.

٤- خط : نستعلیق خوش ، رسم الخط اردو ، خوانا ، روشن ، پخته ، قرن ۱۲ هـ ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

٦- مؤلف : یا (شاعر) : (رک : دیوان حافظ ۸۹۰/۳٤۱).

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

الا یا ایها الساق ادر کاسا و ناولها که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها
ببوی نافهٔ کاخر صبا ز آن طره بگشاید زتاب جعد مشکینش چه خون افتاد در دلها
مرا در منزل جانان چه امن و عیش چون هر دم جرس فریاد میدارد که بر بندید محملها
شب تاریک و بیم موج گردابی چنین هایل کجا دانند حال ما سبکباران ساحلها»

۸- **انجام** : ناقص است و بر حسب حروف قوافی ترتیب نشده است و به ابیات این غزل پایان می گیرد :

«راهی‌است‌راه‌عشق که‌هیچش کناره نیست — آنجا جز آنکه‌جان‌بسپارند چاره نیست
هردم که دل به‌عشق دهی‌خوشدل می بود — درکار خیرحاجت‌هیچ استخاره نیست
فرصت شمر طریقهٔ رندی که این طریق — جون راه‌گنج برهمه‌کس‌آشکاره نیست
ما را بمنع عقل مترسان دمی بیار — کین‌شحنه در ولایت ما هیچکاره نیست
او را بچشم پاکتوان دید چون هلال — هر دیده‌جای جلوهٔآن ماه پاره نیست»

۹- **چگونگی**: این نسخه دیوان حافظ در حدود ۱۶۰ غزل شامل تقریباً ۴٤۲٤ بیت است. غزلیات نا مرتب و بر حسب حروف قوافی و ردیف نمی باشد. از صفحهٔ ۱ تا ۲٤ افتادگی داشته که با کاغذ و خط جدید افزوده اند. حرف «پ» و «چ» و «گ» مانند «ب» و «ج» و «ک» کتابت شده است و بعضی از الفاظ اینگونه رسم الخط دارد : «پاکتوان = پاک توان». درکنارهٔ صفحات یادداشت هایی بوده که در هنگام صحاف بریده شده اند.

۸۹۰
۳۵۳

دیوان خاقانی

[ادب ، فارسی ، منظوم]

۱- **اندازه** :—بیرونی : ۵/۳۰×۵/۲۰×۳ سم . —درونی : ۲۰ س ۵/۲٤ × ۵/۱۱سم.

۲- **اوراق** : ۲۵۷ ورق . ۵۱٤ صفحه .

۳- **کاغذ** : نازک خاکی رنگ هندی ، پوسیده ، کرم خورده ، وصالی شده ، بدون جلد .

٤- **خط** : نستعلیق خوش جلی (متن اشعار) و تحریر و شکسته (حواشی) ، روشن ، خوانا ، پخته ، عنوانها و نشان ها و سر فصلها شنگرف ، قرن ۱۱ ه ق .

۵- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

٦- **مؤلف** : یا (شاعر) : «**افضل الدین بدیل بن علی خاقانی شروانی متوفی ۵۹۵ ه ق**» ، نام تألیف (تصنیف) : «**دیوان خاقانی**» یا «**دیوان قصاید خاقانی**» ، تاریخ تألیف : «در مدت عمر شاعر» (رک : گنج سخن ، تألیف دکتر ذبیح الله صفا ، ج ۲ ، ص ۶۳—۸۶) .

۷- آغاز : «رب یسر ، بسم الله الرحمن الرحیم ، تمم بالخیر ،

دل من پیر تعلیم است و من طفل زباندانش
دم تسلیم سر عشر و سر زانو دبستانش
نه هر زانو دبستانست چون کشتی نوح آنرا
که طوفان جوش دزد اوست وجودی گردد امانش
نه هر زانو دبستانست و هر دم لوح تسلیمش
نه هر دریا صدفدار است و هردم قطره نیسانش
خود آنکس را که روزی شد دبستان از سر زانو
نه تا کعبش بود جودی ولی تا طاق طوفانش»

۸- انجام : «سهدی دین بود لیکن چون مسیح بر دل بیارم او بخشود و بس
جاهی و جایی بمسکین و حضور راحت روح من او افزود بس
گرچه در تبریز دارم دوستان از همه یاران عزیز او بود و بس
بعد از آن در خاک تبریزم چه کار کآبروی کار من او بود و بس»

۹- چگونگی : این نسخه شامل قصاید و بعضی از غزلیات خاقانی است . تنظیم و ترتیب نشده است یعنی بر حسب حرف «روی» نیست . اما آنچه قصاید و غزلیات در این نسخه هست کامل است و افتادگی ندارد . یادداشت ها و توضیحات لغوی و دستوری و معنوی درمیان سطرها و در کنارهٔ صفحات آمده است . سهوالقلم کاتب اندک دارد . در حدود ۱۰،۲۰۰ بیت دارد . قصاید خاقانی شروانی بسیار محکم و منسجم و استوار سروده شده است و لیکن برخی از ادبا معتقدند که الفاظ دشوار و کلمات مغلق و جملات پیچیده و اصطلاحات دور و مطالب ریاضی و علمی و فلسفی و منطقی و هندسی و نجومی را در اشعار خود آورده و سخن خود را سخت فهم کرده است . باوجود این خاقانی را واقعاً «حسان العجم» باید خواند .

۸۹۰
―――
۴۸۹

دیوان قصاید خاقانی

[ادب ، فارسی ، منظوم]

۱- اندازه :—بیرونی ۲۸×۱۸×۲/۵ س‌م . —درونی : ۱۷ س ۲۱×۱۰ س م.

۲- اوراق : ۱۵۷ ورق. ۳۱۲ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم سفید رنگ کشمیری ، کرم خورده ، اندکی وصالی شده ، آب رسیده ، جلد مقوایی پوسیده و خرد شده.

٤- خط : نستعلیق آمیخته با شکستهٔ جلی (متن) و خفی (حواشی و یادداشت ها) ، خوانا ، پخته ، روشن ، حواشی و یادداشت‌ها سخت خوانا ، عنوانها و سرفصلها و نشانها شنگرف . قرن ۱۱ ه ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

٦- مؤلف : یا (شاعر) : «خاقانی شروانی» : (رک : قصاید خاقانی ۳۵۳/۸۹۰) .

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

«دل من پیر تعلیم است و من طفل زبان دانش
دم تسلیم سر عشر و سر زانو دبستانش
بهر زانو دبستانست و هر دم لوح تسلیمش
بهر دریا صدف دار است و هر دم قطر نیسانش
سر زانو دبستانست چون کشتی نوح آنرا
که طوفان جوش درد اوست جودی گردد امانش
خود آنکس را که روزی شد دبستان از سر زانو
نه تا کعبش بود جودی و نی تا سان طوفانش»

۸- انجام : «شرح مناقبش را باد آسمان صحیفه تا در کف عطارد دیوان تازه بینی
بادش کمال دولت تا هر دم از کمالش در ملک آل ساسان سامان تازه بینی
فهرست ملک بادا نامش که تاقیامت زو نامهٔ کرم را عنوان تازه بینی
خمسین الف بادا ثلث بقاش کزوی بر ربع اهل مسکون احسان تازه بینی»

۹- چگونگی : این نسخه شامل «قصاید فارسی خاقانی شروانی» که از حرف «الف» تا «یا» بر حسب حروف قوافی و ردیف مرتب شده است اما یک قصیده که می بایستی در حرف «شین» قرار گیرد ، قبل از حرف «الف» آمده است . تقریباً همه قصاید را درمیان سطرها و در کنارهٔ صفحات شرح و تفسیر کرده اند و یادداشت های لغوی و ادبی و تاریخی ارزنده افزوده‌اند و لیکن نام شارح و مآخذ شرح ذکر نشده است . در حدود ۵۵ قصیده و ۵۳۰۰ بیت شعر در این نسخه موجود است . در صفحهٔ اول یک بیت از «صائب» و یک بیت از «بیدل» و چند یادداشت دیگر دربارهٔ بهای نسخه آمده است : «این کتاب

دیوان حکیم خاقانی است و هر گاه بقیمت (با عدد سیاق ۳ روپیه) ابتیاع شده باشد مناسب است».

۸۹۰/۴۰۶

دیوان راسخ

[ادب، فارسی، منظوم «غزلیات»]

۱- اندازه :—بیرونی : ۱۹ × ۱۲ × ۷/۰ س‌م. —درونی : ۱۱س ۱٤ × ۸ س‌م.

۲- اوراق : ٤٤ ورق. ۸۷ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم کبود رنگ فرنگی، جلد مقوایی ملون با عطف و گوشهٔ سرخ رنگ.

٤- خط : تحریر، سخت خوانا، روشن، رسم الخط اردو، عنوانها و نشانها شنگرف. قرن ۱۳ ه‍ ق.

۵- کاتب : نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد اما در صفحهٔ درونی جلد نوشته است: «این کتاب دیوان راسخ از حقیر فقیر ... (محو و سیاه شده) ... میباشد هر که دعوی کند دعوی آن باطل و نا مسموع باشد تحریر یوم یکشنبه ٦ شهر ذی الحجهٔ الحرام سنهٔ ۱۳۳۳».

٦- مؤلف : یا (شاعر) : «**راسخ**» که گویا «**شیخ غلام علی راسخ**» باشد که در سال ۱۲۸٦ ه‍ ق در شهر عظیم آباد پتنه وفات یافته است. در این نسخه تخلص او در مقاطع غزلیات آمده است:

«راسخ به یقین گر چه منم بندهٔ مجرم شادم که کریم است مرا مالک و مولد

در غم هجران او راسخ ندارم همدمی تا دمی گویم غم شب های تار خویش را»

نام تألیف «دیوان راسخ»، تاریخ تألیف در دوران مختلف عمر شاعر.

۷- آغاز : «ای حمد تو ربت داستان ها گویا بصفات تو زبان ها
چون نیست ترا هیچ نسبت بیهوده بود به تو گمان ها
مخلوق تواند هر چه هستند سکان زمین و آسمان ها
ازهاد تو نیم عطایت دریافت بحر لعل کان ها»

۸- انجام : (ناقص است):
«نسیم آمد معطر شد مشامم که دانستم هوادار تو باشد

رقیب رویرو تا چند تا کی مرا با پشت دیوار تو باشد
ستم طوری ز اطوار تو باشد جفا کارا جفاکار تو باشد
دوایش غیر آن سیب ذقن نیست مریضی را که بیمار تو باشد»

۹- **چگونگی** : موضوع این نسخه «ادب» است که شامل غزلیات راسخ و یک قطعه است و جمعاً در حدود ۹۰۰ بیت دارد بر حسب حروف الفبایی «حرف روی و کلمات ردیف» ترتیب یافته است و از حرف «الف» تا حرف دال (د) را در بر دارد . سهوالقلم کاتب دارد .

۸۹۰
۵۲۰

دیوان سنایی

[ادب ، فارسی ، منظوم «قصاید و غزلیات»]

۱- **اندازه** :—بیرونی : ۲ × ۱۸ × ۲۸/۵ سم . —درونی : ۱۷ س (بیت) ۱۸ × ۱۰ سم .

۲- **اوراق** : ۲۲۲ ورق . ٤٤٤ صفحه .

۳- **کاغذ** : ضخیم سفید رنگ فرنگی ، جلد مقوایی با عطف و گوشهٔ چرمی و پارچه پوسیده .

٤- **خط** : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، قرن ۱۳ ﻫ ق .

۵- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

٦- **مؤلف** : یا (شاعر) : «**ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی متوفی ۵٤۵ ﻫ ق**» معروف به «**سنایی**» و «**سنایی غزنوی**» ، نام تألیف : «**دیوان سنایی**» ، تاریخ تألیف : «مدت عمر شاعر» . در مقاطع غزلیات نام «سنایی» آمده است :

خداوندا جهاندارا سنایی را بیامرزی بدین توحید کو کرد است در شعر بهایی

آن روز گریخت از سنایی آن توبه که گفت من نصوحم
(رک : گنج سخن ، ج ۱ ، تألیف دکتر ذبیح الله صفا ، ص ۳۰۹) .

۷- **آغاز** : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

ای در دل مشتاقان از یاد تو بستان‌ها بر حجت بیچونی از صنع تو برهان ها
در ذات لطیف توحیران شده فکرت‌ها بر علم قدیم تو پیدا شده پنهان ها

در بحر کمال تو نقصان شده کامل ها   در عین قبول تو کامل‌شده نقصان ها
بر ساحت آب از خاک پرداخته مفرش ها   بر روی هوا از دود افراخته ایوان ها

۸- انجام : افتادگی دارد و ناقص است و چنین پایان می یابد :

«جان من خیز و جام باده بیار   که مرا برگ پارساهی نیست
جرعهٔ می به جان و دل بخورم   پیش کین می بدین روایی نیست

قاعدهٔ کار زمانه بدان   هر چه کنی جزبه بصارت مکن
سر به خرابات خرابی در آر   صومعه را هیچ عمارت مکن

در دیدهٔ سخای تو پوشیده مانده‌ام   زان‌پیش‌تو چونور دوچشمت‌برهنه‌ام»

۹- چگونگی : این نسخه شامل قصاید و غزلیات و بعضی از قطعات و مفردات سنایی غزنوی است . تقسیمات معین ندارد . به ترتیب حروف قافیه والفبا نیز نمی باشد . در حدود ۷۵۰۰ بیت دارد که اکثر آنها قصاید و غزلیات است . سهوالقلم کاتب اندک دارد .

۸۹۰
۵۲۷

دیوان شاه نعمة الله ولی

[ادب، فارسی ،منظوم]

۱- اندازه :- بیرونی : ۲۰/۵×۱۳×۳/۵ سم . — درونی : ۱۳ و ۱۴س (بیت) ۱۴/۵× ۷/۵ سم .

۲- اوراق : ۲۳۱ ورق. ۴۶۲ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم زرد تیره رنگ سمرقندی، آب رسیده، وصالی شده، جلد مقوایی زردگون.

۴- خط : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، جدولهای یک خطی میان مصاریع و در فواصل غزلیات شنگرف و جدولهای کنارهٔ متن ۳ خطی سیاه و شنگرف.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶- مؤلف : یا (شاعر) : «نعمت الله ولی» یا «سید نور الدین نعمه‌ الله بن عبدالله کرمانی ۷۳۰—۸۳۴ ه ق» ، نام تالیف : «دیوان شاه نعمه‌ الله ولی» ، تاریخ تألیف : «مدت عمر شاعر» . در مقطع غزلیات نام «نعمه‌ الله» آمده است :

«نعمت الله رو بمیخانه نهاد میل ما کرده بما وا آمده»

«حریف نعمت‌الله‌شو که تاذوق‌خوشی‌یابی جرا مخمور میگردی جرا عاقل ززندانی»

«گدای نعمة‌الله‌ئیم و سلطان همه عالم بیاد پادشاهی کن ز انعام گدای ما»
(رک: گنج سخن، تألیف دکتر ذبیح الله صفا، ج ۲، ص ۳۲٤).

۷- آغاز: «بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله الذی بین عین الاعیان بفیضه الاقدس الاقدم و سبحانه من تجلی بذاته لذاته فاظهرادم و استخلفه علی مظاهر اسمائه المنعوتة بالعالم و صلی الله علی من هوالاسم اعظم المبعوث بالرسالة الی الامم و علی آله و سلم،

خوش بگو ای یار بسم‌الله بگو هرجه میجویی ز بسم الله بجو
اسم جامع جامع اسما بود صورت این اسم عین ما بود
جملهٔ اسما باعیان رو نمود صد هزار اسما مسما یک وجود
هر کجا اسمیست عینی آن اوست هر کجا عینی است اسمی جان او»

۸- انجام: «اگر در خلق حق را در نیابی بیابی خانه اما در نیابی

ما را به وجود نباشد بودی گرزانکه بمابدی کجا می بودی

سر آبی نه سرابی طلب از خویش اگر افتی چو ما خوش بر سرابی
نبی بیت‌الله بابش علی دان که تا بر در نیابی در نیابی

هزاران درود و هزاران سلام زما بر محمد علیه السلام»

۹- چگونگی: این نسخه شامل غزلیات و قصاید و قطعات و دوبیتی‌ها و رباعیات شاه نعمت‌الله ولی است. تقسیمات آن بر اساس حرف روی و قوافی اشعار است و لیکن نا مرتب است. در حدود ۶۰۰۰ بیت دارد. رسم‌الخط فارسی دارد. در مقاطع اشعار نام «نعمة الله» که تخلص شاعر است آمده است. حروف «پ» و «چ» و «گ» همانند «ب» و «ج» و «ک» است. سهوالقلم کاتب ندارد. از انجام یک ورق افتاده که با کاغذ و کتابت جدید افزوده اند.

۸۹۰
۴۱۳

دیوان صائب

[ادب، فارسی، منظوم «غزلیات»]

۱- اندازه :—بیرونی : ۱۷ × ۱۱ × ۵/۲ سم. —درونی : ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ ۵/۱۱ × ۶ سم.

۲- اوراق : ۱۷۵ ورق. ۳۵۰ صفحه.

۳- کاغذ : نازک سفید رنگ نرم و براق سمرقندی (متن) نازک سفید تیره رنگ جهانگیری (کنارهٔ متن)، وصالی شده، آب رسیده، جلد مقوایی چرمین سیاه رنگ.

۴- خط : نستعلیق شکسته آمیز خوش، خوانا، روشن، پخته، یک سر لوح در زمینهٔ زرین و لاجوردی منقش در آغاز، جدول های میان مصاریع و در فواصل غزلها یک خطی سرخ و جدولهای کنارهٔ متن بعضی از صفحات ۵ خطی لاجوردی و سیاه و زرین، و جدول یک خطی کنارهٔ بیرونی متن لاجوردی، قرن ۱۱ ه ق.

۵- کاتب : «**محمد شریف سبحانی** (یا : **سونقانی**)»، تاریخ کتابت : «۱۰۸۸ ه ق» : «تمت الدیوان میرزا صائبا (صائب) فی تاریخ شهر محرم سنهٔ ۱۰۸۸ کتبه العبد الاقل محمد شریف سبحانی (سونقانی) غفر ذنوبه و ستر عیوبه».

۶- مؤلف : یا (شاعر) : «**صایب یا صائبا**» یا «**صایب تبریزی یا اصفهانی**»، نام تألیف : «**دیوان صائب**»، تاریخ تألیف (سرودن) در دوران مختلف عمر شاعر،

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم،

غیر حق را میدهی ره در حریم دل چرا — میکشی برصفحهٔ هستی خط باطل چرا
از رباط تن چو بگذشتی دگر معموره نیست — زاد راه بر نمیداری ازین منزل چرا
کار با تیغ اجل در زندگانی قطع کن — کارها را می کنی بر خویشتن مشکل چرا
شد ز وصل غنچه گل چون خامهٔ بادسحر — در نیامیزی درین گلشن باحل دل چرا»

۸- انجام : «نمی آید از من دیگر بردباری — دو دست من و دامن بیقراری
من و طفل شوخی که صد خانهٔ زین — ز مردان تهی ساخت در سواری (؟)
کنند کبک تقلید رمشار او را — ادب نیست در مردم کوه ساری»

۹- چگونگی: این نسخه در حدود ۴۱۰۰ بیت دارد که شامل فقط غزلیات میرزا صایب (صایبا) می گردد و تقریباً ۸۱۵ غزل دارد. از اواسط آن اوراق افتاده

است و سهوالقلم کاتب ندارد. بر حسب حروف الفبائی قوافی و ردیف ترتیب یافته است. کاغذ متن این نسخه با کاغذ کنارهٔ متن فرق دارد و آنقدر دقیق وصالی شده است که باز شناختنش مشکل است و این از فنون ارزندهٔ وصالی در سر زمین پاک است.

۸۹۰/۳۵۴

دیوان صوفی

[ادب، فارسی، منظوم]

۱- اندازه :—بیرونی : ۵/۲۶×۵/۱٦ × ۵/۱ س‌م. —درونی: ۱۵س ۵/۱۷×۹ س م .

۲- اوراق : ۷۳ ورق. ۱٤٦ صفحه.

۳- کاغذ : نازک زرد تیره رنگ سپاهانی، ساییده شده، جلد مقوائی پوسیده و وصالی شده باعطف چرمی سرخ رنگ.

٤- خط : نستعلیق و شکسته، خوانا، روشن، یک سر لوح ساده، جدول صفحهٔ اول و دوم لاجوردی و زرین، جدولهای بقیهٔ صفحات درمیان سطرها یک خطی و در کنارهٔ صفحات دو خطی سرخگون، قرن ۱۳ ه‍ ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» ندارد اما احتمال دارد به خط خود شاعر یعنی «صوفی» باشد، تاریخ کتابت «۱۲٦۳ ه‍ ق» : «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب سنهٔ ۱۲٦۳ تمت.

از عمل خویش ندارم امید بر کرم تست مرا اعتمید

تمت».

٦- مؤلف : یا (شاعر) : «صوفی»، نام تألیف (تصنیف) : «دیوان صوفی» تاریخ تألیف «در مدت عمر شاعر»، متأسفانه نام کامل و تاریخ ولادت و وفات او را نیافتم، در مقطع همهٔ اشعار این نسخه نام «صوفی» که گویا تخلص وی بوده آمده است :

«به‌خاک صوفی گذر گر کنند بعد از مرگ هزار ساله غباری خراب زنده کنند»

«صوفی از نکتهٔ این عشق چه تحریر کند دل شود پاره‌هر پاره نگون می گردد»

«بادل خون شدهٔ سوخته **صوفی** را نیست پیدا بجز از لطف‌تو غمخوارد گر»

شاید این صوفی ، «**صوفی بخارایی**» باشد (رک : تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی ، تألیف سعید نفیسی ، ج ۱ ، ص ۶۳۵) .

۷- آغاز : «بسم‌الله الرحمن الرحیم ،

به بزم بی نیازی غربت هجراست راه آنجا چو شبنم آب شو تا وارسی با مدعا آنجا
غرورعشق اینجاسر بلندی‌را نمی‌خواهد طلسم ما و من بشکن که تا یابی پناه آنجا
دماغت یک سرمو گر زهستی جلوه‌فرماید به عنقا می‌زند شوقت نباشد پر کاه آنجا
غرورهستی برهرسو بلندی کرد پامالت که‌خورشید هم بدین نیرنگ میگردد بچاه‌آنجا

۸- انجام : «بند

بحق دل چاک پیران مظلوم بحق یتیمان طفلان معصوم
بحق غریبان افتاده محروم بحق جوانان نادیده معدوم
نگهدار ملک بخارا و روم ز آفات علوی سفلی شوم

بند

بحق احمد هر چار سرور بحق جنت طوبی و کوثر
بحق صاحبان حج اکبر بحق مسجد اقصی و منبر
تویی در هر دو عالم حق اکبر مبین بر جرم این صوفی احقر

تمت» .

۹- چگونگی : اشعار این نسخه شامل «غزل ، مخمس ، مستزاد ، رباعی ، دوبیتی ، مناجات» است و همهٔ اشعار لطیف و شور انگیز است . چند غزل از شاعران متقدم مانند حافظ و جامی به صورت «مخمس» تضمین کرده است . در مقاطع همهٔ غزلیات نام «صوفی» که تخلص شاعر است ذکر شده . در حدود ۲۱۹۰ بیت دارد . سبک غزل سرایی این شاعر مانند مولوی سعدی و حافظ و جامی و عراق است و از عرفان و عشق و زهد و فراق و وصل بسیار می گوید :

«اگر بهار نباشم خزان خزان تو باشم امید وصل نباشم دوان دوان تو باشم»

۸۹۰ / ۳۵۸

دیوان ظهوری

[ادب، فارسی، منظوم «غزلیات»]

۱- اندازه :—بیرونی : ۲۰/۵×۱۲×۴/۵ س م.—درونی : ۱۳ س ۱۶×۷/۵ س م.

۲- اوراق : ۳۵۰ ورق. ۷۰۰ صفحہ.

۳- کاغذ : نازک و ضخیم سفید رنگ هندی، کرم خورده، اندکی آب دیده، بدون جلد.

۴- خط : نستعلیق متوسط، سخت خوانا، روشن، قرن ۱۲ ھ ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد، چون از آخر افتادگی دارد.

۶- مؤلف : یا (شاعر) «ظهوری» یا «**ملا نور الدین محمد ظهوری ترشیزی متوفی ۱۰۲۵ ھ ق**»، نام تألیف (تصنیف) : «**دیوان ظهوری**»، تاریخ تألیف (تصنیف) : «در مدت عمر شاعر». لفظ «ظهوری» کہ تخلص شاعر است، در همهٔ مقاطع غزلیات آمده است :

«فراق از وصل رشک آلود بهتر ظهوری صرفہ نو در حد اینست»

«از دعایت چون ظهوری بر نمیدارم زبان هیچ بینی لب تو بر دشنام من انصاف نیست»

«رو ظهوری در گذر از برتری پایهٔ افتادگی زان برتر است»

(رک : فهرست نسخہ های خطی فارسی بریتیش میوزیم، تألیف دکتر چارلز ریو، ج ۲، ص ۶۷۸—۶۷۹).

۷- آغاز : آنکہ خواهد داشت فردا رحمتش دیوان ما گشتہ وصفش آفتاب مطلع دیوان ما
از گل جنت گریبان اجتنابی می کند خار کوی اختلاطی کرده با دامان ما
عرصهٔ بستان نہ پروردی هوای خوب را گر نمی آمد بکار گوشهٔ زندان ما
صد فراغ و عیش را بر ذلہ بندی داشتم گشتہ بر خوان جگر داغ غمی مهمان ما»

۸- انجام : افتادگی دارد و تا حرف روی «م» ادامہ دارد :

بعشق هیچ رجوع باعتبار ندارم خراب تا نکنم چونسر اقرار ندارم
بنظر بر تقسیم صاحب اختیار چہ گویی هزار بار سپیدی کہ اختیار ندارم
چہ دولتیست کہ ناگہ بر درچو نخست درآی حریف وعده لیم تاب انتظار ندارم

دلم بگریهٔ حسرت ز آرزو شد خالی   چه آرزوست که تا اشک‌در کنار ندارم
بر آستین رضا از رخم غبار بروید   چراغ دروغ بنالم که غمکسار ندارم»

۹- **چگونگی** : موضوع این نسخه «غزلیات ظهوری» است که بر حسب حرف روی یا حروف قوافی و ردیف به طور الفبائی تنظیم و ترتیب شده است و در حدود ۱۰۰۰۰ بیت دارد که شامل یک هزار و چهار صد و اندی غزل می شود. این نسخه از آخر و چند غزل از میان ناقص است و تا حرف «م» ادامه دارد. درمیان سطرها و در گوشه و کنار صفحات توضیحات لغوی و یادداشتهای ادبی و اشعار از یاد رفته و اضافی آمده است و زیر این یادداشت ها «غلام حیدر» امضاء شده و نام مآخذ را هم آورده، مثلاً: «برهان قاطع». روی صفحهٔ یک این یادداشت آمده است: «کتاب دیوان ظهوری حرره غلام حسین خدمتکار ....». سهو القلم دارد.

۸۹۰
―――
۳۷۴

دیوان ظهیر فاریابی

[ادب، فارسی، منظوم]

۱- **اندازه** :—بیرونی : ۲۳×۱۳/۵×۱/۵ س‌م. —درونی : ۱۷ س ۱۷×۷/۵ س‌م.

۲- **اوراق** : ۹۲ ورق. ۱۸۴ صفحه.

۳- **کاغذ** : ضخیم سفید و خاکی رنگ سمرقندی، اندکی کرم خورده، وصالی شده، آب رسیده، بدون جلد.

۴- **خط** : نستعلیق خوش، خوانا، روشن، پخته، عنوانها و سر فصلها و نشان‌ها و جدولهای یک خطی آغاز و میان ابیات (مصاریع) و جدولهای دو خطی کنارهٔ صفحات شنگرف، قرن ۱۱ ه‍ ق.

۵- **کاتب** : «**جمال محمد**»، تاریخ کتابت ندارد. در صفحهٔ ۱۸۴ چنین آمده است: «باتمام رسید دیوان ظهیر فاریابی حسب‌الفرمایش صاحب مهربان قبله و کعبهٔ عقیدتمندان میر سید محمد جیو مدالله تعالی ظلال افضاله راقمه فقیر حقیر جمال محمد غفرالله له ولوالدیه و احسن الله الیها و الیه تم (٤ بار)».

۶- **مؤلف** : یا (شاعر): «**ظهیر الدین ابوالفضل طاهر بن محمد فاریابی**» متخلص به «**ظهیر**» و معروف به «**ظهیر فاریابی متوفی ۵۹۸ ه‍ ق**» مدفون در مقبرة الشعرای

سرخاب تبریز (رک : گنج سخن، دکتر ذبیح الله صفا، ج ۲، ص ۵۱—۶۲) .
در این نسخه تخلص شاعر در مقطع بعضی از قصاید و غزلیات دیده می شود:
«برظهیراین غصه کمتر که طبع او زنظم   بر سپهر و مهر مدح پادشاهی می کند»

ای به تو زنده زمن زنده به تو جان ظهیر   کمز بیار خود این گلشکری باز مگیر»

۷- آغاز : «فی القصاید ، بسم الله الرحمن الرحیم ، و به نستعین ،

سپیده دم که شدم محرم سرای سرور   شنیدم آیت توبوا الی الله از لب حور
بگوش جان من آمد ندا ز حضرت قدس   که ای خلاصهٔ تقدیر و زبدهٔ مقدور
جهان رباط خراب است بر گذر گه سیل   گمان مبر که به یک مشت گل شود معمور
بر آستان فنا دل منه که جای دگر   برای نزهت تو بر کشیده‌اند قصور»

۸- انجام : ایضاً له ،

هر چند که میل تو سوی بیدادیست   یک ذره غمت به زهراز آن استادیست
از ما گله می کنی و لیکن ما را   از بندگی تو صد هزار آزادیست
نی برگ شکایت از تو گفتن دارم   نی طاقت درد دل نهفتن دارم
آکنده چو غنچه گشتم از غم در تاب   گر تنگدلی سر شکفتن دارم

ایضاً له ،

هرآنکسی که عداوت نمود با او خورد   ز آب چشم شراب و زپشت دست طعام

ایضاً له ،

دولت چو با عدوی تو بیگانگی گرفت   در موج خون دیدهٔ خود آشنا گرفت»

۹- چگونگی: در این نسخه «قصاید و غزلیات و مقطعات و رباعیات ومفردات» ظهیر فاریابی آمده است و جمعاً در حدود ۳۰۰۰ بیت دارد ، تقسیمات آن چنین است :
«فی القصائد ، فی المقطعات ، فی الغزلیات ، فی الرباعیات» و بر اساس حروف آخرابیات یا حرف «روی» و «ردیف» یا به طور الفبائی تنظیم و ترتیب نشده است حروف «پ» و «چ» و «گ» مانند «ب» و «ج» و «ک» است. دیوان ظهیر چاپ شده است.

۸۹۰/۳۶۱

دیوان عرفی

[ادب ، عرفان ، فارسی ، منظوم «غزلیات و قصاید و ترجیع»]

۱- اندازه : —بیرونی : ۱۸ × ۱۲ × ۲سم —درونی : ۱۱ تا ۱٤س ۱۳/۵ × ۷/۵ سم .

۲- اوراق : ۱۸٤ ورق . ۳۸٤ صفحه .

۳- کاغذ : نازک زرد تیره رنگ سیالکوتی ، آب رسیده ، اندکی وصالی شده ، بدون جلد .

٤- خط : نستعلیق ، آمیخته با تحریر ، روشن ، خوانا ، پخته ، قرن ۱۱ ھ ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

٦- مؤلف : یا (شاعر) «**عرفی شیرازی**» یا «**جمال الدین محمد بن بدر الدین شیرازی**» (۹٦۳—۹۹۹ ھ ق) ، نام تألیف (تصنیف) : «**دیوان قصائد عرفی یا قصائد عرفی**» تاریخ تألیف : «در مدت عمر شاعر» (رک : گنج سخن ، تألیف دکتر ذبیح الله صفا ، ج ۳ ، ص ٤۳) . درمقطع بعضی از اشعار نام عرفی آمده است :

«عرفی تمام معصیت آمد به دست او هست از عنایت تو عنان بهانه»

«خموش عرفی ازین نغمه‌های شورانگیز لب ترانهٔ بلبل بآفرین بگشای»

«زسایه تاج دهی فرق بخت عرفی باد همای دولت مخدوم اول و ثانی»

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

ای متاع درد در بازار جان انداخته گوهر هر سود در جیب زیان انداخته
نورحیرت درشب اندیشهٔ اوصاف تو بس همایون مرغ عقل از آشیان انداخته
از کمان نا جسته در چشم‌تحیر کرده جا معرفت کو تیر حکمی بر نشان انداخته
ار بطبع باغ کون از بهر برهان‌حدوث طرح رنگ آمیزی از فصل خزان انداخته
سرعت اندیشه را افکنده درداماں تر عادت خمیازه در جیب گمان انداخته»

۸- انجام : «از حسرت آن دهان چون موی سیلی مژه تا میان رسیده
پروردهٔ آب دیدهٔ ماست سروی تو که این زمان رسیده
تیغش به سرم رسید ای جان بر خیز که میهمان رسیده
درعشق تو این همه ملامت ما را همه از زبان رسیده

چون دست نمی دهد وصالت دست من و دامن خیالت»

۹- **چگونگی**: این نسخه که از مطالعه اش معلوم شد «دیوان قصاید و غزلیات و یک ترجیع بند عرفی» است. در حدود ۴۵۰۰ بیت دارد که شامل تقریباً دویست و بیست غزل و قصیده و ترجیع بند است و بدون تنظیم و ترتیب است یعنی بر اساس حرف روی و کلمات ردیف الفبایی نشده است. چند صفحه از اواسط آن افتادگی دارد. درمیان سطرها و در کنارهٔ صفحات، یادداشتها و توضیحات و اشعار اضافی را کتابت کرده اند. اسامی ممدوح شاعر: «محمد تغلق» و «ابوالمجاهد محمد تغلق» و «پادشاه جهانگیر» و «جلال اکبر شاه» و «شاه زاده سلیم» و «شاه جهان» در قصاید و نیز لفظ «عرفی» که تخلص شاعر است در اواسط و مقاطع برخی از قصاید و غزلیات آمده است. دیوان و قصاید عرفی در پاکستان و هند و ایران چاپ شده است اما این نسخه با حواشی و یادداشتها و اشعار اضافی که دارد، ارزنده است.

۸۹۰ / ۴۸۳

دیوان فانی

[ادب، فارسی، منظوم «غزل و مثنوی»]

۱- **اندازه**: —بیرونی: ۲۵/۵×۱۵×۳ سم. —درونی: ۱۷ س (= ۱۸ بیت) ۱۹×۱۰ سم.

۲- **اوراق**: ۳۵۴ ورق. ۷۰۸ صفحه.

۳- **کاغذ**: نازک خاکی رنگ هندی، آب رسیده، ساییده شده، بدون جلد.

۴- **خط**: نستعلیق و تحریر، خوانا، رسم الخط اردو، قرن ۱۲ هـ ق.

۵- **کاتب**: نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶- **مؤلف**: یا «شاعر»: «فانی» که گویا نام کامل او «علی شیرنوایی» است. نام تألیف: «**دیوان فانی**»، تاریخ تألیف (سرودن): «**در دوران عمر شاعر**»: لفظ فانی در مقطع همهٔ غزل ها آمده است:

«ازقناعت پیشه فانی جز زمین گیری مخواه حرص اگر صد جاده دارد در طلب لنگ است مرد

بهار جلوهٔ میناست فانی انجمن آرا تو هم سامان عشرت کن بشوق قد دلجویش

نوبهار صورتم رنگی ندارد فانیا من اساس خویش از کون و مکان برچیده ام»

۷- آغاز : افتادگی دارد و ناقص است و اینگونه آغاز می گردد :

«می‌شوق از خم تقوی اگر میجوشدت لیکن | بوقت گل مپیما جز شراب ارغوانی را
جمال چهرهٔ صانع چه غم گر پرده نگشاید | صفا از نقش چین پیدا است حسن کلک مانی را
نشاید جز سربی مغز تمهید هوس کردن | حباب آیینه میسازد کلاه خسروانی را
ز مینای محبت بادهٔ این بیت میجوشد | که تمثال بقا پیدا است در آیینه فانی را»

۸- انجام : «امروز که سعی در طلب ها نکنی | سامانه بزم عیش فردا نکنی
هنگام شباب همتت گر نبود | کاری بزمان شیب برجانکنی

ای بر همه خلق آفرین کار توئی | از وحدت خویش کثرت اظهار توئی
ما این همه عاجزیم و در دام بلا | ما را برهان ازین که مختار توئی»

۹- چگونگی : این نسخه شامل غزلیات و ترجیع بندها و رباعیات و یک مثنوی در آخر است. شاعر در سرودن غزل مهارت خاص دارد. شاعرانی که نام فانی دارند بسیارند از جمله : فانی (علی شیر نوایی) ، فانی بخارایی (بخاری) ، فانی تبریزی ، فانی خوارزمی ، فانی رازی (محسن) ، فانی شیرازی ، دهدار (خواجه احمد) ، فانی هروی. در حدود ۱۵٤۰ غزل و ۳ ترجیع بند و چند رباعی دارد و جمعاً در حدود ۱۲۰۰۰ بیت در این نسخه آمده است. در آخر نسخه یک مثنوی آمده است که اینگونه آغاز می شود :

«بسم الله الرحمن الرحیم ،

نسخه آرای احادیث و قدیم | هست بسم الله الرحمن الرحیم
ابتدای هر سخن بسم الله است | اینکه سازد انجمن بسم الله است
زین دبستان هرچه مشق آگهیست | آنهمه فیض کف بسم اللهی است
درس اظهار بیان هر کلیم | نیست جز توصیف آن حق قدیم»

از انجام ناقص است و چنین پایان می یابد :

«خواجه باز آمد همان بر جا نشست | گفت پیش آرید اینجا هرچه هست
دست او شستند گستردند خوان | گوشت بنهادند بر چیدند نان
خواجه را چندانکه می آمد بکار | خورد از آن اطعام چرب و خوشگوار
خواجه تا دست از طبق بیرون کشید | آنجوان خود را به بطن خواجه دید
هم به ساعت نطفه شد در پشت او | داشت گردش تاکی آید در نمو»

این مثنوی هم سرودهٔ «فانی» است و در صفحهٔ ۶۹۳ چنین آمده است :
«فانیا بس کن دگر قصه مخوان لایق آنشاه مدحی کن توان»
«فانی هر جا اینکه عالی فطرتی است بستهٔ بند بلا و زحمتی است»
نام و تاریخ سرودن مثنوی معلوم نشد. این نسخه در حدود ۵۰۰ بیت دارد و بروزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلات یا فاعلن» از مزاحفات بحر رمل مسدس محذوف و مقصور است. متأسفانه نام این مثنوی معلوم نشد.

۸۹۰
―――
۵۹۷

دیوان فضولی

[ادب ، ترکی ، منظوم غزلیات»]

۱- اندازه :—بیرونی : ۲۲×۱۳/۵×۱/۵ سم.—درونی : ۱۲ بیت (س) ۱۵×۸ سم.
۲- اوراق : ۱۱۳ ورق ۰ ۲۲۵ صفحه.
۳- کاغذ : نازک زرد تیره رنگ ، آب رسیده ، وصالی شده ، جلد مقوایی و چرمی سرخ با عطف تیماجی پوسیده ، ضربی و منقش (ترنج های زیبا و خوش نقش).
٤- خط : نستعلیق شکسته آمیز ، خوانا ، روشن ، پخته ، در صفحهٔ آغاز و یک صفحه بعد دیوان سرلوح با گل و بوته نگاری در زمینهٔ لا جوردی ، جدول یک خطی کنارهٔ متن زرین ، قرن ۱۲ ه ق.
۵- کاتب : «**محمد زمان ابن عبدالعزیز خواجه بلخی حسینی**»، تاریخ کتابت: «۱۲۲۹ ه ق»:
تمام یافت دیوان مولانا فضولی بغدادی از دست خط احقرالعباد و ضعیف نامراد بعنایت الرحمن محمد زمان ابن عبدالعزیز خواجه ، بلخی حسینی فی یوم چهار شنبه روز دویم عید قربان در قریهٔ خواجه شیخ علیه الرحمة و الرضوان فی تاریخ سنهٔ ۱۲۲۹ من هجرت النبی علیه و علی آله افضل الصلوات و اکمل التحیات امید از خرده بینان روزگار که اگر سهوی و خطایی در عبارت از قلم ناسخ رفته باشد کرم نموده در تصحیح آن کوشند و بذیل عفو و خطای او را پوشند تا بمذمت که در حدیث خیرالانام واقع شده که من عاب عیب گرفتار والله المستعان» .
٦- مؤلف : یا (شاعر) : «**مولانا فضولی**» ، نام تألیف : «**دیوان فضولی**» ، تاریخ تألیف (سرودن) : «دوران عمر شاعر» . نام شاعر در مقدمه و در مقاطع

غزلیات و در انجام نسخه آمده است : «ای فضولی بولمیشم غوغای مجنوندن اثر» و «جمعیت اسبابه کومکول دیرمه فضولی» و «یا رب بلای نفسه فضولی اسیر دور».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

قد انار العشق للعشاق منهاج الهدا — سالک راه حقیقت عشقه ایله المبتدا
عشق دور لعل نشأ کامل که اند ندورمدام — میده تشوبر حرارت نی ده تأثیر صدا
وادی وحدت حقیقت ده مقام عشق دور — کم مشخص اولمز اول وادیده سلطان کذا
لیلمز خلوت سرای سر وحدت محرمی — عاشقی معشوقدن معشوق عاشق دن جدا»

۸- انجام : «خردمندی که دایم عالم ایچره سیر علم ایلو — اسالیب فنون شعردن البته عاریدور
مذاق شعرهم بزاور کا عالم دور حقیقتده — ایکی عالم میسر اینمک غاتیده مشکلدور

اول سپیدن فارسی لفظیله دور چرخ نظم کم — نظم ترکی لفظ ایله ایتمق این دشوار دور
فارسی شکر دور ور هر کم اشک طعمتن تاتر — ترکی لفظی کوب مشقت ایله ناهموار دور»

۹- چگونگی : این نسخه «دیوان فضولی» نام دارد که به زبان ترکی سروده شده است. و شامل غزلیات بسیار نغز و شیوای مولانا فضولی است. تأثیر فارسی در زبان ترکی این غزلیات بیشتر از زبان اردو و پنجابی و سندی است به طوری که هر فارسی زبان به خوبی می تواند غزلیات فضولی را بفهمد. لفظ «فضولی» که تخلص شاعر است در مقاطع غزلیات آمده است. تقریباً ۱۱۱ غزل و جمعاً در حدود ۱۱۱۱ بیت دارد. مقدمیی به نثر زبان ترکی در آغاز این نسخه به قلم فضولی موجود است در ۷ صفحه که صحاف به اشتباه یک ورق (۲ صفحه) آنرا در اواسط نسخه قرار داده است. در آغاز نسخه ۲۰ بیت شعر ترکی از شاعری به نام «رضا» یا «رضایی» به خط نستعلیق خوش در یک زمینهٔ زرین منقش کتابت شده است. بدین مطلع :

«جنابینتکدور بنوروجه ابراهیم واسماعیل — کریم بن کریم بن کریم یا رسول الله

و به مقطع :

«خلیل آسا رضا بیت درونین ایلادی تطهیر — سواد یرندهشمدی بن شکستم یا رسول الله»

احتمال دارد که این یک ورق از نسخهٔ «دیوان رضایی» جدا شده باشد.

در انجام نسخه نیز چند بیت ترکی و چند نقاشی بچگانه آمده است. آغاز مقدمه این است: «بسم الله الرحمن الرحیم ، حمد اول متکلم نطق آفرینه که سفینهٔ امید بحار سکان بحور نظمی تموج استغراق».

۸۹۰
۳۱۹

دیوان قاسم انوار

[ادب ، عرفان ، فارسی ، منظوم]

۱- **اندازه** : ـبیرونی : ۲۴/۵ × ۱۶ × ۲ سم. ـدرونی : ۱۵ س ۱۷ × ۹ سم.

۲- **اوراق** : ۹۳ ورق. ۱۸۶ صفحه.

۳- **کاغذ** : نازک و ضخیم زرد تیره رنگ جهانگیری ، آب رسیده ، کرم خورده ، اندک وصالی شده ، جلد مقوایی و پارچه یی لاجوردی.

٤- **خط** : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، نشان ها و عنوان ها ثلث جلی شنگرف و لاجوردی و زرین ، جدول های دو خطی میان ابیات و سطرها ، و سر سطرها و سر غزل ها ۲ خطی و زرین و کنارهٔ سطرها ٥ خطی سیاه و زرین. قرن ۱۰ ﻫ ق .

۵- **کاتب** : و تاریخ کتابت ندارد چون ناقص است.

٦- **مؤلف** : یا (شاعر) «**قاسم**» یا «**قاسمی**» یا «**قاسم انوار**» است ، زیرا این سه لفظ همواره در مقاطع اشعار آمده است :

«قاسم سخن عشق به‌هرجا که شنیدید اقرار بیارید و ز انکار مگویید

شیوهٔ شیرین او جو دید بیکبار قاسمی از صبر و از ثبات برآمد

پرتو روی تو بر چهرهٔ زردم افتاد از صفای رخ تو قاسم انوار شدیم»

نام اصلی او «معین الدین علی» معروف به قاسم انوار از سادات علوی آذربایجان است . در زبان تیمور لنگ و فرزندش شاهرخ در هرات سکونت گزید وسپس به سمرقند و خرجرد رفت و در سال ۸۳۷ ﻫ ق وفات یافت: مثنوی های «**انیس العارفین**» و «انیس العاشقین» و مقداری اشعار به لهجهٔ ولایتی گیلان و چند قطعهٔ ترکی از او بجا مانده است (رک : گنج سخن، تألیف

دکتر ذبیح الله صفا، ج ۲، ص ۳۲۷-۳۳۳).

۷- آغاز : ناقص است و اینگونه شروع می شود: «وایضاً له،

دلم ازشوق تو خون است و ندانم چون است / در درون شوق وصالت زبیان بیرون است
دیده گریان و جگر خسته و خاطر غمگین / سینه مجروح و دل آشفته و جان محزون است
جمله ذرات سراسیمه و سر گردانند / به هوای تو اگر لیلی اگر مجنون است
در دلم شوق تو هر روز فزون می گردد / دل شوریدهٔ من بین که چه روزافزون است»

۸- انجام : ناقص است و چنین پایان می یابد: «وله ایضاً،

سلطان انوار که باز آمد از کرم / وقت سرود ماست گهی زیر و گه بم
گر عید عیش نیست پس این زینت از کجاست / صحرا و کوهسار علم درپی علم
بلبل به باغ و راغ همین می کند ندا / آمد زمان شادی و بگذشت روز غم
از لطف یار ما که وجود است در وجود / همواره می رود عدم اندرپی عدم
چندانکه دل نهاد جفا بر سر جفا / آن جان و بر نهاد کرم بر سر کرم
آن خواجه را که بار گرامی نداشتند / امسال پیش یار عزیز است و محترم»

۹- چگونگی : موضوع این نسخه «ادب و عرفان» است و آن شامل «غزلیات قاسم انوار» می شود که از حرف «ت» تا حرف «م» را در بردارد وجمعاً ۳۷۲ غزل و تقریباً ۲۷۰۰ بیت دارد. درکنارهٔ صفحات چند لغت آمده و این ابیات از «صایب»:

در خواب عدم بود که بیدار شدیم / شب مست فنا بود که هشیار شدیم
در بیخبری طرفه بهشتی بود است / حیف صد حیف که ما دیر خبردار شدیم
پردار تر از سیل بهاران بودیم / لنگر انداخت خرد خانه نگهدار شدیم
صایب از کاسهٔ دریوزهٔ ما ریزد نور / تا گدای در شاه قاسم انوار شدیم»

«کلیات قاسم انوار» با مقدمه و تصحیح و حواشی شادروان استاد سعید نفیسی چاپ و نشر شده است.

۸۹۰/۳۶۰

دیوان قاسم انوار

[ادب، عرفان، فارسی، منظوم]

۱- اندازه : —بیرونی ۲۱ × ۱۴ × ۲/۷ س م. —درونی: ۱۵ س ۱۸ × ۹ س م.

۲- اوراق : ۱۱۵ ورق. ۲۳۰ صفحه.

۳- کاغذ : نازک حنایی رنگ هندی، وصالی شده، کرم خورده، جلد تیاجی قهوه‌یی و سرخ رنگ.

٤- خط : نستعلیق، روشن، خوانا، یک سر لوح در آغاز، جدولهای یک خطی میان اشعار و دو خطی کنارهٔ صفحات سرخ، قرن ۱۲ ه‍ ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد چون از آخر ناقص است.

۶- مؤلف : یا (شاعر): «قاسم» یا «قاسمی» یا «قاسم انوار» متوفی «۸۳۷ ه‍ ق» (رک: دیوان قاسم انوار ۳۱۹/۸۹۰).

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم،

من بیچارهٔ سودازده سر گردانم — که باوصاف خداوند سخن جون را نم
من وتوحید تو هیهات دلم می لرزد — اینقدر بس که حدیثت بزبان میرانم
کردگارا ملکا پادشها دیانا — توکه بی‌جونی ومن جون ترا جون‌دانم»

اما این نسخه در صفحهٔ ۲ از حرف «دال = د» شروع می‌شود و غزل فوق را که از حرف «میم = م» است و فقط ۱۰ بیت است گویا بدان جهت که سرلوح دارد در آغاز قرار داده اند و چنین شروع می شود:

«قاسم چو وصف حسن تو گوید بصد زبان — هر جا سخن زوجه نکو شد نکو بود
بر کهن دیر جهان‌دوست تجلی فرمود — جمله ذرات جهان شد از ذوق وجود
برتو فیض تو بر عالم امکان دریافت — گشت روشن همه آفاق زهی برتوجود»

۸- انجام : «از نقش دوعالم نشدی حاصل محصول — گر زانکه دلی واقف اسرار نبودی
گر زا نکه بحق واقف اسرار شدی خلق — منصور به رمزی به سر دار نبودی
گر زانکه بس پرده ندیدی خود را — خود راز بس برده خریدار نبودی
گر دور تسلسل بنمودی رخ وزلفت — عشاق تو سر گشته چو پرکار نبودی
قاسم اگر آن جان نبدی آینهٔ حق — جان را بر او پایه و مقدار نبودی»

۹- چگونگی : این نسخه در آغاز و انجام افتادگیهایی دارد یک غزل از حرف «میم = م» در آغاز است که با سر لوحی آراسته شده است و لیکن اصل نسخه از حرف دال شروع می شود و تا حرف «یاء = ی» ادامه دارد باوجود اینها نسخه‌یی است کهنه و مفید و بر اساس «حرف روی» و حروف ردیف (حروف آخر ابیات)

تنظیم شده است ، و جمعاً ۲۵۰ غزل و ۳۴۵۰ بیت دارد. از لحاظ املایی ، حروف «پ» ، «چ» ، «گ» به صورت «ب» ، «ج» ، «ک» کتابت شده و سهوالقلم کاتب اندک دارد. (رک : دیوان قاسم انوار ۸۹۰/۳۱۹).

۸۹۰
۴۷۴

دیوان کشوری

[ادب، فارسی ، منظوم «غزلیات»]

۱- **اندازه** :—بیرونی : ۲۳ × ۱۴ × ۲/۵ سم. —درونی: ۱۳ و ۱۴ س ۱۷ × ۸/۵ سم.

۲- **اوراق** : ۱۵۰ ورق. ۲۹۸ صفحه.

۳- **کاغذ** : نازک زرد روشن رنگ سیالکوتی (هندی)، آب رسیده ، وصالی شده ، جلد مقوایی پوشیده با تیماج سرخ و با عطف چرمی سیاه.

۴- **خط** : نستعلیق خوش آمیخته با شکسته ، خوانا ، روشن، پخته ، عنوانها و سرفصلها و جدولهای دو خطی فواصل و میان ابیات و عنوانها شنگرف ، جدولهای ۵ خطی کنارهٔ متن زرین و سیاه و لاجوردی ، یک سرلوح در زمینهٔ لاجوردی و زرد در آغاز ، و در آغاز چند غزل نقش های گل و بوته ، قرن ۱۱ ه ق.

۵- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶- **مؤلف** : یا (شاعر) : «کشور» یا «کشوری» ، نام تألیف : **«دیوان کشور» یا «دیوان کشوری»** ،تاریخ تألیف یا سرودن : «در دوران عمر شاعر». نام شاعر «کشور» یا «کشوری» در مقاطع غزلیات آمده است :

«به پیر بینوا افتاده کشور بده از فضل خود جام بقا را»

«با کشوری حیران شده‌ای جان جان من تو مونس و یار منی من با تو گشتم بیوفا»

۷- **آغاز** : «بسم الله الرحمن الرحیم،

الا یا ایها الساق بده [ساغر] بسایلها بکن بخشایشی مارا بجوشد بادهٔ دلها؟
ببستم طوق بر گردن شدم جانا گرفتارت بکن رحمی بکن رحمی برم این را بمنزلها
چنان از پرتو حسنت فتاده آتشی در دل که میسوزد دل و جانم فتاده کار مشکلها
سروسامان چه میجویی که گم کردم سر و سامان
بغیر از سوزش عشقت ندارم بادهٔ صهبا»

۸- انجام : «هستم غریب و ناتوان رحمی بکن تو این زمان
از نفس بد سازی امان بر من کنی غمخوارگی
برمن نگر برمن نگر کردم زخود من با خبر
یاری ندارم من دگر ما را مکن آوارگی
هستم بکوےت من غریب ما را مگردان بی نصیب
هستی تو بر جمله حبیب ما را مکن شرمسارگی
پیر و ضعیف و پر گناه کشور بمانده بی پناه
رحمی بکن تو ای خدا بر حال او یکبارگی»

۹- چگونگی : این نسخه شامل «غزلیات کشور» یا «کشوری» است که نام یا تخلص وی به همین ترتیب در مقاطع اشعار آمده است. از مطالعهٔ غزلیات برمی آید که پیرو متقدمان است. در حدود ۵۵۰ غزل در این نسخه آمده که شامل ۴۱۰۰ بیت می شود. شور و جذبه و شوق در غزلیات او دیده می شود و در بعض جای ها گوبی پیروی مستقیم از غزلیات مولوی در کلیات شمس تبریز کرده است:
ای سر خوشان عالم من عاشق خدایم   از آتش فراقش افتاده خاک پایم
سهو القلم کاتب در این نسخه اندک است و قابل تحقیق و جست وجو.

۸۹۰
۴۹۷

دیوان میرزا یا مرزا

[ادب، پشتو، منظوم «غزلیات»]

۱- اندازه : -بیرونی: ۲۱/۵ × ۱۶ × ۳ سم. -درونی: ۱۱ س ۱۷ × ۱۰ سم.

۲- اوراق : ۱۵۴ ورق. ۳۰۸ صفحه.

۳- کاغذ : نازک و ضخیم زرد تیره رنگ سیالکوتی، آب رسیده، وصالی شده، کرم خورده، جلد چرمی قهوه‌ی رنگ در غلاف پارچه‌ی کبود رنگ.

۴- خط : نستعلیق، خوانا، روشن، پخته، لفظ «مرزا» در بعضی جای ها شنگرف، قرن ۱۲ ه ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶- مؤلف : یا (شاعر): «مرزا»، نام تألیف: «دیوان مرزا» یا «میرزا»، تاریخ تألیف (سرودن)

معلوم نشد ، و ظاهراً در دو ران مختلف عمر شاعر سروده شده است. نام یا تخلص شاعر در مقطع اشعار (ص ۱۸۰ و ۱۸۱) آمده است :

«که مدام دله باقی راحت بویه ای مرزا د مسکینان و پهٔتپهٔش»
«ای مرزا که د پا کافر هوا خواهٔی لک زرو محبت پاور کسبی یش»
«ای مرزا او محبت خبر وا یی شو که یا ژب دنده تتری»

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

نن بو کرم شو صفت د مولی لا رادت
هر فعل چه یی وین خالی ندیی ل حکمت
پر احمد نزول قرآن ش چه سل څورس ے سورت
شپږ زر پشاره دی شپږ سو شپږ شپت آیت»

۸- انجام : «اولیا پر جهان دک خر کند تیری تفاوت پا کو کوم دی ل ییناژی
د بد خوی بد بوئیی به بت نشي که پدیر لباس نغاری لک پیازی
چه آزادی پر بازار کنبی آموخته دی که پر تخت باندی کنبو نارازی
مرزا یی ل نظر دیرو یر یدیی چو پو نبلی سترکی کوزی لک بازی»

۹- چگونگی : این نسخه در موضوع «غزلیات» شاعری است به نام «مرزا» که به زبان پشتو سروده شده است. نام یا تخلص شاعر در مقاطع غزلیات آمده است. درمیان سطرها و در گوشه و کنار صفحات توضیحات ادبی و یاد داشت های لغوی به زبان فارسی آمده است. شاعر برای هر حرف الفبا غزلیاتی سروده است و هر حرف را تا چند غزل التزام کرده است یعنی مصراع اول هر غزل را با حرفی از حروف آغاز کرده و این صنعت را از «الف» تا «ی» به کار برده است. از لحاظ ترتیب بر حسب حروف قوافی تنظیم شده است که در آن صورت صنعت التزام حروف در آغاز مصراع اول هر غزل برهم می خورد. در گوشهٔ صفحهٔ ٤ یک یاد داشت آمده است که چند کلمهٔ آن حذف شده است و اینگونه خوانده شد : «میرزا از افغان است دیگر شاعر را کی بمرزایی خرند». احتمال دارد این نسخه به خط شاعر خودش باشد. این نسخه در حدود ۳۳۰۰ بیت دارد. لفظ «مرزا» در زبان پشتو و اردو و پنجابی است و در فارسی «میرزا».

۸۹۰
―――
۳۲۳

دیوان ناصر علی سرهندی

[ادب ، فارسی ، منظوم]

۱- اندازه :-بیرونی : ۱۷ × ۱۱ × ۱سم .-درونی : ۱۴ تا ۲۰ سم ۱۳ و ۱۴ × ۵/۳۷سم .

۲- اوراق : ۵۴ ورق . ۱۰۸ صفحه .

۳- کاغذ : ضخیم آبی رنگ سفید رنگ ولایتی ، کرم خورده ، وصالی شده ، جلد مقوایی پارچه پوشیده و تیره رنگ مندرس .

۴- خط : تحریر ، روشن ، سخت خوانا ، رسم الخط اردو ، بعضی از عنوانها و نشان‌ها سرخ ، قرن ۱۳ ه ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد چون ناقص است

۶- مؤلف : **«شیخ ناصر علی سرهندی متوفی ۱۱۰۸ ه ق» یا «۱۱۰۹ = آه علی بعالم معنی رفت»** ، تاریخ تألیف یا سرودن : «در مدت سالهای عمر شاعر» ، نام تألیف **«دیوان ناصر علی»** . در مقطع غزلیات نام **«علی»** و **«ناصر علی»** آمده است :

«درمیان خیر آباد جهان ناصر علی　　از شکست سینهٔ دل بانگ منصورم هنوز»

―――

لب خموش علی کار ذوالفقار کند　　بخصم هیچ مگو گرچه نا مسلمانست»

شیخ ناصر علی سرهندی در عهد «اورنگ زیب» می زیسته و «سیف خان بدخشی» حاکم سرهند و امیر الامرا «ذوالفقار خان» را مدح گفته است . (رک : فهرست نسخه‌های خطی فارسی بریتیش میوزیم ، ص ۶۹۹-۷۰۰ ، فهرست مخطوطات شیرانی ، تألیف دکتر محمد بشیر حسین ، ج ۱ ، ص ۱۳۱-۱۳۲) .

۷- آغاز : «هو ، دیوان ناصر علی ، بسم الله الرحمن الرحیم ،

محبت جاده‌ی دارد نهان در خلوت دلها　　چوتارسبحه گم گردد . .(کرم خورده)
تو چون ساق شوی دردستک ظرف نمیماند　　بقدر بحر باشد وسعت . . . . . .
بشمع روشنی این کلبهٔ تار التجا دارد　　اگر در دل گذار آید توان . . . . . .
بهفتاد و دو ملت گردش چشم تومیسازد　　بیک پیمانه رنگین کرد . . . .
تو راز کثرت اسباب برخود تنگ می‌سازی　　ادا پنهان چو بوی گل . . . . .

پس از مردن چو شمع کشته روشن شد حریفان را   که درهر پردهٔ بیدار پنهان . . . .
علی امشب می سبز از در جام آرزو دارد   الا یا ایها الساقی ادر کأسا و ناولها»

۸- انجام : ناقص است و به حرف روی «ی» اینگونه ختم می شود :

«دفع غفلت بر سزانست تو هم میدانی   اب غارت گر خوانست تو هم میدانی
رخ بپوشان ز من ایشوخ که حرف زده را   پردهٔ دیده حجاب است تو هم میدانی
ایزد از در میخانه طلب کن زاهد   طاعت خشک سزا نیست تو هم میدانی
عشق چندان دل تو برانی داد   سیل یک خانه خرابست تو هم میدانی
ورق گل شده از عکس رخت پردهٔ چشم   اشک با سیل گلابست تو هم میدانی
عرض حال دل پرخون نتوان کرد علی   جوی او کرم عتابست تو هم میدانی»

۹- چگونگی : این نسخه آنگونه که از مقایسه و مطالعهٔ آن برآمد ، منتخبی از دیوان شیخ ناصر علی سرهندی است و شامل «غزلیات» می شود و بر حسب حروف قوافی از حرف «الف» تا «ی» را در بر دارد. دیوان ناصر علی چاپ شده. از قرار تحقیق یک مثنوی هم در وصف اورنگ زیب عالمگیر پادشاه زمان خود سروده است. وی در تصوف طریق سلسلهٔ نقشبندیه داشت و بدین جهت عقاید و تعلیات این سلسله در اشعارش راه یافته است. از شاعران متقدم مانند حافظ و سعدی و جامی پیروی کرده و بعضی از اشعار آنان را تضمین کرده و هم وزن و هم قافیه و هم معنی آنها غزل سروده است. اشعارش جاذب و منسجم و روان و دلنشین است.

۸۹۰
۴۶۵

دیوان ناصر علی سرهندی

[ادب ، فارسی ، منظوم «غزلیات»]

۱- اندازه :—بیرونی : ۲۳/۵ × ۱۵/۵ × ۲ س م. —درونی : ۵ تا ۱۳ س (متن اشعار) ۱۸ تا ۲۰ س (حواشی) ۱۸×۱۰ س م.

۲- اوراق : ۱۰۶ ورق. ۲۱۲ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم زرد خاکی رنگ سیالکوتی ، وصالی شده ، جلد مقوایی ملون پوسیده .

۴- **خط** : نستعلیق خوش (متن اشعار) و تحریر خفی (حواشی)، خوانا، روشن، قرن ۱۳ هـ ق.

۵- **کاتب** : نام «کاتب» ندارد، تاریخ کتابت «۱۲۳۷ هـ ق». در صفحهٔ ۲۱۱ اینگونه آمده است: «تمام شد نسخهٔ متبرکهٔ دیوان ناصر علی منتخب بتاریخ بیست [و] یکم شهر صفر سنهٔ ۱۲۳۷ نبوی».

۶- **مؤلف** : یا (شاعر): **«ناصر علی متوفی ۱۱۰۸ یا ۱۱۰۹ هـ ق»**، نام تألیف: **«دیوان ناصر علی»**، تاریخ تألیف (سرودن) در دوران مختلف عمر شاعر. تخلص شاعر در مقطع اشعار آمده است: **«علی»**:

«همت بلند ما ای علی چنین خواهد — هر دو کون بخشیدن برگ بی نوایها است»

هستی و پهلو معشوق محال است علی — جای ما نیست درین بزم مگر جای دل است»

۷- **آغاز** : افتادگی دارد و اینگونه آغاز می شود:

«خارا گداز شعلهٔ آهم زبانه زد — در تن شد استخوان چو نمک در کباب ها
بدل می جوشد از وضع جهان خون رمیدنها — رگ بیداری من میگشاید خواب دیدنها
خط کبک است بر بال کبوتر نامهٔ رازم — ندارد از حجاب عشق پیغامم شنیدنها
گریبان میدرد اشکم قیامت میکند آهم — مگر از دل گذشت آن انجمن ساز رمیدنها»

۸- **انجام** : «بمژگان تابکی در پرده دارم اشک رعنا را — روم بند قبای گریه بگشایم بهامونی
ببالا می روم چون شمع خود را پست می بینم — نگردد سعی بیحاصل حریف بخت واژونی
لباس دل هنوز از گرد آلایش نمیشویی — غبار زندگی را صبح پیریها است صابونی
علی زین مرده طبعان هیچکس شعرم نمی فهمد — بیونان می فرستم بهر احیای فلاطونی»

۹- **چگونگی**: این نسخه شامل غزلیات ناصر علی است که از حرف «الف» آغاز شده و به حرف «ی» پایان می یابد. شرح و حواشی و توضیحات ادبی و لغوی درمیان سطرها و در کنارهٔ صفحات آمده است به طوری که شرح و حواشی و توضیحات از متن اشعار بیشتر است و شاید نام این نسخه را «شرح دیوان ناصر علی» می توان نامید و حتی بعضی نسخه بدل ها نیز ذکر شده است. نام حاشیه نویس و شارح در هیچ کجای نسخه نیامده است (رک: دیوان ناصر علی ۳۲۳/۸۹۰). در صفحهٔ ۱۹۲ سه نشان مهر دارد که اینگونه خوانده می شوند: «عبده خلیل ۱۲۲۹».

۸۹۰
۳۲۲

دیوان واقف لاهوری

[ادب ، فارسی ، منظوم]

۱- اندازه :—بیرونی : ۲۱ × ۱۲ × ۳ سم. —درونی : ۱۳ س ۱۵ × ۸ سم.

۲- اوراق : ۲٤۷ ورق. ٤۹٤ صفحه.

۳- کاغذ : نازک زرد خاکستری رنگ سپاهانی ، کرم خورده ، اندکی وصالی شده ، جلد مقوایی سرخ با عطف و گوشهٔ چرمی مندرس و سیاه و سیاه رنگ.

٤- خط : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، در آغاز یک سرلوح مذهب و خوش نقش و زرین ، جدولهای میان ابیات و سر عنوانها و مطالع و مقاطع غزلیات دو خطی سیاه ، جدولهای کنارهٔ بیرونی صفحات یک خطی لاجوردی و کنارهٔ درونی صفحات ۵ خطی لاجوردی سیاه و سرخ و زرد رنگ. قرن ۱۱ ھ ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶- مؤلف : یا (شاعر) : «**شیخ نورالعین واقف بتالوی لاهوری متوفی ۱۱۹۰ ھ ق**» تاریخ تألیف (سرودن) ، «در مدت عمر شاعر» ، نام تألیف «**دیوان واقف**» یا «دیوان واقف بتالوی لاهوری». در این نسخه ، فقط در مقطع غزلیات و دیگر انواع شعر نام «**واقف**» آمده است : «رهین عشق بیابانی خودم ، واقف» ، «واقف آتش زد بجان هرگز نخواهد برد جان» ، «سخت افسرده ام امروز ندانم واقف» . در مقدمهٔ دیوان واقف که به اهتمام پرفسور غلام ربانی عزیز طبع و نشر شده است ، از تذکره ها و دیگر مآخذ تحقیقات ارزنده‌یی دربارهٔ شاعر و نسخ خطی دیوان او به زبان اردو به دست داده شده است (ص ۱ - یب - مقدمهٔ چاپ پنجابی اکادمی ، لاهور).

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

ای ببزم شوقتو نالان بهر سو سازها — رفته در هرگوشهٔ زان ساز ما آوازها
مهجبینان جبهه ما بر آستانت از نیاز — نازنینان بر درت از سر نهاده ناز ها
در هوای اوج توحیدتواز کف میرود — طایران قدس را سر رشتهٔ پرواز ها
رازهایت‌رابسی گفتند سرمستان عشق — همچنان هستندامامسر بمهرآن‌راز ها

راه بی‌انجام حمدت سرچو کردند اهل فکر　　کرد در اول قدم گم خویش را آواز ها»

۸- انجام : «قصهٔ من شده مشهور تو هم می‌دانی　　بر زبان همه مذکور تو هم میدانی
رفتن از کوی تو مقدور من زار نبود　　گریه‌ام بردبصد زور تو هم میدانی
وه چه شاهی که زبیداد تو در کشور دل　　نیست یک خانهٔ معمور تو هم میدانی
بوده دل ملک سلیمان ولی از دوری تو　　تنگتر شد زدل مور تو هم میدانی
شرح بیمهریت ای ماه چه تقریر کنم　　روز من شد شب دیجور تو هم میدانی
من ز نزدیک تو خود دور نرفتم که فکند　　دل طپیدن ز تو ام دور تو هم میدانی
واقف از من مزهٔ عشق چه پرسی هر دم　　هست تلخ و ترش و شور تو هم میدانی»

۹- چگونگی : این نسخه آن گونه که از مطالعهٔ آن بر آمد بیشتر غزلیات واقف را در بردارد و از دیگر انواع شعر او ، مانند : «مثنوی در وصف صبغة‌الله خان» و «ترجیع بند بندهٔ دردمند» که در دیوان چاپی او آمده است. چیزی به دست نیست. نسخ خطی دیوان واقف در کتابخانهٔ دانشگاه پنجاب لاهور و بریتیش میوزیم و دیگر کتابخانه ها موجود است. در سال ۱۳۳۹ ﻫ ق به اهتمام شیخ الهی بخش و محمد جلال‌الدین در لاهور چاپ شده است. تقریباً ۸۰۰ غزل دارد که بالغ بر ۶۰۰۰ بیت می شود.

ذخیرهٔ خوارزمشاهی، کتاب پنجم و ششم

۶۱۰ / ۴۶۹

[طب ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه :- بیرونی : ۳۵/۵ × ۱۹ × ۷ س‌م. - درونی : ۲۵ س ۲۵ × ۱۲ س‌م.
۲- اوراق : ۵۳۳ ورق. ۱۰۶۶ صفحه.
۳- کاغذ : ضخیم زرد تیره رنگ کشمیری ، اندکی کرم خورده ، ساییده شده ، آب دیده ، بدون جلد.
۴- خط : نستعلیق ، خوانا ، روشن ، عنوانها و سر فصلها و نشانها شنگرف ، قرن ۱۳ ﻫ ق. رسم‌الخط اردو و فارسی.
۵- کاتب : «حافظ سید نور» ، تاریخ کتابت : «۱۲۱۱ یا ۱۲۹۱ ﻫ ق». در صفحهٔ ۱۰۶۵ چنین آمده است : «تمت تمام شد نسخهٔ ذخیرهٔ خوارزمشاهی

بتأیید آلهی جل شأنه دستخط حافظ سید نور در مسجد موضع کت نالی و در موضع تهته موسی ضلع گجرات بتاریخ بیست و هشتم ماه ویساکه نوزدهم ماه جمادی‌الاول بمطابق سنهٔ ۱۲۱۱ (۱۲۹۱) هجری صلی‌الله علیه وسلم من یدع سواه علی هذا الکتاب فقط بطل عندشرع الشریف فقط :

هر که خواند دعا طمع دارم ز آنکه من بندهٔ گنه گارم

این کتاب نوشته در روز بدوار بوقت پیشین».

۶- **مؤلف** : «**سید زین‌الدین ابو ابراهیم اسماعیل بن حسن بن محمد بن احمد حسین گرگانی ٤۳٤ - ۵۳۱ ه‍ ق**» ، نام تألیف «**ذخیرهٔ خوارزمشاهی**» ، تاریخ تألیف : «**۵۰٤ ه‍ ق**». مؤلف از بزرگترین و معروفترین پزشکان قرن ششم و بلکه تاریخ ایران و اسلام است. وی ذخیرهٔ خوارزمشاهی را خلاصه کرده و «اغراض‌الطبیه و مباحث‌العلائیه» نام داده است. کتاب دیگر وی «**خفی علایی**» یا «**الخفیة العلائیة**» است (رک : تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تألیف سعید نفسی ، ج ۱ ، ص ۱۲٤».

۷- **آغاز** : این نسخه از کتاب پنجم آغاز می شود ، «رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر ، کتاب پنجم از کتاب ذخیرهٔ خوارزم شاهی درباد کردن احوال تپ بباید دانست که اندرین کتاب اجناس و انواع و اسباب و علامات و معالجات آن یاد کرده میشود و این کتاب مشتمل بر شش گفتار است ، گفتار اول اندر بیان کودن آنکه تپ چیست و چند نوع است و چگونه پدید می آید و چگونه گسارد و این گفتار چهار باب است باب اول اندر یاد کردن تپ چیست».

۸- **انجام** : «و سببی دیگر آنست که طبیب را پیوسته سخن دارد و بیماری و ق و اسهال و نفثت و مانند آن باید شنید و آنرا جواب خوش باید داد ، این همه انواع بی مرادی است و کسی را چندین بی مرادی است و کسی را که چندین غم می باید کشید اگر بیمار نشد و عجب باشد این نوع بیماری آنست که طبیب اگر دفع آن نتواند کرد معذور باشد و اندر بیماریهائی که اسباب بیرونی افتد معذور باشد و اندر بیماری که بمیراث آید معذور باشد و بیماریهای دیگر که از تدبیرهای بدو بی پرهیزی افتد بر طبیب عیب نباشد و اندر آن معذور باشد».

۹- **چگونگی** : موضوع این نسخه «طب» است. تقسیمات آن بر اساس «**کتاب**» و «**گفتار**» و «**باب**» و «**صفت**» است و از «**کتاب پنجم** در مبحث تب» آغاز می شود و تا پایان «کتاب نهم در مبحث زهرها یا سموم» ادامه دارد. ذخیرهٔ خوارزمشاهی از معروف ترین کتاب های طب است که به زبان فارسی بسیار فصیح و به سبک خراسانی نگاشته آمده است و از همان آغاز تألیف پیوسته مورد توجه اطبا بوده است. حاوی الفاظ و اصطلاحات پزشکی قدیم و روش شناخت داروها و بیان معالجات و مداوات بیماران است. تاکنون چندین بار چاپ شده و نسخ خطی آن فراوان است. درگوشه وکنار صفحات این نسخه بعضی یادداشت ها و سهو القلم های کاتب کتابت شده است.

۹۵۰ و ۸۹۰

۴۸۷

ذخیرة الملوک

[دین و ادب ، فارسی ، منثور]

۱- **اندازه** :- بیرونی : ۲۱/۵ × ۱۴ × ۳ س‌م. — درونی : ۱۹ س ۱۶ × ۱۰ س‌م.

۲- **اوراق** : ۲۰۲ ورق . ۴۰۴ صفحه

۳- **کاغذ** : نازک زرد تیره رنگ جهانگیری و سفید رنگ فرنگی ، آب رسیده ، وصالی شده ، جلد مقوایی ملون با عطف و گوشهٔ چرمی سرخ رنگ .

۴- **خط** : ثلث خوش ، خوانا ، پخته ، روشن ، عنوانها و سر فصلها و نشان ها و کلمات شواهد و خط های رسم شده بر بالای جملات عربی شنگرف ، جدول کنارهٔ صفحات ۳ خطی سیاه و شنگرف ، قرن ۱۱ ھ ق .

۵- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

۶- **مؤلف** : «**علی شهاب الهمدانی ۷۱۳ — ۷۸۶ھ ق**» که نام کامل وی این است : «امیر سید علی بن شهاب‌الدین بن میرا سید محمد حسینی همدانی» و معروف به «**علی ثانی**» و «**میر سید علی همدانی**» ، نام تألیف : «**ذخیرة الملوک**» ، تاریخ تألیف معلوم نشد. در صفحهٔ ۳ و ۶ چنین آمده است : «اما بعد بقول العبد الفقیر الجانی الموصوف بالتقصیر و التوانی علی شهاب الهمدانی ... این کتاب را بحکم باعثهٔ اصلی ذخیرة الملوک نام کرده شد» .

۷- **آغاز** : «بسم الله الرحمن الرحیم ، حمد بسیار و ثنای بیشمار حضرت ملکی راکه

اسباب معاش سکان خطهٔ ملک دنیوی را بتمهید سیاست حکمی نظام داد حکیمی که عرصهٔ ملک معنوی را باستحکام قواعد مکارم اخلاق و محامد اوصاف بناء انتظام نهاد قادری که سطوت قهر او رقاب جباران ظالم را پست گردانید».

۸- انجام : «وتوالی دواعی شهوات نفسانی خاک شقاوت و ادبار بروزگار و کثرت ما بخت کثرت افتراق معاصی آبروی ما بریخت نسئل الله العفو الغفور ان یعاملنا بما هو ان یستر قبائح اعمالنا کما یقتضیه انه قریب و الحمد لله وحده والصلوة و السلام علی خیر خلقه محمد و آله و احبابه و اصحابه اجمعین تم الکتاب بعون الله الملک الوهاب».

۹- چگونگی : این نسخه در موضوع «دین و اخلاق و کردار و رفتار و اقوال و سیاست پادشاهان» است مخصوصاً آن پادشاهانی که به اسلام خدمت کرده و علمای اسلام را بزرگ داشته‌اند. تقسیمات آن براساس «باب» است و جمعاً ده باب دارد. «باب اول در شرایط و احکام ایمان و لوازم کمال آن که سبب نجات بنده است از عذاب ابدی و وسیلت وصول او بدولت و نعیم سرمدی» و «باب دهم در مذمت تکبر و غضب و حقیقت آن و ختم کتاب» و در داخل ابواب، تقسیمات دیگری برحسب موضوع دارد. نثر فارسی این نسخه محکم و منسجم است و به سبک عراق و سبک عرفانی میماند و آمیخته است با آیات قرآنی و احادیث نبوی و کلمات مشایخ و سخنان حکما. گه گاهی از اشعار برگزیدهٔ فارسی نیز بهره مند شده است. از آغاز و انجام و اواسط این نسخه افتادگی هایی داشته که به خط و کاغذ تازه نوشته و افزوده اند. نسخه‌یی است خوب و بدون غلط و سهو القلم کاتب اندک دارد. مؤلف از بزرگان عرفا و علمای ایران که در سر زمین کشمیر و به طور کلی شبه قاره مقام و درجت اعلای عرفانی و پیروان بسیار دارد و تألیفات بسیار و اشعار و غزلیات از وی باقی مانده است. این نسخه از شخصی به نام «حاجی محمد حسین» بوده و یادداشتی به قلم خودش در صفحهٔ ٤٠٤ دارد که پس از تعریف از نسخه اش، از درگه خدا خواسته که برای «بار سوم» به مکهٔ معظمه و مدینهٔ منوره مشرف گردد. تاریخ این یادداشت «۱۳۳۵ هـ ق» باشد. در صفحهٔ اول یک رباعی منسوب به مولوی بلخی آمده است:

«پیوسته چو شهد باش چون نیش مباش   چون مرهم موم باش چون ریش مباش

خواهی که زهیچ کس گزندت نرسد بد گوی و بد آموز و بد اندیش مباش
رام کمینه عبدالرحمن» .

۲۹۰ و ۸۹۰
۳۴۵

رشحات عين الحيات

[ادب ، عرفان ، فارسی ، منظوم و منثور]

۱- اندازه : - بیرونی : ۲۳/۵ × ۱۶/۵ × ۳/۵ سم . - درونی : ۱۵ س ۱۹ × ۱۲ سم .

۲- اوراق : ۲۶۰ ورق . ۵۲۰ صفحه .

۳- کاغذ : نازک سفید رنگ سمرقندی ، وصالی شده ، آب رسیده ، جلد تیاجی قهوه‌ئی رنگ و سرخگون .

۴- خط : نستعلیق خوش ، روشن ، خوانا ، پخته ، عنوانها و نشانها و سر فصلها و خطهای رسم شده بربالای بعضی از الفاظ و کلمات سرخ ، یک سرلوح در آغاز ، صفحهٔ ۲ و ۳ نقاشی و گل و بوته نگاری زرین و میان سطرها نقاشی دندان موشی ، جدولهای کنارهٔ صفحات ۵ خطی سیاه و زرین ، قرن ۱۱ ه‍ ق .

۵- کاتب : «محمد امین سمرقندی» ، تاریخ کتابت «۱۱۶۷ ه‍ ق» : «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب علی ید العبد الضعیف نحیف راجی الی رحمت الله باری محمد امین سمرقندی ستره عیوبه و غفر ذنوبه فی التاریخ سنهٔ ۱۱۶۷ بود که در دارالسلطنهٔ لاهور اتمام یافت ،

روزی که روح دامن عمرم رها کند وین خاک تیره بند زبندم جدا کند»
یا رب نگاهدار تو ایمان آن کسی کاین خط من بخواند و بر من دعا کند

۶- مؤلف : «علی بن الحسین الواعظ الکاشفی» ، نام تألیف : «رشحات عین الحیات» ، تاریخ تألیف : «رشحات = ۹۰۹ ه‍ ق» : «اما بعد چنین گوید فقیربی بضاعت و احقر خالی از استطاعت علی بن الحسین الواعظ الکاشفی المشتهر **بالصفی** . . . .
در اواخر شهر ذی القعدة سنهٔ تسع و ثمانین و ثمانمائه بتقبل عتبهٔ علیه . . . . . . حضرت ولایت منزلت هدایت منقبت . . . . . خواجه ناصرالحق و الحقیقه و الدنیا و الدین عبیدالله رضی الله عنه . . . . . اتفاق افتاد و نوبت دیگر در اوائل ماه ربیع الآخر سنهٔ ثلث و تسعین و ثمانمائه شرف

پای بوسی . . . . . . آن دولتخانه دست داد . . . . و در ضمیر کبیر مرتسم گشت که آن انفاس متبرکه و کلمات مبارکه را . . . . یکجا جمع نماید تا رفیق این سر گشته بعد هجران شود . . . . . . لیکن . . . . . . این معنی پیوسته در عهدهٔ تأخیر و تعویق می افتاد و گره بسته از رشتهٔ تألیف و تلفیق نمی گشاد تا بعد از شانزده سال شهور سنهٔ تسع و تسعمائه آن داعیهٔ قدیم تجدید یافت و خاطر بجمع و ترتیب آن شتافت . . . . . . و مسما شد برشحات عین الحیات و از عجایب اتفاقات آنکه تاریخ اتمام کتاب «رشحات» از عدد حروف وی که نهصد و نه است اتفاق افتاد چنانچه از قطعهٔ رباعی آخر کتاب مستفاد است . . . . :

آن گرم روان که عالم از غلغله شان — پر بود سفر فتاد ازین مرحله شان
بیچاره صفی چون سگکی سوخته پای — افتان خیزان از عقب قافله شان

آمد رشحات ما کثیر البرکات — چون آب خضر منفجر از عین حیات
یابند محاسبان سنجیده صفات — تاریخ تمامش از حروف رشحات

«رشحات» = «۹۰۹ ه‍ ق» .

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لمن رش رشحات الحقایق و الحکم علی قلوب العارفین بفیضه القدس الاقدم والصلوة علی المظهر الاتم ، و مظهر اوتیت جوامع الکلم لیکمل بها طوایف الامم والسلام علی آله و اصحابه مفاتیح الکرم و مصابیح الظلم اما بعد جنین گوید فقیری بضاعت و احقر خالی از استطاعت علی بن الحسین الواعظ الکاشفی المشتهر بالصفی ثبته علی محبة اولیاء بکمال متابعة اصفیاء» .

۸- انجام : «هر که شد غرقهٔ بحر تو فزود آب رخش — اهل ساحل چو صدف ریزهٔ بی مقدارند
جاودان غرق در این بحر صفا باد صفی — هر کزش یارب ازین بحر برون نگذارند

قطعهٔ عربیه فی تاریخ اتمامها (کاتب اشتباه کرده که این عنوان را برای رباعی فارسی قرار داده) :

آن گرم روان که عالم از غلغله شان — پر بود سفر فتاد ازین مرحله شان
بیچاره صفی چون سگکی سوخته پای — افتان خیزان از عقب قافله شان

رباعیهٔ فارسیه ایضاً فی تاریخ لاتمامها (اشتباه کاتب) :

رشحات‌عین‌حیاتناوصلت‌الی‌روض‌المنی   تبارک الله الذی اعطی الورا برکاتها
کما بدیت تمامها فشرعت فی تاریخه   ما کنت عطشانا له قد فاض رشحاتها

آمد رشحات ما کثیر البرکات   چون آب خضر منفجر از عین حیات
یابند محاسبان سنجیده صفات   تاریخ تمامش از حروف «رشحات»
۹۰۹ ه ق

۹- چگونگی: موضوع نسخهٔ رشحات «حالات و کرامات و کردار خواجه ناصر الحق عبیدالله معروف به حضرت عبیداللهی ولایت پناهی و «احوال و اطوار سلسلهٔ خواجگان و خلفا و اصحاب ایشان و خوارق عاداتشان» است و روی هم رفته در طریق سلسلهٔ **«نقشبندیه»** سیر می کند. و تقسیمات آن بر اساس «مقاله» و «مقصد» و «رشحه» قرار دارد و شامل یک «مقاله» و «سه مقصد» و «یک خاتمه» و «چندین رشحه» است. شجره نامه یا نسب نامه و زندگینامهٔ عرفا و صوفیه را به تفصیل شرح کرده و همهٔ مآخذ را به دست داده است. متن نسخه از نثر و نظم فارسی آمیخته است و مثنوی های کوتاه و رباعی‌ها و قطعات و مفردات اشعار و دو بیتی‌ها را شامل می شود. وقتی که از «حضرت ولایت پناهی عبیداللهی» سخن به میان می آورد مقصودش «حضرت ولایت خواجه ناصرالحق والحقیقه عبیدالله» است که مؤلف همهٔ مطالب کتاب را از مجلس درس و از افادات و تقاریر او گرفته است و این مسأله را در مقدمهٔ نسخه به تفصیل شرح داده‌است. در آغاز و انجام و در کنارهٔ صفحات یادداشتها و توضیحات و اشعار از یاد رفته را کتابت کرده اند. سه بیت دربارهٔ «مجدد الف ثانی» و چند بیت از شعرای دیگر در اوایل و اواخر نسخه آمده است. از جمله:

مجدد الف ثانی مهربان باد   همیشه دستگیر مخلصان باد

یا: بنگر که مرا یار چه گفته است امروز   بر غیر مرا در منگر دیده بدوز
دردی که من از عشق تو دارم حاصل   دل داند و من دانم و من دانم ودل

در یک جا نوشته «کتاب رشحات عین الحیات سنهٔ ۱۲۸۵».

روی‌هم رفته نسخه‌یی است خوش خط و بدون عیب، سهوالقلم کاتب کمتر دارد، حروف «گ» و «چ» مانند «ک» و «ج» است. حروف اضافه «ب» و لفظ «می» به کلمهٔ مابعد خود پیوسته است.

۲۹۰ و ۸۹۰
۴۱۲

رشحات عین الحیوة

[ادب و دین، عرفان، فارسی، منثور و منظوم]

۱- اندازه :- بیرونی : ۲۴/۵×۱۴×۳ س م . - درونی : ۲۳ س ۵/۱۶×۵/۷ س م .

۲- اوراق : ۲۳۱ ورق . ۴۶۰ صفحه .

۳- کاغذ : نازک زرد تیره رنگ جهانگیری (لاهوری) ، اندکی کرم خورده ، اندکی وصالی شده ، جلد مقوایی و پرمی سیاه یک پارچه .

۴- خط : نستعلیق خوش ، روشن ، خوانا ، پخته ، عنوانها و نشانها و سر فصلها و خط های رسم شده بربالای الفاظ و کلمات شواهد شنگرف ، جدولهای ۶ خطی کنارهٔ متن نسخهٔ لاجوردی و شنگرف و سیاه و زرین . قرن ۱۱ ه‍ ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

۶- مؤلف : «فخرالدین علی بن الحسین الواعظ الکاشفی المشتهر بالصفی متوفی ۹۱۰ ه‍ ق» نام تألیف «رشحات عین‌الحیات» ، تاریخ تألیف : «۹۰۹ ه‍ ق» (رک : رشحات عین الحیات ۳۴۵/۲۹۰ و ۸۹۰) .

۷- آغاز : یک ورق افتاده و به خط تازه افزوده شده است : «بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لمن رش رشحات الحقایق و الحکم علی قلوب العارفین بفیضه الاقدس الا قدم و الصلوة علی مظهر الاتم و مظهر او تیت جوامع الکلم لیکمل بها طوائف الامم و الصلواة و السلام علی آله و اصحابه مفاتح الکرم و مصابح الظلم اما بعد چنین گوید» .

۸- انجام : «رباعیه» ،

آن کرم روان که عالم از غلغل شان ... پر بود سفر فتاد ازین عالم شان
بیچاره صفی جون سگکی سوخته پای ... افتان خیزان از عقب قافله شان

قطعهٔ عربیه فی تاریخ اتمامها

رشحات‌عین‌حیوتناوصلت‌الی‌روض‌المنی ... فتبارک‌الله‌الذی اعطی الوری برکاتها
لما رأیت تمامها فشرعت فی تاریخها ... ما کنت‌عطشانالہ قد فاض من رشحاتها

رباعیهٔ فارسیهٔ ایضاً فی تاریخ الاتمام

آمد رشحات ما کثیر البرکات چون آب خضر منفجر از عین حیات
یابند محاسبان سنجیده صفات تاریخ تمامش از حروف «رشحات»

۹- چگونگی: موضوع این نسخه «ادب و دین و عرفان و تصوف» مخصوصاً شرح حال و آثار و کلمات و انفاس عرفا و خواجگان طریقه و سلسلهٔ نقشبندیه است. نثر فارسی آن آمیخته با اشعار برگزیده از شاعران و عارفان مشهور و گاهی از مؤلف که «صفی» تخلص می کند. تقسیمات آن بر اساس «مقاله» و «مقصد» و «رشحة» و «خاتمه» نهاده شده است. شرح حال عرفا و ادباو خواجگان نقشبندیه را تحت نام آنها می آورد و سپس هر کدام را در چند رشحه شرح می دهد. مثلاً خواجه علی را متینی را در ۱۶ رشحه شرح داده و مولانا سعدالدین کاشغری و فواید انفاس وی را نیز در ۱۶ رشحه. آنگونه که مؤلف در مقدمه شرح داده است در مجالس تقریر خواجه عبیدالله نقشبندی در سال ۸۸۹ و ۸۹۳ حضور می یافته است و آنچه که می شنیده به خاطر می سپرده و کتابت می کرده است و با خود می داشته تا بعد از ۱۶ سال در سال ۹۰۹ هـ ق آنها را تألیف و تلفیق کرده و ترتیب و تبویب ساخته و از کتب و رسائل سلسلهٔ خواجگان و خلفا و اصحاب نقشبندیه بهره مند گشته و سرانجام تألیف خود را به نام رشحات = ۹۰۹ به اتمام رسانیده است. رسم الخط این نسخه فارسی و از سهو القلم کاتب دور و حروف «پ» و «چ» و «گ» مانند «ب» و «ج» و «ک» کتابت شده است. حروف و الفاظ «به» و «می» و «نه» همه جا متصل است. از آغاز یک صفحه مفقود شده که بعداً با خط جدید نوشته و افزوده اند. در کنارهٔ صفحات چند توضیح و مطلب از یاد رفته کتابت شده است. نسخه های خطی و چاپی آن فراوان است.

روض (یا: روضة) الریاحین فی حکایات الصالحین $\frac{۸۹۰}{۴۹۴}$

[ادب، عرفان و سرگذشت، فارسی، منثور]

۱- اندازه: —بیرونی: ۲۵×۱۴/۵×۳ س م. — درونی: ۱۵ س ۱۶×۸/۵ س م.
۲- اوراق: ۱۹۴ ورق. ۳۸۸ صفحه.
۳- کاغذ: ضخیم زرد تیره رنگ هندی طرح سمرقندی، وصالی شده، آب رسیده، کرم خورده، جلد مقوایی ملون، با عطف چرمی سرخگون.

۴- خط : نستعلیق ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشان‌ها و سر فصلها و جدولهای ۲ خطی کنارهٔ متن شنگرف ، قرن ۱۰ ه ق .

۵- کاتب : «عزیز محمد بن ملک چندر بلوچ القادری الهاشمی» ، تاریخ کتابت : «۱۰۷۱ ه ق» : «تمت تمام شد ، کار من نظام شد ، فی تاریخ ۲۹ بیست نهم ماه ذالحجه روز پنجشنبه سنهٔ ۱۰۷۱ من مقام حیدر آباد در خانقاه بندگی حضرت سیادت پناه ملاذ محقق قبلهٔ متحقق میران سید عبدالقادر المشهور بحضرت صاحب ابن سید السادات خلاصهٔ آفتاب آسمان هدایت ماه بروج فتوت حاوی راه حقیقت حضرت میران سید حسین ابن حضرت سید مسعود الحسنی الحسینی القادری کاتب الحروف اضعف عباداللہ الغنی فقیر الحقیر کمترین مملوکان مشایخان سلسلهٔ قادریهٔ عالیه عزیز محمد ابن ملک چندر بلوچ القادری الهاشمی نوشته شد مرتب برای فیض یافتن خود» .

۶- مؤلف : نام مؤلف معلوم نشد ، نام تألیف ظاهراً «روض (یا : روضه) الریاحین فی حکایات الصالحین» است . اما به «مناقب میران میر» شهرت دارد . تاریخ تألیف معلوم نشد ، در صفحهٔ ۳ چنین آمده است : «و بندگی شیخ الاسلام قطب الانام شیخ عبدالله یافعی نزیل الحرمین الشرفین قدس الله روحه این کتاب را علی سبیل التکمله لروض الریاحین فی حکایات الصالحین تألیف فرموده و در آن ذکر کرده که بسی علماء زمان و فقهاء و محدثان و بعضی مشائخ» .

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین الحمد لله رب العالمین و العاقبه للمتقین والصلواة علی رسوله محمد و آله و اصحابه اجمعین میگوید اضعف العباد اصلح الله شانه که چون کتاب خلاصه المفاخر فی مناقب غوث الملکوت قطب الصمدانی شفیع الربانی شرف الاقطاب سید السادات سید محی الدین السید عبدالقادر الحسنی الحسینی الجعفری الجیلانی رضی الله» .

۸- انجام :

قفا ههنا فی راس نهرالنبوة عیونهم ملاها من نهر النبوة ممتلی
بجدواک یا بحر الندی عبد قادر اتی یافعی ذوافتقار و زو محل
فسبحانک اللهم ربنا مقدسا و واسع فضل للوری افضله مولی

الحمد لله وحده و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه وسلم تسلیما کثیراً کثیراً الهنا اغفرلنا ذنوبنا برحمتک یا ارحم الرحمین» . (رک : ۵- کاتب) .

۹- چگونگی : این نسخه در موضوع «حکایات عرفانی و اخلاق و تربیتی مشایخ سلسلهٔ قادریه» است . تقسیات آن بر اساس «حکایت» و اسامی «مشایخ» و «عرفا» است و جمعاً . . ۲ حکایت دارد که از آغاز تا انجام به ترتیب اعداد ترتیبی آمده است. در آغاز و انجام و کناره و گوشهٔ صفحات یادداشت های ادبی و توضیحات عرفانی به زبان عربی و فارسی کتابت شده است . اسامی مشائخ و عارفان و پیران سلسلهٔ قادریه و مطالب وجد و سماع و قول و فعل عارفان و مراقبه و مکاشفه و مشاهدهٔ آنان در این نسخه آمده است. گویا اصل نسخه به زبان عربی بوده که به زبان فارسی ترجمه شده است . نثر فارسی آن روان و ساده و دارای شور و جذبه است و میتوان آنرا «نثر عرفانی» گفت. ۳ تا ٤ ورق از اواسط نسخه افتاده است و حکایات ۱۵۳ و ۱۵٤ و ۱۵۵ مفقود است . شاید این نسخه منحصر بفرد باشد چون نظیر این نسخه را در هیچ جا ندیده ام .

۲۹۰
۵۱۰

روضة الشهداء

[دین ، شیعهٔ اثنی عشریه ، تاریخ ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۱/۵ × ۱٤ × ۱/۵سم. — درونی : ۱۵ س ۱۷/۵ × ۹/۵ سم.

۲- اوراق : ۱۱۵ ورق . ۲۳۰ صفحه .

۳- کاغذ : نازک و ضخیم جهانگیری و کشمیری ، کرم خورده ، اندکی وصالی شده ، جلد مقوایی ملون با عطف و گوشهٔ چرمی شیرازه دار.

٤- خط : نستعلیق ، خوانا ، پخته ، روشن ، عنوانها و نشانها و سر فصلها شنگرف ، جدولهای سه خطی کنارهٔ صفحات سیاه و شنگرف ، قرن ۱۱ ھ ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

۶- مؤلف : «حسین واعظ الکاشفی متوفی ۹۱۰ ھ ق» ، نام تألیف : «روضة الشهداء» ، تاریخ تألیف تقریباً : «۹۰۸ ھ ق» . در سنهٔ ۱۲۸۷ در لاهور چاپ شده است و به ترکی ترجمه شده است و اضافاتی در ترجمه آمده . مترجم «فضیلی» شاعر ترک نژاد .

۷- آغاز : «ای شربت درد تو دوای دل ما آشوب بلائی تو عطای دل ما
از نامهٔ حمد تو شفای دل ما و ز نام حبیب تو صفای دل ما»
حضرت صبور بی ملال و شکور بیزوال عظمت عطیاته و طابت بلیاته
در کتاب کریم و کلام لازم التکریم زمرهٔ بلا رسیده کان میدان محبت و محنت
کشیده کان معرکه بعیثت را بدین خطاب دلنواز معزز و سرفراز ساخته».

۸- انجام : ای شمر از سینهٔ من بر خیز که وقت نماز است تا من روی
بقبله آورم و نشسته نماز در پیوندم و جون مرا از بدر میراث است که در
نماز زخم خورم اکرتان که در نماز باشم هر چه خواهی با من بکن . شمر
لعین از سینهٔ آن حضرت برخاسته شاهزاده آن مقدار قوت داشت که روی
بقبله آورده بنماز مشغول شد . جون بسجده رفت شمر صبر نکرد که آن امام
معصوم مظلوم از نماز فارغ شود وهم در سجدهٔ اول آن حضرت با نصرت
را شربت شهادت چشانید انا لله و انا الیه راجعون غفرانک ربنا و الیک
المصیر شعر دریای خیته موج . . . . . بوقت تتلش از هر ذرهٔ آواز می آمد
که نفرین خدا بر شمر و بر انصار و عوانش باد بیش باد و کم مباد لعنت
خدا بر شمر و عمر سعد و ابن زیاد بر نهید» .

۹- چگونگی : این نسخه یکی از تألیفات ملا حسین واعظ الکاشفی است که «روضه الشهدا»
نام دارد . موضوع این نسخه زندگی و سیرت حضرت محمد (ص) و حضرت
علی مرتضی (ع) و فاطمه الزهرا خاتون جنت و حضرت امام حسن و
حضرت سید الشهدا و حضرت امام حسین (ع) و دیگر ائمه است ، و
مشتمل بر ده باب است . باب اول در بارهٔ زحمتهایی که به پیامبر
دادند و باب دوم در بارهٔ آزار هایی که به پیامبر رسید و در بارهٔ شهادت
حضرت حمزه و حضرت جعفر ابن ابو طالب و باب سوم در بارهٔ وفات پیغمبر
اسلام است و قس علی هذا نثر فارسی آن روان و ساده و به شعر و کلمات
بلیغ و فصیح آراسته است .

روضة الصفا فی شرف الانبیاء والملوک و الخلفاء

۸۹۰ و ۹۵۰
۴۴۹

[تاریخ و ادب ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- اندازه : - بیرونی : ۴۵ × ۲۸/۵ × ۵/۵ سم . - درونی : ۲۵ س ۳۰ س × ۱۹ سم .

۲- اوراق : ٤٣١ ورق . ٨٦١ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم و نازک سفید رنگ کشمیری (طرح سمرقندی) ، اندکی وصالی شده ، جلد مقوایی چرمین سرخ ، ضربی و منقش .

٤- خط : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سر فصلها و نشان ها و خط های رسم شدۀ افقی بر بالای الفاظ وکلمات شنگرف ، قرن ۱۲ ه ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

٦- مؤلف : «محمدبن خاوند شاه بن محمود متوفی۹۰۳ ه ق»، نام تألیف: «روضۀ الالصفافی شرف الأنبیا و الملوک والخلفا» ، تاریخ تألیف معلوم نشد اما در عهد «نظام الدین علی شیر» تألیف شده است : «اما بعد چنین گوید راقم این حروف الفاظ ظاهرة المعانی .... محمد بن خاوند شاه بن محمود ..... که (به عهد) نظام الدولۀ والدین علی شیر متع الله المسلمین بدوام اقباله و انجح بالخیر جمیع مقاصده ..... این کتاب موسوم بروضۀ الاصفا (الصفا) فی شرف الأنبیاء والملوک والخلفا بر مقدمۀ او هفت قسم و خاتمه زینت یافت» .

۷- آغاز : جلد اول (ص ۲) «بسم الله الرحمن الرحیم ، زیب فهرست نسخۀ مفاخر انبیاء عالیمکان و زینت دیباچۀ مجموعۀ مآثر سلاطین گردون توان شکر منعمیست که مبدعات عالم نبات بر خوان احسان او نواله ایست و رشحات سرچشمۀ حیوة از بحر امتنانش پیاله ،متکلمی که لسان مقال فصحای عرب درکلمات فصاحت آیاتش عاجز و الکن و زبان بلغای عجم در وصف مقالات بلاغت سماتش قاصر و ابکم است» .

۸- انجام : ایضاً ، (ص۳۸۹) : «ذیل عفو و دامن تجاوز بر آن پوشیده و بعد ازین شروع در قسم دویم ازین کتاب ایرادبندی از حکایات حضرت رسول اکرم و آل و اصحاب صلی الله علیهم اجمعین با سوانح وقت از فیض ربانی مأمولست و حسن قبول خاطر فیض مقرب حضرت سلطانی مسئول اند علی مایشاء قدیر و بالاجابت جدید والسلام علی من اتبع الهدی تمت الکتاب بعون الملک الوهاب و الله اعلم بالصواب تم تم تم» .

-آغاز : جلد دوم ، (ص ۳۸۲) : «عنوان صحیفۀ مرادات ، و فهرست مجموعۀ سعادات مبنی از حکایات ناقدان سیر عظام سلف ، و مبنی بروایات ناقلان

خیر کرام خلف ، حمد و ثنای واجب الوجودی است که هستی موجودات پرتوی از مقتضای جود و احسان اوست فایض الجودی که مجموع مخلوقات خلعتی از خزانه بر و امتنان او» .

–انجام : ایضا ، (ص ۸۶۱) : «حضرت باری سبحانه و تعالی نفس نفیس و ذات بی بدیل این امیر روشن ضمیر را بر سریر کامرانی تا قیام قیامت معزز و ممکن داراد و بمطالب دنیوی و مآرب اخروی این صاحب مکنت را برسانی بمنه و فضله وکرمه و طوله و هیچ شک نیست که در اوقات این دعا کروبیان عرش و مقیان فرش را واجب بود که دست بآیین بر آورند والسلام اللهم اغفرلی ولمن نظرقرأ فیها ولجمیع المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات برحمتک یا ارحم الراحمین» .

۹- چگونگی : این نسخه شامل مقدمه و جلد اول و دوم تاریخ معروف «روضه الصفاء» است که اصل آن «روضه الاصفیا فی شرف الانبیاء و الملوک والخلفاء» است و موضوع آن تاریخ کلیهٔ وقایع و حوادث جوامع بشری است از آغاز خلقت تا عهد مؤلف بر حسب اندیشه و روش و درک وی . تقسیمات آن بر اساس یک مقدمه و «هفت قسم» یا «هفت جلد» و یک «خاتمه» است :

مقدمه : دربیان فواید علم تاریخ و احتیاج ارباب فرمان بدان .

قسم اول : در بیان اول مخلوقات و ذکر جان و وقایع ملوک عجم .

قسم دوم : در بیان غزوات و حالات سید المرسلین و خلفای راشدین .

قسم سیوم : در بیان وقایع‌واحوال ائمهٔ اثنی عشروبنی امیه و خلفای عباسیه.

قسم چهارم : در قضایای پادشاهان که معاصران عباسیان بوده اند .

قسم پنجم : در بیان خروج وتسلط پادشاهان جهانگیرچنگیزخان و اولاد او در ایران و توران .

قسم ششم : در بیان ظهور و جلوس امیر تیمور گورکان و حالات او .

قسم هفتم : در بیان فرمان روایی ابوالغازی سلطان حسین بهادر خان .

خاتمه : در بیان حکایات متفرقه و حالات مختصهٔ موجودات‌ربع مسکون .

هر کدام از این تقسیمات به «فایده» و «شرط» و «ذکر» و «صفت» منقسم است و ذیل هرکدام بر حسب اندیشهٔ مؤلف ، موضوعی آمده است . این

دو جلد از آغاز خلقت بشر تا خلافت حضرت علی (ع) و ظهور «خوارج» و شهادت آن حضرت را در بردارد. نثر فارسی آن با اشعار فارسی و آیات و کلمات مشایخ و بزرگان علم و ادب آمیخته است و به «سبک اصفهانی» و «سبک عراق» می‌ماند. سهوالقلم کاتب اندک دارد. در آغاز و اواسط و انجام این نسخه نشان چند مهر آمده است، که بعضی از آنها اینگونه خوانده شد، «محمد اکرم»، «محمد کامل»، «دین محمد کامل است راقمه معمور؟».

۹۵۰/۵۶۰ روضة الصفا فی سیرة الانبیاء و الملوک و الخلفاء

[تاریخ، فارسی، منثور و منظوم]

۱- اندازه : —بیرونی : ۵/۲۵×۵/۱۷×۵/۵ س‌م. —درونی : ۱۷س ۵/۱۹×۱۱س‌م.

۲- اوراق : ۵۳۲ ورق. ۱۰۶۴ صفحه.

۳- کاغذ : نازک نخودی رنگ سمرقندی، آب رسیده، جلد مقوایی و چرمی ضربی، پوسیده با عطف کرباسی خاکی رنگ.

٤- خط : نستعلیق خوش، خوانا، روشن، پخته، عنوانها و سر فصلها و نشانها و خط های افقی رسم شده بر بالای جملات عربی و اسامی اعلام شنگرف، جدولهای ۵ خطی کناره‌های متن شنگرف و سیاه و زرین، قرن. ۱و ۱۱ هـ ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

٦- مؤلف : **«محمد بن خاوند شاه بن محمود متوفی ۹۰۳ هـ ق»**، نام تألیف : **«روضة الصفا المجلد الثانی»**، تاریخ تألیف : **«در عهد امیر علی شیر نوایی»**. در صفحهٔ ۳ چنین آمده است : «اما بعد چنین گوید اضعف عباداالله محمد بن خاوند شاه .... چنانچه در دیباچهٔ کتاب ثبت افتاد لا جرم بعد از فراغ از مقالهٔ اول .... همت قاصر را به تألیف مجلدی متصور گردانیده آمد .... (به اشارت) نظام الدولة والدنیا والدین امیر علی شیر» (رک : روضة الصفا فی سیرة الانبیاء و الملوک و الخلفاء ۹۵۰/٤٤۹ همین کتاب).

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم، المجلد الثانی فی سیر خاتم النبیین (ص) و خلافهٔ

اصحابه (رض) عنوان صحیفهٔ مرادات و فهرست مجموعهٔ سادات مبنی از حکایات نامیان سیر عظام سلف و محتوی بر روایات ناقلان خبر کرام خلف حمد و ثنای واجب الوجودی است که هستی جمیع موجودات پرتوی از مقتضی جود و احسان اوست فایض الجودی که خلقت مجموع مخلوقات خلعتی از خزانهٔ بر و امتنان او».

۸- انجام : «و از نسایم خلق کریمش درخت فنا در باغ رجا بارور گشته ،
نسیم گل چو به خلق تو نسبتی دارد بصد زبان بستاید هزار دستانش
حضرت باری سبحانه و تعالی نفس نفیس و ذات امیر روشن ضمیر را بر سریر کامرانی تا قیام قیامت معزز و ممکن دارد و به مطالبت دنیوی و اخروی این صاحب مناقب ذوی مکنت را برساند بمنه و فضله و کمال کرمه و طوله ، و هیچ شک نیست که در اوقات این دعا کروبیان و مقیمان خطهٔ فرش را واجب بود که دست آمین بردارند آمین یا رب العالمین تم الکتاب بعون الملک الوهاب فی شهر رمضان المبارک تم (۱۵ بار)».

۹- چگونگی: این نسخه جلد دوم تاریخ معروف «روضة الصفا فی سیرة الانبیاء و الملوک و الخلفا» است . کاتب در آغاز نسخه به خط نستعلیق خوش شنگرف نوشته است : «حبیب السیر» و نیز این یادداشت آمده است : «این کتاب جلد ثانی حبیب السیر جناب سردار عالیجاه محمد عزیز خان بسر وی عطا فرموده محرره یوم شنبه ۲۰ شهر جمادی الثانی سنهٔ ۱۳۰۶ هجری ، احمد شیرخدا» تقسیمات آن بر اساس «گفتار» ، «ذکر» و دیگر عنوانات است که از طرف مؤلف برگزیده شده است و کلیهٔ مطالب این جلد دربارهٔ اعمال و گفتار حضرت محمد بن عبدالله پیامبر اسلام (ص) و خلفا و تابعین و معاصران آنها است. نثر فارسی آن با آیات قرآنی و احادیث نبوی و اشعار فارسی و کلمات مشایخ و مطالب تاریخی و ادبی آمیخته است. فهرست مطالب نسخه به خط تازه در ۵ صفحه در آغاز آمده است . در آغاز این نسخه یک یادداشت ولادت راجع به «محمد غوث» که در سال ۱۳۰۴ ولادت یافته آمده است و نشان یک مهر دارد : «منصف الدین» ، در صفحهٔ آخر چند شعر آمده است از جمله این دو بیتی :

«سر زلف ترا چین آفریدند لبت دیدند و ما چین آفریدند
مرا هم صحبت فرهاد کردند ترا از جان شیرین آفریدند»

۸۹۰
۳۲۱

ساقی نامهٔ ظهوری

[ادب ، فارسی ، منظوم «مثنوی»]

۱- اندازه : —بیرونی ۱۸ × ۱۱ × ۲سم .—درونی : ۱۳ و ۱۸س ۱۳ × ۶/۵سم .

۲- اوراق : ۱۵۸ ورق. ۳۱۶ صفحه.

۳- کاغذ : نازک سفید رنگ خاکستری رنگ سپاهانی ، کرم خورده ، آب رسیده ، جلد تیماجی سیاه و نقش دار و مندرس .

۴- خط : نستعلیق متوسط، خوانا، روشن، پخته، عنوانها و نشان‌ها شنگرف. قرن ۱۲ ه ق .

۵- کاتب : «کردیت»، تاریخ کتابت صریح و واضح معلوم نشد ، اما عدد «۱۹» که گویا سال جلوس پادشاهی یا حکمرانی باشد در آخر آمده است : «این کتاب ساقینامه بدستخط کردیت ساکن امراکوت از بار عزیز داده رحم الله سمت تحریر یافت» .

۶- مؤلف : یا (شاعر) «ملا : نور الدین ظهوری ترشیزی» ، نام تألیف یا (مثنوی) : «ساقی نامه»، تاریخ تألیف : (سرودن) : «۹۹۹ تا ۱۰۰۳ ه ق». ملا نور الدین ظهوری ترشیزی در نیمهٔ دوم قرن دهم هجری در ترشیز (خراسان) ولادت یافت و در ۹۸۰ه ق به هند رسید و در ۱۰۲۵ ه ق در بیجاپور درگذشت (رک : فهرست نسخه‌های خطی بریتیش میوزیم ، ج ۲ ، ص ۶۷۸—۲۷۹، گنج سخن، تألیف دکتر ذبیح الله صفا ، ج۳، ص۷۷—۸۰، تذکرهٔ میخانه ، تألیف ملا عبدالنبی فخرالزمانی به تصحیح احمدگلچین معانی،ص ۳۶۳—۴۱۲) .

۷- آغاز : «ساقی‌نامه ، هوالمستعان ، رب یسر ، بسم الله الرحمن الرحیم ، تمم الخیر ،

ثناها همه ایزد پاک را — ثریا ده طارم تاک را
که خورشید را صورت جام ازوست — شراب شفق در خم کام ازوست
ازو لالهٔ نشأ بر فرق می — وزو شکرین نغمه در کام نی
رگ تاک امید دانم ازوست — لگ‌کوب مستی سر غم ازوست
سکون در رهش هم عنان با شتاب — ازوست گر ذره گر آفتاب
پرستار او رندی و زاهدی — طلبکار او دیری و مسجدی
یکی در حرم پای بست نماز — یکی در خرابات مست نیاز»

۸- انجام : «بصد دیده بخت تو تا روز حشر چو عاشق شب وعده بیدار باد
ز غیب اختر طالعت زار بخت سعادت هزار آسمان وار باد
کفت ریخت خم در ایاغ سخا زبان طلب و مست سرشار باد
به مدح تو بر صفحهٔ روزگار مضامین کمیاب بسیار باد
می بیخمار ولای ترا خم از سینهٔ مست و هشیار باد
ظهوری زحد می رود گفت و گو موافق به اتمام گفتار باد
بیا ساقی ای تلخ شیرین زبان بخاک لبم مهر نه بر دهان
که کردی به حرفی سخن ها تمام چو در آخر نام او السلام
تمت الکتاب بعون ملک الوهاب».

۹- چگونگی: موضوع این نسخه که «ساقی نامهٔ ظهوری» نام دارد ، وصف سماع و قول و ساقی و میخانه و می و میفروش و اهل میخانه و عشق و مطرب و پان و رقاص و مجلس و اهل مجلس و بهار و مذمت زاهد و روزگار و اهل روزگار و دیگر مسائل عصر شاعر است. ضمناً از عدل و انصاف و قانون دوستی و صفا و وفا گفت و گومی کند و از پادشاهان روزگار خود هم نام می برد ، از جمله «برهان شاه» و «عباس شاه» یا «شاه عباس» :

«دکن از ارم رونما خواست است که از عدل برهان شه آراست است
چو در وصف عدلت به تقریب این کنم نقلی از شاه ایران زمین
خدیو فلک رتبه عباس شاه که در برج ملکست تابنده ماه
جهان روشن از شمع انصاف اوست سحر پرتو سینهٔ صاف اوست»

این نسخه در حدود ۵۰۰ بیت دارد و در بحر متقارب مثمن محذوف یا مقصور سروده شده است : «فعولن فعولن فعولن فعول یا فعل». لابلای ابیات مثنوی چند غزل بر وزن همین ساقی نامه هم گنجانده شده است از جمله در صفحهٔ ۶۶ تا ۶۷ یک غزل به مطلع :

«براه غمت پاز سر ساختیم زهر موی صد بال و پر ساختیم

و مقطع :

ظهوری ازین توبه در هم مباش که با ساقی عشوه گر ساختیم»

و غزلی دیگر در صفحهٔ ۷۱ تا ۷۲ آمده است به مطلع :

زگل عار دارد گریبان ما در آوخت خاری به دامان ما

نسیم بهار محبت وزید سمن می فشاند مغیلان ما»
و مقطع :
«ظهوری دگر راهزن زلف کیست که زنارمی بندد ایمان ما»
درمیان سطرها و کنارهٔ صفحات و در آغاز و انجام این نسخه یادداشت ها و توضیحات و ابیات از یاد رفته و معانی لغات به خط وکتابت های مختلف آمده است. ساق نامهٔ ظهوری در لکهنؤ و کانپور به سال ۱۲۷۲ هـ ق چاپ شده است.

۸۹۰
۳۳۷

سبحة الابرار

[ادب ، توحید و عرفان و اخلاق ، فارسی ، منظوم «مثنوی»]

۱- اندازه : ـبیرونی : ۵/۲۲×۱٤×۵/۱ سم .ـدرونی : ۱۳ س ۵/۱٤×۵/۷ سم .

۲- اوراق : ۱۰٦ ورق . ۲۱۲ صفحه .

۳- کاغذ : نازک زرد تیره رنگ سمر قندی، آب رسیده ، اندکی و صالی شده، بدون جلد .

٤- خط : نستعلیق خوش خفی ، روشن ، خوانا ، پخته ، عنوانها و سر فصل ها خط ثلث لاجوردی و زرین ، جدولهای میان سطرها و عنوانها دو خطی سیاه و زرین ، جدولهای کنارهٔ صفحات لاجوردی و سیاه و زرین . قرن ۱۰ هـ ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

٦- مؤلف : یا شاعر «مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی ۸۱۷-۸۹۷هـ ق» ، تاریخ تألیف یا تصنیف : «۸۸۷هـ ق»، نام تألیف:«سبحة الابرار» ، در صفحهٔ ۱٦ چنین آمده‌است :
«سبحهٔ شد پی ابرار تمام خواندمش سبحة الابرار بنام
میرسد عد عقودش بجهل هر یک از دل کره جهل کسل
اربعینی است که در های فتوح زو کسادست بخلوتکه روح»

۷- آغاز : ناقص است و اوراق چند افتادگی دارد و چنین آغاز می شود :
«سلک دندانت بخون پنهان شد رشتهٔ لؤلوی تر مرجان شد
کس نکرد است ز دل سنگینی در پاکیزه بدین رنگینی
نخل تلسی و رطب تازه لبت خسته از سنگ خسیسان رطبت

یعنی از گوش خسان در تو تنگ / داردای خواجه ازین بس لب و سنگ
گوییا صیرفی ملک و ملک / زد از آن سنگ زرت را بمحک»

۸- انجام : ناقص و افتادگی دارد ، و اینگونه آغاز می شود : «مناجاة در انتقال از وصلت فرزند بنصیحت فرزند نفس خود ،

ای مراد دل تنها شدگان / مونس وحدت یکتا شدگان
سایهٔ صحبت تو تنهائی / سایهٔ وحدت تو یکتائی
فرخ آنکس که به تنهایی ساخت / رخش در عالم یکتائی تاخت
دیده را کحل شهود تو کشید / چون ترا دید دگر هیچ ندید
جز تو مقصود نداند کس را / بلکه موجود نخواند کس را
که بخواهد ز درت خواهد و بس / ور بکاهد ز غمت کاهد و بس
از وصال ....»

۹- چگونگی: موضوع این نسخه که مثنوی «سبحة الابرار» نام دارد ، ادب و اخلاق و حکمت و نصیحت و پند و اندرز و موعظه و حکایت های تمثیلی و داستانی است و تقسیمات آن بر اساس «عقد» نهاده شده و جمعاً «۴۰ عقد» دارد :

«میر سد عد عقودش بجهل / هر یک از دل گره جهل گسل»

وزن آن از مزاحفات بحر رمل مسدس مخبون محذوف است «فاعلاتن فعلاتن فعلات یا فعلن» و روی هم رفته در حدود ...۵ بیت دارد . جامی این مثنوی سبحة الابرار را در سال ۸۸۷ ه ق سروده و به «سلطان حسین» اهدا کرده است :

«بین ز فیض ازل این اکرامش / که جووی هست گرامی نامش
ذاتی از تاجوری یافته زین / تاج سلطان بود و ذات حسین

در این نسخه حروف «گ» و «پ» و «چ» را به صورت «ک» و «ب» و «ج» کتابت کرده و زیر حرف «ی» دو نقطه و زیر حرف سین ، سه نقطه گذارده اند . این نسخه بسیار خوش خط و زیبا است و کاملاً معلوم است که تصاویر و مینیاتورهایی داشته اما دزدان علم و ادب و هنر آنها را کنده و به یغما برده اند. مثنوی سبحة الابرار چاپ شده است.

۸۹۰
۴۲۰

سبحة الابرار

[ادب ، توحید و عرفان و اخلاق ، فارسی، منظوم «مثنوی»]

۱- اندازه : –بیرونی : ۲۱×۱۴/۵×۱ سم .–درونی : ۱۱ س ۱۲×۶ سم .

۲- اوراق : ۶۲ ورق . ۱۲۴ صفحه .

۳- کاغذ : ضخیم زرد روشن رنگ فرنگی ، جلد مقوایی زردگون با عطف وگوشهٔ پارچه‌یی .

٤- خط : نستعلیق آمیخته با شکسته ، خوانا ، روشن ، پخته ، قرن ۱۳ ھ ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

٦- مؤلف : یا (شاعر) : «مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی ۸۱۷–۸۹۷ ھ ق»، نام تألیف : «سبحة الابرار»، تاریخ تألیف «۸۸۷ ھ ق» (رک : سبحة الابرار ۳۳۷/۸۹۰) .

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

المنت لله که بخون گر خفتم یکچند چو غنچه عاقبت بشکفتم
از کش مکش چرخ بسی آشفتم کز گوهر راز سبحه داری گفتم

سبحان الله این چه گوهرهاست که در زبان احسان از رشحات سحاب فضل در صدف صدق گرد آمده و بدستیاری غواص فکرت از قعر بحر حکمت بساحل نطق افتاده و ناطقهٔ هر یک را بمثقب تأمل سفته و بالماس تعمق بغور آن در رفته» .

۸- انجام : آشفته و ناقص است واینگونه ختم می شود :

«گفت پندار که از مال و منال کشتی بود ترا مالا مال
بحر موجی زد و کشتی بشکست پاره‌یی تخته ات افتاد بدست
شدی از هول برآن تخته سوار بعد یک ماه رسیدی بکنار
با خود انگار که بودت به زمین قاف تا قاف جهان زیر نگین
برتو زین دایرهٔ حادثه ناک ریخت رنجی که رسیدی بهلاک»

۹- چگونگی: موضوع این نسخه «حمد و توحید پروردگار و اثبات ذات» اوست و ضمناً تمثیلات گونا گون عرفانی و دینی و اخلاق را آورده است . تقسیمات آن براساس «عقد» است و جمعاً ٤۰ عقد دارد و هر عقد بر چند حکایت منقسم

است. اما در این نسخه فقط تا «عقد دوازدهم» موجود است و به طور کلی نسخه‌یی است آشفته و درهم و به خط دو کاتب و با دو نوع مرکب (مداد) کتابت شده است. بعضی از ابیات از یاد رفته را در کنارهٔ حواشی نگاشته اند.

در حدود ۱۳۶۴ بیت دارد و بروزن «فاعلاتن فعلاتن فعلات» از مزاحفات بحررمل است. (رک: سبحة الابرار ۳۳۷/۸۹۰).

التنقیح لالفاظ الجامع یا شرح زرکشی بر صحیح بخاری ۲۹۰/۴۱۸

[دین، حدیث، عربی، منثور]

۱- اندازه : بیرونی : ۲۳/۵×۱۲/۵×۵/۵ سم. — درونی: ۱۷س ۱۴×۷ سم.

۲- اوراق : ۴۹۱ ورق. ۹۸۰ صفحه.

۳- کاغذ : نازک زرد تیره رنگ و براق کشمیری، اندکی کرم خورده، اندکی آب رسیده، اندکی وصالی شده، جلد مقوایی ملون با عطف پارچه‌یی سرخ.

۴- خط : ثلث خوش، خوانا، روشن، پخته. عنوانها و نشانها و سر فصلها و جملات متن شنگرف. قرن ۱۱ ه‍ ق.

۵- کاتب : «حافظ محمد مؤمن»، تاریخ کتابت: «۱۱۲۲ ه‍ ق». در صفحهٔ ۹۸۰ اینگونه آمده است: «الحمد لله حمداً یوافی نعمه و یکافی مزیده علی ان وفق هذا العبد الافقر الاحقر اعنی حافظ محمد مؤمن کاتب غفرالله له ولا سلافه باتمام شرح زرکشی بر کتاب صحیح بخاری بفرمایش فضیلت و کمالات دستگاه محمد عاصم غفرالله له و طال عمره و زاد قدره و شرح صدره حرره فی التاریخ ثمان من شهر شعبان المعظم روز جمعه سنه الف و مایه واثنا و عشرون من هجر النبوة اللهم اغفر لکاتبه ولصاحب کتابه ولجمیع المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات برحمتک یا ارحم الراحمین».

۶- مؤلف : یا (شارح): «ابو عبدالله بدر الدین محمد بن عبدالله الزرکشی»، نام تألیف (شرح): «التنقیح لالفاظ الجامع» یا «شرح زرکشی بر کتاب صحیح بخاری»، تاریخ شرح معلوم نشد. در صفحهٔ ۲ اینگونه آمده است: «و انما نشرح مایشکل و سمیته التنقیح لالفاظ الجامع» و در صفحهٔ ۹۸۰ اینگونه:

«قال المؤلف الشیخ الامام الحافظ العلامه¨ ابو عبدالله بدر الدین محمد بن عبدالله الزرکشی ختم الله الحمد لله حمداً یوافی نعمه» .

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله علی بالانعام و خص بالبیان والافهام والصلوة والسلام علی سیدنا محمد خیر الانام المبعوث بجمیع الکلام و علی آله و صحبه نجوم الظلام اما بعد فانی قصدت فی هذا الاملاء الی ایضاح ما وقع فی صحیح الامام الجلیل ابی عبدالله محمد بن اسمعیل البخاری رحمه الله من لفظ غریب او اعراب غامض او نسب عویض» .

۸- انجام : «و سبحان الله العظیم و بحمده ملاء المیزان و منتهی العلم و مبلغ الرضی وزنه¨ العرش وانا اسأل الله الکریم المنان ان یجعل جایز هذالکتاب القبول منه والرضوان والعفو و العافیه¨ و ان ینفع به قادیه¨ وکاتبه و الراجع الیه عند الاشکال بمنه و کرمه لا رب غیره ولا معبود سواه قال المؤلف الشیخ الامام الحافظ العلامه ابو عبدالله بدرالدین محمد بن عبدالله الزرکشی ختم الله الحمدلله حمداً یوافی نعمه و یکافی جریده» .

۹- چگونگی : موضوع این نسخه «حدیث» و «شرح الفاظ و کلمات مشکل احادیث صحیح بخاری» است . شارح درمقدمه می گوید : «بعضی الفاظ غریب و اعراب غامض و نسبت های غلط و روایات متشابه و خبرهای ناقص یا مبهم و اسامی مصحف یا تصحیف شده یا کلام مغلق را که در صحیح امام جلیل ابی عبدالله محمد بن اسمعیل بخاری آمده است ، توضیح داده و شرح کرده و روشن کرده ام و در همه جا کوشیده ام که وجه صحیح معانی لغات و صرف و نحو را به دست بدهم» . تقسیمات این نسخه بر حسب جملات و کلماتی است که از متن صحیح بخاری آورده شده است و سپس به توضیح و شرح و نقد آنها پرداخته است . در بعضی جای‌ها کاتب فرصت نکرده است ، «جملات متن» را کتابت کند و جای آنها خالی مانده است . در صفحه اول کتابت شده است : «هذا الکتاب المسمی بزرکشی شرح صحیح البخاری مالکه فقیر محمد» و کسی روی «فقیر محمد» را خط کشیده و نوشته است . «ملک احمد مشکین» .

۹۵۰
―
۵۱۶

سفر نامهٔ ناصر خسرو

[تاریخ وادب ، فارسی، منثور]

۱- اندازه : -بیرونی : ۲۵×۱۵سم .-درونی: ۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۲۲س ۲۰×۱۳سم.

۲- اوراق : ۵۶ ورق. ۱۱۲صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم خاکی رنگ هندی ، قدری آب رسیده ، و بر چند صفحات آخر لکه های روغن و چربی دارد . غیر مجلد .

٤- خط : نستعلیق مایل به نسخ ، اسمای امکنه و شهرها و باب های و آیات و اسمای رسول و پیغمبر و نشانه ها شنگرف. قرن ۱۳ه ق.

۵- کاتب : «میر احمد» ولد ارباب محمد خان مرحوم، تاریخ کتابت:«۱۲۹٦ه ق» . اینگونه در آخرمی گوید :

«تمت تمام شد کار من نظام شد بیوم سه شنبه هشتم ماه شعبان سنهٔ ۱۲۹٦ یکهزار دو صد و نود و شش بدست اضعف العباد میر احمد ولد ارباب محمد خان مرحوم ، هر که خواند دعایی دارم زانکه من بندهٔ گنهکارم».

٦- مؤلف : «ناصرخسرو قباد یانی متوفی ٤٦٦ه ق» ، نام تألیف ، «سفر نامه ٔ ناصر خسرو»، تاریخ تألیف : «سنه ٔ ٤۳۷ه ق» . (رک : ۷-آغاز).

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم چنین گوید ابو معین ناصر بن خسرو القبادیانی المروزی باب الله علیه که من مردی پر پشه بودم و از جمله متصرفان در اموال و اعمال سلطانی در کارهائی دیوانی مشغول بودیم و مدتی در آن شغل مباشرت نموده درمیان اقران شهرتی یافته در ربیع الآخر سنهٔ سبع و ثلثین و اربعمائه که امیر خراسان ابو سلطان جغربک داؤد بن میکائیل بن سلجوق بود از مرو برفتم بشغل دیوانی و بنج دیه مروالرود فرود آمدم که دران روز قران راس و مشتری بود».

۸- انجام : «و این سرگذشت آنچه دیده بودم براستی شرح دادم و بعضی که بروایتها شنیدم اگر در آنجا خلافی باشد خوانندگان ازین ضعیف نه دانند و مواخذت و نکوهش نکنند و اگر ایزد سبحانه تعالی توفیق دهد چون سفر طرف مشرق کرده شود آنچه مشاهده افتد با این ضم کرده شود انشا الله تعالی وحده

العزیز و الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد وآله واصحابه و اتباعه اجمعین فقد تمت سفر نامه ناصر خسرو بخط فقیر حقیر فیض الله بن میر احمد خان بفرمودهٔ مجرر نوشتم بدین سبب کمترین کم بضاعت هیچ مدان را سخن دانی لیاقت تقریر وسیاقت تحریر نبود اختتام شد».

۹- **چگونگی:** در آخر نسخه رساله یی مشتمل بر شش صفحه و نیم به خط شکسته در احوال گوناگون مصنف اضافه کرده شد است که ازو سلسله نسب مصنف و دیگر حالات علمی وغیره معلوم میشود ، سهوالقلم کاتب بسیار است ولیکن در بعض صفحات برکنار آنها تصحیح شده است ، موضوع آن سرگذشت و شرح حال شهرها و روستاها و بناها و مساجد کشورهای اسلامی است که در عهد مؤلف برقرار و آباد بوده‌اند . تقسیمات آن بر اساس موضوعاتی است که مؤلف برگزیده است مثلاً: قاهره ، صفت شهر قاهره ، سوق القنادیل ، مدینة الرسول ، صفت مدینة الرسول» .

۸۹۰
۴۵۶

سلسلة الذهب

[ادب ، عرفان و اخلاق ، فارسی ، منظوم «مثنوی»]

۱- **اندازه** : —بیرونی : ۱۷ × ۱۰/۵ × ۳ س‌م . —درونی : ۱۵ س ۱۴ × ۷/۵ س‌م .

۲- **اوراق** : ۲۰۰ ورق . ۴۰۰ صفحه .

۳- **کاغذ** : ضخیم زرد و نخودی رنگ لاجوردی و سمرقندی ، ساییده شده ، جلد مقوایی زرد گون پوسیده ضربی با عطف تیماجی .

۴- **خط** : نستعلیق و تحریر ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سر فصلها و نشان ها شنگرف ، قرن ۱۱ ه‍ ق . در بعضی صفحه ها جدولهای ۳ خطی و دو خطی سیاه درمیان سطرها و کنارهٔ صفحات .

۵- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد . در صفحه ۳۹۸ چنین آمده است : «تمام گردید نسخه سلسلة الذهب من تصنیف حضرت مولوی جامی قدس الله سره العزیز» .

۶- **مؤلف** : یا (شاعر) : «**مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی ۸۱۷—۸۹۸ ه‍ ق**» ، نام تألیف (مثنوی) : «**سلسلة الذهب**» ، تاریخ تألیف : (سرودن) دفتر اول درمیان

سالهای «۸۷۳ و ۸۷۷ ھ ق» ، دفتر دوم در «۸۹۰ ھ ق» ، و دفتر سوم پس از این تاریخ (رک : تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تألیف استاد سعید نفیسی ، ج ۱ ، ص—۲۸۷) .

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

لله الحمد قبل کل کلام بصفات الجلال و الاکرام
حمد او تاج تارک سخن است صدر هر نامهٔ نو و کهن است
خامه چون تاج نامه آراید درة التاج نام او شاید
الله الله چه طرفه نام است این ورد دل حرز جان تمام است این»

۸- انجام : «گوش دهر از دعای شه پر باد داعیان را به آن تفاخر باد
هر دعا را بقای او مضمون بسعادات سرمدی مقرون
همه مقبول مستجاب شده همه مقرون به فتح باب شده
بر همین نکته ختم شد مقصود لله الحمد و العلی و الجود»

۹- چگونگی : موضوع این نسخه «عرفان و تصوف و اخلاق» است که با شواهد و تمثیلات و حکایات عرفانی و قصص قرآنی و داستانهای اخلاق آمیخته است و همانند حدیقه الحقیقهٔ سنائی و مثنوی مولوی است . در سه دفتر است و هر سه دفتر به دنبال هم آمده است . بر وزن بحر خفیف مسدس «فاعلاتن مفاعلن فعلن یا فعلات» سروده شده است و جمعاً هر سه دفتر در حدود ۵۶۲۰ بیت دارد . در گوشه و کنارهٔ صفحات و درمیان سطرها توضیحات لغوی و یادداشت های عرفانی آمده است . نشان چند مهر در کنارهٔ صفحات دیده می شود از جمله در صفحهٔ ۲۱۵ آغاز دفتر دوم : «بندهٔ درگاه فولادبن رحم الله» این یادداشت در صفحهٔ ۳۲۲ : «این کتاب هذا سلسله الذهب مولانا جامی علیه الرحمه» از مال خالص میرزا محمد حسن شیرازی گله داری (گلزاری) .
در صفحهٔ ۴۰۰ یک غزل از سعدی به مطلع زیر آمده است :

«اسیرزلف تو گردم که سربسرچین است فدای لعل لبت می شوم که تاچین است»

ظاهراً مثنوی «سلسله الذهب» را «دره التاج» یا «تاج نامه» هم می گویند (رک : دره التاج یا تاج نامه ۸۹۰/۵۸۵) .

۸۶۰
۳۳۱

سلک السلوک

[ادب ، عرفان ، فارسی ، منظوم و منثور]

۱- اندازه : - بیرونی : ۲۱ × ۱۳/۵ × ۱/۵ س م . - دورنی : ۱۷س . ۲۱ × ۱٤ س م

۲- اوراق : ۱۲۰ ورق. ۲٤۰ صفحه.

۳- کاغذ : نازک زرد روشن رنگ هندی ، اندکی کرم خورده ، آب رسیده ، وصالی شده، جلد مقوایی و پارچه یی سبزگون .

٤- خط : نستعلیق متوسط و تحریر ، روشن ، خوانا ، پخته ، عنوانها و نشانها و سر فصلها شنگرف ، قرن ۱۱ ه ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

٦- مؤلف : **«ضیاء نخشبی متوفی ۷۵۱ ه ق»** ، نام تألیف **«سلک سلوک»** یا **«سلک السلوک»** ، تاریخ تألیف معلوم نشد : «کیفیت تألیف این ترتیب دینی و کمیت تصنیف این ترکیب یقینی و نهادن نام او **سلک سلوک** خازن این سلک آبدار و مالک این ملک پایدار یعنی ضیاء نخشبی رزقه الله الحسنی و اعطاه ما یتمنی که سودای او همه وقت متعلق اوقات نظم درویشان و سودای او همه حال متعطش احوال دل ایشان چنین گوید» : (رک : فهرست مخطوطات شیرانی تألیف دکتر محمد بشیر حسین ، ج ۲ ، ص ۲۲۸).

۷- آغاز : «یا فتاح ، بسم الله الرحمن الرحیم ، حمدی که از عطر روایح او ارواح اولیا معطر گردد مراحدی را که اولیا او را غیر او کسی نشناخت بحکم اولیائی تحت قبابی لا یعرفهم غیری و مدحی که از نسیم بخور او اشباح اتقیا مبخّر شود مرصمدی را که فقراء او را جز او دیگری نتواند نواخت الفقراء هم جلساء الله تعالی یوم القیمة.

آنکه درویش زو نمد خواهد گرچه شاهست زو مدد خواهد»

۸- انجام : «هر چه از خدا تعالی خواهند در حال بعز اجابت مقرون گردد ای خالق نوش ونیش و ای رازق شاه و درویش بعزت آن بندگان که تو ازیشان خشنودی و ایشان از تو خشنود خفتگان خواب غفلت را انتباهی کرامت کن و برهنگان عالم جهالت را خلعت طاعت بپوشان و تشنگان بادیه ضلالت

را شراب عنایت برحمت خود بنوشان بحق النبی الهاشمی و آله الطاهرین برحمتک یا ارحم الراحمین».

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه در ادب و عرفان و تصوف است. نثر پخته و شیوا و اشعار دل انگیز وگیرا دارد. تقسیمات آن بر اساس «سلک» نهاده شده و جمعاً ۱۵۱ سلک دارد: این لؤلؤ آبدار و جواهرپایدار برصد و پنجاه و یک سلک منسلک و منتظم گردانید». هر سلک در بیان موضوعی است، مثلاً:

«سلک اول در بیان توبه، سلک دوم در بیان مقام، سلک سیوم در بیان حال، سلک چهارم در بیان وجد». از آیات قرآن و احادیث و کلمات مشائخ و سخنان بزرگان دین استفاده کرده و آنها را شرح و توضیح داده است. مؤلف شاعری برجسته بوده و قطعات و دوبیتی ها و رباعی های شیوا و دل انگیزرا با تخلص «نخشبی» و «ضیاء نخشبی» سروده است: این قطعه از سلک پنجاه و دوم:

نخشبی تا توان حلال طلب　　وه وه شبهه خار ها دارد
نان بی شبهه را کجا یابند　　لقمهٔ پاک خار ها دارد

و این قطعه از سلک چهل و ششم:

نخشبی زلف عشق خونریز است　　هر کسی را چه علم از شب عشق
عاشقی را وضو بخون خود است　　بوالعجب مذهب است مذهب‌عشق

و به طور کلی در آخر هر سلک قطعه شعری آمده است.

از آغاز و انجام این نسخه اوراق افتاده که با کاغذ و خط و کتابت دیگر نویسانیده و افزوده اند.

۹۵۰ و ۸۹۰
۳۱۱

شاهنامهٔ فردوسی

[ادب و تاریخ، فارسی، منظوم «مثنوی»]

۱- **اندازه** : بیرونی ۵/۳۵×۱۹×۵ سم. درونی: ۳۰ س (هر سطر سه مصراع) ۲۷×۱۲ سم.

۲- **اوراق** : ۶۰۷ ورق. ۱۲۱٤ صفحه.

۳- **کاغذ** : نازک زرد تیره رنگ براق جهانگیری یا کشمیری، اندکی آب دیده، اندکی ساییده، جلد تیماجی ضربی سرخگون با عطف و گوشهٔ پوسیده.

۴- خط : نستعلیق و ثلث خوش ، روشن ، خوانا ، پخته عنوان ها و سر فصلها و نشان ها به خط ثلث سرخ ، جدولهای میان سطرها شش خطی و کنارهٔ صفحات یک خطی و چهار خطی و همهٔ آنها سبز و شنگرف. قرن ۱۲ هـ ق.

۵- کاتب : «محمد شیر ولد محمد ذاکر بن محمد شیخ سعدی»، تاریخ کتابت : «۱۲۳۴ هـ ق» ، در صفحهٔ ۳۴ چنین آمده است : «تحریر یافت کتاب شاهنامه ازید احقرالعباد محمد شیر ولد محمد ذاکر بن محمد شیخ سعدی متوطن گجرات بتاریخ بیست نهم شهر جمادی‌الثانی روز شنبه سنهٔ ۱۲۳۴ در مکان پهاک نگر بجههٔ خوش منشی صاحبزاده صاحب محمد یار و برخوردار و براداران خود حفظ الله و امان الله و هم ملکیت کاتب دعوی دیگر نیست در چهار ماه نوشته شد از افراط و تفریط نکات و الفاظ معانی از قاریان میخواهم که سبق ده دوازده طفلان ذمهٔ بنده بود وهم از آمد و رفت مردمان خویش و بیگانه و سخنان فایدهٔ بی فایده کماحته فراغت نی و کتاب منقل شکسته و ریخته و پس و پیش شده نظر کرم بحال عاصی مبذول داشته یاد خیر فرمایند که پر نقصان است این نسخه از ناقصی خط و درازی اوراق و سطور سه مصرعه و هم غلط لیکن بطیبت اعونان چار نا چار تحریر یافت.

هر که خواند دعا طمع دارم زانکه من بندهٔ گنهکارم
قاریا برمن مکن زجرو عتاب من نوشتم آنچه دیدم در کتاب
نوشته بماند سیه بر سپید نویسنده رانیست فردا امید»

۶- مؤلف : یا (شاعر) «حکیم ابوالقاسم منصور بن حسن فردوسی طوسی» ، تاریخ ولادت در حدود «۳۲۹ و وفات ۴۱۱ هـ ق». نام تألیف : «شاهنامه» یا «شاهنامهٔ فردوسی» ، تاریخ تألیف (سرودن) میان سالهای «۳۷۰ تا ۴۰۰ یا ۴۰۱ هـ ق»: «گویندهٔ این منظومهٔ عدیم‌النظیر ابوالقاسم منصور بن حسن فردوسی در حدود سال ۳۲۹ هجری (۹۴۰ میلادی) در قریهٔ باژ از قراء طابران طوس در خانواده یی از طبقهٔ دهقانان ولادت یافت و در جوانی شروع بنظم بعضی از داستانهای قهرمانی کرد تا در حدود سال ۳۷۰ هجری (۹۸۰ میلادی) بعد از اطلاع از قتل دقیقی که نظم شاهنامه را آغاز کرده و ناتمام نهاده بود ، بنظم شاهنامهٔ ابو منصوری همت گماشت و در سال ۳۸۴ هجری (۹۹۴ میلادی) آنرا بپایان برده. این همان نسخه است که البنداری آنرا مأخذ

کار خود در ترجمهٔ شاهنامه قرارداد ، سپس فردوسی مطالبی را از مآخذ دیگر مانند اخبار رستم و اخبار اسکندر و بعضی داستانهای منفرد بر شاهنامهٔ خود افزود و آنرا بسال ٤۰۰ یا ٤۰۱ هجری (۱۰۱۰ میلادی) بپایان برد و به سلطان محمود غزنوی تقدیم کرد ، لیکن بعلل مختلف که اهم آنها اختلاف در مذهب و نژاد بود ، میان آنان خلاف افتاد و او که بغزنین رفته بود بشتاب از آن شهر به هرات و از آنجا به طوس و تبرستان شد و باز بخراسان برگشت و بسال ٤۱۱ هجری (۱۰۲۰ میلادی) در زادگاه خود در گذشت». (رک : گنج سخن ، تألیف دکتر ذبیح الله صفا ، ج ۱ ، ص ۸۲ ، انتشارات ابن سینا ، تهران).

۷ - آغاز : بنام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد
ز نام و نشان و گمان برتر است نگارنده و بر شده گوهر است
خداوند نام و خداوند جای خداوند روزی ده و رهنمای
خداوند کیوان و گردان سپهر فروزندهٔ ماه و ناهید و مهر
به بینندگان آفریننده را نه بینی مرنجان دو بیننده را
نه اندیشه یابد بد و نیز راه که او بر تر از نام و از جایگاه
چنان دان که هرگز نیاید پدید بوهم آنکس (گرترا) که وهم آفرید
سخن هر چه زین گوهران بگذرد نیاید بد و راه جان و خرد
سخن گر خرد برگزیند همی همان راست آید که بیند همی»

۸ - انجام : «هر آنگه کزین تیرگی بگذرم بگویم جفائیتو یاد آورم
بنالم ز تو پیش یزدان پاک خرو شان بستر . . . .
ز پیری مرا تنگدل دید دهر بمن باز داد از گناهش دو بهر
چنین داد پاسخ سپهر بلند که ای مرد کر . . . . .
چرابینی از من همی نیک و بد چنین ناله از دانشی کی سزد
تو از من بهر باره برتری روا نراند . . . . . . دری
خور و خواب و رای نشست ترا بنیک و بد راه و دست ترا
بدین هر چه گفتم مرا راه نیست خورو . . . . آگاه نیست
از آن خواه راهت که این آفرید شب و روز و آئین و دین آفرید
چو گوید بباش آنچه خواهد بدست . . . . . ندان بیهد است»

۹ - چگونگی : بر این نسخه یک فهرست کامل مطالب شاهنامه در ۲۱ صفحه و مقدمهٔ

منثور شاهنامهٔ ابو منصوری و هجونامهٔ سلطان محمود غزنوی منسوب به فردوسی در ۱۴ صفحه در آغاز کتابت شده است و چنین شروع می گردد :

« بسم الله الرحمن الرحیم ، سپاس و آفرین مرخدای را که این جهان و آن جهان آفرید ما بندگان را اندر جهان پیدا کرد و نیک اندیشگان و بدکرداران را پاداش و بادافره بر اثر داشت و درود بربندگان و نیکان و دینداران او باد » و اینگونه ختم می شود :

« تمام شد فهرست بادشاهان از پیش دادان و کیانیان و آشکانیان و ساسانیان از فرزندان آرش اند از عهد سکندر و دارا که فارس و عراق ایشان را بود و از ملوک طوایف نزدیکترند باقی هر ملکی جدا گانه بادشاهی بود از عهد سکندر و داخل عجم اند و بالله التوفیق تم » .

هجو نامه چنین آغاز می شود :

« ایا شاه محمود کشور گشای — ز من گر نه ترسی بترس از خدای
بترس از خدا و میازار کس — ره رست گاری همین است و بس
میازار موری که دانه کش است — که جان داردوجان شیرین خود است
چو دیدی تو این خاطر تیز من — بیندیش از تیغ خونریز من
که بد دین و بدکیش خوانی مرا — منم شیر نر میش خوانی مرا

و اینگونه انجام می باید :

« و گر بهر نانش بخوان سپهر — فرود آوری فی المثل قرص مهر
اگر بو علی واردادش بود — و گر علم عالم نصیبش بود
همه رنج و تدبیر ضایع شود — باصل خود البته راجع شود
هر آنکس که باشد ورارای و دین — پس از مرگ بر من کند آفرین
مخالف نیم نیز بد دین نیم — بجز بر ره آل یسین نیم
مرا نام باید که ماند بجای — گرایدون ز دم در پی پیلپای » .

کاتب همانگونه که در احوال خود کتابت کرده نسخه یی در اختیار داشته که «شکسته و ریخته و پس و پیش شده» بود در مدت چهار ماه آنرا مرتب و منظم نموده و استنساخ کرده است و امانت را مرعی داشته و هرجا نسخهٔ اصل ناخوانا و باشکسته و ریخته بوده است نانوشته باقی گذارده است

وگویا بعداً هم فرصت نیافته و یا نسخه‌ی دیگر به دست نیاورده که افتاده ها را تکمیل کند. در آغاز متن شاهنامه دو لوح دارد که به رنگهای زرین و نیلگون و قهوه‌ی و نارنجی و سبز و آبی و سیاه نقاشی شده است و زمینهٔ آن زرین و آراسته به ترنج ها و نیم ترنج ها و اسلیمی ها و گل بوته های هنری است و این دو لوح گوی سیبی است که بد و نیمه شده است و درمیان این دولوح همانند آغاز قرآن کریم در هرطرف ٤ بیت کتابت شده است. درکنارهٔ صفحات بعض ابیات از یاد رفته باز نویس شده است.

البته همانگونه که معلوم است وزن شاهنامه بحر متقارب مثمن محذوف یا مقصور است «فعولن فعولن فعولن فعول یا فعل» و تعداد ابیات این نسخه در حدود ۵۷۰۰۰ است. هجونامه ۲۵٤ بیت است.

۹۵۰ و ۸۹۰ / ۳۱٤

شاهنامهٔ فردوسی

[ادب وتاریخ ، فارسی ، منظوم «مثنوی»]

۱ - اندازه :—بیرونی : ۳۱×۱۸/۵×۷/۵س‌م. —درونی : ۲۱س (هر سطر ۲ بیت) ۲۳×۱۲/۵س‌م.

۲ - اوراق : ٦۸۹ ورق. ۱۳۷۷ صفحه.

۳ - کاغذ : نازک زرد تیره رنگ کشمیری ، اندکی کرم خورده ، اندکی وصالی شده ، جلد مقوای پوسیده ، تیره رنگ با عطف و گوشهٔ چرمی سرخگون.

٤ - خط : نستعلیق خوش ، روشن ، خوانا ، پخته ، عنوانها و نشان ها و سر فصلها شنگرف ، جد ولهای میان سطر ها و عنوانها دو خطی سیاه ، جد ولهای کنارهٔ صفحات و سطرها یک خطی سیاه و آبی و پنج خطی نارنجی و سیاه و سبز و زرد ، چهار سر لوح با ترنج ها واسلیمی های فریبا و گل و بوته های زیبا که هر کدام با دیگری امتیاز خاص دارد. ۳٤ تصویر بر حسب داستانهای شاهنامه دارد ، و رنگ آمیزی آنها به سبک کشمیری و چهره ها مغولی و هندی‌و خراسانی است. قرن ۱۰ ه‌ ق.

۵ - کاتب : «منور شاه قانون گوی» ، تاریخ کتابت : «۱۰۵۸ ه‌ ق» چنان به نظر می رسد

که نام کاتب و تاریخ کتابت الحاق باشد. در صفحهٔ ۱۳۷۷ اینگونه آمده است: «بتاریخ هفتم ماه رجب سنهٔ ۱۰۵۸ از دست منور شاه قانون گوی بفرمایش رأفت پناه خواجه حسن شاه در کشمیر نوشته شد. الهم اغفر لکاتبه ولآمره وصلی الله علی . . . . . . محمد و آله و اصحابه اجمعین». شاید همین کاتب نقاش هم بوده است.

۶ - **مؤلف** : یا «شاعر»: **«حکیم استاد ابوالقاسم فردوسی طوسی»** ولادت در حدود **«۳۲۹ و متوفی ۴۱۱ ﻫ ق»**. تاریخ تألیف یا سرودن میان سالهای: **«۳۷۷ تا ۴۰۱ ﻫ ق»**. و لیکن در صفحهٔ ۱۳۷۷ این نسخه تاریخ تألیف **«۳۷۴ ﻫ ق»** آمده است.

«سر آمد کنون قصهٔ یزدجرد بماه سفندارو اوراد مرد
زهجرت سه صد سال وهفتاد وچار بماه جهان داور کرد کار»

نام تألیف: **«شاهنامه»**. (رک: شاهنامهٔ فردوسی ۳۱۱ / ۹۵۰ و ۷۹۰)

۷- **آغاز** : «بسم الله الرحمن الرحیم،

بنام خداوند جان و خرد کزین بر تر اندیشه بر نگذرد
خداوند نام خداوند جای خداوند روزی ده و رهنمای
خداوند کیوان گردان سپهر فروزندهٔ ماه و ناهید و مهر
به بینندگان آفریننده را نه بینی مرنجان دو بیننده را
ز نام و نشان وگمان بر تراست نگارندهٔ بر شده گوهر است
نیابد بد و نیز اندیشه راه که او بر تر از نام و از جایگاه
سخن گرچه زین گوهران بگذرد نیا بد برو راه جان و خرد
خرد گر سخن بر گزیندهمی همانرا گزیند که بیند همی
ستودن نداند کس اوراچه هست میان بندگی را ببایذ بست»

۸ - **انجام** : «در اتمام کتاب شاه نامه و قصهٔ شاه یزد جرد،

ازین نامهٔ نامداران شهر علی دیلم و ربو دلق است بهر
حبیب و قصیب است ازآزادگان که از من نخواهد سخن رایگان
هم آگه از اصل و فرع چراغ همی غلطم اندر میان وداغ
چو سال اندر آمد به هفتاد ویک هم رزم بین اندرم با فلک
چرا زیرکانرا ستایش بود ستایش ورا در فزایش بود
که جاوید بادا خردمند مرد همیشه به کام و دل اوکار کرد

همش رای و هم دانش و هم نسب — چراغ عجم آفتاب عرب
سر آمد کنون قصهٔ یزد جرد — به ماه سفندارو اورادمرد
ز هجرت سه صد سال و هفتاد و چار — بماه جهان داور کردگار»
(رک : ۵-کاتب).

۹ - **چگونگی:** این نسخهٔ شاهنامه ۳٤ تصویر (مجلس) و ٤ سر لوح دارد و هیچ گونه یاد. داشتی در آن دیده نمی شود. فاقد «هجو نامه» و «مقدمه» است. تقریباً ۵۷۱۰۰ بیت دارد. سهوالقلم کاتب فراوان دارد. سبک نقاشی آن به قرن دهم هجری می رود. مطابق معمول بر چهار جلد تقسیم شده است و هر جلد یک سر لوح دارد. در صفحه ۳ و ٤ میان سطرها نقاشی دندان موشی زرافشان شده است (رک : شاهنامه ۳۱۱ / ۹۵۰ و ۸۹۰).

۸۹۰ و ۹۵۰
———
٤٤۳

شاهنامهٔ فردوسی

[ادب و تاریخ، فارسی، منظوم «مثنوی»]

۱ - **اندازه :**-بیرونی : ۲۹ × ۱۹ × ۵/۲ س م-بیرونی: ۲۵ س (هرسطر ۲ بیت) ۱۸ × ۱۱ س م.

۲ - **اوراق :** ۱۹۳ ورق. ۳۸٦ صفحه.

۳ - **کاغذ :** ضخیم سفید رنگ سمر قندی، آب وسیده، دود زده، پوسیده، بدون جلد.

٤ - **خط :** نستعلیق خوش خفی، خوانا، روشن، پخته، عنوانها و سر فصلها و نشان ها شنگرف، جدولهای سرفصلها و میان مصاریع ۲ خطی و سیاه و زرین، جدولهای کنارهٔ صفحات ٦ خطی لاجوردی و سیاه و زرین و سبز. قرن ۱۱ ه ق. (شاید تصاویری داشته که همه را برداشته و یاربوده اند)، در آغاز یک سر لوح در زمینهٔ زرین و لا جوردی و صفحهٔ اول و دوم میان سطرها نقاشی زرین و دندان موشی».

٦ - **مؤلف :** (رک : شاهنامه ۳۱۱/ ۹۵۰ و ۸۹۰).

۷ - **آغاز :** ناقص است و آشفته و مقدمه بی دارد در ۱۸ صفحه که اینگونه آغاز می شود : «بستاند بیارد، بیت،

برون رفت قاصد چو برق جهان نهاده شب و روز سر در جهان
چو سر سر شدی در نشیب‌وفراز رسانید خود را بیان کرد راز

چون به مقام خود فیروز با قوام او مکتوب رسانید قاصد را بانواع هدایا و تحفه خواند» . و چنین انجام می یابد : «و بعضی گویند که شیخ بر سید که او را بچه بخشیدند گفتند باین یک بیت و آن این است :

خداوند جان و روان و خرد کز و بر تر اندیشه بر نگذرد

چون شیخ از خواب بیدار شد نماز غایب جهت فردوسی گزارد و آن واقعه که دیده بود با همه کسان باز گفت والسلام» (۵ بار) .

پس از مقدمه، متن شاهنامه اینگونه آغاز می شود :

«به بسم الله آغاز شهنامه را نمایم که اویست خلاق ما
خداوند روزی ده و دستگیر خداوند بخشنده و دستگیر
خداوند جان و روان و خرد کزو بر تر اندیشه بر نگذرد
خداوند نام و خداوند جای خداوند روزی ده رهنمای»

۸ - **انجام** : ناقص است ، دو جا «تم» آمده که یک جا «جلد سوم» و جایی دیگر هیچ ننوشته است و آشفته و درهم است .

۹ - **چگونگی** : این نسخه باوجود این که ناقص و آشفته و درهم است و اوراق از شاهنامه بنظر می رسد، اما خط آن خوش است. و گویا آغاز مجالس یا تصاویری داشته که برداشته یا ربوده اند . متن این نسخه شاهنامه از آغاز درست است و لیکن از اواسط و انجام ناقص و درهم است (رک : شاهنامه ۹۵۰/۳۱۱ و ۸۹۰)

۸۹۰
۴۵۵

شرح احوال امیر کلال

[ادب ، عرفان و تصوف ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- **اندازه** : ـبیرونی : ۲۱ × ۱۳/۵ × ۳/۲س‌م. ـ درونی : ۹س‌م ۱۴ × ۳س‌م .

۲- **اوراق** : ۲۰۶ ورق. ۴۱۲ صفحه.

۳- **کاغذ** : نازک سفید رنگ براق کشمیری ، جلد مقوایی باعطف وگوشه تیاجی سبز رنگ .

٤- **خط** : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، رسم الخط اردو و فارسی ، عنوانها و نشانها و سر فصلها سرخ در بعضی جای‌ها لاجوردی. قرن ۱۳ ﻫ ق.

٥- **کاتب** : نام «کاتب» نیامده : اما تاریخ کتابت «۱۲۹۰ ﻫ ق» است: «تمت. ۱۲۹۰ (۲ بار).

هر که خواند دعا طمع دارم زانکه من بندهٔ گنه کارم
بیاد گاری نویسم من این کتابت را وگرنه این خط من لایق کتابت نیست
شد بتوفیق خدای لاینام این کتابت روز دو شنبه تمام»

٦- **مؤلف** : نام مؤلف و نام و تاریخ تألیف در متن این نسخه نیامده است ، اما به خط تازه در صفحهٔ اول چنین آمده است : «شرح احوال امیر کلال بقلم یکی از احفاد وی که نواسهٔ سید حمزه (متوفی ۸۰۸ ﻫ ق) بن امیر کلال بود ، نام مؤلف کتاب «**شهاب الدین**» از لابلای نسخه نیز استنباط می شود که مؤلف نوهٔ سید امیر حمزه فرزند امیر کلال بوده و متن این نسخه «گفتار و کردار و رفتار و سخنان امیر کلال» است که مریدان از مؤلف خواسته و او هم به قلم آورده است .

٧- **آغاز** : «بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله الذی نور اسرار الاخیار باشراق شارق مشارق الانوار و طهر نفوسهم عن شوایب ظلمت الانکار و اشهدان لااله الا الله و اشهد ان محمداً عبده و رسوله سیدالانام و اصحابه مصابیح الظلام وسلم تسلیماً دایماً کثیراً اما بعد برصحایف ضمیر دل طالبان که آن فیض بانوار و آثار شیخ کبار منور گشته است پوشیده نباشد».

٨- **انجام** : «اما در رسالهٔ قدسیهٔ حضرت مخدومی خواجه محمد پارسا نور الله تعالی مرقده چنین منقول است که خواجه بهاؤ الدین را علیه الرحمه محمد بابای سما سوندی بفرزندی قبول کرده بوده اند که ایشان از خلفای خواجه علی عزیزان اند اما نسبت واردات و تربیت و صحبت و علم آداب شریعت و طریقت تلقین ذکر بطریقهٔ ظاهر و باطن و جمیع آداب اهل تصوف ایشان را از حضرت امیر کلال رسید والله اعلم تمت تم تم تم ۱۲۹۰».

٩- **چگونگی**: موضوع این نسخه شرح احوال و گفتار و کردار و رفتار و بیان سخنان حضرت سید امیر کلال سوخاری است که یکی از عرفای بزرگ قرن هفتم هجری است . در مقدمهٔ نسخه نام وی اینگونه آمده است : «حضرت شیخ

الشیوخ رئیس ارباب التصوف سلطان الطریقه و برهان الحقیقه" و مرشد السالکین و سید العارفین و شرف المتصوفین و زین العابدین و رئیس المحققین حضرت با رفعت یعنی سید امیر کلال سوخاری المعروف بین الخلایق امیر کلال قدس الله تعالی روحه و نور قبره». مؤلف یکی از احفاد امیر کلال را به نام سید امیر حمزه در خواب می بیند که به او می گوید باید شرح احوال جدش امیر کلال را بنویسد. تقسیمات این نسخه بر اساس موضوعاتی است که مؤلف برگزیده و از حسب و نسب امیر کلال آغاز کرده تا به مریدان و پیروان و کلمات او پایان یافته است.

نثر فارسی آن روان و ساده و آمیخته با اشعار برگزیدهٔ عرفانی فارسی و جملات عربی و کلمات مشایخ است و جملهٔ «نقل است که» بر سر هر موضوعی می آید. در صفحهٔ ۱٤ تاریخ «ششصد و هشتاد و سه» آمده که از زمان کودکی امیر کلال گفت و گو می کند و همچنین در همین صفحه آمده است که «حضرت سید امیر کلال را چون سال به پانزده رسیده بود» بنا بر این معلوم می شود که امیر کلال در اواخر قرن هفتم متولد شده است و در نیمهٔ دوم قرن هشتم در گذشته است. در متن این نسخه اسامی عارفان و مشایخ طریقت سلسلهٔ نقشبندیه بسیار آمده و بر سخنان آنان استناد جسته است. از صفحهٔ ٤۰۱ تا ٤۱۱ به قلم و کتابت غیر از متن نسخه رساله‌یی دربارهٔ فرایض و نماز و غسل و تیمم و روزه و استنجا به زبان فارسی آمده است.

۸۹۰
۵۰۳

شرح پند نامهٔ عطار

[ادب، پند و اندرز، فارسی، منثور و منظوم]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۷ × ۱۵/۵ × ۳سم. —درونی : ۲۱ × ۱۱سم.

۲- اوراق : ۸٤ ورق. ۱٦۸ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم خاکی رنگ لاهوری، جلد مقوایی سفید رنگ با عطف و گوشهٔ پارچه‌یی دودی در غلاف کرباسی سفید.

٤- خط : تحریر و شکسته، خوانا، روشن، خط افقی بر بالای اشعار و کلمات و جملات شواهد رسم شده، قرن ۱۳ه‍ ق.

۵- **کاتب** : «**فضل احمد عبد الله الصمد**» ، تاریخ کتابت : «**۱۲۹۷ ه‍ ق**» : «وان و کان تسوید الاوراق فاعتمادی علی لطیف الکریم الخلاق کاتبه و مالکه مسمی فضل احمد عبدالله الصمد ساکن فی قریه مستاله فی علاقهٔ پتهوار حتمت فی قصبهٔ بهره فی سنهٔ ۱۲۹۷ فی یوم جمع فی ماه رجب».

٦- **مؤلف** : یا «شارح» ، : «**محمد بن غلام محمد**» ، نام تألیف : «**شرح پند نامهٔ عطار**» ، تاریخ تألیف (شرح) : «**۱۲۳۵ ه‍ ق**». در صفحهٔ ٦ و ۱٦۸ چنین آمده است : «محمد بن غلام محمد تجاوز الله عن ذنوبه و بصره بعیوبه که چون پند نامهٔ حضرت شیخ فرید الدین عطار علیه الرحمه. ازین تحریر طویل مستغنی بود اما برای نفع مردم عام دراز کرده‌ام .... و قد وقع الفراغ عنه یوم الاحد تا تسع عشر من شوال سنهٔ الف و مأتین و خمس و ثلثین و کان شروعی فی اواخر شعبان من تلک سنه».

۷- **آغاز** : رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم و تمم با لخیر نحمد الله علی نواله و نکبره با لجلال تکبیراً و نصلی علی محمد و نسلم علیه تسلیماً کثیراً و علی آله و اصحابه و اولیائه و ندعوا الهم اجراً کبراً بدانکه میگوید بندهٔ راجی رحمه الله العلام الصمد محمد بن غلام محمد تجاوزالله عن ذنوبه و بصره بعیوبه که چون پند نامهٔ حضرت شیخ فرید الدین عطار علیه الرحمه العزیز الغفار بحری است مشحون».

۸- **انجام** : و این کتاب اگرچه نزد هوشمندان ازین تحریر طویل مستغنی بود اما برای نفع مردم عام دراز کرده‌ام تا از رحمت عامه او تعالی بطفیل دیگران بهره یابم و قد وقع الفراغ عنه یوم الاحد تاسع عشر شوال سنه الف و مائتین و خمس وثلثین و کان شروعی فی او اخر شعبان من تلک سنه فصار اوله معظما و اوسطه مبارکا و آخره مکرما و افوض امری الی الله انه رؤف بالعباد و ارجو منه النجات یوم التناد و عملی (رک : ۵-کاتب).

۹- **چگونگی**: موضوع این نسخه «شرح پند نامهٔ عطار» است و پند نامهٔ عطار مثنوی کوتاهی است از مثنویات شیخ فرید الدین عطار نیشابوری متوفی ۹۲۷ ه‍ق مدفون در نیشابور. شارح به حد اطناب به شرح حروف و کلمات و ترکیبات و استعارات و تشبیهات هر بیت پرداخته است. تقسیمات آن بر اساس ابیات متن است بدین ترتیب که نخست بیت را می آورد و سپس توضیحات

لغوی و دستوری و ادبی و سر انجام معنی بیت را به دست می دهد . نثر فارسی آن به «سبک هندی» یا «سبک پاکستانی» است . در آغاز یک دعا وسه یاد داشت طبی در مسائل نسخه نویسی و یک صورت حساب و دوبیت شعر اخلاق کتابت شده است گویا این نسخه چاپ نشده است .

٦١٠
―――
۳۸۸

شرح الاسباب و العلامات

[طب ، عربی ، منثور]

۱- **اندازه :** –بیرونی: ۱٦/۵ × ۲٦/۵ × ٦ س‌م. –درونی : ۲۳ س ۵/ ۲۰ × ۵/ ۱۰ س‌م.

۲- **اوراق :** ۲۸۱ ورق. ۵٦۲ صفحه .

۳- **کاغذ :** نازک و ضخیم زرد تیره رنگ سیالکوتی ، کرم خورده ، اندکی وصالی شده . جلد مقوایی و تیماجی قهوه‌یی رنگ نقش دار پوسیده .

٤- **خط :** نستعلیق آمیخته با شکسته ، سخت خوانا ، ناپخته ، روشن ، عنوانها و سر فصلها و نشانها و خط های رسم شده بر بالای جملات و کلمات شنگرف ، یک سر لوح زرین و لاجوردی ، جدولهای ۵ خطی سیاه و زرین و سرخ ، قرن ۱۲ ھ ق .

۵- **کاتب :** **«قادر بخش قادری»:** تاریخ کتابت : **«۱۲۰۳ ھ ق»:** «تمت الکتاب المسمی بشرح الاسباب و العلامات بعون الملک الوهاب بید فقیر قادر بخش قادری بر موضع مکهو وال بالاستعجال کمال در لیل و نهار در عرصهٔ قلیل بفضل رب الجلیل و الحمد لله رب العالمین در سنهٔ ۱۲۰۳ هجری مقدس معلی هشتم ربیع الاول ،
هر که خواند دعا طمع دارم ز آنکه من بندهٔ گنه کارم

―――

کلک من چون خانهٔ مور ریشه ریشه شد ز خط
لیک زین داغم که خطم صورتی پیدا نکرد »

٦ - **مؤلف :** یا (شارح) : **«نفیس بن عوض بن حکیم الطبیب»** : نام تألیف : **«شرح الاسباب والعلامات»**، تاریخ تألیف: **«در عهد الغ بیک بن شاهرخ»** : «و بعد قال المفتقر الی الله تعالی نفیس بن عوض بن حکیم الطبیب .. .. هذا الکتاب لان املی علیه الحواشی لانه مختصر جامع لاکثر العلل و اسبابها و علاماتها و نبذ

من معالجاتها . . . . و اما ورد الامر المطاع با حضاری من کرمان و هو اول ارض مس جلدی ترابها الی خدمه" . . . . امیرزاده مغیث الحق والدنیا والدین الغ بیک » .

۷- **آغاز :** « بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله رب العالمین و الصلوة والسلام الاتمان الاکملان علی من یداوی لارواح بطب الحقیقة و یری الابدان بعلم الشریعة و یعالج القلوب بحکمة الطریقة ابی القاسم محمد المبعوث الی کافة الخلایق بما هو هدی و تود و شفا » .

۸- **انجام :** « الذی زال عنه و تضمیده بالاضمدة التی فیها قوة فایقة مشد و للعضو مخلوطة بماله قوة مسخة مجففة للرطوب المرخیه مثل ان یخلط العضض والجلنار و القاقیا و نخرونک من القوایض بمثل شیٔ من الحرمتیان و القسط و الاسنه و ان یقتصر علی مثل جوز السر و والاهلیل و سایر ما یقع فی ضماد الفتق فانها تشد العضو و ینشف الرطوبات (رک : ۵–کاتب) .

۹- **چگونگی :** موضوع این نسخه «طب» است بر اساس فکر و عقیدهٔ اطبای قدیم ، اصل متن نسخه به نام «الاسباب و العلامات» تألیف علامه نجیب الدین ابو حامد محمد بن علی بن عمر السمرقندی که در سال ۸۲۷ تألیف کرده است و سپس برهان الدین نفیس بن عوض المتطب الکرمانی آنرا شرح کرده است . محتویات نسخه شرح همهٔ نشانها و علامت ها و سبب های بیماری های بدن انسان است از «سر» تا «پا» و تقسیات آن نیز بر همین منوال است یعنی نام هر بیماری را از سر تاپا می نویسد و آنرا شرح و تفسیر می کند . درکناره های صفحات به قلم کاتب متن توضیحات طبی و جملات و کلمات از یاد رفته آمده است و بعضی ازین یادداشتها به زبان فارسی است . در صفحهٔ آخر یک یادداشت عرفانی و اسامی چند دارو و شرح آنها به زبان فارسی کتابت شده است . این نسخه در اختیار شخصی بوده به نام «نیاز محمد» که نام خود را به صورت امضا در آغاز و انجام و لابلای کتاب آورده است.

۴۹۰
۵۳۴

شرح الانموذج

[زبان شناسی ، نحو، عربی ، منثور]

۱ - **اندازه :** –بیرونی: ۲۱×۱۲/۵×۱ س م.–درونی : ۱۵ س ۱۲/۵×۶/۵ س م .

۲- اوراق : ۹٤ ورق ۱۸۸ صفحه.

۳- كاغذ : نازک خاکی رنگ سمرقندی ، وصالی شده ، اندکی آب رسیده ، اندکی کرم خورده ، بدون جلد

٤- خط : ثلث تحریر ، سخت خوانا ، پخته ، عنوانها و نشان ها و سر فصلها شنگرف.

٥- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

٦- مؤلف : یا (شارح) : «**محمد بن عبدالغنی الاردبیلی**» ، نام تألیف (شرح) : «شرح انموذج» ، تألیف (شرح) معلوم نشد : در صفحه ۲ و ۳ چنین آمده است : «و بعد یقول . . . . ملک القضاة و الحکام جمال الملة والدین محمد بن عبدالغنی الاردبیلی . . . . لمارایت مختصر الامام الهمام . . . . استاذ الائمة بنی آدم جار الله العلامة . . . اعنی انموذج فی النحو قلیل اللفظ کثیر المعنی . . . . اریدان اشرحه شرحا یفید طالبه و یفیض علیه مطالبه».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین الحمد لله الذی جعل العربیة مفتاح البیان و صیرها آلة یحترز بها عن الخطاء فی اللسان و قوّم بسببها المنطق الذی هو ممیز الانسان و هیئها سلما یرتقی بها الی ذروة حقایق القرآن والصلوة والسلام علی خیر الانام محمد الفرقان و علی آله و اصحابه و ساء الایمان و بعد یقول».

۸- انجام : «ما وعدنا صدر الکتاب والمؤمل ممن بعیث علی ظل فیه ان یصلحه بکرمه و بعضی عن لومه فیه فانی بارض التألیف فیها کابجا والممتنع بالذات والتصنیف لا یوجد الاظیف منه فی اللسان و ذلک لانه شان سنیه علی الاستعداد و الی یتنی الترق فیه لمن . . . . الاضداد عصمتنا الله عن تردهما و ید الیهم بلطفه کید نحودهتم تمت الکتاب بعون الملک الوهاب».

۹- چگونگی : موضوع این نسخه در «نحو» زبان عربی است . اصل تألیف بنام «الانموذج» از علامه جارالله زمخشری است و این نسخه «شرح انموذج» نام دارد که محمد بن عبدالغنی اردبیلی آنرا شرح کرده و «شرح الانموذج» نام نهاده است. اقبال طالبان علوم ادبی و نحوی و صرف بدین کتاب بسیار است و بدین جهت نسخ خطی و چاپی آن فراوان است. تقسیمات این نسخه بر اساس «قال» و «اقول» قراردارد یعنی جمله یی از متن اصلی را بالفظ «قال» آغاز

می کند و بالفظ «اقول» به شرح آن می پردازد. البته تقسیمات متن اصلی را رعایت می کند، چنانکه «اسم و فعل و حرف» و انواع آنها را می آورد، اما شارح نیز تقسیماتی دارد که بر حسب موضوع است مثلاً در این شرح اسم را بر «۱۵ قسم» منقسم کرده است: اول «اسم جنس» و آخر «اسمهای متصل به افعال» است. در گوشه و کنار این نسخه بعضی توضیحات نحوی و صرفی است. سهوالقلم کاتب اندک دارد.

شرح التعرف فی مذهب التصوف

۲۹۰ و ۸۹۰ / ۳۰۲

[دین و ادب، عرفان تصوف، فارسی و عربی، منثور]

۱ - اندازه :- بیرونی: ۲۸/۵ × ۱۸ × ۷ سم. - درونی: ۲۸ س ۵/۲۰ × ۱۱ سم

۲ - اوراق : ٦۳۷ ورق. ۱۲۷٤ صفحه.

۳ - کاغذ : نازک نخودی و سفید رنگ سمرقندی یا طرح سمرقندی، اندکی آب دیده، اندکی وصالی شده، اندکی کرم خورده، جلد مقوائی وصالی شده با کاغذ های ملون.

٤ - خط : نسخ خوش، پخته، خوانا، روشن، عنوانها و آیات و احادیث و نشانها شنگرف روشن. سرفصلها و ابواب به خط ثلث جلی به رنگ سیاه، قرن ۷ هـ ق. بعضی از جملات و الفاظ و اشعار معرب (مشکول).

۵ - کاتب : و تاریخ کتابت معلوم نشد، البته در صفحهٔ آخر نام کاتب و تاریخ کتابت آمده است اما به علت وصالی نا خوانا و محو شده است.

٦ - مؤلف : نام مؤلف **«ابوبکر بن ابی اسحاق محمد بن ابراهیم ابن یعقوب البخاری الکلاباذی متوفی ۳۸۰ هـ ق»**، نام شارح: **«اسماعیل بن محمد بن عبدالله متوفی ٤۳۲ هـ ق»**، نام تألیف: **«کتاب التعرف فی مذهب التصوف»**، نام شرح به فارسی: **«شرح التعرف فی مذهب التصوف یا لمذهب التصوف»**. تاریخ تألیف و شرح در این نسخه نیامده است در فهارس و کتب و مراجع دیگر نیز ذکری از تاریخ تألیف و شرح یافته نشد. در صفحهٔ ۹ نسخه اینگونه آمده است: «اسمعیل بن محمد عبدالله گفت رضی الله عنه که اصحاب من از من در خواستند تا کتابی جمع کنم مشتمل بر دیانات و معاملات و حقایق و

مشاهدات و رموز و اشارات بپارسی تا فهم ایشان بدان رسد و آنرا دریابد و بعبارات غلط نکنند که غلط در توحید کفر باشد اجابت کردم بحسبت و بنا کردم بر کتابی که شیخ ما ابوبکر بن ابی اسحق محمد بن ابراهیم ابن یعقوب البخاری الکلاباذی رحمة الله علیه تألیف کرده است و نام آن کتاب التعرف فی مذهب التصوف نهاده است و من آن کتاب را شرح کردم تابسیرت پیران متقدم رفته باشم».

نام شارح در نسخهٔ چاپ شدهٔ منشی نولکشور (لکهنؤ) که در سال ۱۳۲۸ هـ ق صورت پذیرفته است اینگونه آمده است: «ابو ابراهیم بن اسمعیل بن محمد بن عبدالله المستملی البخاری» و در بعضی مراجع و فهارس نیز همین گونه است، اما در نسخهٔ خطی کتابخانهٔ گنج بخش، «اسماعیل بن محمد بن عبدالله» آمده است.

۷ - آغاز: «بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین، الحمد لله القاهر العلی القادر القوی الملک الغنی الاول الازلی الاخر الابدی نحمده و نستعینه و نؤمن به و نتوکل علیه و نشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له العالی شأنه الدایم سلطانه الظاهر برهانه و نشهد ان محمداً عبده القریب و رسوله الحبیب و نبیه الحبیب صلی الله علیه و علی آله وسلم تسلیما، اسمعیل بن محمد بن عبدالله گفت رضی الله عنه که اصحاب من از من در خواستند تا کتابی جمع کنم مشتمل بر دیانات و معاملات و حقایق و مشاهدات و رموز و اشارات بپارسی تا فهم ایشان بدان رسد و آنرا دریابد و بعبارات غلط نکنند که غلط در توحید کفر باشد اجابت کردم بحسبت و بنا کردم بر کتابی که شیخ ما ابو بکر بن ابی اسحق محمد بن ابراهیم ابن یعقوب البخاری الکلاباذی رحمة الله علیه تألیف کرده است و نام آن کتاب التعرف فی مذهب التصوف نهاده است و مرآن کتاب را شرح کردم تا بسیرت پیران متقدم رفته باشم و به سخنان ایشان تبرک نموده باشم و نیز مقتدی باشم به مهتدی تا کسی بر من عیب نتواند گرفت و هرچه گفتم مؤکد کردم بآیتی از کلام خدای تعالی یا خبری از اخبار پیغمبر علیه السلام و الصلوة یا بمسئلهٔ فقهی و اندرین کتاب یاد کردم اعتقاد اندر توحید و دیانات و احوال و مقامات و حقایق و مشاهدات و رموز و اشارات و سخن مشایخ و حکایات بر طریق سنت و جماعت».

۸ - انجام : متأسفانه صفحهٔ آخر نسخه را بعلت وصالی ناخوانا و محو کرده‌اند و آخرین عبارات آن اینگونه پایان می یابد : «این چنین کس‌را سماع وی به اختیار نباشد ولکن چون غلبات شوق وی خواهد که وراهلاک کند حق عز و جل جیزی بسمع وی اندر افکند که اورابان سماع راحت افتد و این خود ظاهر است که هر کسی که و را مصیبتی یا غمی یادردی اندر سر پدید آید چون جیزی سماع کند زمانکی اندر وقت سماع اضطراب کند و نفس زند تا مرو را راحت باشد پس اندربن سخن دو فائدت است یکی وجود وجد صحبت سماع را که بی وجد سماع حرام است . . . . . محبانرا . . . . . بازار . . . چون بهش باز آمد . . . افتاد که . . . در آن ساعت . . . مراورا غلبه کرده بود . . . سر برابر افتاد و . . . که مردی همیگفت . . . هل کان الا . . . جلال وحدانیت . . . داشتند . . . بی اختیار باشد . . . سماع را معلول داشتند . . . یاد کردیم و فیما . . . فی لقد . . . لله امر الله . . .»در جاهای نقطه چین به علت وصالی محو شده است .

۹ - چگوانگی: موضوع این نسخه شرح و توضیح و تفسیر همهٔ قوانین و آداب و رسوم متصوفه به زبان فارسی است . اصل آن عربی بوده است به نام «التعرف فی مذهب التصوف یا لمذهب التصوف» و این ترجمه و شرح آن آنست که به نام «شرح‌التعرف لمذهب‌التصوف» شهرت‌دارد ، شارح نخست جملات متن عربی را می آورد و سپس آنها را ترجمه و بعد شرح می کند و از آیات قرآنی و احادیث نبوی و کلمات مشایخ و اصطلاحات صوفیان به حد وفور استفاده می‌کند . تقسیمات آن بر اساس باب است و جمعاً ۷۷ باب دارد و در چهار مجلد است . در نسخهٔ چاپ لکهنؤ از ابواب آن ذکری به میان نیامده است. در اینجا به جهت اهمیت این نسخه ابواب آنرا با ذکر موضوع هر باب می آوریم :

المجلد الاول من کتاب شرح التعرف

الباب الاول فی التحمید .
الباب الثانی فی العلم سمیت الصوفیه" صوفیه" .
الباب الثالث فی حال الصوفیه" .
الباب الرابع فیمن نشر علوم الاشارة کتبا و رسائل فیمن نشر علوم الاشارة .
الباب الخامس فیمن صنف فی المعاملات .

الباب السادس شرح قولهم فى التوحيد .
الباب السابع شرح قولهم فى الصفات.
الباب الثامن فى اختلافهم فى الاسماء .
الباب التاسع فى الكلام ماهو .
الباب العاشر فى الرؤية.
الباب الحادى عشر فى اختلافهم فى رؤية النبى عليه السلام .
الباب الثانى عشر فى القدر و خلق الافعال.
الباب الثالث عشر فى الاستطاعة .
الباب الرابع عشر فى اقالة بعضهم الجبر .
الباب الخامس عشر فى الاصلح .
الباب السادس عشر فى الوعيد .
الباب السابع عشر فى قولهم بعد ماحكينا .
الباب الثامن عشر فى المعراج .
الباب التاسع عشر فى اطفال المشركين
الباب العشرون فيما كلف الله البالغين .
الباب الحادى والعشرون فى معرفة الله .
الباب الثانى والعشرون فى نفس المعرفة ماهى.
الباب الثالث والعشرون فى اختلافهم فى الروح

المجلد الثانى من كتاب شرح التعرف

الباب الرابع والعشرون فى تفضيل الرسل على الملائكة .
الباب الخامس والعشرون فيما اضيف الى الانبياء من الزلل .
الباب السادس والعشرون فى كرامات الاولياء .

وما فى المجلد الثالث

الباب السابع والعشرون فى اختلافهم فى الولى .
الباب الثامن والعشرون فى الايمان .
الباب التاسع والعشرون فى حقايق الايمان .
الباب الثلثون فى المذاهب الشرعية .
الباب الحادى والثلثون فى اباحة المكسب .
الباب الثانى والثلثون فى علم الصوفية .

الباب الثالث والثلثون قولهم فى التصوف ماهو .
الباب الرابع والثلثون فى الكشف عن الخواطر .
الباب الخامس والثلثون فى التصوف والاسترسال .
الباب السادس والثلثون فى التوبه .
الباب السابع والثلثون فى الزهد .
الباب الثامن والثلثون فى حقيقهٔ الصبر .
الباب التاسع والثلثون فى الفقر .
الباب الاربعون فى حقيقهٔ التواضع .
الباب الحادى والاربعون فى الخوف .
الباب الثانى والاربعون فى التقوى .
الباب الثالث والاربعون فى الاخلاص .
الباب الرابع و الاربعون فى الشكر .
الباب الخامس والاربعون فى التوكل .
الباب السادس والاربعون فى الرضا .
الباب السابع والاربعون فى اليقين .
الباب الثامن والاربعون فى الذكر .
الباب التاسع والاربعون فى الانس .
الباب الخمسون فى القرب .
الباب الحادى والخمسون فى الاتصال .
الباب الثانى والخمسون قولهم فى المحبهٔ .

وما فى المجلد الرابع

الباب الثالث والخمسون فى التجريد والتفريد .
الباب الرابع والخمسون فى الوجد .
الباب الخامس والخمسون فى الغلبهٔ .
الباب السادس والخمسون فى السكر .
الباب السابع والخمسون فى الغيبهٔ والشهود .
الباب الثامن والخمسون فى الجمع والتفرقهٔ .
الباب التاسع والخمسون فى التجلى والاستتار .
الباب الستون فى الفناء والبقاء .

سبک نگارش خراسانی است و رسم الخط به قرن هفتم و هشتم می ماند بدین شرح که روش کتابت متن به خط نسخ خوش پخته و عنوانها به خط ثلث خوش جلی است . حروف «پ ، چ ، گ» به صورت «ب ، ج ، ک» کتابت شده است . بعضی از کلمات و جملات عربی و حتی فارسی معرب (مشکول) است . در کنارهٔ صفحات و گاهی میان سطرها ، یاد داشت ها و توضیحات افزوده شد . ۵ نشان مهر در صفحه ۷ دارد که محو و سیاه شده اند فقط یکی از آنها به سختی «ملا احمد ایوب ۱۲۵۷» خوانده می شود . در صفحه ۸ یاد داشتی به خط و کتابت تازه به عربی دارد در موضوع فرق اسلامی که معلوم می دارد مقدمه یا آغاز کتابی بوده است و یا اینکه اصل نسخه شرح التعرف برای کاتب این یاد داشت نا شناخته بوده و این یاد داشت را برای شناساندن و نامگذاری کردن نسخه کتابت کرده است . صفحات ۱۳ تا ۱۶ و ۱۹ تا ۲۴ باید در آخر قرار گیرند یعنی مقداری از باب «السادس والسبعون فی لطایف ماجری علیهم» و «الباب السابع والسبعون فی السماع و آدابه» اشتباها در هنگم صحافی در آغاز آمده که باید در آخر قرارگیرد.

این نسخه از کاملترین نسخه های شرح التعرف فی مذهب التصوف است که تاکنون به دست آمده است. با نسخهٔ چاپی بسیار اختلاف دارد و با نسخی هم که در فهرست ها آمده فرق کلی دارد (رک: تاریخ ادبیات درایران تألیف دکترذبیح الله صفا، ج ۱، ص ۶۲۸–۶۲۹، فهرست نسخه های خطی فارسی تألیف احمد منزوی، ج ۲، ص ۱۲۲٤).

از قرار تحقیق سه نسخه شرح التعرف شناخته شده است:

۱ - نسخه موزهٔ ملی پاکستان به تاریخ کتابت ۲٤ شوال ٤۷۳ ھ ق.

۲ - نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس شورای ملی به تاریخ کتابت ٦٦۷ ھ ق.

۳ - نسخهٔ کتابخانهٔ آصفیه (حیدرآباد دکن) بدون تاریخ کتابت. بنا بر این نسخه‌یی که در کتابخانهٔ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان موجود است، نسخهٔ چهارم شناخته شده است.

آنگونه که آگاهی یافته ام آقای دکتر حسن مینوچهر استاد محترم دانشگاه تهران مشغول تصحیح و چاپ شرح تعرف است و جلد اول آن از طبع خارج شده است.

۲۹۰ / ٤۲۷

شرح تحفة الاحرار

[ادب، عرفان و تصوف، دستور زبان فارسی ولغت، فارسی، منثور ومنظوم]

۱ - اندازه: —بیرونی: ۲۳×۱۵×۳/۵ س م.—درونی: ۱۵ س ۱۵×۹ س م.

۲ - اوراق: ۱۸۳ ورق. ۳٦۵ صفحه.

۳ - کاغذ: نازک زرد تیره رنگ یا نخودی رنگ سیالکوتی، آب رسیده، اندکی وصالی شده، جلد مقوایی خاکی رنگ باعطف و گوشهٔ چرمی پوسیده.

٤ - خط: نستعلیق خوش، خوانا، روشن، پخته، عنوانها و نشانها و سر فصلها و خطهای افقی رسم شده بر بالای شواهد و کلمات شنگرف، قرن ۱۳ ھ ق.

۵ - کاتب: «میان محمد زمان»، تاریخ کتابت «۱۲۸۰ ھ ق». در صفحهٔ ۳٦۵ آمده است: «تمت تمام شد نسخهٔ میمونهٔ شرح تحفه" الاحرار میان محمد زمان خاکسار در مسجد شریف چک عمر در پرگنه کوجر است چند روز بآب خورد و قسمت گذرانی در آنجا سکونت داشته ایم نزدیک مولوی صاحب مولوی صدرالدین جیوبرای خواندن علم در روز جمع در ماه ذیقعده بتاریخ پنجم ماه بوقت چاشتگاه تحریر یافته شد" ۱۲۷۰ لا اله الا الله محمد رسول الله».

۶ - **مؤلف :** یا (شارح) : «**محمد اکرم**» یا «**مولوی محمد اکرم ملتانی**» ، نام تألیف یا (شرح) : «**شرح تحفة الاحرار**» ، تاریخ شرح : «**۱۱۵۵ ه ق**» در صفحهٔ ۳۶۵ چنین آمده است «فافهم ، بیت :

« یک هزار و یک صد و هم پنج دانی هم پنجاه
شد مرتب شرح تحفه بعد هجرت مصطفی
محمد اکرم نام او را هست در ملتان مقیم
کرده شرح تحفة الاحرار را او هم کلیم »

۷ - **آغاز :** یک ورق افتادگی دارد و اینگونه شروع می شود : «مطلع انوار جماله عطف است بر جنان ، انوار جمال عبارت از اوصاف جمالی چنانچه از لفظ واصف می آید ، ای زبان هر واصف را مظهر جمال خود ساخته چه اوصاف جمالی از آنجا که هوش ربای عارف است و خرد زدای واصف خاصه زبان کلک بیان را چه یارائی که قدم در تحریر و تقریر گستاخانه زند قلم اینجا رسید سر بشکست».

۸ - **انجام :** مهر نه خاتمه گشته ای خاتمهٔ کتاب به لفظ تم الکتاب است. پس لفظ تم الکتاب از جهت بلفظ خاتمی است و رقم که عبارت از نقش حروف او است مهرنه و ختم سازنده و تمام کنندهٔ خاتمهٔ این کتاب است و الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی رسوله محمد و آله و اصحابه اجمعین و تاریخ اتمام تحفة الاحرار از حساب جملگی تم الکتاب که هشت صد و نود و چهار است پیداست فافهم».

۹ - **چگونگی:** موضوع این نسخه «ادب ، عرفان ، دستور زبان فارسی و لغت» است که شامل شرح ابیات مثنوی تحفة الاحرار جامی است که مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی (۸۱۷–۸۹۷ ه ق) آنرا درسال ۸۹٤ یعنی سه سال پیش از وفات خود سروده است. نثر فارسی این شرح مخصوص سر زمین پاک و هند است و روش شرح بدین ترتیب است که نخست هر بیت از مثنوی را جدا گانه با علامت «م» یعنی «متن» نقل می کند و سپس شرح آنرا با علامت «ش» یعنی «شرح» می آورد. البته تقسیمات اصلی متن مثنوی تحفة الاحرار را که شامل یک مقدمه و بیست مقاله و چند حکایت و یک خاتمه است حفظ کرده است. تحفة الاحرار را چند بار شرح کرده اند و این شرح به نام شرح مولوی محمد اکرم ملتانی معروف است ازاین شرح ها هر کدام جدا گانه چاپ

شده است. در صفحهٔ آخر نشان مهر کاتب آمده است: «غلام شاه جیلان میان محمد زمان ۱۲۶۱».

۸۹۰
۴۸۲

شرح دیوان حافظ

[ادب، فارسی، منظوم و منثور]

۱- **اندازه:** —بیرونی: ۳۴×۲۰/۵×۳/۷ س م. —درونی: ۲۵×۱۴ س م.

۲- **اوراق:** ۲۳۳ ورق. ۴۶۵ صفحه.

۳- **کاغذ:** ضخیم خاکی رنگ هندی. اندکی آب رسیده، جلد مقوایی ملون باعطف پارچه‌یی.

۴- **خط:** تحریر، خوانا، روشن، پخته، عنوانها و سر فصلها و نشانها شنگرف، قرن ۱۳ ه ق.

۵- **کاتب:** نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶- **مؤلف:** یا (شارح): و نام تألیف و تاریخ آن ناشناخته است اما می توان نام تألیف را «شرح دیوان حافظ» گفت (رک: ۹—چگونگی).

۷- **آغاز:** «رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر، قوله

الا ای طوطی گویای اسرار   مبادا خالیت شکر ز منقار
سخن سر بسته گفتی با حریفان   خدا را زین معما پرده بردار
سرت سبز و دلت خوش باد جاوید   که خوش نقشی نمودی از خط یار

در شرح دیوان نوشته که طوطی طائریست معروف بنطق فصیح مشعوف و اینجا کنایت از مرشد مینماید».

۸- **انجام:** افتادگی دارد و چنین انجام می یابد «قوله، دمی بکلبهٔ احزان آئی، شبی جلیس دل سوگوار من باشی، کلبهٔ احزان از روی لغت با اول مضموم مصیبت خانه و خانهٔ غم و اندوه و بندیخانه و از روی اشارت دل محزون و شکستهٔ عاشق چنانچه در مصراع ثانی بتصریح میرساند و دل سوگوار میگوید و مراد از عاشقان ذات خود میدارد چنانچه در مصراع ثانی صریح مینماید و سوگوار بمعنی ماتم زده بود با ز خطاب با محبوب مستغنی ولی نیاز سراپا ناز نموده میگوید که صد هزار جهد و تلاش بکردم و بکار بردم که دمی

بکلبهٔ احزان دل من عاشق صادق که خانهٔ تست آیی و نزول فرمایی و شبی از شبها جلیس ».

۹ - **چگونگی:** موضوع این نسخه «شرح و تفسیر غزلیات و دیگر اصناف شعر حافظ شیرازی» است. تقسیمات آن بر اساس ابیات «غزلیاتی» است که شارح در عنوان قرارداده. و لفظ «قوله» را مکرر کرده و مطالب را با آن از یکدیگر جدا نموده است وضمناً هر غزل را با جملهٔ «ایضاً غزل» از دیگر غزل ها جدا ساخته است. برای شرح از آیات قرآن و احادیث و کلمات مشایخ و اشعار دیگر شاعران استفاده‌شده است. مؤلف یا شارح و تاریخ شرح معلوم نشد اما از مطالعهٔ نسخه آنرا «**شرح دیوان حافظ**» نامیدیم. نثر فارسی آن روان و جملات محکم است. غزلیات این نسخه ازحرف «راء» تا حرف «ی» است و از حرف «یا»، نیز مقداری افتاده است از این غزل آغاز می شود :

الا ای طوطی گویای اسرار مبادا خالیت شکر ز منقار

و بدین غزل انجام می یابد :

هزارجهد بکردم که یار من باشی مراد بخش دل بیقرار من باشی

بنا بر این ، این شرح در دو جلد بوده که فعلاً جلد اول آن یعنی از حرف «الف» غزل اول دیوان حافظ تا حرف «راء» در جلد اول آمده است. این نسخه کامل ترین شرح دیوان حافظ است بدان شرط که جلد اول هم یافته شود و تاکنون چاپ نشده است.

۸۹۰ و ۲۹۰
۴۳۹

شرح شمایل النبی

[دین ، حدیث ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱ - **اندازه :** —بیرونی : ۲۱ × ۱٦ × ۵ س م. —درونی : ۱۵ س ۱۷ × ۱۰ س م.

۲ - **اوراق :** ٤۰۹ ورق . ۸۰۹ صفحه.

۳ - **کاغذ :** ضخیم نازک زرد تیره رنگ سیالکوتی ، وصالی شده ، آب رسیده ، کرم خورده ، جلد مقوایی و چرمی سرخگون ، منقش ، ضربی .

٤ - **خط :** نستعلیق ، روشن ، خوانا ، پخته ، عنوانها و نشانها و سرفصلها و خط های

رسم شده بر بالای جملات عربی شنگرف و بربالای الفاظ عربی سیاه .
قرن ۱۲ ه‍ ق .

۵ - **کاتب :** نام «**کاتب**» را محووسیاه کرده‌اند اما تاریخ کتابت: «**۱۱۱٦ ه‍ ق**» است: «تمام‌شد شرح شمایل النبی تصنیف مولانا نظام‌الدین الامنابادی غفرالله بلطفه و کرمه . . . . سیالکوتی یک شنبه شهر محرم الحرام سنه ۱۱۱٦ هجری مقدسه » .

٦ - **مؤلف :** یا (شارح): «**نظام الدین محمد بن محمد رستم بن عبدالله الخجندی الامنابادی**» که در عهد اورنگ زیب می زیسته است ، نام تألیف (شرح) : **شرح شمایل النبی**»، تاریخ شرح (تألیف)«**۱۱۰۸ ه‍ ق= باباغ‌محمدی**»: «اما بعد عرض میدارد فقیرحقیرضعیف‌نحیف اضعف عبادالله القوی‌الهادی نظام‌الدین محمد بن محمد رستم بن عبدالله الخجندی‌ثم‌الامنابادی اصلح الله شأنه . . . از جمله کتب علم‌حدیث کتاب مستطاب شمایل‌النبی مؤلف امام همام . . . ابو عیسی محمد بن عیسی بن سورة الترمذی . . . است . . . . و بسیاری از علماء عظام و فضلاء کرام شروح شافیه و وافیه برای حل این کتاب خیر مآب به عربی و فارسی نوشته اند . . . . و این بندهٔ مسکین بی بضاعت نیز خواهش نوشتن شرح برای این کتاب مستطاب دارد . . . . . که شاید شمار این کمترین در شرّاح شمایل النبی باشد » .

۷ - **آغاز :** «یا فتاح رب یسر بسم‌الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر حمد و سپاس بیقیاس خدای کریم و منان را که بمحض فضل خود سرور عالم سید ولد آدم افضل‌المرسلین خاتم‌النبیین حبیب رحمن رحمت عالمیان محمد رسول‌الله را داعی و بشیر و نذیر و هادی برای ما خلق کرده و شکر بی شمار آن کردگار صاحب انعام و احسان را که از کمال کرم و لطف خویش امت را به اتباع و اقتدار آن حبیب خدا محب خود و محبوب خود نموده » .

۸ - **انجام :** « یا رب این شرح را قبول دهی — به طفیل شمایل نبوی
شارحش را بقرب خود بنواز — ز استقامت نظام دینش ساز
به طفیل نبی و آل نبی — رحمة للعالمین شفیع قوی
خاتمم کن به خیر و ایمانم — ورد با شد حدیث و قرآنم
یا رب فاجعل رجائی غیر منعکس — لدیک واجعل حسابی غیر منحزم
والطف بعبدک فی الدارین ان له — صبراً متی تدعه الاهوال ینهزم

وائذن لسحب صلوة منک وائمة — علی النبی بمنهل و منسجم
و الآل و الصحب . . . . لهم — اهل التقی والنقی والحکم والکرم

تمام شد شرح شمایل النبی تصنیف مولانا نظام الدین الامنا بادی غفرالله بلطفه و کرمه . . . سیالکوتی یکشنبه شهر محرم الحرام سنه ۱۱۱۶ هجری مقدسه»

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه اخلاق و اعمال و افعال و کلیهٔ صفات ظاهری و باطنی حضرت محمد (ص) است. تقسیمات آن براساس «باب» است و جمعاً ۵۶ باب دارد. اصل کتاب به نام «شمایل النبی» تألیف ابو عیسی محمد بن عیسی بن سورة الترمذی است ، تا کنون چند بار به زبان فارسی و عربی و اردو شرح شده است. شارح متن هر حدیثی را با شمارهٔ ترتیب که مربوط به یک موضوع جدا گانه است ، می آورد و آنرا ترجمه و تفسیر و شرح می دهد. این نسخه در ۱۱۰۸ هجری در عهد اورنگ زیب ترجمه و تألیف شده و ۸ سال بعد در سال ۱۱۱۶ کتابت گشته است . سبک فارسی آن، مربوط به شبه قارهٔ پاک و هند است. در گوشه و کنار صفحات بعضی یادداشت های دینی و از یاد رفته های کاتب افزوده شده است. در آغاز ۵ صفحه فهرست مطالب را با خط تازه کتاب کرده اند. در صفحات انجام، بعضی یادداشتها دربارهٔ ملکیت نسخه بوده که همه را محو و سیاه ساخته اند. از صفحهٔ ۸۰۴ تا ۸۰۸ یک قصیده در ۲۶ بیت و یک مکتوب کتابت شده است. اینک چند بیت از آن قصیده :

«فقر چیست از گمر هی ره کرد نست — زرق چیست از زهر قند آوردنست
شعر چیست این جمله در بکشادنست — شرح چندین [از] عجایب دادنست
گرچه بود این جایگه جولان راز — مصلحت نبود سخن گفتن دراد
چون چنین می بگذرد عمری که هست — چیست جزباد از چنین عمری بدست»

موضوع مکتوب توصیف یکی از پادشاهان است که دریافت کنندهٔ مکتوب را مورد تفقد قرارداده است و در اثر صحاف و ساییدگی مقداری از آن از میان رفته است.

۲۹۰
۵۵۴

شرح صحیفهٔ سجادیه

[دین ، ادعیه ، فارسی و عربی ، منثور]

۱ - اندازه :—بیرونی : ۲۰/۵ × ۱۱/۵ × ۴ سم .—درونی : ۱۵ س ۱۳/۵ × ۶ سم .

۲ - **اوراق** : ۳۳۵ ورق . ۶۷۰ صفحه .

۳ - **کاغذ** : نازک و ضخیم نخودی رنگ سمر قندی ، اندکی وصالی شده ، جلد مقوایی ملون با عطف پارچه یی خاکستری .

۴ - **خط** : نستعلیق و تحریر آمیخته با شکسته ، خوانا ، روشن ، عنوانها و سر فصلها و خط های افقی رسم شده بر بالای جملات عربی شنگرف ، قرن ۱۲ ه ق .

۵ - **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد چون از آغاز و انجام ناقص است .

۶ - **مؤلف** : یا (شارح) و نام و تاریخ تألیف (شرح) معلوم نشد ، چون از آغاز و انجام ناقص‌است، اما از مطالعه اجمالی و مقایسه آن با متن «صحیفه کامله سجادیه» چنان معلوم که «**شرح صحیفه سجادیه**» است (رک : صحیفه کامله سجادیه ۲۹۰/۳۴۴) .

۷ - **آغاز** : ناقص است و چنین آغاز می گردد : «و آخر رفع و تنوین و اعتبار وصفیت اصلیه در منع صرف گاهی است که نقل کنند از و صفیه باسمیه وما نحن فیه مشترک است میان وصفیه و غیرها نیست کان قبله بی آنکه پیش ازوچیزی باشد و این تأکید کلام سابق است و اگر مراد باولی که مذکور است اولا تقدم برهمه خبر نباشد بلکه مراد اولیه نسبیه باشد» .

۸ - **انجام** : ناقص است و افتادگی دارد و اینگونه پایان می یابد : «ای مولای من رحم بکن بر افتادن من برروی و بر لغزیدن پای من وعد بحلمک علی جهلی عایده بمعنی عطف و مهربانی و ترحم است و اگرعد ازین ماده مشتق باشد معنی چنین شود که مهربانی بکن سبب حلم و بردباری توبر جهل من یعنی برمن سبب جهل من جرا که جاهل عاجز است و عاجز مرحوم است و اگر مشتق از عود باشد معنی چنین شود که باز گردو مرتبه حلم کن از قابل جهل من» .

۹ - **چگونگی** : موضوع این نسخه «ترجمه و شرح و تفسیر و توضیح صحیفه سجادیه» است. هر جمله عربی از متن صحیفه سجادیه را می آورد و نخست از لحاظ لغوی و دستوری و صرف و نحوی آنرا تفسیر می کند و سپس به معنی کامل و شرح دقیق آن می پردازد و سر انجام مقصود اصلی دعا را به دست می دهد . این نسخه متأسفانه از آغاز و انجام ناقص است و از مطالعه و مقایسه آن با «صحیفه کامله سجادیه» معلوم شد که شرح آن است . نثر فارسی آن محققانه

و عالمانه است و شارح و مترجم بر فنون ادب فارسی و عربی و علوم اسلامی آگاهی داشته است. تقسیمات آن بر اساس متن اصلی صحیفهٔ سجادیه است. مثلا: «دعا فی الصلوة علی محمد رسول الله» و «الدعا فی الصلوة علی اتباع الرسل و مصدقیهم» و «الدعاء عند الصباح والمساء». شخصی این نسخه را مطالعه کرده و بعضی سهوالقلم‌های کاتب را تصحیح نموده و در گوشه و کنار صفحات یاد داشت های افزوده است.

۲۹۰

٤٤۱

شرح فتاوی قاضی خان

[دین، فقه و فتوی، عربی، منثور]

۱ - اندازه :—بیرونی : ۲۵×۱٤×٤ سم .—درونی : ۱۹ س ۱۷×۵/۱۰س‌م.

۲ - اوراق : ۳۰۲ ورق . ٦۰٤ صفحه .

۳ - کاغذ : نازک خاکی رنگ جهانگیری (لاهوری)، اندکی کرم خورده، وصالی شده، جلد مقوایی زرد گون با عطف و گوشهٔ پارچه یی زرد و سرخ.

٤ - خط : ثلث عربی، خوانا، پخته، روشن، عنوانها و سر فصلها و نشانی ها و خط های رسم شده بر بالای الفاظ و کلمات شواهد شنگرف، قرن ۱۰ ه ق.

۵ - کاتب : «عبد الکریم بن نظام»، تاریخ کتابت : «۹۸۸ ه ق» : «تم الدفتر الاول من قاضی خان بعون الله تعالی الملک الرحیم علی یدالعبد المحتاج الی الله العزیز العلام عبدالکریم ابن نظام فی آخر ۱٤ ذی القعد سنهٔ سبع و سبعین و تسعمائهٔ اللهم اغفرله ولوالدیه ولاستاذیه و لکافه اهل الایمان بفضلک العظیم وجودک العمیم یا ارحم الراحمین وصل علی خیر البشر محمد وآله وصحبه اجمعین».

٦ - مؤلف : «ابن المحاسن الحسن بن منصور بن محمد بن عبدالعزیز بن عبدالرزاق الاوزجندی‌معروف به قاضی خان متوفی ۵۹۲ ه ق» نام تألیف:«فتاوی قاضی خان»، تاریخ تألیف : ۵۷۸ ه ق». شارح : محمد بن ظاهر الکرمینی»، نام شرح، «شرح فتاوی قاضی خان»: تاریخ شرح : «٦۳۸ ه ق» : «یقول العبد الضعیف ... محمد ظاهرالکرمینی ... قد اجتمع عندی رهط من الفقها‌ٔ الاجلهٔ ...... و راضو غوامض معانی اصول الفقه فی الدین ..... فاجبت

الملتمسین الی ذلک ان املی علیهم علی حسب الطاقة ما و شبه الشیخ القاضی الامام . . . . . ابن المحاسن الحسن بن منصور بن محمد بن عبدالعزیز بن عبد الرزاق الاوز جندی . . . . . فی داره فی السکة الجدیدة بعد صلوة الظهر یوم الاربعاء السادس من شهر الله المحرم سنة ثمان وسبعین و خمسمایة . . . . فانا اخترت ذلک ایضاً وافتتحت الامل له بعد صلوة الظهر فی یوم الاربعاء من آخر شهر الله المحرم سنة ثمان ثلثین وستمائة فی داری». اینگونه معلوم می شود که این شرح، ۳۶ سال پس از درگذشت «قاضی‌خان» به اهتمام رسیده باشد (رک : فهرست کتب عربی کتب خانهٔ ریاست رامپور ، ج ۱، ص ۲۲۸—۲۲۷».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، رب اعز ، الحمد لله الذی زین بنجوم العلماء نجوم الغبراء و مرصع بجواهر الشهب نطاق الجوزاء و جعل رخوماً للعداء عن الرجعة لخوم الخضراء، والصلوة والسلام علی من اشرب حبه فی السویداء و اعرب عنه دقایق الملة الغراء والرضوان علی خلفائه و صحبه من العصبة السوداء والعصابة الحمراء، وعلی عترته من الرجال والنساء».

۸- انجام : رجل تزوج امة فطلقها ثم اشتراها فجاء ت بولد الاقل من ستة اشهر من وقت الشراء یلزمه وان جاءت لستة اشهر من وقت الشراء لایلزمه هذا اذا کان الطلاق واحداً فان کان طلقها ثنتین یثبت النسب الی ثنتین من وقت الطلاق والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب وبه الخیر والشر والثواب والعقاب نعم المولی ونعم الوکیل و ربنا المحمود وله المکارم والجود والفضل والعلی تم الدفتر الاوّل من قاضی خان (رک : ۵—کاتب) .

۹- چگونگی : موضوع این نسخه «فقه و اصول فقه و فتوی مربوط به فرقهٔ حنفی از اهل سنت و جماعت است باوجود اینکه نام آن در هیچ جای نسخه نیامده است اما همه جا در کتب فهارس و تذاکر به «فتاوی قاضی خان» معروف است و آنگونه که از مقدمه و متن برمی آید ، این نسخه «شرح فتاوی قاضی خان» است و شارح محمد بن ظاهر الکرمینی نام دارد و در مقدمه آورده که در سال ۵۷۸ ھ ق در حضور قاضی خان در منزلش بودم وعده یی ازفقها از من خواستند که شرحی برفتاوی قاضی خان بنویسم و من هم قبول کردم در منزلم کار را آغاز کردم تا در سال ۶۳۸ ھ ق آنرا به پایان آوردم . این

نسخهٔ شرح دفتر اول فتاوی قاضی خان است که از «فصل فی رسم المفتی» و «کتاب الصلوة» آغاز و به «فصل فی النسب» انجام می یابد. تقسیمات آن برحسب «کتاب» و «باب» و «فصل» است. فهرست مطالب این نسخه در آغاز به خط تازه آمده است. و شارح تقسیمات اصل را رعایت کرده و خود جملات و الفاظ متن را با خط افقی شنگرف معلوم داشته و سپس به شرح و توضیح آنها پرداخته است.

۸۹۰
۵۹۰

شرح قصيدهٔ برده

[ادب، عرفان و علوم ادبی، فارسی و عربی، منثور و منظوم]

۱ - اندازه :- بیرونی : ۵/۲۱×۱۵×۲ سم .- درونی : ۱٤ س ۱۸×۹ سم.

۲ - اوراق : ۱۰۱ ورق . ۲۰۲ صفحه.

۳ - کاغذ : ضخیم زرد تیره رنگ جهانگیری ، آب رسیده ، وصالی شده ، جلد مقوایی خاکی رنگ باعطف و گوشهٔ پارچه یی پوسیده.

٤ - خط : نستعلیق و تحریر ، روشن ، پخته ، خوانا ، رسم الخط فارسی و اردو و پشتو، عنوانها و سر فصلها و نشانها شنگرف ، بعضی از جدولهای دو خطی و خط های رسم شده بربالای اشعار و جملات عربی شنگرف و برخی از آنها سیاه ، قرن ۱۱ ه ق .

۵ - کاتب : «تاج محمد ابن حبیب‌الله ابن عبدالله بن رکن‌الدین» ، تاریخ کتابت : «۱۰۹۵ ه ق» ، در صفحهٔ ۲۰۱ اینگونه آمده است : «تمت تمام شد شرح قصیدهٔ برده از تصنیف مولوی حضرت عبد الرحمن جامی قدس الله سره العزیز بتاریخ هشتم شهر ذی القعدة در روز دو شنبه در دهه مرغ مرغز خورد در مسجد اکاخیل وقت چاشت سنهٔ ۱۰۹۵. بدست تاج محمد ابن حبیب الله ابن عبدالله ابن رکن الدین غفرالله له ذنوبهم و ستر عیوبهم اتمام یافت ،
هر که مارا کند بفاتحه یاد نور ایمان برو سلامت باد»

٦ - مؤلف : یا (شارح) را ظاهراً «مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی ۸۱۷–۸۹۸ ه ق» نوشته اند ، نام تألیف : «شرح قصیدهٔ برده» ، تاریخ شرح (تألیف) : معلوم نشد (رک : ۵–کاتب) . در صفحهٔ اول و آخر نسخه نوشته شده : «این

شرح قصیدهٔ برده از حضرت ملا عبدالرحمن جامی قدس الله سره العزیز»

۷- آغاز : «رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر ، این قصیدهٔ علیه مسمی بقصیدهٔ برده که منسوب است بشیخ المشایخ شرف الدین ابو عبدالله محمد بن سعید البوصیری نور الله مرقده قصیده ایست بزرگ و لطیفه ایست عزیز که خواص و فضایل آن در امکنه مشهور و درالسنه مذکور»

۸- انجام : «المعنی اذن ده ابر رحمت را که ببارد وبر نبی و آل و اصحاب او وبر تابعین مادام که میل دهد سرهای شاخ درخت بان را باد صبا و مادام که در نشاط آرد شتران را حدی کننده شتران بآواز خوش و مراد دوام و استمرار یاران رحمت ابعث والله اعلم بالصواب تمت تمام شد شرح قصیدهٔ برده از تصنیف مولوی حضرت عبدالرحمن جامی» .

۹- چگونگی : موضوع این نسخهٔ «دین ادب و عرفان وصرف و نحو» است بدین معنی که شارح قصیدهٔ برده را که بیش از ۱۱٤ بیت نیست در ۲۰۲ صفحه به نثرونظم فصیح و تا اندازه یی مصنوع فارسی شرح کرده است. روش شرح چنین است که نخست یک بیت یا یک مصراع را می آورد و مفردات و مرکبات را با دقیق ترین طریقه شرح و بسط می دهد و سر انجام معنی روان آنرا بیان می دارد . در مقدمه روش مطالعه و فایده و وزن و قافیه و دیگر خصوصیات می گوید . تقسیمات آن بر اساس ابیات متن قصیده است و لفظ «المعنی» شاخص شرح هر بیت است . در گوشه و کنارهٔ صفحات به خط و کتابت دیگر ، مقداری از قصیدهٔ برده را به زبان پشتو ترجمه کرده اند و مترجم زبان پشتو «محمد جمیل» امضا کرده است . در صفحات آغاز نسخه یک بیت از قصیدهٔ برده «تقطیع» شده و نکات عروضی و فن قافیه را بیان داشته است . ثواب خواندن قصیدهٔ برده و چند یاد داشت دعایی و فریضه یی در آغاز و انجام نسخه آمده است . دو بیت نیز اینگونه کتابت شده است : «سؤال حافظ :

ازدها در حقه دیدم هم رفیقش بلبلی گرگ و بره هر دورا همراه چوپان دیده ام»

جواب شمشتبریز :

ازدها نفس استحقه تن بود بلبل زبان گرگ شیطان بره ایمان عقل چوپان دیده ام»

نام مالک وکاتب نسخه چنین آمده : «صاحبه من الله سبحانه فقیرتاج محمد».

شرح محبت نامه یا شرح یوسف و زلیخای جامی

۸۹۰ / ۵۹۵

[ادب ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱ - **اندازه :** —بیرونی : ۲۵ × ۱٤ × ۱/۵ س م.—درونی : ۳۱ س ۲۰ × ۹/۵ س م.

۲ - **اوراق :** ۷۸ ورق. ۱۵۶ صفحه.

۳ - **کاغذ :** نازک زرد تیره رنگ هندی ، آب رسیده ، وصالی شده ، جلد مقوایی و چرمی در غلاف کرباسی خاکی رنگ.

٤ - **خط :** تحریر خفی ، سخت خوانا ، پخته ، عنوانها و نشانها و سر فصلها شنگرف ، قرن ۱۳ ه ق.

۵ - **کاتب :** نام «کاتب» نیامده، تاریخ کتابت: «۱۲۷۷ ه ق». در صفحهٔ آخر چنین آمده است : «تمام شد شرح یوسف و زلیخای جامی من تصنیف مولوی ملتانی رح از دست خط حقیر فقیر خاکپای علماء بروز خالی به وقت چاشت در کلان مسجد عالیشان ملک ناصر خان تانی زی در سلخ ماه محرم الحرام سنهٔ یک هزار و دو صد هفتاد و هفت سنهٔ ۱۲۷۷».

٦ - **مؤلف :** یا (شارح) :«**محمد بن غلام محمد**»، نام تألیف : «**شرح محبت نامه**» یا «**شرح یوسف و زلیخای جامی**» ، تاریخ تألیف معلوم نشد. در صفحهٔ ۵ چنین آمده است : «میگوید احقر العباد الله الصمد محمد بن غلام محمد تجاوز الله سبحانه عن ذنوبه . . . دردل این فقیر خیال شرح نمودن محبت نامهٔ مولانا محمد عبدالرحمن جامی قدس الله سره العزیز الباق میگذشت».

۷ - **آغاز :** «رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی رسوله محمد و آله و اصحابه اجمعین میگوید احقر العباد الله الصمد محمد بن غلام محمد تجاوز الله سبحانه عن ذنوبه و بصره و ارزقه حبه و حب من احبه».

۸ - **انجام :** «حق تعالی این احقر الناس را تحت ذاتی مشرف و بمرضیات خود موفق داشته حسن خاتمه روزی گرداند بمنه و کرمه و بحرمهٔ النبی صلی الله تعالی الله و اصحابه وسلم و بحرمهٔ مشایخ الکرام من الطریقهٔ الچشتیهٔ النظامیهٔ خصوصاً

بحرمهٔ شیخ العالمین و قطب السالکین محبوب رحمانی شیخ نور محمد ثانی رضی الله تعالی عنه و عن اسلامه و مرید به آمین یا رب العالمین برحمتک یا ارحم الراحمین تمت تمام شد.

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه «شرح و تفسیر و توضیح مثنوی یوسف و زلیخای جامی» است که شارح آنرا «محبت نامه» نامیده و بنا بر این نسخه، «**شرح محبت نامهٔ جامی**» نام دارد. شارح چند شرح دیگر نیز در اختیار داشته و از آنها بهره مند شده است. مانند «شرح محمد باق» و «شرح قدیم» که شارح شرح قدیم را نشناخته، و شرح اکبر، و شرح محمدرضاخلف محمد اکرم ملتانی. اما به طور کلی این شرح بر اساس «شرح محمد اکرم ملتانی» قراردارد. نثر فارسی آن بر اساس «سبک پاکستانی» است. تقسیمات آن برحسب متن یوسف و زلیخای جامی است با این فرق که لفظ «قوله» را در آغاز هر بیت می آورد. در گوشه و کنارهٔ صفحات توضیح اضافی و یادداشتهای ادبی آمده است. در صفحات آغاز و انجام نسخه یادداشتهای دعایی و طبی و لغوی کتابت شده. در پایان صفحهٔ آخر ۱۰ بیت شعر متوسط آمده که دارای «صنعت توشیح» است زیرا از میان آن اشعار با حساب حروف ابجد اسامی «یوسف» و «زلیخا» و «جامی» استخراج می گردد. بر رویه های درونی جلد به خط شکسته ۲ مکتوب در موضوع تربیتی آمده است که «پیر» به «مرید» خود نوشته است.

۲۹۰
۵۷۵

شرح مختصر الوقایه

[دین، فقه، عربی، منثور]

۱- **اندازه:** —بیرونی: ۲۷×۲۰×۷/۵ سم. —درونی: ۲۸ س ۲۰/۵×۱٤/۵ سم.

۲- **اوراق:** ٤٤۲ ورق. ۸۸٤ صفحه.

۳- **کاغذ:** ضخیم نخودی تیره رنگ سمرقندی، آب رسیده، کرم خورده، وصالی شده، جلد مقوایی و چرمی سرخ گون ضربی منقش (ترنج و نیم ترنج).

٤- **خط:** تحریر عربی (ثلث تحریر)، سخت خوانا، پخته، رسم الخط عربی، خط خوردگی بسیار دارد. عنوان ها و سر فصلها و نشانها و خط های رسم شده بر بالای جملات و کلمات شواهد شنگرف، قرن ۱۰ ه‍ ق

۵ - کاتب : نام «کاتب» و تاریخ کتابت» ندارد.

۶ - مؤلف : یا (شارح) : **«مولانا عبدالعلی البرجندی»** ، نام تألیف (شرح) : **«شرح مختصر الوقایه»** ، تاریخ تألیف (شرح) : **«۹۳۲ ھ ق»**. در این نسخه نام مؤلف و نام تألیف و تاریخ آن نیامده است. (رک : فهرست کتب عربی کتب خانهٔ ریاست رامپور، ج ۱ ، ص ۲۱۰).

۷ - آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، اجناس الحمد لله العزیز الکافی المحیط علم الوافی بالاسرار والمضمرات سیغنی عن العدة والدخیر فی الوقایه عن النوازل و کفایه المهمات المبسوطه زیادات منیه من منتخب کنز خزانه فی بسیط الغبراء علی الوسیط والحقیر المحرر».

۸ - انجام : ناقص است و چنین انجام می یابد: «او ظهرنا علیهم الی علینا علی اهل الحرب عتق ذلک العبد بعد اسلام یکونه فی دارالحرب لانه لو خرج الی دارالسلام بغیر امان و اسلم هیهنا ثم اخذ و مسلم ینبغی ان یکون فینا عند ابحسننفتر عتیقاً عندهما قیاسا علی ما اذا دخل حربی حر بعد امان فاسلم ههنا فاخذه مسلم فان یکون فینا عنده حراً عند هما».

۹- چگونگی : موضوع این نسخه «فقه» است بر اساس عقیدهٔ اهل سنت و جماعت و معروف ترین کتاب است در این موضوع . از خط و کتابت و کاغذ معلوم می شود که قدیم ترین نسخهٔ خطی شرح مختصر الوقایه و شاید از عهد شارح است. تقسیمات این نسخه بر اساس «کتاب» و «فصل» و «باب» است. اول «کتاب الطهارة» و آخر کتاب الخنثی و لیکن در این نسخه تا آخر «کتاب الجهاد» ادامه دارد. یادداشتهای فقهی و توضیحات لغوی در مسائل دینی در آغاز و انجام و کنارهٔ صفحات آمده است. این نسخه در اختیار چند تن بوده است که اسامی و امضای آنها در صفحهٔ اول آمده است : «در تاریخ دهم شعبان سنهٔ ۳۰ (جلوس) عرض دیده شد هذا الکتاب شرح آخوند ملا عبدالعلی برجندی بر مختصر وقایه» و «شرح . . . بحال ۲۵ جمادی الاولی سنهٔ ٤ (جلوس) تحویل محمد علی شد. قیمت ۱۵ (در حساب سیاق)». نشان ۳ مهرداشته که گویا از حاکم یا پادشاه وقت بوده عمداً آنرا محو و سیاه کرده اند. این نسخه در چند جا افتادگی داشته که به خط و کتابت تازه افزوده اند.

۲۹۰
۳۰۸

شرح مشکوة المصابیح جلد دوم

[دین ، حدیث ، عربی ، منثور]

۱ - اندازه : —بیرونی : ۳۶ × ۲۳ × ۵/۶ سم. —درونی: ۲۷ س ۲۲/۵ × ۱۳/۵سم .

۲ - اوراق : ۵۸۰ ورق. ۱۱۶۰ صفحه.

۳ - کاغذ : ضخیم زرد و سفید روشن رنگ براق کشمیری ، اندکی آب دیده ، کرم‌خورده ، وصالی شده ، جلد مقوایی نو سبز گون باعطف و گوشهٔ تیاجی سیاه.

۴ - خط : ثلث خوش جلی ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشان‌ها و سر فصلها و و احادیث و جملات شواهد شنگرف ، قرن ۱۲ ھ ق.

۵ - کاتب : و تاریخ کتابت ندارد.

۶ - مؤلف : یا «شارح» **ملاعلی‌بن سلطان محمد القاری الهروی الحنفی متوفی ۱۰۱۴ ھ ق**، نام این نسخه : «**شرح مشکوة المصابیح ملا علی قاری جلد دوم**» ، تاریخ شرح معلوم نشد ، در آغاز چنین آمده است : «جلد دویم شرح مشکوة ملا علی قاری رحمة الله علیه». نام مؤلف «**شیخ ولی الدین ابو محمد عبد الله ابن عبد الله الخطیب التبریزی**» ، تاریخ تألیف : «**۷۳۷ ھ ق**» ، نام تألیف : «**مشکوة المصابیح**» که از کتاب مصابیح السنهٔ امام ابو محمد حسین‌ابن مسعود الفراء البغوی الشافعی متوفی ۵۱۰ یا ۵۱۶ ھ ق گرفته شده است. (رک : مخطوطات گیلانی لائبراری ، اچ‌شریف، تألیف دکترغلام‌سرور، چاپ بهاولپور ، پاکستان).

۷ - آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین ، باب صدقة الفطر الفصل الاول عن ابن عمر قال فرض رسول الله صلی الله علیه وسلم زکوة الفطر قال الطیبی دل علی انها فریضة والحنفیة علی انها واجبة اقول لعدم ثبوتها بدلیل قطعی فهو فرض عملی لا اعتقادی قال ابن الهمام و مما یستدل علی الوجوب ما استدل بالشافعی علی الافتراض فان حمل اللفظ علی الحقیقة الشرعیة فی کلام الشارع».

۸ - انجام : ناقص است و اینگونه شروع می گردد : «قوله صلی الله علیه وسلم ان العبد

اذا کان علی طریقه حسنه من العباده ثم . . . . للملک . . . الموکل به اکتب له مثل عمله اذا کان طلیقاقلت وکذا ورفی المسافر والشیخ . . . ولما کان قوله صلی الله علیه وسلم و اجری علیه رزقه للمحا الی قوله تعالی یرزقون. للمفعول و امن الفتان بفتح الفاء و تشدید التاء ای عذاب القبر . . . . .».

۹- **چگونگی :** موضوع این نسخه شرح احادیث نبوی است. شارح نخست هر حدیث را می آورد و سپس به شرح آنها می پردازد. کاتب احادیث را به شنگرف کتابت کرده و شرح آنها را به قلم سیاه نوشته است. تقسیمات آن بر اساس متن اصلی است یعنی «**مشکوة المصابیح**» که آن هم به «باب» و «فصل» تقسیم شده است. در آغاز این نسخه فهرست مندرجات آن آمده است اما کامل و دقیق نیست. در این فهرست از «باب صدقه الفطر» آغاز و به «باب الاقضیه و الشهادات» ختم می گردد. این جمله در آغاز فهرست دیده می شود : «فهرس ثلث ثانی شرح مشکوة ملاعلی قاری رحمه الله الباری». در صفحات اول چند یادداشت و نشان مهر ثبت شد است از جمله : «جلد دویم شرح مشکوة ملا علی قاری رحمه الله مقدار شصت و دو هزار بیت است بقرار شصت حرف فی بیت». البته در نسخه «بیت» را به معنی «سطر» گرفته است. به خط سیاق بهای نسخه را «۵۰ عدد روپیه» ضبط کرده اند. مالک نسخه اینگونه نوشته است : مالکه سیادت شاه میر بابا محمد سعید ولد سیادت شاه میر بابا محمد معصوم مرحومی». نشان دو مهر دارد که هر دو یکی است و سخت خوانا است : «حسینی . . . . معصوم . . . .» در صفحات داخلی نیز چند یادداشت به خط تازه نوشته آمده است از جمله مالک جدید چنین نوشته است: «مالک کتاب مولوی خلق الرحمن قریهٔ شکر دره.» این نسخه از مولوی عبدالرشید مالک کتب خانهٔ رشیدیه در شاهدرهٔ (لاهور) خریداری شده است.

۸۹۰
۵۵۶

شرح مطلع الانوار یا محمدیه

[ادب ، حکمت و عرفان ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- **اندازه :** ــبیرونی : ۲۸/۵ × ۱۷/۵ × ۳/۵ س م . ــدرونی : ۲۳ س ۲۳ × ۱۲ س م.

۲- **اوراق :** ۲۱۹ ورق. ۴۳۷ صفحه.

۳- **کاغذ :** ضخیم خاکی رنگ هندی و نازک هراتی ، وصالی شده ، آب رسیده ، جلد مقوایی و چرمی قهوه‌یی رنگ با عطف پارچه‌یی کبود وگوشهٔ کاغذی سیاه ، کرم خورده ، منقش و ضربی .

۴- **خط :** تحریر و شکسته ، ناپخته ، سخت خوانا ، بعضی از نشانها و خط های افقی بر بالای کلمات و اشعار و شواهد شنگرف. قرن ۱۳ ه ق.

۵- **کاتب :** نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» معلوم نشد. شاید این نسخه به خط مؤلف (شارح) باشد. (رک : ۶—مؤلف).

۶- **مؤلف :** یا (شارح) : **«محمد بن غلام محمد»** ، نام تألیف : **«شرح مطلع الانوار»** یا **«محمدیه»** ، تاریخ تألیف : (شرح) معلوم نشد. در صفحهٔ اول چنین آمده است : «و بعده فیقول الراجی الی رحمة الله العلام الصمد عبده المعروف بالذنوب محمد بن غلام محمد اصلح الله تعالی باله .... که چون کتاب والا نصاب مطلع انوار ، مجمع اسرار لفظی و معنوی از جمله سخنان حضرت امیر خسرو دهلوی رحمة الله (است). ... این چند کلمه در حل بعضی ابیات آن نگارش می نماید».

۷- **آغاز :** «بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله علی نعمائه و الصلوة علی سید انبیائه و علی آله و اصحابه و احبائه و بعد فیقول الراجی الی رحمة الله العلام الصمد عبده المعروف بالذنوب محمد بن غلام محمد اصلح الله تعالی باله و جعل الی کل خیر مآله که چون کتاب والانصاب مطلع انوار مجمع اسرار لفظی و معنوی از جمله سخنان حضرت امیر خسرو دهلوی رحمة الله با دقت معانی و لطافت و اشارات و ندرت معانی و ظرافت عبارات متداولست».

۸- **انجام :** «و پودگی بپای پارسی سخت کهنه شدن و لطافت آنکه شیٔ آلوده بچرک شتاب کهنه و پوده گردد و از کهنگی رخنه رخنه شود چنانکه در تمثیل گفت : «خیمه زنم شد مگسک را چوقوت». مقرر که چون خیمه تر گردد مگسی بروی بنشیند خصوصاً چون خیمه مومدار را باران نرم کند مگسها برونشسته رخنه رخنه کنند مگسک بکاف تصغیر برای تحقیر و زنده به فتح زاء پارسی نیک کهنه و پاریده کذا فی الشامل».

۹- **چگونگی:** این نسخه «شرح و توضیح و تفسیر لغوی و دستوری و ادبی» مثنوی مطلع الانوار

امیر خسرو دهلوی (رح) است که گویا به نام «**محمدیه**» معروف است زیرا در در صفحهٔ آغاز آن کتابت شده: «نسخهٔ محمدیه شرح مطلع الانوار مالک این کتاب میان محمد شاه پسر میان اسمعیل». تقسیمات آن براساس «عنوانها» و «مصاریع» و «ابیات» متن مطلع الانوار است، بدین ترتیب که هر مصرع یا هر بیت را می آورد و نخست مفردات آنرا توضیح و تفسیر می کند و سپس به معنی کلی و مقصود آن ها می پردازد. نثر فارسی آن روان و مفهوم و مخصوص پاکستان و هند است و «سبک هندی» یا «سبک پاکستانی» دارد. شارح، اکثر مآخذ و منابع شرح را به دست می دهد. باوجود اینکه شارح گفته است بعضی از ابیات مشکل مطلع‌الانوار را شرح کرده، بنظر می رسد که این نسخه کامل ترین شرح مطلع الانوار باشد. از قرار تحقیق این نسخه تحت عنوان «محمدیه» چاپ شده است.

۶۱۰
———
۵۷۰

شرح موجز القانون

[پزشکی (طب)، عربی، منثور]

۱- **اندازه** :—بیرونی: ۵/۲۹×۵/۱۷×۵/۴سم. —درونی: ۲۵س. ۲۰×۵/۱۰ سم.

۲- **اوراق** : ۴۰۸ ورق. ۸۱۶ صفحه.

۳- **کاغذ** : نازک خاکی رنگ براق سمرقندی، آب رسیده، وصالی شده، جلد مقوایی ملون با عطف و گوشهٔ پارچه‌یی آبی رنگ.

۴- **خط** : ثلث عربی (تحریر)، خوانا، روشن، پخته، عنوانها و سر فصلها و نشانها و خط های افقی رسم شده بربالای جملات و الفاظ و کلمات شواهد شنگرف، قرن ۱۲ هـ ق

۵- **کاتب** : نام «کاتب») ندارد. تاریخ کتابت: «۱۱۹۶ هـ ق». در صفحهٔ ۸۰۶ اینگونه آمده است: «تمت کتاب النفیسی بعون الله الملک الغنی فی یوم الاحد فی التاریخ الرابع من شهر رجب سنهٔ ۱۱۹۶ الف و ست و تسعین مائة اللهم اغفرلمؤلفه و لکاتبه و لقاریه ولجمیع المؤمنین و لمؤمنات والمسلمین والمسلمات،

وکتبت قدر جوت دعاء خیر من التالی المطالع للکتاب
لعل الله یغفر کل ذنب و یرحم حین ابلی فی التراب

یلوح الخط فی القرطاس دهراً و کاتبها رمیم فی التراب»

۶- **مؤلف :** یا (شارح) : «**نفیس بن العوض المتطبب**» معروف به «نفیس الدین کرمانی»، نام تألیف (شرح) : «**شرح موجز القانون**» ، تاریخ یا (شرح) در عهد الغ بیک بن شاهرخ بن تیمورگورکانی مقتول ۸۵۳ هـ ق. در صفحهٔ ۲ اینگونه آمده است : «اما بعد فیقول العبد الضعیف المتأدب نفیس عوض المتطبب ... وجدت الموجز المنسوب الی الشیخ المحقق .... علاء الدین علی بن ابی الحزم القرشی فالتمس منی اجلهٔ الاحباب ... ان ارسم له شرحا ... و لماجد ... فی دولهٔ ... السلطان بن السلطان الغ بیک بن شاهرخ بن تیمور گورکان» .

در صفحهٔ آخر چنین آمده است : «تم الکتاب المسمی بشرح الموجز للمولوی المدقق و الحکیم المحقق نفیس الدین الکرمانی روح الله روحه» .

۷- **آغاز :** «رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر ، توجهنا الی جنابک الاقدس یا من الیه برجع الامور و تعرضنا لشمیم لطفک المقدس یا من لدیه دواء جراحات الصدور فسبحان من حفیظ حمانا عما یصیب المحمومین من النصب فی درک الشقاء و یاله حکیم انزل علینا فی کتابه المحکم» .

۸- **انجام :** «من اکلها فمن اکلها لم یمت و من عاف عن اکلهامات و کان تدبیرهم جمیعاً تدبیراً واحداً و استعملوا دواء جالینوس وغیره من العلاج المذکور و قال جالینوس رأیت قوما اکلوامنها فعاشوالکنهم یقتصرواعلیها وجدها بل استعملوا معها ادویهٔ اخری مماجربناهافی نهش الکلب قال و بلغنی ان قوما اقتصروا علیها وجدها فماتوفی اخرتمت الکتاب بعون الله الملک الوهاب التألیف فی غرة ذی الحجهٔ سنهٔ احدی وار بعین و ثمانمائهٔ من الهجرة النبویه بیلدة سمرقند حماها الله تعالی و سایر بلدة المسلمین عن الآفات والبلیات و قد کنت املیت الحواشی علی کثیر من المواضع ببلدة کرمان حمیت من الحدثان و کانت بالعراق لنا ینال سرقناهی من ریب الزمان جعلنا هن تاریخ المعانی و عنوان المقاصد والامانی» .

۹- **چگونگی:** این نسخه در موضوع «طب» یا «پزشکی» قدیم است . اصل آن از «کتاب القانون فی الطب» تألیف ابو علی سینا است که «علاء الدین علی بن ابی الحزم القرشی المعروف بابن النفیس المتوفی ۶۸۷ هـ ق» آنرا خلاصه

کرده و «موجز القانون» نامیده است. در سال ۸٤۱ هجری قمری «نفیس ابن عوض» یا «نفیس‌الدین الکرمانی» موجز القانون را شرح کرده که به «شرح موجز القانون» یا کتاب النفیس یا «شرح الموجز» معروف شده است و این کار در عهد میرزا الغ بیگ بن شاهرخ صورت پذیرفته است. تقسیمات این نسخه بر اساس «الموجز القانون» یعنی «فن» و «باب» است. شارح، جمله و یا لفظی از موجز را می آورد و بالای آن خط شنگرف می کشد و سپس به شرح طبی آن می پردازد و اغلب مآخذ شرح را هم به دست می دهد. در کناره های صفحات یادداشتهای طبی و توضیحات لغوی آمده است. بعضی از یاد داشت ها به زبان فارسی است. در فصل «منافع شراب» در کنارهٔ صفحهٔ ۱۸۰ چنین آمده است: «و صاحب تحفة المؤمنین نوشته که تمام شرایط را عمر خیام درین رباعی جمع نموده، رباعی این است:

گر باده خوری تو با خرد مندان خور — یا با صنمی لاله رخی خندان خور
بسیار مخور و رد مکن و فاش مساز — اندک‌خوروگه گه خوروپنهان خور

درکنارهٔ صفحهٔ ۱۸۲ «ق مذمة الخمر» اینگونه آمده است:

«سرمایهٔ فساد و کلید درستم — بیخ درخت فتنه و تخم نهال غم
بنیاد هر پلیدی و قانون هر بدی — نقصان عقل و دین بلای زرو درم
در زرع شرع آتش‌ودر چشم عقل خاک — باد دماغ نخوت و آب رخ ستم»

و از «یوسفی علیه الرحمة» اینگونه:

«مشو مایل می چو آمد حرام — به شرع محمد علیه السلام
بدان‌سان که می درشریعت بد است — به حکمت بود بدهم ای حق پرست
چرا زانکه نفع از قلیلش بود — قلیلش به بسیار مفضی شود
زاندازه چون خورده شد بیشتر — به اعضای باطن رساند ضرر
ورت کثرت شرب شد بر دوام — گرفتار مانی به رنج دوام،
تشنج فرو گیردت استوار — تولد کند رعشه پایان کار

نشان چند مهر در آغاز و اواسط و انجام نسخه موجود است که همه یک نوع خوانده می شوند: «عبدالرب ۱۲۷۱». در صفحات پیش و پس از متن چند «نسخهٔ طبی» و «نسخهٔ معجون» به خط تازه کتابت شده. گویا شرح نسخه در کرمان آغاز شده و در عراق (اصفهان و همدان) ادامه داشته و

در سمرقند پایان یافته است ، این دو بیت در صفحهٔ ۸۰۶ آمده :

«عراق دل افروز باد ارجمند که آوازهٔ فضل زو شد بلند
از آن گل کزو تازه گردد نفس عرق ریز او در عراق است و بس»

۸۹۰
———
۴۸۸

شرح نزهة الارواح

[ادب ، عرفان و تصوف ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱ - **اندازه :** ــبیرونی : ۲۶ × ۱۵ × ۲ سم. ــدرونی : ۱۶ س ۲۱/۵ × ۱۱ سم .

۲ - **اوراق :** ۱۵۹ ورق . ۳۱۸ صفحه .

۳ - **کاغذ :** نازک خاکی رنگ و سفید رنگ کشمیری ، آب رسیده ، جلد مقوایی ملون باعطف پارچه‌یی کبود رنگ .

۴- **خط :** شکسته ، سخت خوانا ، نا پخته ، سر فصلها و عنوانها و نشانها و کلمات شواهد و خط های رسم شده بر بالای الفاظ زرد و شنگرف ، قرن ۱۳ هـ ق .

۵- **کاتب :** نام «کاتب» «و تاریخ کتابت» ندارد . (رک : ۹ــچگونگی) .

۶- **مؤلف :** یا (شارح): **«عبدالواحد ابراهیم»**،نام تألیف: **«شرح نزهة الارواح»** تاریخ شرح معلوم نشد. در صفحهٔ ۲ چنین آمده است:«میگوید از ازل (؟) عباد الله مفلس بیپایه عبدالواحد ابراهیم . . .فقیرمدتی حریص بود بمطالعهٔ کتاب نزههٔ الارواح باعث گشت که درمعانی آن خوض کنیم .

نزههٔ الارواح را شرح نمیگویم دلیر کجا خفاش بر وصف رخ خورشید شیر»

۷- **آغاز :** «بسم الله الرحمن الرحیم ، رب اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی وصلی الله علی خیر خلقه محمد و آله و عترته اجمعین‌میگوید از ازل عبادالله مفلس بیپایه عبدالواحد ابراهیم بصرالله تعالی بعیون‌نفسه‌و و جعل یومه خیر امته که فقیر مدتی حریص بودم مطالعهٔ کتاب نزههٔ الارواح»

۸- **انجام :** «خود را ورثت الانبیاء گرفتند و این همه از شور بختی ماست ، نیک افسوس که هر دم هزار بار افسوس ، نیک دریغ که هر دم هزار بار دریغ ، شوخ چشمان را هرکسی شیخ عظام می خواند حقا که از مشایخ بجز عظام نماند یعنی درین وقت شوم علم مشیخیت درکتاب است و علمای مشیخیت در ترابست و ابنای زمان هوا پرستان را مشایخ دین دانسته‌اند چه توان کرد» .

۹- **چگونگی** : موضوع این نسخه «ادب و عرفان وتصوف» است و آن شرح متن نزهة الارواح است که ازکتابهای عرفانی و ادبی است (رک : نزهة الارواح ۱۱۱/۸۹۰) . شارح مدتی نزهة الارواح را در دست مطالعه داشته و پس از آن به شرح آن دست یازیده است . نثر فارسی آن آمیخته با اشعار فارسی و آیات قرآنی و احادیث نبوی و کلمات مشایخ است . تقسیمات آن بر اساس متن نزهة الارواح است . یعنی «فصل» وجمعاً تا ۱۸ فصل دراین نسخه به شرح آمده است و از آخرناقص است . شارح نخست جملات متن را با ذکرلفظ «متن» می آورد و سپس ذیل لفظ «شرح» به شرح متن می‌پردازد وگاهی از خود نیز اشعاری می‌افزاید. سهوالقلم کاتب و اشتباهات املایی وغلطهای انشایی ودستوری فراوان دارد . درگوشه وکنارصفحات بعضی یادداشت‌های ادبی و عرفانی و اشعار آمده است . اما به علت صحافی اکثر آنها بریده شده است. در صفحهٔ اول سه یادداشت شبیه به هم آمده است . «این کتاب شرح نزهة الارواح را روز شنبه در وقت نماز دیگر نوشتن هم خدا تعالی بخوبی انصرام رساند هشتم ماه محرم الحرام و روز شنبه که هشت روز متواتر درکابل شده بود سنهٔ ۱۲۵۷ ه ق» .

۸۹۰
۳۱۸

شش جهت

[ادب ، فارسی، منظوم ومنثور]

۱- **اندازه** : –بیرونی : ۲۴/۵×۱۷سم . –درونی : ۹ س (در طول صفحات نسخه کتابت شده) ۱۸×۱۱ سم .

۲- **اوراق** : ۱۱ ورق. ۲۲ صفحه .

۳- **کاغذ** : ضخیم خاکستری رنگ هندی ، اندکی کرم خورده ، اندکی وصالی شده ، اندکی آب دیده ، جلد تیماجی ضربی نقش دار ، سرخ گون .

٤- **خط** : نستعلیق جلی خوش، روشن، خوانا ، پخته ، عنوانها و الفاظ شواهد و نشان‌ها شنگرف ، یک سر لوح در آغاز ، صفحهٔ اول و دوم نقاشی دندان موشی زرین ، جدول یک خطی کنارهٔ بیرونی صفحات سیاه و جدول ٥ خطی کنارهٔ سطرها زرین و سیاه و سرخ و آبی رنگ ، قرن ۱۱ ه ق .

٥- **کاتب** : «ایزد بخش خوشنویس» ، تاریخ کتابت ندارد اما به احتمال قوی ، تاریخ تألیف

که در «۱۱۱۳ ه ق» است ، تاریخ کتابت نیز هست و آنچه دربارهٔ کاتب در آخر نسخه آمده به خط «مصر رامداس» است چون در صفحهٔ آخر گوید : «را قم آثم این کتاب مستطاب مسمی به «**شش جهت**» تصنیف «**روپ نراین**» بندهٔ درگاه نیاز مند ایزد بلا اشتباه احقر العباد ایزد بخش خوشنویس ولد سعد الله مغفور بن امام بخش مرحوم غفر الله ذنوبه .... تحریر نمود اما راقم این سطور آخرین خود مصر رامداس است زیرا که خاتمهٔ کتاب کاتب ننوشته بود» .

۶- **مؤلف :** «**روپ نراین**» ، نام تألیف : «**شش جهت**» ، تاریخ تألیف : «**۱۱۱۳ ه ق**» ، مؤلف در صفحه ۲۱ «**مطبوع شش جهت**» را ماده تاریخ تألیف آورده اما از روی حساب ابجد «۱۱۳۵» می شود :

«قطعه لمصنفه فی التاریخ ،

این دلگشاصحیفه که هرصفحه‌یی از آن ... چون روی یار آمد مطبوع ودلفریب
سال تمام او به تأمل ز روی عقل ... «**مطبوع شش جهت**» بی پای سنگ و ریب»

منت فراوان و سپاس هزاران مر ایزد کریم رحمت را که در سال هزار و یک صد و سیزده هجری در شهر میمنت بهر شاهجهان آباد ... در اواسط شهر رجب المرجب صورت اتمام پذیرفت» .

در صفحهٔ ۲۲ دربارهٔ «مؤلف» و «بانی نسخه» چنین آمده است :

«راقم آثم این کتاب مستطاب مسمی به **شش جهت** تصنیف **روپ نراین** بندهٔ درگاه نیازمند ایزد بلا اشتباه احقر العباد ایزد بخش خوشنویس ولد سعد الله مغفور بن امام بخش مرحوم غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه حسب فرمایش و ارشاد مصر صاحب عالیمراتب مظهر فیض و کرم مصدر فضل ونعم سعادت و اقبال اساس مصر رامداس دام اقباله و اجلاله خلف مصر صاحب فیاض عالمیان متفقد جهانیان کرم گستر نیاز گستران عظمت آغاز اقبال انجام خجسته فرجام مصر بیلی رام جیو طال الله عمرهم و اقبالهم و زاد اجلالهم تحریر نمود العاقبه بالخیر بعونه و فضله ، اما راقم این سطور آخرین خود مصر رامداس است زیرا که خاتمهٔ کتاب کاتب ننوشته بود» .

۷- **آغاز :** «بسم الله الرحمن الرحیم ، این نامهٔ دلگشا که هر صفحهٔ آن ، آراستهٔ گلشن است چون باغ جنان ، از شش جهتش چو قصه هست عیان ، نامش

شش جهت به فضل یزدان ، این نامهٔ دلنشین خجسته آیین صد شکر که به زیور حمد و سپاس حضرت خالق جان آفرین زیب و آرایش گرفت و این نسخه گزئین (گونین ؟) نیکو ترین هزاران حمد که بحلیهٔ ثنا و ستایش قادر برحق و کریم مطلق زینت پذیرفت بنام ایزد چه نسخه» .

۸ - **انجام** : «نامش بنحو بر خرد شش جهت قرار یافته و صد هزار صنعت و نزاکت و خوبی و لطافت در آن به کار رفته از اولی الالباب توقع که بسر خوشی مزاج ج وهاج مطالعهٔ آن فرمایند و بنظر اصلاح ملاحظه نمایند تا در شش جهت عالم باثر قبول مرقر و مرجب و بزیور شهرت مجلی و مرتب گردیدن ن ع عالم و عالمیان که لاف تکبر بسیزده اند (بسی زده اند) و میزنند و اگری بر سریری‌انصاف جلوس دارند زبان انصاف گشایند و قمری آسا برین سروستان نغمه اجنب سرایند بالعافیه" بالعافیه"ت» .

۹- **چگونگی** : این نسخه از لحاظ صنایع ادبی و بدیعی ارزش خاص دارد . مؤلف نام آن را بدان جهت «شش جهت» گذاشته که از شش طرف می توان آنرا خواند و از هر طرف یک «شعر» یا یک «داستان» یا یک «حکایت» یا یک «ماده تاریخ» استخراج می شود که با یک دیگر فرق دارند . اینگونه صنعت را در علوم ادبی «توشیح» یا «توشیح مطرف» یا «توشیح مقطع» می گویند. مؤلف کتاب خود را در سال ٤٦ جلوس اورنگ زیب پادشاه (۱۰۶۹- ۱۱۱۸ ه ق) تألیف کرده و در شهر شاه جهان آباد به او تقدیم داشته است و علت تألیف را در صفحهٔ ۳ و ١٤ اینگونه آورده است : اما بعد محرر این ارقام روپ نرائن احقر الانام هر چند لیاقت سخن ندارد و لیکن معروض سخن فهمان می گرداند که روزی بوالفضولی می گفت که اختراع صنعتی از زمرهٔ هنودگان ندارم ، جهتش آنکه این جماعت از استعداد فطری اکثری محروم مانده اند مگر از صحبت فضلا فائده بردارند از فرقهٔ هنود نباشد ، چنین زبنان که اختراع صنایع کند کسی بنده را این حرف بر سر غیرت آورد و طبع هوش بشد بدعوی . . . . آن بوالفضول به ترتیب این نسخه پرداخت» . نثر فارسی این نسخه مسجع و متوازی و متوازن و مقفی است و در حقیقت با الفاظ بازی شده است و سبک «فارسی پاکستانی» دارد . این نسخه به تصحیح آقای دکتر علی جعفری چاپ شده است .

۲۹۰
۵۳۶

الشفاء بتعریف حقوق المصطفی

[دین ، اخلاق و عادات و سیرت ، عربی ، منثور]

۱ - اندازه :—بیرونی : ۲۰/۵×۱۲×۳سم . —درونی : ۲۳ س ۱۴×۶/۵سم .

۲ - اوراق : ۲۵۸ ورق . ۵۱۶ صفحه .

۳ - کاغذ : نازک نخودی رنگ براق سمرقندی ، اندکی آب رسیده ، جلد مقوایی و چرمی ضربی و منقش با عطف چرمی سیاه .

۴ - خط : ثلث خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سر فصلها و نشانها شنگرف و زرین ، یک سر لوح در زمینهٔ لاجوردی در آغاز ، و یک سر لوح در زمینهٔ زرین در آغاز قسم دوم ، جدولهای چهار خطی کنارهٔ صفحات سیاه و زرین . قرن ۱۲ ه ق .

۵ - کاتب : «الحاج صالح بن یوسف» ، تاریخ کتابت : «۱۱۷۹ ه ق» : «کتبه الفقیر الحقیر اضعف العباد الحاج صالح بن یوسف غفرالله ذنوبه فی سنهٔ ۱۱۸۹» .

۶ - مؤلف : «ابوالفضل عیاض بن موسی بن عیاض الیحصبی متوفی ۵۴۴ ه ق» ، نام تألیف : «الشفا بتعریف حقوق المصطفی» ، تاریخ تألیف معلوم نشد : «قال القاضی الفقیه الامام ابوالفضل عیاض بن موسی بن عیاض الیحصبی رضی الله عنه .... ولما نویت تقریبه و درجت تبویبه و مهدت تأصیله و خلصت تفصیله وانتحیت حصره و تحصیله ترجمته بالشفا بتعریف حقوق المصطفی (ص)»

۷ - آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم قال القاضی الفقیه الامام ابوالفضل عیاض بن موسی بن عیاض الیحصبی رضی الله عنه الحمد لله المنفرد باسمه الاسمی المختص بالملک الاعز الاحمی الذی یسردونه منتهی ولاوراء مزمی الظاهر لاتخیلاً و وهماً والباطن تقدساً لا عدماً وسع کل شئی رحمته»

۸ - انجام : «و نستعیذه جل اسمه من دعاء لا یسمع و علم لا ینفع و عمل لا یرفع فهو الجواد الذی لا یخیب من امله ولا ینتصر من خذله ولا یردد دعوه القاصدین ولا یصلح عمل المقصدین و هو حسبنا و نعم الوکیل کمل الکتاب المبارک

بحمدالله و حسن عونه وصلی الله علی سیدنا محمد نبیه وعلی آله وصحبه وسلم وعظم و شرف و کرم».

۹- چگونگی: موضوع این نسخه اخلاق و عادات و سیرت و رفتار و کردار و سخنان حضرت محمد بن عبد الله (ص) است که بر اساس آیات قرآن و احادیث نبوی و روایات و اخبار تألیف شده است و تقسیمات آن بر حسب «قسم» و «باب» و «فصل» است. و جمعاً «٤ قسم» دارد و هر قسم بر چند «باب» و هر باب بر چند «فصل» منقسم است. فهرست کامل نسخه در شش صفحه در جدولی بسیار زیبا قرار گرفته شده است: «القسم الاول فی تعظیم العلی الاعلی لقدر المصطفا و فیه اربعهٔ ابواب» و «القسم الرابع فی معجزاته». در صفحات آخر این نسخه با مرکب آبی یک یاد داشت دعایی کتابت شده است در صفحهٔ ۹ یک طغرای بسیار زیبا از کاتب به رنگ زرین نقطه چین شنگرف تعبیه شده است و اینگونه خوانده شد: «کتبه الفقیر الحاج حسین بن مصطفا غفرالله عفی عنه». این متن نسخ خطی فراوان دارد و چاپ شده است، اما این نسخه از لحاظ خط و کتابت و جدول و سر لوح زیبا و جالب است.

صحیفهٔ کاملهٔ سجادیه

۶۹۰ / ۳٤٤

[دین، اوراد و ادعیه، عربی و فارسی، منثور]

۱ - اندازه: - بیرونی ۱۹/۵ × ۱۲ × ۳/۵ سم. - درونی: ۱۶ س (۸ سطر متن عربی و ۸ سطر ترجمهٔ فارسی) ۱۲ × ۶/۵ س (بدون حاشیه) ۱۶ × ۸/۵ سم (با حاشیه).

۲ - اوراق: ۲۷۷ ورق. ۵۵٤ صفحه.

۳ - کاغذ: نازک سفید رنگ سمرقندی، اندکی وصالی شده، جلد چرمی قهوهیی رنگ ضربی نقش دار، شیرازه دار.

٤ - خط: ثلث خوش (متن عربی) و نستعلیق خوش خفی (زیر نویس و یادداشت ها سرخ، عنوانها و نشانها و آغاز دعاها به خط ثلث تزیینی لاجوردی و زرین، یک سر لوح خوش نقش زرین و لاجوردی و دیگر رنگها، جدولهای میان سطرها دو خطی سیاه و زرین، جدولهای کنارهٔ بیرونی صفحات ۲ خطی

و جدولهای کنارهٔ درونی ٦ خطی زرین و سیاه ولاجوردی . قرن ۱۰ ه ق.

۵ - **کاتب :** نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

٦ - **مؤلف :** «**علی بن الحسین علیه السلام ملقب به زین العابدین** امام چهارم ۳۷–۹٤ ه ق» ، نام تألیف : «**صحیفهٔ کامله**» یا «**صحیفهٔ سجادیه**» : تاریخ تألیف معلوم نشد اما دعاهای بوده که آن حضرت در دوران عمر خود می خوانده و یا بر دیگران املا می کرده است : «وحدثنی ان اباه محمد بن علی علیهما السلام املاه علیه واخبره انه من دعاء ابیه علی بن الحسین علیهم السلام من دعاء الصحیفهٔ الکاملة» : (رک : متن نسخه ، ص ۲–۲۸).

۷ - **آغاز :** «هذه صحیفهٔ کامله ، بسم الله الرحمن الرحیم ، بنام خدای بخشایندهٔ مهربان، حدثنا السید الاجل نجم الدین بهاء الشرف ابوالحسن محمد بن الحسن بن احمد بن علی بن محمد بن عمر بن یحیی العلوی الحسینی رحمه الله قال اخبرنا الشیخ السعید ابو عبد الله محمد بن احمد بن شهریار الخازن لخزانهٔ مولانا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فی شهر ربیع الاول من سنهٔ ست عشره و خمسمائهٔ قراءة علیه: روایت کرد مارا سید بزرگ ستارهٔ دین جمال بزرگی ابوالحسن محمد پسر حسین پسر احمد پسر علی پسر محمد پسر عمر پسر یحیی علوی حسینی رحمت کند او را خدا گفت خبرداد مارا شیخ نیک بخت ابو عبد الله محمد پسر احمد پسر شهریار خزانه دار خزانهٔ پادشاه مؤمنان علی علیه السلام پسر ابی طالب برو باد درود در ماه ربیع الاول از سال شانزده و پانصد در حالتیکه میخواندند برو».

۸ - **انجام :** «و ان تشرح بکتابک صدری و تحط بتلاوته وزری و تمنحنی السلامهٔ فی دینی و نفسی ولا توحش بی اهل انسی و تتم احسانک فیما بقی من عمری کما احسنت فیما مضی منه یا ارحم الراحمین : واینکه گشاده سازی بکتاب خود سینهٔ مرا و فرو نهی [به تلاوت آن] بار گران مرا و عطا کن به من سلامتی را در دین من و نفس من و اینکه وحشت ندهی بمن اهل انس را و اینکه تمام کنی احسان خود را در آنچه باقی مانده است از عمر من چنانچه احسان کردهٔ در آنچه گذشته است از آن ای رحم کننده ترین رحم کنندگان» .

۹ - **چگونگی :** موضوع نسخهٔ «صحیفهٔ کامله» یا «صحیفهٔ سجادیه» انواع دعاها است. و

تقسیمات آن بر اساس «دعا» قرار دارد و جمعاً ٦٨ دعا دارد ، که اول آنها «دعای تحمید» و آخر آنها «دعای یوم السبت» است . صحیفهٔ سجادیه را همهٔ مسلمانان عموماً و شیعیان خصوصاً بسیار می خوانند و به «**زبور آل محمد**» و «انجیل اهلبیت» معروف است . نسخ خطی آن در قطع و صورت های مختلف و بسیار زیبا درکتابخانه ها و در نزد مردمان موجود است . تاکنون بیش از یکصد بار چاپ شده است .

این نسخه با زیر نویس فارسی و بعضی از یادداشتها و تفسیر های لغات و اختلاف نسخه ها و روایات در نوع خود کم نظیر است . این یادداشت در شناخت لسخه ارز نده است : «مخفی نماند که این صحیفهٔ کامله بسیار عظیم الشان و جلیل القدر است و درمیان علما آنرا زبور آل محمد و انجیل اهلبیت می خوانند و بسبب آن بحضرت امام همام سید العابدین والساجدین علی بن الحسین صلوات الله علیهما مشهور و متواتر است مانند کتابهای دیگر بمصنفین که حاجت بنقل نیست که فلان روایت کرده همیشه متعارف علما شده است که از باب تیمن و تبرک نقل راویان و استادان خود میکنند تا حضرت معصوم علیه‌السلام و نقل راویان درین دیباچه ازین باب است وعلما را درین خلاف است که آن کسی که از سید بزرگوار روایت کرده کیست بعضی را اعتقاد آنست که محمد بن سکون است که از معتمدین علمای امامیه است و بعضی را گمان این است که عید الرؤساست که او نیز از بزرگان فقهاست والله اعلم بالصواب» در کنارهٔ صفحات این نسخه به خط نستعلیق خوش خفی یادداشتهایی آمده است که بعضی از آنها امضای «میر داماد» و «میر محمد باقر» دارد و احتمال می رود این نسخه به خط «میرداماد» باشد که از علما و فلاسفه و دانشمندان معروف عهد صفویه یعنی در زمان شاه عباس بوده است .

٥٤٠
٥٦٦

صراح من الصحاح

[مراجع ، لغت ، عربی به فارسی ، منثور و منظوم]

۱ - اندازه : ـ بیرونی : ۳۲×۲۱/۵×٦ س م . ـ درونی : ۱۹ س ۲۲×۱۳ س م .

۲ - **اوراق :** ۶۸۰ ورق. ۱۳۶۰ صفحه.

۳ - **کاغذ :** نازک سفید رنگ هراتی ، آب رسیده ، جلد مقوایی ملون با عطف و گوشهٔ پارچه یی آبی رنگ.

٤ - **خط :** نستعلیق جلی ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشانها و سرفصلها و لغات و خط های افقی رسم شده بر بالای الفاظ شنگرف ، قرن ۱۲ هـ ق .

۵ - **کاتب :** «**محمد تقی**» ، تاریخ کتابت : «۱٤۱ ؟ یا **۱۲۲۰ هـ ق**»، در صفحهٔ آخر اینگونه آمده است : «کتاب صراح معرفت حاذق الملک حکیم محمد شریف خان صاحب حسب فرمایش راجه صاحب بلند اقبال راجه بهادر سنگهه بهادر خلف الصدق راجه رنجیت سنگهه بهادر ، چهار دهم شهر ذیحجه سنهٔ ۱۲۲۰ من هجرة النبوی صلی الله علیه وسلم از کتب کثیر به مقابله رسید».

۶ - **مؤلف :** «**ابو الفضل محمد بن عمر بن خالد المدعو بجمال القرشی**» ، نام تألیف : «**صراح من الصحاح**»، تاریخ تألیف : «**۶۸۲ هـ ق**» : «الله رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم وتمم بالخیر ، قال الفقیر الی مولاه الغنی عمن سواه الواثق بالمتعالی من الولد والوالد ابوالفضل محمد بن عمر بن خالد المدعو بجمال القرشی . . . فان صحاح اللغة . . . ترجمته بالفارسیة . . . سمیته بالصراح من الصحاح».

۷ - **آغاز :** «الله رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر قال الفقیر الی مولاه الغنی عمن سواه الواثق بالمتعالی من الولد و الوالد ابو الفضل محمد بن عمر بن خالد المدعو بجمال القرشی جمل الله احواله و حصل آماله احمد الله و هو المحمود بکل اللغات و حلها و اشکره و هو المشکور علی کثر الهباب».

۸ - **انجام :** «فلما ادخل علیه یا للتنبیه سقطت الالف التی فی اسجدوا لانها الف الوصل و ذهب الالف التی فی یاء لاجتماع الساکنین لانها والسین ساکنتان قال ذوا لرمة ، شعر :

الایا اسلمی یا دارمی علی البلی و لازال منهلا بجز عائک القطر

«تمت الکتاب بعون الملک الوهاب بالخیر و النصر».

۹ - **چگونگی:** این نسخه در موضوع «لغت عربی به فارسی» است . اصل نام کتاب «صحاح اللغة» تألیف «جوهری» بوده است. مؤلف آنرا ترجمه و تألیف کرده و «الصراح من الصحاح» نام داده است. تقسیمات آن بر اساس «باب» و «فصل»

است. بدین شرح که: حرف آخر هر کلمه را «باب» و حرف اول را «فصل» نامیده است، مثلاً: لفظ «هماء» را در «باب الالف مهموزه و فصل الهاء»، و «اجاء» را در «باب الالف مهموزه و فصل الالف» می توان یافت و همچنین لفظ «اثم» را در «باب المیم و فصل الالف» و قس علی هذا. این نسخه در سال ۱۲۲۰ هجری از روی نسخ دیگر مقابله شده است و ارزش آن در این است که به فرمان «راجه بهادر سنگه فرزند راجه رنجیت سنگه بهادر» کتابت شده است. سهوالقلم کاتب و خط خوردگی دارد. لغات را به قلم شنگرف در کنارهٔ صفحات آورده اند. هر لغت را دقیق و عمیق به زبان فارسی و عربی توضیح می کند و شواهد شعری عربی فراوان دارد. مفردات فارسی که معانی مفردات عربی است اصیل و درست و بدون غل و غش است. این یادداشت از خریدار و مالک آن در آغاز آمده است: «این کتاب صراح بمبلغ شصت روپیه کلدار در ملک مجازی ملا علی احمد قادری بابری در آمد الی ماشاء الله».

۲۹۰/۴۹۳

صراط النجاة

[دین، فقه، فارسی، منثور]

۱ - **اندازه**: —بیرونی: ۲۶/۵×۱۵×۲/۵ س م. —درونی: ۱۵ س ۲۰×۱۰ س م.
۲ - **اوراق**: ۱۷۰ ورق. ۳٤۰ صفحه.
۳ - **کاغذ**: نازک خاکی رنگ هندی، جلد مقوایی و چرمی سرخ رنگ ضربی منقش.
٤ - **خط**: ثلث خوش‌جلی، خوانا، روشن، پخته، عنوانها و نشان‌ها و سرفصلها شنگرف. قرن ۱۳ ه ق.
۵ - **کاتب**: نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد. در آخر نسخه چنین آمده است: «الفرمایش جناب کربلائی محمد رضائی (جوان شیر) چراغ علی مرحوم».
٦ - **مؤلف**: «**الحاج شیخ مرتضی الانصاری**» و «**حاج محمد علی یزدی**»، نام تألیف **صراط النجاة**»، تاریخ تألیف معلوم نشد. این نسخه را حاج شیخ مرتضی انصاری تقریر کرده و حاج محمد علی یزدی تحریر نموده است. در صفحهٔ ۲ چنین آمده است: اما بعد چون مرجع احکام اشرف انام درین ایام میمنت فرجام

سرکار حجهٔ الاسلام . . . الحاج شیخ مرتضی انصاری . . . بود و جناب مستطاب . . . حاج محمد علی یزدی . . . از ایشان مسائل مهمه از حلال و حرام . . . ثبت نموده . . . و بصراط النجاة مسمی گردید و مرتب شد.

۷ - آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد و آله الطاهرین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین اما بعد چون مرجع احکام اشرف انام درین ایام میمنت فرجام سرکار حجة الاسلام نخبهٔ العلماء والعظام والفقهاء الکرام والمجتهدین الفخام مرتضی الامام و خلیفهٔ بالحق علی کافهٔ الانام فی جمیع احکام الحلال والحرام مرجع الخواص والعوام علم التقی کهف الحاج شیخ مرتضی الانصاری دام ظله العالی بود و جناب مستطاب قدوسی ایاب عوارف آداب حاج محمد علی یزدی بشرف حضور باهرالنور سرکار ایشان مدتی بوده».

۸ - انجام : «طفل که تقصیر کند مرتکب بعض گناه کبیره شود ولی یا معلم بجههٔ تأدیب و ترتیب بقدریکه ترک بدی کند و اطاعت کند بزنند ایشان را نه بقسمیکه لازم دیه آید یا بد بدهند دینست بر ایشان اگر چه پدر و مادر هم باشند و دیهٔ مال طفل است و اگر فوت هم شده طفل باید بورثه دهند بخود ضارب نمیرسد چیزی از آن دیه حسب الفرمایش جناب کربلائی محمد رضای (جوان شیر) ولد چراغ علی مرحوم».

۹ - چگونگی: این نسخه در موضوع مسائل فقهی و احکام تقلید است بر اساس عقاید شیعیان. تقسیمات آن بر اساس یک «مقدمه» و چندین «مسئله» و «فصل» است. این نسخه از روی نسخهیی نوشته شده که به نظر مؤلف رسیده و به عنوان «نسخهٔ صحیحه» آنرا مهر کرده است. این یادداشت در صفحهٔ دوم به خط ثلث شنگرف آمده است : «هوالمستعان ، این نسخهٔ رساله نسخه ایست بنظر سرکار شیخ مرتضی دام ظله العالی رسیده چون سابق برین چند رساله چاپ زدند و بنظر سرکار شیخ نرسیده بود از مقابله پس از آنی که بنظر سرکار جناب شیخ رسید تجویز نفرمودند چون فی الجمله غلطی داشت و سرکار شریعتمدار این نسخه را مطالعه فرمود پذیرفت تمام و بمهر شریف خود مزین فرمودند. این نسخه از روی همان نسخه نوشته شده من اوله الی آخره مقابله شده و حرف غلط ندارد بنا برین و اجبست که از روی همین تقلید

کنند که بی عیب بروفق شیخ خواهد بود. محل خط شریف ایشان، بسم الله الرحمن الرحیم، قد قرأ علی الاحقر شیخ مرتضی الانصاری محل خاتم شریف حجة الاسلام جناب مرتضی دام ظله العالی». در کنارهٔ صفحات و در آغاز و انجام نسخه بعضی یادداشت های دینی و طبّی و تعویذ آمده است. نشان یک مهر در صفحهٔ دوم است که اینگونه خوانده شد. «یا امام رضا».

۹۸۰/۵۱۵

صنعت باری

[ادب، فارسی، ترکی و هندی، منظوم]

۱ - **اندازه :** -بیرونی : ۲۱×۱۳/۵ س م. -درونی : ۱۱ س. ۱۵×۸ س م.

۲ - **اوراق :** ۲۲ ورق. ٤٤ صفحه.

۳ - **کاغذ :** ضخیم خاکی رنگ سیالکوتی، آب رسیده، جلد مقوایی سیاه رنگ تازه با عطف پارچه‌یی سیاه.

٤ - **خط :** نستعلیق متوسط. قرن ۱۳ هـ ق.

۵ - **کاتب :** «کرم الدین» نام داشته، تاریخ کتابت: **«۱۲۵٦ هـ ق= ۱۸۹٦ میلادی»: بدست خط فقیر بندهٔ احقرین کرم الدین برای پاسخاطر ...** سعادت مند امام بخش قلمی نمود دیگری کسی اگر دعوی کند بموجب شرح غرای دروغی و باطل باشد ۱۲ جیت ۸ شهر محرم الحرام مبارک ۱۸۹٦ سنهٔ مقدسی ۱۲۵٦».

٦ - **مؤلف :** یا (شاعر) : معلوم نشد. نام تألیف (مثنوی): **«صنعت باری»** که از اولین بیت این نسخه گرفته شده است، تاریخ تألیف ندارد (رک: ۷ آغاز)

۷ - **آغاز :** «بسم الله الرحمن الرحیم :

صنعت باری کارن هار کردا رنگ برنگ بهار
ایسر الله ایزد خوان تنکری نامش ترکی دان
فلک اسمان دهرت زمین گیتی عالم دیکهه به بین»

۸ - **انجام :** «کارکاج نقش هی کار ما اسپ بزن هی مار
خار کندا خار هی شور مور کیرا طاؤس هی مور

کل کنکنی دشنام هی کل نهال بوتا مقبول نهال

(رک: ٥- کاتب)

۹- چگونگی : این نسخه برای تعلیم مبتدیان بطور منظوم یا مثنوی نوشته شده است که آنرا حفظ کنند، و در هر یک مصراع نام چیزی در سه زبان، اُردو، فارسی و هندی آورده شده، مثلاً در این شعر:

میزان ترکری اور قسطاس نسیه اودهار امید هر آس

نسیه فارسی، اودهار هندی، و امید فارسی، آس هندی است، در صفحهٔ آغاز «نسخهٔ صنعت باری ص ٤٤ سنهٔ ۱۲۵٦ه» نوشته شده است. در صفحهٔ دیگر علامات «ع ع» و جملهٔ دعایی رضی الله عنه «رض» و بر صفحهٔ آخر یادداشت هایی لغوی نوشته شده است. هم چنین در آخر نسخه جملهٔ دعایی علیه السلام «عم» و پایان «الخ» نوشته شده است.

طب شهاب = شفاء الامراض = زبدة قوانين العلاج ٦١٠/٦٠٠

[پزشکی، فارسی، منثور]

۱ - اندازه : -بیرونی : ۲٤×۱۷/٥×٤ س م. -درونی : ۲۰ س ۱۷×۱۱/٥ س م.

۲ - اوراق : ۱۹٤ ورق. ۳۸۸ صفحه.

۳ - کاغذ : نازک و ضخیم زرد تیره رنگ جهانگیری، آب رسیده، وصالی شده، جلد مقوایی و چرمی پوسیده در غلاف کرباسی چرکین و پوسیده.

٤ - خط : نستعلیق، خوانا، روشن، پخته، عنوانها و سرفصلها و نشان و کلمات شواهد شنگرف، قرن ۱۲ و ۱۳ ه ق.

٥ - کاتب : «محمد نسیم»، تاریخ کتابت : «۱۲۵۷ ه ق» : «بشرف اتمام رسید و بفرخی اختتام پیوسته کتاب طب شهاب منشور بتاریخ بیست و پنجم ماه جمادی الثانی سنهٔ ۱۲۵۷ بخط شکسته رقم فقیر پر تقصیر احقر العباد محمد نسیم باتمام رسید:

بیادگار نوشتم من این کتاب را ورنه خط من لایق نبود این کتاب را

دستم بزیر خاک چو خواهد شدن تباه باری بیادگار بماند خط سیاه

الهی هر آنکس که این خط نوشت عفو گناهش عطا کن بهشت
تمت تمام شد ».

۶- **مؤلف :** «**علاء الدین فرزند هبة الله سبزواری مجلدی** ، **غیاث متطبب**» ، نام تألیف: «**طب شهاب**» یا «**زبدة قوانین العلاج**» یا «**شفاء الامراض**»، تاریخ تألیف: «**۸۷۱ ه ق**» (رک : فهرست نسخه های خطی فارسی ، جلد یکم ، تألیف احمد منزوی ، ص ۵۴۸ — ۵۹۱). در این نسخه نام مؤلف و تاریخ تألیف نیامده و فقط در پایان نام کتاب «طب شهاب منشور» نوشته شده است.

۷- **آغاز :** «بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله رب العالمین و العاقبة للمتقین و الصلوة والسلام علی رسوله محمد و آله و اصحابه اجمعین ، عزیزی که پیوسته از دل بدومی‌رسد او را معتدل دارد و منفعت تری آنکه ازین حرارت ها و حرکتها دروی خشکی تولد کند و منفعت چربی و لزجی آنکه عصبها از وی روید گسلنده و شکننده نباشد».

۸- **انجام :** «ششم شانه است هفتم زیر زانو هشتم ن نهم رگ پیشانی دهم رگ صداع یازدهم رگ چشم دوازدهم رگ بینی سیزدهم اوجاع چهاردهم زیر زبان پانزدهم چهاررگ شانزدهم رگ سر، رگها بعض را اند درین مختصر یاد کرده آمد تا خواننده را ملال نشود و الله تعالی اعلم و احکم بالصواب و الیه المرجع والمآب بشرف اتمام رسید و بفرخی اختتام پیوست کتاب طب شهاب منشور».

۹- **چگونگی :** موضوع این نسخه «طب قدیم» است. تقسیمات آن بر اساس «باب» و «فصل» است و جمعاً ۱۴ باب «و هرباب» چند «فصل» و هر فصل بر حسب موضوع به عنوانات دیگر تقسیم شده است. این نسخه به نامهای مختلف «زبدة قوانین العلاج» و «شفاء الامراض» و «طب شهابی» شهرت دارد. مؤلف کوشیده که اصطلاحات پزشکی را به زبان فارسی بیاورد در آغاز و انجام و کناره های صفحات یادداشتهای طبی و نام های داروی و روش معالجه و نسخه نوشتن را به خط شکسته و نستعلیق خفی کتابت کرده اند. متأسفانه به علت آب دیدگی بعضی از این یادداشتها محو و نابود شده است. نشان مهر کاتب «محمد نسیم» در آخر نسخه آمده است.

۲۹۰
۳۴۷

طریق الارشاد

[دین ، عرفان ، فارسی، منثور]

۱- اندازه : ۱۸/۵×۱۲/۵×۲ سم. —درونی : ۱۹ س ۱۳×۸ سم .

۲- اوراق : ۸۷ ورق. ۱۷۴ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم زرد روشن رنگ سیالکوتی و آبی رنگ هندی ، جلد مقوایی سرخ پارچه‌یی باعطف و گوشهٔ چرمی قهوه‌یی رنگ.

۴- خط : نستعلیق تحریری ، روشن ، خوانا ، عنوانها و نشانها سرخ گون ، کلمات و جملات عربی معرب (مشکول) و اعرابها سرخ گون ، قرن ۱۲ هـ ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

۶- مؤلف : نام «مؤلف» و تاریخ تألیف معلوم نشد ، اما شنیدم که از « کازرونی» است و لیکن کدام کازرونی ؟ نام تألیف : «**طریق الارشاد**» : تمت نسخهٔ میمونه مسمی بطریق الارشاد».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله رب العالمین و العاقبة للمتقین والصلوة والسلام علی رسوله محمد و آله و صحبه اجمعین اما بعد چون خواهد که در صحبت صاحب دولتی آید و پرورش یابد و نسبت توجه حاصل نماید اول استخاره کند و تکرار کند هفت کرت بدین ترتیب اول دو رکعت نماز گذارد (گزارد) در رکعت اول بعد از فاتحه بخواند و ربک یخلق مایشاء و یختار ما کان لهم الخیرة».

۸- انجام : «طریقه علیه کازرونیه که منسوب است بموحد ربانی ابن اسحاق الکازرونی رحمة الله تعالی دائره است تخلق با خلاق رسول اکرم صلی الله علیه وسلم ظاهر و باطن و تسلیم و رضا و ایثار وسعت و ترک تضیق و دوام شهود و استغراق و اکثر ذکر اهل بگشاده داشتن چشم «هوالظاهر» است و گاهی « انت الظاهر » گویند و پوشیده داشتن چشم « هوالباطن » است و گاهی «انت الباطن» گویند و گاهی نفی و اثبات نیز گویند . در طریقهٔ محمدیه علیه الصلوة والسلام اعمال اینطریقه رسول اکرم را صلی الله علیه وسلم

قولاً و فعلاً و حالاً چنانچه در احادیث وارد است و اشتغال با حادیث دست نمیدهد تمت نسخه میمونه مسمی بطریق الارشاد».

۹- **چگونگی** : موضوع این نسخه «عرفان و تصوف و سیرو سلوک و تربیت مریدان و روش مرشدان و وظایف دینی و دعا و نماز و قواعد و اصول آنها» است. تقسیمات آن براساس «فصل» و جملات و کلماتی است که در عنوان قرار داده شده است.
از احادیث نبوی و آیات قرآنی استفاده کرده و متن نسخه با نظم و نثر آمیخته است در این نسخه از طوایف صوفیه و ازسلاسل و فرق اسلامی و از مشایخ و پیران و مرشدان آنان نام برده و کلمات و سخنان آنان را برای شواهد آورده است ، مانند : **قادریه، چشتیه ، سهروردیه، بهائیه ، کبرویه ، حاتمیه ،نقشبندیه ، شطاریه، فردوسیه ، مدینیه، غزالیه ، رفاعیه ، کازرونیه**. فارسی آن روان‌وساده و به سبک عرفانی است ، مثلاً: «فصل درکلمات قدسیه و این یازده کلمه اند براینها است طریقه علیه نقشبندیه در بعض این کلمات اشاره است باین اشغال و در بعض اشاره است بشروط تأثیر اشغال و ما ذکر میکنیم این کلمات را بعون الله وقوته و آن این کلمات اند : هوش دردم ، نظر بر قدم ، سفر در وطن ، خلوت در انجمن ، یاد کرد باز گشت ، نگهداشت یادداشت ، و این کلمات مأثورند از حضرت خواجه بهاء الدین نقشبند قدس سره که آن وقوف زمانی ، وقوف قلبی، وقوف عددی هست اما هوش در دم بمعنی تیقظ است در هرنفس».
این نسخه اصطلاحات عارفان و صوفیان فراوان دارد. در آغاز و انجام و در لابلای اوراق و در کنارهٔ صفحات بعضی یادداشت ها و توضیحات و اشعار از یاد رفته کتابت شده است ، از جمله یک غزل که سخت خوانا و در وصف جیلانی (رح) است و یک مطلب دربارهٔ «تقویم» و ماه ها و بروج دوازده‌گانه و در آخر اینگونه امضا شده است : «دست خط حقیر پیر محمد».

طریق‌الارشاد لتکمیل المؤمنین و الاولاد ۲۹۰/۳۴۶

[دین ، عرفان ، فارسی ، منثور]

۱- **اندازه** : بیرونی : ۵/۲۰×۵/۱۴×۵/۱ س م. —درونی : ۱۰ س ۱۴ × ۱۰ س م.

۲- **اوراق** : ۹۲ ورق. ۱۸۴ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم سفید رنگ ولایتی ، جلد مقوایی و پارچه یی با عطف و گوشهٔ چرمی قهوه یی رنگ.

٤- خط : نستعلیق تحریری آمیخته با شکسته ، روشن ، خوانا ، پخته ، یک سر لوح ساده ، بعضی از عنوانها و نشانها و خطوط رسم شده بر بالای کلمات سرخ گون. قرن ۱۳ ه ق.

۵- کاتب : نام « کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد چون اینگونه به نظر می رسد که از آخر ناقص باشد و اوراق یا ورق افتاده است (رک : ۸—انجام).

٦- مؤلف : «**شیخ فقیر الله الهاشمی**» ، نام تألیف : «**طریق الارشاد لتکمیل المؤمنین والاولاد**» ، تاریخ تألیف معلوم نشد : «این همه فیوضات الهیه و عنایات نامتناهیهٔ حضرت حق اند بر این فقیر «شیخ فقیر الله الهاشمی» ارزانی داشته لله الحمد والمنه و بعضی از آن طرق درین رساله اکتفاء ذکر نموده شد و مسمی گردید این رساله را بطریق الارشاد لتکمیل المؤمنین و الاولاد و بالله التوفیق و هو نعم الرفیق».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله بجماله و جلاله و الصلوة و السلام الایمان الاکملان علی رسوله محمد و آله و صحب اجمعین اما بعد حق تعالی جمیع محبان ارادت کیش و برخورداران ابوالفضل غلام محمود و غلام محمد سراج الدین محمد و رفیع الدین فیض الحق و زین العابدین و مصلح الدین و مسیح العارفین مولانا حفظ الله و دین محمد و اهل الله و فیض بخش و میر دلیل الحق و عبد الله و نصیر الحق و نور الدین حسن و غیاث الدین محمد و میر رفیع الحق و محمد طاهر را از راه کامل و عنایت شامل بکمالات انسانیه کامل ساخته».

۸- انجام : «فصل ، چون این چنین صاحب دولتی که صحبت را شاید بدست آید مرید را باید که رشتهٔ اختیار بدو سپارد و خود را در مابین یدی او مثل میت بی اختیار شمارد و مثل معاملهٔ صحابه رضوان الله تعالی علیهم اجمعین با رسول الله اکبر (ص) باو درکار دارد چه او بصحبت معنعنه نایب مناب برحق و خلیفهٔ مطلق سر دفتر انبیاست علیه و علیهم الصلوة والسلام پس باو شیوهٔ صدیقان پیش گیرد و خرق عادات ازو طالب نه نماید و در حضور او سخن بلند نگوید و در جانب او پا دراز نکند و کمال خود را در رضاء

او داند و از وی دیگری را بهتر نداند و پای بر مصلی او و جامهٔ او نه نهد و در هر حال رابطهٔ قلبی که راه فیوضات است پیوسته دارد و در غیبت و در حظور (حضور) فدای او باشد و نام او بجز ادب بزبان نراند و در هر وقت از وی هراسان باشد و در هر واقعه که بروی روی نماید ازو نپوشد و هر چه در واقعات و مبشرات به بیند اگرچه از شیخ دیگر باشد از پیر خود داند چه برای آزمایش مریدان پیران بقدرة ایزدی بصورة شخصی بر ایشان ظاهر میگرداند و برای امتهان (امتحان) شان چیزی میگوید از نفع و ضرر، باید که باعتقاد جازم از پیر خود داند و غیر ذالک در امور دیگر».
شاید صفحات یا اوراق از آخر افتاده باشد.

۹- چگونگی: موضوع این نسخه «عرفان و تصوف و طریق ارشاد سالکان و روش تربیت مریدان» است. مؤلف که خود را همه «فقیر» می خواند در صفحهٔ ۸ اینگونه فرماید: «این فقیر این رساله را برای تربیت و ترقی ایشان (سالکان) و جمیع مؤمنان درجه بعد درجه و مرتبه بعد مرتبه تصنیف نموده تابرین اخذ نمایند و تجاوز نورزند چه سیر و سلوک موافق این رساله، مطابق کتاب و سنت است و موجب رسوخ برقدم محمدیست علیه افضل الصلوة و اکمل التحیات. باین فقیر اجازهٔ سی و سه طرق مشایخ: **قادریه و قشریه و سهروردیه و بهالیه و کبرویه و فردوسیه و طیفوریه و بسطامیه و رفاعیه و نقشبندیه و همدانیه و شاذلیه و وفائیه و مدینیه و احمدیه و حواطریه و خلوتیه و طالبیه و حاتمیه و غزالیه و او یسیه و زروقیه و راشدیه و بکریه و جزولیه و سهدیه و سبهلیه و حلاجیه و شعبیه و صدیقیه و کاذرونیه و محمدیه** رسیده».

تقسیمات این نسخه بر اساس «فصل» و جملات و اعدادی است که در عنوان قرارداده است از احادیث نبوی و آیات قرآنی استفاده کرده و نثر و نظم باهم آمیخته و یک متن عرفانی به وجود آمده است. از کتب متصوفه یاد کرده است و در یک جا چنین آورده است: «و باید که در علوم دینیه رسوخ قدم حاصل کند و کتب تفاسیر و احادیث و اصول آن و عقاید و فقه و اصول فقه و کتب تصوف مثل غنیه **الطالبین و احیاء العلوم و عوارف المعارف و مکتوب حضرت ایشان و خواجه محمد معصوم و مقدمه فتوحات**

غیبیه و مکاتیب وغیره **رسائل فقیر** در مطالعه داشته باشند تا در سیر و سلوک در غلط نیفتند».

غلط های انشایی و اشتباهات املایی و سهوالقلم کاتب فراوان دارد: چنانکه «حضور» را «حظور» و «امتحان» را «امتهان» کتابت کرده اند. حرف اضافه «ب» و «ن» نفی‌از فعل جدا است و بر اسم چسبیده است. این نسخه منحصر بفرد است و هنوز چاپ نشده است.

ظفرنامه یا ظفرنامهٔ یزدی یا ظفرنامهٔ تیموری یا فتح نامهٔ تیموری

۸۹۰ و ۹۵۰ / ۳۳۰

[ادب و تاریخ، فارسی، منظوم و منثور]

۱- **اندازه :** —بیرونی. ۳۰ × ۲۲ × ۵ سم. —درونی: ۳۰ س ۱۴ × ۱۸ سم. (از صفحهٔ ۲ تا ۷۵)، ۱۷ س ۲۳/۵ × ۱۴ سم (از صفحه ۷۸ تا آخر).

۲- **اوراق :** ۴۷۵ ورق. ۹۵۰ صفحه.

۳- **کاغذ :** نازک سفید رنگ و حنائی ولایتی و هندی، آب رسیده، وصالی شده، جلد چرمی تیره رنگ ضربی و منقش بالب بر گردان.

۴- **خط :** نستعلیق خوش خفی و جلی، روشن، خوانا، پخته، عنوانها و نشانها و سر فصلها و خطوط رسم شده برب‌الای عبارات شواهد شنگرف، جدولهای ۴ خطی سیاه و سرخ و زرد گون، قرن ۱۱ ه‍ ق.

۵- **کاتب :** نام «کاتب» ندارد اما تاریخ کتابت «**۱۱۳۲ ه‍ ق**»: «شکر او سبحانه بتقدم می رسانم .... (وصالی شده) .... بعون او تعالی بآخر رسانیدم و تمام شد بتاریخ غرهٔ شهر ذیقعده سنهٔ یکهزار و یکصد وسی و دو ...:(وصالی شده) .... جلوس والا ۲ دو یوم چهار شنبه وقت چاشت نوشته شد، ظفرنامه بآخر رسید، آخرش خیرباد، تم تم تم تم تمام شد».

۶- **مؤلف :** «شرف» یا «**مولانا شرف الدین علی یزدی متوفی ۸۵۳ ه‍ ق**»، نام تألیف: «**ظفر نامه**» به قول مشهور اما به قول خودش «**فتح‌نامه**»، تاریخ تألیف: «در عهد تیمور» شاید از «**۸۳۲ تا ۸۴۶ ه‍ ق**»، در متن کتاب جایی به نام «**ظفر نامه**» نرسیدم و فقط در آخر آن، کاتب نوشته است: «**ظفر نامه بآخر رسید**». در آغاز مقدمه نیز اینگونه می گوید: «افتتاح تاریخ جهانداری و

ابتدای نامهٔ ظفر و بختیاری». و لیکن در صفحهٔ ۷۰۲ چنین آمده است: «و چنانچه در تضاعیف این **فتح نامه** به تفصیل گزارش پذیرفته». (رک: فهرست نسخه‌های خطی فارسی بریتیش میوزم، ج ۱، ص ۱۷۳) و مآخذ دیگر.

۷- **آغاز**: «باسمه سبحانه، حمداً کثیراً مبارکا لمن تؤتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء و صلوة طیبه و ایمه (وافیه) علی خاتم الانبیاء و سید الاولیاء محمد و آله الاصفیاء اصحابه النجباء عترته الاتقیاء مقالهٔ اول در ذکر صادرات اقبال و واردات احوال حضرت صاحب قران انار الله برهانه،

بنام خدائی که از نام اوست / که مارا توانائی و گفت و گوست
خداوند کل آشکار و نهان / نهان آشکارا به نزدش عیان
طرازندهٔ پیکر آفتاب / نگارندهٔ نقش ما را به آب».

۸- **انجام**: «ازین گونه بزم طرب ساخته / ز دولت بعشرت بپرداخته
چو دمساز عون الهی بود / کجا میل سوی ملاهی بود
و گر زانکه موجی بهنگام طوی / برای می آماده دارد . . . .
. . . . جوی عام / فلک دانهای کواکب تمام
بدرگاه عالم ظفر پرده دار / ز یمن و بقا پرده را . . . .
. . . . . ز کمتر غلاف شرف / دعا تیرش و استجابت هدف
پری تیر اخلاص و پیکان یقین / . . . . روح الامین
الهی بحق دعای رسول / بسبطین و زهرا و روح بطول
باولاد و احفاد و آن دودمان / . . . . رویبان
که جاوید این شاه پاک اعتقاد / بمانادو اقبال پر ازدیاد
بعدلش جهان یکسر آراسته / . . . . پیراسته
خلائق مرفه ز احسان او / زمین و زمان تحت فرمان او»

۹- **چگونگی**: موضوع این نسخه سرگذشت امیر تیمور گورکانی و جنگها و وقایع تاریخی و اجتماعی عهد اوست و در هند و ایران چاپ شده است، نسخ خطی آن در کتابخانه های ایران و جهان موجود است. متن آن به فارسی مسجع و مطنطن قرن هشتم و نهم هجری نوشته آمده و با اشعاری که مؤلف با تخلص «شرف» سروده آمیخته است. اگرچه به «ظفر نامه» و «ظفرنامه تیموری» و «ظفرنامهٔ یزدی» شهرت یافته است ولی در «تضاعیف» نسخه به «فتح نامه»

مسمی شده و بنا بر این می توان آنرا «فتح نامهٔ تیموری» هم گفت. مأخذ مؤلف ، «ظفر نامهٔ نظام‌الدین شامی» بوده که آنهم در تاریخ و سرگذشت امیر تیمور و در سال ۸۰۴ ه ق پایان یافته است. این نسخه یک مقدمه دارد به خط و کتابت دیگر در ۱۰۰ صفحه که موضوع آن «انساب جغتای» یا «نسب نامهٔ تیمور» است و اینگونه آغاز می شود : «رب یسر ، بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر ، افتتاح تاریخ جهانداری و ابتدای نامهٔ ظفر و بختیاری حمد و سپاس حضرت پادشاهی تواند بود که برمقتضای قل اللهم مالک الملک ساحت مملکتش سمت . . . . . و زوال مصون و محروس است و عرصهٔ بارگاهش ازو انتقال محفوظ و مأمون».

و چنین انجام می یابد :«و نسب قسان تا بآدم علی نبینا و علیه السلام سبق ذکر یافته و چون حال نسب عالی که غرض اصلی از وضع مقدمه است بیان آن بوضوح پیوست هنگام آن آمد که در اصل تاریخ حضرت صاحبقرانی شروع کرده شود والله الموفق والمعین». انشای مقدمه بهتر از متن و آمیخته با شعر و نثر است و ارزش تاریخی آن از متن کمتر نیست و همه سنوات تاریخی را دقیق و رسا با حروف و به عربی نوشته است. تقسیمات مقدمه و متن بر حسب سنوات و قایع و حوادث جنگی است که از آغاز حکمرانی و سلطنت و جهانگشائی امیر تیمور تا پایان عمر او را در بردارد. عنوان هر موضوع به شنگرف آمده و ابیات هم همانند نثر دنبال هم با ذکر بیت و یا نشانی دیگر کتابت شده است در صفحات آغاز و انجام و اواسط این نسخه یاد داشت ها و توضیحات ارزندهٔ معنوی و لغوی و تاریخی است و شخصی که نام خود را ننوشته است در سال ۱۱۸۰ هجری قمری آنرا مقابله و تصحیح کرده است و جملهٔ اوراق آنرا شمار کرده که در آن موقع ۴۲۱ ورق داشته است در صفحهٔ ۷۵ این یاد داشت خواندنی است :

«الحمد لله والمنه که کتاب لاجواب برای ثابت‌کردن نسل صحیح وغیر صحیح که مردمان عوام الناس بد نسب حال هر یک نسب خود را در مغلان شمارند لهذا برای رفع تنازع عوام الناس کتاب لاجواب یعنی کتاب تواریخ لسب نامهٔ مغلان از کشمیر آورده صفائی نسل میرزا برلاس بهادر یافتم که نسل ایشان عینه نسل مغل است بموجب کتاب تواریخ ، لهذا

شک پایان رفع گردید که میرزا نصیر عارف بیگ از نسل میرزا ابوالحسن بیگ است و میرزا ابو الحسن بیگ از نسب میرزا برلاس بهادر صحیح است لاشک فیه در سنهٔ ۱۱۸۰ ه».

در صفحه ۷۶ و ۷۷ مقاله بی ادبی و تاریخی منظوم و منثور آمده که این عنوان را دارد: «در تعریف جان محمد حضور الدوله متخلص بفتوحی». و این یاد داشت: «اشخاصی که در مقابلهٔ کتاب شریک بودند: «ملا محمد توفیق، و خواجه رحمت الله مدی افصح تخلص و خواجه عبدالغفار و امکوی سلمهم‌الله تعالی». نشان مهر و امضاهم دارد که آنها را محو و سیاه کرده اند.

چند شعر پراکنده و یک غزل در آغاز و انجام کتابت شده است، غزل بمطلع:

«ای پری در حسن تو خود را قلندر ساختم
زلف تو زنجیر کرده در گلو انداختم»

و مقطع:

«از سر بالین ما برخیز ای نادان طبیب
درد مندم عشق را و از دوالنچه....»

و این شعر هم به خط تازه است که ماده تاریخ آن ۱۰۳۹ می شود

«آسمان بعد از زمین بوس از پی تاریخ گفت
باد مسند گاه برنور جهانگیری مدام»

این نسخه را «مولوی غلام حبیب شاه هتوت والا» در سال ۱۳۵۲ ه ق از ترکهٔ حاجی عبدالرحمن صاحب مرحوم اچهریان علاقهٔ پکلی «به قیمت هفت ۷ روپیه» خریده بوده است. روی هم رفته این نسخه سهم القلم کاتب اندک دارد.

۵۲۰ و ۲۹۰
۴۷۱

عجایب الملکوت

[دین و ستاره شناسی، عربی، منثور]

۱- اندازه :- بیرونی : ۱۹ × ۱۲/۵ × ۱ س‌م. - درونی : ۱۵ س ۱۳ × ۷ س‌م.
۲- اوراق : ۸۷ ورق. ۱۷۴ صفحه.

۳- **کاغذ** : ضخیم زرد تیره رنگ هندی ، کرم خورده ، وصالی شده ، اوراق شده ، بدون جلد .

٤- **خط** : ثلث خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشانها و سر فصلها شنگرف ، جدولهای ٥ خطی کنارهٔ متن زرین و لاجوردی و سیاه. قرن ۹ ه‍ ق.

٥- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

٦- **مؤلف** : نام مؤلف و تاریخ تألیف در این نسخه نیامده اما نام تألیف در صفحهٔ ٤ و ۱۷۱ «**عجایب المکوت**» آمده است : «هذا کتاب عجائب الملکوت جمعت فیه من عجائب صنع الله تعالی» و «تم عجایب الملکوت بعون الحی الذی لا یموت» و لیکن شاید مؤلف «**ابو جعفر محمد بن عبدالله الکسائی**» باشد که نام وی در صفحهٔ چهار آمده است.

۷- **آغاز** : «ناقص است و گویا یک برگ (۲ صفحه) افتادگی دارد و اینگونه آغاز می شود : «الحمد لله فوق السموات الباب الخامس عشر فی ذکر البیت المعمور الباب السادس عشر فی ذکر نجوم السموات الباب السابع عشرفی ذکر خلق الشمس والقمر واللیل والنهار الباب الثامن عشر فی ذکر خسوف الشمس والقمر».

۸- **انجام** : «ان هذا یقتضی التناقض لما ذکرنا والله اعلم بالصواب والهادی الای ما فیه الاجر والثواب و هو الملک الوهاب الغفور التواب تم عجایب الملکوت بعون الحی الذی لا یموت و هذا الکتاب اثبت فیه اعتراضات الملحدین فیما ذکرناه من الابواب واجتهدت فی الاجابه عنها بما قرب الی الانهام لیعلم انما قدمناه علی ما قلنا ولم الجهدا فی قدر ما وسعه علمی و بعد ذلک فوق کل ذی علم تمت تمت».

۹- **چگونگی** : موضوع این نسخه شرح و توضیح کلیهٔ آفرینش های الهی و عرش و لوح و قلم و دریاها و آب ها و اجرام فلکی و ثوابت و سیارات و مجرات و کهکشانها و آسمان ها و زمین و دیگر مطالب شگفت آور طبیعت به زبان عربی است و بدین جهت نام آن «عجایب الملکوت» است. تقسیمات آن بر اساس «باب» است و جمعاً ۷۰ باب دارد. فهرست ابواب در آغاز قرار داشته و از باب اول تا باب چهاردهم افتاده و از باب پانزدهم تا هفتادم موجود است. باب پانزدهم «فی ذکر بیت المعمور» و باب هفتادم فی ذکر

اهل الجنة کیف یتنعمون». درمیان سطرهاودر کنارۀ صفحات توضیحات لغوی و یادداشت های ادبی و شرح های نجومی و ستاره شناسی آمده است و همۀ آنها به زبان فارسی و به خط کاتب دیگری غیر از کاتب متن است. در صفحۀ ۱۷۲ نشان چند مهر بوده که آنها را محو و سیاه کرده‌اند و نیز چند یادداشت دارد. «۲۰ شهر رمضان عرض دیده شد» و «سنۀ ۵۲۷ محرم عرض دیده شد» «بتاریخ ۹ جمادی الثانی سنۀ ۸ از وجوه روح الله تحویل علاءالدین شد». در صفحۀ ۱۷٤ چند یاد داشت دعایی و چند نام دارو ویک بیت معروف از شعر حافظ شیرازی آمده است و این یاد داشت ها معلوم می دارد که این نسخه در چند کتابخانه از دربار های پادشاهان موجود بوده است. روی هم رفته نسخه یی است بسیار ارزنده و در خور تحقیق و چاپ زیرا چاپ شدۀ آنرا ندیده ام.

۸۹۰
―――
٤۹۲

عرفان

[ادب ، عرفان و تصوف ، فارسی ، منظوم «مثنوی»]

۱- اندازه : بیرونی : ۲۱ × ۱٤/۵ × ۲/۵ سم . —درونی : ۱۷ س ۱٦/۵ × ٦/۵ سم.

۲- اوراق : ۲۷۷ ورق. ۵۵٤ صفحه.

۳- کاغذ : نازک سفید رنگ طرح سمرقندی ، اندکی وصالی شده ، سوخته شده ، جلد مقوایی سبزگون با عطف پارچه یی خاکستری رنگ.

٤- خط : نستعلیق آمیخته با شکسته ، خوانا ، روشن ، بعضی از ابیات مصراع ها و مقطع ها و جدولهای یک خطی شنگرف ، قرن ۱۲ ه ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

٦- مؤلف : یا (شاعر) :«ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل» (متوفی ۱۱۳۳ ه ق) ، یا «بیدل» نام تألیف : **«عرفان»**، تاریخ سرودن (تألیف) : «۱۱۲۲ ه ق» (رک : ۹ چگونگی).

۷- آغاز : ناقص است و یک ورق افتادگی دارد و چنین آغاز می شود :

«شوق او رفت نیم گام از خویش ششجهت کرد گردش از پس و پیش
یا فت از اقتضای پیدایی رمز غیب و شهود ایمائی
مشرق و مغربیکه میگویند پشت و روی توجه اویند

تا نشد فطرتش دلیل نمود اینقدر جلوه بی نشانی بود
اعتبار حقیقت ازلی دستگاه کمال لم یزلی»

۸- انجام : ناقص است و یک ورق افتادگی دارد و چنین انجام می یابد :

«صبح هرجا ظهور تمهید است پر تو نیمرنگ خورشید است
خواه آنرا کسی سحر داند خواه گرد خط نفس خواند
سحری درمیان نمیباشد نور حق را د خان نمیباشد
نزد فطرت قریب در دوراست هر چه تابد خیال آن نور است
چه سراید برون پردهٔ او بیدل جمله هیچ کردهٔ او»

۹- چگونگی : این نسخه ، یک مثنوی فلسفی و عرفانی است به نام «عرفان» سرودهٔ ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل که آنرا بروزن هفت پیکر نظامی سروده است : «فاعلاتن مفاعلن فعلن» از مزاحفات بحر مسدس خفیف. ۸۸٦٤ بیت دارد. در این مثنوی طریقهٔ تاریخ طبیعی و سیر تطور وجود را نشان میدهد ویک عقیدهٔ عارفانه و صوفیانه را در دنیای امروز توصیف می کند . متأسفانه از آغاز و انجام این نسخه افتادگی دارد . در صفحهٔ ٤٢٤ جلد سوم کلیات بیدل (چاپ افغانستان) ، تاریخ سرودن مثنوی «عرفان» را «۱۱۲۲ ه ق «آورده است و بدین بیت ماده تاریخ که در آخر مثنوی «عرفان» آمده استناد جسته است :

«کرد تاریخ او نیاز کرام هدیهٔ ذوالجلال والاکرام = ۱۱۲۲»

۸۹۰
―――
۵۸۳

عشقیه

[ادب ، عرفان و تصوف ، عشق عرفانی ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- اندازه : —بیرونی : ۱۷ × ۱۰/۵ × ۱ س‌م. —درونی : ۱٦ و ۱۷ س ۱۳ × ۵/۵ س‌م.

۲- اوراق : ٦۲ ورق. ۱۲٤ صفحه.

۳- کاغذ : نازک نخودی رنگ سمرقندی ، اندکی آب رسیده ، اندکی وصالی شده ، جلد تیماجی و کاغذی با عطف پارچه یی سرخ .

٤- خط : نستعلیق آمیخته با شکسته ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سر فصلها و الفاظ شواهد شنگرف ، قرن ۱۱ ه ق.

۵- **کاتب** : «**محمد تقی شکر الله خانی یا حالی**» ، تاریخ کتابت واضح نیست شاید «سنهٔ ۵ جلوس» یا «**۱۱۸۹ ه ق**» باشد . در صفحهٔ انجام چنین آمده است : «حسب الفرمودهٔ صاحب و قبلهٔ مهربان میرزا فضل بیک جیو بتاریخ دهم رجب سنهٔ ۵ در دارالخلافهٔ شاهجهان آباد ، محمد تقی شکرالله خانی (حالی) قلمی گردانید صاحب ۱۱۸۹۱ (۱۱۸۹)».

٦- **مؤلف** : نام «مؤلف» و نام «تألیف» و تاریخ آن معلوم نشد ، اما در صفحهٔ اول به خط تازه نوشته. «**کتاب عشقیه**»: چنان به نظر می رسد که «کاتب» و «تاریخ کتابت» ، مؤلف و تاریخ تألیف باشد (رک: ۵ کاتب).

۷- **آغاز** : «رب یسر ، بسم الله الرحمن الرحیم ، رب یسر و تمم بالخیر ، لا اله الا هو و درود بی حدود بر آن ظهور که مشهود ذات و مقصود صفات است و بر آل و اصحاب و بر پیروان وی باد بعد از آن کلمهٔ چند که از الهامات است نه از عقلیات از جوش است نه ازکوش از برای ذوقیات یاران تحریر یافت».

۸- **انجام** : «نفس و شیطان و خلق و دنیا کفر و اسلام خیرو شرو بهشت و دوزخ همه را در دایرهٔ محبت جمع کن و در آسیای معرفت بساویدست عشق علوله به بند و در دریای وحدت پرتاب کن و سلام یعنی ولا یشرک بعبادت ربه احد ، بیت :

میان جان و جالش محبت ازلیست
که حسن و زشت قدیمی و عشق لم یزلیست»

۹- **چگونگی** : این نسخه در موضوع «عشق عرفانی» و «آداب و رسوم متصوفه» است و از «الهام» عارف گفت و گومی کند که از جوشش او برمی خیزد نه ازکوشش او . تقسیمات آن بر اساس فکر مؤلف است و تحت عناوین «**هیهات هیهات**» و «**ای جانمن**» مطالب مختلف عرفانی را می آورد . متن این نسخه آمیخته با نثر و نظم فارسی است ، از آیات قرآنی و احادیث نبوی و کلمات مشایخ و اشعار عرفانی بهره مند می شود. **قدرت تخیل** در «عشق» و «عاشق» و «معشوق» در این نسخه بسیار است و بیان گرم و شیوای مؤلف بردل می‌نشیند. در صفحهٔ اول به خط تازه آمده : «**کتاب عشقیه**» . اینک نمونه یی از نثر عرفانی این نسخه: «دیده ام فدای آن دیده که دیده بان دلبرند ، عجب آن دیده ها که خبر دیدار دلدار دیگر هیچ نموداری ندارد».

«ای جان من به جان تو که جانم در هر جانهایی از برای توجا کرده است تا به همه جان ها جان خواه تو باشم و هر جانی که ترا خواهد آن می باشد».

نشان یک مهر در صفحهٔ ۲ آمده : «عبدالکریم ۱۲۲٤». درگوشه وکنار و انجام این نسخه چند یادداشت عرفانی و اشعار فارسی آمده است.

«چون دیده ببندم به خیال تو خوشم
چون بگشایم به خط و خال تو خوشم
القصه چه در خواب و چه در بیداری
دایم به تماشای جمال تو خوشم»

۲۹۰
———
۵۳۲

عمدة الاسلام

[دین ، فقه ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه :—بیرونی : ۲۵×۱۷/۵×۲ سم. —درونی : ۱۵ س ۱۹×۱۲سم .

۲- اوراق : (؟) ورق. (؟) صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم نخودی رنگ سمرقندی ، آب رسیده ، ساییده شده ، وصالی شده ، جلد چرمی و مقوایی پوسیده با عطف پارچه یی سرخ رنگ.

٤- خط : ثلث خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشانها و سر فصلها شنگرف . جدولهای ۵ خطی کنارهٔ صفحات لاجوردی وسیاه و زرین. قرن ۹ ه ق.

۵- کاتب : دو تن کاتب این نسخه را کتابت کرده‌اند : «**عبدالله بن بشیر الهروی**» ، و «**تردی محمد بن یوسف علی**» ، تاریخ کتابت : «**۹۲٤ ه ق**» : «تمت‌الکتاب بعون الملک الوهاب یوم العشرین شهر جماد الاخر سنهٔ ۹۲٤ علی یدی اضعف العباد عبدالله بن بشیر الهروی کتبه العبد «**تردی محمد بن یوسف علی**».

۶- مؤلف : نام مؤلف در این نسخه نیامده است ، اما در دیگر نسخه های خطی نام مؤلف «ابو طاهر بن کمال» است، نام تألیف در این نسخه : «عمدة الاسلام» ،

تاریخ تألیف شاید «۹۲۴ ه ق» همان تاریخ کتابت باشد، ضمناً یکی از کاتبان آنگونه نام خود را نوشته که به تصور می‌آید مؤلف باشد: «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب یوم العشرین شهر جماد الاخر سنه ۹۲۴ علی یدی اضعف العباد عبدالله بن بشیر الهروی کتبه العبد تردی محمد بن یوسف علی».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین الحمد لله رب العالمین والصلوة علی نبیه محمد وآله اجمعین بدانک ارشدک الله تعالی که جون دیدم که همت‌ها در طلب علوم دینی قاصر گشته است و آنچه از آن جاره نیست در تحصیل آن متکاهل و علما از سلف و خلف هر نوعی تصنیف کرده و برانواع از تألیفات رنج برده».

۸- انجام : «از ارباب علم و اصحاب حکیم طمع آن است که اگر سهوی و ذللی که تحریر قلم رفته باشد بذیل عفو در بوشند و در تصحیح آن کوشند له اول الناس اول الناسی و بدعای ایمان و خاتمت بخیر این ضعیف را مدد در فاتحه باخلاص کنند الهم احینا بالایمان و امتنا بالایمان واحشرنا فی زمرة المؤمنین یوم الحساب وصلی الله علی خلقه النبی الهاشمی المکی مدنی القرشی الابطحی وعلی آله و اصحابه و اهل بیته اجمعین آمین یارب العالمین» (رک : ۵-کاتب).

۹- چگونگی : این نسخه در موضوع «فقه اهل سنت و جماعت» است. تقسیمات آن بر اساس «کتاب» و «مقدمه»، «فصل» است و جمعاً پنج مقدمه و چند کتاب و چند فصل دارد و «هفتاد و چند کتاب» در اختیار داشته است: «و مشتمل بر بنج مقدمه است که بنای اسلام است ملتقط از هفتاد و چند کتاب از کتب اصول و فروع به وجه اختصار بخاطر پریشان جمع کردم این را عمدة الاسلام نام نهادم». نثر فارسی این نسخه روان و محکم و منسجم است. در هر مبحثی از آیات قرآن و احادیث نبوی استفاده کرده است. میان حروف «ب و پ، ج و چ، و ک و گ» فرقی نباشد. کلیه هفتاد و چند مرجع خود را در آغاز و انجام آورده است. نشان چند مهر در آغاز دارد که دوتای آنها را سیاه و محو کرده اند و یکی از آنها اینگونه خوانده شد: «بندهٔ درگاه شیخ غلام محمد ابن شیخ محمد». اشعار پراکنده و یادداست های دعایی

در آغاز و انجام و لابلای صفحات دارد ، از جمله این اشعار : «فرد ،

در پشت بیاضت خط من باد همیشه تا از من مسکین بکنی یاد همیشه
من بندهٔ شیوهای شیرین توام مسکین تو مسکین تو مسکین توام»

رک : فهرست نسخه های خطی کتابخانهٔ گنج بخش ، ج ۱ ، تألیف محمد حسین تسبیحی ، ص ۳۳۱ - ۳۲٤) .

۵۳۰
———
٤۲٦

فرهنگ جهانگیری

[مراجع ، لغت ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- **اندازه :** —بیرونی: ۲۳/۵×۱٦/۵×٦ سم. —درونی : ۱۵ تا ۱۷ س ۱۷×۱۰/۵ و ۱۸×۱۱ سم .

۲- **اوراق :** ٤۲۷ ورق. ۸٤۲ صفحه .

۳- **کاغذ :** نازک سفید رنگ خشن سیالکوتی ، وصالی شده ، کرم خورده ، آب رسیده، جلد مقوایی و پارچه‌یی سرخگون .

٤- **خط :** تحریر آمیخته با شکسته ، سخت خوانا ، روشن ، عنوانها و سر فصلها و نشانها و کلمات شواهد شنگرف ، جدول ۳ خطی کنارهٔ متن صفحات سرخ و سیاه ، قرن ۱۰ ﻫ ق .

۵- **کاتب :** نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

٦- **مؤلف :** **«جمال‌الدین حسین انجو الملقب به عضدالدوله»** ، نام تألیف : **«فرهنگ جهانگیری»** ، تاریخ تألیف : **«از ۱۰۰۵ تا ۱۰۱۷ ﻫ ق»** . (رک : فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ گنج بخش ، ج ۱ ، ص ۳۳٤—۳۳۸) .

۷- **آغاز :** ناقص است و اینگونه شروع می شود : «و دال مفتوح و اخفاءها برج کبوتر، درديح با اول مفتوح بثانی زده و دال کبوتروهای معروف بمعنی در پنج است که مرقوم شد ،

هلاک ساختم این مرغ نیم بسمل خویش
سحر که مدح جالت شنیدم از درديح

ورز با اول مفتوح بثانی زده سه معنی دارد اول حاصل کردن باشد حکیم سوزنی گفته است :

در و گهر و زر و درم ورزی بخشی هست این نسیم خوب‌گزین نیست به
نزدیک و او نوروز و صد بار بخشیدن در فکر ورز و درم به»

۸- انجام : ناقص است و چنین انجام می باید : «هین با اول مکسور و یای معروف دو معنی دارد ، اول بمعنی این باشد دوم کلمه‌ایست که بجهت تأکید گویند و آن بمعنی زودباش بود ، حکیم انوری فرماید :

چون رکاب تو گران کرد و عنان تو سبک
روز هیجای سپاهت انجم و میدان فلک
قائل تکبیر فتح از آسمان گوید هین
القتال ای حیدر ثانی که النصرت معک

و در لغت عربی سیلاب خوانند ، حکیم سنائی نظم نمود : تو همه سهر» .

۹- چگونگی: موضوع این نسخه «لغت فارسی به فارسی» است . نسخه‌یی است ارزنده که لغات فارسی را به فارسی با شواهد شعری از شاعران استاد پارسیگوی دربردارد. هر لغت را با ذکر حرکات و اعراب ودر بعضی جای‌ها با خواص دستوری و صرف و نحو و معانی بیان و اختلاف معانی با آوردن مآخذ شرح می دهد . این نسخه افتادگی دارد . تقسیمات آن بر اساس «باب» و «فصل» است . حروف دوم هر لفظ «باب» و حرف اول هر لفظ «فصل» است مثلاً «اسب افکن» را در «باب سین» و فصل الف می یابیم و «کژک» را در «باب ژ» و فصل «کاف» خواهیم یافت و قس علی هذا. جمعاً این نسخه ۲۴ باب و هر باب ۲۴ فصل دارد . مطابق این حساب از آغاز نسخه «باب الف» تا اواسط «باب دال» و از انجام آن مقداری از «باب هاء» افتادگی دارد . (رک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ، تألیف محمد حسین تسبیحی» ، ج ۱ ، ص ۳۳۳—۳۳۸) .

۰۴۰
۳۵۶

فرهنگ رشیدی

[مراجع ، لغت فارسی ، منثور و منظوم]

۱- اندازه : —بیرونی ۳۲×۲۱×۵ سم. —درونی : ۲۱س ۵/۲۵×۱۵ سم.

۲- اوراق : ۳۴۳ ورق. ۶۸۵ صفحه .

۳- **کاغذ** : ضخیم و نازک سفید رنگ کشمیری ، جلد مقوایی ملون سبز گون باعطف و گوشهٔ چرمی سیاه رنگ موش خورده .

٤- **خط** : نستعلیق تحریر ، سخت خوانا ، رسم الخط اردو ، عنوانها و نشانها و کلمات و و لغات و سرفصلها شنگرف ، قرن ۱۲ ه‍ ق .

٥- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد . در صفحهٔ ٦۸٥ چنین آمده است : «تمت هذه النسخة المسماة بالفرهنگ الرشیدی من لغات الفرس فی یوم جمعه بوقت شب بتاریخ بستم شهر ذیحجه صورت تحریر یافت :

هر که خواند دعا طمع دارم   ز آنکه من بندهٔ گنهکارم

الهی بحق محمد رسول   دعا مجه گنهگار کی کر قبول

تمام شد تم» (۸ بار).

٦- **مؤلف** : **«عبد الرشید بن عبدالغفور الحسینی المدنی التتوی»** ، نام تألیف : **فرهنگ رشیدی»** ، تاریخ تألیف : **«باد فرهنگ رشیدی مقبول =١٠٦٤ ه‍ ق»** : در مقدمهٔ نسخه (ص ۳ و ٤ و٥) فرماید : «چنین گوید معترف عجز و قصور و مفترق از شرب اهل هوش و ارباب شعور عبدالرشید بن عبدالغفور الحسینی المدنی التتوی که . . . بعد از توفیق اتمام بفرهنگ رشیدی موسوم گشت ،

گشت تاریخ وی از روی قبول   باد فرهنگ رشیدی مقبول»

(رک : منتخب اللغات شاهجهان ٣٥٥/٤٠) .

۷- **آغاز** : «هوالفتاح ، رب یسر ، بسم الله الرحمن الرحیم ، و تمم بالخیر ، ستایشی که آرایش سرنامهٔ هر سخن و پیرایش دیباچهٔ هر نو و کهن و زیب و زینت دوات و برازش و خامه امه خردمندان و ترازش نامه جامه دانش سپندان تواند بود مرداوریرا که سنگ فرهنگ خداوندن هوش و هنگ در ترازوی سپاسداریش بی سنگ و رنگ نیرنگ سازان ارژنگ سخن و چهره گشایی نگارندگان پیکر هر انجمن» .

۸- **انجام** : «و خاقانی گوید :

ما نص و حدیث و نظم و قرآن   یونی نیرزد حدیث یونان

و در فرهنگ بمعنی فلس گفته و همین بیت آورده مع الیاء بیلاق ، جای سردسیر که در آنجا تابستان گذرانند خلاف قشلاق و این هر دو

ترکی است تمت هذه النسخه المسماة بالفرهنگ الرشیدی من لغات الفرس فی یوم جمعه بوقت شب بتاریخ بستم شهر ذیحجه صورت تحریر یافت» .

۹- **چگونگی:** موضوع نسخهٔ فرهنگ رشیدی «لغت فارسی به فارسی» و یا «لغات فرس» است و تقسیمات آن بر اساس حرف اول و دوم هر لغت قرار دارد که حرف اول را «باب» و حرف دوم را «فصل» و آنرا در این دوبیت گنجانیده است :

ای فهم کنندهٔ معانی ترتیب لغات اگر ندانی
از باب بگیر حرف اول و ز فصل بگیر حرف ثانی»

مؤلف مطالعات دقیقی در فرهنگ های لغت پیش از تألیف خود نموده است و مقدمه ی تحقیقی در زبان شناسی و لغت شناسی و اشتقاق و دستور زبان فارسی و تاریخچهٔ زبان فارسی به دست داده است و بیشتر به فرهنگ جهانگیری و فرهنگ سروری چشم داشته است و به آنها به نظر انتقادی نگریسته. البته از لغات مجعول و مطرود فارسی دوری نگزیده است . از اشعار فارسی تحت نام هر شاعر برای اکثر لغات شاهد آورده است و پس از ذکر مبحث هر لغت ، بخشی تحت عنوان **«الاستعارات»** دارد که معانی استعاری و تشبیهی و مجازی هر لغت را می گوید . در مقدمه از حروف مفرده و مرکبه و قاعدهٔ املایی و انشایی و دستوری لغات و وجه تسمیهٔ لغت فرهنگ ، گفت و گو می کند و مآخذ او «فرهنگ جهانگیری» بوده است مآخذ دیگر را هم مانند: فرهنگ سروری و قاموس و پارس نامه «در موضوع لفظ پارس و انواع زبان فرس» نام برده است . مؤلف فرهنگ دیگری تألیف کرد، به نام منتخب اللغات شاهجهانی و آنرا به جهانگیر پادشاه یا شاه جهان (۱۰۴۶ هـ ق) هدیه کرده است و آن به فرهنگ عربی نیز شهرت دارد . فرهنگ رشیدی و منتخب اللغات شاه جهانی نسخ خطی فراوان دارند و به کرات چاپ شده اند .

۵۹۰
۵۵۹

فرس نامه

[جانور شناسی ، اسب ، فارسی ، منظوم و منثور]

۱- **اندازه :** —بیرونی : ۲۵/۵×۱۵/۵×۱/۵ س‌م. —درونی : ۲۰ س ۲۱×۱۱/۵ س م .

۲- **اوراق :** ٤٥ ورق . ۹۰ صفحه .

۳- **کاغذ :** ضخیم زرد رنگ هندی ، اندکی آب رسیده ، وصالی شده ، جلد مقوایی ملون با عطف پارچهٔ یی کبود رنگ .

٤- **خط :** تحریر ، ناپخته ، سخت خوانا ، عنوانها و سر فصلها و نشان‌ها شنگرف ، قرن ۱۳ ه ق .

٥- **کاتب :** «**ملا محمدکریم بن ملا بهاؤ الدین**»، تاریخ کتابت : «**۱۲۷۹ه ق**» ، در صفحهٔ ۸۸ اینگونه آمده است : «تمت تمام شد کتاب فرس نامه بعون الملک الوهاب علی ید العبد المذنب حقیر ملا محمد کریم ابن ملا بها ؤ الدین ابن ملا شمس الدین بن ملا نظر خان ابن شیر خان ابن میرداد ابن غازی قوم مهمند ساکن مقر در قلعهٔ ملا شمس الدین بتاریخ سه ام شهر ذالقاعده ،

قاریا بر من مکن قهر و خطاب   گر خطایی رفته باشد در کتاب

سنهٔ ۱۲۷۹ه ق». کاتب از خود اشعار و اضافاتی در آخر آورده است .

٦- **مؤلف :** «**زین العالمین بن سید ابولحسین الکربلای الحسین المشهور بهاشمی**» ، نام تألیف : «**فرس نامه**» تاریخ تألیف : «**۹۲٦ه ق**» . در صفحهٔ ٥ چنین آمده است : «کمترین بندگان حضرت نبوی زین العالمین بن سید ابوالحسن الکربلای الحسن المشهور بهاشمی . . . . فرس نامه را از لغت هندی به زبان فارسی آورد . . . . در تاریخ الآخر سنهٔ ست و عشرین و تسعهٔ مائهٔ شروع در این امر نموده .»

۷- **آغاز :** «در فضیلت اسب بر حیوانات و سبب نظم کتاب بر ارباب الباب واضح و لایح باد که کتاب در معرفت فرس از علامات محمود و مذموم و دانستن علل و امراض که اسپ پیدا کنند و معالجهٔ آن حکمای هند بر زبان سهین کوت موز نه شانزده هزار و بیست در ضانهٔ (زمانهٔ) سابقه تصنیف کرده اند و این مختصر مفید انتخاب آن کتاب است» .

۸- **انجام :** چنین آورده اند که اگر خطوط مثل ماهی واقع شود یا مانند کمان بود آن اسپ بسیار مبارک است در هر طویله که باشد روز بروز اسب ها زیاده شوند و صاحب او را دولت زیاده گردد و خیر و برکت او بیفزاید و اگر به مصاف رود البته بر اعدا ظفر یابد و الله اعلم بالصواب ،

شکر کاین خیل نامه گشت تمام   کردم آخر بخیر ختم کلام

گرچہ این راه بود نا هموار | زو گذشتن نمود بس آسان
اسپ فکر من اسبک خیزی | بود خود در طبیعتش تیزی
زود بگذشت از گریوهٔ تنگ | کہ درین ره نکرد هیچ درنگ
در فراز و نشیب این میدان | کہ گذشتن نبود زو آسان
هر کجا اسپ فکر بر کردم | همچو برق جهان گذر کردم».

۹- **چگونگی:** این نسخہ دربارهٔ «احوال اسپ و اسپ پروری و اسپ داری و بیماری‌ها و حرکات و سکنات اسپ» تألیف شده است: اصل آن بہ زبان هندی بوده است کہ مؤلف هندوی آن «سهین کرت موزنہ» نام داشتہ است. از قرار تحقیق این نسخہ در عهد ظهیر الدین بابر تصنیف شده است. نثر فارسی آن روان و مفهوم و حاوی اصطلاحات اسپ شناسی و دامپزشکی و دام پروری است و با اشعار فارسی دمساز است: تقسیمات آن بر اساس «باب» و «فصل» و جمعاً ۳۸ باب و هرباب چند فصل دارد: «باب اول در معرفت واصل و فرع رنگهای اسپان و بیان نیک و بد آن و عیب و هنر آن، باب سی و هشتم در علامت تجربہ». تقسیم ابواب و فصول آشفتہ و درهم است و اشتباهات لفظی و لغوی دارد کہ همہ سهوالقلم کاتب است: در آغاز این نسخہ یک مثنوی کوتاه آمده بدین مطلع:

«کرد او را در آن ولایت شاه | خالصاً مخلصاً لوجہ الله»

و بدین مقطع:

«یا رب اندر پناه تو گجرات | تا ابد باد ایمن از آفات»

در صفحات آغاز و انجام بعضی اشعار پراکنده در موضوع مدح و معما از جامی آمده است از جملہ این معما برای «قرآن شریف»:

«یک عجایب چیز دیدم سہ صد و شصت بال او | عرش و کرسی زیر یک سہ بال او
ای محقق دیده بگشا صنعت حق را ببین | همچو زندگی بجہ بی صد خال بار رخسار او»

۲۹۰
―
٤٦۰

فصوص الحکم

[دین، عرفان و سیر و سلوک، عربی و ترجمهٔ فارسی، منثور]

۱- **اندازه:** — بیرونی: ۲۲×٤/۵×۱٤/۵×٤/۵ س م. — درونی: ۷ س (متن عربی) ۱۰ تا ۱۲ س (ترجمهٔ فارسی در حاشیہ) ۱۲×۷ س م (متن) و ۱٤×۳ س م (حاشیہ).

۲- اوراق : ۳۴۷ ورق . ۶۹۴ صفحه .

۳- کاغذ : نازک نخودی رنگ سمرقندی و ضخیم سیالکوتی ، آب رسیده ، کرم خورده ، وصالی شده ، جلد مقوایی ملون باعطف پارچه ی خاکستری رنگ .

۴- خط : نستعلیق خوش (متن عربی)، و خط شکسته آمیخته با نستعلیق (ترجمهٔ فارسی)، خوانا ، روشن ، پخته ، نشان ها و سرفصلها و عنوانها و اعراب ها شنگرف ، قرن ۱۱ ھ ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶- مؤلف : نام مؤلف : **«الشیخ الاکبر محی الدین ابو عبدالله محمد بن علی بن العربی الطائی المتوفی سنهٔ ۶۳۸ ھ ق»** ، نام تألیف : **«فصوص الحکم»** ، تاریخ تألیف **«۶۲۷ ھ ق»**. در این نسخه نام مؤلف نیامده است ، در صفحهٔ ۳ اینگونه آمده است: «اما بعد فانی رأیت رسول الله (ص)—. . فی العشرالاخیر من المحرم لسنهٔ سبع و عشرین و ستمایهٔ بمحروسهٔ دمشق و بیده علیه السلام کتاب فقال لی هذا کتاب فصوص الحکم خذه و اخرج به الی الناس ینتفعون».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله منزل الحکم علی قلوب الکلم باحدیهٔ الطریق الامم من المقام الاقدم و ان اختلف الملل و النحل لاختلاف الامم و صلی الله علی حمد الهمم من خزاین الجود و الکرم با لقبل الاقوم محمد و آله و سلم اما بعد فانی رأیت رسول الله صلی الله علیه فی مبشرة اریتها فی العشر الاخیر من المحرم لسنهٔ سبع و عشرین و ستمایهٔ بمحروسهٔ دمشق» .

۸- انجام : فلذلک قال تعلی انا عند ظن ابدی بی ای لا اظهر له الا فی صورة معتقدهٔ فان شاء طلق و ان شاء قید ناله المعتقدات یأخذه الحدود هوالاله الذی وسعه قلب عبده فان الاله المطلق لا یسعه شیئ لانه عین الا شیاء و عین نفسه والشیئ لا یقال فیه یسع نفسه و لا یسعها فافهم و الله یقول الحق وهو یهد السبیل فسبحان ربک رب العزت عما یصفون و سلام علی المرسلین والحمد لله رب العلمین و تمام شد».

۹- چگونگی : موضوع این نسخه «دین و عرفان و سیر و سلوک و مباحث شناخت ذات واجب الوجود بر اساس عقاید عرفانی و روحانی» است ، تقسیات آن بر اساس «فص» و «حکمة» قرار داردو جمعاً «۲۸ فص» حکمت دارد. «حکمت الهی در کلمهٔ آدمیت» اول و «حکمت فردیه در کلمهٔ محمدیه» آخر نسخه است. متن

این نسخه درکنارهٔ صفحات به فارسی روان ترجمه شده است. از صفحهٔ ۱ تا ۲۸ در آغاز و از ۶۷۱ تا ۶۹٤ در پایان افتادگی داشته که به خط تازه کتابت کرده و افزوده اند این قسمت ترجمهٔ فارسی ندارد. در صفحهٔ اول یک غزل معروف حافظ کتابت شده است به مطلع :

تنت به ناز طبیبان نیازمند مباد وجود نازکت آزردهٔ گزند مباد

در همین صفحه یادداشتی از مالک نسخه بوده که سیاه و محو شده است. در صفحهٔ ۱۵ این یادداشت آمده : «این کتاب فصوص الحکم از حقیر خادم قاصر ایزد قادر محمد ظهیر الدین می باشد هر که دعوا کند دعوای آن شخص باطل و نا مجموع باشد تحریر مورخه ۲۸ ماه قوس بود که تحریر شد سنهٔ ۱۱۳۹ (امضاء). در صفحهٔ آخر نیز چند یادداشت دعایی و یک فتوی آمده است. این نسخه با این ترجمه (مترجم شناخته نشد) چاپ نشده است و به احتمال قوی کتابت متن و ترجمه به خط مترجم است.

۹۵۰ و ۸۹۰
۳۷۶

فقر نامه

[ادب و تاریخ ، شجره نامه و نسب نامه یا سلسله نامه ،
فارسی و پنجابی ، منثور و منظوم]

۱ - اندازه : ــبیرونی : ۱/۵×۲۰×۲٦/۵ سم . ــدرونی : ۱۵س ۲۳×۱٤/۵ سم.

۲ - اوراق : ۱۱٤ ورق. ۲۲۸ صفحه.

۳ - کاغذ : ضخیم زرد تیره رنگ هندی ، اندکی کرم خورده ، جلد مقوایی پارچه یی سیاه

٤ - خط : ثلث خوش و نستعلیق ، خوانا ، روشن ، عنوانها و نشانها و سرفصلها و اعراب کلمات عربی و جدولهای دو خطی میان سطرها شنگرف ، و جدولهای دو خطی کناره های صفحات سرخ و سیاه ، قرن ۱۳ ه ق

۵ - کاتب : چند تن است : «میان جانی شاه ولدی حسن‌شاه» و «حبیب‌الله» در صفحهٔ ۱۲۸ آمده است : «تمت تمام شد کاری من نظام شد . . . . از دست میان جانی شاه ولدی حسن شاه»، تاریخ کتابت «۱۹۷۲ بکرمی» مطابق با «۱۳۳٦ ه ق». در صفحهٔ ۲۲۸ چنین : «تمام شد فقر نامه پاس خاطر مولوی صاحب

(مولویصاحب) فضل الدین خلف الصدق مولوی صاحب بدر الدین صاحب موضع لدهکی اونچی تحریر یافت مورخهٔ ۸ ما هاڑ سمت ۱۹۷۲ بکرم ، کاتب الحروف حبیب الله موضع دهوندی تحصیل ضلع لاهور بقلم خود ».

۶- **مؤلف** : نام «**مؤلف**» یا «**شاعر**» همهٔ رسائل نیامده است و فقط نام دو مؤلف ذکر شده است : «**منشی کریم بخش**» متخلص«**بدر**» ، و «**میان جانی شاه ولدی حسن شاه**». تاریخ تألیف در جایی «**۱۳۱۰ ه ق**» و در جایی «**۱۹۷۲ بکرمی**» آمده است و نام تألیف باوجود اینکه رسائل مختلف است در همه جا «**فقر نامه**» ذکر شده است. در صفحهٔ ۱۲۷ چنین آمده : «تمت تمام شد کاری من نظام شد فقیر نامه بزبان پنجابی سنهٔ ۱۳۱۰ه مناجات بجذب حضرت محمد مصطفیٰ صلی الله علیه وآله وسلم از تصنیفات منشی کریم بخش متخلص «بدر» تاجر کتب لاهور بازار کشمیری».

۷- **آغاز** : «رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر ، شجرهٔ حضرت میان محمدیعقوب جیو و ایشان از حضرت میان حاجی جیو و ایشان از حضرت میان اسماعیل جیو و ایشان میان نور محمد مدقق و ایشان از حضرت میان نور محمد ابدال و ایشان از حضرت میان عبدالله جیو و ایشان از حضرت میان صاحب جیو».

۸- **انجام** : «پنجوین دس ستاران‌دونبرت‌وجه‌هو چه اکی اٹھائی‌ایسان‌سولی شک نه کیجه
ویهه تبران پنج بایب دبوجه آ چوی سولان نواک ککنی دیوچه جا
چهلاند حساب مین کیسا ہے تمام جبکه بین چه لعل ہے که بی معاف تمام

۹- **چگونگی** : موضوع این نسخه «شجره ها و نسب ها» یا «شجره نامه» و «نسب نامه» است و به نثر و نظم فارسی و پنجابی نگاشته آمده است. همهٔ شجره نامه های فرق مختلف متصوفه مخصوصاً آنان را که در شبه قارهٔ پاکستان و هند هستند در بردارد و از این لحاظ بسیار ارزنده است. از صفحهٔ ۲ تا اواسط صفحهٔ ۲۵ رسالهٔ فقر نامهٔ ابو الحسن خرقانی است. در این رساله نسب همه رجال مشایخ عرفانی و حتی صحابه و تابعین را آورده است و ضمناً اسناد طریقت و عقیده و فکر آنها را نیز بیان کرده است. تقسیمات آن بر اساس «اشخاص» و «اعداد ترتیبی» است و از شجرهٔ حضرت میان یعقوب جیو شروع کرده است ، مثلاً : یکی شیخ حبیب عجمی ، دویم خواجه عبدالواحد زید. از صفحهٔ ۲۵ تا ۴۵ رساله‌یی است در خرقه پوشیدن و رسم آن که آنرا هم

به «شیخ ابوالحسن خرقانی» نسبت داده است : «اگر از تو پرسند این فقر نامه که درست کرده است جواب بگو حضرت شیخ ابوالحسن خرقانی درست کرده است». تقسیمات این رساله بر اساس «باب» و «سؤال و جواب» و «اعداد ترتیبی» قرار دارد.

۱- باب اول در ارادت آوردن ، باب دوم در توبه دادن ، باب سیوم در مقراض راندن ، باب چهارم در کلاه پوشیدن ، باب پنجم در خرقه پوشیدن ، باب ششم درمیان بستن ، باب هفتم در سجاده نشستن و علم داشتن ، باب هشتم در جاروب دادن و کچکول گرفتن ، باب نهم در چهل و چهار مقام دانستن. از صفحهٔ ٤٦ تا ٥١ رساله‌یی که «طریقت به قول امام جعفر الصادق (ع)» نام دارد و در آن از آیات قرآنی و احادیث استفاده شده است و تقسیات آن بر اساس سؤال و جواب است.

از صفحهٔ ٥٢ تا آخر صفحهٔ ٨٩ رساله‌یی آمده است که آنرا نیز «فقر نامه» نامیده‌اند و موضوع آن تفسیر «الفقر فخری» و «الله الغنی و انتم الفقراء» است. تقسیات آن بر اساس «سؤال و جواب» و «اعداد ترتیبی» قرار دارد و از شعر و نظم و آیات قرآن و احادیث و کلمات مشایخ استفاده کرده است و آنها را توضیح و تفسیر نموده است.

از آخر صفحهٔ ٨٩ تا آخر صفحهٔ ۱۲۷ یک مثنوی به زبان پنجابی آمده است که سرایندهٔ اشعار را «منشی کریم بخش متخلص بدر» کتابت کرده اند. این مثنوی در حدود ٥٧٠ بیت دارد و موضوع آن فقر و فقیر و پیر و مرید و مرشد و سالک است و تقسیات آن بر اساس «باب» و موضوعی که پس از آن می آید می باشد ، مثلاً : «باب در بیان حقیقت فقر ، باب در بیان اوصاف مرشد و استاد کامل ، باب در بیان ذکر چهارده معصوم ، باب در بیان چهار پیر شریعت». اینک بیت اول و آخر این مثنوی :

«اول حمد خدائنون وت کهان صلوات پاک محمد آل تی جستهین سبه نجات»

«عام نقیران واسطی جوریا شاه بهار برکت کلمی پاکدے هویا ایه تیاره»

از آخر صفحهٔ ۱۲۷ تا آخر صفحهٔ ۱۲۸ یک مثنوی کوتاه به زبان پنجابی در ۲٦ بیت آمده است که موضوع آن « مناجات » است و بیت اول و آخر آن این است :

«خداوندا دکها محبوب میرا کری مین تریدی طرف پهیرا»
«پری مین در تیری تی آ سوالی بدردی حال پر هووے بحالی»

در صفحهٔ ۱۲۹ یک جدول به نام «حساب چهلان» که ۵ بیت به زبان پنجابی در زیر آن آمده است.

از صفحهٔ ۱۳۲ تا آخر صفحهٔ ۱۳۳ «شجره نامهٔ حضرت میان یعقوب جی» آمده است از صفحهٔ ۱۳۴ تا آخر صفحهٔ ۱۴۹ شجرهٔ پیران چهارده خاندان را از قول خواجه عثمان هارونی که در تذکرهٔ مجایده (مجاهده) نوشته است نقل کرده اند. تقسیمات آن بر اساس «اشخاص» و خنواده (خانواده) است. مثلاً: «خنواده سیوم کرخیان، خنواده پنجم چشتیان». این شجره نسخه‌یی دیگر از رسالهٔ فقر نامهٔ شیخ ابو الحسن خرقانی است. از صفحهٔ ۱۵۰ تا اواسط صفحهٔ ۱۶۵ همان رسالهٔ خرقه پوشیدن شیخ ابو الحسن خرقانی با انشایی و کتابتی دیگر آمده است.

از صفحهٔ ۱۶۵ تا صفحهٔ ۱۷۹ «رسالهٔ طریقت به قول امام جعفر الصادق» نام دارد و همان موضوع منتها با انشا و کتابت دیگر.

از صفحهٔ ۱۸۲ تا آخر صفحهٔ ۲۲۸ رساله‌یی آمده به زبان فارسی و پنجابی و آمیخته به نثر و نظم و آنرا «کرسی نامه» می توان نامید و از کرسی نامهٔ حضرت محمد (ص) آغاز کرده و تمام کرسی نامه های سلسله های مختلف را می نویسد. و در آخر باز هم همان جدول «حساب چهلان» آمده که شرح آن در زیر به شعر پنجابی شده است. تقسیمات این کرسی نامه ها بر اساس «اشخاص» و «باب» و «ذکر» نهاده شده است.

این نسخه از لحاظ سلسله شناسی و فرقه شناسی در سر زمین پاک و هند ارزش فراوان دارد خاصه اینکه به دو زبان فارسی و پنجابی و به نثر و نظم کتابت و تألیف و سروده شده است. کاتب یا کاتبان گویا چند نسخه از «سلسله نامه» و «شجره نامه» سلسله‌های گونا گون را در اختیار داشته‌اند و مجموعه‌یی از برگزیدهٔ آنها را در این رسالهٔ «فقر نامه» ذکر کرده اند. این نسخه مأخذی است مهم و ارزنده دربارهٔ عرفان و تصوف و پیران طریقت و مشایخ و انساب آنها و کلمات و اصطلاحات و الفاظ آنها.

۶۱۰
۵۸۸

فهرست اختیارات بدیعی

[طب ، پزشکی ، مفردات طب ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۵×۵/۱۵×۰/۵ س‌م. —درونی : ۱۳ س ۱۶×۱۰ س م.

۲- اوراق : ۱۸ ورق. ۳۶ صفحه.

۳- کاغذ : نخودی رنگ طرح سمرقندی ، آب رسیده ، وصالی شده ؛ جلد مقوایی ملون باعطف پارچه‌یی سرخ.

٤- خط : ثلث عربی، روشن، خوانا، پخته ، عنوان‌ها و سرفصلها سیاه و نشانها شنگرف. قرن ۱۱ ه ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

٦- مؤلف : نام مؤلف نیامده شاید **«حسین الانصاری مشهور به حاجی زین العطار»** مؤلف باشد. نام تألیف : **«فهرست اختیارات بدیعی»**، تاریخ تألیف معلوم نشد (رک : اختیارات یا مفتاح الخزائن ، ۵۸۷/۶۱۰ ، همین کتاب).

۷- آغاز : فهرست اختیارات بدیعی ، باب الالف ، آ اطریلال ، آ ارغیس ، آباد ، آبق ، ابکون ، ابقر ، ابو خلسا ، ابریسم ، ابهل ، ابنوس ، ابر کاکیا ، ابرون ، ابراد القطه ، ابک ، ابت ، ابو علس».

۸- انجام : «هلیون ، هنک ، هند با ، هوم المجوس ، هو فاریقون ، هوجره ، هضبان ، هیل بوا ، هیشر ، هیک ، هیرون ، هیزارما ، باب الیاء ، یاسمون ، یاقوت ، یبروح ، یبروح‌الصنم ، یذع ، یحفیر».

۹- چگونگی : این نسخه در موضوع «اسامی ادویه و اصطلاحات پزشکی» است که در کتاب معروف «اختیارات» یا «مفتاح الخزاین» که به «اختیارات بدیعی» شهرت دارد آمده است. برحسب حروف الفبایی تنظیم شده است وهرحرف الفبایی راهمانگونه که در اختیارات نیزهست «باب» نامیده است ، باب‌الالف در آغاز و باب الیاء در انجام. اما فقط رعایت حرف اول مفردات را کرده و به حرف دوم و سوم و چهارم به بعد توجهی نشده است. این نسخه از اینکه «فهرست لغات پزشکی» را در بردارد خوب است اما چون هیچگونه توضیحی دربارهٔ آنها داده نشده تنها اطبا می توانند از آن استفاده نمایند. در صفحات ۱ و ۲ و ۳ چند یادداشت طبی

و چند نسخهٔ تهیهٔ دوا کتابت اما به علت وصالی نیمی از آنها محوشده است.

۶۱۰
۵۱۸

القانونچه

[طب ، عربی ، منثور]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۳/۵×۱۶ س م. —اندرونی : ۱۷×۱۹ س ۵/۱۵×۵/۹ س م.

۲- اوراق : ۲۹ ورق. ۵۸ صفحه.

۳- کاغذ : خاکی رنگ سیالکوتی ، اندکی آب رسیده ، وصالی شده ، جلد مقوایی چرمی منقش ، قدیم.

۴- خط : نستعلیق روان ، عنوانها مثل مقاله و فصل و نشانه ها به شنگرف. قرن ۱۳ ه ق.

۵- کاتب : **«حافظ عبدالله»**، تاریخ کتابت: **«۱۲۲۳ ه ق»**: **«حافظ عبدالله بن حافظ غلام‌محمد بن حافظ گل محمد** ، مدرس مرحوم غفرالله له ولوالدیه و احسن الیهما والیه ۱۲۲۳ و صلی الله علی حبیبه محمد و آله و اصحابه اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین قد وقع الفراغ من کتابة هذه الرسالة المبارکة المسماة بالقانونچه فی ٦ شهر صفر المظفر. ختم الله بالخیر و الظفر عن ید احقر العباد» .

۶- مؤلف : **«علامه محمود بن عمر الجغمنی»**، نام تألیف: **«القانونچه»** (رک : ۵کاتب) تاریخ تألیف معلوم نشد.

۷- آغاز : «رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر ، الحمد لله رب العالمین والصلوة و السلام علی نبیه محمد و آله و اصحابه اجمعین و بعد فهذه مختصر مشتمل علی زبدة ما یجب استحضاره من صناعة الطب انتخبته من کتب الاقدمین و رتبته علی مقالات عشرة».

۸- انجام : «الفصل الثالث عشر فی احوال البطیخ اماالاسفیدباجات فهی ملینة و الخلیات مخففة والمرکب منها مثل الزیرباج معتدل و اللنیسات بارده والمتخذ من المیاه المعتصره کماء الحصرم والرمان والسماق والتفاح فقوتها مثل قوة ما یعصرمنها و اما الحلو فالعلی معین علی الهضم والعجین غلیظ مولد للسدد».

۹- چگونگی : موضوع این کتاب «مسائل طب قدیم» است ، و مشتمل برده مقاله و هر مقاله مشتمل بر چند فصل است و از صفحهٔ اول تا صفحهٔ ده محشی است ،

معلوم میشود که حاشیه را چند نفر نوشته‌اند ، چنانکه کتابت مختلف است ، بعضی به خط شکسته و بعضی به نستعلیق ، نیز در لابلای سطرها هم حل مشکلات الفاظ و لغات کرده شده است. در صفحهٔ اول و دوم خطوط جلی گونا گون نوشته شده است ، و در صفحهٔ ۳ و ٤ رسالهٔ فصد در فارسی منظوم آمده است. چنانکه می گوید: «رسالهٔ فصد بسم‌الله‌الرحمن الرحیم :

«بعد حمد و ستائش رحمن نعت پیغمبر است و چار آیین
گوش از من این بقول حسن که بفصد او نهاد صحت جان
که بحق بوده اند محیی دین از تواریخ ماه و خون بدن
سورهٔ فاتحه تو از قرآن ضرر فصد را نباشد بیم
گفت جعفر امام صدق و صفا هر که هفتاد باردم سازد . . . الی آخره»

به همین ترتیب در صفحات ۱ و ۲ و ۵ نسخه نویسی پزشکی مختلف مثلاً برای شب کوری آمده که برای هاضمه وغیره خوب است در ماه رمضان ۱۲۹٦ نوشته شده است . و در وسط صفحه ٤. به خط پخته نام کتاب آمده «هذا الکتاب المسمی با لقالونه» .

۶۱۰ / ۵۶۸

القانون فی الطب

[پزشکی (طب)، عربی، منثور]

۱- اندازه : — بیرونی : ۲۷/۵×۱۷/۵×۶/۵ سم . — درونی: ۳۵/۵×۲۱×۱۲سم.

۲- اوراق : ۵٦۸ ورق . ۱۱۳٦ صفحه .

۳- کاغذ : ضخیم نخودی رنگ سمرقندی ، کرم خورده ، آب رسیده ، وصالی شده ، جلد مقوایی ملون باعطف و گوشهٔ پارچه یی آبی رنگ .

٤- خط : تحریر عربی ، سخت خوانا، پخته ، روشن ، عنوانها و سرفصلها و نشان ها و الفاظ و جملات شواهد و جدولهای یک خطی کنارهٔ صفحات شنگرف ، بعضی از عنوانها و نشان ها به خط یاقوتی و زرین ، در صفحهٔ اول یک لوح کامل (اسلیمی، ترنج ، نیم ترنج) در زمینهٔ زرین و لاجوردی ، قرن ۸ و ۹ ه ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» نیامده ، تاریخ کتابت : «۹۰٤ ه ق» ، در صفحهٔ آخر چنین آمده

است : «و کان الفراغ من نسخه فی الیوم المبارک سابع عشر من شهر صفر المبارک سنه اربع و تسعمائه و الحمد لله و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه وسلم و حسبنا الله و نعم الوکیل».

۶- **مؤلف :** **الرئیس ابوعلی الحسین ابن عبدالله ابن سینا البخاری رحمه الله** متوفی ۴۲۸ ه ق» نام تألیف : «**کتاب القانون فی الطب**» تاریخ تألیف معلوم نشد : (رک : همین کتاب ، قانون ۴۴۷/۶۱۰).

۷- **آغاز :** «بسم الله الرحمن الرحیم ، و هو حسبی و منه الاعانه رب یسر یا کریم ، قال الشیخ الامام الرئیس ابو علی الحسین بن عبدالله ابن سینا البخاری ، الحمد لله حمداً یستحقه بعلوشأنه و سبوغ احسانه و بعد فقد التمس منی بعض خلص اخوانی و من یلزمنی اسعافه فیما یسمح به وسعی اذاصنف فی الطب کتاباً مشتملاً علی قوانینه الکلیه و الجزئیه».

۸- **انجام :** «العسل اربع مثاقیل ملعقه الادویه مثقال واحد و درهم الرطل الواحد اسارین الدرخمی سته اوثولات کل اوثولو ثلاثه قرار یطه کل قیراط سبع شعراب الثلاثه اوثولات تسعه قراریطه القواثوس اوقیه و نصف ، هذا آخر کتاب القانون فی الطب و کان الفراغ من نسخه فی الیوم المبارک» (رک : ۵–کاتب).

۹- **چگونگی:** کتاب قانون از بزرگترین و ارزنده ترین کتاب های طب قدیم است و مؤلف آن حکیم وطبیب بزرگ «ابو علی سینا» پزشک عالیقدر ایران و جهان است . این کتاب از همان روزگار تصنیف پیوسته مرجع اطبا بوده است . صدها نسخهٔ خطی از آن در کتابخانه‌های جهان موجود و چندین بار چاپ شده است . این نسخه در سال ۹۰۴ کتابت شده و لیکن سخت خوانا است زیرا کاتب از «نقطه گذاشتن» روی کلمات بسیار بخل ور زیده است . فهرست این نسخه در ۸ صفحه در آغاز آمده است . تقسیمات آن بر اساس «کتاب» «مقاله» و «فن» و فصل» و «جمله» است (رک : قانون ۴۴۷/ ۶۱۰) . در گوشه وکنار این نسخه یادداشت های طبی و دارویی و نسخه نویسی آمده است و اکثر این یادداشت ها به زبان فارسی است . این نسخه کامل ترین کتاب قانون است . این یادداشت از مالک است :
«تملکه الفقیر الله سبحانه محمد امام ثانی شهریاری».

قانون

۶۱۰
―――
۴۴۷

کتاب الرابع و کتاب الخامس

[طب ، عربی، منثور]

۱- اندازه : —بیرونی: ۳۹×۳۴×۴/۵ س‌م. —درونی: ۱۷ س ۵/۲۸×۱۵/۵ س م.

۲- اوراق : ۳۷۲ ورق. ۴۳۷ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم نخودی رنگ سمرقندی ، اندکی وصالی شده ، اندکی کرم خورده ، جلد مقوایی سیاه با عطف و گوشهٔ سرخ گون .

۴- خط : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشان‌ها و سر فصلها شنگرف ، دو سر لوح زیبا در زمینهٔ زرین و لاجوردی ، ترنج و اسلیمی و کتیبه ، در صفحهٔ اول و ۵۲۷ میان سطر ها نقاشی دندان موشی زرین ، جدولهای کنارهٔ متن ۶ خطی لاجوردی و سیاه و زرین و سرخ ، جدولهای کنارهٔ صفحات ، در صفحهٔ اول و دوم ۲ خطی زرین و سیاه و در صفحات دیگر یک خطی لاجوردی ، قرن ۱۳ھ ق .

۵- کاتب : «محمد هدایت الله بن حاجی حرمین مولوی عظمت الله» تاریخ کتابت «۱۲۶۴ھ ق»: «بخط بی ربط محمد هدایت الله بن حاجی حرمین مولوی عظمت الله بن مولوی رحمت الله بن مولوی نعمت الله بن مولوی عبدالباری ابن شیخ محمد عمر مفتی غفر الله له و لهم ولجمیع المؤمنین والمؤمنات و المسلمین و المسلمات متوطن پرگنه داری سرکار نارنول صوبهٔ دارالخلافهٔ شاهجهان آباد در هنگامی که بعهدهٔ تصحیح کتب متعلقهٔ مطبع فارسی در قصبهٔ لاهور نور(لاهور ؟) ملازم بود باتفاق آب و دانه در شاه جهان آباد وارد گردید در سنهٔ هزار و دو صد و شصت و چهار بتاریخ چهارم ماه ربیع الاول باختتام رسید. الحمد لله علی ذلک امید از قاریان و ناظران آنکه سهو و خطا اصلاح فرمایند و بفاتحه کاتب را یاد آرند».

۶- مؤلف : شیخ الرئیس ابو علی حسین بن عبد الله بن سینا متوفی سنهٔ ۴۲۸ نام تألیف : «قانون»، تاریخ تألیف معلوم نشد. (رک : تاریخ ادبیات در ایران ، تألیف دکتر ذبیح الله صفا ، ج ۱ ، ص ۳۴۶-۳۴۷).

۷- آغاز : کتاب الرابع (ص ۲): «بسم الله الرحمن الرحیم ، الکتاب الرابع من القانون و هوسته فنون ، الفن الاول ، مشتمل علی خمس مقالات ، المقالة الاولی ، من الفن الاول ، من الکتاب الرابع من کتب القانون کلام کلی فی الحمیات فنقول الحمی حرارة غریبة».

۸- انجام : ایضاً (ص ۵۲۶) : «ولایعر اللحم فهج وجع عظیم اعظم من الداخس بل غطه به و الظل علی الظفر الها والدهن الفاتر وضع علیه من بعد و بآخره مرهم الباسلیقون والحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی رسوله محمد و آله و اصحابه اجمعین که این کتاب از خط محمد هدایت الله بن مولانا حاجی عظمت الله حسب الارشاد و حاذق . . . (سیاه و محو شده) . . . باتم رسید ، اللهم اغفر لجمیع امة محمد صلی الله علیه وسلم».

—آغاز : کتاب الخامس (ص ۵۲۷) : «بسم الله الرحمن الرحیم ، لقد فرغنا فی الکتب الاربعة عن ذکر حل العلم النظری و العملی الحافظ للصحة و العملی المعید للصحة و حان لنا ان نختم کتاب القانون بالکتاب الخامس المصنف فی الادویة المرکبة لیکون کالقرابادین للکتاب وقسمنا هذا الکتاب الی مقالة عملیة».

—انجام : (ایضاً ص ۷۴۳) : «الباقلاة الیونانیة شامونتان و اوبولین السکر جه ستة اساتیر و ربع ملعقة العسل اربعة مثاقیل ملعقة الادویة مثقال واحد و الرطل الواحد استارین الدرخمی ست او بولو ثلثة قراریط کل قیراط اربع شعیرات الثلث اوبولات لتسعة قراریط القواثوس اوقیة و نصف».

۹- چگونگی: موضوع این نسخه «طب» است شامل کتاب چهارم و کتاب پنجم از ۵ کتاب القانون شیخ الرئیس ابو علی سینا. القانون در پنج کتاب است.

کتاب اول : در امور کلی علم طب شامل چهار فن.

کتاب دوم : ادویهٔ مفرده شامل دو جمله.

کتاب سوم : امراض جزئیهٔ اعضای انسان شامل بیست و دو فن.

کتاب چهارم : امراض جزئیه یی که اختصاص به اعضاء معینی ندارد شامل هفت فن.

کتاب پنجم : در ادویهٔ مرکبه (قرابادین) شامل چند مقاله و دو جمله. (رک : تاریخ ادبیات در ایران ، تألیف دکتر ذبیح الله صفا ، ج ص ۳۴۶— ۳۴۷) . نسخهٔ حاضر شامل کتاب چهارم و پنجم است که اختصاص به

اعضاء معینی ندارد و شامل قرابادین یا ادویهٔ مرکبه است. تقسیمات کتاب چهارم بر اساس «مقاله» و «فصل» و جمعاً ۵ مقاله و ۷ فن و هر فن چند فصل دارد. تقسیمات کتاب پنجم نیز بر اساس مقاله است و جمعاً ۱۰ مقاله و چندین «فصل» دارد. در آخر این نسخه یک یادداشت است دربارهٔ استنساخ آن که مالک و بانی آنرا محو و سیاه کرده و لیکن خوشبختانه نام کاتب را باقی گذارده اند.

۲۹۰
۳۲٤

قرآن

[دین ، علوم قرآنی ، عربی ، نثر]

۱- اندازه : —بیرونی ۱۷/۵×۱۰/۵×۳ س‌م. —درونی: ۲۰س‌م×۱۲/۵×۶/۵ س‌م.

۲- اوراق : ۲۲۶ ورق. ٤۵۲ صفحه.

۳- کاغذ : نازک سفید تیره رنگ و براق سمرقندی ، اندکی آب رسیده ، جلد منقش و زیبا به رنگ قهوه یی و زر افشان ، رویه های درونی و بیرونی آراسته به ۱۲ ترنج کوچک و بزرگ برجسته ، در کناره های رویهٔ بیرونی جلد به خط ثلث تزیینی آیات قرآنی و احادیث نبوی نقش شده ، در کناره های رویهٔ درونی جلد گل و بوته نگاری گشته است. متأسفانه عطف این جلد پوسیده و نابود شده و جلد ساز نیز پارچه یی سرخ گون برروی آن پوشانیده و بعضی از نقش ها و آیات قرآن را ضایع کرده است.

٤- خط : نسخ خوش ، نشان ها و علامات وقف و وصل و سر سجده‌ها و سر سوره ها و سرجزو ها آراسته به ترنج های زیبای خوش نقش و کلیهٔ علامات تجویدی سرخ خوش رنگ ، نشان آیات دوایر زرین ، جدول دو خطی کنارهٔ بیرونی صفحات و بین سطرها ۲ خطی سیاه و زرین ، جدول کنارهٔ سطر ها ۶ خطی سیاه و زرین ، ۲ لوح در آغاز ، ۲ لوح درمیان و ۲ لوح در آخر. نام هر سوره و آنچه مربوط به آن است ، در آغاز سوره‌ها تمام زرین و به خط ثلث خوش معروف به «یاقوتی» کتابت شده است. قرن ۱۰ هـ ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «نقاش» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶- مؤلف : «الله» جلت عظمته.

۷- **آغاز** : سورة الفاتحه" الکتاب ، بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله رب العالمین» .

۸- **انجام** : پس از «سورة الناس» ، ٤ صفحه دعای ختم قرآن دارد و اینگونه ختم می شود : «اللهم انزل فی قبورهم الضیاء و النور و المسک و الکافور و اثقلهم من ضیق اللحد و القبور الی سعه" القصور مع النبیین و الصدیقین و الشهداء والصالحین و حسن اولئک رفیقاً ذلک الفوز من الله و کفی بالله حسیباً» .

۹- **چگونگی:** این نسخهٔ قرآن شریف از لحاظ خط و نقش و جدول و لوح و سبک کتابت ارزنده است ، نام هر «جزو» بالای صفحهٔ راست و نام هر «سوره» بالای» صفحهٔ چپ به خط سرخ کتابت شده است . دعای ختم قرآن در سه صفحه و نیم در آخر به خط نسخ خوش کتابت شده است و از مطالب آن برمی آید که «کاتب» مذهب امامیهٔ اثنی عشری (شیعه) داشته است و سبک خط و کتابت به دورهٔ صفویه می رود . در صفحات آغاز که سفید مانده است به خط تحریر ۲٤ بیت در مسائل تجوید کتابت کرده شده است به مطلع :

«قاریا این نظم را بشنو کنون — تا ترا در وقف باشد رهنمون

و مقطع :

«چون دو لا اقسم محمد باعبس — بالتکاثر لم یکن ثبت و دلیل»

۲۹۰/۵۱۳

قرآن

[دین ، علوم قرآنی ، عربی و زیر نویس فارسی ، منثور]

۱- **اندازه** : —بیرونی : ۳۰×۱۷×۷/۵ سم. —درونی : ۱۵ س ۲۰×۱۰ سم .

۲- **اوراق** : ۶۰۷ ورق. ۱۲۱٤ صفحه.

۳- **کاغذ** : نازک نخودی رنگ سمرقندی ، کرم خورده ، آب رسیده ، وصالی شده ، جلد مقوای و پارچه‌ی سیاه رنگ باعطف چرمی پوسیده (قسمت آخرین جلد مفقود شده است).

٤- **خط** : بهار (متن قرآن) و خط ثلث عربی و تحریر و شکسته (زیر نویس ها و ترجمه ها و حواشی) ، خوانا ، روشن ، پخته ، زیر نویس ها و لفظ «الله» و بعضی از جملات قرآنی شنگرف ، جدولهای سه خطی کنارهٔ متن و بیرون از متن قرآن سیاه و شنگرف ، در دو صفحهٔ آغاز و آغاز هر سوره و سر جزو ها مذهب و

منقش و ترنج و کتیبه. بعضی از سطر ها و نشان آیه ها مطلا و خوش رنگ ، هر آیه مدور و شش نقطه در اطراف آن.

۵- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶- **مؤلف** : «الله» جل جلاله.

۷- **آغاز** : سورة الفاتحه.

۸- **انجام** : سورة الناس.

۹- **چگونگی** : این نسخهٔ قرآن شریف زیر نویس فارسی دارد و در آغاز و انجام هم بعضی مسائل قرآنی دربارهٔ علم قرائت و تجوید و تعداد آیات و سوره ها به نثر و نظم آمده است ، در آخر نسخه نام مالک و واقف چنین آمده است : «هذا القرآن وقف فی سبیل الله ، این قرآن از آن حافظ محمد یوسف خطیب . . . منکه ملا بهاری ام مبلغ نوزده نمرهٔ روپیه جلنی این کلام الله بحافظ محمد یوسف خطیب فروختم . . . تحریر فی التاریخ ۱۰ محرم الحرام سنهٔ ۱۰۱۴». ۶ نفر گواه ، نوشتهٔ مالک و واقف و فروشنده را امضاء کرده اند. در صفحهٔ آخر نشان ۳ مهر آمده است که همهٔ آنها اینگونه خوانده می شود : «**عبده حافظ محمد یوسف**». در صفحات آغاز و انجام بعضی مطالب دعایی و تعویذ و مسائل طبی و نسخهٔ دوا و دارو و سؤال و جواب دربارهٔ قرآن و صورت حساب خرید و فروخت آمده است . تاریخ یکی از یادداشت ها «۱۰۱۹ هـ ق» است به امضای «حافظ محمد یوسف کتهری» .

قرآن

۲۹۰
―――
۳۲۰

با تفسیر و اختلاف قراآت

[دین ، تفسیر ، علوم قرآنی ، عربی ، منثور]

۱- **اندازه** : بیرونی ۳۳/۵×۲۵×۴س‌م. درونی : ۸ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۵س. ۲۲×۱۳س‌م. (متن قرآن) ۳۵ تا ۱۰۰ س ۳۱/۵ × ۶ یا ۴ س م . (کنارهٔ صفحات و حواشی) .

۲- **اوراق** : ۳۷۶ ورق. ۷۴۶ صفحه.

۳- **کاغذ** : نازک حنایی رنگ هندی ، پوسیده ، آب رسیده ، ساییده شده ، جلد چرمی

سرخ گون نقش دار بدون عطف به طوری که جلد جداگانه شده است.

۴- **خط** : بهار جلی به طرز کوفی (متن قرآن)، ثلث تحریری (حواشی و تفسیر و یادداشت ها)، ثلث جلی (عنوان ها و آغاز سوره ها و کلمات شواهد و امثال)، جدول سه خطی در سه بخش که جمعاً ۹ خطی می شود به رنگ سیاه و شنگرف، آغاز جزو اول افتاده و آغاز های ۲۹ جزو دیگر در ۲۹ قسم نقاشی و گل و بوته نگاری شده، زمینهٔ نقاشی لاجوردی و زرین و برای تزیین آن از هفت رنگ استفاده شده، لفظ «الله» و بعضی از کلمات و سر سوره ها و نشان های سجده‌ها و رکعات و حروف علامات وقف و وصل زرین و شنگرف و لاجوردی، نشان آیات دایره های زرین که ۵ نقطه لاجوردی در اطراف آن است. قرن ۸ یا ۹ هـ ق.

۵- **کاتب** : متأسفانه کاتب و نقاش و تاریخ کتابت ندارد.

۶- **مؤلف** : یا (مفسر) یا (حاشیه نویس) و تاریخ تفسیر و حاشیه نویس ندارد. نام نسخه **«قرآن مجید با تفسیر و اختلاف قراآت»**.

۷- **آغاز** : افتادگی دارد: «والذین کفروا بآیتنا اولئک اصحب النار هم فیها خالدون» (سورهٔ ۲ البقرة آیهٔ ۳۹).

۸- **انجام** : (ایضاً): «سورهٔ کورت مکیه تسع و عشرون فی الایه، کلماتها ۱۰۴، حروفها ۴۳۳، تنزیلهاءِ».

۹- **چگونگی** : این نسخه قرآن شریف از لحاظ تفسیر کلمات و الفاظ و اختلاف قراآت و خط و کتابت و نقاشی و جداول تزیینی و سر جزو ها و سر سوره ها و دیگر مسائل قرآنی و هنر اسلامی بسیار ارزنده و پر اهمیت است، متأسفانه از آغاز ناقص و ۳۸ آیه از سورهٔ بقره افتادگی دارد و در آخر هم تا آخر سورهٔ ۸۰ (سورهٔ عبس) و آغاز سورهٔ ۸۱ (التکویر) پایان می یابد. درکنارهٔ صفحات، سه حاشیه دارد، حاشیهٔ اول معانی بعضی لغات قرآنی، حاشیهٔ دوم تفسیر قرآن، حاشیهٔ سوم اختلاف قراآت آمده است، درمیان سطر ها نیز توضیحات لفظی تجویدی و نحوی و صرفی کتابت شده است. در آغاز صفحات دست راست نام و شمارهٔ سوره و در آغاز صفحات دست چپ نام و شمارهٔ جزو را نوشته اند. در آغاز سوره، پس از «بسم الله . . .» تعداد آیات و کلمات و حروف و تعداد تنزیل را آورده اند ضمناً محل نزول آیه وکوفی و بصری و شامی و مکی و مدنی

بودن آن را ذکر کرده اند. در اثر سایش و پوسیدگی بسیاری از یادداشتها و توضیحات نابود گشته است. در ۲۹ جزو آن، ۲۹ قسم نقاشی بسیار زیبا دارد و علاوه بر همهٔ اینها سر جزوها و سر سوره ها و سر رکوع ها و سر سجده ها آراسته به ترنج ها و نیم ترنج های بسیار جالب است.

۲۹۰
۳۱۰

قرآن با تفسیر

[دین، تفسیر، علوم قرآنی، عربی و فارسی، منثور]

۱- **اندازه** : —بیرونی ۵/۵ × ۵۲/۱۵ × ۵/۲ سم. —درونی: ۱۹سم ۱۹ × ۵/۹ سم. (بدون حاشیه) ۲۳ × ۵/۱۱ سم (با حاشیه).

۲- **اوراق** : ۳۲۰ ورق. ٦٤٠ صفحه.

۳- **کاغذ** : نازک سفیدخاکستری و خاکی رنگ بخاری، اندکی آب خورده، اندکی کرم‌خورده، اندکی وصالی شده، جلد تیاجی سرخگون بالب بر گردان، و نقش های نقره کوب و لیکن جدید است، این قرآن در یک غلاف پارچه‌یی و آنهم در یک جعبهٔ مخصوص قهوه‌یی رنگ قرار دارد و کاغذ داخلی جلد زرین است.

٤- **خط** : نسخ خوش جلی و خفی (متن قرآن)، و نستعلیق خوش (ترجمه و تفسیر در کنارهٔ صفحات)، نشان آیه ها، علامات وقف و مد و دیگر نکات تجویدی و سر جزو ها و حزب ها و سجده ها شنگرف، چهار لوح کامل در صفحات آغاز و انجام دارد که برنگهای نیلی و زرفشان و ارغوانی و سیاه است. جدولهای ٤ تا ١٤ خطی دارد. میان سطرها به رنگ زرفشان و دندان موشی نقاشی شده است. هر صفحه آراسته به بوته های گل و ترنجهای زرد و نیلی و میخکی و ارغوانی است. در هر صفحه ۳ سطر به خط نسخ جلی و همهٔ سر سوره ها به خط رقاع جلی کتابت شده است. تاریخ کتابت ندارد اما ظاهراً معلوم می شود که در قرن ۱۱ ه ق کتابت شده باشد.

۵- **کاتب** : و «تاریخ کتابت» ندارد.

٦- **مؤلف** : قرآن حکیم را مؤلف و نام و تاریخ تألیف خدای بزرگ می داند و لیکن اسامی تفسیر ها و مفسران قرآن تقریباً شناخته هستند. در کنارهٔ صفحات این نسخه ترجمه و تفسیری کوتاه از بعضی از آیات به فارسی روان شده است که

متأسفانه نام «مترجم» یا «مفسر» و تاریخ تفسیر و یا ترجمه ذکر نشده است. (رک : ۷ آغاز).

۷- **آغاز :** «سورة الفاتحه ، بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله رب العالمین . . . الخ» و ترجمه و تفسیر کنارهٔ صفحه چنین است : «الصراط المستقیم براه راست در اقوال و افعال و اخلاق که آن راه متوسط بود میدان افراط و تفریط و غلو تقصیر یا ثابت دار ما را براه مستقیم که دین اسلام است و سنت سید انام صلی الله علیه وسلم و حضرت قطب العارفین غوث الواصلین ، ناصر الحق والدین خواجه عبیدالله قدس‌سره در ینمعنی نکتهٔ بلند و کلمهٔ ارجمند فرمود اند و آن اینست که بنای مارا راه راست یعنی بمحبت ذاتی خود تا از التفات بخود بغیر تو آزاد گشته بتمامی گرفتار تو گردم .

۸- **انجام :** «بسم الله الرحمن الرحیم ، قل اعوذ برب الناس . . . . من الجنه والناس» و ترجمه و تفسیر آن چنین پایان می یابد : «چون ظاهر کند حسد خود را و بمقتضای آن حمل نمایند چه اگر بپوشد ضرر آن بوی عاید نیست مراد ببود که بر حضرت سید انام صلی الله علیه وسلم حسد داشتند و ختم کرد شرورین سوره بحسد که بدترین صنفی است ابن عباس رضی الله عنه فرموده که اگر در عالم از سر حسد را بدتر بودی ختم این سوره برآن کردی و اول خطیه که در آسمان واقع شد حسد ابلیس بود بر آدم علیه السلام و نخست گناهی که بر زمین صدور گشت حسد قابیل بود برهابیل حسدی آتشی‌دان که چون بر فروخت حسود لعین را همان لحظه سوخت» .

۹- **چگونگی:** این نسخه متن قرآن مجید و تفسیر و ترجمهٔ بیشتر آیات را به زبان فارسی روان در بردارد نقاشی ها و رنگ آمیزی ها و تذهیب های ارزنده دارد . خط و کتابت دلپذیر است و چشم و دل را خوش می گرداند . به چهار نوع خط و کتابت شده است : «نسخ ، ثلث ، نستعلیق ، رقاع» . جدول‌ها و گل و بوته ها و ترنج ها فراوان دارد . علاوه بر اینها میان سطر ها را به طور کلی زر افشان و به اصطلاح به صورت دندان موشی در آورده است . شاید ترجمه و تفسیر آن از یک تفسیر کامل دیگر قرآن اخذ شده باشد . در صفحهٔ آغاز به نام «ناصر الحق والدین خواجه عبید الله قدس سره» بر می خوریم که شاید این ترجمه و تفسیر در این نسخه از او باشد . دعای ختم

قرآن در آخر این نسخه در دو صفحه به خط ثلث تازه کتابت شده است. نشان وقف و مد و اخفا و ادغام و اظهار و دیگر نکات تجویدی را شنگرف کتابت کرده اند. روی هم رفته نسخه یی است هنری و تذهیبی که گویا نمایندهٔ کارهای سرزمین کشمیر می باشد اما این نسخه را از روستای بهکهری در ٤ میلی چکوال نصیب کتابخانهٔ گنج بخش کرده ایم از شخصی به نام آقای شیخ مظهر الحق قریشی نقشبندی.

۹۵۰ و ۲۹۰
۳۳۹

قصص الانبیاء

[دین و تاریخ ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه : —بیرونی : ۳۰×۲۰×٤ سم . —درونی : ۲۰ و ۲۱ س ۲٤×۱٤/۵ سم .

۲- اوراق : ۳۲۷ ورق . ٦٥٤ صفحه .

۳- کاغذ : نازک سفید سمرقندی ، آب رسیده ، اندکی کرم خورده ، وصالی شده ، جلد مقوایی ملون باعطف و گوشهٔ تیاجی قهوه یی .

٤- خط : نستعلیق و تحریر ، روشن ، خوانا ، پخته ، عنوانها و نشان‌ها و سر فصلها و بعضی از کلمات و اسماء اعلام سرخ ، یک سر لوح خوش نقش و جدول زرین در اول ، جدولهای سه خطی کنارهٔ صفحات سیاه و سرخ ، قرن ۱۰ هق .

۵- کاتب : «ابو المعالی ابن موالی بیک برلاس» ، تاریخ کتابت : «۱۰٦۷ ه ق» : «کتبه العبد الفقیر الحقیر ابو المعالی ابن موالی بیک برلاس این کتاب قصص الانبیاء بتاریخ بیست و هفتم شهر رمضان المبارک سنهٔ ۱۰٦۷ در بلاد بغداد عنقریب مقبرهٔ سلطان الاولیاء غوث الثقلین قطب ربانی محبوب سبحانی شیخ عبد القادر جیلانی قدس الله سره العزیز روز شنبه مابین ظهر و عصر باتمام رسید للعت یک جز (؟) :

نوشته بماند سیه بر سپید — نویسنده را نیست فردا امید
دستم به زیر خاک چو خواهد شدن تباه — باری بیادگار بماند خطی سیاه
از عمل خویش ندارم امید — بر کرم تست مرا اعتمید
هر که خواند دعا طمع دارم — ز آنکه من بندهٔ گنهکارم

در سه و نیم ماه تمام نوشته شد .

ابتدا شد بحلب ماه ربیع الاول گشت اتمام به ماه رمضان در بغداد»

٦- **مؤلف :** نام مؤلف و تاریخ و تألیف صریح و واضح معلوم نشد ، اما در صفحهٔ ٢ چنین آمده است : «بعده روایت کرد **محمد بن اسحاق بن ابراهیم بن اسماعیل البخاری الکلاباذی** باسناد صحیح که اورا بود از امام جعفر الصادق» : (رک : فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ گنج بخش، ج ١ ، ص ٣٥٠-٣٥٣). در آخر نسخه کاتب آنرا «قصص الانبیاء» کتابت کرده است (رک: ٥ —کاتب) .

٧- **آغاز :** «رب یسر و به نستعین ، بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر (٢ بار) الحمد لله رب العالمین والصلواة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله و اصحابه اجمعین بعده روایت کرد محمد بن اسحاق بن ابراهیم بن اسمعیل البخاری الکلاباذی باسناد صحیح که او را بود از امام جعفر الصادق و او را از پدر خود محمد بن علی و او را از پدر خویش علی بن الحسین بن علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه رضی الله عنه گفت که روزی پیش رسول صلی الله علیه وسلم نشسته بودم که جابر عبدالله انصاری رضی الله عنه در آمد و بنشست گفت یا رسول الله فداک امی و ابی» .

٨- **انجام :** «علی کرم الله وجهه گفت اگر نه آن بودی گفتند ما غلبه ایم و میخواهیم که دین در آموزیم تا از اهل دین گردیم که اگر صد هزار لشکر بیاید من همسایگی رسول را نگذاشتمی لیکن از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده ام که اگر کسی یکقدم در راه نهد بدان نیست که علم آموزد و یا بیاموزاند بهر قدمی ثواب حجی عمره بنویسد و امر فرمود که فرشتگان پربگسترانند و راضی باشند که چنان کسی پای برپر ملائکه نهد پس حسن ابن علی را بر مدینه و حجاز خلیفه کرد و خود بکوفه و بزمین بغداد مردمان بسیار بروی جمع آمدند و ازصحبت امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه فایده گرفتندی و علم آموختندی والسلام علی من التبع الهدی» .

٩- **چگونگی:** موضوع این نسخه که به «قصص الانبیاء» و «تذکرة الانبیاء» شهرت دارد شرح احوال و اخلاق و کردار و رفتار و سخنان و بیانات پیامبران اسلام است و با نام حضرت محمد (ص) شروع شده و به همان نام پایان یافته است .تقسیمات آن

بر اساس «قصه» و «فصل» و اسمها و جملات و کلمات و الفاظ است که مؤلف آنها را عنوان قرار داده و بشرح و توضیح پرداخته است، مثلاً: «قصه چون طالوت آن بدید شادی کرد کفار منهزم شد». حرف «گ» و «چ» مانند «ک» و «ج» کتابت شده است. نیمی از این نسخه در شهر حلب (سوریه) و نیمی در شهر بغداد (عراق) کتابت شده است. لفظ «یاکبیکج» ٤ بار در صفحهٔ آغاز آمده و آن بدین جهت است که به عقیدهٔ قدما کتاب را کرم نمی خورد. این جمله هم خواندنی است: «خرید کتاب تذکرة الانبیاء مبلغ شش روپیه». مآخذ و منابع مؤلف، آیات قرآن و احادیث نبوی و صحابه و تابعین و تواریخ و کتب رجال اسلامی است. قصص الانبیا در هند و پاکستان و ایران چاپ شده است. نسخ خطی آن هم فراوان است اما این نسخه ارزش ویژه دارد. (رک: فهرست نسخه های خطی کتابخانهٔ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ج ۱، ص ۳۵۰-۳۵۳).

۲۹۰/۴۲۵ قوانین المحکمة فی الاصول یا قوانین الاصول

[دین، فقه، عربی، منثور]

۱- اندازه: —بیرونی: ۲۱×۱۵×۵ سم. —درونی: ۲۴ تا ۲۶ س ۱۵×۸/۵ یا ۱۵×۸/۵ یا ۱۶×۹/۵ سم.

۲- اوراق: ۳۲٤ ورق. ٦٤۸ صفحه.

۳- کاغذ: نازک سفید رنگ راه راه کشمیری، آب رسیده، کرم خورده، وصالی شده، جلد مقوایی پارچه یی سرخ رنگ.

٤- خط: تحریر و شکسته، سخت خوانا، پخته، عنوانها و نشانها و خط های رسم شده بر بالای بعضی از جملات و کلمات شنگرف، قرن ۱۲ ه ق.

۵- کاتب: نام «کاتب» را در آخر نسخه محو و سیاه کرده‌اند، تاریخ کتابت در آخر نسخه: «۱۲۳۰ ه ق»: «و قد فرغ من تسویده الحقیر الفقیر زین بن (محو و سیاه)... فی نهار یوم الاثنین فی شهر شعبان سنهٔ الف و ثلاثین مائتین من الهجرة المصطفویه علی مشرفها الف الف تحیه و کان ذلک،

و خط یبقی زمان بعد کاتبه　　　و کاتب الخط تحت التراب مدفون»

اما نام کاتب دیگر «**محمد کریم ابن محمد رحیم کرمانی**» ، تاریخ تألیف **۱۲۲۲ ه‍ ق**» . در صفحهٔ ۲۱۳ چنین آمده است: «این اوراق را بندهٔ خاطی ولد مرحوم محمد رحیم کرمانی محمد کریم نوشت خدا توفیق نماید که تمام شد ۱۲۲۲» .

۶- **مؤلف :** در این نسخه نام مؤلف و تألیف و تاریخ آن را نیافتم و لیکن در صفحهٔ یک یادداشتی تازه با جوهر یا مرکب آبی به قلم «سید مرتضی‌حسین صدر الافاضل» آمده است . که اینگونه دربارهٔ نسخه نوشته است : «**قوانین المحکمه فی الاصول**» یا «**قوانین الاصول در اصول فقه**» تألیف «**میرزا ابوالقاسم بن الحسن القمی المتوفی ۱۲۳۱ ه‍ ق**»، تاریخ شروع تألیف «**۱۲۲۵ ه‍ ق**» و تاریخ پایان تألیف «**۱۲۳۰ ه‍ ق**» (رک : فهرست کتب خانهٔ آصفیهٔ سرکار عالی نظام حیدر آباد ، حصهٔ اول ، ص ۴۹) .

۷- **آغاز :** «بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی ارشدنا الی اصول الفروع و فروع الاصول و هدانا الی شرائع الاحکام بمتابعة الکتاب و سنة الرسول و قفاها ببیان اهل الذکر و معادن التنزیل الدین هم الخلفا من آل الرسول (ص) صلوة کثیرة متشابهة بالکرامة متلقیة القبول ما دامت عقد المشکلات منحلة بانامل الدلائل و علم الشبهات متجلیة . . . فهذه نبذة من المسائل الاصولیة و جملة من مبانی مسائل الفقهیة» .

۸- **انجام :** «والتزام الراجح و ترک المرجوح و رجع حسابنا فی میزان المحاسبة علی السیآت و لقینا محقتنا یوم یسئلنا عن تبصیر نا و عما فارقناه من الخطیئات و کتب فی هذه الصفحات فی صحایف الحسنات و اقال بها الزلات والعشرات و نفعنا بها و جمیع المؤمنین انه ولی الخیرات و غافر الخطیئات و صلی الله علی محمد و اهل بیته الطیبین الطاهرین و لعن الله اعدائهم و مخالفیهم الی یوم الدین و قد فرغ من تسویده الحتیر الفقیر زین بن . . .» . (رک : ۵—کاتب) .

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه «اصول فقه» و «قوانین اصول فقه» بر اساس فقه شیعه است . آنگونه که در صفحهٔ ۲ آمده است ، اصلِ این نسخه شرح و تفسیر و توضیح کتاب معالم الاصول شیخ حسن بن شیخ زین الدین متوفی (؟) است . تقسیمات آن بر اساس الفاظ و کلماتی است که مؤلف بر گزیده و ضمناً

الفاظ «قانون» و «قسم» و اعداد ترتیبی برای تنظیم و تبویب موضوعات به کار برده شده است . توضیحات و یادداشت ها و از یاد رفته ها را در کنارهٔ صفحات کتابت کرده اند . در صفحهٔ اول چند یادداشت از مالکان نسخه آمده است از جمله : «قدتملک هذا الکتاب الفقیر عیسی بن قاسم بن عیسی ابن خلف بن ابراهیم فلعن الله من سرقه و اخذه من غیراذنه» و «ملکیت هذا الکتاب النفیس و انا الاقل الاسم محمد کریم ابن محمد کریم» .

در صفحهٔ ۳۰۵ نشان یک مهر هست که نصف آن در صحافی بریده شده و آنچه باقی مانده این است : انه لقول رسول الله ۱۱۹۹» . در صفحهٔ ۲۱۳ نام کاتب «محمد کریم بن محمد رحیم کرمانی ۱۲۲۲» آمده است . در پایان نسخه تاریخ ۱۲۲۰ دارد . مؤلف در سال ۱۲۳۱ وفات یافته است . با این تواریخ چنان می نماید که این نسخه در عصر مؤلف نوشته شده است و خود مؤلف درکنارهٔ صفحات بعضی یادداشت ها افزوده‌است . گویا در نجف اشرف چاپ شده باشد .

۸۹۰
۵۳۱

قول الحق

[ادب ، عرفان و تصوف ، فارسی ، منظوم]

۱- **اندازه :** ــبیرونی : ۲۲×۱۷/۵×۱ سم . ــدرونی : ۱۳ س (بیت) ۱۶×۱۲سم .

۲- **اوراق :** ۶۲ ورق . ۱۲۴ صفحه .

۳- **کاغذ :** نازک نخودی رنگ هندی ، سائیده شده ، جلد مقوایی خاکی رنگ با عطف کرباسی سفید رنگ .

۴- **خط :** تحریر و شکسته ، خوانا ، پخته ، باجوهر بنفش و سیاه کتابت شده است . قرن ۱۴ ه ق .

۵- **کاتب :** نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد اما به احتمال قوی این نسخه به خط مؤلف (شاعر) است .

۶- **مؤلف :** یا (شاعر) : «**مسکین**» یا «**ابن مفتی**» ، نام تألیف (سرودن) و تاریخ آن معلوم نشد . در صفحهٔ ۱۴ چنین آمده است :

«زین نمودم نام این را قول حق من بیشکی
از تعصب دور هست حق است جمله با صواب
عاجزم مسکین پریشان ابن مفتی مرحومم
گر چه لایعقل بمعنی تفهیم خوانند جناب».

۷- آغاز : آشفته و درهم است و نخست فهرست در ۳ صفحه و سپس متن اشعار می آید ، بدین گونه :

«درمیان شان افضل شان ساخت بعضی را رسل
افضل و اکمل در ایشان هست محمد کامیاب
معجزات هر یک را داده تاکه در وقت طلب
منکران را می نمودند تا که آیند بر صواب
لیک داده بی عدد از جنس هر شیٔ معجزه
آن رسول الله محمد (ص) از فضل بی حساب
هست قرآن معجزه بر تر از آن کل معجزات
تا قیامت هست قایم در جهان چون آفتاب»

۸- انجام :
«ختم کن این قول حق تا مختصر آید کتاب
از مطول بر تر آید گر شود مقبول باب
یا الهی دار صاحب ما ٹرکی را تو همیشه
فیض او جاری بماند بر محبانش و خویش
هم ز صاحب زادگان فیضان جاری تونما
علم فائق زهد واثق در عبادت رهنما
تا ز حق خواهند جمله بهر کل احباب خویش
مغفرت هم بهر مسکین ناتوان مدح خویش»

۹- چگونگی: موضوع این نسخه مدح و توصیف «شیخ عبد الوهاب» یا «مبارک صاحب ما ٹرکی» است که از مشایخ طریقت و پیران ناحیهٔ «سوات = صوات» در استان سرحد (پاکستان) بوده است . در همهٔ اشعار که به صورت غزل ، قطعه ، قصیده ، و مثنوی چند بیتی سروده شده است ، به نام های : «عبد الوهاب» و «صاحب مبارک» و «ما نڑکی» و «صاحب مبارک مانڑکی» بر می خوریم و ضمناً به اسامی کسانی دیگر مانند : «شیخ عبد الغفور مشهور

صاحب صوات = صاحب سواد» می رسیم . مضامین این اشعار به طور کلی افعال و اقوال و اخلاق و خصوصیات طریقهٔ «صاحب مبارک مانڑکی» و «شیخ عبد الغفور صاحب صوات» و انتقادات آنها را بر دیگر طریقه ها شرح می دهد . اشعار آن از نوع متوسط است و در بعضی جای ها از لحاظ وزن سکته دارد و اشتباهات لغوی و غلط های انشایی و دستوری نیز دارد. در گوشه وکنار و آغاز و انجام و لابلای سطرها یادداشتهای عرفانی و اشعار اضافی آمده است . چنان بنظر می رسدکه این نسخه به خط شاعر است یعنی «مسکین» یا «ابن مفتی» . در صفحات اول این دو یادداشت خواندنی است : «قول الحق در مناقب شیخ المشائخ حضرت مولانا صاحب (رح) مبارک و قول حق جهت آنکه طبع آن بتوسط سرمایه داران میسر است من‌حقیر پر تقصیر به عبارات سهلهٔ التناوله تألیف‌کردم جهت اینکه عامل اجری درعقبی و سبب دعاگوی در دنیا شود و السلام» . این نسخه هنوز چاپ نشده است . فهرست این نسخه در ۳ صفحه در آغاز آمده است .

۸۹۰ و ۷۸۰
۴۰۱

کرامت مجرا

[هنر ، موسیقی و ادب ، فارسی ، منظوم و منثور]

۱- **اندازه** : —بیرونی : ۲۳ × ۱۴/۵ × ۳سم. —درونی : ۱۷ و ۱۲ و ۸س ۱۵/۵ × ۹سم.

۲- **اوراق** : ۱۹۶ ورق. ۳۸۲ صفحه.

۳- **کاغذ** : نازک سفید و خاکستری رنگ براق سپاهانی ، جلد چرمی سیاه رنگ پوسیده و رویهٔ داخلی سرخ رنگ.

٤- **خط** : نستعلیق خوش ، خوانا ، پخته ، رسم الخط اردو ، عنوانها و نشانها و سرفصلها و خطوط رسم شده بربالای کلمات و الفاظ شنگرف ، دو سر لوح زیبا با نقش‌های دلاویز در زمینهٔ لاجوردی و زرین ، گل وبوته نگاری زرین در بعضی صفحات ، جدولهای ٤ خطی سیاه درمیان ابیات ، جدولهای ۷ خطی سرخ و سیاه و زرد و سبز در کنارهٔ سطر ها و ابیات و جدولهای دو خطی سیاه و زرد در کنارهٔ صفحات ، قرن ۱۳ ه ق.

۵- **کاتب** : نام « کاتب» ندارد اما تاریخ کتابت : «۱۲۷۶ ه ق» است : «تمت البیاض

موسیقی یوم شنبه سلخ شعبان المعظم سنه ۱۲۷۶ ه‍ ق».

۶- **مؤلف** : یا (شاعر) : «**روزه چین**» ، نام تألیف : «**کرامت مجرا**» ، تاریخ تألیف شاید همان تاریخ کتابت «**۱۲۷۶ ه‍ ق**» باشد و بنا براین احتمال دارد که این نسخه به خط مؤلف باشد. در صفحه ۳ اینگونه آمده است : اما بعد چون سرگشته هر وادی و ساکن کوی ایجادی روزه چین (روزه حین) می خواست که آنچه بقدر وسع خود در فن موسیقی از قول حکما فرا گرفته بعمل آورده بود تحریر کند . . . بنا بر آن این رساله موسوم بکرامت مجرا ساخته برسه اصل بنیاد نهاد ».

۷- **آغاز** : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

ای بلبل دل نغمه سرا از غم تو چون دایره دل بی سروپا از غم تو
عشاق همیشه بینوا از غم تو درد از تو و درد را دوا از غم تو

حمد و سپاس پادشاهی را که بساط اهل نشاط در خط و حضور و مهد عیش ارباب عشرت را در مقام و مسکن سرور انداخت».

۸- **انجام** : «و دیگر

شبی در یاد آن مهوش دلم در اضطراب آمد
شدم بیدار و دیدم بر سر من آفتاب آمد
کتاب عشق را شیرازه از ناز و ادا آمد
چه نجم است اینکه شب هم در من بیحجاب آمد

و دیگر

هوا در عطر سایی مایه از موی تو میگیرد
صبا بر گرد گل میگردد و بوی تو میگیرد
تو گر با گل نشینی سالها عادت ناردانی
و گر گل با تو بنشیند دمی خویتو میگیرد

تمت البیاض موسیقی یوم شنبه سلخ شعبان المعظم سنه ۱۲۷۶».

۹- **چگونگی** : این نسخه در فن موسیقی به زبان فارسی تألیف شده است. مؤلف آن «روزه چین» یا «روزه حین» است و شاید این نسخه به خط خودش باشد ، جایی دیگر نظیر این نسخه و بدین نام یافته نشد. تقسیمات این نسخه بر اساس مقامهای

موسیقی است که مؤلف برگزیده است و دو قسمت کلی دارد: قسمت اول در نثر که اسامی مقامهای موسیقی را شرح می دهد و قسمت دوم اشعار فارسی را که در اوزان و بحور مختلف بر حسب مقامهای موسیقی گرد آورده است و شامل: مقامهای فارسی یا ایرانی و ترکی و کشمیری و هندی است و ضمناً اسامی مقامهای موسیقی را به همان زبان که آن مقام در آن معمول است آورده است و نیز مقایسه هایی به عمل آورده است. اصطلاحات فارسی موسیقی فراوان دارد به انضمام اصطلاحات هندی و کشمیری و ترکی. در صفحهٔ ۳۲ جدولی ساخته و فهرست مقامات را که در این نسخه آمده است نقل کرده است و «مقام چارگاه» در آغاز و «مقام پرج» در انجام است (رک: نمونه، در آخر کتاب). این نسخه شاید تاکنون چاپ نشده باشد. اشعار فارسی دلاویز و روح انگیز دارد از قطعه و غزل و دوبیتی و رباعی و مسمط و مخمس و مسدس و دیگر انواع شعر و همچنین بعضی اشعار و نواهای عامیانه دارد. مثلاً: «جانم یله لی یللی لی یلالی». در حدود ۲۸۰ بیت دارد. در صفحات آغاز و انجام چند یادداشت دینی و تاریخ وفات و تعدادی اشعار و یک شجره نامه و یک توضیح دربارهٔ نسخه کتابت شده است، از جمله: خاصیت سورهٔ «الم ترکیف» از حضرت خواجه بهاء الدین نقشبند، تاریخ وفات «امیر محمود خان» و «میان احمد» در سال ۱۳۱۳ ه‍ ق. و این دو رباعی:

«ای دوست ترا به خواب دیدم والله ... لب با لب تو نهاده بودم والله
بیدار شدم ترا ندیدم گفتم ... لا حول ولا قوة الا بالله
فرمود که احمدم و لیکن به یمیم ... آری عربم و لیک عین است عدیم
در مملکت حدوث مسلکی داریم ... هرچندکه ذات ماست در ذات قدیم»

۲۹۰
۵۵۱

کشف الآثار

[دین، عرفان و تصوف، فارسی، منثور]

۱- اندازه: ــبیرونی: ۲۱×۱۷/۵×۲ س م. ــدرونی: ۱۴ س ۱۶/۵×۱۲/۵ س م.

۲- اوراق: ۲۷۳ ورق. ۵۴۵ صفحه.

۳- **کاغذ** : نازک سفید فرنگی ، جلد مقوایی سیاه با عطف و گوشهٔ چرمی قهوه‌یی.

٤- **خط** : تحریر ، رسم الخط اردو ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سرفصلها و نشانها شنگرف ، بالای جملات عربی خط افقی شنگرف کشیده شده است . قرن ۱۳ ه‍ ق.

۵- **کاتب** : «**شمس الدین**» ، تاریخ کتابت : «**۱۳۰۵ ه‍ ق**» و «**۱۳۱۹ ه‍ ق**» ، در صفحهٔ ۵٤۵ اینگونه آمده است : «نقل کتاب هذا در سنهٔ ۱۳۰٤ یک هزار و سه صد و چهار هجری نبوی کرده شد صلی الله تعالی علیه و آله و اصحابه و سلم آمین ثم آمین و ثانیاً بدست احقر العباد شمس الدین در سنهٔ ۱۳۱۹ وقت ده بجه روز یک شنبه فقط».

٦- **مؤلف** : «**محمد حبیب الله**» ، نام تألیف : «**کشف الآثار=۱۱۳۳ ه‍ ق**» ، تاریخ تألیف: «**۱۱۳۳ ه‍ ق=کشف الآثار**»: در صفحهٔ ۲ و ٤ چنین آمده است : «اما بعد می گوید طالب مغفرت آله محمد حبیب الله که همواره این فقیر از عنفوان جوانی . . . . . . از عطریات گلزار بهجة الاسرار از تألیف نور الدین علی بن یوسف بن جرید معضاد بن شافعی لغوی نحوی . . . . . . به مشام جان رسانید . . . . . . بنا بر آن ترجمهٔ آنرا به عبارت واضح نگاشته نیاز باریافتگان درگاه فلک اشتباه بادشاهی . . . ابو الفتح ناصر الدین محمد شاه غازی . . . این ترجمه را به کشف الآثار که مشعر بر تاریخ است مسمی ساخت».

۷- **آغاز** : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

انواع حمد ها که فزون است از شمار معروض قادر صمدیت هزار بار
آن قادری که بندهٔ عاجز بفضل او قطب زمانه می شود و غوث روزگار
آن قادری که هرکه براهش قدم فشرد بر گردن سران قدمش را دهد قرار
زهی قادر لا یزال که افراد انسان در هر محالی و مجالی مظهر کمال ربوبیت ساخت».

۸- **انجام** : «مؤلف باوجود استقصا ، احوال حضرت غوث صمدانی تاریخ وفات آن جناب را ننوشته بالضرور مترجم از سفینة الاولیا نقل مینماید که آن حضرت بعد از نماز عشا شنبه هشتم یا نهم ماه ربیع الآخر سنهٔ پانصد و شصت و یک هجری از این دار فنا رحلت فرمود ، پس مدت عمر شریف بنا براختلاف درسنهٔ ولادت یا نود سال و هفت ماه و نه روز یا هشتاد و نه سال و هفت ماه و نه روز

است و بعضی یازدهم ربیع الآخر و بقولی سیزدهم و برائی هفدهم گفته چنانچه در بغداد روز عروس هفدهم ربیع الآخر و در هندوستان یازدهم ماه مذکور است فقط».

۹- **چگونگی :** موضوع این نسخه به طور کلی دین و عرفان و تصوف است و در آن از شرح احوال و آثار و افعال و اقوال حضرت شیخ عبدالقادر گیلانی «رح» گفت و گو می کند. متن اصلی نسخه به زبان عربی بوده و «بهجة الاسرار» نام داشته است. مؤلف به واسطهٔ عشق و شوق فراوان که به سلسلهٔ قادریه و شیخ عبدالقادر جیلانی داشته آنرا ترجمه کرده و «کشف الآثار» نام گذاشته است و به ابو الفتح ناصرالدین محمد شاه غازی تقدیم شده است. تقسیمات آن بر اساس جملات عربی نهاده شده بدین معنی نخست جملهٔ عربی متن اصلی را می نویسد و سپس به ترجمه و شرح آن به زبان فارسی می پردازد و در ترجمه و شرح از اشعار فارسی و آیات قرآنی و احادیث نبوی و کلمات مشایخ و پیشوایان دین استفاده می کند. ضمناً همه جا به مآخذ و اسامی رجال و عارفان اشاره می کند که اکثر مطالب را از زبان و بیان آنها نقل می نماید و خلاصه آنچه را که زاید بر متن اصلی «بهجة الاسرار» می آورد ، مآخذ و منابع آنرا به دست می دهد. نثر فارسی این نسخه خوب و روان است و آنرا می توان «نثر عرفانی هندی» یا «پاکستانی» گفت. نشان یک مهر در آغاز هست که «عبدالقادر» خوانده می شود.

۰٤۰
۵۰٦

کشف اللغات و الاصطلاحات

[مراجع ، لغت و اصطلاحات، فارسی و عربی ، منثور]

۱- **اندازه :** ــبیرونی : ۲۹×۱۹×٦ سم . ــدرونی : ۲۱ س ۲٤×۱۵ سم .

۲- **اوراق :** ٤۲٦ ورق . ۸۵۲ صفحه .

۳- **کاغذ :** ضخیم خاکی رنگ سیالکوتی . آب رسیده ، وصالی شده ، کرم خورده ، جلد مقوایی سبز رنگ باعطف و گوشهٔ پارچه یی دودی رنگ .

٤- **خط :** نستعلیق خوش‌آمیخته با شکسته ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سرفصلها و نشانها و لغات شنگرف، بالای کلمات و جملات و اسامی خط شنگرف افقی کشیده

شده ، قرن ۱۲ ه ق .

۵- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

۶- **مؤلف** : «**عبد الرحیم ابن احمد سور**» . نام تألیف : **کشف اللغات و الاصطلاحات**» ، تاریخ تألیف معلوم نشد اما ظاهراً در نیمهٔ دوم قرن یازدهم هجری تألیف شده است . در صفحهٔ ۲ چنین آمده است : «اما بعد حمد و صلواة میگوید اضعف العباد خادم الفقراء حقیر بندهٔ رب غفور عبد الرحیم ابن احمد سور که این فقیر اگرچه قابلیت و استعداد سبق گفتن علم نظم و نثر نداشت اما از یاران و برادران و فرزندان چاره نبود» . (رک : فهرست نسخه های خطی بریتیش میوزیم ، ج ۲ ، ص ۴۹۵) .

۷- **آغاز** : «رب یسر ، بسم الله الرحمن الرحیم ، و تمم بالخیر . الحمد لله رب العلمین و العاقبة للمتقین و الصلوة والسلام علی رسوله محمد و آله اجمعین ، وسلم تسلیماً کثیراً کثیراً برحمتک یا ارحم الراحمین ، اما بعد حمد و صلوة میگوید اضعف العباد خادم الفقراء حقیر بنده رب غفور عبد الرحیم ابن احمد سور که این فقیر اگرچه قابلیت و استعداد سبق گفتن علم نظم و نثر نداشت اما از یاران و برادران و فرزندان چاره نبود که اکثر اوقات می آمدند و پرسش در علم اصطلاحات می کردند و تشویش وقت و حال میدادند» .

۸- **انجام** : «یمانی بالفتح منسوب به یمن و بمعنی شمشیر آید یمنی بالضم و بالف مقصوره دست راست یهتدی بفتح یکم و کسر دوم و بتشدید دال راه می نماید یهدی بفتحتین و بتشدید راه راست و این لغت مضارع اند از باب افتعال و اصل یهدی و یهتدی بوده و بفتح یکم و سکون دوم راه مینماید کسی را که میخواهد خدای عزو جل تمام شد» .

۹- **چگونگی**: این نسخه در موضوع «لغات و اصطلاحات دینی و ادبی و عرفانی و تاریخی و فلسفی» است که بر اساس حروف الفبائی ترتیب و تنظیم شده است بدین معنی که هر حرف را یک «باب» و حرف آغاز و انجام هر لغت و اصطلاح را «فصل» دانسته است ، مثلاً : لغت «احتیاج» را در «**باب الالف**» و **فصل الالف مع الجیم**» و «خط ساغر» را در «باب الخاء» و «فصل الخاء مع الراء» می توان یافت . مؤلف برای بعضی لغات و اصطلاحات کوشیده است که شواهد شعری به تناسب موضوع و معنی بیاورد . چنانکه لفظ «ثلث» را اینگونه معنی

کرده است : «ثلث بفتحتین سه و بالضم سه یک و قیل نام قلمی و خطی از شش قلم که خواجه یاقوت اختراع کرده بود و اسامی آن در این رباعی می آید ، رباعی :

نگار من خط خوش می نویسد بغایت خوب و دلکش می نویسد
مناشیر و محقق نسخ و ریحان رقاع و ثلث هر شش می‌نویسد

و متأخران یک قلم دیگر از این استخراج کرده اند و نامش نسخ تعلیق داشته اند» . ضمناً هر کلمه که به نظر مؤلف فارسی بوده حرف «ف» را در آغاز آن کلمه قرار داده است .

در صفحهٔ آغاز و انجام چند یادداشت دارد و نشان دو مهر بوده که محو و سیاه شده است . لفظ دعائی «یا کبیکج» در آغاز و انجام آمده است . مالک نسخه «نور احمد عرف بلوچ» بوده است و در چند جای نسخه نام خود را آورده است اینگونه : «مالک این کتاب مولوی نور احمد عرف بلوچ» ، اما یک یادداشت در صفحهٔ آخر نسخه بوده است که مالک آنرا تغییر داده است و نام مالک اول را محو و سیاه کرده و نام خود را نوشته است اینگونه : «جلد کتاب هذا کشف اللغات بمقام مرادآباد یقیمت هفتده روپیه خریده شد مالک این کتاب احمد بلوچ» . و همچنین نشان و مهر فروشندهٔ نسخه در چندجا چنین آمده است : «نایاب کتابون کا مرکز ، صدیقی کتبخانه ، بازار لوهاری مندی ، لاهور» .

۲۹۰ و ۸۹۰
۳۹۵

کشف المحجوب

[دین و ادب ، عرفان ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه : ــبیرونی : ۲۲×۱٤×۲ س م . ــدرونی : ۲۱ س ۱۵/۵×۸ س‌م .

۲- اوراق : ۲۵۷ ورق. ۵۱٤ صفحه .

۳- کاغذ : نازک زرد تیره رنگ کشمیری ، آب دیده ، وصالی شده ، جلد چرمی سیاه ضربی و منقش .

٤- خط : نستعلیق خوش، روشن، خوانا، عنوانها و سر فصلها ونشانها و خطوط رسم شده بر بالای بعضی از کلمات و جملات عربی شنگرف ، جملات عربی مشکول

(معرب) . یک سر لوح بزرگ زرین و لاجوردی خوش نما در آغاز و یک سر لوح کوچک در صفحهٔ ۵۰۲ جدول صفحه ۱ و ۲ ، ۸ خطی سرخ و زرین و سیاه و جدولهای دیگر صفحات ۵ خطی و لاجوردی و زرین ، قرن ۱۰ ھ ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

۶- مؤلف : «**علی بن عثمان بن علی الجلابی الغزنوی الهجویری متوفی تقریباً ۴۶۵ ھ ق**» ، نام تألیف: «**کشف المحجوب**»، تاریخ تألیف معلوم نشد. در صفحهٔ ۲ اینگونه آمده است : «قال علی بن عثمان بن علی الجلابی الغزنوی ثم الهجویری رحمة الله علیه که طریق استخاره سپردم و اغراضی که بنفس باز می گشت از دل ستردم و . . . مرین کتاب را کشف المحجوب نام کردم و مقصودت معلوم گشت» .

۷- آغاز : «ربنا آتنا من لدنک رحمة و هیئ لنا من امرنا رشدا الحمد لله الذی کشف لاولیائه بواطن ملکوته و قشع لاصفیائه سرائر جبروته و اراق دم المحبین بسیف جلاله و اذاق سر العارفین روح وصاله هو المحی لموات القلوب بانوار ادراک صمدیته و کبریائه و المتعش لها براحة روح المعرفة بنشر اسمائه و الصلوة علی رسوله محمد و آله و اصحابه و ازواجه» .

۸- انجام : «از بعد آنکه از جهال متصوفه این جمله را مذهب ساخته‌اند و صدق از میانه برانداخته و من استغفار کنم از آنچه رفته است بر من از اجناس این آفت و استعانت خواهم از خداوند تعالی تا ظاهر و باطن مرا از آفات نگاهدارد و وصیت میکنم ترا و خوانندگان این کتاب را برعایت حقوق این کتاب و نویسنده را بدعاء حفظ قلم ایمان یاد آرند و بالله التوفیق و الحمدلله رب العالمین والصلوة و السلام علی رسوله محمد و آله اجمعین وسلم تسلیماً کثیراً کثیراً ، اللهم اغفر لصاحب هذا الکتاب و لمن قرأفیه و لمن کتبه آمین برحمتک یا ارحم الراحمین تم» .

۹- چگونگی: موضوع این نسخه «عرفان و آداب و رسوم و سیر و سلوک متصوفه» است . تقسیمات آن بر اساس «باب» و «فصل» و «ذکر» است و جمعاً ۴ باب دارد . فصل ها شامل مقدمه و ابواب شامل ذکر ها و فصل ها و حکایات متن است . «باب الاول فی اثبات العلم» و باب چهلم فی آداب السماع» . بعضی

از عنوانها و نشانها به شنگرف ، در گوشه و کنار صفحات آمده است . نثر فارسی این نسخه بسیار عالی است . از اشعار فارسی و عربی و آیات قرآنی و احادیث نبوی و کلمات مشایخ استفاده کرده است . سبک نثر نویسی در این نسخه شبیه نثر شرح تعرف و ترجمهٔ تفسیر طبری و ترجمهٔ تاریخ طبری است و روان و ساده و بدون تصنع است . بعضی معتقدند که کشف المحجوب اولین کتاب منثور فارسی است که در سر زمین پاک نوشته شده است ، و بدین جهت برای آن ارزش و اهمیت بسیار قائل هستند چنانکه تاکنون چند بار چاپ شده است .

از صفحهٔ ۵۰۲ تا ۵۱۴ رساله یی کتابت شده است که به خط همان کاتب کشف المحجوب است و یک سر لوح زیبا و ترنج دار با جدولهای زرین و لاجوردی دارد و مؤلف آن «**یعقوب بن عثمان بن محمد بن محمود غزنوی جرخی اسرزی** است و در صفحهٔ آخر رساله را «**الرسالة الابدالیه**» نام نهاده است : «**تمت الرسالة الابدالیه**» ، در این رساله از یک کتاب و مؤلف آن آن اینگونه نام برده است : «**کاشف اسرار الحقیقة ابوالحسن علی ابن عثمان الغزنوی**» که برادر طریقت حقیقت شیخ ابو سعید ابی الخیر بوده است . . . **در کتاب کشف السر المحجوب لارباب القلوب** آورده است» . این رساله چنین آغاز می گردد :

«الحمد لله الذی زین السماء الدنیا بمصابیح و جعلنا ها رجوماً للشیاطین و زین الارض الرسل و الانبیاء و الاولیاء و العلماء و جعلهم حججاً و براهین یرفع بهم الظلمات و الشکوک من العالمین» ، و چنین انجام می یابد :

«و اکنون هستند و خواهند بود تا قیامت و معتزلیان و حشویان گویند که بوده‌اند فاما حالیا نیستند و این سخن خطاست زیرا که برهان نبوی امروز بایشان است از بهر آنکه کرامات ولی معجزهٔ نبی است چنانکه برهان نقلی و عقلی موجود است نیز برهان عینی موجوده است تمت اول روز پنجشنبه ماه رجب بر انگشتری نقره این حروفهای مقطعات بنویسد الم المص المرا کهیعص طهٰ طسم یس حمعسق ق ن تمت تم» .

مؤلف این رساله یعقوب بن عثمان بن محمد الغزنوی پیوسته از «کشف السر المحجوب لارباب القلوب» و مؤلف آن «ابوالحسن علی بن عثمان الغزنوی»

یاد می کند ، و او را «برادر طریقت شیخ ابوسعید ابی الخیر» شمرده است و احتمال می رود که این مؤلف یعنی ابو الحسن علی بن عثمان الغزنوی و کتابش «کشف السر المحجوب لارباب القلوب» همان علی بن عثمان بن علی الجلابی الغزنوی الهجویری و تألیفش «کشف المحجوب» باشد ؟ . در این باره تحقیق بیشتر باید . تقسیمات این رساله بر اساس «فصل» و جمعاً ۷ فصل دارد و متن آن آمیخته‌یی است از نثر و نظم، ونظم آن اکثر از مثنوی مولوی است . گویا این رساله هنوز چاپ نشده باشد . موضوع آن دربارهٔ «اولیاء الله» و «ابدال» و «مراقبه» و «مشاهده» است . نثرآن روان و ساده و به اصطلاح «نثر عرفانی» است .

۶۱۰/۵۲۸ کفایهٔ مجاهدیه یا کفایهٔ منصوری

[طب (پزشکی) ، فارسی منثور]

۱- **اندازه** : —بیرونی : ۲۲/۵×۱۶/۵×۳ سم. —درونی : ۱۹ س ۱۵/۵×۱۰/۵سم.

۲- **اوراق** : ۱۸۱ ورق. ۳۶۲ صفحه.

۳- **کاغذ** : نازک زرد تیره رنگ جهانگیری ، اندکی آب رسیده ، اندکی وصالی شده ، جلد تیماجی ضربی منقش سرخ گون.

٤- **خط** : ثلث خوش ، خوانا ، روشن ، رسم الخط ایرانی ، عنوانها و سرفصلها و نشان ها و خط های رسم شده بر بالای شواهد و کلمات شنگرف ، قرن ۱۱ ه ق.

۵- **کاتب** : «**تاج الدین حسین**» ، تاریخ کتابت : «**۱۱۵۳ ه ق**» ، در صفحهٔ ۳۵۹ چنین آمده است : «تمام شد کتاب کفایهٔ منصوری علیه الرحمه بتاریخ یوم سه‌شنبه بیست و ششم شهر رجب المرجب قلمی گردید سنهٔ ۱۱۵۳ ، **والله** عمره خط فرزندی نور چشمی تاج الدین حسین».

٦- **مؤلف** : «**منصور ابن محمد بن احمد بن یوسف بن فقیه‌الناس (الیاس)، متوفی ۸۰۹ ه ق**»، نام تألیف : «**کفایهٔ مجاهدیه**». تاریخ تألیف معلوم نشد. در صفحهٔ ٦ چنین آمده است : «و چون اضعف عبادالله و اعجز الناس منصور ابن محمد بن احمد بن یوسف بن فقیه الناس (الیاس) . . . مختصری جامع . . . شروع نمود و او را در قید کتابت کشید و بکفایهٔ مجاهدیه موسوم کرده . . . دیباچهٔ

آنرا مزین گردانید بالقاب همایون حضرت اسکندر ثانی واضع اساس جهانبانی .... » (رک: ۵ - کاتب، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تألیف سعید نفیسی، ج ۱. ص ۱۹٤ و ٤۰۰).

۷- آغاز: «بسم الله الرحمن الرحیم، شکر و سپاس و ستایش مر خالقی را که در خلقت انسان دقایق حکمتش بی پایان است و حمد و ثنای بی قیاس مر بادشاهی را که نعم و احسان او در حق ایشان بیرون از حدوبیان است وگواه بر کمان قدرت او طبایع اوصبول اصول و صورت ارکان است و دلیل بر رحمت رأفت او احوال امزجهٔ ابد است».

۸ - انجام: «و اگر کبابه باصلیتست در دهن گیرند و آب آن در قضیب بمالند موجب لذت شهوت شود و اگر فلفل و زنجفل یا سقمونیا با عسل بر قضیب طلا کنند همین عمل کند والله اعلم بالصواب تمت الکتاب بعون الملک الوهاب».

۹- چگونگی: موضوع این نسخه در «طب» است. نام اصل نسخه «کفایهٔ مجاهدیه» است و لیکن به کفایهٔ منصوری شهرت دارد به مناسبت نام مؤلفش. تقسیمات آن بر اساس «فن» و «مقاله» و «قسم» و «باب» است و جمعاً «۲ فن» و هر فن بر چند مقاله و هر مقاله بر چند باب و هر باب بر چند فصل و بعضی از فصول بر چند قسم منقسم است.

مؤلف دیباچهٔ نسخه را به نام پادشاهی کرده که آنرا به القاب «اسکندر ثانی» و «المنصور علی الاعداء» و «افتخار السلاطین العرب والعجم» توصیف کرده است. نثر فارسی این نسخه روان و ساده و اصطلاحات پزشکی و اسامی گیاهان و نام های اعضا و جوارح را کوشیده است که به فارسی بیاورد. سهو القلم کاتب اندک دارد. عنوانات و بعضی اسامی داروها را در حاشیه به خط «ثلث شنگرف» کتابت کرده است. ورق اول افتاده بوده که به قلم تازه کتابت کرده و افزوده اند. در میان سطرها و درکنارهٔ صفحات بعضی توضیحات طبی و در صفحات آغاز و انجام چند «یادداشت دعایی» و «نسخهٔ دارویی» و «معجون» به خط شکسته آمده است. مثلاً «معجون فولاد» و طریق ساختن آن، «باب تسلیط» و «نسخه جهت قرحهٔ رحم».

۲۹۰
۵۰۲

کفایة الاعتقاد

[دین ، فارسی و عربی ، منثور و منظوم]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۶×۱۵×۳/۱ سم . —درونی : ۱۷ و ۱۶ س ۲۱×۱۱ سم .

۲- اوراق : ۳۳ ورق . ۶۵ صفحه .

۳- کاغذ : ضخیم زرد تیره رنگ سیالکوتی ، اندکی آب رسیده ، وصالی شده ، جلد مقوایی خاکی رنگ با عطف و گوشهٔ پارچه‌یی و تیاجی کبود رنگ پوسیده .

۴- خط : نستعلیق و تحریر و ثاث ، روشن، خوانا ، نشان‌ها و عنوانها و سر فصلها و خطهای رسم شده بر بالای جملات و کلمات شواهد و جدولهای یک خطی شنگرف . قرن ۱۳ ه ق .

۵- کاتب : «سید رسول» ، تاریخ کتابت : «۱۲۹۵ ه ق» : «تمت بعون الله تعالی شانه رسالهٔ رد الروافض کفایهٔ الا عتقاد من تصنیف مولانا مولوی محمد حسین کاشمیری از ید فقیر سید رسول خادم خواجگان چشت غفر الله له ولوالدیه و لاستاذیه ولجمیع المؤمنین واالمؤمنات برحمتک یا ارحم الراحمین تحریر بتاریخ ۶ ماه ربیع الاول سنهٔ ۱۲۹۵ هجری» .

۶- مؤلف : «مولوی محمد حسین کاشمیری» ، نام تألیف : «کفایهٔ الاعتقاد» ، تاریخ تألیف معلوم نشد . در صفحهٔ ۲ چنین آمده است : «فقیر پر تقصیر در بند خود اسیر و دائم در تقصیر ساکن بلدهٔ کاشمیر بی زینت و زین فقیر محمد حسین غفر الله له ولوالدیه درین رساله که نام کفایت الاعتقاد کرده شد تا کفایت کند هر فردی را از افراد اهل سنت و جماعت» .

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، هذا بیان للناس و هدی و موعظهٔ للمتقین الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی رسوله محمد و آله و اصحابه اجمعین گویم ای برادر دین و سالک راه یقین و دبیر شرع متین فقیر پر تقصیر در بند خود اسیر و دایم در تقصیر ساکن بلدهٔ کاشمیر بی زینت و زین فقیر محمد حسین» .

۸- انجام : «از نبی چار بنت چار پسر سیر طیر سلوک هم چار است
دین را چار علم مختار است از حدیث و کتب نا چار است

حسب اصحاب چون گزید حسین دور از اهل فسق و فجار است
در کتاب جنت دید حسین خارجی و رافضی از نار است»

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه «**رد و انتقاد و خرده گیری**» بر فرقهٔ امامیه یا اثنی عشریه و یا **شیعیان** است که مؤلف آنها را «روافض» می گوید. روی سخن در کلیهٔ مطالب نسخه با افراد و علمای اهل سنت وجماعت است و این فرقه را به منتهای درجه عزت و حیثیت رسانیده است و برای استدلال و اثبات عقیدهٔ خود از آیات قرآنی و احادیث نبوی و خلفای راشدین و تابعین (رض) استفادهٔ فراوان کرده است. تقسیمات آن بر اساس «**وجه**» است. برای اثبات هر موضوع احادیثی می‌آورد و بر چند وجه تقسیم می کند. نثر فارسی آن آمیخته با اشعاری است که گویا خود مؤلف سروده است. خلاصه این که شدید ترین انتقادات در این نسخه علیه «**روافض**» است. ضمناً در آخر این نسخه تحت دو عنوان «الباب الخامس فی الاستدلال علی ثبوت کفر الرفضه» و «الفصل الخامس فی بیان الآیات المطلقه و المقیدة الداله علی جواز ذکر الجهل» مطالبی در رد فرقهٔ امامیه یا اثنی عشریه آمده است، که شدید ترین تازیانه های انتقاد را در بردارد. لفظ «چهار» اشاره به خلفای اربعه (رض) در این نسخه بسیار مقدس است و شواهد گوناگون برای آن آمده است. مؤلف در شعر «حسین» تخلص می کند. نثر و شعرآن به سبک هندی یا پاکستانی است.

۰٤۰
―――
۳۵۲

کنز اللغات

[مراجع، فارسی و عربی، منثور]

۱ - **اندازه :** —بیرونی : ۵/۳۷ × ۵/۲۱ × ۵/۵ سم. —درونی : ۲۱ س ۵/۲۹ × ۱٤ سم.

۲ - **اوراق :** ۳۸۲ ورق. ۷٦٤ صفحه.

۳ - **کاغذ :** نازک و ضخیم خاکی رنگ هندی، کرم خورده، وصالی شده، جلد پارچه‌یی و مقوایی و عطف تیماجی سرخ.

٤ - **خط :** نستعلیق متوسط، روشن، خوانا، پخته، عنوانها و نشانها و سرفصلها و بعضی از لغات شنگرف، یک لوح خوش نقش در آغاز، جدول صفحهٔ ۲ و ۳،

۶ خطی زرین و سیاه و سرخ ، جدول بقیهٔ صفحات سه خطی سیاه و سرخ ، قرن ۱۲ ه‍ ق.

۵- کاتب : «فراق جو . . . »، تاریخ کتابت «۱۲۱۵ ه‍ ق». در صفحهٔ ۷٦٤ چنین آمده است : «الحمد لله والمنة که کتاب مستطاب موسوم بکنز اللغات من تألیف ملک الکلام فیاضی بتاریخ بیست و چهارم شهر ذی الحجة سنهٔ ۱۲۱۵ هجری بخط فراق جو . . . . . (سیاه شده) . . . . . وقت ظهر صورت اتمام یافت ».

۶- مؤلف : «**محمد بن عبدالخالق بن معروف**» ، نام تألیف : « **کنز اللغات**» ، تاریخ تألیف در عهد «سلطان محمد کیا بن ناصر کیا از پادشاهان گیلان (۸۵۱-۸۸۳ ه‍ ق) و پسرش کار کیا میرزا علی (مقتول در ۹۱۱ ه‍ ق) (رک : تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تألیف سعید نفیسی ، ج ۱ ، ص ۲٦۰). در مقدمه چنین آورده است : «اما بعد چنین گوید محتاج مغفرت حضرت غفور رؤف محمد بن عبدالخالق بن معروف . . . . که بر اکثر جویندگان معرفت انوار لغت پوشیده نماند که شرف لغات هر صنفی از اصناف انسان و صاحب کلمات ایشان است . . . بنا بر این بتوفیق الله المعین نسخه در ترجمهٔ مهمات لغات عربیه و تمام لغات قرآنیه ترتیب نمودم و انتخاب آن از کتاب صحاح و مجمل و دستور و مصادر و اختیارات بدیعی و لغات القرآن شرح نصاب کردم بروجهیکه پیدا کردن هر لغتی بعنایت الله تعالی آسان باشد (و در عهد) . . . . سرافراز جهان سلطان محمد . . . و ولیعهدش حضرت سلطان دین میرزا علی . . . این نسخه مسمیست بکنز اللغات».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، رب الایسر و تمم بالخیر ، جواهر کنوز لغات حمد و ستایش ثنای بارگاه حضرت متکلمیکه زبان اصناف آدمان کلید گنج خانه و سخن گردانید و ارباب الباب را بتشریف تنزیل انا انزلناه قرآناً عربیا لعلکم تعقلون باوج شرافت رسانید و درود و صلوات نا محصور برموز و اسرار و ما ارسلنا من رسول الابلسان قومه و مطلع انوار انا افصح العرب بیدانی من قریش یعنی افصح فصحای جهان و افضل جمیع پیغمبران محمد مصطفی و بر عترت و اصحاب اوباد ».

۸- انجام : «یدی بضم یای اول نعمتها و بکسریای اول هم مردی است یدی بفتح

یاء اول و تخفیف ثانی یعنی دست من ، یهودی و یجهود و یلعمی مرد زیرک که بچیزی چنان گمان برد که گوئی دیده است و یا شنیده و این مصدر هم آمده است یزنی یزه منسوب بذوالیزن که پادشاه حمیر بوده یلی نزدیک میشود و آن فعل مضارع است مشتق از ولی الحمدلله والمنه که کتاب مستطاب موسوم بکنز اللغات من تألیف ملک الکلام فیاضی بتاریخ بیست و چهارم شهر ذی الحجه سنه ۱۲۱۵ هجری بخط فراق جو (سیاه شده) . . . . وقت ظهر صورت اتمام یافت ».

۹- **چگونگی :** موضوع این نسخه «لغت عربی به فارسی» است. تقسیمات آن بدین شرح است : مقدمه در ۱۷ بخش دربارهٔ چگونگی لغت و اشتقاق و دستور و صرف و نحو ، متن نسخه در ۲۸ کتاب و هر کتاب در چند باب. درحقیقت هر حرف در یک « کتاب» گنجانیده شده است و لغات برحسب «مصدر» و «حرف اول و آخر» آن آمده است. اول مصادر ثلاثی مجرد ، دوم مصادر افعال ، سوم مصادر ثلاثی مزید. سپس مشتقات همهٔ آنها را آورده شده است. مثلاً « کتاب الالف باب الالف من مصدر ثلاثی الثلاثی المجرد ، انا در یافتن» و «باب الالف معه السین من مصدر الثلاثی المجرد ، ابس بالسی : درشتی کردن» و «باب الیاء مع الیاء من المصادر ، یدی بر دست زدن » ، مؤلف مآخذ خود را ذکر کرده است : «صحاح و مجمل و دستور و مصادر و اختیارات بدیعی و لغات القرآن و شرح نصاب». مقدمه با اشعاری آمیخته است که گویا از مؤلف است و لیکن در متن اشعاری نیامده است. در صفحهٔ اول و آخر ٤ مهر دارد که دوتای آنها سیاه شده و دوتای دیگر اینگونه خوانده می شوند : «احمد شاه پادشاه غازی . . . . . عالم . . . . . فدوی» و «احمد رضا خان ۱۲۹۶» . این نسخه یکبار ۲۰ روپیه و یک بار درسال ۱۲۹۷، ۲۸ روپیه خرید و فروش شده است. ضمناً یک یادداشت دارد که نویسنده تصور کرده کنزاللغات را «علامهٔ فیضی فیاضی» تألیف کرده است :

« کنز اللغات علامه فیضی فیاضی که علامهٔ موصوف در خطبه به نام خواهر زادهٔ خود محمد رؤف اشارت بشهرت فرمودند». این نسخه سهوالقلم کاتب اندک دارد. الفاظ عربی به لغات فارسی برگزیده و صحیح ترجمه شده است. نسخ خطی کنز اللغات فراوان و نیز چاپ شده است.

٨٩٠
٤٧٧

کلیات شمس تبریزی

[ادب ، عرفان و تصوف ، فارسی ، منظوم «غزلیات»]

١- اندازه : —بیرونی : ٢٦×١٥×٧ س م . —درونی : ١٧ س ١٩×٩/٥ س م .

٢- اوراق : ٤٩٢ ورق . ٩٨٤ صفحه .

٣- کاغذ : نازک و زرد تیره رنگ هندی ، آب رسیده ، وصالی شده (لبه های اوراق بعلت وصالی بریده و مقداری از حواشی محو و نابود شده است) ، جلد مقوایی ملون باعطف پارچه یی منقش در غلاف چرمی سیاه رنگ ضربی نقش دار .

٤- خط : نستعلیق و شکسته ، خوانا ، روشن . پخته ، قرن ١١ ه ق .

٥- کاتب : نام «کاتب» و «تارخ کتابت» ندارد چون از انجام ناقص است .

٦- مؤلف : یا (شاعر) : «**جلال الدین محمد بلخی رومی**» معروف به «**مولوی**» متوفی ٦٧٢ ه ق و مدفن او به قونیه در ترکیه زیارتگاه پیروان اوست . تارخ تألیف (سرودن) در دوران عمر شاعر ، نام تألیف : «**دیوان شمس تبریزی**» یا «**کلیات شمس تبریزی**» . زیرا در مقطع غزلیات نام «شمس تبریزی» یا «شمس تبریز» یا «شمس الدین تبریزی» یا «شمس» یا «شمس الحق» یا «شمس الحق تبریزی» آمده است :

«مفخر تبریز شمس تبریز   منزل جانها کوی افندی

———

خمش کن شمس تبریزی که‌ازغیب   شدم اموات احیای افندی

———

مفخر تبریزیان شمس حق الدین ما   هست‌چو خورشید و مه،نیست وراثانی

———

عشق شمس الدین تبریزی خوش است   ای دگر عشق‌ها همه لالای او»

٧- آغاز : این نسخه فقط از غزلیات قوافی حرف میم آغاز می شود بدین شرح :

«بوی زلف مشکبار روح قدس   همچو جان اندر بدن می آیدم
گو ییا ساقی جان درکار شد   تا چنین می در دهن می آیدم
درد چون آبستنان می کرد دم   طفل چون اندر حزن می آیدم

یوسفم افتاد در چاه فراق ازشه مصر آن رسن می آیدم
من شهید عشقم و خونین کفن خون بهایم در کفن می آیدم»

۸- انجام : غزلیات تا آخر قوافی حرف «ی» ادامه دارد و بعد از آن یک ترجیع بند آمده که چنین انجام می یابد :

جولاهه که باشد که بود سلطنت او را پا درچه اندیشه و سودا به تر . . .
آنکس که زباغ خرد انگور فشارد شیرین بودش لا جرم ای دو . . .
آن روز که، هر باغ بسوزد ز خزان‌ها باشند درختان تو از میوه خمیده
جان را زند آن باغ صلاهای تعالوا جان از تن برخون و بر ازریم . . .

۹- چگونگی: این نسخه شامل غزلیاتی از کلیات شمس تبریزی می شود که از تعدادی غزلیات قوافی حرف «میم» آغاز می شود و به غزلیات حرف «ی» پایان می گیرد وضمناً یک ترجیع بند هم پس از غزلیات آمده است . این نسخه یادداشت های عرفانی و ادبی و ابیات اضافی در کنارهٔ صفحات بسیار داشته است که به علت صحافی نادرست همهٔ آنها بریده و نابود شده است. بطور متوسط هر صفحه۲ غزل و هر غزل ۱۰ تا ۱۵ بیت دارد و جمعاً در حدود ده هزار بیت در این نسخه کتابت شده است .

۸۹۰
۵۲۱

کلیله و دمنه

[ادب ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه : –بیرونی : ۲۷/۵×۱۹/۵×۳ سم . –درونی : ۱۵ س ۲۱×۱۲ س م .

۲- اوراق : ۱۹۹ ورق. ۳۹۸ صفحه .

۳- کاغذ : نازک خاکی رنگ هندی ، وصالی شده ، آب رسیده ، ساییده شده ، جلد مقوایی خاکی رنگ ، پوسیده بدون عطف .

٤- خط : نستعلیق ، خوانا ، روشن ، پخته ، قرن ۱۲ ه ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ، ندارد .

٦- مؤلف : یا (مترجم) : «**ابوالمعالی نصر الله منشی**» ، نام تألیف : (کلیله و دمنه) ، یا «ترجمهٔ کلیله و دمنه» ، تاریخ تألیف یا ترجمه : «**۵۳۸ یا ۵٤۰ ه ق**» ، (رک : مقدمهٔ استاد مجتبی مینوی بر ترجمهٔ کلیله و دمنه ، ص یا ، چاپ دوم،

تهران ، ۱۳۱۵ ه ق) .

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، سپاس و ستایش مر خدایرا جل جلاله که آثار قدرت او بر چهرهٔ . . . (محو شده) . . . تابانست و انوار حکمت او در دل شب تار درفشان ، بخشایندهای که . . . (محو شده) . . . سد عصمت دوستان کرد ، جباری که نیش پشه را تیغ قهر دشمنان گردانید» . پس از ورق اول ، چندین ورق افتادگی دارد (رک : ۹–چگونگی) .

۸- انجام : ناقص و آشفته است و افتادگی دارد و چنین پایان می یابد : «هیچ فضیلت از آن قوی‌تر نیست که پیغامبر صلی الله علیه و آله فرمود . . . بنو آدم طف الصاع بالصاع لا اجد علی احد مزیه فضل الا التقوی و صفت ورع آنگاه جمال گیرد که اسلاف به نزهت و تعفف مذکور باشند و به صیانت و تقشف مشهور» .

۹- چگونگی: این نسخه بر ترجمهٔ کلیله و دمنه از لحاظ خط و کتابت خوب است اما اوراق آن آشفته و درهم است زیرا در هنگام وصالی و صحاف زیر و زبر شده است . فهرست ابواب و اسامی حکایات و عنوانها در آن مفقود است و جای آنها خالی گذاشته شده است که به خط شنگرف بنویسد و لیکن فراموش کرده و یا نتوانسته است . بعضی از کلمات و جملات عربی معرب است . حروف «گ» ، و «چ» مانند «ک» و «ج» کتابت شده است . سهو القلم کاتب ده آن دیده می شود . در صفحهٔ اول چند یادداشت و صورت حساب آمد است ، مثلاً : «این کتاب کلیله و دمنه را . . . (محو و سیاه شده) . . . ولد محمد شفیع خان قزلباش بیان قیمت مبلغ شش روپیه گرفته شد هر که دعوا نماید در شرع شریف کاذب و دروغ باشد . تحریر بتاریخ نهم شهر صفرالمظفر سنهٔ ۱۱۹۹ ه ق» .

۸۹۰ / ۵٦۷

کیمیای سعادت

[ادب ، دین و اخلاق و عرفان ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲٤×۱۸×۵ س‌م. —درونی : ۲۱ س ۵/۱۷×۱۲ س‌م.

۲- اوراق : ٤٦۳ ورق. ۹۲٦ صفحه.

۳- کاغذ : نازک نخودی رنگ هراتی ، کرم خورده ، آب رسیده ، وصالی شده ، جلد مقوایی و چرمی سیاه رنگ.

٤- خط : ثلث خوش ، پخته ، روشن ، خوانا ، عنوانها و سرفصلها و نشان ها شنگرف ، یک سر لوح با ترنج و نیم ترنج در زمینهٔ زرین و لاجوردی ، جدولهای ۵ خطی کنارهٔ متن لاجوردی و سیاه و زرین ، قرن ۹ و ۱۰ ه ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

٦- مؤلف : «امام ابو حامد محمد بن احمد غزالی طوسی ٤۵۰-۵۰۵ ه ق» ، نام تألیف : «کیمیای سعادت» ، تاریخ تألیف : «٤۹۰ تا ۵۰۰ ه ق» ، (رک : فهرست نسخه های خطی کتابخانهٔ گنج بخش ، ج ۱ ، تألیف محمد حسین تسبیحی ، ص ۳۷۵-۳۷۷ ، غزالی نامه ، تألیف استاد جلال الدین همایی ، ص ۲۵۸).

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، شکر و سپاس فراوان به عدد ستارهٔ آسمان و قطرهٔ باران و برگ درختان و ریگ بیابان و ذرهاء زمین و آسمان مران خدای را که یگانگی صفت اوست و جلال و کبریا و عظمت و علا و مجد و بها خاصیت اوست و از کمال و جلال و جمال او هیچ آفریده آگاه نیست».

۸- انجام : «حق تعالی به فضل و کرم خود و برکات و دعاء ایشان درگذارد و از ثواب این کتاب بی نصیب نکند که هیچ غبن بیش ازین نبود که کسی خلق را بخدای تبارک وتعالی دعوت کند و آن که بسبب نظر بخلق از خدای تعالی محجوب شود نعوذ بالله منه فنقول فی خاتمة الکلام اللهم نعوذ بک منک و بعفوک من عقابک و نعوذ برضاک من سخطک لا یحصی ثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک والحمد لله رب العالمین والصلوة علی نبیه محمد و آله اجمعین».

۹- چگونگی: این نسخه در موضوع «دین و اخلاق و نصایح و اعمال مردمان» است که بر اساس فقه و حدیث و عرفان و اخلاق و اهداف علمی و عملی زندگی است. تقسیمات آن بر اساس «عنوان» و «رکن» و «اصل» است و جمعاً «٤ عنوان» و «٤ رکن» و «چهل اصل» دارد. هر رکن ۱۰ اصل دارد. البته تقسیمات دیگر بر اساس «فصل» و «میدان» هم دارد . در این نسخه حروف «پ ، چ ، گ» مانند : «ب ، ج ، ک» کتابت شده است. این نسخه کامل است و سهوالقلم کاتب ندارد . در صفحهٔ آغاز یادداشتهایی ارزنده داشته که مخصوصاً دو برگ را بر هم چسبانیده و آنها را محو کرده اند ! نشان دو مهر در اواخر دارد که

اینگونه خوانده می شود : «سید عبدالفتح» ، «سید بشیر الدین احمد پیرزاده نقوی حسینی عفی عنه سنهٔ ۱۳۳۱» . این نسخه در کمال زیبایی و نفاست خط است».

۸۹۰
۵۷٤

کیمیای سعادت

[ادب ، دین و اخلاق و عرفان ، فارسی ، منثور]

۱- **اندازه** : —بیرونی : ۲۷×۱۷×٦ سم. —درونی : ۲۱ س ۱۹/۵×۹/۵ سم.

۲- **اوراق** : ٤۷۲ ورق. ۹٤٤ صفحه.

۳- **کاغذ** : ضخیم زرد روشن رنگ جهانگیری ، آب رسیده ، وصالی شده ، جلد چرمی و مقوایی ضربی و منقش (ترنج کوچک و بزرگ) با عطف کرباسی و کاغذی پوسیده بر دو رویهٔ درونی جلد نقاشی با گل و بوته در زمینهٔ صورتی رنگ.

٤- **خط** : نستعلیق ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سرفصلها و نشانها شنگرف ، جدولهای سه خطی کنارهٔ متن صفحات شنگرف و سیاه ، قرن ۱۱ ه ق.

۵- **کاتب** : نام «کاتب» ندارد ، تاریخ کتابت : «۱۰۹٤ ه ق» : «تمام شد کتاب کیمیای سعادت بعون الله و حسن توفیقه سنهٔ ۱۰۹٤».

٦- **مؤلف** : «امام محمد بن محمد بن محمد بن احمد غزالی طوسی ٤۵۰-۵۰۵ ه ق»، نام تألیف : «کیمیای سعادت» ، تاریخ تألیف معلوم نشد. (رک : کیمیای سعادت ۸۹۰/۵٦۷).

۷- **آغاز** : «بسم الله الرحمن الرحیم ، شکر و سپاس فراوان بعدد ستارهای آسمان و قطرهای باران و برگ درختان و ریگ بیابان و ذرهای زمین و آسمان مرآن خدای را که یگانگی صفت اوست و جلال و کبریای و عظمت و مجد و بها و علا خاصیت اوست».

۸ - **انجام** : «و آنگاه بسبب نظر خلق از خدای تعالی محجوب شود نعوذ بالله منه فنقول فی خاتمة الکتاب والکلام اللهم انا نعوذ بعفوک من عقابک و نعوذ برضاک من سخطک و نعوذ بک منک لا احصی ثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک والحمد لله رب العالمین والصلوة علی نبیه محمد و آله اجمعین تمام شد کتاب کیمیاء سعادت بعون الله و حسن توفیقه سنهٔ ۱۰۹٤».

۹- **چگونگی:** این نسخه از لحاظ خط و کتابت خوب است. سهو القلم کاتب ندارد. فهرست کامل آن به خط تازه در آغاز آمده است. در آغاز و انجام چند یادداشت عرفانی و دعایی آمده است. در صفحهٔ آخر یک مقاله به زبان فارسی در موضوع «وصیت خواجه عبد الخالق غجدوانی» آمده است و همچنین سه صفحهٔ «دعا» به زبان عربی پس از این وصیت آمده است. در لابلای اوراق این نسخه، وریقه هایی به زبان فارسی منظوم الصاق کرده‌اند که برگزیده از «تحفة النصایح» سرودهٔ محمد یوسف گداست. (رک: کیمیای سعادت ۸۹۰/۵۶۷).

۵۳۰
۳۹۲

گلدسته

[مراجع، فارسی، منثور و منظوم]

۱- **اندازه :** –بیرونی :۲۳×۱۳/۵×۱سم: –درونی : ۱۵ س ۱۶/۵×۷ سم.

۲- **اوراق :** ۶۸ ورق. ۱۳۴ صفحه.

۳- **کاغذ :** نازک زرد تیره رنگ سیالکوتی، اندکی آب رسیده، اندکی وصالی شده، جلد مقوایی ملون با عطف پارچه‌یی گلدار.

۴- **خط :** نستعلیق، رسم الخط اردو، خوانا، روشن، عنوانها و سرفصلها و الفاظ و کلمات شواهد و خطوط رسم شده بربالای اشعار شنگرف، قرن ۱۲ هـ ق.

۵- **کاتب :** نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد، اما چنان به نظر می رسد که به خط مؤلف باشد. (رک : ۶–مؤلف).

۶- **مؤلف :** **«سید کریم داد»**، نام تألیف : **«گلدسته»**، تاریخ تألیف : **«۱۰۸۵ هـ ق»**. در صفحهٔ ۲ و ٤ چنین آمده است : «اما بعد این محرر اوراق متفرقات احقر العباد سید کریمداد سکنهٔ موضع مکه ناحیهٔ گجرات ملاحظه و سماع نمود که اکثر عزیزان در تحقیق حرکات و سکنات لغت تفحص و تفتیش معانی الفاظ و لغات بوستان تصنیف .. شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی ... بغلط فاحش افتاده‌اند ... و بنا بر آن استفادهٔ بعضی عزیزان استنبات (استنباط) نموده در سنهٔ یکهزار و هشتاد و پنج جمع نموده شد و بناء این بر حرف آخر نهاده آمد و باسم گلدسته موسوم گردانید».

۷- **آغاز :** «بسم الله الرحمن الرحیم، سپاس قدسی اساس مر قادری را سزد که بقدرت

بالغه و حکمت شاملهٔ هر یک از طبقات آدم طوایف امم را بانواع لغت و اقسام السنه گویا ساخت و شبستان حروف و شهرستان کلمات را بدوشیزگان معانی گوناگون بهار چین بیاراست».

۸- انجام : «مهمان سرای بانون موقوف بمعنی لنگر کذا فی المؤید. حامل وحی یعنی پیغمبر و جبرائیل علیه السلام کذا فی المؤید صخره جنی نام دیو که انگشتری سلیمان غایب کرده بود و آنرا دیو سفید نیز گویند کذا فی الکشف زر مغربی یعنی زر خالص دادن کذا فی التحفه داود طائی نام یکی از شاگردان امام اعظم (رض) .... که در نهایت .... ورع بود چنانکه در .... مسطور است شهاب الدین سهروردی نام مرشد شیخ سعدی آتش پارسی در کتب آورده که نام رحمت است و بمعنی بتخانه نیز گفته اند کذا فی الرشیدی».

۹- چگونگی : موضوع این نسخه «فرهنگ لغات بوستان سعدی» است و مؤلف آنرا «گلدسته» نامیده است تقسیمات آن بر اساس حروف آخر لغات است، مثلاً: «خدا» لغت اول و «آتش پارسی» لغت آخر این فرهنگ است. هر جا که لغت را می آورد، بیت یا مصراع آن را نیز ذکر می کند. مآخذ و منابع خود را یادآور می شود، مانند: فرهنگ رشیدی، فرهنگ جهانگیری، فرهنگ ابراهیم شاهی، فرهنگ سروری. در گوشه و کنار صفحات بعضی یادداشت ها و توضیحات لغوی و از یاد رفته ها را کتابت کرده اند. بعلت صحافی بعضی از کلمات محو و بریده و در صفحهٔ ۱۳۳ چند شعر از اسکندر نامهٔ نظامی کتابت شده و سپس توضیح و تفسیر گشته‌اند. در صفحهٔ ۱۳۴ یک صورت حساب به روش «علم سیاق» و چند شعر پراکنده آمده است.

۸۹۰
―――
۳۸٤

گلستان

[ادب، فارسی، منثور و منظوم]

۱- اندازه : ــبیرونی : ۲۷×۱۵/۵×۵ سم. ــدرونی : ۱٤ س ۱۸×۸ سم.

۲- اوراق : ۱۹۰ ورق. ۳۷۹ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم نخودی رنگ کشمیری، اندکی کرم خورده، اندکی آب رسیده، جلد مقوایی سرخ تماجی با حاشیهٔ نقش دار.

٤- **خط** : نستعلیق خوش جلی ، خوانا ، روشن ، پخته ، از صفحهٔ ۱ تا ٤٤ جدول ۲ خطی سرخ ، عنوانها و نشانها و سرفصلها شنگرف ، جملات عربی و بعضی از کلمات معرب (مشکول).

٥- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» را ننوشته اند و گویا یک ورق افتادگی دارد: «تمت تمام شد کتاب فیض مآب گلستان که گل های مقاصد صوری و معنوی درو شکفته من تصنیف شیخ المشایخ حضرت شیخ سعدی شیرازی رحمة الله علیه بتاریخ سعید روز . . . » و دنبالهٔ مطلب ناقص است.

٦- **مؤلف** : یا (شاعر) : «**شیخ سعدی شیرازی متوفی ٦٩١ ه ق**» ، نام تألیف «**گلستان**» ، تاریخ تألیف «**٦٥٦ ه ق**». (رک : گلستان ۳۸۷/۸۹۰).

۷- **آغاز** : «یا فتاح ، رب یسر ، بسم الله الرحمن الرحیم ، و تمم بالخیر ، منت خدای را عز و جل که طاعتش موجب قربت است و بشکر اندرش مزید نعمت ، هر نفسی که فرو می رود ممد حیات است و چون بر می آید مفرح ذات ، پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب ،

از دست و زبان که بر آید کز عهدهٔ شکرش بدر آید

۸- **انجام** : «شعر ،

لو ان لی یوم الطلاق مکانته عند الرؤف لقت یا مولانا
انا المسیٔ و انت مولا محسن ها قد اسأت و اطلب الاحسانا

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة والسلام علی رسوله محمد و آله و اصحابه و ازواجه اجمعین برحمتک و کرمک یا ارحم الراحمین والحمد لله علی توفیقه و تیسیره ، قطعه :

ما نصیحت بجای خود کردیم روزگاری درین بسر بردیم
گرنباشد به گوش رغبت کسی بر رسولان بلاغ باشد و بس
من نوشتم هر چه دیدم درکتاب ختم شد والله اعلم بالصواب»

۹- **چگونگی**: این نسخه از لحاظ خط و کتابت ارزنده و کاغذ آن شبیه مقوا است. اوراق چند در آغاز و انجام کتابت نشده است که گویا برای یادداشت های بعدی گذاشته شده است و چنان به نظر می رسد که ورق افتادگی داشته باشد زیرا «کاتب» در آخر صفحهٔ ۳۸۰ کتابت کرده : « بتاریخ سعید روز» و دنبالهٔ

آن که از صفحهٔ ۳۸۱ شروع می شود مفقود است. سهو القلم کاتب اندک است. حرف «گ» مانند «ک» است. روی حرف «ی» در وسط کلمات همزه دارد و زیر «ی» مفرد دو نقطه می آید و از این لحاظ به رسم الخط اردو شباهت دارد.

۸۹۰ / ۳۸۷

گلستان

[ادب، فارسی، منثور و منظوم]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۵/۵×۱۷×۴/۵ س م. —درونی : ۸ و ۹ س ۱۷×۹/۵ و ۱۶×۹/۵ س م.

۲- اوراق : ۲۳۰ ورق. ۴۶۰ صفحه.

۳- کاغذ : نازک سفید خاکستری رنگ سپاهانی، کرم خورده، جلد مقوایی زرد رنگ باعطف و گوشهٔ پارچه یی سبز گون.

۴- خط : نستعلیق خوش جلی، خوانا، روشن، پخته، عنوانها و سر فصلها و نشانها و خطوط رسم شده بربالای بعضی از کلمات و جملات شنگرف، یک سر لوح در آغاز و کناره های صفحهٔ اول و دوم گل و بوته نگاری، جدولهای کنارهٔ بیرونی صفحات ۳ خطی لاجوردی و سرخ و کنارهٔ سطر ها ۷ خطی سیاه و سرخ و لاجوردی، قرن ۱۳ ه ق.

۵- کاتب : «سوکهه رام»، تاریخ کتابت : «۱۹۳۱ بکرمی» مطابق با «۱۲۹۹ ه ق» : «بعنایت بیغایت دارندهٔ زمین و زمان و نگهدارندهٔ جهان و جهانیان، کتاب گلستان، بجهت خواندن برخوردار فرخنده بخت و قوی طالع سعادت فرجام «وزیر جکت رام» طالعمره وزید قدره بدستخط هیچمدان سوکهه رام مرقوم ۲۳ ماه مار میموسه ۱۹۳۱ قلمی شد».

۶- مؤلف : «شیخ سعدی شیرازی متوفی ۶۹۱ ه ق»، نام تألیف : «گلستان»، تاریخ تألیف «۶۵۶ ه ق» (رک : گلستان ۳۸۴/۸۹۰).

۷- آغاز : «هو المراد، منت خدای را عزو جل که طاعتش موجب قربت است و بشکر اندرش مزید نعمت هر نفسی که فرو میرود ممد حیات است و چون

بر می آید مفرح ذات پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب ،

از دست و زبان که بر آید کز عهدهٔ شکرش بدر آید»

۸ - انجام : «پوشیده نماند که دُرّ موعظهای شافی در سلک عبارت کشیده است و دواهای تلخ نصیحت بشهد ظرافت بر آمیخته تا طبع ملول ایشان از دولت قبول محروم نماند الحمد لله رب العالمین ، قطعه ،

ما نصیحت بجای خود کردیم روزگاری درین بسر بردیم
گرنیاید به گوش رغبت کس بر رسولان بلاغ باشد و بس

تمت تمام شد یکهزار و نهصد و سی و یک» .

۹- چگونگی: این نسخه را یک نفر هندو به‌نام «سوکهه‌رام» برای‌فرزندش «**وزیر جکت رام**» کتابت‌کرده و پس از کتابت بار دیگرمطالعه شده و بعضی افتادگی‌ها و از یاد رفته‌ها افزوده گشته است. (رک : گلستان ۳۸٤/۸۹۰) .

گلشن توحید
یا مفردات مثنوی یا مفتاح کنوز مثنوی

۸۹۰ / ٤۷٦

[ادب و عرفان ، تصوف ، فارسی ، منظوم]

۱- **اندازه** : –بیرونی : ۲۰×۱۱×۲/۵ سم . –درونی : ۱۷ س ۱٦×۸ سم .

۲- **اوراق** : ۱۰٤ ورق . ۲۰۸ صفحه .

۳- **کاغذ** : ضخیم زرد تیره رنگ هندی . آب رسیده . وصالی شده ، جلد تیماجی و مقوایی قهوه یی رنگ ضربی نقش دار .

٤- **خط** : نستعلیق ، خوانا ، روشن ، عنوانها و سر فصلها و جدولهای یک خطی میان ابیات و عنوان ها و کنارهٔ صفحات شنگرف ، قرن ۱۲ هـ ق .

۵- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» محو و بریده شده چون از انجام ناقص است .

٦- **مؤلف** : یا (شاعر) : «**شاهدی مولوی**» ، نام تألیف (مثنوی) : «**گلشن توحید**» ، یا

«مفردات مثنوی یا مفتاح کنوز مثنوی» ، تاریخ تألیف : معلوم نشد ، در صفحهٔ ۱۵۸ نام آن چنین آمده است :

«این کتاب شاهدی مولوی — گشت مفتاح کنوز مثنوی
چون که باعون (خدا) کردم تمام — گفتم او را گلشن توحید نام

در صفحهٔ ۱۶۷ چنین :

«جمع کن این جمله یک جا می رود — نام او کن مفردات مثنوی»

۷- آغاز : این نسخه از لحاظ آغاز و انجام آشفته و درهم و ناقص است و بواسطهٔ صحافی ، آغاز آن در صفحهٔ ۱۵۷ قرار گرفته شده است :

«گشته بود این درهای شاه وار — گوش جان عاشقان را گوش وار
بود هر بیتی یکی در یتیم — در معانی هر یکی شهر عظیم
هر یکی تنها یکی دریا بدی — اندر آن دریا بسی در ها بدی
مشکلات از هر یکی می گشت حل — لیک بودی هر یکی او از محل»

۸- انجام : (ص ۲۰۶) ناقص است و چنین انجام می یابد :

«در گل عصیان فرو شد پای تو — گرنگیری دست فضلش وای تو
مانده ای در غفلت اندر بندها — میدهی با خلق عالم پندها
وقت پند دیگران بابهی (؟) — در غم‌خود چون زنان نی وای وای
پند با مردان دهی سره زنان — مانده ای در بند شهوت چون زنان»

و پس از این ابیات ، ۱۱ مصراع دوم ابیات باقی است و بقیه به علت وصالی از بین رفته است .

۹- چگونگی: موضوع این نسخه شرح و توضیح ۶۰۰ بیت از ابیات برگزیدهٔ مثنوی مولوی است که درمیان مردم شهرت و معروفیت داشته و برای هر بیت ۵ بیت شرح باهمان وزن آمده و جمعاً ۳۰۰۰ بیت به اضافه ۱۸۳ بیت در مقدمهٔ این نسخه ، یعنی [۳۱۸۳ + ۶۰۰ بیت] دارد . اما این نسخه ناقص است . و به علت وصالی و صحافی و بی سوادی کاتب فصول ششگانهٔ آن به هم خورده است . در صفحهٔ آغاز و انجام چند یادداشت دعایی و چند صورت حساب ماهانه درعلم سیاق دارد . در صفحهٔ ۲۰۳ نشان یک مهر هست که ناخوانا است .

۸۹۰
۴۳۳

گنجینهٔ نشاط اصفهانی

[ادب ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۲×۱۶×۱/۵ س م . —درونی : ۱۷ س ۱۵/۵×۷/۵ س (متن) ۱۴ س ۱۷×۴ س م (حاشیه) .

۲- اوراق : ۱۱۵ ورق. ۲۲۹ صفحه.

۳- کاغذ : نازک سفید رنگ و سفید براق کشمیری طرح سمرقندی ، کرم خورده ، آب دیده ، وصالی شده ، جلد چرمی قهوی رنگ.

۴- خط : نستعلیق آمیخته باشکسته ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوان غزلیات شنگرف. قرن ۱۲ ه ق.

۵- کاتب : نام کاتب صریح و واضح نیامده است ، تاریخ کتابت متن و حاشیه «**۱۲۵۸ ه ق**». **در** کنارهٔ صفحه ۱۸۳ اینگونه آمده است : «در دوم شهر جمادی الثانی در منزل الشتر خرم آباد صورت تمام پذیرفت ، الخط باق ، سنهٔ ۱۲۵۸ ، و العمرفانی» و تاریخ کتابت متن در صفحهٔ ۲۲۶ چنین است : «بتاریخ شب یک شنبه ۱۴ شهر صفر در دزفول صورت اتمام پذیرفت هزار و دویست و پنجاه و هشت هجری قلمی گردید سنهٔ ۱۲۵۸».

۶- مؤلف : یا (شاعر) : «**نشاط**» یا «**معتمد الدوله میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی ۱۱۷۵-۱۲۴۴ه ق**» ، نام تألیف : «**گنجینه**» یا «**گنجینهٔ نشاط اصفهانی**» ، تاریخ تألیف در این نسخه نیامده است ، اما تاریخ کتابت «۱۲۵۸ ه ق» یعنی این نسخه «۱۴ سال» پس از مرگ مؤلف کتابت شده است (رک : گنج سخن ج ۳ ، از فغانی تا بهار ، تألیف دکتر ذبیح الله صفا ، چاپ ۴ ، ص ۱۸۶—۱۹۶). در لابلای جملات متن منشآت ودر مقاطع غزلیات نام نشاط آمده است :

پای دلی بهر سرمو بسته دوست اینک تنها تو دل نشاط بدین حلقه بسته»

۷- آغاز : (متن) : «بسم الله الرحمن الرحیم ، ابواب مخزن وجود بحکم کنت کنزاً مخفیاً مسدود و بمفتاح فاحببت ان اعرف مفتوح و مشهود شد نخست شبستان هویت مطلقه روشن از احدیت ذات پس از آن سلطان واحدیت تکیه زن بساط صفات گشت ان الله کان متکئا فاستوی جالساً پس باهتزاز نفس رحمانی گلستان اعیان ثابته

مستعد نشوونما شد».

۸- **انجام (متن):** «پس اگر نیک نظر کنند که این جمله دوستان و دشمنان من دوست و دشمن حس و خیال خود خواهند بود ولن نزکی فانما تزکی لنفسه و الی الله المصیر ولایستوی الاعمی و البصیر بتاریخ شب یکشنبه ۱۴ شهر صفر در دزفول صورت اتمام پذیرفت هزار و دویست و پنجاه و هشت هجری قلمی گردید سنهٔ ۱۲۵۸».

—آغاز (حاشیه): «غزلیات نشاط و به نستعین بسم الله الرحمن الرحیم :

پیداست سر وحدت از اعیان اما تری العکس فی المرایا و النفس فی القوی
شد مختلف بمخرج اگر نه چشد که هست یکصوت و یک ترانه گهی مدح گه هجا
هستی چو بحر و دل چو یکی کشتی اندر آن از نفس بادبانش و از عقل ناخدا
عشق است بادو هست از و رهروی مراد لیک از صواب گاه کر آید سوی خطا»

—انجام (حاشیه) :

«یک زمان از نوحه همچون نوح غافل نیستند
همچو یحیی گوییا از بهر زاری زاده اند
ربنا گویند از آن لبیک عبدی بشنوند
جمله سرمست از جرعهٔ این باده اند
تا بدنیا آمدند از کلبهٔ کتم عدم
سوی حضرت جز نیاز و ناله نفرستاده اند
پیر انصاری تو میدانی که ایشان کیستند
فرقهٔ بی کر و فر و زمرهٔ دل ساده اند

در دوم شهر جمادی الثانی در منزل الشتر خرم آباد صورت اتمام پذیرفت الخط باق والعمرفانی سنهٔ ۱۲۵۸».

۹- **چگونگی:** این نسخه در «ادب» است که شامل غزل و قصیده و قطعه و رباعی و منشآت و یادداشتهای نشاط اصفهانی است که به نام «گنجینهٔ نشاط» معروف است و در آغاز صفحهٔ اول نوشته شده : «گنجینهٔ معتمد الدوله مرحوم». ترتیب اشعار بر حسب حروف ردیف و قافیهٔ آخر ابیات است. در مقطع غزلیات و در پایان بعضی منشآت نام «نشاط» آمده است. دربسیاری از جای ها مخصوصاً اوایل نسخه ، به نام فتحعلی شاه قاجار برمی خوریم و این بدین جهت

است که نشاط مدتی صاحب دیوان رسائل آن پادشاه بود. منشآت و بعضی از غزلیات و قصاید در متن و همهٔ غزلها و قصاید و رباعیات و دیگر انواع شعر این نسخه در کنارهٔ صفحات کتابت شده است. در صفحات آغاز و از صفحهٔ ۱۸۳ به بعد اشعاری از شاعران و ادیبان دیگر آمده است که بیشتر در موضوع هجو و هزل و غزل است. یکی از این شاعران به نام «محمد تقی خان» متخلص به «تشنه» است که شاعری زبردست بوده و دیگر اشعاری به عربی از «اس جری» و «یزید» و «امرؤالقیس» در صفحهٔ ۲۲۴ ، و اشعاری از «سرباز» در صفحات ۲۲۷ و ۲۲۸ آمده است ، و دو غزل از «میرزا مصطفی» در صفحهٔ آغاز متن قطعات «هجو جارچی باشی» و «هجو موسی خان ولد ابراهیم خان کرمانی» و «هجو حاجی محمد نایب مناب علی خان لاری» و «هجو خواتون خود تشنه» بسیار شیرین است. این نسخه از لحاظ تنوع شعر و نثر زبان فارسی مخصوصاً اشعار پراکندهٔ شاعران گمنام در آغاز و انجامش بسیار ارزنده است. در صفحهٔ اول این یادداشت آمده است : «در دارالسلطنهٔ تبریز در سنهٔ ۱۲۸٤ ابتیاع شد حرره جعفر قلی ابن کرمعلی خان عرب رحمهٔ الله علیه سنهٔ فوق و نشان مهر او این است : «**جعفر قلی** ۱۲۸٤».

۸۹۰ / ۳۵۰

لمعات

[ادب ، عرفان و تصوف ، منثور و منظوم]

۱- **اندازه** : ــبیرونی : ۲۱/۵×۱٤/۵ س م . ــدرونی : ۱۳ س ۲۱×۸ س م .

۲- **اوراق** : ۲٦ ورق . ۵۲ صفحه .

۳- **کاغذ** : ضخیم زرد روشن رنگ کشمیری ، وصالی شده ، آب رسیده ، جلد مقوایی سبزگون باعطف پارچهٔ یی خاکی رنگ .

٤- **خط** : نستعلیق خوش، خوانا، روشن ، پخته ، عنوانها و سر فصلها و نشانها شنگرف، جملات عربی به خط ثلث و شنگرف و معرب (مشکول) ، جدولهای ۲ و ۳ خطی میان سطرها و کنارهٔ صفحات سیاه و سرخ ، قرن ۱۱ ه ق .

۵- **کاتب** : «**فقیر محمد پارسا**» ، تاریخ کتابت: «۱۱٤۹ ه ق» و «۱۱۵۵ ه ق». در صفحهٔ ۵۲

چنین کتابت شده است : «چون اوراق چند وحدت مذاق خورسند در سنهٔ ۱۱٤۹ از خدمت مشفق مهربان هزاری فتح خان رحمة الله بدست این لوث ریا فقیر محمد پارسا رسید عمری جهة انتظام مبدأ و اختتام انتظار کشیده الیوم که تاریخ ۳ شهر جمادی الاولی سنهٔ ۱۱۵۵ روز جمعه است بالتیام انصرام پذیرفت».

۶- **مؤلف** : **«فخر الدین ابراهیم بن بزرگ بن سهر عبدالغفار جوالقی همدانی متخلص به عراق** (۶۱۰–۶۸۸ ھ ق) ، نام تألیف : **«لمعات»** ، تاریخ تألیف معلوم نشد (رک : تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تألیف سعید نفیسی ، ص ۱۶۳– ۱۶۵ ، فهرست نسخه های خطی بریتیش میوزیم ، ج ۲ ، ص ۵۹٤) .

۷- **آغاز** : «رب یسر ، بسم الله الرحمن الرحیم ، و تمم بالخیر ، الحمد لله الذی نور وجه حبیبه بتجلیات الجمال فتلألأ منه نوراً ، وابصر فیه غایات الکمال ففرح به سروراً ، فصدره علی یده و صافاه و آدم لم یکن شیئاً مذکوراً ، ولا القلم کاتباً ولا اللوح مسطوراً ، فهو مخزن کنز الوجود و مفتاح خزائن الجود ، و قبلة الواحد و الموجود ، و صاحب لواء الحمد و المقام المحمود ، الذی لسان مرتبته لبیان منقبته یقول ، شعر ،

دانی و ان کنت این آدم صورتا　　فلی فیه معنی شاهدا بابو . . .
گفتا بصورت ارچه ز اولاد آدمم　　از وی بمرتبه بهمه حال برترم»

۸- **انجام** : «الحمد لله علی اننی کضفدع تسکن فی الیم ان هی فاهت ملأت فاها او سکتت ماتت من الغم بیت ،

حرام دارم با مردمان سخن گفتن　　وچون حدیث تو آید سخن درازکنم
و چندانکه خود را ملامت میکنم ، بیت
آنجا که بحر نامتناهی است موج زن　　شاید که شبنمی بکند قصد آشنا
باز همت میگوید نا امیدی شرط نیست ، بیت

اندرین بحر بیکرانه چو غوک　　دست و پائی بزن چرائی بوک

دل نیز در بحر امید دست و پائی میزند و با جان بلب رسیده خطابی می کند که :

کی بود ما زما جدا مانده　　من و تو رفته و خدا مانده

الحمد لله رب العلمین و الصلوة علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین».

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه «عشق عرفانی» است که همواره از «عشق و عاشق و معشوق» و از «حب و محب و محبوب» و «فنا فی الله و طریق الی الله» و «فراق و وصل» گفت و گو می کند و این مسائل را به بهترین روش و با بهترین الفاظ و جذاب ترین اشعار بیان می دارد. متن نسخه آمیخته یی است

از نثر و نظم عرفانی و کلام روحانی ، از آیات قرآنی و احادیث نبوی نیز استفاده کرده و از اشعار عربی هم بهره مند است و اکثر آنها رباعی و دوبیتی و مفردات و قطعات است. اقوال مشایخ طریقت و پیران حقیقت ، مانند ، شبلی ، جنید ، بایزند ، و ابوطالب مکی را آورده است . و تقسیمات آن بر «لمعه» است و جمعاً یک مقدمه و «۲۸ لمعه» دارد . لمعات تاکنون بارها شرح شده و از آن پیروی گشته است . نسخ خطی متن و شرح فراوان دارد و چاپ شده است . در آغاز و انجام و در کنارهٔ صفحات این نسخه یادداشت ها و توضیحاتی آمده است که بیشتر خارج از متن و بیشتر در موضوعات اخلاقی است :

«کیمیایی ترا در آموزم که در اکسیر و در صناعت نیست
رو قناعت گزین که در عالم کیمیایی به از قناعت نیست»

لوامع البینات فی شرح اسماء الصفات

۸۹۰ و ۲۹۰
۳۹۹

[دین و ادب ، عربی، منثور]

۱- **اندازه :** -بیرونی : ۲۴×۱۴/۵×۳/۵ س م . - درونی : ۱۷ س ۱۴×۷ س م .

۲- **اوراق :** ورق ۲۰۴ . ۴۰۸ صفحه .

۳- **کاغذ :** نازک سفید رنگ کشمیری ، کرم خورده ، پوسیده ، جلد مقوایی باعطف موش خورده در غلاف پارچه یی مخطط (سیاه و زرد و سرخ) .

۴- **خط :** ثلث ، پخته ، روشن ، خوانا ، عنوانها و سر فصلها به خط ثلث جلی (درشت) ، قرن ۱۱ ه ق .

۵- **کاتب :** «محمد فیروز» ، تاریخ کتابت : «۱۱۱۲ ه ق» : در صفحهٔ آخر چنین آمده

است : «و قد تمت هذه النسخه‌ٔ الشریفه المسمی بشرح اسماء الله و الصفات الی رحمه‌ٔ العلیم العالی محمد فیروز فی یوم الخمیس من شهر شعبان المبارک سنه‌ٔ الف و مایه و اثنی عشر الهجر النبوی تم‌تم تمام‌تمت بعون الله المتعال» .

۶- **مؤلف** : «**امام فخر رازی**» ملقب به امام المشککین و ابن الحطیب (۵۴۳ یا ۵۴۴-۶۰۶ ه ق) ، نام تألیف : «**لوامع‌البینات فی شرح اسماء و الصفات**» ، تاریخ تألیف معلوم نشد ، اما در عهد «عماد الدوله ابی حفص عمر بن الحسین» تألیف شده است در صفحهٔ ۳ اینگونه آمده است : «فصنعت هذا الکتاب فی هذه المباحث العظیمه و المطالب الکریمه‌ٔ ابتغاء لمرضات الله تعالی وسمیته لوامع البینات فی الاسماء والصفات و قضاء لحقوق الاخ هذا الذی خلصت اخوته فی الله تع و رتبته علی ثلثه‌ٔ اقسام القسم الاول فی المبادی والمقدمات و الثانی فی المقاصد و الغایات و الثالث فی اللواحق و التتمات» .

۷- **آغاز** : صفحهٔ اول آغاز به خط شکستهٔ تازه کتابت شده است : «بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی خانت الافکار فی مبادی انوار کبریائیه و صمدیته و تاهت الآراء فی مطالع اسرار عزته و فردانیته و شهد ذراته المحدثات علی کمالاته و دالت اجرام السموات والارض علی نهایه‌ٔ علمه و سر حکمته» .

۸- **انجام** : «اللفظ الثالث العزم و هو طوطین النفس بعد التردد و ذلک التردد منشأ الجهل بان ذلک افعل هل هو مما ینبغی ان یفعل او مما ینبغی ان یتولا و لما کان ذلک محالا فی حق حق الله تع کان اطلاق لفظ العزم فی حقه تع محالا و ما انتهی الکلام الی هذا المقام عرض عن مشوشات ما اوجب قطع الکلام و الله تع اعلم و احکم و الحمد لله رب العالمین و صلی علی محمد و آله اجمعین تم تم تم تمت والله اعلم بالصواب» .

۹- **چگونگی**: موضوع این نسخه شرح و تفسیر و توضیح اسم ها و صفت های خدای یگانه است که به زبان عربی نوشته شده است. تقسیمات آن بر اساس «قسم» و «فصل» قرار دارد و جمعاً سه «قسم» و هر قسم چند فصل و نایده و مسأله دارد. قسم اول در مبادی و مقدمات و قسم دوم در مقاصد و غایات و قسم سوم در لواحق و تتمات. بعد هر قسم بر چند فصل و چنده فایده و و مسأله است. هنگام شرح ، یک اسم یا یک صفت خدا را می نویسد و با روش منطقی و مدلل و بر پایهٔ قرآن شریف و احادیث و لغات و اخبار و

روایات آنرا شرح و توضیح می کند. در آغاز و انجام و در کنارهٔ صفحات بعضی یادداشت ها و توضیحات دارد که به علت سایدگی و وصالی سخت خوانا است باوجود این نسخه یی است بدون غلط و خوش خط.

۲۹۰ و ۸۹۰
۳۳۲

لوایح

[دین و ادب، عرفان و تصوف، فارسی، منثور و منظوم]

۱- **اندازه :** ــبیرونی : ۱۹/۵×۱۲/۵ س م. ــدرونی : ۱۳ س ۱۴×۷/۵ س م.

۲- **اوراق :** ۲۲ ورق. ۴۴ صفحه.

۳- **کاغذ :** نازک سفید رنگ هندی، جلد مقوایی پارچه پوشیده سبز گون.

۴- **خط :** نستعلیق خوش، روشن، خوانا، قرن ۱۳ ه ق.

۵- **کاتب :** نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶- **مؤلف :** **«مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی ۸۱۷–۸۹۷ه ق»** : نام تألیف : **«لوایح»**.
تاریخ تألیف معلوم نشد (رک : ۹ - چگونگی).

۷- **آغاز :** «بسم الله الرحمن الرحیم، رب وفقنا للتکمیل التتمیم انک رؤف کریم، لااحصی ثناء علیک کیف و کل ثناء یعود الیک جل عن ثنائی جناب قدسک انت کما اثنیت علی نفسک خداوندا سپاس تو بر زبان نمی آریم و ستایش تو بر تو نمی شماریم هر چه در صحائف کائنات از جنس اثنیه و محامد است همه بجناب عظمت و کبریای تو عائد است از دست و زبان ما چه آید که سپاس و ستائش ترا شاید».

۸- **انجام :** «جامی تن زن در سخن چند زنی   بیهوده دم از کن و مکن چند زنی
افتاده خسی بر سر این پاره غدیر   لاف از تک دریای کهن چند زنی

جامی که نه مرد خانقاه هست و نه دیر   نی با خبر از فقه نه آگاه ز سیر
هم فاتحه هم خاتمه اش جمله توئی   فا فتح بالخیر رب واختم بالخیر
تمام شد تمام شد کتاب لوایح من تصنیف عارف نامی مولانا جامی رحمه الله».

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه که «لوایح جامی» نام دارد ، دربارهٔ عرفان و تصوف و توحید و اثبات ذات واجب الوجود است و تقسیمات آن بر اساس «لایحه» و جمع آن «لوایح» است و جمعاً ۳۲ لایحه دارد. متن آن آمیخته‌یی از نثر و نظم است. نثرش مسجع و محکم و شعرش شیرین و گیراست. اشعار آن اکثر از نوع رباعی هستند تقریباً موضوع هر لایحه در اشعار گنجانیده شده است. نسخ خطی آن فراوان و تاکنون چند بار در ایران و هند و پاکستان و اروپا چاپ شده است (رک : لوایح جامی ، به کوشش محمد حسین تسبیحی چاپ انتشارات فروغی ، تهران ، ۱۳۴۳ خورشیدی).

۸۹۰
۴۱۷

لیلی و مجنون

[ادب ، داستان ، فارسی ، منظوم «مثنوی»]

۱- **اندازه :** —بیرونی : ۱۷×۱۱×۲ س م. —درونی : ۱۴ س ۱۲/۵×۷ س م.

۲- **اوراق :** ۱۴۸ ورق. ۲۹۵ صفحه.

۳- **کاغذ :** نازک سفید تیره رنگ سیالکوتی ، آب رسیده ، وصالی شده ، جلد تیماجی ضربی نقش دار پوسیده.

۴- **خط :** نستعلیق ، نا پخته ، روشن ، عنوانها و نشانها و سرفصلها شنگرف ، قرن ۱۱ هـ ق.

۵- **کاتب :** «غلام حسین» و تاریخ کتابت : «۱۱۳۸ هـ ق ؟» : «سنهٔ ۱۱۳۸»

هر که خواند دعا طمع دارم	زانکه من بندهٔ گنه کارم
نوشتم خط درین دیوان خامه	که ماند از من مسکین نشانه
پس از مردن کس ارپرسد کجاشد	بگو بگریخت از جور زمانه

بیدی فقیر الحقیر مذنب الکثیر ظل الخایف قلیل الناس طلاب الحب ایمهٔ معصومین طین الاقدام علومایان غلام حسین ولدی مغفرت نمودی ملا نوروز».

۶- **مؤلف :** یا (شاعر) : «حبیبی» ، نام تألیف : «لیلی و مجنون» ، تاریخ تألیف (سرودن): **«آغاز — ۱۰۸۰ — انجام ۱۰۸۹ هـ ق»** یا در عهد محیی الدین اورنگ زیب عالمگیر فرزند شاه زاده خرم شهاب الدین محمد شاه جهان» ، و لیکن تاریخ

سروده به حروف ابجد در این بیت «۱۰۹۶ = لیلی و مجنون آخرین» آمده است :

تخریج ز قول عقل این است «لیلی و مجنون آخرین است» ۱۰۹۶

شاعر خود صریح و واضح تاریخ شروع و ختم مثنوی را چنین آورده است و در یک بیت ۱۰۷۰ گفته :

صد شکر خدا که این مه نو — شد ماه تمام سال پر تو
در سال هزار و هشت و هشتاد — در آخری سال گشت بنیاد
بنوشتم از آن صحیفه ی چند — یک حادثهٔ قضا در افکند
روداد از آن بمن ملالی — موقوف بماند تا بسالی
هشتاد و هزار نه شد از سال — در فصل سنه بسلخ شوال
در اول سال الف سبعین — این نامه بیافت زیب و تزیین
از نظم حبیبی سیه نام — این نامهٔ نو چو یافت اتمام
افتد چو قبول خاص و عامش — بتوان گفت آن گهی تمامش»

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

بسم الله که سر خط کلام است — دانیست خرد که این چه نام است
چون چشم بسر خططش گشادیم — سر در خط بندگی نهادیم
یا رب به بزرگی کلامست — آنگاه باحترام نامست
بخشایش خویش ساز شامل — بر خواطر و بر زبان و بر دل
کز خواطر غم کشی بلا کوش — نامی تو نگرددم فراموش»

۸- انجام : «از قامت سرو خوشرواتر — از موضع گل بهار خوشتر
سنجیده بنه قلم سخن را — زین بیش مگو نو و کهن را
مهری بدهان خاموشی نه — کز هر چه بگویدم همان به
خود را بلباس اهل عباس — داری سخن اساس را پاس
کردی قلم اندرین قلمرو — بسیار نموده ای تکا دو
دولت چومدام بردرت باد — اقلیم سخن مسخرت باد

۹- چگونگی: این نسخه که آنرا «لیلی و مجنون حبیبی» یا «مثنوی لیلی و مجنون حبیبی» نامیده اند ، از جمله مثنویاتی است که به پیروی از لیلی و مجنون نظامی و جامی و دیگران در سرزمین پاک و هند سروده شده است. تاریخ آغاز سرودن آن صریح و واضح ۱۰۸۸ و ختم آن ۱۰۸۹ آمده است و لیکن در جایی هم

۱۰۷۰ گفته است. تقسیمات آن بر اساس موضوعاتی است که شاعر برگزیده است . مطابق معمول ، نخست حمد پروردگار ، دوم نعت سید کاینات (ص) ، سوم منقبت حیدر کرار (ع) ، چهارم مدح اورنگ زیب ، پنجم در سبب تألیف کتاب و ششم آغاز داستان لیلی و مجنون و در آخر صفت خاتمهٔ کتاب و مناجات آمده است. تعداد ابیات ٤۲۶۰ در این دو بیت آمده است :

« اتمام چو در کتاب آمد بیتش همه در حساب آمد
از چار هزار شد دو صد بیش شد شصت دگر از آن عدد بیش»

بروزن «مفعول مفاعلن فعولن یا مفاعیل» از مزاحفات بحر هزج سروده شده است. در آغاز و انجام آن بعضی یادداشت های پراکنده و اشعار معروف آمده است ، مثلاً ، این بیت :

گل نسرین بسر میزد که رنگم زرد می گردد
خجالت میکشد مردی که با نامرد می گردد

و چند مطلب دربارهٔ پنج تن آل عبا «محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین».

علی ولی شیر پروردگار سپهدار دین شاهی دلدل سوار

و همچنین اشعار فراموش شدهٔ متن را در بعضی جای ها در کنارهٔ صفحات افزوده‌اند.

۸۹۰ و ۲۹۰
۵٤۱

مبکیات

[دین و ادب، فارسی، منثور]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۵×۱۷×٤ س م. —درونی : ١٤ س ۱۹×۱۱ س م.
۲- اوراق : ۳٦٤ ورق. ۷۲۷ صفحه.
۳- کاغذ : نازک سفید رنگ فرنگی ، ساییده شده ، جلد مقوایی زرد رنگ با عطف و گوشهٔ چرمی پوسیده .
٤- خط : نستعلیق ، خوانا ، روشن ، نا پخته ، معرب (مشکول) ، عنوانها و سرفصلها و نشانها شنگرف کم رنگ ، قرن ۱۳ ه ق.

۵- **کاتب** : **«میان نور محمد»**، تاریخ کتابت : **«۱۲۹۹ ه ق»**: در صفحهٔ ۷۲۷ چنین آمده است : «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب سنهٔ ۱۲۹۹ . . . . از دست خط فقیر پر تقصیر حقیر عاجز میان نور محمد سکنهٔ لنگاه ایم برای پاس خاطر میان فیض بخش ولد میان دین محمد بادشهانی واله، هر کس دعوی کند کاذب باشد».

۶- **مؤلف** : نام مؤلف به طور صریح و واضح معلوم نشد، اما ظاهراً باید **«ابو بکر عمر ابن ابی الفضل بن عمر بن ابی الفضل بن العمرالبخاری»**، نام تألیف **«مبکیات»**، تاریخ تألیف : **«۱۲۹۹ ه ق»**. در صفحهٔ ۱ و ۲ و ۷۲۷ چنین آمده است : «الشیخ الانام الاجل الاستاد الرشید الملهٔ والدین ظهیر الاسلام والمسلمین شمس الایمهٔ فی مقی الشرف والصبیین واضح المذکرین برهان الناظرین بدرالمحققین استاد الخلف ابوبکر عمر بن ابی الفضل بن العمر البخاری یعرف متع الله المسلمین بطول بقائه چون از جمیع غیاث المذکرین فارغ شدیم و ملتقط اصول را نوشتیم و عصمت الانبیاء را با تمامت وی و اوراد خواجه المسمی خواجه امام منصور الماتریدی رحمهٔ الله را نوشتیم و از نوشتن عیون الجوابیات عن فنون السؤالات فارغ شدیم بعده کسانی را که در علم تذکیر و وعظ شره بود درخواست کردند که نیز از جمع مبکیات می باید ساخته شود . . . . اجابت کردم و مبکیات از هر نوعی در وی وعد و وعید جمع کردم».

۷- **آغاز** : «هو المستعان کتاب مبکیات عجیبه و غریبه، رب یسر و لا تعسر و تمم بالخیر بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله الذی جعل الدنیا دارالسفر و متزود و جمیع البشر و قوة الحد و الاتمار و الرحیل الی دارالقرار و نشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الملک الجبار العزیز الغفار و نشهد ان محمد عبده و رسوله المختار صلواة الله تعالی و سلامه علیه».

۸- **انجام** : «خدایا شفقت تو زیاده از شفقت مادر و پدر است امید ما چنان است تو روا کی داری که آزار ابلیس لعین بر ما در دم آخر رسد به کرمت ما را از رحمت خود و شفاعت محمد و رفیقی ایمان بان محروم مگردان و از کرمی قیامت و از دوزخ ما را نگاه دار یا اله العالمین و یا ناصر الناصرین تمت الکتاب بعون الملک الوهاب سنهٔ ۱۲۹۹ ه ق».

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه شرح و تفسیر مسائل دینی و فقه و وقایع غم انگیز و نومیدی و اندوه و غم است. که بر اساس آیات قرآنی و احادیث نبوی و کلمات بزرگان و مشایخ اسلام و روایات و اخبار تدوین شده است و مطابق عقاید اهل سنت و جماعت است. تقسیمات آن بر اساس «فصل» است و جمعاً «۱۴۷ فصل» دارد. نثر فارسی آن روان و ساده و آمیخته با احادیث و آیات قرآن و کلمات قصار است. هنگام بحث و تفصیل از مسائل دینی و وقایع غم انگیز، اسامی اشخاص و مآخذ و منابع خود را بدست می دهد. و گاهی بعضی از مطالب تحت عنوان «حکایت» و «سؤال» و جواب آمده است. به نظر می رسد که این نسخه به خط مؤلف باشد یعنی «کاتب»، «مؤلف» نیز هست و نسخه هنوز چاپ نشده است. حکایت و روایات اکثر در موضوع اخلاق و تعلیم و تربیت است. سهو القلم کاتب اندک دارد.

۸۹۰ / ۳۳۴

مثنوی غنیمت یا نیرنگ عشق

[ادب، فارسی، منظوم «مثنوی»]

۱- **اندازه:** —بیرونی: ۱۹/۵×۱۱×۱ س‌م. —درونی: ۱۳ س ۱۴×۶ س‌م.

۲- **اوراق:** ۶۰ ورق. ۱۲۰ صفحه.

۳- **کاغذ:** نازک زرد رنگ کشمیری، اندکی کرم خورده، اندکی وصالی شده، بدون جلد.

۴- **خط:** نستعلیق تحریری، رسم الخط اردو، روشن، خوانا، قرن ۱۳ ه‍ ق.

۵- **کاتب:** «**میرزا رستم بیگ**»، تاریخ کتابت «**۱۲۵۸ ه‍ ق**»: «تمت تمام شد مثنوی غنیمت تحریر بتاریخ نهم ماه شعبان سنهٔ ۱۲۵۸ در روز پنجشنبه از دست خط فقیر حقیر پر تقصیر میرزا رستم‌بیگ صورت اتمام یافت».

۶- **مؤلف:** یا (شاعر) «**ملا محمد اکرام مفتی غنیمت کنجاهی متوفی ۱۱۱۰ ه‍ ق**»، نام تألیف: «**مثنوی غنیمت**»، معروف به «**نیرنگ عشق**»، تاریخ تألیف: «**۱۱۰۳ = زگلزار بهار فکر رنگین**» و تعداد ابیات «**۱۵۰۰ = غنیمت**» (رک: فهرست نسخه های خطی کتابخانهٔ گنج بخش، تألیف محمد حسین تسبیحی، ج ۱، ص ۶۸۳-۶۸۷).

۷- **آغاز** : «بسم الله الرحمن الرحیم :

بنام شاهد نازک خیالان — عزیز خاطر آشفته حالان
ز مهرش سینها جولانگه برق — دل هر ذره در جوش انا الشرق
جگر سوزی چراغ خانهٔ او — طپشها شوخی پروانهٔ او
دل مستان عشق خود مقامش — شکست رنگها مهتاب بامش
بشوقش لخت دل پروانهٔ چشم — چراغان دیده شددر خانهٔ چشم»

۸- **انجام** : «الهی گرچه عصیان شد شعارم — کرمها را هنوز امیدوارم
نصیب اندر ز فیض سرمدم کن — جبین سای جناب احمدم کن
بنامش ده زبان را شوق تکرار — بر ایمان ختم کن کار من زار
برای من شفیع محشرش کن — و گر خاکم کنی خاکدرش کن
بیا ساق بیا ای قبلهٔ شوق — کهدور آخر شدوباقیست‌این ذوق
شرابی ده که باشد غارت‌هوش — چکیدن کن کبابم را فراوش»

۹- **چگونگی**: موضوع این نسخه «عشق عرفانی» است که میان «شاهد» و «عزیز» واقع شده و آنها دو پسر جوان هستند بر وزن «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل یا فعولن» سروده شده است. شاعر ذوق و حالی عمیق داشته و الفاظ و تشبیهات و ترکیبات بدیع به استخدام آورده است. مثنوی غنیمت تا کنون چندین چاپ شده و نسخ خطی آن فراوان است. بعضی یادداشتها و توضیحات لغوی و معنوی درمیان سطرها و در کنارهٔ صفحات دارد.

در صفحهٔ اول نوشته است : «یا کبیکج مخور کتابم را» (رک : فهرست نسخه های خطی کتابخانهٔ گنج بخش ،ج ۱ ، ص ۶۸۳-۶۸۷).

۸۹۰
———
۳۱۲

مثنوی مولوی

[ادب ، عرفان و تصوف، فارسی، منظوم «مثنوی»]

۱- **اندازه** : —بیرونی : ۳۶/۵×۲۰×۴ س م. —درونی : ۲۲ س (هر سطر ۴ مصراع یا دو بیت) ۲۵/۵×۱۲ س م.

۲- **اوراق** : ۳۳۵ ورق. ۶۷۰ صفحه.

۳- **کاغذ** : نازک زرد تیره و حنایی رنگ کشمیری ، اندکی کرم خورده ، آب دیده ، وصالی شده ، ساییده شده ، جلد مقوایی ضخیم پارچه یی ملون.

٤- **خط** : نستعلیق نسخ خوش جلی و خفی ، روشن ، خوانا ، پخته ، عنوانها و نشان ها و سر فصلها شنگرف جدولهای میان سطرها دو خطی سرخ و کنارهٔ صفحات یک خطی و ۳ خطی سرخ و سیاه ، قرن ۱۳ ﻫ ق.

٥- **کاتب** : سه تن «کاتب» این نسخه را کتابت کرده اند «**فیض بخش**» و «**محمد یونس**» و «**نور احمد**» و لیکن رسم الخط آن یکی است و شاید یک کاتب دراصل بوده و لیکن به نام های دیگران استنساخ کرده است اما تاریخ کتابت : «**۱۲٤۰ ﻫ ق**». در صفحهٔ ۱۱۵ (پایان دفتر دوم) چنین آمده است :

«این دو دفتر مثنوی معنوی راقم او **فیض بخش** احقری»

در صفحهٔ ۲۱۵ (پایان دفتر سوم) اینگونه کتابت شده است : تمام شد دفتر سیوم بعون الله تعالی بروز سه شنبه در ماه ربیع الثانی بدستخط **محمد یونس** سنهٔ معلی ۱۲٤۰ در موضع منسچر (منچر) تحریر یافت».

در صفحهٔ ۳۱۰ (پایان دفتر چهارم) اینگونه آمده است :

«از سبحات طبع مولانای روم مثنوی بحریست از بحر علوم
سال هجرت سرور مختار دین دو صد و الف و چهل آمد یقین
روز دو شنبه جمادی الآخرین از ید یونس باتمام آمد این»

در صفحهٔ ٤۱۷ (پایان دفتر پنجم) چنین است :

«تمام شد دفتر پنجم مثنوی معنوی حضرت مولانا جلال الدین رومی بدست خط فقیر حقیر **نور احمد** بوقت چاشت نوشته شد».

بنا بر این کاتبان عبارت بوده‌اند از : «**فیض بخش** ، «**محمد یونس**» و «**نور احمد**» ، تاریخ کتابت : «**۱۲٤۰ ﻫ ق**».

٦- **مؤلف** : «**جلال الدین محمد**» معروف به «**مولوی**» و «**رومی**» و «**مولوی معنوی**» و «**ملای رومی**» و «**مولوی رومی**» و «**مولوی بلخی**» و وفات در ٦۷۲ ﻫ ق ، نام تألیف: «**مثنوی**» ، تاریخ تألیف میان سالهای «**٦٤۰ تا ٦۷۲ ﻫ ق**» (رک : مثنوی مولوی ۸۹۰/۹ و ۸۹۰/۲٦ ، فهرست نسخه های خطی کتابخانهٔ گنج بخش ج ۱ ، ص ۳۹۳-۳۹۷).

۷- آغاز : دفتر اول (ص ۱۲) : «رب یسر و تمم بالخیر ، بسم الله الرحمن الرحیم :

«بشنو از نی چون‌حکایت میکند و ز جدائیها شکایت میکند
کز نیستان تا مرا ببریده‌اند وز نفیرم مرد و زن نالیده اند
سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق
هر کسی کو دورماندازاصل‌خویش باز جوید روزگار وصل خویش»

۸- انجام : ایضاً (ص ۱۲۰):

«گشت‌خاک‌آمیزوخشک‌وگوشت بر ز آنگیاه اکنون بپرهیز ایشتر
سخت خاک آلود می آید سخن آب تیره شد سر چه بند کن
تا خدایش باز صاف و خوش کند آنکه تیره کردهم صافش کند
صبر آرد آرزو را نه شتاب صبر کن والله اعلم بالصواب»

-آغاز : دفتر دوم (ص ۱۲۲) : «رب یسر و تمم بالخیر ، بسم الله الرحمن الرحیم :

مدتی این مثنوی تأخیر شد مهلتی بائست تا خون شیر شد
تا نزاید بخت تو فرزند تو خون نگردد شیر شیرین خوش شنو
چون ضیاءالحق حسام الدین عنان باز گردانید ز اوج آسمان
چون بمعراج حقایق رفته بود بی بهارش غنچه ها نشکفته بود».

-انجام : ایضاً (ص ۲۲۰) :

«ابر می‌بارید جملچونمشک اشکها حاجیان جمله گشاده مشکها
یک جماعت زان عجایب کارها میبریدند از میان زنارها
قوم دیگر را یقین در ازدیاد زینعجب والله اعلم بالرشاد
قوم دیگر نا پذیرا ترش و خام ناقصان سرمدی تم الکلام».

در پایان این دفتر این اشعار نیز آمده است :

«این دو دفتر مثنوی معنوی راقم او فیض بخش احقری
باوجود این معصیتهائی که من کرده ام از دست خود اندر زمن
مغفرت دارم امید از لطف تو زانکه خود فرمودهٔ لاتقنطوا
روز سه شنبه به وقت بامداد ختم شد والله اعلم بالرشاد».

-آغاز : دفتر سوم (ص ۲۲٤) : «بسم الله الرحمن الرحیم :

ایضیاء الحق حسام الدین بیار این سیوم دفتر که سنت‌شد سه‌بار

برگشا گنجینهٔ اسرار را | در سیوم دفتر بهل اعذار را
قوتت از قوت حق میزهد | نه از عروق کز حرارت میجهد
این چراغ شمع کو روشن بود | نه از فتیل و پنبه و روغن بود»

—انجام : (ایضاً ص ۳٤٤) :

«در شکست پای حق بخشد سری | هم ز قعر چاه بگشایددری
هر چه آن بر تو کراهیت بود | چونحقیقت بنگری رحمت بود
تو مبین که بر درختی یا به چاه | تو مرا بین که منم مفتاح راه
گر تو خواهی باقی این گفت و گو | ای اخی در دفتر چارم بجو»

—آغاز : دفتر چهارم، (ص ۳٤٦) : «رب یسر و تمم بالخیر ، بسم‌الله الرحمن الرحیم ،

ای ضیاء الحق حسام الدین توئی | که گذشت از مه به نورت مثنوی
همتی عالی توئی ای مرتجا | می کشد این را خداداند کجا
گردن این مثنوی را بستهٔ | می کشی آنسو که تو دانستهٔ
مثنوی پویان کشند و ناپدید | ناپدید از جاهلی کش نیست دید»

—انجام : (ایضاً ص ٤۳۱) :

«آینه نبود منافق باشد او | آنچنان آئینه را هرگز مجو
تا که عین آینه ات سازد خدا | که نمائی عرش راه‌چون سما
عرش چی چرخ چی ای ذولباب | فهم کن والله اعلم بالصواب
دفتر چارم شد این ساعت تمام | هم بعون ایزدی یحیی العظام».

—آغاز : دفتر پنجم (ص ٤۳٤) : «بسم الله الرحمن الرحیم :

شه حسام الدین که نور انجم است | طالب آغاز سفر پنجم است
ایضیاء الحق حسام الدین راد | اوستادان سخا را اوستاد
گرنبودی خلق محجوب و کثیف | ور نبوی حلقها تنگ و ضعیف
از مدیحت داد معنی دادمی | غیر این منطق دری بگشادمی»

—انجام : (ایضاً ص ٥٤٥) :

«توعدوبی وز عدو شهد و لبن | بی تکلف زهر گردد در بدن
هر وجودی کز عدم بنمود سر | بر یکی زهراست و بر دیگر شکر
دوست‌شو وز خوی‌ناخوش‌شو بری | تاز خمره زهر هم شکر خوری

زآن نشد فاروق را زهری گزند   که بدان تریاق فاروقیش قند»

–آغاز : دفتر ششم (ص ۵۴۸) : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

ای حیات دل حسام الدین بسی   میل میجوشد بقسم سادسی
گشت از جذب چو تو علامهٔ   در جهان گردان حسامی نامهٔ
پیشکش می آرمت ای معنوی   قسم سادس در تمام مثنوی
شش جهت را نورده زین شش صحف   کی یطوف حوله من لم یطف».

–انجام : (ایضاً ص ۶۷۰) :

«شکر این نامه بعنوانی رسید   کم نشد نقد و یا خوانی رسید
نردبان آسمانست اینکلام   هر که از این بر رود آید ببام
نه ببام چرخ کان اخضر بود   بل ببامی کز فلک بر تر بود
بام گردونرا ازو آید نوا   گردشش باشد همیشه ز آن هوا»

۹- چگونگی: این نسخه که شش دفتر مثنوی مولوی را در بردارد ، در ملکیت آقای «محمد حسین انصاری تمیمی» استاد و رئیس دانشکدهٔ راجه احمد خان در روستای کالس دهستان شهر چکوال بخش شهر جهلم بود که به ملکیت کتابخانهٔ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در آمد. در کنارهٔ صفحات و درمیان سطر ها یادداشت و توضیحات و شرحهای گوناگون ادبی و تاریخی و عرفانی دارد و کلیهٔ آیات و احادیث و کلمات قصار و الفاظ مشکل را تفسیر و شرح کرده است. مآخذ و مراجع را نیز در پایان هر تفسیر و شرح آورده است، مانند : «تقریر مخدومی سید عبد الفتاح» ، «رشیدی» ، «سید حاج» ، «محمد سعید» ، «تفسیر حسینی» ، «نجفی» ، «شرح مثنوی معنوی» ، «قاموس» ، «تحفه السعادت» ، «جهانگیری» ، «خوارزمی» ، «شرح میر» ، «لطایف المعنوی فی اللغات المثنوی» ، «نفحات الانس» .

در آغاز هر دفتر مقدمهٔ آن دفتر به عربی آمده و تفسیر و ترجمهٔ آنرا از لطایف المعنوی نیز آورده است . هرگاه این تفسیرات و شروح و توضیحات و یادداشت های جداگانه استکتاب گردد ، یک شرح مثنوی کامل در دست خواهد بود.

تقسیمات آن به طور کلی «شش دفتر» است و هر دفتر بر اساس موضوعاتی است که به تناسب از طرف مصنف بر گزیده شده و راجع به آنها بحث و

شرح کرده است. وزن مثنوی از مزاحفات بحر رمل مسدس محذوف یا مقصور است: «فاعلاتن فاعلات فاعلاتن یا فاعلن». در حدود ۴۵ هزار بیت دارد. از صفحهٔ ۵ تا ۱۰ رساله ی در شرح «نی» آمده است که در آخر نوشته است: «تمام شد شرح تبیین از حضرت مولوی عبد الرحمن جامی قدس سره» و اینگونه آغاز می شود:

«رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم تمم بالخیر،

عشق جزنائی و ماجزنی نئیم   ویندمی بی ما وما بی وی نئیم

نی که هردم نغمه آرائی کند   در حقیقت از دم نائی بود

این سطری چند بعضی منثور و بعضی منظوم بقلم صدق و خلوص طویت مرقوم در بیان معنی نی و حکایت و شکایت دی».

و چنین انجام می یابد:

«جاکنی در کلبهٔ نابود خویش   روکنی در قبلهٔ مقصود خویش

باوی از جان و دل یک رو شوی   بلک خود را محو بازی او شوی

در بقای او شوی فانی تمام   باق جاوید باشی و السلام

تمام شد شرح تبیین از حضرت مولوی عبد الرحمن جامی قدس سره».

نثر فارسی آن هم ساده و روان و هم مشکل و پیچیده است چون از کتب گوناگون بر حسب موضوع نقل شده است و به طور کلی فارسی مخصوص سر زمین پاک و هند است.

این یادداشت که در صفحات آغاز آمده است: «این کتاب مثنوی مولوی معنوی از اعلیحضرت مولانا الحافظ الخواجه فیض بخش چشتی نظامی للهی رحمه الله علیه خلیفهٔ مقرب حضرت سلیمان الاولیاء شیخ المشایخ المولانا الحافظ الخواجه محمد سلیمان چشتی نظامی تونسوی قدس سره تا حضرت مولانا مولوی فضل حسین صاحب (رح) خلیفهٔ حضرت خواجه محمود (رح) و حضرت خواجه حامد (رح) صاحبان تونسوی رسیده و هنوز در ملک نبیره اش ننگ اسلاف فقیر محمد حسن انصاری تمیمی چشتی نظامی قادری سهروردی نقشبندی للهی است». و لیکن اکنون در ملکیت کتابخانهٔ گنج بخش است.

۸۹۰
۳٦٤

مثنوی مولوی

[ادب، عرفان و اخلاق، فارسی، منظوم، «مثنوی»]

۱- اندازه : —بیرونی : ۳۰/۵×۲۰×٤/۵ س م. —درونی : ۲۵ س (هر سطر ٤ مصراع یا دو بیت) ۲۱/۵×۱۳ س م.

۲- اوراق : ۳۱۰ ورق. ٦۱۹ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم زرد تیره رنگ و حنایی رنگ هندی، اندکی آب دیده، اندکی وصالی شده، جلد چرمی ضربی سرخ گون با عطف پوسیده.

٤- خط : نستعلیق خفی، خوانا، روشن، پخته، رسم الخط اردو، عنوانها و نشانها و سر فصلها شنگرف، جدولهای میان ابیات (مصاریع) یک خطی شنگرف و جدولهای کنارهٔ صفحات سه خطی سرخ و سیاه، قرن ۱۱ ه‍ ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» نیامده اما تاریخ کتابت: «۱۰۹٤ ه‍ ق». در آخر دفتر چهارم (ص ۳۹٦) و در آخر دفتر ششم کتابت شده است: «تمام شد دفتر چهارم از کتاب مثنوی المعنوی از تصنیف مولوی حضرت جلال الدین روم قدس الله سره العزیز، سنهٔ ۱۰۹٤».

٦- مؤلف : یا (شاعر) : (رک مثنوی مولوی ۸۹۰/۳۱۲).

۷- آغاز : دفتر اول (ص ٤) : «بسم الله الرحمن الرحیم،

بشنو از نی چون حکایت می کند — از جدایی ها شکایت می کند
کز نیستان تا مرا ببریده‌اند — از نفیرم مرد و زن نالیده اند»

۸- انجام : ایضاً (ص ۹۹) :

«تا خدایش باز صاف و خوش کند — او که تیرش کرد هم صافش کند»
صبر آرد آرزو را نی شتاب — صبر کن و الله اعلم بالصواب»

—آغاز : دفتر دوم (ص ۱۰٦) : «بسم الله الرحمن الرحیم،

مدتی این مثنوی تأخیر شد — مهلتی بایست تا خون شیر شد
تا نزاید بخت تو فرزند نو — خون نگردد شیر شیرین خوش شنو»

—انجام : (ایضاً ، ص ۱۹۱) :

«قوم دیگر را تعین در ازدیاد زین عجب و الله اعلم بالرشاد
قوم دیگر نا پذیرا ترش و خام ناقصان سرمدی تم الکلام»

—آغاز : (دفتر سیوم ، ص ۱۹۶) : «رب یسر ، بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر ،

ای ضیاء الحق حسام الدین بیار این سیوم دفتر که سنت شد بیار
بر گشا گنجینهٔ اسرار را در سیوم دفتر بهل اعذار را»

—انجام : (ایضاً ، ص ۳۰۶) :

«تو مبین که بر درختی یا بچاه تو مرا بین که منم مفتاح راه
گر تو خواهی باقی این گفت‌وگو ای اخی در دفتر چارم بجو»

—آغاز : (دفتر چهارم ، ص ۳۱۰) : «رب یسر ، بسم الله الرحمن الرحیم ، و تمم بالخیر ،

ای ضیاء الحق حسام الدین توئی که گذشت از مه به نورت مثنوی
همت عالی تو ای مرتجا میکشد این را خدا داند کجا»

—انجام : (ایضاً ، ص ۳۹۶) :

«تا که عین آیندات سازد خدا که نماید عرش را همچون سها
عرش چه و چرخ چه ای ذولباب فهم کن و الله اعلم بالصواب»

—آغاز : (دفتر پنجم ، ص ٤۰۰) : «رب یسر ، بسم الله الرحمن الرحیم ، و تمم بالخیر ،

شه حسام الدین که نور انجم است طالب آغاز سفر پنجم است
ای ضیاء الحق حسام الدین راد اوستادان صفا را اوستاد».

—انجام : (ایضاً ، ص ۵۰۱) :

«زآن نشد فاروق را زهری گزند که بد از تریاق فاروقیش قند
هین بجو تریاق فاروق ایغلام تاشوی فاروق دوران والسلام»

—آغاز : (دفتر ششم ، ص ۵۰۶) : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

ای حیات دل حسام الدین بسی میل می جوشد بقسم سادسی
گشت از جذب چو تو علامه یی در جهان گردان حسامی نامه یی»

-انجام : (ایضاً ، ص ۶۱۹) :

«آب جان را ریز اندر بحر جان تا شوی دریای بیحد و کران
قصه کوته کن که رفتم در حجاب هین خمش و الله اعلم بالصواب»

۹- **چگونگی :** این نسخه شامل شش دفتر کامل مثنوی مولوی است که در حدود ۳۰۰۰۰ بیت دارد و در آغاز ۵ دفتر ، مقدمه دارد ، مقدمهٔ دفتر ۱ و ۳ به زبان عربی ، مقدمهٔ دفتر ۲ به زبان فارسی و عربی ، مقدمهٔ دفتر ۵ و ۶ به زبان فارسی است و دفتر ٤ مقدمه ندارد. درمیان سطر ها و در کنارهٔ صفحات این نسخه بعضی یادداشتها و توضیحات لغوی و عرفانی آمده است. سهوالقلم کاتب اندک است. (رک : فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ گنج بخش ، ج ۱ ، ص ۳۹۳-۳۹۷).

۸۹۰
۳۷۱

مثنوی مولوی

[ادب، عرفان و اخلاق ، فارسی، منظوم ، «مثنوی»]

۱- **اندازه :** -بیرونی : ٤×۱۸×۲۷/۵ س م. -درونی : ۲۱ س (هر سطر ۲ بیت یا ٤ مصراع) ۱۱×۱۸/۵ س م.

۲- **اوراق :** ورق ۳۳۹ . ۶۷۸ صفحه .

۳- **کاغذ :** نازک زرد تیره رنگ کشمیری ، دود زده ، ساییده شده ، آب رسیده ، اندکی وصالی شده ، جلد تیماجی سیاه پوسیده با عطف کرباسی پاره شده.

٤- **خط :** نستعلیق و تحریر آمیخته با شکسته ، خوانا ، روشن ، عنوانها و سرفصلها و نشانها شنگرف ، جدول کنارهٔ بیرونی صفحات یک خطی سیاه و جدول کنارهٔ ابیات (سطرها) سیاه و زرین و جدول میان ابیات (مصاریع) دو خطی سیاه ، ۶ سر لوح و ۳ اسلیمی خوش نقش در زمینهٔ لاجوردی و زرین ، قرن ۱۱ ه ق.

۵- **کاتب :** «حاجی عبدالله کشمیری» ، تاریخ کتابت : «۱۱۰۶ ه ق» «تمت الکتاب بعون الله الملک الوهاب بیده الفقیرالحقیر الراجی رحمة الله الودود والباری . . . حاجی الحرمین والشریفین حاجی عبدالله کشمیری غفرالله له ولوالدیه و احسن الیهما و الیه اللهم اختم اواخر امور عمرنا بالفضل والکرم و الجود

و النعم برحمتک یا ارحم الرحمین سنه هزار و یکصد و شش به توفیق ربانی در شهر جمید الثانی برحمتک یا ارحم الراحمین :

الهی هر آن کس که این خط نوشت عفو کن گناهش عطا کن بهشت»

۶- **مؤلف** : یا (شاعر) : (رک : مثنوی مولوی ۳۱۲/۸۹۰).

۷- **آغاز** : **دفتر اول (ص ۳)** : «حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر ، بسم الله الرحمن الرحیم ،

بشنو از نی چون حکایت می کند و ز جدائیها شکایت می کند
کز نیستان تا مرا ببریده اند از نفیرم مرد و زن نالیده اند»

۸- **انجام** : **ایضاً (ص ۱۰۵)** :

«تا خدایش باز صاف و خوش کند او که تیره کردم هم صافش کند
صبر آرد آرزو رانی شتاب صبر کن والله اعلم بالصواب»

—آغاز : **دفتر دوم (ص ۱۰۵)** :

«مدتی این مثنوی تأخیر شد مهلتی بایست تا خون شیر شد
تا نزاید بخت تو فرزند نو خون نگردد شیر و شیرین‌خوش شنو»

—انجام : **ایضاً (ص ۲۰۰)** :

«قوم دیگر را یقین در از دیاد زین عجب والله اعلم بالرشاد
قوم دیگر نا پذیرا ترش و خام ناقصان سرمدی تم الکلام»

—آغاز : **دفتر سوم (ص ۲۰۱)** : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

ای ضیاء الحق حسام الدین بیار این سیوم دفتر که سنت شد سه بار
بر گشا گنجینه اسرار را در سیوم دفتر بهل اعذار را»

—انجام : **ایضاً (ص ۳۲۸)** :

«هر چه آن بر تو کراهیت بود چون حقیقت نیک بر رحمت بود
تو مبین که بر درختی یا به چاه تو مرا بین که منم مفتاح راه
گر تو خواهی باق این گفت و گو ای اخی در دفتر چارم بجو»

—آغاز : **دفتر چهارم (ص ۳۲۹)** :

«ای ضیاء الحق حسام الدین تو یی که گذشت از مه به نورت مثنوی
همت عالی تو ای مرتجا میکشد این را خدا داند کجا»

ـانجام : (ایضاً ص ، ۴۳۹) :
«تا که عین آهنت سازد خدا که نمائی عرش را همچون سما
عرش چه و چرخ چه ای ذو لباب ختم کن والله اعلم بالصواب»

ـآغاز : (دفتر پنجم ، ص ۴۳۹): «بسم الله الرحمن الرحیم ،
شه حسام الدین که نور انجم است طالب آغاز سفر پنجم است
ای ضیاء الحق حسام الدین راد اوستادان صفا را اوستاد

ـانجام : (ایضاً ، ص ۵۵۱) :
«تو عدوی در عدو شهد و لبن بی تکلف زهر گردد در بدن
هین بجو تریاق فاروق ای غلام تا شوی فاروق دوران والسلام»

ـآغاز : (دفتر ششم ، ص ۵۵۱) :
«ای حیات دل حسام الدین بسی میل می جوشد بقسم سادسی
گشت از جذب چو تو علامهٔ در جهان گردان حسامی نامهٔ »

ـانجام : (ایضاً ، ص ۶۷۹) : در پنج ورق آخر به علت وصالی وکرم خوردگی اشعاری محو شده است و چنین پایان می یابد.
«گر شود این دود دامن گیر تو بر گشاید سر بسر . . . . .
ور نگیرد دامنت این درد زود گفت و گوی من ندارد هیچ سود»

۹- **چگونگی:** در آغاز هر دفتر یک مقدمهٔ کوتاه دارد که مقدمهٔ دفتر اول و سوم و چهارم عربی و مقدمهٔ دفتر دوم و پنجم و ششم فارسی است. این نسخه از لحاظ خط و کتابت خوب است در حدود ۲۸۵۰۰ بیت دارد. و سهو القلم کاتب اندک دارد. به خط شکسته و تحریر درمیان سطرها و درکنارهٔ صفحات یادداشتها و توضیحات و شرح های لغوی و ادبی و عرفانی و اشعار از یاد رفته دارد و مآخذ آنها را مانند : فرهنگ جهانگیری و نفحات الانس من حضرات القدس جامی و لطایف المعنوی فی شرح لغات المثنوی ذکر کرده است و چنان به نظر می رسد که این نسخه چند بار دست به دست گشته و مورد تصحیح و مطالعهٔ قرار گرفته است. در صفحهٔ اول به خط نسخ خوش دو بیت عربی و چند جملهٔ دعایی آمده است :

«الهی عبدک العاصی اتاکا فان تغفر فانت لذاک اه . . .
مقراً بالذنوب و قد دعاکا فان تطرد فمن یرحم سواکا»

در صفحهٔ آخر مالک نسخه را به خط نسخ شنگرف چنین کتابت کرده اند : «محمد مالک مجازی ضیاء عاصی».

۸۹۰
۴۵۳

مثنوی مولوی

[ادب ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- **اندازه :** —بیرونی : ۵/۲۶×۵/۱۷×۵/۳ س م. —درونی : ۲۱ س (هر سطر ۲ بیت). ۵/۱۹×۱۲س م.

۲- **اوراق :** ۳۱۹ ورق. ۶۳۸ صفحه.

۳- **کاغذ :** نازک زرد تیره رنگ جهانگیری (لاهوری) ، اندکی وصالی شده ، جلد مقوایی و چرمی پوسیده در غلاف پارچهٔ مخملی.

۴- **خط :** نستعلیق خفی ، سخت خوانا ، عنوانها و سر فصلها و نشانها شنگرف ، جدولهای میان سطرها و در فواصل عنوانها ۲ خطی سیاه ، جدولهای کنارهٔ صفحات ۵ خطی سرخ و سیاه و زرین ، جدول یک خطی کنارهٔ بیرونی صفحات لاجوردی ، شش سر لوح در شش طریقهٔ مختلف به سبک ایرانی در زمینهٔ لاجوردی و طلایی ، ترنج و کتیبه ، گل و بوته نگاری ، قرن ۱۱ هـ ق.

۵- **کاتب :** نام «کاتب» ندارد ، تاریخ کتابت : «۱۰۹۴ هـ ق» : «تمت تمام شد ، کار من نظام شد ، کتاب حضرت مولوی معنوی مثنوی :

سخن را نیامد نهایت پدید　　قلم را شکستم چو اینجا رسید

بتاریخ غرهٔ شوال سنهٔ ۱۰۹۴ هـ ق».

۶- **مؤلف :** یا (شاعر) : (رک : مثنوی مولوی ۸۹۰/۳۱۲)

۷- **آغاز :** (**دفتر اول ، ص ۲**) : «بسم الله الرحمن الرحیم

بشنو از نی چون حکایت می کند　　و ز جدایی ها شکایت می کند
کز نیستان تا مرا ببریده اند　　از نفیرم مرد و زن نالیده اند
سینه خواهم شرحه شرحه از فراق　　تا بگویم شرح درد اشتیاق
هر کسی کو دور ماند از اصل خویش　　باز جوید روزگار وصل خویش»

۸- انجام : ایضاً (ص ۱۰۳) :

«گشت خاک آمیز خشک و گوشت بر زآن گناه اکنون بپرهیز ای شتر
سخت خاک آلوده می آید سخن آب تیره شد سپر جوینده کن
تا خدایش باز صاف و خوش کند آنکه تیره کرد هم صافش کند
صبر آرد آرزو را بی شتاب صبر کن والله اعلم بالصواب»

—آغاز : دفتر دوم (ص ۱۰٤) :

«مدتی این مثنوی تأخیر شد مهلتی بایست تا خون شیر شد
تا ترا بد بخت تو فرزند تو چون نگردد شیر تو شیرین شنو
چون ضیاءالحق حسام الدین عنان باز گردانید ز اوج آسمان
چون به معراج حقایق رفته بود بی بهارش غنچه ها بشکفته بود»

—انجام : ایضاً (ص ۲۰۲) :

یک عجائب در بیابان وا نمود ابر چون مشکی دهان را وا گشود
یک جماعت زان عجایب کارها می بریدند از میان زنارها
قوم دیگر را یقین در ازدیاد زین عجب والله اعلم بالرشاد
قوم دیگر تا پذیرا ترش و خام ناقصان سرمدی تم الکلام
من کلام حضرت مولوی معنوی مثنوی تم تمام دفتر ثانی».

—آغاز : دفتر سوم (ص ۲۰۳) :

«ای ضیاء الحق حسام الدین بیار این سیوم دفتر که سنت شد سه بار
برگشا گنجینهٔ اسرار را در سیوم دفتر بهل اعذار را
قوتت از قوت حق می رهد نز عروق کز حرارت می جهد
این چراغ شمس کو روشن بود نز فتیل و پنبه و روغن بود»

—انجام : ایضاً (ص ۳۲۲) :

«در شکست پای بخشد حق پری هم ز قعر چاه بگشاید دری
تو به بین که بر درختی یا بچاه تو بر آمین که منم مفتاح راه
هر چه آن برتر کراهیت بود چون حقیقت بنگری رحمت بود
گر توخواهی باقی این گفت و گو ای اخی در دفتر چهارم بجو»
تم تمام شده دفتر ثالث من کلام حضرت مولوی معنوی مثنوی».

—آغاز : دفتر چهارم (ص ۳۲٤) : «هوالمستعان ،

ای ضیاء الحق حسام الدین توبی که گذشت از مه به نورت مثنوی
همت عالی توبی ای مرتجا میکشد این را خدا داند کجا
گردن این مثنوی را بستهٔ میکشی آنسو که تو دانستهٔ
مثنوی پویان کشیده ناپدید ناپدید از جاهلی کش نیست دید»

—انجام : ایضاً ، (ص ٤۲۵) :

«آینه نبود منافق باشد او این چنین آهسته پایانی مجو
تا که عین آینه سازد جدا که تمامی عرش را همچون سما
آینه گردست گوی و بی نفاق ختم کن والله اعلم بالرفاق
عرش چه و چرخ چه ای‌ذولباب فهم کن والله اعلم بالصواب»
تم تمام شد دفتر رابع من کلام حضرت مولوی معنوی مثنوی».

—آغاز : دفتر پنجم (ص ٤۲٦) :

«شه حسام الدین که نور انجم است طالب آغاز سفر پنجم است
ای ضیاء الحق حسام الدین راد اوستادان صفا را اوستاد
گر نبودی خلق محجوب و کثیف ور نبودی حلقها تنگ و ضعیف
در مدیحت داد معنی دادمی غیر ازین منطق لبی بگشادمی»

—انجام : ایضاً (ص ، ۵۳۵) :

«تو عدوی وز عدو شهد و لکن بی تکلف زهر گردد در دهن
دوست شو وز خوی ناخوش شوتری تاز خمره زهر هم شکر خوری
زآن نشد فاروق را هرگز گزند که بدان تریاق فاروقیش قند
هین بجو ترباق فاروق ای غلام تا شوی فاروق دوران والسلام
تم تمام شد دفتر خامس».

—آغاز : دفتر ششم ، (ص ۵۳٦) :

«ای حیات دل حسام الدین بسی میل می جوشد به قسم سادسی
گشت از جذب چو تو علامهٔ در جهان گردان حسامی نامهٔ
پشکش می آرمت ای معنوی قسم سادس در تمامی مثنوی
پشکش بهر ریاضت میکشم در تمامی مثنوی قسم ششم»

—انجام : ایضاً (ص ۶۳۸) :

«این خودی را خرج کن اندر خلا تا نمانی همجو ابلیس جلا
آب جان را ریز اندر بحر جان تا شوی دریای بی حد و کران
شرح این کوته کن و رخ زین بتاب ختم شد والله اعلم بالصواب
قصه کوته کن که رفتم در حجاب هین خمش والله اعلم بالصواب
تمت تمام شد کتاب حضرت مولوی معنوی مثنوی».

۹- **چگونگی:** این نسخه شامل شش دفتر کامل مثنوی است و در آغاز هر دفتر یک سر لوح زیبا دارد که هر لوح با لوح دیگر نقش و رنگ فرق دارد. در آغاز هیچ یک از این شش دفتر «مقدمه» که به نثر فارسی یا عربی باشد ندارد. سهو القلم کاتب در آن دیده می شود وحدود ۲۷۰۰۰ بیت دارد. درمیان سطرها و در کنارهٔ صفحات بعضی یاد داشت های عرفانی و ادبی به زبان فارسی و عربی به خط تازه آمده است و مآخذ بعضی آنها «لطایف المعنوی» ذکر شده است . در صفحات آغاز چندین صفحه جدول کشی شده و لیکن بدون نوشته مانده است. مالک این نسخه «حضرت عبدالعلی» نام داشته است که به خط و املای خود یادداشتهایی در لابلای نسخه دارد و نشان مهر او خوانده نشد.

۸۹۰
۳۸۵

مثنوی مولوی ، دفتر اول

[ادب ، عرفان واخلاق ، فارسی ، منظوم «مثنوی»]

۱- **اندازه :** —بیرونی : ۲۱×۱۵×۴/۵ س م. —درونی : ۱۵ س ۵/۱۵×۸/۵ س م

۲- **اوراق :** ۱۵۶ ورق. ۳۱۲ صفحه.

۳- **کاغذ :** ضخیم نخودی رنگ هندی ، درمیان اوراق ، زر ورق های نازک قرار داده شده ، کرم خورده ، جلد مقوایی و تیماجی سرخ ضربی

۴- **خط :** نستعلیق شکسته آمیز ، خوانا ، روشن ، عنوانها و نشانها و جدولهای دو خطی میان سطرها و کنارهٔ صفحات دو خطی شنگرف. قرن ۱۲ ه ق.

۵- **کاتب :** «**محمد خان غلام قادر خان**» ، تاریخ کتابت : «۱۱۸۵ ه ق» در صفحه ۳۰۸ اینگونه آمده است : تمام شد دفتر اول دستخط محمد خان غلام قادر خان

ساکن قصبهٔ نهانیه تاریخ دهم محرم الحرام سنهٔ ۱۱۸۵ هجری تحریر یافت ،
هر که خواند دعا طمع دارم زانکه من بندهٔ گنکارم».

۶- مؤلف : (رک : مثنوی مولوی ۳۱۲/۸۹۰).

۷- آغاز : «و به نستعین ، رب یسر ولا تعسر و تمم بالخیر ، بسم الله الرحمن الرحیم ،

بشنو از نی چون حکایت می کند و از جدائیها شکایت می کند
کز نیستان تا مرا ببریده اند از نفیرم مرد و زن نالیده اند
سینه‌خواهم‌شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق
هر کسی‌تودورماند ازاصل‌خویش بازجوید روزگار وصل خویش».

۸- انجام : «بر همان بو می خوری این خشک را بعد از آن کآمیخت معنی نان را
گشت‌خاک‌آمیخت‌خشک‌و گوشت(نیز) زان گیاه اکنون بپرهیز ای ستیز
سخت خاک آلوده می آید سخن آب تیره شد سر چو بند کن
تا خدایش مار صاف و خوش کند آنکه تیره کردهم سافش(صافش) کند
صبر دارد آرزو رانی شتاب صبر کن والله اعلم بالصواب».

۹- چگونگی : این نسخه فقط دفتر اول مثنوی را در بردارد. درمیان سطرها و گوشه و کنار صفحات اشعار و یادداشتهای ادبی و توضیحات لغوی دارد و مآخذ آنها مانند «مکاشفات رضوی» و «لطایف المعنوی» ذکر شده است از صفحهٔ ۳۰۹ تا ۳۱۲ مطالبی از «مکاشفات رضوی» در شرح ابیات آغاز مثنوی آمده است که نا تمام مانده است و شارح خود را «محمد رضا» خوانده است : «اما بعد . . . محمد رضا . . . در سال یک هزار و هشتاد و چهارم هجری. بر اتمام این کار گماشت . . و بمکاشفات رضوی موسوم گردانید» .

این نسخه را مالک آن ۲ روپیه خرید کرده بوده است.

مثنوی مولوی دفتر پنجم و ششم و هفتم

۸۹۰/۵۸۱

[ادب، عرفان و تصوف ، فارسی ، منظوم ، «مثنوی»]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۶×۱۵×۳ س م. —درونی : ۳۳ س (بیت) یعنی ۱۷ بیت در متن و ۱۶ بیت در حاشیه ۲۰/۵×۱۰ س م.

۲- اوراق : ۲۲۲ ورق. ۴۴۴ صفحه.

۳- کاغذ : نازک حنایی رنگ و زرد گون جهانگیری ، ساییده شده ، آب رسیده ، جلد مقوایی و چرمی سرخگون و ضربی و منقش.

٤- خط : نستعلیق خوش ، پخته ، روشن ، خوانا ، عنوانها و سرفصلها و نشانها شنگرف. جدولهای ۲ خطی در فواصل ابیات و عناوین و کنارهٔ متن سیاه و زرین ، جدولهای ٦ خطی کنارهٔ حاشیه سیاه و سرخ و لاجوردی و زرین ، صفحات آغاز هر دفتر منقش و گل و بوته نگاری ، در آغاز دفتر ششم و هفتم سرلوح در زمینهٔ زرین و لاجوردی ، قرن ۱۰ ه ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

٦- مؤلف : یا (شاعر) : (رک : مثنوی مولوی ۳۲٦/۸۹۰).

۷- آغاز : دفتر پنجم (ص ۲) :

«شه حسام الدین که نور انجم است — طالب آغاز سفر پنجم است
ای ضیاء الحق حسام الدین راد — اوستادان صفا را اوستاد
گر نبودی خلق محجوب و کثیف — ور نبودی حلقها تنگ و ضعیف
در مدیحت داد معنی دادمی — غیر این منطق لبی نگشادمی».

۸- انجام : ایضاً (ص ۱٤۲) :

«دفتر پنجم شد این ساعت تمام — هم بعون ایزدی یحیی العظام
عدل را ای نیکو از سپند — چون عمر بر خاطر و بر روح بند
تا شوی ایمن زغوغای جهان — صدر گردی همچو او اندر جهان
ختم کردم لب ببستم ای جواد — فهم کن والله اعلم بالسداد
تمت بعون الله تعالی».

—آغاز : دفتر ششم (ص ۱٤٤) :

ای حیات دل حسام الدین بسی — میل می جو شد به قسم سادسی
گشت از جذب چو تو علامه ی — در جهان گردان حسامی نامه ی
پیشکش پیش رضایت می کشم — در تمامی مثنوی قسم ششم
پیشکش بسیار است ای معنوی — قسم سادس در تمامی مثنوی».

—آغاز : دفتر هفتم (ص ۳۲۸) —انجام ، ص ٤۲۵ :

«ای ضیاء الحق حسام الدین سعید — دولتت پاینده فترت بر مزید
چونکه از چرخ ششم کردی گذر — بر فراز چرخ هفتم کن مقر

سعدالاعداداست هفت‌ای خوش‌هوس زانکه تکمیل عدد هفتست و بس
گر شماری حرف شمس الحق هفت آنکه کار ما ازو بالا برفت»

—انجام : ایضاً (ص ۴۴۳) :

«گر بگویم تا قیامت این کلام صد قیامت بگذرد و آن نا تمام
آینه نبود منافق باشد او اینچنین آینه تا ثانی مجو
آینه جور است گویی بی نفاق ختم کن والله اعلم بالوفاق
تاکه عین انیت سازد خدا که نمایی عرش را همچون سما
عرش چه و چرخ چه ای ذولباب ختم کن والله اعلم بالصواب».

۹- **چگونگی:** این نسخه شامل دفتر پنجم و ششم و هفتم مثنوی مولوی است. در آغاز هر دفتر یک مقدمهٔ منثور دارد. از دفتر پنجم و ششم که بگذریم، به دفتر هفتم می رسیم که آنرا از مولوی نمی شمارند و به یکی از احفاد وی منسوب می دارند. البته ابیات آن درست همانند دفتر های دیگر مثنوی است با همان قسم‌عنوان‌ها و تمثیلات و استفاده از آیات قرآنی و احادیث. دفتر پنجم ۴۳۲۰ بیت، دفتر ششم ۵۴۳۰ بیت، و دفتر هفتم ۳۵۱۰ بیت دارد. دفتر هفتم را در هند چاپ کرده اند. این نسخه از لحاظ خط و کتابت و جدول بندی زیبا و جالب است. (رک: مثنوی مولوی، همین کتاب، ۳۲۶/۸۹۰).
در صفحهٔ ۳ نشان مهر دارد که اینگونه خوانده شد: «سید ناظر علی».

بعضی از صفحات و اوراق این نسخه را جلد ساز ناوارد جا بجا جلد سازی کرده است. سر لوح دفتر هفتم را عمداً سیاه و مخدوش کرده اند.

۲۹۰ و ۸۸۰
―――
۳۶۲

مجموعخانی فی عزالمعانی

[دین و ادب، فارسی، منثور]

۱- **اندازه :** بیرونی : ۲۰×۱۲/۵×۴/۵ س م. —درونی : ۱۳ س ۱۳×۸ س م.

۲- **اوراق :** ۲۸۸ ورق. ۵۸۶ صفحه.

۳- **کاغذ :** سفید تیره رنگ سمرقندی، وصالی شده، آب دیده، ساییده شده، جلد چرمی سبز گون.

۴- **خط :** ثلث تحریری یا عربی، پخته، روشن، سخت خوانا، عنوانها و نشانها و خطوط رسم شده بالای کلمات شنگرف، قرن ۱۰ ه ق.

۵- کاتب : «کبیر محمد بن شیخ بن محمود بن راجا بن صدر عباسی» ، تاریخ کتابت «۹۶۵ ه ق»: «تمام شد کتابت مجموعه خانی اول جلد عبادات بوقت چاشت روز چهار شنبه بتاریخ یازدهم ماه محرم المکرم سنهٔ خمس ستین و تسعمائه بخط و ملک کبیر محمد بن شیخ بن محمود بن راجا بن صدر عباسی طرف مادر خوند اجهو بنت عبدالملک بن ملک بن داود تمیم انصاری او در عبدالملک بن خانجهو بن منجها بن عبدالملک بن ملکی بن داود تمیم انصاری المخاطب رضی الملک که در عصر سلطان احمد شاه. . (یک کلمه خوانده نشد) . . . سلطان احمد که احمد آباد بنا کرده بود سکونت در شهر احمد آباد از مهلت منجهودی نزدیک خانهٔ عالم خان بودی و نزدیک خانهٔ شیخ تاج محمد بن احمد بن مدن متوکل و متعلم اهل و نزدیک عطا محمد قاری سبع و متعلم اهل ، هر که بخواند برای خدا دعا ایمان سلامتی طلبد ، سالها ماندز کاتب نشان در خاک جوئی هم نیابی».

۶- مؤلف : «کمال کریم» ، نام تألیف : «مجموع خانی فی عزالمعانی» ، تاریخ تألیف معلوم نشد : «اما بعد دعا گوی مسلمانان اضعف عباد الله القدیم کمال کریم اصلح الله شأنه. . . باز نمود که چون این ضعیف را کرم الهی و عون پادشاهی نامتناهی به شرف مراتب عالیه رسانید و به تشریف اختصاص مجلس معظم خان اعظم . . . ناصر الملوک و السلاطین معین الاسلام و المسلمین عز الملة و الدین الغ قتلغ اعظم معظم بهرام خان ابقاء الله فی الدولة الابدیة . . . مخصوص گردانید . . . و این ضعیف را به حصول المرام بیان مسایل می فرماید ، کمر انقیاد بر میان جان بسته و به اطاعت امر پیوسته آمد مدتی در حضر و سفر از کتب معتبر تازی به عبارت عربی روایت کرده می شد . چون مجلس معظم جامع عرب و عجم بود عامهٔ خلق را فائدهٔ عام و خاص از آن کتب عربی وجه نمی نمود و این مجموع را بپارسی از تکلف ساده و بعبارتی گشاده جمع آورده و از الفاظ مکرر احتراز و در عبارت فصیحه مبالغت نکرده تا در مجلس عرض مخل غرض نگردد :

با یار نو از غم کهن باید گفت لابد به زبان او سخن باید گفت
لا تفعل و افعل نکند چندان سود چون با عجمی کن و مکن باید گفت

و بر هر روایت اسم کتاب مروی عنه نبشته مجموعه را مجموعه خانی فی عزالمعانی نام نهاده اند و الله الرفیق و به التوفیق».

۷- آغاز : «باب اول در بیان طهارات ، بسم الله الرحمن الرحیم ، و تمم بالخیر ، حمد و سپاس مر بادشاهی را که دارالملک دولتاباد نام نهاده انسانی بعز دین اسلام رسانیده اوست و قلعهٔ مؤسس ایمانی بنباء احکام محکم شرح برای نظام دین محکم و مستحکم گردانیدهٔ اوست و ثناء بی قیاس مر مالکی و الهی را که فخر دین محمد باعلام عالیهٔ بر ذروهٔ اعلی بلند کردهٔ اوست».

۸- انجام : «خدای تعالی آن بنده را درمیان بهشت عدن یکهزار شهر و در هر شهری یک هزار قصر یعنی ده لکه قصر و در هر قصری یکهزار سرای یعنی ده هزار لکه سرای و در هر سرای هزار حجره یعنی ده هزار اربا و در هر حجره هزار صفه ده هزار سنکه و در هر صفه ده هزار خیمه یعنی ده سهاسنکی و در هر خیمه ده هزار تخت یعنی یک سها نیک و بر هر تختی ده هزار فراش یعنی ده بدم و بر هر فراشی ده هزار بالش یعنی ده پدم و بر هر فراشی حوری نشسته و بیش هر حوری یکهزار کنیزکان یعنی سمند و کنیزک سریت یکهزار یعنی یک سمند و بر هر حوری یکهزار حله یعنی ده پدم قهرمان یعنی کارفرمای ده پدم و جوی در هر خیمه بیست دو سنک و جوی تسنیم ده سنک و دوم جوی لؤلؤ ده سنکه چشمه و در هر چشمی سه هزار یعنی سی سنکه یک چشمه کافور ده سنکه و دوم چشمه زنجبیل ده سنک سیوم چشمه سلسبیل ده سنک یک شاخ در هر خیمه دو یعنی بیست سنکه یکشاخ طوبی ده سنک و دوم شاخ سدرة المنتهی ده سنک مایده در هر خیمه صد هزار یعنی صد سهانیل کانسه و بر هر خوانچه مایده یکهزار یعنی پدم لون طعام و در هر کانسه یکهزار یعنی یک سمند والله اعلم بالصواب و الیه المرجع و المآب».

۹- چگونگی: موضوع این نسخه «اصول و فروع فقه و فتاوی و فرایض و عبادات» است بر اساس عقیدهٔ اهل سنت و جماعت و تقسیمات آن بر پایهٔ «باب» و «فصل» و موضوعاتی دیگر است که مؤلف عنوان کرده است و جمعاً «۵۰ باب» دارد : «باب اول در بیان طهارت ، و باب پنجاه ام در بیان تسبیحات». در بارهٔ هر موضوعی که بحث کرده ، مآخذ آنرا صریح و واضح آورده است ، مثلاً : «در ذخیره و در سراجی می گوید». «در مشارق و در کافی می گوید» «در تنقیح و در حسامی می‌گوید». فارسی این نسخه روان و انشای آن ساده و بی تکلف و بی تصنع است. از لحاظ املایی و رسم الخط با دیگر نسخ امتیاز هایی دارد. حروف «پ» و «چ» و «گ» همانند «ب» و «ج» و «ک» است

و زیر حرف «ی» که تنها و در آخر کلمه باشد دو نقطه آمده. لفظ «می» به فعل و حرف «ب» به اسم و فعل وصل است. در آغاز و انجام و در کنارهٔ صفحات ، یادداشتها و توضیحات فراوان دارد. فهرست مطالب در آغاز در دو صفحه و نیم آمده است. این رباعی در صفحهٔ ۷ کتابت شده :

«ادب آموز زان ادیب که او ادب از حضرت خدا آموخت
بر کسی‌خوان سبق که درهمه عمر سبق از لوح کبریا آموخت»

۲۹۰
۴۲۴

مجموع سلطانی

[دین ، فقه ، فارسی ، منثور]

۱- **اندازه** : —بیرونی: ۲۲×۱۳×۲/۵س م. —درونی : ۱۴ س ۱۵×۷ س م.

۲- **اوراق** : ۱۲۰ ورق. ۲۳۹ صفحه.

۳- **کاغذ** : ضخیم زرد تیره رنگ سیالکوتی ، اندکی وصالی شده ، اندکی آب دیده ، جلد مقوایی و تیماجی و نقش دار.

۴- **خط** : نستعلیق آمیخته با تحریر ، خوانا ، روشن ، ناپخته ، الفاظ شواهد و سرفصلها و عنوانها و نشانها و خط های رسم شده بربالای کلمات شنگرف. قرن ۱۲ ه ق.

۵- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶- **مؤلف** : نام مؤلف معلوم نشد ، نام تألیف : **«مجموع‌سلطانی»** ، تاریخ تألیف در **«عهد سلطان محمود غزنوی»** : «بدانکه این کتابی است در بیان مسایل فقه در عبادات و نام این کتاب مجموع سلطانی نهاده شد بعون الله‌الهادی که چون بندگی حضرت سلطان المشائخ والاولیاء سلطان محمود غزنوی را مهم پیش‌آمد».

۷- **آغاز** : «رب یسر و تمم بالخیر بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله رب العالمین و العاقبه للمتقین و الصلوه و السلام علی رسوله محمد و آله اجمعین بدانکه این کتابی است در بیان مسائل فقه در عبادات و نام این کتاب مجموع سلطانی نهاده شد».

۸- **انجام** : «سؤال در صورتی که بخمر غیر معین و یا خوک غیر معین منا کحه کردند حکم چیست ؟ جواب قیمت خمر و مهر مثل در خوک کذا فی الکافی تمت تمام شد بفضل و کرم رب العالمین».

۹- چگونگی : موضوع این نسخه «سؤال‌وجواب فقهی یا دینی» است. تقسیمات‌آن براساس «باب» و «فصل» و «سؤال و جواب»است و جمعاً ٤٤ باب دارد. بعضی از اوراق آن در صحافی جا بجا شده است و از باب ششم بعد از باب چهل و چهارم قرار گرفته است. در هر باب سؤالهای متعدد فقهی و فریضه یی شده و جوابهای کوتاه داده شده است. بعضی از سؤالهاوجوابها باآیات قرآن شریف و احادیث نبوی و کلمات قصار پیشوایان دین عنوان شده است. علت تألیف را اینگونه بیان کرده است که سلطان محمود غزنوی جمعی از عالمان را دعوت کرد و کتابی کردند و به او تقدیم داشتند که هنگام سؤال و جواب در مسائل فقهی در نماند. اکثر جاهای نسخه مآخذ و منابع ذکر شده است.

در صفحات آغاز و انجام نسخه بعضی جدولهای تعویذ و یادداشت‌های دعایی و اشعار پراکنده آمده است. از جمله :

«علم . . . سر بسر قیل است و قال نی ازو خاصیت حاصل نه حال
علم نبود غیر علمی عاشقی مابقی تلبیس ابلیس شقی
حرره الفقیر احمدی عفی عنه». نشان چند مهر دارد که محو شده است.

۵۹۰ و ۶۱۰
۴۳۰

مجموعه

۱- اسپ نامه ، ۲- رساله برای دماغ و قوت باه و امساک

[جانور شناسی و طب ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۰/۵ × ۱۲ × ۱/۵ سم. —درونی ۱۰ س ۱۳/۵ × ۷ س م.

۲- اوراق : ٨٤ ورق. ۱٤٨ صفحه.

۳- کاغذ : نازک سفیدرنگ کشمیری، جلد چرمی و مقوایی ضربی و نقش دار باعطف پوسیده.

٤- خط : نستعلیق آمیخته با شکسته. رسم الخط اردو، خوانا، روشن، قرن ۱۳ ه ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

٦- مؤلف : نام «مؤلف »رسالهٔ‌اول و «تاریخ تألیف» آن معلوم نشد، اما نام آن در صفحهٔ آغاز «اسپ نامه» کتابت شده است و در صفحهٔ ۱۰۸ دربارهٔ رسالهٔ دوم این گونه آمده است : «نسخه برای دماغ و قوت باه و امساک معمول فقیر نورالحسن».

۷- آغاز : رسالهٔ اول ، اسب نامه (ص ۱) : «یا رب خیر گردان ، بسم الله الرحمن الرحیم ، باب داروی اسپان که از تجربه کاران نوشته داروی کم خوری اسپ کتائی خورد پاؤ بیخ برنج آثار شوره نیم پاؤ نمک شوره نیم پاؤ جوائن یکپاؤ کتکی نیم پاؤ و لجواین نیم پاؤ».

۸- انجام : ایضاً (ص ۱۴۹): «یک گولی گرفته در بول آدم تر کرده بدارد پیش از دانه وقت اسپ را بخوراند بآرد نخود بریان و آنکه وقت شام دهد آن وقت فجر در بول ترکند در شب بخوارند. جلاب اسپ ، بیارد رائی نیم پاؤ و ندهارا چهار سرشاهی و نیلا تهومیلا وزن این هر سه ادویه را بآردجو کولی بندد جلاب خواهد شد».

-آغاز : رسالهٔ دوم، برای دماغ و قوت باه و امساک (ص۱۰۸): «نسخه برای دماغ و قوت باه و امساک معمول فقیر نورالحسن برنج ادام خشخاش م دام مغز بادام ۵ ادام روغن ماد گاؤ شیر ماد گاؤ نیم آثار اولا برنج باندک آب جوشانده کداز شود شیرهٔ خشخاش و مغز بادام و شیر مذکور بالا برنج بیندازند».

-انجام : ایضاً (ص ۱۴۸) : «بیارد زر کشته و نقرهٔ کشته و فولاد کشته و سیاب کشته از هر یکی برابر و کبریت سه چندان از یکدارو در کهول اندا نته یک هفته بآب تره میره و آب لیمون تسقیه کرده بطریق مذکور کچبت داده بکار برد را جروک و سرفه تپ کهنه دفع گردد».

۹- چگونگی: این نسخه در موضوع «شفا و درمان و دارو سازی اسپ» و «مداوای ضعف باه در انسان» است. از آغاز تا انجام روش ساختن دارو را به طرز قدیم و نسخه نویسی و نسخه دادن شرح می دهد. الفاظ و اصطلاحات طب هندی فراوان دارد. نثر فارسی آن مخصوص سر زمین پاک و هند است. تقسیمات آن بر اساس موضوعی است که عنوان شده است. مثلاً «خارش و علاج آن ، اشتهای اسپان و علاج آن».

۸۹۰و۲۹۰
―――
۴۵۸

مجموعه

۱- انتخاب مثنوی یا نهر بحر مثنوی ، ۲- فواتح سبعه

[ادب و دین ، عرفان و اخلاق ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه : -بیرونی ۲۲×۱۳/۵×۲/۵ س م. -درونی : ۱۵ س ۱۵/۵×۷/۵ سم .

۲- **اوراق :** ۲۰۱ ورق . ۴۰۲ صفحه .

۳- **کاغذ :** نازک سفید رنگ کشمیری ، آب رسیده ، اندکی وصالی شده ، جلد مقوایی و چرمی پوسیده.

۴- **خط :** نستعلیق آمیخته باشکسته ، رسم الخط اردو و فارسی خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سر فصلها و نشان ها شنگرف . قرن ۱۲ ه ق .

۵- **کاتب :** نام «کاتب» و « تاریخ کتابت» ندارد .

۶- **مؤلف :** یا (گرد آورندهٔ) رسالهٔ اول : «**علی عسکر خوافی**» ، نام تألیف : «**انتخاب مثنوی**» ، تاریخ تألیف انتخاب مثنوی : «۱۰۸۱ = **نهر بحر مثنوی**» . در صفحهٔ ۱۰ و ۱۲ چنین آمده است : «بندهٔ عاصی جانی علی عسکر خوافی چون مدتی در تتبع کتاب سعادت نصاب مثنوی معنوی به نیت استعداد بر قدر استعداد ساعی بود . . . و از اتفاقات حسنه و ارادات سنهٔ اعداد الفاظ سال انتخاب این نسخهٔ مستحسنه که سنهٔ هزار و هشتاد و یک است بحسب حساب جمل نیز تاریخ ترتیب می شود و این قطعهٔ منظومه هم مشتمل بر تاریخ تحریر این روزنامهٔ علم وعمل و سوز نامهٔ عشق و محبت است :

راز یا از مثنوی این انتخاب　　خطبهٔ فضل است زان فصل الخطاب
نغمهٔ چند از نیستان دل است　　دستهٔ گل از گلستان دل است
گر بفکر سال تاریخش شوی　　با تو گوید «نهر بحر مثنوی».

نام مؤلف رسالهٔ دوم و نام تألیف و تاریخ آن صحیح و واضح معلوم نشد . اما در صفحهٔ آخر مؤلف تلویحاً اشاره کرده که :اکنون که «فواتح سبعه» رقم اتمام یافت شروع خواهم کرد «شرح ابیات محکمه‌ٔ المنافق» «بنا بر این شاید نام این رساله «**فواتح سبعه**» باشد.

۷- **آغاز :** **رسالهٔ اول (ص ۸)** : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

الصلا مستسقیان معنوی　　میکشم نهری ز بحر مثنوی
چون ندارید آشنایی با محیط　　بهره [ی] گیرید ازین نهر بسیط
تا به دریا نسبتی پیدا کنید　　چون صدف چشمی به نیسان وا کنید
مثنوی بحری است و فهم ما سبو　　اشربوا بر قدر افهام اشربوا»

۸- **انجام :** **ایضاً (ص ۱۵۲)** :

«این شنیدی مو به مویت گوش باد　　آب حیوان است خوردی نوش باد
گوش کن چون حلقه اندر گوش کن　　این سخن را پیشوای هوش کن

گوش خر بفروش و دیگر گوش خر   کین سخن را در نیابد گوش خر
چون فتاد از روزنی دل آفتاب   ختم شد و الله اعلم بالصواب»

—آغاز : رساله‌ٔ دوم (ص ١٥٤) : «سپاس سعادت اساس و لشکر عبادت لباس معبودی را که اعلام نبوت و ولایت در میدان فتوت و هدایت برافراشت و ارقام حقایق انجام حدس و الهام برصحایف قلوب علماء الواح ارواح حکما نگاشت ، س

ای نور تو در جملهٔ اشیا ظاهر   در منظر چشم اهل عرفان ظاهر
عالم همه از نور تو روشن گشته   هم اول این سلسله و هم آخر»

—انجام : ایضاً (ص ٣٩٩) : «و علی بعد از نبی ولی و وارث و امام و وصی بود اما خلیفه هم شد و اکنون که فواتح سبعه رقم اتمام یافت شروع خواهم کرد در شرح ابیات محکمه المثانی و اول توضیح لغات خواهد بود و تنقیح بجود و معانی ، پس ترجمهٔ ابیات بی زیاده و نقصان و ایراد یک رباعی بر طبق و از حکایات حوادث و رجزهای حروب تفصیل قصص خواهد شد به احضر بیان و احتراز از تکرار التزام شده چه فهم آن از ترجمه می توان و اسأل الله توفیق اتمام الکتاب فانه منعم».

٩- چگونگی: این مجموعه در دو رساله است ، رسالهٔ اول برگزیده‌یی از مثنوی مولوی است که مؤلف بر اساس چند موضوع اخلاق و عرفانی و روحانی آنها را گرد آوری کرده و مقدمه یی به نثر برآن نوشته و اشعاری از خود افزوده و نام آنرا «انتخاب مثنوی» و «نهر بحر مثنوی» نهاده است و محتوی ابیاتی چند در توصیف مثنوی و مناجات و نعت و مطالبی در بیان توحید و طلب و مقلد و منکر و توبه و سلوک و دین و لطف و قهر و صبر و شکر و قرب و بعد و قبض و بسیط و ذکر و فنا و بقا و حیرت و وعظ و نصیحت است. رسالهٔ دوم که ظاهراً «فواتح سبعه» نام دارد در منقبت و مدح حضرت علی بن ابی طالب (ع) است و مطالب امامت و خلافت را بر اساس فکر و نظر و اجتهاد بسیاری از علمای اهل سنت و جماعت و شیعه و متصوفه گردآوری کرده است و برای اثبات بعضی از مسائل به حکمت و عرفان و نجوم و هیئت و حدیث و کلام استناد جسته است . و تعدادی اشکال هندسی رسم کرده است و هر مطلب را با ذکر نام و مأخذ و تاریخ یاد آور گشته است . لفظ «فتح» و حروف «س» و «ص» و «ظ» و «م» در

این نسخه تکرار شده است که گویا نشان یا رمز بعضی از کتاب ها باشد و چون از اوایل آن چند صفحه یا برگ افتاده است، شناخت این رموز معلوم نشد. نثر فارسی این نسخه را می توان «نثر عرفانی» نامید و آمیخته با اشعار و احادیث و آیات قرآن است. در آغاز و انجام و اواسط این مجموعه یادداشت های دعایی و ادبی و دینی و برخی ابیات فارسی به خط تازه کتابت شده است. نشان چند مهر دارد که همه اینگونه خوانده شدند: «حبیب الله روحی فداک». این یادداشت در آغاز نسخهٔ «فواتح سبعه» آمده است: «نسخهٔ فواتح ملک بندگان عالی نواب فتح الله خان بهادر مد ظله العالی الی یوم التناد بالنصیر و العمان».

۸۹۰
―――
۵۷۶

مجموعه

۱ــ انیس العاشقین، ۲ــ ناشناخته

[ادب، سرگذشت و عرفان و تصوف، فارسی، منثور و منظوم]

۱ــ **اندازه** : ــبیرونی : ۵/۲۵×۱۵×۲ سم. ــدرونی : ۱۴ س ۵/۲۰×۵/ ۹ سم.

۲ــ **اوراق** : ۱۳۰ ورق. ۲۶۰ صفحه.

۳ــ **کاغذ** : سفید رنگ هراتی، اندکی ساییده شده، جلد مقوایی و چرمی سرخ گون، ضربی، منقش (ترنج و نیم ترنج زیبا).

۴ــ **خط** : نستعلیق تحریر، نا پخته، سخت خوانا، روشن، عنوانها و سرفصلها و خطهای افقی رسم شده بربالای الفاظ و جملات شواهد شنگرف، قرن ۱۲ هـ ق.

۵ــ **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶ــ **مؤلف** : این مجموعه شامل ۲ نسخه است: نام مؤلف نسخهٔ اول **«کهاس»** یا **«محمد قطب»** یا **«شیخ محمد ارم پوری چشتی»**، نام تألیف: **«انیس العاشقین»**، تاریخ تألیف معلوم نشد. نام مؤلف رسالهٔ دوم: **«محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن آزرو بخاری»**، نام تألیف و تاریخ آن معلوم نشد. دربارهٔ رسالهٔ دوم، (رک: ۷ ـ آغاز، ۸ ـ انجام). در صفحهٔ اول چنین آمده است: «بندهٔ درویشان عاسی (؟) گهاس (گناهی؟) که یکی از بندگان رئیس المتورعین امام المتقین هم نام محمد قطب و حضرت شیخ محمد ارم پوری چشتی است... شمه [یی] از احوال و مناقب پیران چشت.... در این نسخهٔ انیس

العاشقین بقلم آورده» .

۷- آغاز : **رسالهٔ اول (ص ۱) :** «الله اکبر ، رب یسر و لا تعسر و تمم بالخیر ، بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله رب العالمین و العاقبه‌ للمتقین والصلوة علی رسوله محمد و علی آله و اصحابه و اتباعه اجمعین بعد حمد والصلوة بندهٔ درویشان عاسی (عاصی) گپاسی گیاهی که یکی از بندگان».

۸- انجام : **ایضاً (ص ۲۱٦)** ناقص است: «عاشق دید که رسول خدا در مسجد نیامدند ، فراق مصطفی صلی الله تعالی علیه و آله و اصحابه وسلم بروی غالب آمده به مسجد میدوید های های میگریست تاب فراق نیاورد و بدرگاه مصطفی آمد بآواز بلندگفت یا رسول الله صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم برخاست و بنشست».

—آغاز : **رسالهٔ دوم ناشناخته:** (شاید برگزیدهٔ قصص الانبیاء باشد ، ص ۲۱۷) : «بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله رب العالمین والعاقبه‌ للمتقین والصلوة والسلام علی محمد و آله اجمعین اما بعد روایت می کند محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن آزر بخاری به اسنادی که او را بود ».

—انجام : ناقص است: « گفت این برادر زادهٔ من نام محمد عبدالله را به مزدوری خود قبول کنی تا از نعمت تو وی را هم بهره‌یی رسد. خدیجه گفت از این چه بهتر باشد و به روایتی دیگر از امیرالمؤمنین صدیق و حضرت علی کرم‌الله وجه آمده است. . .».

۹- **چگونگی:** موضوع این مجموعه شرح حال و آثار و روایات و نسب و شجرهٔ انبیاء عموماً و مخصوصاً پیران سلسلهٔ چشتیه است. اکثر مشایخ و پیران عرفان و تصوف شبه قاره در این نسخه آمده است. سهو القلم و اشتباهات جمله و لفظ بسیار دارد. جای عنوانها را خالی گذارده که با شنگرف بنویسد و لیکن فراموش کرده است. تقسیمات آن بیشتر بر اساس «نقلست» و «ذکر» آمده است ، مثلاً «ذکر رئیس المرسلین . . . محمد مجتبی (ص) . . . نقلست که . . .» .

۸۹۰
———
۴۸۲

مجموعه

۱- بوستان ، ۲- گلستان

[ادب، فارسی، منثور و منظوم «مثنوی»]

۱- اندازه : —بیرونی :۲٤×۱۳×۵ سم. —درونی : ۱٤ س ۲۰ × ۸ سم. (متن بوستان)

۱۵ س ۱۷ × ۷/۵ س م. (متن گلستان).

۲- **اوراق** : ۲۶۰ ورق. ۵۲۰ صفحه.

۳- **کاغذ** : ضخیم زرد تیره رنگ سیالکوتی و کاغذ نازک لاجوردی کم رنگ ، اندکی آب رسیده ، وصالی شده ، جلد مقوایی و چرمی با عطف پوسیده .

٤- **خط** : نستعلیق ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سرفصلها و نشانها و جدولهای یک خطی میان ابیات و ۲ خطی کنارهٔ صفحات شنگرف.

۵- **کاتب** : متن بوستان «کاتب» ندارد اما تاریخ کتابت «۱۲۶۷ ه ق» است. در صفحهٔ ۲۵۹ چنین آمده است : «تمت تمام شد کتاب بوستان من تصنیفات حضرت شیخ سعدی علیه الرحمه فی التاریخ ۸ ماه شعبان سنهٔ ۱۲۶۷». اما نام کاتب متن گلستان : «**میان نورالدین**» و تاریخ کتابت : «۱۲٦٤ ه ق». در صفحهٔ ۵۱۹ چنین آمده است : «تمام (شد) کتاب گلستان بتوفیق الله المستعان عزاسمه دراین دست خط فقیر حقیر خاک پای رسول الله صلی الله علیه وسلم میان نور الدین . . . بروز پنجشنبه بوقت ظهر تحریر بتاریخ شانزده ماه چیت ۱۹٤ جلوس معلی سنهٔ ٤٨ هجری مقدس یک هزار و دوصد و شصت و چهار بود که تمام شد».

٦- **مؤلف** : یا (شاعر) : «**شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی متوفی ٦٩١ ه ق**» ، نام تألیف : «**گلستان**» و «**بوستان**» : تاریخ تألیف گلستان : «**٦٥٦ ه ق**» :

« در آن وقتی که مارا وقت خوش بود ز هجرت ششصد و پنجاه و شش بود»

و تاریخ تألیف بوستان : «**٦٥٥ ه ق**» :

« چو پر در شد این نامبر دار گنج ز ششصد فزون بود پنجاه و پنج »

۷- **آغاز** : **بوستان** (ص ٤) : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

بنام جهاندار جان آفرین حکیم سخن بر زبان آفرین
خداوند بخشندهٔ دستگیر کریم خطا بخش پوزش پذیر
عزیزی که از در گهش سر بتافت بهر درکه شد هیچ عزت نیافت
سر پادشاهان گردن فراز به درگه او بر زمین نیاز»

۸- **انجام** : **ایضاً** (ص ۲٦۰) : یک ورق افتاده و به خط و کاغذ جدید افزوده‌اند :

« بکردار شان بد مقید نکرد بضاعات مزجات شان رد نکرد
ز لطفت همان چشم داریم نیز بر این کم بضاعات ببخش ای عزیز

ز سعدی سیه نامه تر دیده نیست ۔ که هیچش فعال پسندیده نیست
بضاعت نیاوردم الا امید ۔ خدایا ز عفوم مکن نا امید »

—آغاز : **گلستان (ص ۲۶۲)** : «رب یسر و تمم بالخیر ، بسم الله الرحمن الرحیم ، منت مرخدائرا عز و جل که طاعتش موجب قربت است و بشکر اندرش مزید نعمت هر نفسی که فرو میرود ممد حیات است و چون برمی‌آید مفرح ذات ، پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمت شکری واجب ، فرد :

از دست زبان که بر آید ۔ کز عهدهٔ شکرش بدر آید»

—انجام : **ایضاً (ص ۵۱۹)** : «دو کس مردند و حسرت بردند یکی آنکه داشت و نخورد و دیگر آنکه دانست و نکرد ، قطعه :

کس نبیند بخیل فاضل را ۔ که نه در عیب گفتنش کوشد
ور کریمی دو صد گنه دارد ۔ کرمش عیبها فرو پوشد

تمام(شد) کتاب گلستان بتوفیق الله المستعان عز اسمه». (رک : ۵-کاتب).

۹- **چگونگی:** این مجموعه شامل دو نسخه است : اول بوستان سعدی ، دوم گلستان سعدی، و مالک آنرا در صفحهٔ ۲۶۰ چنین آورده‌اند : «مالک این کتاب بوستان لعل چند اگر کسی دعوا کند شرو باطل و دروغ باشد». در گوشه و کنار صفحات بعضی یادداشت های ادبی و مطالب از یادرفته آمده است. (رک : گلستان ۸۹۰/۳۸۴ ، بوستان ۸۹۰/۳۷۰).

۸۹۰ / ۵۹۸

مجموعه

۱— تحفهٔ احمدی ، ۲— تحفهٔ محمدی

[ادب ، عرفان و تصوف ، فارسی ، منظوم «مثنوی»]

۱- **اندازه** : —بیرونی : ۲۰×۱۳×۲/۵س‌م. —درونی : ۱۱بیت (س) ۱۵/۵×۹/۵ س م.

۲- **اوراق** : ۱۷۰ورق . ۳۳۶ صفحه.

۳- **کاغذ** : ضخیم نخودی رنگ سمرقندی، جلد مقوایی و چرمی سرخ گون ضربی، کتیبه دار و دو رویهٔ درونی جلد منقش و ملون.

٤- خط : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، در صفحهٔ اول و ۲۳۷ دو سرلوح زیبای هنری و در زمینهٔ زرین و لاجوردی ، جدولهای ۲ خطی سرفصلها ودر فواصل مصاریع سیاه و زرین ، جدولهای ۵ خطی کنارهٔ متن سرخ ولاجوردی و سیاه و زرین ، جدول یک خطی کنارهٔ بیرونی صفحات لاجوردی ، قرن ۱۲ و ۱۳ ه‍ ق.

٥- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

٦- مؤلف : یا (شاعر) : شناخته نشد و در این مجموعه صریح و واضح نام شاعر نیامده ، نام مثنوی اول: «تحفهٔ احمدی» ، تاریخ سرودن آن : «۱۲۶۳ ه‍ ق = کتب الخیر» . در صفحهٔ ۲۳٤ و ۲۳۵ چنین آمده است:

«چون نصیحت های خیر است اندران   هست کتب الخیر هم تاریخ آن
نسخهٔ تحفهٔ احمد نامش شده   تاریخ پی اتمامش»

نام مثنوی دوم : «تحفهٔ محمدی» یا «تحفهٔ ثانی» ، تاریخ سرودن ندارد و لیکن گویا «۱۲۶۳ ه‍ ق» همان تاریخ تألیف (سرودن) است زیرا «تحفهٔ ثانی = ۱۰۵٤» که در صفحهٔ ۳۳۵ آمده معقول نیست.

تحفهٔ احمدی بذوق تمام   یافت از فضل ذوالمنن اتمام
نکتهٔ چند باز ای دل گوی   بهر حاجی محمد خوش خوی
زد عطارد ز بهر سال رقم   تحفهٔ ثانی آمده بقلم»

٧- آغاز : مثنوی اول ، تحفهٔ احمدی (ص ۱) : «بسم الله الرحمن الرحیم :

حمد بیحد خاص ذات پاک را   آنکه کرد آیینه مشت خاک را
حمد خود او خود تواند گفت وبس   دُرّ توصیفش نداند سُفت کس
فی الحقیقه حامد و محمود اوست   غیر او موجود نی موجود اوست
گفت لا احصی ثناء مصطفی   من کجا تعریف ذاتش از کجا»

٨- انجام : ایضاً (ص ۲۳۵) :

چون نصیحتهای خیرست اندران   هست کتب الخیر هم تاریخ آن
صدر دین احمد بخیر تام زاد   ختم تحفه هم بخیر و خیر باد
باد از ما بر رسول کاینات   صد هزاران از تحیات و صلات
هم برآل پاک و اصحاب کرام   دمبدم تا دور گردون والسلام»

—آغاز : مثنوی دوم ، تحفهٔ محمدی (ص ۲۳۷) : «بسم الله الرحمن الرحیم .

ابتدا میکنم باسم الله / کو پناه منست بیگه و گاه
بعد حمد خدای بیهمتا / نعت سلطان انبیا اولی
او نبی بود مفخر عالم / بود در ما وطین هنوز آدم
مظهر ذات خالق داور / بر سر جن و انس و پیغمبر»

—انجام : ایضاً (ص ۳۳۶) :

«گر بود عمر و دست داد فراغ / شد موفق دل و زبان و دماغ
باز چیزی برو بیفزایم / گره از طبع خویش بگشایم
ورنه اینهم بس است عاشق را / صدق کافیست یار صادق را
بر همین نکته کرده ام تمام / و علیک السلام و الاکرام».

۹- چگونگی : موضوع این مجموعه که شامل دو مثنوی مختلف الوزن و البحر است «دین و ادب و عرفان و اخلاق تعلیم و تربیت و پند و اندرز و اجتماع» است. نام شاعر این دو مثنوی در نسخه نیامده. شاعر ، مثنوی اول را برای فرزندش «صدر الدین احمد» سروده . احمد در هنگام سرودن مثنوی ، هفت ماهه بوده است. ولادتش در ۱۲۵۲ ه‍ ق بوده. اتمام مثنوی در ۱۲۶۳ بوده. بنابر این سرودن مثنوی تحفهٔ احمدی ۱۱ سال به طول انجامیده است. وزن تحفهٔ احمدی «فاعلاتن فاعلاتن فاعلات یا فاعلن» از مزاحفات بحر رمل مسدس محذوف یا مقصور است. تقسیمات آن بر اساس موضوعاتی ادبی و عرفانی و دینی است که شاعر اختیار کرده. مطابق معمول نخست حمد خدا ، نعت رسول ، منقبت خلفای راشدین و ائمهٔ اطهار و سپس حکایات اخلاق وتمثیلات عرفانی و فایدات دینی آمده است. در حدود ۲۵۰۰ بیت دارد. در پایان مثنوی اول مرشد شاعر که شیخ احمد نام داشته اشعار ماده تاریخ دربحور مختلف ساخته است :

«بسالش ای شده از حق مؤید / شده منظوم سلک دین احمد
بهر تاریخ آن خرد در سفت / نظم‌مسلوک‌دبن‌احمدگفت(۱۲۶۳)
نسخه تحفهٔ احمد نامش شده تاریخ پی اتمامش»
نظمک امیر :

پی میلاد احمد «خیر تام» آمد برابر چون
بود «خیر اتم» بشمر به ختم تحفه‌اش اکنون

«خیر تام = خیر اتم = ۱۲۵۲».

چونکه تاریخها قبول افتد صله خواهم دعای حال و مآب
خیر دنیا عبادت مولی خیر عقبی لقا بغیر عذاب

و صلی الله علی نبینا محمد وعلی آله و اصحابه وارثی علمه و آدابه وسلم تسلیماً کثیراً کثیراً».

شاعر، مثنوی دوم را به نام «حاجی محمد جان» سروده و آنرا «تحفهٔ محمدی» نامیده است. بروزن «فاعلاتن مفاعلن فعلن یا فعلات» از مزاحفات بحر خفیف مسدس سروده شده است. تقسیمات بر اساس عنواناتی است که بر حسب موضوعات مختلف از طرف شاعر بر گزیده و به شنگرف نوشته شده است. همانند مثنوی اول در مسائل دینی و ادبی و عرفانی و اخلاق و تعلیمی و تربیتی است. از آیات قرآنی واحادیث نبوی و کلمات مشایخ و سخنان اولیاء الله بهره‌مند شده است. روی هم رفته می توان گفت که این مجموعه به سبک «مثنوی‌مولوی» و «حدیقه الحقیقهٔ سنائی» و«منطق الطیر عطار» سروده شده است. تحفهٔ محمدی را تحفهٔ ثانی نیز خوانده است که ماده تاریخ سرودن مثنوی می بایستی باشد اما با حساب ابجد «۱۰۵۴» می شود که معقول نیست زیرا مثنوی تحفهٔ احمدی در ۱۲۶۳ سروده شده بنا بر این مثنوی تحفهٔ محمدی باید لااقل در ۱۲۶۴ یا ۱۲۶۵ سروده شده باشد. ابیات این دو مثنوی محکم و منسجم و روان و خوش وزن است و به «سبک عراق» می ماند. در آغاز و انجام این نسخه بعضی یادداشت‌ها و اشعار پراکنده آمده است: ازجمله یک«مثنوی» کوتاه بدین مطلع :

قبلهٔ شاهان بود تاج و کمر قبلهٔ ارباب دینا‌سیم و زر.

۲۹۰
۵۴۴

مجموعه

۱- تحفةالسالیة فی شرح اسماء الله ، ۲- شرح اورادفتحیه

[دین، اخلاق و عرفان ، فارسی، منثور]

۱- اندازه : -بیرونی : ۲۲×۱۶×۳ س م. -درونی : ۱۵ س ۱۵×۹ س م.

۲- اوراق : ۱۰۶ ورق. ۲۱۲ صفحه.

۳- **کاغذ** : ضخیم زرد تیره رنگ سیالکوتی ، آب رسیده ، کرم خورده ، وصالی شده ، جلد پارچه ی زرد گون و پوسیده .

۴- **خط** : ثلث ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشانها و سر فصلها شنگرف ، اسماء الحسنی ثلث جلی و سیاه و معرب (مشکول) ، قرن ۱۱ ه ق.

۵- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» معلوم نشد چون از آخر ناقص است.

۶- **مؤلف** : یا «شارح» رسالهٔ اول : «**ملک جامی» یا «جامی»** ، نام تألیف (شرح): «**تحفهٔ السمائیهٔ فی شرح اسماء الله**» ، تاریخ تألیف معلوم نشد. در فهرست تألیفات «**مولانا نور الدین عبد الرحمن جامی ۸۱۷–۸۹۷ ه ق**» نام این نسخه نیامده است ، شاید از کسی دیگر باشد به نام «جامی» یا «ملک جامی» که نامش در صفحهٔ اول این نسخه آمده است: «می گوید گوشه نشین کوی گم نامی اصبر (ناخوانا) ملک جامی که به حال هر مؤمن انسب آنست که پیوست از کنوز رمز اسمای الهی و آثار انوار نامتناهی آن . . . بالعون والهدایهٔ والمرایهٔ و تسمیهٔ بتحفهٔ السمائیهٔ فی شرح اسماء الله بقاء لا فناء».

مؤلف یا (شارح) رسالهٔ دوم: «**جعفری**» ، نام تألیف: «**شرح اوراد فتحیه**». در صفحهٔ ۱۲۴ و ۱۲۵ چنین آمده است: «اما بعد همین گوید . . . احقر عباد جعفری عفی الله عنه پوشیده نماند که این «**اوراد فتحیه**» منسوب است به . . . حضرت امیر سید علی همدانی قدس الله سره . . . اورادیست خیر البرکات . . . چنانکه در وقت تفسیر این کلمات شواهد و بینات ذکر کرده آید».

۷- **آغاز** : **تحفهٔ السمائیهٔ فی شرح اسماء الله (ص ۱)**: «رب یسر و تمم بالخیر ، بسم الله الرحمن الرحیم ،

حمد از پی نام یار گفتن خوشتر و از گفتن او چو گل شکفتن خوشتر
نامش چو گهر شرح سفتن خوشتر شرح غم او بدل نهفتن خوشتر

بعد از حمدی که راویان حدیث صحیح و قل ما اوحی الیک بلسان بیان لا احصی ثناء علیک بعجز و قصور از ایراد آن معترفند».

۸- **انجام** : **ایضاً (ص ۱۲۳)** : «نقل است که یکی از بزرگان بر کاغذی نوشته بود که فاصبر لحکم ربک فانک باعیننا. هر وقت ویرا رنجی رسیدی آن

کاغذ بیرون کردی و بر خواندی خاصیت هرکس را مصیبتی یا رنجی رسد سی و سه هزار بار اسم الصبور بخواند باطن او آرام گیرد تمام شد شرح نود و نه نام حق سبحانه و تعالی».

—آغاز : **رسالهٔ دوم ، شرح اورادفتحیه** (ص ۱۲۴) : «بسم‌الله الرحمن الرحیم، الحمد لله الفتاح‌الذی فتح علی المستفتحین ابواب الفتوح و جعل اوراد الفتحیه اذواد الراکبین علی النفس الجموع و الصلوة والسلام علی رسوله محمد سید اهل الارشاد و علی آله و اصحاب الراغبین الی سبیل الرشاد».

—انجام : **ایضاً** (ص ۲۱۲) : ناقص است و چنین انجام می یابد: «مثلاً القدوس و السلام و الغنی راجع‌اند به ذات باسبب تقایض اما در القدوس مراد ذات است با سبب آنچه فهم و وهم و درک عقل به آن رسد و در السلام مراد ذاتست با سبب قسمت و نفی نظیر والخبیر و الحکیم و الشهید و المحصی راجع‌اند به صفت علم با مزید اضافتی چه الخبیر دلالت بر علمی کند مضاف».

۹- **چگواگی:** موضوع این نسخه شرح «**۹۹ نام**» از اسماء باری تعالی است. روش شرح چنین است که اول «نام» را می نویسد و سپس از لحاظ صرف و نحو و لغت و معنی آنرا به زبان فارسی شرح و تفسیر و توضیح می کند. برای تقسیم بندی مطالب الفاظ «قوله» و «خاصیت» و «تنبیه» را تکرار می کند. نثر فارسی آن خوب و محکم و منسجم است. شارح برای شواهد و اثبات کلام خود، از اشعار بر گزیدهٔ فارسی استفاده می کند. در گوشه و کنار صفحات و درمیان سطر ها بعضی یادداشتهای ادبی و لغوی آمده است. از صفحه ۱۲۳ تا آخر نسخه، «شرح اوراد الفتحیه» کتابت شده. در صفحهٔ ۱۲۳ یک یادداشت فقهی آمده است که تاریخ «۱۱۴۰» دارد.

۸۹۰
———
۴۷۹

مجموعه

۱— جواهرالآلی ، ۲— گلشن راز

[ادب ، عرفان و تصوف ، فارسی ، منظوم «مثنوی»]

۱ - **اندازه :** —بیرونی: ۱۷ × ۱۰ × ۵/۰ س‌م. —درونی: ۱۳ س (بیت در متن) ۲۲ س (هر سطر یک مصراع در کنارهٔ صفحات) جمعاً هر صفحه ۲۵ بیت. ۵/۱۶/۹ س‌م.

۲- اوراق : ٤٣ ورق . ٩٦ صفحه .

۳- کاغذ : نازک سفید تیره رنگ سمرقندی ، وصالی شده ، جلد تیاجی .

٤- خط : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشان ها و سرفصلها شنگرف ، جدولهای دو خطی میان مصاریع و کناره و گوشهٔ بیرونی صفحات سیاه و زرین و جدولهای ٥ خطی کنارهٔ متن لاجوردی و سیاه و زرین ، نقاشی های دندان موشی و سه لیم ترنج در صفحهٔ اول . قرن ۱۱ ه ق.

٥- کاتب : نام «کاتب» ندارد . تاریخ کتابت : «۱۱٤۳ ه ق». در کنارهٔ صفحهٔ ٩٤ اینگونه آمده است . «تمام شد کتاب بعون الملک الوهاب بتاریخ بیستم شهر شوال سنهٔ ۱۱٤۳ ه ق هجریه المقدسه المیمونه تم» (۱٦ بار) .

٦- مؤلف : در این مجموعه دو مثنوی موجود است . مثنوی اول در متن قرار دارد به نام «**جواهر اللآلی**» و مثنوی دوم درکنارهٔ صفحه ها کتابت شده به نام «**گلشن راز**». نام شاعر و تاریخ سرودن و گرد آوردن مثنوی جواهر اللآلی معلوم نشد و لیکن آنرا می توان بر گزیدهٔ منتخب مثنوی مولوی بلخی دانست . نام شاعر مثنوی دوم : «**شیخ محمود شبستری ٦٨٧—٧٢٠ ه ق**» نام مثنوی: «**گلشن راز**» ، تاریخ سرودن آن: «**٧١٧ ه ق**». در بارهٔ مثنوی اول چنین آمده است : «بدانکه غواص فکر را در بحر مثنوی فرو فرستم و هر لآلی و دری که بدست آید در سلک ابواب کشم چون سعادت توفیق به‌پیش بردن فرمان مساعدت کرد انتظام (؟) این کتاب را بر شصت و سه باب بنا نهادم آنرا جواهر اللآلی نام کردم و بالله التوفیق»

دربارهٔ مثنوی دوم در کنارهٔ صفحهٔ ۳ و ۹۳ چنین آمده است : «صبح نظم کتاب از افق عبارات دمیدن و گوهر معانی برشتهٔ الفاظ کشیدن.

گذشته هفت ده از هفتصد سال ز هجرت ، ناگهان در ماه شوال
از آن گلشن گرفتم شمهٔ باز نهادم نام او را گلشن راز»

۷- آغاز : مثنوی اول ، **جواهر اللآلی** (ص ۱) : ناقص و گویا یک ورق افتادگی دارد و چنین آغاز می گردد : «بدین فرمودند لاجرم باعثم شد بدانکه غواص فکر را در بحر مثنوی فرو فرستم و هر لآلی و دُرّی که بدست آید در سلک ابواب کشم چون سعادت توفیق به پیش بردن فرمان مساعدت کرد در انتظام (؟)

این کتاب را بر شصت و سه باب بنا نهادم و آنرا جواهر اللالی نام کردم و بالله التوفیق ، باب اول در بیان توحید الله تعالی جل ذکره گوید :

بشنو از نی چون حکایت میکند و از جدائیها شکایت میکند»

۸- **انجام :** ایضاً ناقص است و تا آخر «باب پنجاه و نهم در بیان جمع و توحید» ادامه دارد و اینگونه ختم می شود :

«صورت من کو برد من یا قسم نقش کم نامد چو من تا یا قسم
چون تمنوا گفت حق ای صادقین صادقم جانرا بر افشانم بدین
مرگ شیرین گشت و نقلم زین سرا چون قفس هشتی برند آن مرغ را
آن قفس که هست عین باغ در مرغ می بیند گلستان سحر»

—آغاز : **مثنوی دوم ، گلشن راز (کنارهٔ صفحهٔ ۱)** ، ناقص است :

«در آن دم شد پدید این عقل تمییز که تا دانست از آن اصل همه چیز
چو خود را دید یک شخص معین تفکر کرد تا خود چیستم من
ز جزوی سوی کلی یک سفر کرد و ز آنجا بار هر عالم گذر کرد
جهان را دید امر اعتباری چو واجد گشت در اعدادسپاری» (؟)

—انجام : **ایضاً (ص ۹۶) :**

«بچشم منکری منگر در و خوار که گلها گردد اندر چشم تو خار
نشان نا سپاسی ناشناسی است شناسایی حق اندر حق شناسی است
غرض زین جمله آن تا گر کند یاد عزیزی گویدم رحمت برو باد
بنام خویش کردم ختم پایان الٰهی عاقبت محمود گردان»

۹- **چگونگی:** موضوع این مجموعه «مثنوی عرفانی» و به طور کلی «عرفان و تصوف» است. مثنوی اول به نام «جواهر اللآلی» در متن آمده و بر گزیده یی است از شش دفتر مثنوی در موضوعات مختلف ، مانند : «صوفی و تصوف ، قناعت ، عقل و حکمت ، ریاضت ، دعا ، معرفت نفس ، معرفت دل ، مدعیان کذاب ، مشایخ کامل و ناقص». تقسیمات آن بر ۶۳ باب است و جمعاً ۱۲۴۸ بیت دارد. مثنوی دوم گلشن راز شیخ محمود شبستری در کنارهٔ صفحه ها آمده است. این مثنوی از آغاز ناقص و از آخر کامل است و تحت عنوانهای گونا گون از قبیل «سؤال» و «جواب» و «تمثیل» و قاعده» تقسیم شده است و در حقیقت سؤال و جوابی است که میان شیخ محمود شبستری و شخصی

بنام امیر حسینی هروی شده است. در حدود . . . ابیت دارد. شیخ شبستری گوید: من شاعر نیستم سرودن شعر را فقط برای مقاصد خود برگزیده ام. نسخهٔ گلشن راز چاپ‌های متعدد شدهٔ است، اما چاپ شده «جواهر اللآلی» تا کنون به نظر نرسیده است. درمیان سطرها و درکنارهٔ صفحات بعضی یادداشت‌های عرفانی و توضیحاتِ ادبی به خط ناپخته آمده است.

۸۹۰ و ۴۹۰
۳۷۲

مجموعه

۱- چار گلزار، ۲- مختصر بدیع شرح نصاب بدیع العجایب، ۳- صرف، ۴- میزان الصرف، ۵- اوزان المصادر، ۶- صرف معزی، ۷- صرف زنجانی

[ادب و زبان شناسی، فارسی و عربی، منثور و منظوم]

۱- **اندازه**: —بیرونی: ۲۲/۵×۱۴/۵×۲/۵ س‌م. —درونی: ۱۶×۹ س‌م. ۱۱و۱۳س

۲- **اوراق**: ۱۷۶ ورق. ۳۵۲ صفحه.

۳- **کاغذ**: ضخیم خاکستری رنگ سپاهانی، کرم خورده، اندکی وصالی شده، جلد تیماجی سیاه نقش دار ساییده شده.

۴- **خط**: نستعلیق خوش، خوانا، روشن، پخته، عنوانها و سرفصلها و نشانها شنگرف، جدول یک خطی کنارهٔ بیرونی صفحات لاجوردی، جدول ۷ خطی کنارهٔ متن لاجوردی و سرخ و سیاه و سبز و زرد گون، ۵ سر لوح در زمینهٔ لاجوردی و زرین به سبک کشمیری. قرن ۱۲ هـ ق.

۵- **کاتب**: نام «کاتب» ندارد، اما تاریخ کتابت «۱۲۸۰ هـ ق» یا «۱۹۲۸ بکرمی» است. در صفحهٔ آخر چنین آمده است: «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب بتاریخ بیست و پنجم ماه مکرسموت یکهزار و نهصد و بیست و هشت بکرمی بر ساعت سعید صورت ارقام یافت العاقبت بالعافیت» و در صفحهٔ ۲۱۹ اینگونه: «نصاب بدیع العجایب من تصنیف امیر خسرو دهلوی دهم شهر رمضان یوم جمعه سنهٔ ۱۲۸۰ بعون ملک الوهاب تحریر یافت العاقبت بالعافیت».

۶- **مؤلف**: نام مؤلف کتاب اول «نثاری»، نام تألیف «چار گلزار»، تاریخ تألیف معلوم نشد، اما در عهد «مستر کور اوزلی» که گویا حاکم یا کارگزار زمان

مؤلف بوده است تألیف شده است : «اضعف بندگان باری نثاری چنین گوید که روزی . . . مستر کور اوزلی صاحب . . . ارشاد فرمودند که برای معلومات قواعد کلیهٔ ترکیب عبارت پارسی . . . کتابی متضمن قواعد کلیه به عبارت مختصر مرتب شود . . . چون این کلام شنیدم بدل پسندیدم و بجان برگزیدم و این کتاب را تألیف نموده مسمی به چار گلزار گردانیدم ».

نام مؤلف یا (شارح) کتاب دوم: «**محمد شریف ولد شیخ محمد اشرف ابن شیخ برخوردار**» ، نام تألیف (شرح): «**مختصر بدیع**»، تاریخ تألیف معلوم نشد. اصل متن «نصاب بدیع العجایب» تألیف «امیر خسرو دهلوی» است: «اما بعد حمد و صلوة میگوید احقر مور ضعیف فقیر محمد شریف ولد شیخ محمد اشرف ابن شیخ برخوردار متوطن قصبهٔ بهلول سرکار لکهنؤ مضاف صوبهٔ اوده که دریافت صنعت های قطعات لغات عربی جناب مقدس حضرت امیر خسرو دهلوی . . . دشوار تر می نمود لهذا بمراعات بیست و چهار رباعیات که محتوی بر عروض بحور قطعه‌های مذکور است‌و پانزده صنعتی که در این بیست و سه قطعهٔ نصاب بدیع العجایب بود کوشید همه را مفصل جمع نمود . . . امید از مطالعه کنندگان این مختصر بدیع آنست که . . . . . مشاهده نمایند و اصلاح فرمایند ». نام رسالهٔ سوم : «**صرف**» ، نام مؤلف و تاریخ تألیف آن صریح و واضح معلوم نشد ، اما به احتمال قوی نام مؤلف «میر سید شریف جرجانی» است. نام رسالهٔ چهارم: «**میزان الصرف**» ، و پنجم «**اوزان المصادر**» و ششم : «**صرف معزی**» یا «**معزی**» ، نام مؤلف و تاریخ تألیف صریح و واضح معلوم نشد، اما شاید **مؤلف** «**معزی**» باشد. نام رسالهٔ هفتم: «**صرف زنجانی**» یا «**زنجانی**» ، نام **مؤلف** و تاریخ تألیف صریح و واضح روشن نشد، اما شاید مؤلف «**زنجانی**» باشد (رک : فهرست‌نسخه‌های خطی کتابخانهٔ گنج بخش ، تألیف محمد حسین تسبیحی ، ج ۱ ، ص ۱۱۵ ، ۱۳۷).

۷- آغاز : **رسالهٔ اول—چار گلزار (ص ۲)** : «بعد حمد بیحد ایزد صمد لم یلد و لم یولد و نعت سید امجد اضعف بندگان باری نثاری چنین گوید که روزی بنده را صاحب بلند اقبال دریانوال روشن قیاس مردم شناس معنی‌رس دستگیر هر یتیم و بیکس گوهر درج فتوت نیر برج مروت ».

۸- انجام : **ایضاً (ص ۱۷۱)** : «نایره حرف است که بمرید پیوندد خواه یک حرف مانند

شین درین بیت ، بیت :

دل که به دست تو سپردستمش   باز ده ای جان که نبردستمش

خواه بیشتر مانند میم و شین درین بیت ، بیت :

آن دل که بدست توسپرد ستیمش   ای جان بده اکنون که نبردستیمش

و رعایت این چار حرف در قافیه از ضروریات است ، چرا که بی رعایت این قافیه صحیح نمی شود ، الحمد لله که نسخهٔ چار گلزار که در قواعد فارسی بسیار برآمد کار است بوجه احسن اختتام تصنیف یافت».

—آغاز : (رسالهٔ دوم ، **مختصر بدیع یا شرح نصاب بدیع العجائب**) ، (ص ۱۷٤) : «سپاس بی قیاس مرصانع حقیقی را که صورت بدایع مصنوعات گوناگون و شکل صنایع موجود بوقلمون بدو حرف کاف و نون پیدا نمود ، و درود نامعدود بر محمد محمود و اولاد مسعود و اصحاب ودود اوباد ، اما بعد حمد و صلوة میگوید».

—انجام : ایضاً (ص ۲۱۹) :

« نضج پختن نفخ قبض و بغض غین   شیب شیخی خبث رشتن زیب زین
این سه صنعت هست ده بیت تمام   چار رقطا چار خیفا ای امام
لیک منقوطه دو بیت آمد از آن   تا معارض عاجز آید اندر آن

نصاب بدیع العجائب من تصنیف امیر خسروی دهلوی دهم شهر رمضان یوم جمعه سنهٔ ۱۲۸۰ بعون ملک الوهاب تحریر یافت العاقبت بالعافیت».

—آغاز : **رسالهٔ سوم ، صرف** (ص ۲۲۲) : «بدان ارشک الله تعالی فی الدارین که کلمات عرب بر سه قسم است اسم است و فعل است و حرف است. اسم همچو رجل و فرس ، فعل همچو نصر و حمد ، و حرف همچو من و عن و الی».

—انجام : **ایضاً** (ص ۲۶۵-۲۶۶) : «فضلی یک زن فاضل تر است صیغهٔ واحد مؤنث اسم تفضیل ، فضلیان دوزن فاضل تراند صیغهٔ تثنیهٔ مؤنث اسم تفضیل ، فضل سه زن فاضل ترند یا بیشتر صیغهٔ جمع مؤنث اسم تفضیل ، تمت الکتاب صرفه بعون ملک الوهاب مرقوم الاختتام بتاریخ ۸ شهر رمضان یوم چار شنبه سنهٔ ۱۲۸۰».

—آغاز : **رسالهٔ چهارم ، میزان الصرف** (ص ۲۶۸) : «الحمد لله رب العالمین والعاقبه

للمتقین والصلوة علی رسوله محمد و آله و اصحابه اجمعین بدان اسعدک الله تعالی فی الدارین که جملهٔ افعال متصرفه برسه گونه است ماضی و مستقبل و حال».

—انجام : **ایضاً (ص ۳۲۱) :** «اوزان اسم مفعول مفعول فعول و فعیل چون جریح بمعنی مجروح و فعله چون ضحکه و قل فعل چون قبض بمعنی مقبوض و فعل چون ذبح بمعنی مذبوح فاعل چون کاتم بمعنی مکتوم ، تمام شد». پس از این جملات پایان «دایرهٔ چهل و سه ابواب منشعب» رسم شده است که تمام اوزان افعال را در پنج دایرهٔ متحد المرکز ثبت کرده است.

—آغاز : **رسالهٔ پنجم، اوزان المصادر (ص ۳۲۴):** «الحمدلله رب‌العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة علی رسوله محمد و آله و اصحابه اجمعین بدان رزقک الله تعالی فی الدارین که جملهٔ افعال متصرفه و اسماء متمکنه از روی ترکیب حروف اصلی بر دو گونه است ثلاثی و رباعی».

—انجام : **ایضاً (ص ۳۶۷) :**

« بعد خوض تمام و استقراء	آمـد اقعنسس و اسلنقاء
بهر تیسیر حفظ و ضبط تمام	کردمش نظم بادعا و سلام

تمت تمام شد اوزان المصادر العاقبة بالعافیت».

—آغاز : **رسالهٔ ششم ، تعریف الافعال یا معزی (ص ۳۷۰) :** « الحمد لله علی نعمائه والصلوة والسلام علی رسوله محمد خاتم انبیاء ، اما بعد فهذه جملة من تعریف الافعال مضبوطة جاریة یجری المدخل فی الکتب المبسوطة وهی تشتمل علی اربعة ابواب».

—انجام : **ایضاً (ص ۳۹۴) :** « و فیها ان الضم ما قبلها نحو تدعین و ادعی فتسقط بعد التسکین مع نقل الحرکة و فیها ان انکسر ما قبلها نحو ترمین و یرمی فتسقط بعد التسکین محسب تمام شد معزی».

—آغاز : **رساله هفتم ، صرف زنجانی (ص ۳۹۶) :** « الحمد لله رب العالمین و العاقبة للمتقین والصلوة والسلام علی رسوله محمد و آله و اصحابه اجمعین ، اعلم ان التصریف فی اللغة التغیر و فی الصناعة تحویل الاصل الواحد الی امثلة مختلفة المعان مقصودة».

-انجام : ایضاً (ص ۴۲۶) : « تنبیه المرة من المصدر الثلاثی المجرد علی فعلة بالفتح فتقول ضربت ضربة ، قمت قومة ، و مما زاد علی الثلثة بزیادة الهاء کالاعطاء، والانطلاقة الا ما فیه تاء التأنیث منها فالوصف بالوحدت کقولک رحمة رحمة واحدة و دحرجة دحرجة واحده و الفعلة بالکسرة النوع من الفعل هو حسن الطمعة و الجلسة تمت الکتاب زنجانی بعون ایزد سبحانی ».

۹- چگونگی : در این مجموعه ، هفت رساله موجود است. ۵ رسالهٔ فارسی و ۲ رسالهٔ عربی. رسالهٔ اول به نام چهار گلزار متنی است ارزنده در قواعد املاء و حروف و دستور زبان فارسی و صنایع لفظی و معنوی و اوزان عروضی و قوافی که مخصوص تدریس تألیف شده است. تقسیمات آن بر اساس « گلزار» و «گل» است و جمعاً «۴ گلزار» و «۱۳ گل» دارد بدین شرح :

گلزار اول مشتمل بر پنج گل : گل اول در بیان تقسیم اسمای تهجی و تفصیل زبان فارسی. گل دوم در اقسام افعال و اسامی حرکات و سکنات. گل سوم در تشریح انواع حروف مفرده و مرکبه و تغیر و تبدیل بعضی از حروف. گل چهارم در تقسیم اضافت و قاعدهٔ معمول بر قلب. گل پنجم در تفسیر اماله و ترخیم و قاعدهٔ متفرقات وغیره. گلزار دوم مشتمل بر دو گل : گل اول در صنایع لفظی. گل دوم در صنایع معنوی. **گلزار سوم** مشتمل بر دو گل : گل اول در اقسام نظم و ابتدای شعر. گل دوم در عروض. **گلزار چهارم** متضمن بر سه گل : گل اول در تشبیه. گل دوم در استعاره . گل سوم در قوافی .

مؤلف در این رساله نظم و نثر فارسی را به هم آمیخته است و اشعار شیرین و جملات لطیف فارسی را برای شواهد ادبی در یک جا گرد آورده است. رسالهٔ دوم، مختصر بدیع یا شرح نصاب بدیع العجایب که در موضوع صنایع بدیعی و لغت است. شارح «محمد شریف ولد شیخ محمد اشرف ابن شیخ برخوردار» مقدمه‌یی در معانی اصطلاحات بدیعی ، مانند تجنیس و تعریب و مقطع و موصل داده است و سپس ۲۳ قطعه شعر در ۱۸۳ بیت از اوزان مختلف عروضی شامل «۱۵ صنعت ادبی» سرودهٔ امیر خسرو دهلوی را نقل کرده است و الفاظ عربی و فارسی را تشخیص داده و برای هر کدام علامتی اختیار نموده است ، مثلاً «مش» برای لغات مشترک ، «مع» برای معرب ،

«عف» برای عربی و فارسی. ۵ رسالهٔ دیگر در موضوع صرف و نحو عربی است . ۳ رسالهٔ فارسی و ۲ رسالهٔ عربی . در صفحه ۲۲۲ (رسالهٔ چهارم) یک دایره رسم شده که در حقیقت ۵ دایرهٔ متحد المرکز است و همهٔ ابواب افعال ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید فیه و رباعی مجرد و رباعی مزید فیه در آن گنجانیده شده است و شبیه دوایر عروضی است و آنرا «دایرهٔ چهل و سه ابواب منشعب» نام کرده است. از صفحهٔ ۲۹۴ تا ۲۶۷ (رسالهٔ پنجم) ۳۰ بیت فارسی در قواعد صرف و ابواب افعال تحت عنوان «نسخهٔ مختصر منشعب منظوم» آورده است. درمیان سطرها و گوشه و کنار صفحات معانی لغات و یادداشت ها و توضیحات لغوی و دستوری افزوده شده است.

۲۹۰ و ۸۹۰
۵۰۴

مجموعه

۱- در المجالس ، ۲- چهل حدیث ، ۳- وصلت نامه، ۴- گلشن راز

[دین و ادب ، فارسی و عربی، منثور و منظوم]

۱- **اندازه :** —بیرونی: ۱۷/۵×۱۰/۵×۵/۵س‌م. —درونی: ۱۱ و ۱۲ س ۱۵×۸/۵ و ۱۴/۵س‌م.

۲- **اوراق :** ۳۲۹ ورق. ۶۵۸ صفحه.

۳- **کاغذ :** ضخیم لاجوردی کم رنگ فرنگی و سفید و خاکی رنگ هندی. اندی آب رسیده. جلد مقوایی و تیماجی ضربی منقش ، شیرازه دار ، پوسیده.

۴- **خط :** نستعلیق و تحریر و شکسته ، خوانا ، روشن ، عنوانها و نشان ها و سر فصلها و بعضی جملات شنگرف ، قرن ۱۲ و ۱۳ ه‍ ق.

۵- **کاتب :** نام کاتب در آخر رسالهٔ چهل حدیث (ص ۴۹۵) : **«درویش سید باق»** آمده است: «این چهل حدیث تمام شد کتبه درویش سید باق». تارخ کتابت ندارد .

۶- **مؤلف :** نام مؤلف نسخهٔ اول ، **«سیف ظفر نوبهاری»**: نام تألیف: **«در المجالس»**. تارخ تألیف معلوم نشد (رک : در المجالس ۸۹۰/۴۸۰ ، ص ۱۷۵). نام مؤلف

یا شاعر و یا شارح نسخهٔ دوم ظاهراً معلوم نشد ، نام تألیف: **«چهل حدیث»** یا **«اربعین حدیث»** ، تاریخ تألیف یا شرح و یا نظم معلوم نشد. در صفحهٔ ۴۹۵ چنین آمده است : «این چهل حدیث تمام شد». نام تألیف (مثنوی) سوم: **«وصلت نامه»** ، نام مؤلف (شاعر) : **«عطار نیشابوری متوفی ۶۲۷ھ ق»**، تاریخ تألیف (سرودن) معلوم نشد . در ص ۵۰۱ چنین آمده است :

«نام این را کرده وصلت نامهٔ من ز آنکه وصلت دیده ام در خویشتن»

نام نسخه (مثنوی) چهارم : **«گلشن راز»** ، نام مؤلف (شاعر) : **«شیخ محمود شبستری»**، تاریخ تألیف (سرودن) : **«۷۱۷ھ ق»** (رک :گلشن راز ۸۹۰/۴۷۹ ص ۴۱۷) :

«گذشته هفت ده هفتصد سال زهجرت‌نا گهان‌درماه شوال(ص۵۷۶)
از آن گلشن گرفتم شمه بی باز نهادم نام او را گلشن راز»(ص۶۵۸)

۷- آغاز : **نسخهٔ اول در المجالس (ص ۱)** : ناقص و یک ورق افتادگی دارد. «سیلی بر سر مقربان نهاد نبوت ولایت را در صحیفهٔ ان الدین سبقت لهم و کتب منا الحسنی اثبت گردانید و ایمان و السلام در لوح کتب فی قلوبهم الایمان نقش بست و سینهٔ محبوبان مقرب را بعلم لدنی که سرمایهٔ خدایت اوست متجلی گردانید».

۸- انجام : **ایضاً (ص ۴۴۸)** : ناقص و شاید یک ورق افتاده باشد : «و جوانی که دادی آنرا پیری نباشد و ملک الاباد و روزی گردانیدی که آنرا زوالی نباشد بالطاف عام و اشفاق تمام همه میعاد بر قبضهٔ الکریم اذا وعده وفا وفا کردی و نعمت های گونا گون دادی مگر یک نعمت».

—آغاز : **نسخهٔ دوم ، چهل حدیث (ص ۴۵۳)**: ناقص و افتادگی دارد : «حب الدنیا رأس کل خطیئة :

حب دنیا سر گناهانست هر که او دشمنست خندانست
زانکه پیغمبر خدا گفتست حب دنیا گناش چندانست»

—انجام : **ایضاً (ص ۴۹۵)** :

گر قلم گردد ومداد شود همه اشجار باغ دهر نجار
حاسب کاسب ار شود ثقلین فضل حیدر برون بودز شعار

اللهم و ال من والا عاد من عاداه واخذل من خذله و نصر من نصره علی علته لعن من ظلم حقه رسول صلی الله علیه را که میفرماید که خدا دوست آنرا که دوستی من داشته باشد و دوستی علی و فرزندانش».

—آغاز : **نسخهٔ سوم، وصلت نامه** (ص۴۹۷) : ناقص، یک ورق افتاده دارد :

«باز بعضی جاکری و لشکری در ره حق باز مانده از خری
باز بعضی قاضیان ده شده بیخبر از راه کی آگه شده
باز بعضی عامی و مسکین شده باز بعضی جاهل بی دین شده
باز بعضی عاشقان شد پای بند بیخبر از عاشقان درد مند»

—انجام : **ایضاً** (ص ۵۶۸) :

«صورت ما صورت شرع نبیست در طریقت شاه من میدان علیست
جبرئیل از حق تعالی این فقیه تا یکی گویی تو این صورت فقیه
صورت تو نیست به از صورتم زانکه من در علم معنی قدرتم
هر که گوید بدزبان الکن شود جو سر میدان سر بی تن شود»
در نوشتن ختم کردم این کتاب عنده و الله اعلم بالصواب
خط بماند من نمانم با قیا فاتحه بر خوان که باشد مستجاب»

—آغاز : **نسخهٔ چهارم، گلشن راز** (ص ۵۷۴) ! «کتاب گلشن راز، بسم الله الرحمن الرحیم، و به نستعین :

بنام آنکه جانرا فکرت آموخت چراغ دل بنور جان بر افروخت
ز فضلش هر دو عالم گشت روشن ز فیضش خاک آدم گشت گلشن
توانایی که در یک طرفة العین ز کاف نون پدید آورد کونین
جو قاف قدرتش دم برقلم زد هزاران نقش بر لوح عدم زد»

—انجام : **ایضاً** (ص ۶۵۸) : ناقص و یک ورق افتادگی دارد : «خاتمه تمت کتاب :

ازآن گلشن گرفتم شمه یی باز نهادم نام اورا گلشن راز
درو از راز دل گلها شگفتست که تا اکنون کسی دیگرنگفتست
زبان سوسن او جمله گویاست عیون نرگس او جمله میناست
تأمل کن بچشم دل یکایک که تابرخیزداز پیش تو این شک»

۹- **چگونگی:** در این مجموعه ۴ نسخه موجود است : نسخهٔ اول «در المجالس» در موضوع حکایات دینی و داستانهای عرفانی و قصه های اخلاق بر اساس قرآن شریف و

حدیث و عقیدهٔ اهل سنت و جماعت است. و جمعاً ۳۳ باب دارد (رک : در المجالس ۴۸۰/۸۹۰). نسخهٔ دوم «چهل حدیث» نام دارد در صورتی که شامل ۴۰ حدیث است در موضوع اخلاق و دین و تقوی و زهد و سعادت و شقاوت و منقبت و نعت‌است. هر حدیث به دو بیت فارسی ترجمه شده است. ابیات فارسی بروزن بحر خفیف مسدس ساخته شده است و جمعاً ۳۲۰ بیت دارد. تقریباً نیمی از احادیث در بارهٔ حضرت محمد (ص) و نیمی در بارهٔ حضرت علی (ع) است. نسخه سوم مثنوی «وصلت نامه» در موضوع عرفان و تصوف و صفت فقر و مریدی و مرادی و وجد و سماع و مراحل سالک در طریق الی الله است. عطار اسامی چند مثنوی و تألیف خود را در این نسخه ذکر کرده است : «مظهر العجائب ، اشترنامه ، منطق الطیر ، اسرار نامه ، محبت نامه ، خسرو نامه ، بلبل نامه ، الهی نامه ، پند نامه ، تذکرة الاولیاء. مثنوی «وصلت نامه» بروزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلات (فاعلن)» ، از مزاحفات بحر رمل مسدس‌محذوف یا مقصور است و جمعاً در حدود ۱۰۰۰ بیت دارد. نسخهٔ چهارم مثنوی گلشن راز ، در موضوع عرفان و تصوف، و شامل حکایات عرفانی و تمثیلات روحانی و قواعد سیر و سلوک است و بروزن «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل (فاعلن)» ، از مزاحفات بحر هزج مسدس محذوف و مقصور است و جمعاً در حدود ۱۰۰۰ بیت دارد. از صفحهٔ ۴۵۰ تا ۴۵۲ یک قصیده «در وصف حضرت علی (ع) ، کتابت شده است که در آغاز آن نوشته» ، قصیدهٔ حافظ ، به مطلع :

«آن گلبن باغ وفا آن سرو بستان صفا خورشید چرخ اصطفایعنی علی مرتضی»

و مقطع :

«حافظ خموشی پیشه کن درکار خود اندیشه کن
قطع نظر زین پیشه کن گر سر بباید مر ترا»

از صفحهٔ ۵۷۰ تا ۵۷۲ نیز قصیده یی دیگر در منقبت حضرت علی (ع) آمده است بدین مطلع :

یا علی یا اهلیا یا بوالحسن یا بو تراب
حل مشکل سرور دین شافع یوم الحساب

در این قصیده اسامی و صفات حضرت علی (ع) شمرده شده است. بر رویهٔ درونی و بیرونی جلد نیز بعضی مطالب دینی و صرف و نحو آمده که گویا از کتابی دیگر بریده و الصاق شده است.

۲۹۰ و ۸۹۰
۳۹۷

مجموعه

۱- دیوان صائب ، ۲- سراج القلوب ، ۳- ظفر نامه

[دین و ادب ، فارسی ، منظوم و منثور]

۱- **اندازه** :—بیرونی : ۲۵×۱۵×۵/۳ س م. —درونی ۱۲ و ۱۵ س ۱۷×۵/۹ و ۱۸× ۱۰ س م.

۲- **اوراق** : ۲۰۹ ورق. ۴۱۷ صفحه.

۳- **کاغذ** : ضخیم سفید رنگ کشمیری ، جلد چرمی ضربی سرخ شیرازه دار.

۴- **خط** : نستعلیق ، خوش ، خوانا ، روشن ، رسم الخط اردو ، قرن ۱۲ ه ق.

۵- **کاتب** : «**محمد امین خان ولد روشن خان**» ، تاریخ کتابت : «**۱۲۰۷ ه ق**» : «تمام شد نسخهٔ دیوان صائب از خط نازیبا نمط محمد امین خان ولد روشن خان مالک موضع کوپال بور پرگنه سرس در عهد بادشاه عالم پناه ظل یزدانی شاه علی کوه بادشاه سنهٔ ۴ جلوس والا مطابق سنهٔ ۱۲۰۷ فصلی بمقام بلنده عظیم آباد بمکان و در محلهٔ مهدروی همراه پسران راجه امام بخش خان زمیندار برکهنه شهر کهالی پسرزادهٔ غلام حسین خان مرحوم و مغفور تحریر یافت.

من نوشتم صرف کردم روزگار من نمانم این بماند یادگار»

البته «**سراج القلوب**» و «**ظفر نامه**» را که در این مجموعه موجود است همین کاتب کتابت کرده است.

۶- **مؤلف** : یا (شاعر) : «**صائب**» یا «**صائبا**» که نام کامل او «**میرزا محمد علی بن میرزا عبدالرحیم صائب تبریزی ۱۰۱۶-۱۰۸۱ ه ق**» است. در مقطع غزلیات نام و تخلص شاعر آمده است. نام تألیف : «**دیوان صائب**» ، تاریخ تألیف در «دوران عمر شاعر» :

«تانگردیده‌است از قد دو تا پا در رکاب بهره یی بردار صایب از شراب زندگی

نام مؤلف رسالهٔ دیگر در این مجموعه «**خواجه امام ابو نصر بن سعد القطان الصرقوی**» از علمای برجستهٔ اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم، نام تألیف: «**سراج القلوب**»، تاریخ تألیف معلوم نشد: در صفحهٔ ۲۵۱ و ۲۵۲ چنین آمده است: «مصنف این کتاب خواجه امام ابو نصر بن سعد بن محمد القطان الصرقوی که عجایب قصهٔ متقدمان و غرایب احوال گذشتگان وصف آفرینش و آسمان ها، و زمینها و هرچه درو است و عجایب قصهٔ پیغامبران درین کتاب یاد کرده . . . و این کتاب را سراج القلوب نام نهاده شد».

نام مؤلف رسالهٔ دیگر «**بوزرجمهر حکیم وزیر انوشیروان دادگر** ؟»، نام تألیف: «**ظفر نامه**»، تاریخ تألیف معلوم نشد. در صفحهٔ ۴۱۱ و ۴۱۲ اینگونه آمده است: «بدانکه آورده اند که روزی نوشیروان عادل خواجه بزرجمهر که وزیر بود طلب فرمود که برای من کتابی پردازد بزرگ و خورد (خرد) و آسان و مشکل . . . و این کتاب را «**ظفر نامه**» نام نهاد».

۷- **آغاز** : **دیوان صائب** (ص ۱-۲۴۹) :

«یا رب از عرفان مرا پیمانهٔ سرشار ده — چشم بینا جان آگاه و دل بیدار ده
هرسرموی حواس من براهی می رود — این پریشان سیررا دربزم وحدت بار ده
نشاه پا در رکاب می ندارد اعتبار — مستی دنباله داری همچو چشم یار ده»

۸- **انجام** : **ایضاً** (ص ۲۴۸-۲۴۹) :

«درد رازی عمرما از خضر کوتاهی نداشت — رشتهٔ باشد گره در پیچ و تاب زندگی
برره خوابیده آواز جرس افسانه است — غفلت ما کم نگردد از شتاب زندگی
هر که دیوار یتیمی را چوخضر آباد کرد — گرد راه از خویش می شوید بآب زندگی
تانگردید است از قددوتا پادر کاب — بهرهٔ بردار صائب از شراب زندگی»

—**آغاز** : **سراج القلوب** (ص ۲۵۱) : «هو الغنی و تم بالخیر، بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله العظیم الجواد الکریم القدوس الحکیم الصلوة علی نبی المختار محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم و علی آله و اصحابه اجمعین چنین گوید مصنف این کتاب خواجه امام ابو نصر بن سعد بن محمد القطان الصرقوی».

—**انجام** : **ایضاً** (ص ۴۰۹-۴۱۰) : «حضرت خضر گفت یا مرغ، این درمانده را بخانه اش برسان. بس مرغ از شاخ فرود آمد و گفت بر پشت من بنشین و

چشم برهم نه. بلوقیا چشم برهم نهاد گذشت که بربام خانهٔ خود رسید و بندگان خود را دید و مادر خود را در کناره گرفت چنین گوید بعد از مدت وفات یافت و بسیار مدت بخانهٔ خود زنده ماند و الله عالم بالصواب تمام شد کارمن نظام شد هذا الکتاب نسخهٔ سراج القلوب من تصنیفات تحریر فی تاریخ بست نهم ماه رمضان المبارک سنهٔ ۱۲۰۷ فصلی محمد امین بن محمد روشن تحریر یافت بمقام بلنده (بلدهٔ) عظیم آباد».

—آغاز : ظفر نامه (ص ٤١١) : «هو الغنی ، بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و العاقبه" للمتقین و الصلوة علی رسوله محمد وآله اجمعین بدانکه آورده اند که روزی نوشیروان عادل خواجه بزرجمهر که وزیر بود طلب فرمود که برای من کتابی پرداز بزرگ و خورد و آسان و مشکل».

—انجام : ایضاً (ص ٤١٧) : «پرسید علم چیست و عمل چیست گفت العلم دانستن و عمل آن کارکردن پرسید آن چیست که در ذکر آن زبان بسیار رود گفت من وجب ثنا اکثر ذکر بتاریخ بست و نهم ۲۹ شهر رمضان المبارک بروز سه شنبه سنه ۱۲۰۷ تحریر یافت».

۹- چگونگی: موضوع این مجموعه «ادب و دین و اخلاق» است و شامل خلاصه یی از اشعار صائب به نام «دیوان صایب» و «سراج القلوب» و «ظفر نامه» است. دیوان صایب شامل غزلیات است و در حدود ۳۷۰۰ بیت دارد که تقریباً ۵۰۰ غزل می شود و بر حروف قافیه ترتیب یافته است به جز غزل اول که اشتباهاً کتابت شده است. سراج القلوب در شرح احوال پیمبران و افسانه ها و داستان ها و روایت های آنان است و تقسیات آن بر اساس «باب» است و جمعاً ٤۲ باب دارد. از آیات قرآن و احادیث نبوی و کلمات قصار پیشوایان دین استفاده کرده است. نثرفارسی آن روان و سادهشبیه سبک خراسانی است. «باب اول در بیان آنکه حق تعالی این جهان‌رادر چند روز آفریده است». و «باب چهل و دوم در بیان آنکه آنها که بودند که پیش تخت سلیمان رسیده بودند».

رسالهٔ ظفرنامه در پرسش و پاسخ میان بوزرجمهرحکیم و انوشیروان عادل است و جنبهٔ اخلاق وکشور داری و مردم داری دارد. نثر فارسی آن روان و ساده است. درکناره‌های این صفحات بعضی یادداشت‌ها و معانی لغات آمده است.

۸۹۰

۵۹۹

مجموعه

۱- دیوان قصاید و غزلیات و رباعیات عطار ، ۲- اسرار نامه ، ۳- مختار نامه ،

[ادب ، عرفان وتصوف وحکمت ، منظوم
«غزل و قصیده و رباعی و مثنوی»]

۱- **اندازه :** -بیرونی : ۳۲×۱۹×۲ س م . -درونی : ۲۹ س (هر سطر ۲ بیت) ۲۳×۱۳ س م.

۲- **اوراق :** ۱۴۳ ورق. ۲۸۶ صفحه.

۳- **کاغذ :** نازک نخودی رنگ سمر قندی ، کرم خورده ، وصالی شده ، جلد مقوایی و چرمی سیاه رنگ و ضربی و منقش. (ترنج دار).

٤- **خط :** نستعلیق خفی خوش ، پخته ، عنوانها و سر فصلها و نشانها شنگرف ، در آغاز دیوان یک سر لوح زیبا در زمینهٔ لاجوردی و زرین در آغاز اسرار نامه یک سر لوح در زمینهٔ زرین و مختار نامه یک سر لوح در زمینهٔ لاجوردی ، جدولهای ۳ خطی فواصل ابیات و عنوانها و سر فصل ها سیاه و زرین و جدولهای ٦ خطی کناره های متن اشعار زرین و لاجوردی و سیاه و سبز ، قرن ۱۰ هـ ق.

۵- **کاتب :** «**خان محمد بن عبدالغنی قریشی**» ، تاریخ کتابت : «**۱۰۱۱ هـ ق**» : در صفحهٔ ۱۲۹ پایان قصاید و غزلیات چنین آمده است. «تمت دیوان شیخ عطار محرره خان محمد بن عبد الغنی قریشی فی شهر ربیع الآخر سنهٔ ۱۰۱۱ مورخا ۲٤ تم» و در پایان مختار نامهٔ حضرت شیخ فرید عطار تاریخ بیست و چهارم در شهر جمادی الاول سنهٔ هزار و یازده.»

٦- **مؤلف :** یا (شاعر) «**شیخ فرید الدین عطار نیشابوری شاعر قرن ششم هجری**» ، «نام تألیف : «مجموعه»: ۱- «**دیوان قصاید و غزلیات و رباعیات**» ، تاریخ سرودن : «**دوران مختلف عمر شاعر**» ، . ۲- «**اسرار نامه**» ، ۳- «**مختارنامه**» ، تاریخ سرودن این دو معلوم نشد. (رک : فهرست نسخه های خطی فارسی بریتیش میوزیم).

۷- آغاز : «**دیوان عطار** (ص ۲) : «دیوان قصاید و غزلیات و رباعیات عطار ،

سبحان قادر که صفاتش ز کبریا   بر خاک عجز می فکند عقل انبیا
گر صد هزار قرن همه خلق کاینات   فکرت کنند در صفت و عزت خدا
آخر بعجز مختلف آیند کای اله   دانسته شد که هیچ ندانسته‌ایم ما
جایی که آفتاب بتابد ز اوج عز   سرگشتگی است مصلحت ذره در هوا».

۸- انجام : **ایضاً** (ص ۱۲۹) :

«آن سر عجب نه تو بدانی و نه من   حل کردن آن نه تو توانی و نه من
یک ذره گر اشکار گردد آن سر   یک ذره آن نه تو توانی و نه من
گر تو دل خویش بی سپاسی بینی   یک قطرهٔ دریای الهی بینی
و آن نقطهٔ توحید که در جان داری   چون دایرهٔ نامتناهی بینی

تمت دیوان شیخ فرید عطار محرره خان محمد بن عبد الغنی قریشی فی شهر ربیع الآخر سنهٔ ۱۰۱۱ مور خان ۲٤ تم».

—آغاز : **اسرار نامه** (ص ۱۳۲) :

«بنام آنکه جان را نور دین داد   خرد را در خدا دانی یقین داد
جهان‌داری که ازخاک آدمی کرد   ز کفکی و زدودی عالمی کرد
خداوندی که عالم نامور زوست   زمین و آسمان زیر و زبر زوست
دو عالم خلعتی هستی ازو یافت   فلک بالا زمین بستی از و یافت

—انجام : **ایضاً** (ص ۱۸۳) :

تن من از کفن کرباس آور   روانم تیغ چون الماس آور
کنون کرباس و تیغ آورده‌ام من   بسی درد و دریغ آورده‌ام من
توخواهی‌خوان‌وخواهی ران‌تودانی   که گه خوانی و گه رانی تو دانی
سخن مادرد‌تن زین بس ندیدست   کزو سر بیت خوانی می‌چکیدست

تمت تمام شد تمت الکتاب اسرار نامه تمام شد».

—آغاز : **مختار نامه** (ص ۱۸٦) : «مختار نامه ،

حمد و سپاس بی قیاس خداوندی را که اشراق آفتاب الوهیت او در هر ذره صد هزار خیمه نصب کرد که وان من شی الایسبح بحمده ولکن لا تفقهون تسبیحهم انه کان حلیماً غفوراً الملکی که یک لمعه از بدایع صنعش بر هر

جزو از اجزاء کاینات بتافت صد هزار عقل کل را بر چهار بالش سلطنت بنشاند که وان من شی الاعندنا خزائنه» .

-انجام : ایضاً (ص ۲۸٦) : «ایضاً وله ،

عالم که امان نداد کس را نفسی خواهیم که نمود در هوا و هوسی
ای بیخبران بخفیه گفتم بسی رفتیم جو قدر ما ندانست کسی
از گنج که براستی فرو می گردد مایم و دلی که خون در او می گردد
ای بس که بگردیم من و چرخ و لیک من خاک همیگردم و او میگردد

تمت تمام شد مختار نامهٔ حضرت شیخ فرید عطار تاریخ بیست و چهارم در شهر جمادی الاول سنهٔ هزار و یازده» .

۹- **چگونگی:** این نسخه مجموعه بی ارزنده است که شامل «دیوان قصاید و غزلیات و رباعیات عطار، مثنوی اسرار نامه ومثنوی مختار نامه» است. هر صفحه در چهار ستون و ۲۹ سطر است و هر سطر ۲ بیت دارد. دیوان در حدود ۷٤۰۰ بیت، اسرار نامه در حدود ۲٤۷۹ بیت و مختار نامه در حدود ۱۵۰۰۰ بیت دارد. مثنوی اسرار نامه بر وزن «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل یا فعولن» از مزاحفات بحر هزج مسدس سالم سروده شده، مثنوی مختار نامه بر وزن «لا حول ولا قوة الا بالله» سروده شده که آنرا «رباعی» می گویند: «مفعول مفاعلن مفاعیلن فع یا فاع». مختار نامه در حدود ٦۰۰۰ رباعی داشته که شیخ عطار ۱۰۲۰ رباعی سست را بیرون کرده و به عالم دیگر فرستاده است، و آنچه باقیمانده «مختار نامه» نامیده است که در حدود ۵۰۰۰ رباعی می شود. ولیکن در این نسخه تقریباً ۲۵۰۰ رباعی موجود است.

تقسیمات دیوان بر حسب قصاید و غزلیات و رباعیات است و بر اساس حروف تهجی تنظیم نشده است. تقسیمات مثنوی اسرار نامه بر حسب «مقالت» و «حکایت» است و جمعاً یک مقدمه و ۱۸ مقاله و یک خاتمه دارد. تقسیمات مختار نامه بر حسب «باب» است و جمعاً «۵۰ باب» دارد. و هر باب به چند رباعی — که با «وله ایضاً» یا «ایضاً وله» آغاز می شود— تقسیم می گردد. رسم الخط این نسخه فارسی و حروف «پ» و «چ» و «گ» مانند «ب» و «ج» و «ک» است. همه جا زیر حرف «س»، در صورتی که کشیده نوشته شده باشد، سه نقطه دارد. در صفحهٔ اول دیوان اسامی

چند کتاب آمده است و نوشته است : «آنچه کتاب از کمینه می باشد» که گویا آن کتاب را مالک این نسخه در اختیار داشته است و شامل «۳۰ نسخه» است اما این کتاب ها مشهور است ، مانند : «منطق الطیر ، اسرار الشهود ، دیوان نور علی شاه ، ارشاد نامه ، مبکیات». در گوشه و کنار صفحات این مجموعه چند شعر اضافی و چند جملهٔ عربی کتابت شده است. روی هم رفته نسخه بی بدون عیب و خوب است. مثلاً مقدمهٔ «مختار نامه» منثور است و در این نسخه کامل است و لیکن مقدمهٔ نسخهٔ مختار نامه در بریتیش میوزیم ناقص است. اسامی «مثنویات ستهٔ عطار» در این مقدمه آمده است : «خسرو نامه، اسرار نامه ، منطق طیر ، مصیبت نامه ، جواهر نامه ، دیوان ، شرح القلب ، مختار نامه».

۸۹۰ و ۲۹۰
۴۶۶

مجموعه

۱- سورهٔ توبه ، ۲- مونس الفقراء ، ۳ و ۴ و ۵ و ۶- ناشناخته

[دین وادب ، عرفان ، فارسی و عربی و ترکی ، منثور و منظوم]

۱- **اندازه** : -بیرونی : ۲۵/۵ × ۱۵ × ۴ س‌م. -درونی : ۵ س ۱۸ × ۱۱/۵ س‌م.

۲- **اوراق** : ۱۸۲ ورق. ۳۹۳ صفحه.

۳- **کاغذ** : نازک سفید رنگ سمرقندی ، پوسیده ، آب رسیده ، جلد مقوایی و چرمی سرخ باعطف پوسیده و در غلاف پارچه‌یی کرباسی و ملون.

۴- **خط** : نسخ خوش ، رسم الخط عربی معرب (مشکول) ، روشن ، جدولهای ۵ خطی سیاه و سرخ و زرد درمیان سطرها و در کنارهٔ متن جدول یک خطی سیاه در کنارهٔ بیرونی صفحات. سر جزوها و نقاشی های ساده در لابلای صفحات.

۵- **کاتب** : «**محمد نعیم ابن صاحب نظر**» ، تاریخ کتابت : «**۱۲۷۹ ه ق**» ، «کاتب الفقیر الحقیر بنده فی قریت الشهر بزرگ غفرالله ذنوبهم و ستر عیوبهم فی الدنیا والآخرة و لجمیع المؤمنین والمؤمنات سنهٔ ۱۲۷۹ :

غرض نقشی ست کز ما باز ماند که هستی را نمی بینم بقایی
مگر صاحبدلی بیند برغبت کند در حق این مسکین دعایی»

۶- **مؤلف :** نام مؤلف و تاریخ تألیف معلوم نشد ، نام یکی از رساله‌ها «**مونس الفقراء**» آمده است : «و این رساله را مونس الفقرا گفته‌اند تا فقراء باب الله را به او انسی بود و وحشت نبود. به طور کلی در این مجموعه ۵ رساله آمده است که فقط یکی از آنها به نام «مونس الفقراء» شناخته شد و بقیه ناشناخته ماند (ر ک : ۹- چگونگی).

۷ و ۸ - **آغاز و انجام : رسالهٔ اول** شامل «سورهٔ توبه» و ۲ آیه از «سورهٔ یونس» است.

—آغاز : **رسالهٔ دوم ، مونس الفقراء (ص ۱۰۸)** : «بسم الله الرحمن الرحیم ، قوله تعالی والله الغنی و انتم الفقراء هیچ ملک مقرب تجاوز نتواند کرد بر همه تحقیق و یقین ستک فقر صفت مخلوق است و غنی صفت خالق است بیت :

درویش و غنی بندهٔ این خاک درند آنها که غنی ترند محتاج ترند»

—انجام : **ایضاً (ص ۲٤۱)** : «فصل چهلم در بیان صفات درویش را دل از همهٔ مرادهای دنیا صاف باشد بحکم آیت ربانی که قوله تعالی رجال لاتلهیهم تجارة ولابیع عن ذکرالله یعنی مردمان را باز نمی دارد تجارة و نه بیع را از ذکر خدای تعالی تمت».

—آغاز : **رسالهٔ سوم، ناشناخته (مسائل توحید)** (ص ۲٤۳): «از آنحضرت صلی الله علیه وسلم نقل میکنند که میفرموداند چون موحد بتوحید رسید انجانه موحد ماند و نتوحید و نواحد و نه بسیاری و نخودی و نخدای و نه بندگی و نه هستی ذات و نه جبرئیل و نه قرآن و نولی و نولایت و نذات و نصفات و ناسم و نرسم ».

—انجام : **ایضاً (ص ۲۶۷) :**

«چه آرم بصحرای محشر گذار گناهان من سر بسر در گذار
چه روها سیه گردد و نا امید بآب کرم روی من کن سفید
مرا وقت نشر صحف در سؤال ز اهل یمین کن نه ز اهل شمال
تمت ».

—آغاز : **رسالهٔ چهارم ، ناشناخته (مسائل ایمان) (ص ۱۶۲)** : «بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله رب العالمین ، حمد یعنی جمیع اوصاف حمیده و پسندیده

از ازل تا بابد از هر حامد یک سادر شود سابت است مرالله راک صفت الله این ست ک رب عالمیانست ».

—انجام : **ایضاً (ص ۳۱۸)** : «این مسئلها را از کتاب و سنت اخذ کرده عمل کرده‌اند ، عمل کردن بفروض عیان بر همه مسلمانان فرض عین است مستحکم و مواقف کنند آمین و رب العالمین برحمتک یا ارحم الراحمین تمت».

—آغاز : **رساله پنجم ، ناشناخته (اوراد) (ص ۳۱۹)** : «نقل است از قاضی علامه عفیف الدین عبدالله بغدادی رحمه الله علیه گفته‌اند که شبی در خواب دیده ام ک حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم نشسته اندک روی مبارک ایشان زرد شده ».

—انجام : **ایضاً (ص ۳۳۶)** : ناقص و افتادگی دارد و اینگونه انجام می یابد : «و هزار بار دست مرحمت بر سری یتیمان مالیده باشد و هزار گرسنه را طعام داده باشد و هزار تشنه را آبداده باشد و هزار درهم بدرویشان».

—آغاز : **رساله ششم ، ترکی ، ناشناخته (مسائل منظوم عرفانی) (ص ۳۳۷)** :

کاییب بر کیل جوابم جان مسن جانان مسن
الله الله تازه کوکنوم بختکا سلطان مسن
شیشه جانمکه تو شکن بربری جولان مسن
سلکنب بربر بار و رسن بلعجب مستانه مسن»

—انجام : **ایضاً (ص ۳۹۳)** :

«خورد لیک دین توبه قلسنگ تاک بوالغن سن کلان
بوالجراحت کهنه بوالغن سونکره بیمرهم کیلور
مشر باسینم دن درد یمنی ایتسم عرشی کیویر
بوالخطر دین قورقمن مجلس که ناقارم کیلور »

۹- **چگونگی :** این مجموعه شامل ۶ رساله است در مسائل دینی و عرفانی و خدا شناسی و توحید و ایمان و اوراد و ادعیه. رساله اول شامل سورهٔ توبه و ۲ آیه از سورهٔ یونس است. رساله دوم «مونس الفقراء» نام دارد بدون ذکر نام مؤلف و تاریخ تألیف. در چهل فصل است و هر فصل در بیان مسئلهی از مسائل عرفانی و دینی. سبک نگارش آن بسیار شیرین و لطیف و آمیخته است با آیات قرآنی و احادیث و کلمات مشایخ و اشعار شور انگیز عرفانی و سخنان عالی

صوفیه. رساله‌ٔ سوم در مسائل توحید و شناخت ذات پروردگار و مطالب عرفانی و با سبک نگارش کاملاً متفاوت از دیگر رسائل. انشای جملات و املای الفاظ و حروف منفصل و متصل را به طرز خاصی کتابت کرده است، مثلاً: «ناول و ناخر و نظاهر و نباطن و نبهشت و ندوزخ و نروشنی و نتاریکی و ننفی و نااثبات و نآسمان و نزمین که حرف نفی «نه» را بر سر الفاظ متصل ساخته است. رساله‌ٔ چهارم در موضوع ایمان است و ایمان را بر دو قسم کرده: «ایمان مجمل و ایمان مفصل» و سپس به شرح و توضیح هر یک تحت عنوانهای گوناگون پرداخته است: مثلاً: «اصول دین و فروع دین» را با امثله آورده است. رساله‌ٔ پنجم در موضوعات عرفانی است که شامل اقوال گروهی از عارفان و مستند بر قول حضرت محمد (ص) و حضرت امام جعفر صادق(ع) است. متأسفانه این رساله ناقص است. رساله‌ٔ ششم به زبان ترکی است و در موضوع عرفان و تصوف و منظوم است اما از آغاز ناقص است. روی هم رفته این مجموعه در سه زبان عربی و فارسی و ترکی است و نثر فارسی و اشعار برگزیدهٔ عرفانی آن مطلوب و مرغوب است. رسم الخط عجیبی دارد. همه‌ٔ الفاظ فارسی و ترکی مانند عربی به طور کامل معرب (مشکول) است. لفظ «که» همه جا به صورت «ک» آمده و حروف «پ» و «چ» و «گ» همانند «ب» و «ج» و «ک» است. در الفاظ عربی دست برده و املای آنهارا مخصوصاً به سبک فارسی سره آورده است مثلاً «سابت» و «سادر» به جای «ثابت» و «صادر» آمده است (رک: ۷- نمونه ها). بعضی یادداشت ها و توضیحات دینی در آغاز و انجام نسخه آمده است.

۱۱۰ و ۸۹۰
۳۷۷

مجموعه

۱– شرح رباعیات در اثبات وحدت وجود، ۲– رساله در بیان کیفیت توجه اتم ۳– راز نامه، ٤– حق نما، ۵– ناشناخته

[ادب و فلسفه، عرفان، فارسی و عربی، منثور و منظوم]

۱- اندازه: –بیرونی ۲۲ × ۱۵ × ۱ س‌م. –درونی: ۱۱ و ۱٤ و ۱۵ س ۱۲ × ۷/۵ و ۱٦ × ۸ و ۱۳ × ۸ س م.

۲- **اوراق :** ۸۲ ورق. ۱٦٤ صفحه.

۳- **کاغذ :** نازک سفید رنگ و خاکستری رنگ سپاهانی ، کرم خورده ، آب رسیده ، جلد تیماجی سیاه.

٤- **خط :** نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشان ها ، و سرفصلها شنگرف جدول یک خطی کنارهٔ صفحات زرد گون ، قرن ۱۲ ه ق.

۵- **کاتب :** نام «کاتب» ندارد ، اما تاریخ کتابت : «۱۲۳٤ ه ق» است . در صفحهٔ ۱۲٦ چنین آمده است : «تم تمام شد بتاریخ یازدهم شهر جمید الثانی سنهٔ ۱۲۳٤».

٦- **مؤلف :** نام مؤلف یا (شارح) رسالهٔ اول شاید «جامی» باشد زیرا در صفحه ۷۲ در یک رباعی نامش آمده است :

«جامی که نه مرد خانقاه است ونه دیر نه با خبر از وقف نه آگه ز سیر
هم فاتحه هم خاتمه اش جمله توی فافتح بالخیر رب و اختم بالخیر»

نام و تاریخ تألیف معلوم نشد و لیکن در صفحهٔ ۲ و ۳ چنین آمده است : «اما بعد نموده میشود که پیش از انشاء این نامهٔ نامی و افشای این صحیفهٔ گرامی رباعی چند در اثبات وحدت وجود و بیان تنزلاتش بمراتب شهود . . . اهتمام گرفته بود» بنا بر این می‌توان آنرا «**شرح رباعیات در اثبات وحدت وجود**» نامید.

نام مؤلف رسالهٔ دوم «**شیخ صدر الدین القونیوی**» و نام تألیف : «**رساله در بیان کیفیت توجه اتم**» ، تاریخ تألیف معلوم نشد. این رساله را به علت فوت شیخ ، یکی از شاگردانش تکمیل کرده است که نام او را نیافتم و شاید «جامی» باشد. در صفحهٔ ۷٤ اینگونه آمده است : «و بعد نموده می آید که . . . رساله را که شیخ کامل مکمل الشیخ صدر الدین القونیوی قدس سره در بیان کیفیت توجه اتم املا فرموده تسوید ترجمه کرده بودند مگر معرفت آخر از معارف لازمهٔ مذکوره در آخر آن رساله که ترجمه نیافته بحکم اذا جاء اجلهم . . . آنمسوده به بیاض نرفته . . . تتمیم یافته انتقال یافت از سواد به بیاض». نام مؤلف رسالهٔ سوم و تاریخ تألیف معلوم نشد و لیکن نام تألیف شاید «**راز نامه**» باشد. در صفحهٔ ۷۵ آورده است : «بتأیید ربانی منشرح است و استماع مواعظ را منفسح و جوانب همم را بدل قابل بجان مستقبل . . . این تصدیع ندادمی و این راز نامه نگشادمی چه طعم نصح

حقگویان در کلام هوا پرستان تلخست». نام مؤلف رسالهٔ چهارم «**محمد دارا شکوه**» یا «محمد بن شاهجهان بن جهانگیر ۱۰۲۴—۱۰۶۹ هق»، نام تألیف: «**حق نما**»، تاریخ تألیف: «**۱۰۵۵ ه ق**». در صفحهٔ ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ چنین آمده است: «و این نیازمند درگاه صمدی محمد دارا شکوه حنفی قادری... میخواست که کتابی مشتمل بر اسامی و احوال آن عزیزان در سلک تحریر در آورد و شب جمعه هفتم شهر رجب المرجب سنهٔ هزار و پنجاه و پنج هجری در سر این فقیر ندا دادند که .. این آیه را مناسبی تمام باین نام بود این رسالهٔ شریف را بحق نامه [حق نما] موسوم گردانیده شد». نام مؤلف رسالهٔ پنجم و نام و تاریخ تألیف معلوم نشد و «نا شناخته» ماند.

۷- آغاز : **رسالهٔ اول، شرح رباعیات در اثبات وحدت وجود (ص ۲)** : «بسم الله الرحمن الرحیم،

حمداً لا اله هو بالحمد حقیق   در بحر نوالش همه ذرات غریق
نا کرده ز محض فضل توفیق رفیق   نسپرده طریق شکر او هیچفریق

پاکا یگانه که کثرت ثبوتیهٔ صفت موصوف را گرد سرا پردهٔ عزت وحدتش راه نیست و قوت رؤیت محجوب و مکشوف را در امتناع ادراک هویتش دعدغهٔ اشتباه نی».

۸- انجام : **ایضاً (ص ۷۲)**: «و از دیدن به تعقل نمیپردازد و الله اعلم بالصواب و حضرت مخدومی قدس الله روحه در ذیل اینکلمات قدسیه این دو بیت مثنوی که موافق حال و مطابق قیل و قال این کمینه است نوشته بودند،

حرف در و یشان بدزدد مرد دون   تا بخواند بر سلیمی او فسون
کار مردان روشنی و گرمیست   کار دونان حیله و بی شر میست

جامی که نه مرد خانقاه است و نه دیر   نه با خبر از وقف نه آگاه ز سیر
هم فاتحهم خاتمه اش جمله توی   فاتح بالخیر رب و اختم بالخیر

تم تم تم تمام شد».

—آغاز : **رسالهٔ دوم، رساله در بیان کمفیت توجه اتم (ص ۷۴)**: «بسم الله الرحمن

الرحیم ، خداوندا سپاس و ستایش تو از ما نیاید ، هر چه ما اندیشیم چه حمد و ثنای ترا نشاید و ما قدر و الله حق قدره ثنای تو آن است که خود را بآن ستودهٔ و در فاتحهٔ اشراف ابنا بزبان افضل انبیا بلام عهد بآن اشارت فرمودهٔ».

—انجام : **ایضاً** (ص ۱۰۱) : «و همچنین معرفت بسیاری از علوم و اسرار که مندرج و مندمج است درینکلمات حاصل آید که کلام بذکر انواع آنها موجب اطنابست فکیف از تعین و بیان والله یقول الحق و یهدی من یشاء الی صراط مستقیم یعنی خدای میگوید آنچه حق و صدق است و راه راست مینماید هر کس را که خواهد تم تم تمام شد».

—آغاز : **رسالهٔ سوم ، راز نامه** (ص ۱۰٤) : «بسم الله الرحمن الرحیم ، سلام الله و برکاته علی المجلس الاسمی الملعمی الاقضوی الرضوی الصفوی الکفوی الجمال الشرف و رحمته و برکاته و تحیاته قال الله تعالی ان هذا تذکرة ، فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلاً و قال من اراد الاخرة و سعی له سعیها و هو مؤمن فاؤلئک کان سعیهم مشکوراً».

—انجام : **ایضاً** ، (ص ۱۲٦) : «حقسبحانه و تعالی توفیق رفیق داراد و سعادت مساعد و اقبال موافق و بضاعت ایمان از اضاعت مصون و طاعت از ریا و سمعه بیرون و عرض از مصارع السوء مأمون و مدد و الطاف هر روز افزون بمنه و فضله عمیم طوله و نعوذ بالله من دعاء لا یشع و قلب لا یسمع و بطن لا یشبع و علم لا ینفع و الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی محمد و آله اجمعین الطیبین الطاهرین آمین تم تم تم تمام شد بتاریخ یازدهم شهر جمید الثانی سنهٔ ۱۲۳٤».

—آغاز : **رسالهٔ چهارم ، حق نما** (ص ۱۲۸) : «بسم الله الرحمن الرحیم ، حمد ذاتی را که اوست موجود مطلق و نعت نبی را که اوست مظهر کل و خلیفهٔ حق و رحمت فراوان بر آل و اصحاب او که بردند سبق اولی و انسب آنکه باد ای حمد و نعت جرأت نه نمائیم و زبانرا به بیان اینمعنی بلند بگشائیم».

—انجام : **ایضاً** (ص ۱۵۳) بتحقیق از باطن تو خود بخود لذتی و معنی خواهد سر کشید

که شاهد این یگانگی باشد از جزوترا به کل رساند از قطره بدریا و از ذره بآفتاب و از نیست بهست.

این رسالهٔ حق نمائی خاص و عام در هزار و پنجه و شش شد تمام
از کلام قادری میدان یقین آنچه ما گفتیم فافهم والسلام

تم تم تم تمام شد».

—آغاز : **رسالهٔ پنجم ، ناشناخته ، (ص ۱۵۷)** : بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله رب العالمین و العاقبهٔ للمتقین و الصلوة والسلام علی رسوله محمد و آله و اصحابه و اولاده اجمعین یا حضرت شیخ عبد القادر جیلانی شیئا لله باید دانست که حضرت وجود را که حقیقهٔ الحقایق است سه مرتبه است که آنرا غیب می نامند» .

—آغاز : **ایضاً (ص ۱۶۳)** : «و آخر است باعتبار ظهور در عین اول است باطلاق آخر است باعتبار تقید ،

چشم بگشا که جلوهٔ دلدار متجلی از در و دیوار

ما فی الوجود الاعین واحد لا اله الا الله محمد رسول الله ، صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم ، تمت رساله ، باید دانست بموجب شوق و محبت تحریر یافت رزقنا الله محبهٔ لا هل الله تعالی».

۹- **چگونگی:** موضوع این پنج رساله «**ادب و فلسفه و عرفان و تصوف**» است. کاتب آنها یک تن است. از نثر و نظم فارسی و عربی آمیخته هستند. نثر آنها لطیف و شیرین و نظم آنها گیرا و جاذب است. تقسیمات آنها بر اساس موضوعاتی است که نویسندهٔ هر رساله عنوان کرده و به شرح و توضیح آن عنوان پرداخته است ، مثلاً «اول موجودی که وجودی مغایر ذات وی باشد و مستفاد از غیره» یا «حقیقهٔ الحقایق» و «حقیقهٔ الاشیاء». در همهٔ رسائل از آیات قرآنی و احادیث نبوی و کلمات مشایخ ، بی نام یا بدون نام ، استفاده کرده است

رسالهٔ اول، شرح رباعیاتی است به فارسی در اثبات وحدت وجود که چنان به نظر می رسد از مولانا نور الدین عبد الرحمن جامی (۸۱۷-۸۹۷ ه ق) باشد، اینک رباعی اول و دوم:

یا للعجب که وجود بخش نو و کهن است
تصویر وجود بخشش قول کن است
گویم سخن نغز که مغز سخن است
هستی است که هم هستی و هم هست کن است

هر بی سر و پا را نرسد دست به تو خوش آنکه ز خود برست پیوست بتو
هستی تو بهستی که جز ذات تونیست اینست بذات خود دلی هست بتو»

رسالهٔ دوم، «در بیان کیفیت توجه اتم» از شیخ صدر الدین القونیوی (متوفی ۶۷۳ ه ق) که از شاگردان وی آنرا پس از مرگ شیخ تمام کرده است و رساله‌یی است در موضوع معرفت الٰهی و معرفت انسان به خدا و سیر و سلوک و محبت و طریقهٔ رسیدن به محبوب یعنی ذات واجب الوجود.

رسالهٔ سوم که شاید «راز نامه» نام داشته باشد آمیخته یی است به نظم و نثر عارفانهٔ عربی و فارسی در موضوع دیدار عارف حقیقت حق را. متن رساله به اشعار فارسی و عربی و آیات قرآن و احادیث نبوی آمیخته است.

رسالهٔ چهارم «حق نما» تألیف محمد دارا شکوه شاهزادهٔ عارف و شاعر سر زمین پاک در قرن یازدهم «در بیان نمودن راه خدا» است و آنگونه که خود گوید از طرف مرشد و مولای خود «مولانا شاه» مأمور شده که رسالهٔ «حق نما» را تألیف کند و طالبان طریق هدی را رهنمون گردد. این رساله نثری شیوا و اشعاری گیرا و دلچسب دارد و نمونهٔ نثر و شعر فارسی درشبه قارهٔ پاکستان و هند است. در سال ۱۰۵۵ شروع شد و در ۱۰۵٦ پایان یافت.

نام رسالهٔ پنجم «ناشناخته» ماند و آن در موضوع «عرفان» و «حقیقة الحقایق» و «حقایق الاشیاء» است که برای «سالک» و «سیر و سلوک» او تصنیف گشته است. متنی است به نثر فارسی روان و آمیخته با کلمات مشایخ.

این مجموعهٔ رسائل پنجگانه از لحاظ شعر و نثر عرفانی فارسی ارزنده و شایستهٔ تحقیق است. چاپ شدهٔ آنها را باستثنای «رسالهٔ حق نما» ندیده ام.

۸۹۰ و ۲۹۰
۳۲۵

مجموعه

۱- روایح الانفاس یا جوشش‌های اسرار ، ۲- وصیت نامه ، ۳- شرح آمنت بالله

[دین وادب ، اخلاق و عرفان، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- **اندازه :** –بیرونی ۳۲×۲۰/۵×۲ س م . –درونی : ۲۵ س ۲۱×۱۲/۵ س م .

۲- **اوراق :** ۱۲۴ ورق . ۲۴۰ صفحه .

۳- **کاغذ :** نازک سفید فرنگی (ولایتی) ، جلد مقوایی ملون با عطف تیماجی سیاه رنگ .

۴- **خط :** نستعلیق خوش ، روشن ، خوانا ، پخته ، رسم الخط اردو ، عنوانها و نشان ها ثلث جلی . قرن ۱۴ هـ ق.

۵- **کاتب :** «**مولوی محمد قدرت رحیم**» ، تاریخ کتابت : «**۱۳۷۱ هـ ق**» ، مالک در صفحهٔ ۲۱۸ این نسخه به خط خود اینگونه یاد داشت کرده است : «این نادر الوجود نسخهٔ متبرکه که یکی از باقیات الصالحات کتب خانهٔ این فقیر است بسیار کرم خورده بود بنظر تحفظ بمولوی محمد قدرت رحیم صاحب را که درین زمانه در کتابت زود نویس و هم خوش نویس اند حواله کرده در خواستم که این نسخه را نقل گرفته پیش کنند . . . در مدت دو ماه عندالفهم بصحت نوشته در شهر ذی قعدهٔ الحرام روز سه شنبه تاریخ بستم سنهٔ احدی و سبعین و ثلاثمائهٔ بعد الف من هجرة النبوی (ص) . . . حوالهٔ من کردند ، محمد اشرف بن اشرف الحکما ، لقمان الدوله محمد حیدرخان بهادر فلاطون جنگ المتخلص به دل چشتی صابری». اما کتابت نسخهٔ اصل در سال «۱۱۵۶ هـ ق» به خط «محمد اشرف بن حاجی محمد» صورت گرفته است . در همان صفحهٔ ۲۱۸ چنین آمده است : «در شهر شوال المکرم سنهٔ ۱۱۵۶ دوازدهم متصل قلعه بکلور تعلقه زمیندار سری رنگ پتن در فوج آصف جاه بید احقر العباد محمد اشرف ابن حاجی محمد غفرالله ذنبه و ستر عیوبه».

۶- **مؤلف :** نام مؤلف این نسخه «**حضرت بنده نواز شاه برهان الحق و الشرع و الدین راز الهی**» و نام تألیف : «**روایح الانفاس**» است که «**شیخ ابراهیم کاذر الهی**» آنرا جمع و تدوین نموده و به اسم تاریخی زمان تألیف «جوشش های اسرار =۱۰۸۷» موسوم گردانیده است : «روایح الانفاس ملفوظات حضرت بنده

نواز شاه برهان الحق و الشرع و الدین راز الهی جمع فرمودهٔ شیخ ابراهیم کاذر الهی موسوم به اسم تاریخی جوشش های اسرار سنهٔ ۱۰۸۷ هجری». در صفحهٔ ۶ نیز اشاره یی دارد : «چون زواهر جواهر بسلک تحریر کشید و به روایح الانفاس مسمی گردانید و اینکه تخلص مبارک حضرت ایشان در بعضی اشعار در سالهای دیگر چون شرح وصیت‌نامه و رسالهٔ برزخیه و روحیه وغیره گاذر واقع شده قیاس بر آن رهبر است». و در صفحهٔ ۸ اشاره یی دیگر دارد :

«پی روحانیان سرزد روایح ز انفاسی که عطر آمیزش کار
چو بردم سر بفکر سال این جوش خرد گفتا که **جوشش های اسرار**»
«۱۰۸۷ ه ق»

۷- **آغاز** : «بسم الله الرحمن الرحیم ، لفظی که از زبان فیض افشان نخلبندان بهارستان معنی متلفظ گردد ، ثمر لذت افزای پیش رس آن حمد حضرت جل و علاست که چاشنی بخش مذاق اصحاب حلاوت است و نفسی که از انفاس روایح اساس عطر آمیزان مجالس روحانی سرزند رایحهٔ نکهت پیرای اوایل آن ثنای بارگاه تقدس و تعالی است».

۸- **انجام** : «و چون آله حق قوی باشد هر چند که فاعل بنده ضعیف بود بحکم آله فعل بروجه قدرت زاید که حکم مرآله راست نه فاعل را و این چنان بود که فیل بپای مورچه رود ، هر چند فیل راه روتر و شاطر تر باشد ، اما بحکم پای مورچه سست‌رو بود ، و چون مورچه‌در رفتن باشد و چون مورچه برسر فیل سوار شود هر چند که مورچه سست رو بود بحکم اله پای فیل شاطر آید و بیک ساعه" از جای بجای‌رسد که بپای خود نتواند رسید.

مورمسکین‌هوسی کرد که‌در کعبه رسد دست درپای کبوتر زد و ناگه رسید

فافهم اندرین باب امثال و نظایر بسیار است عند التحقیق و الشهود مرد صاحب بصیرت را روشن و مبرهن خواهد شد ان شاء الله تعالی تمام شد».

۹- **چگونگی** : موضوع این نسخهٔ «عرفان و تصوف و دین و اخلاق و ادب» و آمیخته به نثر و نظم است. نثر آن محکم و اشعار آن روان و منسجم است. نام آن «**روایح الانفاس**» یا «**ملفوظات راز الهی**» است که به نام تاریخی «جوشش های اسرار ۱۰۸۷ ه ق» که تاریخ تألیف آن می باشد موسوم گشته است.

تقسیمات آن بر اساس «رایحه» است و جمعاً ۳۲۲ رایحه دارد. از آیات قرآنی و احادیث نبوی و سخنان پیشوایان دینی و کلمات مشایخ وعرفا استفاده شده است. مؤلف شاعر برجسته یی بوده و هر جا که قطعه یا ابیاتی می آورد می گوید «لمؤلفه». از قرار تحقیق این نسخه هنوز چاپ نشده است. و اصل آنرا که در سال «۱۱۵۶ ه ق» کتابت شده، کرم خورد بوده است مالک آن با کوشش و خرج فراوان ، این نسخه را از روی اوراق کرم خوردهٔ نسخهٔ اصل که در اختیار داشته توسط کاتبی به نام «مولوی محمد قدرت رحیم» نقل کرده است.

در پایان این نسخه دو رسالهٔ دیگر کتابت شده است به نام های : **«وصیت نامه»** و **«شرح آمنت بالله»** که هردو تألیف «حضرت شیخ برهان‌الحق و الدین راز الهی» است و همان کاتب محمد اشرف بن حاجی محمد در سال «۱۱۵۶ ه ق» آنها را کتابت کرده است. موضوع «وصیت نامه» پند و اندرز و مذمت دنیا و مافیها است و به سوی عرفان و تصوف می گراید و از نثر و نظم فارسی و آیات قرآن و احادیث نبوی و سخنان بزرگان دین و عرفان تشکیل یافته و تقسیمات آن بر اساس «وصیت» و «اصل» نهاده شده است و جمعاً ۱۱ صفحه یا ۶ ورق دارد و چنین آغاز می شود :

«بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله رب العالمین و العاقبة للمتقین و الصلوة علی رسوله محمد و آله و اصحابه اجمعین ، نام این رساله وصیت نامه ، وصیت اول آنست که یکی بیند و یکی داند و یکی گوید و یکی «جوید وهر چه بیند ازو بیند و هرچه داند از و داند». و اینگونه انجام می یابد :

«چون عیب دارم جملگی جز عیب در من هیچ نه
صد عیب یابی بی شکی هرگز ببینی یک هنر
کردم هوس چون زاغکان رفتار کبکان چون کنم
برباد شد رفتار من گشتم خجل چون منکسر
گر یک سخن برین جملگی یابد قبول نزد حق
نازم چو حسان در جهان کردم چو سحبان مفتخر

دارم امید از خدا خواند چو این صاحبدلی
بکند مرا از دل دعا یابم نجات اندر قبر
سر نازکتر بگویم بشنو ای جان پدر
در خود نگر وجه مطلق تا نگردی در بدر»

موضوع رسالهٔ «**شرح آمنت بالله**» همانگونه که از نام آن مشهود است، تفسیر و توضیح «آمنت بالله» است بر اساس عقاید عارفان. این رساله نیز به نثر و نظم آمیخته و از آیات قرآنی و احادیث نبوی استفاده کرده است. و به «فایده» و کلمات مشایخ تقسیم شده است و چنین آغاز مع شود :

«بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله رب العالمین و العاقبة للمتقین و الصلوة والسلام علی رسوله محمد و آله و اصحابه اجمعین ، بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله هوالاول والآخر و الظاهر و الباطن و الصلوة علی رسوله محمد و آله اجمعین که در شان اوست طه و جلوهٔ اولی مع الله».

و اینگونه انجام می یابد :

«فایده سیر کبیر آنست که عروج میشود بر عالم شهادت و عالم مثال و عالم ارواح و عالم غیب و سیر صغیر عبارت از آنست که داند که وجود حق است که به صورت همهٔ اشیا ظاهر است چنانچه سیاهی بصورت همه حروف ظاهر است و الله اعلم بالصواب ، نظم :

یا رب مرا گردان چنان از راه لطف و مرحمت
بیشک شمارم اغنیا شاهان نیارم در نظر
باشم توانگر دل چنان از کس نخواهم حاجتی
فارغ نشینم شاد و خوش بیرون نیایم پیش در
گر یک سخن زین جملگی یابد قبول نزد حق
نازم چو حسان درجهان گردم چو سحبان مفتخر
کسی کز تو در تو نظاره زند
ورقهای بیهوده پاره کند».

ابیات آخر رسالهٔ «وصیت نامه» و رسالهٔ «شرح آمنت بالله» از «تحفهٔ نصایح» سرودهٔ «محمد یوسف گدا» برگزیده شده است.

۸۹۰ و ۲۹۰
۳۷۹

مجموعه

۱- شلاق الجاهلین ، ۲- تذکرة الفقراء ، ۳- مثنوی سیر حقیقت ، ٤- اصطلاحات صوفیه ، ۵- مشتاق الطالبین ، ٦- حکایت بزم طهور

[ادب و دین ، فارسی و عربی، منثور و منظوم]

۱- **اندازه :** —بیرونی : ۲٦ × ۱٦ × ۲/۵ س م. —درونی : ۱۵ س ۱۸/۵ × ۹ س م.

۲- **اوراق :** ۹٤ ورق. ۱۸۸ صفحه.

۳- **کاغذ :** نازک زرد روشن رنگ و حنایی رنگ هندی، جلد مقوایی تیماجی پوشیده نقش‌دار و سیاه، رنگ موش خورده .

٤- **خط :** نستعلیق متوسط ، خوانا ، روشن ، عنوانها و سرفصلها و نشانها و جدولهای یک خطی و ۲ خطی کنارهٔ بیرونی و کنارهٔ درونی صفحات شنگرف ، در آغاز هر رساله یک نیمه سر لوح ساده لاجوردی و سرخ ، قرن ۱۳ ﻫ ق.

۵- **کاتب :** «**محمد صابر ولد محمد یعقوب بخاری**» ، تاریخ کتابت «**۱۲٦۲ ﻫ ق**» و «**۱۲٦۳ ﻫ ق**». در صفحهٔ ۷۳ و ۱۵۱ و ۱۸۱ چنین آمده است : «تمام شد این نسخهٔ دلپذیر در ساعت سعد در سنهٔ ۱۲۷۲ . . . اعنی به نام محمد صابر ولد محمد یعقوب البخاری . . . تمام شد این نسخهٔ دلپذیر بی نظیر در پگاه شنبه شانزدهم ماه ذی‌الحجه در سنهٔ ۱۲٦۳». این تاریخ آخر با حروف «هزار و دو صد و شصت و دو» آمده است (رک : ٦—مؤلف).

٦- **مؤلف :** «**محمد صابر ولد محمد یعقوب بخاری**» ، تاریخ تألیف در جایی «**۱۲۵۰ ﻫ ق**» در جایی «**تاریخ باما = ۱۲۵۵ ﻫ ق**». نام‌تألیف(تألیفات) یا رسائل دراین مجموعه: «۱ -شلاق الجاهلین ، ۲—تذکرة الفقراء ، ۳—مثنوی سیر حقیقت ، ٤- بیان اصطلاحات صوفیه ، ۵ - مشتاق الطالبین ، ٦ - حکایت بزم طهور»: «بشنو ای عزیزم این کتاب را مسمی بشلاق الجاهلین نام نهاده شد (ص ۳ نسخه) ، بشنوای عزیزم این کتاب را مسمی به تذکرة‌الفقرا نام نهاده شد (ص ۵۷ نسخه)، مؤلف هذا الکتاب العبد الضعیف مجهول الحال والکیف . . . اعنی بنام محمد صابر ولد محمد یعقوب البخاری غفر ذنوبهم . . . تاریخ :

ز الهامات غیبی خامهٔ ما رقم کرده سوادی نزد ایما
خرد گفتا بگو تاریخ سالش بگفتم فکر کن «تاریخ با ما»
«۱۲۵۵ ه ق»

«تاریخ هزارو دو صد پنجاه روز هجرت بود زچهره شاهد معنی نقاب را بگشود»
و برای نام و تألیف و تاریخ دیگر رسایل (رک : ۷ و ۸ و ۹ آغاز و انجام و چگونگی) :

۷- آغاز : **شلاق الجاهلین** (ص ۲) : «بسم الله الرحمن الرحیم ، حمدی که لایق آن حی لم یزل و لایزال است بر سویدای دل و خلق الانسان ضعیفاً نگنجد بنام آن قادر مهربانیکه بقدرت خاک را داد جانی و بنام آن بی نیازی که درگاه راز بروی اهل نیاز وا گشاید و بنام آن هادی که ویهدی الی صراط مستقیم راه مینماید».

۸- انجام : **ایضاً** (ص ۷۳) : «بیت ،

هر که بصدیق خلافی نمود روزن دوزخ برخ او گشود
هر که به بد گفتن او لب گشاد لب نگشاده بجهنم فتاد

فافهم فتأمل تمت تمام شد این نسخهٔ دلپذیر در ساعت سعد در سنهٔ ۱۲۶۲ بانجام رسید تاریخ تصنیف این کتاب شلاق الجاهلین که نام نهاده اند این بیت تاریخ :

الهامات غیبی خامهٔ ما رقم کرده سوادی نزد ایما
خرد گفتا بگو تاریخ سالش بگفتم فکر کن تاریخ **با ما**
قاریا بر من مکن قهر و عتاب هر خطایی رفته باشد در کتاب
آن خطای رفته را تصحیح کن از کرم الله اعلم بالصواب

تمت (۵ بار)».

—آغاز : **تذکرة الفقراء** ، (ص ۷۴) : «بسم الله الرحمن الرحیم ، بنام آن قدوس که آیینهٔ دل طالبان خود را از رنگ هستی می زداید و مصفی و مجلی می گرداند به فضل خود به کرم بی نهایت خود ، بیت :

اول نامه قلم مشک فشان باید کرد پس به توحید خدا مهر نشان باید کرد
مخلصانه سخن دوست بیان باید کرد دوستی نبی الله بیان باید کرد
دوستی نبی الله عیان باید کرد روی در حضرت فخر دو جهان باید کرد»

—انجام : **ایضاً (ص ۱۵۱)** : «مؤلف هذا الکتاب العبد الضعیف مجهول الحال والکیف وفا تهمت عدم بنیاده حیاب ثبات سرابء حیات ظهور نیستی و بیابان مرگ رنگ کرد آگهی و گمنام غربت زدای برق شام نامرادی و بشکسته بال عاجز بیان غرق بحر زاری اعنی بنام محمد صابر ولد محمد یعقوب البخاری غفر ذنوبها و ستر عیوبها والجمع المؤمنین والمؤمنات ، تارنخ :

ز الهامات غیبی خامهٔ ما رقم کرده سوادی نزد ایما
خرد گفتا بگو تارنخ سالش بگفتم فکر کن تارنخ با ما

اللهم اغفرلی ولامهء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و اصحابهء وسلم سبحان ربک رب العزت عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین :

از عمل خویش ندارم امید بر کرم تست مرا اعتمید

تارنخ :

تارنخ هزارودو صد پنجاه‌روز هجرت‌بود ز چهره شاهد معنی نقاب را بگشود»

تمت (٤ بار)».

—آغاز : **مثنوی سیر حقیقت (ص ۱۵۲)** : بسم الله الرحمن الرحیم ، در بیان تماشای سیر حقیقت که مخصوص کامل و مکمل است ،

زمزمهٔ رمزیدالله شنو اول آخر تو هو الله شنو
رمزیدالله بخدا ید اوست اوست فنای حق در شأن اوست
غیر موحد شدهٔ ذوالجلال فهم خرد لا شود از قیل قال
جملهٔ فرقان‌همه در مدح اوست شوق عظیم است چه خلق نکو»

—انجام : **ایضاً (ص ۱۵٤)** :

«گفت قلم دم مزن ازاصل خویش وصلی از هجر جگر کشته ریش
کیست که دم‌می زلد از اصل‌جان جوشش عشق است می لا مکان
غیر می شرع ره آنجناب نیست به روی تو در فتح باب
میکدهٔ دل شده غرق علوم میرسدم صوفی ز مولای روم

تمت (٤ بار)».

—آغاز : **اصطلاحات صوفیه** ، (ظاهراً تألیف میر سید علی همدانی) (ص ۱۵٤) : «در بیان

اصطلاحات صوفیه که هر کلمه‌را معنی گفته‌اند. میکده باطن عارفان را گویند ، میخانه پیر کامل را گویند، خم زلف اسرار الهی را گویند ، شب قدر بقای سالک را گویند ، ماه و آفتاب تجلیات را گویند».

—انجام : ایضاً (ص ١٥٦) : «ترک و تاز جذبهٔ الهی را گویند که بمجاهدهٔ رنج بسیار میکشد ، شراب ذوق الهی را گویند ، ناوک صفات جلالی را گویند ، ابرو صفات جمالی را گویند ، سبو جسم را گویند ، وصال مقام وحدت را گویند ، وابسته فنا فی الله را گویند ، سر و قامت راه وحدت را گویند ، تمت اللغات من کلمات الصوفیه. تمت (٥ بار) تم (١٢ بار سیاه و شنگرف)».

—آغاز : مشتاق الطالبین (ص ١٥٨) «بسم الله الرحمن الرحیم ، بنام آن ناظری بی‌نظیری که‌بی بصیرتان گمگشتگان وادی عرفان را راه نما بکوی جانان است، و بنام آن توانای بی همراه که دستگیر فرومانده گان و همراز غریبان است و بنام آن اول بی نهایت و آن آخر بی بدایت که رحم خوار این جهان و آن جهان است ».

—انجام : ایضاً (ص ١٨١) : «و مؤلف هذا الکتاب العبد الضعیف مجهول الحال والکیف وفاتهمت عدم بنیاد حباب ثبات سراب حیات . . . قاصر زبان غرق بحر رازی **کمینه صوفی** غفر الله لی و لجمیع المؤمنین والمؤمنات . . .

قاریا برمن مکن قهر و عتاب گر خطایی رفته باشد در کتاب
آن خطای رفته را تصحیح کن از کرم و الله اعلم بالصواب
الهی عطا کن این هر سه را نویسنده بیننده خواننده را
هر که خواند دعا طمع دارم ز آنکه من بندهٔ گنه کارم

تمت الکتاب بعون الملک الوهاب و الله اعلم بحقیقة الحال برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم اختم بالخیر» .

—آغاز : حکایت بزم طهور (ص ١٨٤) : «بسم الله الرحمن‌الرحیم ، این حکایت مرغوب دلپذیر را عارفان و صاحبدلانی که از میخانهٔ ساقی و سقیهم ربهم شرابا طهورا چشیده اند فهمند ، بیت :

بنام آنکه بی نام از نشان است تجلی جلوهٔ بزمش عیان است
که مطلب از نیت بیرون نباشد نداند هر که نی او در گمان است

حکایت بزم طهور مطلب نایاب و جمع گشتن سالک از ناجمعی قلب صنوبری درباب».

-انجام : ایضاً (ص ۱۸۸) : «با قلندر گفتم که مأوا و مسکنت کجاست و بازگشت توجه جاست و نام چه داری ؟ قلندر گفت مسکن ندارم و خانه بردوشم و باز گشتم کوچهٔ صوفیان است و نامم عشق است و مشرب قلندری دارم ، بیت :

عشق است اینکه در دو جهان جلوه می کند   گه از لباس شاه گه از کسوة گدا
همین عشق است کز هر خار سنگی   تراوش می کند هر جا برنگی
گهی بو گردد از گل بر آید   گهی آواز از بلبل بر آید

فافهم فتأمل و الله اعلم بالصواب برحمتک یا ارحم الراحمین تمت الکتاب بعون الملک الوهاب تم (٤ بار)».

۹- **چگونگی:** در این مجموعه ۵ رسالهٔ ارزنده است که موضوع همهٔ آنها «**ادب و عرفان و تصوف و عشق حقیقی**» است. متن هر رساله آمیخته یی از نثر و نظم عرفانی فارسی است به استثنای مثنوی سیر حقیقت که همهٔ آن نظم است و جمعاً ۳۱ بیت دارد. مؤلف یا (شاعر) همهٔ این رسائل یک تن است که نام کاملش «محمد صابر ولد محمد یعقوب البخاری» است. اما در بیت آخر «مثنوی سیر حقیقت» و در پایان رسالهٔ «مشتاق الجاهلین» تخلص «صوفی» دارد :

«میکدهٔ دل شده غرق علوم   میرسدم **صوفی** ز مولای روم»

و : «عاجز بیان قاصر زبان غرق بحر زاری کمینه **صوفی** غفر الله لی».
درلابلای جملات نثر و اشعار به نام «فقیر» و «کمینه» بسیار می رسیم که همه جا به نام خود اشاره می کند. نثر و نظم فارسی این رسائل مخصوص شبه قارهٔ هند و پاک است و شور و جذبه و شوق و عشق دارند و تقسیمات آنها بر اساس موضوعاتی است که مؤلف اختیار کرده و عنوان قرار داده است، مثلاً : «بشنو، گوش کن، بشنو ای عزیزم، مقام اول، مقام دویم، مقام هفتم، سؤال یکم . . . سؤال هفدهم». از آیات قرآن و احادیث و کلمات مشایخ و سخنان عارفان با ذکر نام و مأخذ استفاده کرده است. اشتباهات انشایی و املایی در آن دیده می شود و بعضی از آنها سهو القلم کاتب است.

چاپ شدهٔ این رسائل را تاکنون ندیده ام . چنان به نظر می رسد که این مجموعه به خط مؤلف باشد .

٦١٠/٣٥٩

مجموعه

۱- قرابادین معصومی ، ۲- خلاصهٔ قوانین علاج یا مطب علویخان

[طب ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه : — بیرونی ۲۳/۵×۱۳×۴/۵ س م . — درونی: ۱۵ س ۱۵/۵×۸/۵ س م . و ۲۲ س ۱۷×۸/۵ س م .

۲- اوراق : ۲۸۰ ورق ۵٦۰ صفحه .

۳- کاغذ : ضخیم نازک سمرقندی و سپاهانی ، کرم خورده ، آب رسیده ، اوراق شده ، جلد مقوایی ملون باعطف و گوشهٔ چرمی قهوه یی پوسیده .

٤- خط : نستعلیق متوسط و تحریر ، روشن ، خوانا ، عنوانها و نشانها و سرفصلها و کلمات و اصطلاحات پزشکی شنگرف ، قرن ۱۱ ه ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد و لیکن چند تاریخ تملک در آغاز و اواسط و انجام آن آمده است : «۱۱۹٦ ه ق» و «۱۲۳۷ ه ق» (رک : ۹—چگونگی) .

٦- مؤلف : نام مؤلف رسالهٔ اول : «معصوم ابن کریم الدین الشوشتری الشیرازی» ، نام تألیف : «قرابادین معصومی» ، تاریخ تألیف «۱۰۵۹ ه ق» در صفحهٔ ۳ تا ۵ اینگونه آمده است : «اما بعد . . . در این ولا که دست داعیهٔ این خواهش دامنگیر خاطر فاتر اضعف عباد الله الملک المعین المحتاج الی مغفرت رب العالمین معصوم ابن کریم الدین الشوشتری الشیرازی نیز گردید که بقدر الوسع و الامکان به ترتیب تألیفی پردازد . . . و پاره یی از مرکبات مجربهٔ اطباء هند نیز منتظم بر آن ساخت تا دربن هنگام که گذشته بود ز هجرت هزار پنجه و نه مجموع آنها را در سلک تحریر بر رشتهٔ انتظام در آورد و . . . بقرابادین معصومین موسوم گردانیده» .

نام مؤلف رسالهٔ دوم : «حکیم علویخان شیرازی متوفی ۱۱۵۹ = بقراط

زماله از جهان رفت» ، نام تألیف: «**خلاصهٔ قوانین علاج**» «**یا مطب علویخان**» ، تاریخ تألیف معلوم نشد. در صفحهٔ ۴۵۱ چنین آمده است:
«اما بعد این رساله‌یی مختصر مفید مسمی بخلاصهٔ قوانین علاج که یگانهٔ زمان وحید دوران تذکرهٔ حکمای باستان حکیم باشی پادشاهان‌هندوایران استادی و مرشدی نواب معتبرالملوک حکیم علویخان شیرازی . . . که ماده تاریخ ارتحالش بی کم و زیاد ازین مصراع دل نشین مستفاد ، مصرعه» بقراط زمانه از جهان رفت - ۱۱۵۹» برای تسهیل طالبان فن طبابت عام فهم تألیف کرده».

۷- آغاز : **قرابادین معصومی** (ص ۲): «بسم الله الرحمن الرحیم ، تحمیدی که لسان اعتذار تذکار مسبحان صوامع افلاک در اظهار و تکرار آن بعجز قایل و معترف است در خور ذات تقدس حکیم علی الا طلاقیست جل جلاله که بهوای شعلهٔ قانون حکمتش دیگ بخار بجهت نضج طبع نیسان پیوسته در جوش است و تمجیدی که زبان بیان معتکفان مرکز خاک در ادای آن قاصر والکن است».

۸- انجام : **ایضاً** (ص ۴۴۲): «و بعد از ساییدن هر یک را بوزن مقرر آمیزش داده با شیرهٔ نبات بقوام آورده بسرشند و حبها هر یک بمقدار نخودی بسته مجموع را بخش کنند و در مدت نه روز هر روز یک بخش را باگلاب و شربت فرو برند و شروط مذکوره در احتمال و پرهیز بعمل آرند تا مطلب و مقصود حاصل شود و سعی و رنج ضایع نگردد والعلم عند الله والله اعلم بالصواب و الیه حسن المآب ، تمت هذا النسخهٔ الشریفه فی یوم الخمساء».

–آغاز : **خلاصهٔ قوانین علاج یا مطب علویخان** (ص ۴۵۱): «رب یسر ، بسم الله الرحمن الرحیم ، و تمم بالخیر ،

حمد محمود و نعت راهنما — از که آمد که من کنم انشاء
حمد حق از زبان حق باید — نعت هم از زبان حق شاید
منقبت خوان آل و اصحابم — با بزرگان براه آدابم
بهر بخشایشم بشان راجی — کی بنایم ز معصیت ناجی
من بدان راز خویش به دانم — خویش را کمتر از همه خوانم

اما بعد این رساله ایست مختصر مفید مسمی بخلاصهٔ قوانین علاج».

–انجام : «و اگر معلوم گردد که کدام زهر بوده است به آنچه مخصوص آن است

به آن معالجه کند چنانچه در مطولات مذکور است پس از کتابها فرد گذ . . . شفا خواجهٔ جهانیان عنایت‌الله رحمت یار خان که یکی از نسخه نویسان مطب استاد طبیبان آفاق نواب معتمد الملوک حکیم علویخان خلف تذکرهٔ حکمای باستانی محمد هادی شیرازی رحمه الله به تصحیحات این رساله مفیده موله نواب قدس سره را از روی نسخهٔ مرقومهٔ میرزا محمد اسحاق شاگرد آنجناب غفران پناه را . . . مراد فرزندان مرا به مطالعهٔ این . . . و بهره‌یاب گرداناد بحرمته النبی و آله الا مجاد تمت برب الغریب».

۹- **چگونگی:** موضوع این مجموعه «طب» است . نام داروها و بیماری ها را شرح می دهد . اصطلاحات طبی و دارویی و نام‌های گیاه‌های پزشکی را در بردارد . تقسیمات **قرابادین معصومی** بر اساس «مقدمه» و «فایده» و «مقاله» و «باب» و «فصل» و «اشاره» و «خاتمه» است و جمعاً ۶ مقاله و ۱۲ فایده و چند فصل و چند باب و چند اشاره دارد . تقسیمات خلاصهٔ قوانین علاج یا مطب علویخان بر اساس «باب» و «فصل» و الفاظی است که به خط سرخ عنوان قرارداده شده و آنها را شرح و توضیح کرده است ، مثلاً : «صداع ، طلائی ، جلابی ، نفوع ، غرغره» و جمعاً ۱۷ باب و چند فصل دارد . روش معالجه و مداوا و طرز نسخه نوشتن را به طرز اطبای قدیم شرح می دهد . در آغاز و انجام و لابلای اوراق این مجموعه ، توضیحات و یادداشتها و مطالب بزشکی کتابت شده است .

در صفحهٔ یک این یادداشت خواندنی است : «هو العظیم ، در مستقر الخلافهٔ اکبر آباد در سنهٔ ۱۱۹۶ یک هزار و یکصد و نود و شش هجری نبوی صلی الله علیه و آله و سلم مطابق سنهٔ ۲۴ شاه عالم پادشاه غازی در شهر شوال المکرم بعد از وفات رحمت یار خان از ورثهٔ او معرفت قاضی محمد باسط خان احقر العباد ابتیاع نمود و من عواری الزمان عندی» و عنایت الله رحمت یار خان آنرا در سال «۱۱۸۱ هجری نبوی» خریده است و با نسخهٔ میرزا محمد اسحاق مقابله کرده و در شفا خواجهٔ جهانیان در دارالخلافهٔ شاه جهان آباد مورد استفاده قرار گرفته است. نشان چند مهر دارد که بعضی از آنها سیاه و محو شده بعضی چنین خوانده شد : «سید محمد تقی» و «حکیم علی بخش رضوی ۱۲۳۷».

این نسخه با این حواشی و این یادداشت ها هنوز چاپ نشده است .

۲۹۰ و ۹۵۰ و ۸۹
۳۹۳

مجموعه

۱—قدسیه ، ۲—طریقهٔ نفس ، ۳—اسرارالوحی ، ٤—السایر الحایر الواجد الی الساتر الواحد الماجد ، ۵—ناشناخته ، ۶—سخنان شیخ زین‌الدین الوافی (الخوافی) ، ۷—ناشناخته، ۸—لوامع، ۹—کنزالرموز ، ۱۰—ناشناخته ، ۱۱—انیس‌الطالبین وعدةالسالکین ، ۱۲—علاج‌الامراض، ۱۳—شرح قصیدهٔ تائیه (فارضیه) یا نظم‌الدر، ۱٤—ناشناخته، ۱۵—مناجات لقضاءالحاجات، ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰—ناشناخته

[دین و ادب و تاریخ، فارسی و عربی ، منثور و منظوم]

۱- **اندازه :** —بیرونی : ۱۸/۵×۱۳/۵×۳ س م. —درونی : ۱٤ و ۱۷ س ۱۱×۷ و ۱۲/۵×۷/۵ س م.

۲- **اوراق :** ۲۰٤ ورق. ٤۰۷ صفحه.

۳- **کاغذ :** نازک و ضخیم زرد تیره رنگ کشمیری ، آب رسیده ، ساییده شده ، جلد مقوایی ملون با عطف پارچه‌یی و گوشهٔ تیاجی سرخ گون.

٤- **خط :** ثلث و نستعلیق خوش ، خفی و جلی ، خوانا ، روشن ، پخته ، رسم الخط عربی و فارسی ، عنوانها و نشانها و سرفصلها و خطوط رسم شده بربالای بعضی از کلمات شنگرف ، اندکی منقش (ص ۸۵ و ۱۹۵)، جدولهای یک خطی لاجوردی ، قرن ۹ هـ ق.

۵- **کاتب :** «**احمد بن محمد الجوینی**» و «**جلال**» و «**محمد سعیدی**» ، تاریخ کتابت «**۹۰۰ هـ ق**» و «**۹۰۹ هـ ق**» و «**۹۱۰ هـ ق**». در صفحهٔ ۷۹ چنین آمده است : «تم هذه النسخه‌ الشریفه‌ الموسومه‌ بالقدسیه فی ربیع الاول سنه‌ تسعمایه‌ بخط العبد احمد بن محمد الجوینی اللهم اغفر لکاتبها و لقاریها و لسامعها و لمن نظر فیها برحمتک یا ارحم الراحمین». و در صفحهٔ ۱۱۲ چنین: «حرره العبد المذنب محمد سعیدی مدرسهٔ جده غفر الله له و للمخلوقین یوم الدین فی شهر صفر سنهٔ عشر و تسعمائه». و در صفحهٔ ۳۹۶ چنین : «وکان زمان اتمامه وقت الظهر یوم الاثنین عاشر شهر رمضان المبارک سنهٔ تسع و تسعمایه‌ و انا العبد جلال».

٦- **مؤلف :** نام مؤلف رسالهٔ اول : «**محمد بن محمد الحافظی البخاری**» ، نام تألیف :

«قدسیه» ، تاریخ تألیف معلوم نشد. نام مؤلف رسالهٔ دوم : **«خواجه عبیدالله سمرقندی»** ، نام تألیف: **«طریقهٔ نفس»** ، تاریخ تألیف معلوم نشد. نام مؤلف رسالهٔ سوم معلوم نشد. نام تألیف : **«اسرارالوحی»**، تاریخ تألیف : **«۹۲۰ ه ق»**. نام مؤلف رسالهٔ چهارم : **«ابی الحیات احمد بن عمر بن محمد بن عبدالله الخیوقی»**، نام تألیف: **«السایرالحایر الواجد الی الساتر الواحد الماجد»**، تاریخ تألیف معلوم نشد. نام مؤلف رسالهٔ پنجم : **«محمد بن محمد بن احمد بن الرودلعکی»**، نام و تاریخ تألیف معلوم نشد. نام مؤلف رسالهٔ ششم: **«شیخ زین الدین المواقی یا الوافی»**، نام تألیف : **«سخنان شیخ زین الدین المواقی یا الخوافی»**، تاریخ تألیف معلوم نشد. نام مؤلف رسالهٔ هفتم و نام و تاریخ تألیف معلوم نشد. نام رسالهٔ هشتم **«لوامع»** یا **«شرح قصیدهٔ میمیهٔ خمریه»** ، نام قصیده سرا **«ابن الفارض»** و نام شارح: **«مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی ۸۱۷-۸۹۷ ه ق»**. نام مؤلف رسالهٔ نهم شناخته نشد ، نام تألیف : **«کنزالرموز»** ، تاریخ تألیف : **«۹۲۰ ه ق»**. نام مؤلف رسالهٔ دهم و نام تألیف و تاریخ آن شناخته نشد. نام مؤلف رسالهٔ یازدهم : «ناشناخته» ، نام تألیف : **«انیس الطالبین وعدة السالکین»** یا **«حالات شیخ بهاالدین نقشبند»** ، تاریخ تألیف شاید : **«۹۱۰ ه ق»** باشد. در آخر این رساله نوشته است : «تمت المقامات بعون الله تعالی و حسن توفیقه فی شهر سنهٔ عشر و تسعمائة». نام مؤلف رسالهٔ دوازدهم «ناشناخته» ، نام تألیف : **«علاج الامراض»** ، تاریخ تألیف : **«۹۱٤ ه ق»** ، نام مؤلف یا شاعر رسالهٔ سیزدهم «ناشناخته» ، نام تألیف : **«قصیدهٔ تائیه فارضیه»** یا **«نظم الدر»** ، نام شارح و نام و تاریخ شرح معلوم نشد. نام مؤلف و تألیف و تاریخ تألیف رسالهٔ چهاردهم معلوم نشد. نام مؤلف یا (شاعر) رسالهٔ پانزدهم : **«امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب(ع)»**، نام تألیف : **«مناجات لقضاءالحاجات»** ، تاریخ تألیف معلوم نشد . نام مؤلف رسالهٔ شانزدهم : **«یعقوب بن عثمان بن محمد الغزنوی الجرخی»**، نام تألیف معلوم نشد و تاریخ تألیف: **«۹۰۹ ه ق»**. رسالهٔ هفدهم و هیجدهم و نوزدهم و بیستم: «ناشناخته». (رجوع شود به ۷- آغاز و ۸- انجام همهٔ این رسائل).

۷- **آغاز : رسالهٔ اول ، قدسیه (ص ۱ ، حاشیه و متن)** : «بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین ، حمد و ثنا بی حد و منتها و شکر و سپاس بی اندازه و قیاس حضرت بادشاهی را جل ذکره که طالبان وصال و مشتاقان جمال او را دلیل

وجود او هم وجود است و برهان شهود اوهم شهود او ،

تو بدو بشناس او را نه بخود راه ازو خیزد نی از خرد

تلطفت باولیائک فعرفوک».

۸- انجام : ایضاً (ص . ۹) : «و درین مقام تنزل در هر امری ایشانرا رجوع بحق و دوام استغفار لازم بود و اولیا را ازین مقام بتبعیت انبیا علیهم الصلوة و السلام بهرهٔ بود چنانک فرمود قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیرة انا و من اتبعنی و سبحان الله و ما انا من المشرکین و الله الهادی تم هذه النسخة الشریفة الموسومة بالقدسیه فی ربیع الاول سنة تسعمایة بخط العبد احمد بن محمد الجوینی الهم اغفر لکاتبها و لقاریها و لسامعها و لمن نظر فیها برحمتک یا ارحم‌الراحمین .

هر که خواند دعا طمع دارم زانکه من بندهٔ گنه کارم

یا رب همه را ببرکت بسم الله داری ز بلاهای شب و روز نگاه

یا رب همه را در آن دم باز بسی توفیق دهی کلمهٔ الا الله».

—آغاز : رسالهٔ دوم ، طریقهٔ نفس (ص . ۱۰ ، حاشیه): «رسالهٔ خواجه عبیدالله سمرقندی در طریقهٔ نفس قدس الله اسرار هم ، الحمد لله الاحد بذاته و کبریائه الواحد لصفاته و اسمائه و الصلوة علی من تجلی له بذاته مع جمیع صفاته بعد فنائه عن الکل محمد محمد الذی اوتی جوامع الکلم لیکمل بها طوایف الامم».

—انجام : ایضاً (ص . ۳۰) : «یک‌لمحه بموجب‌عنایت بی علت ولی را که در کشاکش مرادات سفلیه باز مانده است و از انجذاب بمقر خود که عبارت از اوطان انس است در عالم قدس دور افتاده ازرق تقیید بمرادات هوای خود که نبرد ارباب معنی جحیم و هاویه بعد عبارت از آنست خلاص گردانید و بحقیقت حضور مع الله که عبارت از آرام دلست باحق سبحانه بی مزاحمت شعور بوجود خود بل آرام که اقدس است از وصف آرام و با حق سبحانه مشرف گردانند از بی این عیش و عشرت ساختن صد هزاران جان نباید دوختن».

—آغاز : رسالهٔ سوم ، احادیث الصحیحة من کتاب اسرار الوحی ، (ص ۴۲ ، حاشیه) : «بسم الله الرحمن الرحیم ، احادیث الصحیحة من کتاب اسرار الوحی ، قال الله تعالی یا احمد ، هل تعلم بای وقت یتقرب العبد الی قال یا رب لا مال اذا کان جایعاً او ساجداً یا احمد العجب من ثلثة عبید عبد دخل فی الصلوة

و هو یعلم الی من یرفع یدیه».

—انجام : ایضاً (ص ۱۰۹) : «قال یا موسی و قل الحق بکلام لک او علیک فما النصر الا من عندالله قال یا موسی اکثر قول سبحان الله و الحمد لله و لا اله الاالله الله اکبر و لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و اکثر قول سبحان من تعززبالقدرة قهرالعباد بالموت و اکثر من قول اللهم بارک لی فی الموت و فیما بعد الموت و اکثر من قول لا اله الا الله الملک الحق المبین قال الله تعالی یا موسی لا تأمن من مکری ولاتیأس من رحمتی و کل لی حتی اکن لک تم احادیث اسرار الوحی فی سنهٔ ۹۲۰».

—آغاز : رسالهٔ چهارم ، السایر الحایر الواجد الی الساتر الواحد الماجد (ص ٤٤ ، حاشیه): «بسم الله الرحمن الرحیم ، و به نستعین ، سپاس مرخداوندی را که خلق را از عدم بوجود آورد و بعضی را بر بعضی تفضیل کرد و آدم و آدمی زاد را بر بسی خلق فضل نهاد فقال عز من قایل فضلناهم علی کثیر ممن خلقناهم تفضیلاً و خلافت زمین بر آدم و آدمی زاد ارزانی داشت فقال انی جاعل فی الارض خلیفه».

—انجام : ایضاً (ص ٦١) : «اگر بسیار علف دهد او را بدراند و اگر هیچ ندهد عوعو حواطر کنند و مرد را جمعیت نماند و اگر اندکی بایشان دهد چند انک در خواب شوند و ساکن گردند خوش خوش مرد راه گیرد و برود و از مشغلهٔ ایشان فارغ باشد و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین تمام شد کتاب رسالهٔ السایر الحایر الواجد الی الساتر الواحد الماجد من تصنیف مولانا الامام الاجل العالم الحافظ نجم الملة و الدین شیخ الاسلام و المسلمین ناصر السنة قامع البدعه امام الایمة حجة الله علی الخلق ابی الحیات احمد بن عمر بن محمد بن عبدالله الخیوقی رضی الله عنه».

—آغاز : رسالهٔ پنجم ، ناشناخته (ص ٦۲ ، حاشیه) : «بسم الله الرحمن الرحیم ، قال العبد الضعیف محمد بن محمد بن احمد بن الرودلعکی عن الشیخ الامام محمد بن محمد الحسین احمد بن ابی الفضل العرعری قال فی بعض ما انزل الله علی موسی لقول الحسین بن عبدالکریم بن حسین الکاتب مسنداً معنعناً الی کعب الاخبار قال وجدت فی بعض ما انزل الله علی موسی بن عمران».

—انجام : ایضاً (ص ۷۰) : انجام این رساله آشفته است و چون در کنارهٔ صفحات

(حاشیه) کتابت شده است تشخیص مطالب مربوط به آن دشوار است و شاید انجام چنین باشد : «قال الله تعالی یا موسی خذ نعلاً من حدید و عصا من صفیر و اطلب العلم حتی ینخره النعلان و ینکسر العصا فان کل عمل بلا علم هباء منثور فان العلم دلیل العمل و العمل بلا علم کالقوس بلاو تر و العلم بلا عمل کالشجر بلاثمر و العلم بلا زکوة کالرعد و البرق بلا مطر و العلم و العمل و الزکوة مع الحرام کالدر و الیاقوت و اللؤلؤ فی رقبهٔ الخنازیر و العلم و العمل و الزکوة مع الجلال و الکذاب و الغیبهٔ و النمیمهٔ کنثار الدنانیر علی القبور لا یفرح بها المیت فی قبره».

ـ آغاز : **رسالهٔ ششم ، ناشناخته (ص ٧٠) :** «بسم الله الرحمن الرحیم ، و به نستعین ، اعلموا رحمکم‌الله تعالی انه یلزم العبد المسلم فی یوم و لیلهٔ خمسون فریضهٔ فی کتاب الله عزو جل فمن لم یحفظها ولا یعلم هذه الفریضه فهو جاهل عاص مذموم ولا عذر له عندالله تعالی یوم القیمهٔ اولها معرفهٔ الله تعالی بالربوبیهٔ».

ـ انجام : **ایضاً (ص ٧٣) :** «٤٤ الشکر بنعمهٔ الله قوله تعالی‌ان اشکرلی ولوالدیک والی المصیر اخذ ٤٥ اخذ الرهن فی البیع و الشری قوله تعالی فرهان مقبوضهٔ ٤٦ ترک الربوا قوله تعالی و لاتأ کل الربوا اضعافا مضاعفهٔ ٤٧ التقوی لله قوله و تزودوا فان خیرالزاد التقوی‌فاتقون یا اولی الابصار ٤٨ العمل بالحجهٔ قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین ٤٩ الدعا قوله تعالی ادعونی استجب لکم. التضرع و الاستغفار قوله تعالی واستغفروا ربکم تمت».

ـ آغاز : **رسالهٔ هفتم ، (سخنان شیخ زین الدین الخوافی ص ٨٢) :** «این چند کلمه از سخنان شیخ زین الدین الخوافی علیه الرحمهٔ نوشته شد که بالتماس درویشی نوشته بودند :

صد سال سر خویش اگر جلق کنی ... وندر بر خویش جامه و دلق کنی
صد بار ز در دور کنندت به قفا ... گر یکسر موی روی با خلق کنی

کار سالک به صدق و اخلاص انجام یابد ، یک روزه عمل که روی دل بخدا باشد و ظاهر و باطن بهتر از هزار ساله عمل که دل مایل خلق بود و از رد یا قبول ایشان شاد یا ملول ، بیت :

هر کو بقبول خلق کاری دارد ... از عالم معرفت کناری دارد»

—انجام : **ایضاً** (ص ۸٦) : «و حاضر دل باشد و نظر حق تعالی را که دایماً بدو هست در خاطر آورد. امید است که بذودی (بزودی) در دل اویغیب حق گشاده گردد و ایمان عیبی شهودی گردد انشا الله تعالی بالتماس درویش این چند حرف تحریر یافت ، حکایت بسیار مرد بیکار را مفید نباشد و مرد آگه را بیک کلمه از مقامی بمقامی می توان برد :

دل گفت مرا علم لدنی هوس است تعلیم ده اگر ترا دست رس است
گفتم که الف گفت دگر گفتم هیچ درخانه‌اگر کس‌است یکحرف بس‌است

—آغاز : **رسالهٔ هشتم ، ناشناخته** (ص ۹۲) : «باسمه سبحانه بدان ای عزیز ، نورالله سبحانه بصایرنا بنور شهوده و بصرنا بعموم سریان وجوده فی مرائی فضله که توحید را که از صفات بنده است سه مرتبه است ، مرتبهٔ اول توحید الوهی است که عبارت از اقرار است بکلمهٔ طیبه و اعتراف بمضمون آن و حاصل آن اثبات وجود اله بحق است».

—انجام : **ایضاً** (ص ۹٤) : «موحد در مرتبهٔ دوم اگرچه از ارباب کشف و شهود است قایل نیست باحاطهٔ ذاتی حق سبحانه زیرا که بر سریان ذاتی وی در مراتب اطلاع نیافته است و موحد در مرتبهٔ سیم قایل است بآن بر اطلاع بر سریان مذکور و هو سبحانه و تعالی اعلم بحقایق الامور تم».

—آغاز : **رسالهٔ نهم ، لوامع یا شرح قصیدهٔ میمیهٔ خمریه** (ص ۹٦): «بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین ، سبحان من جمیل لیس لو حمد نقاب الا النور ولا لجماله حجاب الا الظهور ، رباعیه :

ای گشته نهان ز غایت بینایی عین همه عالمی ز بس یکتایی
ز آن بیشتری که در عبادت گنجی زان باکتری که در اشارت آیی

الهی بحرمت آنان که بی بسرا پردهٔ عزت وحدت تو برده‌اند و در راه ایشان نه کام پیدا و نه پی».

—انجام : **ایضاً** (ص ۲۰۰—۲۰۱) : «رباعیه :

ای صنع تو لحظه لحظه از خانهٔ کن صد نقش تو انگیخته بر لوح کهن
خواهم که شود صحیفهٔ عمر مرا بر یاد تو ختم شد برین ختم سخن

بغایت رسید و بنهایت انجامید روش قلم تیزگام و جنبش خامهٔ بی آرام در قطع مراحل ترتیب این لوامع وطی منازل تألیف این بدایع فی تاریخ یفهم

من هذه الرباعیه‌ٔ سبیل الایماء والتعمیه‌ٔ ، رباعیه :

بی دعوی فضل جامی لاف هنر   در سلک بیان کشید این عقد گهر
و آن لحظه که شد تمام آورد بدر   تاریخ مه و سال وی از شهر صفر»
«۸۷۵ ه ق».

—آغاز : رسالهٔ دهم ، کنز الرموز ، (ص ۱۳۶) : «این رساله ایست مشتمل بر خلاصهٔ اقوال علما و نقاوهٔ اعمال حکما منطوی بر ده فصل و خاتمه و هر فصلی را خاصیتی مخصوصست و مسمی شده است بکنز الرموز و بالله التوفیق و سده ازمهٔ التحقیق ، فصل اول در باب آنکه دهن را بیفزاید حکما گفته‌اند که ده چیز است که دهن را جلا دهد».

—انجام : ایضاً ، (ص ۱٤۰) : «اول تعظیم امر خدای ، دوم شفقت بر خلق خدای ، سیم شب زنده داشتن ، چهارم سحرگاه به تلاوت قرآن و طاعت مشغول بودن، پنجم قرآن بسیار خواندن ، ششم بمجالس علما رفتن ، هفتم با دوستان صحبت داشتن، هفتم پیوسته باوضو بودن، نهم جامهای پاک و غذاهای پاک‌پوشیدن و نوشیدن، دهم تواضع و خوش‌خلقی نمودن تمت الرسالهٔ الموسومهٔ بکنزالرموز فی شوال سنهٔ ۹۲۰».

—آغاز : رسالهٔ یازدهم ، ناشناخته (ص ۱۵۶) : «بسم الله الرحمن الرحیم ، اذا قال لک قایل التوحید والمعرفهٔ کلاهما واحد ام غیران ان قال واحد فقد اخطاء و ان قال غیران فقط اخطاء و لکن الجوانب عنه ان تعال التوحید معرفهٔ الله بانه واحد لا شریک فی وحدانیته و ربوبیته».

—انجام : ایضاً ، (ص ۱۵۹—۱٦۰) : «و اما کل النوعی مثل قوله تعالی والله علی کل شیٔ قدیر و صفته القدرة انما یقع علی المحدثات دون غیره اما کل الجزئی مثل قوله تعالی تدمر کل شیٔ بامر ربها و قوله تعالی علی کل جبل منهن جزءاً».

—آغاز : رسالهٔ دوازدهم ، المقامات یا انیس الطالبین وعدة السالکین (ص ۲۰٦) : «بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین اما بعد چنانک در ظهور احوال و آثار اولیا اختیار نیست در اسباب وصول بصحبت مشایخ طریقت هیچ طالبی را اختیار نیست قاید و سایق هدایت و عنایت است ، عنایت الهی بخدمت خلیفه قطب العالمین رسانید از برکهٔ ایشان بنظر قبول قدوة العارفین و قطب

المکملین ملاذ الاصفیا و مرشد الاولیا شیخنا و سیدنا سندنا شیخ بهاء الحق والدین المشتهر بنقش بند قدس الله تعالی روحه و افاض علی الخلایق فتوحه رسیده شد ».

—انجام : ایضاً ، (ص ٣٢٣) : «ازیشان پرسیدند سلوک و طریقهٔ خواجه بهاء الدین از متأخران مشایخ بطریقهٔ کی مناسبت دارد فرمودند سخن از متقدمان گویید دویست سال زیاده است تا این نوع ظهور آثار ولایت که بر خدمت خواجه بهاء الدین بعنایت الهی شده است بر هیچ کس از مشایخ طریقت قدس الله ارواحهم از متأخران نشده است. تمت المقامات بعون الله تعالی و حسن توفیقه فی شهر صفر سنهٔ عشر و تسعمائه.

شکر که این نامه بعنوان رسید پیشتر از عمر بپایان رسید
سرمکش از صحبت روشن دلان دست مدار از کمر مقبلان
خار که هم صحبتی گل کند غالیه در دامن سنبل کند
هر چه تو بینی ز کهن تا بنو جون گزرنده است نیرزد دوجو

حرره العبد المذنب محمد سعید مدرسه جده غفرالله له وللمخلوقین یوم الدین».

—آغاز : رسالهٔ سیزدهم ، علاج الامراض (ص ٢٠٨) : «رسالهٔ علاج الامراض ، بسم الله الرحمن الرحیم و هوالنافع الحکیم :

ای درد تو آمده علاج دل ما عشق تو موافق مزاج دل ما
جز درد و غمت مده بماخسته دلان گر درد و غمت بود رواج دل ما

تضرع بحضرت حکیمی که دافع انواع امراض و اصناف اعراض اوست در حقیقت جل جلال حکمته :

ای یاد تو نوش داروی اهل صفا لطف و طبیب دل ارباب وفا
بیمار معاصیم ما را برسان از راه شفاعت رسولت بشفا

—انجام : ایضاً ، (ص ٢٥٧) : «علاج کسی که او را زهر داده باشند :

چون دست دهد ز سرب سمت حالی کز رنج شوی براه غم پامالی
از بهر خلاصیت مرد حکیم کافی بود از مخلصه مثقالی

خاتمه در با فیح اتمام این تراکیب

از فضل حکیمی که ز فیض قدمی تغییر ده وجودیست و عدمی

چون نهصد و جارده ز هجرت بگذشت   این نسخهٔ دلفریب کردم قلمی

تم بالخیر».

—آغاز : **رسالهٔ چهاردهم ، شرح قصیدهٔ تائیه (فارضیه) یا نظم الدر ، (ص ۳۲۸) :** «بسم الله الرحمن الرحیم الحلام (خلاق) و به نستعین پا کا خداوندی که صفحات کاینات نامهٔ سپاس و ستایش اوست و صحیفهٔ مکونات نسخهٔ بخشش و بخشایش او ، بزبان هر ستاینده حامد اوست و در لباس هر ستوده محمود او ، در دیدهٔ هر ناظر شاهد اوست ، و در صورت هر منظور مشهود او ، ذات متعالی صفاتش در مقر عزت یگانه».

—انجام : **ایضاً (ص ۳٦٤) :** «قال قدس سره :

لانت منی قلبی و غایه بغیتی   و انهی مرادی و اختیاری و خیرتی

این بیت جواب قسمهایی است که در ابیات سابق گذشته ، میگوید سوگند باین امور که سبق ذکر و پرتو شعور و آگاهی برآن تافته که هر آینه تو آرزوی دل ناشاد منی و غایت مقصود و نهایت مراد منی از خوبان ترا پسندیده‌ام و برهمه محبوبان ترا برگزیده ، رباعیه :

هم آرزوی خاطر افکار تویی   هم غایت مقصود دل زار تویی

هرخسته دل اختیار یاری کردست   ما را ز میان همه مختار تویی».

—آغاز : **رسالهٔ پانزدهم ، ناشناخته (ص ۳٦۲ حاشیه) :** «اسامی ایمه علیهم السلام بسم الله الرحمن الرحیم ، اللهم صل علی النبی الامی العربی القرشی الهاشمی المکی المدنی الابطحی التهامی السید البهی السراج المضی صاحب الوقار والسکینه المدفون بارض المدینه».

—انجام : **ایضاً ، (ص ۳٦٥) :** «و اهلک عددهم من الجن والانس من الاولین والآخرین الی یوم الدین اللهم ارزقنا شفاعتهم و احشرنا معهم و فی زمرتهم و تحت لوائهم بفضلک و کرمک وجودک و احسانک و رحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین».

—آغاز : **رسالهٔ شانزدهم ، مناجات لقضاء الحاجات (ص ۳٦۰) :** «هذه مناجات لقضاء الحاجات من کلام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب کرم الله وجهه ، بسم الله الرحمن الرحیم و به نستمد :

لک الحمد یا ذالجود والمجد والعلی تبارکت تعطی من تشاء و تمنع
برتر است سپاس و ستایش ای خداوند بخشش و بزرگی و بزرگواری ، بس بلند مراتب عظمت تو عطا میدهی آنرا که می خواهی و منع می کنی آنرا که می خواهی ».

—انجام : ایضاً (ص ۳۷۵) :

«ولا تحرمنی آلهی و سیدی شفاعته الکبری فذاک المشفع
و صل علیه مادعاک موحد و ناجاک اخیار ببابک رکع

و محروم مگردان امرای خدای من و آفرینندهٔ من شفاعت حضرت رسالت را که آن بزرگست و آنست مطلوب و رحمت و غفران فرو فرست بروتا آن زمان که میخواند ترا اهل توحید یگانگی و تا آنزمان که راز میگویند با تو آنها که نیکوکارند و بدرگاه تو روی بزمین دارند».

—آغاز : رسالهٔ هفدهم ، ناشناخته (شمهی از سیرت مصطفویه و طریقهٔ مستقیمه) ، (ص ۳٦۹): «بسم الله الرحمن الرحیم، حمد و ثنا مر مبدع ارض و سما را که جنس انس را مظهر انواع کمالات گردانید و رسل و انبیا و اولیا را و سایط تکمیل ساخت و محمد رسول الله را صلی الله علیه وسلم درین باب بر همهٔ ایشان تفضیل کرد و امت او را نیز بنا بر این بهترین امم گردانید و بعضی از امت او را به ولایت خاصه محفوظ داشت ».

—انجام : ایضاً (ص ٤۰۷) :

« بندهٔ حلقه بگوش ار ننوازی برود لطف کن لطف که بیگانه شود حلقه بگوش

و می فرمودند که حقیقت اخلاص بعد از فنا دست میدهد تا بشریت غالبست میسر نمی شود و این نظم املا فرمودند ، نظم :

ساقی قدحی که نیم مستیم مخمور صبوحی الستیم
ما را تو بما ممان که تا ما با خویشتنیم بت پرستیم

لک الحمد یا ذالجلال و الاکرام علی التوفیق للاتمام و صلی الله تعالی علی محمد علیه الصلوة و السلم و علی آله و اصحابه الکرام و کان زمان اتمامه وقت الظهر یوم الاثنین عاشر شهر رمضان المبارک سنهٔ تسع و تسعمایه" و انا العبد جلال» .

—آغاز : **رسالهٔ هیجدهم ، فضایل نماز های شب و روز** ، (ص ۳۹۸ ، حاشیه) : «فضایل نماز های شب و روز ، فصل اول در فضیلت نماز شب ، شنبه ، پیغمبر علیه السلام گفت : هر که میان شام و خفتن دوازده رکعت نماز بکندی بخواند در هر رکعتی یکبار و یکبار قل هو الله احد خدای عز و جل در بهشت از برای او کوشکی بنا کند» .

—انجام : **ایضاً** (ص ٤٠٢) : «فصل چهاردهم در فضیلت نماز روز آدینه پیغمبر علیه السلام گفت هر که در روز آدینه پیش از نماز چهار رکعت کند بخواند در هر رکعتی الحمد یکبار و اخلاص پنجاه بار بخواند آن بنده نمیرد تا جای خود را در بهشت معاینه بیند انشاء الله تمت الفضایل» .

—آغاز : **رسالهٔ نوزدهم ، ناشناخته** (ص ٤٠٨) : «مبنای طریق مشغولی این عزیزان آن است که میگویند هوش در دم خلوت در انجمن معنی هوش در دم آنست که هر نفس که بر می آید می باید که از سر حضور باشد و غفلت راه نیابد و طریقهٔ مشغولی آنست که این کلمهٔ طیبه را بتمام می گویند» .

—انجام : **ایضاً** (ص ٤٠٩) : «اما اگر درین توجه که مذکور شد تعسری باشد این معنی را باین اسم مقدس که اسم ذات است بر دل خود تازه می کند بود و مراقب این معنی ما می باشد مانند کسی که جشم بر چیزی گذاشت و می بیند و از دیدن بتعقل نمی بردازد و الله اعلم بالصواب» .

—آغاز : **رسالهٔ بیستم ، ناشناخته** (ص ٤٠٩) : «بسم الله الرحمن الرحیم ، ابن مسعود رضی الله عنه جاء رجل الی رجل الی رسول الله صلعم ، قال یا رسول کیف تری فی رجل احب قوما و لما یلحق بهم» .

—انجام : **ایضاً** (ص ٤٦٤) :

«هر دلی را نوح کشتی بان شناس — صحبت این خلق را طوفان شناس
آنک از حق یابد الهام و جواب — هر چه فرماید بود عین صواب
سایهٔ یزدان بود بنده خدا — مرده این عالم و زنده خدا
دامن او گیرو روی گمان — تار بهی (برهی) از دامن آخر زمان
کرد هر درویش می کرد ازگزاف — چون نشان یابی بجد می کن طواف
جون ترا آن چشم باطن نبود — کنج می‌بندار اندرهر وجود» .

۹- **چگونگی:** این نسخه که مجموعهٔ گرانبهایی از متون نظم و نثر فارسی و عربی است ،

شامل موضوعات دینی و دعایی و عرفانی و تصوف و سیر و سلوک و آداب و رسوم متصوفه و مراقبه و مشاهده و چله نشستن و کرامات و برخی اسرار عارفان که در کمتر کتاب یا نسخه‌یی از آن ها نام برده شده است. کاتب این نسخه از قرار تحقیق بیش از یک تن بوده و چنان به نظر می رسد که برخی از رسایل به خط مؤلف باشد. بیست رساله شمار شد، اما در حواشی و اوایل و اواسط و اواخر این نسخه، بعضی رسایل کوچک یا مطالب کوتاه کتابت شده است که هر کدام در جای خود رساله یی جداگانه و مستقل است در موضوعات ارزنده و جالب. قدمت این نسخه از قرن هشتم هجری قمری و تا سال «۹۲۰ ه ق» در آن موجود است. بعضی از رسائل شناخته نشد، و لیکن به مناسبت هایی که از موضوع آنها نام برده شده است، با تحقیق بیشتر می توان مؤلف و شارح و شاعر آنها را تشخیص داد. علاوه بر بیست رساله که فهرست شده است، بعضی مطالب دعایی و ادبی و عرفانی و اشعار نغز برگزیدهٔ فارسی در این نسخه کتابت شده است. از صفحهٔ ۱ تا ۳ به خط و کتابت جدید مطالبی به پشتو آمده است. در صفحهٔ ۴ از شیخ روز بهان یادداشتی عرفانی و دعایی به زبان عربی کتابت شده است. در صفحهٔ ۵ فهرست بعضی از رسائل مجموعه و چند بیت شعر کتابت شده است. بدین شرح: «قدسیهٔ خواجه پارسا، لوامع شرح قصیدهٔ میمیه ابن فارض شارح مولانا نور الدین عبدالرحمن جامی، مقامات حضرت خواجه بهاء الدین نقش بند که حضرت خواجه پارسا جمع نموده اند، شرح تائیهٔ فارضیهٔ مولانا نور الدین عبد الرحمن الجامی، رسالهٔ انسیهٔ خواجه یعقوب چرخی، رسالهٔ حضرت مولانا سعد الملة والدین الکاشغری در تعلیم ذکر، رسالهٔ ابن مسعود تصنیف خواجه پارسا، رسالهٔ مجهول (؟). بعضی از اشعار این صفحه در موضوع سعد و نحس و در بیان گشادن فال بدین شرح است.

هفت روز باشد در مهی گر بدانی تو نیقتی در سپنج
سه و پنج و سیزده با شانزده بیست‌ویک‌وبیست‌وچهاربیست‌وپنج

هر حروفی که آید اندر فال نبود حکم آن برون ز سه حال
یا میانه است یا نکو یابد غیر از این نیست رابع را حد

باشد آنها که باشد اردی بیم تی و جیم است و عین و کاف و میم
و آنکه باشد میان خوف و رجا نون وصاداست و عین و شین ولا
هژده حرف دگر که ماند جز این همه نیکو است . . . . . »

در صفحهٔ ۶ یک «حکایت» از «**شفیق بلخی و خیر النساخ**» آمده است .
در صفحهٔ ۷ تعویذی دارد که باید به نام «یازده شیخ احمد» خوانده شود و شکل تعویذ نیز آمده است . در صفحهٔ ۹۰ و ۹۱ مطالبی از امام ابو حنیفهٔ کوفی در موضوع «**مسألهٔ امامت**» آمده است و در صفحهٔ ۹۱ یک رباعی :

«ای دل تو به دادهٔ خدا راضی باش نی در پی مستقبل و نی در ماضی باش
آن‌کس که ترابداد هیچ نداد با اوچه توان کرد تو خود قاضی باش

و یک غزل به مطلع :

«ای برده‌روی خوب تو صبروقرار من وی گشته همچوزلف تو آشفته کار من»

و به مقطع :

«امشب دگر چگونه به روز آوردحسن کاندر نماز شام نیامد نگار من»

چنان می نماید که شاعر این غزل «حسن» بوده است ، اما کدام «حسن ؟» شاید حسن سجزی یا حسن دهلوی .

در صفحهٔ ۹۲ یادداشت هایی دربارهٔ روز های هفته و سعد و نحس و ساعات و چگونگی آن روز ها آمده است . در صفحهٔ ۹۳ یادداشتی منسوب به امام شافعی و شرحی دربارهٔ «کنت کنزاً مخفیا فاجبت ان اعرف» آمده است .

در صفحهٔ ۹۴ یک قطعه و ۳ رباعی کتابت شده است . بدین شرح :

«با بد و نیک روز گار بساز درد سر سوی این و آن چه بری
آنکه جان داد نان همو بدهد آب روی از برای نان چه بری
طمع و حرص دشمنان تواند دشمنان سوی دوستان چه بری

ای واقف اسرار ضمیر همه کس در حالت عجز دستگیر همه کس
از هر گنهم توبه ده و عذر پذیر ای توبه ده و عذر پذیر همه کس

بخواب دوش چنان دیدی‌که پدر جهان بخواندپیشم و تشریف داد و زر بخشید

شدم به نزد معبر بگفتم این معنی جواب داد که این جز به خواب نتوان دید

«ای در طلب تو عالمی در شر و شور در پیش تو درویش (وغنی) همه عور
تو با همه در حدیث و گوش همه کر تو باهمه در حضور و چشم همه کور»

در صفحهٔ ۹۵ سخنان اخلاق و پند و اندرز از حضرت علی (ع) و لقمان حکیم و خواجه عبد الله انصاری ذکر شده و یک مثنوی کوتاه «قسم نامه» به نام «چارده معصوم» در ۳۲ بیت بدین مطلع :

«خدایا به اعزاز آن پنج تن که هستند فرق زمین و زمن
بحق تو ای داور آب و خاک بدین چارده نام معصوم پاک»

و بدین مقطع :

سه و ده که آن نام های درشت به دست چپم آید از سوی پشت
ده و چارمی آنکه بی ماجرا به بخشی به آن چارده تن مرا»

و این دو بیت :

مربی خاک راحت شد سر شکم یافت آب رو بلی چون تربیت یابد کسی ضایع نمی ماند

رو به غربت دارم وداغ تو بر دل می برم بار سودای تو را منزل به منزل می برم

در صفحهٔ ۹۹ این رباعی :

ز آن پیش که از دو کون آثار نبود بر لوح وجود نقش اغیار نبود
معشوقه وعشق و ما بهم می بودیم در گوشهٔ خلوتی که دیار نبود

و در صفحهٔ ۱۰۴ این بیت :

هر صنمی را که نمک بیشتر خسته دلان را دل ازو ریشتر» .

در صفحه ۲۰۱ یادداشتی دعایی به زبان عربی به خط تازه آمده است و از صفحهٔ ۲۰۲ تا ۲۰۳ ، مطالبی در موضوع تعویذ و دعا و ورد کتابت شده و به زبان فارسی و عربی آمیخته است و از شیخ الاسلام مقتدی الا نام سعد الحق و الدین الحموی و امام حجة الحق علی الخلق فخر الحق والدین الرازی نام برده شده است . از صفحهٔ ۲۰۴ تا ۲۰۵ یادداشتی به نام «خطبة النکاح» به فارسی و عربی ذکر شده : در صفحهٔ ۲۰۵ یادداشتی

دربارهٔ بیماری و مرگ به زبان فارسی و عربی آمده است. در صفحهٔ ۲۰۶ این بیت:

«مادری را طفل در آب اوفتاد جان ما در تف و در تاب اوفتاد
از تحیر طفل می زد دست و پا آب بردش تا بنای آسیا»

در کنارهٔ صفحهٔ ۲۶۹ ابیاتی آمده است از جمله:

«هله‌هوش دار که‌در شهردو سه طرارند که بتدبیرکلاه از سر تو بر دارند
دو سه رندند که هشیاردل و سرمست‌اند که فلک را بیکی‌عربده در چرخ آرند»

شاید این ابیات از مولوی باشد. در کنارهٔ صفحهٔ ۳۲۳ این رباعی آمده است:

«عمرم در کوشش نان می گذرد وین فضل‌و هنردر سرآن می گذرد
گر دست زنان بدارم و بنشینم از مصر تنم یوسف جان می گذرد»

در صفحهٔ ۳۲۴ یادداشتی دعایی و اخلاقی به نثر فارسی کتابت شده است. در صفحهٔ ۳۲۵ یادداشتی به نثر و نظم فارسی تحت عنوان «**استخراج الحروف**» آمده است موضوع آن «حساب حروف ابجد» در نظم و نثر است و قیاسی و سماعی است و در آخر این یادداشت ادبی آمده که از کتاب «جامع الصنایع» نوشته شد. در صفحهٔ ۳۲۶ و ۳۲۷ چند غزل و رباعی و قطعه کتابت شده است. در مقطع غزل ها نام «**عصمت**» دارد و شاید «خواجه عصمت الله بخارایی» باشد:

مطلع:

«یا رب به پاک دامنی پیر می فروش یا رب به راست بازی رندان باده‌نوش
یا رب بسر خوشان خرابات کز نشاط روز و شبند بردر میخانه در خروش»

مقطع:

«گر جام درد عصمت آشفته حال را آن سرخوشی بده‌که نیاید دگربهوش»

مطلع:

«آزرده خاطرم ز دل مستمند ویش پیش‌کی‌نالم از جگر درد مند خویش»

مقطع :

«عصمت که سوخت در تب گرمای انتظار راهش بده بسایهٔ سرو بلند خویش»

یک قطعه تاریخی بدین شرح :

خورشید شرف پادشه ملک شریعت کز روی کرم کعبهٔ ارباب مرادی
مجموعهٔ ارباب هنر خواجه محمد کندر دو جهان پیشرو اهل رشادی
بربسته نگردد در مقصود به رویش بر هر که تو روزی در رحمت بگشادی
امسال طلب می کنم از گنج عطایت آن جا که صد بار بگفتی و ندادی

یک قطعهٔ تاریخی و انتقادی دیگر :

« شیخ الاسلام ممالک ای که من مر ترا چون مردم دیگر نیم
تا بحشرم از غم آزادی مباد گر بجانت بنده و چاکر نیم
خاک خواری بر سرم باد ار بجان حلقه در گوش سگ این در نیم
ور برای جاهلان کودن است من بجهل از هیچ کس کمتر نیم
وقف اگر مخصوص اهل دانش است کافرم گر بر همه سرور نیم»

در همین صفحه ۵ رباعی دیگر کتابت شده است. در صفحهٔ ۳۲۷ چند قطعه و رباعی آمده است ، این رباعی :

« ای آنکه دمی دور نهٔ از یادم دل تنگ مکن که از تو دور افتادم
گر آب شود جهان و آتش بارد من خاک شوم بر تو آرد بادم

یک قطعه بدین مطلع از «نیازی» :

« هر که داند شیوه های چرخ بی بنیاد را
کی کند منزلگه این دیر خراب آباد را »

و مقطع :

« ای نیازی در وفاداری سکس استاد یست
فرض دان بر خویش دایم خدمت استاد را »

در صفحهٔ ۳۶۲ تا ۳۶۵ یادداشت هایی به زبان عربی و فارسی آمده است دربارهٔ اصل و نسب و شجرهٔ دوازده امام شیعیان (اثنی عشریه). در کنارهٔ صفحهٔ ۳۶۵ چنین آمده است : «نقل من خط شیخ الشیوخ زین الملة والدین الخوافی قدس سره منقول از حضرت شیخ سعد الدین حموی قدس سرهٔ که

فرمود هر که قرآن را ختم کند» و بعد خواص قرآن خواندن را در روز های هفته شرح می دهد. در کنارهٔ صفحهٔ ۳۶۰ چند شعر به زبان عربی و فارسی آمده است: «من الاشعار العلویه» و لله در قائله:

و کم لله من لطف خفی یدق خفاه عن فهم الزکی»

در صفحهٔ ۳۷۵ دو رباعی دعایی آمده است. اینک یکی از آنها:

« یا رب بکرم مرا مگردان محروم معبود و خداوندی منی ای قیوم
از نور شفاعت بزرگ سه و تن زانرو که بود شفیع و باشد معصوم»

در صفحهٔ ۳۷۶ یک قصیده در ۱۸ بیت آمده است بدین مطلع:

« افتتاح سخن آن بکنند اهل کمال به ثنای ملک الملک خدای متعال»

و مطلع:

«شده از ساق لطف تو جهانی سیراب همچنان موج زنان بحرکرم مالا مال»

دو رباعی و ۳ بیت شعر نیز در کنارهٔ همین صفحه کتابت شده است، از جمله:

«محمد عربی آب روی هر دو سر است کسی که خاک درش نیست خاک برسر او
شنیده ام که تکلم نمود همچو مسیح باین حدیث، لب لعل روح پرور او:
که من مدینهٔ علمم علی درست مرا عجب خجسته حدیثی است من سگ در او»

و این هم یک از آن دو رباعی:

«دل صحبت آن شمع چگل می خواهد پیوسته فراق را خجل می خواهد
بس خون که ز دیده ها بباید پالود تا کار چنان شود که دل می خواهد»

در صفحهٔ ۳۷۷، گفتاری ارزنده دربارهٔ ساختن «مداد» یا «مرکب» یا «سیاهی» دارد تحت عنوان «نسخهٔ مداد مرکب» که در آن ساختن مداد مرکب و مداد خشک را از مواد مخصوص شرح می دهد و از این جهت ارزش فراوان دارد. در کنارهٔ همین صفحه، ۵ رباعی و یک قطعه شعر کتابت شده است. قطعه از حکیم فردوسی است: «درختی که تلخ است ویرا سرشت». از کنارهٔ صفحهٔ ۳۷۹ تا صفحهٔ ۳۸۳ یادداشتهای عرفانی و دینی کتابت شده است و موضوع آنها راجع به اخلاق درویشان و طریقت عارفان و روش مریدی و مرادی و مسائل دینی و ابواب فقهی به صورت «فصل»

و «مقام» و «سؤال و جواب» است و برای هر موضوعی از آیات قرآنی و احادیث نبوی استفاده کرده است.

در کنارهٔ صفحهٔ ۳۹۳ یادداشت دعایی تحت عنوان «دعاء بزرگوار» کتابت شده است. در کنارهٔ صفحهٔ ۳۹۵ خاصیت دعا خواندن را بیان داشته است. در کنارهٔ صفحهٔ ۳۹۷ یک دعا از امیر کبیر شیخ عبدالله آمده است. دستور خواندن دعا فارسی و اصل متن دعا عربی است. در کنارهٔ صفحهٔ ۴۰۱ تا ۴۰۴ مطالبی دعایی آمده است که آنها را «اوراد» خوانده است. در کنارهٔ صفحهٔ ۴۰۷ تا ۴۱۹ یادداشت‌های عرفانی و دینی و دعایی و حکایات اخلاق و اشعاری از قبیل رباعی و قطعه و مثنوی های کوتاه در موضوع معما و اخلاق و پند و اندرز آمده است، مثلاً: معما به اسم محمد مؤمن میرزا:

«در مدح و ثنای شاه جمشید مکان خورشید فلک سریر دارای جهان
گردون لوح نوشته آمد ای دل خورشید نهاده دل بهر حرف از آن»

به اسم محمود:

«ای آنکه ترا نام نکو مقصود است مقصود تو در حرف از آن موجود است
بر کن زدلش ز نیمهٔ دل نیمی بازار دلش که عاقبت محمود است»

و این غزل به مطلع:

«خواهم که چوب‌تیرشوم تا تو گه گه در حال من به گوشهٔ چشمی کنی نگاه»

و مقطع:

«آن شهسوار می شد و می گفت‌هاتفم اشرف فرشته می گذرد حاجتی بخواه»

در کنارهٔ صفحه ۴۱۱ تا ۴۱۲ از **شیخ فریدالدین عطار** ابیاتی آمده است که در موضوع مناجات است بدین مطلع:

«یا رسول الله بسی درمانده ام باد در کف خاک بر سر مانده ام»

و مقطع:

«چشم آن دارم کزین آب سیاه دست من گیری و باز آری به راه»

در کنارهٔ صفحهٔ ۴۱۲ یک قطعه از «**ابن حسام**» آمده است، بدین مطلع:

«سفری گرم مرا به پیش آید چارهٔ آن بایدم ناچار

و مقطع :

«با چنین تنگدستی ابن حسام سر همت بر اوج چرخ برآر»

در کنارهٔ صفحهٔ ۴۱۳ تا ۴۱۴ چند قطعه و چند رباعی آمده است. از جمله

این رباعی از امیر حسینی :

«شرط است بتان را که چو در ناز آیند از روی کرشمه شمهٔی بنمایند
گه غمزه زنند و گه بزلف آرایند اینها همه چیست ؟ تا دلی بربایند»

و این رباعی لمولانا جلال قوام :

شاه که سپاه اوست خیلی ثقلین منزلگه قرب اوست قاب قوسین
با آنکه ز خوان او خورد نان کونین گفت : اشبع یوما و اجوع یومین»

و این رباعی از وصفی :

«وصفی ، نفسی مباش بی یاد علی می باش زجان غلام اولاد علی
خواهی که بتو هیچ بلایی نرسد ورد شب و روز خویش کن ناد علی»

در صفحهٔ ۴۶۵ از منطق الطیر عطار اشعاری آمده است :

«یا رب آگاهی ز یاربهای من حاضری بر حاجت شبهای من»

در صفحهٔ ۴۶۷ یک گفتار دربارهٔ آداب و رسوم طائفهٔ صوفیه آمده است که در آن بعضی از سخنان و کلمات آنها شرح شده است. در صفحهٔ ۴۶۸ از شیخ ابو سعید ابوالخیر و از شیخ الاسلام زنده فیل احمد الجامی دو رباعی آمده است که موضوع آنها ورد و دعا و مناجات و مداوای بیماری چشم است ، مثلاً از شیخ الاسلام زنده فیل :

«تا به شود آن دو چشم بادامینا من دوش دعا کردم و باد آمینا
از دیدهٔ بدخواه ترا چشم رسید در دیدهٔ بدخواه تو باد آمینا»

یک غزل از خواجه حافظ به مطلع :

شگفته گل حمرا وگشت بلبل مست صلای سرخوشی ای صوفیان باده‌پرست»

و مقطع :

«زبان کلک تو حافظ چه شکران گوید که گفته و سخنت می‌برند دست‌بدست»

در کنارهٔ این دو صفحه چند قطعه و رباعی و مفردات آمده است ، از جمله :

« جستم از غیری نشان یار گفتا دیدمش رشکم آمد کاشکی هرگز نمی پرسیدمش »

در صفحهٔ ۴۶۹ ابیاتی از شیخ سعدی و شیخ ابو سعید ابو الخیر و یادداشتی به نثر فارسی آمده است. و اینگونه امضاء شده است : «حرره العبد الداعی محمد اصغر علی اکبر».

همهٔ موضوعات این مجموعه «عرفان و ادب و اخلاق و دین» است و تقسیمات آنها بر اساس موضوعاتی است که شاعر یا مؤلف و یا شارح عنوان کرده است. حروف «پ» و «گ» و «چ» در این نسخه مانند «ب» و «ک» و «ج» کتابت شده است. بعضی از رسائل این مجموعه هنوز چاپ نشده است. روی هم رفته می توان این مجموعه را «گنجینهٔ عرفانی» نامید.

۵۹۰ و ۸۹۰ و ۲۹۰
۵۴۶

مجموعه

۱-کشف الاسرار عن حکم لسان الطیور و الازهار ، ۲-اربعین حدیث ، ۳-ناشناخته (قصیده) ، ۴-مسبع ، ۵-ناشناخته ، ۶-قصة المعراج ، ۷-رسالهٔ دعائیه در منقبت صحابه رض ، ۸-رساله در احوال شیخ عبدالقادر گیلانی

[دین و ادب و جانورشناسی ، عربی ، منثور و منظوم]

۱- **اندازه :** -بیرونی: ۲۱×۱۵ س م. -درونی : ۱۱ و ۱۲ س. ۱۶×۱۰ و ۱۵×۱۲ س م.

۲- **اوراق :** ۲۴۵ ورق. ۴۹۰ صفحه.

۳- **کاغذ :** نازک نخودی رنگ سمرقندی (هراتی) ، اندکی وصالی شده ، اندکی کرم خورده ، اندکی آب رسیده ، جلد مقوایی خاکی رنگ باعطف و گوشهٔ تیماجی سیاه پوسیده.

۴- **خط :** ثلث خوش ، خوانا ، پخته ، روشن ، عنوانها و کلمات شواهد و سر فصلها و جدولهای یک خطی فواصل ابیات و در آغاز عنوان ها شنگرف ، جدولهای ۳ خطی کنارهٔ متن ۳ خطی لاجوردی و شنگرف. بعضی از عنوان و احادیث به خط لاجوردی و برخی به خط زرین. قرن ۱۲ و ۱۳ ه ق.

۵- **کاتب :** «غلام مرتضی» ، تاریخ کتابت : «۱۲۶۰ ه ق». در صفحهٔ ۱۲۰ چنین آمده است : «تمت کتاب کشف الاسرار عن لسان حال الطیور والازهار بحمد الله و عونه علی ید احقر العباد غلام مرتضی فی شهر رجب سنهٔ ۱۲۶۰ هجری».

۶- مؤلف : نام مؤلف رسالهٔ اول و دیگر رسائل معلوم نشد ، شاعری که قصیدهٔ برده را به صورت مسبع در سال ۱۱۴۰ ه‍ ق تضمین کرده است به نام «**شیخ محمد مصری**» آمده (ص ۲۵۱) : «تمت القصیده مع مسبعاتها النضیده فی نعت امام الانبیاء و المرسلین . . . سبعها امام المتأخر سلطان العاشقین وحید دهره و فرید عصره **الشیخ محمد مصری** قدس الله روحه و نور ضریحه سبعت فی سنهٔ ۱۱۴۰ هجری «نام مؤلف رساله در احوال شیخ عبدالقادر الجیلانی «**جعفر بن حسن ابن عبدالکریم البرزنجی**» (ص ۴۱۹). نام رسائل (تألیفات) به ترتیب بدین شرح است :

۱- **کشف الاسرار عن حکم (لسان) الطیور و الازهار**. ۲- اربعین حدیث. ۳- قصیدهٔ ناشناخته. ۴- مسبع (تضمین قصیدهٔ برده). ۵- ناشناخته (در نعت حضرت محمد ص). ۶- قصهٔ المعراج. ۷- رسالهٔ دعائیه در منقبت صحابه و تابعین. ۸- رساله در ا وال شیخ عبدالقادر گیلانی. (رک: ۷ و ۸ و ۹—**آغاز و انجام و چگونگی**:).

۷- آغاز : رسالهٔ اول، **کشف الاسرار عن حکم (لسان) الطیور و الازهار (ص ۱)** : «بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی سیدنا محمد و علی آله و اصحابه و بارک وسلم ، لااله الا الله عدة للقائه و حرزاً و امانا من قضائه الحمد لله البعید فی قربه القریب فی بعده».

۸- انجام : **ایضاً (ص ۱۲۰)** :

بمقاصیر الجلابی فارتقینا و التقینا
وطوینا العرش فینا دون و هم و خیالی

تم کتاب کشف الاسرار عن لسان حال الطیور و الازهار بحمد الله و عونه علی ید احقر العباد غلام مرتضی فی شهر رجب سنهٔ ۱۲۶۰ هجری».

—آغاز : **رسالهٔ دوم (ص ۱۲۹)** : «رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم تمم بالخیر الحمد لله الذی فضل بعضنا علی بعض فی الرزق و انزل من الانعام ثمانیهٔ ازواج».

—انجام : **ایضاً (ص ۱۶۴)** : «رواه ابن ابی الدنیا باختصار و ابن ماجه والاصبهانی و اللفظ له و هذا تمام الاربعین الحدیث والحمد لله اولاً و آخراً و ظهراً و باطناً و صلی الله علی سیدنا محمد و علی ابویه و آله و صحبه و سلم و تسلیماً تمت سنهٔ ۱۲۶۰ هجری».

ـــآغاز : رسالهٔ سوم ، قصیدهٔ ناشناخته (ص ۱۸۰) : «بسم الله الرحمن الرحیم :
ان جئت سلعا فسئل عن حیرة العلم واقری السلام علی عرب بذی سلم
فقد ضمنت وجود الدمع من عدم لهم و لم استطع مع ذاک منع دمی»

ـــانجام : ایضاً (ص ۱۹۳) :
«اطلتها ضمن تقصیری فقام بها عذری وهیهات آن العذرلم یقم
فان سعدت فمدحی فیک موجبه و ان شقیت فذنبی موجب النقم»

ـــآغاز : رسالهٔ چهارم ، مسبع قصیدهٔ برده (ص ۱۹٤) : «بسم الله الرحمن الرحیم :
محمد جاء بالآیات و الحکم مبشراً و نذیراً جملهٔ الامم
و مخبراً بعهود الخلق فی القدم و موصلا خیر الاحباب فی الحرم»

ـــانجام : ایضاً (ص ۲۵۱) :
«وزکی منها تحیات کنثیر ربا وانشر سلاما زکی من طیبه و ربا
علی الرسول اجل الساده النقبا ما رنحت عذبات البان ریح صبا
و اطرب العیس حادی العیس با النغم».

ـــآغاز : رسالهٔ پنجم ، ناشناخته ، منظوم و منثور ، (ص ۲۵۷) : «بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه وسلم تسلیماً الحمد لله الکریم الذی لا یخیب امل من علق به امله».

ـــانجام : ایضاً (ص ۳۱۰) : «و علیه من الاله صلوة و سلاما فی الاوقات
ثم عاد و الا رضهم خیرعود فی سرور و النعم وافیات
تمت و بالخیر عمت سنهٔ ۱۲٦۰».

ـــآغاز : رسالهٔ ششم ، قصة المعراج منظوم و منثور ، (ص ۳۱۳) : «و بک نستعین بسم الله الرحمن الرحیم ، سبحان الذی اسری بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله لنریه من آیاتنا».

ـــانجام : ایضاً (ص ۳۲۸) : «انک سمیع قریب مجیب الدعوات ، وصلی الله علی سیدنا محمد فی عموم الاوقات و علی آله و ازواجه افضل الامهات و الحمد لله علی علی ما مضی و ما هوآت ، تمت».

ـــآغاز : رسالهٔ هفتم ، ناشناخته ، ادعیه و اوراد ، (ص ۳۵۲) : «رب یسر ، بسم الله الرحمن الرحیم ، و تمم بالخیر ، الهی بحق رسول‌الله سیدنا محمد بن عبدالله المهاجر

صلی‌الله علیه و بحق سیدنا ابی بکر الصدیق المهاجر رضی الله عنه».

ـ انجام : **ایضاً (ص ۳۹۱)** : «بجاه سید المرسلین ، وصلی وسلم علیه رب العالمین و علی آله المطهرین و اصحابه التابعین و من تبعهم باحسان الی یوم الدین و الحمد لله رب العالمین تمت بالخیره.

ـ آغاز : **رساله‌ٔ هشتم در احوال شیخ عبدالقادر گیلانی (رح)** (ص ۴۱۸) : «بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله الذی فتح لسیدنا محمد صلی الله علیه وسلم ابواب السعادة و اختاره من خیار الشم العرانین و اراده».

ـ انجام : **ایضاً (ص ۴۵۳)** : و علی امته الذین کشفت لهم کل محجوب ، وانلتهم کل مطلوب ، والدخرف لهم کل مرغوب ، ما هبت النفحات السحریه ، وتعطرت المجالس بعرف اخبار الاخیارالذکیه ، وسلم تسلیماً کثیراً ،تمت سنه‌ٔ ۱۲۶۰ هجری».

۹- **چگونگی:** در این مجموعه که ۸ رساله و چند قصیده و ابیات دیگر آمده است کلیةً در موضوع ادعیه و اوراد و نعت و منقبت حضرت محمد بن عبدالله محمد مصطفی (ص) و خلفای راشدین و گروهی از تابعین و ائمه‌ٔ اطهار و دیگر پیشوایان دین اسلام است. فقط رساله‌ٔ اول در موضوع زبان و بیان و حرکات و سکنات و حالات و افعال آوازها و نام های گلها و پرندگان است که بر حسب عقیده و فکر مصنف آن توجیهاتی برای گل ها و پرندگان به نظم و نثر کرده است .

اکثر اشعار رسائل این مجموعه در صنایع بدیعی (لفظی و معنوی) و اوزان و بحور و قوافی گونا گون سروده شده وگویی شاعران و مصنفان ملزم بوده اند که در موضوع «**صناعات ادبی**» تألیف کنند و شعر بسرایند . تقسیمات موضوعات این رسائل بر حسب عنوانهای است که شاعر یا مصنف اختیارکرده است چنانکه در رساله‌ٔ «کشف الاسرار عن حکم طیور والازهار» بر اساس نامهای پرندگان و گلها تقسیماتی شده‌است. مثلا «اشارة النیلوفر» ، «اشارة البان»، «اشارة البنفسج» «اشارة الکلب». از لحاظ فن کتابت و خطاطی ، این نسخه در نوع‌خود بدیع است ، الفاظ و جملات به رنگهای لاجوردی و سیاه و سرخ و زرین و نقره یی کتابت شده و کلیه‌ٔ متن رسائل معرب (مشکول) است. از صفحه ۱۲۴ و ۱۲۷ مقاله یی به فارسی و به خط تحریر آمده است که موضوع آن «پیشوایان

عرفان و تصوف» است که به نام «مردان دین» و «نقبا» و «نجبا» در گروهای «۳۰۰ تن» و «۷۰ تن» و «۴۰ تن» و «۷ تن» تقسیم شده است. در آغاز این نسخه بعضی یادداشت‌های طبی و دعایی و نسخه نویسی پزشکی دارد. در کنارهٔ صفحات برخی یادداشت ها و مطالب از یاد رفته افزوده شده است. در فواصل بعضی از رسایل اشعار پراکنده از شاعران گمنام و مطالب دعایی و دینی آورده شده است.

۸۹۰ و ۲۹۰
۴۰۷

مجموعه

۱- لؤلؤالمکنون ، ۲- ناشناخته ، ۳- جنگ اشعار

[دین و ادب فارسی ، منظوم و منثور]

۱- **اندازه** : –بیرونی : ۲۰×۱۲×۲ س م . –درونی : ۱۱ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ س (سطرهای نیمی از صفحات این نسخه به صورت مورب و خلاف جهت یک دیگر کتابت شده و در حقیقت نوعی نقاشی است و این قسم کتابت را بیاض نویسی می گویند) ۱۳ تا ۱۵×۷/۵ س م .

۲- **اوراق** : ۱۵۷ ورق . ۳۱۳ صفحه .

۳- **کاغذ** : نازک سفید تیره رنگ کشمیری و زرد تیره رنگ سیالکوتی یا جهانگیری ، آب رسیده ، جلد مقوایی و تیاجی ضربی قهوه یی رنگ منقش ، نام صحاف روی جلد ضرب شده است : «عمل ملا حسن بلخی صحاف سنهٔ ۱۲۹۵» .

۴- **خط** : نستعلیق و تحریر و شکسته ، سخت خوانا ، پخته روشن ، قرن ۱۳ ه ق .

۵- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» صریح و واضح نیامده است ، اما چند ماده تاریخ و چند یادداشت در صفحهٔ ۱۵۴ و ۳۰۳ آمده است که تاریخ ۱۳۴۱ و ۱۳۴۵ ه ق دارند.

۶- **مؤلف** : نام مؤلف و تاریخ تألیف معلوم نشد ، اما می توان آنرا مجموعهٔ نظم و نثر فارسی دانست که شامل «**لؤلؤ المکنون**» منسوب به حضرت **علی بن موسی الرضا** (ع) و تاریخ تألیف مبهم است و یک رسالهٔ منثور ناشناخته در موضوع انشاء و نامه نگاری و یک جنگ شعر از شاعران گوناگون (رک : ۹- چگونگی).

۷- آغاز : **لؤلؤ المکنون** (ص ۱) : «یا حافظ ، بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله رب العالمین ، بهترین در شاهواری که از بحر دل بساحل زبان بیاید و مطبوع دلها گردد و جمله حضرت اوست جل شأنه و عظم برهانه و درود نا معدود برآن سید عاقبت محمود جواهر قرآن کانهن الیاقوت بسبب وجود شریف او نازل شده و بر آل و ازواج و اصحاب او باد رضوان الله تعالی علیهم اجمعین».

۸- انجام : **ایضاً** (ص ۴۶-۴۷): «الحمد لله و الشکر بعنایت سبحانه و مهر و یانی (مهربانی) یزدانی باتمام رسید و باختتام انجامید نسخهٔ دلگشا و نصایح روح افزای مسما بلؤلؤ المکنون امید از متضمان . . . نصایح آنکه نقصان و سهو قلم را که منظور گردد باصلاح آورده بدرستی آن کوشند مقصود ازین مسوده نه اظهار فضل و کمال است بلکه یاد آوری محبان نیکو خصال است تاریخ اتمام هذا الکتاب تاریخ لراقمه طرفه :

طرفه نصایح چه عجب گلشنی حکم حکیمان عرب بر عجم
پند شفیقانهٔ او دلگشا نکتهٔ جان پرور او دلکشا
در نظر اهل بصیرت بود منفعت هر ورقش جام جم
از ره معنی است محیطی عظیم گرچه بظاهر سخن اوست کم
سال تمامش ز سر پاک کرد قلم ختم نصایح رقم

تمت تمام زین رقم مقصود یاد آوردن احباب بود ورنه که این خط من لایق استکتاب نبود».

—آغاز : **ناشناخته** (ص ۴۷) : «بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین حمد ثابت است مر الله را که صفت الله این است رب العالمین و الصلوة و السلام علی رسوله محمد و آله و اصحابه اجمعین صلوة یعنی سلامتی از آفات و بلیات نازل باد بر رسول الله که نام شریف ایشان محمد است بر آل ایشان و اصحاب ایشان و بر جمیع شان لا اله الا الله محمد رسول الله».

—انجام : **ایضاً** (ص ۱۵۳) : «فقد کفر فصول عماد من نفسه و المعشوق ترحم بعاشق ان کان العاشق صادقاً فی طلب عشقه و من عشقه یشخص له من الباحث من مجاز من نفسه لان العشق نسبهٔ بین العشق و الشوق و هی لا یتحقق بدون تاه چها ریاض العاشقین من نفسه تمت تمت تمت».

—آغاز : جنگ اشعار (ص ۱۵۷) :

ز شست ناوک اندازی نگاهت خسته ام ایندم
بیتاب کاکلت از رشتهٔ جان بسته‌ام ایندم
جنونی دارم از شوقت ز خود وارسته ام ایندم
چه‌بودم امشب مستغرق بوصلت گشته‌ام ایندم»

—انجام : ایضاً (ص ۳۱۳) : «انجام آشفته و درهم است و به این ابیات ترکی فضولی ختم می شود : «فضولی

کور هر شکیم شب هجران دیمه کیم قان دربو
ذره ذره شرر آتش هجران دربو
صایمه کیم قانلو و یکن سینه داوب باش چکمش
شعلهٔ آتش آه دل سوزان دربو
کسبمه امید کونکل باشینه چرکنمک دن
ادله ناکه دو شه فرصت ادله دوران دربو»

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه دین و ادب است و شامل دو رسالهٔ منثور و یک جنگ اشعار است . رسالهٔ اول به نام «لؤلؤ المکنون» از بیان و کلام حضرت علی بن موسی الرضا (ع) است و در آن از تربیت و پند و اندرز و دین و خدمت به مردم و نیکی و کف نفس گفت و گو شده و در حقیقت ترجمه یی از احادیث و آیات قرآنی است به زبان فارسی روان و ساده و در ضمن از اشعار فارسی استفاده کرده است . رسالهٔ دوم که ناشناخته است دارای مکتوبات و عریضه ها یی است که اغلب در موضوع ادبی و عرفانی و دینی و اخلاق نوشته آمده است ، مثلاً در یک مکتوب از «زکوة» و در مکتوبی دیگر از «سعادت» گفت وگو کرده است. نویسندهٔ این رساله کوشیده است جملات مسجع و مقفی و موزون بیاورد و در حقیقت نوعی «بازی با الفاظ» در این رساله دیده می شود و روی هم رفته نثری شیرین و گیرا دارد و به سبک هندی شبیه به عراق می ماند و در آن آیات قرآنی و احادیث و جملات عربی و اشعار فارسی و کلمات مشایخ دیده می شود . «جنگ اشعار» دارای انواع شعر است از قبیل : رباعی ، دوبیتی ، مخمس ، فرد ، غزل ، قطعه ، قصیده ، معما ، مناجات نامه و اقسام دیگر و در حدود ۲۰۰۰ بیت دارد . خط

آن شکسته و سخت خوانا است . اسامی شاعرانی ، مانند : «میر محمد محتشم ، جامی، عصمت، عمر خان ، مولوی ، مشفقی ، امیری ، حافظ ، قادری ، میرزا عبدالقیوم کیشی ، حاجی ملا میر عبد الله قاضی مهاجر بخاری نژاد ، و میرزا احمد مهاجر در این جنگ اشعار آمده است . چند غزل و رباعی به زبان ترکی در آخر این جنگ کتابت شده است . چند یادداشت فارسی و ترکی دارد . در ذیل بعضی از اشعار امضاهایی دارد از جمله: «در سنهٔ ۱۳۴۱ قمری سرور قلعهٔ حشمت خان عبد الله بیک کابلی با مهاجرین اسلام پسری افغان دیوان بیکی گفته» (ص ۳۰۵) . «از اشعار های راقم این حروف حاجی ملا میر عباد الله قاضی مهاجر بخاری نژاد متوطن فی بلدهٔ کابل تاریخ سلخ شهر رجب المرجب سنهٔ ۱۳۴۵» . از صفحهٔ ۲۹۹ تا ۳۰۱ مقاله یی آمده تحت عنوان «فال نامه» که از کتاب «حیرة الفقهاء» نقل شده است . روی هم رفته این نسخه مجموعه یی است بسیار ارزنده و جالب و قابل تحقیق مخصوصاً در جنگ اشعار زیرا اشعار گم شدهٔ شاعران را می توان در آن یافت و باشاعران گمنام آشنا گردید.

۸۹۰
―――
۴۷۳

مجموعه

۱- گلشن توحید ، ۲- رساله فی التقویم

[ادب و ستاره شناسی ، عرفان و تصوف ، منظوم «مثنوی»]

۱- **اندازه :** -بیرونی : ۲۰/۵×۱۶/۵×۲ س م. -درونی : ۱۰ س (متن) ۳ س (حاشیه) ۱۳×۹ و ۱۲×۳ س م.

۲- **اوراق :** ۲۰۴ ورق. ۴۰۸ صفحه.

۳- **کاغذ :** نازک سفید فرنگی ، اندکی وصالی شده ، جلد مقوایی با عطف پارچه یی سرخ.

۴- **خط :** نستعلیق آمیخته با شکسته ، خوانا ، روشن ، پخته ، ابیات شواهد و عنوانها شنگرف ، قرن ۱۳ هـ ق.

۵- **کاتب :** نام «کاتب» ندارد. تاریخ کتابت «۱۳۰۵هـ ق» در صفحهٔ ۳۸۰ چنین آمده است :

شاهدی که ناظم این گلشن است چشمهاش از نور عرفان روشن است

خود نوشت و ختم گردش آن زمان یکهزار و سیصدو پنج‌سال‌بود تاریخ‌آن
«۱۳۰۵ تمت بالخیر»

۶- **مؤلف** : (شاعر) : «**شاهدی مولوی**» ، نام تألیف (مثنوی) : «**گلشن توحید**» ، تاریخ تألیف (سرودن) : «**۹۲۷ھ ق = بلبل گو گلشن توحید جو**» ، در صفحهٔ یک چنین آمده است :

من به شصصد بیت گفتم سه هزار ماند از من عاشقانرا یادگار
چون که با عون خدا کردم تمام گفتم او را گلشن توحید نام
من نوشتم این زمان تاریخ او بلبل گو **گلشن توحید** جو
این کتاب شاهدی مولوی گشت **مفتاح کنوز مثنوی**«

از صفحهٔ ۳۸۱ تا ۴۰۷ رساله یی در «**علم تقویم**» به صورت مثنوی آمده است که شاعر آن «**شیر محمد هزاری**» از هزارهٔ پنجاب است :

نام من **شیر** با **محمد** نام مولدم در هزارهٔ پنجاب

۷- **آغاز** : **گلشن توحید** (ص ۱): افتادگی دارد و اینگونه آغاز می شود : «گلشن توحید ،

هم تو خود شرح مراد خویش ساز از دل مجنون من [کن] پرده باز
من بهر بیت بگویم پنج بیت هم بوجه مارمیت از رمیت
پس دلم پر نور شد ز انوار او کشف شد اسرار از گفتار او
تا میسر گشت بی تکلیف رنج می نوشتم بیتها من پنج پنج»

۸- **انجام** : **ایضاً** (ص ۳۸۰) :

«زندگی در مردن [و] در محنت است آب حیوان در درون ظلمت است
یا الهی خود تو دادی جان بما چون من باشد در راه عشقت فدا
جان ما یک قطره است از بحر جود قطره اندر بحر اندازیم زود
قطرهٔ ما چون در آن دریا رسد محو گردد قطره کی دریا شود
قطرهٔ آلودهٔ نا پاک ما پاک کردن اندران بحر صفا
حق روح پاک فخر انبیا کن نصیب ما و طالب ای خدا
شکر کن نامه بعنوانی رسید بیشتر از مرگ بهیانی رسید
شاهدی که ناظم این گلشن است چشمهاش از نور عرفان روشنست
خود بنوش‌تو ختم گردش آنزمان یکهزار وسیصد وپنج سال بود تاریخ آن

تمت بالخیر ۱۳۰۵».

ـ آغاز : رساله در تقویم (ص ۳۸۱): «رساله فی علم التقویم و به نستعین ، رب یسر و تمم بالخیر ، بسم الله الرحمن الرحیم :

حمد حق را که ایمان پرداخت انجم از انوار خود منور ساخت
آفریده آنچهار طبع در آن کرده ابداع کائنات از آن
سرور کائنات احمد ساخت کسوت نور بر قدش افراخت
آنچه زآن نور می چکد بتاب کردمید از آن رسل اصحاب»

ـ انجام : ایضاً (ص ۴۰۷) : «دانستن احکام دم بینی بقائدهٔ (بقاعدهٔ) روز ستاره :

ابتدای امور این اعظم روز یکشنبه و سه شنبه هم
روز آدینه هم اگر جویی دردم راس کن که نیکویی
روز دو شنبه است یا شنبه یا که پنجشنبه‌است دم حب به
چهار شنبه وام برابر گیر دیدن شاه‌راس دم نه بزیر»

۹- چگونگی : موضوع این مجموعه «ادب و عرفان و تقویم و شناخت بروج دوازده‌گانه» است که به صورت مثنوی سروده شده است. مثنوی اول « گلشن توحید» نام دارد سرودهٔ شاهدی مولوی از صوفیهٔ قرن ۹ ه‍ ق. وی ۶۰۰ بیت از ابیات معروف و مشهور مثنوی مولوی را که میان مردم شهرت داشته آورده و برای هر بیت ۵ بیت به شرح و توضیح سروده است و آنها را هم از لحاظ معنی و وزن و موضوع به هم مربوط ساخته است :

من به هربیت بگویم پنج بیت هم بوجه مارمیت از رمیت
تا میسر گشت بی تکلیف رنج من نوشتم بیتها من پنج پنج
درمیان بیتها شد ارتباط تا معانی یافت باهم اختلاط
من بششصد بیت گفتم سه هزار ماند از من عاشقان را یادگار

بنا بر این وزن «گلشن توحید» از مزاحفات بحر رمل مسدس محذوف و مقصور است: «فاعلاتن فاعلاتن فاعلات یا فاعلن» و جمعاً ۳۶۶۰ بیت دارد. تقسیمات آن بر اساس مفردات ابیات مثنوی مولوی و بر اساس ۶ دفتر منقسم گشته است. رسالهٔ تقویم از صفحهٔ ۳۸۱ تا آخر ادامه دارد و جمعاً در حدود ۳۰۰ بیت دارد. و بروزن «فاعلاتن مفاعلن فعلن یا فعلات» از مزاحفات بحر حفیف

سروده شده است. تقسیمات آن بر اساس موضوعاتی است که شاعر برگزیده است چنانکه «طلوع هلال» در آغاز و «دانستن احکام دم بینی بقاعدهٔ روز ستاره» در انجام آمده است.

۸۹۰ و ۲۹۰ / ۴۰۸

مجموعه

۱— وفات نامهٔ حضرت پیغمبر (ص)، ۲— وفات نامهٔ حضرت بی بی فاطمه (حسرت نامه)

[دین وادب، ترکی، منثور و منظوم]

۱- **اندازه :** —بیرونی : ۲۶×۱۵×۲/۵ س م. —درونی : ۱۸×۱۱ س ۹ س م.

۲- **اوراق :** ۱۴۹ ورق. ۲۹۷ صفحه.

۳- **کاغذ :** نازک زرد تیره رنگ خشن سیالکوتی، آب رسیده، ساییده شده، جلد مقوایی مندرس ضربی و منقش بدون عطف.

۴- **خط :** نستعلیق آمیخته باشکسته، روشن، خوانا، رسم الخط اردو، عنوانها و سرفصلها و نشان‌ها و خطوط رسم شده بر بالای کلمات شنگرف، قرن ۱۳ هق.

۵- **کاتب :** نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» را از ورق آخر بریده اند و سپس روی آنرا وصالی کرده اند.

۶- **مؤلف :** یا (شاعر) : «**احمد**» و «**امام لارنی**» یا «**الارنی حال لاریغه**»، نام تألیف اول : «**وفات نامهٔ حضرت پیغمبر**» (ص)، دوم «**حسرت نامه**»، تاریخ تألیف (سرودن) معلوم نشد. در صفحهٔ ۱۴ اینگونه آمده است :

«احمد مسکین کیل احمدی توبه برله یغلاغیل
توبه قیلغان سیده جنت ده سلطان ایلدی

و در صفحهٔ ۴۷ اینگونه : «تمت تمام شد وفات نامهٔ حضرت پیغمبر (ص)».
و در صفحهٔ ۵۲ اینگونه :

«اینکدیک پادشاهی مرحمت ناک **الارنی** عاقبت ایلادی غمناک
الارنی حال لاریغه صاحب نظم کو راوی بوء **حسرت نامه** نی جزم»

۷- **آغاز :** **وفات نامهٔ حضرت پیغمبر (ص ۱۶)** : «وفات نامهٔ حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم، بسم الله الرحمن الرحیم :

کوری بول میدانیده جو کایندین ایر یلمسون
هرکونکل اوز وقتیده جولانیدین ایر یلمسون
تیغ عشق ایتکان شهیدی قانیدن ایر یلمسون
هیچ تن بر کامه نیای جالیدین ایر یلمسون
مصر شاهی دور اگر کنعانیدن ایریلمسون
هیچ بنده یارب اوز سلطانیدین ایریلمسون»

۸- انجام : ایضاً (ص ۴۷) :
«ای کونکل قیلماس وفادنیاغه بولمه عاقبت
بسکه نی ایر لارنی ایلاو خاک اراجا عاقبت
برخدا دین اوز کامی بولمس دور اصلا عاقبت
تنگری بند دیمه است اوتار نا عاقبت
صیقلی آیینهٔ عمراوتی رسوا عاقبت
هیچ بنده یارب او ز سلطانیدین ایریلمسون
تمت تمام شد وفات نامهٔ حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم تم تم تم».

-آغاز : **حسرت نامه** (ص ۴۸): «بو باب ده حضرت جبرائیل علیه‌السلام پیغمبر صلی‌الله علیه وسلم امام حسن و امام حسین نی شهادت دلاریدین خبر تیرکایینی بیانی.
کیل ای‌راوی درافشان سوزنی ساجقیل امام لار چالیدن بر سوزنی آجقیل
پیغمبر دین تیلا کیل استعانت بیان ایلا عجایب بر حکایت»

-انجام : ایضاً (ص ۲۹۷) :
«که اندین چتی ابراهیم پیغمبر نیه کیم اوغای اسماعیل پیغمبر
الاربر له کیلیب بربر کو روشنی امامنی‌کو روی ایر سه هر شی اوجتی
کوبوب اول پرده ابراهیم پیغمبر نجوک ظلم و ستم الله اکبر
سن بو حالت کاتوشوب سن نه تیلای انتهاک که . . .».

۹- **چگونگی** : این نسخه به زبان ترکی و مجموعهٔ قصاید و قطعات و مثنوی های کوتاه است و موضوع آن «وفات حضرت محمد بن عبدالله پیامبر (ص)» و مدح و مرثیه دربارهٔ حضرت فاطمه(ع) و حضرت امام حسن(ع) و حضرت امام حسین(ع) و دیگر ائمهٔ اطهار است و برای هرکدام عنوانی قرار داده است:«وفات‌نامهٔ حضرت پیغمبر» و «**حسرت نامه**» یا «وفات نامهٔ حضرت بی بی فاطمه». بروزن

های مختلف سروده شده است. در حدود ۳۲۰۰ دارد. ۱۵ صفحه در آغاز به خط تازه تر اشعاری به ترکی و در موضوع مدح و مرثیه کتابت شده است. در انجام مطالبی به نظم و نثر در مدح شیخ عبدالقادر گیلانی سروده شده است. نشان یک مهر در آخر که اینگونه خوانده شد: «بسم الله الرحمن الرحیم، حضرت سید شیخ عبدالقادر جیلانی شیٔ لله اعنی باذن الله بحق لا اله الا الله محمد رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم». به نظر می رسد که این نسخه به خط خود شاعر باشد زیرا چاپ شده و یا نسخهٔ دیگر آن دیده نشده است.

۸۹۰
———
۳۸۰

محمود و ایاز

[ادب، داستان عشقی، فارسی، منظوم «مثنوی»]

۱- اندازه: –بیرونی: ۲۰ × ۱۳ × ۲/۵ س‌م. –درونی: ۲۱ س (هر سطر ۲ مصراع یا یک بیت) ۱۵ × ۷ س م.

۲- اوراق: ۱۷۷ ورق. ۳۵۲ صفحه.

۳- کاغذ: نازک زرد تیره رنگ هندی، کرم خورده، آب رسیده، بدون جلد و شیرازه (اوراق شده).

۴- خط: نستعلیق خوش، خوانا، روشن، پخته، عنوانها و سرفصلها و نشانها شنگرف خوش رنگ، قرن ۱۱ ه ق.

۵- کاتب: نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶- مؤلف: یا (شاعر): «**مولانا حکیم زلالی خوانساری متوفی ۱۰۲۴ یا ۱۰۳۱ ه ق**»، نام تألیف یا (مثنوی): «**محمود و ایاز**»، تاریخ تألیف (سرودن): «۱۰۲۴ = **الهی عاقبت محمود باشد**»:

که در اتمام محمود و ایازت پی تاریخ ختم سوز و سازت
نی خامه صریر ناله باشد **الهی عاقبت محمود باشد** = (۱۰۲۴)

«مولانا حکیم زلالی خوانساری متوفی ۱۰۲۴ یا ۱۰۳۱ هجری قمری از شاعران مثنوی گوی و قصیده سرای آغاز قرن یازدهم هجری و از معاصران شاه عباس

اول (۹۸۵–۱۰۳۸ھ ق) بود (رک : گنج سخن، تألیف دکتر ذبیح الله صفا ، ج ۳ ص ۸۰–۸٤). در لابلای اشعار نسخه به نام «زلالی» و «مثنوی» می رسیم :

«**زلالی** از پی عذر گناه است — سحرگاهان به درگاه اله است
زلالی خوش مبادا پی غم عشق — بدزدد از دمش عیسی دم عشق
همه معشوق و عشق جاودانه است — که **محمود و ایاز** اینجا بهانه است»

۷- **آغاز :** «رب یسر و تمم بالخیر ، بسم الله الرحمن الرحیم ، توحید اول:

به نام آنکه محمودش ایاز است — غمش بتخانهٔ ناز و نیاز است
نه محمودیم ما و نه ایازیم — غلام خانه زاد نوش و نازیم
شب و روز از پی خدمت به درگاه — سیاهی می کنم از دور چون آه
برای خدمتش بیدار خیزم — چراغ روز میر شب گریزم
چو عکس مردمک را روشنی داد — سر شمعی زد و در آب افتاد»

۸- **انجام :** «بقتلم بسکه چشمک صف کشیده — چو انجم ریخته مژگان ز دیده
همیشه چشم زخم روزگار اند — سپند و شیون رقص شرارند
ازین هر دو درون این غم آباد — بجا مانده همین مرگی و فریاد
به ماه نو ز دیوانه چه نقصان — که با مهر آمده دست و گریبان
من آن ماه نوم کز خود برم نور — شوم ازنارخورشیدهمه نور (دور : ن)
بخود خورشید خود را در گدازم — جگر را کان لعل ناب سازم
فلک را بین و خود روزی ببین چیست — که هیچ انگشتری بی این نگین نیست
ولی نقش نگین بر خاتم دل — شده ختم سخن بر جان بسمل

تمام شد».

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه که «محمود و ایاز» یا «مثنوی محمود و ایاز» نام دارد ، «داستان عشقی» است و شاید بتوان آنرا به «داستان عشق حقیقی و مجازی» تقسیم کرد. حکیم زلالی خوانساری ، به پیروی از «خسرو و شیرین نظامی» این مثنوی را سروده و آنگونه که خود فرماید، نظامی را به خواب دیده و بفرمان او بدین کار دست یازیده است. وزن آن از مزاحفات بحر هزج مسدس محذوف یا مقصور

است: «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل یا فعولن». تعداد ابیات را در آخر نسخه اینگونه آورده است:

شمار یک تاز این قلمرو عدد را طرح داد از هفت خسرو
بهر خسرو که شیرین رو کش آمد شکر را هشتصد و شصت و شش آمد»

یعنی لفظ خسرو ۸۶۶ می شود که در هفت باید ضرب شود تا عدد ۵۲۶۲ بیت به دست آید و لیکن در این نسخهٔ خطی تعداد ابیات در حدود ۶۹۰۰ بیت است. تقسیمات آن بر اساس موضوعاتی است که شاعر برگزیده و آنها را به نظم در آورده است. «۵ توحید» و «۵ مناجات» و «۵ نعت» در آغاز و سپس «مدح شاه عباس» و «مدح میرزا حبیب الله» و «مدح میر محمد باقر داماد» و «سبب نظم کتاب» و «تعریف خوانسار» و «خواب دیدن نظامی» را در سه نوبت و «آغاز داستان محمود و ایاز». این نسخه مقدمهي بسیار ارزنده دارد به نام «آشوب نامه» در ۲۰ صفحه به نثر که به قلم شخصی نوشته شده که شاید کاتب هم بوده است. در این مقدمه از «رودکی» تا «حکیم زلالی» را شرح و توصیف کرده و نوع شعر آنان را در چند جمله آورده و سپس به حکیم زلالی که رسیده او را برترین و بهترین شاعر شمرده است و نام «هفت مثنوی» را به نام او ضبط کرده است و آنها را «سبعهٔ سیاره» گفته است: ۱- مثنوی محمود و ایاز، ۲- مثنوی حسن گلو سوز، ۳- مثنوی شعلهٔ دیدار، ٤- مثنوی سلیمان نامه، ۵- مثنوی آذر و سمندر، ۶- مثنوی میخانه، ۷- مثنوی ذره و خورشید. این مقدمه به یک دیباچه و هفت آشوب تقسیم شده است. دیباچه در شرح حال شاعران از «رودکی» تا «حکیم زلالی» و هفت آشوب، هر آشوب دربارهٔ یک مثنوی حکیم زلالی. مثلاً «آشوب اول محمود و ایاز» و «آشوب هفتم ذره و خورشید». این مقدمه را آغاز چنین است:
«هوالمحمود، رب یسر، بسم الله الرحمن الرحیم:

این خطبه را چو خامهٔ طغرا تمام کرد آشوب نامه اش زره شوق نام کرد
شکر ناظمی را که ابیات بروح سپهر از معنی ابداعش صورت وجود بسته».
و انجام چنین: «دود چراغ بی فروغ نیم کشتهٔ خوانساری در گلدستهٔ شکایت و معشوقشان پیچیده گل سر سبد شعلهٔ آفتاب قیامت نمودم و در بحر خسرو و شیرین کشتی در شاهوار افسانهٔ محمود و ایاز را بادبان لنگر گشودم

مصراع : کشتی شکستگانیم ای باد شرطه برخیز ، و به این اسم اعظم که جنود اجنه را مالک رقاب است پریزادان کوتاهی نثر را افسون خاموشی نمودم بالله المحمود فی کل فعاله». مثنوی محمود و ایاز در هند چاپ شده است. اما ٦ مثنوی دیگر را به صورت خطی یا چاپی تحقیق باید کرد.

۴۱۰
۵۰۰

مختصر القراء

[زبان شناسی ، علم قرائت ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۵×۱٤/۵×۲ س م. —درونی : ۱۲ س ۱۸×۹ س م.

۲- اوراق : ۱۳۹ ورق. ۲۷۸ صفحه.

۳- کاغذ : نازک سفید تیره رنگ کشمیری ، اندکی آب رسیده ، جلد مقوایی پوسیده باعطف و گوشهٔ چرمی زرد و قهوه‌یی.

٤- خط : تحریر ، خوانا ، روشن ، عنوانها و نشان ها و سرفصلها و بعضی از جملات عربی شنگرف ، قرن ۱۳ هـ ق.

۵- کاتب : «ملا محمدکریم» ، تاریخ کتابت : «۱۲۹۰ هـ ق» : «تمت بدست خط حقیر خادم طالبان علم ملا محمد کریم ، هر که این کتاب را مطالعه کند و یک الحمد و یک قل هو بخواند در حق این بنده ببخشد خدای تعالی در حق او رحمت کند بالنبی و آله الا مجاد « سنهٔ ۱۲۹۰».

٦- مؤلف : «حاجی زبردست خالی دست ابن کرم قوم تربنی افغان بتی زی» ، نام تألیف : «مختصر القراء» ، تاریخ تألیف : « ۱۲۲۰هـ ق ». نام تألیف را که گویا نخست «کنز القراء» بوده ، همه جا محو و سیاه کرده و «مختصر القراء» نوشته‌اند. در صفحات ۱۱ و ۱۲ و ۱٤ و ۲۷۸ چنین آمده است: «چنین گوید این فقیر حقیر پر تقصیر امیدوار عفو خداوند قدیر حاجی زبردست خالی دست ابن کرم قوم تربنی افغان بتی زی اهل علوم . . . قبل ازین یک رسالهٔ منظومه در علم تجوید از برای تصحیح الفاظ کلام مجید بلفظ افغانی جمع نموده بود. بعضی از دوستان و برخی از محبان خواهش نمودند که اگر بر آن ترتیب که رسالهٔ افغانی جمع شده رسالهٔ دیگر بعبارت فارسی هم جمع شود که هر طایفهٔ ازو بهره مند و کامیاب گردند نیک خواهد بود . . . این رساله را بعبارت

فارسی جمع نموده شد . . . و نامیده شد این رساله مختصر القراء (کنزالقراء) و اختتام . . . تاریخ الف و مائتان و عشرون من هجرة النبی علیه الصلوة والسلام سنهٔ ۱۲۲۰ ».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم حمد متواتر و ثنای متکاثر مر خدای را که ذاتش واجب الوجود است سپاس بیحد و ستایش بی عدد مر الهی راست که لایق بندگی و سجود است و عبادت و طاعت سزاوار آن شاهی را هست که صاحب لطف و کرم و جود است».

۸- انجام : «و این فقیر حقیر از درگاه کبیر قدیر حق سبحانه و تعالی جل شأنه و عم نواله و لا اله غیره چنین امید دارم که خوانندهٔ این رساله از اکثر قواعد قرآنی که تعلق به علم قرائت داشته باشد مستغنی و بی پروا خواهد بود انشاء الله تعالی بشرطی که بحقیقت وی کما حقه رسیده و قواعد کلی آنرا در ضبط و محافظت خود آورده باشد تمت».

۹- چگونگی: موضوع این نسخه «علم قرائت قرآن» است و در آن از حروف و کلمات و جملات قرآنی و تلفظ و طرز قرائت و تجوید و حرکات الفاظ و اصوات و تار آواها گفت و گو می کند. نثر فارسی آن آمیخته با کلمات و جملات عربی است و گاهی از اشعار فارسی نیز استفاده می کند. سهو القلم کاتب و اشتباهات املایی و انشایی دارد. تقسیمات آن بر اساس «فصل» است و جمعاً ۳۳ فصل دارد. فصل اول در بیان فضیات تلاوت قرآن و اهل آن و فصل سی و سوم در بیان معرفت لحن جلی و خفی. مؤلف در مقدمه آورده است که نخست رساله‌یی در علم قرائت به زبان افغانی (پشتو) تألیف کرده بوده اما بعضی از دوستان وی خواسته اند که همانند آنرا به فارسی نیز تألیف نماید. این مسأله می رساند که زبان پشتو نمی فهمیده اند و ناچار از وی خواسته اند که کتابش را به زبان فارسی بنویسد. در آغاز و انجام و لابلای اوراق نسخه یادداشت های ادبی و طبی و نسخه نویسی و تعویذ دیده می شود. از جمله : «عالیجاه اخلاص نشان مستوفی مرزا حبیب الله خان قرینصحت (؟) باشد بعد آنکه در خصوص ملا آقا جان مبلغ سی تومان تبریزی نقد و مقدار دو خروار غلهٔ معاف شده است لهذا ملا آقا جان». فهرست مطالب در صفحهٔ ۳ آمده است.

٨٩٠
٤٠٢

مخمسات عیسی بخاری

[ادب ، فارسی ، منظوم ، «مخمس»]

۱- اندازه : –بیرونی : ۲۳ × ۱٤ × ۲ س‌م . –درونی : ۱۵ س (در هر صفحه ۵ سطر یک مصراعی و ما بقی دو مصراعی) ۱۷ × ۹ س‌م .

۲- اوراق : ۸۳ ورق . ۱٦٦ صفحه .

۳- کاغذ : ضخیم سفید تیره رنگ کشمیری ، آب رسیده، سائیده شده ، جلد چرمی سیاه ضربی باعطف پوسیده ، نام صحاف روی جلد ضرب شده است : «عمل ملا الله هروی صحاف» .

٤- خط : نستعلیق و شکسته ، رسم‌الخط فارسی ، خوانا ، روشن ، پخته ، قرن ۱۲ ه‍ ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد و این بیت از کاتب آمده است :
«هر که خواند دعا طمع دارم زانکه من بندهٔ گنه کارم

٦- مؤلف : یا (شاعر) : «عیسی» و این نام در مقطع مخمسات آمده است :
بعمری دیده‌ام عیسی‌لبی‌صحرا نوردانرا تماشا کرده‌ام‌خیل صف آهو نگاهان را

عیسی و لعل لب فرهاد و کوه بیستون تیشه بر خارا زدن باشد ز افراد جنون
و لیکن در صفحهٔ اول اینگونه آمده است : «کتاب مخمسات میرزا محمد این اندخوی» یا «مخمسات عیسی مخدوم بخاری» و هیچگونه تاریخی ندارد .

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ،
غمی بخاطرت ای یار ارجمند مباد لب جو قند ترا غیر نوشخند مباد
بچشم خصم تو جز آتش سپند مباد تنت نیاز طبیبان نیازمند مباد
وجود نازکت آزردهٔ گزند مباد
فلک بسایهٔ بال همای همت تست نگین دولت خورشید از سعادت تست
جهان چو صبح منور به یمن دولت تست سلامت همه آفاق در سلامت تست
بهیچ عارضه شخص تو مستمند مباد»

۸- انجام : «ز نهار دل مبند بر اسباب روزگار بر مهر و هر خندهٔ گل نیست اعتبار
گل کرد در بهار بهر رنگ لاله زار داغ جنون که بود یکی نقد آشکار
برسر ز بس که داغ فشاندم دفینه شد

عیسی گداخت سینه‌ازین‌فکرسینه سوز چون رشته‌های شمع این برق سینه سوز
سوزد زبان خامه ازین فکر سینه سوز طالب بهر سفینه از این شعر سینه سوز
بیتی دو گر نوشت ستم بر سفینه شد»

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه «ادب» که شامل مخمسات نغز و شیوایی است از شاعری به نام «عیسی» یا «مخدوم عیسی بخاری». مثل اینکه این نسخه به خط او است. هر صفحه ۵ مخمس دارد و بنا بر این ۸۲۰ مخمس در این نسخه موجود و هر مخمس ۲ بیت و یک مصراع است و جمعاً ۲۱۰۰ بیت دارد. روانی و دلچسبی این مخمسات مورد قبول است. الفاظ و اصطلاحات و تشبیهات و استعارات تازه دارد. بعضی مخمسات تضمین اشعار شاعران معروف است. این نسخه ترتیب الفبائی بر حسب حروف قافیه ندارد. زیر بعضی از حروف در جای هایی سه نقطه دارد. سهو القلم کاتب و اشتباهات املایی اندک دارد. گاهی به جای کسرهٔ اضافه، «ی» به کار می برد. در صفحهٔ اول و آخر و در کنارهٔ بعضی از صفحات اشعار و یادداشتهایی آمده است. مثلاً درصفحهٔ ۱، یک صورت حساب که پول را «قران» نوشته و نیز چند بیت‌زیبا کتابت شده است:

دوشینه شبی که برف بر دوشم بود زانو چو عروس نو در آغوشم بود
از پوشیدنی نبود غیر از چشمم چیزی که به زیر سر نهم گوشم بود

یار میرفت آه می کردم وزپی او نگاه می کردم
ناوک غمزه بر دلم میزد من دلخسته واه می کردم

سلامی سوی دلبر می فرستم بآن گل غنچهٔ تر می فرستم
سلامی من بسوی یار نازوک که بفرستم بدست پیک چابک

در صفحهٔ آخر یک غزل به خط شکستهٔ خفی کتابت شده است بدین مطلع :

«بر من‌از خوی‌تو‌هر چند که‌بیداد رود چون رخ‌خوب‌تو بینم‌همه از یاد رود»
و مقطع :

دل بآن غمزهٔ خونریز کشد جامی را صید را جون‌اجل آمد سوی‌صیاد رود».

۸۹۰
۵۷۹

مرآت العلماء

[ادب ، عرفان و تصوف ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- اندازه : ـبیرونی : ۱۷×۱۰×۵/۲ س م. ـدرونی : ۱۳ س ۱۱×۶ س م .

۲- اوراق : ۱۳۶ ورق . ۲۷۱ صفحه .

۳- کاغذ : ضخیم لاجوردی کم رنگ کشمیری ، اندکی آب رسیده ، جلد مقوایی و چرمی ضربی منقش ملون باعطف تیاجی پوسیده .

۴- خط : نستعلیق شکسته آمیز خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سرفصلها و کلمات الشواهد و نشان ها شنگرف ، قرن ۱۳ ه ق ، جملات عربی معرب (مشکول) .

۵- کاتب : «محمد حکیم بن محمد رحیم» ، تاریخ کتابت : «ل ۱۲۳ ه ق» . در انجام چنین آمده: «تمت هذا النسخه الشریف من تصنیف الاحمد ابن محمد یوسف فی قریه الموسوم بدیهه دادی من بلد البلخ درید فقیر حقیر کمترین خاکسار محمد حکیم ابن محمد رحیم سنه ل ۱۲۳ و الهجرة النبویه علی صاحبها افضل الصلوات والتحیه

شد بتوفیق خدای لا ینام این کتابت روز یک شنبه تمام
شکر که این نامه بعنوان رسید پیشتر از مرگ بپایان رسید
هر که خواند دعا طمع دارم ز آنکه من بندهٔ گنهگارم»

۶- مؤلف : «احمد بن محمد یوسف» ، نام تألیف : «مرآت العلماء» ، تاریخ تألیف : «۱۲۰۰ ه ق» . در صفحهٔ ۲ چنین آمده : «بدانکه این نسخه را در تاریخ سنهٔ ۱۲۰۰ الف مائتین در هفد هم شهر محرم الحرام بعد از صلوات جمعه بود که احمد ابن محمد یوسف ابن صوفی حق داد ، دهه دادیکه یکی از قریهای آباد مشهورهٔ ام البلاد بلخ است متصدی جمع و ترتیب گشت این کتاب را مرآت العلما نام نهاده شد چراکه اوصاف حمیدهٔ علما بیان کرده میشود» .

۷- آغاز : ناقص است گویا یک ورق افتادگی دارد و چنین آغاز می شود : «نیفزاید ، مرله ، و مدتی بود که بر خاطر این فقیر خطور بود و لیکن جرأت نمی نمود این سخن از آن یار موافق سر زد و آن راز نهفته سر برزد آنچه درو طاقتست

در برابرم و آن درّ بی قیمت را از بحر در برابرم بعون الملک الوهاب».

۸- انجام : «بیت ،

شد ختم کتاب من شریف رمضان در عین دوازده بچهار شنبه دان
این نسخه‌حرف‌اگرجندی که‌نام‌رغوب‌است امید چنان است که شود از محبوبان

مخفی نماند که از جواب و سؤال عقل و نفس هفت مقاله باقی ماند و بعضی از مقام فقر و فنا در آنجا بانجام می رسید و کسی که تا اینجا دریافت ، باقی خود معلوم خواهد شد و السلام و الاکرام تمت».

۹- **چگونگی:** این نسخه در موضوع «ادب فارسی و عرفان و تصوف و اخلاق» تألیف شده و بر اساس عقاید و افکار صوفیانه، «علم» و «فلسفه» را تعریف می‌کند و میان «عقل و نفس» مباحثاتی می آورد و از آیات قرآن و احادیث نبوی و کلمات مشایخ شواهد می آورد و به تفصیل تمام بحث می کند . تقسیمات آن بر اساس «باب» و «حکایت» و مطالب دیگر است که مطابق موضوع در عنوان آمده است : «اخلاص» و «مذمت نفس» و «منقبت عقل» . جمعاً «۹۳ باب» و چندین «حکایت» دارد . «باب اول درمعرفی کتاب و چگونگی تألیف آن ، باب دوم در بیان علم ، و باب نود و دویم شاد شدن نفس از فرمان برداری و مناجات کردن و باب نود و سیوم در خاتمهٔ کتاب» . سهو القلم کاتب و اشتباهات لفظی و تعقیدات جمله بی دارد . اصولاً هدف مؤلف از این نسخه شناختن «نفس» و «عقل» است و بدان جهت در سر تا سرکتاب از نفس و عقل سخن به میان می آورد و معتقد است هر «عالم» باید نفس و عقل خود را بشناسد تا «علم» را نیز شناسد و از علماء گردد ، بدین مناسبت ، تألیف خود را «مرآت العلماء» نامیده است . نثر فارسی آن به سبک مخصوصی است که می توان به آن «فارسی افغانی» گفت.

۲۹۰
۵۵۷

مرآت الواعظین

[دین ، وعظ و نصیحت و مرثیه ، عربی و فارسی و اردو و هندی ، منثور و منظوم]

۱- اندازه : —بیرونی : ۳۱/۵×۲۳×۳ سم. —درونی : ۲۰ تا ۳۰ س ۲۷×۱۶ و ۱۸/۵×۲۸/۵ س م .

۲- **اوراق** : ۲۴۵ ورق . ۴۸۹ صفحه .

۳- **کاغذ** : نازک و ضخیم زرد تیره و خاکی رنگ لاهوری (هندی) ، اندکی وصالی شده ، جلد مقوایی پوشیده و جدا شده بدون عطف .

۴- **خط** : نستعلیق و تحریر و شکسته ، خوانا و سخت خوانا ، رسم الخط اردو ، قرن ۱۳ ه ق .

۵- **کاتب** : این نسخه ظاهراً به خط مؤلف کتابت شده و «تاریخ کتابت» ، تاریخ تألیف است . (رک : ۶—مؤلف).

۶- **مؤلف** : «**ابو عبدالحکیم احمد الدین**» ، نام تألیف : «**مرآت الواعظین**» ، تاریخ تألیف : «۱۳۲۰ ه ق» . در صفحهٔ ۱ و ۲ و ۱۱ چنین آمده است : «اما بعد حمده و نعت کے خاکپا اهل اسلام فقیر ابو عبد الحکیم احمد الدین ساکن قصر پادشاهانی ضلع جهلم خدمت علمای ذوالوقار . . . کی عرض پردازهی که یه کتاب . . . موسوم بمرآة الواعظین هی . . . و تاریخ او ۱۳۲۰ هجری قمری» است (رک : ۹—چگونگی) .

۷- **آغاز** : «بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله الذی هدانا لهذا و ماکنا لنهتدی لولا ان هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق لا احصی ثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک و الصلوة و السلام علی سیدنا و مولانا محمدنا المخصوص بافصح اللغات و اوضح البیان و المبعوث باکمل الشرایع و المدوح» .

۸- **انجام** : «کهین لعل و یاقوت پایا خطاب یه سب ذره هین اور تو آفتاب
کبهی سیال مین شمس ظاهر هوا کبهی تونسه مین شاه سلیمان هوا
کوئی بادشاهانی مین واعظ هوا کوئی بی نصیب هو کی اوس سے پهرا
هماری دعا هر وقت صبح و شام نبی پر درود اور هر دم سلام

تمت تمام شد» .

۹- **چگونگی**: این نسخه در موضوع وعظ و نصیحت و مرثیه و مدح و منقبت و تذکیر و دیگر مطالب خطابت و روضه خوانی نوشته شده است و به همین مناسبت به «مرآت الواعظین» موسوم گشته است . زبان این نسخه ، فارسی و پنجابی و هندی و اردو و عربی است و آمیخته با نظم و نثر است ، تقسیمات آن

بر حسب فکر نویسنده ترتیب یافته و عنوان معین ندارد . در کنارهٔ صفحات و در لابلای سطرها ، توضیحات لغوی و یادداشت های دینی و شرح های صرفی و نحوی آمده است . مؤلف در چند جا کتاب خود را پایان داده است ولیکن پس از مطالعه و امعان نظر و تحقیق صفحاتی افزوده و مطالبی نوشته است. دوستان عالم و فاضل مؤلف ، تقریظ ها و ماده تاریخ هایی نوشته و سروده اند. در صفحهٔ ۳۹۹ طرز نوشتن و علت تألیف را آورده است . اینک قطعهٔ مادهٔ تاریخ فارسی از مولوی عبد الرسول ابن مولانا مولوی قمرالدین ساکن بکهر ضلع شاه پور ، ابیات (ص ۳۹۹) :

بحمد الله درین دور پر آفات	به افضال خداوند و عنایات
گل باغ هدایت احمد الدین	معین حق موفق‌شد به خیر است
نوشت از جودت طبع معلی	مضامین عجب بهر افادات
پی وعظ خلایق جمع بنمود	احادیث و قصص اشعار و آیات
جزاء الله عمل کرده است خالص	بخواهد،نذر زو چون اهل حسنات
برای واعظان آیینه‌یی ساخت	به تصحیح اسانید و روایات
شده مصداق خیر الناس اکنون	که گفتا بهر نافع شاه سادات
سوی عبد الرسول این مژده آمد	پی تاریخ گفتن شد اشارات
به عون واحد آمد سال تاریخ	کتاب جامع نور سعادات

البته به زبان عربی و اردو و پنجابی هم قطعات ماده تاریخ ساخته و در پایان کتاب افزوده اند (رک : آخر نسخه ، قطعهٔ ماده تاریخ عربی از مولوی مولوی شیخ عبدالله) .

۲۹۰/۵۴۸ مراثی صیقل یا دیوان مدح و منقبت صیقل

[دین ، مراثی و مدح و منقبت ، ترکی ، منظوم]

۱- اندازه : –بیرونی : ۳۵/۵×۲۲/۵×۱۳ سم. –درونی : ۱۷ س ۱۶×۹/۵سم.

۲- اوراق : ۲۴۳ ورق. ۴۸۶ صفحه.

۳- کاغذ : نازک خاکی رنگ سیالکوتی ، اندکی آب رسیده ، ساییده شده ، بدون جلد

عطف پارچه ی خاکستری.

۴- **خط** : تحریر و شکسته ، سخت خوانا ، ناپخته ، عنوانها و نشانها و سرفصلها شنگرف، قرن ۱۳ ه‍ ق.

۵- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد ، کاتب تنها چند شعر دعایی از طرف خود نوشته است ، از جمله :

«شد به توفیق خدای لاینام این کتابت روز دو شنبه تمام»

۶- **مؤلف** : یا (شاعر) **«صیقل»** یا **«صیقلی»** ، نام تألیف شاید **«مراثی صیقلی»** یا **«دیوان مدح و منقبت صیقل دربارهٔ ائمهٔ اطهار»**، تاریخ سرودن معلوم نشد. لفظ«صیقل» یا «صیقلی» در آغاز و انجام بعضی از اشعار آمده است :

«کیل ایمدی صیقلی دنیا ایرور هیچ کونکل‌چون غنچه‌پر خون‌پیچ در پیچ
کیل ای صیقل ستم بر این مسلم کس آخر دنیا ده اولهای قالور کم

۷- **آغاز** : «رب یسر و تمم بالخیر ، بسم الله الرحمن الرحیم :

کیل ایمدی صیقلی دنیا ایرور هیچ کونکل چون غنچهٔ پر خون‌پیچ درپیچ
بو نه دل دورچنان گل رنگ بویوق بو نه تیل دورچو بلبل گفت کویون
تو روب تو نلار دیسنگ کیم یا الهی نه بولغای لیسه فیض صبحگاهی
چقاریب غنچه تیل تا شلب نقابین تیلاوت قیله بلبل گل کتابین»

۸- **انجام** : «اینکدک‌اوت‌قیوب اولدور دیلاربس سزای توش حرامی ایلقان کس
نه ایش قیلسنگ ینه اندین کودارش مثلدور ایکانیک اور ارسن

یا فتاح یا فتاح یا فتاح ، یا رزاق یا رزاق یا رزاق ، و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله و اصحابه اجمعین ، تمت الکتاب بعون الملک الوهاب ،

حشر او بارسول کن یا رب این دعا را قبول کن یا رب
هر که خواند دعا طمع دارم زانکه من بندهٔ گنه کارم»

۹- **چگونگی** : موضوع این نسخه که به زبان ترکی است ، مدح و منقبت و مرثیه و نوحه و اشعار دینی است که همهٔ آنها دربارهٔ خاندان عصمت و طهارت و مخصوصاً امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و صحرای کربلا و شهادت آن سرور شهیدان و یاران او سروده شده است. تقسیمات آن بر اساس موضوعاتی است که توسط شاعر یعنی «صیقل» و یا «کاتب» عنوان شده است ، مثلاً: «شاه حسین

(ع) وصیت قیلب بینه میدانکه بارکانی» و «حکایت حضرت یعقوب یوسفینی برادر لاریکه موسکانی بیانی» و «امام حسین نی شمر بدرنگ شهید قیلغاننی بیانی بوتور دور» و «شعری علی اکبر».

از میان صفحهٔ ۲ و ۳ افتادگی دارد. و از صفحهٔ ۱ تا ۲۳ فقط مدح و منقبت دربارهٔ حضرت امام حسن (ع) است و از صفحهٔ ۲٤ تا آخر نسخه اکثر مطالب در مرثیه و مدح و منقبت حضرت امام حسین (ع) و شهیدان دشت کربلا است. در صفحهٔ اول چند بیت به طرز ابتدایی نگاشته آمده است. سهوالقلم کاتب و خط خوردگی دارد.

۸۹۰ و ۲۹۰
———
٤٦١

مراد العارفین

[دین و ادب ، عرفان و تصوف ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۰×۱۳×٤ سم. —درونی : ۱۳ س ۱٤×۸/۵ سم.

۲- اوراق : ۳۰۷ ورق. ٦۱٤ صفحه.

۳- کاغذ : نازک سفید رنگ کشمیری ، آب رسیده ، اندکی وصالی شده ، جلد مقوایی زرد گون باعطف و گوشهٔ تیماجی سرخ .

٤- خط : نستعلیق و تحریر ، خوانا ، روشن ، رسم الخط اردو ، عنوانها و سرفصلها و نشانها و خطوط رسم شده بر بالای آیات قرآنی و احادیث و جملات شواهد و کلمات عربی شنگرف ، قرن ۱۲ھ ق.

۵- کاتب : نام کاتب صریح و واضح نیامده است. اما در یکی از برگ های خالی نسخه این یاد داشت آمده است : «این کتاب از جناب عالیجاه فضلیت پناه ل ۱۶۳٤۲۱ ٤۲۹۱ ل میباشد بدست خط فقیر حقیر احقر العباب سید عباس می باشد».

٦- مؤلف : «الله یار ابن الله قلی» ، نام تألیف : «مراد العارفین» ، تاریخ تألیف معلوم نشد. در صفحهٔ ۱۰ و ۱۱ چنین آمده است : «اما بعد می گوید این فقیر الحقیر الموصوف بالتقصیر خاکپای مردان توکل الله یار ابن الله قلی غفر الله عصیانها و تجاوز نقصانها . . . و الو الالباب که ناانویشتن این کتاب رخصت داده اند دست توجه با خواندن فاتحه ، زبان دلها گشاده اند ، نام این نسخه را

مرادالعارفین نهاده اند». در آخر صفحهٔ ۵۷٤ تاریخ «۱۲۹٤» دیده می شود.

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی رسوله محمد و هو خاتم النبیین و علی جمیع الانبیاء والمرسلین و علی آله و اصحابه و ارواحه اجمعین اما بعد میگوید این فقیر الحقیر الموصوف بالتقصیر خاکپای مردان توکل الله یار ابن الله قلی غفر الله عصیانها و تجاوز نقصانها باوجود دونی و زبونی بمشاورت دوستان کتاب مسلک المتقین آنگاه ثبات العاجزین آنگاه مخزن المطیعین سواد کرده شد».

۸- انجام : «بگردان با رضای خود دل ما | با صلاح آوری آب و گل ما
برحمت ای خدای عالم آرا | (افتاده) . . . .
مرا مگذار با ما ای خداوند | بزنجیر غلامی ساخته بند
. . . در قلب ما برآری | سوای پروردگاری رحمت بلطف
دراجی از ترحم تا چه یابیم | بمسکینی درین بابیم بابیم

انک انت الرحیم المنان وصلی الله علی خیر خلقه محمد و آله و اصحابه اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین قال النبی علیه السلام الخط باق و العمر فانی العبد عامل و الرب عاف صدق تمت تمت سنهٔ ۱۲۹٤».

۹- چگونگی: موضوع این نسخه «ادب فارسی و عرفان و تصوف و سیر و سلوک» است و برگزیده یی است از کتب عرفانی و اشعار صوفیانه و کلمات مشائخ. تقریباً همهٔ مآخذ فارسی و عربی را نام‌برده است. نثر فارسی آن روان و به سبک هندی است و با آیات قرآنی و احادیث نبوی و اشعار عرفانی و جملات عربی از دهان و زبان مشائخ و پیران طریقت آمیخته است. این نسخه چهارمین تألیف مؤلف است: ۱- مسلک‌المتقین، ۲- ثبات العاجزین ، ۳- مخزن المطیعین ، ٤- مراد العارفین. در مقدمه و آغاز و انجام این نسخه یادداشتهای طبی و اسامی داروها و اشعار عرفانی و شرح لغات دعای چهل کاف به زبان فارسی از یعقوب العلوی و منسوب به حضرت شیخ عبدالقادر گیلانی آمده است. در صفحهٔ ۶۰۵ و ۶۰۶ چند رباعی فارسی آمده که نویسندهٔ آن معتقد است باید بعد از نماز صبح و چاشت خوانده شود تا مشکلات آسان و حاجات بر آورده شود. مثلاً این رباعی :

ای لطف تو امسال همان پار همان در باغ تو گل بود همان خار همان
دایم همه گشاده باشد در تو تا مست همان آید و هشیار همان

و این مسئله می رساند که دعا و مطالب دعائی و شاید نماز را به زبان فارسی می خوانده اند. چنان که شرح دعای چهل کاف در همین نسخه برای همین منظور آمده است. در صفحهٔ ۶۰۳ و ۶۰۴ یک یادداشت نجومی به زبان ترکی آمده است. در صفحات دیگر مطالبی دربارهٔ نماز و روزه و فرایض و ادعیه آمده و مخصوصاً اصول دین را به نظم در صفحهٔ ۵۸۵ آورده است. خلاصه اینکه مسائل بسیاری در اوایل و اواخر این نسخه در موضوعات مختلف فال و دعا و مناجات و زن و فرزند و دوستان و طب کتابت شده است. در صفحهٔ ۶۱۴ این یادداشت از مالک کتاب آمده است: «این کتاب از جناب لاله میر دل خان یا سید عباس فقیر می باشد سنهٔ ۱۳۱۹». (رک: مراد العارفین ۵۲۹ / ۸۹۰ و ۲۹۰).

۸۹۰ و ۲۹۰ / ۵۲۹

مراد العارفین

[ادب، عرفان و تصوف، فارسی، منظوم و منثور]

۱- اندازه: بیرونی: ۲۵ × ۱۵/۵ × ۲/۵ س م. درونی: ۱۷ س ۱۶/۵ × ۸/۵ س م.

۲- اوراق: ۱۳۴ ورق. ۲۶۸ صفحه

۳- کاغذ: نازک خاکی رنگ سیالکوتی، اندکی آب رسیده، جلد تیماجی سرخگون وصالی شده.

۴- خط: نستعلیق، روشن، خوانا، عنوانها و سرفصلها و نشان ها شنگرف، قرن ۱۲ ه ق.

۵- کاتب: «عبدالقدیر ننگرهاری». تاریخ کتابت ندارد: «تمت تمام شد به دست عبدالقدیر ننگر هاری یوم شنبه».

۶- مؤلف: «الله یار ابن الله قلی»، نام تألیف: «مراد العارفین»، تاریخ تألیف معلوم نشد. در صفحهٔ ۲ و ۳ چنین آمده است: «اما بعد میگوید فقیر الحقیر الموصوف بالتقصیر خاک پای مردان توکل الله یار ابن الله قلی غفر الله عصیانها و تجاوز نقصانها . . . این نسخه را از کتب معتمد که موافق

معتقد است جمع کرده شود ..... و نام این نسخه را مراد المعارفین گفته اند ».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والعاقبه" للمتقین والصلوة والسلام علی رسوله محمد و هو خاتم النبیین و علی جمیع الانبیاء والمرسلین و آله و اصحابه و ازواجه اجمعین اما بعد میگوید فقیر الحقیر الموصوف بالتقصیر خاک پای مردان توکل الله یار بن الله قلی».

۸- انجام : ناقص است و افتادگی دارد و کسی خود را کاتب شمرده است. (رک : ۵-کاتب) و این گونه انجام می شود :

«معین بن زیاد آن خسرو خیر یکی فرزند خوردی داشت نه غیر
کنیزی داشت ناگه فوق آن خورد ز پا افتادن آن فرزند او مرد
کنیزک راز خشیت گریه روداد امیرش گفت واها کردم آزاد
به جرم عمد ما نگرفت مولا خطا کردی ز ما بخشیدن اولی
ترا گفتم به تمکین باش ای پیر ولی در باب غیرت شو چو شمشیر
چوزن از خانه بیرون گشت درده اگر مردی تو بر سرده سپرده
اگر اهلت به سوی ....»

۹- چگونگی: این نسخه در موضوع ادبیات فارسی و اشعار و اقوال و افعال عارفان و ادیبان و دانشمندان متصوفه است. تقسیمات آن بر اساس «فصل» و عنواناتی است که مؤلف برگزیده است. مثلاً : مناجات منظوم ، نعت نبی (ص) منظوم ، منقبت چهار یار (منظوم) ، فصل اول در بیان اسم صوفی (منثور). و بعد هر مطلبی را که نقل می کند مأخذ آنرا هم می آورد ، چنانکه گوید: «در شرح تعرف است ، در خالصه" الحقایق است ، در جامع المعتقدات است ، در حصن الایمان است ، در مرآت الطالبین است». نثر فارسی و اشعار برگزیدهٔ فارسی آن به سبک عرفانی است. در کنارهٔ صفحات یادداشت های عرفانی و لغوی و ادبی آمده است. در صفحه" اوآخر ، یک رباعی و چند بیت شعر متوسط به خط خوش جلی کتابت شده است. نشان چند مهر داشته که همه را محو و سیاه کرده اند. در قسمت درونی جلد بعضی اوراق خطی به عنوان وصالی به کار برده اند. مالک کتاب «حاج گل محمد قندهاری» نام داشته است. (رک : مراد العارفین ۴۶۱/۲۹۰ و ۸۹۰).

۲۹۰
۵۶۱

مشکوة المصابیح

[دین ، حدیث ، عربی ، منثور]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۵/۵×۱۶×۶/۵ س م. —درونی : ۲۳ س ۱۶/۵×۹ س م.

۲- اوراق : ۴۷۸ ورق. ۹۵۸ صفحه.

۳- کاغذ : نازک نخودی رنگ و براق سمرقندی و کاغذ وصالی سیالکوتی ، وصالی شده ، آب رسیده ، ساییده شده ، جلد مقوایی و چرمی قهوهیی رنگ در غلاف کرباسی سفید رنگ.

۴- خط : ثلث عربی ، پخته ، روشن ، خوانا ، عنوانها و سرفصلها و نشان ها و اعراب بعضی از کلمات شنگرف ، قرن ۱۱ ه ق.

۵- کاتب : « **عثمان قریشی** » ، تاریخ کتابت : «**۱۱۰۰ ه ق**». در صفحهٔ آخر چنین آمده است : «و قد وقع الفراغ من کتابه هذا الکتاب فی التاریخ نهم ماه صفر روز سه شنبه وقت نماز ظهر سنهٔ هجری نبوی یازده صد ۱۱۰۰ کاتب الحروف عثمان قریشی شاگرد حاجی بود ، سنهٔ اعلی بادشاهی سنهٔ ۳۳ ، لا اله الاالله محمد رسول الله الخط باق والکل فانی».

۶- مؤلف : «**شیخ ولی‌الدین محمد بن عبدالله خطیب تبریزی**» ، «**مشکوة المصابیح**» ، تاریخ تألیف : «**۷۳۷ ه ق**» : در صفحهٔ ۲ و ۴ و ۹۵۸ چنین آمده است : «اما بعد فان التمسک بهدیه . . . و کان کتاب المصابیح الذی صنفه الامام محی السنه قامع البدعه ابو محمد الحسین بن مسعود الفراء البغوی . . . فاستخرت الله تعالی و استوفقت منه . . . و ذلک حیث لم اطلع علی روایه فترکت البیاض و ان عثرت علیه فالحقته به . . . و سمیته الکتاب بمشکاة المصابیح . . . وقع الفراغ من جمع الاحادیث النبویه صلی الله علیه وسلم و صحبه فی آخر یوم الجمعه من رمضان عند رؤیه الهلال شوال سنهٔ ۷۸۷ سبع و ثمانین و سبعمائه من الهجرة النبویه صلی الله علیه وسلم».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله نحمده و نستعینه و نستغفره و نعوذ بالله من شرور انفسنا و من سیآت اعمالنا من یهد الله فلا مضل له و من یضلله فلا هادی له و اشهد ان لا اله الا الله شهادة تکون للنجاة وسیله وارفع

الدرجات کفیلة و اشهد انا محمداً عبده و رسوله».

۸- انجام : «رواه الترمذی و ابن ماجه والدارمی و قال الترمذی هذا حدیث احسن. قال المؤلف الکتاب شکر الله تعالی سعیه واسکنه جنته و اتم علیه نعمته و رزقه ولا حرمنا من برکاته وقع الفراغ من جمع الاحادیث النبویة صلی الله علیه وسلم و صحبه فی آخر یوم الجمعه من رمضان عند رؤیة الهلال شوال سنة ۷۸۷ سبع و ثمانین و سبع مائة من الهجرة النبویة صلی الله علیه و سلم ».

۹- چگونگی: این نسخه در موضوع «احادیث نبوی و صحابه» تصنیف شده و «مشکوة المصابیح» نام دارد. مؤلف بر اساس «مصابیح» تألیف امام ابو محمد الحسین بن مسعود الفراء البغوی الشافعی متوفی سنه ۵۱۶ هـ ق کتاب خود را تصنیف کرده است. زیرا بعضی از ناقدان و علمای حدیث از آن کتاب و اسناد احادیث آن ایراد گرفته‌اند ، وی از کتب دیگر احادیث و مآخذ مهم استفاده کرده و تألیف ارزندهٔ خود «مشکوة المصابیح» را به دست داده است. تقسیمات این نسخه بر اساس «کتاب» و «باب» و «فصل» و «عن» است. در اول «کتاب الایمان» و در آخر «باب ذکر الیمن و الشام و ذکر اویس القرنی». در کناره های متن و در لابلای سطرها یادداشت هایی دربارهٔ لغات مشکل و اسامی رجال حدیث و از یادافتاده‌های کاتب و دیگر مسائل آورده شده است بعضی از یادداشت ها به زبان عربی و بعضی به زبان فارسی است. در صفحات آغاز و انجام بعضی یادداشت های ارزنده آمده است ، مثلاً : «حدیث مشکوة پنج هزار و هفتصد و پنجاه است» و برخی مطالب دربارهٔ خرید و فروش مال و قرض دادن «روپیه» و توضیح فقهی و اسامی مصنفان صحاح سته : «امام بخاری ، امام مسلم القشیری ، النیسابوری ، ابو داود سجستانی ، ابو عبدالرحمان نسایی ، ابو عیسی الترمذی ، ابن ماجه قزوینی» کتابت شده است.

۲۹۰
———
۴۴۸

مصابیح السنة

[دین ، حدیث ، عربی ، منثور]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۶/۵×۱۸/۵×۹ س م. —درونی : ۱۵ س ۱۸×۱۰/۵ س م.

۲- اوراق : ۴۲۷ ورق. ۸۵۴ صفحه.

۳- کاغذ : کاغذ ضخیم زرد روشن رنگ سمرقندی ، وصالی شده ، آب رسیده ، جلد مقوایی و چرمی وصالی شده و نارنجی رنگ و سرخ رنگ.

۴- خط : ثلث عربی ، خوانا ، روشن ، بعضی از صفحات معرب ، عنوانها و نشانها و سرفصلها سیاه و سرخگون ، قرن ۹ ه ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» ندارد، تاریخ کتابت : «۸۲۶ ه ق» . این جمله در آخر نسخه کتابت شده است : «تم الکتاب بحمد الله و عونه و منه و صلواته علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلامه فی سادس عشرین ربیع الاول سنهٔ ست و عشرین و ثمانمائهٔ تمت».

۶- مؤلف : «امام ابو محمد الحسین بن مسعود الفراء البغوی الشافعی المتوفی سنهٔ ۵۱۶ ه ق»، نام تألیف: «مصابیح السنة»، تاریخ تألیف معلوم نشد. در صفحهٔ ۱ چنین آمده است : «قال الشیخ الامام محیی السنهٔ . . . ابو محمدالحسین بن مسعود الفراء البغوی . . . اما بعد فهذه الفاظ صدرت عن صدر النبوة . . . هن مصابیح خرجت عن مشکاه التقوی مما اوردها الایمهٔ کتبهم». در صفحهٔ اول کتابت شده است : «کتاب المصابیح للعالم الزاهد ای محمد الحسین بن مسعود البغوی المعروف بالفرا رضی الله عنه».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله و سلام علی عباده الذین اصطفی والصلوة الدائمهٔ التامهٔ علی رسوله المجتبی محمد سید الوری و علی آله نجوم الهدی قال الشیخ الامام الاجل السید محی السنهٔ ناصر الحدیث شیخ الاسلام عمادالدین ابو محمد الحسین بن مسعود الفراء البغوی قدس الله روحه اما بعد فهذه الفاظ صدرت عن صدر النبوة و سنن صارت عن معدن الرساله».

۸- انجام : «عن ابی هریره رضی الله عنه ان رسول الله صلعم قال من اشد اُمتی لی حبا ناس یکونون بعدی یود احدهم لو رآنی باهله و ماله عن انس ان النبی صلعم قال ان من عبادالله من لو اقسم علی الله بره و قال النبی لایزال من اُمتی قائمه بامرالله لا یضرهم من خذلهم ولا من خالفهم حتی یأتی امرالله و هم علی ذلک من الحسان عن انس رضی الله عنه قال رسول الله صلعم مثل اُمتی مثل المطر لایدری اوله خیرام آخره».

۹- چگونگی: موضوع این نسخه «حدیث» است که بر پایهٔ عقیدهٔ اهل سنت و جماعت گرد

آوری شده است. تقسیمات آن بر اساس «کتاب» و «باب» قرار دارد همانند : «کتاب الایمان من الصحاح ، باب الکبائر و علاماة النفاق من الصحاح ، باب خطبه یوم النحر ورمی ایام التشریق و التودیع من الصحاح ، کتاب الفتن من الصحاح ، باب ذکر الیمن والشام و ذکر اویس القرنی رضی الله عنه من الصحاح» . راویان حدیث را بر حسب «من» و «عن» نام برده و آنها را به «نص» و «غریب» و «صحیح» بخش کرده است. در این نسخه همیشه می گوید : «من الحسان» و از وی احادیث بسیار نقل کرده است. تقریباً نیمی از الفاظ و کلمات این نسخه معرب است. در آغاز و انجام و لابلای اوراق و در کنارهٔ صفحات و میان سطر ها ، یادداشت ها و توضیحات و از جا افتاده ها را به خط و کتابت دیگر آورده اند. از جمله این یادداشت از مالکان نسخه: «من نعم الله تعالی علی عبده الفقیر الحاج یوسف سقطی لطف الله العزیز». «ملکه بالشراء . . . الفقیر الی الله . . . سنه ۱۰۶۱ ھ ق». نشان ۵ مهر دارد که آنها را محو و سیاه کرده و به سختی خوانده شدند : «الله قادری . . . احد».

۵۴۰ و ۸۹۰
۵۳۰

مصطلحات الاشعار

[مراجع ، ادب ولغت ، فارسی ، منظوم ومنثور]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۷×۱۷×۴س م. —درونی : ۱۴ س ۲۰×۱۲س م.

۲- اوراق : ۳۳۵ ورق. ۶۷۰ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم نخودی رنگ هراتی ، اندکی آب رسیده ، وصالی شده ، جلد مقوایی و چرمی سیاه رنگ.

۴- خط : نستعلیق آمیخته با شکسته ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشانها وسرفصلها شنگرف ، قرن ۱۲ھ ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶- مؤلف : نام مؤلف: «وارسته»، نام تألیف: «مصطلحات الاشعار»، تاریخ تألیف: «۱۱۹۱ = مصطلحات الاشعار» : در صفحه ۳ و ۴ و ۲۰ چنین آمده است : «اما بعد . . . این کج مج زبان ژولیده بیان . . . یعنی وارسته . . . این کتاب

یعنی اشعار مستشهدات را اندوخته این نسخهٔ بدیعه را به مصطلحات الاشعار که هم تاریخ شروع تألیف است موسوم ساختم».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

ای ناطقه در وصف جمالت الکن یک شاخ ز گلشن تو نخل ایمن
در ابر بهار جودت ای منبع فیض طوبی قلم و صفحه به دستم گلشن

قدسی مشربان اعجاز گستر و کلیم کلامان تجلی مظهر که ضمیر منیرشان مطلع انوار الهی است و خاطر دانش مآثرشان مخزن اسرار نامتناهی در ادای ثنای بهار آفرین چمنستان عالم امکان معترف به عجز و قصور آید.»

۸- انجام : «تناظر یا از منظر یا ییلاق جای سرد هوادار که فصل تابستان در آنجا باشند ، مسیح کاشی :

گلگل ازمی شدعذار ساقیان سرد مهر آب آتش بر رخ گلهای ییلاق فشاند

قشلاق مقابل آنست یعنی جای باش زمستان.»

۹- چگونگی: این نسخه در موضوع «الفاظ و کلمات و اصطلاحات اشعار» است که اکثر شاعران آنها را در اشعار خود به کار می برند. تقسیمات آن بر اساس «تناظر» و «منظر» است ، یعنی حرف اول هر کلمه را «تناظر» و حرف دوم هر کلمه را «منظر» قرار داده است ، مانند : «ابدال» در «**تناظر الف از منظر بای موحده ابدال**» «لفظ قلم» ، در «تناظر لام از منظر فا.» این نسخه از لحاظ اسامی شاعران و اشعار آنان و شواهد لغوی و اصطلاحات ادبی بسیار ارزنده است. مؤلف آن اهل لاهور بوده و در سیالکوت متولد شده است. از صفحهٔ ۱ تا ۲۰ این نسخه افتادگی داشته که به خط تازه کتابت کرده و افزوده اند و مقدمهٔ آن که بالغ بر ۲۰ صفحه می شود در نسخهٔ چاپ هند موجود نیست. هر لغت یا اصطلاح را که می آورد ، نخست آنرا معنی می کند و شرح می دهد. و سپس شواهد شعری را با ذکر نام شاعر آن شعر به دست می دهد. در صفحهٔ آغاز و انجام به غلط نوشته اند : «معیار الاشعار» و یا «اصطلاحات الاشعار». آن کس که اوراق افتاده را نوشته و افزوده است ، نسخه را یک بار خوانده و یادداشت های ادبی و لغوی در گوشه و کنار صفحات افزوده است . در نسخهٔ چاپ هند نام کتاب «مصطلحات الشعراء» آمده و تغییراتی یافته است.

۸۹۰
۵۳۵

مصیبت نامه

[ادب ، عرفان و تصوف ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۲/۵×۱۴/۵×۱س م. — درونی : ۱۵س ۱۵×۷/۵ س م.

۲- اوراق : ۸۱ ورق. ۱۶۲ صفحه.

۳- کاغذ : نازک سفید تیره رنگ کشمیری ، آب رسیده ؛ جلد مقوایی آبی رنگ با عطف پارچه یی سرخ گون.

۴- خط : نستعلیق ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوان ها و سر فصلها و نشانها شنگرف ، قرن ۱۳ ه ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» نیامده. تاریخ کتابت : «۱۲۷۴ ه ق» : «تمت الکتاب ،

شد بتوفیق خدای لاینام این کتابت روز سه شنبه تمام

خط خوب ازمن مسکین چه طمع می داری خاطر جمع ندارم که نویسم خط خوب

هر که خواند دعا طمع دارم زآنکه من بندهٔ گنه کارم

خط در ورق دهر بماند صد سال بیچاره نویسنده که در خاک رود

به یادگار نوشتم من این کتابت را وگرنه این خط من لایق کتابت نیست

الخط باق العمرفانی سنه ۱۲۷۴ تمت تمام شد ، کارم نظام شد».

۶- مؤلف : «حیدر محمد بن یادگار شیخ» ، نام تألیف : «**مصیبت نامه**» ، تاریخ تألیف ذکر نشده و جایش خالی است. در صفحه ۶ و ۷ چنین آمده است : «بعده پوشیده نماند که این غریب مذکور که مؤلف این رساله است مسمی به حیدر محمد بن یادگار شیخ است و وطن او قریه نور آباد است که یکی از قریه معتبر قبه الاسلام بلخ است . . . و تصنیف کرده شد این کتاب را در تاریخ (جای تاریخ خالی) . . . بود . . . این کتاب را مصیبت نامه نام نهاده شد».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، هر گلی فی الجمله بوی به مشام او به مقدور ما قدر الله له فی التقدیر وزید و دیگر از طبع نظم چیزی واقف شدگاهی بعضی از الفاظ و معانی که خاطر ماتم زدگان منقش می گشت او را به قدر استعداد و اقتدار خود برداشته به رشته نظم می کشید و در خاله کتاب او را محفوظ می داشت تا به دست هرنا قابلی نیفتد».

۸- **انجام** : «نظم ،

کهمدتی‌است غریبی‌دراین گذرگه است   یکی همی رود و دیگری نمی آید
کسی که سینه بریان [و]چشم‌نم‌دارد   ز درد محنت روز جزا چه غم دارد
به هر دلیکه رسد ذرهٔ ز آتش عشق   نه فکر مال‌جهان [نه] غم درم دارد
به حلق تشنه کسی تیغ آبدار خورد   شهید کوی تو از تیغ کس‌چه‌غم‌دارد»

۹- **چگونگی:** این نسخه در موضوع دین و ادب و عرفان و تصوف و پند و اندرز و تعلیم و تربیت نوشته شده است. تقسیمات آن براساس «فصل» است و جمعاً «۲۲ فصل» دارد : «بعده مستور نماند که این رساله مشتمل است بر بست و دو فصل اول در بیان اخلاص مرید با پیر گوید». متن این نسخه با نثر و نظم فارسی آمیخته است. اکثر اشعار را مؤلف خودش سروده است. وی فرزندی داشته که در جوانی در گذشته است. این رساله را به دستور «مراد» یا «پیر» ش برای کاهش غم و غصهٔ دوری از فرزندش نوشته است و آنرا بدان مناسبت «مصیبت نامه» گذاشته است. نثر فارسی این رساله به سبک خراسانی می ماند و روان و ساده و مفهوم است. از آیات قرآنی و احادیث نبوی و کلمات مشائخ استفاده شده است. مآخذ و اشخاصی را که شعر یا مطلبی از آنها می آورد نقل می کند.مثلا گوید : «چنانچه ملا صادق در دیوان خود گفته». جملهٔ «ای عزیزم» همیشه تکرار شده است. چاپ شدهٔ این نسخه به نظر نرسیده است.

معارج النبوة فی مدارج الفتوة

۲۹۰ و ۹۵۰ و ۸۹۰
۳۰٤

رکن اول و دوم

[دین و ادب و تاریخ ، فارسی ، منظوم ومنثور]

۱- **اندازه** : -بیرونی : ۳٦×۲٤×٤ س‌م. -درونی : ۲۷ س ۲۹/۵× ۱۵ س م .

۲- **اوراق** : ۲۱۷ ورق. ٤۳٤ صفحه .

۳- **کاغذ** : ضخیم و نازک و زرد تیره رنگ هندی یا کشمیری ، اندکی آب رسیده، وصالی شده، جلد نو سیاه محکم مقوایی باعطف و گوشهٔ تیماجی سبز و طلاکوب .

٤- **خط** : نستعلیق خوش جلی ، روشن ، پخته خوانا ، عنوانها و نشان ها و سرفصلها

و بعضی از کلمات و جملات و برخی از خطوط رسم شده بالای کلمات شنگرف . جدولهای ۵ خطی به رنگهای آبی و زرین و سبز و سرخ . دو لوح در آغاز و یک سر لوح در آغاز رکن اول و یک سر لوح در آغاز رکن دوم و چند ترنج و گل بوتهٔ زیبا دارد که همهٔ آنها منقش و زر افشان و نیلگون و سبزگون و سرخگون است و به کارهای هنری کشمیری می رود . جملهٔ «صلی الله علیه وسلم» به رنگهای نیلگون و زرین کتابت شده است .

۵- **کاتب :** «**محمد طیب بن یار بابا**» ، تاریخ کتابت : «**۱۰۴۲ ھ ق**» . در صفحهٔ آخر اینگونه آمده است : «تمت المقدمه کتاب معارج النبوة فی ید الضعیف محمد طیب بن یار بابا غفر الله ذنوبها و ستر عیوبها فی التاریخ شهر جمادی الاول سنهٔ ۱۰۴۲» .

۶- **مؤلف :** «**معین المسکین بن شرف الدین حاج محمد فراهی**» ، نام تألیف : «**معارج النبوة فی مدارج الفتوة**» ، تاریخ تألیف : «**۸۹۱ ھ ق**» : در صفحهٔ ۸ و ۹ اینگونه آمده است : «و از جمله متابعان ایشان فقیر بی بضاعت و حقیر بی استطاعت المعتصم بحبل الله المتین العبد الضعیف معین المسکین . . . بعد از آنکه سی و اند سال بمطالعهٔ کتب احادیث و سیر و تتبع روایات و اسانید معتبر پرداخته بود . . . یکی از اکابر این فقیر را بالتفات همایون مفتخر ساخته در ایام میلادیه به تقریر سیر حضرت محمدیه صلی الله علیه وسلم دلالت فرمود . . . تابنا بر اشارت شریف فقیر حقیر . . . در غرهٔ شهر ربیع الاول سنهٔ احدی و تسعین و ثمانمایه بنیاد این سامان عالی ارکان بر اساس تقریر و بیان مبنی گردانید . . . و اهل تذکیر . . . در ترق بمدارج معارج نبوت و رسالت محتاج بودند» . در صفحهٔ ۳۱۶ چنین آمده است : «قد تم رکن الاول من الکتاب معارج النبوة بحسن توفیق الملک الوهاب . . .» . نام نسخه را همینگونه که ملاحظه می شود ضبط کرده است .

۷- **آغاز :** **مقدمه (ص ۲) :** ربنا آتنا من لدنک رحمه وهی لنا من امرنا رشداً ، حمدی که صحایف لطایف اطباق فلکی بنقوش تقریر آن موشح بود» .

۸- **انجام :** **ایضاً (ص ۱۰) :** چنان می نماید که چند صفحه از مقدمه افتاده است و اینگونه انجام می یابد : «و از مطالع و مقاطع ارکان رفیع بنیانش در افق آسمان

ضمیر مهر و معانی دلپذیر درخشید .

شعر ، معاینه ضوء الصبح اما سوادة قلیل تعشی بالنجوم الزواهر
قد استکون کالریح مهجتی و اطربن روحی کاصطفاق المزامر

نظم ، سخنها» .

—آغاز : رکن اول (ص ۱۲) : «رکن اول در ایجاد نور حضرت محمدی صلی الله علیه و آله وسلم از حین خلقت تا وقت ولادت و درین رکن هشت باب است که مرقوم رقم کلک بیان خواهد گشت انشاء الله باب اول» .

—انجام : ایضاً (ص۲۱۷) طفلی و آدمت طفیل وجود کاینات نمی ز قلزم جود
گر یتیمی چه غم که‌درتعظیم بیش باشد بهای در یتیم

قد تم الرکن الاول من الکتاب معارج النبوة بحسن الملک الوهاب و الحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً و الرجاء واثق بالحمد سبحانه ان یوفقنی علی تتمهٔ الارکان الثلاثهٔ البواق و تکمیلها بفضله و کرمه و ان تجعل سعیاً مشکوراً و ذنبی مغفوراً و تجارتی لن فتوراً و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین الطیبین الطاهرین والحمد لله رب العالمین» .

—آغاز : رکن دوم (ص ۲۲۰) : «رکن دویم در واقعاتی که پیش از مولد حضرت رسالت پناهی از دلایل و شواهد النبوة تا بحین نزول وحی و این رکن مشتمل است بر هفت باب ، باب اول» .

—انجام : ایضاً (ص۴۳۵): «اتیت الی الرحمن معتصما و من یعصم نالانبیانقد هدیهٔ اللهم صلی علی محمد فی الاولین و صلی علی محمد فی الآخرین و صل علی محمد فی الملأ الاعلی الی یوم الدین و صل علی جمیع الانبیاء و المرسلین و علی جمیع الملائکهٔ المقربین و علی جمیع عباد الله الصالحین برحمتک یا ارحم الراحمین تمت المقدمهٔ کتاب معارج النبوة فی ید الضعیف محمد طیب بن یار بابا غفر الله ذنوبها و ستر عیوبها فی التاریخ شهر جمادی الاول سنهٔ ۱۰٤۲» .

۹- چگونگی: موضوع این نسخه ، شرح حالات و معجزات و تاریخ و اندیشه ها و اقوال و افکار حضرت رسول اکرم محمد بن عبدالله پیغامبر اسلام (ص) است که به زبان فارسی روان و محکم و جزیل و منسجم آمیخته بانظم (قطعه و رباعی

و مثنوی و قصیده) تصنیف گشته است . مؤلف کتب متعدد تصنیف کرده است و شاعر هم بوده است بدین جهت کتابهای او به نثر و نظم فارسی آمیخته شده است . این نسخه در سال ۸۹۱ تألیف و در سال ۱۰۴۲ کتابت شده و بنا بر این ۱۵۱ سال پس از تألیف ، کتابت شده است . تقسیمات آن بر اساس «رکن» و «باب» و «فصل» و «روایت» و «واقعه» است . همه ٔ کتاب معارج النبوة «چهار رکن» دارد . و این نسخه دو رکن آن است . مثلاً «رکن اول» ، «هشت باب» و سه فصل» و «پنج روایت» دارد . مؤلف در اشعار خود که در این نسخه سروده ، «معین» و «معین المسکین» تخلص کرده است . و رکن دویم «هفت باب» و «باب اول» ، «پنج فصل» و «۱۵ وقعه» است . رسم الخط آن فارسی و میان حروف و الفاظ اختلافی فاحش وجو دندارد . در آغاز و انجام و در تضاعیف این نسخه ، یادداشت ها و توضیحاث و الفاظ و جملات از یاد رفته کتابت شده است . این یادداشت در صفحه ٔ اول آمده است . «الجزو الاول من سیر تصنیف ملا معین مسکین قدس سره الله تعالی بر چهار رکن و خاتمه ٔ الکتاب» .

و نیز این یادداشت در همان صفحه : «بتاریخ هفتم شهر ربیع الاول سنه ٔ ۱۱۲۴ هجری مطابق سنه ٔ احد جلوس اقبال جهاندار شاه پادشاه غازی به بیع صحیح شرعی به مقابله مبلغ یکصد و ده عدد روپیه بمعرفت . . . (محو و سیاه شده) . . . اسد یار متوطن پیشاور در ملک سیادت پناه . . . (محو و سیاه شد) . . . خلف شاه جانی درویش داخل شد او سبحانه مالک مذکور را بمعه میر محمد علی و میر محمد رفیع فرزندان بخت بلند او بمطالعه ٔ این کتاب مستطاب مستفید و بهره‌مند گرداناد بحرمه ٔ النبی الامی و آله الا مجاد آمین» .

نشان سه مهر در همین صفحه هست که سخت خوانا است و اینگونه خوانده می شود : «دوست علی ۱۲۵۳» و «علی اکبر ۱۲۲۰» و «میر محمد علی ۱۱۲۴» .

کتاب «معارج النبوة» چند بار در هند و ایران و پاکستان چاپ شده و نسخ خطی آن نیز مطابق فهرست های موجود در بعضی از کتابخانه ها موجود است و در کتب سیر و تاریخ هم شرح و تفسیر گشته است (رک :

تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی ، تألیف سعید نفیسی ، ج ۱ ، ص ۲٤۸) .

معارج النبوة فی مدارج الفتوة

۹۵۰ و ۲۹۰ و ۸۹۰ / ۳۰۵

رکن سوم و چهارم

[دین و ادب و تاریخ ، فارسی ، منظوم و منثور]

۱- اندازه : —بیرونی : ۳۲/۵×۲۳×٤/۵ س م. —درونی : ۲۵ س ۲٤×۱۵ س م .

۲- اوراق : ۳۹۸ ورق. ۷۹۶ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم زرد تیره رنگ و براق کشمیری ، اندکی کرم خورده ، اندکی آب دیده ، اندکی وصالی شده ، جلد نو سیاه مقوایی پارچه‌یی باعطف تیاجی طلاکوب.

٤- خط : نستعلیق خوش جلی ، روشن ، خوانا ، پخته ، عنوانها و نشانه‌ها و سر فصل‌ها و بعضی از الفاظ و کلمات و خطوط رسم شده بر بالای جملات و لغات شنگرف. برخی از عنوانهای مهم و جملهٔ نعتیهٔ «صلی الله علیه و آله و سلم» به قلم ثلث زرین و گاهی نیلگون جملات و عبارات عربی معرب (مشکول) ، جدولها ٤ خطی زرین و سیاه ، دو سر لوح هنری و منقش اسلیمی و با ترنج در آغاز رکن اول و رکن دوم به رنگ نیگون ، و زرین و ارغوانی و در یکی از ترنج های سر لوح عبارت « بسم الله الرحمن الرحیم » به خط کوفی کتابت شده است ».

۵- کاتب : « محمود بن درویش پیر حسن بن درویش پیر علی » ، تاریخ کتابت : « ۹۱۰ ه‍ ق » ، در صفحهٔ ۷۹۵ چنین کتابت شده است : « کتبه العبد الضعیف المذنب عفی الله تعالی عنه محمود بن درویش پیر حسن بن درویش پیر علی فی تاریخ شعبان المعظم سنهٔ عشرو تسعمائهٔ الهجریه ».

۶- مؤلف : «معین المسکین» (رک : معارج النبوة فی مدارج الفتوة ، رکن اول و دوم ۳۰٤ / ۲۹۰ و ۸۹۰) :

۷- آغاز : رکن سوم (ص ۱۲) : «رکن سیم در وقایعی که از سال چهلم از مولود حضرت

رسالت صلی الله علیه وسلم بظهور پیوسته تا بوقت هجرت آنحضرت بمدینهٔ سکینه و درین رکن پنج بابست ، باب اول در نزول وحی بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و درین باب پنج فصلست فصل اول در مقدمات وحی و درین فصل پنج واقعه است ، واقعهٔ اول از وقایع مقدمات وحی آن بود».

۸- انجام : **ایضاً (ص ۲۹۶)** : «پیر نجدی گفت تدبیر صواب و رای راست اینست که ابوالحکم بیان کرد و برین سخن اتفاق نمودند و از مجلس برخواستند و بتهیهٔ آن مشغول شدند و حق تعالی از آن بیعت و پیان ایشان حضرت رسالت را صلی الله علیه وسلم خبر کرد جبرئیل علیه السلام آمد و این آیت آورد : و اذیمکر بک الذین کفروا لیثبتوک او یقتلوک او یخرجوک و یمکر الله والله خیر الماکرین تم الرکن الثالث».

—آغاز : **رکن چهارم (ص ۲۹۷)** : «رکن چهارم در ذکر هجرت آنحضرت از مکهٔ متبرکه بمدینهٔ سکینه و درین رکن واقعاتی که از هجرت تا ایام وفات آنحضرت بوقوع رسیده مبین گردد و این رکن مشتمل است بر دوازده باب باب اول در هجرت آنحضرت و این باب مشتمل است بر سه فصل ، فصل اول در مقدمات هجرت».

—انجام : **ایضاً (ص ۷۹۶)** :

«در آن لذت همه تن گوشت گشته — در آن حیرت زبان مدهوش گشته
خدایا این طلب مقدور من نیست — و لیکن غیر ازین منظور من نیست
تو عالی همتان را دوست داری — همان بهتر که کام من بر آری
معینی را تمنا غیر ازین نیست — در آن بستان تماشا غیر ازین نیست
من درویش را در هر دو عالم — توئی مقصود و بس والله اعلم

کتبه العبد الضعیف المذنب عفی الله تعالی عنه محمود بن درویش پیر حسن بن درویش پیر علی فی تاریخ شعبان المعظم سنه عشرة و تسعمائه الهجریه.

بماند سالها این نظم و ترتیب — ز ما هر ذره خاک افتاده جایی
غرض نقشیست کز ما باز ماند — که هستی را نمی بینم بقایی
مگر صاحبدلی روزی برحمت — کند در حق درویشان دعایی»

۹- **چگونگی** : موضوع این نسخه (رکن سوم و چهارم معارج النبوة) شرح حالات و سوانح

و وقایع و حوادث روزگار حضرت محمد بن عبدالله (ص) از آغاز ولادت تا ایام وفات است. در این نسخه از آیات قرآن و احادیث و کلمات مشایخ و عارفان به نحو کامل استفاده شده و متنی است دینی و تاریخی و خواندنی و ادبی آمیخته با نظم و نثر. نظم آن شامل: قطعه، غزل، رباعی، دوبیتی، قصیده و مثنویهای کوتاه است. که اغلب آنها را مؤلف خودش با تخلص «معین» و «معینی» و «معین مسکین» سروده است. تقسیمات آن بر اساس «رکن» و «باب» و «فصل» و «واقعه» و «خاتمه» است. **رکن سیوم**، «۵ باب» دارد، و هر باب بر چند «فصل» و هر فصل بر چند «واقعه» تقسیم شده است که از سال چهلم عمر آنحضرت تا هجرت به مدینه را شامل می گردد. **رکن چهارم**، «۱۲ باب» و هر باب به «فصل» و «واقعه» تقسیم شده است. که از ورود به مدینه تا ایام وفات آنحضرت را در بر می گیرد. **خاتمه** شامل «معجزات» حضرت محمد (ص) است. فهرست تازه‌یی بر این نسخه به خط خوش نستعلیق جلی تنظیم شده است در ۱۰ صفحه که کاتب آن اینگونه توشیح فرموده است: «کاتب خاکسار محمد عاشق ولد مولوی احمد دین بپاس خاطر ملک غلام فرید ولد ملک الیاس». یادداشت ها و توضیحات و شرح و تفسیر و جملات از یاد رفته در کنارهٔ صفحات به خط تازه تر از متن کتابت شده است. نثر فارسی آن محکم و منسجم است (رک: معارج النبوة فی مدارج الفتوة ۳۰۴/۲۹۰ و ۸۹۰).

معارج النبوة فی مدارج الفتوة

۹۵۰ و ۲۹۰ و ۸۹۰
۳۰۶

مقدمه، رکن اول و رکن دوم

[دین و ادب و تاریخ، فارسی، منثور و منظوم]

۱- **اندازه**: —بیرونی: ۳۳ × ۲۱ × ۴ س م. —درونی: ۲۳ س ۲۲×۱۲/۵ س م.

۲- **اوراق**: ۳۲۹ ورق. ۶۵۸ صفحه.

۳- **کاغذ**: ضخیم زرد تیره رنگ و حنایی رنگ هندی، اندکی کرم خورده، وصالی شده، آب دیده، جلد مقوایی پارچه‌یی، نیلگون باعطف و گوشهٔ تیماجی سرخگون.

٤- **خط** : ثلث خوش جلی ، روشن ، خوانا ، پخته ، عنوانها و نشان ها و سرفصلها و خطوط رسم شده بر بالای بعضی از جملات و عبارات به شنگرف ، جملات و آیات قرآن و احادیث معرب (مشکول). قرن ۱۱ ﻫ ق.

٥- **کاتب** : نام کاتب نیامده اما تاریخ کتابت «**۱۰۹۷ ﻫ ق**» است. در صفحهٔ ٦٤٨ اینگونه آمده است : «و هذا آخر الرکن الثانی من کتاب معارج النبوة فی مدارج الفتوة تمت فی یوم الجمعهٔ بتاریخ ۱۸ شهر جمادی الاول سنهٔ ۱۰۹۷ ﻫ ق تم تم تم تم تم».

٦- **مؤلف** : «**معین المسکین**»، نام تألیف : «**معارج النبوهٔ فی مدارج الفتوه**» ، تاریخ تألیف : «**۸۹۱ ، ق**» . (رک : معارج النبوة فی مدارج الفتوة ۳۰۵/۹٥۰ و ۲۹۰ و ۸۹۰ ، ۳۰٤/۹٥۰ و ۲۹۰ و ۸۹۰).

٧- **آغاز** : **مقدمه (ص ١٦)** : «رب یسر ولا تعسر ، بسم الله الرحمن الرحیم ، و تمم بالخیر ، ربنا آتنا من لدنک رحمهٔ و هیئ لنا من امرنا رشداً ، حمدی که صحائف اطباق فلکی بنقوش تقریر **آن** موشح بود ، و ثنائی که صفائح مدائح اوراق ملکی برقوم تحریر آن مرشح باشد بیت :

حمدی که بر صحائف اطباق نه فلک توقیع بر کشیده که الکبریاء لک»

٨- **انجام** : **ایضاً (ص ۲۲۲)** : «اللهم صل علی محمد فی الاولین و صل علی محمد فی الآخرین و صل علی محمد فی الملأ الاعلی الی یوم الدین و صل علی محمد فی کل وقت و حین و صل علی جمیع الانبیاء والمرسلین و علی الملائکهٔ المقربین و علی عباد الله الصالحین برحمتک یا ارحم الراحمین و هذا مقدمهٔ کتاب معارج النبوة فی مدارج الفتوة و یتلوها الارکان الاربعهٔ بحمد الله و حسن توفیقه حامداً و مصلیاً و مسلماً ، تمت المقدمهٔ کتاب معارج النبوة بعون الله تعالی و حسن توفیقه تم (۸ بار).

—**آغاز** : **رکن اول (ص ۲۲٤)** : «بسم الله الرحمن الرحیم ، رکن اول در ذکر خلقت وجود باجود محمدی صلی الله علیه وسلم و در بیان ایجاد نور حضرة محمدیه صلی الله علیه وسلم از حین خلقت نور تا بوقت ولادة آنحضرة و درین رکن هشت باب مرقوم رقم کلک بیان خواهد شد انشاء الله تعالی العزیز باب اول در ذکر نور».

—**انجام** : **ایضاً (ص ٥١٥)** :

«طفلی آدمت طفیل وجود کاینات نمی ز قلزم جود
گر یتیمی چه غم که در تعظیم بیش باشد بهای در یتیم

و قد تم الرکن الاول من کتاب معارج النبوة فی سیر حضرة رسالة صلی الله علیه وسلم بحسن توفیق الملک المعظم والحمد لله اولاً و آخراً باطناً و ظاهراً والرجاء واثقاً ان یوفقنی علی تتمیم الارکان البواق و تکمیلها لفضله و کرمه و ان یجعل سعیاً مشکوراً و ذنباً مغفوراً و تجارةً لن تبور و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله و اصحابه اجمعین تمت بعون الله تعالی تم» (۱۷ بار).

—آغاز : **رکن دوم (ص ۵۱۹)**: «بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین ، رکن دوم از کتاب معارج النبوة در ذکر واقعاتی که پیش از مولد آن حضرة صلی‌الله‌علیه وسلم بود از دلایل و شواهد نبوة و واقعاتی که در حین ولادة بوقوع پیوسته و ارضاع و وقایع دیگر تا بحین نزول وحی و این رکن مشتمل است بر هفت باب ، باب اول در ذکر بشائر».

—انجام : **ایضاً (ص ۶۵۸)**: «نقل است که روزی سعید پسر وی که با عمر رضی‌الله عنهما عمزاده بودند مر پیغامبر را صلی الله علیه وسلم گفت یا رسول الله هیچ آمرزش خواهی ؟ زید بن عمرو را گفت : نعم فانه یبعث لی امة واحدة گفت چرا آمرزش نخواهم از برای وی و حال آنکه وی علاحده یک امت باشد روز قیامت و این برای آن گفت که در آن وقت که او ملت ابراهیم داشت علیه السلام در عالم غیب هیچکس بر دین ملت ابراهیم نبود بغیر از وی و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین و هذا آخر الرکن الثانی من کتاب معارج النبوة فی مدارج الفتوة تمت فی یوم الجمعة بتاریخ ۱۸ شهر جماد الاول سنهٔ ۱۰۹۷ ، تم» (۵ بار).

۹- **چگونگی**: موضوع این نسخه شرح احوال و آثار و گفتار و کردار حضرت محمد بن عبدالله پیامبر اسلام است و شامل مقدمه و رکن اول و دوم از کتاب معارج النبوة فی مدارج الفتوة است که مجموعاً یک مقدمه و چهار رکن و یک خاتمه دارد (رک : معارج النبوة فی مدارج الفتوة ۳۰۵/۹۵۰ و ۲۹۰ و ۸۹۰).
تقسیمات مقدمه بر اساس «فصل» و مجموعاً «۵ فصل» دارد . هر فصل نیز تقسیمات دیگر دارد، بدین شرح: فصل اول در تحمیدات، فصل دوم در مناجات، فصل سیوم در نعوت و مناقب ذات و صفات حضرت سید السادات علیه

افضل الصلوات، فصل چهارم در فضایل و خصایص و شمایل و سمات. فصل پنجم در فضلیت و ثواب صلوات و محامد و مناجاة و نعوت آن عالی صفات. هر کدام از این فصول نیز تقسیماتی دارد: فصل اول ۱۲ تحمید، فصل دویم ۱۴ مناجات، فصل سیوم ۱۲ نعت، فصل چهارم، مقالهٔ اولی در ۱۶ خصیصه، مقاله ثانیه وظیفهٔ اول در چند فضیلت، وظیفهٔ دوم در ۱۶ لطیفه فصل پنجم، وظیفهٔ اول در چهل حدیث، وظیفهٔ ثانیه در چند لطیفه، وظیفهٔ ثالثه در چند واقعه، وظیفهٔ رابعه در چند موضع. برای تقسیمات متن (رک: معارج النبوة فی مدارج الفتوة ۹۵۰/۳۰۵ و ۲۹۰ و ۸۹۰).

در این نسخه یادداشت ها و اضافات و توضیحات در آغاز و انجام و کنارهٔ صفحات دارد. مثلاً ۳ دعا دربارهٔ «دفع وبا» در آغاز آمده است. که دستور آنها به فارسی و اصل دعاها به زبان عربی و معرب کتابت شده است: «این دعائرا خوانده درگوش بز دم بکند و ذبح نموده گوشت قسمت بکند، هر کس که ازین گوشت پاره بخورد انشاء الله تعالی از آفت وبا در امن و امان حق تعالی محفوظ ماند» و این دعا در پنج صفحه است. «هر که این دعاء را نوشته بر دروازه بچسپاند و «آفت وبا» از آن خانه دور شود و هرگز در آن خانه نیاید ان شاء الله تعالی و باید که مردمان هر روز مداومت نمایند تا آفت وباء دفع شود. جهت دفع نمودن آفت وبا باید که این دعا را بر دهل نوشته در شهر محله بمحله شادی نمایند انشاء الله تعالی آفت وبا از آن شهر دفع گردد». پس از این دعا ها در آغاز، فهرست این نسخه در ۵ صفحه به خط تازه کتابت شده است. در کنارهٔ یکی از اوراق آغاز نسخه این یادداشت به خط شکسته کتابت شده است: «معارج النبوة بیست و پنجم ذی حجه سنهٔ پنجاه عالمگیری خانصاحب و بنده عنایت فرمود. غرهٔ محرم سنهٔ ۲ عرض دادند». و این یادداشت در انجام کتابت شده است: «منکه میان بوڑا ولد حاکم ساکن موضع لووڑی یک ماده گاؤ براه خدای بعوض قرآن مجید مولوی محمدین شرقپوری را داده و بالله التوفیق براه عند الله العبد بوڑاه».

۹۵۰ و ۲۹۰ و ۸۹۰
۴۳۴

معارج النبوة فی مدارج الفتوة

رکن چهارم

[دین وادب وتاریخ ، فارسی ، منثور ومنظوم]

۱- **اندازه** : —بیرونی : ۳۶/۵×۲۴×۲ س م . —درونی : ۲۷ س ۲۸/۵×۱۶ س م .

۲- **اوراق** : ۱۶۲ ورق . ۳۲۴ صفحه . (از ص ۴۹۶—۸۲۰) .

۳- **کاغذ** : ضخیم روغنی زرد تیره رنگ جهانگیری (لاهوری) ، آب دیده ، وصالی شده ، جلد مقوایی پارچهٔ گرفتهٔ سبز گلدار .

۴- **خط** : نستعلیق خوش ، رسم الخط اردو ، خوانا ، پخته ، عنوانها و نشانها و سرفصلها شنگرف ، یک سر لوح در زمینهٔ لاجوردی و گل و بوته نگاری زرین و شنگرف در آغاز ، کنارهٔ صفحهٔ اول و منقش و دارای چهار ترنج ، جدولهای کنارهٔ متن ۶ خطی سیاه و زرد و سبز و سرخ ، قرن ۱۰ ه ق .

۵- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

۶- **مؤلف** : «معین المسکین» رک : (معارج النبوة فی مدارج الفتوة ۳۰۶/۹۵۰ و ۲۹۰ و ۸۹۰) .

۷- **آغاز** : «بسم الله الرحمن الرحیم ، رکن چهارم در ذکر هجرت آنحضرت صلی الله علیه وسلم از مکهٔ متبرکه بمدینهٔ سکینه و درین رکن و اتفاقی که از هجرت تا ایام وفات آنحضرت بوقوع رسیده مبین گردد و این رکن مشتملست بر دوازده باب اول در هجرت آنحضرت صلی الله علیه وسلم و این باب مشتملست بر سه فصل» .

۸- **انجام** : «نقلست که حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم فرمود ما من احد من امتی له وسعه ثم لم یذرنی فلیس له عذر یعنی نیست هیچ کس از امت من که مر اورا توسعه در رزق و گشایش در مال باشد و او زیارت قبر من نکند در روز قیامت او را هیچ عذری نباشد و هر که قبر مرا زیارت کند واجب شود مر اورا شفاعت من و نیز فرموده هر که زیارت کند قبر مرا چنان باشد که مرا در حیات زیارت کرده باشد و الله الموفق اللهم ارزقنی زیارت

کعبهٔ الاسلام و قبر نبیک سید الامام علیه الصلوة و السلام و ابتعد فی جمیع المؤمنین و المؤمنات والمسلمین و المسلمات بشفاعهٔ یوم القیمهٔ یا ذوالجلال و الاکرام آمین یا رب العالمین تمت تم تم تم» .

۹- **چگونگی:** این نسخه شامل «رکن چهارم» از معارج النبوة فی مدارج الفتوة است و موضوع آن هجرت حضرت محمد (ص) به سوی مدینه تا وفات آن حضرت است . تقسیمات آن بر حسب «باب» و «فصل» و «واقعه» است . (رک : معارج النبوة فی مدارج الفتوه ۹۵۰/۳۰۵ و ۲۹۰ و ۸۹۰) . درگوشه و کنار صفحات این نسخه از یاد رفته ها را افزوده اند . این یادداشت در صفحهٔ یک خواندنی است : «این کتاب از مال صاحبی ام آخند زاده ملا عزیز الله صاحب هدیه شده به سی تومان و الهال (الحال) سردار محمد خان ولد غفران پناه سردار حسن خان غفر الله لک . این کتاب مال اینجانب شده عاشق به این می باشم تادم رفتن خداوند این را درد من سازد هر کس از من طلب کند کور شود یا شکمش درد کند خط حقیر محمد اکبر خان» .

معارج النبوة فی مدارج الفتوة

۹۵۰ و ۲۹۰ و ۸۹۰ / ۴۳۷

رکن اول

[دین و ادب تاریخ ، فارسی، منثور و منظوم]

۱- **اندازه :** —بیرونی : ۳۶×۲۳×۱/۵ س م . —درونی : ۲۷ س ۵/۲۸×۵/۱۶س م .

۲- **اوراق :** ۱۰۲ ورق . ۲۰۲ صفحه .

۳- **کاغذ :** ضخیم زرد رنگ روغنی جهانگیری ، آب رسیده ، جلد مقوایی و پارچه‌یی سبز گلدار .

۴- **خط :** نستعلیق خوش خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشانها و سر فصلها شنگرف ، یک سر لوح در زمینهٔ لاجوردی و زرین و کتیبه کاری و گل و بوته نگاری ، در کنارهٔ صفحهٔ اول و دوم منقش در زمینهٔ زرد گون ، در صفحهٔ اول ٤ در صفحهٔ دوم ۵ ترنج به اشکال مختلف ، جدولهای ٦ خطی کنارهٔ صفحات لاجوردی و سیاه و سرخ و سبز ، قرن ۱۰ ه ق .

۵- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

۶- **مؤلف** : «**معین المسکین**» ، (رک : معارج النبوة فی مدارج الفتوة ۳۰۶/۹۵۰ و ۲۹۰ و ۸۹۰).

۸- **آغاز** : «بسم الله الرحمن الرحیم رکن اول در حین ایجاد خلقت نور تا بوقت ولادت حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم و درین رکن هشت باب مرقوم کلک بیان خواهد شد انشاء الله العزیز ، باب اول در ذکر نور کل السرور حضرت محمدی صلی الله علیه وسلم و درین باب سه فصل است ، فصل اول در بیان حدیث اول ما خلق الله تعالی نوری» .

۸- **انجام** : فی النعت النبی علیه السلام ،

ای برخ ماه طلعت لولاک — وی بقد سرو گلشن افلاک
شمع بطحا چراغ بیت حرم — صدر و بدر جهان جهان کرم
مه گردون سر بر انجم جیش — مشعل افروز دودمان قریش
بو البشر خوشه چین خرمن تو — روضه خرم ببوی مسکن تو
در رسالت مدرس ادریس — در سعادت مساعد برجیس
راکب کشتی هدایت نوح — ساکن جودی ولایت روح
خادم خان (خوان) ودعوت تو خلیل — مرغ باغ نبوتت جبریل
کشتهٔ تیغ غمزهٔ تو ذبیح — و ز دمت روح پروریده مسیح
طفلی و آدمت طفیل وجود — کاینانت نمی ز قلزم جود
گر یتیمی جه غم که در تعظیم — بیش باشد بهاء درّ یتیم

تمت الرکن الاول من کتاب معارج النبوة فی سیر حضرت الرسالة صلی الله علیه وسلم الی هذه الرکن و صحها تم تم تم»

۹- **چگونگی**: این نسخه شامل رکن اول از چهار رکن معارج النبوة فی مدارج الفتوة است و آن از آغاز خلقت نور و آفرینش بشر بر حسب روایات اسلامی تا ولادت حضرت محمد (ص) را در بردارد . تقسیمات آن بر حسب «باب» و «فصل» و «لطیفه» و «نصیحت» و «واقعه» است . و جمعاً ۸ باب و هر باب چند فصل و لطیفه و نصیحت و واقعه دارد . این رکن سهو القلم کاتب اندک دارد . درگوشه و کنارهٔ صفحات یادداشتهای دارد و از یاد رفته ها را

افزوده اند که در صحاق بعضی از آنها بریده شده است . در صفحهٔ آخر یک « دعای فارسی » به خط سبز و خیلی ابتدایی به امضای «نصر الله» آمده است .

معارج النبوة فی مدارج الفتوة

۹۵۰ و ۲۹۰ و ۸۹۰
―――
۴۳۶

رکن دوم

[دین وادب وتاریخ ، فارسی ، منثورومنظوم]

۱- اندازه : ـبیرونی : ۳۷×۲۳/۵×۱ سم . ـدرونی : ۲۷ س ۲۸/۵×۱۶ س م .

۲- اوراق : ۴۷ ورق . ۹۳ صفحه (از ص ۲۰۳–۲۹۶) .

۳- کاغذ : ضخیم زرد رنگ روغنی جهانگیری ، آب رسیده ، جلد مقوایی و پارچه یی سبز گلدار .

۴- خط : نستعلیق خوش ، خوانا ، پخته ، عنوانها و سر فصلها و نشانی ها شنگرف ، یک سر لوح در زمینهٔ لاجوردی و زرین و کتیبه کاری و گل و بوته نگاری ، در کنار صفحهٔ اول و دوم منقش در زمینهٔ زرد گون و در صفحهٔ اول ۴ و در صفحهٔ دوم ۵ ترنج به اشکال مختلف ، جدولهای ۶ خطی کنارهٔ صفحات سیاه و سرخ و سبز و زرین . قرن ۱۰ ه ق .

۵ کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

۶- مؤلف : (رک : معارج النبوة فی مدارج الفتوة ۹۵۰/۳۰۶ و ۲۹۰ و ۸۹۰) .

۷- آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم رکن دوم از کتاب معارج النبوة در ذکر ولادت حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم و مقدمات آن از دلایل و شواهد النبوة و واقعاتی که در حین ولادت بوقوع پیوسته و ارضاع و وقایع دیگر تا بحین نزول وحی و این مشتمل است بر هفت باب، باب اول در ذکر بشایر به بعثت آنحضرت علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات و این باب مشتمل است بر پنج فصل» .

۸- انجام : «نقلست که روزی سعید بسروی که با عمر رضی الله عنه عم زاده بودند مر پیغمبر را گفت صلی الله علیه وسلم که یا رسول الله هیچ آمرزش

خواهی ؟ زید بن عمرو گفت : نعم . حامه بیعت امه واحدة گفت : چرا آمرزش نخواهم از برای ولی و حال آنکه علیحده یک امت باشد و روز قیامت و این برای آن گفت که در آن وقت که او ملت ابراهیم داشت در عالم هیچ کس بر ملت ابراهیم نبود بغیر از وی و هذا آخر رکن الثانی من الکتاب و سیتلوه الرکن الثالث بعون الملک بحرمة النبیه علیه الصلوة و السلام تم تم تم» .

۹- **چگونگی:** این نسخه شامل «رکن دوم» از چهار رکن نسخهٔ معارج النبوة فی مدارج الفتوة است و موضوع آن «از آغاز ولادت تا زمان وحی بر حضرت محمد (ص)» است . و تقسیمات آن بر اساس «باب» و «فصل» و «واقعه» قرار دارد ، و جمعاً «۷ باب» و هر باب چند فصل ، و هر فصل چند واقعه دارد. سهو القلم کاتب دارد در کنارهٔ صفحات از یاد رفته های کاتب را اصلاح کرده و افزوده اند . در صفحهٔ ۲۹۶ یادداشتهایی بوده که آنها را محو و نابود کرده اند . در صفحهٔ آغاز و انجام بعضی یادداشتهایی دعایی به خط نسخ خوش آمده است ، و اینگونه امضاء شده : «کتبه الفقیر الحقیر المذنب العاصی الی رحمة الله الباری عبد العزیز ابن عبد المؤمن درمیانی فی شهور سنهٔ ۱۲۰۵ ه ق». و «نمقه فولاد درمیانی» . (رک : معارج النبوة فی مدارج الفتوة ۹۵۰/۳۰۵ و ۲۹۰ و ۸۹۰) .

۹۵۰ و ۲۵۰ و ۸۹۰
۴۳۵

معارج النبوة فی مدارج الفتوة

رکن سوم

[دین وادب و تاریخ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- **اندازه :** —بیرونی : ۱/۷×۲۳×۳۶/۵ س م. —درونی : ۱۶×۲۸س۲۷ س م.

۲- **اوراق :** ۱۰۰ ورق. ۱۹۸ صفحه (از ص ۲۹۷-۴۹۵).

۳- **کاغذ :** ضخیم روغنی زرد تیره رنگ جهانگیری (لاهوری)، آب دیده ، وصالی شده ، جلد مقوایی پارچه گرفته سبز گلدار.

۴- **خط :** نستعلیق خوش ، رسم الخط ، خوانا ، پخته ، عنوانها و نشان ها و سر فصلها شنگرف ، یک سر لوح در زمینهٔ لاجوردی و زرین و گل و بوته و کتیبه

نگاری رنگا رنگ در آغاز ، کنارهٔ صفحهٔ اول و دوم منقش و دارای ۵ ترنج ، جدولهای کنارهٔ متن ٦ خطی سیاه و زرد و سبز و سرخ، قرن ۱۰ ه ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» معلوم نشد اما در کنارهٔ آخر نسخه اینگونه آمده است : «در آمرزیده باد آنکسی را که این نسخهٔ شریفه در نظر آرد بدعا یاد کنند سنهٔ ٤۵ ل ۱۳۰۰».

٦- مؤلف : (رک : معارج النبوة فی مدارج الفتوة ، ۳۰٦/۹۵۰ و ۲۹۰ و ۸۹۰).

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، رکن سیوم در وقایعی که از سال چهلم از مولود آن حضرت صلی الله علیه وسلم بظهور پیوسته تا بوقت هجرت آنحضرت صلی الله علیه وسلم بمدینهٔ سکینه و درین رکن پنج باب است ، باب اول در نزول وحی آنحضرت صلی الله علیه وسلم و درین باب پنج فصل است فصل اول در مقدمات وحی و درین فصل پنج واقعه است».

۸- انجام : «پیر نجدی گفت تدبیر گفت صواب ورای اینست که ابوالحکم بیان گردد بدین سخن اتفاق نمودند و از مجلس بر خواستند و بتهیهٔ آن مشغول شدند و وحق تعالی از آن پیمان و بیعت ایشان حضرت رسالت را صلی الله علیه وسلم خبر کرد یا جبریل علیه ام آمد و این آیه داد که و اذ یمکر بک الذین کفروا لیثبتوک او یقتلوک او یخرجوک و یمکرون و یمکر الله و الله خیر الماکرین تمت رکن الثالث من الارکان الاربع رحمتک یا ارحم الراحمین تم تم تم».

۹- چگونگی : این نسخهٔ شامل «رکن سوم» ازمعارج النبوة فی مدارج الفتوة است که مطالبی از سال چهلم عمر حضرت محمد «ص» تا هنگامی که به مدینه هجرت می کند در بردارد. تقسیمات آن بر حسب «باب» و «فصل» و «واقعه» است و جمعاً «۵ باب» و چند فصل و چند واقعه دارد (رک : معارج النبوة فی مدارج الفتوة ٤۰۵/۹۵۰ و ۲۹۰ و ۸۹۰). در کنارهٔ صفحات این نسخه بعضی مطالب افزوده شده که از قلم کاتب افتاده بوده است. در صفحهٔ آخر یادداشتهایی و گویا نشان مهر موجود بوده که همهٔ آنها را محو و سیاه کرده اند. بعض سهوالقلم های کاتب دارد ، مثلاً «خواست» را به جای «خاست» کتابت کرده است. چند بیت شعر در صفحهٔ اول آمده است ، از جمله :

«چه بودی گر وجود ما نبودی   اگر بودی نکردی جرم بسیار»

۲۹۰
۳۲۸

معرفة المذاهب

[دین، فرق اسلامی، فارسی، منثور]

۱- اندازه : —بیرونی: ۲۱×۱۴/۵ س‌م. —درونی: ۱۵ و ۱۶ س ۱۶/۵×۱۰/۵ س م.

۲- اوراق : ۱۰ ورق. ۱۹ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم سفید تیره رنگ کشمیری، آب دیده، وصالی شده، جلد مقوایی نو و ملون با عطف و گوشهٔ پارچه یی.

٤- خط : نستعلیق خوش (متن)، خط ثلث خوش (عنوان ها و شواهد)، روشن، خوانا، پخته، نشانها و عنوانها و کلمات و جملات شواهد سرخگون، بالای اسمهای علم خط سرخ کشیده شده، جدولهای پنج خطی سیاه و سرخ و زردگون، قرن ۱۱ ه ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

٦- مؤلف : «**محمود طاهر**» معروف به «**نظام مدرس مدرسهٔ جلالی**»، نام تألیف: «**معرفت المذاهب**»، تاریخ تألیف معلوم نشد. «میگوید جامع این جواهر و لآلی بندهٔ ضعیف امیدوار برحمت پروردگار متعالی محمود طاهر عرف بنظام مدرس مدرسهٔ جلالی . . . اصل آنچه مرا در نظر آمد از حکماء آن فرقه ها در دو باب و هفت فصل در آوردم و نام این رساله «معرفت المذاهب» کردم».

۷- آغاز : «رب یسر، بسم الله الرحمن الرحیم، و تمم بالخیر، الحمد لله المحمود الطاهر المعبود الباطن و الظاهر و الصلوة علی رسوله الکامل و اله محمد و آله و اصحابه الی انتهاء الاجسام و الجواهر میگوید جامع این جواهر ولآلی بندهٔ ضعیف امیدوار برحمت پروردگار متعالی محمود طاهر عرف بنظام مدرس مدرسهٔ جلالی احسن الله تعالی الیه».

۸- انجام : «امام اعظم رحمة الله علیه در فقه اکبر آورده است و آن مجسمه است که خدایتعالی را جسم است و این ملت از فروع کرامیه است. حاصل آنکه هرچه مثل باشد آن فروع هفتاد و دو مات باشد و هر چه مثل این ملتهاء که مخالف مذهب سنت و جماعت است آن باطلست و حق تعالی را بر آن راهها گذر نیارد و همه را بر صراط مستقیم که شاه راه است و آن سنت و جماعت

است دارد بحرمت النبی و آله الامجاد و الله اعلم بالصواب تمت الرسالة مسمی به معرفت المذاهب».

۹- **چگونگی:** این رساله با حجم کوچک و لیکن پر مطلب در نوع خود کم نظیر است. موضوع آن شناخت ۷۲ یا ۷۳ فرقهٔ اسلام و در حقیقت «فرقه شناسی اسلام» است. تقسیمات آن براساس «باب» و «فصل» است و ۲ باب و ۷ فصل دارد بدین شرح :

باب اول در بیان سنت و جماعت و آنچه بدان تعلق دارد. باب دویم در بیان هفتاد و دو گروه پس بدین حساب هفتاد ودو میشوند و آن شش بدین اسامی اند : رافضیه ، خارجیه ، جبریه ، قدریه ، جهمیه ، مرجیه. فصل اول در بیان دوازده گروه رافضیه مشتمل اند بدین اسامی : علویه ، ابدیه ، شیعیه، اسحاقیه ، زیدیه ، عباسیه ، امامیه ، قادسیه ، متناسخیه ، لاعنیه ، راجعیه ، متربصیه. فصل دویم دوازده گروه خارجیه بدین اسامی اند : ازرقیه ، اباحیه ، ثعلبیه ، خازنیه ، خلفیه ، کوزیه ، کنزیه ، معتزلیه ، میمونیه ، محکمیه ، اخفیه ، شمواخیه. فصل سیوم در بیان دوازده گروه جبریه مشتمل بدین اسامی اند : مضطریه ، افعالیه ، معیه ، مفروغیه ، نجاریه ، مشمنیه ، کسالیه ، سابقیه ، حبیبیه ، خوفیه ، فکریه ، جسمیه. فصل چهارم ، در بیان دوازده گروه قدریه بدین اسامی اند : احمدیه ، ثنویه ، کیسانیه ، شیطانیه ، شرمکیه ، وهمیه ، راودیه ، ناکسیه ، منویه ، قاسطیه ، نظامیه ، منزلیه. فصل پنجم در بیان دوازده گروه جهمیه بدین اسامی اند : معطلیه ، مرابصیه ، مترادفیه ، واردیه ، حرقیه ، مخلوقیه ، غیریه ، فانیه ، زنادقیه ، لفظیه ، قبریه ، واقعیه. فصل ششم در بیان دوازده گروه مرجعیه که مشتمل اند بدین اسامی : تارکیه ، مثائیه ، راجعیه ، شاکیه ، بهشیه ، عملیه ، منقوصیه ، مستثنیه ، اثریه ، بدعیه ، مشبهیه ، حشویه. فصل هفتم بدین اسامی : کرامیه، دهریه ، حنابلیه ، باطنیه ، اباحیه ، براهمیه ، اشعریه. چند یادداشت دعای و جدول اعداد در مفهوم ورد در صفحات آغاز و انجام دارد و یک جملهٔ تازه شکستهٔ انگلیسی در صفحهٔ ۲ آمده است : «این کتاب متعلق به عزیز الدین ساکن لاهور است». نام این نسخه را در فهرست های معروف نیافتم و چاپ شدهٔ آنرا هم ندیده ام.

المعلم علی حروف المعجم فی تعبیر الرؤیا

۱۵۰/۴۲۲

[روانشناسی ، خوابگزاری، عربی، منثور]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۶×۱۸×۳ س م. —بیرونی : ۱۹س ۲۰×۱۳/۵س م.

۲- اوراق : ۱۳۷ ورق. ۲۷۳ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم نخودی رنگ تیره گون سمرقندی ، آب رسیده ، کرم خورده ، وصالی شده ، جلد مقوایی خاکستری رنگ با عطف پارچهٔ بی سرخ.

۴- خط : ثلث تحریری ، روشن ، خوانا ، رسم الخط عربی ، نشان ها و عنوانها و سر فصلها شنگرف ، قرن ۸ ه ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد. اما تاریخ ملکیت «۱۰۰۷ ه ق» از روی نشان مهرها خوانده شد.

۶- مؤلف : **«ابو طاهر ابراهیم بن یحیی ابن غنام الحنبلی»** ، نام تألیف : **«المعلم علی حروف المعجم فی تعبیر الرؤیا»**، تاریخ تألیف ندارد. در صفحهٔ اول اینگونه آمده است : «کتاب المعلم علی حروف فی تعبیر الرؤیا تصنیف الشیخ الامام العالم ابو طاهر ابراهیم بن یحیی ابن غنام الحنبلی غفر الله له و للمسلمین اجمعین».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم رب یسر الحمد لله الذی جعل النوم راحة للاجساد ثم توفی انفسها عند خلول الرقاد فیمسک التی قضی علیها الموت الی یوم التناد و یرسل الاخری الی اجل مسمی فلا ینقص ذلک الاجل و لایزاد جعل الرؤیا جزواً من النبوة و وحیاً الی العباد فمنها بشارة للطایعین بما حصلوا و منها نذارة للعاصین».

۸- انجام : «حرف الواو الوراق دخل یعلم الناس الحیل لان الکتابة حیلة و لم اجد فی حرف الالف و اللام المرکب شیئاً و لافی الیاء و الله الموفق ، نجز الکتاب المبارک لله سبحانه و تعالی فی لیلة یسفر صاحبها عن رابع عشر شهر ذی قعدة سنة رسه علی ید اضعف خلق خلیل الله عفا الله عنه بمنه و کرمه ، و کتب باسم الفقیر الی الله تعالی للشیخ زید (زیاد) بن ابو حفص عمر بن العبد الفقیر الی الله تعالی للشیخ شمس الدین ابو عبدالله محمد بن ابراهیم للشهر بامام المدرسة الشیعة لرقطاک تغمد الله تعالی برحمته عفاالله

تعالی له و عن الدین و عن المسلم اجمعین ، ثم بعد ذلک». پس از جملهٔ اخیر که مقداری از آن در اثر وصالی خراب شده ، ۷ بیت شعر عربی آمده است بدین مطلع :

«قالوا عشقت و أنت اعما ظبیٌ کحیل الطرف ألما»

و مقطع :

«اهوی بجارحة السماع ولا اری ذات المسما»

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه «خوابگزاری» یا «تعبیر خواب» است. تقسیمات آن بر اساس «مقالة» و «طبقة» و «باب» قرار دارد و جمعاً «٤ مقاله» و «١٥ طبقه» و «٢٨ باب» دارد. هر حرف را یک «باب» شمرده است. در هر قسمت به گروهی از پیمبران و مشایخ و فلاسفه و شاعران و دانشمندان اشاره می‌کند و از دهان و بیان آنها به‌تعبیرات خواب می پردازد. هرباب برحسب حروف تهجی یا الفبایی ، به شرح و توضیح کلمات و جملات و اسمها و چیزها و کسان و جانوران و پرندگان می پردازد که انسان در خواب می بیند و یا به قول مؤلف «صاحب الرؤیا» دارد. در صفحهٔ اول و آخر نشان ١٦ مهر دیده می شود و ضمناً امضاءها و یادداشت های مختلف از مالکان نسخه در زمانهای معین را در بردارد. اینک مطالبی که از روی نشان مهرها خوانده شد : «عنایت خان شاه جهانی ١٠٦٣» ، «شاد باد سید علی یعنی مرید؟» ، «پادشاه عالمگیر...» ، «٢٦ بندهٔ شاه جهان اعتماد جان ١٠١٣».

و اینک بعضی از یادداشتها : «بحمد الله تعالی انتقل هذه النسخة تعبیر الرؤیا لعلامة الامام ابی طاهر عرف بابن غنام الحنبلی غفرالله تعالی له و لنا الملک الشیخ العلامة عبدالجواد بن علی بن موسی الشعرانی بالبیع الشرعی نفعه الله بها و اعانة علی مایؤتوها من الخیر و ادام النفع به امین من احمد بن عبدالحسن الشعرانی بتاریخ اوایل محرم الحرام سنة سبع و الف عفی الله عنه و عن والدیه احسن الله عافیة امین» .

زیر یادداشت مذکور ، یک یادداشت دیگر است که از «الفقیه منصور بن احمد الدهمشاوی» شهادت داده است. نسخهٔ «تعبیرالرؤیا» و چند نسخهٔ دیگر را ، مانند : «تنبیه الغافلین و کتاب الاذکار و قصص الانبیا» به بهای ٢٢٤/٥ فضه» خریداری کرده است: و نیز این یادداشت ها : «٤ جمادی الاولی سنة

۳ عرض دیده شد ، ۱٤ جمادی الاولی سنهٔ ۲۹ عرض دیده شد ، بتاریخ ششم شهر شعبان سنهٔ ۱۸ عرض دیده شد، بتاریخ ٤ محرم سنهٔ ۲۷ عرض دیده شد، تعبیر خواب نامه جمع محمد عابد خانخانان عالی ٤ ربیع الثانی ۱٤ کاغذ داغداری طل حلال قیمت ۱۵ روپیه ، ۳ جمیدی الاول سنهٔ ۱۰۶۹ عرض دیده شد ، تعبیر خواب رانوال مرحومی خانخانان قیمت ۳ روپیه» (رک : نمونه ها : المعلم علی حروف المعجم فی تعبیر الرؤیا ۱۵۰/٤۲۲).

۲۹۰
۵۸۹

مفاتیح الجنان و مصابیح الجنان

[دین ، فقه ، عربی ، منثور]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۵/۵×۱٤/۵×۳ س م. —درونی : ۱۷ س ۱۸×۹/۵ س م.

۲- اوراق : ۱۹۲ ورق. ۳۸٤ صفحه.

۳- کاغذ : نازک خاکی رنگ سیالکوتی ، اندکی آب رسیده ، جلد مقوایی ملون باعطف و گوشه و اطراف چرمی سرخگون ، شیرازه دار.

٤- خط : نستعلیق و تحریر ، روشن ، خوانا ، پخته ، عنوانها و نشانها و سرفصلها و کلمات و جملات شواهد و خط های افقی رسم شده برلای آنها به شنگرف قرن ۱۲ ه ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد ، چون در انجام ناقص است.

٦- مؤلف : یا (شارح) : «**یعقوب بن سید علی**» ، نام تألیف : «**مفاتیح الجنان و مصابیح الجنان**» ، تاریخ تألیف (شرح) معلوم نشد. در صفحهٔ ۱ و ۲ و ۳ چنین آمد است : «و بعد فیقول العبد الضعیف . . . یعقوب بن سید علی عفاعنهما . . وان . . . شرعه الاسلام لکتاب فایق و خطاب رایق . . . و التمکن عنده ناظره فیٔ بحمد الله شرحاً علی الشأن جلی العرفان جامع نقود الدرر الغرر الحسان . . . و سمیته مفاتیح الجنان و مصابیح الجنان».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، حمد المن من علی عبارة نعمه الاسلام و جعله شرعته و منهاجا و نصب الکتاب و السنه امامهم سراجاً وهاجاً و هداهم الی الایمان فدخلوا فی دین الله افواجاً و صلوة علی من فاز من اتبع هداه و اتخذ سبیله و ما ولاه :

۸- **انجام :** «و قد غفل عنه بعض العلماء فقرأوا قوله انا النبی ع م لا کذب بفتح الیاء لیفید الروی و انما الروایة باسکان الیاء کذا فی شرح المشارق و المصابیح و یجتنب القصص جمع القصة و هی الحدیث و بالفتح اسم مصدر و لیس هو بمراد منها» .

۹- **چگونگی :** موضوع این نسخه «فقه» است بر اساس عقاید اهل سنت و جماعت و در آن از اصول و فروع دین اسلام بحث می کند : اصل نسخه «شرعة الاسلام» نام داشته ، شارح به شرح آن به زبان عربی پرداخته و آنرا «مفاتیح الجنان و مصابیح الجنان» نامیده است . تقسیمات آن بر اساس همان کتاب شرعة الاسلام است بدین ترتیب که جملات متن را به رنگ شنگرف می آورد و یا بالای آنها خط افقی می کشد و نخست معانی مفردات و دوم از لحاظ صرف و نحو و علوم بلاغت و معانی و بیان و سوم به شرح آنها می پردازد . گاهی برخی از کلمات را به فارسی معنی می کند . چنانکه «مرد نیک» در مقابل «فاجر» قرار دارد. در این نسخه که قطعاً به خط شارح است ، بعضی جای ها خالی مانده که با شنگرف کتابت کند و یا تجدید نظر کند که متأسفانه وقت نکرده یا مطابق معمول در گذشته است! این نسخه در تملک شخصی به نام ملا عبد الله بوده است .

۲۹۰
۵۸٤

مفاتیح الغیب

معروف به تفسیر کبیر یا تفسیر رازی

[دین ، تفسیر قرآن ، عربی ، منثور]

۱- **اندازه :** —بیرونی : ۵/۳۶×۲۵×۵/٤ سم . —درونی : ٤۱ س ۲۱×۵/۱۶ سم.

۲- **اوراق :** ۳٦٤ ورق . ۷۲۸ صفحه .

۳- **کاغذ :** نازک سفید رنگ سمرقندی ، (کاغذ متن خان بالغ که به طرزی خاص با کاغذ سمرقندی در حاشیه پیوند شده است) ، آب رسیده ، وصالی شده ، سائیده شده ، جلد مقوایی و چرمی سرخگون با عطف پارچه یی و تیماجی پوشیده .

٤- خط : ثلث عربی ، خوانا و سخت خوانا ، پخته ، روشن ، عنوانها و سر فصلها و نشانها و جملات قرآنی شنگرف معرب (مشکول) ، جدولهای ٦ خطی کنارهٔ صفحات شنگرف و لاجوردی و سیاه و زرین . قرن ۸ ﻫ ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد ، چون در انجام ناقص است .

٦- مؤلف : در این نسخه نام «مؤلف» و «تألیف» و تاریخ آن نیامده است ، اما چنان معلوم می شود که **«مفاتیح الغیب»** یا **«التفسیر کبیر»** تألیف **«امام ابو عبدالله فخر الدین محمد بن الحسین بن الحسن علی التمیمی البکری الملقب بفخر الرازی المتوفی سنهٔ ٦۰٦ ﻫ ق»** است ، تاریخ تألیف معلوم نشد . (رک : فهرست کتب عربی کتابخانهٔ ریاست رامپور ، ج ۱ ، ص ٤۱—٤۳) .

۷- آغاز : ناقص است و از تفسیر آیهٔ ۱۵ سورة الاعراف (تقریباً از نصف جز و ششم) آغاز می شود : «و لیس قوالایه کل من یتبعه فانه یدخل جهنم فسقط هذا الاستدلال و تقول هذه الآیه تدل علی ان جمیع اصحاب البدع و الضلالات یدخلون جهنم لان کلهم متابعون لابلیس و الله اعلم قوله تعالی و یا آدم اسکن انت و زوجک الجنه» .

۸- انجام : ناقص است و تا تفسیر آیهٔ ۵ سورة النمل (تقریباً او اخر جز و بیستم) این گونه انجام می یابد : «و هذا بعینه هو الجواب عن التأویل الثالث الذی ذکروه والله اعلم اما قوله تعالی فهم یعمهون فالعمه التخر التردد کمایکون جال الضال عن الطریق اما قوله اولئک لهم سوء العذاب ففیهوجهان الاول انه القتل و الاسر» .

۹- چگونگی : این نسخه ظاهراً «مفاتیح الغیب» معروف به «تفسیر کبیر» یا «تفسیر رازی» نام دارد . از جمله تفاسیر مهم و عظیم به زبان عربی در عالم اسلام است . این نسخه شامل ١٤ جزو و نصف جزو است . تقریباً نصف قرآن کریم است ، از نصف جزو ششم و اواخر جزو بیستم . تنسیات آن بر اساس آیات قرآن کریم است که آن ها باشنگرف کتابت شده و سپس به تفسیر پرداخته شده است . ضمن تفسیر تحت عناوین مختلف مانند «المسئله الاولی ، المسئله الثانیه . . . » مطالب دقیق علوم قرآنی را باز می گوید . کاغذ متن که کهنه و فرسوده بوده این نسخه را با کاغذی دیگر به طرزی ویژه که بر همه کس معلوم نمی شود پیوند داده اند ، و یادداشتهای دینی که در

متن فراموش شده بود ، بسیار ماهرانه با کاغذ جدید حاشیه پیوند کرده اند . این نسخه علاوه بر متن قرآن و تفسیر ، ارزش ویژه از لحاظ کاغذ و خط و کتابت دارد .

۸۹۰ و ۲۹۰ / ۲۴۹

مفتاح فتوح الغیب و رسالهٔ تصوف

[دین و ادب ، عرفان و تصوف ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۷/۵ × ۱۵/۵ × ۷ س م. —درونی : ۱۱ س ۲۰ × ۱۰ س م.

۲- اوراق : ۶۵۳ ورق. ۱۳۰۶ صفحه.

۳- کاغذ : نازک خاکی رنگ سیالکوتی ، جلد چرمی نقش دار ضربی سبز رنگ ، روی جلد نام صحاف اینگونه نقش شده است : «ساخت از لطف حضرت باری این مجلد حلیم جویباری».

٤- خط : نستعلیق تحریری ، سخت خوانا ، رسم الخط اردو ، عنوانها و نشانها و خطوط رسم شده بر بالای کلمات و جملات شواهد سرخ گون ، بعضی از جملات و کلمات معرب (مشکول) ، جدول یک خطی بیرونی صفحات سرخ و جدولهای سه خطی درونی صفحات لاجوردی و سرخ ، قرن ۱۳ ه ق.

۵- کاتب : «ملا محمد سرور» ، تاریخ کتابت : «۱۲۷۵ ه ق» . در صفحهٔ ۱۰۵۹ و ۱۳۰۶ چنین آمده است : «کاتبه اول من تراب الاقدام کمینه ملا محمد سرور مخدوم نبیرهٔ ارشاد پناه خلیفه نثار قلی علیه الرحمه والغفران ۱۲۷۵ ،

الهی تو آن کن که پایان کار   تو خوشنود باشی و مارسته گار
الهی الهی دریــن روزگار   کرم ساز بنیکی نامم برآر ».

٦- مؤلف : نام مؤلف : « محی الدین عبد القادر الحسینی الجیلانی » ، نام تألیف : «فتوح الغیب» ، گرد آورندهٔ آن: «شرف الدین ابو محمد دیکنی مالی عبدالرحمن بخشی» فرزند مؤلف یعنی شیخ عبدالقادر جیلانی ، «شارح» یا «مترجم» این نسخه معلوم نشد ، نام شرح یا ترجمه: «مفتاح فتوح الغیب» ، تاریخ شرح یا ترجمه : «۱۰۲۲ ه ق = مفتاح فتوح». در صفحهٔ ۱۰۵۹ چنین آمده است :

«این شرح مفتاح فتوح الغیب است
از غیب است او از آن بری از عیب است

مفتاح فتوح = ۱۰۲۳ نام تاریخ افتاد
در خاطر آنکه مظهر لا ریب است »
(رک : ۷-آغاز) .

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، هذا کتاب فتوح الغیب لسیدنا و مولانا العلامة الاوحد الشیخ الامام العارف الکامل امام ائمة الطریق و شیخ شیوخ الاسلام علی التحقیق زینة الوجود و مرآت الشهود الباز الاشهب والطراز المذهب قطب الاقطاب و فرد الاحباب القطب الاکمل الاشرف والغوث الاعظم الارفع غوث الثقلین امام الفریقین العالم الربانی القطب الفردانی والغوث الصمدانی محی الدین ابی محمد عبدالقادر الحسینی الجیلانی قدس الله سره».

۸- انجام : « آنچه درین کتاب مودع است همه بیان کتاب و سنت است و واضع و بانی آن شارع است و احتیاج باصطلاح جدید ندارد والله المستعان و علیه التکلان :

صد شکر که این نامه باسرار نظام از فضل خدا عز و جل گشت تمام
شایستگی قبول حق روزی باد والله الموفق و منه الاتمام
این شرح مفتاح فتوح الغیب است از غیب است او از آن بری از عیب است
مفتاح فتوح نام تاریخ افتاد در خاطر آنکه مظهر لاریب است

و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله و اصحابه اجمعین یا ارحم الرحمین آمین و رب العالمین بطریق الاستعجال تحریر یافت ۱۲۷۵».

۹- چگونگی: موضوع این نسخه توحید ربانی و بیان وظایف دینی و عرفانی بر اساس عقیدهٔ اهل سنت و جماعت است و شرح فارسی « فتوح الغیب » تألیف شیخ عبدالقادر جیلانی رحمة الله علیه است که به زبان عربی تألیف شده است و نام این شرح فارسی «مفتاح فتوح الغیب» است. نام شارح معلوم نشد. نثر فارسی آن آمیخته‌ای از اشعار عرفانی و ابیات دلاویز روحانی است و به سبک هندی می رود. شارح متن «فتوح الغیب» را به جملات کوتاه تقسیم و هر یک را جداگانه شرح و تفسیر می کند و مطالب گونا گون و تمثیلات فراوان می آورد. جملات عربی معرب (مشکول) است. تقسیمات متن عربی فتوح الغیب بر اساس «مقاله» قرار دارد و جمعاً ۶۵ مقاله است. و این شرح یک «مقدمه» و یک «خاتمه» اضافه دارد. نسخهٔ فتوح الغیب مورد احترام و بزرگداشت بسیار است و بدانجهت تاکنون شرح ها و ترجمه های فراوان

شده است. و لیکن این شرح در نوع خود کم نظیر است.

از صفحهٔ ۱۰۶۲ تا ۱۳۰۶ رسالهٔ پیوسته به این نسخه است که به خط و کتابت همین کاتب است: «ملا محمد سرور» به تاریخ کتابت «۱۲۷۵ ه ق». مؤلف و نام و تاریخ تألیف آن ناشناخته است و لیکن از نام های «شیخ عبدالجلیل» و «سیر مقامات» و «مبین» در آغاز نسخه و مطالعهٔ آن می رساند رساله‌یی است در عرفان و تصوف و سیر و سلوک و بیان اذکار و مراقبه و مشاهده و مقامات و شرایط آن، آمیخته‌یی است از نثر و نظم عرفانی و سخنان روحانی. و تقسیمات آن بر پایهٔ «شرط» و «بعده» و «روش» و «باب» و «مراقبه» و «نوع» و مطالب دیگر قرار دارد. این نسخه روش مراقبه کردن و به چله نشستن و ریاضت کشیدن و جمال یار دیدن و فنا فی الله شدن و در حضور پیر خدمت کردن و آداب و رسوم صوفی بودن را شرح می دهد و در حقیقت «**کتاب خود آموز صوفی شدن و عارف گشتن**» است و شاید نام آنرا «شرح رسالهٔ سیر مقامات» نامید و اینگونه آغاز می شود: «بسم الله الرحمن الرحیم، شیخ عبدالجلیل قدس الله روحه العزیز که از مشایخ خواجه گان چشت‌اند قدس الله ارواحهم و در رسالهٔ سیر مقامات میگوید که طالبان خدای تبارک و تعالی او را بخود بخوانید جویندهٔ خدای بخودی هرگز بخدای نرسد حاکیاً عن الله تعالی دع نفسک و تعالی یعنی بگذار نفس خود را و بیا بس طلب حق را که فرض است باثبات خدای هستی خود را بگذار». و چنین انجام می یابد:

«نفی و اثبات آن است که در حین نفی یکی ازین الفاظ کلی لا معبود لا مقصود لا مطلوب لا محبوب لا موجود ملاحظه دارد و در اثبات صفحات مذکورات را بذات حق ثابت سازد همچنین نود و نه ملاحظه و یا هزار و یک نیز ملاحظه نماید خواه با جمال از رحمن تا صبور و خواه بتفصیل مشترک و جلال و جمال اما ارادهٔ اسم ذات آن است که اسم ذات را بزبان گوید و یکی از اسماء حسنی یا بهزار و یک نام متصف سازد خواه اجمال خواه بر سبیل تفصیل و مفهوم اسما را ملاحظه نماید تمت الکتاب بعون الملک الوهاب سنهٔ ۱۲۷۵». نسخهٔ این رساله را در هیچ کجا ندیده‌ام و شاید نسخه‌یی منحصر بفرد باشد که هنوز چاپ نشده است.

۵۴۰
۴۳۲

مفتاح گلستان

[مراجع ، لغت ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه : –بیرونی : ۲۱/۵×۱۵ سم. –درونی : ۱۷×۱۱ س ۱۱ سم.

۲- اوراق : ۴۰ ورق. ۸۰ صفحه.

۳- کاغذ : نازک سفید قهوه‌یی رنگ لاهوری ، آب دیده ، کرم خورده ، بدون جلد.

۴- خط : نستعلیق آمیخته با شکسته ، خوانا ، روشن ، عنوانها و نشانها و سرفصلها شنگرف ، قرن ۱۳ ه‍ ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد. شاید به خط مؤلف باشد.

۶- مؤلف : **«اویش اعلا»** معروف به **«ادم»** مرید **«خواجه ابوالفیض امین الدین شاه من الله محمد حسینی»** ، نام تألیف : **«مفتاح گلستان»** ، تاریخ تألیف معلوم نشد. در صفحهٔ ۱ و ۲ و ۴ چنین آمده است : «می گوید مؤلف این کتاب و مبین این لغات راجی شفاعت و عون عنایت درگاه خواجهٔ عالم اویش اعلا عرف آدم . . . بندگی خواجه ابوالفیض امین الدین شاه من الله محمد حسینی . . . در انجمن با یاران گزیده و رفیقان پسندیده بودم و کتاب گلستان حضرت بابای عاشقان و آباء عارفان شیخ مشایخ مصلح الدین سعدی شیرازی . . . مطالعه مینمودم . . . عروس فکر خود را بزیور مختصر . . . منجلی . . . گردانیدم . . . و مفتاح گلستان نام نهادم».

۷- آغاز : یک ورق یا بیشتر افتادگی دارد :

«. . . . . . از پایین او دور مبادا تاج را بی فرق او نور جمالش باد دایم عالم افروز شبش را [باد دایم] روز نوروز مقیم جاودانی باد جانش حریم زندگانی آستانش غمین بادا که او شادت نخواهد خراب آنکس که آبادت نخواهد»

۸- انجام : «التماس از علماء عصر و فضلاء دهر و فصحای بحر رقم آنکه اگر قلم بسهو رفته و رقم بلهو پذیرفته باشد از راه کرم بذیل وفا بپوشند بلکه از قلم سخا رقم عطا صفا لگارند الحمد لله علی . . . و شکر و ثناء علی الغاه . . . و الصلوة

علی رسوله محمد و آله و اصحابه و احبابه علیهم اجمعین وسلم تسلیماً کثیراً کثیراً تمت تمام شده.

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه «لغت» یا «شرح لغات و اصطلاحات و جملات و اشعار عربی گلستان سعدی» است بر حسب حروف الفبائی ترتیب یافته و بر دو قسم است: قسم اول لغات و معانی آنها ، و قسم دوم : تفسیر و معانی آیات قرآنی و احادیث نبوی و جملات عربی و اشعار تازی چنانکه حرف آخر را «باب» قرار داده ، مثلاً : «لاغر» در «باب الراء» یافته می شود. و «تلمیذ» در «باب الذال» آمده است. اما در ترتیب حروف تهجی اندکی در هم آمیختگی دارد و از میانهٔ نسخه هم چند صفحه افتاده است. باوجود این نسخه‌یی است خوب در شرح گلستان و نثر فارسی سر زمین پاک.

۷۱ / ۵۸۶

مقامات مجموعهٔ دلگشا و مسرت افزا

[موسیقی ، فارسی ، منظوم]

۱- **اندازه :** —بیرونی : ۲۳/۵×۱۲/۵×۱/۵س م. —درونی : ۱۰ تا ۲۰ بیت (ابیات به طور مورب کتابت شده) ۱۶×۷ و ۱۸×۹س م.

۲- **اوراق :** ۹۸ ورق. ۱۹۶ صفحه.

۳- **کاغذ :** نازک و خاکی رنگ سیالکوتی ، اندکی آب رسیده ، وصالی شده ، جلد چرمی سیاه رنگ با عطف و گوشهٔ تیماجی سرخ رنگ.

٤- **خط :** نستعلیق آمیخته با شکسته و تحریر ، رسم الخط اردو و فارسی ، سخت خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سرفصلها و نشانها شنگرف ، جدولهای ۲ خطی درمیان مصراع ها شنگرف و در کنارهٔ متن ابیات ۳ خطی سیاه و شنگرف. قرن ۱۲ ه ق.

۵- **کاتب :** نام «کاتب» و تاریخ کتابت» ندارد.

۶- **مؤلف :** یا (شاعر) و تاریخ تالیف معلوم نشد. نام تألیف را در صفحهٔ ۳ : «**مجموعهٔ دلگشا و مسرت افزا**» نوشته اند : «فهرست این مقامات مجموعهٔ دلگشا و مسرت افزا این است».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، رب یسر و تمم بالخیر ، مقام اصفهان چارگاه شعبهٔ زنگوله وقت سرود اول ساعت روز :

بحمدالله که صحت داد ایزد دلفکارانرا   بعزت برگرفت ازخاکره افتاده‌خوارانرا

———

در هر دشتی که لاله زاری بوداست   آن لاله از خون شهریاری بوداست

———

جانم در تنا تلی تنا نادر در در نادر تن تنه تانی
تنه نادر تان تن تمه تن تن ناتن نی افتاده خواریرا»

۸- انجام : افتادگی دارد و اینگونه پایان می یابد :

شکنج و پیچش و جعد ترش بین   خمار آلوده چشم کافرش بین
دلم را سوختی و باورت نیست   دروئم پاره کن خاکسترش بین

———

الهی شوخی برق تجلی ده زبانم را
قبول خاطر موسی نگاهان کن بیانم را
به کویش می روم چون برق در آغوش بی تابی
در آن ساعت که از کف می برد شوقش عنانم را»

۹- چگونگی: این نسخه مجموعه یی از اشعار برگزیده از شاعران مختلف ست که به منظور اجرا در مقامات و آهنگ ها و لحن های گوناگون موسیقی گرد آوری شده است. فهرست مقامات در صفحهٔ ۳ در یک جدول آمده است که شامل ۵۰ مقام است. اول «مقام چارگاه» و آخر «مقام پرچ» هر مقام خود تقسیماتی دیگر دارد که به نام های «یکه ،دو یکه ، حجز ، دور ، نیمدور ، تاله ، دوتاله ، سه تاله ، روانی ، رویه ، دو رویه» عنوان شده است. در هر مقام شرح می‌دهد که برداشت آن از «طوطی» یا «بلبل» و یا دیگر پرندگان برآمده است و ساعات اجرای مقامات را در شب و روز یاد آور می گردد. از موسیقی پارسی و هندی و کشمیری گفت و گو می کند. علاوه بر اینکه اشعار مختلف در اوزان متنوع دارد ، این نسخه حامل بسیاری از اصطلاحات فارسی و هندی علم موسیقی است. در آغاز و انجام و کنارهٔ صفحات اشعاری و یادداشتهای موسیقی افزوده اند. نشان چند مهر دارد که همه از یک تن است : «محمد یعقوب عبدالله . . .».

۲۹۰
۵۷۱

مقدمة الانوار

[دین ، فقه و فرایض ، پنجابی ، منظوم]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۹×۱۸س م. —درونی : ۱٦ س ۲۱×۵/۱۰س م.

۲- اوراق : ۲۰ ورق. ٤۰ صفحه.

۳- کاغذ : نازک خاکی رنگ جهانگیری ، آب رسیده ، بدون جلد ، اوراق شده.

٤- خط : ثلث جلی ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سر فصلها و جدولهای یک خطی فواصل عنوان ها و دو خطی کنارهٔ متن شنگرف. قرن ۱۳ھ ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

٦- مؤلف : یا (شاعر) :«درویش محمد» ، نام تألیف : «مقدمهٔ الانوار» ، تاریخ تألیف ظاهراً : «۱۳۲۵ھ ق» ، در صفحهٔ ۷ و ۳۹ چنین آمده است :

علاول عاصی نام مصنف فی ق وچ اسلام
درویش محمد باپ تس جنت اوس مقام
نام مسائل ایسدا دھریا مقدمهٔ الانوار
پھرن والی ایس دی مؤمنون مقصد تینه هزار
محمد شاهی سکی اندر تیران پچھین یار چار
علاول خادم شرع دی کیتی ایه تیار» .

۷- آغاز : «رب یسر ولا تعسر و تمم بالخیر ، بسم الله الرحمن الرحیم ،

اول حمد ربی نون آکھان جیندا ناؤ غفار
وت درود رسول (ص) نون وت اصحاب کبار
بھرا کھان تینڈی آل نون جو ھی حسن حسین
وت درود سبنا تائین جو حضرت دی تابعین »

۸- انجام : «جتنی بهائی مؤمن ایھسن حیتی پیر استاد
مؤمن تارئین جملیان بخشی ایمان یا اعتقاد
محمد شاهی سکی اندر تیران پچھین یار چار
علاول خادم شرع دی کیتی ایه تیار

کلمه آکهو مؤمنون دل تمتین هو کر چالاک
کری شفاعت تسان نون جی صاحب لولاک

تمت تمام شد این کتاب مقدمه" الانوار لا اله الا الله محمد رسول الله».

۹- **چگونگی** : این نسخه در موضوع مسائل دینی اسلام از قبیل دعا و فرایض و نماز و روزه و نکاح و طلاق است بر اساس مذاهب اربعه (حنفی و حنبلی و شافعی و مالکی) که به زبان پنجابی منظوم سروده است و تقریباً ۶۰۰ بیت دارد. تقسیمات آن بر اساس فصل است و در حدود ۶۰ فصل دارد ، مصنف ، زبان کتاب را «هندوی» نوشته :

ایه تم مسائل فقه دی هندوی کهی زبان
علاول خادم شرع دی کیتا ایه بیان
تری سی پندارن بیت تی پنجوبه فصل پچهان
وچ مسائل ایس دی کیتی رب آسان

بعضی یادداشت های دینی به زبان پنجابی و به خط ناپخته در کنارهٔ صفحات دارد.

۸۹۰
۳۸۹

مکاشفات رضوی

[ادب ، عرفان و تصوف و اخلاق، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- **اندازه** : —بیرونی : ۲۲/۵×۱۳/۵×۳ س م. —درونی : ۱۷ س ۱۷×۸/۵س م.

۲- **اوراق** : ۳٤۰ ورق. ۶۷۸ صفحه.

۳- **کاغذ** : سفید تیره رنگ براق سمرقندی (متن نسخه حنایی رنگ و کنارهٔ صفحات سفید تیره رنگ) ، اندکی وصالی شده ، جلد مقوایی ملون با عطف پارچه‌یی کبود رنگ.

٤- **خط** : نستعلیق خوش ، روشن ، خوانا ، پخته ، عنوانها و نشانها و سر فصلها و خطوط رسم شده بر بالای کلمات و الفاظ و اشعار شنگرف ، ٤ سر لوح کتیبه یی و گل و بوته‌دار زرین و لاجوردی ، جدولهای ۷ خطی لاجوردی و سرخ و سیاه و زرین ، قرن ۱۲ هـ ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» نیامده ، اما «تاریخ کتابت» در صفحهٔ ۶۷۹ «۱۲۱۷ هـ ق» آمده است : «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب شرح دفتر . . . (محو و سیاه شده) حضرت مولوی معنوی بتاریخ بیست و ششم شهر رجب المرجب سنهٔ ۱۲۱۷ هجری مقدس جلوس محمود شاهی در خطهٔ کشمیر جنت نظیر تحریر یافت تم (۳ بار) :

الهی بیامرز این هرسه را مصنف نویسنده خواننده را»

۶- مؤلف : یا (شارح) : و نام و تاریخ تألیف (شرح) ناشناخته ، چون از آغاز شرح دفتر اول اوراق افتاده و از آخر نیز دفتر ششم مفقود است. اما احتمال می رود و با مقایسه‌یی که به عمل آمد ، این نسخه شرح مثنوی **«مکاشفات رضوی»** نام دارد .

۷- آغاز : این نسخه از آغاز آشفته و درهم است و صحاف شرح دفتر پنجم را در آغاز قرار داده و شرح دفتر اول را که ناقص هم هست پس از دفتر پنجم آورده است و در شماره گذاری صفحات ، آغاز نسخه صفحهٔ ۸۱ می شود و اینگونه آغاز می گردد :

شرح دفتر اول (ص ۸۱) : «عنه ان رسول الله صلی الله علیه وسلم قال طوبی لمن رآنی و طوبی سبع مرات لمن رای من ارانی و المن بی مرویست از ابن امامه رضی الله عنه که بدرستی که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود خوشحالی مر کسی راست و بصحبت من رسیده و خوشحالیست هفت مرتبه مر کسی را که دید مرا» .

۸- انجام : **ایضاً (ص ۲۰۵)** : «لنج بضم اول و سکون دوم درون رخساره و بمعنی لب و رخسار نیز آمده و چنانچه مولانا در دیوان خود فرموده که :

آن لب که بود لنج خری بوسه گه او کی یابد آن لب شکر بوس مسیحا

چون که صورت شد کنون خشک است و کبز ، کبز بفتح کاف فارسی سطبر و قوی. بعد از آن کامیخت معنی باثری ، ثری بفتحتین و الف مقصوره خاک نمناک. سخت خاک آلوده می آید سخن ، آب تیره شد سرچه بندکن. یعنی صورت بر معنی غالب آید ، پس راه سخن مسدود کن و الله اعلم بالصواب تم السفرالاول».

—آغاز : شرح دفتر دوم (ص ۲۰۸) : «بسم الله الرحمن الرحیم ، رب یسر و تمم بالخیر ، قوله :

مدتی این مثنوی تأخیر شد مهلتی بایست تا خون شیر شد

وجه تأخیر بحسب حقیقه آنچه مولانا در ابیات آینده تصریح فرموده که بیت چون ضیاء الحق حسام الدین عنان تا آنجاکه بیت ، چون ز دریا سوی ساحل باز گشت ، الخ اما موجب تأخیر از روی ظاهر آنچه شیخ مرحوم از نفحات الانس نقل بنموده».

—انجام : ایضاً (ص ۳۹۲) : «حیران شده آن حاجیان درکرامات آن زاهد ، این داستان مربوط است با بیت بالا که : آنکه بیند او مسبب را عیان ، الخ م ، در عبادت غرق چون عبادیه. عبادیه بضم عین مهمله و تشدید بای موحده عبادت کنندگان م ، از سموم بادیه بودش علاج ، سموم بالفتح باد گرم م فی السما. رزقکم کرده عیان یعنی نزدیک دیگران معنی این آیهٔ کریمه آنکه اسباب رزق شما چنانچه باران وغیر آن در آسمان است مراعین رزق در آسمان عیان است تمام شد شرح دفتر دوم تم (۳ بار)» .

—آغاز : شرح دفتر سیوم ، (ص ۳۹٦) : «بسم الله الرحمن الرحیم :

ای ضیاء الحق حسام الدین بیار این سیم دفتر که سنت شد سه بار

لفظ بیار مربوطست بمصراع ثانی یعنی بیار این سیوم دفتر و همت بکار بر اتمام و انجام او و بعضی شراح نوشته که سنت مراعات عدد طاقست که ان الله وتریحب الوتر پس تثلیث دفتر موجب توتیر که مسنونست و بعضی شارحان نوشته که سنت تثلیث تثلیث غسل در اعضای وضو ، م ، قوتت از قوت حق میزهد ، میزهد یعنی میجوشد ، م».

—انجام : ایضاً (ص ٥٦٤) : «و شاید آنکه دوستدارید چیزیرا از روی کسالت طبع که آن تخلف است از جهاد و حال آنکه آن بدی باشد مرشما را اندرین دنیا بتحمل ظلم و غلبهٔ اعدا و هم در آن سرا بحرمان از ثواب غزو بعد از درجهٔ شهدا و خدا می داند مصلحت شما و شما نمی دانید آن را ، م ، گر تو خواهی باق این گفت و گو ، یعنی حکایت آن عاشق مهجور ، م ، ای اخی در دفتر چهارم بجو ، که اتمام این حکایت آنجاست».

—آغاز : شرح دفتر چهارم ، (ص ۵۶۶) : «همت عالی توای مرتجی بالضم امید داشته ، شده م ، چون چنین خواهی خدا خواهد چنین، میدهد یزدان مراد متقین ، روزی حضرت مولانا در معنی این بیت میفرمودند که حق تعالی خواست بندگان خاص خود را بی اسهال و اهمال قبل الممات و بعد الممات بوی میدهد چنانچه در شهری آتش افتاده بود اصلاً کشته نمیشد قطبی از آن حال تفحص کرد دید که درویشی را آرزوی کباب شده بود آتش نمی یافت چون ازآنجا فارغ شد پف کرد و آتش فرومرو».

— انجام : ایضاً ، (ص ۶۷۸-۶۷۹) : «پس آن وقت که آمد بر ایشان آنکسکه شناخته بودند کافر شدند بدو چه ایشان را گمان بود که آن پیغمبر از بنی اسرائیل خواهد بود چون از بنی اسمعیل بود کافر شدند ، پس لعنت خدا بر ناگروندگان که بدانش خود کار نکردند و عناد ورزیدند تمت الکتاب بعون الملک الوهاب شرح دفتر . . . (محو و سیاه کرده شده) . . . حضرت مولوی معنوی بتاریخ بیست و ششم شهر رجب المرجب سنهٔ ۱۲۱۷ هجری مقدس جلوس محمود شاهی در خطهٔ کشمیر جنت نظیر تحریر یافت ، تم (سه بار) .

الهی بیامرزاین هرسه را مصنف نویسنده خوانده را»

—آغاز : شرح دفتر پنجم ، (ص ۲) :

«شه حسام الدین که نور انجم است طالب آغاز سفر . . . است سفر بالکسر کتاب و نامه ، م ، گر نبودی خلق محجوب و کثیف ، کثیف بفتح کاف وکسرثاء مثلثه ضد لطیف ، م ، در مدیحت داد معنی داد می ، مدیح بالفتح مرادف مدح ، م ، لیک لقمه باز آن صعوه نیست ، صعوه بالفتح نام مرغی که بفارسی سریچه گویند ، م».

—انجام : ایضاً ، (ص ۸۰) : شرح دفتر پنجم از انجام ناقص است و چنین پایان می یابد : «باز جواب گفتن کافر جبری سنی را ، که از آن حیران شد آن منطیق مرد ، منطیق بالکسر نیک سخنگوی ، م ، اندکی گفتیم زان بحث ای عتل ، عتل بضمتین سخت دل و غلیظ طبع و سخت خصومت ، م ، همچنین بحث تا حشر و نشر ، حشر بالفتح جمع کردن و برانگیختن و بفتحتین گرد کرده ، نشر بفتحتین پراکنده و پراکنده ها مفرد و جمع است و بمعنی پراکنده شدن نیز آمده و نشر بالفتح پراکنده و پراکنده کردن ، م بس رمیدندی از آن راه

ثبات ، ثبات بالفتح زبانکاره. شرح دفتر ششم مفقود است.

۹- **چگونگی :** موضوع این نسخه «شرح مثنوی» است و اگرچه به علت افتادگی ها یی که دارد نامش معلوم نشد ، اما باید «**مکاشفات رضوی**» باشد ، زیرا با جست و جو ها و مقایسه هایی که نمودم این مطلب تأیید شد. تقسیمات این نسخه براساس دفتر های شش گانهٔ مثنوی است به استثنای دفتر ششم که مفقود است. شارح همه عنوانها و سرفصلها را آورده و سپس ابیات خاصه ابیات مشکل را نوشته و به شرح عرفانی و تفسیر دینی و توضیح لغوی و دستوری آنها پرداخته است. هر بیتی را که آغاز می کند ، حرف «م» در آغاز آن است که حرف اول «مثنوی» می باشد. شارح بر کلیهٔ علوم اسلامی زمان خود مسلط بوده است. و سخت ترین ابیات مثنوی را بسیار خوب شرح کرده است. نثر فارسی آن روان و جزیل و منسجم است. نکات لغوی و اشارات دستوری و صنعتی آن ارزنده است. رسم الخط آن فارسی و املای آن درست و انشای آن صحیح است. مطابق معمول در بعضی جای ها حروف «پ» و «چ» و «گ» ، مانند «ب» ، «ج» و «ک» کتابت شده است. و تا آنجا که توانسته است کلمات را متصل آورده است ، مثلاً : «اینمعنیست ، ممتنعاتست» ، و لیکن برخی کلمات که امروز متصل (سرهم) می نویسند ، در این نسخه منفصل (جدا) است ، مانند : «جست و جو ، گفت و گو». حرف اضافهٔ «ب» بر فعل و اسم و لفظ «می» برفعل چسبیده است. هنگام شرح از آیات قرآن و احادیث نبوی بهره مند گشته است. باوجود اینکه بیش از پنج دفتر نیست و آن هم آشفته و درهم است و جا بجا شده است ، روی هم رفته نسخه یی است ارزنده و خوش خط و بدون سهوالقلم کاتب. مکاشفات رضوی چاپ شده است و نسخ خطی آن نیز فراوان است.

۲۹۰ / ۵۲۶

ملجأ القضاة عند تعارض البینات

[دین ، فقه ، عربی ، منثور]

۱- **اندازه :** —بیرونی : ۱۸×۱۱/۵ س م . —درونی : ۱۵ س ۵/۱۲×۶/۵ س م .

۲- **اوراق :** ۷۷ ورق . ۱۵۳ صفحه .

۳- **کاغذ :** نازک سفید رنگ هراتی ، جلد مقوایی آبی رنگ با عطف پارچه یی سفیدگون .

٤- **خط** : ثلث ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشان‌ها و سرفصلها و خط های رسم شده بر بالای الفاظ کلمات شنگرف .

۵- **کاتب** : نام «کاتب» ندارد. تاریخ کتابت : «**۱۳۲۳ھ ق**» : «تمت الرسالة نهار الجمعة الثامن من شهر رجب المرجب السنة فی الثلث و العشرین و ثلثمائة بعد الالف فقط فقط» .

٦- **مؤلف** : «**ابو محمد غانم بن محمد البغدادی**» ، نام تألیف : «**ملجأ القضاة عند تعارض البینات**» ، تاریخ تألیف معلوم نشد . در صفحهٔ ۲ و ۳ چنین آمده است : «و بعد فیقول الفقیر الی الله الغنی ابو محمد غانم بن محمد البغدادی فهذه رسالة فی تعارض البینات کنت جمعتها لبعض اخوانی من القضاة . . . و قد سمیته ملجأ القضاة عند تعارض البینات» .

۷- **آغاز** : بسم الله الرحمن الرحیم ، سبحان من لا حجة اقوی من کلامه ، و من لا معارض له فی احکامه ، و الصلوة والسلام علی من اید بالآیات العظام و علی آله و اصحابه الخیرة الکرام و بعد فیقول الفقیر الی الله الغنی ابو محمد غانم بن محمد البغدادی فهذه رسالة فی تعارض البینات» .

۸- **انجام** : «و قال بعضهم لا بد للاجتهاد من حفظ المبسوط و معرفة الناسخ و المنسوخ و المحکم و المأول و العلم بعادات الناس و عرفهم وانکانت المسئلة فی غیر ظاهر الروایة انکانت توافق اصحابنا یعمل بهاوان لم یجد لها روایة عن اصحابنا و اتفق فیها المتأخرون علی شیٔ یعمل به وان اخلفوا فی مجتهد یفعنی بماهو صواب عنده و الحمد لله علی التمام و علی رسوله افضل الصلوة و السلام و اصحابه البررة الکرام برحمتک یا ارحم الراحمین» .

۹- **چگونگی**: این نسخه در موضوع «فقه» و «مسایل قضا در اسلام» نوشته شده است . و رنگ انتقاد گونهیی از بعضی مشکلات فقهی و قضایی است که دیگر فقها متعرض آنها نشده اند . تقسیمات آن بر اساس موضوعات عمومی فقه اسلام است ، مثلا «کتاب النکاح ، کتاب الطلاق ، باب النفقه ، کتاب الرضاع» و جمعاً بر ۳۰ قسمت است . کتاب النکاح در آغاز وکتاب الوکالة در انجام است . روی جلد در آغاز فهرست و در چند جای دیگر به قلم تازه نوشته شده است : «**کتاب ترجیع البینات**» .

۹۵۰
۳۷۳

ممتاز محل

[تاریخ و ادب ، فارسی و اردو ، منظوم و منثور]

۱- **اندازه :** —بیرونی ۲۳×۱۴/۵×۸/۰ س م . —درونی : ۷ س ۱۶×۹/۵ س م .

۲- **اوراق :** ۴۶ ورق . ۹۲ صفحه .

۳- **کاغذ :** ضخیم خاکی رنگ هندی ، جلد مقوایی ملون با عطف و گوشهٔ سیاه رنگ .

۴- **خط :** نستعلیق جلی ، رسم الخط اردو ، روشن ، خوانا ، پخته ، صفحهٔ دوم و سوم و عنوانها و نشانها و سرفصلها شنگرف ، یک نقش زیبا از تاج محل در صفحهٔ دوم .

۵- **کاتب :** نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

۶- **مؤلف :** نام «مؤلف» و «نام و تاریخ تألیف» صریح و واضح معلوم نشد .

۷- **آغاز :** «بسم الله الرحمن الرحیم ، خلاصهٔ احوال بانو بیگم مخاطب ممتاز محل عرف تاج بی‌بی اهلیهٔ شاه جهان بادشاه غازی و بنت نواب آصف خان وزیر و پسر زادی نواب اعتماد الدوله بودند و احوال سکندره و قلعهٔ اکبر آباد و دیگر موتی مسجد که در قلعهٔ آگره است و فتحپور سیکری و نام کاریگران و حال پیدایش بیگمصاحب در سنهٔ ۱۰۰۰ و شادی شده بود در سنهٔ ۱۰۲۱ و وفات شده بود در سنهٔ ۱۰۴۰ هجری» .

۸- **انجام :** «فرش و قالین و پرده های و شامیانه های زرین و جهار روشنی و زنجیر های طلائی و فانوس های وغیره سب اسباب راجهٔ موصوف لیگئی بابت مزدوری کاریگران روضه و ملازمان روضهٔ منوره و کرایه های هر یک قسم سنگ که از هر یک ملک آمده بود تمت تمام شد» .

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه شرح احوال «ممتاز محل» (۱۰۰۰—۱۰۴۰ ه ق) زن «شاه جهان بادشاه» و شرح ساختن و بنا کردن مقبرهٔ او است که امروز به به نام «تاج محل» شهرت جهانی دارد و در شهر آگره (هندوستان) است . در این رسالهٔ کوچک ، اشعاری که در کنار و گوشهٔ آرامگاه و برای آن به خاطر ممتاز محل سروده شده است ، کلیهٔ خرج ها که برای آن قصر زیبا شد و اسامی سنگها و رنگ ها و جواهر و دیگر اشیایی که در بنا

به‌کار برده شد ، دقیقاً توصیف گشته است . البته اعداد به صورت «علم سیاق» نوشته آمده است . یک مثنوی کوتاه که «شهاب الدین محمد صاحبقران ثانی شاه جهان پادشاه غازی» در تعریف تاج محل یعنی آرامگاه ممتاز محل سروده در این نسخه است :

ز هر مرقد پاک بالقیس عهد   که بانوی آفاق را گشته مهد

همهٔ اشعاری که در تاج محل کتیبه شده است و مطالبی که روی سنگ آرامگاه ممتاز محل و شاه جهان و اکبر شاه نقر شده و نام استادان و نقاشان و بنایان در این نسخه گرد آمده است و این رباعی ماده تاریخ وفات «ممتاز محل» :

«زین جهان رفت چو ممتاز محل   در جنت به رخش حور گشاد
بهر تاریخ ملایک گفتند   جای ممتاز محل جنت باد»

«۱۰۴۰ ه ق»

۲۹۰
۴۴۲

مناقب غوثیه

[دین ، عرفان و تصوف ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۵/۵×۱۶/۵×۲ سم . —درونی : ۱۷ س ۱۸×۸ سم .

۲- اوراق : ۱۱۶ ورق . ۲۳۲ صفحه .

۳- کاغذ : نازک سفید رنگ روغنی براق سپاهانی ، جلد مقوایی پارچه گرفتهٔ رنگا رنگ .

۴- خط : نستعلیق ، روشن ، خوانا ، رسم الخط اردو و فارسی ، عنوانها و نشان ها و سر فصلها و جدولهای ۲ خطی کنارهٔ متن جدول یک خطی کناره بیرونی صفحات شنگرف . قرن ۱۲ ه ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد ، اما به خط و رسم الخط غیر از متن کتاب در صفحهٔ آخر «۱۲۴۹» ثبت است .

۶- مؤلف : «فقیر محمد صادق شهابی سیدی قادری» ، نام تألیف : «مناقب غوثیه» ، تاریخ تألیف معلوم نشد : «اما بعد میگوید بندهٔ ضعیف گنه کار . . . فقیر محمد صادق شهابی سیدی قادری (ص ۲) . . . و این کتاب را مناقب غوثیه نام نهاده شد» (ص—۷) .

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، رب افتح بالخیر و اختم بالخیر ، الحمد لله الذی جعل کرامات الولی تتمه لخوارق النبی و معجزاته فان کل ولی علی قدم نبی فکر اماته علی قدر قدماته و من آمن بکرامات الاولیاء فقد آمن بمعجزات الانبیاء و من انکر کراماتهم فقد انکر بمعجزاتهم نعوذ بالله من شرور انفسنا و من سیآت اعمالنا من مهده الله فلا مضل له» .

۸- انجام : «و آن مرد که او را کلمهٔ شهادت تلقین کردیم از اهل قسطنطنیه نصرانی بود و من مأمور شدم تا او را بجای میت نصب کنم . خواجهٔ خضر او را بیاورد و او پیش من مسلمان شد و این زمان درمیان ایشان است ، راوی میگوید که شیخ ما را منع کرد که در حیات من این حکایت با کسی نگویی و الله تعالی اعلم بحقیقت الحال تمت الکتاب بعون الوهاب» .

۹- چگونگی: موضوع این نسخه مدایح و مناقب و اعمال و اقوال و کرامات و کشفیات و تعلیمات و عرفانیات حضرت شیخ عبد القادر گیلانی (رح) است که به نثر و نظم فارسی تصنیف گشته است . تقسیمات آن بر اساس «مقدمه» و «منقبت» و «خاتمه» است و جمعاً ۷۷ منقبت دارد . مقدمه در چگونگی تألیف کتاب ، منقبت اول در حمد خدا و نعت حضرت محمد (ص) و منقبت هفتاد و هفتم در فضیلت حضرت شیخ عبدالقادرگیلانی است. مؤلف کلیهٔ مآخذ و منابع و اعلام رجال را که از آنها مطلب و شعر و سخن گرفته است نقل می کند . از احادیث نبوی و اشعار فارسی و آیات قرآنی و کلمات مشایخ خاصه مشایخ سلسلهٔ قادریه بسیار نقل می کند . نثر فارسی آن روان و ساده است اما به «سبک پاکستانی» یا «سبک هندی» است. در اواخر نسخه بعضی یادداشت های دعایی دارد .

۰۴۰

۳۵۵

منتخب اللغات شاهجهانی

[مراجع ، عربی وفارسی ، منثور]

۱- اندازه : —بیرونی : ۳۲/۵×۲۴/۵×۴ س م. —درونی : ۱۹ س ۲۵×۱۷ س م.

۲- اوراق : ۲۲۸ ورق. ۴۵۸ صفحه.

۳- کاغذ : نازک و ضخیم سفید رنگ کشمیری ، آب رسیده ، اندکی وصالی شده ، جلد

مقوایی ملون باعطف و گوشهٔ چرمی پوسیده و موش خورده.

٤- **خط :** نستعلیق و تحریر ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشان ها و کلمات شواهد و سرفصلها سرخ رنگ ، قرن ١٢ ﻫ ق .

٥- **کاتب :** نام « کاتب» را محو و سیاه کرده اند ، تاریخ کتابت: «**١٢٣٩ ﻫ ق**»: «تحریر فی التاریخ چهارم ربیع الاول سنهٔ ١٢٣٩ هجری مطابق است ١٨٨٠ هر که دیگر دعوی کند باطل گردد». اما هشت جزء اول و جزء نوزده به خط کاتب دیگر است به نام « **کجهت سنگه کهتری**» ساکن دهلی که به خط سرخ در صفحهٔ ٤٥٧ آمده است.

٦- **مؤلف :** « **عبدالرشید الحسینی المدنی التتوی** » ، نام تألیف : « **منتخب اللغات شاهجهانی**» ، تاریخ تألیف : «**١٠٤٦ ﻫ ق= منتخب بی بدیل**» : «و بعد چنین گوید بندهٔ احقر و ذرهٔ انقر عبدالرشید الحسینی المدنی اصلا و التتوی مولداً که این کتابی است در تحقیق بیان لغات ضروریه کثیرة الاستعمال منتخب از کتب معتبره چون قاموس و صحاح و صراح بعبارت فارسی عام فهم خاص پسند . . . و بعد از صورت اتمام و اختتام بمنتخب اللغات شاه جهانی موسوم نموده نذر حجاب درگاه عرش اشتباه ساخت ».

٧- **آغاز :** «رب یسر ، بسم الله الرحمن الرحیم ، و تمم بالخیر ، ستایش و سپاس مالک الملکی که تذکار آلای بی احصا و نعمای بی منتهایش و تعداد سوابق فیض و لواحق عطایش در دائرهٔ حصر نگنجد و خرده خرده و آن بمیزان آن دریافت نسنجد و اگر فی المثل آب انهار مداد و شاخ و برگ اشجار کاغذ و قلم شود و افراد بشر و اصناف ملک تا ابدبر صحیفهٔ روزگار و جریدهٔ لیل و نهار ثبت کنند هنوز حرفی از آن کتابت و برخی از آن حساب نتوانند نگاشت».

٨- **انجام :** «مع الیاء یوی بالضم و فتح واو و تشدید یاء آخر نام مرویست اللهم صلی علی محمد و علی آل محمد و بارک وسلم ، نظم :

نسخهٔ جامع اللغات عرب — از نسخ معتبرهٔ منتخب
نسخهٔ قاموس و مهذب صحاح — کنزو اسامی و مصادر صراح
یافته اتمام به عهد شهی — ازحق و ازخلق جهان آگهی
سلطنت آرای ممالک ستان — شاه جهان ثانی صاحبقران

تمام شد اکبر شاه پادشاه ثانی در جی پور تحریر یافت».

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه «لغت عربی به فارسی» است و بر اساس «باب» و «فصل» با رعایت حرف اول و دوم و آخر هر کلمه تدوین و تنظیم گشته است چنانکه حرف اول باب و حرف آخر فصل نامیده شده است و ضمناً به اشتقاق و اسقاط کلمات و الفاظ هم توجه داشته است. مؤلف این نسخه «عبدالرشید الحسینی المدنی التتوی» آنرا به «ابو المظفر شهاب‌الدین محمد صاحبقران ثانی شاهجهان پادشاه غازی ولادت «۱۰۶۲ = صاحبقران ثانی»، جلوس «۱۰۳۷ = شاه جهان باشد شاه جهان» و «عزل ۱۰۶۸ هـ ق» هدیه کرده است. و در مقدمهٔ مؤلف نام چهار فرزند صاحبقران ثانی آمده است: «اول شاهزاده سلطان دارا شکوه، دوم شاهزاده سلطان شاه شجاع، سیوم شاهزاده سلطان اورنگ زیب، چهارم شاهزاده سلطان مراد بخش». مؤلف کتاب لغت خود را از کتب لغت پیش از خود انتخاب کرده و نام قاموس و صراح و صحاح را ذکر کرده نموده است. بعضی از صفحات این نسخه در هنگام صحافی جا بجا شده است، مثلاً صفحهٔ یک و ۲ باید بعد از صفحهٔ ۱۸ باشد. در آغاز و انجام این نسخه و کنارهٔ صفحات درونی آن یادداشت ها و توضیحات و لغات افزوده شده کتابت گشته است. پس از کتابت دوباره مقابله گشته است. در فهرست نسخه های خطی برتیش میوزم آمده که «منتخب اللغات شاهجهانی» را «فرهنگ عربی رشیدی» نیز می نامند و مؤلفان هر دو فرهنگ یکی شمرده می شوند تنها در فرهنگ رشیدی نام پدر مؤلف «عبدالغفور» آمده است. منتخب اللغات شاه جهانی تا کنون چندین بار چاپ شده و نسخ خطی هم فراوان دارد اما چاپ انتقادی نشده است.

۵۴۰
———
۴۶۳

منتخب اللغات شاه جهانی

[مراجع ، لغت ، فارسی ، منثور]

۱- **اندازه :** —بیرونی : ۳۰×۱۸×۴/۵ س م. —درونی : ۲۱×۱۱ س م.

۲- **اوراق :** ۳۰۰ ورق. ۶۰۰ صفحه.

۳- **کاغذ :** نازک نخودی رنگ جهانگیری (لاهوری)، وصالی شده ، کرم خورده ، جلد مقوایی و چرمی سرخ گون و پوسیده.

۴- **خط :** نستعلیق ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سرفصلها و لغات شنگرف ، جدول

کنارهٔ متن صفحه ۳ خطی لاجوردی و سیاه و شنگرف ، قرن ۱۱ ه ق .

۵- **کاتب :** «**داوٗد بن محمد اسحاق**» ، تاریخ کتابت معلوم نشد ، در آخر تاریخ «**۱۰۹۲ ه ق**» نوشته اند و لیکن در آن دست برده اند : «الکاتب فقیر الحقیر داوٗد بن محمد اسحاق تحریر فی التاریخ ۲۸ شهر رجب المرجب سنهٔ ۲۵ جلوس والا ، سنهٔ ۱۰۹۲» (رک : ۶ مؤلف).

۶- **مؤلف :** «**عبد الرشید الحسینی المدنی والتتوی**» ، نام تألیف : «**منتخب اللغات شاه جهانی**» ، تاریخ تألیف «**۱۰۴۶ ه ق**» (رک : منتخب اللغات شاه جهانی ۴۰/۳۵۵).

۷- **آغاز :** «رب یسر ، بسم الله الرحمن الرحیم ، و تمم بالخیر ، ستایش و سپاس مالک الملکی که تذکار آلای بی احصای و نعمای بی التهایش و تعداد سوابق فیض و لواحق عطایش در دایرهٔ حصر نگنجد و خرد خردهٔ آن بمیزان دریافت نسنجد و اگر فی المثل آب انهار مداد و شاخ و برگ اشجار کاغذ و قلم شود و افراد بشر و اصناف ملک تا ابد بر صحیفهٔ روزگار و جریدهٔ لیل و نهار ثبت کنند هنوز حرفی از آن کتاب و برخی از آن حساب نتوانند نگاشت».

۸- **انجام :** «مع الهاء یاه یاه کلمه ایست که برای راندن شتران گوید. مع الیاء یوی بضم یاء و فتح واو و تشدید یاء آخر نام مردی است ، تمام شد ، منتخب اللغات شاهجهانی و بحقیقت تمام آنگاه شود که مقبول نظر کیمیا اثر واقفان پایهٔ سریر سلیمانی و ملازمان درگاه صاحبقران ثانی خلد الله تعالی ظلاله و اید جلاله افتد ، بیت :

نسخهٔ جامع ز لغات عرب　　از نسخ معتبره منتخب

تمت تمام شده .

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه «لغت عربی و فارسی» است. تقسیمات آن بر اساس حرف اول و آخر هر لغت است. مثلاً لغت «اسلوب» را در «باب الالف مع الباء» می یابیم و هر حرف بر یک باب و جمعاً ۲۸ باب دارد. در سال ۲۸ جلوس ابو المظفر شهاب الدین محمد صاحبقران ثانی شاه جهان بادشاه غازی یعنی در ۱۰۶۵ هجری قمری تألیف شده و ظاهراً این نسخهٔ در سال ۱۰۹۲ کتابت شده است. در مقدمهٔ این نسخه دربارهٔ شاه جهان پادشاه و چهار پسرش سلطان دارا شکوه و سلطان شاه شجاع و سلطان اورنگ زیب و سلطان

مراد بخش و طرز گرد آوری لغات و تدوین و تبویب آنها و مآخذ و مصادر و دیگر خصوصیات نسخه بحث شده است و مخصوصاً مؤلف در چند مورد انتقاداتی از دیگر لغت نویسان از جمله صاحب قاموس کرده و روش او را در تدوین فرهنگ های لغت درست ندانسته است. در آغاز و انجام این نسخه نشان چند مهر بوده که متأسفانه آنها را محو و سیاه کرده اند. در صفحهٔ آخر به خط تازه اشعار ماده تاریخ تألیف نسخه آمده است :

نسخهٔ جامع ز لغات عرب از نسخ معتبره منتخب
نسخهٔ قاموس و مهذب صحاح کنز و اسامی و مصادر و صراح
یافته اتمام به عهد شهی از حق و از خلق جهان آگهی
سلطنت آرای ممالک ستان شاه جهان ثانی صاحبقران
از پی تاریخش بی قال و قیل گفت خرد «منتخب» بی بدیل

«م ن ت خ ب — ب د ی ل = منتخب — بدیل = ۱۰٤٦».

۰٤۰
۴۸۵

منتخب اللغات شاهجهانی

[مراجع ، لغت ، عربی و فارسی ، منثور]

۱- اندازه : —بیرونی: ۳۵ × ۲۲ × ۳/۵ س‌م. —درونی : ۱۸ س ۲۲/۵×۱۲/۵ س‌م.

۲- اوراق : ۱۸۳ ورق. ۳۸٦ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم سفید فرنگی ، اندکی آب رسیده ، جلد مقوایی و چرمی سرخ رنگ.

٤- خط : نستعلیق ، خوانا ، روشن ، رسم الخط فارسی ، عنوانها و نشان ها و سرفصلها و الفاظ شواهد شنگرف ، قرن ۱۳ ه ق.

۵- کاتب : «محمد صالح پشاوری» ، تاریخ کتابت: «۱۲٦۵ ه ق»: «تمت تمام شد کتاب منتخب شاه جهانی در روز سه شنبه بوقت چاشت بیست و دوم شهر صفر المظفر ختم الله بالخیر بحسب الفرمایش عالیشان علیا مکان شاه عبدالرحیم خان شاه شغنان بدست خط فقیرحقیر سراپا تقصیر محمد صالح پشاوری در بدخشان در روزنو اتمام یافت در ایام زمستان بیست و نهم جدی در سه ماه مرقوم گردید».

خط خوب از من مسکین چه طمع میداری
خاطر جمع ندارم که نویسم خط خوب

این دست من از خاک است هم خاک شود روزی
این نام من از عالم هم پاک شود روزی
هر کس که مرا داند این خط مرا خواند
شاید که به یاد آرد غمناک شود روزی
نوشته بماند سیه بر سفید
نویسنده را نیست فردا امید
تحریر فی تاریخ ۲۲ شهر صفر ختم الله بالخیر و الظفر سنه ۱۲۶۵ تم (۱۵ بار)»

۶- **مؤلف :** (رک : منتخب اللغات شاهجهانی ۳۵۵/۴۰).

۷- **آغاز :** «رب یسر ، بسم الله الرحمن الرحیم ، و تمم بالخیر ، بعد چنین گوید بندهٔ احقر و ذرهٔ افتر عبدالرشید الحسینی المدنی و التتوی مولداً که این کتابی است در تحقیق بیان لغات ضروریه کثیر الاستعمال منتخب از کتب معتبره چون قاموس و صحاح و صراح بعبارت فارسی عام فهم خاص پسند و تحقیق الفاظ و تنقیح معانی و اعتبار حرف حرف ملفوظ».

۸- **انجام :** «فصل الیاء مع الیاء یوی بالضم یا و فتح واو و تشدید یاء آخر و نام مردیست لمؤلفه فی التاریخ الکتاب :

نسخهٔ جامع ز لغات عرب از نسخ معتبره منتخب
نسخهٔ قاموس و مهذب صحاح کنز اسامی و مصادر صراح
یافته اتمام بعهد شهی از حق و از خلق جهان آگهی
سلطنت آرای ممالک ستان شاه جهان ثانی صاحبقران
از پی تاریخش بی قال و قیل گفت خرد منتخب بی بدیل»

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه «لغت فارسی و عربی» است (رک : منتخب اللغات شاهجهانی ۳۵۵/۴۰). در آغاز و اواسط و انجام این نسخه مهرهایی بوده که همه را محو و سیاه کرده اند و فقط در صفحهٔ ۲۴۴ نشان یک مهر باقی مانده که به سختی اینگونه خوانده می شود : «مهر کتاب خانهٔ امیر عبدالرحمن. .».

۰۴۰ / ۴۱۰

مؤید الفضلا

[مراجع ، لغت ، فارسی ، منثور]

۱- **اندازه :** -بیرونی : ۲۹/۵×۱۹/۵×۷/۵ سم. -درونی: ۱۷ س ۲۰×۱۰/۵ سم.

۲- **اوراق :** ۵۵۶ ورق . ۱۱۱۱ صفحه .

۳- **کاغذ :** ضخیم سفید رنگ براق سمرقندی ، اندکی کرم خورده ، وصالی شده ، جلد مقوایی پوشیده از چرم قهوه‌یی ضربی و نقش دار با عطف شیرازه دار و تیاجی .

۴- **خط :** نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، الفاظ و لغات و نشانها و عنوانها و خطوط رسم شده بر بالای کلمات شنگرف ، در آغاز یک سر لوح ساده در زمینهٔ زرین ، جدولهای ۶ خطی کنارهٔ متن سرخ و سیاه و لاجوردی و زرین ، جدول یک خطی کنارهٔ بیرونی صفحه لاجوردی ، قرن ۱۲ ه ق .

۵- **کاتب :** «**غلام قاسم**» ، تاریخ کتابت به خط تازه تر «**۱۲۲۱ ه ق**» آمده است : «باتمام رسید نسخهٔ مؤید الفضلا بدست خط عبودیت شیم غلام قاسم سمت تحریر یافت ۱۲۲۲» .

۶- **مؤلف :** «**محمد بن لاد**»، نام تألیف: «**مؤید الفضلاء**»، تاریخ تألیف شاید: «**۹۲۵ ه ق**» باشد . از صفحهٔ ۳ تا ۴ اینگونه آمده است : «اما بعد حمد و صلوة میگوید اضعف عباد محمد بن لاد . . . این کتاب مشتملست بر لغات عرب علی قدر ما یحتاج من الصراح و التاج از لغات فارس وروم و ماوراء النهر و ترک و جز آن چه در لسان الشعرا و ادات الفضلا و دستور الافاضل و ز فانگویا و مؤید الفواید و شرح مخزن اسرار و طب حقایق الاشیاء مذکور است . . . چون این کتاب مؤید فاضلانست در حل مشکلات . . . این را مؤید الفضلاء دارند» .

۷- **آغاز :** «یا فتاح ، بسم الله الرحمن الرحیم ، محامد متوافره و مدایح متکاثره سردادار دانا و تنگری توانا که بنایت چندین حروف نا معدوده و چندین لغات نا محصوره و کلمات غیر محدوده پرداخت لوکان البحر مداد الکلمات ربی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی بلکه لوان ما فی الارض من شجرة اقلام و البحر یمده من بعد سبعه البحر ما نفدت کلمات الله ان الله عزیز حکیم» .

۸- **انجام :** «فایده هشت حروف در فارسی نیایند صاد و ضاد و ظا و عین و قاف و حا و طا و ثا و لیکن هر دال که در فارسی بعد مد آید ذال خوانند و در عربی باء فارسی و جیم فارسی وزاء فارسی والله سبحانه اعلم بالصواب والیه المرجع و المآب و صلی الله تعالی علی النبی المختار و علی اصحابه الاخیار برحمتک

یا ارحم الراحمین باتمام رسید نسخهٔ مؤید الفضلا بدست خط عبودیت شیم غلام قاسم سمت تحریر یافت ۱۲۲۱» .

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه لغت فارسی به فارسی است و از مشهور ترین فرهنگهای لغت فارسی است که در شبه قارهٔ پاک و هند تألیف شده است . مؤلف مراجع بسیار در اختیار داشته که مستقیم و غیر مستقیم از آنها استفاده می کرده است و در مقدمه برای آنها نشانها و رموزی به دست داده است ، مثلاً ص برای صراح اللغه ، ت برای تاج ، ل برای لسان الشعراء. و همچنین از دیوان های اشعار و مثنوی ها مانند : شاهنامهٔ فردوسی ، خمسهٔ نظامی ، ستهٔ سنائی ، دیوان خاقانی ، دیوان انوری ، دیوان ظهیری ، دیوان عبهری . لغات عربی و ترکی و فارسی و پهلوی را تشخیص داده و برای هر کدام فصلی جداگانه معین کرده است ، مثلاً «فصل فی الترکی چمون اسب کاهل» . تقسیمات این نسخه بر اساس حروف تهجی است بدین شرح که حروف اول را «کتاب» و حروف آخر را «باب» و هر بابی بر «سه فصل» است . مثلاً کلیهٔ کلمات که با «الف» آغاز می شوند یک کتاب ساخته شده و در هر کتاب حروف آخر کلمه را ملاک و سند قرارداده و «باب» نامیده است چنانکه لغظ «خیده» در کتاب الخاء» و «باب الها» آمده است و لغظ «محبوب» در «کتاب المیم» و «باب الباء» آمده است. این نسخه سهو القلم کاتب و اشتباهات املائی و انشائی ندارد و در لابلای اوراق آن مهری آمده است که اینگونه خوانده شد : «قندهار (افغانستان) کتبخانهٔ جلالیه ، قریهٔ ناصریه» این نسخه در سر زمین پاک و هند چاپ شده است .

۸۹۰
―――
۴۶۲

ناشناخته

[ادب ، عرفان و تصوف ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- **اندازه :** —بیرونی : ۲۲×۱۳×۲ س م. —درونی : ۱۷ س ۱۶×۷/۵ س م.

۲- **اوراق :** ۱۱۹ ورق. ۲۳۸ صفحه.

۳- **کاغذ :** نازک زرد تیره رنگ جهانگیری یا لاهوری ، اندکی کرم خورده ، وصالی شده ، آب رسیده ، جلد مقوایی باعطف و گوشهٔ چرمی ، پوسیده.

٤- **خط** : تحریر ، پخته ، خوانا ، روشن ، عنوانها و نشان ها و سرفصل ها شنگرف ، قرن ۱۱ هـ ق .

٥- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

٦- **مؤلف** : نام مؤلف و تألیف و تاریخ آن معلوم نشد چون از آغاز ناقص است و در لابلای نسخه و آخر آن نیز نشانی از مؤلف و نام تألیف و تاریخ آن دیده نشد.

٧- **آغاز** : ناقص و شاید یک یا دو ورق افتادگی داشته باشد ، و اینگونه شروع می شود:

«.... نشستن کشمیر شنو آثار هدایت است تقریر شنو
بجز راه شریعت تو نیابی راه را در شرع ردای جوان وای پیر شنو
راهی که صراط مستقیم است این است بالله که ده خداست ای میر شنو

باب اول در بیان آنکه از اجمال بتفصیل ظاهر میشود و از وحدت به کثرت و از احد بعدد».

٨- **انجام** : «و اگر پوست را خلل شود تمام آن درخت خشک شود و امید وصل منقطع گردد. نظم :

شریعت را مقدم دار اکنون شریعت از طریقت نیست بیرون
هر آنکه در شریعت کامل آید طریقت راه وصلت حق گشاید

نظم :

چشم همت از دو عالم دوختم سر حق را من ز حق آموختم
چون نماندام هیچ فانی گشته ام خام بودم پخته گشته ام سوختم
قاریا بر من مکن قهر و عتاب گر خطایی رفته باشد در کتاب
آن خطای رفته را تصحیح کن از کرم والله اعلم بالصواب

تمت الکتاب بعون الملک الوهاب اغفر لصاحبه و لکتابه و لمن نظر فیه تم» (٤ بار).

٩- **چگونگی:** موضوع این نسخه «فرایض و ادعیه و مسائل عرفانی و ادبی» است و «عرفان و ادب» در آن بیشتر است. تقسیمات آن بر اساس «باب» است و جمعاً ۱۸ باب دارد: «باب اول در بیان آنکه از اجمال بتفصیل ظاهر میشود و از وحدت بکثرت و از احد بعدد. باب هژدهم در بیان شریعت و متابعت حضرت رسالت

پناه صلعم». ابواب به طور خلاصه در این موضوعات است : «جامعیت انسان ، ایمان معرفت حق ، شریعت و طریقت ، حقیقت و حقیقه" الحقیقه" از وجه فرایض و سنن و نوافل و اوراد و ادعیه و اسما ، شریعت و طریقت حقیقت و حقیقت الحقیقه" از وجه نفی و اثبات ، شریعت و طریقت و حقیقت و حقیقه" الحقیقه" از وجه فنا و بقا ، نبوت و ولایت ، کرامت و کهانت و استدراج و جنونیت ، علم حقیقت ظاهری و باطنی ، توکل و حقیقت آن ، وجد و سماع و حقیقت آن ، تغنی و مزامیر و آواز خوش شنیدن ، حسن و بدن و حقیقت آن ، باغ و گلزار و بدن و احوال آن ، عبادت حق تعالی ، مذمت بدعت ، شرف شریعت و متابعت حضرت رسالت پناه (ص)» . نثر فارسی این نسخه روان و به سبک خراسانی می ماند و با آیات قرآنی و احادیث و کلمات مشایخ و اشعار گوناگون فارسی آمیخته است. نام «حسین» در مقطع اشعار آمده است :

ای **حسین** از حسن دیدن پاک شو　　چون تو گشتی پاک بس بی باک شو
از **حسین** ناتوان بشنو نصیحت ای جوان　　کفر باشد نزد مردم سر حق کردن بیان

چند یادداشت دعایی و تعویذ در اواسط و انجام این نسخه آمده است. احتمال دارد این «حسین» منظور «ملا حسین واعظ کاشفی» باشد .

۸۹۰
۴۷۸

ناشناخته

(شاید انشای شاه محمد کژتل صاحب)

[ادب ، انشا و رقعه نگاری ، فارسی ، منظوم و منثور]

۱- **اندازه :** —بیرونی : ۵/۱۱×۱۱×۱ س م. —درونی : ۱۲ س ۵/۱۲×۵/۶ س م.

۲- **اوراق :** ۸۶ ورق. ۱۷۲ صفحه.

۳- **کاغذ :** نازک سفید تیره رنگ سپاهانی ، اندکی وصالی شده ، جلد مقوایی چرمی قهوه‌یی رنگ ، ضربی نقش دار.

۴- **خط :** نستعلیق خوش ، روشن ، خوانا ، پخته ، رسم الخط فارسی ، عنوانها و نشانها و سرفصلها سرخ ، جدولهای ٤ خطی کنارهٔ متن سیاه و زرین ، جدول یک خطی کنارهٔ بیرونی صفحات لاجوردی ، یک سر لوح در آغاز که معلوم می دارد از نسخه‌یی دیگر جدا شده است. بررویهٔ درونی جلد نقش‌های گل و بوته. قرن ۱۲ ه ق .

۵- **کاتب** : نام «کاتب» ندارد ، تاریخ کتابت: «۱۲۱۸ ه ق» آمده است : «بتاریخ بیست و هشتم شهر جمید الاولی سنه ۱۲۱۸ یوم پنجشنبه قلمی شد بالخیر».

۶- **مؤلف** : نام مؤلف و تألیف و تاریخ تألیف معلوم نشد. روی هم رفته این نسخه مجموعه رقعات است که می توان آنها را «منشآت» خواند.

۷- **آغاز** : «رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر ، همای زرین بال دولت و اقبال و طاهر فرخ فال حشمت و اجلال آن جلالت و ایالت مرتبت امارت و نبالت مرتبت والا قدر رفیع الشأن معلی منزلت منیع المکان معاد مهربان از استظهار صمیمی مخلصان همواره اوج نشین شرفه و عظمت و کامرانی رفعت ذروهٔ شوکت و شادمانی باد».

۸- **انجام** : «بتأیید نیروی اقبال لایزال شهنشاهی در اندک زمانی نصرت و فیروزی قرین حال فرخنده مآل آن گروه فتح منش شده آن مقهور برگشته بخت مسلسل و معلول روانه جناب فیض انتساب خواهد شد زیاده حد ادب دید و بدعا اختتام ورزید ، نظم :

همیشه درگه عدل و جناب احسانت چو کعبه مقصد حاجات اهل عالم باد

بالنون والصاد».

۹- **چگونگی**: موضوع این نسخه انشاء نویسی است و آن شامل رقعاتی دوستانه و پاسخهای آنها است. در این رقعات بعضی نکات تاریخی و وقایع آورده شده است. تنسیقات آن بر اساس عنوان هر رقعه است. مثلاً «رقعه بدوستی» و «جواب» آن. نثر فارسی آن آمیخته با اشعار فارسی برگزیده و الفاظ و جملات مصنوع و همراه باسجع و دیگر صنایع ادبی و گاهی از آیات قرآنی و احادیث هم استفاده شده است. چند یادداشت تازه در آغاز و انجام و در گوشه و کنار آن به فارسی آمده است.

۸۹۰
۵۵۵

ناشناخته

[ادب ، شرح و تفسیر اشعار عربی به فارسی ، فارسی و عربی ، منثور و منظوم]

۱- **اندازه** : ـبیرونی : ۲۳×۱۳×۲/۵ س م. ـدرونی : ۲۰ س ۱۶×۷ س م.

۲- **اوراق** : ۲۴۹ ورق. ۴۹۸ صفحه.

۳- کاغذ : نازک خاکی رنگ سمرقندی ، آب رسیده، ساییده شده، اندکی وصالی شده، جلد مقوایی ملون باعطف پارچه‌یی سرخ گون.

٤- خط : ثلث خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سرفصلها و خطوط رسم شده بربالای ابیات و جملات عربی شنگرف ، قرن ۱۰ و ۱۱ ه‍ ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد. چون ناقص است.

٦- مؤلف : یا (شارح) و نام و تاریخ تألیف (شرح) معلوم نشد زیرا از آغاز و انجام افتادگی دارد (رک : ۹ - چگونگی).

۷- آغاز : افتادگی دارد و چنین آغاز می شود : «و شرم و عفت و ادب ش :

ای کرده سلوک در بیابان ادب زنهار مکن مفاخرت بهر نسب
چیزی که به آن فخر توانی کردن عقل است و حیا و عفت و علم و ادب
تحسین سکوت و ثنای صموت
ادبت نفسی فما وجدت لها بغیر تقوی الا له ادب
فی کل حالاتها وان تصرت افضل من صمتها عن الکذب
و غیبة الناس ان غیبتهم حرمها ذوالجلال فی الکتب»

۸- انجام : افتادگی دارد و چنین انجام می یابد :

«اذا ذاقت بک الاحوال یوماً فثق بالرازق الفرد العلی

دقت باریک شد از ثانی والذکاء حدة الفؤاد میفرماید بسیار است خدابرا از لطف پنهان که باریکست پنهانی آن از فهم زیرک و بسیار آسانی آید از پس دشواری و باز برد اندوه دل اندوهناک و بسیار کاری که اندوهناک کرده شوی بآن در صباح و آید ترا شادی در شبانگاه چون تنگ شود به تو حالها روزی پس استوار باش بروزی دهندهٔ یگانهٔ بزرگوار شعر.

گر واقعهٔ پیش تو آید ای دل زنهار مشوبناامیدی . . . »

۹- چگونگی: این نسخه از لحاظ شعر و نثر فارسی و اشعار عربی بسیار ارزنده است و ضمناً حاوی فواید لغوی و دستوری و آیین نگارش است. تقسیمات آن بر اساس اشعار عربی است که نخست آنها را می آورد و سپس به شرح لغوی و دستوری و معنوی آنها می پردازد. هر شعر عربی را که می آورد ، اول آنرا به فارسی تحت اللفظی ترجمه می کند ، بعد به اشارات لغوی و دستور زبان فارسی و نکات

صرف و نحو عربی می پردازد. زبان فارسی و اشعار برگزیده در این نسخه بسیار روان و لطیف و جاذب است و اکثر اشعار در موضوع عرفان و حکمت و اخلاق و ادب است. «ش» برای «شرح» است. ضمناً برای تمثیل ، «حکایت» و «شعر» نیز بعضی از مطالب این نسخه است. این را هم بگویم که این نسخه بر اساس عقاید شیعهٔ اثنا عشری تألیف و شرح شده است و اسامی ائمهٔ اطهار و اقوال و افعال آنان ذکر گشته است. روی هم رفته نسخه‌یی ارزنده و عالی و در خور تحقیق و تتبع است باوجود اینکه ناقص است و از آغاز و انجام افتادگی دارد.

۸۹۰
―――
۵٤۰

ناشناخته

[ادب ، انشاء وکتابت ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- **اندازه** : ―بیرونی : ۲۵ × ۱٤ × ٤/۵ س م. ―درونی : ۱۵ و ۱۷ س ۱۸ × ۸/۵ و ۱۹/۵ × ۹/۵ س م .

۲- **اوراق** : ۳۳٦ ورق. ٦۷۲ صفحه.

۳- **کاغذ** : زرد تیره رنگ سیالکوتی و نخودی رنگ سمرقندی ، کرم خورده ، آب رسیده ، وصالی شده ، جلد مقوایی سیاه رنگ باعطف چرمی سفید رنگ.

٤- **خط** : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سرفصلها و نشانها شنگرف، جدولهای ۳ خطی کنارهٔ متن شنگرف و سیاه ، قرن ۱۱ ه ق.

۵- **کاتب** : نام « کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

٦- **مؤلف** : نام «**مؤلف**» ، و «تألیف» و تاریخ آن معلوم نشد چون از آغاز و انجام ناقص است (رک : ۹―چگونگی).

۷- **آغاز** : ناقص است و افتادگی دارد و اینگونه آغاز می شود :

« ...... باین تحفه بنگری تفسیر دلکشی است موشح بنام شاه

تاریخ لام او شده تفسیر اکبری

اختتام شرح آداب المریدین شیخ شرف الدین منیری ، ابو الفضل بن مبارک که از نارسایی و کوتهی در اوراق مداوای بیماری خود می جوید چون خرد

آبله پای او از تکاپوی خویش و گفت و گوی خود باز آمده رجع القهقهری نموده دست به دامن هر خاری می زند».

۸- **انجام :** ناقص است و افتادگی دارد و چنین انجام می یابد : «بازرگانان هر متاع که آئین سود برگیرند و جان نثاران عرصهٔ گندآوری لوحهٔ همت آموزی از و بر خوانند. تن گدازان نفس آرا آئین نیکوکار ازو بردارند. اخلاص طرازان بخت آور ازو ذخائر بی منتهی فراهم آورند و آرامش گزینان نزهتگاه حقیقت بیاوری ان کامیاب خواهش کردند ، مصرع ، یکی نامهٔ ساختم پر شگفت ، که هر».

۹- **چگونگی:** این نسخه در موضوع مسائل ادبی و تاریخی و انشاء و شعر است و به احتمال قوی این نسخه «هر سه دفتر ابوالفضل» یا «سه نثر ابوالفضل» است. زیرا مطالب آن راجع به امور درباری اکبر پادشاه و جهانگیر پادشاه و بنای مساجد و کتابه های آنها و فرمان ها و واگذار کردن اقطاعات و دکان ها و نوشتن مقدمه بر خاتمه بر کتاب ها و رسائل است. نثر آن محکم و روان و آمیخته با اشعار برگزیدهٔ فارسی است. اینک بعضی از عنوانات مطالب آن : «دیباچهٔ کچکول خورد، شروع انتخاب شرح آداب المریدین، الله اکبر(مکررا)، خطبهٔ بیاض ، کتابهٔ مسجد ، کتابهٔ دیهره ، سیوم اکبر نامه ، بیاض معاملات، بر ظهر کتاب کیمیا نوشته شد ، اختتام انتخاب تحفة العراقین خاقانی ، اختتام منتخب دیوان خاقانی ، اختتام منتخب دیوان انوری ، اختتام منتخب دیوان ظهیر فاریابی ، نشان حضرت شاهنشهی به جوان بخت والا نژاد و شاهزاده شاه مراد در وقت مراجعت از کشمیر».

در کنارهٔ صفحات و میان سطرها یادداشت های ادبی و معانی لغات به زبان فارسی به خط شنگرف و سیاه کتابت شده است. به علت صحاف بعضی از اوراق آن جا به جا شده است .

۸۹۰
۵۱۷

ناشناخته۸

[ادب ، تاریخ و اخلاق ، فارسی ، منظوم]

۱- **اندازه :** —بیرونی ۲۵×۱۵ س‌م. —اندرونی : ۱۱ و ۱۵ و ۱۷ ص ۱۸×۹/۵ س‌م.

۲- **اوراق :** ۱۲۰ ورق. ۲۴۰ صفحه.

۳- کاغذ : حنایی و خاکی رنگ سیالکوتی ، آب رسیده ، جلد مقوایی ضعیف و شکسته مندرس ، باعطف پارچه‌یی سفید.

٤- خط : نستعلیق ، خوانا ، قرن ۱۲ ﻫ ق .

۵- کاتب : نام « کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد چون از انجام ناقص است.

٦- مؤلف : و نام تألیف و تاریخ تألیف معلوم نشد.

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم :

چون قلم بر لوح بسم الله نوشت — از همه اول پسش عالم سرشت
اسم اعظم را در آن پوشیده داشت — بر صحف عثمان از آن اول نگاشت
رهبر خود کرده بسم الله را — رهروی باید صفات الله را
ذات او را نیست چون جدو نشان — وصف او امکان چه دارد انس و جان»

۸- انجام : ناقص است و براین اشعار پایان می یابد :

«همچنان کردند و برندش بران — کرد بسم الله خود رفت اندران
هر گز آسیبی ازآن روغن نیافت — چون برون آمد ملک خیلی بتافت
گفت سلطان غل محبوسش کنند — و از شراب و نانخورش خوکش دهند
قید شد آب و طعام انسان رسید — در چهل روز او سبوی او ندید»

۹- چگونگی: از مطالعهٔ نسخه معلوم می شود که شاید برگزیده یی از مثنوی مولوی باشد و چند کاتب آنرا نوشته اند. بدین سبب تعداد سطور هم مختلف است ، و در آخر کتاب «رسالهٔ ذبح نامه» در زبان پنجابی (هندکو) ، به نظم آمده و لیکن ناقص است. در صفحات آغاز بعضی مطالب دعایی کتابت شده است.

۸۹۰
۵۸۲

ناشناخته

[ادب ، عرفان و تصوف ، اوراد وادعیه ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- اندازه : —بیرونی : ۱۳/۵×۲۱/۵×۱ س م. —درونی : ۱۱ س ۱۳×۷ س م.

۲ اوراق : ٤٤ ورق. ۸۸ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم کبود رنگ ولایتی (فرنگی) ، جلد مقوایی و چرمی پوسیده و وصالی شده.

٤- خط : ثلث خوش ، روشن ، خوانا ، پخته ، عنوانها و نشان ها و سرفصلها و جدولهای یک خطی و ۲ خطی کنارهٔ متن و حاشیه شنگرف ، قرن ۱۲ ﻫ ق.

۵- کاتب : «محمد رفیق» ، تاریخ کتابت : «۱۲۴۸ ه ق» . در صفحهٔ ۷۲ چنین آمده است : «الهی بحق پیران حقانی ، به بخشی گناه محمد رفیق عاصی ، بررای شریف صاحبان و شناسندگان مخفی نماند که هر گاه خط این عاجزه در نظر اشرف صاحبان در آید ذیل لطف و کرم دریغ ندارند وگرنه این خط من لایق کتابت نیست :

غرض نقشیست کز ما یاد ماند   که هستی را نمی بینم بقایی

سنهٔ ۱۲۴۸».

۶- مؤلف : نام «مؤلف» و «تألیف» و تاریخ آن معلوم نشد . ظاهراً همان «کاتب» باید مؤلف باشد و تاریخ کتابت ، تاریخ تألیف . اما نام تألیف به دست نیامد . (رک : ۵-کاتب).

۷- آغاز : ناقص است و اینگونه آغاز می شود : «و در رکعت دویم قل هو الله احد خواند بعد صد و یکبار درود اینقدر استغفار و اینقدر کلمهٔ تمجید بخواند بعده سر خود را به طرف قطب و پای در طرف جنوب در جای نماز بخوابد و پای دراز نکند».

۸- انجام : «و گناهکاران امت حضرت محمد رسول صلی الله علیه وسلم همین دریای خواهد برد و باک خواهد ساخت انشاء الله تعالی گناه بنده عظیم و عذاب الیم ولی بهمت فضلش امیدها دارم .

الهی بحق پیران حقانی   به بخشی گناه محمد رفیق عاصی».

۹- چگونگی: موضوع این نسخه «اوراد و ادعیهٔ عرفانی» است به زبان فارسی که بر اساس عقیدهٔ عرفا و متصوفه تصنیف گشته است ، ضمناً قواعد خواندن اوراد و ادعیه را به دست می دهد و می گوید چگونه در خدمت پیران ورد و دعا بخوانند تا فایده برگیرند. اسامی بسیاری از عرفا و متصوفهٔ شبه قاره در این نسخه آمده است. و همه را شامل لفظ «جیو» می کند که به معنی «بزرگ و ارجمند» است، مانند: حضرت جیو، حضرت میان حافظ عبدالغفور جیوپیشاوری، میان حافظ الهیار جیو لاهوری . از سلسلهٔ خواجگان بسیار نام می برد و اوراد آنها و طریقهٔ آنها را نقل می کند. تقسیمات آن بر اساس تعداد اوراد و ادعیه و قواعد خواندن آنها است که اکثر آنها با «بسم الله الرحمن الرحیم» آغاز می شود. از آیات قرآنی احادیث نبوی و کلمات مشایخ چه عربی چه فارسی

بهره مند شده است . از صفحهٔ ۷۳ تا ۸۵ منظومه‌یی متوسط آمده که نام «عبدالحمید» به کرات و دیگر مشایخ و اقطاب متصوفه در آن گنجانیده شده و در حقیقت یک «نسب نامهٔ منظوم» یا «سلسله نامهٔ منظوم» است به زبان فارسی به مطلع :

« چونکه از حق بر دل محمد عظیم فرمان رسید
کرد او موزون و نشر علم عبد المجید »

و مقطع :

« خدا خوان گر خدادان کرد سبحان به مفلس داد حق ملک سلیمان»

این منظومه در حدود ۶۲ بیت دارد و لیکن ابیات آن از لحاظ وزن سکته دارد . در کنارهٔ صفحات بعضی اشعار عرفانی و دوبیتی های روحانی و یادداشت های صوفیانهٔ شیرین ثبت شده است. و مأخذ آنها را «من تحقیقات» آورده. اینک نقلی از صفحه ٤ :

«اول لطیفهٔ قلبی است که در زیر پستان چپ است.
دویم لطیفهٔ روحی است که بر بالای پستان راست است.
سیم لطیفهٔ سری است که بر وسط سینه است .
چهارم لطیفهٔ نفسی است که تحت ناف داده می شود.
پنجم لطیفهٔ خفی است که بالای پیشانی است.
ششم لطیفهٔ خفی است که فوق سر داده می شود.
هفتم ذکر سلطان است که بر تمام وجود داده می شود».

٨٩٠ / ٥٧٨

ناشناخته

[ادب ، فارسی ، منظوم و منثور]

۱- **اندازه :** —بیرونی : ۲۱ × ۱۳ × ۲ س م. —درونی : ۱۳ س ۱۳ × ۷ س م.

۲- **اوراق :** ۱۱٤ ورق. ۲۲۸ صفحه.

۳- **کاغذ :** نازک سفید تیره رنگ سپاهانی (هراتی) ، اندکی آب رسیده ، جلد مقوایی و چرمی ضربی (ترنج دار) با عطف پارچه‌یی مخطط.

٤- **خط** : نستعلیق شکسته آمیز ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سرفصلها و نشانها شنگرف ، قرن ۱۲ ھ ق.

٥- **کاتب** : نام « کاتب» و «تاریخ کتابت» داشته اما آنرا به عمد پاره و محو کرده اند.

٦- **مؤلف** : نام «مؤلف» و «تاریخ» آنرا که در خاتمهٔ نسخه موجود بوده است عمداً محو کرده‌اند و از آغاز و متن نسخه چیزی دریافت نشد. اما گویا مؤلف یا کاتب «پادشاه خواجه» نام داشته است (رک : ۹—چگونگی).

٧- **آغاز** : «بسم الله الرحمن الرحیم ، نکته ، اگر منکر نبوت [ندای] با حضرات جز به تعظیم پیش میا ، و اگر بر تجلی ایمان داری به هیچ جانب بی ادب چشم مگشا ، رباعی :

بر گوش تو قلقل زمینا نخورد کاندیشه به پیغام پری وا نخورد
چشمی که گشایی به تأمل بگشا تا از مژه رنگ جلوهٔ پا نخورد

٨- **انجام** : ناقص است (دو ورق افتادگی دارد) : «نکته تجربه کاران امتحان کدهٔ شعور متفق اند که سخن بموقع خموشی است ، و خامشی بی محل هرزه خروشی ، بس سخن بقدر ضرور باید گفتن و گوهر زیاده بر احتیاج نشاید سفتن ، که بی صرفگی سخن یاوه خرجیهای مایهٔ شعور است».

٩- **چگونگی**: موضوع این نسخه «ادب» است که شامل «رباعی و قطعه و قصیده و مثنوی کوتاه و دیگر انواع شعر همراه باتکه هایی از نثر متوازن و مسجع و مصنوع فارسی» است. تقسیمات آن براساس موضوعاتی است که مصنف برگزیده است و باعنوانهای «نکته» و «رباعی» و «نامطبوع» و «اشارت» و «حکایت» و «قطعه» آغاز می شود. اشعار جاذب و شیوا با مضامین بکر و بدیع در این نسخه آمده است. «در ذیل نکته ها» ، اکثر لطیفه و پند و اندرز و در ذیل «حکایت‌ها» مثنوی داستانی و در ذیل «نامطبوع» اشعاری شبیه بحر طویل و یا اوزان و بحور بلند آمده است. در آغاز و انجام و لابلای اوراق نسخه اشعار فارسی برگزیده و یادداشتهای ادبی ارزنده کتابت شده است و بعضی از آنها را «پادشاه خواجه» نوشته است و اینگونه از خود یاد نموده : «لراقمه الحزین پادشاه خواجه عفی الله عنه» یا « کمینه پادشاه خواجه». و احتمال داده می شود که این نسخه تألیف همین «پادشاه خواجه» باشد. در مقطع بعضی اشعار نام «ندیم» و «ندیمی» آمده :

«مجو سر دهان او ندیمی که باشد نکتهٔ موهوم مغلق»

همین ندیمی یک غزل معروف حافظ را تضمین کرده است و در صفحهٔ ۶ نسخه بالفظ «لراقمه» ضبط کرده است ، به مطلع :

«فدای خاکپای او نمایم جان شیدا را اگرآن ترک شیرازی به‌دست آرد دل ما را»

و مقطع :

«مگر کردی ندیمی شعر حافظ را به جان تضمین
که بر نظم تو افشاند ملک عقد ثریا را»

و در صفحهٔ ۱۱ از «دست خط سید شیر محمد حسینی» ۸ بیت زیبا آمده که یک بیت سعدی را که در گلستان دارد تضمین کرده است :

به مطلع :

«دوش ناقابلی به من همراز گفت لذت چه می بری ز مجاز

و مقطع :

«نشنیدی که در گلستان گفت سعدی سیر کهته (؟) بلبل شیراز
عاشقان کشتگان معشوقند برنیاید ز کشتگان آواز»

در صفحهٔ ۱۲ یک مخمس آمده تحت نام «عیسی مخدوم» بدین مطلع :

ای دل که بسی زحمت ایام کشیدی از ساغر این دور همه زهر چشیدی

و همچنان اشعاری از میرزا صائب تبریزی در گوشه و کنار صفحات این نسخه آمده است. از جمله غزلی بدین مطلع :

«دل بود مایل بخط عنبر افشان بیشتر هست در ابر سیاه امید باران بیشتر»

۲۹۰
۳۳۸

ناشناخته

[دین ، فقه ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۱×۱۵×۳ س م. —درونی : ۱۵ س ۱۷×۹ س م.

۲- اوراق : ۲۵۳ ورق. ۵۰۶ صفحه.

۳- کاغذ : نازک و ضخیم حنایی رنگ سیالکوتی ، آب رسیده ، بدون جلد.

۴- خط : نستعلیق متوسط ، رسم الخط اردو ، روشن ، خوانا ، عنوانها و نشانها و بعضی

از الفاظ به شنگرف ، قرن ۱۱ هـ ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» معلوم نشد ، چون ناقص است.

۶- مؤلف : نام مؤلف و تاریخ و نام تألیف شناخته شد .

۷- آغاز : ناقص است و افتادگی دارد و اینگونه آغاز می شود : «و اگر پیش از دیدن فسخ بکند ، روا باشد ، باز اگر در وقت دیدن روا دارد جایز نیست ، اگر فروخت نادیده را جایز است و مر بایع را در وقت دیدن اختیار نیست مسئله مبطل خیار رویه و خیار شرط عیب ناک شدن بیع است نزدیک مشتری و تصرف کردن آن در آن تصرفی که فسخ نشود چنانکه اعتاق و تدبیریا واجب بکند حق عزیز را چنانچه فروختن بی شرط خیار و گرو داشتن و یا جرأت دادن.»

۸- انجام : ناقص است و افتادگی دارد و چنین انجام می یابد : «مامیگوییم در مال گیر او را تصرف محافظت است و اگر غایب باشد تصرف بیع است پس بالجمله ثابت باشد و مال که او را در آن تصرف باشد گواهی او در آن جایز نبود کذا فهم من الکتب مسئله اگر دو وصی برای غیر وارث بوصیت مال گواهی داد روا بود و نیز اگر دو مرد برای دو دیگر بقرض هزار درم برمیت گواهی دادند و آن دو دیگر برای این دو مرد نیز بقرض هزار درم برمیت مذکور گواهی و شهادة».

۹- چگونگی : موضوع این نسخه «مسائل فقه» اهل سنت و جماعت است که به فارسی روان نگاشته شده است. تقسیمات آن بر اساس «کتاب» و «فصل» و «مسئله» است و شاید بیش یک هزار مسئله داشته باشد. باوجود اینکه از فقه اسلامی و مخصوصاً از فقه حنفی بحث می کند ، مثل اینکه کوشش داشته است که از آوردن جملات عربی و آیات قرآنی و احادیث به زبان عربی اجتناب جوید و همه را به فارسی ترجمه کرده است. متأسفانه از آغاز و انجام ناقص است و بنا بر این بر من ناشناخته ماند .

۲۹۰ و ۸۹۰

۳۶۸

ناشناخته

[دین وادب ، حدیث و روایت ، فارسی و عربی ، منثور]

۱- اندازه : ـبیرونی : ۵/۲۵×۵/۱۶×۵ س‌م. ـدرونی : ۱۹ س ۱۷×۹ س م.

۲- اوراق : ۳۷۵ ورق. ۷۵۰ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم زرد تیره رنگ و سفید رنگ کشمیری ، اندکی وصالی شده ، اندکی آب رسیده ، جلد تیاجی ضربی نقش دار سرخ گون ، اندکی موش خورده.

٤- خط : نستعلیق و ثلث ، روشن ، پخته ، خوانا ، معرب (مشکول) ، عنوانها و نشانها و سرفصلها و جملات عربی و کلمات شواهد و خطوط رسم شده بر بالای الفاظ شنگرف ، قرن ۱۰ و ۱۱ هـ ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد چون از آخر ناقص است.

٦- مؤلف : نام «مؤلف» و «تألیف» و «تاریخ تألیف» معلوم نشد چون از آغاز و انجام افتادگیهایی دارد و لیکن چنان به نظر رسید که شاید «شرح فارسی مشکوة المصابیح» یا «اشعة اللمعات» باشد (رک : ۹ چگونگی).

۷- آغاز : افتادگی دارد و اینگونه آغاز می گردد : «هیچ کس نتواند از جن و انس که او را گم راه کند و از اسلام بگرواند باز گفت من یضلل واز هر که لطف و عنایت خود باز گیرد و او را به شومی اختیار او کفر را اختیار کرده است گمراه کند و بدوزخ و کفر خوار کند فلاهای له هیچکس او را نتوانند که راه نماید و اسلام بیاموزد و کلمهٔ شهادت بگویاند و اشهد ان لا اله الا الله و من از یقین دل براستی اقرار میکنم بزبان و شما را خبر میکنم که هیچ کسی سزای عنایت نیست ما را مگر الله تعالی که وی معبود بر حقیقت است مر خلق را».

۸- انجام : افتادگی دارد و چنین انجام می یابد : «ق ابو هریره روایت کرد که رسول گفت صلی الله علیه وسلم ان زنت فاجلدوها ثم ان زنت فاجلدوها ثم ان زنت فاجلدوها ثم بیعوها و لو بضغیر بازهم در متن گفت یعنی لامه غیرالمحصنة مراد ازینها کنیزکی است که او را شوهر نباشد و ضغیر ریسمان را گویند که از موی بافته باشند و شان حدیث آن است که رسول گفت علیه السلام را برسیدند که اگر کنیزک کسی که شوهر ندارد زنا کند حکم وی چیست و ویرا چه باید کرد ؟ رسول علیه السلام این حدیث گفت ان زنت اگر زنا کند او را تازیانه زنید ثم ان زنت پس اگر زنا کند باز او را تازیانه زنید پس اگر باز زنا کند تازیانه زنید و او را بفروشید» .

۹- چگونگی : موضوع این نسخه «شرح و مأخذ روایت و شأن احادیث» است که به زبان

فارسی روان و ساده و به سبک خراسانی نوشته آمده است. متأسفانه از آغاز و انجام و اواسط افتادگیهایی دارد و یا صفحاتی نا نوشته مانده است. اما از لحاظ متن فارسی کهن و انشاء و املا و الفاظ و اصطلاحات دینی و ادبی ارزنده است. از لحاظ املای حروف «پ» و «چ» و «گ» مانند: «ب» و «ج» و «ک» کتابت شده در الفاظ: «بیغامبر، جیز، جایکاه». الفاظ «که چون، چنانچه، چنانکه، به صورت «کجون، جنانچ، جنانک» «آمده است. از لحاظ انشایی، نثری روان و قابل فهم و جملات کوتاه است و تکرار افعال و حروف اضافه در آن دیده می شود. سهوالقلم کاتب ندارد. تقسیمات آن بر اساس «فصل» و «شان» و «حدیث» و «ترجمه» است بدین شرح که هر حدیث را با اعراب کامل می آورد و سپس راوی و مأخذ آن و در آخر شرح و تفسیر و شأن به وجود آمدنش را می گوید. مؤلف یا شارح بعضی رموز را برای احتراز تکرار برگزیده است، مانند: «خ، ق، م، ص». بعضی از احادیث بر حسب حروف و کلمات آغازی ترتیب و تنظیم یافته است اما در تمام نسخه عمومیت ندارد.

۸۹۰ و ۲۹۰

۳۹۸

ناشناخته

(شاید «سیرت مصطفی»، یا «وحدت نامه» باشد)

[دین وادب، فارسی، منظوم، «مثنوی»]

۱- **اندازه**: ۲۰×۲۳×۳ س م. —درونی: ۱۷ س (هر سطر یک بیت) ۱۶×۸ س م.

۲- **اوراق**: ۲۱۹ ورق. ۴۳۸ صفحه.

۳- **کاغذ**: نازک زرد رنگ براق جهانگیری، اندکی آب رسیده، جلد مقوایی و تیماجی پوسیده باغلاف کرباسی سفید و نوار حنایی.

۴- **خط**: نستعلیق خوش، پخته، روشن، خوانا، سرفصلها و عنوانها و نشانها سرخ، جدولهای ۲ خطی میان مصراع ها و در سر عنوانها سرخ و جدولهای سه خطی کنارهٔ ابیات لاجوردی و سرخ، قرن ۱۱ ه ق.

۵- **کاتب**: «محمدی»، تاریخ کتابت ندارد: «بحسب فرمایش علامی فهامی حضرت . . . (محووسیاه) . . . جیو سلمه‌الله‌تعالی دست خط محمدی شاگرد شیخ محمد صحاف».

۶- **مؤلف :** یا (شاعر) : و نام و تاریخ تألیف (مثنوی) معلوم نشد ، اما ظاهراً آنرا «سیرت مصطفی» می توان گفت. در صفحهٔ ۱۰ چنین آمده است :

همی خواستم مدتی کز وفا به نظم آورم سیرت مصطفا
نهم قصه از اول کار طرح علی قدر خود باز گویم بشرح»

۷- **آغاز :** ناقص و افتادگی هایی دارد و چنین آغاز می گردد :

«پرستش کن ای دوستانرا که اوست برحمت ز دشمن نگهدار دوست
فرو مانده‌ام بیم خوف و رجا من و کرد گار از کجا تا کجا
یکی مرغ را راه سیمرغ نیست عصافیر را سیر سیمرغ نیست
درین ره نه راه منست و منی که از ما و از کردهٔ ما غنی»

۸- **انجام :** «بجود و جلال خود ای داد گر بیامرزمان مادران و پدر
چو ظاهر شود صبح روز بقا مکن هیچ محروم مان از لقا
نویسنده را کن نظر ای اله که او را جریده پراست از گناه
ببخشای اگر چند هستش خطا بحق امام رسل ...... (کذا)
بهر یک زمان صد هزاران سلام زما بر . . . (کذا) علیه السلام
هر که خواند دعا طمع دارم ز آنکه من بندهٔ گناهکارم
نوشته بماند سیه بر سفید نویسنده را نیست فردا امید»

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه سیرت حضرت محمد بن عبدالله (ص) است که شاعر خود آنرا ظاهراً «سیرت مصطفی» نامیده است. در حدود ۷٤۰ بیت دارد و به بحر متقارب مثمن محذوف یا مقصور سروده شده است. تقسیمات آن بر اساس موضوعاتی است که شاعر بر حسب زندگی حضرت محمد (ص) ، برگزیده و عنوان قرار داده است. مثلاً اول نعت حضرت محمد (ص) ، دوم مناقب ابوبکرصدیق(رض)، سوم مناقب عمر بن الخطاب (رض) ، چهارم مناقب عثمان بن عفان (رض) ، پنجم مناقب علی بن ابی طالب (ع)، ششم مناقب حسن (ع) و حسین(ع) و تا آخر نسخه رحلت و دفن حضرت محمد (ص). اشعار آن خوب و روان است ولیکن بعضی سکته‌ها و عیوبی دارد. اساس کارش احادیث و قرآن و روایت‌ها بوده است بدین ترتیب که تعدادی احادیث را عنوان قرار داده و سپس به شرح و توضیح آنها پرداخته است.

۸۹۰ و ۲۹۰
۴۱۵

ناشناخته

[دین و ادب ، فقه ، فارسی ، منظوم «مثنوی»]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۶/۵×۱۵/۵×۴/۵ س م. —درونی : ۱۹ س ۲۰×۸ س م.

۲- اوراق : ۳۵۸ ورق. ۷۰۸ صفحه.

۳- کاغذ : نازک زرد تیره رنگ و روغنی سیالکوتی ، آب رسیده ، ساییده شده ، وصالی شده جلد مقوایی پوسیده ضربی منقش باعطف تیاجی سرخ.

۴- خط : نستعلیق ناپخته ، سخت خوانا ، روشن ، عنوانها و نشانها و سرفصلها و جدولهای یک خطی میان و کنارهٔ ابیات شنگرف ، قرن ۱۲ ه ق.

۵- کاتب : صریح و واضح نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد. شاید نام کاتب **«نشاط»** باشد :

«خطی که نقوش این بساط است از کلک شکستهٔ **نشاط** است»

۶- مؤلف : یا (شاعر) : نام «مؤلف» و «تاریخ تألیف» شناخته نشد. باوجود اینکه این نسخه هیچ گونه نقصی ندارد و از آغاز و انجام درست است ، نام مؤلف و تاریخ تألیف معلوم نشد احتمال دارد نام مؤلف (شاعر) **«شریف جمال»** باشد :

«گفت حق ، احمدا تو میخواهی هر کسی را نباشد آگاهی
من همیخواهم ای شریف جمال هم تو آگه نباشی از این حال

اللهم اغفر لمصنفه ولناظره ولکاتبه ولجمیع المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات برحمتک یا ارحم‌الراحمین (رک : ۸—انجام).

۷- آغاز : «بسم‌الله الرحمن‌الرحیم ، فصل اول در بیان ثنای حق جل و علی می فرماید ،

حمد بیحد ثنای بی اعداد بخدایی که نور ایمان داد
غافر است و رحیم و رحمان است پاک از عیب وشرک و نقصان است
آن خدایی که تافت از یک مهر شرق [و] غرب زمین [و] هفت سپهر
ذات پاکی که خود بحکمت پاک قبضهٔ خاک را دهد ادراک
کردگاری ز قطرهٔ آبی میکند گوهران نایابی
لا یموت که از حکومت وی میت از حی شود ز میت حی»

۸- انجام : «روز محشر تمامی بنده | اول [و] آخرین شود زنده
من که باشم کتاب امت خود | ده به دستم حساب امت خود
تاکه از حال امت غم کیش | کس نداند ز امتان پیش
چون که امت عجب پریشانند | پای تا فرق غرق عصیانند
گفت حق، احمدا تو می‌خواهی | هر کسی را نباشد آگاهی
من همی خواهم ای شریف جمال | هم تو آگه نباشی از این حال

اللهم اغفر لمصنفه ولناظره ولکاتبه ولجمیع المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات برحمتک یا ارحم الراحمین فی تاریخ دهم شهر صفر بالنجم والظفر نوبت نسلی بود که مسوده افتاد هر سهو و نقصانی که رفته باشد درستی او را اصلاح پذیر گردند هر آن مؤمنی که مسئله ازین کتاب کسب نموده در عمل آرد شاید که حق سبحانه و تعالی از ثواب این محروم نگرداند الهی آمین و رب العالمین ، تمت :

قاریا بر من مکن قهر [و] عتاب | گر خطایی رفته باشد در کتاب
هر که خواند دعا طمع دارم | زانکه من بندهٔ گنه کارم
شد بتوفیق خدای لاینام | این کتابت روز چهار شنبه تمام
خطی که نقوش این بساط است | از کلک شکستهٔ نشاط است
هر خطایی رفته را تصحیح کن | از کرم والله اعلم بالصواب»

۹- چگونگی: این نسخه را می توان «مثنوی دینی» یا «مثنوی فقهی» نامید و موضوع آن «فقه حنفی» است و آن یک مثنوی است که شاعر و نام و تاریخ تألیف ندارد. اما اشاره به اسم «**شریف جمال**» در آخر شده است و نیز نامی دیگر به عنوان کاتب «**نشاط**» آمده است. در حدود ۱۳۰۰۰ بیت دارد. بر وزن «فاعلاتن مفاعلن فعلات یا فعلن» از مزاحفات بحر خفیف سروده شده است. تقسیمات آن بر اساس «کتاب» و «فصل» است. در آغاز «کتاب العقیدات» مشتمل برهفده فصل در آخر «کتاب صوم» مشتمل بر سه فصل و خاتمه و کتاب الحج». جمعاً ۶ کتاب و یک خاتمه دارد. فهرست مطالب نسخه از صفحهٔ ۳ تا صفحه ۱۳ در آغاز نسخه است. مراجع و مآخذ شاعر از صفحهٔ ۱ تا ۳ کتابت شده است که در حدود ۱۱۰ کتاب نام برده شده است و همهٔ آنها مربوط به فقه اهل سنت و جماعت است مخصوصاً فرقهٔ حنفی. در این مثنوی

سکتهٔ اشعار و تعقیدات لفظی و اشتباهات قافیه و غلط های دستوری فراوان دارد. اما نسخه‌یی که گویا به خط شاعر است و شاید منحصر بفرد باشد. در آغاز و انجام و کناره های صفحات ، یادداشت های دینی و توضیحات فقهی و شرح های لغوی و ادعیه و اوراد دیده می شود با ذکر مراجع و مآخذ. در صفحات آخر چند غزل فارسی و یک غزل ترکی کتابت شده است ، مانند یک غزل از حافظ به مطلع :

تا ز میخانه و می نام و نشان خواهد بود
سر ما خاک ره پیر مغان خواهد بود

و دو غزل از فغانی به مطلع :

پریشانی ز زلفش کم مبادا یک سرموی
بهر تارش گرفتارش تو چندین سرو دلجوی

خرامان خانهٔ من آن مه بیضا جبین آمد
ز بهر خانه ویران کردن تا راج دین آمد

و غزلی دیگر از شاعری دیگر به مطلع :

دلبری دیدم بطلعت همچو ماه همچو ماه
او نشسته تخت شاهی همچو شاه همچو شاه

و غزل ترکی به مطلع :

ای جفا قیلگان جا نیمغه شاه دورانیم تورم
ناز عشقنبکدین کوبوب‌قالمادی درمانیم‌توروم».

۲۹۰
―
۴۲۱

ناشناخته

[دین ، علوم قرآنی ، کشف المطالب والآیات ، عربی ، منثور]

۱- اندازه : ـبیرونی : ۲۳×۱۴/۵×۱/۵ س‌م. ـدرونی : ۲۰ س ۱۷/۵×۸/۵ س‌م.

۲- اوراق : ۱۵۰ ورق . ۳۰۰ صفحه .

۳- کاغذ : نازک زرد خاکی رنگ براق کشمیری ، کرم خورده ، آب رسیده ، جلد مقوایی ملون باعطف پارچه‌یی سبز .

۴- **خط :** ثلث ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سرفصلها و نشانها و کلمات شواهد شنگرف ، قرن ۱۰ هـ ق .

۵- **کاتب :** نام «کاتب» و تاریخ کتابت» ندارد .

۶- **مؤلف :** نام مؤلف» و«تألیف» و «تاریخ تألیف» معلوم نشد چون از آغاز و انجام ناقص است.

۷- **آغاز :** ناقص است و افتادگی دارد و این گونه شروع می شود : «باین دستور که بحساب حروف تهجی این کتاب را مشتمل بر بیست [و] هشت باب گردانید هر بابی را مشتمل بر بیست و هشت فصل کرد و بعد از هر لفظ دو حرف سرخی بحساب ابجد نوشته شد حرف اول علامت جزو و در آن رکوع است و هر لفظی که خواهند بیابند ملفوظی را مرعی دارند و مکتوبی را رعایت نکنند مثل ذلک و هذا اگر خواهند بیابند در باب ذال و باب ها باید دید» .

۸- **انجام :** ناقص است و تا مقداری از «باب المیم» اینگونه پایان می یابد : «و من شیئتهاح ط من من حیث لا ترونهم ح ی من حیث لا یحتسب کح بز من حیث لا یشعرون بدی و بدیب و کج بز من حیث لا یعلمون طبح و کط د من حیث لم یحتسبو کح د ثم الخاء المعجمه" من خردلی بزد و کابا من خشی الرحمن کریز من خشیه" الله ا ط و کح د من خشیه ربهم ع د من خطایا هم ک بج من خطبه" النساء بد من خلاف» .

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه «علم قرآن» است که شامل کشف الآیات و کشف الرکوع و ۲۸ باب کشف‌السجدة و کشف السورة و کشف الکلمات می شود تقسیم و ترتیب آن بدین شرح است که بر اساس ۲۸ حرف عربی از (همزه‌تای) ۲۸ باب ساخته و هر بابی یعنی هر حرف را دوباره ۲۸ فصل قرار داده است . در هر فصل بر اساس حروف ابجد دو حرف به خط شنگرف نوشته که حرف اول نشان جزو و حرف دوم نشان رکوع است . ضمناً یاد آورد گشته که برای یافتن هر کلمه و جملهٔ قرآنی و یا دیگر مطالب ، کلمهٔ ملفوظ را در نظر داشته باشند نه مکتوب را . متأسفانه این نسخه ناقص است . از آغاز گویا یک ورق و از آخر حروف ابواب (ن ، و ، هـ ، ی) مفقود است . نسخه‌یی ارزنده و شایسته در شناخت و دریافت کلیهٔ موضوعات قرآن است و تا کنون چاپ شدهٔ آن دیده نشده است . شاید نسخهٔ خطی کامل آن در کتابخانه‌ها موجود باشد .

۸۹۰
۴۵۷

ناشناخته

[دین ، فقه ، فارسی، منظوم]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۱×۱۳×۶ س‌م. —درونی ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ س ۱۳× ۷ و ۱۲×۷ س م.

۲- اوراق : ۴۲۷ ورق . ۸۵۴ صفحه .

۳- کاغذ : ضخیم خاکی رنگ سیالکوتی ، آب رسیده ، اندکی وصالی شده ، جلد مقوایی ضربی منقش باعطف چرمی ، نام صحاف روی جلد اینگونه آمده است : «عمل میرزا عباد الله صحاف ۱۲۷۲» .

۴- خط : نستعلیق و تحریر آمیخته با شکسته ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشانها و سرفصلها شنگرف ، قرن ۱۳ هـ ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

۶- مؤلف : یا (شاعر) و نام «تألیف» و تاریخ آن معلوم نشد ، اما به خط تازه در صفحهٔ اول آمده است : «مسلک المتقین» .

۷- آغاز : افتادگی داشته که به خط تازه نوشته و افزوده اند و اینگونه شروع می شود : «بسم الله الرحمن الرحیم ؛

حمد بی حد ثنای بی اعداد ‌ ‌ به خدایی که نور ایمان داد
غافر است و رحیم و رحمن است ‌ ‌ پاک از عیب و شرک ونقصان است
آن خدایی که تافت از یک مهر ‌ ‌ شرق و غرب زمین و هفت سپهر
ذات پاکی که خود به حکمت پاک ‌ ‌ قبضهٔ خاک را دهد ادراک»

۸- انجام : افتادگی دارد و چنین انجام می یابد :

گرچه با جایزیش حکم شد است ‌ ‌ فوق نا جایزی او هم هست
میکند جالساً رکوع اگر ‌ ‌ کرد در شرح شه حسین خبر
چون مجازی که گشت پیشانیش ‌ ‌ یعنی قدام رکبتین خویش
باکه کرد در رکوع زین حاصل ‌ ‌ داند این مسئله کسی عامل»

۹- چگونگی: موضوع این نسخه «فقه اهل سنت و جماعت» که شامل طهارت و غسل و بیع و شراء و نماز و تیمم و وضو و روزه و میراث و قوانین مربوط به آنها

است . شاعر مآخذی مانند هدایه و وقایه و کنز الدقایق در اختیار داشته و در حقیقت آنها را از عربی به شعر فارسی ترجمه کرده است . تقسیات آن بر اساس «کتاب» و «فصل» است ، مثلاً : «کتاب الصلوة» و «فصل اوقات نماز» . از آغاز و انجام افتادگی داشته که به خط تازه کتابت کرده اند . حمد خدا و نعت حضرت محمد (ص) و مناجات و فصل در بیان عقیدات در آغاز و کتاب «حج» در انجام آمده است وگویا این نسخه جلد دوم دارد . بر وزن «فاعلاتن مفاعلن فعلن یا فعلات» از مزاحفات بحر مسدس خفیف است . و جمعاً در حدود ۱۳۳۰۰ بیت دارد . در بعضی ابیات در وزن سکته و در قوافی عیوب دارد . الفاظ و ترکیبات آن مخصوص سرزمین هند و پاک است و به طور کلی اشعار به سبک پاکستانی یا هندی سروده شده است . در گوشه و کنارهٔ صفحات بعضی یادداشت ها و توضیحات دینی دارد .

۲۹۰ و ۸۹۰
۴۹۵

ناشناخته

[دین و ادب ، عرفان و تصوف ، فارسی و عربی ، منثور و منظوم]

۱- **اندازه** : —بیرونی : ۲٤×۱۸×۳ سم. —درونی : ۱۲ س ۱۷/۵×۱۱ سم .

۲- **اوراق** : ۲٦٤ ورق. ۵۲۸ صفحه.

۳- **کاغذ** : نازک خاکی رنگ هندی ، وصالی شده ، آب دیده ، جلد مقوایی پوسیده خاکی رنگ باعطف چرمی پوسیده قهوه‌یی.

٤- **خط** : نستعلیق و ثلث ، خوانا ، روشن ، پخته ، کلمات عربی معرب (مشکول) ، نشان ها و عنوانها و سرفصلها و خط های افقی رسم شده بر بالای جملات عربی شنگرف ، قرن ۱۳ ھ ق.

۵- **کاتب** : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» معلوم نشد چون از آخر ناقص است.

٦- **مؤلف** : نام مؤلف و تألیف و تاریخ آن معلوم نشد ، در صفحهٔ اول نوشته است : «من کلام عبد الله انصاری علیه الرحمه» و در لابلای جملات و در مقاطع بعضی از اشعار نام «**پیر انصاری**» و «**عبدالله**» آمده است ، مانند «در گوش عبدالله این گفتند» یا :

«پیر انصاری بداد اشک ریزان میروم
آه گویان راه جویان در پناه نیمشب»

۷- **آغاز**: «من کلام عبدالله انصاری علیه الرحمه»، بسم الله الرحمن الرحیم، و به نستعین، حمد بیحد الهی را و درود بیعد پادشاهی را که برداشت از دیدهٔ دلها رمد و رفع السماء بغیر عمل و بگسترانید فرش ثم استوی علی العرش و بقدرت او فهم دور و جعل الظلمات والنور و پدید آوردهٔ دی و بهار و خلق اللیل و النهار».

۸- **انجام**: ناقص است و افتادگی دارد و چنین پایان می یابد: «زیرا که محمد مصطفی (ص) گفت فاتحه الکتاب شفاء کل داء و کافیست گویند زیرا که رسول (ص) گفت: من قرقراء معدد فی الشکر بالنعم‌الله علیه نام حمدش مؤمنان را نام . . . مفتوح قرآن بر نام سبع . . . دو جهات بر نام ام‌القرآن مؤمنان را ثواب همه قرائت بر صلوتش مؤمنان را بصدقات نام شتافته مؤمنان را شفا و ردگناهانست بر نام واقته مؤمنان را وفای عهد و پیمان».

۹- **چگونگی**: این نسخه حاوی مطالب ارزندهٔ عرفانی و نکات دقیق ادبی و اشعار دلاویز و دو بیتی های روح پرور است. نثر فارسی آن روان و آمیخته با آیات قرآنی و احادیث و کلمات مشایخ است. در لابلای جملات به نام «پیر انصاری» و «عبدالله» بر می خوریم. تقسیمات آن بر اساس موضوعاتی است که مؤلف برگزیده است، مانند: «حکایت». اشعار این نسخه عبارت است از: دوبیتی، رباعی، مثنوی، قطعه. در صفحات ضمیمهٔ آخر چند یادداشت عرفانی به نظم و نثر آمده است که اسامی بسیاری از مشایخ را بصورت مناجات در بر دارد، مانند: یا شیخ محمد شعیب، یا شیخ احمد ملتانی، یا شیخ شاه دولای گجراتی، یک یادداشت برای «میرزا عصمت الله خان زادهٔ میر خانجی» نوشته شده است.

۴۹۰
۵۰۹

ناشناخته

[زبانشناسی، تجوید و قرائت قرآن، عربی، منثور]

۱- **اندازه**: —بیرونی: ۳×۱۳×۲۳/۵ سم. —درونی: ۱۵ س ۱۷/۵×۷/۵ سم.

۲- **اوراق**: ۱۴۴ ورق. ۲۹۸ صفحه.

۳- **کاغذ** : ضخیم زرد تیره رنگ کشمیری ، اوراق شده ، سابیده شده ، جلد مقوایی خاکی رنگ و اطراف چرمی و بدون عطف.

٤- **خط** : نستعلیق عربی شکسته آمیز ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشان ها و سرفصلها شنگرف ، قرن ۱۲ ﻫ ق.

۵- **کاتب** : نام «کاتب» و «تارخ کتابت» ندارد.

٦- **مؤلف** : نام «مؤلف» و «تألیف» و «تاریخ» آن معلوم نشد.

۷- **آغاز** : «بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله المفتح کلامه بحمده ، المحرب الالسنه به لطفاً من عنده المستنطق مقاول النکر علی حوائک فکره المستغرق خصائل الشکر فی طوایل و شرایف صلواته علی نبیه و عبده، الواقی بعهدة عهده الباذل نهایه جهده فی هدایه جهده و علی آله القائمین».

۸- **انجام** : «سورة الفلق مکیه قیل مدنیه خمس آیات بسم الله الرحمن الرحیم ، الفلق، ما خلق ، و قب ، العقد ، حسد ، سورة الناس مکیه قیل مدنیه ست آیه بسم الله الرحمن الرحیم الناس. الناس ، الناس ، الخناس ، الناس و الناس و التوفیق و العفو من الله تعالی و الصلوة علی رسوله محمد و آله اجمعین».

۹- **چگونگی**: موضوع این نسخه در «علم‌قرائت قرآن» است. تقسیمات آن بر اساس سوره‌های قرآن است . نخست تعداد آیات هر سوره و سپس مکی و مدنی بودن آنرا بیان می دارد. کلمهٔ آخر هر آیه را آورده و بدین وسیله تعداد آیات هر سوره را جدا گانه به دست داده است. مثلاً: سورة الاخلاص به تعدادکلمات آخر آیات آن ، ٤ آیه دارد : «الرحیم ، احد ، الصمد ، احد». قرائت هر کلمه و خواص صرف و نحوی و کلامی و معانی و بیان آنرا جدا گانه به دست داده است. اسامی قاریان و صاحب نظران علوم قرآنی در جای جای نسخه آمده است. در صفحهٔ اول و دوم به خط تازه نوشته است : «الجزء الاول کتاب مدلل فی علم القرائت مالکه فقیر سعد الدین لاهوری ». در گوشه و کنار صفحات بعضی یادداشت های قرآنی و در آخر سه صفحه دربارهٔ علم قرائت قرآن آمده است.

۲۹۰
٥٧٧

نافع المسلمين

[دین ، فقه و فرایض ، فارسی و عربی ، منثور]

١- اندازه : —بیرونی : ۲۲×۱۳×۲/٥ سم. —درونی : ۱۱ س ۱۷/٥×۱۰ سم.

۲- اوراق : ۱۰۲ ورق. ۲۰٤ صفحه.

۳- کاغذ : نازک خاکی زرد رنگ لاهوری ، اندکی آب رسیده ، جلد مقوایی و چرمی سیاه رنگ.

٤- خط : نستعلیق ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سر فصل‌ها و نشانها و خط های افقی رسم شده بر بالای جملات و الفاظ شنگرف ، قرن ۱۲ ﻫ ق.

٥- کاتب : نام« کاتب» و تاریخ کتابت ندارد. در پایان نسخه اینگونه آمده است : «تمام شد کتاب نافع المسلمین روز سه شنبه به تاریخ ماه سلخ به جهت پاسخاطر محمد رمضان تحریر نموده شده.

هر که خواند دعا طمع دارم زانکه من بندهٔ گنه کارم
نوشته بماند سیه بر سفید نویسنده را نیست فردا امید

تم (٥ بار) شد.

٦- مؤلف : «عبدالسلام ابن عبدالعزیز لاهوری» ، نام تألیف : «نافع المسلمین» ، تاریخ تألیف معلوم نشد. در صفحهٔ ۳ چنین آمده است : «می گوید بندهٔ دعا گوی مسلمانان عبدالسلام ابن عبدالعزیز لاهوری الراجی الی رحمهٔ الرحمن . . . که مسائل چند از مشهور و نادرات مشعر از حدیثات و حکایات از کتب معتبره جمع کرده . . . و نام این رساله نافع المسلمین نهاده شد».

۷- آغاز : «رب یسر ، بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر ، حمد بیحد مر خالقی را که وجود انسان را با حسن صورت آفریده و فرمود لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم و بر تخت خلافت به توقیع انی جٰعل فی الارض خلیفهٔ رسانید».

۸- انجام : «اگر مسافر راه گم کند این دعا را بخواند یا عبادالله المخلصین اعینونی و در شرعهٔ الاسلام مذکور است کسی که راه گم کند مستحب است که بانگنماز گوید راه یابد و اگر مسافر راه گم کرده باشد و یکباره سورهٔ یسین بخواند برکت سورهٔ یسین باز یابد تمت».

۹- **چگونگی:** این نسخه در مسائل فقهی و سؤال و جواب فریضه‌یی است که به زبان فارسی مخصوص سرزمین پاک و هند و بر اساس عقیدهٔ اهل سنت جاعت تألیف شده. تقسیمات آن بر پایهٔ «سؤال» و «جواب» قرار دارد : «سؤال، فرض بر چند نوع است ؟ جواب : چهار وجه است . . . ». سهوالقلم کاتب و غلط های انشایی دارد. یادداشتهای فقهی و دینی در گوشه و کنارهٔ صفحات دارد. در صفحهٔ اول مطالبی دربارهٔ وضع حمل زنان از لحاظ نجومی آمده است. در صفحات آخر مطالبی دربارهٔ ثواب و عقاب طی روز و ماه و سال کتابت شده است. نشان چند مهر دارد که خوانده نشد.

۸۹۰
۵۳۶

نزهة الارواح

[ادب ، عرفان و تصوف ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- **اندازه :** —بیرونی : ۱۸/۵ × ۱۰ × ۱/۷ س‌م. —درونی: ۱۵ س ۱۴/۵ × ۷ س م .

۲- **اوراق :** ۱۰۹ ورق . ۲۱۸ صفحه .

۳- **کاغذ :** نازک زرد تیره رنگ هندی ، آب دیده ، وصالی شده ، پوسیده ، جلد مقوایی ملون باعطف و گوشهٔ چرمی قهوه یی رنگ .

۴- **خط :** نستعلیق و تحریر ، خوانا ، روشن ، عنوانها و نشانها و سرفصلها و جملات عربی به شنگرف ، قرن ۱۰ ه ق .

۵- **کاتب :** نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

۶- **مؤلف :** «حسین بن عالم بن ابی الحسن الحسینی هروی غوری متوفی ۷۱۷ یا ۷۱۸ ه ق» نام تألیف : «نزهة الارواح» ، تاریخ تألیف : «۷۱۱ ه ق» : (رک : فهرست نسخه های خطی فارسی بریتیش میوزیم ، ج ۱ ، ص ۴۰ و ج ۲ ، ص ۸۶۱ ، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی ، ص ۱۶۹) . در صفحهٔ ۲۱۵ این نسخه چنین آمده است:

«به یک رشته ز دریای تفکر کشیدم نظم را با نثر چون در
بسی معنی حقیقت یابی ای دوست که پنهان کرده‌ام در زیر این پوست
در آن ساعت که می کردم تمامش نهادم نزهة الارواح نامش

چنین گوید مصنف این بدایع و لطایف و مؤلف این غرایب و ظرایف فقیر

حقیر حسین بن عالم ابن الحسن الحسینی» .

۷- **آغاز** : افتادگی دارد و ناقص است و اینگونه آغاز می شود :

«سگ اصحاب کهف روزی چند پی نیکان گرفت و مردم شد

تمثیل دیگر بشنو ، بیت :

مور مسکین هوس داشت در کعبه رسد
دست در پای کبوتر زده ناگه رسید

بس بدانکه صحبت شرط است که قال النبی صلی الله علیه وسلم : الرفیق و ثم الطریق ، چنانکه بزرگی گفته است ، مثنوی :

کور هرکز کی تواند رفت راست بی عصاکش کور را رفتن خطاست»

۸- **انجام** : «امیدست که در حریم قلوب صدور محترم یعنی شاهان جهان پناه که مقربان حضرت الله اند و آیت رجال «لا تلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکر الله و رجال صدقوا ما عاهدوا و الله علیه و رجال یحبون ان یتطهروا» صفت حال ایشان است که بیان سند قبولیت محرمیت یابند و از دیدهٔ نا پسندیده باحفاظ که «یحرفون الکلم عن مواضعه و یراؤن الناس یذکرون الله الا قلیلاً» از حال ایشان خبر می دهد محفوظ انشاء الله تعالی تمت الکتاب بعون الملک الوهاب فی یوم اربع سنه الف سی . . . فی مقام برهان پور تم تم تم تم» .

۹- **چگونگی**: موضوع این نسخه «ادب و عرفان و تصوف» است و «سیر و سلوک و طریقهٔ مریدی و مرادی و شاگردی و مرشدی» را باز می گوید و آمیخته‌یی است از نظم و نثر شیوا و شیرین و جاذب و همانگونه که مصنف فرموده است از بدایع و لطایف و غرایب و ظرایف و اشعار دلاویز پیران طریقت و سخنان حکمت آمیز مشایخ و آیات قرآن و احادیث نبوی مشحون است . نزههٔ الارواح راگاهی کتاب«سلوک» می گویند و بدین جهت روی صفحهٔ اول کتابت شده : «کتاب سلوک» . تقسیمات آن بر اساس «فصل» و «حکایت» و جمعاً «۲۸ فصل» و چند حکایت دارد . فارسی آن روان و ساده و از لحاظ انشایی خوب است . سهو القلم کاتب اندک دارد. نزههٔ الارواح چاپ شده و نسخ خطی آن فراوان است .

۹۵۰
———
٤۹٦

نسب نامهٔ خواجگان

[تاریخ ، فارسی ، منثور]

۱- اندازه : —بیرونی: ۲۱×۱۲×۱ س‌م . —درونی: ۱۱س ۱۷×۷/۵ و ۱۵×۷ س‌م.

۲- اوراق : ۸٦ ورق . ۱۷۲ صفحه .

۳- کاغذ : نازک حنایی رنگ هندی و سفید رنگ کشمیری ، اندکی وصالی شده ، جلد مقوایی سبز گون باعطف و گوشهٔ پارچه یی کبود رنگ .

٤- خط : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، جدولهای کنارهٔ صفحات ۲ خطی شنگرف و یک خطی سبز رنگ . قرن ۱۳ ه ق .

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

٦- مؤلف : «**عبدالحی ابن ابوالفتح الحسینی**» ، تاریخ و نام تألیف معلوم نشد ، اما ظاهراً از مطالعهٔ آن چنان بر می آید که «**نسب نامهٔ خواجگان**» یا «**شجره نامهٔ سلسلهٔ نقشبندیه**» است . در صفحهٔ ٦ و ۱۱ چنین آمده است : «اما بعد بر ضمایر خورشید نظایر طالبان و محبان و معتقدان خاندان سلسلهٔ خواجگان . . . پوشیده نماند که . . . کسی که از حقیقت انساب ایشان آگاهی داشته باشد درین سلسلهٔ عالیه نمانده بود فقیر الحقیر کثیر التقصیر عبد الحی ابن ابوالفتح الحسینی . . . خواست که در بیابان نسب چیزی از نسب ایشان نویسد تا مردم ایشان را بدانند» .

۷- آغاز : «رب یسر و تمم بالخیر و به نستعین ، بسم الله الرحمن الرحیم ، حمدی که از احاطهٔ ادراک و ثنایی که از شمار انجم افلاک افزون حکیمی را سزاوار است که نفس اماره از وسوسهٔ شیطان و ظلمت عصیان رهانیده بظهور انوار معرفت یقین بحلاوت ذکر مطمئن گردانیده از سخن دنیا و عقبی با علی علیین عروهٔ و ثقی بر آورد» .

۷- انجام : «خواجه قاسم در سن هفت سالگی از دار فانی بدار باقی رحلت نمودند و خواجه حمید خان نیز در ایام صغر سن بجوار رحمت الهی پیوستند و سه دختر ماندند اولیا بیگم و فاطمه بیگم و فضیلت النسا بیگم اینها را خدا زنده دارد تمت تمام شد» .

۶- چگونگی: این نسخه در موضوع «نسب نامه» یا «شجره نامه» است و مؤلف آنرا «نسب نامهٔ سلسلهٔ خواجگان» نامیده است. از «خواجه ناصر الدین عبید الله الاحرار» آغاز می گردد و به خواجه قاسم و خواجه حمید خان پایان می یابد. تقسیمات آن بر اساس نامهای خواجگان است یعنی از نام های قدیم آغاز می کند و به آنان که در عهد مؤلف این نسخه زنده بوده اند می رسد. نامها را به طور کامل می آورد و در بعضی جای ها تاریخ ولادت و وفات و یا یکی از این دو را می آورد، مثلاً: «حضرت نواب دلیر جنگ سیف الدوله بتاریخ نهم شهر ربیع الثانی سنهٔ یکهزار و یکصد و پنجاه از هجرت . . . بجوار رحمت پروردگار پیوستند. نثر فارسی آن آمیخته با اشعار فارسی و آیات قرآنی و کلمات مشایخ و خواجگان است. در آغاز و انجام و اواسط نسخه بعضی یادداشت های تاریخی و دعایی آمده است. در این نسخه بیشتر از خواجگان سلسلهٔ نقشبندیه نام می برد. دو رباعی در آخر آمده است که نوشته است از «خیام»:

«دی طفلک خاک بیز غربال بدست   میزد بدو دست روی خود رامیخست
میگفت بهای های وافسوس و افسوس   دیدی که نه بیختیم و غربال شکست»

۸۹۰ و ۰۴۰
۴۹۰

نصاب صبیان

[مراجع و ادب، فارسی و عربی، منظوم]

۱- اندازه : بیرونی : ۲۰ × ۱۳ × ۵/. س‌م. درونی : ۹ س ۱۵ × ۹ س م.

۲- اوراق : ۵۶ ورق. ۱۱۲ صفحه.

۳- کاغذ : نازک خاکستری رنگ سپاهانی، اندکی موش خورده، بدون جلد.

۴- خط : نستعلیق، خوانا، روشن، نشانها و عنوانها و سر فصلها و خط های افقی رسم شده بربالای کلمات شنگرف، یک سر لوح ساده ملون در آغاز، جدولهای ۵ خطی کنارهٔ متن زرد و سیاه و سرخ و جدول یک خطی کنارهٔ بیرونی صفحات سیاه، قرن ۱۳ ه ق.

۵- کاتب : «مجتبا علی آخندزاده» ، تاریخ کتابت : « ۱۲۷۷ هـ ق» : «تمام شد کتاب نصاب در تاریخ بیستم شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۲۷۷ یکهزار و دو صد و هفت بود که نوشته شد بدست خط مجتبا علی آخند زاده در یوم یکشنبه ربیع الثانی».

۶- مؤلف : « ابو نصر فراهی » که نام کامل او « ابو نصر بدرالدین محمود بن ابوبکر بن حسن بن جعفر فراهی» است . نام تألیف: «نصاب الصبیان» ، تاریخ تألیف معلوم نشد و لیکن بفرمان نظام‌الملک حسن وزیر بهرامشاه لو سروده شده است. در صفحه ۲ و ۳ چنین آمده است :

«همی گوید ابو نصر فراهی نصاب من بخوان گر علم خواهی و خواندن این نسخه هر کسی را رغبت افتد و چون این مجموع دویست و بیست بیت آمد آنرا نصاب صبیان نام نهادیم».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

ز بعد از حمد توحید آلهی درود مصطفی خیر الوراهی
همی گوید ابو نصر فراهی نصاب من بخوان گر علم خواهی

حسده حافده و حفده حاسده ما حرکت شهال نخل دقیق و تحریک شهال نخل دقیق که چون صبیان را پس از لغت عرب رغبت می افتد باشعار فارسی خوش آمدن شعر».

۸- انجام : عجز است و درک چو ردف شیرین مثل و کفو است شبه مذ همتا
ناس و انس و اناس آدمیان پدر و مادر آدم و حوا
خس چه کاهو سعتر آویشن می نویسند دوخ را حلفا
تمت تمام شد ، کار من نظام شد.
هر که خواند دوعا طمع دارم زانکه من بندهٔ گناه کارم»

۹- چگونگی: موضوع این نسخه «لغت عربی به فارسی» است و از کتابهای لغوی منظوم درسی است. جمعاً ۲۲۰ بیت دارد و به چند بخش تقسیم می گردد و در حدود یک هزار لغت عربی را به زبان فارسی دارد. هر لفظ با حرف «ع» یا «ف» نشانه گذاری شده در نتیجه عربی و فارسی بودن آن معلوم شده است . درمیان سطرها و گوشه و کنارهٔ صفحات یادداشتهای ادبی و لغوی آمده است. نصاب صبیان را تاکنون بارها شرح کرده اند و چندین بار چاپ شده و نسخ خطی آن هم فراوان است.

۸۵۰ و ۹۵۰
۳۳۵

نفحات الانس من حضرات القدس

[تاریخ وادب ، عرفان و تصوف ، فارسی ، منظوم و منثور]

۱- اندازه : —بیرونی : ۳۰/۵×۱۲×۴/۵ سم. —درونی : ۱۹س ۲۰/۵×۱۱/۵سم.

۲- اوراق : ۳۶۱ ورق. ۷۲۲ صفحه.

۳- کاغذ : ضخیم زرد تیره رنگ کشمیری ، اندکی کرم خورده ، وصالی شده ، آب رسیده ، جلد مقوایی سبز گون باعطف پارچه یی سیاه.

۴- خط : نستعلیق خوش جلی ، روشن ، خوانا ، پخته ، در آغاز یک سر لوح خوش نقش ، عنوانها و نشانها و سر فصلها شنگرف خوش رنگ ، جدول در کنارهٔ صفحات شش خطی زرد و سیاه ، و سرخ و زرین ، قرن ۱۰ھ ق.

۵- کاتب : نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶- مؤلف : «مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی ۸۱۷-۸۹۷ھ ق»، نام تألیف: «نفحات الانس من حضرات القدس» ، تاریخ تألیف: «۸۸۱ تا ۸۸۳ھ ق»: «اما بعد میگوید پای شکستهٔ زاویهٔ خمول و گمنامی عبدالرحمن بن الاحمد الجامی . . . که شیخ امام عالم عارف ابو عبدالرحمن محمد بن حسین السلمی نیشابوری . . . کتابی جمع کرده است و آنرا طبقات الصوفیه نام نهاده . . . امیر نظام الدین علی شیر . . . ازین فقیر . . . استدعا کرد . . . که این جمع و تألیف را که بجهت اشتمال بر نفحات انفاس طیبهٔ مشایخ که از حظایر قدس رسیده . . . بنفحات الانس من حضرات القدس مسمی می گردد(ص۳ و ۴).
این نسخه مقتبس ز انفاس کرام کزوی نفحات انست آید بمشام
از هجرت خیر بشر و فخر انام در هشتصدوهشتاد و سیم گشت تمام».

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله الذی هو مرائی قلوب اولیایه مجالی جمال وجهه الکریم والاح منها علی صفایح و جوههم لوایح نوره القدیم فصاروا بحیث اذا رؤا ذکر الله و الصلوة و السلام علی افضل من ارتفع حجب الکون عن بصر بصائرهم و انکشف سرسریان وجوده الساری فی الکل علی سرایرهم فما راوا فی الوجود الا اماه و علی آله الطیبین و اصحابه الطاهرین و علی من تبعهم اجمعین الی یوم الدین اما بعد میگوید».

۸- انجام : «یکدم از طرف در و دیوار شان منشین که هست
صد گشایش از در و صد پشتی از دیوار شان
کار شان جز نفی ذات و وصف فعل خویش نیست
ای خدا چبود که جامی را کنی در کارشان

رباعیهٔ فی تاریخ اتمامه :
این نسخهٔ مقتبس ز انفاس کرام کزوی نفحات انست آید بمشام
از هجرت خیر بشر و فخر انام در هشتصد و هشتاد و سیم گشت تمام

و الحمد لله علی الاتمام و الصلوة علی خیر الانام و آله البررة الاکرام و السلام قد اتفق اتمام کتابهٔ هذا الکتاب الشریف المسمی بنفحات الانس من حضرات القدس الهی و سیدی و مولائی بحیک الاولیائک و حب اولیایک لک ان یشفعنی بمحبتک و معرفتک و لا تکلمنی الی طرفهٔ عین و الحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً تم تم تم».

۹- چگونگی: موضوع «نفحات الانس من حضرات القدس» در بیان اخلاق و احوال و عادات و مقامات و سخنان و کردارهای عرفا و متصوفه است و مأخذ آن «طبقات الصوفیه ابو عبدالرحمن محمد بن حسین السلمی نیشابوری» بوده است و آنرا ابو اسماعیل عبید الله بن محمد الانصاری الترقابی در مجالس و مجامع تذکیر و مواعظت املا فرموده و سخنانی دیگر از مشایخ دیگر برآن افزوده است. و یکی از مریدان آنرا جمع می کرده و در قید کتابی می آورده است و لیکن به «زبان هروی قدیم که در آن عهد معهود بوده» نوشته بوده است. در تاریخ ۸۸۱هـ ق امیر علی شیر نوایی از جامی استدعا کرده که آن کتاب را با انشای تازه و سبک و روشی بهتر تحریر کند و آنچه که از آن گم شده و فراموش شده برآن بیفزاید. جامی در مدت سه سال (۸۸۱-۸۸۳هـ ق) نفحات الانس را تحریر کرده است و شرح احوال و مقامات و معارف و کرامات و تاریخ ولادت و وفات عارفان و صوفیان و اولیا را در آن آورده است. تقسیمات آن بر اساس مطالبی است که عنوان شده است. مثلاً : «تمهید فی القول فی الولایهٔ والولی ، القول فی المعرفت و العارف و المتعرف والجاهل ، القول فی معرفت الصوفی و المتصوف و الملامتی و الفقیر ، القول فی التوحید و مراتبه ، ذوالنون مصری ، خواجه ابو احمد ابدال چشتی ، امیر حسینی ،

شمس الدین محمد الحافظ شیرازی» . نام هر عارف را در صدر هر گفتار قرار داده و آنرا شرح و توضیح کرده است. در آخر ، زنان عارف را نیز آورده است. متن نسخه آمیخته یی است با نظم و نثر و نیز از جملات و کلمات و عبارات مشایخ و آیات قرآن و احادیث استفاده کرده است. در آغاز و انجام و در کناره های صفحات این نسخهٔ بعضی یادداشت ها و توضیحات و از یاد رفته ها افزوده شده است. در صفحهٔ اول این یادداشتها را می خوانیم :

«اکسیر مرحمت‌مس مارا طلانساخت   سیماب بی قراری ما بی قرار ماند
قانع کسی که‌شدبکفش‌خاک‌هم‌زراست   سیماب نفس هر که کشد کیمیا گر است

در بلدهٔ لاهور بتاریخ پنجم شوال سنهٔ ۱۱۰۹ فقیر حقیر راجی الی رحمهٔ الله القدیر غلامعلی ابن دوست محمد . . . (محو شده)» . چند نشان مهر داشته که همه را محو کرده اند. «بندهٔ شرمنده احسان ایزدمنان از عمری در تکاپوی خرید نسخهٔ نفحات بود . . . هنگام مطالعه در بعضی جاها سهو ناسخ معلوم شد الحمد لله که نصف از آن که بنا بر تفرقهٔ سفر ضروری باقی مانده انشاء الله تعالی و بعونه جل و علا نظر . . . و الا دیگری بسعادت این کرامت بهره اندوز خواهد شد ،

گرزنده ام صحیح بتوفیق حق کنم . . .   یک حرف‌محبت چودراین سینه کند جا
حقا که هر دو دیده ز خون جگر . . . کنم»

متأسفانه این یادداشت به علت وصالی مخدوش شده است. نفحات الانس در ایران و هند و پاکستان چاپ شده است. این نسخه چنان بنظر می رسد که در عصر مؤلف کتابت شده باشد زیرا بعضی مختصات رسم الخط و املا مؤید این مدعا است.

۸۹۰/۵۴۵ نفحات الانس من حضرات القدس

[ادب و تاریخ ، عرفان و تصوف ، فارسی ، منظوم و منثور]

۱- اندازه : ــ بیرونی ۲۴ × ۱۵ × ٤ سم . ــ درونی : ۲۶ س ۱۷ × ۹ سم .
۲- اوراق : ۲۶۷ ورق . ٤۵٤ صفحه .
۳- کاغذ : نازک نخودی رنگ سمرقندی ، آب رسیده ، کرم خورده ، اندکی وصالی شده ،

پوسیده ، جلد مقوایی و چرمی پوسیده ، منقش رویهٔ درونی جلد ترنج و کتیبهٔ هنری زیبا .

۴- **خط** : ثلث خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سر فصلها و نشان ها شنگرف ، جدولهای ۳ خطی بیرونی صفحات سیاه و زرین و جدولهای ۸ خطی کنارهٔ متن سیاه و زرین شنگرف و لاجوردی ، و جدولهای ۲ خطی عنوانها و سر فصلها و در فواصل ابیات و یادداشت ها سیاه و شنگرف ، قرن ۱۰ ﻫ ق . در آغاز فهرست مطالب و در آغاز متن هر کدام یک لوح زیبا در زمینهٔ زرین و کتابه های جالب و ارزنده .

۵- **کاتب** : **عبد المجید بن میران سیدالله دین خواند میر**» ، تاریخ کتابت: «**۱۰۱۵ ﻫ ق**» . در صفحهٔ ۴۵۴ چنین آمده است: «و اتفق اتمام کتابهٔ هذ الکتاب بعون حضرت ملک الوهاب علی ید العبد المفتقر الی رحمهٔ ربه القوی الغنی عبدالمجید بن میران سید الله دین بن معز الدین احمد بن عادل محمد بن جهان شاه بن قاسم بن قطب‌الدین بن قطب‌الدین بن خواند میر ابن راجا بن تاج الدین بن فخر الدین بن حسن الحسینی غفر الله ذنوبها و ستر عیوبها فی یوم الجمعهٔ الثامن فی شهر ربیع الاول سنهٔ هزار و پانزده در بلدهٔ سلطنهٔ آگره صانها الله عن الآفات و العاهات و امید می دارد که در زمرهٔ شفیعان آنحضرت مشفوع گردد اللهم اغفر لصاحبه و لکاتبه و لجمیع المسلمین و المسلمات» .

۶- **مؤلف** : «**مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی ۸۱۷-۸۹۷ ﻫ ق**» ، نام تألیف : «نفحات الانس من حضرات القدس» ، تاریخ تألیف : «**۸۸۳ ﻫ ق**» (رک : نفحات الانس من حضرات القدس ۸۹۰/۳۳۵) .

۷- **آغاز** : «نفحات الانس الحمد لله الذی جعل مراهی قلوب اولیائه ، مجالی جمال وجهه الکریم ، و الاح منها علی صفائح و جوههم لوائح نوره القدیم ، فصاروا بحیث اذا راوا ذکر الله و الصلوة علی افضل من ارتفع حجب الکون ، علی بصر بصائرهم ، و انکشف سر سریان وجود الساری فی الکل علی سرایرهم فما راوا فی الوجود الا ایاه و علی آله الطیبین و اصحابه الطاهرین و علی من تبعهم و تبع تابعیهم اجمعین . الی یوم الدین اما بعد میگوید پای شکستهٔ زاویهٔ خمول و گم نامی عبد الرحمن بن احمد الجامی»

۸- انجام : «کارشان جز نفی ذات و وصف و فعل خویش نیست
ای خدا چه بود که جامی را کنی در کارشان

رباعیه فی تاریخ اتمامه :

این نسخهٔ مقتبس ز انفاس کرام کزوی نفحاتانست آید به مشام
از هجرت خیر بشر و فخر انام درهشتصد وهشتاد و سیم گشت تمام

و الحمد لله علی الاتمام و الصلوة علی خیر الانام و آله البررة الکرام و السلام اینست آخر آنچه مفیض خیر و ملهم صواب توفیق ایراد آن دارد در طی این کتاب امیدست که چون مطالعه کنندگان بر مضمون این مطلع شوند واز ادراک معانی آن منتفع گردند باعث و متصدی این جمع و تألیف را بدعای خیرورحمت یاد کنند و باستدعاء فضل و مکرمت امداد نمایند، شعر:

لک الحمد و الشکر یا ذالجلال که وصف تمامی گرفت این مقال
در آن وقتم اتمامی آن دست داد که «تممته» بود تاریخ سال
خدایا تو آنسرور انبیا کزو یافت طور نبوت کمال
بصحب وبآلش که برکس نتافت فروغ هدی جز بآن صحب و بآل
با تباع و اتباع اتباعشان مقدم نشینان صف رجال
که در کام جامی لب تشنه ریز ز خمخانهٔ عشقشان یک سفال
بآن جرعه بستان چنان از خودش که افتد ز خود بیخبر لا یزال
درآن بیخودی باز گشتنش تو باش که حسن المابی و نعم المآل»

۹- چگونگی: این نسخهٔ «نفحات الانس من حضرات القدس» به خط یکی از. احفاد «خواند میر» مؤلف تاریخ معروف حبیب السیر است که در ۱۰۱۵ ه ق کتابت شده است. در گوشه و کنار صفحات این نسخه به خط کاتب متن یادداشت-های لغوی و ادبی و عرفانی آمده است که به طرزی بدیع در جدولهای زیباجای داده شده اند و در زیر اغلب این یادداشت ها جملات «منه مدظله» و «منه قدس سره» که معلوم می دارد در بخشی از نقل یادداشت ها ، گویندهٔ آنها زنده بوده است و در بخشی دیگر درگذشته است. نویسنده وگردآورندهٔ یادداشتها «عبد الغفور اللاری» و گوینده یا تقریر کنندهٔ و یا درخواست کنندهٔ یادداشت ها در جایی «مخدوم زاده» و در جایی «یوسف» آمده است که معلوم

می دارد «ضیاء الدین یوسف» فرزند جامی است که بنا بر مشهور به خواهش او این یادداشت ها توسط عبد الغفور لاری متوفی ۹۱۲ بر این نسخه کتابت شده است . خلاصه این که بنا بر قول عبد الغفور اللاری ، کلیه یادداشت ها از زبان و بیان و جامی است که توسط یکی از نوه های وی نقل شده است . این یادداشت ها ارزش بسیار دارند و گویا نخست می بایستی به صورت تکمله یا تعلیقه در پایان نسخه در آید که فرصت برای کاتب دست نداده است . حرف «ع» در زیر اکثر یادداشت آمده است که شاید رمز نام «کاتب» باشد . فهرست مطالب نسخه در ۱۷ صفحه به روشی زیبا و مجدول در آغاز آمده است . در صفحهٔ اول نشان دو نوع مهر دیده می شود که هر دو اینگونه خوانده می شوند : «نهال باغ محمد اسحق اعظم شاه ۱۱۶۸» . این یادداشت هم در همین صفحه آمده است: «این کتاب اعظم شاه ولد اخون اسحق مرحوم است . . . مبلغ پانزده روپیه». یک رساله به خط تازه و ناپخته در صرف و نحو عربی به زبان فارسی در ١٤ صفحه (۷ ورق) در آغاز، و یک رسالهٔ ناقص الآخر در شرح مشکلات «بدیع المیزان» در علم منطق در ۱۲ صفحه به زبان عربی، و در آخر نسخه رساله‌یی با خط تحریر تازه ضمیمه شده است که معروف به «حاشیهٔ ملا جلال است» : شارح «ابی الغوی جلال ابن بقر الخبابی» نام دارد .

نفحات الانس من حضرات القدس

۸۹۰ و ۹۵۰ / ۵۲۲

[تاریخ و ادب ، عرفان و تصوف ، فارسی ، منثور و منظوم]

۱- اندازه : —بیرونی : ٢٤×۱۵×۵ س م . —درونی : ۱۷ س ۱۵×۸ س م.

۲- اوراق : ٤٢٥ ورق . ۸۵۰ صفحه .

۳- کاغذ : نازک زرد تیره رنگ کشمیری یا جهانگیری ، کرم خورده ، وصالی شده ، آب رسیده ، جلد مقوایی و پارچه‌یی بنفش رنگ .

٤- خط : نستعلیق خوش، پخته ، روشن ، خوانا، عنوانها و نشان‌ها و سرفصلها و اسامی اعلام شنگرف ، در آغاز یک سر لوح ساده ، جدول های ۳ خطی کنارهٔ متن

سرخ و لاجوردی، جدول یک خطی کنارهٔ بیرونی صفحه لاجوردی. قرن ۱۱ هق.

۵- **کاتب :** نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد .

۶- **مؤلف :** «**مولانا نور الدین عبد الرحمن جامی ۸۱۷-۸۹۷ ه ق**» ، نام تألیف : «**نفحات الانس جامی**»، تاریخ تألیف: «**۸۸۳ ه ق**». (رک: نفحات الانس جامی ۳۳۵/ ۸۹۰ و ۹۵۰) .

۷- **آغاز :** بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله الذی جعل مرائی قلوب اولیایه مجالی جمال وجهه الکریم و الاح منها علی صفایح وجوههم لوایح نوره القدیم فصاروا بحیث اذا راو ذکر الله و الصلواة علی افضل من ارتفع حجب الکون عن بصر بصایرهم و انکشف سر سرایان وجوده الساری فی الکل علی سرایرهم فما راو فی الوجود الا ایاه و علی آله الطیبین و اصحابه الطاهرین و علی من تبعهم و لتبع تابعهم اجمعین الی یوم الدین اما بعد می گوید های شکستهٔ زاویهٔ خمول و گمنامی عبد الرحمن بن الاحمد الجامی» .

۸- **انجام :** «یکدم از طوف درو دیوار شان منشین که هست
صد گشایش از در و صد پشتی از دیوار شان
کارشان جز نفی ذات و وصف فعل خویش نیست
ای خدا چه بود که جامی راکنی در کار شان»

رباعیه :

این نامهٔ مقتبس ز انفاس کرام کز وی نفحات انست آید به مشام
در هجرت خیر بشر و فخر انام در هشتصد و هشتاد و سیوم گشت تمام

و الحمد لله علی الاتمام و الصلوات علی خیر الانام و آله البررة الکرام» .

۹- **چگونگی:** این نسخه به خط خوش کتابت شده است . در کنارهٔ صفحات از دیگر آثار جامی مانند سلسلة الذهب یادداشت هایی آورده شده است . فهرست همهٔ مندرجات در آغاز متن به خط تازه و در جدول بندی جالبی در ۱۶ صفحه آمده است ، شرح حال جامی از تذکره های دیگر : «فهرست اولیا» ، «کتاب ابواب سعبه» و «رشحات» آورده شده ، و شجرهٔ منظوم و منثور قادریه در صفحات آغاز آمده و نوشته است که از سفینة الاولیاء محمد دارا شکوه نقل شده است .

۲۹۰
۳۱۳

نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص

[دین ، عرفان و تصوف ، عربی و فارسی ، منثور و منظوم]

۱- **اندازه** : —بیرونی : ۲٤×۱۵×۲/۵ سم . —درونی : ۱۷ س ۱۸/۵×۱۰ سم .

۲- **اوراق** : ۱۳۵ ورق . ۲۷۰ صفحه .

۳- **کاغذ** : نازک زردگون و سفید رنگ سیالکوتی ، اندکی آب دیده ، وصالی شده ، جلد مقوایی باعطف پارچهٔ بی سیاه پوشیده .

٤- **خط** : نستعلیق متوسط خوش (متن فارسی) و ثلث متوسط خوش (متن عربی) . روشن ، خوانا ، پخته ، عنوانها و نشان ها و سرفصلها شنگرف و خطوط رسم شده بالای جملات شواهد شنگرف و سیاه ، قرن ۱۳ ه ق .

۵- **کاتب** : «**محمد حسین**» ، تاریخ کتابت : «**۱۲۶۲ ه ق**» . در صفحهٔ ۲۷۰ چنین آمده است : «باتمام رسید و باختتام انجامید تسوید این رسالهٔ شریفه و تشیید این مقالهٔ لطیفه مسمی بنقد نصوص فی شرح نقش الفصوص از دست فقیر محمد حسین غفر الله له ولوالدیه و احسن الیهما و الیه در تونسهٔ شریفه زاد ها الله شرفاً بتاریخ بیست و پنجم شهر شعبان المعظم سنهٔ ۱۲۶۲ هجری مقدس وقت عصر بپاس خاطر عاطر مشفقی ام مولوی فیض بخش صاحب سلمه الله تعالی ، تم» (۱۰ بار شنگرف و سیاه).

۶- **مؤلف** : یا (شارح): «**مولانا نورالدین عبدالرحمن بن احمد الجامی**» (۸۱۷—۸۹۷ ه ق)، نام تألیف یا شرح : «**نقد النصوص**» یا «**نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص**» ، تاریخ شرح : «**۸۶۳ ه ق**» . در صفحهٔ ۲۶۹ چنین آمده است : «فارغ شد از جمع این فواید و نظم این فراید پائی شکستهٔ زاویهٔ خمول و گم نامی عبد الرحمن بن احمد الجامی و نقد الله .

نَنمود بچشم اهل ایقان جز نقش فصوص علم و عرفان
نقد است در و نصوص کمل گاهی مجمل و گهی مفصل
نامش بر ناقدان این فن ز آن نقد نصوص شد معین
پیوست بحسن سعی اقلام درهشتصد وشصت و سه باتمام ..
از بـزم صفـا بشـادکـامـی یک جام حواله کن بجامی .

و در صفحهٔ ۳ اینگونه کتابت شده است : «و چون این شرح مشارالیه مشتمل آمد بر نصوص که انتقاد کرده می شود از سخنان ارباب خصوص مسمی می گردد بنقد النصوص فی شرح نقش الفصوص» . اصل متن «نقش الفصوص» نام داشته که مؤلف آن محی الدین محمد بن علی العربی (۵۶۰–۶۳۸ ه ق) است . در صفحهٔ ۲ چنین آمده است : «اما بعد این کلمه چند است از نصوص ارباب خصوص در شرح معانی نقش الفصوص که شیخ کامل مکمل قدوهٔ القائلین بوحدة الوجود و اسوة الفائزین بشهود الحق فی کل موجود امام العارفین محی الحق و الملهٔ والدین محمد بن علی العربی قدس الله سره و اعلی ذکره از **کتاب فصوص الحکم** که خاتم مصنفات ویست فرموده است» .

۷- **آغاز** : «رب یسر و تمم بالخیر ، بسم‌الله الرحمن الرحیم، الحمد لله الذی جعل صفائح قلوب ذالهمم قابلهٔ لنقش فصوص الحکم و الصلوة و السلام علی المظهر الاتم لاسمه الاعظم محمد و آله الهادین الی الطریق الاقوم سپاس بیقیاس نثار حضرت خداوندی تعالی و تقدس که در جمیع مراتب وجود در آمده و محمود اوست پس بزبان هر ستایندهٔ نغمات حمد و ثنای خود سراید و در لباس هر ستوده لمعات جمال کمال خود نماید . نظم :

هر چه در چشم جهان بینت نکوست عکس حسن و پرتو احسان اوست»

۸- **انجام** :

«یا رب بکمال بی نیازیت یا رب بوفور کار سازیت
کز راقم این خجستهٔ دفتر وز ناظم این ستوده گوهر
گر شد حرفی بسهو مرقوم یا خود خزفی بجهل منظوم
منویس بلوح اعتبارش در سلک عمل مکن شمارش
از بزم صفا بشادکامی یک جام حواله کن بجامی
زان جام مدام مست و والهٔ دارش بمحمد و آله» .

(رک : ۵–کاتب)

۹- **چگونگی**: موضوع این نسخه ، دین و اثبات ذات واجب الوجود و عرفان و تصوف و حکمت است و آمیخته به نثر و نظم عربی و فارسی است . اصل آن اختصاری است از فصوص الحکم محی الدین عربی که «نقش الفصوص» نام داشته و سپس مولانا نور الدین عبد الرحمن جامی بر اساس روش و طریقه یی که مخصوص خود اوست آنرا شرح و توضیح کرده است و

آنرا «نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص» نام نهاده است. شارح تقسیمات آن را بر بنیاد جملات و عبارات متن «نقش الفصوص» نهاده است. و مقدمه ی برآن نگاشته در ۵۸ صفحه (تقریباً یک چهارم متن) و اصل متن بر «فص» و جمع آن «فصوص» تقسیم گشته است، مثلاً: «فص حکمهٔ الهیهٔ فی کلمهٔ آدمیهٔ» و «فص حکمهٔ نفثیه فی کلمهٔ شیثیهٔ» و «فص حکمهٔ قدوسیهٔ فی کلمهٔ ادریسیهٔ» و «فص حکمهٔ نوریهٔ فی کلمهٔ یوسفیهٔ» و «فص حکمهٔ فردیهٔ فی کلمهٔ محمدیهٔ» و هر فص دربارهٔ یکی از انبیا است مانند: «ادریس (ع)، شعیب (ع)، هود (ع) عزیر (ع)، عیسی (ع)، سلیمان (ع)، ایوب (ع)، یحیی (ع)، الیاس (ع)، لقمان (ع)، هارون (ع)، محمد (ص). بعضی توضیحات و یادداشتها و افزوده ها در کنارهٔ صفحات و گاهی درمیان سطرها آمده است. فارسی آن مصنوع و به اصطلاح «نثر فنی» است و اشعار آن بیشتر مثنوی کوتاه و قطعه و دوبیتی و رباعی است. این نسخه از آقای دکتر مولوی محمد حسین انصاری خریداری شده است.

۸۹۰
―――
۵۵۸

نوباوه

[ادب، آیین نگارش، فارسی، منظوم و منثور]

۱- **اندازه**: —بیرونی: ۲۱ × ۱۴ × ۱ س م. —درونی: ۱۷ تا ۲۰ س (مورب) ۱۶ × ۹ س م.

۲- **اوراق**: ۵۴ ورق. ۱۰۸ صفحه.

۳- **کاغذ**: ضخیم حنایی رنگ جهانگیری، کرم خورده، وصالی شده، آب رسیده، جلد مقوایی ملون باعطف و گوشهٔ پارچه‌ی قهوه‌یی رنگ.

۴- **خط**: نستعلیق شکسته آمیز، سخت خوانا، عنوانها و نشانها و سرفصلها و جدولهای ۲ خطی کنارهٔ صفحات شنگرف، قرن ۱۱ ه ق.

۵- **کاغذ**: نام «کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶- **مؤلف**: **«مولانا ابوالبرکات منیر لاهوری متوفی ۱۰۵۴ ه ق»**، نام تألیف: **«نوباوه»**، تاریخ تألیف: «**۱۰۵۱ هلالی**». در صفحهٔ ۶ چنین آمده است: «از دیر باز بعضی دوستان یک رنگ ازین هوادار دیرین درخواست می کردند که بر آیینی که به دست یاری اندیشه از چمنستان نظم گل چند چیده به خطاب

گلدستهٔ نامیده شده است . . . تا آنکه هفتم شعبان سنهٔ هزار و پنجاه و یک هلالی در شهر جونپور. . . لختی از منشآت فراهم‌آورده ، رسالهٔ ترتیب داده شد و آن ثمرة الفؤاد معانی را . . . به خطاب **نوباوه** نامی ساخته » (رک : ۷—آغاز).

۷- **آغاز** : «بسم الله الرحمن الرحیم ،

این منتخب از بخت نیکو فرجامش دیده به مذاق آشنا ایامش
افتاد چو آغاز نیکو انجامش نوباوه نهاد از لطافت نامش

برای فیض پیرای چمن نشینان معنی پوشیده نماند که از دیرباز بعضی دوستان یک رنگ ازین هوادار دیرین درخواست میکردند که بر آیینی که بدست یاری اندیشهٔ چمنستان نظم گل چند چیده ، به خطاب گلدستهٔ نامیده شده است همبر آن آیین بشناسای فکر از شاخسار نثر نیز بری چند گزین باید کرد ».

۸- **انجام** : «و توجه نماید که آن سوختهٔ ریاضت است که به پاس انفاس مشغول است در اندک فرصتی نیر صبغة الله دریافته از مریدان نقشبند گردد و به تأیید مصور حقیقی این یار دیری نکشد والسلام تمت تمام شد راقمه شیخ جیون از مقام جوکالی تارر».

۹- **چگونگی** : موضوع این نسخه « آیین نگارش» است که شامل دستور نگارش و برگزیدهٔ مکتوبات و رقعات منشیانه است و نیمی از آنها را مؤلف خودش به رشتهٔ تحریر کشیده است. نثر فارسی آن دارای سجع و توازن و قافیه است و به اشعار برگزیده آمیخته شده . مفاهیم و معانی مکتوبات اکثر بازی با الفاظ و دوستی و اشتیاق دیدار محبوب و به دست آوردن مقام و مال و منال است. تقسیمات آن بر اساس «رقعه» است یعنی هر مکتوب با عنوان «رقعه» آغاز می شود. در آغاز و انجام و گوشه و کنار صفحات و در لابلای سطر ها ، یادداشتهای ادبی و معانی لغات مشکل و اشارات بدیعی و اشعار پراکنده از مثنوی مولوی آمده است. در آغاز نوشته است «انشای منیر» در حالی که مؤلف در مقدمه نام تألیف را «نوباوه» نهاده است . مؤلف شعر هم می گفته است زیرا در صفحهٔ آخر اشعاری به خط دیگری زیر نام وی نقل شده است ، از جمله این رباعی :

« آن کس که به‌سوی بحر توحید شتافت تا محو نشد گوهر مقصود نیافت
گویند که موج و قطره و بحر یکی است کس همچو حباب این معما نشکافت»

همچنین در صفحات آغاز مطالبی منثور و منظوم بوده که همهٔ آنها را محو کرده اند. نشان یک مهر در صفحهٔ آخر آمده است : « الفقیر ثار الله ۱۱۶۳ ه‍ ق».

یگانه نسخهٔ خطی کلیات دیوان منیر لاهوری را در نزد آقای حکیم محمد موسی امرتسری دیدم .

۳۹۰و۸۹۰
۵۰۵

نور نامه

[دین و ادب ، فارسی و عربی و کشمیری ، منظوم و منثور]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲۵ × ۱۵/۵ × ۳ س م. —درونی : ۲۳ س ۲۰ × ۱۰/۵ س م.

۲- اوراق : ۲۲۷ ورق. ۴۵۴ صفحه.

۳- کاغذ : نازک زرد تیره و روشن رنگ سیالکوتی ، آب رسیده ، وصالی شده ، کرم خورده ، جلد مقوایی خاکی رنگ منقش با عطف و گوشهٔ تیماجی سرخ گون پوسیده در غلاف پارچه‌یی کبود رنگ.

۴- خط : ثلث خوش و تحریر و شکسته ، خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و نشان ها و سرفصلها و اسامی خاص و جملات شواهد عربی و فارسی و خط های افقی رسم شده بر بالای جملات و کلمات عربی شنگرف. قرن ۱۳ ه‍ ق.

۵- کاتب : «اعظم‌خان»، تاریخ کتابت: «۱۲۶۰ ه‍ ق»:«تم هذه‌النسخه‌ الشریفه‌ المسمی بنورنامه بید الضعیف‌النحیف المسمی به اعظم خان عفاالله عنه ساکن قریه‌ الدهرمته . .. (کرم خورده) . . . یوم الثلثاء فی تاریخ السابع من شهر الشعبان سنهٔ ۱۲۶۰ (کذا) الف و مائتین (کذا) من هجرة النبی صلی‌الله علیه وسلم تم» (۶ بار).

۶- مؤلف : نام مؤلف و تاریخ و نام تألیف را به طور صریح و واضح در این نسخه نیافتم، اما در آخر نسخه از قول کاتب آن «نور نامه» آمده است : «تم هذه النسخه‌ الشریفه‌ المسمی بنور نامه». (رک : ۵—کاتب).

۷- آغاز : «هو ، بسم الله الرحمن الرحیم ، ذکر مناقب خلفاء اربع ، ایدرویش فضایل و مناقب خلفاء آنسرور بسیار است و بزرگان دین در کتابهای خود آورده اند تمثیلی است برای تسلی خاطر عوام ، شمه ایست بلکه از آن کمتر و لیکن

هر کس برای تزیین و تبیین سخنان خود در اوایل یا اواخر کلام . . . (کرم خورده) . . . تا کلامشان ببرکت آن مبارک و میمون شود».

۸- **انجام :** «گفت با پروردگار خود عهد بستم که تا زنده باشم انطار نکنم حالا انطار چگونه کنم . . . یاران از . . . (کرم خورده) . . . یک قطره آب در دهان من نیندازید تا رسید یاران وصیت او بجا آورده اند و پنج قطرهٔ آب در دهان او بچکانید و جان بحق تسلیم نمود و در شهر بمحلهٔ کابل مدفون شده مقبرهٔ او زیارتگاه خاص و عام است و مقصد خانهٔ بیدلان است».

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه «مسائل دینی و عرفانی و ادبی» است. تقسیمات آن بر اساس موضوعاتی است که مؤلف برگزیده است ، مثلاً : «نقلست» ، «روایت کردند»، «در فلان کتاب آورده اند» ، «ای درویش» و «زید و عمر گفت» از معمول ترین عنوانات این نسخه است. نثر فارسی روان و ساده و محکم دارد و با آیات قرآنی و احادیث نبوی و کلمات مشایخ و اشعار برگزیدهٔ فارسی و کشمیری آمیخته است. مطالب مأخوذهٔ این نسخه را با ذکر مآخذ آورده است ، مانند : «بحر الحقایق ، رسالهٔ قاضی شهاب دولت آبادی ، شرح سنن ، فراید الجلالیه و امام فخر الدین رازی». اشعار کشمیری معرب (مشکول) کتابت شده است. در آغاز و انجام و اواسط این نسخه چند یادداشت ادبی و تاریخی و تاریخ ولادت و وفات به خط شکسته آمده است. روی صفحهٔ اول این جمله آمده است : «نور نامه از فقیر احمد مشکین».

وقایع سنهٔ ۳۵ جلوس عالمگیر غازی

۹۵۰ و ۸۹۰ / ۳۳۳

[ادب و تاریخ ، فارسی ، منظوم و منثور]

۱- **اندازه :** -بیرونی: ۲۱ × ۱۳/۵ س‌م.-درونی : ۱۴ س ۱۳/۵ ۷ س‌م (متن) ۱۷ × ۱۰ س‌م (متن و حاشیه).

۲- **اوراق :** ۶۱ ورق. ۱۲۲ صفحه.

۳- **کاغذ :** نازک سفید و خاکستری رنگ سپاهانی ، اندکی کرم خورده ، بدون جلد.

۴- **خط :** نستعلیق خوش (متن) ، و خفی (حاشیه) ، روشن ، خوانا ، پخته ، قرن ۱۳ هـ ق.

۵- **کاتب :** نام « کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد.

۶- **مؤلف :** نام «مؤلف» و «تاریخ و نام تألیف» معلوم نشد ، اما از سیاق عنوانات و مطالب می توان آنرا « **وقایع ۳۵ جلوس عالمگیر غازی**» نامید (رک : ۹- چگونگی).

۷- **آغاز :** «دمی که مدرس کشاف صبح در صفهٔ صدق و صفا چون قاضی بیضا تفسیر و الشمس و ضحیها بخط شعاعی آفتاب بر صفحهٔ زرنگار نگاشت و عابد شب زنده دار ماه با سیای پرنور و ضیا سجادهٔ سپهر گسترده ادای نافلهٔ شب بختم سورهٔ نور کرده سر بسجدهٔ غروب گذاشت ، رباعی :

صباحی با صفا گشته هم آغوش خجل از روی او صبح بنا گوش
چنان در روشنی گردید کامل که میزد خنده بر آیینهٔ دل»

۸- **انجام :** «قطعه در بحر هزج ،

ازین بحر هزج باغ سخن را آبیاری کن
که گلزار مقال از نوبهار طبع خورم شد
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
ز بار وزن این الفاظ قد خامه ام خم شد
ز فروردی چو بگذشتی مه اردی بهشت آمد
بود فصل بهار اما خزان باغ عالم شد
دگر خرداد و تیر آنگه چه مردادت همی آلد
ولی عمریست اینها جمله صرف محنت و غم‌شد
پس از شهریور و مهر و ابان و آذر و دی دان
نظام کاروبار خلق در هر ماه درهم شد
چو بر بهمن جز اسفندارمذ ماهی نیفزائید
اگرچه عمر او افزود اما عقل او کم شد »

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه «وقایع ۳۵ جلوس عالمگیر غازی» است و همهٔ مطالب آن، حکایت از این دارد که قلعه‌یی را می گشایند و سپاهی را می شکنند و گروهی می گریزند و جمعی فاتح می شوند و از وقایع چهاردهم شهر رجب ۳۵ جلوس آغاز و به وقائع هشتم شهر رمضان سنهٔ ۳۵ جلوس ختم می گردد و به نثر و نظم آمیخته است و حواشی و یادداشتها و توضیحات که بیشتر

از متن است در کنارهٔ صفحات و درمیان سطر ها به خط نستعلیق خفی افزوده شده است. تقسیمات آن بدین شرح است : « **وقایع چار دهم شهر رجب سنهٔ ۳۵ جلوس** عالمگیر غازی ، وقایع پانزدهم رجب سنهٔ ۳۵ جلوس عالمگیر پادشاه ، قصیدهٔ شهر آشوب ، وقایع هفدهم شهر رجب سنهٔ ۳۵ جلوس غازی ، وقایع شب چهاردهم شعبان سنهٔ ۳۵ جلوس والا ، وقایع نوزدهم شعبان سنهٔ ۳۵ جلوس والا ، وقایع هشتم شهر رمضان سنهٔ ۳۵ جلوس والا» .
اما این « عالمگیر غازی » همان محیی الدین اورنگ زیب پادشاه است که دورهٔ سلطنت او از ۱۰۶۸ تا ۱۱۱۸ هجری قمری است. پس سنهٔ جلوس ۳۵ وی مطابقت دارد با ۱۱۰۳ هجری قمری. سبک نگارش این نسخه مخصوص پاکستانی یا هندی است و با لغات مشکل و عبارات مسجع و مغلق آمیخته است. هر شعری را که سروده وزن آنرا نیز آورده است.

۲۹۰
———
۵۹۲

هزار مسأله

[دین ، ادب و اخلاق وفقه ، فارسی ، منثور]

۱- **اندازه** : —بیرونی : ۱۹×۱۱×۲ س م. —درونی : ۱۱ س ۱۵×۷/۵ س م.

۲- **اوراق** : ۱۰۰ ورق. ۲۰۰ صفحه.

۳- **کاغذ** : نازک نخودی رنگ سمرقندی ، ساییده شده ، دود زده ، وصالی شده ، آب رسیده ، جلد مقوایی و چرمی وصالی شده و پوسیده.

۴- **خط** : نستعلیق خوش ، خوانا ، روشن ، پخته ، رسم الخط فارسی ، عنوانها و نشانها و سرفصلها شنگرف. جدولهای سه خطی کنارهٔ متن سرخ و لاجوردی ، قرن ۱۱ ه ق.

۵- **کاتب** : نام « کاتب» و «تاریخ کتابت» ندارد. چون ناقص است.

۶- **مؤلف** : نام «مؤلف» معلوم نشد. نام تألیف: «**هزار مسأله**» ، تاریخ ندارد. در صفحهٔ ۱۰ چنین آمده است : «یا رسول الله عبدالله بن سلام با هفصد مرد سرهنگان در رسیده است و هزار مسئله را برگزیده با خود می آرد از توریت و انجیل و زبور تا از تو پرسد» (رک : ۹—چگونگی).

۷- **آغاز** : ناقص است و افتادگی دارد و چنین آغاز می شود : «رسول صلی الله علیه وسلم

دین اسلام آشکار کرد بمبارکی و فرخی بجانب . . . سوار شد، جبرائیل علیه السلام از حضرت رب العالمین فرمان آورد و گفت یا رسول الله نامه بشهر خیبر بنویس بهلود بن سلام که او صاحب تحصیل تفسیر است».

۸- انجام : ناقص ست و افتادگی دارد و اینگونه انجام می یابد : «و خدایتعالی ترا بر حق فرستاده است برخلق چون عبدالله بن سلام ایمان آورد هفتصد مردان که همراه او آمده بودند جمله ایمان آوردند و مشرف باسلام شدند و گفتند که لا اله الا الله محمد رسول الله بازگفتند «اشهدان لا اله الا الله وحده».

۹- چگونگی: این نسخه در موضوع مسائل دینی و فقهی و فریضهی نوشته شده است و چون هزار سؤال (مسأله) در آن میان حضرت رسول اکرم (ص) و عبدالله ابن سلام رد و بدل میشود به «هزار مسأله» موسوم است و این هزار مسأله را عبدالله بن سلام از تورات و زبور و انجیل برگزیده و پس از دریافت نامهٔ حضرت رسول (ص) با هفتصد نفر همراهان از خیبر به مدینه می آید و این هزار مسأله را یک یک در حضور ختمی مرتبت مطرح می کند و پاسخ می شنود و در پایان مسلمان می گردد با آن هفتصد مرد. نثر فارسی روان و ساده و مفهوم همگان است. ازآیات قرآنی و احادیث نبوی استفاده شده، حکایات اخلاق و روایات دینی و قصه های حکمی فراوان دارد. تقسیمات آن بر اساس «مسأله» و «دیگر» و «خبرده مرا» می باشد. سبک نگارش آن خراسانی است. در گوشه و کنار صفحات توضیحات دینی و تفسیر های قرآنی دارد. این یادداشت در کنارهٔ صفحهٔ ۹ آمده است : «سلام و دعا ازین جانب اورنگ ماما بالای سید محمد خان، خدا شاهد است که شما از دل من برون نیستند. این کتاب هزار مسائل بخود من است برای تحفهٔ شما فرستادم بتاریخ ۱۰ ربیع الثانی سنهٔ ۱۲۷۵ :

در دلم بود که هرگز نشوم از تو جدا چکنم چاره ندارم که خدا کرد جدا».

۸۹۰
۳۷۸

یوسف و زلیخای جامی

[ادب، داستان، فارسی، منظوم، «مثنوی»]

۱- اندازه : —بیرونی: ۳۰×۱۸×۲ سم. —درونی: ۱۳ س (هر سطر یک بیت) ۲۲/۵×۱۱/۵ سم.

۲- اوراق : ۱۶٤ ورق. ۳۲۸ صفحه.

۳- کاغذ : نازک و براق خاکی روشن رنگ کشمیری ، اندکی کرم خورده ، جلد مقوایی سیاه و نو.

٤- خط : نستعلیق خوش جلی ، روشن ، خوانا ، پخته ، رسم الخط فارسی ، عنوانها و نشانها و سرفصلها شنگرف خوش رنگ ، یک سر لوح در زمینهٔ زرین در آغاز ، جدولهای ۲ خطی میان ابیات (مصاریع) و در آغاز عنوانها سیاه و زرین ، و جدولهای خطی کنارهٔ صفحات سیاه و قهوه یی و زرین و سرخ ، جای نقاشی در صفحات خالی است زیرا کاتب یانقاش فرصت نکرده است آنها را نقاشی کند. قرن ۱۳ﻫ ق.

۵- کاتب : «فقیر نذر محمد» ، تاریخ کتابت : « ۱۲۶۳ﻫ ق» : «تمت سنهٔ ۱۲۶۳ مطابق سمت ۱۹۰٤ الکاتب فقیر نذر محمد».

٦- مؤلف : یا (شاعر) : «مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی ۸۱۷-۸۹۷ﻫ ق»، نام تألیف (تصنیف) : «یوسف و زلیخا» ، تاریخ تألیف : «۸۸۸ﻫ ق» : از صفحهٔ ۳۲٦ تا ۳۲۷ چنین فرماید. :

«کتابی بین به کلک صدق مرقوم به نام عاشق معشوق موسوم
ز نامش طوطی آسایم شکرخا چو بردم نام یوسف با زلیخا
که باشد بعد از این سالی مجدد نهم سال از نهم عشر از نهم صد
سخن را از دعا دادمی تمامی به آمرزش زبان بگشای جامی»

۷- آغاز : «بسم الله الرحمن الرحیم،

الٰهی غنچهٔ امید بگشای گلی از روضهٔ جاوید بنمای
بخندان از لب آن غنچه باغم وزین گل عطر پرور کن دماغم
درین محنت سرای بی مواسا به نعمتهای خویشم کن شناسا
ضمیرم را سپاس‌اندیش گردان زبانم را ستایش پیشه گردان»

۸- انجام : «سخن را از دعا دادمی تمامی به آمرزش زبان بگشای جامی
سیه کاری مکن‌چون خامهٔ خویش بشو از چشم پر خون نامهٔ خویش
ازین صحرا جواد خامه پی کن درین سودا سواد نامه طی کن
زبان را گوشمال خامشی ده که هست‌از هرچه گویی‌خامشی به»

۹- **چگونگی:** موضوع این نسخه داستان «یوسف و زلیخا» است. تعداد ابیات آنگونه که شاعر فرموده است ۴۰۰۰ هزار بیت است:

«گرفتم بیت بیتش را شماره هزار آمد و لیکن چار باره»

اما در بعضی نسخ خطی و چاپی گاهی چند بیت کم و یا زیاد است. وزن آن از مزاحفات بحر مسدس هزج محذوف و مقصور است: «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل یا فعولن». این نسخه از لحاظ خط و کتابت و کاغذ و جدول و لوح ممتاز است. تقسیمات آن بر اساس موضوعاتی است که عنوان شده: «توحید، نعت، مناجات، عنوانهای داستان و خاتمه». یوسف و زلیخا در سر زمین پاک کتابی درسی است و نسخ خطی و چاپی آن فراوان است و کتابخانهٔ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ۱۵ نسخهٔ خطی و ۸ جلد چاپی دارد. (رک: فهرست نسخه های خطی کتابخانهٔ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، تألیف محمد حسین تسبیحی، ج ۱، ص ۷۰۱-۷۰۹).

۸۵۰
۴۵۱

یوسف و زلیخای حبیبی، یا محبت نامه

[ادب، داستان، فارسی، منظوم «مثنوی»]

۱- **اندازه:** -بیرونی: ۲۳/۵×۱۸/۵×۳ س م. -درونی: ۱۳ س ۱۷×۱۲ س م.

۲- **اوراق:** ۲۱۸ ورق. ۴۳۴ صفحه.

۳- **کاغذ:** ضخیم نخودی رنگ سمرقندی، جلد چرمی و مقوایی ضربی و منقش و ترنج دار.

۴- **خط:** تحریر آمیخته با شکسته، روشن، خوانا، پخته، عنوانها و نشانها و سرفصلها شنگرف. قرن ۱۳ ه ق.

۵- **کاتب:** «عبدالرحمن»، تاریخ کتابت: «۱۳۳۲ ه ق»: «هذا کتاب مستطاب حضرت یوسف و بی بی زلیخا حسب الخواهش اخوی عبدالغفار ،ان ساکن گذرگاه بابر شاه بدست خط فقیر الحقیر عبدالرحمن متوطن بامیان باشندهٔ گذرگاه بتاریخ یوم پنجشنبه ۷ ماه ربیع الثانی سنهٔ ۱۳۳۲ باتمام رسیده تحریر تافت.

هر که خواند دعا طمع دارم زانکه من بندهٔ گنه کارم
هر که خواهد او دعا سازد بمن رحمتش سازد خدای ذوالمنن
الٰهی هم بکاتب مرحمت کن اگرچه پرگناه است مغفرت کن»

۶- **مؤلف** : (شاعر) : «**حبیبی**» ، نام تألیف (مثنوی) : «**یوسف و زلیخا**» یا «**محبت نامه**» ،
تاریخ تألیف : «۱۰۸۷ هـ ق» یا «**در عهد اورنگ زیب**» :

«بتاریخ هزار و هفت هشتاد حبیبی را خیال در سر افتاد
که در ایام این فرخنده خسرو کند انشا محبت نامهٔ نو
نخست از نام یوسف نامه خوانم پس از عشق زلیخا خامه رانم»

۷- **آغاز** : «رب یسر ولا تعسر و تمم بالخیر ، بسم الله الرحمن الرحیم ،
خداوندا بعشقم آشنا کن سرم را در ره مهر و وفا کن
دلم را جلوه گه راز خود ساز زبانم را ثنا پردازی خود ساز
بروی من‌دری بگشای از آنکوی کزان در آورم در کوی توروی
چراغ فیض در قلبم بر افروز رموز شعر فکرم را بیاموز»

۸- **انجام** : «در آرم در نکاح خویش او را بسازم صوفی و درویش او را
چو او در امر فرمان من آید زرش بیشک به همیان من آید
چو سر بردار برخیزد از جاه بسوی خانهٔ خویش آورد پاه
چو روز دیگر آید از سرنو بجای دیگرش باشد تک و دو»

۹- **چگونگی** : موضوع این نسخهٔ «قصهٔ یوسف و زلیخا» است و سرایندهٔ آن در لابلای نسخه «حبیبی» آمده است:

«حبیبی وقت آن است گر توانم که مرکب جانب کنعان برانم
چه می گویم که دور افتادم ازکار حبیبی این سخن کم گو نه بسیار»

و در زمان ابوالمظفر شهاب‌الدین محمد اورنگ زیب بهادر عالمگیر (۱۰۶۸–۱۱۱۸ هـ ق) سروده شده است :

«ابو الغازی شهاب الدین محمد که شد حامی دین و شرح احمد
ازو اورنگ شاهی بهرور شد ز نام او جهان با زیب و فر شد»

حبیبی آنگونه که خود گفته مثنویهای دیگر نیز سروده است. در صفحهٔ ۴۳ از این نسخه چنین آورده است :

محبت نامه ‌ی سازم سر انجام برد هر عاشق و معشوق را نام
وفا و مهر هر یک در ترانه بیان سازد فسانه در فسانه

نخست از نام یوسف نامه خوانم   پس از عشق زلیخا خامه رانم
به دوم طبع را سازم شکر ریز   زشیرین نکتهٔ فرهاد و پرویز
بسیوم نطق خواهد گشت گویا   ز عشق لیلی و مجنون شیدا
بچهارم از دلیران خضر خان   بگویم قصه‌های وصل و هجران
به پنجم قصهٔ از شاه و درویش   بگویم گر حیاتی باشدم پیش
به ششم از ایاز و عشق محمود   بگویم طبعم ار قادر توان بود
به هفتم قصهٔ از مهر و از ماه   بگویم گرنباشد عمر کوتاه
به هشتم گویم از جمشید و خورشید   اگر از زندگی باشد امید
نهم بر روضه ابواب مثمن   که باشد نسخه (ی) ازهشت گلشن

«لیلی و مجنون حبیبی به شماره ۸۵۰/۴۱۷ در کتابخانهٔ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان موجود است. شاعر به شاعران دیگر که پیوسته در موضوعات مختلف مثنوی سرایی کرده و یا انواع شعر دیگر گفته اند ، اشاره می کند و خود را از جملهٔ آنان نشمرده است. این مثنوی روان و سلیس و خوش وزن است و بروزن «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل یا فعولن» از مزاحفات بحر هزج مسدس محذوف و مقصور است. و در حدود ۵۶۴۳ بیت دارد. در آغاز و انجام این نسخه بعضی یادداشت های دعایی به قلم عبدالرحمن و چند تاریخ ولادت و وفات آمده است. چاپ شده این نسخه به نظر نرسیده است.

۸۹۰
۴۱۴

یوسف و زلیخای ناظم هروی

[ادب ، داستان ، فارسی ، منظوم «مثنوی»]

۱- اندازه : —بیرونی : ۲/۵×۱۵/۵×۲۶/۵ س م. —درونی : ۱۵ س ۱۸×۷/۵ س م.

۲- اوراق : ۱۷۲ ورق. ۳۴۲ صفحه.

۳- کاغذ : نازک زرد تیره رنگ براق جهانگیری و ضخیم سفید رنگ کشمیری ، اندکی وصالی شده و آب دیده ، جلد مقوایی سبز با عطف و اطراف و گوشهٔ تیماجی سرخ گون ضربی و منقش و روی جلد این جمله ضرب شده : «عاقبت خیرباد».

۴- خط : تحریر آمیخته با شکسته ، سخت خوانا ، روشن ، پخته ، عنوانها و سرفصلها و نشانها شنگرف ، قرن ۱۳ هـ ق.

۵- **کاتب :** نام «کاتب» را سیاه و محو کرده اند ، تاریخ کتابت : «**۱۲۸۲ هـ ق**» : «الحمدلله تمام یافت نسخهٔ شریفی که مسمی بمثنوی ناظم است در روز چهار شنبه فی شهر رمضان سنهٔ ۱۲۷۲ علی ید ضعیف نحیف . . . از جهت یادگاری . . . ارشد ارجمند نوشته شد.
یادگار نوشتم من این کتابت را وگرنه این خط من لایق کتاب نبود»

۶- **مؤلف :** یا (شاعر) : «**ناظم**» یا «**مولانا ناظم بن شاه رضا سبزواری هروی متوفی ۱۰۸۱ هـ ق**»، نام تألیف (مثنوی) : «**یوسف و زلیخا**» ، تاریخ تألیف (سرودن): «**شروع ۱۰۵۸ و پایان ۱۰۷۲ هـ ق**» (رک : فهرست نسخه های خطی بریتش میوزیم ، ج ۲ ، ص ۶۹۲). نام شاعر در این مثنوی «ناظم» آمده است :
«بیای ساقی که «ناظم» یافت رخصت بده جامی که گردد مست همت»

۷- **آغاز :** «بسم الله الرحمن الرحیم :
الٰهی چون سپهرم سینه بگشای دلم طوطی کن و آیینه بنمای
که آرایم رخ معنی چو اختر لب الفاظ را شویم بشکر
عروجم ده بمعراج رسایی بتحقیقم جو توفیق آشنایی
دلم را یوسف مصر بیان کن زلیخای امیدم را جوان کن»

۸- **انجام :** «بود از بحر کانم خواستن عیب جو دارم دوست خود بر مخزن غیب
بود گر حاصلش صد خرمن انعام نگارم دانه یی در خاک ابرام
دهد گر ساقی دورم پیاله گرفتن می کند داغم چو لاله
وطن را گر حصار آستینم نیفتادم به هر در بس همینم

۹- **چگونگی :** موضوع این نسخه «داستان یوسف و زلیخا» است که شهرت فراوان دارد ، و چندین مثنوی به همین نام باقی است ، مانند : یوسف و زلیخای منسوب به فردوسی ، یوسف و زلیخای جامی ، یوسف و زلیخای ملا شاه بدخشی ، یوسف و زلیخای شوکت ، یوسف و زلیخای تذروی الهروی ، یوسف و زلیخای قاسم خان بدخشی ، یوسف و زلیخای رضا بیک چنگی ، اما شاعر در عهد شاه عباس دوم در هرات می زیسته و از زبان ممدوح خود «**عباسقلی خان شاملو**» حاکم هرات علت سرودن این مثنوی را اینگونه بیان کرده است :
قماش مثنوی را سهل مشمار که باشد تار و پودش موج اسرار
مسلسل قصهٔ یوسف زلیخا است کز آن یکزلف بر رخسار دنیا است

که از یک زلفی خود شرم دارد از آن دنیا به مردم رو نیارد
به زلف دیگر از عیش برون آر تواش زین بیشتر شرمنده مگذار
جو طالع سازی از اوج ارادت بشرط آنکه این صبح سعادت
کز ایشان مشرق معنی شد آباد کنی از آفتاب رفتگان یاد
دربن بحر این حکایت‌تشنهٔ اوست» خصوصاً آنکه مشک نظم را بوست

شاعر کتابی دیگر به نام «قصص الخاقانی» و نیز «دیوان» دارد. این مثنوی در لکهنؤ به سال ۱۲۸۶ چاپ شده است. در حدود ۵۱۳۰ بیت دارد و بروزن «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل یا فعولن» از مزاحفات بحر هزج مسدس محذوف یا مقصور سروده شده است. در گوشه و کنار صفحات چند یادداشت دارد. تقسیمات آن بر حسب موضوعاتی است که شاعر انتخاب کرده است: توحید پروردگار، نعت حضرت محمد (ص)، منقبت حضرت علی (ع). مدح ممدوح و سبب نظم مثنوی، و آغاز داستان از میلاد یوسف تا انجام داستان که رحلت حضرت یوسف (ع) و در گذشت زلیخا و خاتمهٔ داستان است. (رک: داستان سرایی فارسی در شبه قارهٔ پاکستان و هند در دورهٔ پادشاهان تیموری تألیف دکتر طاهرهٔ صدیقی، متن پلوکپی شده، ص ۷۳-۷۹).

فهارس هشت گانهٔ این کتاب

۱- فهرست موضوعات نسخه‌های خطی

(ا)

(ب)

(ث)

(د)

(ذ)

(ر)

(ژ)

(س)

(ش)

(ص)

(ظ)

(ع)

(ف)

(ق)

(گ)

(ن)

(و)

(ه)

(ی)

٢ - فهرست نام های اشخاص

مؤلفان ، مترجمان ، شارحان ، شاعران ، مفسران ، حاشیه نویسان

(آ)

(ا)

(چ)

(ح)

(خ)

(ز)

(ش)

(غ)

(ف)

فهرست نامهای نسخه‌ها، کتاب‌ها، رساله‌ها، مجموعه‌ها، تفسیرها، شرح‌ها، ترجمه‌ها، حواشی‌ها

(ب)

(ذ)

(ن)

(ی)

٤- فهرست نامهای کاتبان ، خطاطان (خوشنویسان)

(ن)

(ه)

(ی)

۵- فهرست نامهای جلد سازان (صحافان ، وراقان)

۶- فهرست نام‌ها و کلمات و مطالب و تاریخ‌هایی

که از روی نشان مهرها در آغاز و اواسط و انجام نسخه های خطی خوانده شده است، اعدادی که درون «گیومه» آمده نمایندهٔ سال هجری قمری و اعدادی که بیرون از «گیومه» آمده نمایندهٔ صفحات این کتاب است

۷- فهرست مصراع‌های اول اشعار پراکنده

(فارسی، عربی، ترکی، اردو، پنجابی، پشتو) که در آغاز و انجام و کناره‌های صفحات نسخه‌های خطی آمده و در این فهرست بر حسب کلمات قافیه و حروف روی به ترتیب الفبائی تنظیم شده است

در اینجا با اشعار متن نسخه‌های خطی کاری نداریم زیرا آنها در ذیل هر نسخهٔ مربوط به خود توضیح شده است

(ا)

یا رسول الله خدا رسول خدا (روی جلد) - ۱۱۲
یا کبیکج مخور کتابم را - ۳۸۷
هر که داند شیوه های چرخ بی بنیاد را - ۴۷۴
آن گلبن باغ وفا آن سرو بستان صفا - ۴۳۱
قالوا عشقت و انت اعما - ۵۳۱
ز گل عار دارد گریبان ها - ۲۴۲
تابه شود آن دو چشم بادامینا - ۴۷۷
سبهو نکا بھلے تو ہے حضرت خدا تکیا - ۵۶

(ب)

یا علی یا ایلیا یا بو الحسن یابوتراب - ۴۳۱
در یاب که بی قرارم امشب (ملا جیون) - ۱۶۰
ز اهل مدرسه اسرار عشق را مطلب (ناصر علی) - ۱۵

(ت)

بحمد الله در این دور پر آفات - ۵۰۰
اکسیر مرحمت مس مارا طلا نساخت - ۵۸۹
یا رب اندر پناه تو گجرات - ۳۲۵
درختی که تلخ است وی را سرشت - ۴۷۵
دی طفلک خاک بیز غربال به دست - ۵۸۵
شکفته شد گل حمرا و گشت بلبل مست - ۴۷۷
طرفه آمد شد خاصی است میان من و دوست (رسا) - ۱۵
خورشید شرف پادشه ملک شریعت - ۴۷۴
آن کس که به سوی بحر توحید شتافت - ۵۹۸
آسمان بعد از زمین بوس از پی تاریخ گفت - ۳۱۳
ای آن که ترا نام نکو مقصود است - ۴۷۶
محمد عربی آب روی هر دوسرا ست - ۴۷۵
چند روز این نسخه را مالک «فرید» بینواست - ۸۵

۸- فهرست نام های جای ها

درست نامه

از خوانندگان ارجمند خواهش می کنم پیش از استفاده کردن از این کتاب، الفاظ نادرست آنرا از روی این «درست نامه» تصحیح فرمایند.

صفحه	سطر	درست
۲	۱۱	تتمیم مکارم الاخلاق
۱۱	۳	باب ماجاء
۲٦	۱۸	تصوف ، فارسی ، منثور
۲۸	۹	و اذ قال ائمته
۲۹	۸	تقسیمات آن برحسب
۳۷	۱۷	به منزل نرسد
٤۳	۱٤	اندکی آب رسیده
٥٦	٤	بخوانی غیر ما را
٦۰	۱۷	و تاتفسیر آیه و از سورهٔ یوسف
٦۲	۱۳	فارسی ج ۱ ،
٦٤	۲٥	مولانا خواند میر
۷۹	۷	بعضی ناقص ها را
۸۰	۲۲	قد و قع الفراغ من
۹۰	۱۹	٥۲۰ / ۳۱۷
۹٤	۱۱ و ۱۲	شهر شرعیت
۹٦	۱۲	فی الصلوة علی خیر الانام ۲۹۰ / ٤٦٤
۱۰۰	۲٤	در طب است
۱۰٥	٤	۲۹۰ / ۳٥٤
۱۱۲	۸	۹ و ۱۰س
۱۱۳	۱۸	لطیفه و لغز و معما
۱۱۷	۲	در اقسام مواعظ

صفحه	سطر	درست
۱۱۸	۱۶	لا را الفی بند
۱۲٤	۲	قطعه ، فارسی ، منظوم
۱۲۳	۲۵	اخلاق و لطایف
۱۲۵	۵	التتمش از ممالیک
۱۲۸	۷	۸۹۰ و ۲۹۰ / ٤۷۲
۱۳۲	۵	که از مشایخ
۱٤۱	۲٤	فرقه الشاطبی الضریر
۱٤۳	۱۳	محمد تقی ، نام تألیف
۱٤۷	۸	و الحبر البحر
۱٤۷	۱۸	من بعد اسمه احمد
۱۵۹	۲٤	جام و نیشاپور
۱۶۰	۸	در صفت عقل
۱۶۲	۵	وهارون و ادریس
۱۶۲	۱٤	الطیبین الطاهرین
۱۷۱	۲	(سرودن) مثنویات پنجگانه :
۱۷۱	۱۶	به آخر رساند
۱۷۶	۹	۲۹۰/۲٤۷ گنج بخش ، ج ۱ ، ص ٤۶۲)
۱۷۸	۱۵	آزار خواهد شد،
۱۸۹	۱۳	۸۹۰ / ۵۶۳
۱۹۲	۵۱	ز تاب جعد
۲۰۸	۲	چرا دروغ بنالم
۲۱٤	۱۸	تقریباً ۳۷۰ غزل و جمعاً در حدود ۲۷۰۰ بیت
۲۳۷	۷	«روضه الصفا
۲۶۲	۱٤	اللهم اجراً کبیراً
۲۶٤	۱۶	عوض المتطبب الکرمانی
۲۶۷	۲٤	مقتدی باشم نه مهتدی
۲۷۲	۱۳	۸۹۰ / ٤۲۷
۲۷۷	۲۰	سخن گفتن دراز
۲۸۲	۱۶	خصوصیات را
۲۸۷	۲	و کذا ورد فی المسافر

صفحه	سطر	درست
۲۹۵	۲۸	دکتر علی اکبر جعفری
۲۹۷	۱٤	۲۹۰ / ۳٤٤
۳۰۳	۷	۸۹۰ / ۵۱۵
۳۰۵	۱۵	اندرین مختصر
۳۰۹	۲۰	وکازرونیه
۳٤۰	۱	جلد دو تکهٔ جداگانه
۳۵۳	۲	در بغداد روز عرس
۳٦۲	۷	و شرح نصاب کردم
۳٦٦	۱۷	سهوالقلم کاتب در
۳٦۹	۸	۰٤۰ / ۳۹۲
۳۷٤	٦	یک جامی روی
۳۷۷	۱۸	فارسی ، منثور
۳۷۹	۱٦	فی شرح اسماء و الصفات
۳۸۸	۳	استعلیق و نسخ
٤۰٤	۱	ای خوش هوس
٤۰٤	۲۰	مجموعه ۲۹۰ و ۸۹۰ / ۳٦۲
٤۱۳	۲٤	۸۹۰ / ٤۸۱
٤۲۱	۱۳	برگزیده یا منتخب
٤۲٦	۱۷	تصریف الافعال یا معزی
٤۳۷	۱۱ و ۱۵	اسرار نامه و مختار نامه
٤۳۷	۱۳ و ۱٤	در حدود ۵۰۰ بیت
٤٤۳	۱٦	دغدغهٔ اشتباه نی
٤۵۰	۸	آغاز می شود
٤۵۵	۱۷	«مشتاق الطالبین»
٤۵۹	۱	۲۹۰ و ٦۱۰ و ۸۹۰ / ۳۹۳
٤۵۹	۷	دین و ادب و طب
٤۷۳	۱۰	عمرم همه در کوشش

صفحه	سطر	درست
٤٧٧	٢٣	شکفته شد گل حمرا
٤٨٥	١٦	فارسی ، منظوم
٤٩٠	٥	عبدالقادر جیلانی
٤٩٣	٥	٤٩٠/٥٠٠
٤٩٤	٢٥ و ٢٦	خان قرینصحت باشد
٥٠٠	١٠	به خیرات
٥٠٥	١	مراد العارفین
٥٠٧	٢٥	مصابیح السنة ٢٩٠/٣٤٨
٥١٥	٢١	کتاب مستطاب
٥١٦	١٥	به رنگ نیلگون
٥٣٠	١٣	المعلم علی حروف المعجم
٥٣٥	٣	٨٩٠ و ٢٩٠ / ٣٤٩
٥٣٧	٥	و مطالعهٔ آن
٥٣٩	١١	٧٨٠/٥٨٦
٥٦٣	١	رجع القهقری
٥٨٢	٩	٨٩٠/٣٦٥
٥٨٦	٦	وزیر بهرام شاه سروده
٥٨٧	١	٨٩٠ و ٩٥٠ / ٣٣٥
٥٩٨	٨	٢٩٠ و ٨٩٠ / ٥٠٥
٥٩٩	١٠	«زید و عمر و گفت»
٦٠٣	٧	جدولهای ٤ خطی
٦٠٤	١٤	٨٩٠/٤٥١
٦٠٤	٢٢	اخوی عبدالغفار خان
٦٠٥	٢١	و شرح احمد

نمونه ها

و

تصاویر

على فضله واحسانه ونعمه وتعداده وأشهد أن لا إله
إلا الله وحده لا شريك له شهادة مخلص لها صحيح
اعتقاده وأشهد أن سيدنا وحبيبنا ونبينا محمدا
صلى الله عليه وسلم عبده ورسوله أرسله والكفر
مشدود الأطناب على عباده فنهض صلى الله عليه
وسلم مجاهدا في الله حق جهاده صلى الله عليه وعلى
آله وأصحابه ما استهل صيب برقه وإرعاده وسلم
وكرم وشرف وعظم أما بعد يقول العبد الفقير
أحمد بن إبراهيم مؤلف هذا الكتاب أردت أن أجمع
مختصرا لطيفا في رونق المجالس وبسط الواعظ
والمجالس ويطرب فيه كل سامع متأنس وسميته
كتاب جواهر النفائس لتهذيب النفوس الخسائس 17

٨٦٦

اشرقت الاصباح بانوار جمال محمد المختار

سيد الملاح تمت المولد الشريف المبارك بحمد الله

وعونه وحسن توفيقه وصلى الله

على خير خلقه سيدنا محمد

واله وصحبه وسلم تسليما

كثيرا دايما ابدا

الى يوم الدين

م م م

م

جواهر النفايس لتهذيب النفوس الخسايس ٨٩٠ و ٢٩٠

٣٤١

در شیرین

خداوندا دلم را چشم بگشای
دلی بخشش از ثنای خویش معمور
...دم را بجای کش عملدی
...م شوی تا پایگه پذیرم
...ور این زیبا نگارخانه خاک
جمالی را که می بندم درین درج
...گرد و نقش این دیبا مسلسل
...دم ما شحنه کردار من کن
...ز آمرزش رسید امیدواری
...م اگه جانرا زندگی داد
خداوندی که حکمت بخش جانست
در ... صنع او یکسان باغی

بمعراج یقینم راه بنمای
زبانی ز آفرین دیگران دور
که باشد چشمگاه رستگاری
بخویشم زنده گردان تا نمیرم
بعقل روشن و اندیشهٔ پاک
بغفلت بندگانی میکنم خرج
بعفو آلوده کن عنوان مجمل
عنایت را وکیل کار من کن

برحمت باز کن گنجینهٔ جود
درآ ایمانم شکر اندیش گردان
چو خود برداشتی اول ز خاکم
نه دل بل مرده دارم بهانی
بخواب غفلتم مگذار ازین بیش
ز بهر گرمی منقل خویش
حساب من که آن بیرون ز حد است
بآمرزش امیدم تازه گردان

درون هم خوان بشادروان مقصود
بدشواری که پیچانیم تو گردان
مده آخر بطوفان هلاکم
تو بخشی مرده را زندگانی
مرا خود خواب دیگر هست در پیش
سوادی نیست کم در نامهٔ خویش
چه پرسی از من که پرسیدی نخود
امیدم را بزندان زنده گردان

مناجات در حضرت قاضی الحاجات و خواستن آزادی از مالک درکات

کمینه بخشش او جان پاکست
ز رنگش فلک یک شجر اعمی
تمنای درون شب نشینان
...حت راه نمای کم رسانی

جواهر بند نامیه از ثریا
توانایی ده هر ناتوانند
بعنوان عنایت کرده تحریر
اگر تقدیر او حرکت اگر زشت

بیا بسم الله ای دل تا چه داری
طبیعت با بجان پایندگی داد
چراغ افروز در در قعر دریا
ثنا پیرای ده جان خبر...
حساب کاینات از کلک تقدیر
نمود اندر که حکمت اندر آن جست
... بگشاده چشمه گونه

علم زبانش [illegible] | و [illegible] خواند | چون فروشد در رو کمال [illegible] | [illegible]

همه در ره لغت [illegible] | خورده آوران [illegible] روشن | مجتهد در خلاصه نکته [illegible] | تا که قصه کوتی و [illegible]

در علم راست [illegible] | [illegible] همچون شهاب [illegible] | راستی ساکن اندر و بصواب | راست همچون الف میان [illegible]

از وجوه و در کلام [illegible] | فضل [illegible] قبیل ان منعقد | روشن [illegible] | کشف کشاف [illegible]

[illegible] کافور | از برون [illegible] عقل [illegible] نور | او شهاب [illegible] | در فن [illegible]

[illegible] فنون فضل تمام | غیرت [illegible] | [illegible] | یافت [illegible] شهره [illegible]

[illegible] مطلع نور است | [illegible] | موج بحر است در عطارد [illegible] | تیر [illegible]

[illegible] او علی است | [illegible] علی [illegible] | [illegible] چون راست کرد [illegible] | بت [illegible]

[illegible] آن عمامه نظیر | مشتری را فتد عمامه به سر | حکمتش داد [illegible] | بلکه [illegible]

[illegible] | [illegible] | در طبیعی شناخته تمام | [illegible]

[illegible] سر قلم | باز کرد دست [illegible] | عقلیش از قیاس عقل برون | نقلیش [illegible]

[illegible] صد اشارت در سر انگشتش

[illegible] شد [illegible] بهشت

ای نام تو بهترین سرآغاز
بی نام تو نامه کی کنم باز

ای کارگشای هر چه هستند
نام تو کلید هر چه بستند

ای هیچ خطی نگشته زاول
بی حجت نام تو مسجل

ای هست کن اساس هستی
کوته ز درت دراز دستی

ای خطبهٔ تو تبارک الله
فیض تو همیشه بارک الله

ای هستی تو ز عیب عاری
بر در که تو بهره داری

ای هست نه بر طریق چونی
دانای برون و اندرونی

ای واهب عقل و باعث جان
با حکم تو هست و نیست یکسان

ای حکم تو عالم تحیر
عالم ز تو هم تهی و هم پر

ای تو بصفات خویش موصوف
ای نهی تو منکر امر معروف

ای پیر مرکش بلند پنهان
در بازکن درون شبستان

ای دور فلک نوده پس ایام
ز آغاز رسیده تا بانجام

صاحب تویی آن دگر غلامند
سلطان تویی این دگر گدایند

امت تو نور لایزالی
از شرک و شریک هر دو خالی

در صنع تو کامد از عدد بیش
عاجز شده عقل علت اندیش

ترتیب جهان چنانکه بایست
کردی نه چنانکه کس نشایست

بر ابلق صبح و ادهم شام
حکم تو زد این طویله نام

گر هست گره بکرخ دادی
عقد دگره بدو گشادی

خاکستر بی بخاک سودی
چند آینه را بدو زدودی

در هر طرفی که حرف راندی
نقش همه در دو حرف ماندی

هر فن بغلط رها نکردی
یک نقطه در و خطا نکردی

هر جا که خزانه‌ای شگرفست
قفلش بکلید این دو حرفست

در عالم عالم آفریدن
بی زین نتوان رقم کشیدن

مردم بنه ز حق دست رنجی
بخشی بمن خراب گنجی

گنج تو بیدل کم نیاید
از گنج کسی این کرم ناید

از قسمت بندگی و شاهی
دولت تو دهی بهر که خواهی

هم قصهٔ نانموده دانی
هم نامهٔ نانوشته خوانی

عقل آبله پای و کوی تاریک
وانگاه رهی چو موی باریک

از راز همه علم و وجود مظلوم
اسرار همه تراست معلوم

توفیق تو گر نه ره نماید
این عقده بعقل کی گشاید

عقل از در تو بصر فروزد
گر پای درون نهد بسوزد

ای عقل مرا کفایت از تو
جستن ز من و هدایت از تو

من بی دل و راه بیم ناکست
چون راه برم تویی چه باکست

گر لطف کنی و گر کنی قهر
پیش تو یکیست نوش با زهر

تنگ دل من بود کابیرم
گر لطف دهیم ز قهر میرم

گر قهر سزای ماست آخر
هم لطف برای ماست آخر

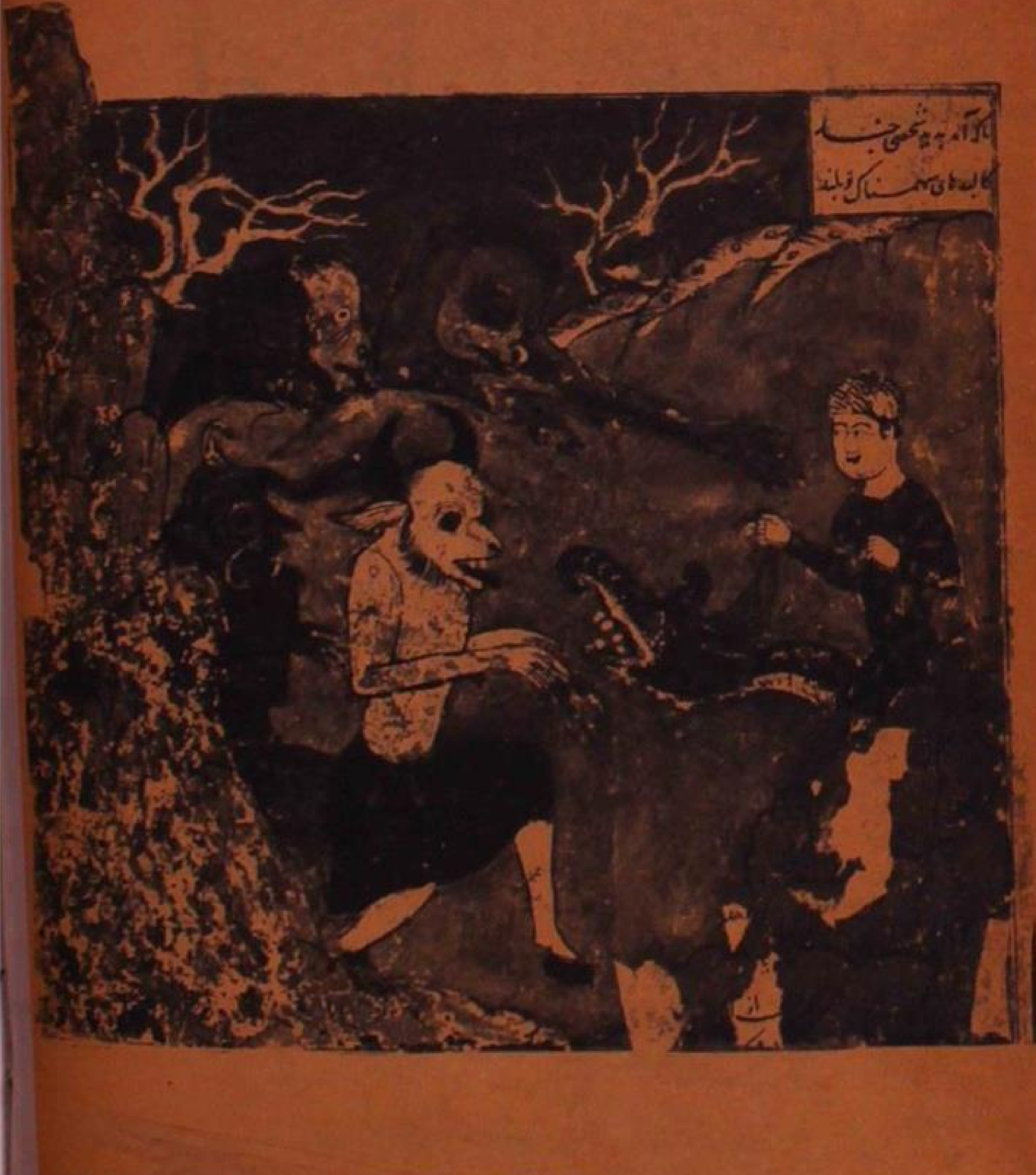
با شربت لطف دار ادیشم
با قهر مکن بقهر خویشم

نامد تنسم غنایی هست
فهرآن تو کی کدام از دست

هلکه کنفس تا در آید
هم خطبهٔ نام تو سراید

وان لحظه که مرگ را بسیجم
هم نام تو در حنوط پیچم

۲۱



خمسة النظامی ۸۹۰/۳۸۱



محبت یار لطف و منفعت ... بدهد و دختر را بالغ ...
... کوزه ... یکبار ... یکبار ...
نقش جامکم تا اخر عظیم بخواند بعد فراغ در انها مذکور را کوفته بعده ...
را چوبی کوزه امیخته صورت کسی را سازد اگر مرد باشد مرد سازد و اگر
زن سازد و بعده یازده میخ کوفته بر هر یک یکبار سوره یس بخواند بصورت
بچسپاند یکی بر فرق و دو بر گوش و دو در چشم و دو در کف پای و دو در دست
و زن باشد در فرج و اگر زن باشد نیز در فرج باید نهاد و آتش از دست راست
... اگر زن باشد از دست چپ دهد آتش ... کوزه ...
... کوده ... نوشته نقش معظم و مکرم اینست میباید که نوشته بی سازد
در میان صورت مذکور پیوسته باید نهاد

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوٰة علی
رسوله محمد واله واصحابه اجمعین میگوید اضعف العباد
اصلح الله شانه که چون کتاب خلاصة المفاخر فی مناقب
غوث الملکوت قطب الصمدانی شفیع الربانی شرف
الاقطاب سید السادات سید محیی الدین السید عبد القادر
الحسنی الحسینی الجعفری الجیلانی رضی الله عنه وارضاه
... من الشیوخ الاکابر مشتمل بر بعضی از عجایب
وحکایات غریب که هر یک جاذبه است مر طالبان صادق را
که در منازل وصول و رود بخشد و در اوطان تجرد
گردانند کتاب حکایات الصالحین ...

مجید بر مصداق این خود شاهد و ناطقست قال الله تعالی و کلاً
نقص علیک من انباء الرسل ما نثبت به فؤادک و بندگی شیخ الاسلام
قطب الانام شیخ عبد الله یافعی نزیل الحرمین الشریفین قدس الله
روحه این کتاب را علی سبیل التکملة بروض الریاحین فی
حکایات الصالحین تالیف فرموده و دران ذکر کرده که بعضی
علماء زمان و فقهاء و محدثان و بعضی مشایخ چنانکه شیخ نجم
الدین اصفهانی و غیر ذلک از فقراء و علماء و اولیا که حصر
ایشان متعذرست مدح کرده و استحسان نموده و برتر ازین حضور
حضرت مصطفی صلی الله علیه و سلم و ابوبکر و عمر رضی الله عنهما
وقت سماع این کتاب بر من در مدینه الشریفه در
هر سه شب نشسته بودند و چون مجلس
خواندم پیغامبر صلی الله علیه و سلم روی سوی ابو
این را مشاهد کرد در بیداری بعضی اولیاء

وفيها طلوع عابلا أقل طراز جمال ثم ذهب نور في حلة

على الكون فيها الدهر يقال ذا رقي يتيمة دُرّ [illegible]

عقد ولاية يبيح على جيد الوجود به مجلي [illegible]

في راس نهر النبوة عيونهم ملا جا من نهر النبوة ممتلي

بجد واك يا بحر الندى عبد قادر لنا يا صفيّ ذوا فضل [illegible]

وذو مجل فسبحانك اللهم ربنا مقلد ملك وواسع فضل

للورى أفضله مولى الحمد لله وحده وصلى الله على سيدنا

محمد واله وصحبه وسلم تسليما كثيرا كثيرا اللهم اغفر

لنا ذنوبنا برحمتك يا ارحم الراحمين

تمت تمام شد كارمن نظام شد في تاريخ

سنه ١٧

در مقام حيدراباد در خانقاه بنده بحضرت سيادت پناه

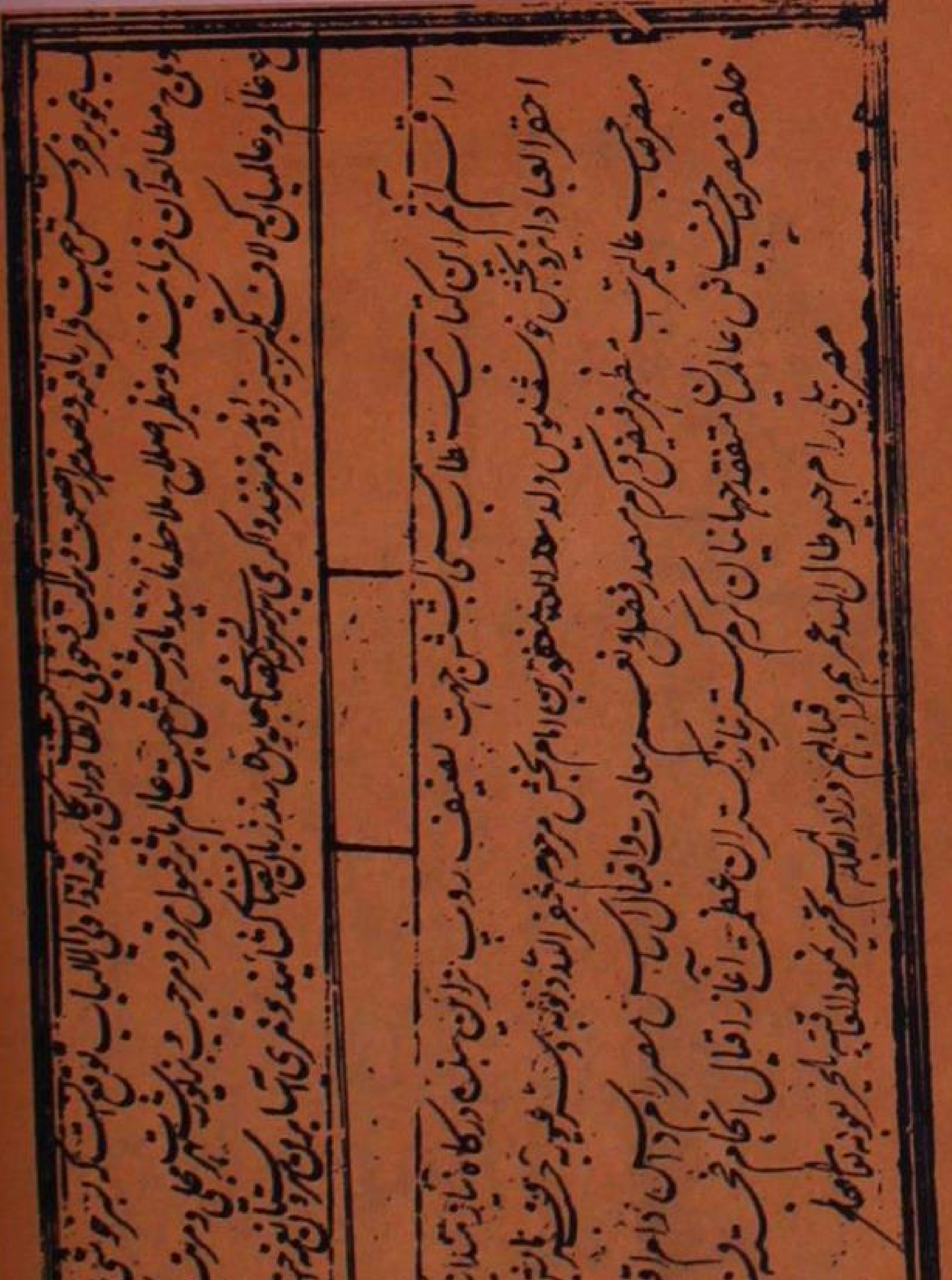
منقبت قبله مرشد ميران سيد عبد القادر المشهور بحضرت

سيد السادات خلاصه آفتاب جهان هدايت پناه فتوح جاهى

حضرت ميران سيد حسين ابن حضرت سيد مسعود الحسني الحسيني القادري

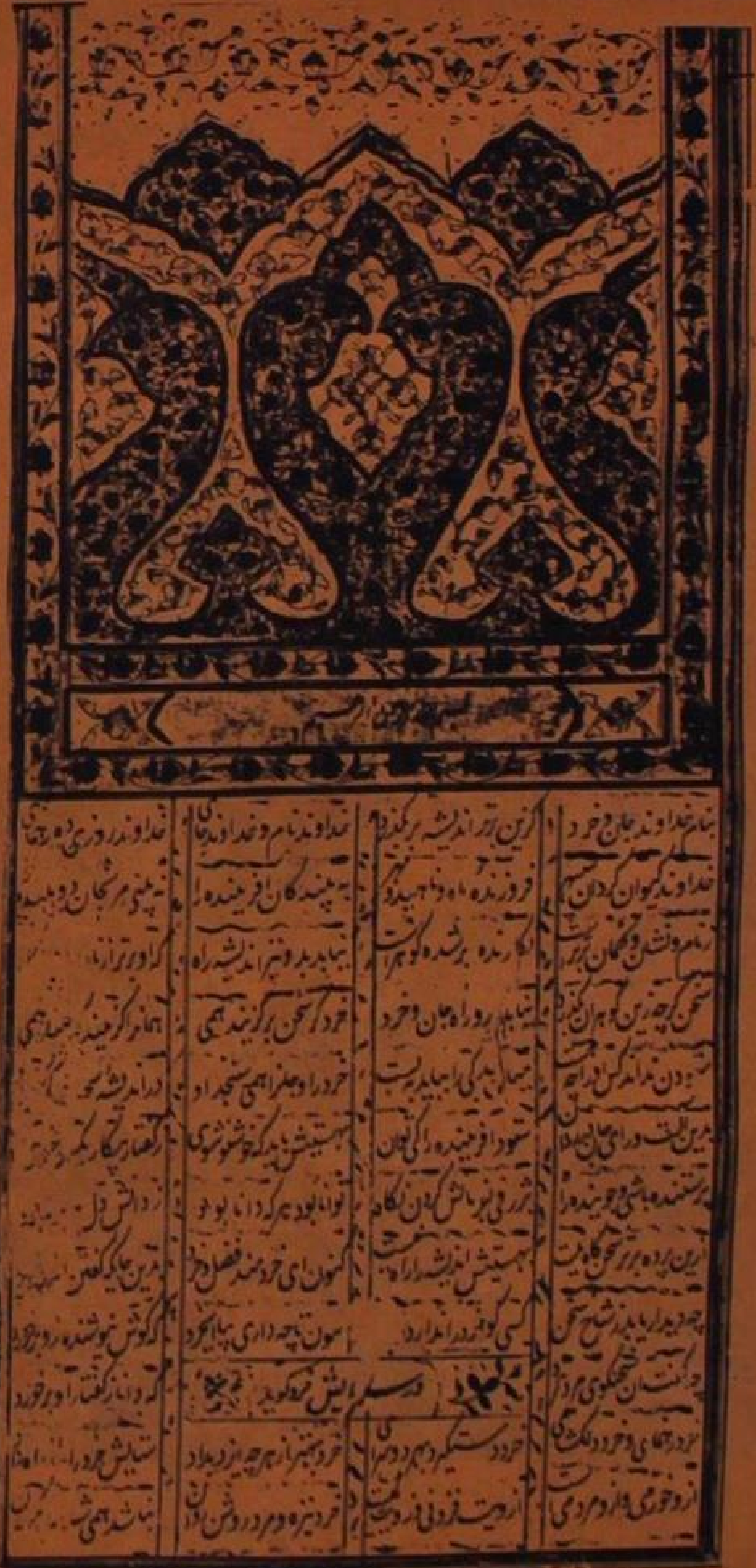
اضعف عباد الله الغني فقير الحقير كمترين مملوكان جهان





اما راقم این سطور آخرین خود مصرع را الحاق کرده است
زیرا که خاتمهٔ کتاب کتابت نوشته نبود

شش جهت ۸۹۰



شاهنامهٔ فردوسی $\frac{۲۹۰ \text{ و } ۸۹۰}{۳۱٤}$ همشواره

همه شاه را بر سر دو شمار | بفرمان ببسته کمر استوار
نخستین برادرش کهتر بسال | که در شیرمردی هزار دل

زگیتی پرستنده فر نصر | زید شاه در سایه فر و عمر
کسی کش پدر ناصر الدین بود | سر تخت او تاج پروین بود

ببخشد مر او را چه باید ز دهر | همه آفرین جو بید از دهر بهر
و دیگر دلاور سپهدار طوس | که در جنگ با شیر دارد فسوس

بیزدان بود خلق را ... | سر شاه باید که ماند بجای
جهان بی سر تاج خسرو مباد | چنین هم بماناد جاوید شاه

همیشه تن آباد با تاج و تخت | ز درد و غم آزاد و پیروز بخت
کنون باز گردم بانجام کار | سوی نامور نامهٔ شهریار

سخنگوی دهقان چه گوید نخست | که تاج بزرگی بگیتی که جست
که بود آنکه دیهیم بر سر نهاد | ندارد کس آن روزگاران بیاد

مگر کز پدر یاد دارد پسر | بگوید ترا یک بیک در بدر
که نام بزرگی که آورد پیش | کرا بود از آن برتران پایه بیش

پادشاهی کیومرث اول ملوک عجم سی سال بود

پژوهنده نامهٔ باستان | که از پهلوانان زند داستان



چنین گفت کائین تخت و کلاه | کیومرث آورد و او پادشاه
چو آمد ببرج حمل آفتاب | جهان گشت با فر و آیین و آب

بیامد بنزدیک پیل سپید | شهنشاه چین شد ز جان نا امید
گو پیلتن رستم زال سام | درانداخت بر شاه از خم خام

چو خاقان چینی کمند مرا | چو شیر ژیان بست بند مرا
بینداخت آن تاب داده کمند | سران سواران همی کرد بند

چو از دست رستم رها شد کمند | سر شهریار اندر آمد به بند
ز پیل اندر آورد و زد بر زمین | ببستند بازوی خاقان چین



برآمد خروشی ز ایرانیان | که خاقان گرفتار شد در میان
پیاده همی راند تا کوه شهد | ز پیل و ز تاج و ز تخت و مهد

چنین است رسم سرای فریب | گهی بر فراز و گهی در نشیب
چنین بود تا بود گردان سپهر | گهی جنگ و قهر است و گه لطف و مهر

یکی را برآرد به چرخ بلند | [illegible] خوار و زار و نژند
جهان را بلندی و پستی تویی | چگویم چه هر چه هستی تویی

یکی را ز هیچو قارون کنی | دگر را نیازی جگر خون کنی
یکی را بلندی و شاهی دهی | دگر را به دریا بماهی دهی

نه با این کنی مهر و نه با آن کین | که بهر دان تویی ای جهان آفرین
ز تو شادمانی و ز تو غم است | یکی را فزونی دگر را کم است

۱۱۰۸

بنام خداوند خورشید و ماه — که دل را بنامش خرد داد راه
خداوند هستی و هم راستی — نخواهد ز تو کژی [illegible]

خداوند کیوان و بهرام و شید — از ویم امید و ز ویم نوید
از و گشت پیدا مکان و زمان — پی مور بر هستی او [illegible]

ستودن مر او را ندانم همی — از اندیشه جان بر فشانم همی
ز گردنده خورشید تا تیره خاک — سر [illegible]

هم آواز مینو بی نیاز — تو در پادشاهیش گردن فراز
ز دستور و گنجور و از تاج و تخت — کی [illegible]

چو جان خرد بی گمان کرده اند — سپهر و ستاره بپا کرده اند
چنین آمد این گنبد تیز گرد — گهی شادمانی [illegible]

جز او را مدان کردگار بلند — کزو شاد گردد دل مستمند
شب و روز گردان سپهر [illegible] — خور و خواب [illegible]

ز ملکی که او گرد بر مگذرد — دگر فرق کیوان همی بسپرد
کنون عدل کسری همی [illegible] — ز دو [illegible]

بر تخت نشستن نوشیروان و [illegible] با بزرگان ایران

چو کسری نشست از بر تخت عاج — [illegible]
[illegible]

بزرگان لشکر شدند انجمن — چو بنشست سالار با انجمن
[illegible] — ز زرین [illegible]

چنین گفت کز کردگار سپهر — دل ما پر از آفرین باد و مهر
از و هست نیکی و هم [illegible] — [illegible]

از و هست فر و [illegible] — بفرمان او تابد [illegible]
ز رای فرزانگان [illegible] — [illegible]

[illegible]

سپیده چو زان جای شاه بدمید — بجستند بیور راه انده از آن دشت
سر اسپ را زنده در ریگ دوم — بود و همی ساخت با هوی گرم

خروشی برآورد پیران چو دید — که پیش زبان نعره برکشید
همی کالبد بر در کرساخت — بر و کشتن خسرو انداخته

چو او را بدیدند گردان براه — بکشتند از ایران فراوان سپاه
بتاراج دادند یاره بنه — کشیدند ماهوی را برهنه

که این کار چون بوی تیز آن — خرد شد ز مغزش همی ناپدید
شد از چشم همچون ز تن پروان — بسر بر پراکنده رنگ روان

بدو گفت کای شوم بد نژاد — که چون تو پرستار کس را مباد
چرا کشتی آن دادگر شاه را — خداوند پیروزی و گاه را

پدر بر پدر شاه و شهریار — ز نوشیروان در جهان یادگار
بر تاجداران و شاه جهان — بکف راد بود و بدل مهربان

بدین داد پاسخ که هر بدکنش — نشاید مگر کشتن و سرزنش
بفرمود کش پوست پرواز کنند — تنش پاره کردند و چون کمند

چنین داد پاسخ که ایدون کنم — گر این داغ خویش بیرون کنم
بفرمود تا گوش و بینی و دست — ببرند و خود با سگی برنشست

مبادا یکی کو دو لشکر بکشت — بدرگاه خیمه بدر برگذشت
همانجای بند آتشی بر فروخت — پدر را و پور پسر را بسوخت

بزرگان که آن دیده بودند — سر از خویشتن سازپیرون کنند
کنون زین سپس هر که مهتر بود — چو دین آمد و تخت منبر بود

کنون پیش شاهان جهان بیلعام — بپیش اختر دیر سار آمدم
بزرگان با دانش آزادگان — نبشتند یکسر همه رایگان

بر احسنتشان نیست بهره‌ام — بکفت اندر احسنتشان آمدم

در اتمام کتاب شاهنامه

... مدتی شاه یزدجرد

ازین نامه از نامداران شهر — علی دیلم و بودلف راست بهر
حبیب قتیب است از آزادگان — که از من نخواهد سخن رایگان

ازو دارم اصل و فرع جوان — همی غلطم اندر میان دواغ
چو سال اندر آمد بهفتاد و یک — همی زیر بیت اندر آمد فلک

بهار بزرگ کار استاییش بود — ستایش مرا در فرایش بود
که جاوید بادا خردمند مرد — همیشه بکام و دل او کار کرد

همش رای و هم دانش و هم نسب — چراغ عجم آفتاب عرب
سرآمد کنون قصهٔ یزدجرد — بماه سفندارمذ روز ارد

ز هجرت رسیده سال ... — بماه جهان داور کردگار
بتاریخ پنجم ماه رجب — تمت هذا الدرست بنور شاه
ذی ... — ... حواله حسن شاه
اهم اصول الکافی ولا ...

هذه صحيفة كاملة

بسم الله الرحمن الرحيم

حدثنا السيد الأجل نجم الدين بهاء

الشرف أبو الحسن محمد بن الحسن

بن أحمد بن علي بن محمد بن عمر بن

عن متابعته من اتبع زجرنا اللهم

از پیروی او کسیکه پیروی کند منع ما را خداوندا

صل علی محمد واله خاتم النبیین

رحمت فرست بر محمد و آل او که آخر پیغمبران

وسید المرسلین وعلی اهل بیته

و بهترین رسولان است و بر اهلبیت او

الطیبین الطاهرین واعذنا واهالینا

که پاکیزگانند و پاکیزگانند و پناه ده ما را و اهالی ما

واخواننا وجمیع المؤمنین والمؤمنات

و برادران ما را و جمیع مؤمنین و مؤمنات را

مما استعذنا منه واجرنا مما استجرنا

از آنچه پناه جستیم ما از آن در او پناه ده ما را از آنچه زینهار

بک من خوفه واسمع لنا ما دعونا به

بتو از ترس آن و بشنو برای ما آنچه دعا کردیم ما آن

واعطنا ما اغفلناه واحفظ لنا ما

و عطا کن ما را آنچه ترک کردیم آن را و نگاه دار برای ما آنچه

نسینا

الْمَوْعُودِ حَتَّى أَجِدَ لَذَّةَ مَا أَدْعُوكَ لَهُ

وعده داده شده تا بیابم لذت آنچه بخوانم ترا برای آن

وَكَآبَةَ مَا أَسْتَجِيرُ بِكَ مِنْهُ اَللَّهُمَّ قَدْ

واندوه آنچه پناه میجویم بتو از آن خداوندا بتحقیق

تَعْلَمُ مَا يُصْلِحُنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ

میدانی آنچه بصلاح آرد حال از امر دنیای من و

آخِرَتِي فَكُنْ بِحَوَائِجِي حَفِيّاً اَللَّهُمَّ صَلِّ

آخرت من پس باش برآوردن حاجتها مالوف کننده خداوندا

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ

بر محمد و اولاد او و روزی کن مرا آنچه حق است نزد

تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لَكَ بِمَا أَنْعَمْتَ

تقصیر کردن من در شکر گذاری تو آنچه انعام کردی

عَلَيَّ فِي الْيُسْرِ وَالْعُسْرِ وَالصِّحَّةِ وَالسَّقَمِ

بر من در آسانی و دشواری و تندرستی و بیماری

حَتَّى أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِي رَوْحَ الرِّضَا

تا شناسم از نفس خود راحت رضا

صلی و فقرا بوده و با شیخ عالیمقدار شمس الدین کلال که نسب خرقه اش بحضرت ولایت مآب کرامت انتساب شیخ الاسلام مغفور شیخ شهاب الدین
سهروردی قدس سره منتهی میشود ارادتی صادق داشتی و مجلس مبارک او بسیار آمدی چون جهان کرم بود دست سخا نکوکار دیندار
فرخ لقا زار گلشن تازه بستان جود و نازرایش سپهر وجود در تاریخ سنه اثنی و ستین و سبعمائه موافق سیچقان ییل در عهد و خطه
دلکش کش ندای یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة اجابت نموده او را در قبه جنب پدر و برادر و دیگر اقربا نهاده و در
خمس و سبعین و سبعمائه معمار همت حضرت صاحبقرانی قبه در جوار مزار شیخ بزرگوار شمس الدین کلال قدس سره که در جنب مسجد جامع واقع شده
احداث نموده او را به آنجا نقل کرده اند رحمت بمینو روانش پر از نور باد در نعیم لقا شاد و مسرور باد چنانچه نسب عالی حضرت صاحبقران
چنانچه در ضمن حکایات سابق روشن و مبرهن گشته بدین منوال است که السلطان الاعظم و الخاقان الاعدل الاکرم ظل الله فی الارضین
قهرمان الماء و الطین المؤید بتأییدات الملک المنان قطب الحق و السلطنة و الدنیا و الدین
ابو المظفر تیمور گورکان بن امیر طرغای بن امیر برکل بن ایلنگیز بهادر بن ایجل نویان بن قراچار
نویان بن سوغوچیجن بن ایردمچی برلاس بن قاچولی بهادر بن تومنه خان بن بایسنغر
خان بن قایدو خان بن دوتومین خان بن بوقا قاآن بن بوذنجر خان بن الانقوا
که از نسل قیان بوده نسب قیان تا آدم علی نبینا و علیه السلام سبق
ذکر یافته و چون حال نسب عالی که غرض اصلی از وضع مقدمه این
آن بوضوح پیوست هنگام آن آمد که در اصل تاریخ حضرت
صاحبقرانی شروع کرده شود و الله
الموفق و المعین

الحمد لله والمنه که کتاب لاجواب ...

بود عالم فلک دائما گرد کب تمام بدرگاه عالم ظفر پرده دار زمین و فلک پرده دار

دگر غلامان شرف دعاتر بش و استجابت عنف شد برتر اخلاص و یکجان یقین

الامین آن بحق دعای رسول المصطفی فرو هر اوج نزول باد و عدو و جفا دار آن دودمان

رو بیان که جاوید این شاه پاک اعتقاد بماند و اقبال برار دیار بعدلش جهان گیرد آراسته

تنشسته خلایق فرقدز جهان اوزنش و زمان تحت فرمان او شکر او سبحانه تعالی

جل العالی با آخر رسانیدم تمام شد بتاریخ عشر شهر ذیقعده سنه یکهزار و یکصد و ده

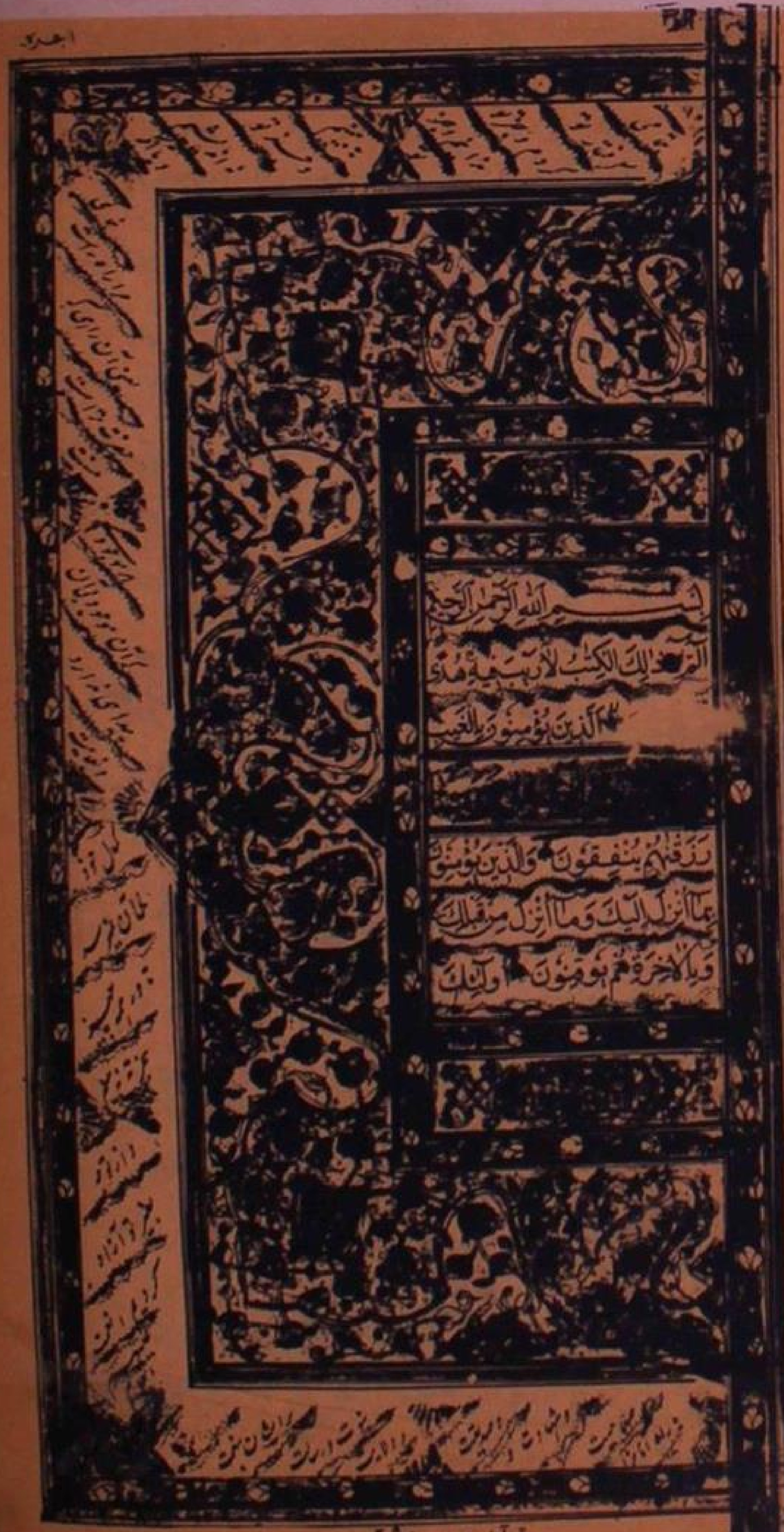
و سی دو یوم چهارشنبه وقت چاشت نقش در شد تمام ظفرنامه با آخر رسید آخر نوشتن خرم باد

تم تم تم تم تم

[illegible]



قرآن مجید ۲۹۰



قرآن مجید ۲۹۰

من الارض واذ انتم اجنة في بطون امهاتكم فلا

تزكوا انفسكم هو اعلم بمن اتقى افرايت الذي تولى واعطى قليلا

واكدى اعنده علم الغيب فهو يرى ام لم ينبا بما في صحف موسى ع

وابراهيم الذي وفى الا تزر وازرة وزر اخرى وان ليس للانسان

الا ما سعى وان سعيه سوف يرى ثم يجزيه الجزاء الاوفى وان

الى ربك المنتهى وانه هو اضحك وابكى وانه هو امات و

احيا وانه خلق الزوجين الذكر والانثى من نطفة اذا تمنى

وان عليه النشاة الاخرى وانه هو اغنى واقنى وانه هو رب

الشعرى وانه اهلك عادا الاولى وثمود فما ابقى وقوم نوح

من قبل انهم كانوا هم اظلم واطغى والمؤتفكة

اهوى فغشيها ما غشى فباي الاء ربك تتمارى هذا نذير من

النذر الاولى ازفت الازفة ليس لها من دون الله كاشفة افمن هذا

الحديث تعجبون وتضحكون ولا تبكون وانتم سامدون فاسجدوا لله وا ع

سورة القمر بسم الله الرحمن الرحيم خمس وخمسون اية

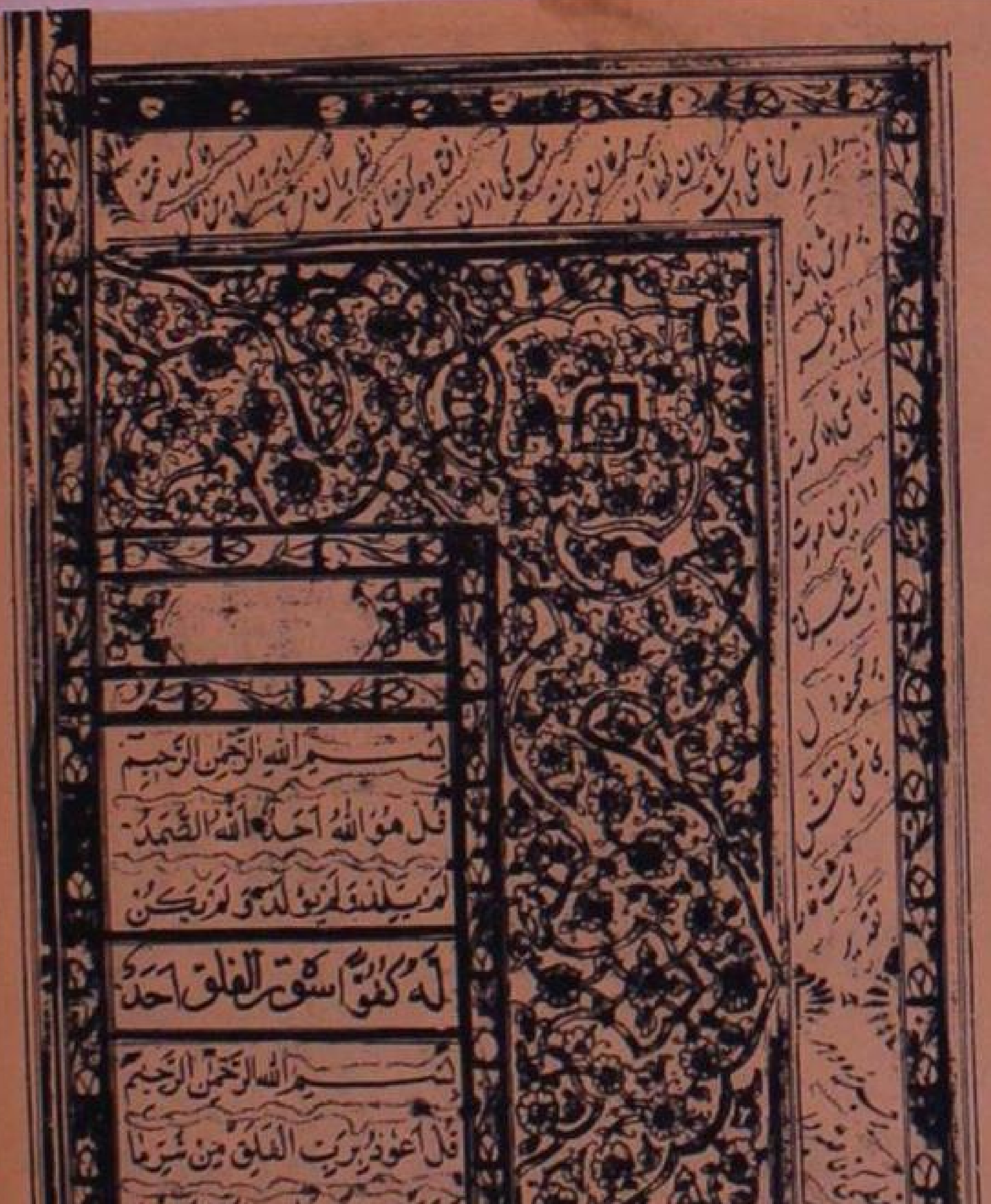
اقتربت الساعة وانشق القمر وان يروا اية يعرضوا ويقولوا سحر

مستمر وكذبوا واتبعوا اهواءهم وكل امر مستقر ولقد جاءهم

من الانباء ما فيه مزدجر حكمة بالغة فما تغن النذر فتول عنهم

يوم يدع الداع الى شيء نكر خشعا ابصارهم يخرجون من الاجداث كانهم

جراد منتشر مهطعين الى الداع يقول الكفرون


بسم الله الرحمن الرحيم
قل هو الله احد الله الصمد
لم يلد ولم يولد ولم يكن
له كفوا احد سورة الفلق
بسم الله الرحمن الرحيم
قل اعوذ برب الفلق من شر ما
خلق ومن شر غاسق اذا وقب و

ع

ع

مِن شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ وَمِن
شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ
إِلَهِ النَّاسِ مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي
يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

ربنا آتنا من لدنک رحمة وهیئ لنا من امرنا رشدا

الحمد لله الذی کشف لاولیائه بواطن ملکوته وقشع لاصفیائه سرائر جبروته
واهراق دم المحبین بسیف جلاله واذاق سر العارفین روح وصاله
هو المحیی لموات القلوب بانوار معرفته وکبریائه والمنعش لها
بباحة روح المعرفة بنشر اسمائه والصلوة علی رسوله محمد وآله
واصحابه وازواجه قال علی بن عثمان بن علی الجلابی الغزنوی ثم الهجویری
رحمة الله علیه که طریق استخاره سپردم واغراضی که بنفس تعلق داشت
از دل سترده م و بحکم استدعاء تو اسعدک الله تعالی قیام کرده م بر تمام
کردن مرادت ازین کتاب عزم تمام کردم و مر این کتاب را کشف المحجوب
نام کردم و مقصودت معلوم گشت و سخن اندر غرضت اندرین کتاب
مقسوم گشت و من الله تعالی الاستعانة و توفیق خواهم اندر اتمام
این کتاب و از حول و قوت خود تبری کنم اندر گفتار و کردار و بالله التوفیق

فصل اول آنچه اندر کتاب نام خود درج کردم مراد اندر آن دو چیز
بود یکی نصیب خاص و دیگری نصیب عام آنچه نصیب علم بود آن گفت که چون جهال
این علم کتابی بینند نو که نام مصنف آن بچند جای مثبت نباشد نسبت آن

بدو رسید و من که علی بن عثمان الجلابی ام رضی الله عنه آن دوست دارم
که مبتدیان را بسماع نگذارند تا طبع ایشان بشولیده نشود که اندران
خطرهای عظیم است و آفت آن بزرگ آنست که زنان از بامها
و یا از جایها بر درویشان ناظر باشند اندر سماع حال ایشان و از بی
مر مستمعان را حجابهای صعب افتد و تا یکی از احداث اندر میان
باشد از بعد آنکه از جهال متصوفه این جمله را مذهب ساخته اند و صدق
از میانه برانداخته و من استغفار کنم از آنچه رفته است بر من از
اجناس این آفت و استعانت خواهم از خداوند تعالی تا ظاهر و باطن
مرا از آفات نگاه دارد و وصیت میکنم ترا و خوانندگان این کتاب را
برعایت حقوق این کتاب و نویسنده را بدعا و حفظ قلم ایمان یاد آرند

و بالله التوفیق والحمد رب العالمین و الصلوة و السلام
علی رسوله محمد و آله اجمعین وسلم تسلیما
کثیرا کثیرا اللهم اغفر لصاحب
هذا الکتاب و لمن قرا فیه
و لمن کتبه آمین
برحمتک یا ارحم
الراحمین
تم

الحمد لله الذي زين السماء الدنيا بمصابيح وجعلناها رجوما للشياطين وزين الارض بالرسل والانبياء والاولياء والعلماء وجعلهم حججا وبراهين يرتفع بهم الظلمات والشكوك من العالمين والصلوة والسلام علی سید المرسلین محمد وآله وصحبه والتابعين اجمعين الی یوم الدین ورحمة الله تعالی علی استاذنا ومشایخنا واسلافنا واولادنا واصحابنا وجمیع المومنین وبعده میگوید بندهٔ مومن ضعیف راجی للعفو الرحمن یعقوب بن عثمان بن محمد بن محمود غزنوی ثم البلوخی ثم الهیرزی غفر الله تعالی له ولهم ولجمیع المومنین که بعد از رسل وانبیاء واولیاء الله اند که مرشدان خلایق اند بعضی را بحکمت الوهیت وبعضی را بوعظ ونصیحت وبعضی را باقامت حجج قاطعه براه حق میخوانند امتثالا لامر رب العالمین والانبیاء وسید المرسلین علیه الصلوة والسلام قال الله تعالی ادع الی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنة وجادلهم بالتي هي احسن ایشانند که رحم میکنند بر انس وجن وجمیع سکان روی زمین از مسلمین وکافرین ـــ برحمه کفار ما را رحمتست

گر همه جان جمله کافر رحمتست	تا گذشتن رحمة للعالمین
زان بیاورد اولیا را بر زمین	رحمت جزوی بود مر عام را

و خواجه خضر این دعا بسیار گفتی یا دائم بسیوم یا الٰه آخرت

اسألک ان تحیی قلوبنا بنور معرفتک ... ... انکه خواجه خضر و خواجه

الیاس علیهما الصلوٰة والسلام و همه اولیاء ... و شهادت

بر مذهب اهل سنت و جماعت اند و متابع کتاب و سنت اند اللهم

ثبتنا علی ذلک تمت الرسالة الالٰهیه شیخ عالم عارف

مجاهد قدوه اهل الطریقه کاشف اسرار الحقیقه ابو الحسن علی بن

عثمان الغزنوی که برادر طریقت شیخ ابو سعید ابو الخیر بوده

و کرامات و مقامات مشهور است رحمة الله علیهما و ... کتاب

کشف الستر المحجوب لارباب القلوب آورده است که ...

تعالی را جل جلاله اولیا اند که والیان ملک اند که ...

جزوی ... النش جزبوی ... بوده اند و اکنون

نیستند و نخواهند بود تا قیامت و معتزله و حشویان

گویند که بوده اند فاما حالیا نیستند و این سخن خطا است

زیرا که برهان نبوی امروز باقی است از مهر آنکه ...

ولی معجزه نبی است چنانکه برهان نقلی و عقلی موجود است

نیز برهان عینی موجود است تمت اول روز پنجشنبه ماه ...

... گشته ... این حروف ... مقطعات بنویسد

الم المص المر کهیعص طه طسم

یس حمعسق ق ن

تمت

بسم الله الرحمن الرحيم

قوله تعالى والله الغني وانتم

الفقراء هيچ ملك مقرب

تجاوز نتواند كرد بر همه

تحقيق

بزرگان چند بیتی را

مناسب بود در هر فصلی

بیاوردیم تا طالبان راه حق

مطالعه کنند تا ازین مقامات

قدم بیرون ننهند تا در شر

یعت

محبت اوندندر یارك دوستی

حق تعالی چون دوستی خلقا

اینت ودوستی خلق نواختن

ودوستی حق کداختن است

ودر خبری سماویست که من

لیمنی تاآلم گیلور تخور دلیك

دین توبه قلسك تالسع

بوالغن سن كلاون بوالجرا

حث كهنه بوالغن سونكره

بیم هم كیلور تمشر باسیم

دن

دن تدهن ديمني ايتسم عمر

ثني کيوين بو الخطر دين

قور قمن مجلس کہ نافارم

کيدورة

غرض نقشیست کز ما باز ماند
که هستی را نمی‌بینم بقایی
مگر صاحب دلی روزی برغبت
کند در حق این مسکین دعایی

كاتب الفقير الحقير بندهٔ کمینه محمد نعیم ابن صاحب بنظر في قرية الشهر بزرگ غفر الله ذنوبهم وستر عیوبهم في الدنيا والآخرة ولجميع المؤمنين والمؤمنات

سنه ١٢٧٩

ل ١٢٧١

رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم وتمم بالخیر

نامه کتاب مسلک آفرینش و دیباچه صحیفه دانش و بینش حمد خداوند خردبخش عز اسمه

صورت نگاری است که ایجاد و تکوین هست کیفیتی از لطایف ابداع و صنایع اختراع قدرت کامله اش از

ماه تا ماهی [illegible] قدرت تا بجز شدند بوحدانیت ذات بیچون و یکتائی [illegible]

[illegible] بر کشاده و درج [illegible] نسل انسان [illegible] شده [illegible]

[illegible] صورت [illegible] فروغ [illegible] انوار [illegible]

[illegible] قلم قدرت [illegible]

[illegible] اشکال [illegible] صنعت و الالات [illegible]

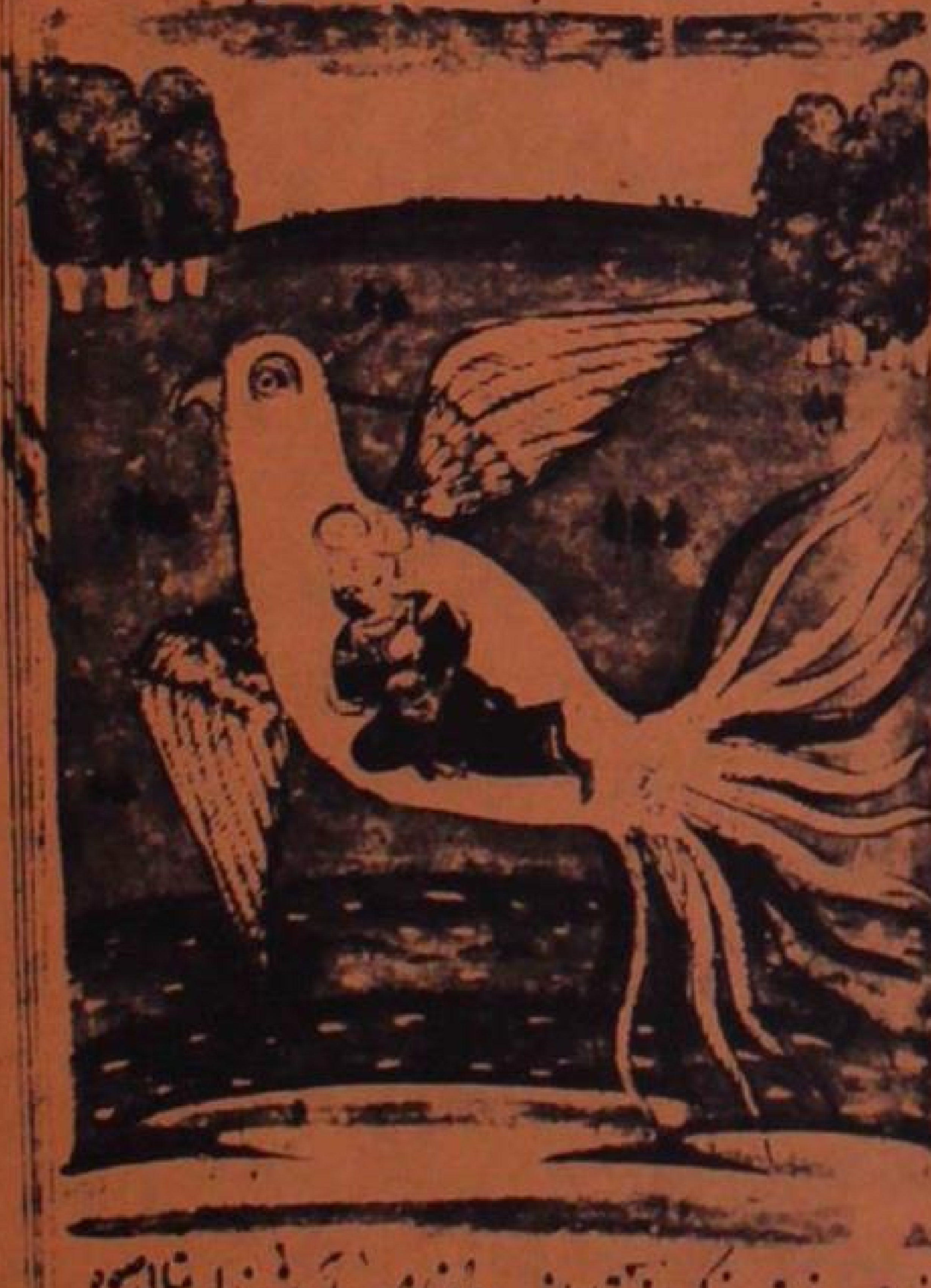
نمود [illegible] خاک [illegible]

[illegible] معانی [illegible]

[illegible] قضا و قدر [illegible] لطایف صنعت [illegible]

[illegible] ارباب فضل و [illegible]

امر ... شاه گفت و نیمه اگر چه آنچه جام شراب از میان دخان پیدا شده
... برفت بمجرد آنکه عمل صوتی سخت کران شکوهی که زهره از هولش آب شد
... آمده ... در چنگال گرفته بهوا پرواز نمود



برخاست و مرغی قوی هیکل بلند منقار از میان دود و دخان پدید آمد مرغ مزبور مثال صعوه
برگرفت و بر اوج هوا صعود نمود و کره اسیر قرین رسید و از آنجا مایل به تنزل گشته
از ... و فلک روی توجه بسوی زمین نهاده و باهستگی بر سر گنبدی فرود آمده در ...

ای کاش نگارین نامه محبت این کز رشک فرمایا و نگار خانه چین ... نگاریا

نوبتی جانا افسرین حسن تمامت و زیبا جست ... م ... بر ... فته

هر که خواند دعا طمع دارم

زانکه من بنده گنهکارم

نوشته بنام ... ...

در ملک فقیر عبد الحمید ... ...

۸۹
۲۱۵

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد وافر و ثناء

تمام

حضرت

متوافر حضرت

حمدیت ذو الجلال جل جلاله

عنهم اجمعین ه اما بعد

میگوید اضعف

العباد بندگان

کردگار رهادی

عمادی

کتاب شمس عمد

دولتا بادی زاد

زبعت م لند

الله ما اعطاه وبلغه

خدای دوات ادرا ده بالاده

بمیرد اگر بدانند که خواهند شنید بنرمی
تنبیه کنند و اگر کسی حکایت
کوید بحسن اصغا بنمود و در آن
دخل نکند هر چه نیک بیند بگیرد
و هر چه بد بیند ازو در بگذارد
و خود را و فرزند خود را و شعر
خود را نستاید و چون خواهد که
برخیزد مجلس را بتسبیح و تحمید
و تهلیل و استغفار ختم کند تا خاتمه

ه

مجلس ختمی از سبحانك اللهم ۲۹۰ / ۲۰۹۶

وبحمدك لا اله الا انت

استغفرك واتوب اليك

سبحان ربك رب العزة

عما يصفون وسلام على

المرسلين والحمد لله رب العالمين

تمت شد این نسخه در وقت ظهر روز شنبه هشتم

از ماه ذی الحجه سنه ۱۰۹۸

[illegible] میان

بدوام الله [illegible] همیشه و نشاط

عز [illegible] امین رب العالمین

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

الحمد لله القاهر العلي القادر القوي الملك الغني الاول الازلي الآخر الابدي نحمده ونستعينه ونؤمن به ونتوكل عليه ونشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له العالي شانه الدائم سلطانه الظاهر برهانه ونشهد ان محمدا عبده المقرب ورسوله المجتبى ونبيه الحبيب صلى الله عليه وعلى آله وسلم تسليما اسمعيل بن محمد بن عبد الله گفت رضي الله عنه که اصحاب من از من درخواستند تا کتابی جمع کنم مشتمل بر بیانات و معاملات و حقایق و مشاهدات و رموز و اشارات بپارسی تا فهم ایشان بدان رسد و از آن در یابند و بعبارات غلط نکنند که غلط در توحید کفر باشد اجابت کردم بحسبت و بنا کردم بر کتابی که شیخ ما ابو بکر بن ابی اسحق محمد بن ابرهیم بن یعقوب البخاری الکلاباذی رحمة الله علیه تالیف کرده است و نام آن کتاب التعرف لمذهب التصوف نهاده است و مر آن کتاب را شرح کردم تا بدین بعضی بیان متقدمان رفته باشم و بسخنان ایشان تبرک نموده باشم و نیز مقتدی باشم نه مبتدی تا کسی بر من عیب نتواند گرفت و هرچه گفتم موکد کردم بآیتی از کلام خدای تعالی یا خبری از اخبار پیغمبر علیه السلام والصلوة یا بمسئله فقهی و اندرین کتاب یاد کردم اعتقاد اندر توحید و بیانات احوال و مقامات و حقایق و مشاهدات و رموز و اشارات و سخن مشایخ و حکایات بر طریق سنت و جماعات و انا اسئل الله تعالى على الحق والصواب واستغفر الله من الخطاء والزلل وما يوجب العقاب

الباب الاول في التحميد

قال الشيخ ابو بكر رحمة الله عليه الحمد لله المحتجب بكبريائه عن درك العيون سپاس مر خدای را جل جلاله که محتجب است ببزرگواری خویش از ادراک دیدها فتن جث بها محتجب و محجوب هر دو آن باشد که حجابیه مر ورا نه پیدا بس خدای عز و جل محتجب شاید گفتن و محجوب نشاید گفتن از بهر آنکه محجوب آن باشد که حجاب دیدار وی از تنها باز دارد و محتجب آن باشد که خود را از کس بپوشد بس محجوب مقهور باشد و محتجب قاهر و خدای عز و جل قاهر است و مقهور نیست و کی از خلق محجوب نیست خلق از وی محجوب اند و کبریا و بزرگی و بزرگواری باشد یعنی از آن بزرگوار است که کسی او را بتواند دید تا وی نخواهد و معنی درک العیون بر دو وجه است شاید که مراد از آن دیدار باشد زیرا که آلة دیدن چشم را ادراک بصر گویند و شنیدن گوش را ادراک سمع گویند اما ادراک العیون آنست اندر دنیا خواهد

قيل لابي الخير الاقطع ما كان سبب قطع يدك قال كنت في جبال لكام او لبنان ومعي
رفيق لي فجاء رجل من بعض السلاطين وقصدنا ففرقنا فنا ولنا منها دينارا فاخذه
الى الطهر كفي فوضع عليه دينارا فقلبته بيدي في حجر رفيقي ثم قمت فلما كان بعد ساعة
اذا انا باصحاب السلطان يطلبون لصوصا فاخذوني فقطعوا يدي پس اگر
دست دراز کردن بادنيا دنيا عقوبت شود پس باز آيد دل خويش بدو و زنجی شغل
کردن چگونه باشد و بريده دست ديدند اهل حقيقت همين معنی گفته اند که اندر حج هم
ماندنی بود دست بی نيازی حق ادراك کرد با ثبت رحمة الله عليه مرد ريشی بن يحيی
را همی جست رد و يشهد لهذا المعنی ما حدثنا احمد بن حيان التميمی قال اخبرنا اسمعيل بن
ابرهيم بن اسمعيل قال حدثنا قتيبة بن سعيد قال حدثنا يعقوب بن عبد الرحمن الاسكندرانی
عن ابيه وعن عاصم بن عمر بن قتاده عن محمود بن لبيد ان رسول الله صلی الله عليه وسلم
قال ان الله تعالی ليحمي عبده عن الدنيا وهو يحبه كما تحمون مريضكم گفت هم چنانکه شما بيمار خويش را نگاه
داريد تا چيزی نخورد که مر او را زيان دارد حق تعالی چون بنده را دوست دارد
مر او را نگاه دارد تا چيزی نکند که مر او را زيان دارد اين خبر دليل گشت که غيرت
از حق تعالی روا باشد و نيز دليل گشت که معنی غيرت حق حمايت باشد چنانکه ياد کرديم
وبالله التوفيق

الباب الرابع والسبعون في لطايف يخصهم

اين معنی حمل کردن ايشان است که اندر ايشان لطيفه هست که بآن نعمت و [illegible] کنند
ومر ايشان را لذت مشاهده آن لطيفه غايب کرد الله [illegible] بحسن الوجه و نظر اين قصه [illegible]
يوسف صلوات الله عليه بر اين معنی بجا نباشد نبی بسيار [illegible] گفته اند اکنون هم
چنين کی بد سمعت فارس يقول سمعت ابا الحسن العلوی تلميذ الخواص يقول رايت ابرهيم الخواص جامعها
بالدينور فجا معها وهو جالس في وسط والثلج يقع عليه فلا دركني الاشفاق عليه فقلت
له لو تحولت الى الكن فقال لي لا [illegible] يغني [illegible] الطريق [illegible] فضلا [illegible] الكن
الا ذكر [illegible]
هات يدك [illegible]

نه عجب بوا

ربازا دنع

بشحون بعضی بار

ران ساعت مشا

به سر برابر افتاد و

تا بنگرنکو

سعر

فتاد که

بی اولا غلبه کرده بو

کردی همی کف ما

مل کان الا

تعلا الـ

موافق امد

داشتند

ملحتسا دماهه

ناسجاء والمعلو

کردن دنیا

دا

فی نفس

تله اسر

صاحبه

جنگ اشعار ۸۹۰



جنگ اشعار ۸۹۰

۳۶۶

قسم دوم از کتاب جوامع الحکایات و لوامع الروایات در تحصیل اخلاق حمیده و سیرت مرضیه مشتمل بر بیست و پنج باب

قسم چهارم از حکایات جوامع الحکایات و لوامع الروایات

در بیان عجایب مجاز و طبایع حیوانات مشتمل بر بیست باب

قسم چهارم از کتاب جوامع الحکایات و لوامع الروایات
در عجایب بحار و بلاد و طبایع حیوانات و غیر آن مشتمل بر بیست و پنج باب

جامع این کلمات محمد عوفی گوید که شهاب الدین خیوقی که وکیل خاص در سلطان
سکندر بود بخدمت شیخ مجد الدین بغدادی نامه نوشت و درخواست کرد که همت
عالی مدد دهد تا از این ظلمت دنیا بنور طاعت راه یابیم و حبل شواغل را بتیغ
انابت و مجاهدت قطع کنیم شیخ بنزدیک او جواب نوشت گفت در خدمت
پادشاه تربیت اعانت مظلومان و اعانت ملهوفان بباید کرد و در اثنای نامه
نوشته بود که شیخ ابوسعید ابو الخیر بطرف خرقان رفته بود او را با شیخ ابو الحسن
خرقانی اتفاق ملاقات افتاد و خلوت کردند و میان ایشان از دو طریقت
اسرار رفت و شیخ ابو الحسن در غایت مجاهدت بود و شیخ ابوسعید سلطان
وش بود و بر تخت زرین نشسته شیخ ابو الحسن گفت ای سعید مرا در رنج می‌دارند
و ترا در راحت تو شادی میکن تا من غم میخورم تو نعمت میکن تا من مجاهدت
میکشم الحمد لله که هر دو کار او میکنیم صد دعای شهاب الملة و الدین این اشارت
شفقت خدمت سلاطین بود بسی حاصل آید حکایة احمد بن ابی داود که در دولت
امیر المؤمنین معتصم بشغل قضا مرسوم بود و هم اسم ندیمی و وکیل داری داشت
حکایت کرد که میان او و ابی دلف عجلی دوستی بود روزی بسمع من رسید که
امیر المؤمنین مر ابی دلف را با افشین باز داد تا کین خود از و باز خواهد چون
این خبر بشنیدم جهان بر چشم من تاریک شد دانستم که افشین بحکم عداوت قدیم
او را زنده نگذارد و بعقوبتی هر چه سخت‌تر هلاک کند و بتعجیل بر در خانه
افشین شدم و بی دستوری بنزدیک او در آمدم چه دانستم که اگر دستوری
بخواهم بداند که بچه کار آمده‌ام از من روی بپوشد او را دیدم بر تخت نشسته و ابو دلف
بسته در سلاسل و اغلال پیش او ... کرده و زبان بجفاء او برگشاده و سیاف شمشیر

عادل قوام دین محمد محمد آنکه | اقبال را بدرگه والاش مسکن است
همواره تا که چرخ ز اجرام کلفت است | تا که ز مهر خورشید روشن است
پیوسته باد طالع خورشید قدر او | درگاه او که ملک ز عدلش ممکن است

تم القسم الثالث من کتاب جوامع الحکایات
ولوامع الروایات بعون الله وحسن
توفیقه والصلوة علی نبیه
محمد وآله وصحبه اجمعین



ح الغنی المغنی المانع الضار النافع النور
ی البدیع الباقی الوارث الرشید الصبور
ید از این جمله این اسمها بر ده قسمت است قسمتی که دلالت کند بر ذات
و سبحانه و تعالی و هشت قسمت دیگر که آن دلالت کند بر ذات خداوند
بر صفتی از صفات وی و قسمتی دیگر دلالت کند بر فعلی از افعال وی
نامی باشد که مشترک بود میان دو قسمت یا بیشتر از این اقسام اکنون
بیانت این را ذکر کنیم بتوفیق خدای عز و جل قسم اول از این نامها آن نامهای
است که دلالت کند بر اوصاف ذات وی جل جلاله که آن الله است که هستی وی از ذات وی
است نه از دیگری و آنست که مستحق عبادت است بر الاطلاق [illegible] مراد وی خلاف
است از بهر آنکه وی در شاید الملک است که حجر و اطلاق و آنکه وی پادشاه
است که امر و نهی وی شاید و گفته اند پادشاه قادر است که وی گردد مالک الملک
یعنی پادشاه پادشاهان ملک وی باشد و آنکه وی ملکت وی دهد و وی بستاند
گردد ذو الجلال و الاکرام آنکه وی را اوصاف بزرگ
و دیگر گویی آنکه جلال آن از بهر آنکه هر که خواهد او با فعل کرد و در
صفات فعلی بود بدان معنی که گرامی کرد آنان را که خواهد
و بیش آنکه هیچ نقص بر وی نشاید السلام یعنی آنست از آنکه وی را
[illegible] مثل و ضد [illegible] نشاید المهیمن بزرگتر از آنست که
[illegible] کرد [illegible] مطالع [illegible] گواه است بر همه
ابتدا الکبیر الاول وجود وی [illegible] عدم [illegible] اندر
[illegible]

کی ابو هریره روایت کرد است از پیغامبر صلی الله علیه که وی گفت ان لله
تسعة وتسعین اسما من احصیها دخل الجنة جل او علا و عز و جل نود و نه نام ایست هر کی
بشمرد و معانی آن دانسته باشد اندر بهشت شود و این معنی اشارت بداخ
کی هیچ حرج اندر اعتقاد کار ایشان اندر ابرار انما مجموع ایشان بدان که سبب ایشان کی
کردند اندر شریعت ایمان هست و اعتقاد درست و از نامها ایست کی گوی

هو الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الملک القدوس
السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر
الخالق الباری المصور الغفار القهار الوهاب
الرزاق الفتاح العلیم القابض الباسط الخافض
الرافع المعز المذل السمیع البصیر الحکم
العدل اللطیف الخبیر الحلیم العظیم الغفور
الشکور العلی الکبیر الحفیظ المقیت الحسیب
الجلیل الکریم الرقیب المجیب الواسع الحکیم
الودود المجید الباعث الشهید الحق الوکیل
القوی المتین الولی الحمید المحصی المبدی
المعید المحیی الممیت الحی القیوم الواجد
الماجد الواحد الاحد الصمد القادر المقتدر
المقدم المؤخر الاول الآخر الظاهر الباطن
الوالی المتعالی البر التواب المنتقم العفو
[illegible] والاکرام

خیزند و هرچه خوش آید ازین بازار برای خود ببرید و بخورید و تنعم کنید همه برخیزند
جز جایی که هیچ چشمی ندیده باشد و هیچ گوشی نشنیده باشد آنچه موجود و مهیا
معاینه کنند هرچه خوش آید بخورند و ببرند و بعد از دریافت کرامتها و در جنتها و نعمتها
در مقام خود آیند حوران و غلمان و خادمان و اهل خانه گویند مرحبا امروز جمالی
و نوری که شما راست بیش از آنست که هر روز بود گویند ما امروز پروردگار خود را
دیدیم و هرچه ما را وعده کرده بود همه یافتیم والحمد لله رب العالمین بعده هر روز وقت
بامداد و شبانگاه نوال بیچون و بی چگونه معاینه کنند و حمد گویند فایده گویند در
میان مرگ را بیارند بصورت گوسفندی سیاه و بروایتی ابلق و میان بهشتیان
و دوزخیان بسمل کنند و فرشتگان ندا کنند که ای بهشتیان اهل بهشت بود ازین مرگ نیست
وای اهل دوزخ بود ازین مرگ صورت نبیند اهل بهشت را شادی بر شادی بیفزاید و
اهل دوزخ را اندوه بر اندوه زیادت گردد بعده ناگاه آوازی مهیب خیزد
گویند این چه آواز است فرشتگان گویند درهای دوزخ بستند و سنگی که سرپوش
دوزخ است بر دوزخ داشتند کافران ابد الآباد در دوزخ ماندند و مومنان مخلد
در بهشت قرار گرفتند ذلک فضل الله یوتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم کیفیت حال
بهشتیان از صد هزار یکی ... مختصر آورده شده است اگر کسی را زیادت معرفت درین
کیفیات مطلوب باشد در تفاسیر قرآن مسطور است چون ثعلبی و واقدی و بستی
و معنی و در محلهایی که مذکور شد مطالعه فرماید تا بداند که برای او چه کرامتها و نعمتها
مهیا شده است و او در شکر آن نعمت امروز غافل است حق تعالی همه را از خواب غفلت بیدار
کند و بمزید معرفت و آشنایی بخشد و هر یکی را مستحق دار السلام گرداند و این کرامتها
و در جنتها روزی کند و از جمله بندگان گرداند و بمضمون خیر الدین لا خوف
علیهم ولا هم یحزنون مشرف سازد اللهم اغفر لجمیع المومنین والمومنات والمسلمین
والمسلمات الاحیاء منهم والاموات انک رفیع الدرجات برحمتک یا ارحم الراحمین ٥
تم تم تمت الکتاب المسمی بجواهر العلوم المشتمل علی ما یه (؟) ... من العلوم المتنوعة

من النقلیات والعقلیات تمت تمام شده ...
هر که خواند دعا طمع دارم زانکه من بنده گنهکارم
تاریخ انشای ... چون لفظ جواهر العلوم ...
... داری ... تاریخ ...
... جواهر العلوم همایونی

بالقصد جمال بهشت در ...

از قبل آنکه هر لفظی را خواستندی که بیک لفظ پارسی ترجمه کنند
ی از ناقص کردندی و بایذ ان بیر آستری و برابستندی ای الفاظ از
میه و جامع تر از انست که معنی یکی از ان بیک لفظ پارسی بتوان بود
چون اندر ان ترجمها این خللها دیدیم کی یاد کردیم از خدای سبحانه و تعالی
خواستیم و بدان مقدار کی توفیق یافتیم اجتهاد کردیم اندر راست کردن
ظ پارسی کی ترجمه از انچه باید لغت عرب را موافق و اقوال معبران از ابن عباس
موز از هر تاویلی که متضمن بود چیزی را از تعطیل و تشبیه و تلفیق
ی را از مذاهب اهل الحاد و بدعت راست و مستقیم بر طریق اهل سنت
اعت و اثبات صفات بزرگی نام این را تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم
نب نهادیم خدای عز و جل بیامرزاد انکسی را کی اندر این کتاب نگرد و این
و کناه کار را از خدای عز و جل امرزش خواهد تا ملک ایزد سبحانه
تعالی کناهان وی بسی بیامرزد و اگر ما اندر این باب زلتی افتد باشد بفضل
خویش و بر او عفو کند و بالله التوفیق و بدان که اندر مقدمه این کتاب
چهار فصل یاد کنیم فصلی اندر بیان فضیلت ترجمه کردن قران
بلغتهای دیگر و وجوب آن اندر برخی احوال فصلی اندر بیان اعتقاد
اهل سنت و جماعت اندر اصول دیانات و فصلی اندر معانی اسماء
خدای تعالی ... و صفات وی و فصلی اندر
... ترجمه برخی از ... از فضائل قران
... اما فصل ... اندر ترجمه ...

البت

[illegible]

لیشت [illegible] اندوز جهانی [illegible] حاصل کرده [illegible] خود را بتشریف فی ضمن [illegible]

امانی [illegible] بوسیله [illegible] اتم و [illegible] عالم [illegible] بر سبیل [illegible] در محفل شریعت

وداع احباب [illegible] آن [illegible] بودند [illegible] استماع [illegible]

[illegible] بمطالعه رسید [illegible] تشبیه [illegible] شریعت تمام شد [illegible] زبان [illegible]

توصل میتوان داد آن [illegible] کبریای [illegible]

[illegible] بودند و آن صورت [illegible] قواعد دین [illegible] بارسید [illegible]

[illegible] بود [illegible] باز نموده بودند [illegible] تمام [illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible] بر جگر سوخته [illegible]

[illegible] اساس شریعت [illegible] بغایت غریب [illegible]

[illegible] حسنات [illegible] نموده [illegible]

[illegible] حضرت افضل القضاة [illegible] وفا و صدق و صفا

[illegible] اسلام [illegible] مقرر و معین [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible] محافل [illegible] احکام [illegible]

[illegible] شرع شریف [illegible] استماع [illegible]

[illegible] ابواب [illegible] آنحضرت [illegible] رسیده [illegible]

[illegible] حاصل [illegible] رفع [illegible] قدیم [illegible]

[illegible] آن [illegible] طریقه [illegible]

[illegible] جواهر حسنات [illegible] قطع علاقه [illegible]

[illegible] احکام [illegible] اسند [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible] حضرت اعلی [illegible]

[illegible] شرایع [illegible] آن ماه عالم افروز

[illegible] چون آفتاب [illegible]

[illegible] سعادت [illegible]

[illegible]

کتاب جواهر العلوم

بسم الله الرحمن الرحیم وتمم بالخیر

فاضلترین منظومات جواهر علوم و تصنیفات مصنفات فاضل و کاملترین منثورات نوادر رسوم و تالیفات مولفان کامل که چهرهٔ فصاحت نگار نوعروسان نفایس فنون معقول و جبههٔ بلاغت دثار زیبایان عرایس عیون منقول را بزیور فضیلت و زینت کرامت مزین و محلی سازند بدایع حمد و سپاس و صنایع مدح بی قیاس حضرت پادشاهی است که نظام امور عالم و انتظام مهام بنی ادم بوجود خلایق الوجود پادشاهان همایون اثر و شهریاران شریعت پرور منوط و مربوط ساخته و علم ترویج امور شرع متین و لوای تنسیق مهام دین را باوج سپهر برین برافراخته تنظیم ساحت اسمان تا مرکز خاک، فدای بیت فرازا بزد پاک ٭٭ و تحف صحایف لطایف صلوات و شرایف وظایف تسلیمات تحفهٔ روضهٔ آن خلاصهٔ مجموعهٔ کاینات و زبدهٔ نسخهٔ موجودات که ینابیع علوم جمیع علما از بحر محیط دانش او قطره ایست و مصابیح معارف جمیع فضلا از مشارق افتاب ضمیر منیرش ذره تعظیم مقتدای انبیا سلطان دار الملک دین شفیع سید اولاد ادم رحمة للعالمین و بر ال و اصحاب و احباب که ارکان دولت دین و اعیان حضرت سید المرسلین اند صلی الله علیه و علی اله الطاهرین و خلفایه الراشدین و اصحابه اجمعین اما بعد چنین گوید بندهٔ فقیر و ذرهٔ حقیر الراجی من الله الحاکم الابد بقبه فاضل بن علی بن محمد المسکینی القاضی السمرقندی غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه که از ایام صبا تا هنگام انتها در تحصیل فضایل و کمالات می بود و از رواج نفایس الفنون فی عرایس العیون

سمائی را بتشریف ثنای حضرت سلیمان مؤثر گردانیده که ظاهر خجسته مآثرش مورد آثار
فیوضات نامتناهیات و باطن فرخنده میامنش مهبط انوار الهامات نامتناهی طبع
لطیفش عارف معارف جمیع فضائل و کمالات و ذهن شریفش واقف مواقف
جمیع معقولات و منقولات همگی همت عالی نهمتش بر تقویم قوائم ملت غرا و تشیید دعائم
رایت بیضا معقود است و تمامی اوقات خجسته ساعتش بر مراقبه حال شایستگی
مند کو در و تمشیت مهام سادات عالیمقدار و رعایت علماء اعلام و تقویت امور
قضاة اسلام مصروف اعنی جم جاه سلیمان دستگاه سکندر جناب آسمان قباب
برجیس مقام خورشید حسام فریدون فر گردون معظم خسرو کواکب خدم مهر
مکان سپهر تمکین ملایک نشان ارایک نشین صبح سیمای آفتاب رای ستاره
... دریا کرم ناظم مناظم سرافرازی معلّی ارکان ملت حجازی معز السلطنة والدین
... یون پادشاه غازی خلد الله تعالی سریر سلطنته علی الفلک الرابع و بسط
بساط مملکته الی الاقلیم السابع سپه داری بکمال کرم کرد کاری انکه مستعدان مجلس اشرف
اعلی ارقام این اوراق افادت انجام را بشرف قبول مشرف سازند و سطور این
اجزای بلاغت نظام را بمنظور نظر اعتبار گردانیده بر زلات مکسور اللسان بعفو ازین
مغلم ...او ... جواز محض عنایت بالطاف که از نیت عنایت کرم کردی بتوفیق
تالیف ... ارادی تو استعداد تصنیف که تصنیف مرا مقبول گردان بنزد نسخه
سخن دان برو ... من دری از فضل ...خطاهائی قلم را عفو فرما مقدمه
منقسم است بر سه قسم اول در بیان شرف علوم و فضیلت علما هر چند اثبات
این دعوی و تحقیق این معنی احتیاج بحجت و برهان و حاجت بدلائل و بیان ندارد
زیرا که جمیع طوائف امم و عموم افراد بنی آدم بشرف سعادات علم معترف اند و لوازم
تحصیل کمالات متاسف اما تیمنا و تبرکا بعضی از انچه در کتب سماوی مذکور است
و از احادیث نبوی مشهور و از ارباب نفوس قدسی مذکور گشته علی سبیل الاجمال
مسطور میگردد انچه در قرآن مجید و فرقان حمید مسطور است قال الله تعالی هل یستوی

أَوْ لَـٰمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا

و یا بپسید زنان را و نیابید آبی قصد کنید

طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ

پاک و مسح کنید بر رویهای خویش و دستهای خویش

بدان که آن چیزها آنکی دستنماز و شکستن تو اجب کند چهار چیز

اول آنکه چیزی از دو سبیل بیرون آید یا از پیشین یا از پسین هرچه باشد اگر

معتاد یا نادر طاهر یا نجس و دیگر آنکه کف دست بفرج کسی

باز آید از پیشین یا از پسین بقصد یا بی قصد خرد یا بزرگ بقصد یا بی قصد

و یا بیگانه و چهارم آنکه عقل زایل شود هر چیزی که باشد از خواب

یا چون مگر آنکسی که بخسبد راست نشسته جا آنکه هیچ بجنبد

کی آنچ غسل واجب کند بر مردان دو چیز است یکی آنکه آب منی از وی بیرون آید

و دیگر آنکه ختان مردی اندر فرجی پنهان کرده دو آنچ غسل واجب کند

بر زنان چهار چیز است دو آنک یاد کردیم دیگر چون حیض بریده شود چهارم

آنکه نفاس بریده شود و هر که بمیرد و برا نیز باید شستن و آنکسی که

بشوید غسل نیز بر وی واجب شود بر یک قول شافعی رحمة الله علیه

The manuscripts described in this volume are in eight languages : Persian, Arabic, Turkish, Punjabi, Pushto, Urdu, Hindi and Kashmiri. Persian stands on the top with 291 manuscripts and Punjabi and Pushto at the bottom with three manuscripts each. The multilingual copies have Persian-Arabic as first with 36 manuscripts, followed by Persian-Punjabi with two and the rest with one manuscript each to their combined credit. One is in Persian, Arabic, Urdu, Punjabi and Hindi.

The manuscripts cover 13 broad subjects, which when broken up number as high as 5,000 minor subjects. They have all been classified according to the Dewey System. There are 185 manuscripts on Literature, 115 on Religion, 29 on History, 18 on Medicine, 15 on References, 13 on Linguistics, 7 on Zoology, 4 on Astronomy, 3 each on Morals, Art and Philosophy, one on Psychology and another on Sociology.

There are more than one copy of 37 books. Among these, Maulana Rumi stands first with seven copies of his Mathnawi, Sa'di Shirazi second with six copies of his Gulistan and Hafiz of Shiraz third with his Diwan.

And before closing, I must express my gratitude to Dr. Ali A. Jafarey, Director of the Iran Pakistan Institute of Persian Studies for his advice and assistance ; Syed Hussamuddin Rashidi for his scholarly hints, Dr. Mohammad Javad Mashkur for his guiding encouragement, Prof. Ahmad Hussain Ahmad Quraishi Qil'ahdari, Mr. Ahmad Monzavi, Allamah Hussain Arshi and Dr. Saifollah Vahid-nia for their reviews on the first volume of the Catalogue, and Mr. Abdul Rashid for typing the entire manuscript for the press.

I hope that this effort of mine will prove useful to the scholars of the Common Heritage of Iran and Pakistan and serve to strengthen the cultural bonds that bind the two brotherly countries.

Rawalpindi, Pakistan
September 1974

M. H. TASBIHI

In the name of God, the Beneficent, the Merciful

Praised be God, the Great, the One, Who granted me the strength to author the second volume of the "Catalogue of the Manuscripts in the Ganjbakhsh Library" of the Iran Pakistan Institute of Persian Studies and present it to lovers of books and manuscripts, seekers of lore and literature and devotees of religion and intuition.

This volume enumerates alphabetically 300 manuscripts—301 to 600, but the actual number of the books described comes to 397. There are 21 miscellanies which contain a total number of 97 treatises and books. The Library has, to this date, 6,700 manuscripts. Of them, 428 were catalogued in the first volume, 397 are described in the present volume and 520 have been defined in the third volume—under print—in all 1,368 manuscripts. The present volume has comparatively more rare books.

The method followed is the same nine-caption one of describing a manuscript by the data it provides to make it as self-introducing as possible. No particular claim has been made to introduce a manuscript as rare, unique or unpublished or otherwise give data about other copies existing in other libraries or private collections or whether published or not. This would not have been accurate and up-to-date. However, I know that almost half of the manuscripts described here have not been published at all. Some of them, such as *al-ta'arruf fī madhhab al-taṣawwuf*, *tāj al-tarājim fī tafsīr al-qurān lil-a'ājim*, *jawāmi' al-ḥikāyāt wa lawāmi' al-riwāyāt* and *jawāhir al-'ulūm-i humāyūnī* are among the best manuscripts of the volume.

Name :	Catalogue of the Manuscripts in the Ganjbakhsh Library.
Author :	Mohammad Hossein Tasbihi.
Foreword :	Dr. Ali A. Jafarey, Director, Iran Pakistan Institute of Persian Studies.
Publisher :	Iran Pakistan Institute of Persian Studies, 184, Rashid Minhas Road, Rawalpindi Cantt.
Printer :	Text : Mirza Mohammad Sadiq, Ripon Press Ltd., Bull Road, Lahore, Pakistan. Telephone : 52451 Beginning, End, Photographs and Binding : Ghulamali Publishers, Hospital Road, Lahore, Pakistan
Size :	24 × 17 cms.
Copies :	1000 Copies.
Paper :	70 grams, Packages Limited, Lahore.
Typist :	Abdul Rashid ibn Abdul Latif of the Iran Pakistan Institute of Persian Studies.
Calligrapher :	Sayyed Anwar Hossein "Nafees Raqam".
Year :	1974.
Price :	65 Pakistani Rupees.

A Publication of the Iran Pakistan Institute of Persian Studies

Serial No. 11

THE GANJBAKHSH LIBRARY No. 2

Catalogues & Bibliotics
No. 3

CATALOGUE OF THE MANUSCRIPTS

in

THE GANJBAKHSH LIBRARY

of

Iran Pakistan Institute of Persian Studies

Volume II

by

Mohammad Hossein Tasbihi

Iran Pakistan Institute of Persian Studies

Rawalpindi, Pakistan

1974

in these fields, have decided to conclude this Agreement on co-operation in the fields of Culture and Education."

And the Constitution defines the objectives of the Institute: "Pakistan is the proud possessor of a cultural heritage which has been enriched through centuries by the Persian Language, Literature and Art. In order to preserve and develop this heritage further 'an Iran Pakistan Institute of Persian Studies' shall be established in Pakistan jointly by the Ministry of Education and Scientific Research, Government of Pakistan and Ministry of Culture and Art, Imperial Government of Iran.... for an indefinite period."

...The Library had, on 21st March 1974, a total of 4823 manuscripts and 8300 printed books. The cataloguing of these books has been entrusted to Mr. Mohammad Hossein Tasbihi, the Librarian and his colleagues.

Here is the second volume of the "Catalogue of the Manuscripts in the Ganjbakhsh Library", also by Mr. Tasbihi. It introduces another 300...rather more than 500, if one counts the books enclosed in collections...manuscripts. An effort has been made to include a selection of rarities in stock.

It is hoped that this humble contribution will illuminate a rather dim corner of the wealthy wide world of the Pakistani Culture and will present the identity of the Common Cultural Heritage of Iran and Pakistan.

Rawalpindi, Pakistan
4th April, 1974

Ali A. Jafarey
Director,
Iran Pakistan
Institute of Persian Studies.

In the name of God, the Beneficent, the Merciful

The conception of the establishment of the Iran Pakistan Institute of Persian Studies formalized with the will—will to patronize Learning and promote Culture—of His Imperial Majesty Shahanshah Aryamehr of Iran and His Excellency the President of Pakistan translated in the joint communique of 4th November, 1969.

The Ministry of Culture and Art of Iran and the Ministry of Education and Scientific Research of Pakistan were entrusted with the task of drawing and implementing the project. The good will and the zeal of co-operation displayed by the authorities responsible was to such an extent that as soon as the bare outlines of the project emerged clear, preliminary steps were taken to implement it. The nucleus of the Institute was formed in form of a central office at Rawalpindi and it began functioning with no loss of time.

On 23rd October 1971, the Governments of Iran and Pakistan signed the Agreement 'regarding establishment of the Iran Pakistan Institute of Persian Studies in Pakistan.' The Institute stood established.

The Agreement begins: "The Imperial Government of Iran and the Government of the Islamic Republic of Pakistan being desirous of strengthening and perpetuating the bonds of cultural, educational and linguistic co-operation between the two countries and with the object of arriving at the greatest possible understanding between them through mutual friendly co-operation

On the Occasion of
The Lunar Birth Centenary
of
ALLAMA Dr. MUHAMMAD IQBAL
of
Pakistan
Great Poet-Philosopher of the
Present Persian Literary Era
1294 — 1394 A.H.

CATALOGUE OF THE MANUSCRIPTS

in

THE GANJBAKHSH LIBRARY

of

Iran Pakistan Institute of Persian Studies

Volume II

by

Mohammad Hossein Tasbihi

Iran Pakistan Institute of Persian Studies
Rawalpindi, Pakistan
1974

CATALOGUE OF THE MANUSCRIPTS

in

THE GANJBAKHSH LIBRARY

of

Iran Pakistan Institute of Persian Studies

Volume II

by

Mohammad Hossein Tasbihi

Iran Pakistan Institute of Persian Studies

Rawalpindi, Pakistan

1974